

ابوالقاسم فردوسی
شاهنامه

بگوشش:
جلال خالقی مطلق

دومرچهارم

طبع انتقادی شاهنامه فردوسی

بکوشش : جلال خالقی مطلق

زیر نظر : احسان یار شاطر

ناشر : بنیاد میراث ایران

پخش کننده : انتشارات مزدا

محل نشر : کالیفرنیا، ایالات متحده آمریکا

کلیه حقوق متن برای دکتر جلال خالقی مطلق و حق چاپ برای ناشر در سراسر جهان محفوظ است.

شماره استاندارد بین المللی کتاب : ISBN:1-56859-018-0

فهرست مطالب دفتر چهارم

دستنویس اساس تصحیح این دفتر
مآخذ دیگر
برخی از نشانه‌ها
دستنویس‌های دیگری که بررسی شده‌اند

کیخسرو

داستان رزم یازده رخ

آغاز داستان

گفتار اندر آگاهی یافتن کیخسرو از آمدن لشکر افراسیاب

پنج

- ۱۲ گفتار اندر رسیدن گودرز کشوادگان به کنارزید
- ۱۹ گفتار اندر بازگشتن گیو از پیش پیران و یسه
- ۲۵ گفتار اندر آمدن بیژن بنزدیک پدر و جنگِ ترکان خواستن
- ۲۸ گفتار اندر رفتن هومان بنزدیک پیران و جنگِ ایرانیان خواستن
- ۳۰ گفتار اندر آمدن هومان و یسه از لشکرگاه خود به لشکرگاه ایرانیان
- ۳۹ گفتار اندر آمدن بیژن بنزدیک گودرز و خواستنِ جنگِ هومان
- ۴۸ گفتار اندر رزم بیژنِ گیو با هومان و یسه
- ۵۶ گفتار اندر شبیخون بردنِ نستیهن برادر پیران و یسه
- ۶۰ گفتار اندر نامه فرستادنِ گودرز بنزدیک شاه کیخسرو
- ۶۳ گفتار اندر پاسخ نامه‌ی گودرز از شاه کیخسرو
- ۷۰ گفتار اندر نامه فرستادنِ پیران و یسه بنزدیک گودرز کشوادگان
- ۷۷ گفتار اندر پاسخ نبشتنِ گودرز نامه‌ی پیران و یسه را
- ۸۵ گفتار اندر پیغام فرستادنِ پیران و یسه به افراسیاب
- ۸۹ گفتار اندر پاسخ فرستادنِ افراسیاب پیغام‌های پیران و یسه را
- ۹۴ گفتار اندر جنگِ ایرانیان و تورانیان به انبوه
- ۱۱۳ گفتار اندر رسیدنِ گودرز و پیران بهم
- ۱۱۵ گفتار اندر نام زد کردنِ گردان توران و ایران بهم
- ۱۱۸ گفتار اندر نبرد فریبرز کاوس با گلباد و یسه
- ۱۱۸ گفتار اندر نبرد گیو گودرز با گروی زره
- ۱۱۹ گفتار اندر نبرد گرازه با سیامک
- ۱۲۰ گفتار اندر نبرد فروهل با زنگله
- ۱۲۱ گفتار اندر نبرد رُهام گودرز با بارمان
- ۱۲۲ گفتار اندر نبرد بیژنِ گیو با رویین پیران
- ۱۲۳ گفتار اندر نبرد هُجیر گودرز با سپهرم
- ۱۲۴ گفتار اندر نبرد زنگه‌ی شاوران با اخواشت
- ۱۲۵ گفتار اندر نبرد گرگین میلاد با اندریمان
- ۱۲۶ گفتار اندر نبرد برنه با کُهرم

- ۱۲۸ گفتار اندر نبردِ گودرزِ کشواد با پیرانِ ویسه
- ۱۳۴ گفتار اندر آگهی دادنِ دیدبانِ ایرانیان از آمدنِ کیخسرو
- ۱۴۰ گفتار اندر گریختنِ لَهَاک و فرشیدورد برادرانِ پیرانِ ویسه
- ۱۴۶ گفتار اندر رفتنِ بیژنِ گیو پسِ گُستهم
- ۱۵۰ گفتار اندر رسیدنِ بیژنِ گیو به بالینِ گُستهم
- ۱۵۴ گفتار اندر رسیدنِ شاه کیخسرو بنزدیکِ گودرز و لشکر ایران
- ۱۵۹ گفتار اندر زندهار خواستنِ لشکر ترکان از شاه کیخسرو
- ۱۶۲ گفتار اندر رسیدنِ بیژن و گُستهم بنزدیکِ کیخسرو

داستانِ جنگِ بزرگِ کیخسرو

- ۱۷۶ آغاز داستان
- ۱۸۳ گفتار اندر آگهی یافتنِ افراسیاب از کشتنِ پیرانِ ویسه
- ۱۹۲ گفتار اندر آگهی یافتنِ کیخسرو از گذشتنِ افراسیاب از رود جیحون
- ۱۹۷ گفتار اندر پیغام فرستادنِ افراسیاب به شاه کیخسرو
- ۲۰۶ گفتار اندر پاسخ دادنِ شاه کیخسرو پیغام‌های افراسیاب
- ۲۰۸ گفتار اندر آمدنِ شیده به جنگِ شاه کیخسرو
- ۲۱۶ گفتار اندر رزمِ دومِ کیخسرو با افراسیاب
- ۲۲۳ گفتار اندر پیروز شدنِ شاه کیخسرو بر افراسیاب
- ۲۲۵ گفتار اندر نامه فرستادنِ شاه کیخسرو بنزدیکِ کیکاوس
- ۲۳۱ گفتار اندر آگاهی یافتنِ افراسیاب از آمدنِ کیخسرو
- ۲۴۰ گفتار اندر رسیدنِ کیخسرو به گنگ بهشت
- ۲۴۳ گفتار اندر پیغام فرستادنِ افراسیاب به کیخسرو
- ۲۴۷ گفتار اندر پاسخ دادنِ شاه کیخسرو افراسیاب را
- ۲۵۱ گفتار اندر رسیدنِ جَهَن پیشِ پدر
- ۲۶۴ گفتار اندر نامه‌ی شاه کیخسرو به کاوس شاه
- ۲۶۹ گفتار اندر پیغام فرستادنِ افراسیاب به کیخسرو
- ۲۷۳ گفتار اندر شبیخون کردنِ افراسیاب بر کیخسرو

- ۲۸۳ گفتار اندر فرستادنِ کیخسرو مرگیورا پیش شاه کاوس
- ۲۸۷ گفتار اندر پاسخ نامه‌ی کیخسرو از نزد کاوس شاه
- ۲۹۳ گفتار اندر رزم شاه کیخسرو با شاه مُکران
- ۳۰۰ گفتار اندر رسیدنِ کیخسرو به گنگ دز
- ۳۰۷ گفتار اندر بازگشتنِ کیخسرو از ترکستان به ایران
- ۳۱۲ گفتار اندر گرفتار شدنِ افراسیاب بر دستِ هوم
- ۳۱۶ گفتار اندر رسیدنِ گودرز بنزدیکِ هوم
- ۳۲۱ گفتار اندر کشتن شاه کیخسرو افراسیاب و کرسیوز را
- ۳۲۵ گفتار اندر سپری شدنِ روزگار کاوس
- ۳۲۷ گفتار اندر سیر شدنِ کیخسرو از پادشاهی
- ۳۲۹ گفتار اندر خواهش کردنِ ایرانیان از کیخسرو
- ۳۳۲ گفتار اندر رفتنِ گیوبه زاولستان به آگاه کردنِ زال و رستم از کارِ شاه
- ۳۳۶ گفتار اندر خواب دیدنِ شاه کیخسرو سروش را
- ۳۳۷ گفتار اندر آمدنِ زال و رستم به ایران و پند دادنِ زال کیخسرو را
- ۳۴۰ گفتار اندر پاسخ دادنِ کیخسرو زال را
- ۳۴۱ گفتار اندر پند دادنِ زال کیخسرو را
- ۳۴۴ گفتار اندر پاسخ دادنِ کیخسرو زال را
- ۳۴۷ گفتار اندر پوزش خواستنِ زال از کیخسرو
- ۳۴۹ گفتار اندر پند دادنِ کیخسرو ایرانیان را
- ۳۵۱ گفتار اندر وصی کردنِ کیخسرو گودرز گشواد را
- ۳۵۳ گفتار اندر خواهش کردنِ ایرانیان از کیخسرو
- ۳۵۵ گفتار اندر منشور دادنِ کیخسرو رستم زال را
- ۳۵۵ گفتار اندر منشور دادنِ کیخسرو گودرز و گیورا
- ۳۵۷ گفتار اندر منشور دادنِ کیخسرو طوسِ نوذرا را
- ۳۵۸ گفتار اندر پادشاهی دادنِ کیخسرو لهراسپ را
- ۳۶۱ گفتار اندر اندرز کردنِ کیخسرو ایرانیان را
- ۳۶۷ گفتار اندر ناپدید شدنِ شاه کیخسرو از ایرانیان

۳۶۹ گفتار اندر مردن طوس و فریبرز و گیو و بیژن و گُشتهَم در برف
۳۷۱ گفتار اندر عهد بستنِ لهراسپ با ایرانیان

فهرست‌ها

۳۷۹ فهرست نامِ کسان
۳۹۱ فهرست نامِ جای‌ها

دستنویس های اساس تصحیح این دفتر

الف - دستنویس های اصلی

- ۱- ف دستنویس کتابخانه ملی فلورانس، به نشان Ms. Cl. III. 24 (G.F.3)، مورخ ۱۲۱۷ / ۶۱۴
- ۲- ل دستنویس کتابخانه بریتانیا در لندن، به نشان Add, 21. 103، مورخ ۱۲۷۶ / ۶۷۵
- ۳- س دستنویس کتابخانه طوبقاپوسرای در استانبول، به نشان H. 1479، مورخ ۱۳۳۰ / ۷۳۱
- ۴- ق دستنویس دارالکتب قاهره، به نشان ۶۰۰۶س، مورخ ۱۳۴۱ / ۷۴۱
- ۵- ل^۲ دستنویس کتابخانه بریتانیا در لندن، به نشان Add. 18 188، مورخ ۱۴۸۶ / ۸۹۱
- ۶- س^۲ دستنویس کتابخانه طوبقاپوسرای در استانبول، به نشان H. 1510، مورخ ۱۴۹۸ / ۹۰۳

ب - دستنویس های غیر اصلی

- ۱- لن دستنویس کتابخانه عمومی دولتی لنینگراد، به نشان کانالک دُرُن، شماره ۳۱۶ - ۳۱۷، مورخ ۱۳۳۳ / ۷۳۳
- ۲- ق^۲ دستنویس دارالکتب قاهره، به نشان ۷۳ تاریخ فارسی، مورخ ۱۳۹۴ / ۷۹۶
- ۳- لی دستنویس کتابخانه دانشگاه لیدن، به نشان Or. 494، مورخ ۱۴۳۷ / ۸۴۰
- ۴- ل^۳ دستنویس کتابخانه بریتانیا در لندن، به نشان Or. 1403، مورخ ۱۴۳۸ / ۸۴۱
- ۵- پ دستنویس کتابخانه ملی پاریس، به نشان Suppl. Pers. 493، مورخ ۱۴۴۱ / ۸۴۴
- ۶- و دستنویس کتابخانه پاپ در واتیکان، به نشان Ms. Pers. 118، مورخ ۱۴۴۴ / ۸۴۸
- ۷- لن^۲ دستنویس انستیتوی خاورشناسی فرهنگستان علوم شوروی در لنینگراد، به نشان S. 1654، مورخ ۱۴۴۵ / ۸۴۹
- ۸- آ دستنویس کتابخانه دانشگاه اکسفورد، به نشان Ms. Pers. C. 4، مورخ ۱۴۴۸ / ۸۵۲
- ۹- ب دستنویس کتابخانه دولتی برلین، به نشان Or. 2° 4255، مورخ ۱۴۸۹ / ۸۹۴

مآخذ دیگر

- ۱ - بنداری ترجمه شاهنامه به عربی از فتح بن علی بنداری اصفهانی، میان ۶۲۰ - ۶۲۱ / ۱۲۲۳ - ۱۲۲۴، به کوشش عبدالوهاب عزام، چاپ دوم، تهران ۱۹۷۰
- ۲ - لغت فرس اسدی طوسی، لغت فرس، به کوشش محمد دبیرسیاقی، تهران ۱۳۳۶
- ۳ - لغت دری ابومنصور احمد بن علی اسدی طوسی، لغت فرس (لغت دری)، به تصحیح فتح الله مجتبیانی - علی اشرف صادقی، تهران ۱۳۶۵
- ۴ - معجم شاهنامه محمد بن الرضا بن محمد العلوی الطوسی، معجم شاهنامه، به تصحیح حسین خدیو جم، تهران ۱۳۵۳
- ۵ - لغت شهنامه شیخ عبدالقادر بغدادی، گزیده لغت شهنامه، به تصحیح کارلوس زالمان، سن پترزبورگ ۱۸۹۵
- ۶ - راوندی محمد بن علی بن سلیمان الراوندی، راحة الصدور و آية السرور، به تصحیح محمد اقبال، لندن ۱۹۲۱

برخی از نشانه‌های دیگر

- (۱) در جلوی هر واژه یا بیتی که آید، نشان آن است که آن واژه یا بیت مشکوک یا نامفهوم یا فاسد است
- (۲) گویا ضبط درست نیست، ولی شاید هم درست و یا راهبر به صورت درست باشد
- [] در متن هر بیتی که به گمان مصحح بر آن ظن الحاقی بودن می‌رود و یا در جای خود نیست، در چنگک دو گوشه نشانده شده است. همچنین در پی نویس ها گاه‌گاه صورت فرضی افتادگی های ناشی از سهو کاتب در میان همین نشانه ثبت شده‌اند
- < > هر حرف یا واژه‌ای که در پی نویس ها در جلوی نشانه دستنویسی در چنگک يك گوشه آید، نشان آن است که آن حرف یا واژه در آن دستنویس نیست و یا افتاده است (از دفتر سوم بجای آن نشانه پیشین بکار رفته است)
- = برابر است با
- آ لت یکم بیت
- ب لت دوم بیت

پ بی نویس (اگر شماره پیش از این حرف آید شماره بیت است و اگر پس از آن آید شماره بی نویس است. مثال: ۱۲ پ،

یعنی بی نویس بیت ۱۲، ولی: ۱۲ پ، یعنی بی نویس شماره ۱۲)

متن ← نگاه کنید به: متن در شماره سپسین

← نگاه کنید به، نشانه برگشت

→ نشانه گشتگی ضبطی از ضبط دیگر

دستنویس‌های دیگری که بررسی شده‌اند

- ۱ - دستنویس بنیاد خاورشناسی کاما در بمبئی، بی تاریخ (افتادگی دارد)
- ۲ - دستنویس کتابخانه چستربیتی در دبلین، به نشان Ms. P. 110، مورخ ۷۴۱ / ۱۳۴۱ (ناقص)
- ۳ - دستنویس موزه ملی کراچی، به نشان N.M. 1957-913/3، مورخ ۷۵۲ / ۱۳۵۱ (دارای نیمه دوم شاهنامه)
- ۴ - دستنویس کتابخانه طوپقاپوسرای در استانبول، به نشان H. 1511، مورخ ۷۷۲ / ۱۳۷۱
- ۵ - دستنویس دارالکتب قاهره، به نشان ۱۸ تاریخ فارسی، مورخ ۷۷۳ / ۱۳۷۲ یا ۷۳۳ / ۱۳۳۳ (هر دو تاریخ مشکوک است)
- ۶ - دستنویس کتابخانه چستربیتی در دبلین، به نشان Ms. P. 114، بی تاریخ (ناقص)
- ۷ - دستنویس کتابخانه طوپقاپوسرای در استانبول، به نشان H. 1515، مورخ ۸۰۳ / ۱۴۰۰
- ۸ - دستنویس کتابخانه دانشگاه کمبریج، به نشان Or. 420، مورخ ۸۴۱ / ۱۴۳۸ (نیمه نخستین شاهنامه)
- ۹ - دستنویس کتابخانه ملی پاریس، به نشان Suppl. Pers. 494، مورخ ۸۴۸ / ۱۴۴۴
- ۱۰ - دستنویس کتابخانه طوپقاپوسرای در استانبول، به نشان H. 1496، مورخ ۸۶۸ / ۱۴۶۴
- ۱۱ - دستنویس انجمن آسیائی بنگال در کلکته، به نشان No. 69، مورخ ۸۸۲ / ۱۴۷۸
- ۱۲ - دستنویس کتابخانه ملی اطریش در وین، به نشان Mxl. 378، مورخ ۸۸۲ / ۱۴۷۸
- ۱۳ - دستنویس کتابخانه چستربیتی در دبلین، به نشان Ms. P. 157، مورخ ۸۸۵ / ۱۴۸۰
- ۱۴ - دستنویس کتابخانه چستربیتی در دبلین، به نشان Ms. P. 158، مورخ ۸۸۵ / ۱۴۸۰
- ۱۵ - دستنویس کتابخانه طوپقاپوسرای در استانبول، به نشان H. 1489، مورخ ۸۸۷ / ۱۴۸۲
- ۱۶ - دستنویس کتابخانه طوپقاپوسرای در استانبول، به نشان H. 1056، مورخ ۸۹۱ / ۱۴۸۶

- ۱۷- دستنویس کتابخانه ملی پاریس، به نشان Pers. 228، مورخ ۸۹۵ / ۱۴۹۰
- ۱۸- دستنویس کتابخانه دانشگاه اکسفورد، به نشان Ms. Elliot, 325، مورخ ۸۹۹ / ۱۴۹۴
- ۲۰- دستنویس کتابخانه دانشگاه استانبول، به نشان Fy. 1406، مورخ ۸۹۹ / ۱۴۹۴ (دارای نیمه دوم شاهنامه)
- ۲۱- دستنویس موزه فریتس ویلیام در کمبریج، به نشان Ms. 22 - 1948، بی تاریخ (سی و چند برگ)
- ۲۲- دستنویس انستیتوی خاورشناسی فرهنگستان علوم شوروی در لنینگراد، به نشان S. 822، بی تاریخ
- ۲۳- دستنویس کتابخانه دانشگاه استانبول، به نشان Fy. 1405، بی تاریخ
- ۲۴- دستنویس کتابخانه طوپقاپوسرای در استانبول، به نشان R. 1549، بی تاریخ
- ۲۵- دستنویس کتابخانه طوپقاپوسرای در استانبول، به نشان H. 1507، مورخ ۹۰۰ / ۱۴۹۵
- ۲۶- دستنویس کتابخانه طوپقاپوسرای در استانبول، به نشان R. 1542، مورخ ۹۰۰ / ۱۴۹۵
- ۲۷- دستنویس کتابخانه طوپقاپوسرای در استانبول، به نشان H. 1491، مورخ ۹۰۱ / ۱۴۹۶
- ۲۸- دستنویس کتابخانه طوپقاپوسرای در استانبول، به نشان A. 3065، مورخ ۹۰۱ / ۱۴۹۶ (؟)
- ۲۹- دستنویس کتابخانه کاخ پادشاهی مادرید در اسپانیا، به نشان 3.218-II، مورخ ۹۰۱ / ۱۴۹۶
- ۳۰- دستنویس کتابخانه دولتی باویر در مونیخ، به نشان Pers. 8، مورخ ۹۰۲ / ۱۴۹۷
- ۳۱- دستنویس کتابخانه طوپقاپوسرای در استانبول، به نشان H. 1508، مورخ ۹۰۲ / ۱۴۹۷
- (برای معرفی این دستنویسها نگاه کنید به: *ایران نامه*، سال سوم، ۱۳۶۴/۳، ص ۳۷۸ - ۴۰۶؛ سال چهارم ۱۳۶۴/۱، ص ۱۶ - ۴۷؛
 ۱۳۶۴/۲، ص ۲۲۵ - ۲۵۵؛ سال هفتم، ۱۳۶۷/۱، ص ۶۳ - ۹۴)

کپخسرو

داستانِ رزمِ یازده رُخ^۱

<p>جهان چون برآری برآید^۲ همی چو بستی کمر بر در راهِ آز به یک روی جُستنِ بلندی سزاست^۵ و دیگر که^۶ گیتی ندارد درنگ پرستنده^۷ آز و جویای کین چو سرو سهی کوز^۸ گردد به باغ کند برگ پژمرده و بیخ سست بروید ز خاک و شود باز خاک سر مایه‌ی مردِ سنگ و خرد</p>	<p>بد و نیک روزی^۳ سرآید همی شود کار گیتیت یکسر دراز^۴ اگر در میانِ دمِ آژدهاست سرای سپنجی چه پهن و چه تنگ به گیتی ز کس نشود آفرین بدو بر^۹ شود تیره روشن چراغ، سرش سوی پستی گراید درست^{۱۰} همه جای ترس ست و تیمار و باک^{۱۱} ز گیتی بی‌آزاری اندر خورد^{۱۲}</p>
--	---

۵

۱- ف: گفتار اندر داستان رزم یازده رخ و نبرد پیران و گودرز و کشته شدن ترکان و پهلوانان بدست ایرانیان؛ ل: گفتار اندر رزم دوازده رخ؛ س: داستان گودرز و پیران و این را رزم دوازده رخ گویند؛ ق (نیز و، لن): گفتار اندر (ق: در) داستان دوازده رخان؛ س: گفتار اندر رزم یازده رخان؛ س: رزم یازده رخ؛ (لن: داستان گودرز با پیران؛ ق: در جنگ دوازده رخان؛ لی: داستان یازده رخ؛ پ، ب: داستان دوازده رخان؛ آ: داستان رزم دوازده رخان؛ بنداری: ذکر الوقعة المعروفة بیا زده رخ)؛ لن از بیت ۱۲۸۵ تا ۱۴۷۵ افتادگی دارد ۲- س: برآرد ۳- س، ل: گیتی؛ متن = ف، ل، ق، س؛ بنداری بیت های ۱- ۱۵ را ندارد ۴- درس پس از این بیت، بیت ۶ آمده است ۵- س، س: س: رواست؛ متن = ف، ل، ق، ل؛ ق این بیت را ندارد ۶- س، ق: دگر آنک؛ متن = ف، ل، ل، س؛ ف پس از بیت ۴، ل پس از بیت ۹، ق پس از بیت ۲ و آ پس از بیت ۳ افزوده اند:

ازو دانشی (ل: در دانش و) وانگهی (ق: همه نیکویی گیر و بس؛ آ: ره دانشی جوی وهم) راستی

گزینند نگیرد بسی (ل: کزین دونیابی روان؛ ق، آ: کزین دونگیرد کسی) کاستی

این بیت در یازده دستنویس دیگر نیست ۷- س، ق: کمر بسته؛ متن = ف، ل، ل، آ، س؛ درس این بیت پس از بیت ۲ آمده است ۸- ل (نیز ق، لی، ل، آ، و، آ، ب): کوز؛ (لن، پ، لن: کژ)؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س ۹- س، ق، ل، آ، س (نیز لن، ق، لی، پ- ب): بروبر؛ متن = ف، ل (نیز ل) ۱۰- ل، ق (نیز لن- پ، لن، آ، ب): نخست؛ متن = ف، ل، آ، س (نیز و؛ ← داستان جنگ مازندران، بیت ۲)؛ س این بیت را ندارد ۱۱- س: جز از وی ندارد همی ترس و باک؛ ق: چرا پس توداری همی ترس و باک؛ متن = ف، ل، ل، آ، س ۱۲- س: بکزی و ناراستی ننگرد؛ در ف این بیت دوبار آمده است؛ در ل این بیت پس از بیت ۴ پ آمده است

- ۱۰ اگر^۱ خود بمانی به گیتی^۲ دراز
یکی^۴ ژرف دریاست بُن ناپدید
ازو^۷ چند یابی، فزون بایدت
سه چیزت ببايد کزو^{۱۰} چاره نیست
خوری گر^{۱۲} پوشی و گر^{۱۳} گستری؛
کزين^{۱۴} سه گذشتی همه رنج^{۱۵} آز
- ۱۵ ز رنج تن آید^۳ به رفتن نیاز
در گنج^۵ رازش نیابد^۶ گلید
همان خورده^۸ یک روز^۹ بگزایدت
وُزآن نیز بر سرت پیغاره^{۱۱} نیست:
سزد گر به دیگر سَخُن ننگری
چه در آز پیچی، چه اندر نیاز

آغاز داستان^{۱۶}

- دل شاه ترکان چنان کم شنود
از آن پس که^{۱۹} برگشت از آن^{۲۰} رزمگاه
بشد تازنان^{۲۱} تا به خَلج^{۲۲} رسید
به کاخ اندرآمد پُر آزار دل
چو پیران و گرسیوز^{۲۴} رهنمون
بریشان همه داستان برگشاد
- ۲۰ همیشه به رنج^{۱۷} از پی آز^{۱۸} بود
که رستم برو کرد گیتی سیاه،
به ننگ از گیان شد سرش ناپدید
ابا^{۲۳} کاردانان هشیاردل
قراخان و چون شیده و گرسیون^{۲۵}
گذشته^{۲۶} سَخُن ها همه کرد یاد،

۱- س: و گر ۲- س، ق: بگیتی بمانی ۳- ل: اندر(!) ۴- ل: اگر ۵- ق: گنج و ۶- ل- س: (نیزق، ل، و، ب): ندارد؛ (ل: نیایی؛ ل: بد آید)؛ متن = ف ۷- ل (نیزلن، ل، ل، پ، آ): اگر؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س (نیزو، ب) ۸- س: خورد ۹- س: خورده خویش ۱۰- ل- س: (نیزق، ل، ل، پ، آ، ب): کران؛ متن = ف (نیزلن، ل، ل) ۱۱- ل، س، ق (نیزل، ب): وزان (ل: وزو) بر سرت نیز (س، ق، ب: هیچ) بیغاره (س، ب: پتیاره)؛ متن = ف، ل، آ، س (نیزلن، ق، ل، پ، و، آ؛ ل، پ، ل: و، آ؛ ل، پ، و، ل، آ، ب): یا؛ متن = ل (نیزل، آ) ۱۲- ف، ل (نیزلن، ل، ل، پ، ب): یا؛ س: و؛ متن = ل، ق، س (نیزق، ل، ل) ۱۳- ف، س، ق، ل، آ، س (نیزلن، ق، ل، ل، پ، و، ل، آ، ب): یا؛ متن = ل (نیزل، آ) ۱۴- ل: چوزین؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س (نیزلن، ب) ۱۵- ل، ق، س (نیزق، ل، ل، پ، و، ل، آ): رنج و؛ س: درد؛ (ل، آ: راه؛ ب: درد و)؛ متن = ف، ل، آ، ف، ل، س (نیزق، ل، ل) پس از بیت ۱۵ افزوده اند:

چودانی که برتواناند جهان

چه پیچی (ق، ل، آ: رنجانی) تو از آرزجان و روان (ل: چه پیچی

توزان جای نوشین روان؛ س: چه رنجایش توزجان و روان)

بخور آنچه (ق، ل، آ: آنچه) داری و بیشی مجوی
که از آرز کاهد همی (س، ق، ل، آ: همه) آبروی
لن، پ، ل، پس از بیت ۱۵ افزوده اند:

چنین است این گنبد تیزگرد
گهی شادمانی دهد گاه درد

۱۶- ق: آغاز داستان محاربه گودرز و پیران و یسه ۱۷- ف، ل (نیزق، ل، ل): بدرد؛ متن = ف، س، ق (نیزلن، ل، پ، ب) ۱۸- ل: اندر آزار؛ س: پراز درد و آزار ۱۹- ق: چو ۲۰- ل: زان؛ س: پس از بیت ۱۷ افزوده است:

کجا بیژن از چاه اورسته شد
از اندوه دختر دلش خسته شد

۲۱- درل، ق، ل، آ، س (نیزلن، ق، و) حرف چهارم نقطه ندارد ۲۲- بنداری: خَلج ۲۳- ف: خود و؛ متن = ل- س (نیزلن- ب) ۲۴- (و، ل، آ: کرشیوز) ۲۵- ل: کرسنون؛ س، ل (نیزب): کرسون (حرف چهارم نقطه ندارد)؛ (ق: کرشیون؛ ل: کریون؛ و: کرسون) حرف چهارم نقطه ندارد؛ ل: کرسون؛ متن = ف، ق، س (نیزلن، ل، پ، آ)؛ س: پس از این بیت افزوده است:

چولهاک و فرشیدورد دلیر
چورویین و کلباد و هومان شیر

۲۶- س، ق: شنیده

که تا بر نهادم به شاهي^۱ کلاه
 مرا بود بر مهتران دسترس
 ز هنگام رزم^۲ منوچهر باز
 شیخون کنند تا^۳ در خان من
 ۲۵ دلاور شد آن^۴ مردم نادیر^۵
 [کبوتر گرفته ست دنبال باز
 برین^{۱۱} کینه گر^{۱۲} کار سازیم زود
 سزد گر کنون گرد این^{۱۵} کشورم^{۱۶}
 ۳۰ ز ترکان و از^{۱۷} چین هزاران هزار
 گماریم بر^{۱۸} گرد ایران سپاه

همه موبدان رای هشیار خویش^{۲۱}
 که ما را ز جیحون بیاید گذشت
 بدآموی^{۲۵} لشکرگهی ساختن
 ۳۵ که آن جای جنگست و خون ریختن
 سرافرازگردان گیرنده^{۲۷} شهر!

چو افراسیاب آن^{۳۰} سخنها شنود
 برافراخت از تخت^{۳۱} و شادی نمود

۱- س: ۲: جردی ۲- س: ۲: همیدون ز گاه؛ متن = ف- ل (نیز لن- ب)؛ بنداری؛ این من عهد منوچهر ۳- ف، ل: کند تا؛ س، ق، ل، ۲، س (نیز لن- پ، ل، آ، ب)؛ کنون تا؛ (و: کنند نیز)؛ متن تصحیح قیاسی است (← و؛ حرف در در تقطیع انداخته است ← منوچهر، بیت ۲۱۲؛ کیقباد، بیت ۱؛ کاموس کشانی، بیت ۳۲۰ و ۸۰۸؛ بیژن و منیژه، بیت ۲۰۷) ۴- س، ل، آ، س: ۲: ز ۵- ف، ق (نیز لن): سازند (حرف های یکم و دوم نقطه ندارند)؛ ل، س، س: ۲: بیارند؛ ل: بارید (حرف یکم نقطه ندارد)؛ ل، آ، پ، ب: بیارند؛ و: سازند (حرف های یکم و دوم نقطه ندارند)؛ متن = (ق ۲) ۶- س: شده ۷- ق: نا امید ۸- ف (نیز ل): کنون؛ متن = ل، س، ل، آ، س: ۲ (نیز هشت دستنویس دیگر) ۹- ق: شهاب اندر آید ببالین شید ۱۰- ل- س: ۲ (نیز لن- ب) این بیت را ندارند؛ متن = ف ۱۱- ل: ۲: بدین ۱۲- س: بر همه؛ ق: گر همه ۱۳- ل: ۲: بر آید ۱۴- ل: زین ۱۵- ف: ازین؛ متن = ل- س: ۲ (نیز لن- ب) ۱۶- ق: لشکرم ۱۷- ل، ق، ل، آ، س: ۲: وز؛ متن = ف، س ۱۸- ل- س: ۲ (نیز ل، آ، ب): بیارم بر؛ (لن، پ، لن: ۲: بیارم همه؛ لی: بیارم ابر)؛ متن = ف ۱۹- ل، ل، س، ق (نیز لی، آ، ب): هر سو یکی؛ س: ۲: بر گرد او؛ (لن، پ، لن: ۲: برگردشان)؛ متن = ف، ل (نیز ل، آ، ب) ۲۰- س (نیز لن، پ، ل، آ، ب): کینه گاه ۲۱- ف: کیش (؟)؛ (لن: ۲: پیش)؛ متن = ل- س: ۲ (نیز لن- و، آ، ب) ۲۲- ل (نیز لی، و): بر؛ (لن، پ، ل، آ، ب)؛ در؛ متن = ف، ل، س، ق، س: ۲ (نیز ق، ل، آ، ب) ۲۳- ل (نیز لن، ل، آ، ب، ل، آ، ب): ۲: شاهی؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س: ۲ (نیز ق، لی، و، آ، ب) ۲۴- ق، ل: بدان ۲۵- ف، ل، س، ق (نیز لن، پ، ل، آ، ب): بآموی؛ س: ۲: بدان روی؛ (ق: ۲: بدان مرز؛ ل: بانبوه؛ و: بر آموی)؛ متن = ل ۲۶- س، ل: ۲: ورستم بر آویختن؛ متن = ف، ل، ق، س: ۲ ۲۷- ف (نیز پ): کردند (؟)؛ متن = ل- س: ۲ (نیز هشت دستنویس دیگر) ۲۸- ف: پزند آور؛ ل: همه تیغ کین؛ (لن: نهنگ آنک چنگ → نهنگان چنگ؛ ق: ۲: به پیکان چنگ → نهنگان چنگ؛ ل: ۲: نهنگان چنگ)؛ متن = س، ق، ل، آ، س: ۲ (نیز ل، آ، ب، و، ب) ۲۹- (لی، آ: نهنگان جنگی و دارند بهر (آ: دهر)) ۳۰- س: این ۳۱- ل: ۲: گرد

- ۴۰ ابا^۱ پهلوانان و با^۲ موبدان
 نبیسنده^۴ نامه را پیش خواند
 فرستادگان خواست از انجمن
 فرستاد نامه به هر کشوری
 سپه خواست کاندیشه‌ی جنگ داشت
 دو^{۱۲} هفته برآمد ز^{۱۳} چین و ختن
 چو دریای جوشان زمین بردمید
 گله هر چه^{۱۷} بودش از^{۱۸} اسپان یله
 همان گنج‌ها کز گه تور^{۱۹} باز
 سر بدره‌ها^{۲۰} را گشادن گرفت
 چو لشکر سراسر شد آراسته
 ز گردان گزین کرد پنجه‌هزار
 به شیده که بودش نبرده‌پسر
 چُنین^{۲۳} گفت کین^{۲۴} لشکر رزم‌ساز^{۲۵}
 نگهبان آن مرز^{۲۶} خوارزم باش!
 دگر پنجه از نامدارانِ چین
 بدو گفت: تا شهر ایران برو!
 در آشتی هیچ‌گونه مجوی!
- ۴۵
 ۵۰
 ۵۵
- بکرد آفرینی به رسم ردان^۳
 سَخُن هر چه^۵ بایست با او^۶ براند
 بنزدیک فغفور و^۷ شاهِ ختن^۸
 به هر نامداری و^۹ هر مهتری
 زیژن^{۱۰} بر آن^{۱۱} گونه دل‌تنگ داشت
 به^{۱۴} اطراف ترکان ز هر^{۱۵} انجمن
 چنان شد که کس روز روشن^{۱۶} ندید
 به شهر اندر آورد یکسر گله
 پدر بر پسر بر همی‌داشت راز،
 شب و روز دینار دادن گرفت
 بدان بی‌نیازی شد از^{۲۱} خواسته،
 همه رزم‌جویان سازنده‌کار
 ز شیران^{۲۲} جنگی برآورده سر،
 سپردم ترا، راه خوارزم ساز!
 همیشه کمر بسته‌ی رزم باش!
 بفرمود تا کرد پیران گزین
 ممان بخت و مه تخت^{۲۷} سالار نو!
 سَخُن جز به جنگ و به کینه مگوی!

۱- ف: بر آن؛ ل، س، ق، ل (نیز لن - ب): ابر؛ متن = س^۲ ۲- ف: و آن؛ ل، س، ق، ل (نیز لن - ب): و بر؛ متن = س^۲ ۳- ف (نیز ل): کیان (?); متن = ل - س^۲ (نیز هشت دستنویس دیگر) ۴- ف، ل، س، ق، س^۲ (نیز لن - ل، و - ب): نویسنده؛ متن = ل (نیز پ) ۵- س (نیز ب): آنچه؛ متن ← ۶- ل: سخن‌های بایسته چندی؛ متن = ف، ق، ل، آ، س^۲ (نیز لن - آ) ۷- ق، ل (نیز لن، لی، پ - ب): [و]؛ متن = ل، س، س^۲ (نیز ق، ل، آ) ۸- ف: فرستاد نزد شهان تن به تن؛ بنداری: فأحضر الکاتب و کتب الی بغبور ملک الصین یستنجده، و کذلک الی سائر ملوک الأطراف ۹- ف: شهر یاری و؛ متن = ل - س^۲ (نیز لن، لی - ب؛ لن: نامداران)؛ در ف این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۱۰- ق: ز ایران؛ (ق: همیشه) ۱۱- ل، ق: بدان ۱۲- س: چو ۱۳- س: به ۱۴- ل، س، ق، س^۲ (نیز ق، ل، آ، و، آ، ب): ز؛ متن = ف، ل ۱۵- ق (نیز ق، آ، و، آ، ب): شدند؛ (ل: بهر)؛ ل: هر کشوری شد سپاه؛ س: ترکان فراوان شدند؛ متن = ف، ل، آ، س^۲: اطراف (ج:؟)؛ لن، لی، پ، لن^۲ این بیت را ندارند ۱۶- س: روی هامون ۱۷- ل، س: هرچ ۱۸- ل، س، ق، س^۲: ز ۱۹- ل: توز ۲۰- س: گنج‌ها ۲۱- (ل: و آن)؛ ف: شده بی‌نیاز از بسی؛ (ق: همه بی‌نیاز از بی؛ پ: همه بی‌نیاز آمد از)؛ متن = ل - س^۲ (نیز لن، لی، و، لن، آ، ب) ۲۲- ل (نیز ل): گردان؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س^۲ (نیز هشت دستنویس دیگر) ۲۳- ف، ل (نیز لی، و): بدو؛ متن = س، ق، ل، آ، س^۲ (نیز هفت دستنویس دیگر) ۲۴- ف، ق، ل: کز؛ متن = ل، س، س^۲ (نیز لن - ب) ۲۵- ل: سرفراز؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س^۲ (نیز لن - ب) ۲۶- س: رزم ۲۷- ل، س (نیز و، آ): بخت و مه بخت (حرف یکم واژه نخستین و پسین نقطه ندارد)؛ ق (نیز ب): تخت و مه (ب: نه) بخت؛ ل: تخت... (پاک شده است)؛ س: بخت و مه تاج (حرف یکم واژه یکم نقطه ندارد)؛ (لن، پ، لن: رخت و مه تخت؛ لی: تخت و مه نیز؛ ل: تخت شاه و نه)؛ متن =

کسی کو برد آب و آتش بهم
 دو پرمایه بیدار^۳ دو پهلوان
 برفتند با پند افراسیاب
 ابا زنگی^۷ زرین و گوپال^۸ و تیغ
 ابر^۱ هر دو بر^۲ کرده باشد ستم
 یکی هوش ور پیر^۴ و دیگر جوان
 بد آرام^۵ پیر و جوان پُرشتاب^۶
 خروشان بکردار غرنده میغ

گفتار اندر آگاهی یافتن کیخسرو از آمدن لشکر افراسیاب^۹

۶۰ پس آگاهی آمد به پیروز شاه
 جفا پیشه بدگوهر افراسیاب
 بر آورد خواهد همی سر ز ننگ^{۱۲}
 همی زهر ساید به نوک سنان
 سواران جنگی^{۱۵} چو سیصد هزار
 سپاهی که هنگام ننگ و نبرد
 دلیران به درگاه افراسیاب
 و ز آوای^{۱۸} شیپور و زخم درای
 گر آید به ایران به جنگ آن^{۲۱} سپاه
 سر مرز توران به پیران سپرد
 سوی شهر خوارزم پنجه هزار
 سپهدار آن^{۲۵} شیده ی شیردل
 که آمد ز توران بدایران^{۱۰} سپاه
 ز کینه نیابد شب آرام و^{۱۱} خواب
 ز^{۱۳} هر سو فرستاد لشکر به جنگ^{۱۴}
 که تابد مگر سوی ایران عنان
 به جیحون همی کرد خواهد گذار^{۱۶}
 ز جیحون به گردون برآزند^{۱۷} گرد
 ز بانگ تبیره نیابند خواب
 تو گفتی^{۱۹} برآید^{۲۰} همی دل ز جای
 هزبر دلاور نیاید به^{۲۲} راه
 سپاهی فرستاد با او^{۲۳} نه خرد
 کمر بسته^{۲۴} رفت از در کارزار
 کز^{۲۶} آتش ستاند به شمشیر دل

۱- س: بران؛ (لن، ق، آ، لن: برین؛ پ: بوی) ۲- ل، س، ق (نیز، و، ب): دوان؛ متن = ف، ل (نیز، لن، پ، آ)؛ س: این بیت را ندارد ۳- ل، س: بیدار و ۴- ل، س، ق (نیز، آ، ب): یکی پیر (ل: پیرو) باهوش؛ س: (نیز، ق، آ): یکی پیر سر بود؛ (ل: یکی مایه و پیر؛ و: یکی پرخرد پیر)؛ متن = ف، ل (نیز، لن، لی، پ، لن، آ) ۵- ل، س: (نیز، ق، و): بآرام؛ ل (نیز، لن، پ، لن، آ): بر آرام؛ متن = ف ۶- س: باشتاب؛ س، ق (نیز، ب): ز (ق: به) جیحون گذشتند و از رود (ق: و آنکه ز) آب؛ س پس از این بیت افزوده است:
 همه جنگجوی و همه سربجنگ همه پرستیز و همه با درنگ
 ۷- ل: ترگ؛ (ق: کوس) ۸- درب، و، لن: با سه نقطه ۹- ف: گفتار اندر آگاهی یافتن شاه کیخسرو از فرستادن افراسیاب پیران و یسه را بجنگ ایران فرستادن (!)؛ س: آگاهی یافتن شاه کیخسرو از کار افراسیاب؛ ق، ل: آگاهی یافتن کیخسرو از آمدن لشکر (ل: [لشکر]) افراسیاب؛ س: رفتن لشکر ایران بتوران؛ ل: سرنویس ندارد؛ متن = ق، ل ۱۰- ل، س: بایران؛ متن = ف ۱۱- ل، س، ق (نیز، لی، آ، ب): شب و روز؛ (لن، پ، لن: شب تبیره)؛ متن = ف، ل، س: (نیز، ق، ل، آ، و): درق این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۱۲- ف، س: (نیز، ب): سر به (ب: ز) جنگ؛ (لن: شور جنگ؛ لن: سوز و جنگ)؛ متن = ل، س، ق، ل (نیز، ق، لی، ل، آ، و، آ، ب) ۱۳- ل: که ۱۴- س: (نیز، لن، ق، آ، ل، آ، پ، لن، آ): فراز آمد از هر سوی جنگ تنگ (ق: ساز جنگ)؛ متن = ف، ل (نیز، لی، و، آ، ب) ۱۵- س، ق: ترکان ۱۶- ل: گزار؛ س، ق: همی کرد خواهد بجیحون گذار ۱۷- ل: بر آورد ۱۸- ل: [و] ز آوای؛ س، ل، س: و ز آواز؛ ق: از آواز؛ متن = ف ۱۹- ف، ل، ل، س: (نیز، ق، ل، آ، ب): گویی؛ متن = س، ق (نیز، لن، لی، پ، و، لن، آ، آ) ۲۰- (پ، لن، آ، آ، ب: برآمد) ۲۱- س: [آن] ۲۲- ل: نباید به (حرف های یکم و دوم نقطه ندارند)؛ س: نیابند؛ ق: نیابد به؛ متن = ف، ل، س: ۲۳- ف، س، ل (نیز، لی، آ، ب): وی؛ متن = ل، ق، س: (نیز، لن، ق، آ، ل، آ، پ، و، لن، آ) ۲۴- س: کمر بست و ۲۵- ل، ل (نیز، لن، ق، آ، ل، آ، پ، و، لن، آ): سپهدارشان؛ س، ق (نیز، لی، آ، ب): نگهدارشان؛ متن = ف، س: ۲۶- س: که ز

سپاهش^۱ بکردارِ پیلان^۲ مست که با جنگ ایشان شود^۳ کوه پست

۷۵ چو بشنید گفتار کارآگهان
به کارآگهان گفت کای^۴ بخردان
که چون ماه ترکان برآید بلند
سیه‌مار کو را سر آید^۵ بکوب

۸۰ چو دستان و رستم^۶، چو گودرز و گیو
دگر بیژن گیو با^۷ گزدهم^۸
جزین نامداران لشکر همه
ابا پهلوانان چنین گفت شاه
چو دشمن^۹ سپه کرد و شد تیز جنگ

۸۵ بفرمود تا بر درش^{۱۰} گاودم
دمیدند^{۱۱} و بستند رویینه^{۱۲} خم
پُراندیشه بنشست شاه جهان
من آیدون^{۱۳} شنیده ستم از موبدان،
ز خورشید ایرانش^{۱۴} آید گزند
ز سوراخ بیجان^{۱۵} شود پیش خوب^{۱۶}
بگردد برو^{۱۷} پادشاهی و بخت^{۱۸}
شنیده سخن پیش ایشان براند
بزرگان فرزانه^{۱۹} رزم‌ساز
چو شیدوش و فرهاد^{۲۰} و رهام نیو
چو گرگین و چون زنگه و گسسته^{۲۱}
که بودند شاه جهان را رمه
که ترکان^{۲۲} همی رزم جویند و گاه^{۲۳}
بباید بسیچید ما را به جنگ

۱- ل (نیز لن، ق، پ، لن، آ): سپاهی؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س (نیز لی، ل، آ، و، آ، ب) ۲- س، ل، آ، س (نیز ب): شیران؛ متن = ف، ل، ق (نیز لن - آ) ۳- س: بود ۴- ف، ق: ای؛ متن = ل، س، ل، آ، س (نیز لن - ب) ۵- س: این را ۶- ل: ابر آتش (چو ایرانش) ۷- ل (ل: سر آرد؛ آ: سر آمد؛ لن، پ، و، لن، آ: چون سر بر آرد؛ لی: چون سر در آرد)؛ متن = ف، س (نیز ق، آ، ب) ۸- ل (لن: بر چون؛ پ، لن، آ: پر خون) ۹- ل - ل (س: نیز لن، ق، آ، لی، پ - ب): سوی چوب (حرف یکم واژه پسین در ل نقطه ندارد و در دیگر دستنویس‌ها یک نقطه در زیر دارد)؛ (ل: سوی خوب)؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، ل: بدو؛ متن = ف، ل، س، آ ۱۱- ل - ل (نیز و، آ): بخت (حرف یکم نقطه ندارد)؛ (ق، آ، لی، ل، آ، ب: تخت)؛ متن = ف، س، ق (نیز ق، آ، لی، ل، آ، ب): بر؛ متن = ف، ل، آ، س، آ ۱۳- ل، س، ل، آ: فرزانه و؛ متن = ف، ق، س، آ ۱۴- ل، س، ق (نیز لن، پ، لن، آ، ب): دستان سام و؛ متن = ف، ل، آ، س (نیز ق، آ، ل، آ، و، بنداری) ۱۵- ف، ل، آ، س (نیز و): بهرام (؟)؛ متن = ل، س، ق (نیز هشت دستنویس دیگر، بنداری)؛ ل، س، ق، س، آ (نیز ق، آ، ب) پس از این بیت افزوده‌اند:

چو طوس و چورستم یل (آ: جهان) پهلوان (ق: چو طوس سرافراز نوذر نژاد)

فریبرز و شاپور شیر (س، ب: گرد) دمان (ق: فریبرز کاوس و فرخ قباد)

ف، ل (نیز لن، لی، ل، آ، پ، و، لن، آ) این بیت را ندارند و در ترجمه بنداری هم نیست ۱۶- (لن، پ، لن، آ: بیژن و اشکش و) ۱۷- ل - س (نیز لن - آ): گسسته؛ متن = ف (نیز ب: حرف دوم در ف بی نقطه و در ب یک نقطه دارد) ۱۸- ل، س، آ (نیز ق، آ، ل، آ، پ، و، لن، آ): کزدهم؛ س، ق، ل (نیز لن): کزدهم؛ متن = ف (نیز ب): بنداری (۷۹-۸۱): فاستحضر اعیان الحضرة و أركان الدولة مثل دستان و رستم و جودرز و جیو و شیدوش و فرهاد و رهام و بیژن و کزدهم و گسسته و جرجین و زنگه بن شاوران؛ درس بیت‌های ۹۱ و ۹۲ هم پس از بیت ۸۱ و هم در جای خود آمده‌اند ۱۹- ف، ل، آ، س: توران (؟)؛ متن = ل، ق (نیز لن - آ) ۲۰- س (نیز ب): که ای پهلوان و کیان (ب: کوان) سپاه (= ۹۰ ب) ۲۱- س: رستم ۲۲- ل: تابوق با؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س (نیز لن - آ) ۲۳- ف: سزبندند (؟)؛ متن = ل - ل (نیز لن، ق، آ، ل - آ)

از ایوان به میدان خرامید شاه
 بزد مهره در^۲ جام بر پشت^۳ پیل
 هوا نیلگون شد، زمین پیل رنگ^۵
 به چنگ اندرون گرز و دل پُر زکین
 ۹۰ خروشی برآمد^۸ ز درگاه شاه
 کسی کو بساید عینان و رکیب^{۱۰}
 بفرمود کز روم و ز هندوان
 دلیران گردنکش از تازیان
 کمر بسته خواهند^{۱۳} سیصد هزار
 ۹۵ هر آن کو چهل روز را پیش^{۱۵} شاه
 پراکنده^{۱۷} بر گرد کشور^{۱۸} سوار
 دو^{۲۰} هفته برآمد به فرمان^{۲۱} شاه
 ز لشکر همه کشور آمد به جوش
 به شبگیر گاه خروش خروس
 ۱۰۰ بزرگان هر کشوری با سپاه
 سر^{۲۵} گنج های کهن باز کرد

بیاراستند از بر پیل گاه
 زمین را تو گفتی براندود^۴ نیل
 دلیران لشکر بسان پلنگ^۶
 چو دریای جوشان ز گردان^۷ زمین
 که ای پهلوان و گوان سپاه^۹،
 نباید که یابد به خانه شکیب
 سواران جنگ و مبارز^{۱۱} گوان
 بسیچیده ی جنگ^{۱۲} شیر زیان
 ز دشت سواران نیزه گزار^{۱۴}
 نباشد، نباید به^{۱۶} سر بر کلاه
 فرستاد^{۱۹} با نامه ی شهریار
 بجنید در پادشاهی سپاه
 ز گیتی برآمد سراسر خروش
 ز هر سو همی خاست^{۲۲} آوای^{۲۳} کوس
 کشیدند صف پیش^{۲۴} درگاه شاه
 سپه را درم دادن آغاز کرد

۱- ف، س، ق، ل، آ، س: ۲؛ ز؛ متن = ل ۲- س: ۲؛ در ۳- ل: ۲؛ و بریست؛ س: ۲؛ بریست (ببر پشت) ۴- ق: دراندود ۵- ف، س: ۲ (نیز ق، و، آ): نیل رنگ؛ ل (نیز ل، ل): رنگ رنگ؛ ق: آبسوس؛ متن = ل (بیت ۲۹۷) ۶- ق: از ایران بابرآمد آوای کوس ۷- ل: ز گردان چو دریای جوشان ۸- س: ۲؛ در آمد ۹- ل (نیز ق، ل، ی، و، آ): پهلوانان ایران سپاه؛ ق، ل: پهلوانان کوان سپاه؛ س: که توران همی تخت جویند و گاه (= ۸۳ ب): متن = ف، س: ۲ ۱۰- س: رکاب (پساوند ندارد) ۱۱- ل: جنگی گزیده؛ س (نیز ل، ل، ن): جنگی مبارز؛ (ق: جنگاوران و): متن = ف، ق، ل، آ، س: ۲ (نیز ل، ی، و، آ، ب) ۱۲- ف، ل: ۱ (نیز ل، آ): جنگ و؛ (ل، ن، پ، ل، ن): هریک چو؛ ق: ۲ (بر جنگ)؛ متن = ل، س، ق، س: ۲ (نیز ل، و، ب) ۱۳- ل: ۲؛ خواهید ۱۴- ف، ل: ۲؛ گذار؛ متن = س: ۲ ۱۵- ل: روزه را نزد؛ س (نیز و): روزه در پیش؛ (ل: ۳): روز را نزد؛ ب: روزه نزدیک؛ متن = ف، ل، آ، س: ۲ (نیز ل، ق، آ، ی، پ، ل، ن، آ) ۱۶- ل (نیز ق): نیاید نه بیند به؛ س: ناسد ساند به (نقطه ندارد)؛ ل: ۲؛ نباشد بیاید به؛ (ل، ن، پ: نیاید نیاید به؛ ی، آ: نیاید نباشدش بر؛ ل: ۳؛ بیاید بیاید به؛ و: نباشد نیاید به؛ ل: ۲؛ بیاید بیاید به؛ ب: نباشد نیایدش بر)؛ متن = ف، س: ۲؛ ق این بیت را ندارد؛ بنداری: من لم یحضر بعد أربعین یوماً باب سراق الملک لم یر إلا ما یکره ۱۷- ف، س، س: ۲ (نیز ق، و): پراکند؛ متن = ل، ق، ل: ۲ (نیز ل، ی، ل، آ، پ، ل، ن، آ) ۱۸- ف، س، ق، ل: ۲ (نیز و): لشکر؛ (ل، ن، پ، ل، ن): کردند هر سو؛ متن = ل، س: ۲ (نیز ق، ل، ی، و، آ) ۱۹- ل، س: ۲ (نیز ل، ق، آ، ل، پ، و، ل، ن): فرستاده؛ متن = ف، س، ق، ل: ۲ (نیز ل، آ) ۲۰- ق: سه ۲۱- ل، ل: ۲؛ بفرمود ۲۲- (ق، ل، آ): آمد؛ ل، س (نیز ب): سوی برخاست؛ متن = ف، ق، ل، آ، س: ۲ (نیز ل، ی، و، ل، ن) ۲۳- س: آواز ۲۴- ل، ل: ۲؛ نهادند سر سوی؛ متن = ف، س، ق، ل: ۲ (نیز ل، ق، آ، ل، ب)؛ در ل این بیت دوبار آمده است و بار دوم دارد: کشیدند صفی به؛ س پس از این بیت افزوده است:

گوان و ردان و مهان سپاه

نهادند بر سر ز آهن کلاه

۲۵- ل (نیز ق، و): در؛ س: ۲؛ همه؛ متن = ف، س، ق، ل: ۲ (نیز ل، ل، آ، ب)؛ بنداری: ففتح أبواب الخرائن

همه لشکر از گنج^۱ دینار شاه
 به برگشتوان و به جوشن چو کوه
 چو شد کار لشکر همه ساخته
 نخستین از آن^۴ لشکر نامدار ۱۰۵
 گزین کرد خسرو به رستم سپرد
 ره سیستان^۶ گیر و برکش پگاه^۷
 ز غزنین^۹ برو تا به رای^{۱۰} برین
 چو آن پادشاهی شود یکسره
 فرامرز را ده کلاه و نگین ۱۱۰
 بزن کوس زرین و شیپور و نای
 که ما را سر^{۱۴} از جنگ افراسیاب
 آلانان و غزدز^{۱۷} به هراسپ داد
 برو با سپاهی بکردار کوه
 سواران شایسته^{۱۸} کارزار^{۱۸} ۱۱۵
 به آشکش^{۲۰} بفرمود تا سی هزار
 برد سوی خوارزم و^{۲۲} کوس^{۲۳} بزرگ
 زند بر در شهر خوارزم گاه
 نهاده به سریر ز گوهر^۲ کلاه
 شدند آهنین^۳ لشکری همگروه
 وزیشان دل شاه پرداخته،
 سواران شمشیرزن سی هزار،
 بدو گفت کای نامبردار^۵ گرد،
 به هندوستان اندرآور سپاه^۸
 چو گردد ترا تاج و تخت و نگین،
 به آبشخور آید پلنگ^{۱۱} و بره،
 کسی کو بخواهد ز لشکر گزین^{۱۲}،
 به کشمیر و کاول^{۱۳} فزون زین مپای
 نیابد^{۱۵} همی خورد و^{۱۶} آرام و خواب
 بدو گفت کای گرد خسرونژاد،
 گزین کن ز گردان لشکر گروه
 بر تا برآری ز توران^{۱۹} دمار
 دمنده هزبران^{۲۱} نیزه گزار^{۲۱}،
 سپاهی بکردار^{۲۴} غرنده^{۲۴} گرگ،
 که با شیده^{۲۵} تیغزن رزم خواه^{۲۵}!

۱- ق، ل، ن (نیزلن، ق، ل، ی، پ، ب): گنج و؛ متن = ف، ل، س، س، س (نیزل^۲) ۲- ل، س، ق (نیزلن، پ، ل، ن، ب): بسر بر نهادند زرین (ل: گوهر؛ ل، ن، آ: گردان)؛ ل، آ، س (نیزق، ل، ی، ل، آ، و، آ): نهادند بر سر ز گوهر (ل: گردان)؛ متن = ف ۳- ل: انجمن؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س (نیزلن، ب) ۴- ل: ازین ۵- ل: نامبردارو ۶- ق: ایلمان ۷- س، ق، س، آ: سپاه (س) پساوند (ندارد) ۸- س: ز راه؛ ق: براه ۹- ق: غزنی ۱۰- ل، ق (نیزلی، ل، آ، و، آ، ب): براه؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیزق، ل، پ، ل، ن) ۱۱- س: آ: آیند گرگ؛ ف این بیت را ندارد ۱۲- ف، ق (نیزب) این بیت را ندارند؛ بنداری (۱۰۵-۱۱۰): فجعل رستم علی ثلاثین ألفاً، وأمره أن یسلک طریق سجستان، وی توغل بلاد الهند الی غزنة فیفتجها، ویرتب ابنه فرامرز فیها ۱۳- ف، ل، س، ل، آ، س (نیزلن، ق، ل، آ، ل، آ): کابل؛ (ل: زابل)؛ متن تصحیح قیاسی است؛ ق (نیزب) این بیت را ندارند ۱۴- س، ل، آ، س، آ: بس؛ متن = ف، ل، ق ۱۵- س: نیارد؛ ل: نیاید؛ س: نیاید؛ متن = ف، ل، ق ۱۶- ق: نیاید به خورد و به ۱۷- ل (نیزق، ل): غزدز؛ س: عرجه؛ ق، ل، آ، س (نیزلن، ل، ن، آ، ب): عرجه؛ (ل: مرعز؛ ل: غزدز؛ و: عرجه؛ آ: غزرا)؛ متن = ف (ل، ق، ل، آ، ب)؛ ف در اینجا سرنویس دارد: گفتار اندر فرستادن شاه کیخسرو لشکر را بهر گوشه بچنگ ترکان و فرستادن گودرز بچنگ پیران و یسه ۱۸- س: گزین کن بسی نامدار ۱۹- ل، س، ق (نیزلی، آ، ب): دشمن؛ (ل، ن، ل، آ، پ، ل، ن، آ: ترکان؛ ق: گردان)؛ متن = ف، ل، آ، س (نیزو)؛ بنداری (۱۱۲-۱۱۵): وأعطی لهراسب ممالک آلان، وأمره أن یجمع عساکرها، ویدخل من ذلک الطریق الی توران ۲۰- س: اسکس؛ ق (نیزو، ل، آ، ب): بنداری: اسکس ۲۱- ف، ل، س، س، س (نیزلن، ل): نیزه گذار؛ ل: لشکر گذار؛ متن = ق (نیزهشت دستنویس دیگر) ۲۲- ل، س، ل، آ، س، آ: [و]؛ متن = ف، ق ۲۳- ق: کوه ۲۴- ل، س، ق (نیزلن، ل، آ، ب): درنده؛ متن = ف، ل، آ، س (نیزق، ل، ی، ل، پ، و، ل، ن) ۲۵- (ق: کینه خواه)؛ ل، آ، س: رزم زن رزم خواه؛ (ل، آ: آجا درون بد سپاه)؛ ل، ق (نیزلن، پ، و، ل، ن): ابا شیده رزم زن کینه خواه (ل، ن، پ، ل، ن: پورشاه؛ و: رزم خواه)؛ س: ابا شیده گردد همی رزم خواه؛ متن = ف؛ بنداری (۱۱۶-۱۱۸): وجعل أشکس علی ثلاثین ألفاً آخرین، وسیرهم تحت رایته الی خوارزم لملاقاة شیده بن افراسیاب

<p>چه مایه وُرا پند و اندرز داد چو گرگین و چون زنگه^۱ و گُستهم^۲ گرازه سپهدار و رُهام^۴ نیو سُوی رزم^۶ توران شدن بی درنگ</p>	<p>سپاه چهارم به گودرز داد که رو با بزرگان ایران بهم زواره فریبرز و فرهاد^۳ و گیو بفرمود بستن کمرشان^۵ به جنگ</p>
<p>همه پهلوانان و^۷ آزادگان، سپهدار گودرز پیش سپاه که رفتی^۸ کمر بسته‌ی کارزار، نگردانی ایوان^{۱۱} آباد^{۱۲} پست چنان کن که از تو نیابد^{۱۴} زیان سپنج‌ست گیتی و ما^{۱۶} بر گذر^{۱۷} مکن تیز^{۱۸} دل را به آتش سری^{۱۹}! نبندی به هر کار بر پیل^{۲۱} کوس هُشیوار و ز یادگیران فرست برو^{۲۲} چادر مهربانی بپوش ز یزدان نیکی دهش یاد کن که فرمان تو برتر از شید^{۲۴} و ماه جهانداری و من ز پشت^{۲۶} رهی</p>	<p>سپهدار گودرز کَشوادگان نشستند بر زین به فرمان شاه به گودرز فرمود پس شهریار نگر تا نیازی^۹ به بیداد^{۱۰} دست کسی کو نبندد به جنگ^{۱۳} میان که نپسندد از ما بدی دادگر^{۱۵} چو لشکر سُوی مرز توران بری نگر تا نجوشی^{۲۰} بکردار طوس جهان‌دیده‌ی سوی پیران فرست به پند فراوانش بگشای گوش به هر کار با هر کسی داد کن چنین گفت سالار لشکر به شاه^{۲۳} بدانسان^{۲۵} روم که م تو فرمان دهی</p>
<p>ز بانگ تبیره جهان^{۲۷} شد نوان</p>	<p>برآمد خروش از درِ پهلوان</p>

۱- ل، ل، س: ۲- کوزه ۳- ق (نیزب): فرامرزو فرهاد؛ (ل: ۳) فرامرزو و رهام؛ ل، ن، پ، ل، ن: چوشیدوش و فرهاد و خرداد؛ ق: ۴- فریبرز کاوس و فرهاد؛ ل، آ: فریبرز و شاپور و فرهاد؛ متن = ف، ل، ل، آ، س (نیزو) ۴- (ق: ۲) شاپور؛ ل، آ، ب: فرهاد؛ س این بیت را ندارد؛ بنداری (۱۱۹-۱۲۲): و جعل علی القسم الرابع جوذر ابن کشواد و ضم إليه اعظم العساكر مع جماعة كثيرة من الاصبهنية، و هم جرجین و زنکه بن شاوران و کستهم و زواره و فری برزین کیکاوس و فرهاد و جیو و برازه و رُهام ۵- ق، س: ۶- کمرها ۶- س: شهر ۷- ل: [و] ۸- ل: چورفتی؛ س: که رفتی؛ (ق: ۲، ب: برقتن)؛ متن = ف، ق، ل، آ، س (نیزلن، ل-آ) ۹- س، ق، ل، آ: نیاری؛ متن = ف، ل، س، ۱۰- ل: به بیکار ۱۱- ف، س، ل، آ، س (نیزل، و): ایران (?)؛ متن = ل، ق (نیزلن، ل، پ، ل، آ، ب)؛ بنداری: و اوصی جوذر بآلا يتحامل علی من لا يتصدى لقتاله، و لا يتعرض بمكره ۱۲- ق: بیداد ۱۳- ل، س: بجنکت نبندد ۱۴- ل: چنان ساز کش از تو نیابد؛ ل، آ، س (نیزق): چنان ساز کش نباید از تو؛ س (نیزلن، ل، آ، پ، ل، ن): چنان ساز کز تو نیابد؛ متن = ف (نیزو)؛ ق این بیت را ندارد ۱۵- س: کردگار ۱۶- ف: او (!)؛ متن = ل، س (نیزلن-ب) ۱۷- س: برگذار ۱۸- (ق: ۲) گرم ۱۹- س: دل با آتش سسر سسری (!)؛ ق: همین یزدان را بسوران بسری (!)؛ متن = ف، ل، س، ل (نیزلن، ل-ب) ۲۰- س: نجویی ۲۱- ق: و بر بست ۲۲- ق: برو بر همی (وزن ندارد) ۲۳- س: لشکر پناه ۲۴- س، س، آ: چرخ؛ ق: که فرمانت برتر از خورشید؛ متن = ف، ل، ل، آ ۲۵- س، ل، آ، س: برانسان؛ ق: برانسو؛ متن = ف، ل ۲۶- ل، آ، س (نیزلی، و، آ): به پیش؛ ل، س، ق (نیزلن، ق، ل، پ، ل، ن، ب): توشاه جهانداری و من (ق: ۲) جهاندار و من چون؛ متن = ف ۲۷- ل، ق (نیزآ، ب): زمین؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیزلن-ل، ن)

به لشکرگه آمد دمامد سپاه
 زا پیش سپاه اندرون پیل شست^۲
 وُزان زنده پیلان^۴ جنگی چهار
 نهادند بر پشتشان تختِ زر
 ۱۴۰
 به گودرز فرمود تا برنشست
 برانگیخت پیلان و^۸ برخاست گرد
 که از خان^{۱۱} پیران برآرم دود
 جهان شد ز گرد سواران سپاه
 جهان پست گشته ز پیلان مست^۳
 بیاراستند^۵ از در شهریار
 نشستن گه شاه با تاج^۶ و فر
 بر آن تختِ زر از بر^۷ پیل مست
 وُزان گرد^۹ نیک اختری یاد^{۱۰} کرد:
 برینسان^{۱۲} که گرد پی پیل^{۱۳} بود

گفتار اندر رسیدن گودرز کِشوادگان به کنارزید^{۱۴}

بی آزار لشکر به فرمان شاه
 چو گودرز نزدیک زید^{۱۶} رسید
 هزار از دلیران نیزه گزار^{۱۸}
 از^{۲۰} ایرانیان نامور ده^{۲۱} سوار^{۲۲}
 سپهدار پس گیو را پیش خواند
 بدو گفت کای پور سالار سر^{۲۴}
 گزین کردم اندر خورت^{۲۶} لشکری
 ۱۴۵
 همی رفت منزل به منزل به راه^{۱۵}
 سران را ز لشکر همه^{۱۷} برگزید
 ز گردان هُشیار لشکر هزار^{۱۹}
 سخن گوی و اندر خور کارزار
 همه گفته ی شاه با او^{۲۳} براند
 برافراخته سر ز بسیار سر^{۲۵}
 که شایند سالار هر مهتری^{۲۷}

۱- ل، س، ق (نیزلن-ب): به؛ متن = ف، ل، آ، س^۲ ۲- س (نیزلن، پ، ل، ن): شست (لن، پ: شصت) پیل ۳- س (نیزلن، پ، ل، ن): که از بانگ (س: رنگ) ایشان زمین شد چونیل؛ در ف پس از این بیت، بیت ۱۳۶ دوباره آمده است ۴- ف، س: رند پیلان ۵- ل: بیاراسته ۶- ل (نیزب): زیب؛ ق: زور؛ متن = ف، س، س، س^۲ (نیزل-آ): ل^۲ این بیت را ندارد ۷- س: زرین وبر؛ (لن، ل، ن): زرین بر؛ و: زرین ابر؛ بنداری (۱۳۹-۱۴۱): فامر الملک بنصب أربعة نخوت من الذهب علی ظهور أربعة أفيال. و أمر جودرز بالجلوس علی واحد منها ۸- ق: بر تخت سالار (!) ۹- ل: مر آنرا به؛ ق: مرورا به؛ (۳: وزان پیل)؛ متن = ف، س، ل، آ، س^۲ (نیزهشت دستنویس دیگر) ۱۰- س: راه ۱۱- ل- س^۲ (نیزلن، ق، آ، ل، ی، پ، ل، ن، آ، ب): جان؛ متن = ف (نیزل، و) ۱۲- ل، ق: برانسان؛ متن = ف، س، ل، آ، س^۲ ۱۳- ل: نیل (!) ۱۴- ف: گفتار اندر رسیدن گودرز کِشوادگان بکنار زید (حرف دوم نقطه ندارد) و فرستادن گیو را برسولی بنزد پیران و یسه و دادن پیغامها؛ ل: رفتن گودرز بچنگ تورانیان؛ ق: رفتن گیو برسالت نزد پیران از پیش پدرش گودرز؛ ل: فرستادن گودرز گیو را نزد پیران به پیغام؛ متن = آغاز ف ۱۵- ل- س^۲ (نیزلی، ل، آ، ب، پ، ل، ن، آ، ب): سپاه؛ متن = ف (نیزلن، ق، آ، و) ۱۶- ف، س: زبید (حرف دوم نقطه ندارد)؛ ل، س: زبید (حرف دوم نقطه ندارد)؛ ق (نیزل، آ، ب): پیران؛ ل: زبند؛ (لن، و: زبند (حرفهای دوم و سوم نقطه ندارند)؛ ق: توران؛ آ: ربید)؛ متن = (لی، ل، ن، آ، بنداری) ۱۷- ل، ق (نیزلن، آ، ب): همی؛ متن = ف، س، ل، آ، س^۲ (نیزلن، ق، آ، و، آ) ۱۸- ف، س، س، س^۲ (نیزل، آ، ل، ن): نیزه گذار؛ ل: خنجر گزار؛ متن = ق (نیزلن، ق، آ) ۱۹- ل: لشکر دلاور سوار؛ س: لشکر فزون از هزار؛ ق: لشکر گزیده سوار؛ (لن، پ، ل، ن): لشکر همیدون هزار؛ ق: لشکر همه نامدار؛ ل: لشکر هشیوار کار؛ آ: لشکر سواری هزار؛ متن = ف، س، ل، آ، س^۲ (نیزلی، و، ب) این بیت را ندارند ۲۰- ق: وز ۲۱- ف: نام برده؛ (ق: آزموده)؛ متن = ل، ق، ل، آ، س^۲ (نیزل، ب) ۲۲- ل (نیزل، آ): هزار؛ س (نیزلن، و، ل، ن، آ) این بیت را ندارند؛ بنداری (۱۴۵-۱۴۷): ولما وصل الی زبید من نواحی بلخ أرسل ولده جیوا الی بیران مع عشرة من أمراء ایران، فی ألف فارس ۲۳- ف، س^۲ (نیزق، آ، ب): وی؛ متن = ل، س، ق، ل، آ، س^۲ (نیزلن، لی، آ) ۲۴- ق: سالار شیر ۲۵- ق: سر توگرد دلیر ۲۶- س: کرده ام در خورت ۲۷- س، ل، آ، س^۲ (نیزق، آ، ل، ن، و، ب): کشوری؛ ل (نیزلن، پ، ل، ن): که هستند سالار هر کشوری؛ ق (نیزآ): که سالار شایند هر (آ: بر) کشوری؛ متن = ف

بدان تا بنزدیک پیران شوی
 بگویی به پیران که من با سپاه
 شناسی تو گفتار و کردار خویش
 همه شهر توران^۴ بدی را میان
 فریدون فرخ که با داغ و درد^۶ ۱۵۵
 پُر از درد ایران، پُر از^۸ داغ شاه
 ز ترکان به تنها تو بر انجمن^۹
 دروغ ست بر تو همین^{۱۲} نام مهر^{۱۳}
 همانست کان شاه آزر مجوی
 بدان کو به گاه سیاوخش^{۱۹} رد ۱۶۰
 بنزد منش دستگاهست نیز
 گناهی که تا این زمان کرده‌یی
 همه^{۲۲} شاه بگذارد از تو همی^{۲۳}
 نباید که بر دست ما^{۲۴} بر تباه
 دگر^{۲۶} کز پی جنگ افراسیاب ۱۶۵
 بزرگان ایران و فرزندی من
 سخن هر چه^{۲۹} دانی بدیشان بگویی

بگویی و گفتار او بشنوی
 به زیبا رسیدم به فرمان شاه
 بی آزاری و رنج و آزار^۲ خویش^۳
 بیستند با نامدار^۵ گیان
 ز گیتی بشد دیده پُر آب زرد^۷
 که با سوگ ایرج نتابید ماه
 ستایی^{۱۰} به مهر و^{۱۱} وفا خویشتن
 نبینم به دلت اندر^{۱۴} آرام مهر^{۱۵}
 مرا گفت: با او^{۱۶} همه^{۱۷} نرم^{۱۸} گوی،
 نیفکند یک روز^{۲۰} بنیاد بد
 ز خون پدر بی‌گناهست نیز
 ز شاهان کسی را بیازرده‌یی^{۲۱}،
 بدی نیکی انگارد از تو همی^{۲۳}
 شوی بر گذشته فراوان^{۲۵} گناه
 زمانه همی بر تو گیرد^{۲۷} شتاب
 بخوانند بر تو همه پند^{۲۸} من
 و زیشان همیدون^{۳۰} سخن بازجوی

۱- ل: بزبند (حرفهای دوم و سوم نقطه ندارند)؛ س: بزبند (حرف سوم نقطه ندارد)؛ ل: بزبند؛ س: بزبند (حرف سوم نقطه ندارد)؛ (لن، آ: برید؛ ق: آ: بتوران؛ ل: ۳: ز ایران)؛ متن = ق (نیزلی، و، لن، آ، ب)؛ ف این بیت را ندارد ۲- ل، ق (نیزلی، و، آ، ب)؛ تیمار؛ (ق: بسیار)؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیزلی، لن، آ) ۳- ق: بیش ۴- ف (نیزلی، و)؛ ترکان؛ س: ۲: ایران؛ متن = ل، س، ل، آ (نیزلی، ق، ل، آ، ب) ۵- ل، ل، آ، س (نیزلی، ق، آ، لی، و، لن، آ، ب)؛ نامداران؛ متن = ف، ل، س؛ ق بیت های ۱۵۴-۱۵۶ را ندارد ۶- س: باداد کرد ۷- س: ۲: کرد؛ س: بداد و دهش گیتی آباد کرد؛ متن = ف، ل، ل ۸- س: ایران و بر؛ س: ۲: پس از این بیت افزوده است:

ز تور و ز سلم آمد این باد و دم که بر ایرج آمد از ایشان ستم

۹- ق (از انجمن؛ ل: ۳: با انجمن)؛ ل (نیزپ، لن، آ، ب)؛ توتنها از آن (پ، لن، آ: ابر؛ ب: و با) انجمن؛ س: توتنها تن خویشتن (پساوند ندارد)؛ ق: توتنها بی از انجمن؛ (لی: توشه را ازین انجمن)؛ متن = ف، ل، آ، س (نیزق، آ، و) ۱۰- ل، س، س، آ (نیزپ، و، لن، آ، ب)؛ شناسی؛ متن = ف، ق، ل، آ (نیزق، آ، ب) ۱۱- ل، س، ق (نیزل، آ)؛ [و] ۱۲- ق، س، آ: همی؛ ل: همه؛ متن = ف، ل، س ۱۳- ل، آ: تو ۱۴- س: نبینمت بر دلت ۱۵- ل: ۲: ببینم بدل دردت آرام تو (!)؛ س: ۲: نبینم دلت اندر آرام و مهر (!)؛ متن = ف، ل، ق ۱۶- ف، ق، ل، آ، س: ۲: او؛ متن = ل، س ۱۷- س: همی ۱۸- س: ۲: گرم ۱۹- (لی: سیاوش)؛ ل، ق (نیزب)؛ آ: از آن کو بیکار سیاوش؛ س (نیزلی، پ، لن، آ)؛ بدان جایگاه سیاوش (س: سیاوخش؛ پ: سیاوش)؛ س: ۲ (نیزآ)؛ بگو کان (آ: از آن کو) بگاه سیاوخش؛ متن = ف، ل، آ (نیزق، آ، و) ۲۰- س: بهرسو نیفکند ۲۱- ف: بیازرده‌یی (حرف یکم نقطه ندارد)؛ س: ۲: نیازرده؛ (ق، آ، ل: که آزرده)؛ ل، س، ق (نیزلی، آ)؛ گیتی که آزرده‌یی؛ ل: ۲: گیتی نیازرده؛ (پ، ب: گیتی بیازرده؛ و: یکی را بیازرده)؛ متن = (لن، لن، آ) ۲۲- ل، ق (نیزل، آ، ب)؛ همی؛ متن = ۲۳- ل، ق (نیزل، آ، ب)؛ همه؛ ل (نیزو)؛ آن از تو هم؛ متن = ف، س، س، آ (نیزلی، ق، آ، ب، لن، آ) ۲۴- س: من ۲۵- س، ل، آ، س (نیزو)؛ فراوان گذشته؛ متن = ف، ل، ق (نیزلی، لی، ل، آ، ب، لن، آ، ب) ۲۶- ل، آ، س: مگر ۲۷- س: گیرد از تو ۲۸- س این بیت را ندارد ۲۹- ل: هرچ ۳۰- س: همیدون از ایشان

<p>گذشتی ز تیمار^۳ و رستی به جان ز تیغ منت گردن آزاد گشت بماند^۴ به تو مهر و تخت^۵ و کلاه من و گرز و میدان و^۶ افراسیاب نباید بسی لشکر آراستن نباشی به جان امین از دست شاه^{۱۱} به گفتار هُشیار من^{۱۳} بگروی: به خون ریختن برنَوش آستین، جهانی^{۱۵} به بیدادبر کرد پست، بیندی فرستی بنزدیک من چه شان سر ستاند، چه بخشد کلاه نَبشته ست^{۱۹} فرخ^{۲۰} جهانبان من که شیر ژیان آورد پیش گرگ؟ زمانه جز از^{۲۳} خاک جایش نساخت^{۲۴} - همه دشمنِ جانِ تاریکِ تُست -: ز دینار و دیبا^{۲۶} و از^{۲۷} افسران، ز خفتان و از^{۲۹} خنجر هندوان، فرستی بنزدیک ما سربر^{۳۰}</p>	<p>گرت چیره^۱ گردد بریشان^۲ زبان برویم^۴ خویشان^۳ آباد گشت گر از تو پدیدار ناید^۵ گناه نجوم برین^۸ کینه آرام و خواب کزو شاه ما را به کین^{۱۰} خواستن وَر ایدونک سوی تو گردد گناه مگر^{۱۲} پند من سربر بشنوی نخستین کسی کو پی افگند کین به خون سیاوخش یازید^{۱۴} دست بسان سگان^{۱۶} شان از آن انجمن بدان تا فرستیمشان نزد^{۱۷} شاه همه نام هاشان^{۱۸} به دیوانِ من تو نشیدی آن^{۲۱} داستان بزرگ که هر کوبه خون گیان دست یاخت^{۲۲} دگر هر چه^{۲۵} از گنج نزدیک تُست ز اسپان پُرمایه و گوهران ز شمشیر و از ترگ^{۲۸} و برگستوان همه آلت لشکر و سیم و زر ۱۷۰ ۱۷۵ ۱۸۰ ۱۸۵</p>
--	--

۱- ل، آ، س: خیره (چیره)؛ متن ← ۲- س (نیز لن): بدیشان؛ ل، ق (نیز لی، ل، آ): اگر راست باشد دلت با؛ متن = ف (نیز ق، آ، پ، و، لن) ۳- س: تورستی ز پیمان ۴- ل، س: (نیز ق، آ، لی، و، آ): بوم و؛ س (نیز لن، پ، لن، آ): تن و بوم و (لن، آ): [و]؛ متن = ف، ق، ل (نیز ل، آ، ب) ۵- ل، ق (نیز ل): وراز تو پدیدار آید؛ متن ← ۶- ل، ق (نیز ل): نماند؛ متن = ف، س، ل، آ، س: (نیز لن، ق، آ، پ، و، لن) ۷- س (نیز لن، پ، لن، آ): تخت و مهر؛ ق (نیز ق، آ، ل): تاج و تخت؛ متن = ف، ل، آ، س: (نیز و) ۸- ق: بدین ۹- ل، س، س: (نیز لن، لی، پ، ب): [و]؛ متن = ف، ق، ل (نیز ق، آ) ۱۰- س: بخون؛ درس پس از این بیت، بیت های ۱۷۳-۱۷۵ دوباره آمده اند ۱۱- ل، ق (نیز لی، ل، آ): این بیت را ندارند ۱۲- ق: اگر ۱۳- ق: ما ۱۴- ل، ق (نیز ق، آ، ل، آ): سیاوش یازید؛ س، ل، آ، س: (نیز لن، لی، پ، لن، آ): سیاوش (پ: سیاوش) بیازید؛ (ب: سیاوخش بتازید)؛ متن = ف (نیز و) ۱۵- ل، ف، ل (نیز لی، آ، و): جهان را؛ متن = ل، س، ق، س: (نیز لن، ق، آ، پ، لن، آ، ب) ۱۶- ل، س، ق، س: (نیز لن، لی، ل، آ، پ، لن، آ، ب): سگانش؛ متن = ف (نیز و)؛ ل این بیت را ندارد ۱۷- ل، س، ق (نیز لن، ل، آ، پ، لن، آ، ب): فرستم بنزدیک؛ متن = ف، س: (نیز ق، آ، و)؛ ل (نیز لی، آ) این بیت را ندارند ۱۸- س (نیز لن، پ، لن، آ): نام ایشان؛ متن = ف، ل، آ، س: (نیز ق، آ، و، آ) ۱۹- س، س: (نیز لن، و، لن): نوشتست؛ متن = ف، ل (نیز ق، آ، پ، آ) ۲۰- س (نیز لن، ق، آ، پ، لن، آ): شاه؛ متن = ف، ل، آ، س: (نیز و)؛ ل، ق (نیز لی، ل، آ، ب) این بیت را ندارند ۲۱- س: این؛ ق این بیت را ندارد ۲۲- ل (نیز لن، ق، آ، ل، و): آخت؛ س: برد؛ ل، آ، س: (نیز لن، آ): تاخت (یاخت)؛ (لی: یافت) یاخت؛ آ: باخت یاخت؛ ب: باخت (حرف یکم نقطه ندارد)؛ متن = ف (نیز پ) ۲۳- ل، آ، س: (نیز لی، ل، آ، و): بجز؛ متن = س (نیز لن، ق، آ، پ، لن، آ، ب) ۲۴- س: نبرد (بساوند ندارد)؛ (لی، آ): نیافت (بساوند ندارند)؛ ق این بیت را ندارد ۲۵- ل: هرچ ۲۶- ل، س، ق: دیبا و دینار ۲۷- ل، ق، ل، آ، و: ۲۸- ف، ق، ل، آ، س: وز ترگ؛ ل: ز ترگ و ز شمشیر؛ متن = س ۲۹- ل، ق، ل، آ، س: وز ۳۰- س: دربر

به بیداد کز مردمان بستدی
بدان بازخری مگر جان خویش
چه اندرخور شهریارست از آن^۴
بخشیم دیگر همه بر سپاه
دگر آنک^۷ پور گزین ترا
برادرت هر دو سران سپاه
چو هر سه بدین نامدارانجمن
بدان تا شوم این از کار تو
بهی^{۱۰} آنگهی برگزین بر^{۱۱} دو راه:
خود و^{۱۳} دودمان پیش^{۱۴} خسروشوی
کنم با تو پیمان که خسرو ترا
ز مهر دل او تو آگه تری
بشویی^{۲۱} دل از مهر افراسیاب
و^{۲۳} از شاه ترکان بترسی ز بد
پرداز توران و برکش^{۲۴} به چاج^{۲۵}
ورت سوی افراسیابست رای

فرازآوریدی به راه^۱ بدی،
بینی سر و راه و^۲ درمان خویش
فرستم^۵ بنزدیک شاه جهان
به جای مکافات کرده^۶ گناه
نگهبان گاه و نگین ترا،
که هزمان^۸ برآزند گردن به ماه،
گروگان فرستی بنزدیک من،
برآرد^۹ درخت وفا بار تو
یکی راه یابی^{۱۲} بنزدیک شاه
برآن^{۱۵} سایه^{۱۶} مهر او^{۱۷} بغنوی
به خورشید تابان برآرد سرا
کزو چیز ناید^{۱۸} جز از^{۱۹} بهتری^{۲۰}
نبینی شب تیره او را^{۲۲} به خواب
نخواهی که آبی به ایران، سزد
بر تخت ساج و برافراز^{۲۶} تاج
برو نزد او^{۲۷}، جنگ ما را مپای^{۲۸}

۱- ل: زدست؛ س، ق (نیز لن - ب): ز راه؛ ل، آ، س: آ: بگناه؛ متن = ف ۲- س: یکی راه؛ ق: سرو کارو؛ ل، آ، س: (نیزو): سر راه و؛ ل (نیزق، آ، پ): ازین درکنی زود (ق: درد و)؛ متن = ف ۳- ف: چن (?): متن = ل - س: (نیز لن - ب) ۴- ف، س، ل، آ، س: (نیز ق، ل، ی، آ، ب): [از] آن؛ متن = ل، ق (نیز لن، پ، و، لن) ۵- ف، ل (نیزلی، و): فرستی؛ متن = ل، س، ق، س: (نیزهفت دستنویس دیگر) ۶- ف: گردد (!): متن = ل، ق، ل، آ، س: (نیزل، ق، ل، ی، ل، آ، ب)؛ س، س: (نیزلن، ق، ل، ی، ل، آ، ب) ۱۸۹- آ و ۱۹۱ ب یک بیت ساخته اند، ولی س: پس از بیت ۱۹۲ از ۱۹۱ آ و ۱۸۹ ب نیز یک بیت ساخته و بیت ۱۹۰ را هم افزوده است ۷- ل، ق (نیزل، آ): و دیگر که؛ متن = ف، ل (نیزو) ۸- س: هر دم ۹- س: بس آرد ۱۰- ل، آ: بهین؛ س: نهی (بهی)؛ متن ← ۱۱- (ل، ی، آ: از)؛ ل، س (نیزلن، لن): تونیز (س: تویی) آنگهی برگزین زین (ل: برگزینی)؛ ق (نیز ب): چو برخیزی و برگزینی؛ (ق: تو خود برگزین آنگهی؛ ل: روان آنگهی برگزین بر؛ و: بدین آنگهی برگزین زین)؛ متن = ف (ل، ل، آ، س، ل، ی، آ) ۱۲- ل، س، ق (نیزلن، ق، ل، آ، لن، آ، ب): جویی؛ متن = ف، ل، آ، س: (نیزلی، و، آ): بهی → بهین؟ ۱۳- ل: ابا؛ (لن، لن: چوبا)؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س: (نیزق، ل، ی، ل، آ، و، آ، ب) ۱۴- ل، س (نیزلن، ق، ل، آ، لن): نزد؛ متن = ف، ق، ل، آ، س: (نیزلی، و، آ، ب) ۱۵- ل، س، ق (نیزلن - ل، آ، و - ب): بدان؛ متن = ف، ل، آ، س: ۱۶- ف (نیزل): سایه و؛ متن = ل - س: (نیز لن، ق، ل، ی، و - ب) ۱۷- ف، س: وی؛ متن = ل، س، ق، ل (نیزلن - ل، آ، و - ب) ۱۸- ل، ق (نیزل، آ، ب): هیچ ناید؛ س (نیز لن، لن): تونبینی؛ متن = ف، ل، آ، س: (نیزلی، و) ۱۹- س: بجز؛ (ق: مگر) ۲۰- س، ق (نیزلن، ل، آ، و، لن): مهتری؛ متن = ف، ل، آ، س: (نیزق، ل، ی، آ، ب) ۲۱- س (نیزلن، ق، ل، آ، لن): بیزی؛ متن = ف، ل، ق، ل، آ، س: (نیزلی، و، آ، ب) ۲۲- ل: شب او را مگر هم ۲۳- ل، ق: گر ۲۴- ل (نیزق، ل، آ): بنشین؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س: (نیزهفت دستنویس دیگر) ۲۵- همه دستنویس ها: جاج ۲۶- ق: ابر تخت بنشین و بفراز ۲۷- ل: بکش لشکرو؛ س (نیزلن، ق، ل، آ): برو سوی او؛ متن = ف، ق، ل، آ، س: (نیزلی، و، لن، آ، ب) ۲۸- س: مپای

<p>۲۰۵</p> <p>که با آنک باید بسیچید^۱ جنگ به ترکان فنامن من از تخت بهر^۴ کزین^۶ بگذری گربه جنگت هواست بسیچیده‌ی جنگ^۸ خیز ایدر آی^۹ چو صف برکشند^{۱۱} از دو رویه سپاه گر این گفت‌های مرا نشنوی پشیمانی آنکه نداردت سود</p>	<p>۲۱۰</p> <p>بگفت این گو^{۱۵} پهلوان با پسر ز پیش پدر گیو شد تا به بلخ فرود آمد و کس فرستاد زود همان شب سپاه اندرآورد گرد که پیران بدان شهر بُد با سپاه فرستاده چون سوی پیران رسید بگفتش که آمد^{۲۱} سوی بلخ گیو چو بشنید پیران برافراخت گوش^{۲۳} بزد نای رویین و بریست کوس</p>
<p>۲۱۵</p> <p>که برخوان به^{۱۶} پیران همه سربسر^{۱۷} گرفته به یاد آن سَخُن‌های تلخ برآنسان^{۱۸} که گودرز فرموده بود برفت از در بلخ تا ویشگرد^{۱۹} که دیهم ایران همی‌جُست و گاه سپهدار پیران سپه را^{۲۰} بدید، ابا ویرگان سپهدار^{۲۲} نیو برآمد ز گردان لشکر خروش^{۲۴} شد از سم اسپان زمین آبنوس</p>	<p>۲۰۵</p> <p>که با آنک باید بسیچید^۱ جنگ به ترکان فنامن من از تخت بهر^۴ کزین^۶ بگذری گربه جنگت هواست بسیچیده‌ی جنگ^۸ خیز ایدر آی^۹ چو صف برکشند^{۱۱} از دو رویه سپاه گر این گفت‌های مرا نشنوی پشیمانی آنکه نداردت سود</p>

۱- (ق: بسیجم؛ ل: بسیجم به؛ لن: بسیجد به)؛ ل، ق (نیز ل، آ، ب): اگر (ق، ل، ب: وگر) تو (ل: خود) بخواهی بسیجید؛ س (نیز و): که با او (و: هر) که باید بسیجید؛ متن = ف، ل، آ، س (نیز لن) ۲- ف، ل، آ، س (نیز و): جنگ؛ ل (نیز ق، آ، ل): زور؛ س (نیز لن، لن، آ): دل چو؛ ق (نیز ل، آ، ب): فر؛ متن تصحیح قیاسی است ۳- ق (نیز ل، آ، ب): زور؛ متن = ف، ل، س، ل، آ، س (نیز لن، ق، آ، ل، و، لن، آ) ۴- س: میر (؟)؛ ل، آ: آن تخت و بهر ۵- س: نیر ۶- ق: ازین ۷- ق (نیز ب): رواست؛ س (نیز لن، لن، آ): سرت پرزبیراهی و کیمیاست؛ (ق: کز ایران همی جنگ جویی رواست)؛ متن = ف، ل، آ، س (نیز ل، و، آ)؛ ل (نیز ل) این بیت را ندارند ۸- س: رزم ۹- ق: بردار پای ۱۰- ق: رای ۱۱- ل، س، ق، س: برکشند (حرف پنجم نقطه ندارد)؛ ل: برکشید؛ متن = ف ۱۲- ق: شود ۱۳- ل بیت‌های ۲۰۷-۲۰۹ را ندارد ۱۴- ل، ق: ربود (ق در بالا افزوده است: درود)؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیز لن - ب) ۱۵- ل، س، ق (نیز لن - ب، ل، آ، ب): سخن؛ متن = ف، س (نیز و) ۱۶- س: برخواند ۱۷- ل، س، ق (نیز ق، آ، لن، آ، ب): در بدر؛ متن = ف، س (نیز لن، ل، آ، ب، و)؛ س، ل در اینجا سرنویس دارند، س: رفتن گیو برسولی بنزد پیران از نزد گودرز کشوادگان؛ ل: آمدن گیو نزد پیران و پیغام دادن ۱۸- س، ق: بدانسان ۱۹- ل - س (نیز لن - ب): ویسه کرد؛ بنداری: واشجرد؛ متن = ف: ویش کرد ۲۰- س (نیز لن، ق، آ، ل، آ، لن): ترکان سپه را؛ (ل، آ: پیران مرا و را؛ ب: ترکان مرا و را)؛ متن = ف، ل، ق، ل، آ، س (نیز و، ب) ۲۱- ل، س (نیز لن، ق، آ، ب، لن): بگفتند کامد؛ (ل، آ: بدو گفت کامد)؛ متن = ف، ق، ل، آ، س (نیز ل، و، ب) ۲۲- س (نیز لن، ق، آ، ب، لن): ابا او بزرگان و گردان (ق: مردان)؛ متن = ف، ل، ق، ل، آ، س (نیز ل، ل، آ، و، آ) ۲۳- ل، ق (نیز ل): کوس؛ متن ← ۲۴- ل، ق (نیز ل): شد از سم اسپان زمین آبنوس (۲۱۵ ب و ۲۱۶ آ را انداخته و از ۲۱۵ آ و ۲۱۶ ب یک بیت ساخته‌اند)؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیز لن، ق، آ، ل، ب)؛ س (نیز ق، آ، ل، آ) پس از بیت ۲۱۵ افزوده‌اند (بیت ۲۳۴):

بگفت از سواران ترکان کنون

برم من سوی شهر ایران کنون (ق: برم شهر ایران کم جوی خون)

صد و ده هزارش ز لشکر سوار
 ازیشان دو بهره همانجا بماند
 بیامد چو نزدیک جیحون رسید
 به جیحون بر^۴ از نیزه دیوار کرد
 دو هفته شد اندر سخُنشان درنگ
 ز هرگونه گفتند و پیران شنید
 بزرگان ایران زبان یافتند
 برافکند پیران هم اندر شتاب
 که گودرز کشوادگان با سپاه
 فرستاده آمد بنزدیک من
 مرا گوش و دل سوی^۹ فرمان تُست

سَخُن^{۱۱} چون به^{۱۲} سالارترکان رسید^{۱۳}
 فرستاد نزدیک پیران^{۱۴} سوار
 بدو گفت: بردار شمشیر کین
 نه گودرز باید که ماند نه گویو
 که بر ما سپاه آمد از چارسوی^{۱۹}
 بیارم سواران ترکان کنون
 به رای هُشیوار و مردانِ مرد

سپاهی ز جنگاوران برگزید
 ز^{۱۵} گردان شمشیرزن سی هزار^{۱۶}
 وُزیشان بپرداز روی زمین
 نه فرهاد و گرگین، نه^{۱۷} رُهام^{۱۸} نیو
 همی^{۲۰} تخت^{۲۱} ایران^{۲۲} کنند آرزوی^{۲۳}
 همه شهر ایران کم جوی^{۲۴} خون
 برآرم ز کیخسرو این بار^{۲۵} گرد

۱- ل، ق (نیز ل، ب): ده و دو؛ متن = ف، س، ل، آ، س^۲ (نیز هفت دستنویس دیگر) ۲- س: فرود آمدند از در؛ ق: فراز آورید از در؛
 متن = ف، ل، ل، آ، س^۲ ۳- ل: جهاننیده گان ۴- ق: همه؛ (ل: پراز) ۵- ل، ق (نیز ق، و، آ، ب): بریشان؛ س (نیز لن،
 پ): بایشان؛ (لی، ل، آ، لن: بدیشان)؛ متن = ف، ل، آ، س^۲ ۶- ل: نوندی؛ (لن: هیونی)؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س^۲ (نیز لن - و، آ،
 ب) ۷- س: نهادند ۸- ل: گردان؛ ق (نیز ب): ترکان؛ متن = ف، س، ل، آ، س^۲ (نیز لن - آ) ۹- ق: زیر؛ (ق: یکسر؛ ب: در
 زیر) ۱۰- ف، ل، س، س، س^۲ (نیز لن، ق، آ، لی، ل، آ، و، لن، آ، ب): روانم؛ ل^۲ (نیز پ، آ): زبانم؛ ق: زبانم به پیمان؛ متن تصحیح قیاسی
 است ۱۱- س: خبر ۱۲- ق: ز ۱۳- ق: شنید ۱۴- ل: توران ۱۵- س: که ۱۶- ق (نیز ل): چهل هزار؛
 (ب: صد هزار)؛ بنداری: اربعین ألف ۱۷- س، س، س^۲ (نیز ق، و): و ۱۸- ف، س^۲ (نیز و): بهرام (؟)؛ (ق: فرهاد؛ لن: گردان)؛
 متن = ل، س، ق، ل^۲ (نیز لن، لی، ل، آ، پ، آ، ب) ۱۹- س، س، س^۲: سو ۲۰- ل، آ، س^۲: همه ۲۱- ل: گاه ۲۲- ل، ق، س، س^۲
 (نیز لن، لی، ل، آ، پ، لن، آ، آ، ب): توران؛ س، ل: ترکان؛ متن = ف (نیز ل، و) ۲۳- س: آرزو؛ س: کند آرزو؛ در ل، س^۲: این بیت با
 بیت سپین پس و پیش شده است ۲۴- (ق، آ، لی، آ، رود)؛ س: بود جوی؛ س^۲: کم شهر ایران چو دریای؛ متن = ف، ل^۲ (نیز لن، ل، آ، پ،
 و، لن، آ، ب)؛ ل بیت ۲۳۴ و ق بیت های ۲۳۴-۲۳۸ را ندارند؛ ل بجای بیت ۲۳۴ افزوده است:

جفاپیشه گشتم ازین پس بچنگ

نجوم بـخـون ریختن بـر درنگ

چو پیران بدید آن سپاه بزرگ
برآشفت از آن پس که نیرو گرفت
جفایشه گشت آن دل نیک خوی^۴
به گیو آنگهی گفت: برخیز و رُو
بگوش که از من تو چیزی مجوی^۷ ۲۴۰
یکی آنک از^۹ نامداران گوان^{۱۰}
و دیگر که گویی سلیح و سپاه^{۱۲}
برادر که روشن جهان^{۱۴} من ست
همی گویی از خویشان دور کن
مرا مرگ باید بدان^{۱۷} زندگی ۲۴۵
یکی داستان زد برین بر پلنگ
به نام ار^{۲۰} بریزی ز من^{۲۱} - گفت - خون
و دیگر که^{۲۳} پیغام شاه آمده ست

چو^{۲۴} پاسخ چنن یافت^{۲۵} برگشت^{۲۶} گیو
سپهدار چون گیو برگشت ازوی ۲۵۰
بیامد چو^{۲۹} پیش گنابند^{۳۰} رسید

ابا لشکر و نامداران^{۲۷} نیو
خروشان سوی جنگ بنهاد روی^{۲۸}
برآن^{۳۱} دامن کوه لشکر کشید

۱- ل: کینه؛ س: از آن کار و نیرو ۲- س: (نیز ب): بشب؛ (لن: بهشت؛ ل: بشد) ۳- ل: نشستن ز سینه (!) ۴- ل: از
دل نیکخو؛ س: از دل آن نیکخوی ۵- ل: آرزو؛ س: در اینجا سرنویس دارد: باز آمدن گردان پیش پیران و یسه ۶- س: سپهدار
نو ۷- ق: مخواه ۸- ق: ندیدند راه ۹- ل: آن ۱۰- ل: نامدار کوان؛ س: (نیز لن): نامدار کیان؛ (لن):
نامداران کیان؛ ل: نامدار و کوان؛ متن = ف، ق، س: (نیز ل، و، آ، ب) ۱۱- ف: بکردار تو ای سران کی توان (!)؛ ل، ق: (نیز ل، آ، ب):
گروگان همی خواهی این کی توان؛ س: (نیز لن، ل): بر تو فرستاد (س: فرستاده) شاید توان؛ (ل، آ: فرستاد نزدیک تو کی توان)؛ متن = ل، آ،
س: (نیز و) ۱۲- ف: سلیح کوان (پساوند ندارد)؛ س: (نیز ل، و، ل، آ): سلاح و سپاه؛ ق: (نیز ب): دگر آنک گفتی سلاح (ب: سلیح) و
سپاه؛ متن = ل، ل، آ، س: (نیز لن، ق، آ، ل، آ، ب) ۱۳- ل: س: (نیز لن، ق، آ، ل، ل، آ): تخت؛ (ب: تیغ)؛ متن = ف (نیز
و) ۱۴- ق: روان ۱۵- س: (نیز لن، و، ل، آ): سرو؛ ل: سرو؛ متن = ف، ل، ق، س: (نیز ق، آ، ل، ب) ۱۶- س: (نیز لن،
ل): که بخرد (لن، ل: دانا) چنن خام داند ۱۷- ل، ق: (نیز و): بهتر از آن؛ س: (نیز لن، ل): باد اندر آن؛ (ق: خوشتر بران؛ ل: بهتر
بدان؛ ل: باشد بدین؛ آ: بهتر بران؛ ب: بهتر از این)؛ متن = ف، ل، آ، س: ۱۸- ل، س: (نیز لن، ق، آ، ل، و، ل، آ، ب): چو؛ متن = ف، ق،
ل، آ، س: (نیز ل، ل): جنگی برآمد بچنگ؛ ق: نژش همی خاست جنگ؛ (آ: در کده شد تیزچنگ)؛ متن = ف، ل، ل، آ،
س: (نیز ق، آ، ل، و، ب) ۲۰- ف پاک شده است ۲۱- ل، ق: مرا؛ متن = ف، س، ل، آ، س: ۲۲- ف: زندگی؛ متن = ل -
س: (نیز لن - ب) ۲۳- ق: دگر آنک؛ ل: این بیت را ندارد ۲۴- ف پاک شده است ۲۵- ق: گفت ۲۶-
س: برجست ۲۷- ل: لشکری نامبردار و؛ س، ل: (نیز ق، آ، ل): لشکر نامبردار؛ ق: (نیز آ): لشکری نامبردار؛ متن = ف، س: (نیز لن، ل، آ،
و، ل، آ) ۲۸- ق: این بیت را ندارد؛ در ل پس از این بیت، بیت ۲۶۶ آمده است ۲۹- س: چو آمد به ۳۰- ل: کیابد؛ س: آ
(نیز و): کسابد (حرف دوم نقطه ندارد)؛ بنداری: کیابد؛ متن = ف، ل، س، ق: (نیز لن، ق، آ، ل، ل، آ، ب) ۳۱- س، ق، ل: بدان

بزد کوس و آمد ز زبیدا ^۱ به راه کشیدند لشکر برآن ^۲ پهن دشت به هامون سپاه از پس ^۳ پشت کوه به روز اندرون روشنایی نماند ز ترکان میان ^۴ بسته‌ی کارزار همه نیزه و تیغ هندی به چنگ به سر برنهادند ^۵ از آهن کلاه ^۶ بجنبدهمی کوه گفتی ز جای ^۷ در و دشت ازیشان ^۸ کبود و سیاه ^۹ ز نیزه هوا جز به جوشن نماند بشد روشنایی ز خورشید و ماه از ^{۱۰} آهن زمین بود و از ^{۱۱} گرز میغ ز ترگ و سنان آسمان آهنین که برسان دریا زمین بردمید، گسسته نشد، شب برآمد ^{۱۲} ز کوه فرازآوردند و بستند راه از ^{۱۳} آوای ^{۱۴} گردان پرخاشجوی،	چو دانست گودرز کامد سپاه ز کوه اندرآمد به هامون گذشت به دشت اندرآورد لشکر ^{۱۵} گروه چو پیران سپاه از گنابده ^{۱۶} براند سواران ^{۱۷} جوشن وران صد هزار برفتند ^{۱۸} بسته کمرهای ^{۱۹} جنگ بکردار کوه از دو رویه سپاه برآمد خروشیدن گره‌نای ^{۲۰} ز زبید ^{۲۱} زمین ^{۲۲} تا گنابده ^{۲۳} سپاه ز گرد سپه روز روشن نماند از ^{۲۴} آوای ^{۲۵} اسپان و گرد سپاه ستاره سنان بود و خورشید تیغ بتوفید از ^{۲۶} آوای ^{۲۷} گردان زمین چو گودرز توران ^{۲۸} سپه را بدید درفش از درفش و گروه از گروه چو شب تیره شد پیل پیش سپاه برافروختند آتش از هر دو روی
--	--

۱- ل: زبید (حرف های دوم و سوم نقطه ندارند)؛ ل: ریند؛ س: (نیز لن): رید؛ متن = س، ق (نیز لی، پ، و، لن، آ) ۲- س، ق، ل، ل، س (نیز لن، لی، ل، آ، پ، آ، ب): بدان؛ متن = ل (نیز ق، و، لن) ۳- ق (نیز لی، آ، ب): یکسر؛ متن ← ۴- ق (نیز لی، آ، ب): آمد از؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیز ق، ل، آ، و)؛ ل (نیز لن، پ، لن، آ) این بیت را ندارند ۵- س، س، س (نیز و): کساید (حرف دوم نقطه ندارد)؛ ل: آ: کساید؛ متن = ف، ل، ق (نیز لن، ق، ل، لی، پ، لن، آ، ب) ۶- س: سواران و ۷- ل، س (نیز لن، ق، آ، پ، لن، آ): کمر؛ متن = ف، ق، ل، آ، س (نیز لی، و، آ، ب) ۸- س: برفتند و ۹- ل، س (نیز لن، پ، لن، آ): کمرها به؛ ق: یکسر همه دل به؛ متن = ف، ل، آ، س (نیز لی، و)؛ درل پس از این بیت، بیت های ۲۶۷ و ۲۶۸ آمده اند ۱۰- ل، آ، س: برنهاد؛ متن ← ۱۱- ل (نیز لن، ق، آ، پ، لن، آ): ز آهن بسر برنهاد کلاه؛ س: از آهن نهاده بسر بر کلاه؛ ق (نیز ل): بشد روشنایی ز خورشید و ماه (۲۷۳ ب- ۲۷۷ آ را انداخته و از ۲۷۳ آ و ۲۷۷ ب یک بیت ساخته اند)؛ متن = ف (نیز و)؛ س در اینجا سرنویس دارد: لشکر کشیدن پیران بر جنگ گودرز ۱۲- ف، ل، س: کرتای ۱۳- درل^۲ لت دوم این بیت پاک شده است ۱۴- ف، س: زبید (حرف دوم نقطه ندارد)؛ ل: زبید (حرف های دوم و سوم نقطه ندارند)؛ ل: زبید؛ لن: ریند (حرف دوم نقطه ندارد)؛ ق: ریند؛ آ: رید؛ متن = س (نیز لی، پ، و، لن، آ) ۱۵- ل: همی؛ س (نیز لن، پ، لن، آ): دمان؛ متن = ف، ل، آ، س (نیز ق، ل، لی، و، آ) ۱۶- س (نیز و): کساید (حرف دوم نقطه ندارد)؛ ل: آ: کساید؛ متن = ف، ل، س (نیز لن، ق، ل، لی، پ، لن، آ) ۱۷- ل: از ایران ۱۸- س: بشد روشنایی ز خورشید و ماه (۲۷۵ ب- ۲۷۷ آ را انداخته و از ۲۷۵ آ و ۲۷۷ ب یک بیت ساخته است) ۱۹- ل، س: ز ۲۰- ل، ل: آواز؛ متن = ف، س ۲۱- ف، ل، آ، س: ز؛ متن = ل، س، ق ۲۲- ف، ل، ق، ل، آ، س: وز؛ متن = س ۲۳- ل: ز ۲۴- ل، ق، ل: آواز؛ متن = ف، س؛ س این بیت را ندارد ۲۵- ق: پیران ۲۶- ق: تاشب آمد؛ متن = ف، ل، س، ل (نیز لن، ق، ل، آ، ب)؛ س بیت های ۲۸۱ و ۲۸۲ را ندارد ۲۷- ق: وز ۲۸- ل، س، ق، ل: آواز؛ متن = ف، س

<p>جهان سربسر گفتی آهَرَمَن ست^۱ ز بانگ تبیره به سنگ اندرون سپیده برآمد ز کوه سیاه بدآسوده^۷ اسپ اندرآورد پای سپه را سُوی میمنه کوه بود^{۱۰} سُوی میسره رود و^{۱۲} آب روان پیاده که بُد درخور^{۱۵} کارزار صفی برکشیدند نیزه وران همیدون پیاده بسی^{۱۹} نیزه دار کمان ها فکنده به بازو درون پس پشت ایشان سواران جنگ پس پشت لشکر ز پیلان گروه^{۲۴} درفش خجسته میان سپاه ز پیلان زمین سربسر پیلگون^{۲۵} درفشیدن^{۲۷} تیغ های بنفش تو گفتی که اندر^{۳۰} شب تیره چهر بیاراست لشکر بسان بهشت فریبرز را داد پس^{۳۳} میمنه</p>	<p>۲۸۵</p> <p>۲۹۰</p> <p>۲۹۵</p> <p>۳۰۰</p>	<p>به دامن بر از راستی^۲ دشمن ست^۳ بدزید دل در^۴ شب قیرگون^۵ سپهدار ایران^۶ به پیش سپاه، یلان را ز^۸ هر سو همی ساخت^۹ جای ز جنگ دلیران بی اندوه^{۱۱} بود چنان^{۱۳} درخور آمد چو تن را روان^{۱۴} بفرمود تا پیش روی سوار^{۱۶}، سپردار و بر^{۱۷} بادپایان سران^{۱۸} ابا^{۲۰} ترکش و تیر جوشن گذار^{۲۱} همی از جگرشان بجوشید^{۲۲} خون کز آتش به خنجر بردند^{۲۳} رنگ زمین از پی پیل گشته ستوه ز گوهر درفشان بکردار ماه، ز گرد سواران هوا نیلگون^{۲۶}، از آن^{۲۸} سایه ی کاویانی درفش^{۲۹}، ستاره همی برفشانند^{۳۱} سپهر به باغ وفا^{۳۲} سرو کینه بکشت پس پشت لشکر حصار و بُنه^{۳۴}</p>
---	---	--

۱- ل (نیزی، آ، ب): از آهنتست؛ (ق، آ، و: اهریمنست)؛ متن = ف، س، ق، ل، س، ۲ (نیزلن، ل، پ، ل، ن، ۲) ۲- ل (نیزلن، ق، آ، پ، ل، ن، ۲، آ): برآز آستین (؟)؛ س (نیزی): برآز آستی (؟)؛ ل: برآز آستی (آستین)؛ س: ترا راستی؛ (و: برآز روشنی (!))؛ ب: بر آستین)؛ متن = ف (؟) ۳- (و: جوشنتست؛ ل: ویا ازدها خفته در جوشنتست) ۴- ل: بدرد دل اندر؛ متن = ف، س، ق، ل، س، ۱ (نیزلن - ب) ۵- س: تیره گون ۶- ق: پیران ۷- ل- س، ۱ (نیزلن - ل، و- ب): باسوده؛ (پ: برآسوده)؛ متن = ف ۸- ل، س: به؛ متن = ف، ق، ل، س، ۲ ۹- س: جست ۱۰- ق: سپهد سوی میمنه کرده بود (!) ۱۱- ف: بدانبوه (؟)؛ (ل، ۳): بی انبوه)؛ متن = ل- س، ۲ (نیزهشت دستنویس دیگر) ۱۲- ق، ل، س، ۲: [و] ۱۳- ق: چوجان ۱۴- س: سپردار و ز بادپایان سران (۲۸۹ ب- ۲۹۱ آ را انداخته و از ۲۸۹ آ و ۲۹۱ ب یک بیت ساخته است) ۱۵- ل (نیزق، ل، ۲، ب): که اندرخور؛ ق: چو اندرخور؛ ل، ۲: کند (کبد = که بد)؛ (آ: که بود از در)؛ متن = ف، س، ۲ (نیزی، و) ۱۶- ق: پیش روده هزار ۱۷- ف، س، ۲ (نیزآ): سپردار بر؛ س: سپردار و ز؛ (ق، آ، ل: سپردار با)؛ متن = ل، ۲ (نیزو) ۱۸- ل، ق (نیزب): ابا گرزداران و (ل) [و] کنداوران ۱۹- س، ق، ل، ۲، س، ۱ (نیزلن، ل، پ، ل، ن، ۲، آ، ب): پس؛ متن = ف، ل (نیزق، و) ۲۰- ل: چه با؛ متن = ف، س، ق، ل، س، ۱ (نیزلن - ب) ۲۱- س: نیز نیزه گذار ۲۲- ل، س، ۲: بیارید ۲۳- ل: ببرد؛ درس ۲ پس از این بیت، بیت ۲۹۷ آمده است ۲۴- س: چو کوه ۲۵- ل، س، ۲ (نیزو): سلگون (حرفهای یکم و دوم نقطه ندارند)؛ ق، س، ۱ (نیزلن - ب، ل، ن، ۲، پ): نیلگون (س، ۲، ب پساوند ندارند)؛ متن = ف (نیزآ) ۲۶- ق: تیره گون؛ ل، ۲ (نیزق، ۲): پیلگون؛ (ل، ن، پ، ل، ن): جوش خون؛ ل: میلگون؛ ل، ۲: قیرگون)؛ متن = ف، ل، س، س، ۲ (نیزو، آ، ب) ۲۷- ل: درخشیدن ۲۸- ف: وزان (!)؛ متن = ل- س، ۱ (نیزلن - ب) ۲۹- بنداری: درفش جاویان ۳۰- س: همی از ۳۱- ق: بیاره (!) همی سرفشانند؛ س این بیت را ندارد ۳۲- ق: جهان ۳۳- ق: داشت بر ۳۴- ق: پس لشکراو حصاربنه؛ ف پس از این بیت افزوده است: بگفتش که توجای خود گوش دار شب و روز جان و روان هوش دار

گرازه^۱ سر تخمه‌ی گیوگان
 به یاری^۳ فریبرز برخاستند
 به رُهام فرمود پس پهلوان
 برو با سواران سویی میسره
 ۳۰۵
 بیفروز لشکرگه^۷ از فرّ خویش
 بدان آبگون خنجر نیوسوز

ز گردان لشکر یکی گُستهم^{۱۲}،
 فروهل که بگذاشت از چرخ^{۱۴} تیر
 برفتند برگُستوانور سوار
 که بُد جای گردان پرخاشجوی
 چو گرگین و چون زنگه‌ی شاوران
 نگهبان لشکر سویی رودبار
 درفشی و سیصد ز گردان گروه^{۱۸}
 برآمد، برآورد از انبوه سر^{۲۱}
 از آن^{۲۲} دیدگه^{۲۳} دیدبان^{۲۴} ساخته
 پی مور دیدی نهاده به راه
 بگفتی و گودرز^{۲۶} برخاستی

برفتند یارانش با^{۱۱} او بهم
 دگر گزدهم^{۱۳} رزم را ناگزیر
 ۳۱۰
 بفرمود تا گیو با^{۱۵} دوهزار^{۱۶}
 سپرد آن زمان پشت لشکر بدوی
 برفتند با گیو جنگاوران
 درفشی فرستاد و سیصد^{۱۷} سوار
 همیدون فرستاد بر سوی کوه
 یکی دیدبان^{۱۹} بر سر کوه بر^{۲۰}
 ۳۱۵
 شب و روز گردن برافراخته
 بجستی^{۲۵} همی تا ز توران سپاه
 ز دیده خروشیدن آراستی

۱- بنداری: برازه ۲- ل (نیزل^۲): نگهدار؛ ل^۲ بیت‌های ۳۰۲ و ۳۰۳ را ندارد ۳- ل: بیار؛ متن = ف، س، ق، س^۲ (نیزلن- ب) ۴- س (نیزلن، پ، ل، ن): ز ۵- س، ق، ل، س^۲ (نیزل^۳، آ): [و؛ متن = ف، ل (نیزق^۲، ل، و، ب) ۶- (لن: هور و بره؛ پ: و هور و بره)؛ ل (نیزق^۲): نگهدار چنگال گرگ از بره؛ ق (نیزلی، آ، ب): نگهدار از یوز آهوره؛ (ل^۳: نگهدار شیران و آهوره)؛ متن = ف، س، ل، س^۲ (نیزو، لن^۲) ۷- س: لشکر تو ۸- س^۲: پیش (پساوند ندارد) ۹- س: از ۱۰- ف، ل، ق، ل، س^۲ (نیزلن، ل، پ، لن، آ): رزم توز؛ س (نیزو): رزم توز (حرف چهارم نقطه ندارد)؛ (ق: سازتوز؛ ل^۳: کینه توز؛ ب: جنگ یوز)؛ متن تصحیح قیاسی است (ب: لغت دری، ص ۱۱۵؛ لغت شهنامه، شماره ۲۷۶۵) ۱۱- ق: ابا (!) ۱۲- س: کردهم ۱۳- ف (نیزلن^۲): کردهم؛ س: کستهم؛ ق، ل^۲ (نیزب، بنداری): کردهم؛ متن = ل، س^۲ (نیزلن- آ) ۱۴- ل، ق: بگذارد از سنگ؛ س (نیزلن، ل، پ، لن^۲): بگذارد از چرخ؛ (ق: از چرخ بگذاشت؛ ب: از سنگ بگذاشت)؛ متن = ف، ل، س^۲ (نیزلی، و، آ) ۱۵- ل (نیزلن^۲): با گیوتا؛ س: نا گیوتا (حرف‌های یکم و ششم نقطه ندارند)؛ متن = ف، ق، ل، س^۲ (نیزلن- و، آ، ب) ۱۶- ف، ق، ل، س^۲ (نیزلی): ده هزار؛ متن = ل، س، س^۲ (نیزلن، ق، آ، ل- ب)؛ بنداری: و أمر جیوا بأن یحفظ ظهر العسکر مع جرجین و زنکه فی ألی فارس ۱۷- ق: پانصد؛ بنداری: ثلاثمائة فارس ۱۸- ق این بیت را ندارد ۱۹- ل، ق، ل، س^۲ (نیزلن- ب): دیده بان؛ متن = ف، س (نیزبنداری) ۲۰- ل، س (نیزلن، ق، ل، پ، لن، آ): کوهسار؛ متن = ف، ق، ل، س^۲ (نیزل^۳، و، ب) ۲۱- ل، س (نیزلن، ق، ل، پ، لن، آ): نگهبان روز و (ق: لشکر) ستاره شمر (= ۳۴۹)؛ (ل^۳: برآمد برافراز آن کوه سر؛ و: برآورد از آنجا در انبوه سر)؛ متن = ف، ق، ل، س^۲ (نیزب)؛ درلی، آ این بیت یکبار هم برابر ضبط متن آمده است ۲۲- س: وزان ۲۳- ل، ق، ل، س^۲ (نیزلن، ل، ب): دیده گه؛ متن = ف، س ۲۴- ل، ق، ل، س^۲ (نیزلن- آ): دیده بان؛ متن = ف، س (نیزب) ۲۵- ل، س، ق، ل، س^۲ (نیزلن، ق، ل، و): بجستی (حرف یکم نقطه ندارد)؛ س^۲: بجستی؛ متن = ف (نیزل^۲، آ، ب) ۲۶- ل، س، ق (نیزق^۲، ل، آ): بگفتی بگودرز؛ متن = ف، ل، س^۲ (نیزلن، پ، و، لن، ب)

<p>۳۲۰</p> <p>برآنسان^۱ بیاراست آن رزمگاه چو سالار شایسته باشد به جنگ وُزآن^۵ پس بیامد به سالارگاه درفش دل افروز بر پای کرد سران را^۷ همه خواند نزدیک خویش به دست چپش رزم دیده هجیر بیستند از^{۱۰} آهن به گردش سرای^{۱۱} سپهدار گودرزشان در میان همی بستند از ماه و خورشید^{۱۴} نور؛ بدان ساز^{۱۵} و آن لشکر آراستن در و دشت و کوه و بیابان سنان سپهدار ترکان^{۱۹} غمی گشت سخت وُزآن^{۲۱} پس نگه کرد جای سپاه نه آوردگه دید و نه جای صف برآنسان که آمد^{۲۴} ببايست ساخت پس از نامداران و گردان خویش^{۲۶}</p>	<p>که رزم آرزو^۲ کرد خورشید و ماه^۳ نترسد سپاه از دلاورهنگ^۴ که دارد سپه را ز دشمن نگاه یلان^۶ را به قلب اندرون جای کرد پس پشت شیدوش و فرهاد^۸ پیش سوی راست گتماره^۹ شیرگیر پس پشت ییلان جنگی به پای^{۱۲} درفش از برش^{۱۳} سایه ی کاویان، نگه کرد پیران به لشکر ز دور، دل از زنگ^{۱۶} و تیمار پیراستن^{۱۷}، عنان بافته سربسر در^{۱۸} عنان، برآشفت با تیره خورشید و^{۲۰} بخت نیامدش بر آرزو^{۲۲} رزمگاه همی برزد از خشم کف را به کف^{۲۳} چو سوی ییلان چنگ بایست یاخت^{۲۵} کسی کوگند^{۲۷} جنگ را دست پیش^{۲۸}،</p>
--	--

۱- ل، ق: بدانسان ۲- ل: آرزوی ۳- س: یکسر سپاه ۴- ق: پلنگ ۵- ل، ل، ل، س: از آن؛ متن = ف، س، ق ۶- ل، س (نیز لن، ل، آ، پ، لن): سپه؛ متن = ف، ق، ل، آ، س (نیز ق، آ، لی، و، آ، ب) ۷- ق: سواران ۸- ق: رهام و شیدوش؛ بنداری: و اوقف قدامه فرهاد، و وراء ظهره شیدوش ۹- ف، ل (نیز ق، آ، لی، آ): کتماره (حرف دوم نقطه ندارد)؛ ل (نیز لن): کتماره؛ (ل: کرازه)؛ متن = (لن، پ، و، بنداری؛ بیت ۱۷۱۴)؛ ق، س این بیت را ندارند ۱۰- ف، ل، ق: ز؛ متن = س، ل ۱۱- ق: سواره؛ ل: بجای؛ متن = ف، ل، س (نیز لن - آ)؛ بنداری: فصار کانه فی حصن من الحديد ۱۲- ق: هزاره؛ س این بیت را ندارد ۱۳- ل: سرش؛ س بیت های ۳۲۶-۳۲۸ را ندارد ۱۴- ف: خورشید و ۱۵- ل: برانسان؛ س: بران ساز ۱۶- ف، ل: رنگ؛ ل، ق (نیز ب): ننگ؛ (لن، ق، آ، پ، لن: رنج؛ و: گرم)؛ متن = س (نیز لی، آ) ۱۷- ل (نیز ب): برداشتن؛ ق: برگاشتن؛ (لن، پ، لن: برکاستن)؛ متن = ف، ل، آ، س (نیز ق، آ، لی، آ) ۱۸- ل، ق (نیز ل، آ، ب): با؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیز هفت دستنویس دیگر) ۱۹- ل، ق (نیز لن، ب): پیران؛ (پ، لن: توران)؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیز ق، آ، لی، ل، آ، و، آ) ۲۰- س، ق، ل (نیز لی، ل، آ، پ، لن، آ): [و]؛ متن = ف، ل، س (نیز لن، ق، آ، و، ب) ۲۱- ل: از آن ۲۲- ل: آرزوی؛ س: نیامد بکامش و را؛ ف در اینجا سرنویس دارد: گفتار اندر دیدن پیران که گودرز چون ترتیب مصاف گاه داد و ترتیب دادن او لشکر را برابر او بر کوه و دشت ۲۳- ف این بیت را ندارد؛ متن = ل - س (نیز لن - ب) ۲۴- ل: برانگونه کامد؛ ق (نیز لن - ب، لن، آ): بدانسان که آمد؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیز و، ب) ۲۵- ف، ل (نیز ق، آ، لی، آ): جنگ بایست ساخت (بساوند ندارند)؛ ل، ق (نیز ب): جنگ بایست آخت؛ س (نیز لن، لن): اسب بایست تاخت؛ س: دست بایست یاخت (حرف یکم واژه بسین نقطه ندارد)؛ (لی: جنگ بایست سخت!)؛ ب: جنگ بایست تاخت؛ و: بنا کام لشکر گهی بفراخت)؛ متن تصحیح قیاسی است ۲۶- ل: نامداران افراسیاب (= ۳۳۴ + ۳۳۵) ۲۷- س: نهد؛ متن ← ۲۸- ل: دست را جنگ پیش؛ (لن: جنگ را پای پیش؛ آ: رزم را دست پیش)؛ ل: کسی کش سر از کینه گیرد شتاب (= ۳۳۵ ب)؛ ق (نیز ل، آ، ب): بیاورد از ایشان بنزدیک خویش؛ متن = ف، س (نیز لن، ق، ل، پ، و)

<p>کسی که ش برآن^۱ کینه گیرد شتاب، که بودند شایسته‌ی کارزار سپاهی برینسان همه^۲ رزم‌خواه نهاد سپه را و برداشت^۳ را ابا سی‌هزار از دلیران گرد ابا سی‌هزار از دلیران مرد^۴ جهان سربر گشت^۵ از آهن سیاه سپهرم که بُد روز فریاد را به پشت سواران خنجرگزار^۶ ابا ده‌هزار از یلان ختن^۷ کمینگه کند با یلان دلیر، سپهدار ایران شود زو^۸ ستوه، بجنبد ابر^۹ خویشتن بیشتر، پس پشت او اندرآید^{۱۰} دلیر نگهبان روز و ستاره‌شمار^{۱۱}،</p>	<p>۳۳۵ وُزآن جنگ‌سازان افراسیاب گُزین کرد شمشیرزن سی‌هزار به هومان سپرد آن زمان قلبگاه بخواند اندریمان و اخواشت^{۱۲} را چپ رزمگاهش^{۱۳} بدیشان^{۱۴} سپرد ۳۴۰ چو لَهاک جنگی و فرشیدورد گرفتند بر میمنه جایگاه چو زنگاله و گرد^{۱۵} گلباد را فرستاد^{۱۶} با نیزه‌ور ده‌هزار برون رفت رویین رویینه‌تن^{۱۷} ۳۴۵ بدان تا بدان بیشه او همچو^{۱۸} شیر طلایه فرستد به رود و به^{۱۹} کوه از آن^{۲۰} رزمگه پی نهد پیشتر سپهدار^{۲۱} رویین بکردار شیر همان دیدبان^{۲۲} بر سر کوهسار^{۲۳}</p>
--	--

- ۱- ل، ق (نیزلی، ل، آ، ب): سراز؛ س (نیزلن، پ، ل، ن): بدان؛ ل، آ، س: برآز (بران)؛ متن = ف (نیزق، و) ۲- ل (نیزق): هزبر اوژن و؛ س (نیزلن، پ، ل، ن، آ): هزبرافکن؛ ق (نیزب): بدینسان همه؛ س: برانسان همه؛ (لی: هزبرافکن؛ ل: بدینسان چو)؛ متن = ف، ل (نیزو) ۳- ل، ق: اوخواست؛ س: اخواشت؛ (لن، پ، ل، ن، آ، ب: اخواشت؛ لی: اوخواست؛ ل: اوخواست؛ بنداری: اوخواست)؛ متن = ف، س ل (نیزق، و، آ) ۴- س (نیزلن، ل، ن، آ): و برکاست؛ ل، ق (نیزلی، ل، آ، پ، ب): نهاد؛ (لی، ب: نهاده؛ ل: نهادند) چپ لشکر و (ل، آ، ب: [و]) راست؛ س: نهاده سپه را و برداش؛ متن = ف (نیزق، و، آ) ۵- ل، ل، آ، س: لشکرش را؛ متن = ف، س، ق (نیزلن، لی، ل، آ، و، ل، ن) ۶- ف، س (نیزلن، ل، ن، آ): بایشان؛ متن = ل، ق، ل، آ، س: (نیزق، و، آ، ب) ۷- س: یلان نبرد ۸- س: بسته ۹- ل، ل، آ، س: ز؛ متن = ف، ق؛ س بیت‌های ۳۴۱-۳۴۳ را ندارند ۱۰- ف: ژنگاله و گرد؛ ل (نیز ل): زنگوله گرد و؛ ق: زنگوله کرد و؛ ل (نیزلن، ق، آ، لی، پ، و، ل، ن): زنگاله گرد و؛ س: زنگاله و گرد و؛ (ب: زنگوله و گرد)؛ متن = (آ، ب، ف): بنداری: زنگاله ۱۱- ل، ق (نیزلن، ق، آ، لی، پ، ل، ن، آ، ب): برفتند؛ متن = ف، ل، آ، س: (نیزو) ۱۲- ف (نیزلن): خنجرگذار ۱۳- ف: رویینه‌تن ۱۴- س، ق (نیزلن، پ، ل، ن، آ، ب): انجمن؛ متن = ف، ل، آ، س: (نیزو) ۱۵- ل: تا در آن بیشه اندر چو؛ س (نیزلن): تا در بیشه را همچو؛ ق: تا بدان بیشه باشد [چو]؛ (ق: تا بدان جای در همچو؛ لی، پ، و، آ: تا در آن (و: بران) بیشه او (پ، و: بر) همچو)؛ متن = ف، ل، آ، س: (نیزب)؛ در ل، آ، س: پس از این بیت، بیت ۳۴۹ آمده است ۱۶- ل: فرستاد بر سوی؛ ل، آ، س: (نیزلن، ق، آ، لی، پ، و، ل، ن، آ): فرستاد (پ، ل، ن، آ، ب: آ: فرستد) بر (آ: سوی) رود و؛ متن = ف، س ۱۷- ل، آ، س: (نیزلی، و): بشد زان؛ متن = ف، ل، س (نیزق، آ، پ، ل، ن، آ): ق (نیزل، آ، ب) بیت‌های ۳۴۶-۳۴۸ را ندارند ۱۸- ل، س (نیزلن، پ): گراز؛ ل، آ، س: (نیزلی): که زان؛ (و، ل، ن، آ: کزان)؛ متن = ف ۱۹- ف: نجنبد ابر؛ ل: و گر جنبد از؛ س، ل، آ، س: (نیزق، و): نجنبد ابر (حرف یکم نقطه ندارد)؛ (ل، لی: نجنبد بر (حرف یکم نقطه ندارد))؛ متن = (پ، ل، ن، آ) ۲۰- ف: سپه دیده (؟)؛ متن = ل، س، ل، آ، س: (نیزلن، ق، آ، لی، پ، و، ل، ن، آ) ۲۱- س، ل، آ، س: (نیزق، آ، لی، ل، ن، آ): اندرآمد؛ متن = ف، ل (نیزلن، پ، و)؛ بنداری (۳۴۴-۳۴۸): و امر رویین آن یکن مع عشرة آلاف آخرین، و فرق الطلائع علی جانبی الجبل والماء. فرأی جودرز من الرأی ألا یزایل ذلک الموقف ولا بقدر خطوة. لأنه لو تحرك من ذلک المكان لأتاهم رویین بأصحابه من وراء ظهورهم ۲۲- ل، ق، ل، آ، س: (نیزلن، ب): دیده بان؛ متن = ف، س ۲۳- ل: کوه کرد؛ ل (نیزو): کرد (و: کرده) بر کوهسار؛ متن = ف، س، ق، س: (نیزهشت دستنویس دیگر) ۲۴- ل: که جنگ سواران بی‌اندوه کرد؛ (ق: نگهبان بدو هم ستاره‌شمار؛ ل: نگه کرد روز ستاره‌شمار)؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س: (نیزلن، لی، پ، ب)؛ در ل، آ، س: این بیت پس از بیت ۳۴۵ آمده است

عنان تافتی سوی سالار ^۲ تور، همه رزمگاه ^۳ آمدی زو به ^۴ جوش	ازا ایرانیان گر سواری ز دور نگهبان دیده گرفتگی خروش	۳۵۰
همه نامداران پرخاشجوی، تو گفتی یکی را ^۶ نجیب لب سپارم بدیشان، نهم پای پیش، نماند جزاز ^۹ باد در مشت من همی جست نیک اختر هور و ماه کدامست و جنبش کجا بهترست ^{۱۲} که چشم سواران پیوشد به ^{۱۳} گرد بکردار باد اندرآرم سپاه که گودرز را دل بجوشد ^{۱۹} ز ^{۲۰} خشم کمین اندرآرد ^{۲۲} ز پیشش به راه ^{۲۳}	دو لشکر به روی اندرآورده ^۵ روی چنین ایستاده سه روز و سه شب همی گفت گودرز: گر پشت ^۷ خویش سپاه اندرآید ^۸ پس پشت من شب و ^{۱۰} روز بر پای پیش سپاه که تا روزگاری که نیک اخترست ^{۱۱} کجا بردمد باد روز نبرد بریشان ^{۱۴} بیابم ^{۱۵} مگر ^{۱۶} دستگاه و ^{۱۷} پیران نهاده همیدون ^{۱۸} دو چشم کند پشت پردخت ^{۲۱} و راند سپاه	۳۵۵ ۳۶۰

گفتار اندر آمدن بیژن بنزدیک پدر و جنگ ترکان خواستن^{۲۴}

بشد بیژن گيو تا قلبگاه همی باسمان برپراگند خاک چه دانی برین خیره بودن به پای ^{۲۹} ؟	به روز چهارم ز پشت ^{۲۵} سپاه به پیش پدر شد همه جامه چاک همی ^{۲۶} گفت کای ^{۲۷} باب کار آزمای ^{۲۸}
--	--

۱- ل، ل، ز ۲- ل، ق (نیزی، ل، ب): پیکار؛ متن = ف، س، ل، س ۳- (نیزلن، ق، پ، و، ل، آ) ۳- س، ق، ل، ل: رزمگه ۴- ق: پرز؛ بنداری (۳۴۹-۳۵۱): و کان الیدیدان کلما رأی فارسا من الایرانیین فارق مکانه من الصف رفع صوته فیفطن لذلک جوذرز فیئهی ۵- ل، ل، آورد ۶- ل، س (نیزلن، ق، پ، ل، ن): یکی را بگفتن؛ (آ: یکی را تو گفتی)؛ متن = ف، ق، ل، ل، س (نیز ل، ل، آ، و، ب) ۷- س، ل، ل: جای؛ متن = ف، ل، ق، س ۸- س: اندرآمد ۹- ق، س: بجز ۱۰- ق: همه ۱۱- س: بنیک اخترش؛ ل، ق (نیزی، ل، ب): که روزی که آن روز نیک اخترست؛ متن = ف، ل، س ۱۲- ل، ل (نیزی، ل، ب): که را بهترست؛ (لن: کجا درخورست؛ ق، پ، ل، ن، آ: که را درخورست)؛ س: و جستن که را درخورش؛ ق: که جستن مرا بهترست؛ ل، س (نیزو): و جنگش کجا بهترست؛ متن = ف ۱۳- ل، ل، ز ۱۴- ق: پس آنگه ۱۵- س: نمایم ۱۶- ل، س، ل، س: یکی ۱۷- ق (نیزلن، ق، ل، ب): چو؛ س (نیزی): به؛ متن = ف، ل، ل (نیزپ، ل، آ) ۱۸- س، س (نیزی، ل، ب): پیران همیدون نهاده؛ (پ، لن، ل: پیران نهاده همیدان)؛ متن = ف، ق، ل، ل (نیزلن، ق، ل، آ)؛ ل: نهاده سپهدار پیران؛ (و: سپهدار ترکان همیدون) ۱۹- س: بجنبید ۲۰- ق: به ۲۱- ل، ق (نیزآ): بردشت؛ (لن، پ، ل، ن): بر رخت؛ ل: بر بخت؛ ب: بر تخت)؛ متن = ف، س، ل، ل، س (نیزو) ۲۲- س: ز کین اندرآمد ۲۳- ل: سپاه اندرآرد به پشت سپاه (یساوند ندارد)؛ ق (نیزی، ل، ب): بشد بیژن گيو در قلبگاه (۳۶۱ ب و ۳۶۲ آ را انداخته و از ۳۶۱ آ و ۳۶۲ ب یک بیت ساخته اند)؛ متن = ف، ل، ل، س ۲۴- س: آمدن بیژن گيو بنزد پدر و نبرد هومان خواستن؛ ل، ق، ل، ل، س ۲۵- ل: پیش؛ متن = ف، س، ل، ل، س (نیزلن، ق، پ، و، ل، آ)؛ درس لت های این بیت پس و پیش شده اند ۲۶- ل: بدو ۲۷- س: ابا ۲۸- ل: آزما ۲۹- ل: خیره ایدون بیای؛ ل، ق (نیزآ): چه داری چنین خیره مارا بیای (ل: بسا)؛ س: چرایم بوده هم ایدرپسای؛ س (نیزی، ل، آ، و، ب): چه دانی (ل: باشی؛ ل، آ، ب: داری) بدین (و: چنین) خیره بودن بیای؛ (لن، پ، ل، ن): چرای بی چنین بودن (پ: بوده) ایدرپسای؛ ق: چرای برین خیره بودن بیای)؛ متن = ف

<p>شب و روز آسایش آموزگار^۲ نه گردی به روی هوا بردمید یکی را به رگ بر ندیدیم^۴ خون نبودى چو گودرز دیگر سوار از آن کشتن و رزمگاه^۷ گشن، سر^۹ بخت ایرانیان گشته دید، نخواهد که بیندهمی رزمگاه نهاده ست سر سوی چرخ^{۱۱} بلند ستاره شماردهمی گرد ماه، شد او^{۱۳} جنگ جنگاوران را^{۱۴} زبون که او را روان خود بدین^{۱۶} مرز نیست که شیر ژیان از تو گیرد^{۱۸} هنر یکی تیزکن مغز^{۲۰} و بفروز خشم نگیرد^{۲۱} همی^{۲۲} رزم لشکر^{۲۳} نوا، چو پولاد روی زمین بفسرد، پس پشت تنگ آید، از پیش سنگ^{۲۵}، که آرام گیرد برین کینه گاه^{۲۷}؟ ز جنگ سواران و^{۲۹} مردان کین،</p>	<p>به پنجم^۱ فراز آمد این روزگار که خورشید شمشیر گردان ندید^۳ سواران به خفتان و خود اندرون به ایران پس از رستم نامدار کنون^۵ تا بیامد به جنگ^۶ پشن به لاون که چندان پسر^۸ گشته دید جگر خسته گشته ست^{۱۰} و گم کرده راه به پیرانش بر چشم باید فگند سپهدار کو ناشمرده^{۱۲} سپاه تو بشناس کاندرا تنش نیست خون شگفت از جهان خورده^{۱۵} گودرز نیست شگفت از تو آید مرا^{۱۷} ای پدر دو لشکر همی بر^{۱۹} تو دارند چشم کنون چون جهان گرم و روشن هوا چن^{۲۴} این روزگار خوشی بگذرد چو بر نیزه ها گردد افسرده چنگ که آید ز^{۲۶} گردان به پیش سپاه؟ ورا ایدونک ترسی^{۲۸} همی از کمین</p>
--	---

۱- ق: هشتم؛ بنداری: خمسة ایام ۲- ن: از کارزار ۳- ل: نه خورشید شمشیر گردان بیدید؛ ق: نه خورشید شمشیرزن را بیدید؛ (ل):
 چو شمشیرزن را خور آمد بیدید؛ متن = ف، س، ل، س (نیزهشت دستنویس دیگر) ۴- ل، س، ق (نیز لن، لی، ل، پ، ل، ن، آ): نجیبید؛
 (ق، ب: نجوشید)؛ متن = ف، ل، س (نیزو) ۵- ل، ق (نیز ل): چنین ۶- ل (نیز لن، ق، لی، پ، و، ل، ن، آ): ز جنگ؛ ل، س:
 بجنکش؛ متن = ف، س، ق (نیز ل) ۷- ل: روزگار؛ ق: کشته و رزمگاه؛ س: کش و آن روزگار (!) ۸- س، ل، س:
 سپه؛ متن = ف، ل، ق (نیز لن - ب)؛ بنداری: اولاده ۹- ق (نیز ل، و): سرو ۱۰- ق: بودست؛ ل: کردست ۱۱- ل، ق،
 س (نیز لی، ل، آ، ب): کوه؛ متن = ف، س، ل (نیز لن، ق، پ، و، ل، ن) ۱۲- ق: ناشمارد ۱۳- س، ل (نیز لن): شد از؛ س:
 شده؛ (پ، ل، ن، آ: شد از)؛ متن ← ۱۴- ل، ق (نیز ل): شد از جنگ جنگاوران او؛ متن = ف (نیز ق، آ) ۱۵- ل (نیز ق، لی، ل،
 و، آ، ب): جهان دیده؛ س: جهاندار؛ (ل، پ، ل، ن، آ: سپهدار)؛ ق: شگفت ز دیدار؛ متن = ف، ل، س ۱۶- ل، ل، ل: برین ۱۷- س:
 دارم همی ۱۸- ل (نیز لن، ق، ل، ن، آ): جوید؛ س: دارد؛ ق: گیرد از تو؛ متن = ف، ل، س (نیز لی، ل، و، آ، ب) ۱۹- ل:
 از ۲۰- س: یکی چشم کن تیز ۲۱- ل، س (نیزو): نگیرد (حرف یکم نقطه ندارد)؛ س: نگیرم (حرف یکم نقطه ندارد)؛ (لی):
 بگسترده؛ ل، ن: نگیرد؛ ب: مگیرد؛ متن = ف، ق، ل (نیز لن، ق، ل، پ، آ) ۲۲- ل، س، ل: زهم ۲۳- س (نیز لن، پ، ل، ن):
 دشمن ۲۴- ل، س (نیز لن - ب): چو؛ متن = ف ۲۵- ق: و پیش سنگ؛ (ب: و پیش تنگ)؛ ل (نیز لی، ل، ن، آ): تیغ (لی): برف؛ ل:
 سنگ) آید و پیش سنگ؛ س: جنگ آید و پیش جنگ؛ ل: تنگ اندر (→ آید) از پیش جنگ؛ س (نیز آ): سنگ (آ: تیغ) آید از پیش
 جنگ؛ (ق: سرما و از پیش جنگ؛ ل، ن، پ، ل، ن: به پشت تو جنگ آید و پیش جنگ)؛ متن = ف (ل) ۲۶- ق: به ۲۷- ل:
 رزمگاه؛ ق (نیز آ): بدین رزمگاه؛ (لی): بدین کینه گاه؛ ل: بدان رزمگاه؛ ب: گیرند بر کینه خواه)؛ ل، س (نیز لن، ق، ل، پ، ل، ن): که آورد
 گیرد بدین رزمگاه؛ متن = ف، س ۲۸- ق: ارا ایدون که ترسد ۲۹- ل: [و]

خجسته‌نیا را گر اینست رای
شوم جوشن و خود بیرون کنم
چُن^۲ آیم جهان‌پهلوان را به کار
سزد گر ندارم رومی‌اقبای
به می روی پژمرده گلگون کنم
بیایم کمریسته‌ی کارزار

گفتار اندر رفتن هومان بنزدیک پیران و جنگ ایرانیان خواستن^۳

۴۰۵ وُزَان لشکر ترک هومان دلیر^۴
که ای پهلوانِ ردافراسیاب
به هفتم^۵ فراز آمد این روزگار
از آهن میان سوده و دل ز کین
چه داری به روی اندر آورده روی؟
گرت رای جنگست، جنگ آزمای!
۴۱۰ که ننگست ازین بر تو ای^{۱۱} پهلوان
همان^{۱۳} لشکرست این که از ما به جنگ
ازیشان^{۱۴} همه رزمگه گشته بود
نه زین نامداران سواران کم‌ست^{۱۸}
گرت آرزو نیست خون ریختن
۴۱۵ ز جنگاوران بهره‌ی^{۲۰} برگزین

چو بشنید پیران ز هومان سخُن
بدان ای برادر که این^{۲۲} رزم‌خواه^{۲۳}
بدو گفت: مشتاب و تندی مکن!
که آمد چُنین پیش ما^{۲۴} با سپاه،

۱- س: از آهن؛ ق: روی (→ رومی) ۲- ل- س^۲ (نیز لن- ب): چو؛ متن = ف ۳- ق: محادثه هومان با برادرش پیران ویسه؛ ل، س، ل^۲، س^۲ سرنویس ندادند؛ متن = ف پس از تصحیح خواستن ایرانیان به ایرانیان خواستن ۴- ق: شیر ۵- ل^۲، س^۲: بیامد به پیش برادر ۶- ق: دلیر ۷- ق، س^۲ (نیز لی، ل^۲، لن^۲، آ، ب): هشتم؛ متن = ف، ل، س، ل^۲ (نیز لن، ق، آ، پ، و)؛ بنداری: سبعة آیام ۸- ف: جنگ و؛ ل: در جنگ؛ (و: بر جنگ)؛ متن = س، ق، ل^۲، س^۲ (نیز لن- پ، لن^۲، آ، ب) ۹- ف، س، ل^۲: گرت؛ ق (نیز لن- پ، لن^۲، آ، ب): و گرت؛ متن = ل، س^۲ (نیز و) ۱۰- ل، ل، ق، ل^۲، س^۲ (نیز ق، ل^۲، و، آ، ب): ایدر؛ س (نیز لن، پ، لن^۲): رفتن باید؛ متن = ف (نیز لی)؛ بنداری: فاین کنت علی عزم القتال فدونک فأقدم، وإن کنت همت بالانخذال فأحجم ۱۱- س، ق: ننگست بر تو (ق: ما) ابا ۱۲- ل، س، ق (نیز لی، ل^۲): بدین؛ متن = ف، ل^۲، س^۲ (نیز لن، ق، آ، پ- ب) ۱۳- ل^۲، س^۲: همین ۱۴- ل، ق (نیز لی، ل^۲، آ، ب): کزیشان؛ متن = ف، س، ل^۲، س^۲ (نیز لن، ق، آ، پ، و، لن^۲) ۱۵- ل- س^۲ (نیز لن- ب): زمین؛ متن = ف ۱۶- ل (نیز ق^۲): رود؛ متن = ف، س، ق، ل^۲، س^۲ (نیز لن، لی، ل^۲، پ، لن^۲، آ، ب) ۱۷- (و: چون گل آغشته) ۱۸- ق: یکی کم شدست (پساوند ندارد) ۱۹- س: نخواهی سپه را برانگیختن ۲۰- ل، س (نیز لن، ق، آ، پ، لن^۲): لشکری؛ متن = ف، ق، ل^۲، س^۲ (نیز لی، ل^۲، و، آ، ب) ۲۱- ف (نیز و): توبنگر درین (و: برین) دشت کین؛ ل، س، ق (نیز لن- پ، لن^۲، آ، ب): توبنگر کنون (س، لن، پ، لن^۲): گه؛ ق، لی، ل^۲: همی؛ ب: همه) رزم و (ق^۲: دشت) کین؛ (آ: نگه کن برین دشت کین)؛ متن = ل^۲، س^۲ ۲۲- ق: تو کین ۲۳- ل^۲، س^۲: کینه‌خواه ۲۴- س: که آمد بر من چنین

گزین بزرگان کبخسروست
 یکی آنک کبخسرو از شاه من
 ۴۲۰ وُدیگر که^۳ از پهلوانان شاه
 به گردن‌فرازی و مردانگی
 سدیگر که^۵ پُر داغ دارد جگر
 که از تن سرانشان جدا مانده‌یم^۸
 کنون تا به تَنش اندرون جان بود
 ۴۲۵ چهارم که لشکر میان دو کوه
 ز^{۱۲} هر سو که پویی^{۱۳} بدوراه نیست
 بکوشید باید بدان تا مگر
 مگر مانده گردند^{۱۶} و مُستی^{۱۷} کنند
 ۴۳۰ چُن^{۱۸} از کوه بیرون کشد^{۱۹} لشکرش
 چو دیوار گرد اندر آرمیشان
 بریشان بگردد همه کام^{۲۱} ما
 تو پشت سپاهی و سالار شاه
 کسی کو به نام بلندش نیاز
 وُدیگر که^{۲۳} از نامداران به^{۲۴} جنگ
 ۴۳۵ ز گردان^{۲۶} کسی را که بی‌نام‌تر
 ز لشکر فرستد به پشت به کین
 سر نامداران آن^۱ پهلوست
 همی سر برآرد ز هر^۲ انجمن
 ندانم^۴ چو گودرز کس را به جاه،
 به رای هُشیوار و فرزانیگی
 از آن کین و آن درد^۶ چندان پسر^۷،
 زمین را به خون گرد بنشانده‌یم^۸
 برین^۹ کینه چون مار پِچان^{۱۰} بود
 فرود آوریده‌ست گرد^{۱۱} گروه
 براندیش کین رنج کوتاه^{۱۴} نیست
 از آن کوه باره^{۱۵} برآزند سر
 به جنگ اندرون پیش‌دستی کنند
 یکی تیرباران کنم بر سرش^{۲۰}
 چو شیر ژیان در بر آرمیشان
 برآید به خورشیدبر نام^{۲۱} ما
 برآورده از چرخ گردان^{۲۲} کلاه
 نباشد، چه گردد همی گرد آرزو؟
 نیاید کسی پیش غُران پلنگ^{۲۵}
 ز^{۲۷} جنگ سواران^{۲۸} بی‌آرام‌تر،
 اگر برنوردی بروبر زمین^{۲۹}،

۱- ف (نیز پ): این؛ ل: هر؛ ل: و آن؛ ق (نیز ل، ب): پهلوانان آن؛ متن = س، س^۱ (نیز لن، ق، ل، و، لن، آ) ۲- ق، س^۲ (نیز ل، ب): بهر؛ ل، س، ل^۱ (نیز لن، ل، ب، لن، آ): همی (ل: بدو) سرفراز بهر؛ (ق، آ: همی سر برافرازد از)؛ متن = ف (نیز و) ۳- ق: دگر آنک ۴- س: ندانم ۵- ل (نیز ق، ل، و، آ): سه دیگر که؛ س (نیز لن): دگر آنک؛ (پ، لن: دگر آنکه)؛ متن = ف، ق، ل، س^۱ (نیز ل، ب) ۶- ل، س، ق (نیز لن، ب، لن، آ، ب): پراز خون (ق، ل، آ، ب: کین) دل از درد؛ (و: از آن کین و از مرگ)؛ متن = ف، ل، س^۱ ۷- س: خسته جگر (پساوند ندارد) ۸- ل^۱ (نیز ل، آ): ام؛ دیگر دستنویسها: -ایم ۹- س: بدین ۱۰- س: پراز خون دل و چشم گریان ۱۱- س، ل، آ، س^۱ (نیز لن، ق، ب، لن، آ): و کرده؛ متن = ف، ل، ق (نیز ل، ب) ۱۲- ق: به ۱۳- س: جویی ۱۴- ق: رای را گاه ۱۵- ف، ل، ق، ل، آ، س^۱ (نیز ق، ل، آ، ب): کوه پایه؛ متن = (و)؛ س (نیز لن، ب، لن، آ) این بیت را ندارند ۱۶- ق: وگر مانده مانند ۱۷- (ل، آ، ب: سستی)؛ متن = ف- س^۱ (نیز ق، ل، آ، لن، آ) ۱۸- ل- س^۱ (نیز لن- ب): چو؛ متن = ف ۱۹- ل، س، ق: کند؛ متن = ف، ل، آ، س^۱ ۲۰- س: کنند از برش ۲۱- ق: کار (پساوند ندارد)؛ ل: کام (پساوند ندارد) ۲۲- س: و کیوان؛ ق (نیز ل، ب) بیت‌های ۴۳۳ و ۴۳۴ را ندارند ۲۳- ق: دگر آنک از ۲۴- ل، س، ق، س^۱ (نیز ل، ل، و، آ، ب): [به]؛ متن = ف، ل^۱ (نیز لن، ق، ب، لن، آ) ۲۵- ق (نیز ل، ب): شرز پلنگ؛ (ل: شیر و پلنگ)؛ ل: نیاید کسی نزد ما بی‌درنگ؛ س (نیز لن، ب، لن، آ): نیاید به پشت گرازان هنگ؛ متن = ف، ل، آ، س^۱ (نیز ق، و، آ) ۲۶- ق: دگر آن؛ ل، آ، س^۱: مگر آن؛ متن = ف، ل، س ۲۷- س، ل، آ، س^۱ (نیز لن، ل، آ): به؛ متن = ف، ل، ق (نیز ق، ل، آ، و، آ، ب) ۲۸- (لن، لن، آ: دلیران) ۲۹- ق (نیز ل، ب) این بیت را ندارند

ترا نام از آن^۱ برنیاید بلند
وگر^۳ بر تور دست یابد^۴ به خون

نگه کرد هومان به گفتار اوی^۶ ۴۴۰
چنین داد پاسخ کز ایران سوار
ترا خود همین^{۱۱} مهربانی ست خوی^{۱۲}
دگر که ت^{۱۴} به کین جستن آهنگ^{۱۵} نیست
شوم چرمه‌ی گامزن زین کنم

گفتار اندر آمدن هومان ویسه از لشکرگاه خود به لشکرگاه ایرانیان^{۱۷}

چُن^{۱۸} آمد به لشکرگه خویش باز ۴۴۵
نشست از بر زین سپیده‌دمان
بیامد بنزدیک ایران سپاه^{۲۰}
چو پیران بدانست کوشد به جنگ
بجوشیدش از دردِ هومان جگر
که دانا به هر کار سازد درنگ ۴۵۰
سبکسار تندی نماید نخست
زبانی که اندر سرش مغز نیست

همی سود دندان بسان گراز
چو شیر ژیان با یکی ترجمان^{۱۹}،
پُر از جنگ دل، سر^{۲۱} پُر از کین شاه
بروبر جهان گشت از اندوه^{۲۲} تنگ
یکی داستان یاد کرد از پدر^{۲۳}،
سر اندر نیارد به پرگار تنگ^{۲۴}
به فرجام کار انده آرد درست^{۲۵}
اگر درّ بارد^{۲۶} همان نغز نیست

۱- ف: زان؛ (ب: ازو)؛ متن = ل-س^۲ (نیز لن-آ) ۲-س^۲ (نیزو): ز کشتن نیاید؛ (لی، ل^۳، ب: بکشتن نیاید)؛ ل، س (نیز لن، ل^۲): به (لن، لن^۲: بر) ایرانیان نیز نیاید؛ ق: ز ایران بکشتن نیاید؛ (ق^۲: کسی را ز کشتنش ناید)؛ متن = ف، ل^۲ (نیز آ) ۳-س: اگر ۴-س^۲: یازد ۵-س^۲: نگون ۶-ل، س، ق، ل^۲: او ۷-ل، س، ق: همه؛ متن = ف، ل^۲ ۸-ق: پنداشت ۹-س: کردار؛ ق: گفتار (پساوند ندارد)؛ س^۲: این بیت را ندارد ۱۰-ل (نیز لی، ل^۳، ب): نباشد؛ ق: که باشد؛ ل^۲ (نیز لن^۲): نیاید؛ (ق^۲، آ: ندانم)؛ متن = ف، س^۲ (نیز لن، پ، و) ۱۱-ق: همچنین ۱۲-ل^۲، س^۲: خو ۱۳-ل^۲، س^۲: آرزو ۱۴-ق: دلت گر ۱۵-س: دلت گریبکین اندرون تنگ؛ متن = ف، ل^۲، س^۲ ۱۶-س: بجانت اندرون؛ ل پس از این بیت افزوده است:

کنم آنچه باید بدین رزمگاه

نمایم هنرها بسه ایران سپاه

۱۷-ف (چند بیت پایین‌تر): گفتار اندر آمدن هومان ویسه از لشکرگاه خود بلشکرگاه ایرانیان و نبرد خواستن از سپاه ایرانیان؛ ل: رفتن هومان بجنگ ایرانیان؛ س: آمدن هومان بلشکرگاه گودرز و نبرد خواستن؛ ل^۲ (چند بیت پایین‌تر): آمدن هومان ویسه بجنگ ایرانیان؛ متن = آغاز ف ۱۸-س، ق، ل^۲، س^۲ (نیز لن، ق^۲، ل^۳، ب): چو؛ متن = ف؛ ل (نیز لی) این بیت را ندارند ۱۹-ل^۲: یکی داستان یاد کرد اندر آن (۴۴۹ ب) ۲۰-ف، ل^۲: بنزدیکی آن سپاه(?)؛ متن = ل، س، ق، س^۲ (نیز لن-آ) ۲۱-س، ق: سردل ۲۲-ف، ل، ق: زانده؛ ل^۲: از انبوه(!)؛ س: شد پرازارو؛ متن = س^۲ ۲۳-ق بیت‌های ۴۴۹ و ۴۵۰ را ندارد ۲۴-ل: بیکار و ننگ؛ (ق^۲، لی، ل^۳، و، آ، ب): بیکار تنگ؛ متن = ف، س، ل^۲، س^۲ ۲۵-س، س^۲: اندر آید درست(!)؛ ق: انده آید بمشت (پساوند ندارد)؛ ل^۲: کارش نیاید درست؛ متن = ف، ل (نیز لن، و، لن، آ) ۲۶-س: دیوسازد(!)؛ س^۲: در بیارد؛ متن = ف، ل، ق، ل^۲

- چو هومان بدین رزم تندی نمود
جهان‌داورش باد فریادرس
- ندام چه آرد به فرجام^۱ سود
جز اویش نینم‌همی یار کس
- ۴۵۵ چو هومان ویسه بدان رزمگاه
بیامد که خواهد^۲ ز گردان نبرد
طلایه بیامد بر^۳ ترجمان
پرسید کین مرد پرخاشجوی
کجا رفت خواهدهمی چون نوند
- ۴۶۰ که این شیردل نام‌بردارمرد
سر ویسگان‌ست، هومان به نام
چو دیدند ایرانیان گرز او^۷
همه دست نیزه‌گزاران^{۱۱} ز کار
همه یکسره بازگشتند ازوی
- ۴۶۵ که رو پیش هومان بجنبان^{۱۴} زبان
که ما را به جنگ تو آهنگ نیست
اگر جنگ جویی^{۱۷} گشاده‌ست راه
- ز سالار^{۱۸} گردنکشان
که کهتر^{۲۰} کجایند^{۲۱} و مهتر^{۲۲} کجاست
- ۴۷۰ به هومان بدادند هر یک^{۱۹} نشان،
که دارد چپ لشکر و دست راست
- که گودرزکشواد بُد با سپاه،
نگهبان لشکر بدو بازخورد
سواران ایران همه بدگمان
به خیره به دشت اندرآورد^۴ روی،
به چنگ اندرون گرز و برزین کمند؟
که آمد گه تیغ و گرز و کمان^۵
همی با^۶ شما کرد خواهد نبرد
که تیغش دل شیر دارد نیام
کمرستن و^۸ خسروی بُرز او^۹،
فروماند^{۱۲} از فر^{۱۳} آن نامدار
سوی ترجمانش نهادند روی،
همه گفته‌ی^{۱۵} ما بروبر^{۱۶} بخوان،
ز گودرز دستوری جنگ نیست
سوی نامورپهلوان سپاه
به هومان بدادند هر یک^{۱۹} نشان،
که دارد چپ لشکر و دست راست

۱- س: بفرجام کارش چه؛ ق: چه یابد بفرجام؛ متن = ف، ل، ل، آ، س^۲ ۲- ل، ق (نیزلن، ل، آ، پ، ل، ن، ب): جوید؛ متن = ف، س، ل، آ، س^۲ (نیزق، ل، و، آ) ۳- ق: سوی ۴- ق، س^۲ (نیزلن، ق، آ، ل، پ، و، ل، ن): آورده؛ متن = ف، ل، س، ل^۲ (نیزل، آ، ب) ۵- س (نیزو): تیر و کمان؛ ل^۲ (نیزپ، ل، ن، آ): گرز گران؛ ل، ق (نیزق، آ، ل، آ، ب): گرز و تیر و کمان؛ س^۲: گرز و تیغ گران؛ متن = ف (نیز ل، ن) ۶- ل^۲: زی ۷- ل، س، ل، آ، س^۲: او؛ متن = ف، ق ۸- ل، س^۲: [و] ۹- س: قامت ۱۰- ل، س، ل، آ، س^۲: او؛ متن = ف؛ ق: بگفتند خیره مبر آب روی ۱۱- ف، ل^۲ (نیزل، ب): گذاران؛ متن = ل، س^۲ (نیزی، پ، و، آ) ۱۲- ف: مانده؛ متن = ل، ل، آ، س^۲ (نیزی، ل، آ، پ، و، آ، ب) ۱۳- (ل: هول)؛ س (نیزلن، ق، آ، ل، ن) بیست ۴۶۴ و بیست‌های ۴۶۴-۴۶۶ را ندارند ۱۴- ل، س (نیزلن، پ، و): بترکی؛ (ق: آ: بستوری؛ ل، ن: آ: ترکی؛ آ: بستوران)؛ متن = ف، ل، آ، س^۲ ۱۵- ل، آ، س^۲: قصه ۱۶- ف: بدویر؛ متن = ل، س، ل، آ، س^۲ (نیزلن، ق، آ، پ، و، ل، ن، آ) ۱۷- س: جوید ۱۸- ل، س^۲ (نیزی، ل، آ، ب): گردان و؛ س: ز گردان و سالار؛ ق (نیزلن، پ، و، ل، ن، آ): ز سالار و گردان و (ل، ن: [و])؛ متن = ف، ل^۲ (نیزق، آ) ۱۹- ل، س، ق (نیز ل، ن، ل، ب): یک یک؛ (ق: یکسر)؛ متن = ف، ل، آ، س^۲ ۲۰- ل، س، ق (نیزلن، پ، ل، ن، آ): گردان؛ (ب: لشکر)؛ متن = ف، ل، آ، س^۲ (نیزو) ۲۱- ل، ل، آ، س^۲ (نیزی، ب): کجایند؛ س (نیزلن، پ، ل، ن، آ): کدام‌اند؛ (و: کجاست)؛ متن = ف، ق (نیزق، آ، ل، آ) ۲۲- س (نیزلن، پ، ل، ن، آ): لشکر

که هر کوبه جنگ اندر آمد^۱ نخست
 ازین هر^۳ که تو نام بردی به جنگ
 ولیکن چو فرمانِ سالار شاه
 اگر جنگ گردان^۷ بجویی^۸ همی ۴۹۰
 ز گودرز دستوری جنگ خواه
 ره بازگشتن نبایدش^۲ جست
 همه جنگ را تیز^۴ دارند^۵ چنگ
 نباشد، نسازد کسی رزمگاه^۶
 سُوی پهلوان چون نیویی^۹ همی؟
 پس از ما به جنگ اندر آهنگ^{۱۰} خواه

بدو گفت هومان که خیره مگویی
 تو این نیزه را جایِ سندان^{۱۳} گزین
 برین^{۱۱} روی با من^{۱۲} بهانه مجوی
 نه مرد سوارانی و دشت کین

و ز آنجا به قلب سپه برگزشت^{۱۴}
 بنزد فریبرز با ترجمان ۴۹۵
 یکی بر خروشید کای بدنشان
 سواران و پیلان و^{۱۷} زرینه کفش
 به ترکان سپردی به روز نبرد
 چو سالار باشی شوی^{۱۹} زبردست
 سیاوخش^{۲۲} رد را برادر توی^{۲۳} ۵۰۰
 تو باشی سزاوار کین^{۲۴} خواستن
 من از تخمهی تور توران شهم
 یکی با من اکنون بدآورد گاه^{۲۷}
 دمان تا بدان^{۱۵} سوی لشکر گذشت
 بیامد بکردار پیل دمان^{۱۶}
 فروبرده گردن ز گردنکشان،
 ترا بود با کاویانی درفش
 یلانیت بدایران^{۱۸} نخوانند مرد
 میان^{۲۰} بندگی را بیایدت بست^{۲۱}
 به گوهر ز سالار برتر توی^{۲۳}
 به کینه ترا^{۲۵} باید آراستن
 به گوهر مگر با تو خود هرهم^{۲۶}
 بیایدت گشتن به پیش سپاه

۱- ل، ق، ل (نیزلن، لی، ل، آ، و، لن، آ، ب): آید؛ متن = ف، س، س، س (نیزق، آ، آ) ۲- ل: نشایدش ۳- ل، ق (نیزپ، آ): ازین ها؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیزلن، ق، آ، لی، و، لن، آ) ۴- س: تیغ ۵- س: کردند؛ درق این بیت پس از بیت ۴۹۱ آمده است ۶- س، ق (نیزلن، ل، آ، لن، آ، ب) این بیت را ندارند ۷- س: کردن؛ ق: و گر جنگ کردن؛ متن = ف، ل، س، ل، آ، ۸- س: نجوید ۹- س: نیوید ۱۰- س: آورد (پساوند ندارد)؛ درق پس از این بیت، بیت ۴۸۸ آمده است ۱۱- ل، س، ل، آ (نیز ق، آ، ب): بدین؛ متن = ف، ق، س، آ (نیزلن) ۱۲- س: ما ۱۳- ل، آ، س: میدان؛ ل، ق (نیزلی، ل، آ، آ، ب): رزم را جای مردان (آ: میدان)؛ س (نیزلن، لن، آ): تو آن (س: بدین) نیزه را جای میدان؛ (ق): تو این دشت را جای میدان؛ و: تو ای تیره رو جای میدان)؛ متن = ف ۱۴- ل: سواران گذشت (پساوند ندارد) ۱۵- س: بران ۱۶- ل، ق (نیزلی، ل، آ، آ، ب): باد دمان؛ (ق: تیراز کمان)؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیزلن، و، لن، آ) ۱۷- ل، ف، ل (نیزو، آ): [و]؛ س (نیزلن): سرافراز سالار؛ (لن: سرافراز سالار و؛ ق: سواران و مردان)؛ متن = ل، ق، س، آ (نیزلی، ل، آ) ۱۸- ل، س، ق (نیزلن، ق، آ، لی، ل، آ، لن، آ، ب): بایران؛ ل: بدانرا (ب: بدایران؟)؛ س: ز ایران؛ (و: بتوران)؛ متن = ف ۱۹- ف: سوی (ب: شوی)؛ س (نیزلن، آ، ب): شدی؛ (ق: بوی)؛ متن = ل، ق، ل، آ، س (نیزلی، ل، آ، و، آ) ۲۰- ل، س (نیزق، آ، لن، آ): کمر؛ ق: بدین؛ متن = ف، ل، آ، س (نیزلی، ل، آ، و، آ، ب) ۲۱- ق: بیاید نشست ۲۲- ل، س، ق (نیزل، لن، آ): سیاوش؛ (لن: سیاوش)؛ متن = ف، ل، آ، س (نیزق، آ، لی، و، و، ب) ۲۳- س، ق، ل، آ، س: تویی؛ متن = ف، ل ۲۴- س: خون ۲۵- ل: بکین دل ۲۶- ل، ق (نیزل، آ، ب) این بیت را ندارند ۲۷- ل، ل، آ، س (نیزلن، لی، و، لن، آ): باورد گاه؛ (ق: بدین رزمگاه)؛ متن = ف؛ س بیت های ۵۰۳-۵۰۵ و ق (نیزل، آ، ب) بیت های ۵۰۳ و ۵۰۴ را ندارند

<p>که^۱ پیش من اندرگذاری^۲ تو گام زواره، گرازه نگر^۳ تا کجاست که باشد از^۵ ایرانیان نامدار</p> <p>که با شیر درنده کینه مساز^۶! یکی شاد و پیروز و دیگر به درد^۸ که یکسان نگردد سپهر بلند بدان داد پیلان و لشکر که خواست کسی کو کلاه مهی^{۱۰} برنهاد، سپهدار گودرز^{۱۱} کشواد کرد پدر بر پدر نیو و سالار^{۱۲} شاه سراید^{۱۴} به سالارتان بر زمان بدو بازگردد همه^{۱۶} نام و ننگ دلم را پُر از داغ^{۱۸} درمان دهد^{۱۹} بشوم که پای^{۲۰} اندرآرم به جنگ^{۲۱}</p> <p>به گفتار بینم ترا دسترس گیا بُر^{۲۵} که از جنگ خود رسته‌یی</p>	<p>به خورشید تابان برآیدت نام اگر^۳ تو نیایی به جنگم رواست کسی را ز گردان به پیش من آر</p> <p>چنین داد پاسخ فریبرز باز چنین ست فرجام روز نبرد^۷ به پیروزی اندر بترس از گزند درفش ار ز من شاه بستد رواست به کین گیان از پس^۹ گیکباد کمر بست تا گیتی آباد کرد، همیشه به پیش گیان^{۱۱} کینه‌خواه و دیگر که از^{۱۳} گرز او بی گمان سپه را بدویست فرجام^{۱۵} جنگ اگر با توام جنگ^{۱۷} فرمان دهد بینی که من سر چگونه ز ننگ</p> <p>چنین داد پاسخش^{۲۲} هومان که بس^{۲۳} بدین تیغ کاندر کمر^{۲۴} بسته‌یی</p>
--	--

۱- ل، آ، س^۱ (نیز لسن، لی، پ، لن، آ): چو؛ متن = ف، ل (نیز ق، آ) ۲- ل (نیز لسن، ق، پ، لن، آ): گزاری ۳- ل: ل
و گر ۴- ق: بگو ۵- ل، ق، ل، آ، س: آ؛ ز؛ متن = ف، س ۶- ف، ل: درنده کینه ساز(؟)؛ س: درنده را کینه ساز(!)؛ س
(نیز ق، ل، آ): که ای شیر درنده رزمساز (ق، آ: کینه ساز)؛ متن = ل، ق (نیز لن، لی، پ، و، لن، ب) ۷- ل: بلند(!) ۸-
ل: نژند؛ درق، ل، آ، س^۱ (نیز لی، ل، آ، و، ب) این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۹- س: از گه؛ (لن، پ، لن، آ: از سر؛ و:
از پی)؛ ل، ق (نیز ل، آ، ب): بکین سیاوش پس از؛ متن = ف، ل، آ، س^۲ (نیز ق، آ، لی، آ) ۱۰- س: کیی ۱۱- س (نیز لن، پ، لن، آ):
سپه؛ س: پدر؛ ق (نیز ل، آ): همو پیش گردان همو؛ متن = ف، ل، ل^۱ (نیز ق، آ، لی، و، آ) ۱۲- س: سالار و ۱۳- ف، ل: آن
(از)؛ متن = ل، س، س^۱ (نیز لن- لن، آ، ب) ۱۴- س: آمد؛ ل، آ، س: آرد؛ متن = ف، ل (نیز لن- لن، آ، ب)؛ ق (نیز آ) این بیت را
ندارند ۱۵- ل، س (نیز لن، ل، آ، پ، لن، آ): فرمان؛ متن = ف، ل، آ، س^۲ (نیز ق، آ، و) ۱۶- ق: همی؛ درق این بیت با بیت سپسین
پس و پیش شده است ۱۷- س: با تومان رزم ۱۸- ل (نیز لی، ل، آ، آ): دلم پرز دردست؛ س (نیز لن، پ، لن، آ): دلی را پر از (س: بر
آن) داغ؛ ل، آ، س^۲ (نیز و): دلم را بدین (س: بدان) داغ (و: درد)؛ متن = ف ۱۹- ق: سرآید بسالارتان بر دهد (= ۵۱۴ ب +
۵۱۶ ب) ۲۰- ل، ق (نیز ق، آ، لی، ل، آ، آ): برآرم چوپای (ل، ق: پا)؛ متن ← ۲۱- س (نیز لن، پ، لن، آ): بگردون برآرم میدان
جنگ؛ متن = ف، ل، آ، س^۲ ۲۲- ل، ق (نیز ق، آ، ل، و، آ): پاسخش داد؛ س (نیز لن، پ، لن، آ): پاسخ آورد؛ (لی: داد پاسخ به)؛ متن =
ف، س^۲ (نیز ب) ۲۳- ل: داد پاسخ بدو گفت بس ۲۴- ل، س (نیز لن، پ، لن، آ): میان؛ متن = ف، ق، ل، آ، س^۲ (نیز ق، آ،
لی، ل، آ، و، ب) ۲۵- س: همانا؛ ل، آ، س^۱ (نیز لی، و): گمانم؛ (لن، پ، لن، آ): که مانی → گمانی؛ ق: که یابی؛ آ: گمانی؛
متن = ف، ل، ق

- ۵۲۰ بدین گرز با چوب کن^۱ کارزار که بر ترگ و جوشن نیاید به کار
- ۵۲۵ وُرانجا بدین خیرگی بازگشت کمر بسته‌ی کین آزادگان بیامد، یکی بانگ برزد بلند شنیدم همه هر چه^۴ گفتی به شاه همه هدیه‌ی شاه و^۶ پیمان تو فرستاده کامد^۸ به توران سپاه وُران پس که سوگند خوردی به شاه^۹ که گر چشم من درگه کارزار چو شیرِ ژیان لشکر آراستی کنون از پس کوه چون مستمند چُنانی که نخچیر از شرزه^{۱۴} شیر گزیند به بیشه‌نَدرون^{۱۶} جای^{۱۷} تنگ یکی لشکرت را به هامون گذار چُنین بود^{۲۱} پیمانت با شهریار
- ۵۳۰ که بر ترگ و جوشن نیاید به کار
- ۵۳۵ بدو گفت گودرز کاندیشه کن که باشد سزا^{۲۲} با تو گفتن^{۲۳} سخن

۱- ل، ق: جویی همی؛ س^۲ (نیز ق، ل، آ): ناخوب کن؛ (لی: چوپین کنی؛ ل: گویی همی؛ آ: با خرس کن؛ ب: جویی همه)؛ متن = ف، س، ل^۲ (نیز لن، ب) ۲- ل، ق، ل، آ، س^۲ (نیز لی، ل، آ، ب): تو؛ متن = ف، س (نیز لن، ق، ل، ب، و، لن) ۳- ف: بُرمنش (= پرمنش)؛ ل^۲: پرهز؛ (ل، پ، و، لن، آ، ب: پرمنش)؛ متن = ل، ق، س، س، س^۲ (نیز لن، ق، ل، آ) ۴- ل، س، ق: هرچ ۵- ق: سپه را کشیدن؛ ل^۲: سپه را کشیدی ۶- (و، آ، ب: [و])؛ ل: چنین بود با شاه؛ س، ق (نیز لن، لی، ل، آ، ب، لن): همان هدیه شاه و (لی: [و])؛ متن = ف، ل، آ، س^۲ ۷- ل (نیز و): [و]؛ س (نیز لن، پ، لن): پیمان سالار و (پ، لن: [و])؛ متن = ف، ق، ل، آ، س^۲ (نیز لی، ل، آ، ب) ۸- س: آمد ۹- ل، س (نیز لن، لی، آ): ماه؛ ق: بگاه؛ متن = ف، ل، آ، س^۲ (نیز ب) ۱۰- س (نیز لن، ب): بخورشید و تحت و به تاج و کلاه؛ (لن): بخورشید و تاج و به تحت و کلاه؛ آ: به تاج و به تحت و بخورشید و گاه؛ متن = ف، ل، ق، ل، آ، س^۲ (نیز ق، لی، ل، آ، و) ۱۱- ل، آ، س^۲: برافتد به پیران ۱۲- ل: همه ۱۳- ل: بارزوی ۱۴- ل: کز شرزه؛ ل: بکردار نخچیر کز شرزه؛ س (نیز لن، پ، لن، آ، ب): چنان همچو نخچیر کز (ب: از) نزه (لن، لن: شرزه)؛ (ق): چنان هم که نخچیر از بیم؛ و: چنانی چون نخچیر کز شرزه؛ آ: چنان چون که نخچیر از نزه؛ متن = ف، ق، س^۲ ۱۵- ق: شیرش ۱۶- ل، ف، ل^۲ (نیز لی، و): به بیشه درون؛ ل، ق (نیز ل، آ، ب): گزیدی به بیشه درون؛ س: که رسید زمین را کنی (!)؛ س^۲: گزیده به بیش (بیشه) اندرون؛ (لن، پ، لن): کرو (لن): گراو) بیندش بیش را (!)؛ متن = (ق): به بیشه اندرون (س: آ: بیت ۵۳۹؛ ← ضحاک، بیت ۴۰) ۱۷- ل: حسک (?) ۱۸- ق: نجویی ۱۹- س: نجوید همان جای بی (!) ۲۰- س: سپه از ۲۱- ف (نیز لن، ق، ل، ب، لن): جزین بود (?)؛ ق (نیز ل، آ، ب): چنین است؛ (آ: نه این بود)؛ متن = ل، س، ق، س^۲ (نیز لی، و) ۲۲- س: مرا؛ متن ← ۲۳- س: سزاوار با تو؛ ق: ز بخرد چنین خام باشد؛ متن = ف، ل، ل^۲ (نیز لن، ب)

چو پاسخ نیایی کنون^۱ زانجمن
 تو بشناس کز شاه فرمان من
 کنون آمدم با سپاهی^۴ گران
 شما هم بکردارِ روباهِ پیر
 همی^۹ چاره سازید و دستان و بند
 ۵۴۰ دلیری مکن، جنگ ما را نخواه!

به بی‌دانشی برنهی این به من^۲
 همین بود و^۳ سوگند و پیمان من
 از ۵ ایران گزیده دلاور^۶ سران
 به بیشه^۷ ندر^۸ از بیم^۸ نخچیرگیر
 گریزان ز گرز و سینان^{۱۰} و کمند
 که دل‌خسته‌ی^{۱۱} شیر ناید به راه^{۱۲}

چو هومان ز گودرز پاسخ شنید
 به گودرز گفت: ارنیایی^{۱۳} به جنگ
 کزان^{۱۵} پس که جنگ پشن دیده‌یی
 به لاون^{۱۶} به جنگ آزمودی مرا
 ۵۴۵ ورا^{۱۸} ایدونک هست اینک^{۱۹} گویی^{۲۰} همی
 یکی برگزین از میان سپاه
 که من با^{۲۳} فربرز و رهام جنگ
 بگشتم سراسر همه انجمن
 به گودرز بُد پند و پیگارشان^{۲۶}
 ۵۵۰ تو آئی که گویی به روز نبرد

چو شیر اندر آن رزمگه بردمید
 تو با من، نه زانست کایدت^{۱۴} ننگ،
 سر از رزم ترکان بیچیده‌یی
 به آوردگه بر ستودی^{۱۷} مرا
 وُزین گفته^{۲۱} کردار جویی^{۲۲} همی،
 که با من بگردد به آوردگاه
 بجُستم بسان دلاورننگ^{۲۴}
 نیامد ز گردان کسی^{۲۵} پیش من
 شنیدن^{۲۷} نه ارزید^{۲۸} گفتارشان
 به خنجر کم لاله بر کوه زرد

- ۱- ق: چوتنها کنون آمدی ۲- س، ل، آ، س: آن من؛ ق: نام من؛ (لن: آن ز من؛ پ: این ز من؛ لن: آن من)؛ ل: برنهد آن من؛ (ق: برنهد این من؛ لی: این نهی بر من؛ آ: برنهم بر تو من؛ ب: کی نهم بر تو من)؛ متن = ف (نیز ل، و) ۳- ل، ق، س: (نیز لن، ق، ل، آ، ب): [و]؛ س (نیز ل): همان بود؛ ل: همی بود؛ (لن: چنین بود)؛ متن = ف (نیز پ) ۴- ف (نیز پ، لن): سپاه؛ متن = ل- س: (نیز هفت دستنویس دیگر) ۵- ق، ل، آ، س: ز؛ متن = ف، ل، س ۶- ل: فراوان؛ ق: توران دلاور گزیده ۷- ل- س: (نیز لن، لی- ب): به بیشه در؛ متن = ف (نیز ق): به بیشه اندر ۸- ق: آید ۹- س: همان ۱۰- ق: ز تیغ وز گرز ۱۱- ل، ق: (نیز ق، ل، آ، ب): که روباه با؛ متن = ف، س، ل، آ، س: (نیز لن، ل، آ، پ، لن) ۱۲- ل: بگاه ۱۳- ف: نیازی (؟)؛ متن = ل- س: (نیز لن- ب) ۱۴- ق (نیز ل، لی، ب): نه آنست کایدت؛ س: بر آنست کایدت؛ س (نیز لن، پ، لن): نه زانست با من که داری تو؛ (ق: تو با من که آید ترا نیز)؛ متن = ف، ل، ل، آ (نیز و، آ) ۱۵- ل، س، ق: (نیز لن، ق، آ، و، لن، آ): از آن؛ (ل، آ، پ: وزان)؛ متن = ف، ل، آ، س: (نیز لی، ب) ۱۶- س: باول (ج- بلاون) ۱۷- ل- س: (نیز لی، ل، آ، و، آ، ب): بسودی؛ (لن، پ، لن): درستودی؛ متن = ف (نیز ق): در ل^۲ لت های این بیت پس و پیش شده اند ۱۸- ل: ار؛ (ب: گر) ۱۹- س، ق، ل: این که؛ س: آنک؛ متن = ف، ل ۲۰- ق: گفتی ۲۱- ل، س: کینه؛ ق: (نیز ب): کرده؛ متن = ف، ل (نیز ق، لی، ل، آ، و، آ) ۲۲- ق (نیز ل، ب): گفتار جویی (ق: جستی)؛ (ق: کردار جوم)؛ متن = ف، ل، ل، آ، س: (نیز لی، و، آ)؛ س (نیز لن، پ، لن): باوردگه هم بجویی ۲۳- ل، ق (نیز لی، ل، آ): از؛ متن = ف، س، ل، آ، س: (نیز لن، ق، آ، پ، و، لن) ۲۴- ل (نیز ق): پلنگ؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س: (نیز لن، لی- ب) ۲۵- س: یکی ۲۶- ف، ل، س، ل: (نیز لن، ل، آ، لن، آ): بند و بیکارشان؛ ق (نیز لی، پ، ب): بند بیکارشان؛ س: بند و پیوندشان؛ (و: بند یکباره شان) ۲۷- س: شنیده ۲۸- س، ق (نیز لی، ل، آ، و، آ، ب): نیرزید؛ متن = ف، ل، ل، آ، س: (نیز لن، پ، لن)

یکی با من اکنون^۱ برین^۲ کینه‌گاه^۳ فراوان پسر داری و^۴ نامور یکی را به پیش من آور^۵ به جنگ

بگرد و به گرز گران کینه خواه همه بسته بر جنگ ما بر کمر اگر جنگ جویی، چه جویی درنگ؟
که پیشش که آید به جنگ از^۶ گوان: فرستم بنزدیک این^۷ بدگمان، ز ترکان نیاید کسی^۸ کینه خواه و زان^۹ پس به تندی نجوید نبرد به جنگ اندرون دست ما بد شود کسی^{۱۰} کم شود، گم شود نام من نسازند^{۱۱} از آن^{۱۲} پس به هر جای جنگ^{۱۳} بروبر ببندیم راه کمین سپاه اندر آید بدین^{۱۴} جای تنگ

۵۵۵ پس اندیشه کرد اندر آن پهلوان گر از^{۱۵} نامداران هزبری^{۱۶} دمان شود کشته هومان برین^{۱۷} کینه‌گاه^{۱۸}، دل پهلوانان بیچد^{۱۹} ز^{۲۰} درد سپاهش به کوه گنابد^{۲۱} شود ۵۶۰ و از^{۲۲} نامداران این انجمن شکسته شود دل گوان را به جنگ همان به که با او^{۲۳} نسازیم کین مگر خیره^{۲۴} گردد، بجویند^{۲۵} جنگ

به گفتار تندی و در کار نو بدانستم از آشکار و^{۲۶} نهان،

چنین داد پاسخ به هومان که رو^{۲۷} ۵۶۵ چو در پیش من برگشادی زبان

۱- س: آیی ۲- ل- س^۱ (نیز لن- ب): بدین؛ متن = ف ۳- ل (نیز ق، آ، ب): رزمگاه؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س^۲ (نیز هفت دستنویس دیگر) ۴- ل، ق (نیز لن- ب، پ، ل، آ، ب): ای؛ متن = ف، س، ل، آ، س^۱ (نیز و) ۵- ل (نیز ق): فرستی بر من؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س^۱ (نیز لن، ل- ب) ۶- ق: که آرم بجنگ از؛ (لن، پ، ل، آ): که آید کسی از؛ ق: گر آید برزم از؛ ل، ب: که دارد جنگ از؛ ل: که آرد بجنگ از؛ س: که پیش من آید کسی از؛ متن = ف، ل، آ، س^۱ (نیز و، آ) ۷- ف: کزان (ج- گراز)؛ ق (نیز ل، ل، آ، ل، ب): که از؛ متن = ل، س، ل، آ، س^۱ (نیز لن، ق، آ، پ، و، آ) ۸- (ل: هزبری؛ ب: هزبر) ۹- ل: آن ۱۰- س، ق، ل، آ، س^۱ (نیز لن- ب): بدین؛ متن = ف، ل ۱۱- ل (نیز ل، آ، پ، و): رزمگاه؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س^۱ (نیز لن، ق، آ، ل، ل، آ، آ، ب) ۱۲- ل: یکی ۱۳- ل (نیز لن، پ، ل، آ، آ): پهلوانش بیچد؛ ق: پهلوانانش بیچد؛ (و: پهلوان را بیچد)؛ متن = ف، ل، آ، س^۱ (نیز ق، ل، ل، آ) ۱۴- ل، ق: به؛ متن = ف، ل، آ، س^۱ (نیز لن- آ) ۱۵- ل، ق (نیز ق): از آن؛ متن = ف، ل، آ، س^۱ (نیز لن، ل، ل، آ- آ)؛ س بیت‌های ۵۵۸-۵۶۱ را ندارد ۱۶- ل: کیابد؛ س^۱ (نیز و): کیابد (حرف دوم نقطه ندارد)؛ (ق: کیابد؛ ل: کرابد)؛ متن = ف، ل (نیز لن، ل، آ، پ، آ، ب)؛ ق بیت‌های ۵۵۹-۵۶۳ را ندارد ۱۷- ف (نیز ل، آ، ب): کزان (ج- گراز)؛ متن = ل، ل، آ، س^۱ (نیز ق، آ، ل، آ، و) ۱۸- ل (نیز ل، ل، آ، آ، ب): یکی؛ متن = ف، ل، آ، س^۱ (نیز ق، آ، و) ۱۹- ل، آ، س^۱: نیازند ۲۰- ل: زان ۲۱- ل: بجایی درنگ؛ ل: بهر کار جنگ؛ س: بهنگام جنگ؛ (لن: بهامون درنگ؛ و: بهر کار ننگ)؛ متن = ف (نیز ق، ل، ل، آ، آ، ب) ۲۲- ف، ل، آ، س^۱ (نیز آ، ب): وی؛ متن = ل، س (نیز لن- ب، ل، آ) ۲۳- (لن: چیره) ۲۴- ل (نیز ل): گردند جویند؛ س (نیز لن، ق، آ، ل، آ، پ، ل، آ، آ، ب): گردند و جویند؛ ل، آ، س^۱: گردند و سازند؛ متن = ف ۲۵- س (نیز ب): ازین؛ ل، ل، آ، س^۱ (نیز لن، ل، آ، ل، ب): اندر آرد ازین (ل: زان؛ ل، آ، ب: از آن)؛ (ل: اندر آید زان؛ آ: اندر آید از آن؛ ق: بدشت اندر آید از آن)؛ متن = ف؛ بنداری (۵۵۵-۵۶۳): فقال جودرز فی نفسه: لو أمرت أحدا بمبارزته لم یحل من أحد أمرین: إما أن یقتل هومان فیضعف قلب بیران فیتأخر من مکانه و یتحصن بالجبل فیصعب علينا عند ذلك قتاله و یطول بنا الأمر، أو یقتله هومان فینکسر بذلک قلوب عسکرنا ۲۶- ف: هومان گو؛ متن = ل- س^۱ (نیز لن- ب) ۲۷- ل (نیز ق): آشکارت؛ س، ق (نیز لن، ل- ب): بدانستم (آ: ندانستم) آشکار و؛ متن = ف، ل، آ، س^۱

که کس را ز ترکان نباشد خرد
 ندانی که شیر ژیان روز جنگ
 وُدیگر دو لشکر چُنین ساخته
 به کینه دو تن پیش سازند^۲ جنگ
 سپه را همه پیش باید شدن^۳
 تو اکنون سویی^۴ لشکرت باز شو
 کز ایرانیان چند جُستم نبرد
 بدان^۵ رزمگه برشود نام تو

کز اندیشه‌ی خویش رامش برد
 نیالاید از بُن به روباه چنگ؟
 همه بادپایان سر افراخته^۱،
 همه نامداران بخایند چنگ
 بدانبوه^۴ زخمی ببايد زدن
 برافراز گردن به سالار نو^۵،
 نزد پیش من کس جز از بادِ سرد
 ز پیران برآید همه کام تو

بدو گفت هومان به بانگ بلند
 یکی داستان زد^۹ جهاندارشاه
 که تخت کسان^{۱۲} جُست خواهی، مجوی!
 ترا آرزو^{۱۶} جنگ^{۱۷} و پیکار نیست
 نداری از^{۲۰} ایران^{۲۱} یکی شیرمرد
 به چاره همی بازگردانیم
 همه نامداران پَرَخاشجوی
 که^{۲۴} از ما یکی را بدآوردگاه^{۲۵}
 چُنین گفت گودرز کامروز^{۲۷} روی

که گردان کدامند و سالار^۸ چند
 به یاد آورم اندرین^{۱۰} رزمگاه^{۱۱}،
 چو جویی^{۱۳}، از^{۱۴} آتش مَبرتاب روی^{۱۵}!
 اگر^{۱۸} گل چنی راه بی^{۱۹} خار نیست
 که با من کند پیش لشکر نبرد
 نگیرم فریبت، مگردانیم^{۲۲}
 به گودرز گفتند کاینست^{۲۳} روی،
 فرستی بنزدیک او^{۲۶} کینه‌خواه
 ندارد شدن جنگ را پیش او^{۲۸}

چو هومان ز گفتار برگشت سیر^{۲۹}

برآشت برسان شیرِ دلیر

۱- س: بکین تاخته ۲- س (نیز لن): دازند (حرف یکم نقطه ندارد): (پ: تازند؛ لن: تازد بد) ۳- س: شاید بدن ۴- ل، س، ق، ل (نیز لن، ق، ل، ی، ب، پ): بانبوه؛ س: برانبوه؛ متن = ف ۵- ق: بر ۶- ق: شو (پساوند ندارد) ۷- س: بران؛ ل: در آن ۸- ق (نیز لن، ل، آ، پ، ل، ب): گفتار؛ ل (نیز ق): که بی کردن کار گفتار؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیز ی، و، آ) ۹- ف، ل: [زد]؛ س: از؛ متن = ل، س، ق (نیز لن، ب) ۱۰- س (نیز لن): آوریدم بدین؛ ق، ل، آ، س (نیز ل، ب): آورم اندرین؛ (لن، پ: آوریدم درین؛ ی، و: آورم من بدین)؛ متن = ف، ل (نیز ق، آ) ۱۱- ل، ق (نیز ل): کینه‌گاه؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیز لن، ق، ل، ی، ب، پ) ۱۲- ل، س، ق، س (نیز ی، ل، آ، پ، و، آ، ب): کیان (کسان؟)؛ متن = ف، ل (نیز لن، ق، ل، ب): کسان (کیان؟) ۱۳- س (نیز لن، پ، ل، ب): وگرنه؛ س: چو جستی ۱۴- ف، ق، ل، آ: ز؛ متن = ل، س، س، آ ۱۵- س: مبرآب روی ۱۶- ل: آرزوی ۱۷- ل: ترا آرنجگست (!) ۱۸- ل، س، ق (نیز لن، ل، ی، آ، پ، ل، ب): وگر؛ متن = ف، ل، آ، س (نیز ق، و) ۱۹- ف: بر (= پیر)؛ (و: جز)؛ متن = ل، س (نیز لن، پ، ل، آ، ب) ۲۰- ل، ل، آ: ز؛ متن = ف، س، ق، س، آ ۲۱- س: لشکر ۲۲- ل (نیز ب): اگر دانیم؛ (ق: فریب از تو تا دانیم)؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س (نیز لن، ل، آ) ۲۳- س، س، آ: کاین نیست؛ ل: کانتست؛ متن = ف، ل، ق ۲۴- س: گگر ۲۵- ل، س (نیز لن، پ، ل، آ، ب): باوردگاه؛ متن = ف ۲۶- ق: این ۲۷- ل: چنین داد پاسخ که امروز؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س (نیز لن، پ، ل، آ، ب) ۲۸- س: پیش او جنگجوی ۲۹- ل، ق (نیز ی، ل، آ، ب): ز گودرز برگشت چیر؛ ل: زیر کار برگشت سیر؛ (و: ز گفتار برگشت سیر)؛ متن = ف، س، س، آ (نیز لن، ق، ل، ب، ل، آ)

ز هر سو چپ لشکر و دست راست برآمد^۲، ز گردنکشان کینه خواست

بفرمود تا برنهادند زین پیوشید رومی زره^۵ جنگ را به پیش پدر شد پُر از کیمیا چُنین گفت مر گیو را کای^۸ پدر که گودرز را هوش کمتر شده است دلش پُر نهیست و پُر خون جگر که از تن سرانشان جدا گشته بود^{۱۳} نشان آنک^{۱۵} ترکی بیامد^{۱۶} دلیر به پیش نیا رفت نیزه به دست چُنان^{۱۸} بُد کزین لشکر نامدار که او را^{۱۹} به نیزه برافراختی تو ای باب با مهر و بسیار^{۲۱} هوش نشاید جزاز^{۲۳} من که با او^{۲۴} نبرد

بدو گفت گیو: ای پسر هوش دار! ترا گفته بودم که تیزی^{۲۷} مکن

به گفتار من سربسر^{۲۶} گوش دار! ز گودرز بر بد^{۲۸} مگردان سَخُن

۱- ق: به ۲- س، ق (نیزلن، لی-ب): بیامد؛ متن = ف، ل، آ، س^۲ (نیزق^۲)؛ ل این بیت را ندارد ۳- س، ق: بدان ۴- (آ: همچنین)؛ ل: پیل تن دیزه دورین؛ (لن، پ، لن، آ: باره پیلتن روز کین؛ ب: دیزه پیلگون روز کین)؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س^۲ (نیزق^۲، لی، ل، آ، و، لغت شهنامه، شماره ۱۰۴۵) ۵- ف، س: رزه ۶- س^۲ (نیزی، و، آ): بریست؛ ل، س، ق (نیزلن، ق، آ، ل، آ، پ، لن، آ، ب): یکی تنگ بریست؛ متن = ف، ل، آ، ۷- ف، ل، آ، س^۲؛ وی؛ متن = ل، س، ق (نیزلن-ب) ۸- ق: ای ۹- س (نیزق^۲، لی، پ، آ): این؛ (لن، لن، آن)؛ متن = ف، ل، ق، ل، آ، س^۲ (نیزل، و، ب) ۱۰- (ق: همیدون) ۱۱- ق: بدتر ۱۲- دل، آ، س^۲ لت های این بیت پس و پیش شده اند ۱۳- ق: کرده اند؛ (لن، ق، آ، پ: شد؛ لن: است)؛ ل (نیزی، آ): جدا کرده دید؛ س: جدا کرده شد؛ متن ← ۱۴- س (نیزلن، ق، آ، پ): شد؛ (لن: است)؛ ل، ق (نیزی، آ): بدان (لی، آ: بدین) رزمگه جمله افکنده دید (ق: افکنده اند)؛ متن = ف، ل، آ، س^۲ (نیزو) ۱۵- ل: آنکه ۱۶- ف: امروز ترکی؛ متن = ل- س^۲ (نیزلن-ب) ۱۷- س، ق (نیز لی، ل، آ، و، آ، ب): چون پیل؛ متن = ف، ل، ل، آ، س^۲ (نیزلن، ق، آ، پ، لن، آ) ۱۸- س^۲: چنین ۱۹- ق: که با او ۲۰- ل: بنداختی؛ س^۲: برتاختی (ببرساختی) ۲۱- ف: هشیار(!)؛ ل، آ، س^۲: [و] بسیار؛ ل، س، ق (نیزلن-ب، لن، آ، ب): تو ای (لی: تویی) مهربان باب (ب: گیو) بسیار؛ متن = ف پس از تصحیح هشیار به بسیار و یا = ل، آ، س^۲ پس از افزودن حرف و ۲۲- (آ: کفتم) ۲۳- ق: بجز ۲۴- ل، آ، س^۲ (نیزی، آ): وی؛ ل: که سازم؛ (ل: ابا او)؛ متن = ف، س، ق (نیزلن، پ، و، لن، آ، ب) ۲۵- ل: بدان تا برآرم؛ س (نیزق^۲): کند تا برآرد؛ (پ، و: کند تا برآرم)؛ متن = ف، ق، ل، آ، س^۲ (نیزلن، لی، ل، آ، لن، آ، ب) ۲۶- ل: ای پسر ۲۷- ل، ق (نیزی، ل، آ، ب): تنیدی؛ متن = ف، س، ل، آ، س^۲ (نیزلن، ق، آ، پ، و، لن، آ) ۲۸- ق: برتر

۶۱۵ که او کاردیده ست و داناترست
سواران جنگیش^۲ پیش اندرند
نفرمود با او^۱ کسی را نبرد
که گردن برینسان^۵ برافراختی
نیم من بدین کار همداستان
برین^۱ لشکر نامور مهترست
همه کینه‌ی پیل را درخورند^۳
جوانی مگر مر ترا خیره کرد،
بدین آرزو پیش من تاختی؟
مزن نیز پیشم چنینه^۶ داستان

۶۲۰ بدو گفت بیژن که گر کام من
شوم پیش سالار بسته کمر
نجویی، نخواهی مگر^۷ نام من،
زنم دست بر جنگ هومان به بر

۶۲۵ وُرآنجا بزد اسپ و برگاشت روی
ستایش‌کنان پیش او شد به درد
که ای پهلوان جهاندارشاه
شگفتی همی‌بینم از تو یکی
کزین رزمگه بوستان ساختی
به هشتم^{۱۱} فراز آمد این روزگار
که خورشید شمشیر گردان ندید
شگفتی‌تر آن کز^{۱۳} میان سپاه
بیامد که یزدان نیکی دهش
بیاوردش از پیش توران سپاه
به دام آمده گرگ^{۱۵}، برگاشتی^{۱۶}

۶۳۰ بنزدیک گودرز شد پوی پوی^۸
همین^۹ داستان سرسرا^۱ یاد کرد،
شناسای هر کار و زیبای گاه،
وگر چند هستم به هوش اندکی،
دل از کین ترکان برداختی
شب و روز آسایش آموزگار
نه گردی به روی هوا بردمید^{۱۲}
یکی ترک بدبخت گم کرده راه،
همی بد سگالید با بدگنیش^{۱۴}،
بدان تا به دست تو گردد تباه،
ندام کزین بد^{۱۷} چه پنداشتی

۱- ل، س، ق (نیز ل، لی، ل، پ، لن، ب): بدین؛ متن = ف، ل، س (نیز ق، و) ۲- ل، ق (نیز لی، ل، آ، ب): جنگی به؛ س (نیز لن، پ، لن): جنگش به؛ متن = ف، ل، س (نیز ق، و) ۳- ل، ق (نیز ق، لی، آ، ب): که بر (لی، آ، ب: در) کینه گه (ق: کینه؛ لی، آ: رزمگه) پیل را بشکرند (ق، آ، ب: درخورند)؛ (ل: که با پیل جنگی همی درخورند)؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیز لن، پ، و، لن) ۴- ف، ل، آ، س: وی؛ متن = ل، س، ق (نیز لن- ب) ۵- ل، س (نیز لن، لی، پ، و، آ، ب): بدینسان؛ ق (نیز ل): از ایشان؛ ل: برایشان؛ متن = ف، س (نیز ق، لن) ۶- (پ، لن: ازین؛ ب: بدین؛ لن: پیش من آن)؛ س (نیز ق): مزن پیش من بر (ق: این) چنینه؛ ق (نیز ل): وزین بیش (ل: نیز) پیشم مزن؛ متن = ف، ل، آ، س (نیز لی، و، آ) ۷- س: همی ۸- ق: بنهاد روی (پساوند ندارد) ۹- ق: همه ۱۰- س، ل، آ، س (نیز و): یک بیک؛ (ل، آ، ب: پیش او)؛ متن = ف، ل، ق (نیز لن، ق، آ، لی، پ، لن، آ) ۱۱- ف، ل، آ، س (نیز لی، و، آ): بهفتم؛ (پ: چنینه)؛ متن = س (نیز ق)؛ ل، ق (نیز لن، ل، آ، ب) این بیت را ندارند (بیت ۳۶۵ و ۴۰۷) ۱۲- ل، ق (نیز ل، آ، ب) این بیت را ندارند (بیت ۳۶۶) ۱۳- ل، ل، آ، س (نیز لن، ل، آ): آنک از؛ متن = ف، س، ق (نیز ق، پ، و، لن) ۱۴- ل (نیز لن، پ، لن): بدتنش؛ ل، آ، س (نیز ق): بر (ق: ابا) بدکنش؛ س: سگالیده بُد برتنش؛ متن = ف (نیز لی، ل، آ، ب)؛ ق این بیت را ندارد ۱۵- (ق، لی، آ: گور) ۱۶- س (نیز لن، پ، لن): بگذاشتی؛ متن = ف، ل، ق، ل، آ، س (نیز ق، لی، ل، آ، و، ب) ۱۷- ل: خود؛ ل، آ، س (نیز و): در؛ (ل، آ، ب: بر)؛ متن = ف، س، ق (نیز لی، ل، آ، و، آ)

بر آتی^۱ که گر خون او بی درنگ
مپندار!^۲ کو کینه بیش آورد
من اینک به خون چنگ را شسته‌ام
چو دستور باشد مرا پهلوان
۶۳۵
بفرماید اکنون سپهبد به^۶ گویو
دهد مرمر ترگ^۹ و رومی زره

چو بشنید گودرز گفتار اوی^{۱۲}
ز شادی برو آفرین کرد سخت
تو تا برنشستی به زین پلنگ
۶۴۰
به هر کارزار اندر آیی دلیر
نگه کن که با او بدآوردگاه^{۱۷}
که هومان یکی بدگنش ریمن ست
جوانی و ناگشته بر سر سپهر
۶۴۵
مان تا یکی رزم دیده هزبر
برو تیرباران کند چون تگرگ

بدو گفت بیژن که ای پهلوان
مرا گر ندیدی به رزم^{۲۴} فرود
به جنگ پشن برنوشتم زمین

هنرمند باشد^{۲۳} دلیر و جوان
ز سر باز باید کنون آزمود
نبیند کسی پشت من روز کین^{۲۵}

۱- ل (نیز پ): تودانی؛ س، ق (نیز لن، ق، ل، ن، آ، ب): ندانی؛ متن = ف، ل، آ، س (نیز لی، ل، و، آ) ۲- س (نیز لن، پ، ل، ن، آ): میندیش؛
ق (سپهدار)؛ متن = ف، ل، ق، ل، آ، س (نیز ل، و، آ، ب) ۳- ل، ل، آ، س: برین؛ س: بدان؛ متن = ف، ق (نیز لن، ق، ل، آ، پ، ل، ن، آ،
آ، ب) ۴- ق این بیت را ندارد ۵- ف: هزبری دوان؛ (لن، لی: هزبر ژریان؛ ل، ن، آ: هزبر ژریان؛ ب: هزبر دمان)؛ متن = ل - س (نیز
ق، ل، آ، پ، و، آ) ۶- ق: سپهدار ۷- س، س، آ: سلاح ۸- ل، ق (نیز لن، ل، آ، ن، آ): سیاوش؛ (لی، پ: سیاوش)؛ متن =
ف، س، ل، آ، س (نیز ق، آ، و، آ، ب) ۹- ل (نیز ق، آ): خسود؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س (نیز لن، لی - ب) ۱۰- ف، س، آ (نیز لی):
زره ۱۱- س (نیز لن، پ، ل، ن، آ): زبندش گشاید یکایک ۱۲- ل، س، ل، آ: او ۱۳- ق: بیدار ۱۴- ق (نیز ل، آ):
مبَراد ۱۵- در همه دستنویس‌ها: جنگ (یا: جنگ)؛ ق (نیز ل، آ، ب) بیت‌های ۶۴۰ و ۶۴۱ را ندارند ۱۶- س (نیز لن، پ، ل، ن، آ):
کار ۱۷- ل - س (نیز لن - ب): باوردگاه؛ متن = ف ۱۸- ل، آ: ز؛ س، آ: رو؛ (و: تو)؛ ل، س (نیز لن، ق، آ، لی، پ، ل، ن، آ): توانی
شدن زانپس؛ ق (نیز ل، آ، ب): توانی تو با او پس؛ متن = ف (ل، آ، س، آ، و) ۱۹- ل: باورد جنگ او چواهرمنست؛ س (نیز پ، ل، ن، آ):
بدان ریمنی خویش اهرمنست؛ ق (نیز لی، ل، آ، ب): باورد چون (ق: باورد گه) کوه در جوشنست؛ (ق: باورد چون پیل و از آهنست؛ و:
باورد گه همچو اهرمنست)؛ متن = ف، ل، آ، س، آ: یک (در:؟! بیت ۷۱۷) ۲۰- ل: دل (!) ۲۱- ل، ق (نیز لن - پ، ل، ن، آ):
بکردار؛ (و: ابرسان)؛ متن = ف، س، ل، آ، س، آ ۲۲- س (نیز لن، پ، ل، ن، آ): بدوزد به پیکان ورا یال و ترگ؛ متن = ف، ل، ق، ل، آ، س (نیز
لی، ل، آ، و، آ، ب) ۲۳- ل، آ: باش و ۲۴- ق: جنگ ۲۵- ق این بیت را ندارد

- ۶۵۰ مرا زندگانی نه اندر خورست
وگر بازداری مرا زین سخن
بنام من از پهلوان پیش شاه
گر از دیگرانم هنر کمترست^۱
بدان^۲ روی کاهنگ^۳ هومان مکن،
نخواهم کمر زآن^۴ سپس با^۵ کلاه
- ۶۵۵ بخندید گودرز ازو^۶ شاد شد
بدو گفت: نیک اختر و بخت گیو
وژان روز فرخ مرا یاد باد
تو تا چنگ را باز کردی به چنگ^۸
ترا دادم این رزم هومان کنون
به نام جهاندار یزدان ما
که این^{۱۴} آهرمن را به دست تو هوش
بگویم کنون گیو را کان زره
۶۶۰ ار^{۱۵} ایدونک^{۱۶} پیروز باشی بر او^{۱۷}
ز فرهاد^{۱۸} و گیوت برآرم به جاه^{۱۹}
- ۶۶۵ بگفت این سخن با نبیره نیا
پیاده شد از اسپ و روی زمین
بخواند آن زمان گیو را پهلوان
وژان خسروانی زره^{۲۳} یاد کرد
چنین داد پاسخ پدر را پسر
مرا هوش و جان و جهان این یکیست
بدو گفت گودرز کای مهربان
نبیره پُر از بند و پُر کیمیا،
ببوسید و بر باب کرد آفرین
سخن گفت^{۲۰} با او^{۲۱} ز بهر جوان^{۲۲}
کجا خواست بیژن ز بهر نبرد
که ای پهلوان جهان سربسر،
به چشم چنین جان او خوار نیست
جزین برد باید بروبر^{۲۴} گمان

۱- ف، ل، آ: دیگران همتم دیگرست (ل: کمترست)؛ متن = ل، س، ق، س، ق، س (نیزلن-ب) ۲- س: بران ۳- ق: که آهنگ آورد؛
س این بیت را ندارد ۴- س (نیزلن، پ، و، ل، ن): زین ۵- ل (نیزلی، ل، آ، آ): نه؛ متن = ف، س، ق، ل، س، آ (نیزلن، ق، آ، ل، پ،
و، ل، ن، آ، ب) ۶- ل: وزو؛ س: از آن؛ ل، آ، س: وزان؛ متن = ف ۷- ل، ق (نیزل، آ، ب) این بیت را ندارند ۸- ق: چنگ را
باز کردی دو چنگ ۹- ل (نیزلی، آ): فروماند؛ متن = ف، ق، ل، س، آ (نیزل، آ، و، ب) ۱۰- ل: ان (ح-از) ۱۱- س: آ:
جنگی؛ س (نیزلن، ق، آ، پ، ل، ن) این بیت را ندارند ۱۲- ق: شود ۱۳- ق (نیزل، آ، ب) این بیت را ندارند؛ در ل این بیت با بیت
سپسین پس و پیش شده است ۱۴- ل، س، آ (نیزل، آ، ب): گر این؛ ق: گر آن؛ (ق: که آن)؛ متن = ف، س، ل، آ (نیزلن، پ، و،
ل، ن) ۱۵- ل، س (نیزلی، و، آ): گر؛ ق (نیزلن، ق، آ، ل، پ، ل، ن، آ، ب): ور؛ متن = ف، ل، آ، س، آ (نیزلن، پ، و،
ق، ل، آ (نیزلی، پ، ل، ن، آ، ب): بدوی؛ متن = ف، ل، س، آ (نیزلن، ق، آ، آ) ۱۸- ق: رهام ۱۹- ل: چاه (!) ۲۰- ل، آ، س:
راند ۲۱- ف، ل، آ، س: وی؛ متن = ل، ق (نیزق، آ، ل، و، آ، ب) ۲۲- س (نیزلن، پ، ل، ن): ز بیژن سخن رفت و کنداوران
(پ: نام آوران) ۲۳- س، س، آ: رزه ۲۴- ف، ل، آ، س: جن بر (؟)؛ ل، ق: بوی بر؛ (ل: بدو در؛ ل، آ، پ: بدو بر؛ ب: سوی او)؛
متن = س (نیزلن، ق، آ، و، ل، ن، آ)؛ س در اینجا سرنویس دارد: رفتن بیژن از پی هومان و یسه و رزم خواستن

- ۶۷۰ که هر چند بیژن جوانست و نو
و دیگر که^۱ این جای کین جستن ست
به کین سیاوخش و^۳ فرمان شاه
وگر^۴ بارد از میغ پولاد^۵ تیغ
نباید شکستن دلش را به جنگ
که چون کاهلی پیشه گیرد جوان
- ۶۷۵ چو پاسخ چُنین یافت چاره نبود
مگر بازگرداندش سر^{۱۳} ز جنگ
به گودرز گفت: ای جهان^{۱۵} پهلوان
نه فرزند باید، نه گنج و سپاه^{۱۶}
مرا خود شب و روز کارست^{۱۷} پیش
اگر جنگ^{۱۹} اجوید^{۲۰} سلیحش^{۲۱} کجاست؟
چُنین گفت پیش پدر جنگ ساز^{۲۳}
بر آنی^{۲۴} که اندر جهان سربسر
چو درع سیاوش نباشد به جنگ
- ۶۸۰ یکی با پسر نیز بند^{۱۲} آزمود
همی چون^{۱۴} مُشعبد برآورد رنگ
به جایی که پیگار خیزد به جان،
نه آرم سالار و فرمان شاه
چرا داد باید مرا^{۱۸} جان خویش؟
ز ره^{۲۲} دارد، از من چه بآیدش خواست؟
که ما را به درع تو ناید نیاز
به درع تو جویند مردان هنر؟
نجویند گردنکشان نام و ننگ؟
- ۶۸۵ برانگیخت اسپ از میان سپاه
که آید ز لشکر بدآوردگاه^{۲۵}

۱- ق: دگر آنک ۲- ل، ق، س: ز؛ متن = ف، س، ل: ۳- ف، ق (نیز لن: ۲): سیاوش و؛ ل (نیز ل: ۳، ب): سیاوش به؛ (لن، ب): سیاوش و؛ متن = ل، آ، س: ۴- س: دگر؛ ل: مگر ۵- (لی، آ: پولاد و)؛ ل (نیز و): از ابر پولاد؛ س (نیز لن، ب، لن: ۲): بار دارم پولاد و؛ متن = ف، ل، آ، س: ۶- ل، س، ق: (نیز لن- ب، لن، آ، ب): نشاید؛ متن = ف، ل، آ، س: ۷- ف، ل، آ، س: دارد ازو جان؛ ل، ق (نیز لی، ل، آ): دارم ما جان؛ (لن، ب، لن: ۲): دارم ازین جان؛ ق، آ، ب: دارم جان را؛ متن = س (نیز و) ۸- ف، ل، س، ل، آ، س: (نیز لن، ق، آ): بیوشید (در زیر دو حرف نخستین تنها یک نقطه)؛ (پ، و، لن، آ، ب: بیوشید)؛ متن تصحیح قیاسی است ۹- س، ل، آ (نیز لن، ق، آ، ب، و، لن، آ، ب): برو؛ متن = ف، ل، س: ۱۰- ق: که همچون مشعبد برآورد رنگ (۶۷۴ ب- ۶۷۷ آ را انداخته و از ۶۷۴ آ و ۶۷۷ ب یک بیت ساخته است)؛ (لی، آ: نگه کرد باید به نام و به ننگ) ۱۱- س: بگردد ۱۲- ف (نیز ل، لن، آ، ب): پند؛ ل: مند (حرف یکم نقطه ندارد)؛ متن = س، ل، آ، س: (نیز لن، ق، آ، لی، پ، آ) ۱۳- س (نیز لن، ب، لن: ۲): باز گردد (پ: دارد) سرش را؛ متن = ف، ل، آ، س: (نیز ق، آ، لی، ل، آ، و، آ، ب) ۱۴- ق (نیز لی، ل، آ): که همچون؛ متن = ف، س، ل، آ، س: (نیز لن، ق، آ، ب، و، لن، آ، ب)؛ ل این بیت را ندارد ۱۵- ق: گو؛ ل بیت های ۶۷۸- ۶۸۰ را ندارد ۱۶- ق: مانند نه تخت و کلاه؛ درل، ق (نیز ب) این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۱۷- (ق: جنگست؛ لی، آ: پیکار)؛ س (نیز لن، ب، لن: ۲): مرا روزگار درشتست (پ، لن: ۲): درشتیست)؛ متن = ف، ل، ق، س: (نیز ل، و، ب) ۱۸- س (نیز لن، ب): بدو؛ س: (نیز ق، آ): همی؛ (لن: ۲): برو؛ متن = ف، ل، ق (نیز لی، ل، آ، و) ۱۹- س: رزم ۲۰- ل: جویی ۲۱- ف: سلاحم (!)؛ س: سلاحش؛ ل: ۲: سلاح؛ متن = ل، ق، س: ۲۲- ف: رزه ۲۳- ل، س، ق (نیز لی، ل، آ، ب): رزمساز؛ متن = ف، ل، آ، س: (نیز لن، ق، آ، ب، و، لن: ۲) ۲۴- س (نیز لن، ب): بدانی؛ (لن، آ، ب: ندانی) ۲۵- ل، س، ل، آ، س: (نیز لن، ق، آ، لی، پ، و، لن، آ): باوردگاه؛ متن = ف؛ ق (نیز ل، ب) این بیت را ندارند

چُن^۱ از پیش گودرز شد^۲ ناپدید
 پشیمان شد از درد دل^۳ خون گریست
 یکی^۴ با آسمان بفرزاید سر
 به دادار گفت: ار جهان داوری
 نسوزی تو از جان بیژن^۵ دلم
 به من بازبخشش تو ای کردگار

بیامد پُراندیشه دل پهلوان
 به دل گفت: خیره بیازردمش
 گر او را ز هومان بد آید به سر
 بمانم پُر از درد و اندوه^۶ و خشم

وَرانجا دمان هم بکردار گرد
 همی^۷ گفت ما را چه داری به ننگ
 سیه مار چندان دمد روز جنگ
 درفشیدن ماه چندان بود
 کنون سوی هومان شتابی همی
 چُنین برگزینی^۸ همی رای خویش

بدو گفت بیژن که ای نیو^۹ باب
 نه هومان ز روی و نه از آهن ست
 یکی مرد جنگست و من جنگ جوی

دل گيو از اندوه او بردمید
 - نگر تا غم و مهر^{۱۰} فرزند چیست!
 پُر از خون دل از درد و^{۱۱} خسته جگر
 به نامت بدین^{۱۲} خسته دل بنگری
 کز آب مژه تا دل اندر^{۱۳} گلم
 بگردان ز جانش بد روزگار

پُر از خون دل از بهر رفته^{۱۴} جوان
 چرا خواسته پیش ناوردمش^{۱۵}؟
 چه باید مرا درع و تیغ و کمر؟
 پُر از آرزو دل^{۱۶}، پُر از آب چشم

به پیش پسر شد به جای نبرد
 همی تیزی آری به گاه^{۱۷} درنگ
 که از ژرف دریا برآید^{۱۸} نهنگ
 که خورشید تابنده پنهان بود
 ز فرمان من سر بتابی همی
 ندانی^{۱۹} که چون آیدت کار پیش

دل من^{۲۰} ز کین سیاوش متاب!
 نه پیل ژیان و نه^{۲۱} آهن من ست
 ازو برنتام به بخت تو روی

۱- ل، س، ق، ل (نیز لن - ب): چو؛ متن = ف، س^۲ ۲- س: لشکر بشد ۳- س: از گفت خود ۴- ق (نیز ق، ب): درد ۵- س (نیز لن، لن): همی ۶- ل، س (نیز لن، ق، ل، و، آ): [و]؛ ق: دل و زار؛ متن = ف، ل، س (نیز لن، ل) ۷- ف، ل: کزین (؟)؛ س: برین؛ ل، ق (نیز ل، آ، ب): یکی سوی این؛ (ق: سزد گر بدین)؛ متن = س (نیز لن، ل) ۸- ق: تو ای پاک یزدان ۹- ق: پای اندر؛ ل: تا بدل در ۱۰- س: پور ۱۱- ق بیت های ۶۹۳-۶۹۵ (و ل، آ، ب بیت های ۶۹۴ و ۶۹۵) را ندارند ۱۲- ل، س (نیز لن، ق، ل، و، لن، آ): پراز (ق: آبا) حسرت و درد؛ متن = ف، ل، س^۲ ۱۳- ل: آرزوی دل؛ ل: پُر آزار دل بر (!) ۱۴- ل، س: بدو؛ متن = ف، ق، ل، س (نیز لن - ب) ۱۵- ل، س (نیز لن - ب): بجای؛ متن = ف ۱۶- ل: برآرد؛ ق این بیت را ندارد ۱۷- ق: برگزیدی ۱۸- ق: ندانم ۱۹- ق: نیک ۲۰- ق: دلم را ۲۱- س (نیز لن، ب، و، لن): ز روی است وز (لن، و، ز، واز)؛ ل، ق (نیز لن، ل، آ، ب): که هومان نه از روی وز (لی، ب: واز؛ ل، آ: و نه ز)؛ متن = ف، ل، س (نیز ق) ۲۲- س، ق: ژیانست و

- ۷۰۵ نَبشته^۱ مگر بر سرم^۲ دیگرست
اگر بودنی بود، دل را به غم
- زمانه به دست^۳ جهان داورست
سزد گر نداری، نباشی دژم
- ۷۱۰ چو بشنید گفتار پور دلیر
فرود آمد از شیده‌ی^۵ راه‌جوی
بدو گفت: گر کارزارت هواست
برین^۸ باره‌ی گام‌زن برنشین
سلیح^۹ همیدون به کار آیدت
- میان‌بسته‌ی جنگ^۴ برسان شیر،
سپرد اسپ و درع^۶ سیاوش بدوی
چنین بر خرد کام^۷ تو پادشاست،
که زیر تو اندر نوردد زمین
چو با اهرمن^{۱۰} کارزار آیدت
- چُن^{۱۰} اسپ پدر دید بر پای پیش
بر آن باره‌ی خسروی برنشست
یکی ترجمان را^{۱۲} ز لشکر بجست
بیامد بسان هزبر^{۱۳} ژیان
چو بیژن بنزدیک هومان رسید
ز جوشن همه دشت روشن شده
وژان^{۱۷} پس بفرمود تا^{۱۸} ترجمان
که گر جنگ جویی یکی^{۲۰} بازگرد
همی‌گوید: ای رزم‌دیده‌سوار
کز افراسیاب اندر آیدت^{۲۳} بد
- چو باد اندر آمد ز رهوار^{۱۱} خویش
کمر بست و بگرفت گرزش به دست
که گفتار ترکان بداند درست
به کین سیاوخش بسته^{۱۴} میان
یکی آهنین‌کوه جوشنده^{۱۵} دید
یکی پیل بمیان جوشن^{۱۶} شده
یکی بانگ برزد بدان^{۱۹} بدگمان
که بیژن همی با تو جوید^{۲۱} نبرد
چه پویانی^{۲۲} اسپ اندرین مرغزار،
ز توران^{۲۴} زمین بر تو نفرین سزد

۱- ل، س (نیز پ، و، لن^۲): نوشته؛ متن = ف، ق، ل، س^۱ (نیز لن، ق، ل، لی، ل، آ، ب) ۲- ق: بسر بر مگر ۳- ل، آ، س: برای؛ (و: بحکم) ۴- س: رزم ۵- ل، س، ق (نیز ق، ل، ل^۳): دیزه؛ (لن، پ، و، لن^۲: باره)؛ متن = ف، ل، س^۲ (نیز آ، ب) ۶- ل: سپر داد و اسب؛ ق (نیز لی، ل، آ، ب): سپر داد و درع؛ متن = ف، س، ل، آ، س^۲ (نیز لن، پ، و، لن^۲) ۷- ف: کار؛ متن = ل- س^۲ (نیز لن- ب) ۸- ل (نیز لی): بدین ۹- س، س: سلاح ۱۰- ل، س، ق، ل^۲ (نیز لن- ب): چو؛ متن = ف، س^۲ ۱۱- ل: ز بالای؛ س (نیز لی): برهوار؛ متن = ف، ق، ل^۲ (نیز لن، ق، ل، آ- ب) ۱۲- س: ترجمانی؛ درس پس از این بیت، بیت ۷۱۶ آمده است ۱۳- (ب: هزبر) ۱۴- ل، ق (نیز ل، آ): سیاوش بسته؛ س (نیز لن، ق، ل، پ، لن^۲): سیاوش کمر بر؛ متن = ف، س^۲ (نیز لن، لی، و، ب)؛ ل آبیتهای ۷۱۵-۷۱۷ را ندارد؛ س، ق در اینجا سرنویس دارند؛ س: رسیدن بیژن و هومان بهم‌دیگر و مناظره ایشان؛ ق: محاربت بیژن و هومان و کشته شدن هومان ۱۵- ل، ق (نیز لی، ل، آ): پوشیده؛ (ق^۲: بر باره؛ ب: بر اسب)؛ متن = ف، س، س^۲ (نیز لن، پ، و، لن^۲)؛ درس این بیت پس از بیت ۷۱۴ آمده است ۱۶- ل، ق (نیز لی، ل، آ، ب): در زیر جوشن؛ س^۲: نامیان (حرف یکم نقطه ندارد) جوشن؛ س (نیز لن، لن^۲) میان (لن، لن^۲: میانه) یکی پیل جوشن (!)؛ متن = ف، ل^۲ ۱۷- ل، س، ق: از آن ۱۸- س: با (تا) ۱۹- ل، س^۲ (نیز ق، ل، پ، و، لن^۲): بران؛ متن = ف، س، ق، ل^۲ (نیز لن، لی، ل، آ) ۲۰- ف، ق، ل، آ، س^۲ (نیز لی، ل، آ- ب): همی؛ متن = ل، س (نیز لن، ق^۲) ۲۱- س: جوید از تو ۲۲- س (نیز لن، پ، لن^۲): تازی تو؛ ق بیت‌های ۷۲۰-۷۲۲ را ندارد ۲۳- ف، س، ل، آ، س^۲ (نیز لن- ب): گر (ف: کز؛ و، لن^۲: که) افراسیاب اندر آید (ف، س^۲: اندر آیی؛ ف: از تو آمد) بید؛ متن = ل ۲۴- ف: تو [ران]

به کینه پی افگندن^۱ و بدخوی^۲ ز توران^۳ گنهارترکس توی^۴
 ز یزدان سپاس و به یزدان^۵ پناه که ت^۶ آورد پیشم برین کینه‌گاه^۷
 عنان بازکش زین تگاورهیون که ت ایدر^۸ ز کینه بجوشید خون
 یکی برگزین جایگاه نبرد: به دشت و در و کوه با من بگرد،
 وُگر^۹ در میان دو رویه سپاه بگردی^{۱۰} به لاف از پی نام و جاه^{۱۱}،
 کجا دشمن و دوست بیند ترا؛ دل اکنون کجا برگزیند ترا؟

چو بشنید هومان بخندید سخت^{۱۲} چُنین داد پاسخ که ای شوربخت^{۱۳}،
 بس امین شدی بر تن خویش بر^{۱۴} مگر تَتت را آمد از پیش سر^{۱۵}؟
 به لشکر بدانسان^{۱۶} فرستمت^{۱۷} باز که گیو از تو ماند به درد دراز^{۱۸}
 سرت را ز تن دور مانم نه دیر چُنان کز تبارت فراوان دِلیر^{۱۹}
 به چنگ^{۲۰} من اندر^{۲۱} بسان تدرُو که بازش برد بر سر شاخ سرو،
 خروشان و خون از دو دیده چکان گنان پَر او باز و خونش مکان^{۲۲}،
 چه سودست^{۲۳}، کامد بنزدیک شب رو اکنون به زنهار تاریک شب
 من اکنون یکی باز لشکر شوم به شبگیر نزدیک مهتر شوم
 وُزآنجا^{۲۴} دمان گردن افراخته پیام نبرد ترا^{۲۵} ساخته

۱- ل: بی افکنده؛ (لن: پی افکنده؛ ق، پ، لن، آ: پی افکندی؛ ل: ب: تن افکنده؛ و: تو کینه پی افکندی و)؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیز آ) ۲- ل، آ، س: بدخویی ۳- ل (نیز ق): ترکان ۴- ل، آ، س: تویی ۵- ل، ق (نیز ق، آ): بدوم؛ (ب: بایزد)؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیز لن، ل، آ، پ، و، لن، آ) ۶- ف، ل، آ، س (نیز لن): که؛ متن = ل، س، ق (نیز ق، ل، آ- ب) ۷- ل، س، ق (نیز لن، ق، آ، ل، آ، پ، و، لن، آ، ب): بدین رزمگاه؛ متن = ف، ل، آ، س؛ در ل، ق بیت های ۷۲۳-۷۲۸ درهم ریخته اند، ل: ۷۲۴-۷۲۸، ۷۲۳؛ ق: ۷۲۸، ۷۲۳-۷۲۷ ۸- ل، س (نیز لن، پ، لن، آ): اکنون؛ (ق: آیدون)؛ متن = ف، ق، ل، آ، س (نیز ل، ل، آ، و، آ، ب) ۹- ف، ل، آ، س (نیز ل): آگر؛ (لی: ویسا)؛ متن = ل، س، ق (نیز لن، ق، آ، پ، لن، آ، ب) ۱۰- ل، آ، س: نگردی (!) ۱۱- س: بلاف و بنام و بجاه؛ ق: بنام از پی لاف خواه؛ متن = ف، ل، آ، س (نیز ل، ل، آ، پ، آ، ب) ۱۲- ل، ق (نیز ل، آ، ب): بدو گفت زه؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیز لن، ق، آ، ل، پ، و، لن، آ) ۱۳- آ: تیره بخت؛ ل، ق (نیز ل): زره را بکینم توبستی گره؛ (لی: بدو داد پاسخ که ای تیره بخت؛ پ: چنین پاسخ آورد کای نیکبخت؛ لن: بدو گفت با ماست پیروز بخت)؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیز لن، ق، آ) ۱۴- س (نیز لن، ل، آ، پ، لن، آ): خویش؛ متن = ف، ل، آ، س (نیز ق، و، لن، آ) ۱۵- س (نیز آ): سیری آمد ز سر؛ س (نیز لن، پ، لن، آ): مگر شد دلت سیر از جان (لن: خویش) و تن؛ (لی، آ): مگر سیری آمدتنت راز سر، متن = ف، ل، آ (نیز ق، آ، و)؛ ل، ق (نیز ب) این بیت را ندارند ۱۶- ف (نیز پ): بدینسان؛ ل: برانسان؛ ل: چنانست؛ (و: از انسان)؛ متن = ق، س (نیز هفت دستنویس دیگر) ۱۷- س: فرستم ازین گونه ۱۸- ل، س (نیز لن، ق، آ، پ، و، لن، آ): بگرم و گداز؛ ق: بدرد و نیاز؛ (لی، آ): برنج دراز؛ ل، آ، ب: بدرد و گداز؛ متن = ف، ل، آ، س ۱۹- ق این بیت را ندارد ۲۰- پ: چنگ؛ دستنویس های دیگر: جنگ ۲۱- (ق، آ، پ، ب: ایدر)؛ ل: منی در؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س (نیز لن، ل، پ، لن، آ)؛ در ل بیت های ۷۳۲ و ۷۳۳ پس از بیت ۷۵۶ آمده اند ۲۲- ل، ق (نیز ل، آ، ب): کشانش بچنگال و خوش مکان؛ س (نیز لن، پ، لن، آ): کنان گوشت بازو و خوش مکان؛ ل: کنان پر ازو بازو و خوش مکان؛ س: کنان بر بچنگال خویش و مکان؛ (ق: ز کینه برو بازوی خود کنان؛ لی، آ: کنان بازوی خویش را خون مکان (لی: چون ژکان))؛ متن = ف (← ل) ۲۳- ل: بودست (!) ۲۴- ق: پس آنکه ۲۵- ق: بنزدیک تو

چنین پاسخ آورد بیژن که شو!^۱ پست باد و آهرمنت^۲ پیشرو!
 همه^۳ دشمنان سربر گشته باد! گر^۴ آواره از پیش^۵ برگشته باد!
 چو فردا بیایی به آوردگاه نبیند ترا نیز شاه^۶ و سپاه
 سرت را چنان دور مانم ز جای^۷ کزان پس به لشکر نیایدت رای^۸ ۷۴۰

گفتار اندر رزم بیژن گیوبا هومان و یسه^۹

و ز آنجای که روی^{۱۰} برگاشتند به شب دشت پیگار^{۱۱} بگذاشتند
 به لشکر که خویش باز آمدند بر پهلوانان فراز آمدند
 همه شب به خواب اندر^{۱۲} آسیب سیب^{۱۳} ز پیگارشان دل شده ناشکیب
 سپیده چن^{۱۴} از کوه سر بردمید شد آن دامن^{۱۵} تیره شب ناپدید،
 بپوشید هومان سلیح^{۱۶} نبرد بشد^{۱۷} پیش پیران همه یاد کرد
 که من بیژن گیو را خواستم^{۱۸} همه شب همی جنگش آراستم^{۱۹}
 یکی ترجمان را ز لشکر بخواند به گلگون بادآورش برنشاند^{۲۰}
 هم اندر زمان بیژن آمد^{۲۱} دمان بسیچیده ی جنگ^{۲۲} با ترجمان

۱- س (نیز ق، و، ب): رو ۲- س: باد چاه اهرمن؛ س: باد باد اهرمن؛ (لن، پ: چاه باد اهرمن)؛ متن = ف، ل، ق، ل، ق، ل (نیز ق، ل، آ، آ، ب) ۳- ل: هومان ۴- س (نیز لن، پ): ور ۵- ل، س، ل (نیز لن، ق، آ، لی، پ، و، آ، ب): جنگ؛ (ل: خانه)؛ متن = ف، ق، س، آ ۶- س (نیز ق، آ، لی، آ، ب): پادشاه؛ (لن، پ: باز شاه)؛ متن = ف، ل، ق، ل، آ، س (نیز ل) ۷- ف (نیز و): زتن؛ ل، ق، ل، آ، س (نیز لی، ل، آ، آ): زیبای؛ (ق: همچنان دور ماند زیبای)؛ متن = س (نیز لن، پ، لن، آ، ب) ۸- (و: نبیند ترا انجمن؛ آ: نیاید بلشکرت رای)؛ ف: که گریند بر تو همه انجمن؛ متن = ل- س (نیز لن- پ، لن، آ، ب) ۹- ف (چند بیت پایین تر): گفتار اندر باز آمدن هومان و یسه بمصاف گاه و رفتن بیژن بنزدیک او و جنگ کردن و کشته شدن هومان؛ ل: رزم بیژن گیوبا هومان و یسه؛ ل (چند بیت پایین تر): نبرد ساختن بیژن و هومان؛ س، ق، س (سرنویس ندارند)؛ متن = ل- ۱۰- ل، آ، س: پشت ۱۱- ل: آورد؛ س: نخجیر ۱۲- س: دلانشان در؛ (پ، لن، آ، ب: بدند اندر)؛ متن = ف، ل، ل، آ، س (نیز ق، آ، لی، ل، آ، ب) ۱۳- ل، ل، آ، س (نیز لی، لن، آ، ب): شیب؛ متن = ف، س (نیز ق، آ، ل، آ، پ: بیت ۱۹۱۹)؛ ق (نیز لن، و) این بیت را ندارند ۱۴- ل- س (نیز لن- لن، آ، ب): چو؛ متن = ف (نیز آ) ۱۵- ف: شد از (ان دامن؛ س: بید دامن؛ ق: شد آن چادر؛ (ل: شده کافر)؛ متن = ل، ل، آ، س (نیز هشت دست نویس دیگر) ۱۶- س: سلاح ۱۷- ل، س، ق (نیز ق، و، ل، آ): سخن؛ متن = ف، ل، آ، س (نیز لن، پ، لن، آ، ب) ۱۸- ف: خاستم؛ س، ل (نیز لن): ساختم؛ (لن، پ: تاختم)؛ متن = ل، ق، س (نیز ق، آ، لی، ل، آ، و، آ، ب) ۱۹- س (نیز لن، لن): جنگ را (لن، لن، آ، و) تاختم؛ (پ: رزم را ساختم)؛ متن = ف، ل، ق، ل، آ، س (نیز ق، آ، لی، ل، آ، و، آ، ب) ۲۰- ل، ق (نیز ل، آ، ب) پس از این بیت افزوده اند:

که رو پیش بیژن بگوش که زود
 بیایی دمان (ل: بیا در زمان) گر (ق، ل، آ، ب: یا؛ پ: تا) من ایم چودود
 فرستاده سرگشت و با او بگفت
 که با جان پاکت خرد باد جفت
 سپهدار هومان بیامد چو گورد
 بدان تاز بیژن بجوید (ل، آ، ب: ز گردان که جوید؛ ق: که با بیژن گیو جوید) نبرد
 ۲۱- ل: چو بشنید بیژن بیامد؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س (نیز لن- ب) ۲۲- س: رزم

- ۷۵۰ به شیده^۱ شباهنگ بر بسته تنگ^۲
 زره تیره کرده بر پهلوی^۴
 به هومان چنین گفت کای بادیار
 امیدستم^۷ اکنون که این^۸ تیغ من
 که بر^{۱۰} خاک خیزد ز خون تو گل
 که با آهوان گفت غرم ژیان
 ز دامی که پای من آزاد گشت
 ۷۵۵ چنین^{۱۲} گفت هومان^{۱۳} که امروز گیو
 به کوه گنابند^{۱۵} کنم^{۱۶} کارزار؟
 که فریاد رسمان نباشد ز دور
 بدو گفت بیژن که تا کی سخن؟
- ۷۶۰ برانگیختند^{۲۱} اسپ و برخاست گرد
 دو خونی^{۲۲} برافراخته سر^{۲۳} به ماه
 ز کوه گنابند^{۲۵} برون تاختند
 به دشتی رسیدند کاندرا^{۲۸} زمی
 نه بر آسمان کرگسان را گذر
 به زه بر نهاده کمان نبرد
 چنان کینه ور گشته از کین^{۲۴} شاه
 سران^{۲۶} سوی هامون برافراختند^{۲۷}
 ندیدند جایی پی آدمی
 نه خاکش سپرده پی شیر^{۲۹} نر

۱- ل: پشت؛ س: که شیر؛ (لن: بشیر؛ ق: بشبیدیز؛ پ، لن: چوشیر؛ و: بدیزه)؛ متن = ف، ل، آ، س (نیزلی، آ، ب) ۲- س: برسخته جنگ (!) ۳- ل (نیزو، ب): پلنگی؛ س (نیزلن، لن، آ، ب): پلنگ و؛ متن = ف، ل، آ، س (نیزلی)؛ ق (نیزلی) بیتهای ۷۴۹ و ۷۵۰ را ندارند ۴- س: ابر پهلوان؛ (آ: بر پهلوان)؛ ل: زره با گره بر بر پهلوی؛ متن = ف، ل، آ، س (نیزلن، ق، آ، لی، و، ب) ۵- س (نیزآ): خسروان ۶- س، ل، آ، س (نیزلن، آ، ب): یادگار؛ متن = ف، ل، ق (نیزق، آ، لی، ل، آ، پ، آ) ۷- ق: امیدست ۸- ل (نیزلن، ق، آ، لی، پ، لن، آ): امروز کین؛ س: امروز کیز؛ متن = ف، ق، ل، آ، س (نیزل، ب) ۹- ل: زین ۱۰- ل (نیزق، آ، پ، لن، آ): از؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س (نیزلن، لی، ل، آ، و، آ، ب) ۱۱- ل: برانسوی آباد؛ س، ق: بدان سوترا باد؛ ل: برانسان آباد؛ س (نیزآ، راوندی، ص ۳۴۷، س ۲): برانسو بر آباد؛ (لی: بدانسان آباد؛ پ: بدانسو مرا یاد؛ و: از آنسو آباد؛ پ: برانسان آباد)؛ متن = ف (نیز لن) ۱۲- ل: چنان ۱۳- ل: داد پاسخ؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیزلن - ب) ۱۴- ل (نیزق، آ): جگر خسته بر؛ س، ق (نیز ل)؛ جگر خسته از؛ (آ: جگر خسته بی)؛ متن = ف، ل، آ، س (نیزلن، لی، پ، و، لن، آ، ب)؛ درل پس از این بیت، بیت های ۷۳۲ و ۷۳۳ و سپس بیت ۷۵۹ آمده است ۱۵- ل: کبابد؛ (لن: کبابد)؛ متن = ف، ل، س، ق، س (نیزلن - و، آ، ب) ۱۶- ل، س، ق (نیزلن - ب): کتی؛ متن = ف، ل، آ، س ۱۷- ل: اگر ۱۸- ف، س (نیزو): زبید (حرف دوم نقطه ندارد)؛ ل (نیزلن): زبید (حرفهای دوم و سوم نقطه ندارند)؛ ل: زبند؛ (آ: رسید)؛ متن = ق، س (نیزق، آ، لی، ل، لن، آ) ۱۹- ل، س، ل: نه ایران؛ متن = ف، ق، س (نیزلن - ب) ۲۰- ل، س: گراید بسیاری؛ ق (نیزلی، ل، آ): گزینیم یارو؛ متن = ف، ل، آ، س (نیزلن، ق، آ، پ، لن، آ، ب) ۲۱- ل: برانگیخت او ۲۲- ق: گرد؛ ل، آ، س (نیزو، ب): جنگی؛ متن = ف، ل، س (نیزلن، ق، آ، و، لن، آ) ۲۳- ق: سرافراخته تا ۲۴- ق: از بهر ۲۵- ل: کبابد؛ س: کبابد (حرف دوم نقطه ندارد)؛ متن = ف، ل، ق (نیزلن - ب) ۲۶- ل، ق (نیزق، آ، ل)؛ سر از؛ متن = ف، ل، آ، س (نیزلن، لی، پ - ب) ۲۷- س: سرافراختند؛ س این بیت را ندارد ۲۸- ل، ق (نیزلی، ل): برقتند چندانک اندر؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیز هفت دستنویس دیگر) ۲۹- ق بیتهای ۷۶۴ و ۷۶۵ را ندارد

- ۷۶۵ ز دو لشکر از^۱ یار و فریادرس
نهادند پیمان که با ترجمان
ز ما هر که^۳ یابد رهایی به جان
بدان تا بد و نیک با شهریار
که کردار چون بود و پیگار چون
- ۷۷۰ بگفتند و زاسپان فرود^۹ آمدند
بر اسپان جنگی سواران جنگ
چو بر بادپایان بستند زین
کمانها چو بایست بر ساختند
از آن^{۱۳} تیر پولادپیکان خدنگ
چو تیر آنچ بود اندر انداختند
۷۷۵ چپ و راست^{۱۶} گردان و پیچان^{۱۷} عنان
ز زور اندر آورد شد^{۲۰} لخت لخت
دهانشان چو شیر از تبش^{۲۱} مانده باز^{۲۲}
پس آسوده گشتند و دم برزدند
۷۸۰ سپر برگرفتند و شمشیر تیز
- به پیرامن اندر ندیدند کس
نباشیم^۲ در چیرگی بدگمان
نگیرد^۴ به دل کینه از^۵ ترجمان
بگویند ازین^۶ گردش روزگار،
چه زاری رسید اندر آن^۷ دشت خون^۸
- به بند زره بر گره^{۱۰} برزدند
به کین برکشیدند چون سنگ تنگ
پُر از خشم گردان و دل پُر ز کین،
به میدان جنگ^{۱۱} اندرون تاختند^{۱۲}
کمان گوشه بر گوشه بر سود تنگ^{۱۴}
همیدون سوی نيزه پرداختند^{۱۵}
همان نيزه^{۱۸} آب داده سنان^{۱۹}،
- نگر تا که را روز برگشت و بخت!
بدآب^{۲۳} و به آسایش آمد نیاز
برآن^{۲۴} آتش تیز نم برزدند
برآمد خروشیدن^{۲۵} رستخیز

۱- ل (نیزق، و)؛ نه (و: چو) از لشکران؛ س (نیزلن، پ، لن)؛ نه از لشکری؛ ل (ل: نه از لشکر از؛ آ: زدو لشکران)؛ متن = ف، ل، س، س (نیز ب) ۲- ل، س، ق (نیزلن، لی-آ): نباشند؛ متن = ف، ل، س، س (نیزق، ب) ۳- ف: هر دو؛ متن ← ۴- ف: نگیری؛ متن = س، ق، ل، س (نیزلن-پ، لن، آ، ب) ۵- س (نیزلن، پ): کینه؛ (ق، ل، لی، ل، لن، ل): کینه با؛ متن = ف، ق، ل، س، س (نیزآ، ب)؛ ل (نیزو) این بیت را ندارند ۶- ق: از ۷- ل: اندرین ۸- س (نیزب، لن): رسیده بدشت اندرون ۹- ف: فرو؛ متن = ل- س (نیزلن-ب) ۱۰- ل (نیزلی، و، آ): کمر؛ س: ببند گره بر زره؛ (پ، لن): ببند کمر بر زره؛ متن = ف، ق، ل، س، س (نیزق، ل، آ، ب) ۱۱- ل: تنگ ۱۲- ق: همیدون سوی نيزه برگاشتند (۷۷۳-۷۷۵ را انداخته و از ۷۷۳ و ۷۷۵ یک بیت ساخته است) ۱۳- ف: ازین؛ س (نیزلن، ق، آ، پ، و، لن، آ): وزان؛ متن = ل، آ، س ۱۴- ل: برسوده تنگ؛ (لن: سودند تنگ؛ لی: برسوده جنگ؛ پ: کمان را همه گوشه بر گوشه تنگ)؛ متن = ف، س، س، س (نیزق، و، لن، آ، ب)؛ ل، ق (نیزل) این بیت را ندارند ۱۵- ق: برگاشتند؛ (لن: دست آختند)؛ متن = ف، س (نیزق، پ، لن، آ، ب)؛ ل، ل، س، س (نیزلی، ل، و) این بیت را ندارند؛ بنداری: ثم رکبا و أخذ القوس و ترامیا حتی م یبق معهما سهام ۱۶- ق: شب و روز ۱۷- ل: پیچان و گردان ۱۸- ل، س، س (نیز ب): نيزه و؛ س (نیزق، پ، و، لن)؛ نيزه را؛ متن = ف، ل (نیزآ) ۱۹- ق (نیزل): شب از نيزه (ل: شب تیره) و روزرخشان سنان ۲۰- ل، ق (نیزل): زره شان در آورد شد؛ س (نیزب، لن): زره شان درآمد همه؛ (لن: زره شان بتن گشته بر)؛ متن = ف، ل، س، س (نیزق، لی، آ، ب)؛ بنداری: ثم تطاعنا حتی تقصفت رماحها ۲۱- ل (نیزلی، لن): تنش؛ س: تپش؛ (و: نفس)؛ ل: دهنشان همی از شش (حرفهای یکم و دوم واژه پسین نقطه ندارند)؛ س، ق: هم از (ق: زبس) تشنگی شان دهان؛ (ق، آ، ب: دهن خشک و تشنگی؛ ل: دهنشان هم از تشنگی)؛ متن = ف (نیزآ، ب) ۲۲- ف: بازماند (پساوند ندارد) ۲۳- ل- س (نیزلن-پ، لن، آ، ب): بآب؛ (و: بخواب)؛ متن = ف ۲۴- ق: بدان ۲۵- ف، س (نیزو): خروشیدن و؛ س: یکی دود چون؛ (لن، پ، لن): تو گفتی که این روز بد؛ متن = ل، ق، ل (نیزق، لی، ل، آ، ب)

<p>۲ همی آتش افروخت از هر دو تیغ نیامد به زخم اندرون تاب دار^۵، فرورخت از دست گنداوران^۶ نشد^۷ سیرشان دل^۸ از^۹ آویختن از^{۱۱} اندازه^{۱۲} پیگار بگذاشتند که زور آزمایند با^{۱۵} کارزار که از پشت اسپ^{۱۷} اندرآرند مرد رباید ز اسپ، افگند خوار پیش^{۱۸} گسست اندر آوردگاه از^{۲۰} نهیب نبودند یک بر دگر^{۲۲} پادشا ز پیگار یکباره^{۲۳} دم برزدند دو جنگی بکردار شیر^{۲۴} دمان^{۲۵} به گستی^{۲۷} گرفتن بیاراستند دو خونی برآسان^{۲۸} به بیم و امید یکی را ز کینه نبرگشت سر^{۳۰}</p>	<p>چو برق درخشنده از تیره^۱ میغ از^۳ آهن بر آن^۴ آهن آب دار بکردار آتش پزندآوران نبد دسترسشان به خون ریختن عمود از پس تیغ^{۱۰} برداشتند از آن^{۱۳} پس بر آن^{۱۴} بر نهادند کار بر آن^{۱۶} گونه جستند ننگ و نبرد کمر بند گیرد که را زور بیش ز نیروی گردان دوال رکیب^{۱۹} همیدون نگشتند از^{۲۱} اسپان جدا پس از اسپ هر دو فرود آمدند گرفته به دست اسپشان ترجمان بر آن^{۲۶} ماندگی باز برخاستند ز شبگیر تا سایه گسترد شید همی رزم جستند یک با دگر^{۲۹}</p>	<p>۷۸۵ ۷۹۰ ۷۹۵</p>
---	---	----------------------------

۱- ل، ق (نیز لن، ق، ل، آ، ب، و، لن، ۲): درخشان (ل، ق: درفشان) که از تیره؛ س: درفشان که آید ز؛ ل، آ، س: درفشنده از تیره؛ متن = ف (نیز ل، آ، ب) ۲- س (نیز ق، ل، آ، ب): از گرز (لی: تیر) و تیغ؛ متن = ف، ل، ق، آ، س (نیز لن، پ، ب) ۳- ل: ز ۴- ل، ق، ل (نیز لی، ل، آ، ب): بدان؛ متن = ف، س، س، س (نیز لن، ق، آ، ب، و، لن، ۱) ۵- ق، ل (نیز لن، لن، آ، ب): پایدار؛ متن = ف، ل، س، س (نیز ق، ل، آ، ب، و) ۶- ل: گرز گران؛ س (نیز لن، پ، و، لن، ۲): از چنگ کنداوران؛ ق: از برز تیغ گران؛ (ق: از اسب کنداوران؛ ل: آتش ز گرز گران؛ آ: از دسته گرز گران)؛ متن = ف، ل، آ، س (نیز لی، ب): بنداری (۷۷۷-۷۸۳): واستراحا ساعة ثم تناولوا الدرق وتضاربا بالسيف، ولم يزالا يتضاربان حتى تكسرت سيوفها ۷- ل: بشد (!) ۸- ل، س، ق (نیز لن، ب): سیر دلشان؛ متن = ف، ل، آ، س ۹- ل، ق، ل: ز؛ متن = ف، س، س، س ۱۰- س (نیز ق، ل): نیزه (!) ۱۱- ق: وز ۱۲- ف (نیز لن، ل): اندوه (ج-اندازه) ۱۳- س، ق: وزان ۱۴- ق: بدان ۱۵- ل، س (نیز ق، ل، ب): دره؛ متن = ف (نیز لن) ۱۶- ل، ق (نیز ل، آ، ب): بدین؛ (لی: بدان)؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیز لن، ق، آ، ب) ۱۷- ل، س (نیز ل، آ، ب): زمین؛ متن = ف، ق، ل، آ، س (نیز لن، ق، آ، ب، و، لن، آ، ب) ۱۸- ل: زیر خویش؛ ق این بیت را ندارد ۱۹- س: رکاب (پساوند ندارد) ۲۰- ل، ق (نیز ل، آ، ب): [از]؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیز لن، ق، ل، آ، ب) ۲۱- ل، ق: ز ۲۲- ل، س، ق (نیز لن، ب، و، لن، آ): بر یکدگر؛ متن = ف، ل، آ، س (نیز و، ب) ۲۳- ف، ل، س، ق (نیز لی، ل، آ، ب، و، لن، آ): یکبار؛ ل (نیز ب): یک لحظه؛ (ق: زمانی ز پیکار)؛ متن = س (نیز لن) ۲۴- (و: پیل) ۲۵- ف، س، ل، آ، س (نیز لن، لی، ل، آ، ب، و، لن، آ، ب): ژبان؛ متن = ل، ق (نیز ق، آ، و) ۲۶- ل، س، ق (نیز لن، آ): بدان؛ متن = ف، ل، آ، س (نیز ب) ۲۷- ل، س (نیز لن، لن، آ، ب): کشتی؛ متن = ف (نیز آ)؛ ل در اینجا سرنویس دارد: گفتار اندر کشتی گرفتن بیژن و هامان (!) ۲۸- ل: ازینسان؛ س (نیز لن، ق، آ، لی، ب): بدانسان؛ ق: از اسپان؛ (ل: بدینسان؛ آ: از انسان)؛ متن = ف، ل، آ، س (نیز و، لن، آ، ب) ۲۹- س، ق، ل، آ، س (نیز ق، آ، لی، ل، آ، ب، و، لن، آ، ب): با یکدگر؛ (لن: از یکدگر)؛ متن = ف، ل (نیز و) ۳۰- ق (نیز لی، ل، آ، ب): برفتنند پویان سوی آبخور (۷۹۵ب-۷۹۷آ را انداخته و از ۷۹۵آ و ۷۹۷ب یک بیت ساخته اند)؛ بنداری (۷۹۶-۷۹۷): فکادا یغرقان فی العرق و یحترقان من العطش. فتوافقا علی أن یصرفا الی الماء و ییردا غلیل عطشها

دهان^۱ خشک و غرقه شده تن در^۲ آب
 وُرانجا^۴ به دستوری یکدگر
 بخوردند^۶ و برخاست بیژن به درد
 تن از درد لرزان^۷ چُن^۸ از باد بید
 به یزدان چُنین گفت کای کردگار
 اگر داد بینی همی جنگ ما
 ز من مگسل امروز توش^{۱۰} مرا
 جگرخسته هومان بیامد چو^{۱۲} زاغ
 بدان خستگی باز جنگ آمدند
 همی زور کرد این بر آن، آن برین^{۱۷}
 ز بیژن فزون بود هومان به زور
 ز هرگونه زور آزمودند و بند
 بزد دست بیژن بسان پلنگ
 گرفتش^{۲۳} به چپ گردن و راست ران
 برآوردش از جای و بنهاد پست
 فروبرد و سر کردش^{۲۴} از تن جدا
 بغلتید^{۲۵} هومان به خاک اندرون
 نگه کرد بیژن بدان^{۲۶} پیلتن
 شگفت آمدش سخت و برگشت ازوی^{۲۷}
 که ای برتر از جایگاه و زمان^{۲۸}
 توی^{۳۰} تو که جز تو جهاندار نیست

ز رنج و ز^۳ تابیدن آفتاب
 برفتند پویان^۵ سوی آبخور
 ز دادار نیکی دهش یاد کرد
 دل از جان شیرین شده ناامید
 تو دانی نهان من و آشکار
 برین^۹ کینه جستن بر آهنگ ما،
 نگهدار بیدارهوش^{۱۱} مرا
 سیه گشته^{۱۳} از درد و^{۱۴} ارخ چون چراغ^{۱۵}
 گرازان بسان پلنگ آمدند^{۱۶}
 گه آن را بسودی گه این^{۱۸} را زمین^{۱۹}
 هنر عیب گردد چو برگشت هوز^{۲۰}
 فراز آمد آن بند^{۲۱} چرخ بلند:
 ز سر تا به پایش^{۲۲} بیازید چنگ
 خم آورد پشت هیون گران
 سوی خنجر آورد چون باد دست
 فگندش بسان یکی آژدها
 همه دشت شد سربسر جوی خون
 فگنده چو سرو سهی بر چمن
 سوی کردگار جهان کرد روی
 ز جان سخن گوی و روشن گمان^{۲۹}،
 خرد را برین^{۳۱} جای^{۳۲} پیگار نیست

۱- ل (نیزق، و، آ): دهن ۲- ل: ز؛ (لن: به) ۳- ل (نیزق): از آن رنج و ۴- ل: وزانپس ۵- س: هر دو؛ س در
 اینجا سرتویس دارد: رزم بیژن با هومان و کشته شدن هومان ۶- ل، ق (نیزلن-ب): بخورد آب؛ متن = ف، س، ل، س، ۷- ق:
 تنش لرزلرزان ۸- ل- ل- س (نیزلن-لن، ب): چو؛ متن = ف (نیزآ) ۹- س: وزین؛ ق: بدین ۱۰- س: هوش ۱۱-
 س: توش ۱۲- س: سیه گشته هومان ابرسان ۱۳- س: جگر خسته ۱۴- ل، ق، س (نیزق، ل، آ): [و] ۱۵- ق (نیز
 ق، ل، آ): همچون کلاغ ۱۶- درق پس از این بیت، بیت ۸۰۷ آمده است ۱۷- ل: این بدان آن بدین ۱۸- ل، ق، س: این
 را بسودی گه آن ۱۹- س: سپردی زمین و گه این (پساوند ندارد)؛ (ق: خروشان بهم همچو شیر غرین) ۲۰- ل (نیزلن، پ، لن، آ):
 بر بخت شور ۲۱- ق، س: راز؛ (ل: رای؛ پ: زور)؛ ل این بیت را ندارد؛ درق این بیت پس از بیت ۸۰۴ آمده است ۲۲- ل،
 ق (نیزلن، ب): میانش؛ متن = ف، س، ل، س (نیزق، ل، پ، و، لن، آ) ۲۳- ف: گرفت و؛ متن = ل- س (نیزلن-ب) ۲۴-
 ل (نیزق، ل، آ، پ): کردش سر ۲۵- س (نیزلی): بغلطید ۲۶- س: بران ۲۷- س (نیزلن، پ، لن، آ): زان برویال
 اوی ۲۸- ل، س (نیزب): مکان (!)؛ متن = ف، ق، ل، آ، س (نیزلن، ق، ل، پ، و، لن، آ) ۲۹- ل، س، س، آ: (نیزلی، و، لن، آ،
 آ): [و] روشن روان؛ ق (نیزلن، ق، آ، پ، ب): و روشن روان؛ متن = ف، ل ۳۰- ق، ل، آ، س: تویی ۳۱- ل- ل- س (نیزلن، ق، آ،
 لن، آ، ب): بدین؛ متن = ف (نیزب) ۳۲- ل، س (نیزلن، پ، لن، آ): کار؛ متن = ف، ق، ل، آ، س (نیزق، آ، ب)

که با پیل کین جستم زهره نیست
به هفتاد خون برادریدر
به چنگال شیران^۴ سرش^۵ کنده باد!
تنش را به خاک اندرافکند پست
تنش جای دیگر، دگر جای سر^۶

به سختی نباشدت^۱ فریادرس
بدو دل سپردن^{۱۰} سزاوار نیست

دوان ترجمانان هر دو سپاه،
چو پیش بت چین برهن^{۱۱} شدند
نبودش گذر جز به توران سپاه
که یابند ازین^{۱۴} کار ایشان^{۱۵} نشان
بسند^{۱۷} نباشد مگر با^{۱۸} گروه
پوشید خفتان^{۱۹} هومان ز بر^{۲۱}
درفش سر نامداران به دست
بر آن بخت بیدار و فرخ‌زمین
کزو مهترش را^{۲۳} چنان بد رسید

مرا زین هنر سرسیر بهره نیست
به کین سیاوش^۱ بریدمش سر
روانش روان مرا^۲ بنده^۳ باد!
سرش را به فتراک شیده بیست^۶
گشاده سلیح و گسسته کمر

زمانه سراسر^۸ فریست و بس
جهان را نمایش چو کردار نیست

چو شد کار هومان^۱ ویسه تباہ
ستایش‌کنان پیش بیژن شدند
چو بیژن نگه کرد از آن^{۱۲} رزمگاه
بترسید از انبوه مردم^{۱۳} گشان
به جنگ اندرآیند برسان^{۱۶} کوه
برآهیخت^{۱۹} درع سیاوش به سر^{۲۰}
بر آن چرمه‌ی پیل‌پیکر نشست
برفتند و بر دشت کرد^{۲۲} آفرین
بترسید ازو یار هومان چو دید

۱- ف، ل: برادر(!)؛ متن = ل، س، ق، س^۲ (نیز لن - ب)؛ بنداری: قد تشفیت لسیاوخش و لسبعین نفسا من أعمامی ۲- ل: ورا ۳- ف: زنده (!)؛ متن = ل - س^۲ (نیز لن - ب) ۴- س (نیز لن، پ، ل، ن): بیژن ۵- ل (نیز لی، و، آ): تنش (!)؛ ق: بکین؛ (ق، ل، دلش): متن = ف، س، ل، س^۲ (نیز لن، پ، ل، ن، ب)؛ ل^۲ در اینجا سرنویس دارد: کشته شدن هومان بر دست بیژن ۶- ل (نیز لن، پ، ل، ن): شبرنگ بست؛ ق (نیز و): دیزه بیست؛ (ق): شب‌دیز بست؛ ل^۲: زین بر بیست؛ متن = ف، س، ل، س^۲ (نیز آ، ب) ۷- س (نیز لن، پ، ل، ن) این بیت را ندارند ۸- س، ق: سراسر زمانه ۹- س: نباشد بسختیش؛ (لن، پ، ل، ن): نباشد بسختیت ۱۰- ل: سپردن بدو دل؛ (و: برو دل نهادن)؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س^۲ (نیز لن، ق، ل، ی، پ، ل، ن، آ، ب)؛ درل پس از این بیت، بیت ۸۳۲ آمده است ۱۱- س (نیز لن، پ، ل، ن): زمین بوسه دادن برهن (نیز: دادند و امین)؛ درل پس از این بیت، بیت‌های ۸۳۳-۸۳۵ آمده‌اند ۱۲- ل: زان ۱۳- س: گردنکشان ۱۴- ل: زان؛ ل، آ، س^۲: از؛ متن = ف، س، ق ۱۵- ل، ق (نیز لی، ل، آ): یکسر؛ متن = ف، س، ل، آ، س^۲ (نیز لن، ق، آ، پ، و، ل، ن، ب) ۱۶- ق (نیز ل): یکسر چو ۱۷- ل (نیز لی، ل، آ، ل، ن، آ، ب): پسند (!) ۱۸- ق: نباشم میان ۱۹- ف، ل، س، ق، س^۲ (نیز لن، ل، ی، ب): برآهخت (برخی را برآهیخت هم میتوان خواند)؛ ل: برهخت (!)؛ (ق): برانگیخت (!)؛ متن تصحیح قیاسی است ۲۰- ل، ق، س^۲ (نیز ق، آ، ل، و، ل، ن): زسر؛ (لی، آ، ب): زبر (پساوند ندارند)؛ متن = ف، س، ل، آ، س^۲ (نیز لن، پ) ۲۱- ل، ل، پ، ل، س، ق (نیز لن - پ، ل، ن، آ): بخفتان هومان پوشید بر؛ متن = ف، س^۲ (نیز و، ب) ۲۲- ل، س، ق (نیز لی، ل، ن): برفت و بر آن (لی: بدان) دشت کرد؛ (لن، پ، ل، ن): برفت و بر آن جای کرد؛ ق: برفت و بر او بر بکرد؛ و: برفتند بر دشت و کرد)؛ متن = ف، ل، آ، س^۲ ۲۳- ل، ق (نیز ق، ل، ن): که بر مهتر او؛ س (نیز لن، لی، پ، و، ل، ن): که بر مهترش بر (لی، و، آن)؛ متن = ف، ل، آ، س^۲ (نیز ب)؛ درل بیت ۸۳۲ پس از بیت ۸۲۳ و بیتهای ۸۳۳-۸۳۵ پس از بیت ۸۲۵ آمده‌اند؛ پایی بیت‌های متن = چهارده دستنویس دیگر

بدو گفت بیژن: مترس از گزند
تو اکنون سوی لشکر خویش پوی
بشد ترجمان، بیژن آمد دمان ۸۳۵
چُن ۴ آن دیدبانان ۵ ترکان ۶ ز دور
بدیدند، از آن ۹ دیده برخاستند
طلایه هیونی برافگند زود
که هومان به پیروزی شهریار
درفش سپهدار ایران نگون ۸۴۰
همه لشکرش برگرفته خروش
چه ۱۳ ددی ۱۴ که نومیدی آرد به ۱۵ مرگ
چو بیژن میان دو رویه سپاه
به توران رسید آن زمان ترجمان
همانگه به پیران رسید آگاهی ۸۴۵
سبک بیژن اندر میان سپاه
غریبیدن آمد ز توران سپاه
جهان تیره شد ۲۱، روشنایی نبود ۲۲

که پیمان همانست، نگشادا بند
ز من هرچه ۲ دیدی بدیشان بگوی
به کوه گنابند ۳ به زهر کمان
درفش و نشان ۷ سپهدار ۸ تور،
به شادی خروشیدن آراستند
بنزدیک پیران بکردار دود
دوان ۱۰ آمد از مرکز کارزار
تنش نیز ۱۱ در خاک غرقه به خون ۱۲
به هومان نهاده سپهدار گوش
از آتش ۱۶ ببارد به سر بر تگرگ
رسید اندر آن سایه‌ی تخت شاه ۱۷،
بگفت آنک ۱۸ دید از بد بدگمان
که شد تیره آن فر شاهنشهی:
نگوسار ۱۹ کرد آن درفش سیاه
ز سر برگرفتند گردان ۲۰ کلاه
که از تیرگی چشم خیره نمود ۲۳

۱- ل: بگشاد (حرف یکم نقطه ندارد)؛ س (نیز آ): و نگسست؛ ق (نیز لن): و نگشاد؛ ۲: بگشاد؛ س: و نگشاد (حرف دوم نقطه ندارد)؛
ق: ۲: و آیین و؛ ل: مگشای؛ پ، لن: ۲: و بگشاد؛ و: و مگشای؛ متن = ف ۲- ل: هرچ؛ ق (نیز ل): بیتهای ۸۳۴ و ۸۳۵ را
ندارند ۳- ل: ۲: کبابد؛ س: ۲: کبابد (حرف دوم نقطه ندارد)؛ (لن: ۲: کبابد)؛ متن = ف، ل، س (نیز لن، ق، ل، پ، و، آ، ب) ۴- ل:
س ۲ (نیز لن، ل، ب): چو؛ متن = ف ۵- ل، ق، ل، ۲، س: ۲: دیده بانان؛ س دیدند گردان؛ متن = ف ۶- ل: لشکر؛ ق: [ترکان] (وزن
ندارد)؛ (و: توران)؛ متن = ف، س، ل، ۲، س ۲ (نیز لن، ل، ل، ۲، پ، لن، آ، ب) ۷- ل، ق (نیز ل، ۲، پ، و، آ): سنان (→ نشان)؛ س:
درخشان درفش؛ (ل: بدیدند زخم)؛ متن = ف، ل، ۲، س ۲ (نیز لن، ل، آ، ب) ۸- ل (نیز ل، ب): سرافراز؛ متن = ف، س، ق، ل، ۲، س ۲ (نیز
لن، آ) ۹- ل: زان؛ س: وز؛ س: ۲: از؛ متن = ف، ق، ل، ۲ ۱۰- س (نیز و): دمان؛ ق: روان ۱۱- (لن، پ، ل، ۲: خوار)؛
متن ← ۱۲- ل، ق (نیز ل، ل، آ): تنش غرقه (ق: کشته) مانده (ل: ۲: گشته) بخاک اندرون؛ س: همی بینم از دور بس واژگون؛ (ق: ۲:
تنش پرز خاک و سرش پرز خون)؛ متن = ف، ل، ۲، س ۲ (نیز و، ب) ۱۳- (ب: که) ۱۴- (ق: ۲: کردی؛ ل، آ: شادی)؛ متن = ف،
س، ل، ۲، س ۲ (نیز لن، پ، و، لن، آ، ب) ۱۵- ف: آید به؛ (ق: ۲: آرد ز)؛ متن = س، ل، ۲، س ۲ (نیز لن، ل، پ، ب) ۱۶- س: از آنپس؛
متن = ف، ل، ۲، س ۲ (نیز لن، ق، آ، ل، پ، ب)؛ ل، ق (نیز ل) این بیت را ندارند ۱۷- ل: تاج و گاه؛ (ق: ۲: چتر شاه؛ ل: ۲: و جایگاه؛ و:
تختگاه؛ لن: ۲: بخت شاه)؛ س: نگوسار کرد آن درفش سیاه (۸۴۳ ب و ۸۴۶ آ را انداخته و از ۸۴۳ آ و ۸۴۶ ب یک بیت ساخته است)؛ متن =
ف، ق، ل، ۲، س ۲ (نیز لن، ل، پ، آ، ب) ۱۸- ل، س ۲ (نیز لن، ق، ۲): آنچه؛ ق، ل ۲ (نیز ل، ب): آنچه؛ متن = ف؛ س این بیت را
ندارد ۱۹- ل، س ۲ (نیز لن، ب): نگوسار؛ متن = ف؛ ل ۲ در اینجا سرنویس دارد: آگاهی یافتن پیران از کشتن هومان ۲۰- س (نیز
ب): یکسر؛ (ق: ۲: ترکان)؛ متن = ف، س ۲ (نیز لن، ل، ل، ۲، پ، لن، آ)؛ ل، ق، ل ۲ (نیز و) این بیت را ندارند ۲۱- س (نیز لن، پ، لن، ۲):
تیره و؛ (ل، آ، ب: تیره بد)؛ متن = ف (نیز ق) ۲۲- (ق: ۲: نماند) ۲۳- (لن: کبود؛ ل: نبود)؛ س (نیز لن، پ، لن، آ، ب): نیامد
(پ: نیاید؛ لن، آ، ب: بیامد) بدان خیره دیدار سود؛ (ق: ۲: شب از روز گفتی جدایی نماند)؛ متن = ف (نیز آ)؛ ل، ق، ل، ۲، س ۲ (نیز ل، و) این بیت
را ندارند؛ ق ۲ پس از این بیت افزوده است: ←

<p>نگون یافتند آن درفش سیاه وُزان دیدگه^۴ نعره برداشتند^۵ طلایه سوی پهلوان بر فگند درفش سیه را سر آورد^۶ زیر به هر کس^۷ خروشان و هر سودوان^۸ همی ماتم آورد هَنگام سور دمان سوی^{۱۱} فرزند نهاد روی از^{۱۲} اسپ اندر آمد چُنان که ام شنید^{۱۳} همی آفرین خواند بر دادگر^{۱۷} جوان و دلیر و^{۱۹} خردمند را ستایش کنان برگرفتند راه نبیره فرود آمد از اسپ و پور^{۲۰} سرِ گردهومان به فِتراک بر^{۲۲} همه یاد کرد آن کجا رفته بود^{۲۳} به پیش سپهدار^{۲۵} گودرز برد که^{۲۶} گفتی برافشانند خواهد روان بر آن^{۲۷} اختر و بختِ بیدار بر که تاج آر با جامه‌ی خسروان درفشان چو خورشید تاج و کمر پری روی^{۳۱} زرین کمر ده غلام</p>	<p>پس^۱ آن^۲ دیدبانان^۳ ایران سپاه ۸۵۰ سوی پهلوان روی برگاشتند وُزانجا هیونی بسان نوند که بیژن به پیروزی آمد چو شیر چو دیوانگان گویو گشته نوان همی آگهی جُست از آن^۹ نیوپور ۸۵۵ چُن^{۱۰} آگاهی آمد ز بیژن بدوی چو چشمش به روی گرامی رسید بغلتید^{۱۴} و بنهاد بر خاک^{۱۵} سر^{۱۶} گرفتش به بر باز^{۱۸} فرزند را وُزانجا دمان سوی سالار شاه ۸۶۰ چو دیدند مر پهلوان را ز دور پُر از خون سلیح^{۲۱} و پُر از خاک سر به پیش نیا رفت بیژن چو دود سلیح^{۲۴} و سر و اسپ هومانِ گرد ز بیژن چُنان شاد شد پهلوان ۸۶۵ گرفت آفرین پس به دادار بر به گنجور فرمود پس پهلوان گوهر بافته پیکر^{۲۸} و بوم^{۲۹} زر ده اسپ آوردند^{۳۰} زرین لگام</p>
---	--

۱- ل (نیز پ): چو ۲- ق: از (جان) ۳- ل، ق، س: دیده بانان؛ ل (نیز ل، و، لن) این بیت را ندارند ۴- ل- س: دیده گه ۵- ف: بگذاشتند (۴)؛ متن = ل- س (نیز لن- ب) ۶- ل- س (نیز لن، ل) آورده؛ متن = ف (نیز ب) ۷- ل (نیز ق): سو ۸- ل: زهر سوگوان ۹- ل: زان؛ س: از ۱۰- ل، س، ق (نیز ق، ل، و، آ): چو؛ ل، آ، س (نیز لن، ل، ب): پس؛ متن = ف ۱۱- ل: پیش ۱۲- س، ق، ل: ز؛ متن = ف، ل، س ۱۳- ل- س (نیز لن، و، لن، آ، ب): چون سزید؛ متن = ف (نیز ق) ۱۴- (لی: بغلطید) ۱۵- ق، س (نیز لن، ق): بر خاک و بنهاد ۱۶- س: روی ۱۷- س: برفراوی ۱۸- ق: پاک ۱۹- ل: دلیر و جوان؛ س (نیز ق، و، لن، ب): جوان دلیر؛ ق (نیز ل): جوان و دلیر؛ ل: جوان دلیر و؛ متن = ف، س (نیز لن، آ) ۲۰- ل: اسب تور؛ ل، آ، س (نیز ل): اسب پور؛ متن = ف، س، ق (نیز لن، ق، و، لن، آ، ب)؛ ل در اینجا سرنویس دارد: آمدن بیژن بنزد گودرز و آوردن سر هومان ۲۱- س، س: سلاح ۲۲- س، ل: همی آفرین خواند بر دادگر (= ۸۵۷ ب)؛ در س، ل پس از این بیت، بیت ۸۵۳ دوباره آمده است ۲۳- س این بیت را ندارد ۲۴- س: سلاح ۲۵- ل، آ، س: بنزدیک سالار ۲۶- س: تو ۲۷- س: بدان؛ س: پراز (بران) ۲۸- س: گوهر (!) ۲۹- ل: بوم و (!) ۳۰- (لن، لن): آوردش به ۳۱- س: پری روی و
 چنان روشنایی و تیره نمود
 کزان روشنی بودشان تیرگی
 نیامد بدان خیره دیدار سود
 گرفته همه چشمشان خیرگی

۸۷۰ بدو داد و گفت: ازگه سام شیر
گشادی سپه را برو تیغ و دست^۳
همه لشکر شاه^۴ ایران چو شیر

۸۷۵ [چو از کار هومان رسید آگهی
دریدش همه جامه و پشت دست
وُزاندوه^۷ پیران برآورد خشم
به نستین آنکه فرستاد کس
سزد گر کنی جنگ را تیز چنگ
بر^۸ ایرانیان بر^۹ شبیخون کنی
ببر ده هزار^{۱۱} آزموده سوار
مگر کین هومان تو بازآوری
چو رفتی بنزدیک لشکر فراز
۸۸۰ بدو گفت نستین: ایدون کنم

به پیران، بینداخت تاج مهی^۶
نشست از بر خاکِ تاریک پست]
دل از درد خسته، پر از آب چشم
که ای نامورگرد فریادرس،
به کین برادر نسازی درنگ
زمین را ز^{۱۰} خون رود جیحون کنی
میان بسته ی^{۱۲} کینه و کارزار
سر دشمنان را به گاز آوری
سپه را یکی سوی^{۱۳} هامون نواز^{۱۴}
که از خون زمین را چو^{۱۵} جیحون کنم

گفتار اندر شبیخون بردن نستین برادر پیران و یسه^{۱۶}

دو بهره چُن^{۱۷} از تیره شب درگذشت^{۱۸} ز جوش^{۱۹} سواران بجوشید دشت

۱- س، ل، آ، س^۲ (نیز لن، ل^۲): نیاورد کس؛ متن ← ۲- ل: ازدهایی بزیر؛ (ق، ل، آ): چنین ازدها کس نیاورد زیر؛ متن = ف، ق (نیز لی، و، آ) ۳- ل: بدین جنگ دست؛ (لی، آ): بدین تیغ و دست؛ و: گشاده سپه را بدو تیغ و دست؛ متن = ف، س، ل، آ، س^۲ (نیز لن، ق، ل، ل^۲، ب): ق (نیز ل^۲) بیت های ۸۷۰ و ۸۷۱ را ندارند ۴- س: لشکر و بوم ۵- س (نیز لن، پ، ل^۲): دوان و دمان ۶- ل- س^۲ (نیز لن- ب) بیت های ۸۷۲ و ۸۷۳ را ندارند؛ متن = ف؛ گویا بنداری نیز این بیت ها را داشته است (۸۷۲-۸۷۵): ولما علم بیران بقتل أخیه ضاقت علیه الأرض بما رحبت و طفق یبکی غلیه فأرسل الی أخیه الآخر نستین و قال له... ۷- ل، آ، س^۲ (نیز لن، لی، ب): وزان (ل^۲): وزین) روی؛ متن = ف، ل، ق (نیز ق^۲)؛ س بجای این بیت افزوده است: وزان نیمه پیران ابا درد و داغ

شده رویش از درد چو ن پیران

۸- ل، س (نیز لی، و، آ): به؛ متن = ف، ق، ل، آ، س^۲ (نیز لن، ق، ل، آ، پ، ل^۲، ب) ۹- ل: بس ۱۰- ل (نیز لن، پ، و، ل^۲): به؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س^۲ (نیز ق^۲، لی، ل، آ، ب) ۱۱- ف، ل، آ، س^۲ (نیز لن، ق، ل، پ، ب): نبرده هزار؛ س: نبرده سران؛ (آ): بپرده هزار؛ متن = ل (نیز لی، و، ل^۲): بنداری: فاختار عشرة ألف من الفرسان ۱۲- ل: کمر بسته بر؛ ل، آ، س^۲ (نیز لن، ل^۲): میان بسته بر؛ متن = ف، س (نیز ق^۲، لی، پ، و، آ، ب)؛ ق (نیز ل^۲) بیت های ۸۷۸-۸۸۰ را ندارند ۱۳- ل، آ، س^۲: سر به ۱۴- ل، س (نیز ق^۲، پ): بتاز؛ (و: گراز)؛ متن = ف، ل، آ، س^۲ (نیز لن، لی، ل، آ، ب): نواز(؟) ۱۵- ل، س (نیز ق^۲، لی، و): رود؛ ق: زمین را ز خون رود؛ متن = ف، ل، آ، س^۲ (نیز لن، پ، ل، آ، ب) ۱۶- ف: گفتار اندر شبیخون بردن نستین (؟) برادر پیران و یسه بر سر ایران و کشته شدن نستین (؟) بر دست بیژن گیو؛ س: شبیخون آوردن ترکان بر ایرانیان و کشته شدن نستین؛ ق: آمدن نستین بکین هومان و کشته شدن او و هزیمت ترکان؛ س^۲: شبیخون کردن نستین و کشته شدن؛ ل، ل^۲ سرنویس ندارند؛ متن = آغاز ف ۱۷- ل- س^۲ (نیز لن- ب): چو؛ متن = ف ۱۸- ق: برگذشت ۱۹- س، س^۲: خون

<p>بدان تاختن گردن افراختن^۳ بیاورد نزدیک^۵ ایران سپاه، که^۷ از دیدگه^۸ دیدبانش^۹ بیدید سبک سوی^{۱۰} گودرز بشتافتند بنزدیک سالار ایران سپاه^{۱۱} که^{۱۴} گویی ندارند گویازبان، سپهدار داند که آن چون بود^{۱۶}! که بیدار باشید و روشن روان که تا کی بیاید ز لشکر نشان^{۱۷}] — همان^{۱۸} تیغزن لشکر نیو را — شکسته دل دشمنان^{۱۹} نام تو ازین نامداران و مردان من سپهر^{۲۱} اندر آور به^{۲۲} مردی به زیر!</p>	<p>گرفتند گردان^۱ همه تاختن^۲ چو نستیهن آن^۴ لشکر کینه خواه سپیده دمان را^۶ بدانجا رسید چو کارا گهان آگهی یافتند نوندی براند از سر دیدگاه که آمد سپاهی چُن^{۱۲} آب^{۱۳} روان برانسان^{۱۵} که رسم شبیخون بود، به لشکر بفرمود پس پهلوان [همه گوش دارید آوازشان بخواند آن زمان بیژن گویو را بدو گفت: نیک اختر و کام تو بر هر که^{۲۰} باید ز گردان من پذیره شو این تاختن را چو شیر</p>	<p>۸۸۵ ۸۹۰ ۸۹۵</p>
<p>دلیران و^{۲۳} پرخاشجویان هزار دو لشکر پُر از کینه و^{۲۴} رزم ساز یکی ابر بست از بر تیره خاک بپوشید دیدار^{۲۷} توران سپاه کزو لشکر تور^{۲۹} شد ناپدید،</p>	<p>گزین کرد بیژن ز لشکر سوار رسیدند پس یک به دیگر فراز همه گرزها برکشیدند پاک فرود^{۲۵} آمد از ابر گردی^{۲۶} سیاه سپهد چُن آن^{۲۸} گرد تیره بیدید</p>	<p>۹۰۰</p>

۱- ل (نیزو): ترکان؛ متن ← ۲- س: سواران سبک ره همه ساخته؛ ق (نیزلی، آ): گرفتند از آن پس سپه تاختن؛ متن = ف، ل، آ، س^۲ (نیز
 لن، ق، آ، پ، لن، آ، ب) ۳- س: افراخته ۱۴- ل: از (ح-ان) ۵- س: بر جنگ ۶- ل، ق: تا؛ (لی: او؛ آ: سپیده
 دمانی)؛ متن = ف، ل، آ، س^۲ (نیزلن، ق، آ، پ، و، لن، آ، ب) ۷- ل، ق (نیزلی، آ): چو؛ متن = ف، ل، آ، س^۲ (نیزلن، پ، و، لن، آ،
 ب) ۸- ف: س^۲: دیده گه ۹- ل، ق، ل، آ: دیده بانش؛ س^۲: دیده بان را؛ س این بیت را ندارد ۱۰- س: نزد ۱۱- ل،
 س، ق (نیزل آ) این بیت را ندارند؛ بنداری: فلما شارفوهم وقت السحر أحس بهم الديدبان فأنذر بهم ۱۲- ل: س^۲ (نیزلن-ب): چو؛ متن =
 ف ۱۳- ل: کوه؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س^۲ (نیزلن-ب) ۱۴- س (نیزلن، پ، لن، آ): تو ۱۵- س، ق (نیزلن، لی، ل، آ، پ،
 ب): بدانسان؛ متن = ف، ل، آ، س^۲ (نیزق، آ، و، لن، آ، ب) ۱۶- ق: زمین از دلیران پر از خون بود ۱۷- ل، س، ق (نیزلن، ل، آ، پ،
 لن، آ، ب) این بیت را ندارند؛ متن = ف، ل، آ، س^۲ (نیزق، آ، لی، و، آ) ۱۸- ل، س، ق (نیزق، آ، ل، آ، و، ب): ابا؛ متن = ف، ل، آ، س^۲ (نیزلن،
 لی، پ، لن، آ، ب) ۱۹- ل، ق (نیزلی، ل، آ، ب): دشمن از؛ متن = ف، س، ل، آ، س^۲ (نیزلن، ق، آ، پ، لن، آ، ب) ۲۰- ل:
 هرک ۲۱- ل، س، ق (نیزل آ، و): سپاه؛ متن = ف، ل، آ، س^۲ (نیزلن، پ، لن، آ، ب) ۲۲- ق: ز ۲۳- ل: [و] ۲۴-
 (ل: بیاراسته)؛ متن = ل- س^۲ (نیزهشت دستنویس دیگر)؛ ف این بیت را ندارد؛ بنداری: ولما التقوا أمر بیژن أصحابه... ۲۵- س:
 فراز ۲۶- س، ق (نیزق، آ، ل، آ، لن، آ): گرد؛ ل: از کوه ابری؛ متن = ف، ل، آ، س^۲ (نیزلن، لی، پ، و، لن، آ، ب) ۲۷- ف: دیده ز؛ (ل: آ:
 دیوار → دیدار)؛ متن = ل- س^۲ (نیزهشت دستنویس دیگر) ۲۸- س، ق، ل، آ، س^۲ (نیزلن-ب): چو آن؛ ل: سپهدار چون؛ متن = ف:
 چنان ۲۹- ل، س، ق (نیزلن، ق، آ، لی، ل، آ، لن، آ، ب): ترک؛ (پ: گشن)؛ متن = ف، ل، آ، س^۲ (نیزو)

کمان‌ها بفرمود کردن به زه
 چو بیژن به نستیه‌ن اندر رسید
 هوا سرسَر گشت^۲ زنگارگون^۳
 ز ترکان دو بهره فتاده^۵ نگون^۶
 یکی تیر بر اسپ نستیه‌نا
 ز درد^۹ اندر آمد تگاور به روی
 عمودی بزد کان^{۱۱} سر ترگ‌دار
 چُنین گفت بیژن بدایران^{۱۴}
 بجز گرز و شمشیر گیرد به دست،
 که ترکان به دیدن پری‌چهره‌اند
 دلیران که بودند و^{۱۹} گُنداوران
 چو پیلان همه دشت بر یکدگر
 از آن^{۲۴} رزمگه تا به توران‌سپاه
 چو پیران ندید^{۲۶} آن زمان با سپاه
 به کار آگهان گفت: ازین^{۲۸} رزمگاه
 نشانی بیارد^{۳۰} ز نستیه‌نم

برآمد خروش از مهان و ز که^۱
 درفش سر ویسگان را بدید
 زمین شد بکردار دریای خون^۴
 به زیر پی اسپ و دل پر ز خون^۷
 رسید از گُشاد^۸ بر بیژنا
 رسید اندرو بیژن رزمجوی^{۱۰}
 تهی ماند^{۱۲} از مغز و^{۱۳} برگشت کار
 که هر کو^{۱۵} ببندد^{۱۶} کمر بر میان،
 کمان بر سرش بر^{۱۷} کم پاک پست،
 به جنگ از هنز^{۱۸} پاک بی‌بهره‌اند
 کشیدند یکسر^{۲۰} پزند آوران
 فگندند^{۲۱} تن‌ها^{۲۲}، جدا کرده^{۲۳} سر
 دمان از^{۲۵} پس اندر گرفتند راه
 برادر، برو^{۲۷} گشت گیتی سیاه
 هیونی که تازد بدایران سپاه^{۲۹}،
 وُگره دو دیده ز بُن^{۳۱} برکم^{۳۲}

۱- س، ل، آ، س^۲ (نیز لن، ق، آ، پ، ل، ن، آ): کهان وزمه؛ متن = ف، ل (نیز ب)؛ ق (نیز لی، ل) بیت های ۹۰۱ و ۹۰۲ را ندارند؛ ل^۲ در اینجا سرنویس دارد: رسیدن بیژن به نستیه‌ن و کشته شدن ۲- ل، ق، ل، آ: گشته ۳- ف: زنگارگون ۴- ق: زیر پی اسپ و دل پر ز خون (۹۰۳ و ۹۰۴) و آ را انداخته و از ۹۰۳ و ۹۰۴ ب یک بیت ساخته است) ۵- ل: فتاده دو بهره ۶- س: بخون ۷- ل (نیز پ) اسپ غرقه بخون؛ س: اسپ گشته نگون؛ متن = ف، ق، ل، آ، س^۲ (نیز ق، ل، آ، ب)؛ ل، لی، و، ل، آ، آ این بیت را ندارند؛ در ل^۲ این بیت پس از بیت ۹۰۶ آمده است ۸- ف، س (نیز لن، ل، آ): گشاد و؛ متن = ل، ق، ل، آ، س^۲ (نیز لی، پ، و، ل، ن، آ، ب) ۹- س: ز پای ۱۰- ل، س (نیز و): جنگجوی؛ (ل، پ، ل، ن، آ): ناجوی؛ متن = ف، ق، ل، آ، س^۲ (نیز ق، ل، لی، آ، ب)؛ در ل^۲ پس از این بیت، بیت ۹۰۴ آمده است ۱۱- ل، س، ق (نیز ق، ل، لی، آ، پ، آ، ب): بر؛ متن = ف، ل، آ، س^۲ (نیز لن، و، ل، ن، آ) ۱۲- س: آ: گشت ۱۳- ل، س، ق (نیز لن، لی، ل، آ، ل، ن، آ، ب): ازو مغزو؛ ل: وزبخت؛ متن = ف، س^۲ (نیز ق، آ، پ، و، آ) ۱۴- ل، س^۲ (نیز لن - ب): بایرانیان؛ متن = ف ۱۵- ل: هرگز (هرکو) ۱۶- س: نبندد ۱۷- ق (نیز لی، آ): کمانش بسربر؛ ل: کمان در سرش در ۱۸- س: اندرون ۱۹- ل: [و]؛ ل: دلیری گرفتند و؛ س، ق (نیز لن - ب): دلیری گرفتند؛ متن = ف، س^۲ ۲۰- س: لشکر؛ (ب: یک یک) ۲۱- ل، س، ق (نیز لن - ب): فکنده ز؛ متن = ف، ل، آ، س^۲ ۲۲- ل: یکسر ۲۳- ل، س (نیز ق): مانده؛ ق: گشته؛ متن = ف، ل، آ، س^۲ (نیز لن، لی - ب) ۲۴- س: این ۲۵- س: دمان و ۲۶- ل، آ، س: بدید (!) ۲۷- ل، س (نیز لن): بدو؛ متن = ف، ق، ل، آ، س^۲ (نیز پ، و، ل، ن، آ، ب) ۲۸- ل: زین ۲۹- ل (نیز پ، ل، ن، آ، ب): بایران سپاه؛ ل: بتازد باورد گاه؛ س: بتازند تا آن سپاه؛ س: که یارد بر ایران سپاه؛ (لن): که بازد بایران سپاه؛ ق: که تازد بنزد سپاه؛ متن = ف؛ ق (نیز لی، ل، آ، آ) بجای این بیت افزوده‌اند:

بگفتا سواری بستازید زود بدان جایگه بر (ل: رزمگه هم) بکردار دود

۳۰- ل، ق (نیز لی، ل، آ، آ): که آرد نشانی؛ س: بیارد نشانی؛ متن = ف، ل، آ، س^۲ (نیز لن، ق، آ، پ، و، ل، ن، آ، ب) ۳۱- ل، س، ق (نیز و، ب): سر؛ س^۲ (نیز لی، آ): تن (ب: بی)؛ (ل، ق، آ): بن (حرف یکم نقطه ندارد)؛ متن = ف (نیز ل، آ، پ، ل، ن، آ) ۳۲- ل: بزین ترکم (ب: زبن برکم)

<p>هیونی برون تاختند آن زمان^۱ که نستیهَن آنک بر آن^۳ رزمگاه بریده سر، افکنده برسان پیل چو بشنید پیران برآمد به جوش^۶ همی‌کنند موی و همی‌ریخت آب^۷ بزد دست و بدرید رومی قبای همی‌گفت کای^{۱۱} کردگار جهان که بگستی^{۱۲} از تن دل و^{۱۳} زور من دریع آن هزبرافکن گُردگیر برادر گرامی تر از جان^{۱۶} من چو نستیهَن آن شیر شَرزه به جنگ که را یابم اکنون بدین^{۱۸} رزمگاه؟</p>	<p>۹۲۰</p> <p>۹۲۵</p>
<p>برفت و بدید و بیامد دمان^۲، ابا نامداران^۴ توران سپاه، تن از گرز^۵ خسته بکردار نیل نماند آن زمان با سپهدار هوش ازو^۸ دور شد خورد و آرام و خواب^۹ برآمد خروشیدن و^{۱۰} های‌های همانا که با تو بدستم نِهان، چُنین تیره گشت^{۱۴} اختر و هور من جوان و دلیر و سوار و^{۱۵} هُزیر سر ویسگان گُردهومان من که روباه بودی به جنگش^{۱۷} پلنگ، به جنگ اندرآورد باید سپاه</p>	<p>۹۳۰</p>
<p>بزد نای روین و بر بست کوس ز کوه گنابند^{۲۰} برون شد سپاه سپهدار ایران بزد گره‌نای^{۲۱} میان سپه کاویانی درفش همه نامداران پرخاشجوی^{۲۲} سپیده‌دمان اندرآمد سپاه</p>	<p>۹۳۰</p>

۱- س: از سپاه؛ ق: تاخت اندر زمان ۲- س: پگاه ۳- ل، س، ق (نیز لن، لی، پ، آ، ب): بدان؛ (و: در آن)؛ متن = ف، ل، ل، س ۴- ل: نامداران و ۵- س (نیز ق): درد؛ ف در اینجا سرنویس دارد: گفتار اندر آگه شدن پیران از کشته شدن نستیهَن (!) و زاری کردن ۶- س: برآمد خروش؛ (لن، ل، ل، پ، ل، ن، ب: برآورد جوش؛ ق: بزیدیک خروش)؛ متن = ف، ل، ق، ل، ل، س (نیز لی، و، آ) ۷- س: خاک ۸- س: وزو ۹- س: آرام پاک؛ در س این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۱۰- ل، ق (نیز لن، لی، پ، و، لن، ل): [و]؛ متن = ف، ل، ل، س، ل، ل، س (نیز ق، آ، ب) ۱۱- ق: ای ۱۲- (لن، لن، ل): بشکستی ۱۳- ل، س (نیز لن، ق، آ، پ، و، لن، ل، ب): از بازوان؛ ق: از بازو این؛ (لی، آ: از من دل و؛ ل: آن تاب و آن)؛ متن = ف، ل، ل، س ۱۴- ل، س، ق (نیز لن، ب): شد؛ متن = ف، ل، ل، س ۱۵- ق: [و]؛ ل: جوان دلاور سوار؛ س: دلیر و جوان و سوار و؛ ل: جوان و سوار و دلیر و؛ متن = ف، ل، س ۱۶- ل، س، ق (نیز لن، لی، آ): گرامی برادر جهانبان؛ (ق: گرامی جهانبان و جانان؛ ب: گرامی برادر ننگه‌بان)؛ متن = ف، ل، ل، س ۱۷- ق: به پیشش ۱۸- س: برین ۱۹- ق: تیره گون شد سپهر؛ س بیت‌های ۹۲۹ و ۹۳۰ را ندارد ۲۰- ل: کبابد ۲۱- ف، ل، س: کرتای؛ متن = ق، ل، ل، س ۲۲- ل، س (نیز لن، ق، آ، لی، پ، و، لن، آ): پرخاشخر؛ متن ← ۲۳- ل، س (نیز لن، ق، آ، لی، پ، و، لن، آ): گاوسر؛ متن = ف، ق، ل، ل، س (نیز ل) ۲۴- ق (نیز لی، ل، آ): برگشت؛ ل پس از این بیت افزوده است:

برفتند زان پس به بنگاه خویش

بخیمه شد این، آن بخرگاه خویش

۹۳۵ سپهدار ایران به زبید^۱ رسید
همی گفت کامروز رزمی گران
گمانی برم من که^۳ پیران کنون
وُزو یار خواهد به جنگ^۵ سپاه

از اندیشه کردن دلش نارمید^۲
بکردیم و گشتیم ازیشان سران
دواند سوی شاه توران^۴ هیون
رسانم کنون^۶ آگهی من^۷ به شاه

گفتار اندر نامه فرستادن گودرز بنزدیک شاه کیخسرو^۸

۹۴۰ نیبسنده^۹ نامه را خواند و گفت:
اگر برگشایی تو لب^{۱۰} را ز بند
یکی نامه فرمود نزدیک شاه
به خسرو نمود آن کجا رفته بود
فرستادن گیو و پیوند^{۱۵} و مهر
ز پاسخ که آورده بُد^{۱۶} گیو را
۹۴۵ وُزان^{۱۸} لشکری کز پیش چون پلنگ
وُزان^{۲۰} پس کجا رزمگه ساختند
ز هومان و نستین جنگ جوی
ز کردار بیژن که^{۲۳} روز نبرد
سُخن سربرس چون همه گفته شد^{۲۶}

برآورد خواهم نهان از نهفت
زبان آورد بر سرت بر^{۱۱} گزند
بدآگاه^{۱۲} کردن ز کار^{۱۳} سپاه
سُخن هرچه^{۱۴} پیران بدو گفته بود:
نمودن بدو کار گردان سپهر،
بزرگان فرزانه و^{۱۷} نیو را،
بیاورد سوی گنابند^{۱۹} به جنگ،
از آزر^{۲۱} دل ها^{۲۲} پیرداختند،
سراسر همه یاد کرد اندروی،
بدان^{۲۴} گرزداران توران^{۲۵} چه کرد
ز پیگار چندان کجا^{۲۷} رفته شد^{۲۶}،

۱- در ف، س، ق حرف دوم، در ل حرفهای دوم و سوم و در ل، ب حرفهای یکم و دوم و سوم نقطه ندارند؛ ل، س، زبید؛ (ق): لشکر؛ آ: رسید؛ متن = (لی، پ، لن، ل) ۲- ل، ق (نیز ل): بردمید؛ متن = ف، س، ل، س، (نیز لن، ق، آ، پ، وه، لن، آ، ب) ۳- ل: برم زانک ۴- ل، ق: ترکان ۵- س: بجنگش؛ ق (نیز و): بجنگ وه؛ (ق، آ، لی، ل، آ، ب: بجنگم)؛ متن = ف، ل، ل، آ، س، (نیز لن، پ، لن) ۶- س، ۷- ل، آ، س: نزد ۸- ف: گفتار اندر نامه فرستادن گودرز بنزدیک شاه کیخسرو و آگاهی دادن او را از کشتن هومان و نستین و آمدن افراسیاب؛ س: نامه گودرز بنزد کیخسرو و باز نمودن از حال لشکر؛ ق: اخبار نامه گودرز به کیخسرو و از حال لشکرها؛ ل: نامه گودرز نزدیک کیخسرو؛ آ: نامه کیخسرو از گودرز؛ ل سرنویس ندارد؛ متن = آغاز ف ۹- ل، س، ق، ل (نیز لن - ل، آ، و- ب): نویسنده؛ متن = ف، س، (نیز پ) ۱۰- س (نیز لن، وه، لن، آ، ب): دولب؛ (ق، آ: زبان)؛ متن = ف، ل، ق، ل، آ، س، (نیز لی، ل، آ) ۱۱- ق: سرتو؛ س: سرت بی (!) ۱۲- ل، س، ق، ل، (نیز لن - ب): باگاه؛ س: برآگاه؛ متن = ف ۱۳- ق (نیز ل، آ): حال؛ ف پس از این بیت افزوده است: پس از نام دادار جان آفرین بسی کرد بر پهلوان آفرین این بیت در چهارده دستنویس دیگر نیست و در ترجمه بنداری هم نیامده است: فأمر الکاتب فکتب الی الملک کیخسرو کتابا یدکر فیه إنفاده جیوا بالرسالة الی بیران... ۱۴- ل: هرچ ۱۵- ق (نیز لی، آ): و از کین ۱۶- ل: که دادند مر؛ س (نیز لن، پ، وه، لن، آ، ب): که او داده بد؛ (ل): که آورد مر؛ متن = ف، ق، ل، آ، س، (نیز ق، آ، لی، آ) ۱۷- س، ق: [و]؛ ل: بزرگان و فرزانه؛ س: بزرگان و فرزانه وه؛ متن = ف، س، ۱۸- س: از آن ۱۹- در س، ل، آ، س، حرف دوم نقطه ندارد؛ متن = ف، ل، ق (نیز لن - ب) ۲۰- ل: از آن ۲۱- ف، ل، ق (نیز لن - ب): وزان (لن، پ، لن، آ: از آن؛ لی، آ، ب: در آن) رزم (؟)؛ متن = س، ل، آ، س، (نیز لن، ل، آ، ب) ۲۲- ل: دل را؛ س: زمین راز ترکان ۲۳- س: به ۲۴- س: که با؛ س: بران ۲۵- ف (نیز ق، آ، و): ترکان؛ متن = ل - س، (نیز لن، لی، ل، آ، پ، لن، آ، آ) ۲۶- ل، ق (نیز لن، لی، پ، وه، لن، آ، آ): بود؛ متن = ف، س، ل، آ، س، (نیز ب) ۲۷- ل، س (نیز لی، وه، آ): و جنگ آنکجا؛ (لن، پ، لن، آ): و جنگ آن چنان؛ متن = ف، ق، ل، آ، س، (نیز ل، آ، ب)

۹۵۰ پیردخت از آن^۱ پس بدافراسیاب^۲
 گر او از لب رود جیحون سپاه^۳
 تو دانی که با او^۵ نداریم پای
 مگر خسرو آید به پشت سپاه
 و رایدونک پیران کند دست پیش
 ۹۵۵ به خسرو رسد زان^{۱۰} حدیث^{۱۱} آگهی
 دیگر آنک^{۱۴} از رستم دیوبند
 ز کردار ایشان به کهتر^{۱۷} خبر

چو نامه به مهر اندرآورد و بند
 نشستگه^{۱۹} خسروی ساختند
 ۹۶۰ بفرمود تا رفت پیشش هُجیر
 بگفت این^{۲۱} سَخُن سربسر پهلوان
 چُنین^{۲۲} گفت کای پور هشیار دل
 اگر هرگزت^{۲۴} نزد من دستگاه
 چو^{۲۵} بستانی این نامه اندر^{۲۶} زمان
 ۹۶۵ شب و روز ماسای و^{۲۸} سر بر بخار

بفرمود تا بر ستور نوند،
 فراوان تگاور برون تاختند
 جوانی بکردار هُشیار پیر^{۲۰}
 به پیش هُشیوار پور جوان
 یکی تیز گردان بدین^{۲۳} کار دل
 همی جست باید، کنونست گاه
 برو^{۲۷} هم بکردار بادِ دمان
 بر نامه‌ی من بر شهریار

۱- ل، س، زان ۲- ل، ق، ل، آ، س (نیز لن، ق، آ، ل، ی، پ، ب): بافراسیاب؛ متن = ف؛ س این بیت را ندارد ۳- ق: زرتنگ (!)؛
 ل: گر او ز آب جیحون باوردگاه؛ س (نیز ق): گر او ز آب (ق: همان آب) جیحون فراوان سپاه؛ (ب: گر او آرد از آب جیحون سپاه)؛ متن =
 ف، ل، س (نیز لن، ل، ی، آ) ۴- ل: بایران گذارد سپه را براه؛ ق: بایران گذارد سپه را بجنگ؛ ل: فراوان گذارد بایران سپاه؛ س (نیز ق):
 گذارد بر (ق: به) ایران بداوردگاه (ق: باوردگاه)؛ متن = ف، س (نیز لن، ل، ی، آ، ب)؛ جزف دیگر دستنویسها: بایران) ۵- ف (نیز
 ق): وی؛ متن = ل- س (نیز لن، ل، ی، ب) ۶- س (نیز لن، پ، ل، آ): ایا شاه ایران؛ (ق: ایا پی خجسته؛ و: ایا پهلوان)؛ متن = ف، ل،
 ق، ل، آ، س (نیز ل، ل، آ، ل، ی، آ، ب) ۷- س (نیز لن، پ، ل، آ): برزند مر (س: بر) گوان را کلاه؛ ق (نیز ل): ز ایران گراید بدین رزمگاه؛
 متن = ف، ل، ل، آ، س (نیز ل، ق، آ، و، آ، ب) ۸- ف، ل، س، ق (نیز لن، ل، ی، و، آ، ل، ب) برای دو حرف نخستین تنها یک نقطه در بالا
 دارند؛ ل (نیز ق، ل، آ، ب): بخواهد؛ متن = س ۹- ل، آ، س: سپاه او خود؛ متن = ف، ل، س، ق (نیز لن، ب) ۱۰- س، ل، آ، س:
 زین ۱۱- ل، ق (نیز ق، ب): سپس؛ س (نیز لن، ل، آ، و، آ): سخن؛ (پ: زمان)؛ متن = ف، ل، آ، س (نیز لن): حدیث (؟)؛ بیت
 (۱۲۹۵) ۱۲- ف، ل، آ، س (نیز ل، ل، آ، ب): وی؛ متن = ل، س، ق (نیز لن، ق، آ، پ، و، ل، آ) ۱۳- ل، س، ق (نیز و، آ): بخت؛
 (لن، ق، آ، ل، ل، آ، ب: بخت)؛ متن = ف، ل، آ، س (نیز ب) ۱۴- ل، س (نیز ق، آ، ل، ی، و، آ، ب): و دیگر که؛ (لن، پ، ل، آ: و
 ایدونک (!))؛ متن = ف ۱۵- ف، س، ق، ل، آ، س: وز؛ متن = ل ۱۶- (ق، آ، بنداری: اشکس) ۱۷- ق (نیز آ):
 بچاکر ۱۸- س: رهاند (!) ۱۹- ل، س (نیز لن، ق، آ، ل، ی، ل، آ، ب): نشستگهی؛ متن = ف، ل، آ، س (نیز ب، آ): ق (نیز ل، و)
 این بیت را ندارند ۲۰- ل: هشیار و پیر؛ ل: هشیار تیر (!)؛ (لن، ل، آ، و هشیار پیر؛ ق: بگفتار و هشیار پیر)؛ متن = ف، س، ق، س (نیز
 ل، آ، و، پ، ب) ۲۱- ل: آن ۲۲- ل (نیز ل، و): بدو ۲۳- ل، آ، س: برین ۲۴- ل، ق (نیز ل، ل، آ): مرترا؛
 متن = ف، س، ل، آ، س (نیز لن، ق، آ، پ، و، ل، آ، ب) ۲۵- ق: تو ۲۶- ل (نیز ب): هم در ۲۷- ق (نیز ل، آ): روی؛ (ق: آ:
 پیر) ۲۸- س: [و]؛ ق: ماسا و

برون آمد از پیش فرخ‌پدر

سبکشان بر^۲ اسپ تگاور نشانند
 به هر منزلی بر هیونی دگر
 چه تاریکی شب^۳، چه تابنده هور
 که هفتم بنزدیک^۵ شاه آمدند
 کس آمد بر خسرو نامدار^۹
 چه مایه دلیران گستاخ را
 که ای پهلوان زاده‌ی شیرگیر،
 رسیدی بنزدیک^{۱۳} شاه جهان
 بر^{۱۴} اسپش ز درگاه بگذاشتند
 نگه کرد^{۱۶}، پیشش بمالید^{۱۷} روی
 هزاران هجیر^{۱۹} آفرین خواندش^{۲۰}
 ز هریک^{۲۱} یکایک^{۲۲} پیرسید شاه
 همه کار لشکر برو^{۲۴} کرد یاد^{۲۵}
 جوان^{۲۶} خردمند و^{۲۷} روشن روان
 بفرمود تا نامه برخوانند^{۳۰}
 ز یاقوت رخشان دهان هجیر^{۳۱}،

به پدرود کردن گرفتش به بر

ز لشکر ز خویشان دو تن را بخواند^۱
 برون شد ز پرده سرای پدر
 خور و خواب و آرامشان بر ستور
 بر آن^۴ گونه پویان به راه آمدند
 چُن^۶ از راه ایران برآمد^۷ سوار^۸
 پذیره فرستاد شَمَاح^{۱۰} را
 پیرسید چون دید روی هجیر
 درودست^{۱۱} باری که بس^{۱۲} ناگهان
 بفرمود تا پرده برداشتند
 هجیر اندرآمد، چو خسرو بدوی^{۱۵}
 پیرسید بسیار و بنشانندش^{۱۸}
 ز گودرز و ز مهتران سپاه
 درود بزرگان به خسرو بداد^{۲۳}
 بدو داد پس نامه‌ی پهلوان
 نبیسنده^{۲۸} را پیش بنشانند^{۲۹}
 چو برخواند نامه به خسرو دبیر

۹۷۰

۹۷۵

۹۸۰

۱- ل، ق (نیز ل، و)؛ ز لشکر دو تن را بر خویش خواند؛ (ق: ۲) ز خویشان ز لشکر دو تن را بخواند؛ متن = ف، س، ل، آ، س^۲ (نیز ل، ل، پ، ل، ن، آ، ب)؛ بنداری؛ فکب و توجه نحو الحضرة فی جماعه من خواصه ۲- ل (نیز ل)؛ به ۳- س (نیز ل، پ، ل، ن، آ)؛ تاریک شب راه؛ (ل، آ)؛ تاریک شب‌ها؛ ل^۳؛ تاریک شب بد؛ متن = ف، ل، ق، ل، آ، س^۴ (نیز ق، آ، و، ب) ۴- س؛ بدین ۵- ل؛ بیک هفته نزدیک؛ (ل، ل، ی، پ، ل، ن، آ)؛ هفتم بنزدیک؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س^۶ (نیز ق، آ، ل، و، آ، ب)؛ بنداری؛ بعد سبعة ایام ۶- ل، س، ق، ل، آ (نیز ل، ق، آ، ل، ی، پ، ب)؛ چو؛ (ل: ۳)؛ هم؛ متن = ف، س^۷ ۷- ل، ق، ل، آ، س^۸ (نیز ل: ۳)؛ بیامد؛ متن = ف، س (نیز هشت دستنویس دیگر) ۸- ل، آ، س^۹؛ براه ۹- ل، آ، س^{۱۰}؛ پادشاه ۱۰- (ل: سَمَاح) ۱۱- ف؛ درویش (→ درویش: ۴)؛ س؛ چه بودست؛ ل، آ، س^{۱۲} (نیز ب)؛ چه رویست؛ (ل: درستست)؛ متن = ل، ق (نیز ل، و، ل، ن، آ) ۱۲- (ق: ۱)؛ درویش چونین که از: ل، آ، درو دشت تازی که بس؛ پ؛ درودست چونین که از) ۱۳- س (نیز ل، پ، ل، ن، آ، ب)؛ بدرگاه ۱۴- ل (نیز ل، و)؛ به: (ل: ۳)؛ (ز) ۱۵- س؛ بر او؛ ل؛ بدرگاه او؛ س^{۱۶}؛ بنزدیک او؛ ۱۶- ل، آ، س^{۱۷}؛ کرد و ۱۷- س (نیز ل، پ، ل، ن، آ)؛ مالید بر خاک ۱۸- (ق، آ، ل، ی، بنواختش) ۱۹- ق؛ هجیر دلیر؛ (ل: بسی بر هجیر؛ و: فراوان هجیر) ۲۰- (ق، ل، ی، ساختش)؛ س (نیز ل، پ، ل، ن، آ)؛ این بیت را ندارند؛ ل پس از این بیت افزوده است؛ ز گوهریکی تاج پیروزه شاه بسر بر نهادش چو رخشنده ماه ۲۱- (ل، پ، ل، ن، آ)؛ کس) ۲۲- س (نیز ق، آ، و)؛ فراوان ۲۳- س (نیز ل، پ، ل، ن، آ)؛ بخواند ۲۴- ق؛ بدو ۲۵- س (نیز ل، پ)؛ بر براند؛ (ل: ۲)؛ بازراند) ۲۶- س، ل، آ، جوان و ۲۷- ل، ق، س، آ؛ [و] ۲۸- ل، ق، ل، آ، س^{۲۹} (نیز ل، ق، آ، ل، و، ل، ن، آ، ب)؛ نویسنده؛ س؛ پسندیده (!)؛ (ل: ۳)؛ فرستاده؛ متن = ف (نیز ب) ۲۹- (ق: ۱)؛ بنشانند شاه؛ (ف، ل، آ، س^{۳۰} (نیز ب)؛ نامه را پیش خواند؛ متن ← ۳۰- ف، ل، آ، س^{۳۱} (نیز ب)؛ بروی بخواند (پساوند!)؛ (ق: ۱)؛ خواند بشاه؛ متن = ل، س، ق (نیز ل، ل، آ) ۳۱- ل؛ هژیر (!)

۹۸۵ بیاگند، از آن^۱ پس به گنجور گفت
 بیاورد بدره چو فرمان شنید
 پس از^۲ دست زرجامه‌ی شهریار^۳
 ۹۹۰ همیدون بردند پیش هُجیر
 به یارانش بر خِلمت افگند نیز
 از آن تخت با شاه^۴ برخاستند
 هُجیر و بزرگانِ خسروپرست
 نشستند یک روز و یک شب بهم
 به شبگیر خسرو سر و تن بشت
 بپوشید نو^۵ جامه‌ی بندگی
 دو تا کرد پشت و فروبرد سر^۶
 ازو خواست پیروزی و فره‌ی
 ۹۹۵ به یزدان بنالید از^۷ افراسیاب
 و زانجا بیامد چو سرو سهی

که دینار و دیبا بیار از نَهفت
 همی ریخت تا شد سرش ناپدید
 بیاورد با تاج گوهرنگار^۸
 ابا زین زَرین ده اسپ هُزیر^۹
 درم داد و دینار و هرگونه^{۱۰} چیز
 نشستگه می بیاراستند
 گرفتند^{۱۱} یکسر همه می به دست
 همی رای زد خسرو از بیش و کم^{۱۲}
 به پیش جهان‌داور آمد نخست
 دو دیده چُن^{۱۳} ابری به بارندگی
 همی آفرین خواند بر دادگر
 بدو^{۱۴} جُست دیهم و تخت مهی^{۱۵}
 به درد از دو دیده فروریخت آب
 نشست از بر گاه با فره‌ی^{۱۶}

گفتار اندر پاسخ نامه‌ی گودرز از شاه کیخسرو^{۱۷}

دبیر خردمند را پیش خواند
 چُن آن نامه را باز^{۱۸} پاسخ نبشت^{۱۹}
 سخن‌های بایسته با او^{۲۰} براند
 پدید آورد اندرو خوب و زشت

۱- ل، ق، ل، آ، س: ۲. وزان؛ متن = ف، س ۲- س (نیز ل، ن، ۲): یکی؛ متن ← ۳- ل: بیاورد پس جامه‌ی زرنگار؛ ق: پس از دست
 آن جامه‌ی شاهوار؛ (لی، آ: قبا و کلاه گزین شهریار؛ پ: یکی دست [زر] جامه‌ی شهریار؛ و: پس آنکه یکی جامه‌ی شاهوار؛ ب: پس از دست و از
 جامه‌ی شهریار؛ متن = ف، ل، آ، س ۲ (نیز ل، ۲؛ ← س، ق، ل، ن، پ، ل، ن، آ، ب) ۴- ل: چنان چون بود از در شهریار؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س ۲
 (نیز ل، لی، ب) ۵- ل: هجیر (!) ۶- س: و بسیار؛ ل: و دیبا و بسیار ۷- ل (نیز ل، ۲): از آن پس چو از جای؛ ق: وزان پس
 چو زان جای؛ ل، آ، س ۲ (نیز ق، آ، ب): وزان جای با (ق: جا ابا) شاه؛ متن = ف، س (نیز ل، پ، و، ل، ن) ۸- ل: برفتند؛ متن = ف، س،
 ق، ل، آ، س ۲ (نیز ل، ن، ب) ۹- س (نیز ل، ن، پ، ل، ن، ۲) این بیت را ندارند ۱۰- ق: آن ۱۱- ل- س ۲ (نیز ل، ن، ب): چو؛ متن =
 ف ۱۲- ل، س، ق (نیز ل، ل، آ، پ، و، ل، ن، ۲): دوتایی (ق: تاهی) شدش (ل، ل، آ، و: شده) پشت و بنهاد سر؛ (ق: دوتایی شد و روی بنهاد و
 سر)؛ متن = ف، ل، آ، س ۲ (نیز لی، آ، ب) ۱۳- س، ق (نیز ل، آ، پ، ل، ن، ۲): از او؛ (ل، ن، لی، پ، آ، ب: و زو)؛ متن = ف، ل، آ، س ۲ (نیز
 ق، آ) ۱۴- س (نیز ل، لی، ل، آ): دیهم شاهنشهی ۱۵- ل: ز ۱۶- ل (نیز ق، ل، آ): گاه (ق: تخت) شاهنشهی؛ متن = ف،
 س، ق، ل، آ، س ۲ (نیز ل، لی، پ، ب) ۱۷- ف: گفتار اندر پاسخ نامه‌ی گودرز از شاه کیخسرو و آگاهی دادن او را از کار سپاه ایران و
 ستایش کردن بر پهلوانان؛ ل: پاسخ نامه‌ی گودرز از پیش شاه کیخسرو؛ ق، ل: پاسخ نامه‌ی گودرز از کیخسرو (ق: از شاه و بازگشت هجیر؛ س:؛
 پاسخ نامه‌ی کیخسرو بگودرز؛ متن = آغاز ف ۱۸- ف، ل، آ، س ۲ (نیز ب): با وی؛ (ق، آ، ل، ۲: چندی)؛ متن = ل، س، ق (نیز ل، لی، پ، و،
 ل، آ) ۱۹- ل، س، ل ۲ (نیز ل، ق، آ، پ، ل، ن، ۲): چو آن؛ ق (نیز لی، ل، آ، و، آ): مر آن؛ س ۲ (نیز ب): چنان؛ متن = ف ۲۰- ل، ق (نیز
 لی، ل، آ): زود؛ (و: شاه)؛ متن = ف، س، ل، آ، س ۲ (نیز ل، ق، آ، پ، ل، ن، ۲) ۲۱- ل، س ۲ (نیز ل، ق، آ، لی، ل، آ، و، ل، ن، آ، ب): نوشت؛ متن =
 ف، ق (نیز ب، آ)؛ ل، ق (نیز ق، آ، لی، ل، آ، آ) پس از این بیت افزوده‌اند:

نخست آفرین کرد بر کردگار (ق: دادگر)
 کز دید نیک و بد روزگار (ق: خداوند پیروزی و زور و فر)

نخست ^۱ آفرین کرد بر پهلوان	
۱۰۰۰ خجسته سپهدار بسیارهوش	
خداوند گوپال ^۳ و تیغ بنفش	
سپاس از جهانداریزدانِ ما	
از ^۴ اختر ترا روشنایی نمود	
نخست آنک گفتی که ^۶ مر گیو را	
بنزدیک پیران فرستاده ^۹	۱۰۰۵
نپذیرفت ^{۱۱} بدگوهرش ^{۱۲} پند من ^{۱۳}	
سپهد یکی داستان زد برین ^{۱۵}	
که هر مهنری ^{۱۹} کوروان کاسته ست ^{۲۰}	
مرا زان سَخُن پیش بود آگهی	
ولیکن از آن ^{۲۳} خوب کردار اوی ^{۲۴}	۱۰۱۰
کنون آشکارا نمود این ^{۲۵} سپهر	
نبیند جهان جز به ^{۲۶} افراسیاب	
گر او ^{۲۸} بر خرد برگزیند هوا ^{۲۹}	
تو با ^{۳۲} دشمن ار خوب گفتی ^{۳۳} رواست	
که جاوید بادی و روشن روان	
هَمَت رای و دانش، هَمَت جنگ و جوش ^۲	
فروزنده ی کاویانی درفش	
که پیروز بودند گردان ما	
ز دشمن برآورد ناگاه ^۵ دود	
بزرگان ^۷ فرزانه ی ^۸ نیو را،	
چه مایه وُرا پندها داده ام ^{۱۰} ،	
نَجُست اندر آن ^{۱۴} کار پیوند من ^{۱۳}	
که ^{۱۶} دستور پیشش ^{۱۷} برآورد کین ^{۱۸} ،	
ز نیکی بیچیدن آراسته ست ^{۲۱}	
که پیران دل از کین ندارد تهی ^{۲۲}	
نَجُستم همی ژرف پیگار اوی ^{۲۴}	
که پیران به توران گراید به مهر	
دلش را تو از مهر او برمتاب ^{۲۷} !	
به کوشش نروید ^{۳۰} ز خارا گیا ^{۳۱}	
کز ^{۳۴} آزادگان خوب گفتن سزاست	

۱- ل، ق (نیز ق، ل، آ): دگر؛ (ل: ۳: وزو)؛ متن = ف، س، ل، آ، س^۲ (نیز ل، پ، و، ل، آ، ب) ۲- ل، س (نیز ق، آ، ب): همه (ق: ۲: همش) رای و دانش همه (ق: ۲: همش) جنگ و جوش؛ ق: همه رای در دانش و جنگ و جوش؛ ل، آ، س: همه رای دانش همه جنگ جوش؛ متن = ف (نیز ل، ل، آ) ۳- در پ، ل، آ، ب با سه نقطه ۴- ف: ز؛ س: که؛ متن = ل، ق، ل، آ، س ۵- س: برآورد ناگاه ز دشمن ۶- س: آنگهی گفت (!)؛ ق: آنچه گفتی که؛ ل: آنکه گفتی که؛ متن = ل، س ۷- ل: بزرگان و ۸- ل: فرزانه و ۹- ف، ل، آ، س (نیز ب): فرستاده یی؛ متن ← ۱۰- ف، ل، آ، س (نیز ب): داده یی؛ متن = ل، س، ق (نیز ل، آ) ۱۱- ف: نپذیرفته؛ متن = ل، س (نیز ل، ب) ۱۲- ل، ق: از آن پس خود او؛ (ق: خود زان سپس؛ ل: کوشش همی؛ ل: ۳: پیران زمن)؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیز ل، پ، ب) ۱۳- ق (نیز ب): تو ۱۴- ل: اندرین ۱۵- (ل، ل، آ: بدین) ۱۶- ل، ق (نیز ل): چو؛ متن ← ۱۷- ل، ق (نیز و، ب): پیشین؛ متن ← ۱۸- (ل: برآورده کین؛ ل: برآورد بکین؛ ب: باورد کین؛ ق: به پیش بزرگان با داد و دین)؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیز ل، پ، ل، آ) ۱۹- (ل، ق، آ، ل، پ، و، ل، آ: کهنتری)؛ متن = ف، ل، س، ل، آ، س (نیز ب) ۲۰- س (نیز ل، پ، ل، آ): کان (ل: کو) بدی خواستست؛ متن = ف، ل، آ، س (نیز ق، ل، و، آ، ب) ۲۱- ل: بیخت بد آراستست؛ س (نیز ل، پ، و، ل، آ): پیچد روان کاستست؛ (ق: بسچیدن آراستست)؛ متن = ف، ل، آ، س (نیز ل، آ، ب): ق: بیتهای ۱۰۰۸ و ۱۰۰۹ را ندارد ۲۲- ل: بهی؛ ل: نخواهد تهی؛ س (نیز ل، پ، ل، آ): زکینه نگردد تهی؛ (ل، آ: ندارد دل از کین تهی)؛ متن = ف، س (نیز ق، ل، آ، و، ب) ۲۳- س: مرا ۲۴- ل، س: او؛ متن = ف ۲۵- ل: ار؛ س: از؛ (ل، پ، ل، آ: آن)؛ س: نمودت؛ متن = ف، ل (نیز ق، آ، و، ب)؛ ق (نیز ل، آ) این بیت را ندارند ۲۶- (ب: بر)؛ ل، ق: کنون چون نه بیند جز؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیز ل، ل، پ، و، ل، آ) ۲۷- ق: مهر دیگر متاب ۲۸- ق: که گر؛ ل، آ، س: که او؛ متن = ف، ل، س ۲۹- س: گناه ۳۰- ف: نجوید؛ ل: بجوید (حرف یکم نقطه ندارد)؛ (ل، آ، پ: بروید؛ و: نیارد؛ ب: بجوید)؛ متن = ل، س، ق، س (نیز ل، ق، آ، ل، آ) ۳۱- س: گیاه ۳۲- (ق: آبا) ۳۳- ل، ل، آ، س (نیز و): گویی؛ متن = ف، س (نیز ل، ق، آ، ل، پ، ل، آ، آ، ب) ۳۴- ل، س (نیز ل، ق، آ، پ): از؛ (ل، آ: ز)؛ متن = ف، ل، آ، س (نیز ل، و، آ، ب)؛ ق (نیز ل، آ) این بیت را ندارند

۱۰۱۵ وُدیگر^۱ ز پیگار جنگاوران
 ز نیک اختر و گردش هور و ماه
 مرا این درستست کز^۴ کارکرد
 تو زور و دلیری ز یزدان^۶ شناس
 سدیگر^۸ که گفتی که افراسیاب
 ۱۰۲۰ ز پیران فرستاده شد نزد اوی
 همین سبت^{۱۱} یکسر که گفتی سَخُن
 بدان ای پُراندیشه هشیار^{۱۳} من
 که^{۱۵} او بر لب رود جیحون درنگ
 که خاقان برو لشکر آرد ز چین^{۱۸}
 ۱۰۲۵ وُدیگر کز آن^{۲۱} لشکرانِ گران
 چو لهراسپ و^{۲۴} چون آشکش^{۲۵} تیزچنگ
 برو^{۲۷} دشمن آمد^{۲۸} ز هر سو پدید
 چهارم^{۳۱} سَخُن کاگهی خواستی
 کجا یاد کردی به گرز گران،
 ز کوشش نمودن^۲ بر آن^۳ رزمگاه،
 نمائی تو، مانند، روز^۵ نبرد
 چُنین ست و زو دار یکسر سپاس^۷
 سپه را همی بگذرانند بر^۹ آب
 سپهبد به پیران^{۱۰} نهاده ست روی
 کنون باز پاسخ فگندیم^{۱۲} بُن:
 به هر کار شایسته سالار^{۱۴} من،
 نه زان کرد کاید^{۱۶} سوی^{۱۷} ما به جنگ،
 فراز آمدش^{۱۹} بر^{۲۰} دو رویه کمین
 پراکنده^{۲۲} بر گرد توران سران^{۲۳}،
 چو رستم سپهبد دمنده نهنگ^{۲۶}،
 از آن بر لب رود^{۲۹} لشکر^{۳۰} کشید
 به مهر گوان دل بیاراستی،

۱- ف: سدیگر؛ متن = ل- س^۱ (نیز لن- ب) ۲- (ق: وزان جنگ بیژن) ۳- س، ق (نیز لن، ق، ل، ب): بدان؛ متن = ف، ل، ل^۲، س^۲ ۴- س: در ۵- ف: مانید روز؛ (ل، آ: ماننده روز)؛ ل، ق (نیز ل^۳): تو پیروز باشی بروز؛ س: نمائی تو در روزگار؛ (لن، پ، لن^۴: نمائی بود روزگار؛ و: نمائی بمانند روز)؛ متن = ل^۲، س^۲ (نیز ب)؛ درس لت های این بیت پس و پیش شده اند؛ ل، ق (نیز ل، ل^۲، آ) پس از این بیت افزوده اند: نسیره کجا چون تو دارد نیا / ز شیران چه زاید (آ: نزاید) مگر نزه شیر / به بیداد بر نیست این کار تو

۶- ل^۲، س^۲: از ایزد ۷- ف، س^۲: وزود آر (و- زودار) یکسر سپاس؛ ل^۲: ازو داریکسر سپاس؛ ل (نیز ق، ل، ب): ازو (ق: و زو) دار تا زنده باشی سپاس؛ س (نیز لن، ل- آ): چنین دان و زودار (لن^۲: دان) یکسر سپاس (لن، ل^۲: هراس)؛ متن = ف، س^۲ پس از تصحیح زود آربه زودار، یا = ل^۲ پس از تصحیح ازوبه وزو؛ ق این بیت را ندارد ۸- ف: چهارم؛ (ق، ل، آ: سه دیگر)؛ متن = ل- س^۲ (نیز لن، ل^۲، پ، و، لن^۲، ب) ۹- ل، س، ق (نیز لن- و، آ، ب)؛ متن = ف، ل^۲، س^۲ (نیز لن، ل^۲) ۱۰- ل، ق (نیز ل، ل^۲، آ) سپاهش بایران؛ (ب: به پیران سپهدار)؛ متن = ف، س، ل^۲، س^۲ (نیز لن، ق، ل، و، لن^۲، ب) ۱۱- ل: هم آنست؛ ق: چنانست؛ متن = ف، س، ل^۲، س^۲ ۱۲- ف: فگندی ز؛ متن = ل- س^۲ (نیز لن، ق، ل، ب- ب) ۱۳- ل، ق (نیز ق، ل، آ، و، آ): سالار؛ متن = ف، س، ل^۲، س^۲ (نیز لن، پ، لن^۲، ب) ۱۴- ف، ل^۲، س^۲: بایسته (؟) سالار؛ ل، ق (نیز ل، ل^۲، آ): شایسته کار؛ (ق: شایسته هشیار؛ و: شایسته و یار)؛ متن = س (نیز لن، پ، لن^۲، ب) ۱۵- س: گر ۱۶- ق: نگیرد نیاید ۱۷- ل، ق (نیز ل^۲): بر؛ متن = ف، س، ل^۲، س^۲ (نیز هشت دستنویس دیگر) ۱۸- س (نیز لن، پ، و، لن^۲): کجا لشکر آورد از سوی چین ۱۹- ق، ل^۲، س^۲: آیدش ۲۰- ل، ق (نیز ل، ل^۲، و، آ، ب): از؛ متن = ف، س، ل^۲، س^۲ (نیز لن، ق، ل، ب) ۲۱- ف: دگر آنک از؛ ل: و دیگر که از؛ متن = س، ق، ل^۲، س^۲ (نیز لن- ب) ۲۲- ف (نیز لن، ل، پ، لن^۲): پراکنند ۲۳- ق: تورانیان ۲۴- ف، ق، ل^۲ (نیز ل): [و] ۲۵- ق، س^۲ (نیز ق، و، آ، بندگان)؛ اشکس ۲۶- س (نیز لن، پ، لن^۲): پناه یلان روز (لن: شیر) جنگ؛ درل، ق، ل^۲ بیت ۱۰۲۶ پس از بیت ۱۰۲۸ و درل، آ پس از بیت ۱۰۲۹ آمده است؛ پایی بیت های متن = ده دستنویس دیگر و بنداری (۱۰۱۹- ۱۰۲۷): و ذکر فیه آن قرب افراسیاب من جیحون لیس مما توهمته بل لانه استشعر من عساكرنا الثلاثة التي نفذناها للتوغل عليه من اطراف مملكته ۲۷- ل، ق: بدو ۲۸- ق: آید ۲۹- ل^۲، س^۲ (نیز ق، و): آب ۳۰- ل، ق: جیحون؛ متن = ف، س، ل^۲، س^۲ (نیز لن- ب) ۳۱- ف، ل، س، ل^۲، س^۲ (نیز لن- ب): به پنجم (!)؛ متن = ق

<p>بدان ای سپهدار و آگاه باش ۱۰۳۰ کز آن سو که شد رستم شیرمرد وُزآن سو که رفت آشکش^۴ تیزهوش به رزم اندرون شیده بُرگشت ازوی وُزآن سو که لُهراسپ شد با سپاه آلانان و غُز گشت^۷ پرداخته ۱۰۳۵ گر افراسیاب اندرآید به راه بگیرند گردنکشان^{۱۰} پشت اوی^{۱۱} تو بشناس کو شهر^{۱۳} آباد خویش به گفتار پیران نماند به جای نخباند او - داستان را - دو لب ۱۰۴۰ بر آن^{۱۷} روز هرگز مبادا درود به مابر کند پیش دستی به جنگ بفرمایم اکنون که بر پیل^{۲۱} کوس دهستان^{۲۲} و گرگان^{۲۳} و آن شهر و بر^{۲۴} من اندر پی طوس با پیل و گاه ۱۰۴۵ تو از جنگ پیران^{۲۶} مبرتاب روی</p>	<p>به هر کار با بخت همراه باش، ز کشمیر و کاول^۲ برآورد^۳ گرد برآمد ز خوارزم یکسر خروش سُوی شهر گرگانج بنهاد^۵ روی همه مهتران برگشاندند راه^۶ شد آن پادشایی^۸ همه ساخته ز جیحون بدین سو گذارد^۹ سپاه، نماند مگر^{۱۲} باد در مِشت اوی^{۱۱} بروبوم و فرخنده بنیادِ خویش، به دشمن سپارد، نهد پیش پای^{۱۴} که ناید خبر^{۱۵} زو به من روز و شب^{۱۶} که او بگذراند سپه را ز^{۱۸} رود، نبیند کس این^{۱۹} روز تاریک و^{۲۰} تنگ! ببندد دمنده سپهدار طوس بگیرد، برآرد به خورشید سر بیایم به یاری^{۲۵} به پشتِ سپاه سپه را بیارای، پس^{۲۷} کینه جوی</p>
--	---

۱- س: از آن؛ ل، آ، س: که زان؛ متن = ف، ل، ق ۲- ف، ل، ق، ل، آ، س: (نیز ق، ل، ل، آ، ب، بنداری): کابل؛ متن تصحیح قیاسی است ۳- س (نیز ل، پ، ل، ن): برآمد ز هند و ز کشمیر ۴- ق (نیز ق، ل، ن، آ، بنداری): اشکس ۵- ل: گرگان نهادست؛ س: (نیز ل، و): کرکاج بنهاد؛ (ق: خلیج نهادست؛ پ: بسوی شهر کاج بنهاد)؛ متن = ف، ل، (نیز آ، ب)؛ س، ق (نیز ل، ل، ن، آ) این بیت را ندارند ۶- ق (نیز ل) این بیت را ندارند ۷- ل: عرگشت؛ س، ق، ل، آ، س: (نیز ل، ق، آ، پ، ل، ن، آ، ب): عرگشت؛ (ل: عزگشت؛ و: غرچه ست)؛ متن = ف (نیز ل، آ) ۸- ل- ل- س: (نیز ل- ب): پادشاهی؛ متن = ف؛ بنداری (۱۰۲۸-۱۰۳۴): و اما ما تشوقت الیه من الوقوف علی أحوالهم فاعلم أن رستم قد استولى علی جمیع ممالک کشمیر و کابل و غیرهما. و اما اشکس فانه هزم شیده بن افراسیاب و کسره، و تغلب علی خوارزم و تلک الأطراف. و اما لهراسب فقد أطاعه جمیع أهل ألان الی أقصى الحُزُر، و استوسقت له تلک النواحی ۹- ل: سپارد ۱۰- ل، ق (نیز ل): گردان پس؛ متن = ف، س، ل، آ، س: (نیز هشت دستنویس دیگر) ۱۱- ل، س: او ۱۲- ل، س، ق (نیز ل، ل، ب): بجز؛ متن = ف، ل، آ، س: (نیز ق) ۱۳- ف، ل، آ، س: (نیز ب): بوم؛ متن = ل، س، ق (نیز ل- آ) ۱۴- ق این بیت را ندارد ۱۵- ف: هنز(!)؛ متن = ل، س، ل، آ، س: (نیز ل، ق، ل، ب- ب) ۱۶- س: زو بروز و شب؛ ق (نیز ل) این بیت را ندارند ۱۷- ل، س، ق (نیز ل، ل، ن، آ، ب): بدان؛ متن = ف، ل، آ، س: (نیز ق، ل، پ، و، آ) ۱۸- ف: به؛ متن = ل- س: (نیز ل- ب) ۱۹- س، ل، آ، آن ۲۰- ق: [و] ۲۱- ف (نیز ب): پیل و (!)؛ س: بند؛ (آ: که تا پیل و)؛ متن = ل، س، ق، ل، (نیز ل- ل، ن، آ) ۲۲- ق (ق: قهستان) ۲۳- ل: گردان (ج: گرگان)؛ (ل: جرجان) ۲۴- ل، س (نیز ل- آ): بوم و بر؛ ق، س: شهر بر؛ (ب: دشت و بر)؛ متن = ف، ل، آ، س: (نیز ل، ل، آ، ب): بیارم بیارای؛ متن = ف، ق، ل، آ، س: ۲۶- س، ق (نیز ل، ل، ن، آ، پ، و، ل، ن): ترکان؛ متن = ف، ل، آ، س: (نیز ق، ل، ل، آ، ب): بنداری: فلا تتقاعد عن قتال پیران ۲۷- ل: وزو؛ ق، ل، آ، س: (نیز ل، ل، ن، آ، ب، ل، آ، پ، ل، ن، آ، ب): و پس؛ (ق: فراز آرویس)؛ متن = ف، س (نیز و)

- چو هومان و نستیهن از پشت اوی^۱ جدا شد غم انگار^۲ در مشت اوی^۱
 گر از نامداران ایران نبرد بخواهد، بفرمای و زو^۳ برمگرد
 چو پیران نبرد تو جوید دلیر مکن بددلی، پیش^۴ او رو^۵ چو شیر
 به پیگار مندیش از^۶ افراسیاب به جای آر دل، روی ازو^۷ برمتاب
 چُن آمد^۸ به جنگ اندرون جنگ جوی نباید که برتابی^{۱۰} از پیل^{۱۱} روی
 بریشان تو پیروز باشی به جنگ نگر دل نداری بدین^{۱۲} کار تنگ
 چُنین ست اومید از کردگار^{۱۳} دهد شادمانی مرا روزگار^{۱۴}
 همیدون گمانم که من چون ز راه^{۱۵} به تنگ^{۱۶} سپاه اندرآرم سپاه^{۱۷}،
 بریشان^{۱۸} شما رانده باشید کام به خورشید تابان^{۱۹} برآورده نام
- ۱۰۵۰
- ز طوس و ز کاوس^{۲۰} نزد سپاه درود فراوان فرستاد شاه
 بر آن نامه بنهاد خسرو نگین فرستاده را داد و کرد آفرین
- ۱۰۵۵
- چُن از پیش خسرو برون شد هُجیر^{۲۱} سپهبد همی رای زد با وزیر^{۲۲}
 ز بس مهربانی که بُد بر سپاه سراسر همه رزم بُد رای شاه
 همی گفت: اگر^{۲۳} لشکر افراسیاب بچنانند از جای و بگذارد آب،
 سپاه مرا بگسلاند ز جای مرا رفت باید، همینست رای!
 همانگه شه نوذران را بخواند بفرمود تا تیز لشکر براند
- ۱۰۶۰

۱- ف، ل، س، ق: او؛ متن = ل، آ، س^۱ ۲- ل، ق، ل، آ، س^۲ (نیز ل، آ، ب): جدا ماند (ل، آ، س، ب: هم) باد؛ (ق: ۲): جدا ماند با دست؛ و: کم آمد غم انگار؛ متن = ف، س (نیز لن، لی، پ، لن، آ) ۳- ل: بفرما وزان؛ س (نیز لن، پ، و، لن): ز فرمان او؛ متن = ف، ق، ل، آ، س^۲ (نیز ق، آ، لی، آ، ب) ۴- ق: سوی ۵- ل، س (نیز ل، آ، ب): شو؛ متن = ف، ق، ل، آ، س^۲ (نیز هفت دستنویس دیگر) ۶- ل: ز ۷- س: بیارای لشکر تو رو ۸- ل، ق، ل: چو؛ متن = ف، س^۲ ۹- ل، ق: آید ۱۰- ق: برتابد ۱۱- ل (نیز ق، آ، لی، و، آ): جنگ؛ ق: سنگ (!)؛ متن = ف، ل، آ، س^۲ (نیز ب)؛ س (نیز لن، پ، لن، آ) این بیت را ندارند؛ (ل ۱۰۵۰-۱۰۷۱ را ندارد) ۱۲- ف: برین؛ (و: ازین)؛ متن = ل- س^۲ (نیز لن، ق، آ، لی، پ، لن، آ، ب) ۱۳- ف: کز کردگار؛ س (نیز لن، پ، لن، آ): امیدم از (پ: که از) روزگار؛ (ق، آ: امید کز کردگار؛ لی: امیدم از کردگار)؛ ل (نیز و): چنین دارم اومید از (و: امید کز) کردگار؛ ق، آ، ل، س^۲ (نیز ب): چنین اسم امید کز (ق: از؛ س: بر) کردگار (ب: روزگار)؛ متن = ف پس از تصحیح کز به از، یا = ل پس از تصحیح دارم به است ۱۴- س (نیز لن، پ، لن، آ، ب): کردگار؛ ل، ق: که پیروز باشی تو در کارزار؛ متن = ف، ل، آ، س^۲ (نیز ق، آ، لی، و، آ) ۱۵- ف، ل: من خود (→ چون؟) بگناه (= پگاه؟)؛ س: من خود (→ چون؟) سپاه؛ (ب: فردا پگاه)؛ متن = ل، س، ق (نیز لن، ق، آ، لی، پ، و، لن، آ، آ) ۱۶- ف، ل، آ، س: بنیرو؛ ل: بیشتر؛ متن = س، ق (نیز لن، ق، آ، لی، پ، ب) ۱۷- ف، ل، آ، س: ز راه؛ س: آیم ز راه؛ متن = ل، س، ق (نیز لن، ق، آ، لی، پ، ب) ۱۸- ل (نیز لی): بدیشان ۱۹- ل، آ، س^۲ (نیز ب): رخشان؛ بنداری؛ و أرجوان تظفر به و تفرغ منه قبل وصولنا ۲۰- ل: ز کاوس و ز طوس؛ س (نیز لن، پ، لن، آ): ز نزدیک کاوس؛ متن = ف، ق، ل، آ، س^۲ (نیز ق، آ، لی، و، آ، ب)؛ بنداری: ثم ختم الکتاب بالسلام علیه عن الملک کیکاوس وعن طوس ۲۱- ل، س، ق، ل (نیز لن، ق، آ، لی، پ، ب): چو؛ متن = ف، س^۲ ۲۲- س (نیز لن، پ، و، لن، آ): دبیر؛ متن = ف، ل، ق، ل، آ، س^۲ (نیز ق، آ، لی، آ، ب) ۲۳- ل، آ، س: گر

همه دشتِ خوارزم لشکر کشید^۱
به جنگ اندرآید بسان پلنگ

به سوی دهستان سپه برکشید
نگهبانِ آشکش^۲ بود^۳ روز جنگ

خروشیدن نای رویین و کوس^۴
زمی سُنْب^۵ اسپان نهفتن گرفت
نماند^۶ از نهب سواران به جای
شده^۷ روشنایی ز خورشید و ماه
به^۸ جنبیدن شاه پیروزگر
سبک شاه^۹ رفتن بسیچید^{۱۰} تفت
همه شیرمرد و همه نامدار^{۱۱}
ابا نامدارانِ پَرخاشجوی،
ابا تاج و با تخت^{۱۲} شاهنشهی

تیره برآمد ز درگاه طوس
سپاه و سپهد برفتن گرفت
تو گفتی که خورشید گردان^{۱۳} به پای
دو هفته همی رفت^{۱۴} از آسان^{۱۵} سپاه
پراکنده بر^{۱۶} گرد گیتی^{۱۷} خبر
چو طوس از در^{۱۸} شاه ایران برفت
ابا ده^{۱۹} هزاران^{۲۰} گزیده سوار^{۲۱}
بنزدیک گودرز بنهاد روی
ابا پیل و با کوس و با فرهی

گرازان و خندان و دل شادمان^{۲۲}
تو گفتی همی برنوردد زمی
برآمد خروشیدن گره نای^{۲۳}
زمی پُر ز بالا، هوا پُر ز زر^{۲۴}
ز ماه و^{۲۵} ز ناهید و از^{۲۶} مشتری

هُجیر آمد از پیش خسرو دمان
ابا خلعت خوب و با^{۲۷} خرمی^{۲۸}
چُن^{۲۹} آمد بنزدیک پرده سرای
پذیره شدندش سران سربسر
چو خیزد به چرخ^{۳۰} اندرون داوری

۱- س: یکسر سپه گستردید؛ بنداری: ثم أمر طوسا بالارتحال بفیلته و جنوده و سلوکه علی طریق دهستان الی خوارزم ۲- ل، س، ل، آ، س (نیز ل، و، ل، ن): لشکر؛ ق: اشکس؛ (لی، آ: نگهبانش اشکش)؛ متن = ف (نیزب) ۳- (ق: سپاهی ابا او که در) ۴- ل، آ، س (نیز ل، پ، و، ل، ن، ب): نای و رویینه کوس؛ متن = ف، ل، س، ق (نیزق، ل، آ) ۵- ل، س (نیزلن، ق، آ، لی، پ، ب): زمین (آ: زمی) سم؛ متن = ف ۶- ل، س، ق (نیزلن، ق، آ، پ، و، ل، ن): تابان؛ متن = ف، ل، آ، س (نیزلی، آ، ب) ۷- س، ق (نیزلن، ق، آ، لی، پ، و، ل، ن، آ): بماند؛ متن = ف، ل، آ، س (نیزب) ۸- س (نیزلن، ق، آ، پ، ل، ن): راند ۹- ل، س: زانسان؛ ل، آ، س: ازینسان ۱۰- ل: بشد؛ (لن، پ، ل، ن): که شد؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س (نیزق، آ، لی، و، آ، ب) ۱۱- س: در ۱۲- ل، ق (نیزق، آ، لی، و، آ): کشور؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیزلن، پ، ل، ن، ب) ۱۳- ل، س (نیزلن، ق، آ، لی، پ، ب): ز؛ متن = ف ۱۴- ق، ل، آ، س: بر؛ متن = ف، ل، س ۱۵- س: راه ۱۶- ل، س (نیزلی، پ، ل، ن): بسیچید و ۱۷- س، ق (نیزلن، لی، پ، ل، ن، آ): صد؛ متن = ف، ل، آ، س (نیزق، آ، و، ب) ۱۸- ل، س، ق (نیزلن، ق، آ، و، ب): هزاراز؛ متن = ف، ل، آ، س (نیزلی، پ، ل، ن، آ): هزاران → هزاراز؟ ۱۹- ل، ق (نیزلن، ق، آ، لی، پ، و، ل، ن، آ): سران؛ س: یلان؛ متن ← ۲۰- ل، ق (نیزق، آ، لی، و، آ): همه نامداران و (ل: [و]) کنداوران؛ س (نیزلن، پ، ل، ن): همه پهلوانان و کنداوران؛ متن = ف، ل، آ، س (نیزب)؛ بنداری: فی عشرة آلاف من الفرسان الخاصة ۲۱- ل، ق: ابا تخت و با تاج ۲۲- ف: گرازان و دل شادمان و دنان؛ س: خرامان خرامان و دل شادمان؛ ل (نیزق، آ، پ، ل، ن، ب): گرازان و نازان (ل: شادان؛ ق، آ، ل، ن: تازان) و دل شادمان؛ س (نیزلن): گرازان و شادان (لن: تازان) دل و شادمان؛ متن = ل، ق (نیزلی، ل، آ، و، آ) ۲۳- ل، س، ق (نیزلن-آ): خلعت و خوبی و؛ متن = ف، ل، آ، س (نیزب) ۲۴- (ل): خورمی ۲۵- ل، س، ق، ل (نیزلن-ب): چو؛ متن = ف، س، آ ۲۶- ف، ل، س: کرنای ۲۷- ل، ق، ل (نیزل، آ، ب): زمین پر ز آهن (ل، آ، ب: لاله) هوا پر ز زر؛ س (نیزلن، پ، ل، ن): زمین بد (پ: شد) ز پولاد همتای زر (لن، ل، ن، آ، ب: در؛ پ: خور)؛ س: ابا جامه فرو و هرای زر (؟)؛ (ق): برآورده هریک بخورشید سر؛ لی: زمین پر ز پولاد و هم پر ز زر؛ و: زمین شد چو فولاد و هرای در (؟)؛ آ: زمین پر ز پولاد و هرای زر (؟)؛ متن = ف ۲۸- س (نیزلن، پ، ل، ن): شهر؛ متن = ف، ل، ق، ل، آ، س (نیزق، آ، لی، ل، آ، و، آ، ب) ۲۹- س: زمانه ۳۰- ف، ل، س، ق، س = وز؛ متن = ل

<p>ابا زنگِ زرین و پیلان و^۱ کوس بگفت آنچه^۳ دید از شه خسروان همی گفت و آزادی^۵ و پند اوی^۴ چگونه ز پیغام بگشاد چهر به گودرز داد و^۷ درود مهان بمالید بر^۸ نامه بر چشم و روی سخن‌ها برو کرد خواننده یاد به فرمان ببوسید روی زمین به شبگیر بنشست و بگشاد در^۹ برفتند بر سر نهاده کلاه^{۱۰} بیاورد و بنهاد پیش دبیر ز نامه همی خواند پیش سپاه به دیوان دینار دادن نشانند به لشکرگه آورد یکسر گروه همان مایه ورجوشن و خود زر، چن^{۱۴} آمد گه نام^{۱۵} جستن پدید سوار و پیاده شد آراسته زمین از پی^{۱۸} بادپایان ستوه همه غرقه در آهن و زر و سیم دل و گوش^{۲۲} دادن به کین آختن^{۲۳}</p>	<p>بیاراست لشکر چو چشم خروس چن^۲ آمد بر نامورپهلوان نوازیدن شاه و پیوند اوی^۴ که چون بر سپه بر گزیده ست^۶ مهر پس آن نامه‌ی شهریار جهان نوازیدن شاه بشنید ازوی چو بگشاد مهرش، به خواننده داد سپهدار بر شاه کرد آفرین بود آن شب و رای زد با پسر همه نامداران لشکر پگاه پس آن نامه‌ی شاه فرخ هجیر دبیر آن زمان پند و فرمان شاه سپهدار روزی دهان را بخواند از^{۱۲} اسپان گله هرچه^{۱۳} بودش به کوه در گنج دینار و تیغ و کمر به روزی دهان داد یکسر کلید برافشاند بر لشکر آن^{۱۶} خواسته یکی لشکری گشت^{۱۷} برسان کوه دل^{۱۹} نزه شیران ازیشان^{۲۰} به بیم بفرمودشان جنگ را ساختن^{۲۱}</p>	<p>۱۰۸۰ ۱۰۸۵ ۱۰۹۰ ۱۰۹۵</p>
---	---	---

۱- ل: [و] ۲- ل، س، ق، ل (نیز لن-ب): چو؛ متن = ف، س، ۳- ق، ل: آنچه ۴- ل، س، ل، او؛ متن = ف، ق، ۵- ل: [و] از رادی؛ س، ق، س (نیز لن- و، آ، ب): [و] آزادی؛ ل: از آزادی؛ متن = ف؛ ل: در اینجا سرنویس دارد: پاسخ نامه کیخسرو نزد گودرز بدست هجیر ۶- ل، س (نیز لن، ق، پ، و، ب): گستریدست؛ ق (نیز آ): برفکنندست؛ متن = ف، ل، س، ۷- س: دادش ۸- ل: پس؛ س بیت‌های ۱۰۸۳-۱۰۸۵ را ندارد ۹- س: سر؛ ق: بر (در بالا افزوده است: در) ۱۰- ف بیت‌های ۱۰۸۷-۱۰۸۹، ق بیت ۱۰۸۸، ق^۱ بیت‌های ۱۰۸۸-۱۰۹۰ و ل^۲ بیت ۱۰۸۸ را ندارند؛ بنداری (۱۰۸۲-۱۰۸۹): ولما وصل کتاب الملك الى جودز فرج به و ابتهج فأحضر الأمراء والأکابر وأمر فقري عليهم ۱۱- س، ل: همه ۱۲- ف، ل، ق، ل، س: ز؛ متن = ۱۳- ل: هرچ ۱۴- ل- س (نیز لن، ق، پ، و، لن، ب): چو؛ متن = ف ۱۵- س (نیز لن، ب، و، لن): کینه؛ متن = ف، ل، ق، ل، س (نیز ق، ل، ی، ب) ۱۶- ق (نیز ل): لشکرش ۱۷- (ق، ب: گشن) ۱۸- ق: سم ۱۹- س: دگر (دل) ۲۰- ل، ل، ل، س (نیز ق): شیر غزان ازیشان؛ س (نیز لن، پ، لن): شیر مردان ازیشان؛ (لی، آ: شیر غرنده زیشان؛ و: شیر از آهنگ ایشان)؛ متن = ف، ق (نیز ل، ب) ۲۱- س (نیز لن، پ، لن): بفرمود (پ: برفتند) تا جنگ را ساختند؛ متن = ف، ل، ق، ل، س (نیز ق، ل، ی، ل، و، آ، ب) ۲۲- ل: هوش؛ متن ← ۲۳- (ل، ل: خواستن)؛ س (نیز لن، ب، لن): گوش و دیده بکین آختند (س: بپرداختند)؛ ق: جان نهادن بکین خواستن؛ متن = ف، ل، ل، س (نیز ق، و، آ، ب)

برفتند پیش سپهبد گروه
 بدیشان^۲ نگه کرد سالارمرد
 چُنین گفت کز گاه جمّ برین^۴ ۱۱۰۰
 بداسپ^۶ و سلیح^۷ و به سیم و به زر
 اگر یار باشد جهان آفرین
 چو بنشست^۹ فرزندگان را بخواند^{۱۰}
 همی خورد شادی‌کنان دل به جای

به پیران رسید آگهی زین سخُن ۱۱۰۵
 از آن آگهی شد دلش پُر نهب
 ز دستور فرخنده‌رای آنگهی
 که سالار ایران چه افکند بُن
 سُوی چاره برگشت و بند و فریب
 بچُست اندرین^{۱۳} کینه جُستن^{۱۴} ره‌ی

گفتار اندر نامه فرستادن پیران و یسه بنزدیک گودرز کُشوادگان^{۱۵}

یکی نامه فرمود پس تا دبیر
 سر نامه کرد آفرین بزرگ^{۱۸}
 دگر گفت کز کردگار جهان ۱۱۱۰
 مگر کز میان دو رویه سپاه
 نیسد^{۱۶} سُوی پهلوان ناگزیر^{۱۷}
 به یزدان پناهش ز دیو سترگ^{۱۹}
 بخواهم همی آشکار و نهان،
 جهاندار بردارد این کینه‌گاه^{۲۰}

۱- (ل، ل، و، ل، آ، به) ۲- ل، س، ق، ل، آ: بریشان؛ (و: درایشان)؛ متن = ف، س، ۲ (نیز ل، ل، ل، آ، پ، ل، آ، ب) ۳- ف، س، ق، ل، ۲ (نیز ل، ل، آ، ب)؛ لاجورد؛ متن = ل، س، ۲ (نیز ل، پ، و) ۴- ل، ق: رزم پشین (!)؛ (ق، ل، ل: جمّ گزین؛ ل: جمشید کین؛ ل: جم تا برین)؛ متن = ف، س، ل، آ، س، ۲ (نیز ل، پ، و، آ، ب)؛ بنداری؛ لم یرمن عهد جمشید مثل هذا الجمع هذه الزینة وهذه الهیئة ۵- ل، س، ق (نیز ل، ل، پ، و، ل، آ): کس رزمگاهی چنن؛ (ل: یک رزمگه همچنن؛ ق: ندیده کسی رزمگاهی چنن)؛ متن = ف، ل، آ، س، ۲ (نیز ب) ۶- ل، س، ۲ (نیز ل- ب)؛ باسب؛ متن = ف ۷- س: سلاح ۸- س (نیز ل، پ، ل، آ): بیچم (پ: نیچم) عنان را از ایدر؛ (و: از ایدر نیچم عنان تا)؛ متن = ف، ل، ق، ل، آ، س، ۲ (نیز ق، ل، ل، آ، ل، آ، ب، ب: بیچم)؛ بنداری؛ وسأ بلغ بهم بقوة الله وسعادة الملك الى أقصى الصين ۹- ل: بنشست و ۱۰- ق: چو بنشید پیران یلان را بخواند ۱۱- ق: همان نامداران جنگی بهم برنشانند (وزن ندارد) ۱۲- ل، آ، س، ۲ (نیز ق، ل، آ، ب)؛ ساخت؛ ف بیت ۱۱۰۴ و ق بیت‌های ۱۱۰۴ و ۱۱۰۵ را ندارند ۱۳- ل (نیز ق، ل، ل، آ): اندران ۱۴- س (نیز ل، پ، ل، آ): جستن کین؛ ل، آ، س، ۲ (نیز ب)؛ رزم جستن؛ (ق: چاره جستن)؛ متن = ف، ل (نیز ل، ل، و، آ)؛ س (نیز ل، پ، ل، آ) پس از این بیت افزوده‌اند:

بسی رای گفتند و (س: جستن) فرجام کار بدان ختم (س: مهر) کردند کسان روزگار

۱۵- ف: گفتار اندر نامه فرستادن پیران و یسه بدست فرزند خویش روین بنزدیک گودرز کُشوادگان و صلح خواستن؛ ل: نامه نوشتن پیران و یسه بگودرز؛ س: نامه فرستادن پیران بگودرز و فرستادن روین برسولی؛ ق: گفتار در نامه پیران و یسه بگودرز کُشواد؛ ل: نامه پیران نزد گودرز و احوال آن؛ س: نامه پیران و یسه بگودرز؛ متن = ف ۱۶- ل، س، ۲ (نیز ل، ل، ب)؛ نویسد؛ (ق: نبشتش)؛ متن = ف ۱۷- ل: دلپذیر؛ (ق: هژیر)؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س، ۲ (نیز ل، ل، ب)؛ بنداری؛ کتاب استعطاف ۱۸- ف، ق (نیز ل): خدای؛ متن = ۱۹- ف، ق (نیز ل): ز (ق، ل، آ: به) هر دو سرای؛ متن = ل، س، ل، آ، س، ۲ (نیز هشت دستنویس دیگر)؛ بنداری؛ فکتب الیه یستدرجه مفتحا کتابه بحمد الله والثناء والاستعاذة من الشيطان المارد ۲۰- ل: آن کینه‌خواه؛ بنداری: یرفع العداوة

<p>که گیتی به کینه^۲ بیاراستی، چه گویی چه آید^۵ سرانجام تو؟ ز خویشان نزدیک و شیران^۶ من، زیزدان نداری^۹ همی ترس^{۱۰} و باک؟ کنون آنک^{۱۱} جستی همه یافتی به خون ریختن بر نباشی^{۱۲} دلیر چه مایه تبه شد بدین روزگار^{۱۴} ز کین جستن آسایش آید ترا^{۱۵} سر زندگان را چه باید^{۱۶} برید؟ به گیتی در این^{۱۸} تخم کینه^{۱۹} مکار! ز خون ریختن بازکش خویشتن کزو نام زشتی بماند بسی^{۲۲} به بودن نماند فراوان^{۲۳} امید به جنگ اندرآید برین^{۲۵} کینه گاه^{۲۶}، بیژد^{۲۸} روان، کینه ماند به جای^{۲۹}</p>	<p>اگر تو که گودرزی آن^۱ خواستی برآمد ز کینه همه^۳ کام^۴ تو نگه کن که چند از^۶ دلیران من تن بی سرانشان^۸ فگندی به خاک ۱۱۱۵ ز مهر و خرد روی برتافتی گه آمد که گردی ازین کینه سیر نگه کن کز ایران و توران سوار^{۱۳} گه آمد که بخشایش آید ترا ۱۱۲۰ به کین جستن مرده یی ناپدید اگر بازناید^{۱۷} شده روزگار روانت^{۲۰} مرغجان و مگذار تن^{۲۱} پس از مرگ نفرین بود بر کسی هر آنکه که موی سیه شد سپید ۱۱۲۵ بترسم که گر بار دیگر^{۲۴} سپاه نبینی^{۲۷} ز هر دو سپه کس به پای</p>
--	---

۱- س (نیزلن، ق، ل، ن، آ، ل، ن، آ): این ۲- س (نیزلن، ل، ل، ن، آ): که کینه بگیتی؛ بنداری: إن أردت تملأ الدنيا بالفتن والمحن ۳- ل: از این کینه گه؛ س (نیزلن، پ، ل، ن، آ): ز گیتی همه؛ ق (نیزلی، و، آ؛ بکینه همه)؛ متن = ف، س، آ (نیزق، ل، ل، ب) ۴- ق: نام ۵- س (نیزلن - ب): باشد؛ متن = ف، ل، ق، س، آ؛ ل این بیت را ندارد ۶- ل، س، ق، س، آ (نیزلن، ق، ل، پ - ب): چندان؛ ل (نیزلی): چندین؛ متن = ف ۷- ف: پیران (؟)؛ متن = ل - س، آ (نیزلن - ب)؛ بنداری: انظرکم قتلت من أصحابی، وأفتیت من رجالی ۸- ل، ل، س، آ (نیزق، ل، ب): بریدی سرانشان ۹- ق (نیزلی، آ): نبود ۱۰- ل (نیزلن، ل، ب): شرم ۱۱- ل، س (نیزلن، ق، آ): آنچه؛ ق، ل، آ، س، آ (نیزلی - ب): آنچه؛ متن = ف ۱۲- ل، ق (نیزلن، آ): چند باشی؛ (لی، آ؛ برنیابی)؛ متن = ف، س، ل، آ، س، آ (نیزلن، ق، ل، پ، و، ب) ۱۳- س (نیزلن، ق، ل، ل، پ، ل، ن، آ، ل، ن، آ): سپاه؛ متن = ف، ل، ق، ل، آ، س، آ (نیزو، ب) ۱۴- ل، ق: کارزار؛ س (نیزق، ل، ل، پ، ل، ن، آ): درین (بدین) رزمگاه؛ ل، آ، س، آ (نیزو، ب)؛ درین کارزار؛ (ل، ن، ل، ی، آ؛ درین (لی: بدین) کینه گاه)؛ متن = ف ۱۵- س: آید ستایش ترا (!)؛ درل این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۱۶- ل، س، ق (نیزلن، ل، ل، آ، پ، و، ل، ن، آ): زندگان چند خواهی (ل: باید؛ و؛ شاید)؛ ل، آ، س، آ (نیزب): زنده چندین چه باید؛ متن = ف (نیزق، آ) ۱۷- ل: بازایی؛ ل (نیزق، ل، آ): بازاید؛ متن = ف، س، ق (نیزلن، پ، و، ب) ۱۸- ل، س، ق، ل، آ (نیزلن، پ، و، ل، ن، آ، ب): درون؛ (ق: آ؛ تواین)؛ متن = ف، س، آ ۱۹- س: زفتی ۲۰- س: روانم ۲۱- ل؛ مگردان مرغجان ز تن ۲۲- ل، آ، س، آ (نیزب): که زشتی بود زو بگیتی بسی؛ ل، ق پس از این بیت افزوده اند:

نباید که زشتی بمانسدت نام

وگر توبدان (ق: و یا توبدین) سر شوی شادکام

۲۳- س: نباشد فراوان؛ ل، آ، س: فراوان نماند ۲۴- ق: که دیگر نباید (!)؛ ل: که یکبار دیگر ۲۵- ل، س، ق، ل، آ (نیزق، ل، ل، آ، و، آ، ب): بدین؛ (ل، ن، پ، ل، ن، آ؛ درین)؛ متن = ف، س، آ ۲۶- ل، ق (نیزلی، ل، آ، آ): رزمگاه؛ متن = ف، س، ل، آ، س، آ (نیزلن، ق، ل، پ، و، ل، ن، آ، ب) ۲۷- ل، آ: نیبیم ۲۸- ف (نیزل، آ، ب): بیژد؛ ق، س، آ (نیزلن، و، ل، ن، آ، ب): بیژد (=بیژد؟ بیژد؟) رستم و سهراب، بیت (۸۰۸)؛ (ق: آ؛ به یزدان) ۲۹- ل: برفته روان تن بمانده بجای؛ س: بجز چرخ گردان و کیهان خدای؛ ل: نبرد سپه کینه ماند بجای (!)

۱۱۳۰ وُزآنپس^۱ که داند که پیروز کیست؟
 ار^۳ ایدونک^۴ پیگار^۵ خون ریختن،
 کزینسان^۶ همی جنگ^۸ شیران کنی،
 بگو تا من اکنون هم اندر^{۱۱} شتاب
 بدان تا بفرمایدم تا زمین
 چنان چون به گاه منوچهرشاه
 هر آن شهر کز مرز^{۱۴} ایران نهی
 ز آباد و بیران و هر^{۱۶} بوم و بر
 از^{۱۷} ایران به کوه اندرآیم^{۱۸} نخست
 دگر طالقان شهر تا^{۲۰} پاریاب^{۲۱}
 دگر پنجهیر آید و^{۲۴} بامیان
 دگر گوزگانان فرخنده جای
 دگر مولتان آید و بدخشان^{۲۷}
 فروتر دگر دشت^{۲۸} آموی و زم ۱۱۴۰

نگون بخت گرا^۲ گیتی افروز کیست؟
 برین^۶ رزمگه با من آویختن،
 همی^۹ از پی شهر^{۱۰} ایران کنی،
 نوندی فرستم بدافراسیاب^{۱۲}،
 بیخشم و پس برنوردم^{۱۳} کین
 به بخشش همی داشت گیتی نگاه،
 بگو تا کنیمش ز ترکان^{۱۵} تهی
 که فرمود کیخسرو دادگر،
 در غرچگان از بروبوم^{۱۹} تُست
 همیدون رو از^{۲۲} بلخ تا اندراب^{۲۳}
 در^{۲۵} مرز ایران و جای کیان
 نهاده ست نامش جهان کدخدای^{۲۶}
 همینست ازین پادشاهی نشان
 که با شهر ختلان درآید برم^{۲۹}

۱- ل: از آنپس ۲- ف، س، ق، ل، آ، س (نیز ق، ل، آ، و، آ، ب): یا (س نخست گرداشته است): (لن: ار: پ: اگر: لن: از): متن =
 ل ۳- ل، ق، ل، آ، س (نیز لن، ق، ل، آ، و، پ، لن، ب): ور: س (نیز لی): گر: متن = ف (نیز آ) ۴- س: ایدونکه ۵- ف، ق،
 ل: [و]: متن = ل، س، س (نیز لن، ق، ل، آ، و، لن، ب) ۶- ل- ل- س (نیز لن- پ، لن، آ، ب): بدین: (و: درین): متن = ف ۷-
 ق: بدینسان ۸- س: رزم ۹- س (نیز لن، ب، لن، آ): همان: (لی، و، آ: همه): متن = ف، ل، ق، ل، آ، س (نیز ق، ل، آ، ب) ۱۰-
 ل، آ، س (نیز ب): بوم: (و: مهر) ۱۱- س: نگوویی (!) که تا من کنون در ۱۲- ل- ل- س (نیز لن- ب): بدافراسیاب: متن =
 ف ۱۳- س، ق، ل، آ، س (نیز لن، ق، ل، آ، و، لن، ب): درنوردیم: متن = ف، ل (نیز ل، ب) ۱۴- لن، لن، آ: شهر: لی، آ: بود کز شهر: ل: (نیز
 ب): مرز کز شهر: متن = ف، ل، س، ق، س (نیز ق، ل، آ، ب، و) ۱۵- ل: کنیم آن ز ترکان: ل: ز ترکان کنیمش: متن = ف، س، ق،
 س (نیز لن- لن، ب) ۱۶- س (نیز لی): ویران همه: ل (نیز ق): و ز آباد و (ل: [و]) ویران همه: ق: ز آباد ویران هر آن: (لن، پ، و، لن، آ:
 ز آباد و ویران و هر: ب: از آباد و ویران سر): متن = ف، ل، آ، س (نیز ل، آ، و، ز) ۱۷- ف، س، آ: ز ۱۸- ل، س، ق (نیز لن، ل، آ،
 پ، و، لن، آ): آید: ل: آرم: متن = ف، س (نیز ق، ل، آ، ب) ۱۹- ل: از بروم بست (حرف یکم واژه پسین نقطه ندارد): س (نیز لن، آ،
 ب): تا (ب: از) در و بوم و رست: ق، ل: آن (ل: با) بروبوم تست (ل: بست): (لن: تا در بوم بست: لی، ل، آ، ب، و، آ: از (لی: وان: ب: با:
 آ: آن) بروبوم و رست): متن = ف، س (نیز ق) ۲۰- ق (نیز ب): با ۲۱- ل، ق، س (نیز لی، پ، و، آ): فاریاب: س (نیز لن):
 باریاب: ل: باریاب (حرف یکم نقطه ندارد): متن = ف (نیز لن، ب) ۲۲- ل (نیز ب): در: ق: چه از: س: روان (ح: رو از):
 متن ← ۲۳- ق: رود آب: س (نیز لن، لن، آ): همیدون بیخش اندرآید بآب (لن: بتاب): متن = ف، ل (نیز ل، آ، ب) ۲۴- ل:
 پنجهیر و در: س (نیز ب): پنجهیرند و: (لن: پنجهیزست و هم: و: پنجهیرند تا: لن: پنجمین اند با): متن = ل، س (نیز آ، ب) ۲۵- ل:
 سر: ف، ق، (نیز ق، ل) این بیت را ندارند ۲۶- ف (نیز لی، آ) این بیت را ندارند ۲۷- ل (نیز ب): دگر مولتان (ل: مولتان) تا در
 بدخشان: س (نیز لن، لن، آ): دگر از در بلخ تا بدخشان: ق (نیز ل): دگر مولیانست (ل: مولتانست) جای مهان: (لی: دگر مولتا باد و هم
 بدخشان): متن = ف، ل، آ، س (نیز ق، آ، ب، ب: مولیان) ۲۸- س: فروتر از او دشت: ل، آ، س: بخارا قرب نیز و: (لن، ب، لن، آ: فروتر
 که از دشت: ق، ل، آ: قرب برد کردست و: ب: قرب یزد کردست و): متن = ف، ل، ق (نیز ل) ۲۹- ف، ل، آ، س: که تا خرتلان
 (ل، آ، س: خرتلان) اندرآید دیم (ل: بدم: س: برم): ل (نیز ق، ل، آ): که با (ق: تا) شهر ختلان (در ل حرف دوم نقطه ندارد) درآید برم
 (لی، آ: بهم): س (نیز لن، پ، لن، آ): همیدون بجیلان (س نقطه ندارد) درآید بهم (س: برم): ق (نیز ل، آ، ب): که با بلخیان (ل: بلخیان): ب:
 جنبدان) اندرآید برم (ل: برم): متن ← ل، ق

چو شکنان و چون ترمذ و ویسه گرد^۱ بخارا^۲ و شهری که هستش به گرد
 همیدون برو تا در سغد نیز نجوید کس آن پادشاهی بنیز^۳
 از آن^۴ سو^۵ که شد رستم نیوسوز^۶ سپارم بدو کشور نیمروز
 ز کوه و ز هامون بخواهم^۷ سپاه سوی باختر برگشاییم راه
 ۱۱۴۵ پردازم این تا در هندوان
 ز کشمیر و ز کاول^۸ و قندهار روارو^{۱۱} سوی هند هم^{۱۲} زین شمار
 و زان سو که لهراسپ شد جنگ جوی^{۱۳} آلانان و غرزدز^{۱۴} سپارم بدوی
 ازین^{۱۵} مرز پیوسته تا کوه قاف به خسرو سپاریم بی^{۱۶} جنگ و لاف
 و زان سو که آشکش^{۱۷} بشد^{۱۸} همچین پردازم اکنون سراسر زمین
 ۱۱۵۰ و زانپس که این کرده باشم همه
 به سوگند پیمان کنم پیش تو کزان^{۱۹} پس نباشم بداندیش تو
 بدانی^{۲۰} که ما راستی خواستیم به مهر و وفا دل بیاراستیم
 سوی شاه ترکان^{۲۱} فرستم خبر که ما را ز کینه بیچید سر^{۲۲}
 همیدون تو نزدیک^{۲۳} خسرو به مهر یکی نامه بنییس^{۲۴} و بنمای چهر
 ۱۱۵۵ چنین از ره مهر پیگار^{۲۵} من
 چوپیمان همه کرده باشی تو^{۲۷} راست ز من خواسته هر چه^{۲۸} خسرو بخواست^{۲۹}،
 فرستم همه سربسر نزد شاه در کین ببندد مگر بر سپاه

۱- ل: چه شکنان و ترمذ ویسه کرد؛ س، ق، ل، آ، س^۲ (نیز لن، لی، ل، آ، پ، لن، آ، ب): چوشکنان (س): سنکان؛ پ: شکنان؛ ل، آ، س، آ، لی، آ، ب: سمنگان) و چون ترمذ و ویسه (لن: ویس) کرد؛ (ق: آ: سمنگان و ترمذ ابا ویسه کرد؛ و: چوشکنان و چون شهر پیروز کرد)؛ متن = پ
 (← س، ق، لن، ل، آ، لن، آ) ۲- ل، آ، س^۲ (نیز ق، آ، ب): سمرقند؛ متن = ل، س، ق (نیز لن، لی، آ)؛ ف این بیت را ندارد ۳- (لن، ل، آ، پ، لن، آ، ب: بچیز)؛ ف: از آن پادشاهی نجویم چیز؛ س: نجوید کس از پادشاهیت چیز (دو واژه پسین ناخواناست)؛ ق: نجوید کسی پادشاهی نه چیز؛ (و: نجوید کس از پادشاهی پیشین)؛ متن = ل، آ، س^۲ (نیز ق، آ، ب: پ، لن، آ، ب) ۴- ل، س، ق: وزان ۵- ق: رو ۶- ل: گردسوز؛ در ل^۲ پس از این بیت، بیت ۱۱۴۷ آمده است ۷- س (نیز لن، پ، لن، آ): ز نزدیک او بازخواهم؛ (و: زمین کورسان برانم)؛ متن = ف، ل، ق، ل، آ، س^۲ (نیز ق، آ، ب) ۸- ل، آ، س^۲: ازینسان ۹- ق: [و] تا ۱۰- ف- س^۲ (نیز لن- ب): کابل؛ متن تصحیح قیاسی است ۱۱- ل: دوان رو؛ س^۲: وزان دو ۱۲- س (نیز لن، پ): سند هم؛ ل، ق: شها را بود آن همه؛ (ب: وزانسوی قنوج هم)؛ متن = ف (نیز لی، لن، آ، ب: ل، آ، س^۲) ۱۳- ف: شهرجوی (؟)؛ متن = ل- س^۲ (نیز ق، لی، ل، آ، پ، و، آ، ب) ۱۴- ف: آن دز؛ ل، ق (نیز پ): غردر؛ ل: دز خود؛ س^۲ (نیز و، ب): آن در؛ (ق: غرزدز؛ لی: عزرا؛ ل، آ، غزرا)؛ متن تصحیح قیاسی (← بیت ۱۱۳، ۱۱۳۴)؛ در ل^۲ این بیت پس از بیت ۱۱۴۳ آمده است؛ س، لن، ل^۲ بیت های ۱۱۴۷ و ۱۱۴۸ را ندارند، ولی درس آنها را به خطی دیگر در میان ستون ها افزوده اند ۱۵- ل، آ، س^۲: وزین ۱۶- ل، آ، س^۲ (نیز لی، ب): سپارم ای ۱۷- (ق، آ، ب: بنداری: اشکس) ۱۸- ل، آ، س^۲: شده ۱۹- س، ق: کزین ۲۰- س: ندانی ۲۱- ل، آ، س^۲: توران ۲۲- س، ل، آ، س^۲ (نیز ب): چه آمد بسره؛ متن = ف، ل، ق (نیز لن- آ) ۲۳- س، ل، آ، ب: بنزدیک ۲۴- ف- س^۲ (نیز لن- ب): بنویس؛ متن تصحیح قیاسی است ۲۵- ل، س، ق، س^۲ (نیز لن، لی، ل، آ، پ، لن، آ، ب): مهر و پیکار؛ (و: مهر گفتار)؛ متن = ف، ل (نیز آ) ۲۶- (و: یاز پیکار) ۲۷- ل، س (نیز لن، لی، ل، آ، لن، آ، و، آ): باشم؛ ل، آ، س^۲ (نیز ق، آ، ب): چو این (س: چنین) یکسره کرده باشم؛ متن = ف، ق؛ بنداری: و اذا فرغت من ذلک عاهدتک ۲۸- ل: هرچ ۲۹- ق (نیز ل^۲): خواهی رواست

۱۱۶۰. وُزانیس^۱ که این کرده باشیم نیز
 بیوندم^۲ از^۳ مهر و آیین و^۴ دین
 که بگسست هنگام^۵ شاه بزرگ
 فریدون که از درد سرگشته شد^۶
 ز من هرچه^۷ باید ز نیکی^۸ بخواه
 نباید کزین چرب^۹ گفتار من
 که من جز به^{۱۰} مهر این^{۱۱} نگویم همی
 ۱۱۶۵. مرا گنج و هم کام^{۱۲} از آن تو بیش
 ولیکن بدین کینه انگیختن
 بسوزدهمی بر سپه بر^{۱۳} دلم
 و دیگر که^{۱۴} از کردگار جهان
 که نپسندد از ما بدی کردگار^{۱۵}
 ۱۱۷۰. اگر^{۱۶} سر بیچی ز گفتار^{۱۷} من،
 گنهکار داری^{۱۸} مرا بی گناه،
 کجا داد و بیداد از تو^{۱۹} یکیست
 گزین کن ز گردان ایران سران
- گروگان فرستاده و داده^{۲۰} چین،
 بدوزم به دست وفا چشم کین
 ز بدگوهر^{۲۱} تور و سلم^{۲۲} سترگ
 کجا ایرج نامور گشته شد^{۲۳}
 وُزانیس^{۲۴} برین^{۲۵} نامه کن نزد شاه
 گمانی به سستی برد^{۲۶} انجمن
 سرانجام نیکی بجویم^{۲۷} همی
 به مردانگی نام^{۲۸} از آن تو بیش
 به بیداد هر جای خون ریختن،
 بکوشم که کین از میان بگسلم
 بترسم همی آشکار و نهان،
 گزافه نبردard این روزگار^{۲۹}!
 بجویی^{۳۰} همی ژرف پیگار^{۳۱} من،
 نخواهی به گفتار کردن^{۳۲} نگاه،
 جز از^{۳۳} کینه گستردنت رای^{۳۴} نیست،
 کسی کو گراید به گرز گران

۱- ل، ق: ازانیس ۲- ل، آ، س: (نیزق، آ، پ، ب): فرستم و بسیار ۳- س (نیزلن، پ، ل، ن): ببندیم ۴- ل: این ۵- ل، ق: [و] ۶- ل، س: که بشکست هنگام؛ ل، آ، س: نه نیگست هنگام؛ (ق، آ، پ: نندیدی هنگام؛ ل، ب: که ننگست هنگام)؛ متن = ف (نیزلن، ل، ن، آ) ۷- ل، ل، آ، س: (نیزق، آ، پ، و، آ، ب): بدگوهری؛ متن = ف، س (نیزلن، ل، ن) ۸- س، ل، آ، س: سلم و تور؛ ق (نیزل) بیتهای ۱۱۶۰ و ۱۱۶۱ را ندارند ۹- س (نیزلن، پ، ل، ن): فریدون که کهنتر پسر گشته دید ۱۰- س (نیزلن، پ، ل، ن): سر ایرج نامور گشته (س: خسته) دید ۱۱- ل: هرچ ۱۲- ل، س، ق، س: (نیزلن - پ، ل، آ، ب): نیکی؛ (و: بخونی)؛ متن = ف، ل ۱۳- ل: ازانیس ۱۴- ق: یکی؛ ل، آ، س: (نیزق، آ، ب): بدین؛ (ق: زمن؛ ل: بدان)؛ متن = ف، ل، س (نیزلن، پ، و، ل، ن) ۱۵- ل، س (نیزلن - پ، ل، ن، آ): خوب؛ متن = ف، ق، ل (نیزو، ب) ۱۶- س (نیزلن، ل، ب): برند؛ ل: بسستی گمانی برند؛ متن = ف، ق، ل (نیزق، آ، ل)؛ س: این بیت را ندارد ۱۷- س: از ۱۸- س: آن ۱۹- ف: بجویم (!) ۲۰- ل - س: (نیزلن، ل، ن، آ، ب): مردان (پساوند ندارند، مگر اینکه بیش دوم را پیش بخوانیم، ولی - بیت ۱۳۰۴)؛ (ل، آ، ل: لشکر (پساوند ندارند))؛ متن = ف (نیزق، آ، پ، و)؛ بنداری: فانه غیر خاف آنی اکثر منک رجالا، وأوفر أموالا، وأشجع قلبا وأرحب صدرا ۲۱- ل: (هم) ۲۲- ق: این ۲۳- ل: سه دیگر که؛ ق (نیزل): دگر آنک؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیزهشت دستنویس دیگر) ۲۴- ل، ق: دادگر؛ متن = ف، س، ل، آ، س: (نیزلن، ق، آ، ل، ب - ب) ۲۵- ل، ق: نه بردارد (ل: بردازم (دو حرف نخستین نقطه ندارند)) این شور و شر؛ س، ل، آ، س: (نیزآ): نپردازد این (س، آ: از) روزگار؛ (ق: به نیکی گرام پس روزگار)؛ متن = ف (نیزلن، ل، ب، و، ل، آ، ب) ۲۶- ق: وگر ۲۷- س (نیزلن، پ، ل، ن): فرمان؛ متن = ف، ل، ق، ل، آ، س: (نیزق، آ، ل، و، آ، ب) ۲۸- ل، س، ق، ل (نیزق، آ، ل، ن): بجویی (حرف یکم نقطه ندارد)؛ (ل، ن، پ، و، ل، ن: نجویی)؛ متن = ف، س: (نیزل، آ، ب) ۲۹- ل (نیزق، آ، و)؛ کردار؛ س (نیزلن، پ، ل، ن): پیمان؛ متن = ف، ق، ل، آ، س: (نیزلی، ل، آ، ب) ۳۰- ل، س: دانی؛ متن = ف، ق، ل، آ، س: (نیزلن، ق، آ، ل، ب - ب) ۳۱- س: کردان ۳۲- ل، ق (نیزلی، ل، آ): نزدت؛ س، س: (نیزو، ب): زی تو؛ (ل، ن، پ، ل، ن: پشت؛ ق: برتو)؛ ل پاک شده است؛ متن = ف ۳۳- ق: بجز ۳۴- ق (نیزل): کار؛ س: جستنت خود راه؛ ل، آ، س: (نیزق، آ، ل، ب): جستنت ترا (ق: دگر) کار؛ متن = ف، ل (نیزلن، پ، و، ل، ن)

- همیدون من از لشکر خویش مرد
 همه یک به دیگر فرازآوریم ۱۱۷۵
 همیدون من و تو به آوردگاه
 مگر بی‌گناهان ز خون ریختن
 کسی که ش گنهکار داری^۵ همی
 به پیش تو آرم^۶ به روز نبرد
 که بر^۸ ما تو گر دست یابی به خون ۱۱۸۰
 نیازاری از بُن سپاه مرا
 گذرشان دهی تا به توران شوند^{۱۰}
 وگر من بوم^{۱۳} بر تو پیروزگر
 نسازم بدایرانیان^{۱۴} بر کمین
 سُوی شهر ایران دهم راهشان ۱۱۸۵
 ازیشان نگرده یکی کاسته
 ور ایدونک زینسان^{۱۸} نجویی نبرد
 بر انبوه^{۱۹} جویی همی^{۲۰} کارزار
 هر آن خون که آید به کین^{۲۱} ریخته
- بخواند آن گرانمایه فرزند را
 یکی^{۲۷} نام رویین^{۲۸} رویینه تن ۱۱۹۰
 بیست از بر^{۲۳} نامه مر^{۲۴} بند را
 پسر بُد مرو را^{۲۵} سر انجمن^{۲۶}

۱- ل، آ، س^۱ (نیزی، آ، ب): جنگ (ب: کار) باز؛ ل: سرانسان سوی کارساز؛ س (نیزلن، پ، و، لن^۲): سرانرا از سر (و: همه) سوی گاز؛ متن = ف، ق (نیزل^۳) (؟) ۲- س: بی سپاه؛ ل: بایکدگر بی سپاه ۳- ل- س^۲ (نیزلن، لی- ب): باسایش؛ متن = ف ۴- ل- ل: ز؛ س: و ۵- ف (نیزو): دانی؛ (ب بار نخست دانی و بار دوم داری دارد)؛ متن = ل- س^۲ (نیزلن، لی، ل، آ، پ، لن، آ) ۶- ف، ق، ل، آ، س^۲ (نیزی، آ): در؛ متن = ل، س (نیزلن، ل، آ، پ، و، لن، آ، ب) ۷- س: آرت من ۸- س: با ۹- ق: توران؛ س، ل، آ، س: ترکان توران؛ متن = ف، ل ۱۰- س: روند ۱۱- (پ: بکین شان) ۱۲- س، ق (نیزلن، ل، آ، پ، و، لن^۲): گزند؛ متن = ف، ل، ل، آ، س^۲ (نیزب) ۱۳- ل، ق (نیزق، آ، لی، ل، آ، ب): شوم؛ متن = ف، س، ل، آ، س^۲ (نیزلن، پ، و، لن، آ، ب) ۱۴- ل، ل، آ (نیزی، پ): بایرانیان؛ س، ق، س^۲ (نیزلن، ق، آ، ل، آ، و، لن، آ، ب): بر ایرانیان؛ متن = ف ۱۵- (ل: نگیریم کین)؛ س (نیزلن، پ، لن، آ): نجویم خشم و نگیریم (س: نسازیم) کین؛ (لی، آ: نه آورد جویم نه پیکار و کین)؛ متن = ف، ل، ق، ل، آ، س^۲ (نیزق، و، ب) ۱۶- ل، آ، س: یکایک گذارم ۱۷- ل، ق، ل، آ، س: وز؛ متن = ف، س ۱۸- ل: ازینسان؛ ق، س: ورا ایدون کزینسان ۱۹- ل- س^۲ (نیزی، ل، آ، ب): بانبوه؛ متن = ف (نیزلن، ق، آ، پ، و، لن^۲) ۲۰- ق: گرمیکنی ۲۱- (ق: که ایدر شود)؛ ق (نیزب): هر آنکس که باشدش خون ۲۲- ل: خون سر؛ س: زان سر ۲۳- س (نیزلن، پ): پس؛ (لی: بن) ۲۴- ل، ل، آ، س^۲ (نیزق، آ، لی، ل، آ، و، آ): بر؛ متن = ف، س، ق (نیزلن، پ، لن، آ، ب) ۲۵- ل، آ، س^۲ (نیزب): ورا آن؛ متن ← ۲۶- (لن، پ، لن، آ: یکی ز انجمن)؛ س: بود او را یکی ز انجمن؛ متن = ف، ل، ق (نیزق، آ، لی، ل، آ، و، آ) ۲۷- س (نیزلن، پ، لن، آ): که بد ۲۸- ل (نیزل، آ، پ): رویین و

سَخُن گوی هُشیار ^۲ و پاسخ شنو	بخواندش که ^۱ نزدیک گودرز شو
فرستاده ^۴ با ده سوار دگر ^۵ ، دمان ^۶ تا سراپرده ^۷ پهلوان ^۷ سوی پهلوان سپه کس دوید ^۸ همان چون ز پرده درآمد جوان ^۹ ، به گش کرد و سر ^{۱۰} پیش بنهاد پست بدآغوش ^{۱۱} تنگ اندرآورد زود ز گردان و از شاه ^{۱۳} و از ^{۱۳} کشورش بیاورد و بگزارد پیغام خویش به گودرز گفت آنچه ^{۱۶} در نامه بود ^{۱۷} همه نامداران فروماندند ^{۱۹} نمودن ^{۲۲} بدو راه و پیوند خوب چه آورد و ز پند نیکو چه داد ^{۲۳} که ای پور سالار ^{۲۴} فرخ جوان، پس این ^{۲۵} پاسخ نامه بآیدت جُست	چو روین برفت از درِ نامور ^۳ بیامد خردمندِ روشن روان چو روین پیران به درگه رسید فرستاده را خواند پس پهلوان بیامد، چو گودرز را دید، دست سپهدار برجست و او را چو دود ز پیران بپرسید و از ^{۱۲} لشکرش خردمند روین سبک ^{۱۴} نامه پیش دبیر آمد و نامه برخواند زود ^{۱۵} چو نامه به گودرز برخواندند ^{۱۸} ز بس چرب ^{۲۰} گفتار و ز ^{۲۱} پند خوب خردمند پیران که در نامه یاد به روین چنین گفت پس پهلوان تو مهمان ما بود باید نخست سراپرده‌یی نو بپرداختند
نشستن گهی ^{۲۶} خسروی ساختند	

۱- ل: بدو گفت ۲- ق (نیز ق، ل، ب): بسیار ۳- س (نیز ل): نامدار؛ ق (نیز ب): پهلوان ۴- ل: خردمند؛
متن ← ۵- س (نیز ل): فرستاد با او دگر (لی: با نامور) ده سوار؛ ق: دمان از پس پرده آمد جوان؛ (ب: همی چون نبرده درآمد جوان)؛
متن = ف، ل، آ، س (نیز لن، ق، ل، آ): در ق، ب بیتهای ۱۱۹۳-۱۱۹۶ درهم ریخته اند: ۱۱۹۳+آ ۱۱۹۶+ب، ۱۱۹۴+آ ۱۱۹۶+ب، ۱۱۹۵،
۱۱۹۴+آ ۱۱۹۳+ب (ق ۱۱۹۴+ب و ۱۱۹۶+آ را ندارد) ۶- س (نیز ق): دوان ۷- ف: تا پس پرده پهلوان؛ متن = ل، س، ل، آ، س (نیز لن، ق، ل، ب، و، ل، آ): ق (نیز ب): فرستاده با ده سوار جوان ۸- ق (نیز ب): سپه برکشید؛ ل: سپه کش کشید؛ س: سپه کس
کشید؛ س (نیز لن، ب، و، ل، آ): بیتهای ۱۱۹۵ و ۱۱۹۶ را ندارند ۹- ل (نیز ب): دمان از پس پرده آمد جوان؛ س: همان خوب زاده درآمد
دوان؛ متن = ف، ل (نیز ق، ل، آ) ۱۰- ق: کرده در ۱۱- ل، ل، س، ل، آ، س (نیز لن-ب): باغوش؛ متن = ف؛ ق بیتهای ۱۱۹۸ و
۱۱۹۹ را ندارد ۱۲- ف، ل، ل، آ، س (نیز ل، ب، ل، آ): وز؛ متن = س (نیز لن، ق، ل، ب، و، آ) ۱۳- ل، ل، ل، آ، س (نیز ل، ب،
ل، آ): وز؛ متن = ف، س (نیز لن، ق، ل، ب، و، آ) ۱۴- ل: خردمند پیران (!) پس آن؛ س، ل، آ، س (نیز لن، و، ل، آ): نزد (و: سبک)
دست روین سبک (لن، و، ل، آ: پس آن)؛ متن = ف، ق (نیز ق، ل، ب، آ، ب) ۱۵- ق (نیز ب): برخواندند ۱۶- ل: آنچه
۱۷- ق (نیز ب): همه نامداران فروماندند (= ۱۲۰۲+ب)؛ س (نیز لن، ل، آ): بیتهای ۱۲۰۱ و ۱۲۰۲ را ندارند ۱۸- ق (نیز ب):
بگودرز گفت آنچه در نامه بود (= ۱۲۰۱+ب) ۱۹- ف: غمی مانند؛ ل، آ، س (نیز ق، ب، و): عجب مانند؛ ق (نیز ب): چون نامه
بگودرز برخوانده بود (ب: برخواند زود)؛ (لی، آ: همه پهلوانان فروماندند)؛ متن = ل ۲۰- ف، س، ل (نیز لن، ل، آ، و، ل، آ، ب): خوب؛
متن = ل، ق (نیز ق، ل، ب، آ) ۲۱- س: و بس ۲۲- ق: نموده ۲۳- ق (نیز ل) این بیت را ندارند ۲۴- ل، س (نیز لن،
ل، آ، ب): سالار و؛ متن = ف، ق، ل، آ، س (نیز ق، ل، ب، و) ۲۵- ل: آن ۲۶- ل، س (نیز لن، ق، آ، ب): نشستن گه؛
متن = ف (نیز ل-ل، آ)

به دیبای رومی بیاراستند
 به یک هفته گودرز با رود و می
 ۱۲۱۰ ز بالا چو^۳ خورشید گیتی فروز
 می و رود و مجلس بیاراستی
 چو یک هفته بگذاشت^۵، هشتم پگاه
 بفرمود تا نامه پاسخ نبشت^۷
 خورشها و رامشگران خواستند^۱
 همی نامه را پاسخ افکند پی
 بگشتی، سپهد گه نیمروز،
 فرستاده را پیش درخواستی^۴
 نیسنده^۶ را خواند سالار شاه
 درختی ز کینه به نوی^۸ بکشت

گفتار اندر پاسخ نبستن گودرز نامه ی پیران و یسه را^۹

سر نامه کرد آفرین از نخست^{۱۰}
 ۱۲۱۵ که^{۱۳} برخواندم این نامه را سربسر
 رسانید رویین بر ما^{۱۵} پیام
 ولیکن شگفت آید از^{۱۷} کار تو
 دلت با زبان هیچ همسایه نیست
 به هر جای^{۲۰} چربی^{۲۱} به کار آوری
 ۱۲۲۰ کسی را که از بُن نباشد^{۲۳} خرد
 چو^{۲۴} شوره زمینی که از دور آب
 ولیکن نه گاه^{۲۶} فریست و بند
 دگر پاسخ آورد یک یک^{۱۱} درست^{۱۲}
 شنیدیم^{۱۴} گفتار تو در بدر
 یکایک همه هرچه^{۱۶} بردی تو نام
 مرا^{۱۸} زین چُنین چرب^{۱۹} گفتار تو
 روان ترا از خرد مایه نیست
 چُنین بر سخُن بر نگار^{۲۲} آوری
 گمان بر تو بر مهربانی برد
 نماید، چو تابد برو^{۲۵} آفتاب
 که^{۲۷} هنگام گرز و سِنان^{۲۸} و کمند

۱- ل (نیزلی، لن، آ، ب) پس از این بیت افزوده اند:

پراندیشه گشته دل پهلوان
 همی پاسخ نامه آراستند
 ۲- س: دگر؛ (لن، ق، آ، ب، و، لن؛ یکی)؛ متن = ف، ل، ق، ل، س، آ (نیزلی، ل، آ، ب) ۳- ق: ز بالای ۴- ل، س، آ (نیزلن - ب)؛ خود خواستی؛ متن = ف ۵- ل، س، آ (نیزلن - ب)؛ بگذشت؛ متن = ف ۶- ل، س، ق، س، آ (نیزلن، ق، آ، ل، و، لن، آ، ب)؛ نویسنده؛ متن = ف، ل، آ (نیزب) ۷- ل، س، آ (نیزلن، ل، لن، آ، ب)؛ نوشت؛ متن = ف، ق، ل، آ (نیزق، آ) ۸- ل: بنوی بکینه؛ ق (نیزق، آ، و)؛ بنوی ز کینه؛ (ل، آ: بکینه ز نوی)؛ متن = ف، س، ل، آ، س، آ (نیزلن، ل، آ، ب، لن، آ، ب) پس از تصحیح نوی به نوی ۹- ف: گفتار اندر پاسخ نبستن گودرز نامه پیران و یسه و خلعت دادن رویین و گسی کردن او را بنزدیک پدر و انجمن ساختن؛ ل، ق، ل، آ، س، آ؛ پاسخ نامه پیران (ل: پیران و یسه) از گودرز (ق: و مراجعت رویین؛ ل: بدست رویین)؛ متن = آغاز ف ۱۰- (ق: آفرین خدای) ۱۱- ل: یکسر؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س، آ (نیزلن - ب) ۱۲- (ق: بجای) ۱۳- س: چو ۱۴- س: شنیدم ز ۱۵- ل: بجابر ۱۶- ل، س: هرچ ۱۷- ل (نیزق، آ): آیدم ۱۸- ل: همی ۱۹- ف، س، ق، ل، آ، س، آ (نیزلن - ب، لن، آ): خوب؛ متن = ل (نیزآ، ب) ۲۰- س (نیزلن، ب، لن، آ، ب)؛ کار؛ متن = ف، ل، ق، ل، آ، س، آ (نیزق، آ، ل، و)؛ خوبی؛ متن = ف، ل، آ، س، آ (نیزلن، ل، ب، لن، آ، ب)؛ (و: سخنهای همچون نگار)؛ متن = ف، ل، آ، س، آ (نیزق، آ، ل، و، آ) ۲۳- ق: کسی را بکو کوندارد (!) ۲۴- ل: ز ۲۵- ق: بدو ۲۶- ف (نیزلن، ل، لن، آ، ب)؛ کار؛ ق: وقت؛ متن = ل، س (نخست کار داشته است)، ل، آ، س، آ (نیزق، آ، ل، ب، و) ۲۷- ف، س، ق (نیزلی، لن، آ): نه؛ (لن، ق) نقطه نداشتند؛ ل، پ، ب، به؛ متن = ل، ل، آ، س، آ (نیزو) ۲۸- ل: گزست و تیغ؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س، آ (نیزلن - ب)

<p>گه پاسخ و روزا^۱ گفتار نیست - نه جای فریبست و پیوند و مهر-، که را بردهد بختِ پیروز هور^۵، خرد یار^۷ کن، بخت را پیشرو! ز یزدان^{۱۱} و از^{۱۲} گردش رستخیز^{۱۳}، دلم گشت ازین کار بیداد^{۱۷} تنگ بدانگه که^{۱۸} این گفته بر لب^{۱۹} گماشت^{۲۰} ترا پیش دستی نبودى به خون نبودى به خون ریختن هیچ سست^{۲۲} از^{۲۳} ایران هشیوار گردان^{۲۴} نیو ز کشور دمان^{۲۵} تا در^{۲۶} کشوری سپه را تو برگندی^{۲۷} از جای خویش به فرجامت^{۳۰} آرام بیش^{۳۱} آمدی ترا بگذراند ز^{۳۲} راه خرد به مهر بد این گوهر^{۳۴} اندر خورست چه آمد ز تور از پی تاج و تخت</p>	<p>مرا با تو جز کین و پیگار نیست نگر تا چه سان گردد اکنون^۲ سپهر، که را^۳ داد خواهد جهاندار زور^۴، ولیکن برین^۶ گفته پاسخ شنو نخست آنک^۸ گفتی: من^۹ از مهر تیز^{۱۰} نخواهم^{۱۴} که آید مرا^{۱۵} پیش^{۱۶} جنگ دلت با زبان آشنایی نداشت که گر داد بودى به دلت اندرون کز آغاز^{۲۱} کار اندر آمد نخست نخستین که آمد به پیش تو گيو بسازیده مر جنگ را لشکری تو کردى همه جنگ را دست پیش خرد کز^{۲۸} پس آمد ز^{۲۹} پیش آمدی ولیکن سرشت بد و خوی بد بدى خود بدین^{۳۳} تخمه در گوهرست شنیدی که بر ایرج نیک بخت</p>
---	---

۱- ق (نیزب): که پاسخ شنیدی و ۲- ق: بین تا چه سان گردد امر ۳- س: اگر ۴- ق: روز ۵- ف، ل (نیزق): بخت پیروز و هور؛ س (نیزلن): بخت بیدار هور؛ ق: بخت نیکی فروز؛ (لن، پ: بخت بیدار و هور)؛ متن = لن، س (نیزی، ل، آ، ب) ۶- ل، ق (نیزق، ل، آ، ب): بدین؛ س (نیزلن، پ، لن): ازین؛ متن = ف، ل، آ، س (نیزو) ۷- ق (نیزق، ل، ی، و، لن، آ، ب): یاد؛ متن = ف، ل، س، ل، آ، س (نیزلن، ل، آ، پ، و) ۸- ل: آنکه ۹- ل: که؛ ق: تو ۱۰- ل: سر (نقطه ندارد)؛ ق (نیزل، ل، ی، و، لن، آ): نیز؛ (ل: از کردگار)؛ متن = ف، س، س (نیزلن، ق، آ، پ، ب) ۱۱- (لن: گردان) ۱۲- ف، ل، ق، ل، آ، س: وز؛ متن = س ۱۳- (ل: روزگار) ۱۴- س: نخواهد ۱۵- (ق: ترا) ۱۶- ق: که باشد مرا نیز ۱۷- س (نیزق): بیکار؛ (لن، پ، لن، آ: تاریک)؛ متن = ف، ل، ق، ل، آ، س (نیزی، ل، آ، و، آ، ب) ۱۸- (ل، آ، ب: کت) ۱۹- ل، س، ق (نیزلن، ل، ی، ب): دل؛ متن = ف، ل، آ، س (نیزق) ۲۰- ق (نیزق): گذاشت؛ متن = ف، ل، س، ل، آ، س (نیزلن، ل، ی، ب) ۲۱- ل: که ز آغاز ۲۲- (ق: ایچ سست؛ ل: دست شست)؛ ف، ل، آ، س: تو کردی بخون ریختن (ل: برین کینه بر) پیش دست (پساوند ندارند)؛ متن = ل (نیزآ؛ ← ق، آ، ل، ی): س، ق (نیزلن، ل، آ، پ، و، لن، آ، ب) این بیت را ندارند ۲۳- ف: ز؛ ل، آ، س: وز؛ متن = ل ۲۴- ل (نیزق): مردان؛ س: گردان هشیار؛ متن = ف، ل، آ، و، آ، ب): س (نیزلن، پ، لن): بزرگان هشیار و گردان؛ ق بیتهای ۱۲۳۲ و ۱۲۳۳ را ندارد ۲۵- س: دوان ۲۶- ل، س، س (نیزلن، ق، آ، ل، آ، پ، و، لن، آ، ب): دگر؛ متن = ف، ل (نیزی، آ) ۲۷- س (نیزلن): بر کردی؛ ل بیتهای ۱۲۳۴-۱۲۳۶ را ندارد ۲۸- ل: از؛ ق (نیزلن، ل، آ، و، لن، آ): گر؛ متن = ف، س، س (نیزپ، ب) ۲۹- ل، ق (نیزل، ل، آ، لن): تو؛ (ب: چو؛ و: آمدت)؛ متن = ف، س، س (نیزلن، پ)؛ (ق، آ، ل، ی، آ: خرد گرت فرجام) ۳۰- ل، ق، س (نیزلن، ل، آ): بفرجام؛ (ل، آ: سرانجامت؛ و: بفرجام و)؛ متن = ف، س (نیزق، آ، پ، لن، آ، ب) ۳۱- ق (نیزل، آ، و): خویش ۳۲- ل، ق (نیزل، آ، و): به؛ متن = ف، س، س (نیزلن، ل، ی، پ، لن، آ، ب) ۳۳- ل، س (نیزق): بدان؛ ق: در آن؛ (لن، پ، ب: درین؛ ل، آ: از آن)؛ متن = ف، ل، آ، س (نیزل، آ، و، لن) ۳۴- س: آن تخمه؛ س: آن گوهر؛ ل: آن تخمه؛ ل، ق (نیزق): بید کردن آن تخمه (ق: دوده)؛ متن = ف (نیزلن، ل، ی، ب)

<p>سراسر بگسترد بیداد و کین گشادی بریشان به نفرین^۳ دو لب همش مهر دل بود و هم پرورش^۴ از آن نامداران اندک خرد همیدون ابا نوزر و کیقباد برآورد از ایران آباد گرد فگند این چنین کینه نو دراز^{۱۳} که بر^{۱۴} بی گنه جان شیرین بداد از ایران شدند اندرین کین تباه^{۱۶} به خون ریختن کس نبندد^{۱۹} کمر به هر کار دیده فراز و نشیب، بدان داد با^{۲۰} بخت^{۲۱} گردن فراز، ز کینه برآرم به خورشید گرد ز تن^{۲۴} بگسلاند مگر^{۲۵} جان من،</p>	<p>چُن^۱ از تور و سلم اندرآمد^۲ زمین فریدون که از درد دل روز و شب به یاری دادار نیکی دهش بدافراسیاب^۵ آمد آن^۶ مهر^۷ بد ز سر با^۸ منوچهر نو کین نهاد به کاوس خود کرد نیز آنک^۹ کرد ۱۲۴۵ و زانپس^{۱۰} به خون^{۱۱} سیاوخش^{۱۲} باز نیامد بدانگه ترا داد یاد چه مایه بزرگان که از تخت و گاه^{۱۵} و دیگر که^{۱۷} گفتی که با^{۱۸} پیرسر بدان ای جهاندیده ی پُرفریب ۱۲۵۰ که یزدان مرا زندگانی دراز که بر شهر توران^{۲۲} به روز نبرد بترسم همی زآنک^{۲۳} یزدان من</p>
---	--

۱- ل، س، ل^۲ (نیز ق^۲)؛ (و)؛ چو؛ ق؛ چه؛ (لن، پ، ل^۲؛ بد؛ ب؛ که)؛ متن = ف، س^۱ ۲- ق (نیز لن، پ، ل^۲)؛ آمد اندر؛ ل^۲، س^۲ (نیز ب)؛ اندر ایران؛ متن = ف، ل، س (نیز ق^۲، ل^۲، و) ۳- ل (نیز ل^۲)؛ گشادی (ل، آ؛ گشودی) بنفرین ایشان؛ س (نیز لن، پ، ل^۲)؛ بنفرین گشادی بر ایشان؛ (ل^۲، ب؛ گشادی بنفرین بر ایشان؛ و؛ گشادی بدشنام و نفرین)؛ متن = ف، ق، ل^۲، س^۲ (نیز ق^۲) ۴- ل، س، ق (نیز لن، ق^۲، ل^۲، پ، و، ل^۲) این بیت را ندارند و در ترجمه بنداری هم نیست؛ متن = ف، ل^۲، س^۲ (نیز ل^۲، آ، ب)؛ بنداری (۱۲۳۷-۱۲۴۵)؛ و لیس بمستنکر منک ذلک فإنکم جبلتم علی طباع الشرمن عهد تورین افریدون القاطع رحم أخیه ایرج. وقد ظهرت آثار تلک الطبیعة علی أفراسیاب من آیام نوزرین منوچهر فإنه أباح دمه. ثم ارتکب فی آیام کیقباد من العظام ما ارتکب، و هلم جرا الی آیام الملک کیکاوس الی تعاطی فیها ما عرف و اشتهر من تخرب البلاد الاثرانیة، و قتل رجالها، و استباحة أموالها، و ما ختم به آخر الأمر من قتل سیاوخش الذی أورث هذا الحظب العظیم ۵- ل، س، ق (نیز لن، پ، ل^۲، آ، ب)؛ بفراسیاب؛ س^۲ (نیز و)؛ بر افراسیاب؛ متن = ف، ل^۲ ۶- ف؛ اندر از (!)؛ س، ل^۲ (نیز ل^۲، پ، و)؛ آمد این؛ (لن، آ، ب؛ آمد از)؛ متن = ل، ق، س^۲ (نیز لن، ق^۲، ل^۲)، آ ۷- س، ق؛ خوی؛ (ل، آ؛ نام)؛ متن = ف، ل، ل^۲، س^۲ (نیز لن، ق^۲، ل^۲، پ، و، لن، آ، ب) ۸- ف (نیز ق^۲، ل^۲)؛ تا؛ ل، ل^۲، س^۲؛ نا (نقطه ندارد)؛ س (نیز لن، پ، ل^۲)؛ پس؛ متن = ق (نیز و، آ) ۹- (و؛ آنچه)؛ س^۲؛ او آنچه؛ ق؛ همچنان کار؛ ل، س (نیز لن، پ، ل^۲)؛ بکاوس کی کرد خود آنچه (پ، لن^۲؛ آنچه)؛ ل^۲ (نیز ب)؛ بکاوس بر (ب؛ بد) کرد نیز آنچه؛ (ق^۲، ل^۲)؛ آ؛ بکاوس کی نیز کرد آنچه)؛ متن = ف ۱۰- ل، ق؛ از آنپس ۱۱- ل (نیز ب)؛ کین ۱۲- ل، س، ق (نیز ل^۲، لن^۲)؛ سیاوش؛ (لن، ل^۲)؛ پ؛ سیاوش)؛ متن = ف، ل^۲، س^۲ (نیز ق^۲، و، آ، ب، بنداری) ۱۳- ل^۲، س^۲؛ فراز؛ (و؛ کینه دیرباز)؛ ف؛ چنین نودر کین و آرز؛ س (نیز لن، پ، ل^۲)؛ فکندی چنین کینه بر (س؛ بس) دراز؛ متن = ل، ق (نیز ق^۲، ل^۲، آ، ب) ۱۴- ل، ف (نیز ق^۲، ل^۲)؛ که او؛ ل^۲؛ که این؛ س^۲ (نیز ب)؛ که آن؛ متن = س (نیز لن، پ، و، لن^۲)؛ ق این بیت را ندارد ۱۵- س (نیز لن، پ، ل^۲)؛ بزرگان با تاج و تخت ۱۶- ق؛ برین کینه بر شد تباه؛ س (نیز لن، پ، ل^۲)؛ کز ایران شدند اندرین کین ز (س؛ شدند نگونسار) بخت ۱۷- ق؛ همان نیز ۱۸- س^۲؛ ابا ۱۹- س (نیز لن، پ، ل^۲)؛ چند بندی ۲۰- ف، ق (نیز ب)؛ تا؛ س، س^۲؛ نا (نقطه ندارد)؛ متن = ل، ل^۲ (نیز لن، پ، ل^۲)، آ ۲۱- ل^۲؛ اسب (!)؛ س^۲؛ تاج (!) ۲۲- ل، س، ل^۲، س^۲ (نیز ق^۲، ب)؛ که از شهر توران (ل؛ ترکان)؛ ق (نیز ل^۲)؛ که تا گاه کینه؛ (ل^۲؛ که تا من ز توران)؛ متن = ف (نیز لن، پ، ل^۲) ۲۳- س (نیز لن، پ، ل^۲)؛ من ز (ب؛ که) ۲۴- ل^۲، س^۲؛ من ۲۵- ل^۲، س^۲ (نیز ل^۲، آ، ب)؛ همی

بروبومشان ناسپرده به پای ^۱ نبیم به دلت اندرون ^۳ ترس ^۴ و باک، گرفتار گرده به فرجام تن اگر بازگردم ز پیگار تو، بپرسد ازین گردش روزگار، ترا دادم و زور و فرزاندگی، نسبتی چرا پیش ^{۱۰} ایرانیان؟ بپرسد ز من داور دادگر، چه گویم چرا بازگشتم ز کین؟ که افگندی ای پیر سالار ^{۱۳} ، نشاید ستد زنده را ^{۱۵} جان پاک به دل در ^{۱۷} ز هرگونه آزارها ^{۱۸} ، چه مایه کیان را ^{۱۹} بیازرده اید، همیشه به سوی بدی تاختن ^{۲۱} ، که نیکی سراسر بدی گاشتی ^{۲۴} ؟ ز توران سران را گروگان کنم، ببندیم بر خویشان راه رنج که فرمان جزین ست ^{۲۶} ما را زشاه به کین سیاوخش ^{۲۸} خون ریختن ^{۲۹}	من این کینه را ناوریده به جای سدیگر که گفتی: ز ^۲ یزدان پاک ندانی کزین خیره خون ریختن من اکنون بدین چرب ^۶ گفتار تو به هنگام پرسش ز من کردگار که ^۷ سالاری و گنج ^۸ و مردانگی به کین سیاوش کمر بر میان به هفتاد خون ^۹ گرامی پسر ز ^{۱۱} پاسخ به پیش جهان آفرین ز کار سیاوش چهارم ^{۱۲} سخن که ^{۱۴} گفتی: ز بهر تنی گشته خاک تو بشناس کین زشت ^{۱۶} کردارها که با شهر ایران شما کرده اید چه پیمان شکستن، چه کین ساختن ^{۲۰} چو یاد آید آن ^{۲۲} ، چون کنم ^{۲۳} آشتی به پنجم که گفتی که پیمان کنم بنزدیک خسرو فرستیم گنج بدان ای نگهدار ^{۲۵} توران سپاه مرا جنگ فرمود و آویختن ^{۲۷}
	۱۲۵۵
	۱۲۶۰
	۱۲۶۵
	۱۲۷۰

۱- س بیتهای ۱۲۵۳، ۱۲۵۶، ۱۲۵۸ را ندارد، ولی آنها را به خطی دیگر در میان ستون‌ها افزوده‌اند ۲- ل (نیزب): که ۳- س (نیز ل، پ، ل، ن): بجات درون؛ ل، آ، س: بدل اندرون؛ متن = ف، ل، ق (نیزق، ل، ی، ل، آ، ب) ۴- ل: بیم ۵- ل: کردی ۶- ل، ل، آ، س (نیزلن، پ، ل، ن، آ، ب): خوب؛ متن = ف، ق ۷- س: ز ۸- (لن، پ، لن: زور) ۹- ل: [و]؛ (لن، پ، لن: گنج و) ۱۰- ل، آ، س: بسستی و برخون ۱۱- ق، ل، آ، س (نیزق، ل، ی، ل، آ، و): به؛ متن = ف، ل، س (نیزلن، پ، ل، ن، آ، ب) ۱۲- (ق: سیاوخش چارم) ۱۳- س (نیزلن، پ، لن: که ای پیر سالار کردی تو بن) ۱۴- س (نیزلن، پ، ل، ن): تو ۱۵- س: ز زنده ستد ۱۶- س: کان بندو ۱۷- ل، س، ل، آ، س (نیزلن، ل، آ، پ): بر؛ (لن: پر): متن = ف، ق (نیزلی، آ) ۱۸- (لن، پ، لن: بازارها؛ ل، آ: گفتارها): متن = ف، س (نیزل^۲) ۱۹- ق: ز ایران؛ ل: بزرگان؛ متن = ل، س، س (نیزلن-ب): ف این بیت را ندارد ۲۰- ل، آ، س (نیزو، لن، آ، ب): آختن؛ متن = ف، ل، س، ق (نیزلن، ل، پ، آ) ۲۱- ق، س، آ: آختن (س آساوند ندارد) ۲۲- ل: آورم؛ ل، آ، س (نیزق، ل، ی): آیدم؛ (آ: آید این؛ ب: آمدم)؛ متن = ف، س (نیزلن، ل، آ، پ، و، لن): کنیم؛ (نیزب): ۲۳- ف (نیزب): ۲۴- (لن، پ، و، لن) ۲۵- ل، س، ل، آ، پ، لن، آ، ب: داشتی؛ ق، ل، ی، آ: بد انگاشتی؛ ل: که یکسر بدی نیکی انگاشتی؛ متن = ف، س: کاشتی ۲۵- ل، س (نیزلن، ق، آ، پ، و، لن، آ، ب): نگهبان؛ (ل، آ: سپهدار): متن = ف، ق، ل، آ، س (نیزل^۲) ۲۶- س (نیزلن، ق، آ، پ، لن): چنین است؛ (ل، ی): جزین نیست؛ متن = ف، ل، ق، ل، آ، س (نیزو، آ، ب) ۲۷- س: و خون ریختن ۲۸- ل، س (نیزل^۲، لن): سیاوش؛ (لن، ل، ی، پ: سیاوش): متن = ف (نیزق، آ، و، آ، ب) ۲۹- س: برآویختن

چو فرمان خسرو نیارم به جای
 وراومید^۲ داری که خسرو به^۳ مهر
 گروگان و این^۴ خواسته هرچه^۵ هست^۶
 گسی کن به زودی^۱ بنزدیک شاه
 ششم شهر ایران^{۱۱} که کردی تو یاد^{۱۲} ۱۲۷۵
 سپاریم گفتی به خسرو همه
 ترا کرد یزدان ازین^{۱۵} بی نیاز
 سُوی باختر تا به مرز خزر
 سُوی نیمروز اندرون تا به سَند ۱۲۸۰
 تَهَم نیورستم ابا^{۱۹} تیغ تیز
 سر هندوان با درفش سیاه
 دهستان و خوارزم و آن بوم و بر^{۲۱}
 بیابان ازیشان برداختند
 بارید بر شیده آشکش^{۲۳} تگرگ ۱۲۸۵
 اسیران و از^{۲۴} خواسته چند چیز
 و زین سو^{۲۶} من و تو به جنگ اندریم

روان شرم دارد ز گیتی خدای^۱
 گشاید برین^۴ گفت های^۵ تو چهره،
 چو لَهاک و رویین خسرو پرست^۹،
 سُوی شهر ایران گشاده ست راه
 برو بوم آباد و فرخ نهاد^{۱۳}،
 بر خویش خوانم یکایک^{۱۴} رمه
 گر آگه شوی^{۱۶} تا گشاییم^{۱۷} راز:
 همه گشت هراسپ را سربسر
 جهان^{۱۸} شد بکردار رومی پرتند
 بر آورد ازیشان دم^{۲۰} رستخیز
 فرستاد رستم بنزدیک شاه
 که ترکان بر آورده بودند سر،
 کزان سو همی^{۲۲} تاختن ساختند
 فراز آوریدش بنزدیک مرگ
 فرستاد نزدیک خسرو بنیر^{۲۵}
 بدین^{۲۷} مرکز^{۲۸} نام و ننگ اندریم

۱- ل (نیزلی، ل، و، آ): بدیگر سرای؛ س (نیزلن، ق، آ، پ، ل، ن): ز کیهان خدای؛ متن = ف، ق، ل، آ، س (نیزب) ۲- س، ق، ل، آ، س (نیزلن - ب): امید؛ متن = ف، ل، ۳- ق: ز ۴- س، ق (نیزلن، ل، ی - ب): بدین؛ متن = ف، ل، آ، س (نیزق) ۵- ل (نیزق): گفتا بر؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س (نیزلن، ل، ی - ب): گفت های (= گفته های؟) ۶- س، ق: و آن ۷- ل: هرچ ۸- س: کرد (نخست بود داشته است) ۹- س: چورویین و لهاک و فرشیدورد ۱۰- ل، آ، س: چو گفتی؛ س: کسی کوفستی (گسی کن...); متن = ف، ل، ق (نیزلن - ب) ۱۱- س (نیزلن، پ، ل، ن): شهرهایی؛ (ق): شنیدم از ایران؛ متن ← ۱۲- ل، آ، س: ششم آنک کردی ز ایران تو یاد؛ متن = ف، ل، ق (نیزلی، ل، آ، و، آ، ب): بنداری؛ و ما ذکرت من تسلیم البلاد والإفراج عنها لعبيد الملک فقد أراحک الله من ذلک ۱۳- س (نیزلی، ل، آ، پ، و، آ، ب): آباد فرخ نهاد؛ ق: آزاد فرخ نژاد؛ ل: آباد خسرو نهاد؛ ل: برو بوم آباد فرخ نژاد؛ متن = ف، س (نیزلن، ق، آ، ل، ن) ۱۴- (ل): سراسر؛ ل، آ: زهر سو؛ و: خوانم یک یک؛ ل: زهر سو بر خویش خوانم؛ (ب): بخوانم بر خویش یک یک؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س (نیزلن، ق، آ، پ، ل، ن) ۱۵- ل: از آن ۱۶- ل - س (نیزلن - ب): نه؛ متن = ف ۱۷- ل، آ، س (نیزلی، آ، ب): تا گشاییم؛ (و): ما گشاییم؛ متن = ف، ل، س، ق (نیزلن، ق، آ، ل، پ، ل، ن) ۱۸- ل: همی؛ س: همه ۱۹- ل، س، ق (نیزلن، ل، آ): همان (س، ل، ن، پ، و، ل، ن: تهم) رستم نیوبا (ل: از)؛ ل، آ، س (نیزق، آ، ب): گرفتست رستم بدان؛ متن = ف ۲۰- ل، آ، س: همه ۲۱- ل: بوم بر؛ ف پس از بیت ۱۲۸۳ (بجای بیت ۱۲۸۵) افزوده است:

ز شیده به تیغ اشکش تیزهوش
ببرد آن زمین گیتی آمد بجوش

۲۲- ل: سوی باختر؛ س (نیزلن، پ، و، ل، ن، آ، ب): که از هر سوی؛ (ق): کزان سر همی؛ ل: کزانسان همی؛ متن = ف، ق، ل، آ، س (نیزل، آ، آ) ۲۳- س، ق (نیزق، آ، و، بنسنداری): اشکس؛ (آ): اسکس؛ ف این بیت را ندارد و بجای آن بیت ۱۲۸۳ پ را افزوده است؛ درلن از بیت ۱۲۸۵ تا ۱۴۷۵ افتاده است؛ بنداری؛ و آن اشکس کسر شیده بن افراسیاب حتی لم یفلت منه إلا بجریعة الذقن، وأنه تغلب علی خوارزم و دهستان و ما والا هما ۲۴- ف، ل، ق، ل، آ، س: و؛ متن = س ۲۵- (ل): مزیز (!)؛ ب: خسروش نیز؛ ل: خسرو او نیز (!)؛ س (نیزب، ل، ن): فرستاد و آن خواسته جمله نیز؛ متن = ف، ل، آ، س (نیزق، آ، ل، و، آ)؛ ق این بیت را ندارد ۲۶- ق: پس ۲۷- ل - س (نیزق، آ، ب): بدین؛ متن = ف ۲۸- (ل، آ، ب): مرزبا

<p>ازین^۳ نامداران و شیران^۴ گرد رهانم ترا زین همه گفت و گوی^۶ به خون غرقه گردانم این رزمگاه نگه کن بدین^۷ گردش هور و ماه سر بختِ ترکان به گاز آمده ست چه آرد جهان آفرین بر سرت مکافات بد را بد آمد^۹ پدید^{۱۰} حدیث از^{۱۲} خردمند مردم نبوش سوارانِ شمشیرزن صد هزار، بد افسون^{۱۵} نگردند ازین^{۱۶} رزمگاه فگندن^{۱۸} وفا را به سوگند بُن خرد را روانت خریدار نیست وفا را به فرجام هم بشکنی^{۲۰} به گفتار کس بر تو^{۲۱} امین مباد! چه مایه به سختی ترا یاد کرد از آن تو بیشتر و^{۲۳} مردی و بخت، ولیکن دلم را ز مهرست رنج به جنگ آزمودی مرا بی گمان تو دانی کنون، بازم از نو^{۲۵} ببین!</p>	<p>به یک چند^۱ دیدی مگر^۲ دستبرد اره^۵ ایدونک روی اندر آری به روی به نیروی یزدان و فرمان شاه تو ای نامور پهلوان سپاه که بند سپهری فراز آمده ست نگر تا ز^۸ کردار بدگوهرت زمانه ز بد دامن اندر کشید تو بندیش هُشیار^{۱۱} و بگشای گوش بدان کین چُنین^{۱۳} لشکر نامدار^{۱۴} همه نام جوی و همه کینه خواه زمانه بر آمد^{۱۷} - به هفتم سَخُن - به پیمان مرا با تو گفتار نیست ازیرا که با هر که^{۱۹} پیمان کنی به سوگند تو شد سیاوش به باد نبودیش فریادرس روز درد به هشتم که گفتی: مرا^{۲۲} تاج و تخت همیدون فروزم به مردان^{۲۴} و گنج من ایدون گمانم که تا این زمان گرم بی هنر یافتی روز کین</p>
---	---

۱- ل (نیزلی، ل۳): جنگ؛ (آ: رزم)؛ متن = ف، س، ل، آ، س^۲ (نیزق، آ، پ، ل، آ، ب) ۲- ل (نیزلی، آ): همه؛ س (نیزل، آ، پ، ل، ن): زمن؛ متن = ف، ل، آ، س^۲ (نیزق، آ، ب) ۳- س: وزین ۴- ل (نیزلی، ل، آ، آ): مردان؛ متن = ف، س، ل، آ، س^۲ (نیزق، آ، پ، ل، ن، آ، ب)؛ ق بیتهای ۱۲۸۸-۱۲۹۰ را ندارد ۵- ل، ل، س، ل، آ، س^۲ (نیزق، آ، لی، ل، آ، آ، ب): ور؛ (پ، و، ل، ن، آ: گسر)؛ متن = ف ۶- ل: گفت گوی ۷- س: برین ۸- ل: به ۹- ل: آید ۱۰- س (نیزلی): کلید ۱۱- س (نیزپ، ل، ن): بسیار؛ ق: توبشنو هشیوار؛ (ق): بیندیش هشیار؛ ل: براندیش هشیار؛ و: براندیش و بشتاب؛ ب: توبندیش و بشناس)؛ متن = ف، ل، آ، س^۲ (نیزلی، آ) ۱۲- س، ل، آ، س^۲ (نیزو): حدیث (؟)؛ (پ، ل، ن، آ: سخن از)؛ متن = ف، ل، ق (نیزق، آ، لی، ل، آ، آ، ب): حدیث از (؟)؛ بیت (۹۵۵) ۱۳- س: بدانگه که این ۱۴- ل، ل، آ، س^۲: بیشمار ۱۵- ل، ل، س^۲ (نیزق، آ، ب): بافسون؛ متن = ف ۱۶- س: زین ۱۷- (ق): زما خود برآمد؛ ل: دگر آنک گفتی (۱۸- ل، ل، آ، س^۲ (نیزق، آ): فکندم؛ س (نیزلی، ل، آ، پ، ل، ن، آ، ب): فکندی؛ ق: فکنندند؛ متن = ف (نیزو) ۱۹- ل: ازیراک با هرک؛ س (نیزپ): از ایران (از ایرا) توبا هر که؛ متن = ف، ق، ل، آ، س^۲ (نیزق، آ، لی، ل، آ، آ، ب) ۲۰- س (نیزپ، ل، ن، آ، ب): ویران کنی؛ متن = ف، ل، ق، ل، آ، س^۲ (نیزق، آ، لی، ل، آ، و، آ، ب) ۲۱- ل (نیزل، آ، آ): بر تو کس؛ س، ق (نیزپ، و، ل، ن، آ): تو بر کس؛ (لی: تو خود کس)؛ متن = ف، ل، آ، س^۲ (نیزق، آ، ب) ۲۲- س: سرو ۲۳- ل، س، ق، ل، آ: [و]؛ متن = ف، س^۲ ۲۴- س، س، س^۲ (نیزلی، ل، آ، ل، ن، آ، ب): بمردی؛ (ق): نمودی؛ و: به تیمار)؛ متن = ف، ل، ق، ل، آ ۲۵- ل، ق: از پس؛ س، ل (نیزق، آ): از سر؛ س: باز از سر؛ (ب): دگر بارم از سر)؛ متن = ف

تی چند بگزین ز بهر^۳ نبرد،
 بیارم سواران مردم گُشان^۶،
 نخواهم که بیداد^۷ و کین گسترم
 که دانی^۹ نهان دل و رای^{۱۰} خویش
 که^{۱۱} از یکدگر^{۱۲} بگسلانم سپاه
 که با من بگردد برین^{۱۴} دشت کین
 پُرآزار^{۱۸} ازیشان دلِ انجمن،
 کزیشان بگردم بدین داستان
 باید زدن سربسرا^{۲۱} همگروه
 گر ایدونک پیروزی آید^{۲۲} پدید،
 بیاریم و سازیم^{۲۴} جای نبرد
 من از گفته‌ی خود نیم دلگسل
 بسنده^{۲۶} نخواهی بُدن با سپاه،
 به ژرفی نگهدار پیگار^{۲۷} خویش
 ز خویشان نزدیک و^{۲۸} پیوستگان،
 زمان جُستن اکنون بدین کار تُست
 وگر جنگ خواهی^{۳۳}، بیارای جنگ

به فرجام^۱ گفتی: ز^۲ مردانِ مرد
 من^۴ از لشکر ترک هم زین نشان^۵
 که از مهربانی که بر لشکر
 تو با مهربانان^۸ نهی پای پیش
 ۱۳۱۰ بیازارد از من جهاندارشاه
 و دیگر که^{۱۳} گفتی: مبارز گزین
 یکی لشکری^{۱۵} پُرگنه^{۱۶} پیش^{۱۷} من
 نباشد ز من شاه همداستان
 نخستین^{۱۹} بدانبوه^{۲۰} زخمی چو کوه
 ۱۳۱۵ میان دو لشکر دو صف برکشید
 و گرنه همین^{۲۳} نامدارانِ مرد
 ازین گفته گر بگسلی باز دل
 و ر ایدونک با من بدآوردگاه^{۲۵}
 سپه خواه و یاور ز سالار خویش
 ۱۳۲۰ پراکنده از لشکرت خستگان
 بمان^{۲۹} تا شوند از^{۳۰} بزشکان^{۳۱} درست
 ترا، چند خواهی^{۳۲}، زمان و درنگ

۱- (ل: نیم آنچه) ۲- ق: که ۳- س، ل (نیز ل، ب): به (ب: تو) روز ۴- س: هم ۵- س: شمار ۶- س: گه کارزار؛ ل، آ، س (نیزی، ب-ب): گردنکشان؛ متن = ف، ل، ق (نیز ق، ل، آ) ۷- ل، س، س (نیزی، ل، آ، ب، ل، آ): [و؛ ل (نیز ب): به بیداد؛ متن = ف، ق (نیز آ)؛ در ق این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۸- س، س، س (نیز ق، ل، و، ل، آ، ب): مهربانی؛ (ب: گر مهربانی)؛ متن = ف، ل، ق، ل (نیز ل، آ) ۹- (ق: نمایی)؛ متن ← ۱۰- س: راز؛ ل، ق: که دانی دل و رای بیسای (ق: و بنیاد)؛ متن = ف، ل، آ، س (نیزی، ب) ۱۱- ل (نیزی، ل، آ، ب، و، آ): گر؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س (نیز ق، ل، آ، ب) ۱۲- س (نیز ب، ل، آ): همدگر ۱۳- ل (نیزی، آ): نیم آنک؛ ق: ابا آنک؛ (ل: دهم آنک)؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیز ق، ل، آ، ب، و، ل، آ، ب) ۱۴- س، ق (نیزی، ل، آ، ب): بدین ۱۵- ف، س (نیز ب، ب): لشکر؛ متن = ل، س، ل (نیز ق، ل، آ، ب، و، ل، آ، ب) ۱۶- ل، آ، س (نیز ل، آ، ب): بی گنه؛ (و: که این لشکر گشن) ۱۷- س: کار ۱۸- س (نیز ب، ل، آ): پراز درد؛ ل، آ، س (نیز ب): بی آزار؛ ق: بیتهای ۱۳۱۴ و ۱۳۱۵ را ندارد ۱۹- ق (نیزی، آ): همیدون ۲۰- ل، س (نیز ل، ب): بانبوه؛ متن = ف ۲۱- ق: بر سر ۲۲- س: بیرون برآید (!) ۲۳- س (نیز ب، ل، آ): هم از ۲۴- ل، آ، س (نیز ب): بیارم بسازیم؛ ق: بیتهای ۱۳۱۷ و ۱۳۱۸ را ندارد ۲۵- ل، س (نیز ل، ب): باوردگاه؛ متن = ف ۲۶- (ل، ل، آ، ب، آ، ب): پسند (۲۷- س (نیز ب، ل، آ): پرگار؛ ق: تیمار؛ ل، آ، س: نگه کن به پیکار؛ (و: نگه کن تودر کار)؛ متن = ف، ل (نیز ق، ل، آ، ب)؛ در ل، آ، س (نیز ب) پس از این بیت، بیت ۱۳۲۳ آمده است ۲۸- س: ز خویش و نسیره ز؛ (ب: ز خویشان و پیوند و؛ ل: ز خویش و زیبوند و) ۲۹- ق: بدان ۳۰- ل، س، ق (نیز ق، آ): تا کندشان؛ متن = ف، ل، آ، س (نیز ب) ۳۱- ل: بزرگان (!) ۳۲- ل، ق (نیزی، آ): اگر خواهی از من (ل، آ، ما)؛ ل، آ، س (نیز ق، ب): تسو (ل: ز) هر (ق: ار) چند خواهی؛ متن = ف، س (نیز ب، ل، آ) ۳۳- ق (نیزی، آ): جویی؛ ل، آ، س (نیز ب): بدادم و گرنه؛ متن = ف، ل، س (نیز ق، ل، آ، ب، ل، آ)؛ در ل، آ، س (نیز ب) این بیت پس از بیت ۱۳۲۰ آمده است

<p>بدان گفتم این تا به^۱ روز نبرد که ناگاه با ما^۴ به جنگ آمدی من این کین اگر تا به صد^۵ سالیان ازین کینه برگشتن اومید^۷ نیست</p>	<p>۱۳۲۵</p>
<p>چُن^۹ این^{۱۰} پاسخ نامه گشت اسپری کمر بر میان بر^{۱۱} ستور نوند فرود آمد از اسپ^{۱۴} رویین گرد سپهدار فرمود^{۱۶} تا موبدان بزودی سُوی پهلوان آمدند پس آن^{۱۷} پاسخ نامه پیش گوان بزرگان کز آن نامه^{۱۹} دلپذیر هُش و رای پیران تُتک داشتند به گودرز بر^{۲۱} آفرین خواندند پس آن نامه را مُهر کرد و بداد چُن^{۲۲} از پیش گودرز برخاستند چه^{۲۳} اسپان تازی به زرین ستام ببخشید یارانش را سیم و زر برفت از در پهلوان با سپاه^{۲۵}</p>	<p>۱۳۳۰ ۱۳۳۵ ۱۳۴۰</p>
<p>به ما بر بهانه^۲ نباید^۳ کرد، کمین کردی و بی درنگ آمدی بخواهم همانست و اکنون^۶ همان شب و روز بی دیدگان را یکیست^۸</p>	<p>فرستاده آمد بسان پری سواران^{۱۲} به گرداندرش نیز^{۱۳} چند گوان را همه پیش گودرز^{۱۵} برد ز لشکر همه نامور بخردان، خردمند و روشن روان آمدند بفرمود برخواندن^{۱۸} پهلوان شنیدند^{۲۰} گفتار فرخ دبیر، همه پند او را سُبک داشتند ورا پهلوانِ زمین خواندند به رویین پیرانِ ویسه نژاد بفرمود تا خِلمت آراستند چه افسر، چه شمشیر^{۲۴} زرین نیام که را درخور آمد: کلاه و کمر سُوی لشکرش برگرفتند راه^{۲۶}</p>

۱-ق: که ۲-ل: بهانه بر ۳-س (نیز، ل، ن): نیاری تو؛ س: نباید ۴-ف: گنکار با ما؛ س (نیز، ل، ن): که ناگه بر ما؛ (ق: آ: که با من بناگه؛ و: که ناگاه مان خود)؛ متن = ل، ق، ل، س (نیز، ل، آ، ب) ۵-ل (نیزو): بانصد (= تا بصد؟ یا نصد؟)؛ ق: پانصد؛ (لی، آ: پنج صد)؛ متن = ف، س، ل، س (نیز، ل، آ، ب) ۶-س: و دیگر ۷-ل-س (نیز، ل، آ، ب): انقید؛ متن = ف ۸-ف: بی دیدبان حید نیست (؟)؛ س (نیز، ل، ن): با گاه وساعت یکیست؛ (لی: بی دیدگان یکیست؛ ل: بی دیدگان شنید نیست (؟)؛ پ: وهم گاه و بیگه یکیست؛ و: خودبندگان رایکیست)؛ متن = ل، ق، ل، آ، س (نیز، ل، آ، ب) ۹-ل-س (نیز، ل، آ، ب): چو؛ متن = ف ۱۰-ل: آن ۱۱-ل، ق (نیز، ل، آ): با ۱۲-ل، ق: زمردان ۱۳-س: پای (!) ۱۴-ل: باره ۱۵-س (نیز، ل، ن): سالار ۱۶-ل (نیز، ل، آ): سپهبد بفرمود ۱۷-ل: این؛ س (نیز، ل، ن): چو آن؛ (پ: همان)؛ متن = ف، ل، ق، س (نیز، ل، آ، ب) ۱۸-ل، ق: خواندن همی؛ (لی، آ: برخواندن آن)؛ متن = ف، س، ل، س (نیز، ل، آ، ب، و، ل، ن، آ، ب) ۱۹-ف: گرانمایه (حکزان نامه)؛ ل، ق (نیز، ل، آ، ب، ل، ن): که آن نامه؛ س: که این نامه؛ ل (نیز، و، آ، ب): چو آن (و: چنان) نامه؛ متن = س (نیز، ل، آ، ب) ۲۰-ق (نیز، ل، آ): شنیدند و ۲۱-ل: پس ۲۲-ل، س، ق، ل، س (نیز، ل، آ، ب): چو؛ متن = ف، س، آ؛ برخی از دستنویسها در اینجا سرنویس دارند، س: بازگشتن رویین پیران از نزد گودرز کشواد؛ ل: باز آمدن رویین از نزد گودرز و پاسخ آوردن ۲۳-ل، ق، س (نیز، ل، ن): ز؛ س: از؛ متن = ف، ل (نیز، ل، آ، ب، و، آ، ب) ۲۴-س، ل، س (نیز، ل، و): چه (س: ز) شمشیر هندی به؛ متن = ف، ل، ق (نیز، ل، آ، ب، ل، ن، آ، ب) ۲۵-ل، آ: با کلاه؛ س (نیز، ل، ن): برفتند رویین و آن ده سپاه (س: درس در بالابه خطی دیگر برابر ضبط متن تصحیح کرده اند)؛ متن = ف، ل، ق، ل، آ، س (نیز، ل، آ، ب، و، آ) ۲۶-ل، ق (نیز، ل، آ): لشکر خویش بگرفت راه؛ س: لشکرش زود آزادوار (در بالابه خطی دیگر برابر ضبط متن تصحیح کرده اند)؛ متن = ف، ل (نیز، ل، آ، ب، و، ل، ن، آ، ب)

<p>به پیش پدر شد چنان چون سزید جهان‌دیده پیران گرفتش به بر بگفت آنچه دید اندر آن رزمگاه یکایک رخ پهلوان^۱ شد چو قیر بدانست کامد به تنگی نشیب نکرده آن سخن بر سپه‌بر پدید^۲ که گودرز را دل نیاید^۳ به راه نیارآمدش یک زمان دل^۴ ز کین به نوی^۵ همی کینه سازد ز^۶ بن، نبندم^۷، نخارم^۸ برین^۹ کینه سر که از سر^{۱۰} جدا شد گه کارزار سواری نبندد چو هومان^{۱۱} کمر که شد ناگهان ناپدید از چمن^{۱۲} نمانیم^{۱۳} بایرانیان بوم‌وبر^{۱۴} برآرم^{۱۵} از آن انجمن رستخیز^{۱۶}</p>	<p>چو روین بنزدیک پیران رسید بنزدیک تختش فرورد سر چو بگزارد پیغام سالار شاه پس آن نامه برخواند^۱ پیشش^۲ دبیر دلش گشت پردرد و جان پُر‌نیب شکیبایی و خامشی برگزید و زانپس^۳ چنین گفت پیش سپاه از آن^۴ خون هفتاد پور گزین گر ایدونک او^۵ بر گذشته^۶ سخن چرا من به کین برادر کمر بر آن^۷ خوین نهصد تن^۸ نامدار که اندر^۹ بروم^{۱۰} ترکان^{۱۱} دگر چو نستیهن آن سرو سایه‌فگن بباید کنون بست ما را کمر به نیروی یزدان و شمشیر تیر^{۱۲}</p>
--	--

گفتار اندر پیغام فرستادن پیران و یسه به افراسیاب^{۳۱}

۱- ل: آنچه ۲- (ق، پ، ل، ن: نامه را خواند) ۳- س، ل: (نیزی، ب): پیش ۴- ل (نیزق): رخ پهلوان سپه؛ متن = ف، س، ل، ل: (نیز ل، پ، ل، ن، ب) ۵- ل: نکرد (نقطه ندارد)؛ ق: بکرد؛ متن = ف، س، ل، ل، س: (نیزق: ب) ۶- ل، ق: ناپدید؛ (ل): سخن را بترکان پدید؛ متن = ف، س، ل، ل، س: (نیزق: ل، پ، و، ل، ن، آ)؛ بنداری: فلما آتاه ودفع الیه الکتاب وقرأه عظم علیه جواب جودرز، و لم یطلع علیه أحدا ۷- ل، س: از آن ۸- ل- س: (نیزی، ب): نیامد؛ متن = ف (نیزق) ۹- س: وزان ۱۰- س (نیزپ، ل، ن): دل زمانی ۱۱- ف: این (؟)؛ متن = ل- س: (نیزق: ب) ۱۲- س: برگزشتی (!) ۱۳- ل- س: (نیزق: ب): نویی؛ متن = ف ۱۴- ق: به ۱۵- (ق، ل، ن: بنبندم) ۱۶- ف، ل، ق، ل، ل، ق، ل، ل: (نیزو، آ): بخارم (حرف یکم نقطه ندارد)؛ س: نخارم (!)؛ (پ، ل، ن، ب: بخارم)؛ متن = س (نیزی) ۱۷- ل، ق (نیزی، آ): ازین؛ س (نیزپ): بدین؛ متن = ف، ل، ل (نیزق، و، ل، ن، ب) ۱۸- ل، ق: هم از؛ س: از آن؛ س: بر از خون؛ (ق: بدان؛ ل، آ: همان)؛ متن = ف، ل، ل (نیز ل، پ، و، ب) ۱۹- (ق، ل، ل، پ، ل، ن، ب: سر)؛ متن = ف- س: (نیزی، و، آ) ۲۰- ف (نیزق، ل، ل، پ، ل، ن، آ، ب): تن؛ س (نیزو): کشان سر؛ متن = ل، ق، ل، ل، س: ۲۱- ل: کراشد (نقطه ندارد)؛ ق: کراید؛ (آ: کز ایدر)؛ متن = ف، س، ل، ل، س: (نیزق: ل، ن، ب) ۲۲- ل: بروم ۲۳- س، ل، ل (نیز پ، و، ل، ن، ب): توران؛ متن = ف، ل، ق، س: (نیزق، ل، ل، آ) ۲۴- ل، س، ل، ل، س: (نیزق، ل، ل): چو هومان نبندد؛ متن = ف، ق، س: (نیز ل، ب) ۲۵- ل، ق (نیزی، ل، آ): که شد ناپدید از همه (ل، آ: اندر آن؛ ل: اندرین) انجمن؛ متن = ف، س، ل، ل، س: (نیز ق، ل، پ، ل، ن، ب) ۲۶- ل، ق، س: (نیزی، ل، ن، آ): نمانم (س: نمانند) به (ل، ن، آ: بر) ایرانیان؛ س: نمانیم از ایرانیان؛ متن = ل (نیزق، ل، ب): نماند (ق: نماند؛ ب: نمانند) بایران بروم و بر (!)؛ (پ: نمانم بایران زمین بوم و بر)؛ متن = ف ۲۸- س: یزدان پیروزگر ۲۹- ل، ق (نیزق، ل، ل، پ، ل، ن، آ، ب): برآرم؛ متن = ف، ل، ل، س: (نیزو) ۳۰- س: نمانیم از آن انجمن بوم و بر ۳۱- ف: گفتار اندر پیغام فرستادن پیران و یسه بشاه افراسیاب و آگهی دادن او را از کشتن هومان و نستیهن؛ س: پیغام فرستادن پیران بنزد افراسیاب؛ ق: آگهی دادن پیران افراسیاب را از حال لشکر و خبر آمدن کیخسرو؛ ل، ل، س: پیغام پیران نزد (س: نزدیک) افراسیاب؛ ل: سرنویس ندارد؛ متن = آغاز ف

<p>ز هر سو به لشکرگه آورد زود^۴ دواسپه سوار ازدر^۵ کارزار به دینار دادن در اندرگشاد^۸ نوندی برافگند هنگام خواب سخن گوی و گرد و سوار و دبیر^{۱۲}، که ای دادگر خسرو نام جوی^{۱۴}، بگشت از بر تیره خاک^{۱۵} نژند، به کس نام شاهی نیوست^{۱۷} نیز کلاه و کمرستن و بخت^{۱۹} را که پیش تو آید به^{۲۱} روز نبرد کشیده سر از رای^{۲۲} بیدار تو وُزآن^{۲۴} خویشتن را ندانم گناه، نیاید ز^{۲۹} گفتار بسیار سود کند گردن آزاد و آرد به راه^{۳۲}</p>	<p>از اسپان گله هرچه^۲ شایسته^۳ بود پیاده همه کرد یکسر سوار سر^۶ گنج های گهن برگشاد^۷ چُن^۹ این کرده^{۱۰} شد نزد افراسیاب فرستاده یی باهش و رای و بیر^{۱۱} که رو^{۱۳} شاه توران سپه را بگوی کز آنگه که چرخ سپهر بلند چو تو شاه بر گاه نشست^{۱۶} نیز نه زیبا بود جز^{۱۸} تو مر تخت را از آن سر برآرد^{۲۰} جهاندار گرد یکی بنده ام من گنهار تو به کیخسرو^{۲۳} از من بیازرد شاه که آن^{۲۵} ایزدی^{۲۶} بود و^{۲۷} بود آنچه^{۲۸} بود اگر شاه^{۳۰} بیند، مرا زین گناه^{۳۱}</p>
--	---

۱- ف، ق، ل، س: س: ز؛ متن = ل، س ۲- ل: هرچ ۳- س: بایسته ۴- ف (نیزب): آورده بود (درب در بالا به همان خط به ضبط متن تصحیح شده است)؛ متن = ل- س (نیزق-آ) ۵- ف: سواران در (سوار از در)؛ ل: سوار از پس؛ (و: گرید از بی)؛ متن = س، ل، آ، س (نیز هفت دستنویس دیگر)؛ ق این بیت را ندارد ۶- س (نیزلی، پ، لن، آ): در ۷- (ب: باز کرد) ۸- ل، ق (نیز ق): دل (ق: در) اندر نهاد؛ (ب: سپه را درم دادن آغاز کرد)؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیزلی-آ) ۹- ل- س (نیزق-آ): چو؛ متن = ف ۱۰- ف، ل، آ، س (نیزل-آ): گفته (؟)؛ متن = ل، س، ق (نیز هشت دستنویس دیگر) ۱۱- ل، ق: رای ویر؛ س (نیزلی، ل، آ): رای و ویر (ل به رای پیر تصحیح کرده است)؛ ل، آ، س (نیزق، پ، لن، آ، ب): رای بیر (= پیر؟ پیر؟)؛ (و: جوانی فرستاد با رای پیر)؛ متن = ف (بیژن و منیژه، بیت ۸۳) ۱۲- ق، س (نیزلی، ل، آ، لن، آ، ب): دلیر؛ (ق: خردمند و گیرنده و یادگیر)؛ متن = ف، ل، س، ل (نیزب، و) ۱۳- س: شو ۱۴- س (نیزب، لن، آ): شاه دهم جوی ۱۵- س: خاک تیره ۱۶- ل، ق: نشست بر گاه؛ متن ← ۱۷- ل، ق: شاهی پیر شاه؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیزق-آ) (ب) ۱۸- ق: چون ۱۹- س: رخت؛ ل: کمرستن و افسرو بخت ۲۰- ل، ق (نیزق، لی، ل، آ، و، آ، ب): کس برآرد؛ ل: سروران؛ متن = ف، س، آ ۲۱- ل: آیند؛ س (نیزب، لن، آ) این بیت را ندارند ۲۲- ل (نیزل، و، ب): جان؛ ق: حکم؛ (لی: بندو؛ آ: پند)؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیزق، پ، لن، آ) ۲۳- ف: یکی خسرو (سبکی خسرو = به کیخسرو)؛ ل، ق (نیزو): ز کیخسرو؛ متن = س، ل، آ، س (نیز هفت دستنویس دیگر) ۲۴- ل، ق (نیز لی، ل، آ، ب): جزین: س: که این؛ (و: از آن؛ لن: جز آن)؛ متن = ف، ل، آ، س (نیزق، پ) ۲۵- ل: این ۲۶- ل: بودنی ۲۷- ل: [و] ۲۸- س: آنچه ۲۹- ل (نیزق): ندارد ز؛ س (نیزب، لن، آ): ندارد به؛ (ل: نیارد ز؛ و: نباشد به)؛ متن = ف، ل، آ، س (نیزلی، آ، ب)؛ ق بیتهای ۱۳۶۹ و ۱۳۷۰ را ندارد ۳۰- ل: نیز؛ متن ← ۳۱- (ل، آ، ب: بی گناه)؛ س (نیزب، لن، آ): اگر زانک بیند مرا نیکخواه (پ، لن، آ): نیک شاه؛ درس در بالا ضبط متن را افزوده است)؛ متن = ف، ل، آ، س (نیزق، لی، و، آ) ۳۲- ل (نیزلی): و آید براه؛ س (نیزب، لن، آ): و بخشد گناه؛ (درس در بالا ضبط متن را افزوده است)؛ (ل: و آرد پناه)؛ متن = ف، ل، آ، س (نیزق، و، آ، ب)؛ س پس از این بیت افزوده است:

سیاست مرا و را بدست سپاه
که آوردشان او به میدان بزیر

و دیگر به بیژن که فرمود شاه
چو هومان و نستین آن دو دلیر

<p>که گردون چه آورد پیش رهی به ایران سپه بر^۳ بستیم راه سپهدار گودرز و^۵ با او^۶ سران به توران نیامد فزون زین سپاه^۸ سپه در بر^{۱۱} کوه بنشاختند^{۱۲} به روی اندر آورده بُد روی تنگ^{۱۳} که آید مگر سوی هامون سپاه سر پهلوی توریان شد نگون^{۱۴} به هامون نیاورد لشکر ز کوه^{۱۶} ز^{۱۸} کینه مجوشید ازین^{۱۹} انجمن ندانم چه آمد بر آن^{۲۱} شیرمرد بگردید با گرد هومان^{۲۲} نیو سر من ز تیمار او گشته شد به باغ از گیا یافت خواهد گزند همه شادمانی^{۲۵} شد از درد پست ابا ده هزار^{۲۷} آزموده سوار، بیامدش بر دست بیژن زمان^{۲۸}</p>	<p>رسانم کنون من^۱ به شاه آگهی کشیدم به کوه گنابند^۲ سپاه و زآنسو بیامد سپاهی گران کز ایران ز^۷ گاه منوچهرشاه به زبید^۹ یکی جایگه ساختند^{۱۰} سپه را سه روز و سه شب چون پلنگ نجستیم رزم اندر آن کینه گاه نیامد سپاهش از آن گه برون سپهدار ایران نیامد^{۱۵} ستوه برادر جهاندار^{۱۷} هومان من بدایران سپه^{۲۰} شد که جوید نبرد بیامد به کین جستش پور گیو ابر دست بیژن کنون^{۲۳} گشته شد که دانست هرگز که سرو بلند دل نامداران بهم^{۲۴} بر شکست و دیگر که^{۲۶} نستین نامدار برفت از بر من سپیده دمان</p>
---	---

۱- س: ۲؛ نزد؛ ل: من اکنون؛ (و: هم اکنون)؛ متن = ف، س، ق، ل: ۲ (نیز هفت دستویس دیگر) ۲- س، س: ۲؛ کسابد (حرف دوم نقطه ندارد)؛ ل: ۲؛ کسابد؛ متن = ف، ل، ق (نیز ق: ۲- ب) ۳- ل (نیز پ): بایرانیان بر؛ س، ق (نیز ل، ل، ن، آ): بر ایرانیان بر؛ (و: بر ایران سپه بر)؛ متن = ف، ل، ق (نیز ق: ۲، ب) ۴- ق: چو ۵- ل، ق، ل: ۲؛ [و] ۶- ف، ق، ل: ۲ (نیز ل، ل، آ): وی؛ متن = ل، س، س: ۲ (نیز ق: ۲، پ، و، ل، ن، آ، ب) ۷- س (نیز ل، و): به ۸- ق، آ، و: زان سپاه؛ ل، ق (نیز ل، آ): فزون زین (ل: زان) نیامد بتوران سپاه؛ متن = ف، س، ل، آ، س: ۲ (نیز پ، ل، ن، آ، ب) ۹- ف، ق، س: ۲؛ زبید (حرف دوم نقطه ندارد)؛ ل: زسد (حرفهای دوم و سوم نقطه ندارند)؛ س (نیز ق: ۲): رسد (نقطه ندارد)؛ (آ: ریید)؛ متن = (ل، ل، آ، پ، و، ل، ن، آ، ب) ۱۰- س: ساخته ۱۱- ل، ق (نیز و): سپه را در آن؛ (ق: ۲): سپه درین؛ ل، آ: سپه در پس؛ ل: سپه را بر؛ پ: سپه بر بر؛ ب: سپه را برین؛ متن = ف، س، س: ۲ (نیز ل، ن) ۱۲- س: بنشاخته؛ ل: بیتهای ۱۳۷۵-۱۳۷۷ را ندارد ۱۳- س: حنگ (!) ۱۴- ف، س: ۲: سوی پهلوی (س: پهلوی) توریان شد نگون؛ ل، ق (نیز ل، ل، آ، آ، ب): سر پهلوانان ما شد نگون (ل: ۲: زبون)؛ (ق: ۲: سر پهلوی تور شد سرنگون)؛ متن = ل: ۲؛ س (نیز پ، و، ل، ن، آ): این بیت را ندارند ۱۵- س: ایرانیان بد ۱۶- س: لشکر گروه ۱۷- س (نیز پ، ل، ن): جهانگیر؛ ق (نیز ل): جهانیان؛ (ب: جهانین)؛ متن = ف، ل، ل، آ، س: ۲ (نیز ق: ۲، ل، و، آ) ۱۸- ل، ق (نیز ل، ل، آ، ب): به ۱۹- س، ل، آ، س: ۲ (نیز ق: ۲، پ، و، ل، ن، آ) ۲۰- ل- س: ۲ (نیز ق: ۲- ب): به (س: ۲): بر ایران سپه؛ متن = ف ۲۱- س، ق، ل: ۲ (نیز پ، ل، ن، آ، ب): بدان؛ متن = ف، ل، س: ۲ (نیز ق: ۲، ل، و، آ) ۲۲- ق: با پور گودرز ۲۳- ل، س، ق (نیز پ، و، ل، ن، آ، ب): چون بیژنی؛ ل: ۲: بیژن چنان؛ (ل: ۲: بیژن چواو)؛ متن = ف، س: ۲ (نیز ق: ۲، ل، آ) ۲۴- ل، ق (نیز ل، آ): همه؛ متن = ف، س، ل، آ، س: ۲ (نیز ق: ۲، ل، پ، و، ل، ن، آ، ب) ۲۵- س: نامداران؛ در ل: پس از این بیت، بیتهای ۱۳۸۹ و ۱۳۹۰ آمده اند ۲۶- ل، ق (نیز ق: ۲، ل، آ): چو؛ متن = ف، س، ل، آ، س: ۲ (نیز پ، و، ل، ن، آ، ب) ۲۷- س: دو هزار ۲۸- ل، ق (نیز ل): همان بیژنش کند سر در زمان؛ س (نیز پ، ل، ن): بدو (پ: برو) آمد از گرز بیژن زیان (پ: زمان)؛ (ق: ۲: زیژن سر آمد برور زمان؛ ل: رسیدش هم از دست بیژن زمان؛ ب: ابردست بیژن رسیدش زمان)؛ متن = ف، ل، آ، س: ۲ (نیز و، آ)

من از درد دل برکشیدم سپاه
 یکی رزم، تا شب برآمد ز کوه،
 ۱۳۹۰ چو نهصد^۳ شد از نامداران تباہ^۴
 دو بهره ز گردان این انجمن
 به مابر شده چیره ایرانیان
 بترسم همی زآنک گردان سپهر
 ۱۳۹۵ وُزانپس شنیدم یکی بدخبر
 که کیخسرو آیدهمی با سپاه
 گر ایدونک گردد درست این خبر
 سپهدار^{۱۳} داند که من با سپاه^{۱۴}
 مگر شاه با لشکری^{۱۶} جنگ جوی^{۱۷}
 بگرداند این بد ز تورانیان
 ۱۴۰۰ که گر جان^{۲۱} ما را از ایران سپاه

فرستاده چون گفت پیران شنید
 نشست از بر بادپایی نوند^{۲۳}
 بشد تا بنزدیک افراسیاب
 بنزدیک شاه اندرآمد چو باد

غریوان برفتم بدآوردگاه^۱
 بکردیم یک با دگر^۲ همگروه
 سر از تن بریده^۵ برآن^۶ رزمگاه
 دل از درد خسته، به^۷ شمشیر تن
 به کینه همه پاک بسته میان
 بخواهد گسستن^۸ ز ما پاک مهر
 وُزان^۹ نیز برگشتم آسیمه سر^۱،
 به پشت سپهد بدین^{۱۱} رزمگاه
 که خسرو کند سوی مابر گذر^{۱۲}،
 نیارم شدن پیش او^{۱۵} کینه خواه
 نهد سوی ایران بدین^{۱۸} کینه^{۱۹} روی
 ببندد ز^{۲۰} کینه کمر بر میان
 بد آید^{۲۲}، نباشد کسی کینه خواه

بکردار بادِ دمان بردمید
 بکردار آتش هیونی^{۲۴} بلند
 نه دم زد^{۲۵} به رهبر، نه آرام و خواب
 ببوسید تخت و پیامش بداد

۱- ل-س^۲ (نیزق^۲-ب): به (س^۱: بر) آوردگاه؛ متن = ف ۲- ل، ل، س: بگشتم با یکدگر ۳- ل، ل، س: (نیزلن، ب): پانصد ۴- ل، ق (نیزق، ل، و): تن از نامداران شاه (ل^۲ گویا نخست تباہ داشته است)؛ متن = ف، س، ل، ل، س: (نیز ل، پ، ل، آ، ب) ۵- ل: جدا شد ۶- ل: برین؛ ق، س: (نیزلی، ل، ل، ل، آ، ب): بدان؛ (ق، و): در آن؛ متن = ف، س، ل (نیزب) ۷- ل، ل، س: (نیزلن، ب): ز ۸- ل، ل، ل، ل، ل (نیزل^۲): بریدن ۹- ل (نیزلی): کزان؛ (ب، ل): از آن؛ آ: از این) ۱۰- س، ق: که خسرو کند سوی مابر گذر؛ بیت ۱۳۹۴ را ندارد و س، ق ۱۳۹۴-۱۳۹۶ را انداخته و از ۱۳۹۴ و ۱۳۹۶ ب یک بیت ساخته اند، ولی درس بیت ۱۳۹۶ را پس از بیت ۱۳۹۷ افزوده اند ۱۱- ل: برین؛ س، ق این بیت را ندارند ۱۲- ل، ل، س: (نیزلی، آ) این بیت را ندارند ۱۳- ل (نیزق^۲): جهاندار؛ متن = ف، س، ق (نیزل، و، ل، ب) ۱۴- س (نیزو، ل، ل): نزد (و: پیش) شاه ۱۵- س: نزد آن؛ (و: با سپه؛ ل: نزد او)؛ ل، ل، س: (نیزلی، ب، آ) این بیت را ندارند ۱۶- ف (نیزآ): لشکر؛ متن = س، ل، ل، س: (نیزق^۲-ل، ب) ۱۷- س (نیزق، ب، ل): کینه جوی ۱۸- ل (نیزق^۲): برین ۱۹- س: رزم؛ (ب، ل): جنگ؛ ل، ق این بیت را ندارند ۲۰- س، ل، ل، س: (نیزق، ل، ب، و، ل، آ): به؛ متن = ف (نیزل^۲): ل، ق این بیت را ندارند ۲۱- س: که گردان ۲۲- ل: نداند؛ س: نماند؛ ل، س، ق (نیزب) این بیت را ندارند؛ ولی درس آنرا به خطی دیگر در میان ستون ها افزوده اند؛ بنداری (۱۳۹۴-۱۴۰۰): وَأَنْ الْحَبْرُ قَدْ أَتَاهُ بِأَنَّ الْمَلِكِ كَيْخَسْرُو عَزَمَ عَلَى إِمْدَادِهِمْ بِنَفْسِهِ. وَ ذَكَرَ أَنَّهُ إِنْ طَلَعَتْ عَلَيْهِ رَايَاتُهُ فَلَا طَاقَةَ لَهُ بِالْوَقُوفِ بَيْنَ يَدَيْهِ إِلَّا أَنْ يَطْلُعَ الْمَلِكُ أَفْرَاسِيَابَ فِي عَسَاكِرِهِ، وَيَبَاشِرَ الْأَمْرَ بِنَفْسِهِ ۲۳- ل، ق (نیزل، آ): سمنند؛ (و: بلند؛ ل: تازی اسبی سمنند)؛ متن = ف، س، ل، ل، س: (نیزق، ب، ل، ب) ۲۴- س (نیزب، ل، ل): هیون ۲۵- ق: نزد دم

دش گشت پُرخون ^۱ و رخساره زرد ^۲	چو بشنید گفتارِ پیران به درد	۱۴۰۵
برآن ^۵ درد ^۶ بنهاد پیوسته دل	شد از کار آن خستگان ^۳ خسته دل ^۴	
گریزان و، پیران ^۷ شده کشورش	و زان نیز کز دشمنان لشکرش	
برو بر جهان گشته از جنگ ^۱ تنگ	ز هر سو پلنگ اندر آورده جنگ ^۸	
سپه را همه پای بر جای دید ^{۱۱} ،	چو گفتار پیران از آنسان ^{۱۰} شنید	
به دلش اندرون روشنایی فرود ^{۱۲}	برو آفرین کرد و شادی نمود	۱۴۱۰

گفتار اندر پاسخ فرستادن افراسیاب پیغام‌های پیران و یسه را^{۱۳}

بسازید و آن شب همی کرد رای ^{۱۵}	فرستاده را در بر خویش جای ^{۱۴}	
همانگه فرستاده را در گشاد ^{۱۶}	به شبگیر چون تاج بر سر نهاد	
سوی ناموربنده‌ی کدخدای ^{۱۷}	بفرمود تا بازگردد به جای	
که ای مهربان نیک دل راست گوی ^۲ ،	سخن ^{۱۸} - پاسخ آورد - کو ^{۱۹} را بگوی	
سرافراز بودی به هر انجمن ^{۲۱}	تو تا زادی از مادر پاک تن	۱۴۱۵
توی ^{۲۳} برتر از پهلوانان به جاه ^{۲۴}	ترا بیشتر نزد من دستگاه ^{۲۲}	

۱- س: درد؛ ق: کین ۲- (ب: ورخ لاجورد) ۳- ل، آ، س (نیزق، آ، و، ب): کشتگان؛ ق: کار و احوال او؛ متن = ف، ل (نیزق، ل، آ) ۴- ل (نیزق، آ): تنگدل ۵- ل (نیزق، ب): بدان ۶- ل، آ، س (نیزق، آ): کار؛ متن = ف، ل، ق (نیزق، و، ب)؛ س (نیزق، ل، آ) این بیت را ندارند، ولی در س آنرا به خطی دیگر در میان ستون‌ها افزوده اند ۷- ل (نیزق، آ): [و] ویران؛ س، ل، آ، س (نیزق، آ، ب): و ویران؛ متن = ف، ق بیتهای ۱۴۰۷-۱۴۱۱ را ندارد ۸- ل، آ، س: اندرآید بجنگ؛ س (نیزق، ب، ل، آ، ب): بتنگ اندر آورده جنگ؛ (ل: سپاه اندرآمد بتنگ؛ و: بجنگ اندرآورده تنگ)؛ متن = ف، ل (نیزق) ۹- ل: تاریک و؛ س (نیزق، ل، آ): از درد؛ (ل: گشت از اندوه)؛ ل، آ، س: بروشن (س: بروشد) جهان گشته بر چشم؛ متن = ف (نیزق، ل، و، آ، ب) ۱۰- ف، ل، آ، س: از (ف: ز) ایران؛ س (نیزق، ب): بدانسان؛ (ب، ل، آ، ب): برآنسان؛ متن = ل (نیزق، آ، و) ۱۱- ل: پای پیران شنید (!) ۱۲- ل، ق، ل (نیزق، آ) این بیت را ندارند؛ متن = ف، س، س (نیز هفت دستنویس دیگر) ۱۳- ف: گفتار اندر پاسخ فرستادن افراسیاب پیغام‌های پیران و یسه را و دل جویی دادن او را و تعزیت دادن بمرگ برادران؛ س (چهل بیتی پایین‌تر): پاسخ پیغام پیران از نزد افراسیاب؛ ق: پاسخ افراسیاب به پیران و یسه؛ ل: پاسخ نامه پیران از افراسیاب؛ س: پاسخ پیران و یسه از افراسیاب؛ ل: سرنویس ندارد؛ متن = آغاز ف ۱۴- س (نیزق، ل، آ): خواند ۱۵- س (نیزق، ل، آ): رای (ل: باز) راند؛ ل، ق این بیت را ندارند ۱۶- (ق، ل، آ): بار داد ۱۷- س (نیزق، ل، آ): نیک پی کدخدای؛ (ق: پهلوان کدخدای؛ ل: پهلورهنمای؛ ل، آ: نیکدل نامور کدخدای؛ و: پهلوان جهان کدخدای)؛ متن = ف، ل، آ، س (نیزق، ب): ق بجای این بیت (و ل^۲ پس از آن) افزوده اند:

فرستاده او بر خویش خواند

وزان در (ل: پس) فراوان سخنها براند (← ۱۴۱۱)

۱۸- ل، س، ق (نیزق، آ): چنین؛ متن = ف، ل، آ، س (نیزق، ب) ۱۹- ق: داد پاسخ که او ۲۰- س، ل (نیزق، و، ل، آ): راهجوی؛ متن = ف، ل، ق، س (نیزق، ل، آ) ۲۱- س (نیزق، ل، آ): سپر کرده پیش من خویشتن (در س در بالا به خطی دیگر ضبط متن را افزوده اند) ۲۲- س: آبروی (در بالا به خطی دیگر ضبط متن را افزوده اند)؛ (ق: ترا هست نزدیک من دستگاه) ۲۳- س، ق، ل، آ، س (نیزق، و، ل، آ، ب): تویی؛ متن = ف، ل، س: بخوی (در بالا به خطی دیگر ضبط متن را افزوده اند)؛ س: بهتر از پهلوانان بگاه؛ (ق: بسی برتر از جهن و شیده بجاه)؛ ل، آ، ل این بیت را ندارند و در ق^۲ با بیت ۱۴۱۷ پس و پیش شده است

همیشه یکی جوشنی^۱ پیش من
 همیدون^۲ به هر کار با گنج خویش
 تو بردی ز چین تا بدایران^۵ سپاه
 ز تور و پشنگ^۷ ار درآید، به مهر^۸ ۱۴۲۰
 نبیند سپه چون تو سالار نیز
 نخست آنک گفتی: من^{۱۱} از انجمن
 که کیخسرو آمد ز توران زمین^{۱۴}
 بدین من که شاهم نیازرده ام
 نباید که باشی بدین تنگ دل ۱۴۲۵
 کجا بودنی باشد^{۱۸} از کردگار
 که^{۲۰} کیخسرو از من نگیرد فروغ
 نباشم من او را به دوجهان نیا^{۲۱}
 بدین^{۲۲} کار او کس گنهکار نیست
 سپر کرده جان و فدی^۲ کرده تن
 گزیده ز بهر مرا^۱ رنج خویش
 تو کردی دل و بخت دشمن تباه^۶
 چو تو پهلوان نیز نارد سپهر^۹
 نبندد کمر^{۱۰} چون تو هشیار نیز
 گنهکار دارم^{۱۲} همی^{۱۳} خویشتن،
 بدایران^{۱۵} و با^{۱۶} ما بگسترد کین
 به دل هرگز این یاد ناورده ام
 ز تیمار گردد پُرآزنگ^{۱۷} دل
 نبایدش نیز از^{۱۹} کس آموزگار
 نبیره خوانش که باشد دروغ
 نجویم همی زین سخن^{۲۱} کیمیا
 مرا با جهاندار پیگار نیست

۱- ق: یکی خود تویی؛ (ل: سپر بوده؛ و، ب: تویی خویشتن)؛ متن = ف، ل، ل، ل، س، س (نیزق^۲) ۲- س (نیزق^۲)؛ و، فدا؛ ق: سپرده دل و جان فدا؛ متن = ف، ل، ل، ل (نیزب)؛ س (نیزلی، پ، ل، ن، آ) این بیت را ندارند، ولی درس آنرا به خطی دیگر در بالا افزوده اند ۳- س (نیزو)؛ همیشه ۴- ل، ق: منی؛ (پ، ل، ن، آ: من این)؛ س: گزیدی ز بهر من این؛ ل: گزیدستی از بهر من؛ متن = ف، س (نیزق^۲)، ل، و، آ، ب)؛ درس^۲ این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۵- ل- س (نیزق^۲- ب): بایران؛ متن = ف ۶- ل- س (نیزق^۲- ب): سیاه؛ متن = ف؛ س (نیزب، ل، ن، آ) پس از این بیت افزوده اند:

تویی سرور و پهلوان زمین

که با دادا بجانست هزار آفرین

۷- ف، ق، ل، ل، س (نیزق^۲)؛ ل، س: بشنگ؛ ل، س: بشنگ (حرف یکم نقطه ندارد)؛ متن = (پ، و، ل، ن، آ) ۸- ف: اندر آمد بمهر (؟)؛ س، ل، ل، س (نیزلی، پ، آ): اندرآید بمهر؛ (ق، آ، و: اندرآیی بمهر؛ ل، ن، آ: اندرآید سپهر؛ ب: پشنگم فرونی بمهر)؛ متن = ل، ق، ۹- س (نیزب): بر ندارد سپهر؛ ل، ل، س (نیزق^۲): پیش نارد سپهر؛ (و: برنیارد سپهر؛ ل، ن، آ: برنیابد بمهر؛ ب: نیست زیر سپهر؛ ق، آ: پهلوانی ندارد سپهر)؛ متن = ف، ل، ق (نیزلی، آ)؛ درل، ق، ل (نیزلی، آ) این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۱۰- س: نبیند همی ۱۱- ق (نیزق^۲): که ۱۲- س (نیزلی، ل، ن، آ، و، آ، ب): دانه؛ ق: دانی؛ متن = ف، ل، ل، ل، س (نیزق^۲)؛ ل، ن، آ، و، آ، ب: تن؛ متن = ف، ل، ق، ل، س (نیزلی- ب): همی (حتن؟) ۱۴- ل (نیزل، ن، آ، ب): به توران زمین؛ (ل، آ، و: بایران زمین)؛ ل، آ، و، آ، ب: س: چو کیخسرو آید به ایران زمین؛ متن = ف، س، ق (نیزلی، پ، آ) ۱۵- ل، س (نیزب): از (ل: ز) ایران؛ س، ق، ل (نیزق^۲)، ل، پ، و، ل، ن، آ، ب: بایران؛ (ل، آ، و: توران)؛ متن = ف ۱۶- س، ق، ل (نیزلی- ب): بر؛ متن = ف، ل، س (نیزق^۲) ۱۷- ل- س (نیزق^۲)، ل، آ، و، آ، ب: گیرد (ل: یابد) ترا زنگ؛ (ل: گردد ترا زنگ (حرف یکم ترا یک نقطه هم در زیر دارد)؛ ل، ن، آ: گیرد پرآزنگ)؛ متن = ف (نیزب) ۱۸- ل، ق (نیزلی، ل، ن، آ): که آن (ل: این) بودنی بود؛ متن = ف، ل، ل، س (نیزب) ۱۹- ف: تیزاز (؟)؛ ل (نیزلی، آ): نیامد بدین (ل، آ: درین) بد؛ ق: نیامد برین بر؛ (ب: نیایدت تیزاز)؛ متن = ل، ل، س (ف، ب)؛ س (نیزق^۲)، و، ل، ن، آ) این بیت را ندارند ۲۰- ل، س (نیزل، ل، ن، آ، ب): چو؛ متن = ف، ل، س، ق (نیزق^۲)، ل، پ، و، آ) ۲۱- ل (نیزق^۲)؛ ل، ن، آ، و، آ، ب: همی (نیز) او را نیا؛ ق: نباشم بدو جهان مرور را نیا؛ ل: نباشم من اندر جهان او نیا؛ (ل، آ: همیدون من او را نباشم نیا؛ و، ل، ن، آ: نباشم من او را بگیتی نیا)؛ متن = ف، س، س (نیزب، ب: ب؛ ق: ب؛ داستان سیاوخش، بیت ۲۸، ب، ۱۸۵، آ، ۱۲۷۹، آ: داستان کاموس کشانی، بیت ۶۰۱، ب؛ داستان رزم یازده رخ، بیت ۷۱۷، ب) ۲۲- ق: بدان

۱۴۳۰ چُنین خواست^۱ و این^۲ بودنی کار بود
 دگر آنک^۵ گفتی ز^۶ کار سپاه
 همیشه^۸ چُنین ست کار نبرد
 گهی^{۱۱} برکشد تا به خورشید بر^{۱۲}
 به یکسان نگرود سپهر بلند
 ۱۴۳۵ گهی با می و رود و رامشگران
 تو دل را بدین درد خسته مدار
 سخن گفتن کشتگان^{۱۸} گشت خواب
 دلی کو^{۱۹} ز درد برادر شخود
 سدیگر^{۲۳} که گفتی که خسروز گاه^{۲۴}
 ۱۴۴۰ جز آنست کامد ترا آگهی
 که طوس سپهبد بُد آن^{۲۶} با سپاه
 میناد هرگز^{۲۹} کس آن^{۳۰} روزگار
 که من خود برآتم^{۳۱} که زاید^{۳۲} پگاه^{۳۳}
 نه گودرز مانم، نه خسرو، نه طوس
 مرا با تو از دل^۳ چه آزار بود^۴؟
 ز^۷ گردیدن تیره خورشید و ماه
 ز هر^۹ سو همی گردد این تیرگرد^{۱۰}
 هو^{۱۳} اندرآرد ز خورشید سر^{۱۴}
 گهی شاد دارد، گهی مستمند
 گهی با غم و گرم و رنج گران^{۱۵}
 روان را بدین بند^{۱۶} بسته^{۱۷} مدار
 ز کین برادر تو سر برمتاب
 علاج^{۲۰} بزشکان^{۲۱} نذار^{۲۲}ش سود
 به جنگ اندرآیدهمی با سپاه
 که کیخسرو آید به شاهنشهی^{۲۵}
 که سوی^{۲۷} دهستان برآمد به راه^{۲۸}
 که او پیش دستی نماید به کار
 بدان^{۳۴} سوی جیحون گذارم^{۳۵} سپاه^{۳۶}
 نه گاه و نه تاج و نه لشکر^{۳۷}، نه کوس

۱- ل: بود؛ (ب: داد)؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س (نیزق، ل، آ) ۲- ل (نیزب، و): وین؛ س: زین ۳- ل (نیزل، آ): از تو
 درد دل؛ س (نیزو): از تو بردل؛ ل: از تو دل بر؛ (ق، آ، پ، ل، ن: بردل از تو)؛ متن = ف، س (نیزب) ۴- ق: مرا از تونه آزارست و دود
 (وزن ندارد) ۵- ل، س، ق (نیزق، ب): و دیگر که؛ متن = ف، ل، آ، س ۶- س: به ۷- ل، آ، س: به ۸- (پ: نوشته؛
 ل، آ: نبشته) ۹- ف: دگر (؟)؛ متن = ل- س (نیزق، ب) ۱۰- ف، ل، س، ق (نیزل، آ، پ، و، ل، ن، ب): تیره گرد (؟)؛ متن =
 ل، آ، س (نیزق، ل، آ) ۱۱- س (نیزب، و، ل، ن، آ): همی ۱۲- ل، ق (نیزب): سر؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیزق، آ، راوندی، ص
 ۱۲۸، س ۹) ۱۳- ل، ق، س (نیزل، آ، ب، راوندی): گهی؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیزق، ل، آ، پ- آ) ۱۴- ل، ق (نیزب): بر؛
 (و: فر؛ ل: سوی خاک سر؛ ق: را ببیندازد از چرخ سر)؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیزل، پ، ل، ن، آ) ۱۵- ل (نیزل، آ): و با
 اندهان (پساوند نادرست است)؛ ق: درد بر اندهان (پساوند نادرست است)؛ (ل، آ، ب: درد و رنج گران)؛ متن = ف، ل، آ، س؛ س (نیزق، آ، پ،
 و، ل، ن، آ) این بیت را ندارند ۱۶- ل، س، ق (نیزق، ل، آ): کار؛ ل (نیزو): درد؛ متن = ف، س (نیزل، پ، ل، ن، آ، ب) ۱۷- س: س:
 غمگین (در بالا ضبط متن را افزوده است) ۱۸- س: ما بدین؛ ل، آ، س: از کشتگان ۱۹- س: کان ۲۰- (پ: دوای)؛
 متن = ف- س (ق، آ، ل، و، ل، ن، آ، ب: لغت شهنامه، شماره ۱۶۷۷؛ راوندی، ص ۱۰۲، س ۱۶) ۲۱- س (نیزب): بزرگان ۲۲- س
 (نیزب، ل، ن، آ): بدو نیست ۲۳- ل: سه دیگر ۲۴- ل، س (نیزل، آ، ب): پگاه؛ متن = ف، س، ق، ل (نیزق، ل، آ، پ، و،
 آ) ۲۵- س: به پشت رهی؛ ق، ل، آ، س: ز شاهنشهی؛ متن = ف (نیزق، ب)؛ ل بیت های ۱۴۴۰ و ۱۴۴۱ را ندارد؛ بنداری
 (۱۴۳۹-۱۴۴۱): و أما الخبر عن مقدم کیخسرو بنفسه فهو إرجاف بلا حقیقة، وإنما نفذ طوسا علی طریق دهستان ۲۶- ف، ل (نیزق، آ،
 ل، ن، آ): بدان؛ ق (نیزل، آ، و): همی؛ متن = س، س (نیزل، پ) ۲۷- ق: بسوی ۲۸- س، ل، آ، س (نیزق، ل، آ، پ، آ): ز راه؛
 (و: پیامد براه)؛ متن = ف، ق (نیزل، آ) ۲۹- ل: چشم ۳۰- ف: این؛ (ق: چنین)؛ متن = ل- س (نیزل، ب) ۳۱- س
 (نیزب): بدانم ۳۲- ل، ق، ل، آ، س (نیزل، ب): کز ایدر؛ س: که ایدر؛ (ق: از ایدر)؛ متن = ف ۳۳- ل، ل (نیزق، آ): سپاه؛
 متن = ف، س، ق، س (نیزل، ب) ۳۴- ل: از آن؛ ل، آ، س (نیزل، آ): بسران؛ متن = ف، س، ق (نیزق، ل، آ، پ- ب) ۳۵- س: آ:
 سپارم ۳۶- ل (نیزق، آ): براه؛ ل: برآب (پساوند ندارد)؛ متن = ف، س، ق، س (نیزل، ب) ۳۷- ل، ق: نه بوق و؛ س: نه لشکر
 نه تاج و؛ ل، آ، س: نه تحت و نه لشکر نه گاه و؛ متن = ف

۱۴۴۵	بدایران ^۱ برآن ^۲ گونه رانم سپاه به کیخسرو از بُن نمانم جهان به خنجر برآنسان ^۷ بزم سرش مگر کآسمانی دگرگونه کار ترا ای جهاندیده‌ی سرفراز	کز آن ^۳ پس نبیند کسی تخت و گاه ^۴ به سربر فرود ^۵ آرمش ^۶ ناگهان که گرید برو زار مویه‌گرش ^۸ فرازآید از ^۹ گردش روزگار نکرده‌ست ^{۱۰} یزدان به چیزی نیاز همه ایزدی هرچه ^{۱۳} بایدت هست ^{۱۴} دلیر و خردمند و گرد و سوار، که روشن شود ^{۱۶} جان تاریک تو به چشم یکی ده ^{۱۸} سوار اندکی سر و ^{۲۱} تاج گودرز بگسل ز جای به اسپان ^{۲۴} جنگی به پای ^{۲۵} اندرآر تو ^{۲۶} پیروز باشی بدآویختن ^{۲۷}
۱۴۵۰	ز ^{۱۱} مردان و از ^{۱۲} گنج و نیروی دست یکی نامور لشکری ^{۱۵} ده‌هزار فرستادم اینک بنزدیک تو کز ^{۱۷} ایرانیان ده ^{۱۸} وُزیشان ^{۱۹} یکی چو لشکر بنزد تو آید ^{۲۰} میای همان ^{۲۲} کوه کو کرده دارد ^{۲۳} حصار مکش دست ازیشان به خون‌ریختن	
۱۴۵۵	فرستاده بشنید پیغام شاه به پیش اندرآمد بسان ^{۲۹} شمن ^{۳۰}	بیامد بر پهلوان سپاه ^{۲۸} خمیده ^{۳۱} چُن ^{۳۲} از باد ^{۳۳} شاخ سمن ^{۳۴}

۱- ل- س^۱ (نیزق^۲- ب): بایران؛ متن = ف ۲- ل (نیزل^۲، و): از آن؛ ل، س^۲ (نیزق^۲، لی، آ، ب): بدان؛ متن = ف، س، ق (نیزب، لن^۲) ۳- ل^۲: کزین ۴- ل، ق (نیزلی، آ): تاج و گاه؛ س: نیزشاه؛ (پ، لن^۲): تخت شاه؛ و: تختگاه؛ متن = ف، ل، س^۲ (نیزق^۲، ل^۲، ب) ۵- س: فراز ۶- ل، س، ل، س^۲ (نیزق^۲، لی، و، آ، ب): آمش؛ ق (نیزلن^۲): آورم؛ متن = ف (نیزل^۲، ب) ۷- ل، ق: از آنسان؛ (لی، ل^۲، پ، لن^۲، آ: بدانسان)؛ متن = ف، س، ل، س^۲ (نیزق^۲) ۸- ل، ق (نیزق^۲، ل^۲): بدو (ق: برو) لشکر و کشورش (ل^۲: مغفرش)؛ س (نیزلی، پ، لن^۲، آ): بدو زار خود (لی، آ: جاودان) مادرش؛ متن = ف، ل، س^۲ ۹- س، ل، س^۲ (نیزلی، آ): فراز آرد از؛ (ب: فراز آردش)؛ متن = ف، ل، ق (نیزق^۲، ل^۲، پ، و، لن^۲) ۱۰- ل، س^۲: ندادست ۱۱- س^۲: به ۱۲- ف، ل، ق، ل، س^۲: وز؛ متن = س ۱۳- ل: هرچ؛ ل، س^۲: آنچه ۱۴- س (نیزب، لن^۲): همه هرچه خواهی ترا دست هست ۱۵- س، ل، س^۲: لشکری نامور ۱۶- ل، س، ق (نیزق^۲، ل^۲، پ، لن^۲): کند؛ متن = ف، ل، س^۲ (نیزلی، و، آ، ب) ۱۷- ل، ق، ل، س^۲ (نیزق^۲، ق^۲): از؛ س (نیزو)؛ کر (= گرو؟ کز؟)؛ متن = ف (نیزلی، ل^۲، پ، لن^۲، آ، ب) ۱۸- (و: صد)؛ بنداری؛ عشرة ۱۹- ل: وزینها؛ ق: وزاینان؛ (ل^۲: ازیشان)؛ متن = ف، س، ل، س^۲ (نیزق^۲، لی، پ- ب) ۲۰- س (نیزب، لن^۲): چونزدیکت آیند روزی ۲۱- ل: [و] ۲۲- س: دگر؛ (ق^۲: مران؛ لی: بدان؛ آ: برآن) ۲۳- س^۲: آنجا ۲۴- س: پیلان ۲۵- ل: زیبا؛ ق: ز پای ۲۶- س، ل، س^۲ (نیزب، لن^۲): چو؛ (لی، ل^۲، آ): که؛ متن = ف، ل، ق (نیزق^۲، و، ب) ۲۷- ل- س^۲ (نیزق^۲، پ، و، لن^۲): باویختن؛ (ل^۲، لی، آ، ب: زآویختن)؛ متن = ف؛ ل، ق (نیزلی، ل^۲، آ) پس از این بیت افزوده‌اند:

مان زنده زیشان بگیتی کسی

که نزد تو آید ازیشان (لی، آ: گر آیند نزد تو زیشان) بسی

۲۸- س^۲: بدان نامداران جنگی سپاه (= ۱۴۵۹ ب) ۲۹- ف: پیش (!)؛ متن = ل- س^۲ (نیزق^۲، ل^۲، پ، و، لن^۲) ۳۰- ق (نیزق^۲، ل^۲، لن^۲): سمن؛ (پ: چمن) ۳۱- ق: چمید او ۳۲- ل، س، ق، ل^۲ (نیزق^۲، ل^۲، پ، و، لن^۲): چو؛ متن = ف، س^۲ ۳۳- ل، س (نیزق^۲): از بار؛ (ل^۲، و: درباغ)؛ متن = ف، ق، ل، س^۲ (نیزب، لن^۲) ۳۴- ق (نیزق^۲): چمن؛ لی، آ، ب این بیت را ندارند

به پیران رسانید پیغام شاه
 ۱۴۶۰ چو بشنید پیران سپه را بخواند
 سپه را همه سربسره داد دل
 نهانی روانش پُر از درد بود
 که از هر سوی^۸ لشکر شهریار^۹
 هم از شاه ایران^{۱۱} دلش بود تنگ^{۱۲}
 ۱۴۶۵ به یزدان چنین گفت کای کردگار
 که را برکشیدی تو افکنده نیست
 ز خسرو، نگر تا جز از روزگار^{۱۵}
 نگه کن^{۱۷} بدین کار^{۱۸} گردنده دهر
 برآرد گل تازه^{۲۱} از خار^{۲۲} خشک
 ۱۴۷۰ شگفتی تر آنک از پی آرز مرد^{۲۵}
 میان نیا و نبیره دو شاه
 دو شاه دو کشور چنین کینه جوی^{۲۷}
 چه گویی^{۲۸} سرانجام این کارزار^{۲۹}
 پس آنکه به یزدان بنالید زار
 و زان^۱ نامبردار^۲ جنگی سپاه^۳
 فرستاده از^۴ این^۵ سخن بازارند
 شدند از غمان یکسر^۷ آزاددل
 پُر از خون دل و بخت پُرگرد بود
 همه گاشته پشت بر کارزار^{۱۰}
 بترسید کاید زناگه به جنگ^{۱۳}
 چه مایه شگفت اندرین روزگار^{۱۴}
 جز از تو جهاندار دارنده نیست
 که دانست کاید^{۱۶} یکی شهریار
 هر^{۱۹} آن را که از خویشتن کرد بهر^{۲۰}
 شود خاک^{۲۳} با بخت بیدار مشک^{۲۴}
 همیشه دل خویش دارد به درد^{۲۶}
 ندانم چرا باید این کینه گاه
 دو لشکر به روی اندرآورده روی
 که را برکشد گردش روزگار^{۳۰}؟
 که ای روشن و دادگر کردگار،

۱- س، ل، آ، س (نیزپ، لن، آ): بدان؛ (ب: بدین)؛ متن = ف، ل، ق (نیزق، ل، و، آ) ۲- ل، ق، ل، آ، س (نیزلی، ب): نامداران؛
 س: نامداران و؛ متن = ف (نیزق) ۳- (ق: چندان سپاه) ۴- ل، ق (نیزل): چون؛ س (نیزلی، پ، لن، آ، ب): را؛ ل، آ، س: هم؛
 (ق: پیش؛ و: نیز)؛ متن = ف (نیزآ) ۵- ق (نیزو): آن؛ ل، آ، س: زمین ۶- ل، ق (نیزلی، و، آ): سراسر همه؛ متن = ف، س،
 ل، آ، س (نیزق، پ، لن، آ، ب) ۷- س: پاک؛ ف: که گشت از غمان یکسر؛ ل، ق (نیزل): که از غم بیاشید؛ متن = ل، آ، س (نیزق، آ،
 لی، پ- ب) ۸- س، ل، آ، س: سویی ۹- س: لشکری سرفراز ۱۰- ل، ق: همه کاسته دید (ق: میدید) در کارزار؛ س: سر
 رزمسازان سوی رزمساز؛ (ق: همه داده پشت از بر کارزار؛ پ، لن، آ: همه رزمسازان سوی کارزار؛ آ: همه بود برگشته از کارزار)؛ متن = ف، ل، آ،
 س (نیزو) ۱۱- ل: شاه خسرو ۱۲- س: تنگ بود ۱۳- ل، ق (نیزق- آ): یکایک (لی، آ: بزودی) بجنگ؛ متن = ف، ل، آ،
 س ۱۴- س (نیزو): کارزار؛ ق: که دانست کاید یکی شهریار (۱۴۶۵-ب-۱۴۶۷ آرا انداخته و از ۱۴۶۵ آ و ۱۴۶۷ ب یک بیت
 ساخته است) ۱۵- س: ماند آن روزگار؛ (ق: تابچه روزگار؛ پ، لن، آ، ب: تا بدان روزگار؛ و: تا در آن روزگار)؛ ل: بخسرو نگر تا جز
 از کردگار؛ (لی، آ: ز خسرو که دانست کز روزگار)؛ متن = ف، ل، آ، س (ل: بخسرو) ۱۶- (لی، آ: بیاید بدینسان)؛ در ف پس از این
 بیت، بیت ۱۴۶۶ دوباره آمده است ۱۷- س: همه کس ۱۸- ل، آ، س: کرد ۱۹- ل (نیزق، لی، پ، آ): مر؛ متن = ف، س،
 ق، ل، آ، س (نیزل، و، لن، آ، ب) ۲۰- س: دید زهر (!)؛ (پ، لن، آ: یافت بهر) ۲۱- س (نیزپ، لن، آ): برآورده تازه گل ۲۲-
 ف (نیزق): خاک؛ متن = ل- س (نیزلی- ب: راوندی، ص ۱۶۵، س ۲؛ ص ۲۸۵، س ۱۶) ۲۳- (لی، و، آ: خار) ۲۴- (ق: آ:
 ز خاک سیه آورد بوی مشک) ۲۵- ل: از پی رادمرد؛ س (نیزل): آن کس (لن: کن) که آزادمرد؛ ق (نیزپ): آن کز پی رادمرد؛
 (لی: از کار آزادمرد؛ ل: از این دو آزادمرد؛ آ: از کار پرآزمرد؛ ب: آنک اندر ایام مرد)؛ متن = ل، آ، س (نیزق، و) ۲۶- (ل: داده
 بدر؛ آ: که همواره دارد دل خود بدر)؛ ف این بیت را ندارد ۲۷- ل، س، ق (نیزق، لی، آ): جنگجوی؛ متن = ف، ل، آ، س (نیزل، پ،
 لن، آ، ب) ۲۸- س (نیزپ، و): گویم ۲۹- ق (نیزق): روزگار ۳۰- (ق: کارزار)؛ ق: چرخ ناسازگار ۳۱- ل، س،
 ل، آ، س (نیزق- آ): [و؛ متن = ف، ق

۱۴۷۵	گر افراسیاب اندرین کینه‌گاه ^۱ بدین رزمگه گشته خواهد شدن چو کیخسرو آید از ^۲ ایران به کین روا باشد ار خسته در جوشنم میباد هرگز جهان‌بین من که را ^۳ گردش روز با کام ^۴ نیست از آن پس نه پیران سپه را به یاد ^۵
۱۴۸۰	ابا نامدارانِ توران سپاه، سر بخت ما گشته خواهد شدن، بدو بازگردد سراسر زمین، برآرد روان کردگار از تنم گرفته کسی راه و آیین من وُرا مرگ با زندگانی ^۶ یکیست نه گودرزِ کشواد شه را به یاد ^۷

گفتار اندر جنگ ایرانیان و تورانیان به انبوه^۷

۱۴۸۵	دو رویه ز لشکر برآمد ^۸ خروش سپاه اندرآمد ز هر سو ^۹ گروه دو سالار، هر دو بسان پلنگ بکردار باران از ^{۱۰} ابر سیاه جهان چون شب بهم ^{۱۱} از تیره ^{۱۲} میغ زمین آهنین کرده اسپان به نعل ز بس خسته تن کاند ^{۱۳} آن رزمگاه بر آوردگه جای گشتن نماند
۱۴۸۵	زمین آمد از نعل اسپان به جوش پوشید جوشن همه دشت و کوه فرازآوردند لشکر به جنگ ببارید تیر اندر آن رزمگاه چُن ابری ^{۱۴} که باران او تیر ^{۱۵} و تیغ برودست گردان به خون گشته ^{۱۶} لعل بریده سرانشان، فکنده به راه پی اسپ را برگزشتن نماند

۱- ل: رزمگاه ۲- ل، س، ل، س: ۲: ز؛ متن = ف، ق ۳- س: کس از ۴- ل: (نیز لن): ناکام ۵- ل، ق: (نیز ل):
ورا زندگانی و مرگش؛ متن = ف، س، ل، س: ۲ (نیز لن، ق، آ، ب) ۶- ف: پسی (؟): متن = (لن، و، ب)؛ ل، س، ق، ل، آ،
س، آ، ق، ل، ل، آ، ل، آ: بجای بیت ۱۴۸۱ افزوده اند:

ل، ق، ل، آ: وزان پس ز ایران سپه کرتای
س: مرا مرگ بهتر ازین زسنگی
ل، س: ۲: از آن پس سران سپه را (س: ۲: سپه را سراسر) ببرد
بسرآمد دم بوق و هسنندی درای
که سالارباشم کم بندگانگی (= ۲۴۵)
بگسودرز کشواد را دل (س: ۲: دل را) سپرد
ق: ۲: وزان پس بیاورد لشکرز جای
ل: ۳: وزان پس برآمد دو لشکرز جای
تو گفتی که دارد تن خاک پای
تبیره برآمد زهر دو سرای

پ، لن: ۲ هیچیک از این بیته را ندارند ۷- ل: رزم انبوه گودرز و پیران با یکدیگر؛ س: جنگ ایرانیان و تورانیان و گودرز و پیران بانبوه؛
ق: محاربت گودرز کشواد با پیران و سسه؛ ل: ۲: جنگ دوم از یازده رخ؛ س: ۲: جنگ دوم ایرانیان با تورانیان؛ ف سرنویس ندارد؛ متن ←
س ۸- س: برآمد ز لشکر ۹- س، ق: (نیز لن، ق، ل، ل، آ): هر دو؛ متن = ف، ل، ل، س: ۲ (نیز پ، و، لن) ۱۰- ل، ق، ل، آ،
س: ۲: ز؛ متن = ف، س ۱۱- ل، ق: (نیز لن): تیره؛ (ل): پهن → بهمین؛ پ: قیر؛ لن: جهان شد سیه رنگ؛ ل، آ: جهان گشت همچون
شب؛ ب: جهان شد شبه رنگ؛ متن = ف، ل، س: ۲ (نیز ق، و) ۱۲- ق: گرد ۱۳- ل، ق: (نیز لن، ل، ل، آ، ب): چو ابری؛ ل، آ،
س: ۲ (نیز ق، ل، لن): چه ابری؛ (پ، و: چه میغی)؛ متن = ف ۱۴- ل، ل، س: ۲ (نیز لن، ق، آ، ب): بارانش زوبین؛ متن = ف، ل، ق
(نیز ل- آ)؛ س این بیت را ندارد ۱۵- ق: کرده ۱۶- ل، ق: ترک اندر؛ متن = ف، س، ل، س: ۲ (نیز لن، ق، آ، ب، و، لن، آ،
ب)

- ۱۴۹۰ زَمی^۱ لاله گون^۲ شد، هوا نیلگون^۳
 دو سالار گفتند: اگر^۴ همچین
 شب تیره را کس نماند به جای
 چو پیران چنان^۵ دید جای نبرد
 که چندان کجا با شما لشکرست
 ۱۴۹۵ سواران^{۱۱} ببخشید تا بر سه روی
 وُزیشان^{۱۵} گروهی که بیدارتر
 بدیشان^{۱۶} سپارید پشت سپاه
 به لَهاک فرمود تا سوی کوه
 همیدون سَوی رود فرشیدورد
- برآمدهمی موج^۴ دریای خون
 بدارند^۶ گردان برین^۷ دشت کین،
 جز از چرخ گردان و گیهان خدای^۸
 به لَهاک فرمود و فرشیدورد،
 کسی کو بدین^{۱۰} رزمگه درخورست،
 بوند^{۱۲} اندرین رزمگه^{۱۳} چاره جوی^{۱۴}
 سپه را ز دشمن نگهدارتر،
 شما بر دو رویه بگیرید راه^{۱۷}
 برد لشکر خویش را همگروه
 رود^{۱۸} تا برآرد به خورشید گرد^{۱۹}
- ۱۵۰۰ چُن آن^{۲۰} نامدارانِ توران سپاه
 نوندی برافگند پس^{۲۴} دیدبان^{۲۵}
 نگهبان^{۲۸} گودرز خود با سپاه
 دو رویه چو لَهاک و فرشیدورد
 سواران ایران برآویختند^{۳۱}
- کشیدند^{۲۱} از آن^{۲۲} لشکر کینه خواه^{۲۳}،
 از آن دیدگه^{۲۶} تا در^{۲۷} پهلوان
 همی داشت هر سوز دشمن نگاه^{۲۹}
 ز راه کمین برگشادند^{۳۰} گرد،
 همی خاک با خون برآمیختند

۱- ل- س^۲ (نیزلن- ق^۱): زمین؛ متن = ف ۲- ف: میردی (؟)؛ س (نیزلن، پ، لن، آ، ب): تیره گون؛ ق: لعل گون؛ ل، آ
 س^۲ (نیزو): آهین؛ متن = ل (نیزق، آ، لی، ل، آ، آ) ۳- ق: لاله گون ۴- س^۲: چرخ (موج) ۵- س (نیزلن، ق، آ، ب):
 گر ۶- ل، ق (نیزپ): بدارم؛ س: برآرند؛ س^۲: ندارند؛ (ل، آ، و: بمانند)؛ متن = ف، ل^۲ (نیزلن، ق، آ، لی، لن، آ، آ، ب) ۷-
 ق، س^۲ (نیزلی، آ): بدین؛ (ل، آ: بران) ۸- ق: گیتی خدای ۹- س (نیزپ): چنین ۱۰- س (نیزپ): درین؛
 ل، ق: کاندین؛ متن = ف، ل، آ، س^۲ (نیزلن- آ) ۱۱- ل: سرانرا؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س^۲ (نیزلن- ب) ۱۲- س
 (نیزل، آ، پ، لن، آ): شوند؛ ق: روند؛ ل، آ، س^۲: بوم؛ متن = ف، ل (نیزلن، ق، آ، لی، و، آ، ب) ۱۳- ق: کینه گه ۱۴- ل
 (نیزلی، آ): کینه جوی؛ ق: رزمجوی؛ (ق، آ، و: جنگجوی)؛ متن = ف، س، ل، آ، س^۲ (نیزلن، آ، پ، لن، آ، ب)؛ در ل^۲ این بیت یکبار
 هم پس از بیت ۱۴۹۲ آمده است ۱۵- ق: وز آنها ۱۶- ق: بایشان ۱۷- س: کشیدند از آن لشکر کینه خواه
 (۱۴۹۷- ب - ۱۵۰۰ آ را انداخته و از ۱۴۹۷ آ و ۱۵۰۰ ب یک بیت ساخته است) ۱۸- ل: شود ۱۹- ق (نیزل، آ،
 و): ز راه کمین برگشایند (ل: برکشیدند) گرد (= ۱۵۰۳ ب) ۲۰- ف (نیزل، آ): چنان؛ ل، ق، ل^۲ (نیزلن، لی، و، لن، آ، ب،
 آ): چو آن؛ س^۲: چن از؛ (ق، آ، پ: چو این) ۲۱- ل (نیزو): گسستند ۲۲- ل: زان؛ ق، ل^۲ (نیزپ، لن، آ): [از] آن؛ (و:
 از)؛ متن = ف، س (نیزلن، ق، آ، ب) ۲۳- س^۲ (نیزل، آ): همی داشت هر سوز دشمن نگاه (= ۱۵۰۲ ب) ۲۴- ل،
 ق: بر؛ متن = ف، س، ل، آ، س^۲ (نیزلن- ب) ۲۵- ل- س^۲ (نیزلن، ق، آ، پ، و، لن، آ، ب): دیده بان ۲۶- ل- س^۲ (نیزلن،
 ق، آ، پ، و، لن، آ، ب): دیده گه ۲۷- ق، ل^۲ (نیزلن، ق، آ، پ، لن، آ، ب): بر؛ (ل: سوی)؛ متن = ف، ل، س، س^۲ (نیزو) ۲۸-
 ف: نگه کرد؛ متن = ل- س^۲ (نیزلن، پ، و، لن، آ، ب) ۲۹- س: ز لشکر نگاه؛ ق: زهر سو همی داشت دشمن نگاه؛ س^۲:
 کشیدند از آن لشکر کینه خواه (= ۱۵۰۰ ب)؛ متن = ف، ل، ل^۲ (نیزلن، پ، و، لن، آ، ب)؛ ق، آ، لی، ل^۲ این بیت را ندارند ۳۰-
 ف، س^۲: برکشیدند؛ ل^۲: برگشودند؛ متن = ل، س، ق (نیزلن، لی، پ، لن، آ، آ، ب) ۳۱- س:

<p>۱۵۰۵ نوندی^۱ بیامد ز^۲ هر سو دوان^۳ نگه کرد گودرز تا پشت اوی^۴ گرامی پسر شیر شرز هجیر بفرمود تا شد به^۵ پشت سپاه بگوید که لشکر سوی رود و کوه ۱۵۱۰ و دیگر بفرمود گفتن به گیو گزیند، سپارد بدو جای خویش هجیر خردمند بسته کمر بنزد برادر بیامد^{۱۳} دمان^{۱۴} چو بشنید گیو آن^{۱۵} سخن بردمید ۱۵۱۵ گزین ابرشهر^{۱۶} فرهاد گرد دو صد کاردیده دلاور سران برد تاختن سوی فرشیدورد ز گردان دو صد با درفش^{۲۳} چو باد بدو گفت: از ایدر^{۲۵} بگردان عنان</p>	<p>بد آگاه^۴ کردن بر^۵ پهلوان که دارد^۷ ز گردان پر خاشجوی^۸ به پشت پدر بود با تیغ و تیر بر گیو گودرز لشکر پناه به یاری فرستد گروه ها گروه^{۱۰} که پشت سپه را یکی مرد نیوا^{۱۱}، و ز آنجا نهد پیشتر^{۱۲} پای خویش چو بشنید گفتار فرخ پدر، بگفت آن کجا گفته بُد پهلوان ز لشکر یکی نامور برگزید بخواندش^{۱۷}، سپه یکسر او را سپرد^{۱۸} بفرمود تا^{۱۹} زنگه ی شاوران^{۲۰}، برانگیزد از رود و از^{۲۱} آب^{۲۲} گرد همیدون به^{۲۴} گرگین میلاد داد ابا گرز و با آب داده سنان</p>
---	---

۱- ل: نوندی (نوندی) ۲- ل، ق: برافکنند؛ متن = ف، س، ل، س ۳- (نیز لن، پ، و، لن، ب) ۳- ق، س: دمان ۴- ل، ق (نیز لن، ل، پ، و، لن، ب): باگاه؛ س: بر آگاه؛ متن = ف، ل ۵- س: از آن دیده که تا در؛ ق، ل، ی، آ این بیت را ندارند؛ درس پس از این بیت، بیت ۱۵۰۲ دوباره آمده است ۶- ق: او ۷- ق: که دارند ۸- ق: پر خاشجو ۹- س: تارفت ۱۰- ق این بیت را ندارد؛ ف، ل، س ۱۱- (نیز پ، لن) پس از این بیت افزوده اند:

به گرد آورد آن (ف: این) سپه یکسره (پ: راهمه)

که او چون شبان بود و ایشان بره (پ: رمه)

۱۱- ف، ل، س ۱۲- (نیز پ، لن) پس از این بیت افزوده اند:

بباید شدن تا بود چون (پ، لن): تا نگردد تباه

۱۲- ل، ق: نهد او از آنجاییکه؛ متن = ف، س، ل، س ۱۳- ل، س، ق (نیز لن، ق، ل، ی، ل، و، آ، ب): بیامد بسوی برادر؛ متن = ف، ل، س ۱۴- (نیز پ، لن) ۱۴- ل، ف، ل (نیز ق، ل، و، آ): دوان (؟)؛ متن = س، ق، ل، س ۱۵- ل، س: این ۱۶- ل، ف، ل، س ۱۷- ل، ق (نیز ل، ی، و، آ): گزین کرد آنگاه؛ ل، ق (نیز ل، آ): کجا نام او بود؛ (لن، ب): گزین کرد خود شهره؛ ق: بدان دشت بگزید؛ ل: گزینش نبد جز که؛ و: گزین همه شهره؛ متن = س (داستان عرض کردن کیخسرو، بیت ۱۵۳-۱۵۴) ۱۷- ل، ق (نیز ل، آ): بخواند و؛ متن = ف، س، ل، س ۱۸- ق: سپه را بدو ۱۹- ل: با ۲۰- ق: تنگ بسته میان ۲۱- س، ق، ل: وز ۲۲- س: کوه ۲۳- ل، ف، ل (نیز ل): درفش؛ ق: ز گردان درفش همیدون؛ متن = ل، س، س ۲۴- ل، ق: بفرخنده؛ (و: همانگه به)؛ متن = ف، س، ل، س ۲۵- (نیز هشت دستنویس دیگر)؛ س (نیز لن، پ، لن، ب) پس از بیت ۱۵۱۸ افزوده اند:

بیامد دمان تا در پهلوان چو دیدش خردمند و روشن روان

ل: پس از بیت ۱۵۱۸ افزوده است:

پس آنکه بیامد به پیش پدر چنین گفت پس سر بر سر تا بسر (!)

۲۵- ل: زاید

۱۵۲۰ کنون برد ^۱ باید بریشان سپاه ^۲ که پشت سپه‌شان بهم برشکست کنون شیرمردی به کار آیدت به تو ^۷ دارد اومید ^۸ ایران سپاه ازیشان نپرهیز و تن پیش‌دار از ایدر برو تا به قلب سپاه که پشت همه شهر توران بدوست اگر دست یابی برو ^{۱۳} کار بود بیاساید ^{۱۵} از رنج و سختی سپاه شکسته شود پشت افراسیاب بگفت این سخن پهلوان با پسر سواران پس از میمنه ^{۱۸} ، میسره، گرازه برون آمد و گستم از آنجا ^{۲۰} سوی قلب توران سپاه	کنون رفت باید بدان کینه‌گاه ^۳ دل پهلوان‌شان ^۴ شد از جنگ ^۵ پست که ^۶ با دشمنان کارزار آیدت هنر کن پدید اندرین رزمگاه ^۹ که آمد گه کینه و ^{۱۰} کارزار ز پیران بدان جایگه کینه خواه ^{۱۱} چو روی تو بیند بدرزش ^{۱۲} پوست جهاندار و ^{۱۴} نیک اخترت یار بود، شود شادمانه جهاندارشاه پُر از خون کند دل، دو دیده پُر آب ^{۱۶} پسر جنگ را تنگ بسته ^{۱۷} کمر بفرمود خواندن همه یکسره هجیر ^{۱۹} سپهدار و بیژن بهم گرانمایگان برگرفتند راه
--	--

۱- (لن، ل، ب: کرد) ۲- ق، س^۲ (نیز لن، ل-ب): بدیشان سپاه؛ ل، س: کنون رفت باید بر آن (س: بدان) رزمگاه؛ (ق: ب: ببردن
 بنزدیک پیران سپاه)؛ متن = ف، ل^۲ (نیز و) ۳- (لن، ق، ل، ی، آ: رزمگاه؛ پ، لن^۲: بدین رزمگاه)؛ ل: جهان کرد باید بریشان سپاه؛ س:
 از ایشان نپرهیز و تن پیش دار (= ۱۵۲۴ آ؛ در میان ستون‌ها افزوده است: یکایک کشیدن بدیشان سپاه)؛ ق: همی گشت باید بدین کینه گاه؛
 ل، س^۲: هنر کن پدید اندرین رزمگاه (= ۱۵۲۳ ب)؛ متن = ف (نیز ل، و، ب) ۴- ل- ل- س^۲ (نیز ق، ل، ی): پهلوانان؛ متن = ف (نیز لن،
 ل، ب، و، لن، ب) ۵- ل: درد؛ (و: رنج)؛ ل، ق پس از این بیت افزوده‌اند:

به بیژن چنین گفت کای شیرمرد
 تویی شیر درنده روز نبرد

بیت‌های ۱۵۲۱-۱۵۲۶ در دستنویسها درهم ریخته‌اند، ل: ۱۵۲۱، ۱۵۲۱ پ، ۱۵۲۲، ۱۵۲۵، ۱۵۲۴، ۱۵۲۶، ۱۵۲۳ (۱۵۲۳ را ندارد)؛ ق: ۱۵۲۱،
 ۱۵۲۱ پ، ۱۵۲۲، ۱۵۲۳، ۱۵۲۴، ۱۵۲۵ (۱۵۲۵ و ۱۵۲۶ را ندارد)؛ ل^۲: ۱۵۲۴، ۱۵۲۱، ۱۵۲۲، ۱۵۲۳، ۱۵۲۴، ۱۵۲۶ (۱۵۲۱ پ را ندارد)؛ س^۲:
 ۱۵۲۴، ۱۵۲۳، ۱۵۲۱، ۱۵۲۲، ۱۵۲۵، ۱۵۲۶ (۱۵۲۱ پ را ندارد)؛ پ: ۱۵۲۱، ۱۵۲۳، ۱۵۲۲، ۱۵۲۳، ۱۵۲۴، ۱۵۲۶ (۱۵۲۱ پ را
 ندارد)؛ و: ۱۵۲۱، ۱۵۲۵، ۱۵۲۶ (۱۵۲۱ پ، ۱۵۲۲، ۱۵۲۳، ۱۵۲۴ را ندارد)؛ لن^۲: ۱۵۲۱، ۱۵۲۳، ۱۵۲۲، ۱۵۲۵، ۱۵۲۶ (۱۵۲۱ پ را
 ندارد)؛ پ: ۱۵۲۱ را ندارد)؛ بیایی بیت‌های متن = ف، س، لن، ق، ل، ی، آ، ب ۶- ق (نیز ل، آ): چو ۷- س (نیز لن، ب): ترا ۸-
 س، ق، ل، س^۲ (نیز لن- پ، لن، آ، ب): امید؛ متن = ف ۹- ق: ز پیران بدینجایگه کینه خواه (= ۱۵۲۵ ب)؛ ل، س^۲: کنون رفت باید
 بدان کینه گاه (= ۱۵۲۰ ب)؛ متن = ف، س (نیز لن- پ، لن، آ، ب)؛ ل (نیز و) این بیت را ندارند ۱۰- ل، ق: در؛ متن = ف، س، ل، آ،
 س^۲ (نیز لن- پ، لن، آ، ب) ۱۱- ل: کنون رفت باید بدان کینه گاه (= ۱۵۲۰ ب)؛ ق این بیت را ندارد ۱۲- س: بلرزش (ج-
 بدرزش)؛ ق این بیت را ندارد ۱۳- س، ق، ل، بدو ۱۴- ق: [و] ۱۵- س: برآساید؛ ف، ل، س^۲ (نیز پ، لن) پس از این
 بیت افزوده‌اند:

بیایی بسی گنج و بس خواسته
 شود کارهای تو آراسته

۱۶- ل، ق: پر از دیده آب (!)؛ متن = ف، س، ل، س^۲ (نیز لن، ق، ل، آ، ب، لن، آ) ۱۷- س: سخت کرده؛ ق: بند بست از؛ (لن، ب:
 سخت بسته) ۱۸- س^۲ (نیز لن): میمن و؛ (ب: میمنه و)؛ ل (نیز پ): که بودند بر؛ ق (نیز ل، آ): جنگی پس از؛
 (ق: سوارانش از میمنه؛ ل: سران را هم از میمن و)؛ متن = ف، س، ل^۲ (نیز و، لن) ۱۹- س: هجیر و ۲۰- ل، س، ق:
 وزانجا

برآن ^۲ بادپایان هخته ^۳ زهار	بکردار گرگان ^۱ به روز شکار
ز کینه همی ^۴ دل پرداختند ^۵	۱۵۳۵ میان سپاه اندرون تاختند
پراگنده گشته گه کارزار	همه دشت برگستوان ور ^۶ سوار
کفن جوشن و سینه‌ی شیر گور ^۷	چه مایه فتاده به پای ستور
بدید آن تکاپوی و ^۸ گرد سیاه،	چو رویین پیران ز پشت سپاه
ابا نامداران بکردار گرگ	بیامد ز ^۹ پشت سپاه بزرگ
بکوشید و هم برنیامد به جنگ	۱۵۴۰ برآویخت برسان شرزه ^{۱۰} پلنگ
به نومیدی از جنگ بنمود پشت	بیفگند شمشیر هندی ز مشت
بماند آن زمان خیره بر جای خویش ^{۱۳}	سپهدار پیران و ^{۱۱} کس های ^{۱۲} خویش
عنان سوی ^{۱۵} او جنگ را برکشید ^{۱۶}	چو گیو آنگهی ^{۱۴} روی پیران بدید
به نیزه ز اسپ اندر آورد ^{۱۸} خوار	از آن مهتران پیش پیران ^{۱۷} چهار
همی تیر بارید بر بدگمان	۱۵۴۵ به زه ^{۱۹} کرد پیران ویسه کمان
به نیزه ندرآمد ^{۲۱} بکردار گرگ ^{۲۲}	سپر بر سر آورد گیو سترگ ^{۲۰}
که با وی به نیزه بجوید نبرد ^{۲۵} ،	چُن ^{۲۳} آهنگ پیران سالار ^{۲۴} کرد
کز آن جای پی پیش نهاد و پای ^{۲۶}	فروماند اسپش همیدون به جای
بزد خشم را نامبردار گو	یکی تازیانه بدان ^{۲۷} تیزرؤ
به نفرین دُرخیم ^{۲۸} دیو نژند	۱۵۵۰ بجوشید و بگشاد لب را ز بند

۱- س (نیز لن، ق، آ، لی، پ، لن، آ، ب): شیران؛ (ل: گردان → گرگان؛ و: ترکان → گرگان)؛ س: ننگه دار گردان (→ بکردار گرگان)؛ متن = ف، ل، ق، ل، ق، ل، س، ل: آ: بدان ۳- ل، ق (نیز لن، ق، آ، ل، آ، ب): اخته؛ (پ: بخته؛ لن: نخته → بخته)؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیز لی، و، آ: لغت شهنامه، شماره ۲۷۵۱ و شماره ۲۷۵۰) ۴- ل، آ، س (نیز لن، ل، آ، ب، لن، آ، ب): همه؛ متن = ف، ل، س، ق (نیز ق، آ، لی، و) ۵- در ف، ق، ل، آ، س (نیز لن، ق، آ، لی، و، پ، آ) حرف یکم نقطه ندارد؛ متن = ل، س (نیز ل، آ، لن، آ، ب) ۶- ق: برگستوان و ۷- س این بیت را ندارد ۸- ل: [او] ۹- ل (نیز ل، آ، پ، لن، آ): به ۱۰- ل: شرزه ۱۱- س (نیز پ): ز ۱۲- ل: مردان؛ متن ← ۱۳- ل: بجنگ اندرون پای نهاد پیش؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیز لن - پ، لن، آ، ب): ق (نیز و) این بیت را ندارند ۱۴- ل: آن زمان؛ (و: از میان)؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س (نیز لن - پ، لن، آ، ب) ۱۵- س (نیز لن، ب): پیش؛ متن ← ۱۶- ل (نیز لی، ل، آ، آ): عنان را سوی جنگ او برکشید (ل: پیران کشید)؛ (پ: عنان جنگ را سوی او برکشید)؛ متن = ف، ق، ل، آ، س (نیز لن، ق، آ، و، لن) ۱۷- ق: نامداران توران ۱۸- ل، ق (نیز ق، آ، لن، آ): اندرافکنند؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیز لن، لی، ب، و، آ، ب) ۱۹- س: ننگه؛ ق: بیتهای ۱۵۴۵ و ۱۵۴۶ و ل: بیتهای ۱۵۴۵-۱۵۴۷ را ندارند ۲۰- س: دلیر ۲۱- ل، س، س (نیز لن - ب): به نیزه درآمد؛ متن = ف: به نیزه اندرآمد ۲۲- س: شیر ۲۳- ل، س، ق، س (نیز لن - ب): چو؛ متن = ف ۲۴- ق: آهنگ سالار و پیکار ۲۵- ل: که جوید باورد با او نبرد؛ (ق، آ، ل: که با او بجوید به نیزه نبرد)؛ متن = ف، س، ق، س (نیز لن، لی، ب - ب: س، لی، ب: او) ۲۶- س: نهاد پای؛ ل، ق (نیز لن، ق، آ، ل، آ، پ، لن، آ، ب): از (ق: کز) آنجا که بُد پیش نهاد پای؛ س: از آنجایکه تیز نهاد پای؛ ل: کز آنجای پیش نهاد پای (!)؛ (و، آ: از آنجایکه پیش نهاد پای)؛ متن = ف (← س) ۲۷- ل، ل، ل، س (نیز لن، ق، آ، ب): بران؛ متن = ف، س، ق (نیز لی، ل، آ، ب، لن، آ) ۲۸- ق: بدُرخیم

یکی درقه‌ی گرگ^۲ بر^۳ سر گرفت
 که با دست پیران بدوزد جگر^۴
 بُدنه کارگر تیر بر^۵ کوه گنگ^۶
 بزد گیو پیکانِ جوشن گذار^۷
 بدانجا رسیدند یارانِ گیو
 برفت از پی ش^{۱۱} گیو تازان^{۱۲} چودود
 که ای نامبردار فرخ‌پدر،
 که پیران فراوان کند کارزار
 مرو را بود روز سختی رها
 برآرد، تو^{۱۴} ای باب چندین مکوش^{۱۵}!
 چه پیچی تو او را به سختی و آزار^{۱۸}؟

پُر از خشم و کینه سواران^{۱۹} نیو
 سُوی لشکر خویش بنهاد^{۲۱} روی
 بنزدیک لَهَاک و فرشیدورد،
 دلیران و خنجرگزاران^{۲۳} من

ببفگندا نیزه کمان برگرفت
 کمان را به زه کرد و بگشاد بر
 بزد بر سرش چارچوبه خدنگ
 همیدون سه‌چوبه^۸ بر اسپ سوار
 نشد اسپ خسته، نه پیرانِ نیو
 چو پیران چُنین دید برگشت^{۱۰} زود
 بنزدیک گیو آمد آنکه پسر
 من ایدون شنیده‌ستم از شهریار
 ز جنگ بسی^{۱۳} تیزچنگ آژدها
 سرانجام بر دستِ گودرز هوش
 گر^{۱۶} او را زمانه نیامد^{۱۷} فراز

پس اندر رسیدند یارانِ گیو
 چو پیران چُنان دید برگشت از وی^{۲۰}
 خروشان پُر از درد و رخساره زرد
 بیامد، که ای^{۲۲} نامدارانِ من

۱- س: فروماند ببفکنند (وزن ندارد) ۲- ل: کک (!): س: کیل (گیل؟): (لن: رود: ق: ترک: ل: ورته کرک: ب: درقه زود): متن = ف، ل، س، ق (نیز، پ، لن) ۳- (ل، آ: یکی کرک درقه ابر) ۴- ل، ق: سپر: س: که تا دست یابد بر او بر مگر: (لن، پ، لن: که تا دست یابد بدوزد جگر: ق: که با پشت پیران بدوزد جگر: ل: که تا دست پیران بدوزد بسر): متن = ف، ل، آ، س: (نیز، ل، آ) ۵- ق: نشد ۶- ق: در ۷- ل، ق (نیز، لن، ل، و، آ، ب): سنگ: متن = ف، س، ل، آ، س: (نیز، ق، ل، پ، لن) ۸- ق: همیدون چار دیگر (وزن ندارد) ۹- ل، س (نیز، لن، و، ب): آهن گذار: متن = ف، ق، ل، آ، س: (نیز، ق، ل، پ، لن، آ): ل: در اینجا سرنویس دارد: جنگ گیو با پیران و گریختن وی از گیو ۱۰- (و: برگاشت) ۱۱- ل (نیز، ل، پ، و، آ): پیش: ل، آ، س: (نیز، لن): (ق: بیامد بر): متن = ف (نیز، ل) ۱۲- ف: گیو و یاران: س: گیو و یاران (حرفهای یکم و سوم واژه پسین نقطه ندارند): (ل، و، آ: گیو برسان): متن = ل، ل، آ (نیز، ق، ل، پ، لن): س، ق (نیز، لن، ب) این بیت را ندارند: ل، آ، س: پس از این بیت دو بیت، ف تنها بیت یکم و ق: تنها بیت دوم را افزوده اند:

سوی لشکر خوشتن ساختند همه بند را کیمیا ساختند
 بدان تا کنند خسته مرگیورا شکسته کند لشکر نیورا

۱۳- ف: بسر (بسی): متن = ل- س آ (نیز، لن- ب) ۱۴- ل، س آ (نیز، ق، ل، آ): برآید تو: س (نیز، پ): برآیدش: متن = ف، ق، ل آ (نیز، لن، ل، و، ب) ۱۵- س: بسیار کوش: (لن، ب: زین بیش با او مکوش) ۱۶- ق، س آ (نیز، ل، آ): که: متن = ف، ل آ (نیز، پ) ۱۷- ل: نیاید ۱۸- ق: نیچید روزش سختی و آزار: (ل، آ: چه پیچی همی برره دور (جودرد) و آزار): متن = ف، ل، آ، س آ (نیز، پ، لن، س) (نیز، لن، ق، آ، ل، و، و، ل، آ، ب) این بیت را ندارند ۱۹- ف، ل: دلیران (پساوند نادرست است): (پ: نامداران): متن = ل، ق (نیز، لن، ق، آ، ل، و، ل، آ، ب) این بیت را ندارند ۲۰- ل (نیز، ل): زوی: س (نیز، لن، پ، لن، آ، ب): برگاشت روی (س، لن، ل، آ، ب پساوند ندارند): متن = ف، ق، ل آ (نیز، ق، ل، آ): س آ (نیز، ل، آ، ب): (پ: بگذاشت) ۲۱- (پ: بگذاشت) ۲۲- س (نیز، لن): برآمد که ای: ل، آ، س آ (نیز، ق، ل، پ، و، لن): چنین گفت کای: متن = ف، ل، ق (نیز، ل، ب) ۲۳- ف: خنجر گذاران: متن = ل- س آ (نیز، لن- ب)

شما را ز بهر چُنین روزگار
کنون چون به جنگ^۱ اندرآمد سپاه
نبینم^۳ کسی کز پی نام و ننگ
چُن^۵ آوای^۶ پیران بدیشان رسید
۱۵۷۰ برفتند و گفتند اگر^۷ جانِ پاک
بنندیم^۹ دامن یک اندر دگر
سوی گِیو لَهَاک و فرشیدورد
بیامد^{۱۳} بر گِیو لَهَاک نیو
همی خواست کو را رباید ز زین
به نیزه زره^{۱۷} بردرید از نهیب
۱۵۷۵ بزد نیزه پس گِیو^{۱۹} بر اسپ اوی
پیاده شد از اسپ^{۲۱} لَهَاک مرد
ابر^{۲۲} نیزه گِیو تیغی چو باد
چو گِیو اندر آن زخم او^{۲۴} بنگرید
۱۵۸۰ بزد چون یکی^{۲۵} تیزدم آژدها
سبک دیگری زد به گردنش بر
بجوشید خون از دهان و جگرش^{۲۸}

همی پرورانیدم اندر کنار
جهان شد ز دشمن به مابر^۲ سپاه
ز^۴ پیش سپاه اندرآید به جنگ
دل نامداران ز کین بردمید
نباشد به تن نیست با ننگ باک^۸
نشاید گشادن برین^{۱۰} کین کمر^{۱۱}
برفتند و جُستند با او^{۱۲} نبرد
یکی نیزه زد بر کمرگاه^{۱۴} گِیو
نگوسار^{۱۵} از اسپ^{۱۶} افگند بر زمین
نیامد برون پای گِیو از رکیب^{۱۸}
ز درد اندرآمد تگاور به روی^{۲۰}
فرازآمد از دور فرشیدورد
بزد، کرد نیزه به دو نیم ساد^{۲۳}
عمود گران از میان برکشید
که از دست او خنجر آمد^{۲۶} رها
که آتش ببارید بر تنش^{۲۷} بر
تنش سست تر گشت^{۲۹} و شد خیره سرش^{۳۰}

۱- س (نیزلن، و، ب): چرا چون بجنگ؛ ق: کنونم بجنگ؛ (ق: که چون خود به تنگ)؛ متن = ف، ل، ل، ل، س^۲ (نیزلی، ل، ل، پ، ل، ن، آ)
 ۲- ل، ق (نیزلی، و، آ): به ما برز دشمن؛ (ق: ز دشمن من بر)؛ س (نیزلن، ب): گشت بر ما ز دشمن؛ متن = ف، ل، ل، س^۲ (نیزل، ل، پ، ل، ن، آ)
 ۳- س (نیزب، و، ل، ن): ندیدم ۴- ل، ل، س^۲ (نیزلن، ب): به؛ متن = ف ۵- ل، ل، س^۲ (نیزلن، ب): چو؛ متن = ف ۶- ل، ل، س^۲ (نیزق، ل، ب): آواز؛ متن = ف (نیزلن) ۷- ل، ل، س، ق (نیزلن، آ، ب): گسر؛ متن = ف، ل، ل، س^۲ (نیزق، ل، ل، پ، ل، ن، آ)
 ۸- ل، ل، س، ل، س^۲ (نیزق، ل، پ، ل، ن، آ): نیستمان ترس (ل: بیم؛ س: ننگ؛ ق: درد) و باک؛ ق: درهمی نیست باک؛ (ل: در نداریم باک)؛ متن = ف (نیزل، ل، ن) ۹- س^۲: ببندید ۱۰- ق: بدین ۱۱- س: فشاندن به پیش اندرین کار سر؛ ل، ل، س^۲: نشاید ازین کین گشادن کمر؛ متن = ف، ل، ل، س^۲: درآمد ۱۳- ق: درآمد ۱۴- ل، ل، س^۲ (نیزلی، پ، ل، ن، آ): کمریند ۱۵- ل، ل، س^۲ (نیزلن، ب): نگوسار؛ متن = ف ۱۶- ف، ل، ق: ز اسپ؛ متن = س، ل، ل، س^۲ ۱۷- ف: رزه ۱۸- س: رکاب (پساوند نادرست است) ۱۹- س (نیزق، ل، ل، و، آ): نیزه گِیو؛ ق: گِیو پس نیزه؛ متن = ف، ل، ل، ل، س^۲ (نیزلن، پ، ل، ن، آ، ب)
 ۲۰- س (نیزب، ل، ن، آ، ب): تکاور زدرد اندرآمد بروی ۲۱- ل: باره؛ متن = ف، س، ق، ل، ل، س^۲ (نیزلن، ب) ۲۲- ف، ل، ل، س^۲ (نیزب، ل، ن، آ): برآن؛ متن = ل، س، ق (نیزلن، ق، ل، ل، و، آ، ب) ۲۳- ف (نیزلن، ق، ل، و): شاد؛ س، ل، ل، س^۲ (نیزل، ل، پ، ل، ن، آ، ب): نیمه شاد؛ ل، ق: بزد نیزه برید و برگشت (ق: او گشت) شاد؛ متن تصحیح قیاسی است (→ داستان بیژن و منیژه، بیت ۵۸) ۲۴- ف: وی؛ متن = ل، ل، س، ل، ل، س^۲؛ ق: بیتهای ۱۵۷۹-۱۵۸۲ را ندارد ۲۵- ف، ل، ل، س^۲: بغرید چون؛ متن = ل، س (نیزلن، ق، ل، پ، ل، ن، آ، ب) ۲۶- س: او شد سراسر ۲۷- س: گفتی بسر ۲۸- س (نیزلن، ق، ل، پ، ل، ن، آ، ب): تا جگر؛ (ل: بر جگرش؛ آ: با جگرش)؛ ل: خون بر دهانش از جگر؛ متن = ف، ل، ل، س^۲ ۲۹- ل، ل، ل، س^۲ (نیزلی، ل، ن، آ، ب): سست برگشت؛ (ل، ن، ق): سست برگشت (حرف چهارم نقطه ندارد)؛ پ: پست برگشت؛ متن = ف ۳۰- س (نیزلن، پ، ل، ن، آ، ب): سر؛ ل (نیزق، ل): وآسیمه سر؛ (ل، آ: وآسیمه سرش)؛ متن = ف، ل، ل، س^۲؛ ل در اینجا سرنویس دارد: جنگ کردن لهاک و فرشیدورد با گِیو

چو گیو اندرین بود لَهَاک زود
 ابا گرز و با نیزه برسان شیر
 ۱۵۸۵ چه مایه ز چنگ^۲ دلاور^۳ سران
 به زین خدنگ^۴ اندرون بُد سوار
 چو دیدند لَهَاک و فرشیدورد
 ز بس خشم، گفتند یک با دگر^۷
 برین زین همانا که پیلست و بس^{۱۱}
 ۱۵۹۰ ز یارانش گیو آنکھی نیزه خواست
 بریشان^{۱۵} نهاد از دو رویه نهیب^{۱۶}
 به دل گفت: کاری نو^{۱۸} آمد به روی
 نه از شهر توران^{۲۰} سران آمدند
 سویی راست گیو اندرآمد چو گرد
 ۱۵۹۵ ز پولاد^{۲۲} در چنگ رومی^{۲۳} ستون
 گرازه چو بگشاد از باد دست^{۲۶}
 نشست از بر بادپایی چو دود
 بر گیو رفتند هر دو دلیر
 بروبر بیارید گرز گران
 ستوهی نیامدش از^۵ کارزار
 چنان پایداری^۶ از آن شیرمرد،
 که ما را چه^۸ آمد از^۹ اختر^{۱۰} به سر
 ندرد برو پوست جز شیر کس^{۱۲}
 همی گشت هر سو^{۱۳} چپ و دست راست^{۱۴}
 یکی را نیامد^{۱۷} سر اندر نشیب
 مرا زین^{۱۹} دلیران پرخاشجوی
 که دیوان^{۲۱} مازندران آمدند
 گرازه به پرخاش^{۲۱} فرشیدورد
 به زیر اندرون^{۲۴} دیزه^{۲۵} چون هیون
 به زین برشد آن ترک پولادبست^{۲۷}

۱- ق: بارهٔ همچو ۲- ف، ق، ل، آ، س^۱ (نیزلی، ل، آ، ل، آ، ب): چنگ: ل (نیزلن): چنگ؛ (ق: زخم)؛ متن = (پ) ۳- س: ز
 جنگاوران و ۴- س، ق، ل، آ، س^۱ (نیزلن، ق، آ، ل، ل، آ، ب): پلنگ: متن = ف، ل (نیزپ) ۵- ل، آ، س^۱ (نیزلی، ل، آ، ب): از
 آن: (آ: زان): متن = ف، ل، س، ق (نیزلن، ق، آ، ب) ۶- س (نیزپ): نامداری: (لن: تابیداری) ۷- س، ق، ل، آ، س^۱ (نیزلن،
 پ، ل، آ، ب): با یکدگر: متن = ف، ل (نیزآ) ۸- ل، آ، س^۱ (نیزلی، پ، ل، آ، ب): بد ۹- ل، ل، آ، س^۱: از ۱۰- ق: از اختر
 بدآمد ۱۱- ف (نیزل^۲): پیلست بس: ل (نیزپ): کوهست و روست: س (نیزلن، ل، آ، ب): برین زین تو گویی (لن: گفتی) که مغزش
 (لن: آهن) دروست (س: از روست): ق: برین بر همانا که کوهست و روست: متن = ل، آ، س^۱ (نیزق، آ، ل، آ، ب): ۱۲- ل: بروبر
 ندرد جز از شیر پوست: س (نیزلن، پ، ل، آ، ب): پیر (س: بتن) در ندارد جز از شیر پوست: ق: برین بر ندرد مگر نیزه پوست: (لی: ندرد بدو پوست
 چون شیر کس): متن = ف، ل، آ، س^۱ (نیزق، آ، ل، آ، ب) ۱۳- ل: هر سوی: متن ← ۱۴- ل، آ، س^۱: هر سو بر از چپ و راست: (و: بر
 هر سویی چپ و راست): متن = ف، س، ق (نیزلن، ب، ل، آ، ب): ۱۵- ل: بدیشان ۱۶- ل: رکیب ۱۷- ل (نیز
 ل، آ، ب): نیامد یکی را ۱۸- ف: بد: متن = ل، س^۱ (نیزلن، ب) ۱۹- ل، آ، س^۱: از ۲۰- ل، ق (نیزو، آ): ترکان ۲۱-
 ف، ل، آ، س^۱: که آید (س: آمد) پرخاش: ق: بزد بر سرترگ: (ل، آ، ب): گرازه به پیکار: لی: گرازان به پیکار: متن =
 ل، س (نیزق، آ، ل، آ، ب، و، لن^۲) ۲۲- ف: و لهاک: (لی: آ: چو لهاک): متن = ل، س^۱ (نیزلن، ق، آ، ل، آ، ب) ۲۳-
 ل: سیمین: ق: بد وزن سیمین: ل، آ، س^۱ (نیزپ، لن^۲): در دست رومی: متن = ف، س (نیزلن، ق، آ، ل، آ، ب) ۲۴-
 ق (نیزق، آ، لی): اندرش ۲۵- ل، آ، س^۱ (نیزلن، ب): باره: ق: تازی: متن = ف، ل، آ، س^۱ (نیزل، آ، ب، لن^۲) پس از این بیت
 افزوده اند:

یکسی تسرگ رومی نهاده بستر

سر لشکر تور زیر وزیر (ل: آ: بیسته کمر را بیزین کمر)

ل، س، ق (نیزلن، ق، آ، لی، و، آ، ب) این بیت را ندارند ۲۶- ق: از پایی دست: (ق، ل، آ، ب): بگزارد از باد دست: لی، آ: بر گرز بنهاد دست):
 ف: چو بر تیغ بر گیو بنهاد دست: متن = ل، س، ق (نیزلن، پ، ل، آ، ب) ۲۷- ف (نیزلن، لی، ل، آ، ب): بیدار بست (؟): (پ، ب): بیدار
 بست (؟): س: برین در شد آن ترک بیدار بست (؟): (ق: ابر زین بماندهٔ پیل مست: ل: برین اندرون گشت لهاک بست): متن = ل، ق؛
 ل، آ، س^۱ (نیزو) این بیت را ندارند

<p>زره^۲ بود^۳، نگست پیوند اوی^۱ به پشت گراز اندرآمد^۷ دلیر زمی^۹ را بدرید ترگ^{۱۰} از نبرد به^{۱۲} اسپ اندرآمد، نبود آنچه^{۱۳} خواست ابا نامداران ایران بهم، خلیده دل و کینه خواه^{۱۴} آمدند بیامد دمان^{۱۵} تا به جای نبرد که تا بگسلاند میانش^{۱۶} ز هم دل گشته^{۱۷} زو^{۱۹} پُر از بیم گشت^{۱۸} ابر اندریمان ببارید تیر بزد، ماند بیگانه اسپ از روان^{۲۱} سپر بر سر آورد و برخاست خوار^{۲۳} سواران برفتند برسان دیو کشیدند از آن پیش روی سپاه^{۲۵} سواران ایران و توران گروه^{۲۷}، همی خاک با خون برآمیختند</p>	<p>بزد نیزه‌یی بر کمر بند اوی^۱ یکی تیغ^۴ در^۵ چنگ^۶ بیژن چو شیر بزد بر سر ترگ^۸ فرشیدورد همی کرد بر تارکش^{۱۱} دست راست پس بیژن اندر دمان گشته^{۱۲} بنزدیک توران سپاه آمدند ز توران سپاه اندریمان چو گرد عمودی فروهشت بر گشته^{۱۳} به تیغش برآمد^{۱۷} به دو نیم گشت^{۱۸} به پشت یلان اندرآمد هجیر خدنگیش بر زین و^{۲۰} برگستوان پیاده شد از اسپ^{۲۲} مرد سوار ز ترکان برآمد سراسر غریو مرو را به چاره از^{۲۴} آوردگاه ز^{۲۶} شبگیر تا شب برآمد ز کوه همی گرد کینه برانگیختند</p>	<p>۱۶۰۰ ۱۶۰۵ ۱۶۱۰</p>
---	---	-------------------------------

۱- ل، س؛ او ۲- ف (نیزلن، ب)؛ رزه ۳- ل؛ بود و ۴- ف؛ سیر(?)؛ متن = ل- س (نیزلن، ق، ل، ب) ۵-
س؛ بر ۶- س، ق (نیزلن، آ، ب)؛ مشت؛ ل، آ، س (نیزق، ل، پ، ل، ن)؛ دست؛ متن = ف، ل (نیزو) ۷- ل، س، ل، آ، س (نیز
لن، پ، و، آ، ب)؛ گرازه در آمد؛ (ق)؛ برادر در آمد؛ ل، پ، ل، ن؛ بیامد (ل)؛ در آمد؛ به پشت گرازه؛ متن = ف، ق؛ گراز اندر آمد → گرازه
اندر آمد = گرازه ندر آمد؟ ۸- ق؛ گرازه بپرخاش (← ۱۵۹۴ ب) ۹- ل، س، ق، ل؛ زمین؛ متن = ف، س ۱۰- ق؛
تنگ ۱۱- ل؛ بارگی؛ (ق)؛ با بارکش؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س (نیزلن، لی، ب، ب) ۱۲- ل، آ، س؛ ز ۱۳- ل؛
آنچه؛ ق؛ نشد آنچه؛ س؛ بدل در ندید آنچه بایست ۱۴- ل، س؛ نیکخواه ۱۵- ف؛ نوان؛ (لی، آ؛ دوان)؛ متن = ل- س (نیزلن،
ق، ل، آ، پ، و، ل، ب) ۱۶- س؛ روانش ۱۷- ق؛ در آمد ۱۸- س؛ شد ۱۹- ق؛ زان ۲۰- ل؛ خدنگش
بدرید؛ س (نیزلن، ب)؛ خدنگی بزد تیزو؛ ق؛ خدنگش بشد تا به؛ (ق، ل، آ؛ ل)؛ خدنگی ابر زین و؛ لی، و، آ؛ خدنگش بر آمد به؛ متن = ف، ل، آ
(نیز، ل، ن) ۲۱- ق (نیز، ل، ن)؛ یکباره (ب، ل، ن؛ ناگاه) اسپ از روان؛ ل؛ بماند آن زمان بارگی بی روان؛ س (نیزلن، ب) برید و بماند
(ب؛ بدرید و ماند) اسپ ناگاه ز جان؛ (ل)؛ فروماند پیکان بر اسب نوان؛ و؛ همی اسپ بیگانه ماند از روان؛ آ؛ بزد ماند پیکان و
اسبان روان)؛ متن = ف، ل، آ (نیزق، ل، لی، و، آ)؛ بر ساخت کار؛ (لن، ب؛ در کارزار)؛ متن = س، ل (نیز، ل، ن) ۲۴- ل، ق؛
ز ۲۵- ل، ق (نیزق، آ، لی)؛ از پیش روی سپاه؛ ل؛ از روی پیش سپاه؛ س؛ بیاورد... (ناخواناست) قلب سپاه؛ (لن، ب؛
ببردند از آنجا بقلب سپاه؛ ل، آ؛ کشیدندش از پیش روی سپاه)؛ متن = ف، س (نیز، ل، ن)؛ ل (نیزی، ل، آ، پ، آ) پس از این بیت
افزوده اند:

سپهدار پیران ز سالار گاه

بیامد بیاراست (ل)؛ دمان تا به (قلب سپاه

۲۶- س؛ به ۲۷- ق؛ سواران و مردان هر دو گروه

<p>دهان بازمانده، نشسته خروش^۳ برآمد ز هر دو^۵ سپه بوق و کوس از آن رزمگه بازگشته دنان^۶ که شب بازگردیم ازین رزمگاه^۷ که از ژرف دریا برآرند گرد یکایک به روی اندرآرم^۹ روی نریزند خون سر بی گناه^{۱۰} گرفتند کوتاه کار^{۱۱} دراز همی روی برگاشتند از نبرد یکی سوی زبید^{۱۴} خرامید^{۱۵} تفت فرستاد گودرز سالار شاه^{۱۷} به^{۱۹} خون دست و تیغ و برآلوده^{۲۰} بود گشادند مر بندها را گره خروش و هنر چند بنموده^{۲۸} گشت^{۲۴}، برفتند بیدار پیر و جوان چه آمد مرا از شِگفتی به سر،</p>	<p>از^۱ اسپان و مردان همه رفته^۲ هوش چو روی زمین^۴ شد به رنگ آبنوس ابر پشت پیلان تیره زنان بر آن برنهادند هر دو سپاه گزینیم^۸ شبگیر مردانِ مرد همه نامداران پرخاشجوی ز پیگار یابد رهایی سپاه بکردند پیمان و گشتند باز دو سالار هر دو ز^{۱۲} کینه به درد یکی سوی کوه گنابند^{۱۳} برفت همانگه طلایه ز لشکر به راه^{۱۶} ز جوشن و روان هر که^{۱۸} فرسوده بود همه جوشن و خود و ترگ و^{۲۱} زره چُن^{۲۲} از بار آهن تن^{۲۳} آسوده گشت^{۲۴} به تدبیر کردن سُوی^{۲۶} پهلوان به گودرز پس گویو گفت^{۲۷}: ای پدر</p>	<p>۱۶۱۵ ۱۶۲۰ ۱۶۲۵</p>
---	--	-------------------------------

۱- ف، ق، ل، آ، س: ز؛ متن = ل، س ۲- ل، ق: رفت ۳- ل، آ، س: ز؛ زبانگ و خروش؛ ل، ق (نیز، ل، آ): دهن خشک و رفته زتن زور و توش (ق: دور هوش؛ ل: هوش و توش؛ آ: نیز هوش)؛ (پ، ل، آ: دهن بازمانده زبانگ و خروش)؛ متن = ف، س (نیز، ل، ق، آ، ب) ۴- س: زمی ۵- ل، آ، س: بیامد زهر سو؛ ق بیتهای ۱۶۱۴ و ۱۶۱۵ را ندارد ۶- س (نیز، ل، ق، آ، ل، آ، و، ل، آ، ب): دمان؛ ل: بازگشت آن زمان؛ ل: بازگشتند دمان؛ متن = ف، س (نیز، پ، آ) ۷- (ل، آ: از رزمگاه)؛ ل: بازگردند ز آوردگاه؛ ق (نیز، ل، آ): بازگردند از (ل، آ: از آن) رزمگاه؛ س (نیز، ل، ب): نریزند خون سر بی گناه (= ۱۶۱۹)؛ متن = ف، ل، آ، س (نیز، ل، پ، و)؛ درس، ل، ب پس از این بیت، بیت ۱۶۲۰ آمده است ۸- ل، ق (نیز، ل، آ، ب): گزینند؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیز، ق، آ، ل، پ، و، ل، آ) ۹- ل، س (نیز، ل، پ، آ): اندر آورده؛ (ل، ق، آ، ل، ب: اندر آرند)؛ متن = ف، ل، آ، س (نیز، و)؛ ق بیتهای ۱۶۱۸ و ۱۶۱۹ را ندارد ۱۰- س (نیز، ل، ب): به شب بازگردند ازین (ل، ب: همه بازگشتند از آن) رزمگاه (= ۱۶۱۶) (ب) ۱۱- ل: رزم؛ س، ق، ل، آ، س (نیز، ل، آ، ب): راه؛ متن = ف (نیز، ق، آ)؛ درس (نیز، ل، ب) این بیت پس از بیت ۱۶۱۶ آمده و در ق با بیت سپسین پس و پیش شده است ۱۲- ق: به ۱۳- س (نیز، ل): کبابد (حرف دوم نقطه ندارد)؛ ل، آ، س: کبابد؛ (ل، آ: کبابد)؛ متن = ف، ل، ق (نیز، ق، آ، و، آ، ب) ۱۴- ف، س، س (نیز، ق، آ): زبید (حرف دوم نقطه ندارد)؛ ل: زسد (حرفهای دوم و سوم نقطه ندارند)؛ (آ: ریبد)؛ متن = ق، ل، آ (نیز، ل، آ، ب) ۱۵- ل، س (نیز، ل، آ، ب): خرامید و ۱۶- س: ز لشکر طلایه برفت ۱۷- س: تفت ۱۸- ل: هرک؛ س (نیز، ل، پ، ل، آ، ب): ز جوشن سر (ل، ب: تن) از (پ: سرو) ترگ ۱۹- ل، س، ق (نیز، ل، ق، آ، ل، آ، و، آ، ب): ز؛ متن = ف، ل، آ، س (نیز، پ، ل، آ) ۲۰- ل، ق (نیز، ل، آ، و، آ): تیغش بیالوده (ق: بیازرده؛ ل: برآلوده)؛ س (نیز، پ، ل، آ): خون تیغ با دست آلوده؛ متن = ف، ل، آ، س (نیز، ل، ق، آ، ب) ۲۱- ق: و بند ۲۲- ل، س (نیز، ل، ب): چو؛ متن = ف ۲۳- ل، س، ق (نیز، و): بر؛ متن = ف، ل، آ، س (نیز، ل، ق، آ، ل، پ، ل، آ، آ، ب) ۲۴- ل، س، ق (نیز، ل، ق، آ، ل، و، آ، ب): شد؛ متن = ف، ل، آ، س (نیز، پ، ل، آ) ۲۵- ل (نیز، آ): خورش جست و می چند (آ: نیز) پیموده؛ س (نیز، ل، پ، ل، آ، ب): چوروشن می چند پیموده (ب: نوشیده)؛ (ل: خورش جست بی جست بنموده!)؛ و: خروش می و رود پیموده؛ متن = ف، ق، ل، آ، س (نیز، ق، آ: خروش هنر) ۲۶- س، ق (نیز، ل، و، ب): بر ۲۷- ل: گفت گویو

۱۶۳۰ چو من حمله بردم به توران سپاه
 به پیران رسیدم، نوندم به جای
 چنانم شتاب آمد از کار خویش
 پس آن گفته‌ی شاه بیژن به یاد^۵
 که^۶ پیران به دست تو گردد تباه
 بدو گفت گودرز کو را زمان
 ازو^{۱۲} کین هفتاد پور گزین
 ۱۶۳۵ وُزآن^{۱۳} پس به روی سپه بنگرید
 ز رنج نبرد و ز خون ریختن
 دلِ پهلوان گشت از آن^{۱۶} پُر ز درد
 بفرمودشان بازگشتن به جای
 ۱۶۴۰ بدان تا تن رنج بردارشان
 برفتند و شبگیر بازآمدند
 به سالار برخواندند آفرین
 شبت^{۱۹} خواب چون بود و چون خاستی؟
 بدیشان چنین گفت پس پهلوان
 ۱۶۴۵ سزد گر شما بر^{۲۲} جهان آفرین
 که تا این زمان هرچه^{۲۳} رفت^{۲۴} از نبرد
 فراوان شگفتی رسیدم به سر
 دریدم صف و برگشادند^۱ راه،
 فروماند و نهاد در^۲ پیش پای^۳
 که گفتم بپرَم من از جان و کیش^۴
 همی داشت و بند مرا برگشاد^۶،
 از^۸ اختر همین^۹ بود^{۱۰} گفتار شاه
 به دست منست این زمان^{۱۱} بی گمان
 بخواهم به زور جهان آفرین
 سران را همه گونه^{۱۴} پزمرده دید
 به^{۱۵} هر جای با دشمن آویختن
 که رخسار آزادگان دید زرد
 سپهدار نیک اختر^{۱۷} رهنمای،
 برآساید از شب ز کردارشان^{۱۸}
 پُر از کینه و رزمساز آمدند
 که ای نامور پهلوان زمین،
 ز پیکار ترکان^{۲۰} چه آراستی؟
 که ای نامداران و^{۲۱} فرخ گوان،
 بخوانید روز و شبان آفرین،
 به کام دلِ ما همه^{۲۵} گشت گرد^{۲۶}
 جهان را ندیدم مگر بر گذر

۱- ق: برگشودند ۲- ل (نیز لن، ق): از؛ متن = ف، س، ل، آ، س^۲ (نیز لی، پ-ب) ۳- ق: فروماند نهاد یکپای جای (!) ۴- ل، ق: نباشم دگریار خویش؛ س: ببرد مگر جان زبیش؛ (لن، ب: بپرَم زبیکار خویش؛ لی، آ: ببرد ز من جان و کیش؛ ل: بپرَم مگر جان خویش؛ پ: بپرَم سراز بار خویش؛ و: زمام درآمد به پیش)؛ ل، آ، س^۲ (نیز لن): که گفتم بپرَم من از یار (س: جان؛ لن: بار) خویش؛ (ق): که گفتم نیرزد مگر جان و کیش)؛ متن = ف ۵- ق: چو باد ۶- ل: و آن دم مرا یاد داد؛ س، ل، آ: و آنرا بمن برگشاد؛ س^۲ (نیز پ، لن): و آن راز بر من گشاد؛ (لن، آ، ب: و آن در مرا برگشاد؛ ق، و: زان در مرا کرد یاد؛ لی، و: آن در دلم برگشاد)؛ ق: همی داد و آن در مرا برگشاد؛ (ل: بگفت و از آن در مرا کرد شاد)؛ متن = ف ۷- س: چو ۸- ف، ق: ز ۹- (لن، ل: همی؛ پ، و، لن، آ، ب: چنین)؛ متن = ف-س^۲ (نیز ق، لی، آ) ۱۰- ل: بُد ز؛ ق: بُد به؛ متن = ف، س، ل، آ، س^۲ (نیز لن-ب) ۱۱- ل، س، ق (نیز لن، ق، آ، ل، پ، و، لن، آ، ب): ای پسر؛ ل: من آید بدان؛ متن = ف (نیز لی، آ)؛ س^۲ بیتهای ۱۶۳۴-۱۶۳۶ را ندارد ۱۲- ل: کزو ۱۳- ل: از آن ۱۴- س (نیز لن، ب): روی؛ ق: رنگ؛ (ق: زهرگونه)؛ متن = ف، ل، ل، آ (نیز لی-آ) ۱۵- س: ز ۱۶- ل: زان ۱۷- ل، س: نیک اختر و ۱۸- ل، س (نیز لن، ق، لی، پ-ب): از رنج (ل، پ، لن: جنگ؛ ق: رزم) و پیکارشان؛ ق، ل، آ، س: آن (حاز) شب ز کردارشان؛ متن = ف (نیز ل: ق، ل، آ، س)؛ س در اینجا سرنویس دارد: رای زدن گودرز با ایرانیان و رفتن بجنگ ۱۹- س (نیز لن، پ، لن، آ، ب): بشب؛ متن = ف، ل، ل، آ، س^۲ (نیز ق، لی، و، آ) ۲۰- س (نیز پ، لن): بردل؛ ق بیتهای ۱۶۴۳ و ۱۶۴۴ را ندارد ۲۱- ل: نیک مردان و؛ س (نیز لن، ب): نامبردار؛ (ل: نامداران)؛ متن = ف، ل، آ، س^۲ (نیز ق، لی، پ، و، لن، آ)؛ در ل^۲ (نیز پ، لن) پس از این بیت، بیتهای ۱۶۴۸ و ۱۶۴۹ آمده اند ۲۲- س: با ۲۳- ل: هرچ ۲۴- ق: بود ۲۵- ل، س (نیز لن، ق، لی، ل، آ، ب): همی؛ متن = ف، ق، ل، آ، س^۲ (نیز پ، و، لن) ۲۶- ق: راست کرد؛ (لن: کارکرد)

ز بیداد و داد آنچه^۱ آید ز^۲ شاه
 چو ما چرخ گردان فراوان سرشت
 نخستین که^۵ ضحاک بیدادگر
 ۱۶۵۰ جهان را به سختی بچه مایه بداشت^۷
 بداد آنک آورد^{۱۱} پیدا ستم
 برآمد برآن^{۱۴} کار او چند سال
 چو بیداد او دادگر برنداشت
 فریدون^{۱۶۵۵} قرق، شه دادگر
 همه بند آهرمنی برگشاد
 ز^{۱۸} ضحاک بدگوهر^{۱۹} بدگنش^{۲۰}
 بدافراسیاب^{۲۲} آمد آن^{۲۳} بدخوی^{۲۴}
 که در شهر ایران بگسترد کین
 سیاوخش رد را^{۲۸} به فرجام کار
 ۱۶۶۰ و زان پس کجا گیو از ایران^{۳۰} براند
 نهالیش بد^{۳۲} خاک و بالینش^{۳۳} سنگ
 همی رفت^{۳۴} گم بوده چون بییشان

بد و نیک را هم بدویست راه
 درود آن کجا بازرو^۳ خود بکشت^۴
 ز گیتی به شاهی برآورد^۶ سر،
 جهان آفرین زو^۸ همه^۹ درگذاشت^{۱۰}
 ز^{۱۲} باد آمده پادشاهی به دم^{۱۳}
 بد انداخت یزدان برآن^{۱۵} بدسگال
 یکی دادگر را برو^{۱۶} برگماشت
 بیست اندرین^{۱۷} پادشاهی کمر
 بیاراست گیتی سراسر به داد
 که کردند شاهان بدو^{۲۱} سرزنش،
 همه^{۲۵} غارت و کشتن و جادوی^{۲۶}
 بگشت از ره داد و آیین^{۲۷} دین
 بکشت و برآورد از ایران^{۲۹} دمار
 چه مایه به سختی به توران^{۳۱} بماند
 خورش گوشت نخچیر و پوشش پلنگ
 که یابد ز کیخسرو آنجا^{۳۵} نشان

۱- ل: آنچه (نیز، ل: آمد به؛ س: ناید به؛ (لن، پ، ل، ن، ب: آید به)؛ متن = ف، ق، ل، س (نیز، ل، آ، و، آ)؛ درل (نیز، ل، ن)؛
 بیتهای ۱۶۴۸ و ۱۶۴۹ پس از بیت ۱۶۴۴ آمده اند ۳- ل: بازروی؛ (ل: آرزو)؛ متن ← ۴- ق: داد و نیکی بکشت؛ (ل: تخم
 نیکی برست؛ ل: آرزو خود بکشت؛ آ: تخم نیکی بکشت؛ و: درود آنک جز تخم نیکی نکشت)؛ متن = ف، ل، س (نیز، ل، آ، پ؛ ← ل،
 ل، ن)؛ س (نیز، ل، ب) این بیت را ندارند ۵- س: ز ۶- س: بگیتی بشاهی برآورده ۷- ق: چه مایه بسختی گذاشت ۸-
 (پ: را) ۹- (لن، پ، ل، ن، ب: همی)؛ متن = ل (نیز، ل، ی، ل، آ، و، آ) ۱۰- ف، س، ق، ل، س: یکی دادگر را برو (ف: بدو)
 برگماشت (۱۶۵۱-۱۶۵۴ آ را انداخته و از ۱۶۵۱ آ و ۱۶۵۴ ب یک بیت ساخته اند) ۱۱- (ل، آ: اندر آورد؛ ل: او کرد؛ پ، ل، ن: آ:
 آنکه)؛ متن = ل (نیز، ل، ق، آ، و، ب) ۱۲- (ق: به) ۱۳- ل: آمد آن پادشاهی بدم؛ (ل، آ: آمده باد شد هم بدم؛ پ، ل، ن: آمده
 بازگردد بدم؛ و: آمد و باز شد سوی دم)؛ متن = (لن، ق، آ، ب)؛ ف، س، ق، ل، س: این بیت را ندارند ۱۴- ق: بدان؛ (ق: برین؛
 ل: بدین) ۱۵- ق (نیز، ل، آ، پ، آ، ب): بدان؛ ف، س، ل، س: این بیت را ندارند؛ درل (نیز، آ) این بیت با بیت سپسین پس و پیش
 شده است ۱۶- ف (نیز، ل، ب): بدو؛ ← ۱۶۵۱ پ ۱۷- ل، س، ق (نیز، ل، ق، آ، ی، پ- ب): اندر آن؛ متن = ف، ل، آ، س (نیز
 ل) ۱۸- ل (نیز، ل، آ): چو ۱۹- ف: بدگوهر؛ متن = ل، س، ل، س (نیز، ل، آ، پ، و، ل، ب) ۲۰- ل (نیز، ل، آ، پ،
 ل، ن، آ، ب): بدمنش؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیز، آ، و) ۲۱- س (نیز، آ، پ، و، ل، ب): برو؛ متن = ف، ل، ل، س (نیز، ل، آ، ق (نیز
 ل، ل، آ) این بیت را ندارند؛ درس این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۲۲- ل، ل، آ (نیز، ل، آ): زافراسیاب؛ س، ق (نیز، ل،
 ق، آ، پ، و، ل، ن)؛ بافراسیاب؛ س: زافراسیاب؛ متن = ف ۲۳- ل: این ۲۴- س، ل، آ، س: بدخویی؛ متن = ف، ل،
 ق ۲۵- ل، س، ق: همان؛ متن = ف، ل، آ، س ۲۶- ل، ق: بدگوی؛ س، ل، آ، س: جادویی؛ متن = ف ۲۷- ل، ل، آ، س (نیز
 ل، پ، ل، ن، آ، ب): آیین؛ متن = ف، س (نیز، و)؛ ق این بیت را ندارد ۲۸- ل: سیاوش را هم؛ س، ق (نیز، ل، ی، پ، ل، ن، آ):
 سیاوش (پ: سیاوش) رد را؛ متن = ف، ل، آ، س (نیز، آ، و، ب) ۲۹- ق: از ما؛ ل (نیز، ل، ن، آ، ب): ازیشان؛ (ل، پ: زیشان)؛
 متن = ف، ل، س، س (نیز، آ، و) ۳۰- ل: ز ایران ۳۱- س: بتوران بسختی ۳۲- س، ق (نیز، ل، پ، ل، ن، آ، ب): از؛ متن =
 ف، ل، ل، آ، س (نیز، آ، و) ۳۳- ق (نیز، ل، ن، آ): بالین ز ۳۴- ق: گشت ۳۵- ق: ز خسرو بجایی

<p>ز دوراً آفرین کرد کو را بدید خبر شد به پیران پرخاشجوی^۴ که هر دو گندشان به ره بر^۶ تباه جهاندارشان بُد نگهدار و^۸ بس سوی کاسه رود اندرآمد ز راه^{۱۰} شبیخون سگالیده اندر پشن^{۱۲} دل^{۱۳} نامداران همه گشته شد بیامد به روی اندرآورده^{۱۵} روی همی داستان‌ها نشاید^{۱۸} زدن ز توران بیاید^{۲۰} بدین رزمگاه یکایک بیاید شدن تیزچنگ^{۲۲} بدین جنگ جز^{۲۳} پیشدستی کنیم، بپیچد سر از کینه و نام و ننگ — ازیشان فراوان و ما اندکی — بدانگه که سازند با ما^{۲۶} نبرد نگردد^{۲۹}، نهد جنگ^{۳۰} را پای^{۳۱} پیش،</p>	<p>یکایک بنزدیک^۱ خسرو رسید ۱۶۶۵ وُزانیس بدایران^۳ نهادند روی سبک با سپاه اندرآمد به^۵ راه بکرد آنک^۷ بودش ز بد دسترس وُزان^۹ پس به کین سیاوش سپاه ز ترکان بیاورد جوقی گشن^{۱۱} ۱۶۷۰ که چندان پسر پیش من کشته شد کنون با سپاهی چنین کینه‌جوی^{۱۴} چو با ما بسنده^{۱۶} نخواهد^{۱۷} بُدن همی چاره سازد بدان تا^{۱۹} سپاه سران را همی خواهد^{۲۱} اکنون به جنگ ۱۶۷۵ که گر ما بدین کار سستی کنیم بهانه کند بازگردد ز جنگ ار^{۲۴} ایدونک^{۲۵} باشید با من یکی از آن نامداران برآریم گرد وَر ایدونک^{۲۷} پیران ازین گفت^{۲۸} خویش</p>
--	--

۱- ل، س، ق (نیز لن، لی، پ، لن، آ، ب): چونزدیک: متن = ف، ل، س، آ (نیز ق، ل، و) ۲- ل، س (نیز لن، ب، و، لن، آ، ب): برو؛ (لی: زره): متن = ف، ق، ل، س، آ (نیز ق، ل، آ) ۳- ل، س، آ (نیز لن، ب): بایران: متن = ف ۴- ق: پیکارجوی ۵- س، ق: ز ۶- س (نیز لن، ب): گندشان مگر خود بره بر: (ق): که هر دو بره‌شان کنند: لی: کجا تا کند شه بره بر: ل، آ، ب: بدان (آ: همان) تا گندشان بره بر: پ، لن، آ: بره بر گندشان مگر خود): متن = ف، ل، ق، ل، س، آ (نیز و) ۷- ل، س (نیز لن، ق، آ، ب): آنچه: ل، س، آ (نیز لی، ل، پ، لن، آ): آنچه: متن = ف (نیز و: ← کاموس کشافی، بیت ۱۳۸) ۸- ل، آ: [و]: س: جهاندار بدشان نگهدار و: ق: بیتهای ۱۶۶۷ و ۱۶۶۸ را ندارد ۹- ل: از آن ۱۰- ل، س، س، آ (نیز لن، ل، آ، و، آ): بره: (لی، لن، آ، ب: سسپماه): متن = ف، ل، آ (نیز ق، آ، ب) ۱۱- ل، س، ق (نیز لن، ب): بلاون که آمد سپاهی (ل، ق، آ، ل، و، آ): سپاه (گشن (ق): بشن): متن = ف، ل، س، آ ۱۲- ل، س، آ (نیز لن، ب): شبیخون پیران (س: ایران؛ ل: ترکان؛ لن: از ایران؛ ب، لن، آ، ب: بایران) به (ل، س، ق، و، و) جنگ (ق): راه (بشن (ل) ب: بشن): متن = ف: بشن ۱۳- ق: سر ۱۴- س، ق: جنگجوی ۱۵- ل، ق، ل، آ (نیز ب، و، لن، آ): اندرآورد: متن = ف، س، س، آ (نیز لن، ق، آ، لی، ل، آ، ب) ۱۶- (لی، ل، لن، آ، ب: بسنده) ۱۷- س: نخواهی ۱۸- ل، س (نیز لن، ق، آ، ل، آ، ب، لن، آ، ب): بخواید: ق، ل، آ (نیز لی، آ: بیاید): (و: بخوایم): متن = ف، س، آ ۱۹- س: سازید با آن ۲۰- ق: درآرد ۲۱- س: خواند ۲۲- س (نیز لن، لی، ل، آ، ب): بی درنگ: ق: بیاید شدن جنگ را تیزچنگ: متن = ف، ل، ل، س، آ (نیز ق، آ، ب، و، لن، آ) ۲۳- س: خود: ل، س، آ (نیز لی، پ، لن، آ): چون: (لن، و، نه؛ ق: همه): ل: وگرنه بدین: (ل: بدین رزمگاه): متن = ف: ق: بیتهای ۱۶۷۵ و ۱۶۷۶ را ندارد ۲۴- س (نیز لن، ب): ور: (ق، آ، ل، و، گر): متن = ف، ل، ق، ل، آ، س، آ (نیز لی، آ) ۲۵- ل، ق، آ: ایدونکه؛ درس بیتهای ۱۶۷۷ و ۱۶۷۸ دوبار آمده‌اند ۲۶- ف: من؛ ق: جای؛ ل: سازد همی او: متن = س، ل، س، آ (نیز لن، ب): ق: پس از این بیت افزوده است:

وَر ایدونک پیران ازین رزمگاه
۲۷- س، آ: ایدونکه ۲۸- ل: رای؛ ق: اگر بازناید ز گفتار ۲۹- ف، س، س، آ (نیز ل، پ، لن، آ، ب): بگردد (؟): ل: بگردد (حرف یکم نقطه ندارد): متن = ق، ل، آ (نیز لن، ق، آ، لی، و) ۳۰- ل: رزم ۳۱- س (نیز ب، لن، آ): کند جنگ را دست
نگردد نهد پای بر جایگاه

۱۶۸۰	پذیرفتم اندر شما سربسرا ابا پیرسر تن ^۴ بدین رزمگاه من و گردپیران و روین ^۶ و گویو که کس در جهان جاودانه نماند همان نام بهتر که ماند بلند	که من پیش بندم ^۲ برین ^۳ کین کمر به گشتن دهم پیش ایران سپاه ^۵ یکایک بسازیم مردان ^۷ نیو به ^۸ گیتی به ما ^۹ جز فسانه نماند که ^{۱۰} مرگ افگند سوی ما بر ^{۱۱} کمند
۱۶۸۵	زمانه به مرگ و به کشتن یکیست شما نیز باید که هم زین نشان به کینه ببندید یکسر کمر که دولت گرفته ست ازیشان نشیب ^{۱۶}	وفا با سپهر روان اندکیست ^{۱۲} ابا نیزه و ^{۱۳} تیغ مردم گشان ^{۱۴} ، هر آنکس که هست از شما نامور ^{۱۵} کنون کرد باید برین کین نهیب ^{۱۷} که با بیژن گویو رزم آزمود بریده سرش، تنش غلتان به خون ^{۱۹} نشاید کشیدن ز پیگار چنگ بدانبوه ^{۲۳} لشکر بیارد چو گرد، بباید شدن پیش او همگروه ^{۲۶} ، به تیمار بر بسته ^{۲۸} پیوسته دل، کزیشان ^{۲۹} برآریم گرد سیاه
۱۶۹۰	چو سرگشته شد بخت او شد نگون ^{۱۸} نباید شکوهید ^{۲۰} ازیشان ^{۲۱} به جنگ وَر ایدونک پیران نخواهد ^{۲۲} نبرد همیدون بدانبوه ^{۲۴} ما را چو کوه ^{۲۵} که چندان دلیران ^{۲۷} همه خسته دل	
۱۶۹۵	برآتم که ما را بود دستگاه بگفت این سخن سربسر پهلوان	

۱- ق: در بدر ۲- س (نیزلن، ب): که پیشش بندم ۳- ل، س، ق (نیزق، ل، ی، ل، پ، آ، ب): بدین؛ متن = ف، ل، آ، س (نیزلن، و، ل، ن) ۴- ف، ل، آ، س (نیزو): من؛ متن = س، ق (نیزلن، ق، آ، ل، پ، ل، ن، آ، ب) ۵- ل، ق: تن به پیش سپاه؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیزلن - ب) ۶- س: روین و پیران ۷- س: گردان ۸- ق، س (نیزق): ز ۹- س (نیزلن، ل، ی، ل، آ، پ، ل، ن، آ، ب): زما؛ (و: مرا)؛ متن = ل، ق، ل، آ، س (نیزق): ف؛ این بیت را ندارد ۱۰- ل، س (نیزلن، ق، ل، ی، و، آ، ب): چو؛ (ل: چه)؛ متن = ف، ق، ل (نیزپ، ل، ن) ۱۱- ل، آ، س (نیزپ، ل، ن): هم ۱۲- ف این بیت را ندارد ۱۳- ق: ترو با ۱۴- س: گردنکشان ۱۵- س (نیزلن، ب): کینه ور ۱۶- ف: نهیب؛ متن = ل - س (نیزلن، ل، ی - ب) ۱۷- ف: نشیب؛ ل: بکین بر نهیب؛ س، ق، ل (نیزل، ل، آ، پ، آ، ب): بدین کین نهیب؛ متن = س (نیزلن، و، ل، ن) ۱۸- (ل: سرنگون؛ ق: شد بار و بختش نگون؛ پ، ل، ن، آ، ب: بدبخت او شد نگون)؛ ل: چو برگشته بخت او شد نگون؛ (ل، ی، آ: چو برگشته شد بخت و او (آ: بخت او) شد نگون)؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیزلن، و) ۱۹- ل (نیزل، آ): بریدش سر از تن بسان هیون؛ س (نیزپ، ل، ن، آ، ب): بریده سرش زارو غلتان بخون؛ ل، آ، س (نیزق، آ، و): بریده سر و تنش غلتان بخون؛ (ل، ن: بریده سران نشان و غلتان بخون؛ ل: بریده سر از تنش غلتان بخون)؛ متن = ف؛ ق این بیت را ندارد ۲۰- ق: بترسید؛ (ل: شکوهی) ۲۱- ل: زیشان؛ ف این بیت را ندارد ۲۲- ل، ق، ل (نیزق، ل، ی، آ، ب): بخوهد (حرف یکم نقطه ندارد)؛ (ل، ی، ب: بخوهد؛ پ: نجوید)؛ متن = ف، س، س (نیزلن، ل، آ، و، ل، ن، آ) ۲۳- ل، س، ق (نیزلن - ب): بانبوه؛ س: برانبوه؛ متن = ف، ل ۲۴- ل، س، ق (نیزلن - ب): بانبوه؛ س: برانبوه؛ متن = ف، ل ۲۵- ل: ما همچو کوه؛ ق: ما همگروه ۲۶- ق: سوی او همچو کوه ۲۷- س: که بودند از ایشان؛ (ل، ن: پسندد که گردان؛ ق: که هست این دلیران؛ پ، ل، ن، آ، ب: که هستند ایشان؛ ب: که هستند گردان)؛ متن = ف، ل، ل، آ، س (نیزل، ل، آ، و، آ) ۲۸- ل (نیزق): ز (ق: به) تیمار و اندوه؛ س: شما برنشسته به؛ متن = ف، ل، آ، س (نیزلن، ل، آ، پ، و، ل، ن، آ، ب)؛ ق این بیت را ندارد ۲۹- ل (نیزق): ازیشان؛ س، ق (نیزپ، ل، ن، آ، ب): وز ایشان؛ متن = ف، ل، آ، س (نیزلن، ل، ی، ل، آ، و، آ، ب) ۳۰- س: جوان

۱۷۰۰ چو سالارشان مهربانی نمود
 برو سربسر خواندند آفرین
 از^۲ آنگه که یزدان جهان آفرید
 پرستنده چون تو فریدون نداشت
 ستون سپاهی و سالار شاه
 فدای^۶ کرده‌یی جان و فرزند و چیز
 همه هرچه^۸ شاه از فریبرز جست
 همه سربسر مر ترا^{۱۱} بنده‌ییم
 ۱۷۰۵ گر ایدونک^{۱۲} پیران ز توران سپاه
 ز ما ده مبارز، وُزیشان هزار
 وَر ایدونک لشکر همه همگروه
 ز کینه همه پاک دل خسته‌ییم
 فدای^{۱۶} تو بادا همه جان ما
 ۱۷۱۰ چو گودرز پاسخ بدینسان^{۱۸} شنود^{۱۹}
 برآن^{۲۱} نامداران گرفت آفرین
 سپه را بفرمود تا برنشست^{۲۳}
 همه پاک بر پای جَسْتند زود
 که ای پاک و نیک اختر و پاک دین^۱،
 چو تو پهلوان بر زمین^۳ کس ندید
 که گیتی سراسر به شاهی گذاشت
 برآزنده‌ی^۴ تاج و گاه^۵ و کلاه
 ز سالار شاهان چه جویند^۷ نیز؟
 ز طوس، آن کنون از تو آید نخست^۹
 همه دل به مهر تو آگنده‌ییم^{۱۱}
 سران آورد پیش ما کینه‌خواه،
 نگر تا که^{۱۳} پیچد سر از کارزار!
 به جنگ اندرآرد بگردار^{۱۴} کوه،
 کمر بر میان جنگ را بسته‌ییم^{۱۵}
 سراسر بر اینست^{۱۷} پیمان ما
 به دلش اندرون شادمانی فرود^{۲۰}
 که ای گرزدارانِ شاه زمین^{۲۲}!
 به کینه کمر بر میان بر^{۲۴} بست

۱- ل: که چون تو کسی نیست برداد و دین؛ س (نیزلن، پ، لن، آ، ب): که ای نیک دل (لن: پی) مهتر بافرین (لن: نیک دین؛ ب: پاک دین)؛ ق (نیزلی، آ): که ای مرد نیک اختر پاک دین؛ ق (آ): که ای نامور پهلوان زمین؛ ل: که ای نامور مهتر پاک دین؛ و: که ای پاک دل پهلوی پاک دین)؛ متن = ف، ل، آ، س^۱ ۲- س (نیزلن، پ، لن، آ، ب): کز ۳- س، ق (نیزلن): جهان؛ متن = ف، ل، آ، س^۲ (نیزق، آ، لی، پ-ب)؛ ل این بیت را ندارد ۴- ل (نیزق، آ، پ، ل، آ، آ): فرازنده؛ (لن، و: برآزنده)؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س^۲ (نیزپ، لن، آ، ب) ۵- س، ل، آ: گاه و تاج ۶- س، ق، س، آ: فدا ۷- س (نیزلن، پ، لن، آ، ب): خواهند ۸- ل: هرچ ۹- (و: درست)؛ ل (نیزآ، ب): بیند درست؛ س: آمد درست؛ ق: از [تو] آمد درست؛ (پ، لن، آ): بیند از تو درست؛ لن: کنون آن همه از تو بیند درست؛ لی: هم از طوس آن از تو بیند درست؛ ل: و از طوس از تو بیامد درست)؛ متن = ف، ل، آ، س^۲ (داستان سیاوخش، بیت ۱۵۸۹)؛ س در اینجا سرنویس دارد: پاسخ دادن ایرانیان گودرز کشواد را ۱۰- س (نیزب): پیش تو ۱۱- ل: بفرمان و رایت سرافکنده‌ایم ۱۲- س: ایدونکه ۱۳- س: چه؛ (ق: نه) ۱۴- ل، ق، ل، آ، س^۲ (نیزق، آ، و): اندرآید بگردار؛ س: اندرآیند یکسر چو؛ (پ، لن، آ): اندرآرد بدشت و به)؛ متن = ف (نیزلن، آ، ب) ۱۵- ل، آ، س^۲ (نیزلن، و، ب): کمر جنگ را بر میان بسته‌ایم؛ س این بیت را ندارد ۱۶- ف: فدای ۱۷- ق: همینست؛ س: بدینست ۱۸- ل، س^۲ (نیزق، آ): برینسان؛ س (نیزپ، لن، آ): بدانسان؛ (لن: برانسان؛ ل: ازیشان)؛ متن = ف، ل، آ، (نیزلی، و، آ، ب) ۱۹- ل، آ، س^۲ (نیزلی، پ، لن، آ، آ): شنید؛ متن = ف، ل، س (نیزلن، ق، آ، و، ب) ۲۰- س (نیزلن، ق، آ، ل، و، ب): روشنایی فرود؛ (لی، آ: شادی آمد پدید)؛ ل، آ، س^۲ (نیزپ، لن، آ): شد اندر دلش روشنایی پدید؛ متن = ف، ل؛ ق بیتهای ۱۷۱۰ و ۱۷۱۱ را ندارد ۲۱- ل: بدان ۲۲- ل: نره شیران ایران زمین؛ س (نیزپ، لن، آ): پهلوانان شاه زمین؛ (لن، ب: گردشیران شاه زمین؛ لی، آ: گرزداران روی زمین؛ ل: نامداران شاه زمین؛ ق: که آباد بادا بگردان زمین)؛ متن = ف، ل، آ، س^۲ (نیزو)؛ ق، آ، لی، آپس از این بیت افزوده‌اند:

دل شاه گیتی پر از داد باد

ق: همیشه تن و جانان شاد باد

که تا پاک گردد ازیشان زمین

لی، آ: بکوشید یکبار دیگر بکین

۲۳- (و: نباید یکباریک همه برنشست) ۲۴- س (نیزب): میانها؛ ل: همیدون میان را بکینه؛ متن = ف، ق، ل، آ، س^۲ (نیزلن-آ)

<p>به فرهاد^۳ خورشیدپیکر^۴ سپرد به گتماره^۵ ی قارنان^۶ داد زود^۷ به هر کار شایسته دستور من، برو پشت لشکر تو باش و پناه سپه را تو باش این زمان پیشرو نگهبان و هشیار و پشت و پناه^{۱۰} نگر ناورید اندکی پای پیش شب و روز باشید بر پشت زین گرفتند زاری بر آن^{۱۱} رزمگاه^{۱۲} همه خاک را بر سر انداختند^{۱۳} کمر بست و شد سوی آوردگاه^{۱۴} بسی پند و اندرز با او^{۱۵} براند سپه را ز دشمن نگهدار باش! نگر تا گشاده ندارید^{۱۶} روی بود خواب را بر تو بر تاختن^{۱۷} ز ناخفتگان بر تو آید نهیب سپه را ز دشمن بی‌اندوه دار^{۱۸} شی ناگهان تاختن گر^{۱۹} کمین،</p>	<p>چپ لشکرش جای^۱ رهام^۲ گرد سوی راست جای فربرز بود^۳ به شیدوش فرمود کای پور من تو با کاویانی درفش و^۴ سپاه بفرمود پس گتتهم را که شو^۵ ترا بود باید به سالارگاه سپه را بفرمود کز جای خویش همه گتتهم را کنید آفرین برآمد خروش از میان سپاه همه سربسر پیش او تاختند که با پیرسر پهلوان سپاه سپهدار چون گتتهم را بخواند بدو گفت: زنهار بیدار باش! شب و روز در جوشن کینه جوی چُن^{۱۷} آغازی^{۱۸} از رنج^{۱۹} پرداختن همان چون سر آری به سوی نشیب یکی دیدبان^{۲۱} بر سر کوه دار^{۲۲} ار^{۲۴} ایدونک آید^{۲۵} ز توران زمین ۱۷۱۵ ۱۷۲۰ ۱۷۲۵ ۱۷۳۰</p>
---	--

۱- ل، ا، س^۱ (نیزب، ل، ن): بود؛ (ق، ا، و: را به) ۲- س (نیزب): بهرام (!) ۳- (ل: خرداد) ۴- ق: خورشید لشکر ۵-
ق: گرد ۶- ف، س (نیزو): بکشماره و بارمان؛ ل: بکشماره قارن آن؛ ل، ا، س: بکشماره بارمان؛ (ل، آ، ب: بکشماره قارنان؛ ب:
بکشماره طوریان؛ ل، ن: بکشماره تازیان)؛ متن تصحیح قیاسی است (بیت ۳۲۴) ۷- ق: جناح سپه را بارمان سپرد؛ (ل، ن: که با دانش و
رای و با برز بود؛ ق: که با لشکر و پیل و بارز بود) ۸- ق: [و] ۹- س: رو؛ ف: بفرمود گتتهم را گفت شو؛ متن = ل، ق، س: ا (نیز
ل، ن، ق، ا، ب): ب؛ ل^{۱۰} (نیزلی) بیتهای ۱۷۱۷ و ۱۷۱۸ را ندارند ۱۰- س: پشت سپاه؛ ل، ق (نیزلن، ق، ا، ل، ب): نگهدار هشیار (ل:
بیدار؛ آ، ب: نگهدار و هشیار و) پشت سپاه؛ متن = ف، س ۱۱- (ق، ا، ل، ی، ل، ب، پ، ل، ن: بدان؛ آ: در آن؛ متن = ل، ا، س: ا (نیزلن،
ب) ۱۲- ف (نیزو): کمر بسته (و: بست و) شد سوی آوردگاه (= ۱۷۲۳ ب)؛ س، ق: کمر بست و شد سوی آوردگاه (۱۷۲۱ ب -
۱۷۲۳ آ را انداخته و از ۱۷۲۱ آ و ۱۷۲۳ ب) یک بیت ساخته اند ۱۳- ل (نیزل، و): همه خاک بر سر برداختند؛ (ل، آ: همه خاک ره بر
سر انداختند)؛ متن = ف، ل، ا، س: ا (نیزلن، ق، ا، ب، ل، ن، ا، ب)؛ س، ق این بیت را ندارند ۱۴- (ل، ن: پیش آوردگاه)؛ ل، ا، س: کمر بست
(س: کمر بسته) او شد سوی رزمگاه؛ (ق: چه بندی کمر را بدین رزمگاه؛ ل، آ: کمر بسته سوی آوردگاه؛ ب، ل، ن: کمر بست باید سوی
رزمگاه؛ و: شود در میان یلان کینه خواه)؛ متن = ف، ل (نیزب) ۱۵- ف، ل، ا، س: ا، وی ۱۶- ق: نداری تو ۱۷- ل، ل، س: ا
(نیزلن - ب): چو؛ متن = ف ۱۸- (ل، ن، ب: برگردی) ۱۹- ل، س (نیزلی، ب، ل، ن، آ، ب): جنگ؛ ق (نیزلن): جنگ و؛ (ل، ن: رنج
(و)؛ متن = ف، ل، ا، س: ا (نیزق، و) ۲۰- ف، ل، ا (نیزل، ن): بر داختن (!)؛ متن = ل، س، ق، س: ا (نیزلسن، ق، ا، ل، ب، ل، ن، آ،
ب) ۲۱- ل، ل، ق، ل: دیده بان ۲۲- س: گه نشان ۲۳- س: که آید نشان؛ درل؛ س: پس از این بیت، بیت ۱۷۳۲ آمده
است ۲۴- ل، ق، س: ا، و؛ متن = ف ۲۵- ل: که آید بر ما ۲۶- ل: تاختن ناگهان؛ س بیتهای ۱۷۳۰ و ۱۷۳۱ را ندارد؛ در
س: ا ۱۷۳۰ آ و ۱۷۳۱ آ را در میان ستون‌ها آورده است

<p>به جنگ اندر آهنگ گردان کنی بد آگاهی آید ز توران سپاه، سر بی‌تنان راه به توران^۶ گشند^۷، سه روز اندرین کار^۸ باید درنگ شه نامبردار با فر و گاه^{۱۱} سرشکش ز مژگان به رخ برچکید همی جست از آن کار پیوند اوی^{۱۴} میان بسته دارم بسان رهی</p>	<p>تو باید که پیگار مردان کنی ور ایدونک از ما^۱ بدین رزمگاه^۲ که ما را بدآوردگه^۳ بر گشند^۴ سپه را نگر تا^۵ نیاری به جنگ چهارم خود^{۱۰} آید به پشت سپاه چو گفتار گودرز از آنسان^{۱۲} شنید پذیرفت سرتاسر آن^{۱۳} پند اوی^{۱۴} به سالار گفت: آنچه^{۱۵} فرمان دهی</p>
<p>به ترکان، بر آن درد بودند بست^{۱۷} برادر ز خون برادر به درد دژم گشته گردان ز چرخ^{۱۸} بلند چُن^{۲۰} از گرگ درنده خسته^{۲۱} رمه، فراوان سخن پیش ایشان براند^{۲۳} همه سوده^{۲۵} رزم پیر و جوان، چه مایه بزرگی و جاهست و آب</p>	<p>پس از جنگ پیشین^{۱۶} که آمد شکست خروشان پدر بر پسر روی زرد همه سر بسر سوگوار و نژند چو پیران چنان دید و^{۱۹} لشکر همه سران را ز لشکر سراسر بخواند^{۲۲} چنین گفت کای کار دیده گوان^{۲۴} شما را بنزدیک افراسیاب</p>

۱- ف، ق، ل، آ، س (نیزلن - ب): یا؛ متن = ل؛ س: ماند ۲- ف: برین روزگار (پساوند ندارد)؛ متن = ل - س (نیزلن - ب)؛ درل، آ، س (نیزو) این بیت پس از بیت ۱۷۲۹ آمده است و در اینجا بجای آن افزوده اند:

۳- ف، س: برآوردگه؛ ل، س، ق (نیزلن - ب): باوردگه؛ متن = ل ۴- ف: کشید؛ متن = ل - س (نیزلن - ب) ۵- ل: تن بی سران را؛ س، ق (نیزلن، ق، آ، لی، پ - ب): سری تنانمان؛ (ل: سری بهامان)؛ متن = ف، ل، آ، س ۶- س: بایران؛ ل: بره بر ۷- ف: کشید؛ س، ق (نیزلی، آ): برند؛ متن = ل، ل، آ، س (نیزلن، ق، آ، ل، پ، و، لن، آ، ب) ۸- ل: نگر تا سپه را ۹- ل (نیزلی، آ): کرد ۱۰- س: چو ۱۱- ل: با پیل و گاه؛ ل: باوردگه؛ (ق: با تاج و گاه؛ لی، آ: با فرو جاه)؛ ق: شه شهریاران با فرو جاه؛ متن = ف، س، س (نیزلن، ل، آ، پ، و، لن، آ، ب) ۱۲- ل، ل، ل: زانسان؛ س: ازینسان؛ متن = ف، س، ق ۱۳- ل، ل، آ، س (نیزلن، ق، آ، پ، لن، آ): سرتا بسر؛ متن = ف، س، ق (نیزلی، و، آ، ب) ۱۴- ل، ل، س: او ۱۵- ق، ل، آ، س: آنچه؛ س (نیزلی، لی، آ) پس از این بیت افزوده اند:

بدین (برین) رزم هومان سخن ساختم (ساختیم) به پیران سالار پرداختم (ق: به پیران و گودرز پرداختیم)

۱۶- س: بیژن ۱۷- ف: به ترکان برآن درد بر بود بست (؟)؛ ل، س، ل، آ، س (نیزلن - ب): به توران (ل، س، لی: که ترکان؛ س: به هومان؛ ق: ز توران؛ و: به ایران؛ آ: ز ترکان) بدان (ل، لن: بران؛ ل، آ، س، ق، آ، ل: پراز؛ و: از آن) درد بودند (و: بودیم) بست (ل، ل، آ، و، ب: بست (حرف یکم نقطه ندارد)؛ ل: دست؛ پ، لن، آ: پست)؛ متن تصحیح قیاسی است؛ ق بیت های ۱۷۳۹-۱۷۴۱ را ندارد ۱۸- ل: از گشت چرخ؛ س (نیزلن، لن، آ، ب): گردان سپهر؛ (ق: از کار چرخ؛ لی: از درد چرخ؛ آ: از دور چرخ)؛ متن = ف، ل، آ، س (نیزل، آ، پ، و)؛ س، س (در اینجا سرنویس دارند: رای زدن پیران با لشکر (س: با ترکان و رفتن بجنگ) ۱۹- ل - س (نیزلن - ب): [و]؛ متن = ف ۲۰- ل - س (نیزلن - ب): چو؛ متن = ف ۲۱- ل، س، ق (نیزل، آ، ب): جسته؛ (لی، و: حسته)؛ متن = ف، ل، آ، س (نیزلن، ق، آ، پ، لن، آ) ۲۲- ل: همه پیش خواند؛ س: سراسر سران را ز لشکر بخواند ۲۳- (ق، آ، لی، آ: از آن رزم چندی سخنها براند) ۲۴- س: سران ۲۵- ف: سرده (سوده)؛ متن = ل - س (نیزلن - ب)

به پیروزی و فرخی^۱ نامتان^۲ به گیتی پراگنده بُد^۳ کامتان^۴
 به یک ره که آمد^۵ شاه را شکست کشیدی همه یکسر از جنگ دست^۷
 بدانید یکسر کزین رزمگاه اگر بازگردد به مُستی^۸ سپاه،
 پس اندر از ایران دلاورسران بیایند با گرزهای گران،
 یکی را ز ما زنده اندر جهان نیند کس از آشکار و نهان^{۱۱}
 برون کرد باید ز دل‌ها نهیب گزیدن مرین^{۱۲} غمگان را شکیب^{۱۳}
 چُنین داستان زد شه^{۱۴} موبدان که پیروز یزدان بود جاودان
 جهان سربسر با^{۱۵} فراز و نِشِب همان لشکرست این که از^{۱۷} جنگ ما^{۱۸}
 کنون از بروبوم و فرزند خویش ۱۷۵۵
 برین^{۲۳} رزمگه بست باید میان چُنین کرد گودرز پیمان که من
 یکایک به روی اندرآریم روی گرایدونک^۷ پیمان به جای آورد^{۲۸}

۱- ل، س (نیزلن، پ، و، لن، ب): فرهی؛ متن = ف، ق، ل، آ، س^۲ (نیزق، ل، ل، آ، آ) ۲- ل، ق، ل، آ (نیزب): کامتان؛ متن = ف، س، س^۳ (نیزلن - ب) ۳- ل، ل، ل، آ (نیزو): شد؛ س^۴: بر؛ متن = ف، س، ق (نیزلن - ب، ل، س، آ، ب) ۴- ل، ق، ل، آ: نامتان؛ متن = ف، س، س^۵ (نیزلن - ب) ۵- ل (نیزق، ل، ل، ب - ب): بیک رزم کامد؛ س: یکی رزم آمد؛ ق (نیزل): بیک روز کامد؛ متن = ف، ل، آ، س^۶ (نیزلن) ۶- س^۷: سپه ۷- ل، ق (نیزب، و): کشیدید یکسر (و: ازینسان) زبیکار (ق: ازاین کار) دست؛ س، ل، آ، س^۸ (نیزلن، لن): کشیدید (لن: کشیدیت) یکسر هم (س^۹: همه) از جنگ دست؛ (ق^{۱۰}: کشیدید جمله سر از جنگ دست؛ ل^{۱۱}: جمله کشیدند از جنگ دست؛ ب: کشیدن همه لشکر از جنگ دست)؛ متن = ف (نیزلی، آ) ۸- ل، ق (نیزلن، ل، آ، ب): به سستی؛ س^۹ (نیزو): به سستی؛ س (نیزب، لن): به سستی (پ، لن، آ: سستی) اگر باز گردد؛ متن = ف، ل^{۱۰} (نیزق) ۹- ل، س، ق، س، ز: ۱۰- ق، س^{۱۱} (نیز لن، ق، ل، ل، آ، آ): کسی؛ (ب: کسی از)؛ متن = ف، ل، س، ل^{۱۲} (نیزب، و، لن) ۱۱- ل (نیزلن): مهتران و کهان؛ س (نیزل، ب، و): کهتران و مهان؛ (ب: کهان و مهان)؛ متن = ف، ق، ل، آ، س^{۱۳} (نیزلن، ق، ل، آ) ۱۲- (ق^{۱۴}: کزیدر مرین؛ که زبید مرین؛ ب، لن، آ، ب: گرازیدن)؛ متن ← ۱۳- س: گزیدن بدل همگانرا نشیب؛ (ل^{۱۵}: وگرته بیاید بدین غم شکیب؛ و: گزیده براین غمگساران شکیب)؛ متن = ف، ل، ق، ل، آ، س^{۱۶} (نیزلن) ۱۴- س (نیزلن، ب): آمد از ۱۵- س (نیزب، لن، آ، ب): در؛ (ل، آ: بر)؛ متن = ف، ل، ق، ل، آ، س^{۱۷} (نیزلن، ق، ل، آ، ل) ۱۶- س^{۱۸} (نیزلی): فریب؛ (ق^{۱۹}: آ، ب، آ: نهیب)؛ ف، ل، آ: رفتن از راه ریب؛ ل، ق (نیزل): چنن است با (ل^{۲۰}: و ما) رفتن اندر (ل^{۲۱}: ایدر) نهیب؛ س (نیزلن، آ، ب): چنن است رفتن همه در فریب؛ (لن: چنن است و ناگه دهدهمان نهیب)؛ متن تصحیح قیاسی است (← رفتن گوبه ترکستان، بیت ۶۹۶؛ نیز ← راوندی، ص ۱۴۹، س ۲) ۱۷- س: همین لشکرست آنک در ۱۸- س^{۱۹} (نیزآ): که آمد (آ: از ما) بچنگ ۱۹- ل، ق (نیزق، ل، ل، آ، ب، لن، آ، ب): بیچید و بس (ل، آ، ب: سر؛ ب: پس) کرد؛ س: بیچید سرها ز؛ متن = ف، ل^{۲۰} (نیزلن، و) ۲۰- س^{۲۱} (نیزآ): برفتند و رفته ز روی آب و رنگ؛ درل این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۲۱- ل، س، ل، آ، س^{۲۲} (نیزلن، ق، ل، ل، و، لن، آ، ب): از؛ (ل^{۲۳}: همان از بی)؛ متن = ف (نیزب) ۲۲- ل: جاه؛ ق این بیت را ندارد ۲۳- ل، ق، س^{۲۴}: بدین؛ متن = ف، س، ل^{۲۵} ۲۴- س: نزد ۲۵- س: از آن؛ ق: گزینیم زین ۲۶- ل، ق: گفت گوی ۲۷- س^{۲۸}: ایدونکه ۲۸- ف، ل، آ، س^{۲۹} (نیزل): پیای آورد (؟)؛ ل: بجای آورید؛ ق: بجای آورند؛ متن ← ۲۹- ف، ل، آ، س^{۳۰} (نیزل): بجای آورد (؟)؛ ل: پیای آورید؛ ق: پیای آورند؛ متن = س (نیزهشت دستنویس دیگر)

- ۱۷۶۰ وُگر همگروه اندرآید به جنگ^۱
اگر سر همه سوی خنجر بریم
وُگر نه سرانشان برآرم^۵ به دار
اگر^۲ دل^۸ بیچد کس^۱ از گفت من^{۱۰}
گرفتند گردان به پاسخ شتاب
۱۷۶۵ تو از دیرگه باز با^{۱۳} گنج خویش
میان بسته‌یی^{۱۴} پیش ما چون رهی
چرا سر بیچیم^{۱۵}؟ ما خود که یم؟
بگفتند و از^{۱۷} پیش برخاستند
همه شب همی ساختند آن^{۱۸} سَخُن^{۱۹}
۱۷۷۰ به شبگیر آوای^{۲۱} شیپور و^{۲۲} نای
نشستند بر زین سپیده‌دمان
که از نعل اسپان تو گفتی^{۲۶} زمین
سپهد به لَهاک و فرشیدورد
شما را نگهبان توران سپاه
۱۷۷۵ یکی دیدبان^{۲۹} بر سر کوهسار
ار^{۳۰} ایدونک^{۳۱} ما را ز گردان سپهر
شما جنگ را کس^{۳۲} مپایید، زود^{۳۳}
- نباید کشیدن ز پیگار چنگ^۲
— که^۳ روزی بزادیم^۴ و روزی مریم —
دو^۶ رویه بود گردش روزگار
بفرمایم سر بریدن ز تن^{۱۱}
که ای پهلوانِ ردافراسیاب^{۱۲}
گزیده‌ستی از بهر ما رنج خویش
پسر با برادر به گشتن دهی
چنین بنده‌ی تو^{۱۶} ز بهر چه یم؟
به پیگار یکسر بیاراستند
که افگند سالارِ بیدار بُن^{۲۰}
ز پرده^{۲۳} برآمد ز هر دو سرای^{۲۴}
همه نامداران به بازو^{۲۵} کمان
بپوشده‌می^{۲۷} چادر آهین
چنین گفت کای نامدارانِ مرد،
همی بود باید بدین^{۲۸} رزمگاه
نگهبان روز و ستاره‌شمار
بدآید، ببرد ز ما پاک مهر،
به توران شتایید برسان دود^{۳۴}

۱- س: بجای؛ س: همگروه‌ها کشیدن درنگ (!) ۲- س: پای ۳- ل، س، ق (نیزلی، پ، لن، آ): به؛ متن = ف، ل، آ، س (نیزلن، ق، ل، آ، و، ب) ۴- س: (نیزل، و): بزایم؛ درس^۱ بیتهای ۱۷۶۱ و ۱۷۶۳ پس و پیش شده‌اند ۵- ل: (نیزق، آ، ب): برآرم سرشان ۶- ق: چه ۷- س: کرا ۸- ل، س (نیزلن، پ، لن، آ): سر؛ متن = ف، س (نیزق، ل، و، آ، ب) ۹- ل: کرا کر به بیچد سر (!) ۱۰- ق: وگر خود بیچد سر از گفتگوی ۱۱- ق: بجوی؛ س در اینجا سرنویس دارد: پاسخ دادن لهاک و فرشیدورد و ترکان پیران را ۱۲- ق: شه افراسیاب ۱۳- (پ، لن، آ: دیرگاهست تا) ۱۴- ل: بسته بر ۱۵- س، س، س (نیز ب): بیچیم و ۱۶- ل، ق: شه؛ ل: (نیزق، آ، ب): بودن؛ (ل: پروریده)؛ متن = ف، س، س (نیزلن، ل، لن، آ، ب) ۱۷- ف- ل: وز؛ متن = س ۱۸- ل، ق: این؛ ل: زان؛ متن = ف، س ۱۹- س: ساخت (حرف یکم نقطه ندارد) با انجمن ۲۰- ل: (نیزلی، آ): که سالار بیدار افکنند بن ۲۱- س، ق، ل، آ، س (نیزق، آ، ب): آواز؛ متن = ف، ل (نیزلن) ۲۲- ل، س، ل: [و] ۲۳- (ق: دمادم) ۲۴- س (نیزب، لن، آ، ب): برآمد ز دهلیز پرده سرای ۲۵- ل: بیازوی؛ س: بگرزو؛ (پ، لن، آ: بتیر و)؛ متن = ف، ق، ل، آ، س (نیزهفت دستنویس دیگر) ۲۶- (پ، لن، آ: تو گفتی ز سَم ستوران) ۲۷- ق، ل، آ: همه؛ ف این بیت را ندارد ۲۸- ل: برین ۲۹- ل، ق، ل، آ، س: دیده‌بان؛ متن = ف، س ۳۰- ل، ق، ل: (نیزق، آ): گره؛ س (نیزلن، ل، ب): ور؛ متن = ف، س ۳۱- س: ایدونکه ۳۲- س: را خود؛ ل: کس را؛ (ل، آ: کین را؛ لن: خود را)؛ متن = ف، ل، ق، س (نیزق، آ، ب، و، ب) ۳۳- ل: متازید زود؛ (ق: مسازید دست؛ ل: مسازید زود؛ پ: میازید دست)؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س (نیزلن، ل، و، لن، آ، ب) ۳۴- (ق، آ، ب: مست)؛ س (نیزلن، آ، ب): شتایید از ایدر (س: ایران) بتوران چو دود؛ متن = ف، ل، ق، ل، آ، س (نیزلن، ل، و، آ)

کزین^۱ تخمهی ویسگان بس^۲ نماند
گرفتند مر یکدگر را کنار
همه کشته شد جز شما کس^۳ نماند
به درد جگر برگرستند^۴ زار
بگفتند و پس^۵ روی برگاشتند
غریویدن و بانگ برداشتند

گفتار اندر رسیدن گودرز و پیران بهم^۶

پُر از^۷ کینه سالار توران سپاه
چو گودرز کشوادگان را بدید
بدو گفت کای پُرخرد پهلوان
روان سیاوخش^۸ را زآن چه سود
بدان گیتی^{۱۱} او جای نیکان گزید
دو لشکر برین خاک^{۱۲} بر^{۱۳} یکدگر
سپاه دو کشور چُنین^{۱۵} شد تباه
جهان سربسر پاک بی مرد گشت
چرا گُشت باید همی بیگناه؟
ار^{۲۱} ایدونک هستی چُنین کینه دار
تو از لشکر خویش بیرون خرام
خروشان بیامد به آوردگاه
سَخُن گفت بسیار و پاسخ شنید
به رنج اندرون چند پیچی روان؟
که از شهر^۹ توران^{۱۰} برآری تو دود؟
نگیری تو آرام کو آرمید
فگنده چو پیلان، ز تن دور سر^{۱۴}
گه آمد که برداری^{۱۶} این^{۱۷} کینه گاه
برین^{۱۸} کینه پیگار^{۱۹} ما سرد گشت
سَخُن بر نهادم کنون^{۲۰} بر دو راه:
از آن کوه باره^{۲۲} سپاه اندر آر
مگر خود برآیدت ازین کینه کام^{۲۳}

۱- ل: که از ۲- ل، س (نیز لن، ق، ل، ی، پ، لن): کس؛ متن = ق، ل، آ، س (نیز ل، آ، ب) ۳- ل، س (نیز لن، ی، پ، لن): بس؛ متن = ق، ل، آ، س (نیز ق) (پساوند ندارد)، ل، آ، ب؛ درف این بیت پس از بیت ۲۱۱۰ آمده است؛ ل، آ، س (نیز لن، ق، ل، ی، و، آ) پس از این بیت افزوده اند:

چَه دانیم کُردن ابا روزگار
کز اول همو (و: کز آغازش او) باشد آموزگار
۴- س: برکشیدند؛ ل: پس گرستند؛ س: برگزشتند؛ (ل: می گرستند)؛ متن = ف، ل، ق (نیز لن، ق، ل، ب) ۵- ل، ق: برفتند و پس؛ (ل: چو گفتند پس؛ پ، لن: وزان پس ز هم)؛ متن = س، ل، س (نیز لن، ق، ل، آ، ب)؛ ف این بیت را ندارد ۶- ف: گفتار اندر جنگ سوم گودرز با پیران و وداع کردن پیران و پسه برادران را لهاک و فرشیدورد و آمدن بچنگ گاه؛ ل: ساز کردن رزم دوازده رخ؛ س: رسیدن گودرز و پیران بهم و مناظره ایشان؛ ق: لشکر کشیدن گودرز و پیران و محاوره ایشان با همدگر؛ س: سپردن پیران لشکر بلهاک و فرشیدورد؛ ل: سرنویس ندارد؛ متن = س ۷- ق: از آن ۸- ل، س، ق، ل (نیز لن، ل، آ، ب)؛ سیاوش؛ (پ: سیاوش)؛ متن = س (نیز ق، ل، ی، و، ب) ۹- (ل: بوم) ۱۰- ل (نیز ل): ترکان؛ (و: ایران)؛ متن = س، ق، ل، آ، س (نیز هفت دستنویس دیگر)؛ ف این بیت را ندارد ۱۱- (لن: ندانی که)؛ ف این بیت را ندارد ۱۲- ف: بدین حال؛ ل، س (نیز ق، ل، ب)؛ چنین تند؛ ل: بدان حال؛ متن = س (نیز لن) ۱۳- ل، س، ق، ل (نیز لن، ق، ل، ی، و، آ، ب)؛ با؛ (پ: از)؛ متن = ف، س (نیز لن) ۱۴- س: جدا کرده سر؛ ل: ز کینه چو پیلان جدا کرده سر؛ متن = ف، ل، س، ق (نیز لن - ب) ۱۵- ل، س، ق (نیز ل، ل، آ، ب)؛ همه؛ متن = ف، ل، آ، س (نیز لن، ق، ل، و) ۱۶- ق: برگیری ۱۷- ل: آن ۱۸- س، س: بدین ۱۹- ل: کینه بر کار؛ ق: بیتهای ۱۷۸۸-۱۷۹۱ را ندارد ۲۰- (لن: همی)؛ ل: کنون بر نهادم سخن؛ متن = ف، س (نیز ق، ل، ی، و، آ)؛ ل، س، ق (نیز ل، پ، لن) این بیت را ندارند ۲۱- ل، س (نیز ق، و)؛ گر؛ س (نیز ل، پ، لن، آ، ب)؛ ور؛ متن = ف، ل (نیز لن، ل، ی، آ) ۲۲- ف، ل، ل، س (نیز لن، ق، ل، ی، و، آ، ب)؛ کوه پایه؛ س (نیز پ، لن): پایه که؛ متن تصحیح قیاسی است (بیت ۴۲۸، ۲۰۲۸؛ داستان کاموس کشانی، بیت ۳۱۲) ۲۳- س: مگر کشته براند ازین کار کام (!)

به تنها من و تو برین^۱ دشت کین
 ز ما هر که^۲ او هست پیروزبخت
 اگر من به دست تو گردم تباه
 به پیش تو آیند و فرمان کنند
 ۱۷۹۵ وگر تو شوی گشته بر دست من
 مرا با سپاه تو پیگار نیست
 چو گودرز گفتار پیران شنید
 نخست آفرین کرد بر کردگار
 به پیران چنین گفت کای نامور
 ۱۸۰۰ ز خون سیاوش بدافراسیاب^{۱۳}
 که چون گوسپندانش برید^{۱۵} سر
 وُرآن^{۱۶} پس برآورد از ایران خروش
 سیاوش به سوگند تو سر^{۱۹} بداد
 ۱۸۰۵ وُرآن^{۲۱} پس که نزد تو فرزند من
 شتابیدی^{۲۳} و جنگ را ساختی
 مرا حاجت^{۲۴} از کردگار جهان
 که روزی تو پیش من آیی به جنگ
 بگردیم و کین آوران همچنین
 رسد خود به کام^۳ و نشیند به تخت
 نجویند^۴ کینه به توران سپاه^{۱۵}
 به پیمان سرانشان^۶ گروگان کنند
 ابا نامدارانِ آن انجمن^۷،
 بریشان ز من نیز تیمار^۸ نیست
 از^۹ اختر همه بخت^{۱۰} او تیره دید^{۱۱}
 دگر یاد کرد از شه نامدار
 شنیدیم گفتار تو سربر^{۱۲}
 چه سودست؟ از داد^{۱۴} سر برمتاب
 پُر از خون دل از درد خسته جگر
 زبس کشتن و غارت^{۱۷} و جنگ و جوش^{۱۸}
 تو دادی مرو را به خیره^{۲۰} به باد
 بیامد، بگشتت^{۲۲} سر از پند من
 بکردار آتش همی تاختی
 برین^{۲۵} گونه بود آشکار و نهان،
 کنون کامدی^{۲۶}، نیست جای^{۲۷} درنگ!

۱- س، ل: ۲؛ درین؛ ق: بدین؛ متن = ف، ل، س: ۲ - ۲- ل: هرک ۳- ل: ۲؛ او ۴- ف: بچویند (!)؛ س: بجویند (حرف یکم نقطه ندارد)؛ ل: ۲ (نیز ل، و)؛ بجویند (حرف یکم نقطه ندارد)؛ متن = ل، ق، س: ۲ (نیز هفت دستنویس دیگر) ۵- س، ق: (نیز ق، ل، ی، پ- ب): ز توران سپاه؛ س: ۲؛ از ایران سپاه؛ (لن: در آورد گاه)؛ متن = ف، ل، ل: ۲ (نیز ل: ۳) ۶- ل: روان را؛ س: (نیز ل، آ): سران را؛ ق: سران سر؛ س: ۲؛ همان نیز ایشان (بیمان سرانشان)؛ (لن، ق: سرانشان به پیمان)؛ متن = ف، ل: ۲ (نیز ل: ۳، پ، و، ل، آ، ب) ۷- ف، ق، ل: ۲، س: ۲ (نیز ل، ی، آ): من و (ق: من از؛ ل: هم این) نامداران آن (ف، لن، آ: این) انجمن؛ ل: کسی را نیازم از انجمن؛ س: بزهار یزدان کزین انجمن؛ متن = (ق، ل، آ، پ، و، ل، آ، ب) ۸- س: درد و تیمار؛ (ق، ل، ی، پ- ب: ترس و تیمار؛ ل: ۲؛ نیز آزار)؛ ق: بریشان مرا راه دیدار؛ ل: ۲؛ بریشان بر ز من تیمار (!)؛ متن = ف، ل، س: ۲ ۹- ف، ق، ل: ۲؛ زه متن = ل، س، س: ۲ ۱۰- ف: تخت (!)؛ س: (نیز پ، ل، آ، ب): کار؛ ل: ۲ (نیز و)؛ بخت (حرف یکم نقطه ندارد)؛ متن = ق، س: ۲ (نیز ل، ل: ۳) ۱۱- ل: (نیز ل، آ): همی (آ: ورا) بخت وارونه دید ۱۲- ق: (نیز ق، ل، آ، آ): در بدر ۱۳- ل، س، س: ۲ (نیز ل، ق، آ، ل، ی، پ- ب): بافراسیاب؛ ق، ل: ۲ (نیز ل: ۳): بافراسیاب؛ متن = ف ۱۴- س: (نیز پ، ل، آ، ب): بر گوی و؛ ق: ازین داد؛ (ق: از راه؛ آ: از درد)؛ متن = ف، ل، ل، آ، س: ۲ (نیز ل، ل، ی، آ، و) ۱۵- ل، س: ۲؛ گوسفندانش برید؛ س: (نیز ل، آ، پ، ل، آ، ب): گوسفندش (س: گوسفندش) بریدند؛ ق: (نیز ل، آ): گوسفندان (آ: گوسفندان) بریدیش؛ ل: ۲؛ گوسفندش برید؛ (لن: گوسفندش برید؛ ق: ۲؛ گوسفندان برید؛ و: گوسفندانش برید)؛ متن = ف ۱۶- ل: از آن ۱۷- س، ل: ۲؛ غارت و کشتن ۱۸- ل: جنگجوش ۱۹- س: ۲؛ جان ۲۰- ل، ق، ل: ۲ (نیز ل- ل، آ، ب): بخیره مرا و را؛ متن = ف، س، س: ۲ (نیز ق، آ) ۲۱- ل: از آن ۲۲- ل، س، ق، ل: ۲ (نیز ق، ل، آ، پ، ل، آ، ب): کشیدی؛ متن = ف، س: ۲ (نیز ل، ل، آ) ۲۳- س: (نیز پ، ل، آ، ب): بتابیدی؛ متن = ف، ل، ق، ل، آ، س: ۲ (نیز ل، ق، ل، ی، آ، و، آ) ۲۴- (ل، آ: خواهش؛ پ: خواست)؛ متن = ف- س: ۲ (نیز ل، ق، ل، آ، و، ل، آ، ب) ۲۵- ق: بدین ۲۶- ف، ل، ق، ل، آ، س: ۲ (نیز ل، ق، ل، آ، و، آ)؛ آمدی؛ متن = س: (نیز ل، پ، ل، آ، آ، ب) ۲۷- س: روز

۱۸۱۰ به پیران سر اکنون بدآوردگاه^۱ بگردیم یک با دگر^۲ بی سپاه
 کنون نامزد کن ز توران^۳ سپاه که پیش دلیران من کینه خواه^۴،
 بیایند رزم آزموده سران به تیغ و سنان و به گرز گران^۵

گفتار اندر نامزد کردن گردان توران و ایران بهم^۶

سپهدار^۷ توران بیاراست^۸ کار ز لشکر گزید آن زمان ده سوار
 [همانگه از^۹ ایران سپه پهلوان بخواند آن زمان ده سوار جوان]
 برون تاختند از میان سپاه برفتند تا جای^{۱۰} آوردگاه
 ۱۸۱۵ که دیدار دیده بدیشان^{۱۱} نبود دو سالار ازین^{۱۲} گونه جنگ^{۱۳} آزمود:
 ابا هر سوار^{۱۴} ز توران سپاه از ایران یکی شد به آوردگاه^{۱۵}
 نهادند پس گیو را با گروی که هم زور بودند^{۱۶} و پرخاشجوی
 که بگرفت ریش سیاوش به دست سرش را برید از تن پاک^{۱۷} پست
 دگر با فریبرز کاوس تفت چو گلبادویسه بدآورد^{۱۸} رفت

۱- ل، س، ق، س^۲ (نیز لن - ب): باوردگاه؛ متن = ف، ل^۲ - ۲- (ق، ل، و، لن: با یکدگر) - ۳- س (نیز پ، لن: سراسر؛ ب): سران (س) - ۴- س (نیز پ، لن: رزخواه؛ ل بیتهای ۱۸۱۰ و ۱۸۱۱ را ندارد - ۵- ف، ق، ل، س^۲ (نیز لن، ل، و، آ) پس از این بیت سه بیت و پ، لن^۲ تنها بیت سوم را افزوده اند:

چنین (ق، ل، آ: بدو) گفت پیران که دارم سپاس

برون آم از لشکر هم (ل، آ: بی؛ ل: زمین) قیاس

لی، و: برون آورم (و: گزیم ازین) لشکر بقیاس

بیارم (ق: بیاور) باورد (ف، ل: بدآورد) ایرانیان

چنان چون بیاید دلاور سران (ق: بشایند همسان گوان)

توار (ق: که گره؛ س، لن، پ، لن: توازه؛ ل، آ: توهم؛ ل: مرا؛ و: تو گر) هر چه گفتی بجای آوری

ازین عهد و پیمان ما (ق: خود؛ س، و: من؛ ل: تو) نگذری

ل، س، ق، ب این سه بیت را و پ، لن^۲ دوبیت نخستین را ندارند - ۶- ف: گفتار اندر نامزد کردن گردان توران و ایران بهم و نبرد کردن
 یک یک جداگانه بیرون از مصاف گاه؛ س: نامزد کردن پهلوانان ایران و توران با یکدیگر؛ ل: نامزد کردن پهلوانان با یکدیگر؛ ل، ق، س^۲
 سرنویس ندارند؛ متن = آغاز ف - ۷- ل: سپه راز (سپهدار) - ۸- ل، ق (نیز لن - پ، لن، آ): برآاست؛ متن = ف، س، ل، س^۲
 (نیز و، ب)؛ ف، ل، ق، ل، س^۲ (نیز لن، ل، و، آ) پس از این بیت افزوده اند:

ابا اسب و ساز و سلیح (لن، و: سلاح) تمام همه شیرمرد و همه نیکنام

س (نیز ق، ل، پ، لن، ب) این بیت را ندارند - ۹- ل، ق، س^۲ (نیز ل، آ): همانگه ز؛ ل (نیز لن): همانگه از؛ (ق، و: همان نیز از)؛
 متن = ف؛ س (نیز پ، لن، ب) این بیت را ندارند - ۱۰- ل: یکسره؛ (ق، ب: جایی به؛ آ: پویان به)؛ ق (نیز و): از ایران همی (و:
 یکی) شد به؛ (ل: بجستند پس جای)؛ متن = ف، س، ل، س^۲ (نیز لن، پ، لن) - ۱۱- ل، س، ل، س^۲ (نیز لن، ق، ل، پ، لن، ب):
 بریشان؛ متن = ف، ق (نیز ل، آ) - ۱۲- ل: زمین - ۱۳- ل، ق، س^۲ (نیز لن، ل، آ): رزم؛ متن = ف، س، ل (نیز ق، ل، پ، لن، ب)
 (ب) - ۱۴- ل: ایران سپاه - ۱۵- ق: همی رزخواه؛ ل: ز توران یکی شد و رزخواه؛ (ل، آ: از ایران همیدون همه رزخواه)؛ متن = ف،
 س، ل، س^۲ (نیز لن، ق، ل، پ، لن، ب) - ۱۶- ق: هم رزم او بود - ۱۷- ل، آ: تنش پاک؛ (پ: تن و کرد؛ لن: بخنجر ببرد)؛
 متن = ل، ق، س^۲ (نیز ق، ل، و، لن، آ، ب)؛ س این بیت را ندارد - ۱۸- ل، س، ق، س^۲ (نیز ق - ب): باورد؛ ل: برآورد؛ متن = ف

<p>برفتند یک بر دگر^۱ بدگمان چو شیر ژیان با دمنده‌ننگ ابا^۳ آندریمان برون شد چو شیر^۴ به جنگ از جهان روشنایی برده^۶ دگر برنه^۹ با کُهرم^{۱۰} از یاوران^{۱۱} برون‌تاختند از میان گله از آن رزمگه برکشیده غریبو^{۱۵} همه ساخته دور کرده ستم^{۱۶} (!) چه از پادشاهی^{۱۹}، چه از بهر دین که کس برنگرداند از کینه سر که پیروز گردد ازین روزگار^{۲۲} که شایست کردن به^{۲۴} هر سونگاه که دیدار بودی به^{۲۶} لشکر ز دور^{۲۷} که بدبخت و بخت‌آور آنجا گذشت^{۳۰}</p>	<p>۱۸۲۰ چو رُهام گودرز با بارمان گرازه بشد با سیامک به جنگ چو گرگین کارآزموده دلیر^۲ ابا بیژن گیوه رویین گرد چُن^۷ خواشت^۸ با زنگه‌ی شاوران ۱۸۲۵ و^{۱۲} دیگر فروهل^{۱۳} ابا^{۱۳} زنگه هُجیر و سپهرم بکردار دیو^{۱۴} چو گودرزکشواد و پیران بهم به خون تشنه^{۱۷} هر دو سپهبد^{۱۸} به کین بخوردند سوگند یک با دگر^{۲۰} بدان تا که را گردد امروز کار^{۲۱} ۱۸۳۰ دو بالا بُد اندر دو روی^{۲۳} سپاه یکی سوی ایران، یکی^{۲۵} سوی تور به زیر اندرون^{۲۸} بود هامون و^{۲۹} دشت</p>
---	---

۱- ل، ق، س (نیز لن، لی، آ): یک بادگر؛ س (نیز ل، پ، لن): با یکدگر؛ (و: بر یکدگر)؛ متن = ف، ل (نیز ق، ب) ۲- ل، ق (نیز ل): سوار؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیز لن، ق، آ، لی، پ-ب) ۳- ل، س، ق (نیز ل، آ، ب): که با؛ متن = ف، ل، آ، س (نیز هفت دستنویس دیگر) ۴- ل، ق (نیز ل): کند کارزار؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیز لن، ق، آ، لی، پ-ب) ۵- ف: دگر بیژن گیوه؛ (پ، لن): چو با بیژن گیوه؛ متن = ل، س، ق، آ، س (نیز هفت دستنویس دیگر) ۶- ف: نمودند با یکدگر دست برد؛ متن = ل-س (نیز لن-ب)؛ در ف این بیت پس از بیت ۱۸۲۵ آمده است؛ پیاپی بیت‌های متن = ل-س (نیز لن-ب) ۷- ل-س (نیز لن-ب): چو؛ متن = ف ۸- ل، ق، ل: اوخواست؛ س (نیز لن، ق، آ، پ، و، لن، آ، ب): اوخواست؛ (لی: اوخواست؛ ل: اوخواست)؛ متن = ف، س (نیز آ؛ ← بیت ۳۳۸ و ۱۹۴۰) ۹- ل، ق، ل (نیز لن-ب): برته؛ س: برته (حرف یکم نقطه ندارد)؛ س: بویه؛ متن = ف ۱۰- در ف به پیش سوم ۱۱- ل: ناوران؛ ق: مهتران؛ س: باوران؛ (ق): یک کران؛ ب: سروران)؛ متن = ف، س، ل (نیز لن، لی، پ، لن، آ، آ) ۱۲- ل، ق: چو ۱۳- ف، ل: که با؛ ل (نیز پ، لن): بُد و؛ متن = س، ق، س (نیز هفت دستنویس دیگر)؛ در ف پس از این بیت، بیت ۱۸۲۳ آمده است ۱۴- ل، ق: شیر؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیز لن-ب) ۱۵- ل، ق: بدان رزمگاه اندر آمد دلیر؛ (لی، آ): کشیدند در (آ: بر) رزمگه بر غریبو؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیز هفت دستنویس دیگر) ۱۶- ل، ق: دل بدرد و ستم؛ س: رزم و کین و ستم؛ ل: زور و کین و ستم؛ (ل): روی کرده دژم؛ پ: رزم و کرده ستم؛ و: دور و کرده ستم؛ لن: دود و کرده ستم؛ لی، آ: دل هر دو از درد بر هم ستم)؛ متن = ف، س (نیز لن، ق، آ، ب) ۱۷- ل، ق (نیز لی، آ): میان بسته؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیز هفت دستنویس دیگر) ۱۸- س: بودند هر دو ۱۹- س (نیز ب): بهر شاهی ۲۰- ف، س، ق، ل (نیز لن، لی-ب): با یکدگر؛ متن = ل، س (نیز ق، آ) ۲۱- س، ق (نیز لن، لی-ب): آموزگار؛ س: آمرزگار؛ متن = ف، ل، ل (نیز ق، آ) ۲۲- ق: از آن کارزار؛ ل: درین کارزار؛ (ق): بدین کارزار؛ لی، لن، آ: ازین کارزار)؛ ل، س (نیز لن، و، ب): برگردد از کارزار؛ متن = ف، س (نیز ل، آ، ب) ۲۳- ق (نیز لن، ق، آ، و): دورویه؛ ل (نیز لی، پ، لن، آ، ب): میان؛ س: بیاید دورویه؛ متن = ف، ل، س (نیز ل، آ، ب) ۲۴- ق: ز ۲۵- ل، ق، س (نیز ق، آ، لی، ل، آ): دگر؛ متن = ف، س، ل (نیز لن، پ، و، لن، آ، ب) ۲۶- س: و؛ ق (نیز لن، لی، آ، ب): ز؛ ل (نیز ل، آ، پ، و، لن): دو؛ متن = ف، ل (نیز ق، آ) ۲۷- س، ق (نیز آ، ب): بدور؛ س: بودند هر دو ز دور ۲۸- ف (نیز لن): بسیر اندرون (؟)؛ ل، ق (نیز لی، آ): پیش اندرون؛ ل: که زیر اندرون؛ س: بسیر اندرون (؟)؛ (پ، لن): پس پشتشان)؛ متن = (ق، آ، و) ۲۹- س: بود و هامون ۳۰- ل، آ، س (نیز ق، آ، پ، لن): بگشت؛ ل، ق (نیز لی، آ): که تا زنده شایست (لی: بایست) بروی گذشت؛ (و): که بخت بد و نیک آنجا گذشت)؛ متن = ف؛ س (نیز ل، آ، ب) این بیت را ندارند

سپهدارگودرز کردش نشان^۱ که هر کوز گردان مردم‌کشان^۲،
 ۱۸۳۵ به زیر آورد دشمنش^۳ را چو دود^۴ درفشش به بالا برآرید زود^۵
 سپهدار پیران نشانی نهاد به بالای دیگر همین^۶ کرد یاد
 وُزان پس^۷ به هامون نهادند سر به تیغ و به تیر و به گرز^۹ و کمند
 ۱۸۴۰ اگر^{۱۳} کوه پیش آمدی روز جنگ دلیران توران^{۱۱} و گنداوران
 همه دستپاشان فروماند^{۱۶} پست^{۱۷} نبودی بدان^{۱۴} پست^{۱۵} کردن درنگ
 به دام بلا اندراویختند در زور یزدان بریشان بیست
 فروماند^{۱۸} اسپان جنگی به جای که بسیار بیداد خون ریختند
 بریشان همه راستی شد نگون تو گفتی که با دست بسته ست پای^{۱۹}
 ۱۸۴۵ چنان بود خواست جهان آفرین^{۲۱} که برگشت روز و نجوشید^{۲۰} خون
 ز مردان^{۲۳} که بودند با بخت خویش که گفتی^{۲۲} گرفت آن گوان را زمین
 سران از پی پادشاهی به جنگ برآویختند از پی تخت^{۲۴} خویش
 دمان^{۲۶} آمده تا^{۲۷} بدآوردگاه^{۲۸} بدادند پاک^{۲۵} از پی نام و ننگ
 ابر^{۲۹} یکدگر تاخته^{۳۰} کینه‌خواه

۱- ل، س: ۲: کرد آن نشان؛ س، ق: و گردنکشان؛ ل: ۲: گردنکشان؛ (ق، آ، ل، آ: با سرکشان؛ و: گردان کشان؛ ل: ۲، پ، ل: ۲: چنین گفت
 گودرز با سرکشان)؛ متن = ف (نیز، ل، ب) ۲- ل: گردنکشان؛ س (نیز، ل، پ، و، ب): و مردم کشان؛ (ل: ۲: و گردنکشان؛ ل: ۳: ز مردان
 مردم کشان؛ ق: ۲: بکردند یک باد گر این نشان؛ ل، آ: بکردند با یکدگر پس نشان)؛ ق: بگفتا که هر کوز مردان مردم کشان (وزن ندارد)؛
 متن = ف، ل، آ، س: ۲ (← س، ل، پ، و، ب) ۳- ل، س، ق (نیز، ل، آ، و، ب): دشمنی؛ ل: ۲: مردمش؛ س: ۲: مردنش؛ متن =
 ف ۴- س (نیز، ل، ل، آ، ب): ز تور؛ متن = ف، ل، ق، ل، آ، س: ۱ (نیز، ل، ل، آ، و، آ) ۵- ل: برآرید زود؛ س: ۲: برآرند زود؛ ل، ق
 (نیز، ق: ۲): درفشش به (ل: ز) بالا برآرند زود؛ س (نیز، ب): درفشش برآرد بالا ز دور؛ (ل: ۲: درفشش بیالا برآرد ز دور؛ ل، آ: درفشش برآرد بر کوه
 زود؛ و: درفشش بیالا برآرید زود؛ ل: ۲: درفشش ز بالا برآرد ز دور)؛ متن = ف (نیز، ل: ۳) ۶- ق: بجای دگر همچین ۷- ل: از آن پس؛
 ق: وزان سو ۸- ل (نیز، ق، آ، و): بسته گردان؛ ق: تنگ بسته؛ (ل، آ: بسته هر یک)؛ س: بخون بسته گردان کیانی؛ (ل: ۲: از ایران و توران
 بسته؛ ب: بخون بسته بودند گردان)؛ متن = ف، ل، آ، س: ۲ (نیز، ل) ۹- ل (نیز، ل، آ): بگروز و بتیر ۱۰- ل، ق: دلیران و گردان؛ (ل،
 آ: دلیران ترکمان) ۱۱- ف (نیز، ل: ۲): که با؛ س، ل: ۲ (نیز، ل، پ، ل، آ): چه با؛ (ب: چوبیا)؛ متن = ل، ق، س: ۲ (نیز، ل، ل، و،
 آ) ۱۲- ل: تیغ ۱۳- ل، س، ق (نیز، ل، پ، و، ل، آ): که گرز؛ متن = ف، ل، آ، س: ۲ (نیز، ل، ل، آ، و، آ) ۱۴- ل، س (نیز، ل، آ،
 پ، ل، ل، آ، ب): بران؛ (و: در آن)؛ متن = ف، ل، آ، س: ۲ (نیز، ل، ل، آ، و، آ) ۱۵- ف، ق (نیز، و): بست (حرف یکم نقطه ندارد)؛ ل:
 رزم؛ س: بسته (← بسته؟)؛ ل، آ، س: ۲ (نیز، ل، آ، ل، آ): پشت؛ (ل، ل، آ، ب: بست؛ ل: ۲: دشت)؛ متن = (پ) ۱۶- ق: فروبرد؛ ل:
 فرو بسته ۱۷- ل: دست ۱۸- ل، ف، ل (نیز، ل، آ): فرومانده؛ متن = س، ق، ل، آ، س: ۲ (نیز، ل، ل، و، ب) ۱۹- س: که
 بستندشان دست و پای ۲۰- ل، ل، آ، س: ۲ (نیز، ل، ق، آ، ل، و، آ): نجوشید (حرف یکم نقطه ندارد)؛ (ل: ۲، ب: نجوشید)؛ متن تصحیح
 قیاسی است؛ س، ق: بیتهای ۱۸۴۴-۱۸۴۶ و پ، ل: بیتهای ۱۸۴۴ و ۱۸۴۵ را ندارند ۲۱- ل: ۲ (نیز، و): بد مراد جهان آفرین؛ س: ۲ (نیز
 ل، آ، ب): بود رای (ب: حکم) جهان آفرین؛ ل (نیز، ل، آ): چنان خواست یزدان جان آفرین؛ متن = ف (نیز، ل، ق: ۲) ۲۲- ف:
 گفتم ۲۳- ل، ل، آ، س: ۲ (نیز، ل، ل، آ، و، ب): مردی؛ متن = ف (نیز، پ) ۲۴- (ق: ۲: رخت) ۲۵- ل (نیز، ل، ق، آ، ل، و):
 جان؛ س (نیز، ل، پ، ل، آ، ب): و نیز؛ ق: سر؛ متن = ف، ل، آ، س: ۲ ۲۶- ف، س، ل، آ، س: ۲ (نیز، ل، و، ل، آ، ب): دوان (؟)؛ (پ: روان)؛
 متن = ل، ق (نیز، ل، آ) ۲۷- ل: آمدند اندر؛ ق: اندرون در؛ (ل، آ: اندر آمد؛ و: آمدند تا)؛ متن = ف، س، ل، آ، س: ۲ (نیز، ل، پ، ل، آ،

گفتار اندر نبرد فریبرز کاوس با گلباد و یسه^۱

نخستین فریبرز نیو دلیر	ز لشکر برون تاخت برسان شیر ^۲
۱۸۵۰ بنزدیک گلباد و یسه دمان	بیامد، به زه بر نهاده کمان
همی گشت و تیرش نیامد ^۳ چو خواست	کشید آن پرنده آور از دست راست
بر آورد و زد تیغ بر گردنش	به دو نیم ^۴ شد تا ^۵ کمرگه تنش
فرود آمد از اسپ و بگشاد بند	ز فتراک خویش آن کیانی کمند
بیست از بر ^۶ زینش ^۷ گلباد را	گشاد از برش بند پولات را
۱۸۵۵ به بالا برآمد به پیروز ^۸ نام	خروشی بر آورد و بگدارد ^۹ گام
که سالار ما باد ^{۱۰} پیروزگر	همه دشمن شاه خسته جگر

گفتار اندر نبرد گیو گودرز با گروی زره^{۱۱}

و دیگر گروی زره دیو ^{۱۲} نیو	برون رفت با پور ^{۱۳} گودرز گیو
به نیزه فراوان برآویختند	همی زهر با خون برآمیختند

۱- ف: گفتار اندر نبرد فریبرز کاوس با کلباد و یسه و کشتن او را؛ س، ل، آ، س: نبرد فریبرز با کلباد و یسه (س: و کشته شدن کلباد)؛ ق: کشته شدن کلباد و یسه بر دست فریبرز؛ ل سرنویس ندارد؛ متن = آغاز ف ۲- لن، لی، ل، آ، و این بیت را ندارند ۳- ق: تیغش برآمد ۴- س، ق، ل، آ، س: نیمه؛ متن = ف، ل ۵- ق: از ۶- س: سر ۷- ل: باره؛ س، ل، آ، س: (نیز ق، آ، و ب)؛ اسب؛ (پ: زین)؛ متن = ف، ق (نیز لن، لی، ل، آ، لن، آ) ۸- ق: فریبرز ۹- ف، ل، ق، س: (نیز لن - و، آ، ب)؛ بگزارد؛ س، ل، آ: بگشاد؛ متن = (لن، آ) ۱۰- ل: (نیز لی، و)؛ بود ۱۱- ف: گفتار اندر نبرد بیژن (!) گیو با گروی زره و گرفتن او را زنده؛ س: رزم گیو گودرز با گروی زره؛ ق: گرفتار شدن گروی زره بر دست گیو گودرز؛ ل: نبرد گیو با گروی زره و کیفیت آن؛ س: رزم گروی زره با گیو؛ ل سرنویس ندارد ۱۲- ل: زره دار ۱۳- ل: تور (پور)؛ درس (نیز ب) بیتهای ۱۸۵۷-۱۸۸۳ پس از بیت ۱۹۳۸ آمده اند

→

ب) ۲۸- ل- س: (نیز لن، لی- ب)؛ باوردگاه؛ متن = ف ۲۹- ف، ل، آ، س: (نیز لن، پ، لن، آ)؛ بر (ق)؛ ل، ق (نیز لی، ل، آ)؛ ابا؛ متن = س (نیز و، ب) ۳۰- ل، ق (نیز لی، ل، آ)؛ ساخته؛ متن = ف، س، ل، آ، س: (نیز لن، پ، و، لن، آ، ب)؛ س (نیز لن، پ، لن، آ، ب) پس از بیت ۱۸۴۸ افزوده اند:

سپهدار پیران بدانست راز	که روز بسد آمد بتنگی فراز
چنین گفت کای داور کردگار	بگردان زمن این بد روزگار
مگر باز بسیم برویم را	بمانم به بد (تک، سنگ) اختر شوم را

چنین است کار سپهر بلند (لن: کردار این چرخ پیر)

۵ همی دید پیران شمار سپهر	بدانست کزوی ببریبد مهر
بجز جنگ در مان و چاره ندید	ستم بر ستمکاره آمد پدید
رسیدند گودرز و پیران بهم	سخن رفت هرگونه از (لن: بسیار بر) بیش و کم
فراز آمد آن روز گسار دژم	از ایران به ترکان رسید آن ستم

ف، ل، آ، س: (نیز ق، آ، لی، ل، آ، و) پس از بیت ۱۸۴۸ و پ، لن، آ، پس از بیت های بالا افزوده اند:

ازین (س: از آن؛ لی، ابی؛ ل، آ، و: نخست) نامداران ایران سپاه برون شد فریبرز کاوس شاه ل، س، ق (نیز لن، آ، ب) این بیت را ندارند

<p>فروریخت از هول^۲ آن کارزار یک اندر دگر تاخته چون پلنگ^۴ کز اسپ اندرآرد مر آن^۵ نیو را ز ترکان یکی هدیه‌ی نو برد کمان شد ز دستش به سوی نشیب دمان گیو نیو اندرآمد به پیش که خون اندرآمد ز تازک به روی گرفتش به برسخت و^{۱۱} بفشاردش از^{۱۳} اسپ اندرافتاد و بی هوش گشت دو دست از پس پشت بستش چو سنگ دوانید و شد تا^{۱۷} بر یار خویش به نعره همی کوه را کرد پست^{۱۹} همی خواند بر پهلوان^{۲۱} آفرین</p>	<p>سنان دار نیزه زا چنگ سوار کمان برگرفتند^۳ و تیر خدنگ همی زنده بایست مر گیو را چنان بسته^۶ در پیش خسرو برد چو^۷ گیو اندرآمد گروی^۸ از نهیب سوی تیغ بُرد آن زمان دست خویش عمودی بزد بر سر و^۹ ترگ اوی همیدون ز زین دست بگزاردش^{۱۰} که بر پشت زین مرد^{۱۲} بی توش گشت فرود آمد از اسپ^{۱۴} جنگی پلنگ نشست^{۱۵} از بر زین، مرور^{۱۶} به پیش به بالا برآمد درفشش^{۱۸} به دست به پیروزی شهریار^{۲۰} زمین</p>
---	--

گفتار اندر نبرد گرازه با سیامک^{۲۲}

<p>بشد با گرازه^{۲۴} به آوردگاه خروشان بکردار پیلان^{۲۵} مست گرفتند از آن^{۲۸} پس عمود^{۲۹} گران</p>	<p>سدیگر^{۲۳} سیامک ز توران سپاه برفتند^{۲۵} نیزه گرفته^{۲۶} به دست پُر از خشم و پُر جنگ و کینه سران^{۲۷}</p>
--	---

۱- ل، س، ل (نیزق، ل، پ، و، ل، ن)؛ سنان‌های نیزه به (س، ل، آ، و، ز)؛ متن = ف، ل، ق (نیزلن، ل، آ) - ۲- (پ: سهم)؛ س (نیزب) بیت‌های ۱۸۵۹ و ۱۸۶۰ را ندارند - ۳- (پ، و، ل، ن)؛ کمان‌ها گرفتند - ۴- ل (نیزب، ل، ن)؛ نهنگ؛ ق (نیزلی)؛ بیکدیگران گشته همچون (ل: سان) پلنگ؛ (آ: ابریکدگر کینه‌ور چون پلنگ)؛ متن = ف، ل، س، ل (نیزلن، ق، ل، آ، و) - ۵- ل، ق: گو؛ (و: چنان)؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیزهشت دستنویس دیگر) - ۶- س، ل (نیزب، ل، ن)؛ زنده؛ متن = ف، ل، ق، س، ل (نیزهفت دستنویس دیگر) - ۷- س، ل، آ: به - ۸- ل: کرو؛ س (نیزب) این بیت را ندارند؛ درپ از اینجا تا پایان نبرد پهلوانان جای بیت‌هایی را پاک کرده و بجای آنها تصویر کشیده‌اند - ۹- ق، س، ل: [و] - ۱۰- (ل، ن: بگزاردش) - ۱۱- ق: [و]؛ س این بیت را ندارد - ۱۲- ق: که براسب چون مرده - ۱۳- ل، س، ل: ز - ۱۴- ل: باره؛ س پس از این بیت افزوده است:

نشست از بر زین و او را کشان دوانید و میبرد چون بیشان

۱۵- ل: بیست (ف نیز نخست بیست داشته است) - ۱۶- ل، س، ق، س، ل (نیزق، ل، ل، آ، و، آ، ب)؛ و او را؛ متن = ف، ل (نیزلن)؛ بنداری (۱۸۶۸-۱۸۷۰)؛ ثم نزل و کتفه، و قدمه بین یدیه، وأخذ نحو التل - ۱۷- س: دوانید تا شد - ۱۸- ل، ق، ل (نیزلن-آ)؛ درفش؛ متن = ف، س، ل - ۱۹- (ق، ل، و: خروشان بکردار پیلان مست)؛ س (نیزب) این بیت را ندارند - ۲۰- ل: شاه ایران - ۲۱- س، ل (نیزق)؛ کردگار؛ ق این بیت را ندارد - ۲۲- ف: گفتار اندر جنگ گرازه با سیامک و کشته شدن سیامک؛ س، ق، ل: رزم (ل: نبرد) گرازه با سیامک (س، ق: و کشته شدن سیامک)؛ س: رزم سیامک با گرازه؛ ل سرنویس ندارد - ۲۳- ل: سه دیگر؛ س (نیزب)؛ بهفتم - ۲۴- بنداری: برازه - ۲۵- ل: برقتند و؛ ل: چنین هر دو - ۲۶- س: هر دو کمان را؛ س این بیت را ندارد؛ در ل بیت‌های ۱۸۷۳ و ۱۸۷۴ پس از بیت ۱۸۷۵ آمده‌اند - ۲۷- (ل، ن: کینه‌وران)؛ ل: پر از جنگ و پر خشم کینه‌وران؛ س (نیزب)؛ پر از جنگ و پر خشم و کینه سران؛ ق: پر از خشم و ز جنگ و دل کینه‌ساز؛ (ق: پر از خشم و کین اوز کشته سران)؛ متن = ف، ل، آ، س (نیزلی-آ) - ۲۸- ل: زان - ۲۹- ق: دراز

- ۱۸۷۵ چو شیران جنگی برآشوفتند^۱
زبان‌شان شد از تشنگی لخت لخت
پیاده شدند و برآویختند
گرازه بزد دست برسان شیر
چنان سخت زد بر زمین کاستخوانش^۵
گرازه^۸ همان‌گه بیستش^۹ بر^{۱۰} اسپ
گرفت آن‌گه اسپ^{۱۲} سیامک به دست
درفش خجسته به دست اندرون
خروشان و جوشان و نعره‌زنان
- همی بر سر یک‌دگر کوفتند^۲
به تنگی فراز آمد آن^۳ کار سخت
همی^۴ گرد کینه برانگیختند
مرو را چو باد اندر آورد زیر
بریزید^۶ و هم در زمان داد جانش^۷
نشست از بر زین چن^{۱۱} آذرگشپ
به بالا برآمد^{۱۳} بکردار^{۱۴} مست
گرازان و شادان^{۱۵} و دشمن نگون
دلیران بر آن خون شیران دنان^{۱۶}

گفتار اندر نبرد فروهل با زنگله^{۱۷}

- چهارم^{۱۸} فروهل بُد و زنگله
بدایران^{۱۹} نبرده به تیر و کمان
چن آورد^{۲۱} ترک دژم روی دید
بر آورد از آن^{۲۲} تیرهای خدنگ
ابر زنگله تیرباران گرفت
خدنگی به رانش برآمد چو^{۲۴} باد
به روی اندر آمد تگاور ز درد
- دو جنگی بکردار شیر یله
نُبد چون فروهل دگر^{۲۰} بی‌گمان
کمان را به زه کرد و اندر کشید
گرفته کمان نبردی^{۲۳} به چنگ
به هر سو کمین سواران گرفت
که بگذشت بر مرد و بر اسپ^{۲۵} شاد^{۲۶}
جدا گشت ازو زنگله روی زرد

۱- ق: برآویختند ۲- ق: همه گرد کینه برانگیختند (۱۸۷۵ ب- ۱۸۷۷ آ را انداخته و از ۱۸۷۵ آ و ۱۸۷۷ ب یک بیت ساخته است) ۳- ل، ل، س: ۲؛ این؛ س (نیزب) این بیت را ندارند ۴- س: یکی ۵- س، ق، س: ۱ (نیزلن، ل، پ، ل: ۲): کاستخوان؛ متن = ف، ل، ل، ل (نیزق، ل، لی، و، آ، ب) ۶- ل، ق (نیزق، ل، لی، آ): شکست؛ متن = ف، س، ل، ل، س: ۲ (نیزلن، ل، آ، پ، و، ل: ۱، ب) ۷- س، س: ۲ (نیزلن، ل، آ، پ، ل: ۲): جان؛ ل، ق (نیزلی، آ): و برآمد ز تن نیز جانش (ق: جان)؛ متن = ف (نیزق، ل، و، ب) ۸- بنداری: برازه ۹- س: ۲: بیستش هم آن‌گه ۱۰- ل، ل، ل، ل (نیزلی، ب): به؛ متن = ف، س، س: ۲ (نیزلن، ق، ل، آ) ۱۱- ل، ل، س، ل، ل، س: ۲ (نیزلن، ب): چو؛ متن = ف؛ ق این بیت را ندارد ۱۲- س: ۲: گرفتش پس آن‌گه ۱۳- ل، ل، ل، ل، س: ۱۴- س: خروشان بکردار بیلان؛ (ق: ۲): خروشان و جوشان بکردار) ۱۵- س (نیزب): نازان؛ (لی، آ: نازان) ۱۶- ل: ابر پهلوان آفرین برکنان؛ س (نیزلن، لی، پ، ب): دلیران ایران چو شیر ژیان؛ س: ۲: دلیران برانسان چو شیر دمان؛ متن = ف، ل، ل، ق (نیزق، ل، آ) این بیت را ندارند ۱۷- ف: گفتار اندر جنگ فروهل با زنگله و کشته شدن زنگله؛ س، ل، ل، س: ۲: نبرد (س: ۲: رزم) فروهل با زنگله (س: و کشته شدن زنگله)؛ ق: کشته شدن زنگله بر دست فروهل؛ ل سرنویس ندارد ۱۸- س (نیزب): و دیگر؛ بنداری: و المبارز الرابع ۱۹- ل، ل، س، ق، ل (نیزلن، ق، ل، آ، ب): بایران؛ س: ۲ (نیزلی، آ): در ایران؛ متن = ف ۲۰- ق: یکی ۲۱- ل، ل، س، ق، س: ۲ (نیزلی، پ، آ): چو از دور؛ ل: چو او روی؛ (لن، ق، ل، ل، و، ب: چو آورد؛ لن: ۲: فروهل چو)؛ متن = ف ۲۲- ل: زان ۲۳- ل، ل، ق (نیزلی، آ): گرفته (لی، آ: بتیر و) کمان رفت پیشش؛ ل: ۲: کمان نبردی گرفته؛ متن = ف، س: ۲ (نیزلن، و)؛ س (نیزق، ل، آ، پ، ل: ۱، ب) این بیت را ندارند ۲۴- ق (نیزلی، آ): بر (لی: به) اسبش بزد همچو ۲۵- س، ل، ل، ل، ل، س: ۲: براسب و بر مرد ۲۶- ق: همانرا (!) که جز روز بد را نژاد (۱۸۸۹ ب- ۱۸۹۱ آ را انداخته و از ۱۸۸۹ آ و ۱۸۹۱ ب یک بیت ساخته است)

نگون شد سر زنگله جان بداد
فروهل فروجست و ببرید سرش^۲
سرش را به فتراک زین بر بیست
به بالا برآمد بسان پلنگ
درفش خجسته برآورد راست
همانا که جز روز بد را نزاد^۱
برون کرد خفتان رومی ز برش^۳
بیامد گرفت اسپ او را به دست^۴
به خون غرقه گشته بر و تیغ و چنگ
شده شاددل^۵، یافته هرچه^۶ خواست

گفتار اندر نبرد رهام گودرز با بارمان^۷

به پنجم^۸ چو رهام گودرز بود
کمان برگرفتند و تیر خدنگ
کمان‌ها همه پاک برهم شکست^{۱۱}
دو جنگی و هر دو دلیر و سوار
بگشتند بسیار یک با دگر^{۱۴}
یکی نیزه انداخت بر ران او^{۱۵}
جدا شد^{۱۷} ازو بارمان همچو گرد^{۱۸}
به پشت اندرش نیزه‌یی زد دگر
که با بارمانش^۹ سواری نمود^{۱۰}
برآمد خروش سواران جنگ
سوی نیزه بردند چون باد^{۱۲} دست
هشیوار و دیده بسی کارزار^{۱۳}
بیچید رهام پرخاشخر
که اسپ اندرآمد ز فرمان او^{۱۶}
سوار اندرآمد ز باد نبرد^{۱۹}
سنان اندرآمد میان جگر^{۲۰}

۱- ل: تو گفتی همانا ز مادر نژاد؛ (لن، ل: تو گفتی جز آن (لن: که جز) روز بد را نژاد؛ ق: ب: همانا که گفتی (ب: او خود) ز مادر نژاد؛ لن: همانا که خود روز بد را نژاد؛ متن = ف، س، ل، آ، س^۲ (نیزلی، پ، و، آ) ۲- ل، ق (نیزلن، و): سر؛ متن = ف، س، ل، آ، س^۲ (نیزهفت دستنویس دیگر) ۳- ل، ق (نیزلن، و): بر؛ (ق: جنگ از برش؛ ب، لن: رزم از برش)؛ متن = ف، س، ل، آ، س^۲ (نیزلی، ل، آ، ب) ۴- س (نیزب): گرفت اندر آن حال (ب: جای) دستش بدست؛ ق: پس آنگه بسان کیی برنشست؛ (ل، آ: گرفت آن زمان دست او را بدست)؛ متن = ف، ل، ل، آ، س^۲ (نیزلن، ق، ل، آ، و، لن) ۵- ل: شادمان ۶- ل: هرچ؛ ق (نیزب، لن): آنچه؛ ف، ل، ق: پس از این بیت افزوده‌اند:

ف: بسی آفرین کرد بر پهلوان
ل: خروشید زان پس که پیروز باد
ق: چو ایرانیان آن بدیدند زود
که دل شاد بادا و روشن روان
سرخسروان شاه فرخ نژاد
بر اندیشه‌شان شادمانی فزود

۷- ف، س، ق: نبرد (ف: گفتار اندر نبرد) رهام گودرز با بارمان و کشته شدن بارمان؛ ل، آ، س: نبرد (س: رزم) رهام با بارمان؛ ل سرنویس ندارد؛ متن = آغاز ف ۸- س (نیزب): سدیگر؛ (ق: و پنجم)؛ بنداری: الخامس ۹- ل، س، ق، ل (نیزلن، ل، آ، پ، لن، آ، ب): بارمان او؛ (ق: بارمان آن؛ ل: بارمان هم؛ و: بارمان می)؛ متن = ف، س ۱۰- ل (نیزلن، ل، پ، لن، آ): نبرد آزمود؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س^۲ (نیزق، ل، آ، و، ب) ۱۱- (ل، آ: کمان‌های جاجی بهم بر شکست) ۱۲- ف، س، ق، ل، آ، س^۲ (نیزق، ب): بردند و شمشیر؛ متن = ل، س^۲ (نیزلن) ۱۳- س (نیزب، لن، آ، ب) این بیت را ندارند ۱۴- س، ق، ل (نیزلن، ب): با یکدگر؛ متن = ف، ل، س^۲ ۱۵- ل، س، ق، ل، آ: او؛ متن = ف، س^۲ ۱۶- ف: بروی؛ س: ز بالا بروی؛ ل، س، ق، ل (نیزلن، ب): کز (لن، و): ز؛ ق: که (ز) اسپ اندرآمد بفرمان او (ق، ل، و: ز بالا بروی)؛ متن = ف پس از تصحیح بروی به او ۱۷- ل (نیزلن): گشت ۱۸- ل، ق (نیزل): جدا شد ز باره (ق، ل): گشت از زین) هم آنگاه ترک؛ س (نیزلی، آ، ب): جدا شد از اسپ اندرون (ل، آ: آن زمان) بارمان؛ متن = ف، ل، آ، س^۲ (نیزلن، ق، و، لن) ۱۹- ل، ق (نیزل): ز (ق: از) اسپ اندر افتاد ترک (ق، ل: گرد) سترک؛ س (نیزب): و رهام آمد چو باد دمان؛ (ل، آ: سوار دلاور درآمد دمان؛ و: ز پیشش بد آمد ز باد نبرد)؛ متن = ف، ل، آ، س^۲ (نیزلن، ق، ل، لن) ۲۰- ل این بیت را ندارد

فرود آمد از اسپ ^۱ و کرد آفرین	
به کین ^۳ سیاوش کشیدش نگون	۱۹۰۵
به زین اندر آهخت ^۴ و بستش چو ^۵ سنگ	
نشست ^۶ از بر زین و اسپش ^۷ کشان	
به بالا برآمد شده شاددل	
به پیروزی شاه و بخت ^۹ بلند	
بکرد آفرین بر جهاندارشاه ^{۱۲}	۱۹۱۰
ز دادار بر بخت شاه ^۲ زمین	
ز کینه بمالید بر روی خون	
سر آویخته، پایها زیر تنگ	
بیامد دمان ^۸ تا به جای نشان	
ز درد و غمان گشته آزاد دل	
به کام آمده زیر تخت ^{۱۱} بلند	
بر آن تخمهی ^{۱۳} خسرو نیک خواه ^{۱۴}	

گفتار اندر نبرد بیژن گیو با روین پیران^{۱۵}

ششم ^{۱۶} بیژن گیو و روین دمان	
چپ و راست گشتند یک با دگر ^{۱۷}	
به رومی ^{۱۹} عمود آنگهی پور گیو	
بر ^{۲۰} آورد گه بر برو دست یافت	
زد از باد بر سرش رومی ستون ^{۲۲}	۱۹۱۵
به زه بر نهادند هر دو کمان	
نبد تیرشان از کمان کارگر ^{۱۸}	
همی گشت با گردروین نیو	
ز می ^{۲۱} را بدید و اندر شافت	
فروریخت از ترگ با مغز خون ^{۲۳}	

۱- ل: باره ۲- ل، س، س، س (نیزو): بخت شاه (حرف یکم نقطه ندارد)؛ ق (نیزلی، ل، آ، آ): شهریار؛ ل (نیزب): تخت شاه؛ متن = ف (نیزلن، ق) ۳- ق: بخون ۴- س (نیزل، ل، ب): اندر آورد؛ (لی: اندرافکند)؛ متن = ف، ل، ق، س (نیزلن، و) ۵- ل: اندر آمد بیستش چو؛ (ق: اندرانداختش همچو) ۶- س، ق: بیست ۷- س (نیزب، ل، ب): و او را ۸- ل: دوان ۹- ل، س (نیزو): بخت (حرف یکم نقطه ندارد)؛ ل، س (نیزلی): تخت؛ متن = ف، ق (نیزق، پ، ل، آ، ب) ۱۰- ل، س: بخت (حرف یکم نقطه ندارد)؛ ل، س (نیزلی): بخت؛ متن = ف، ق (نیزب، ل، آ، ب) ۱۱- (ق: تن دشمن آورده در زیر بند؛ ل: بیامد بشادی بکوه بلند؛ و: بکام دل آمد چنان ارجمند) ۱۲- ل، ق (نیزق، ل، آ): همی آفرین خواند سالار شاه (ق: بر شهریار)؛ متن = ف، ل، س (نیزلن، ل، و) ۱۳- س: فرّه ۱۴- ل، ق (نیزلی، آ): ابر شاه کیخسرو و تخت (ل: تاج) و گاه؛ (ق: بدان دشت خرم بدان کارزار؛ ل: بران فر و آن خسروانی کلاه)؛ متن = ف، ل (نیزلن، و)؛ س (نیزب، ل، ب) این بیت را ندارند؛ در ق این بیت یکبار هم برابر ضبط متن پس از بیت ۱۹۱۱ آمده است؛ ل، ق، پ، ل، پس از این بیت افزوده اند:

ل: که پیروز گسر شاه پیروز باد
ق: شده شادمان زان دلاور سران
پ، ل، س: فرود آمد از اسپ و کرد آفرین
همه روز گاراننش نوروز باد
به بخت سرافراز کنداوران
ز دادار بر بخت شاه زمین

۱۵- ف: گفتار اندر نبرد بیژن گیو با روین و کشته شدن روین؛ س، ق، ل، رزم (ل: نبرد) بیژن گیو با روین پیران (ق: و بتنگ آمدن روین)؛ س: رزم بیژن با روین و یسه؛ ل سرنویس ندارد ۱۶- س (نیزب): دگر؛ بنداری: السادس ۱۷- س، ق (نیزلن، ل، آ، ب، ل، آ، ب): با یکدگر؛ ل: هر دو بهم؛ متن = ف، ل، س (نیزق، و) ۱۸- ل: چو شیر ژیان یا چوپیل دژم ۱۹- س، ل (نیزق، ل، پ، ل، آ): بروین؛ متن = ف، ل، س (نیزو، آ، ب)؛ ق این بیت را ندارند؛ س پس از این بیت افزوده است:
بگشتنند بسیار و آمد دمان

بنزدیک روین پیسران دمان

۲۰- س: در؛ ق، ل (نیزق، ل، پ، و، ل، ب): به؛ متن = ف، ل، آ، س (نیزلن، ل، آ) ۲۱- ل، س (نیزلن، ب): زمین؛ متن = ف ۲۲- س: بزد بر سر و ترگ روین ستون؛ ق: بزد مرد را یک عمودی بسره؛ (ب: بزد بر سر از باد رومی ستون)؛ متن = ف، ل، آ، س (نیزلن، آ) ۲۳- ل: از ترگ او مغز و خون؛ س (نیزب، ل، آ): از تارکش (س: بارکش) مغز و خون؛ (ل: از سرش با مغز خون؛ ل: از مغزش جوی خون)؛ ق: بدیده در آمدش خون جگر؛ متن = ف، ل، آ، س (نیزق، ل، و، آ، ب)

به زین پلنگ^۱ اندرون جان بداد
 پس آنگه ز اسپ اندرآمد^۲ نگون
 برفت از پی سود، مایه بداد^۳
 چنین ست گیهان آسب سبب^۴
 از^۱ اسپ اندرآمد سبک^{۱۱} بیژنا ۱۹۲۰
 کمند اندرافگند و بر زین کشید
 بر اسپش بکردار پیلان بیست^{۱۲}
 عنان هیون تگاور بتافت
 به چنگ اندرون^{۱۵} شیر پیکر^{۱۶} درفش
 همی گفت پیروزگر باد شاه ۱۹۲۵
 ز پیران ویسه همی^۲ کرد یاد^۳
 همه بر^۵ بر آهن، دهان پُر ز خون
 هنوز از جوانیش نابوده شاد^۸
 پس هر فرازی نهاده نشیب
 مرو را بکردار آهرمناء،
 بُد کس که تیمار رویین کشید
 گرفت آن زمان^{۱۳} پالهنکش به دست
 و زانجایگه^{۱۴} سوی بالا شتافت
 بر از غبیه^{۱۷} زنگ خورده^{۱۸} بنفش
 همیشه سر پهلوان با کلاه^{۱۹}

گفتار اندر نبرد هجیر گودرز با سپهرم^{۲۰}

برون تاخت هفتم^{۲۱} ز گردان هجیر
 یلی نامدار و سواری^{۲۲} هژیر^{۲۳}

۱- س: خدنگ ۲- ل: بسی ۳- ل: (نیزلی، آ): هنوز از جوانیش نابوده شاد (۱۹۱۶ ب- ۱۹۱۸ آ را انداخته و از ۱۹۱۶ آ و ۱۹۱۸ ب یک بیت ساخته اند)؛ س (نیزب) بیتهای ۱۹۱۶ و ۱۹۱۷ را ندارند ۴- ل: پس از پشت باره درآمد ۵- ل، ق، س: (نیزق^۲)، ل، و: (تن؛ متن = ف (نیزب، لن^۲)) ۶- (پ، لن: پر) ۷- ق: مایه چوباد؛ س: دروغ آنچهان گرد فرخ نژاد ۸- س: (نیزب) بند از جوانیش یک روز شاد؛ درل، س، پ، و، لن: آ، ب بیت ۱۹۱۸ پس از بیت ۱۹۲۱، درق بیتهای ۱۹۱۸ و ۱۹۱۹ پس از بیت ۱۹۲۴، در س^۲ بیتهای ۱۹۱۸ و ۱۹۱۹ پس از بیت ۱۹۲۱ و درق^۲ بیتهای ۱۹۱۸ و ۱۹۱۹ پس از بیت ۱۹۲۲ آمده اند؛ پیایی بیت های متن = ف، ل، لن، لی، آ ۹- ل: بر آسب و سبب؛ لی، آ: آسب شیب؛ (راوندی، ص ۱۴۲، س ۱۸: آسب و سیب)؛ ل، ق: چنین است کار جهان فریب؛ متن = ف، س: (نیزلن، ق: لغت شهنامه، شماره ۱۳۵۱: بیت ۷۴۳)؛ درل این بیت پس از بیت ۱۹۲۴ آمده است؛ س (نیزب، و، لن: ب) این بیت را ندارند ۱۰- ف، ل، ق، ل، س: ز؛ متن = س ۱۱- ق: گزین؛ ل: (نیزب، لن: ب) پس از این بیت افزوده اند:
 بشمشیر کردش جدا سرزتن
 نیابد همی کشته گور و کفن

۱۲- ل، ق (نیزلی، ل، آ): پیل بیست؛ (پ، لن: شیران بیست)؛ متن = ف، ل، س: (نیزلن، ق، و) ۱۳- ل (نیزلی، آ): آنگهی؛ متن = ف، ق، ل، آ، س: (نیزلن، ق، آ، ل، پ، و، لن: ب)؛ س (نیزب) این بیت را ندارند ۱۴- ف: وزانجایگی؛ متن = ل- س: (نیزلن- ب) ۱۵- ق، س: بدست اندرون؛ ل: بدست اندرش ۱۶- ق (نیزلن، ل: ب) پیل پیکر ۱۷- ف: بر از عیبه؛ ل (نیزل: ب) میان دیبه و؛ س (نیزب): بر آن عبه (واژه پسین نقطه ندارد)؛ ق: میان دیبه؛ ل: بر آن عینه؛ س: بر آن کینه؛ (لن، پ، لن: بر آن عیبه؛ ق: سراز کینه؛ لی: بدان دیبه ار؛ و: بر آن عیبه؛ آ: بر از دیبه آن)؛ متن ← ف ۱۸- ل، س: رنگ خورده (دو حرف نخستین نقطه ندارند)؛ س، ق، ل (نیزل، ل، آ): رنگ خورده؛ متن = ف (نیزلن، پ، و، لن: ب)؛ درل پس از این بیت، بیت های ۱۹۲۱ و ۱۹۲۲ دوباره آمده اند؛ ل، ق (نیزلی، ل، آ) پس از این بیت افزوده اند:
 وزانجایگه شد بجای نشان
 بنزدیک آن نامور سرکشان
 ۱۹- (ل: با سپاه؛ ق: باناد با تاج در پیش گاه)؛ متن = ف، ل، ق، ل، س: (نیزلن، لی، پ- ب)؛ س این بیت را ندارد؛ ل (نیزلی، ل، آ) پس از این بیت افزوده اند:

جهان پیش شاه جهان بنده باد
 همیشه دل پهلوان باد شاد

۲۰- ف: گفتار اندر نبرد هجیر با سپهرم و کشته شدن سپهرم؛ س: رزم هجیر گودرز با سپهرم؛ ق: کشته شدن سپهرم بر دست هجیر گودرز؛ ل، س: نبرد (س: رزم) هجیر با سپهرم (س: سپهرم)؛ ل سرنویس ندارد ۲۱- س (نیزب): پنجم؛ بنداری: السابع ۲۲- ف: سوار؛ ل، س، ق: یکی (ق: ابا) نامداری سواری (س: سوار)؛ ل: گونامدار و سوار؛ س: دگر نامدار آن سوار؛ متن = ف پس از تصحیح سواره سواری ۲۳- ف، ق، س: (نیزلن): هزیر؛ ل: هجیر؛ (لی، ل: دلیر؛ و: چوشیر)؛ متن = ل، س (نیزب، لن، آ، ب)

یکی ^۱ نامور ^۲ بود با جاه و آب که چون او ز ^۳ لشکر سواری نبود برآمد ^۴ از ^۵ آوردگه تیره‌گرد همی ز آهن آتش فرور بخندند ^۶ به روی سپهر ^۷ درآمد دلیر به بخت جهانجوی نو شهریار ^۸ که آمد هم اندر زمان مرگ اوی ^۹ به خواری و زاری و غرقه به خون ^{۱۰} مر او را بیست از برزین ^{۱۱} هژیر ^{۱۲} گرفته عنان، اندر آورد ^{۱۳} روی بر آن اختر نیک و فرخ زمین و زو گردش ^{۱۴} بخت ^{۱۵} بیدار دید	سپهر ^۱ ز خویشان افراسیاب ابا پور ^۲ گودرز رزم آزمود برفتند هر دو به جای نبرد به شمشیر هر دو برآویختند ۱۹۳۰ هجیر ^۳ دلاور بکردار شیر به نام جهان‌آفرین کردگار یکی تیغ زد بر سر و ^۴ ترگ اوی ^۵ از ^۶ اسپ اندرافتاد آنگه ^۷ ننگون فرود آمد از اسپ ^۸ فرخ ^۹ هجیر ^{۱۰} نشست از بر اسپ و زان ^{۱۱} اسپ اوی برآمد به بالا و کرد آفرین همه ^{۱۲} زور و بخت از جهاندار دید
--	--

گفتار اندر نبرد زنگه‌ی شاوران با اخواشت^{۲۲}

بشد ساخته زنگه‌ی شاوران که از جنگ کس سر نه برگاشت ^{۲۶} بود چُن ^{۲۷} اخواشت ^{۲۸} با زنگه‌ی شاوران	به هشتم ز گردان و ^{۲۳} ناماوران که هم رزمش از بخت ^{۲۴} اخواشت ^{۲۵} بود گرفتند هر دو عمود گران	۱۹۴۰
---	--	------

۱- ل: گوی ۲- س: پهلوان ۳- ل- س: (نیز لن- ب): به؛ متن = ف ۴- ق: برآورد ۵- ف، س، س: ۲؛ ز؛ متن = ل، ق، ل ۶- س: یکی گرد تیره برانگیختند ۷- ل (نیز لن، ق، پ، و، لن ۲): جهاندار ما شهریار؛ س: جهاندار نو شهریار؛ س ۲ (نیز لن ۳): جهانبان شه نامدار؛ (ب: جهانداور شهریار)؛ ق: بنام جهاندار پروردگار؛ متن = ف، ل (نیز لی، آ) ۸- ل، ق: [و] ۹- ل، س: او ۱۰- ل: ز ۱۱- ل (نیز لی، آ): درافتاد (لی، آ: درافکنند) ز اسبش هم آنگه؛ متن = ف، ل، س ۲ (نیز لن، ل، پ، لن ۲) ۱۲- ل: بزاری و خواری دهن پرز خون؛ س ۲ (نیز لن ۳): بزاری و خواری و غرقه بخون؛ متن = ف، ل (نیز لی، پ، لن ۲، آ)؛ س، ق (نیز لن، ق، آ، و، ب) این بیت را ندارند؛ بنداری (۱۹۳۲-۱۹۳۴): ثم إن هجیر ذکر الملک کیخسرو و سماه، و حمل بسعاده علیه فأصابه بضربه وقع منها إلى الأرض صریحا للیدین و للقم ۱۳- ل: باره ۱۴- س: آنگه ۱۵- س: ق: اسب ۱۶- ل (نیز ق، لی، ل، آ، و، آ): چو شیر؛ ق: شیر؛ س ۲ (نیز لن): هزیر؛ متن = ف، س، ل ۲ (نیز پ، لن، ب) ۱۷- ل- س: (نیز لن، ق، آ، ل- ب): وان؛ متن = ف ۱۸- ل، ق: و درآورده؛ س، ل، آ، س ۲ (نیز لن، پ، لن، آ): اندر آورده؛ متن = ف (نیز ل، و، ب) ۱۹- ل (نیز لن، پ، لن، آ، ب): همی ۲۰- ل (نیز لی، و، آ): وزان گردش؛ س (نیز پ، لن، آ، ب): و (پ، لن ۲): چو پیروزی از؛ ق: وزان گردش و؛ متن = ف، ل، آ، س ۲ (نیز لن، ق، آ، ل ۳) ۲۱- س: چرخ؛ درس (نیز ب) پس از این بیت، بیت‌های ۱۸۵۷-۱۸۸۳ آمده‌اند ۲۲- ف: گفتار اندر جنگ زنگه شاوران و اخواشت و کشته شدن اخواشت؛ س، ق، ل، آ، س: رزم (ل: نبرد) زنگه شاوران با اخواشت (س ۲: اخواشت؛ ق: اخواشت و کشتن اخواشت)؛ ل سرنویس ندارد ۲۳- ل، ق: [و]؛ در ق ۲ از بیت ۱۹۳۹ تا ۲۰۰۵ افتاده است ۲۴- ل: تخم؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س ۲ (نیز لن، لی، ب) ۲۵- ل: اخواشت؛ ق (نیز ل ۳): اخواشت؛ س ۲ (نیز لن، لی، پ، لن، آ، ب، بنداری): اخواشت؛ متن = ف، س، ل ۲ (نیز و؛ ← بیت ۳۳۸) ۲۶- ل، آ، س ۲ (نیز لن، پ، لن، آ، ب): برکاست (در ل ۲ پساوند نادرست است)؛ ل، ق: هرگز نه برکاست؛ (لی: او شیر برکاست؛ ل ۳: هرگز نپرداخت؛ و: او کس نبرگاشت؛ آ: او سر نه برکاست)؛ متن = ف، س (← و) ۲۷- ل، س، ق، ل ۲ (نیز لن، ل، آ، پ، و، لن، آ، ب): چو؛ متن = ف ۲۸- ل: اخواشت؛ س، ل ۲ (نیز لن، پ، لن، آ، ب): اخواشت؛ ق (نیز ل ۳): اخواشت؛ متن = ف (نیز و)؛ س ۲ این بیت را ندارد

<p>ز بس کوفتن گشت پیگار تنگ^۲ که گفتمی به نشان نجبید رگ بکردار آهن بتفسید^۴ دشت، تو^۷ گفتمی که نهند یک^۸ پای پیش که اکنون ز گرمی و درد^۹ جگر، پس آنگه سوی جنگ باز آمدن^{۱۲} فراز آوریدند و شستند روی^{۱۴} به پیگار و^{۱۵} کینه بیاراستند همی گشت بر^{۱۸} مرکز^{۱۹} کارزار سنان سوی او تافت^{۲۲} و اندرشتافت کراسپش نگون کرد و برزد به روی^{۲۳} که گفتمی بدرید دشت نبرد^{۲۴} بر آن خاک تفته^{۲۷} کشیدش به روی^{۲۸} نگونش برافکنند^{۲۹} بر پشت زین به ترکان چه آمد ز بخت ای شکفت! یکی گرگ پیکردرفشی به دست ابر شاه و بر پهلوان زمین</p>	<p>بگشتند از اندازه بیرون به جنگ فروماند اسپان جنگی ز^۳ تگ چو خورشید تابان ز گنبد بگشت چنان تشنه^۵ گشتند کز^۶ جای خویش زبان برگشادند یک با دگر بیاسود باید^{۱۰}، و دم برزدن^{۱۱} برفتند و اسپان جنگی به جوی^{۱۳} به آسودگی باز برخاستند بکردار آتش^{۱۶} به^{۱۷} نیزه سوار بدانگه^{۲۰} که زنگه برو^{۲۱} دست یافت یکی نیزه زد بر کمرگاه اوی چو رعد خروشان یکی ویله کرد فرود آمد از اسپ و^{۲۵} شد نزد اوی^{۲۶} مرو را به چاره ز روی زمین نشست از بر اسپ و بالا گرفت بر آن کوه فرخ برآمد ز پست بزد^{۳۰} پیش^{۳۱} یاران و کرد آفرین</p>	<p>۱۹۴۵ ۱۹۵۰ ۱۹۵۵</p>
---	--	---

گفتار اندر نبرد گرگین میلاد با اندریمان^{۳۲}

۱- ل، ق: ز ۲- س (نیزو): بیکار جنگ ۳- ل: تازی به؛ س (نیزپ، لن، آ، ب) این بیت را ندارند ۴- ق، س: (نیزل^۳): بتوفید ۵- ل (نیزل^۳): بسته؛ (پ، لن، آ: خسته): متن = ف، ق، ل، آ، س (نیزلن، لی، و، آ) ۶- ق: بر ۷- ق: که ۸- ق: کس؛ س (نیزو، آ): نهد یکی؛ ل (نیزپ): نجبید و نهاد کس؛ متن = ف، ل، آ (نیزلن، لی، ل، آ)؛ س (نیزب) بیتهای ۱۹۴۵-۱۹۴۹ را ندارند ۹- ل، ق (نیزل^۳): بسوزد؛ ل، آ، س: بدرد؛ (لی، آ: بگرمی ز درد)؛ متن = ف (نیزلن، پ، لن، آ) ۱۰- ل، س (نیزلی، و، آ): بیاید برآسود؛ ق، ل (نیزل^۳): بیاید بیاسود؛ (لن: بیاسود لختی)؛ متن = ف ۱۱- ل: برزدند ۱۲- ل: بازآمدند ۱۳- ل، ق، ل، آ، س (نیزل^۳، پ، لن، آ): بجای؛ متن ← ۱۴- ل، ق، ل، آ، س (نیزل^۳، پ، لن، آ): و بستند پای؛ متن = ف (نیزلن، لی، و، آ)؛ بنداری (۱۹۴۲-۱۹۴۸): فتضاربا زمانا طویلا حتی وقت بها دواها من کثرة القراع و شدّة المصاع، و غلبها العطش حتی استکف کل واحد منها صاحبه ریثا ینقع غلته بشریة ماء ۱۵- ل: [و] ۱۶- س: آهن ۱۷- ل: ز ۱۸- ق (نیزل^۳): فرود آمد از ۱۹- س: گرد آن ۲۰- ل: پس آنگه ۲۱- س، ق، ل، آ: بدو ۲۲- ل، ق، س (نیزلی، ل، آ، و، آ): کرد؛ س (نیزپ، لن، آ، ب): زمین را بدرید؛ ل، آ: سنان را بیچید؛ متن = ف ۲۳- ف (نیزآ): بر آن خاک تفته (آ: تیره) کشیدش بروی (۱۹۵۲-ب-۱۹۵۴) آرا انداخته و از ۱۹۵۲ آ و ۱۹۵۴ ب یک بیت ساخته اند؛ (لی، ل، آ: که (لی: ز) اسبش نگون اندرآمد بروی)؛ متن = ل- س (نیزلن، پ، و، لن، آ، ب) ۲۴- ف، س (نیزآ) این بیت را ندارند ۲۵- ل: باره ۲۶- ق: او ۲۷- ق (نیزلی-آ): تیره؛ متن = ف، ل، ل (نیزلن) ۲۸- ق: رو؛ س، س (نیزب) این بیت را و ف (نیزآ) لت یکم آنرا ندارند (پ ۲۳) ۲۹- ل (نیزو): نگون اندر افکند؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیزلن، لی، ب): ق این بیت را ندارد ۳۰- ل، ق (نیزلی، ل، آ، ب): بشد؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیزلن، پ، و، لن، آ، ب) ۳۱- ق: نزد ۳۲- ف: گفتار اندر جنگ گرگین میلاد با اندریمان و کشته شدن اندریمان؛ س، ل، آ، س: رزم (ل: نبرد) گرگین میلاد با اندریمان؛ ق: کشته شدن اندریمان در نبرد گرگین میلاد؛ ل سرتویس ندارد

برون ^۱ رفت گرگین ^۲ نه ^۳ کینه خواه	۱۹۶۰	جهان‌دیده و کارکرده ^۳ دو مرد
به نیزه بگشتند و بشکست ^۴ پست		به نیزه بگشتند و بشکست ^۴ پست
بارید تیر از کمانِ سران		بارید تیر از کمانِ سران
همی تیر بارید همچون تگرگ		همی تیر بارید همچون تگرگ
یکی تیر ^۹ گرگین بزد بر سپر ^{۱۰}		یکی تیر ^۹ گرگین بزد بر سپر ^{۱۰}
بلرزید بر زین ز سختی ^{۱۲} سوار	۱۹۶۵	بلرزید بر زین ز سختی ^{۱۲} سوار
به پهلوی و، تُرک ^{۱۴} اندرآمد نگون		به پهلوی و، تُرک ^{۱۴} اندرآمد نگون
فرود ^{۱۵} آمد از اسپ ^{۱۶} گرگین چو گرد		فرود ^{۱۵} آمد از اسپ ^{۱۶} گرگین چو گرد
به فتراک بر بست و خود برنشست		به فتراک بر بست و خود برنشست
بر آن تندبالا برآمد دمان ^{۱۹}		بر آن تندبالا برآمد دمان ^{۱۹}
به نیروی یزدان که او بُد پناه	۱۹۷۰	به نیروی یزدان که او بُد پناه
چو پیروز برگشت مرد از نبرد		چو پیروز برگشت مرد از نبرد

ابا اندریمان ز توران سپاه
 برفتند و جُستند جای نبرد
 کمان‌ها گرفتند^۵ هر دو به دست
 به روی اندرآورده گرگِ اسپران^۶
 ابر^۷ اسپر گرگ و بر خود^۸ و ترگ
 که با ترگ و با گرگ بردوخت سرش^{۱۱}
 یکی تیر^{۱۳} دیگر بزد نامدار،
 ز چشمش برون آمد از درد خون
 سر اندریمان ز تن دور کرد
 عنان^{۱۷} سوار نبرده به دست^{۱۸}
 همیدون به بازو^{۲۰} به زه بر کمان
 به پیروزبخت جهاندارشاه
 درفشِ دل افروز بر پای کرد

گفتار اندر نبرد برنه با کهرم^{۲۱}

دهم^{۲۲} برنه^{۲۳} با کهرم^{۲۴} تیغ‌زن
 همی آزمودند هر گونه جنگ
 دو خونی و هر دو سر انجمن
 گرفتند پس تیغ هندی به چنگ^{۲۵}

۱- س (نیزب): دگر؛ س: ۲- نه^۳ س: ۲- س: ۲: که بد؛ بنداری: التاسع ۳- ل: ۲: کاردیده ۴- ق: کردند ۵- ل: کمان
 برگرفتند؛ متن = ف، ق، ل، ۲، س: ۲ (نیزلن، ل- ب)؛ س بیتهای ۱۹۶۱-۱۹۶۳ را ندارد ۶- ق (نیزلی، ل، ۳، ل، ۲، آ): گرز گران؛ (پ: گرز
 اسپران؛ ب: هم اسپران؛ و: سپردار با گرزهای گران)؛ متن = ف، ل، ل، ۲، س: ۲ (نیزلن) ۷- ل، ق، س: ۲ (نیزلی، ل، ۲، آ): بران؛ متن = ف،
 ل (نیزلن) ۸- ل: تُرک؛ (لی: اسپر کوی و بر خود؛ ل: اسب رخشان بران خود)؛ متن = ف، ق، ل، ۲، س: ۲ (نیزلن، آ)؛ س (نیزب، و، ل، ۲،
 ب) این بیت را ندارند ۹- س: نیزه ۱۰- ل، س، ل: ۲ (نیزلن، لی، ل، ۳، پ، ل، ۲، ب): سرش؛ ق، س: ۲ (نیزو)؛ برش؛ متن = ف (نیز
 آ) ۱۱- ل، ق (نیزل)؛ که بردوخت با (ق: بر) ترگ رومی برش (ق: سرش)؛ س، ل: ۲ (نیزو، ل، ۲، ب): که با ترگ بردوخت ناگه
 (ل، ل، ۲: فرق؛ و: مغز؛ ب: پردخت شد آن) سرش؛ س: ۲: که با کرگ و با ترگ بردوخت سرش؛ (لن: که با ترگ بردوخت رومی برش؛ لی:
 که با ترگ بردوختش آن سرش؛ پ: که با فرق بردوخت ترگ از برش)؛ متن = ف (نیزآ؛ س: ۲) ۱۲- س (نیزب): بلرزید و برزین
 نگون شد ۱۳- س: نیزه ۱۴- ف: بپهلوی و ترک؛ ل: هم آنگاه ترک؛ س (نیزب): بپهلوی بر؛ ق: ببازوی ترک؛ س: ۲: بپهلوش و
 ترک؛ (لن، ل، ۲، پ، ل، ۲، آ: بپهلوی ترک؛ و: بپهلوش تنگ)؛ متن = ل (نیزلی؛ س: ۲، ل، ۲، فن) ۱۵- ف: فرو ۱۶- ل: باره؛ س
 بیتهای ۱۹۶۷ و ۱۹۶۸ را ندارد ۱۷- ل، س: ۲ (نیزل، ب): نوند؛ متن = ف، ل، ۲ (نیزلن، پ، و، ل، ۲) ۱۸- ق: سوار فکننده بمانده
 بیست ۱۹- ل: دوان ۲۰- ل: بازوی ۲۱- ف: گفتار اندر جنگ برنه با کهرم و کشته شدن کهرم؛ س، ق، ل، ۲، س: ۲: رزم
 (ق، ل: نبرد) برته با کهرم (س، ق: و کشته شدن کهرم)؛ ل سرنویس ندارد ۲۲- س (نیزب): دگر؛ بنداری: و العاشر ۲۳- ل،
 س، ق، ل: ۲ (نیزلن، ل، ۲- ب): برته (در لن: به زیریکم و سوم)؛ س: ۲: بوته؛ متن = ف (نیزلی، بنداری) ۲۴- درف به پیش سوم، درس به
 زیریکم و سوم و بنداری به پیش یکم ۲۵- ل، س: ۲ (نیزو) پس از این بیت افزوده اند (بیت ۱۹۷۸):

درفش همایون بدست اندرون
 تو گفتی بچند گه بیستون (س): فکنده بر آن اسب
 کهرم نگون؛ و: فکندن همی کرد هرکس بخون

<p>یکی تیغ زد بر سر^۲ ترگ اوی^۳ ز دشمن دل^۴ برنه^۵ بی بیم^۶ گشت^۷ برآن زین^۸ توری^۹ و خود برنشست خروشان یکی تیغ هندی به چنگ^{۱۰} فکنده برآن اسپ^{۱۱} گهرم^{۱۲} نگون همیشه کلاهش به خورشیدبر</p>	<p>یکایک بیچید ازو برنه روی^۱ که تا سینه گهرم^۲ به دو نیم گشت^۳ فرود آمد از اسپ و او را بیست برآمد به بالا^۴ چو شرزه پلنگ^۵ درفش همایون به دست اندرون همی گفت: شاهست پیروزگر</p>	<p>۱۹۷۵</p>
<p>ز ترکان بُد کس برآن^{۱۶} پهن دشت جهان را تو گفتی^{۱۷} نیامد^{۱۸} دریغ برآید^{۱۹} برو روزگار^{۲۰} دراز، برآن سو^{۲۱} که خواهد بتابدش روی^{۲۲} همی داد خوانیم^{۲۳} و^{۲۴} پیدا ستم بدآورد کردند آهنگ^{۲۵} بوم^{۲۶} سُواری ندید اندر آوردگاه^{۲۷}</p>	<p>چُن^{۱۶} از روز نه ساعت اندرگذشت روان‌ها گسسته ز نشان به تیغ^{۱۷} کسی را کجا پروراند^{۱۸} به ناز شیخون کند گاه شادی بر اوی^{۱۹} ز باد اندرآرد دهدمان^{۲۰} به دم به تورانیان بر بُد^{۲۱} آن جنگ شوم چنان شد^{۲۲} که پیران ز توران سپاه</p>	<p>۱۹۸۰ ۱۹۸۵</p>

۱- ف: ازوی نژند؛ ل- س^۱ (نیزلن، ل- ب): ازو برته (س: ازبویه) روی؛ متن = (لی) ۲- س، س: س^۲ سرو ۳- ف: ترک بند؛ متن = ل- س^۱ (نیزلن، لی- ب) ۴- درف به پیش سوم ۵- ق: شد ۶- س (نیزپ، و، لن^۲): دل دشمن از؛ (لن: ز کهرم دل؛ لی: ز خشمش دل؛ آ: ز چشمش دل)؛ متن = ف، ل، ق، ل، ل، س^۱ (نیزل، ب) ۷- ل، ل، س، ق، ل^۱ (نیزلن، ل- ب): برته (درلن^۲ به زیر یکم و سوم)؛ س: بویه؛ متن = ف (نیزلی، بنداری) ۸- س (نیزلن، لی، پ، و، لن^۲، ب): پریم؛ (ل: بایم)؛ متن = ف، ل، ق، ل، ل، س^۱ (نیزآ) ۹- ل: اسب ۱۰- (ل^۲، و: توزی) ۱۱- ق: به بالا برآمد ۱۲- س (نیزب): چوسرو بلند ۱۳- س (نیزب): خروشان و دشمن بیسته به بند ۱۴- ل: باره ۱۵- درف به پیش سوم ۱۶- ل- س^۱ (نیزلن، لی- ب): چو؛ متن = ف ۱۷- ق، ل^۲ (نیزپ، لن^۲): درآن؛ ف پس از این بیت افزوده است:

سَر آورده بود آسمان روزشان

تنبه کسره رای دل افروزشان

۱۸- ل: به نشان ز تیغ؛ س (نیزپ، لن^۲، ب): روان‌های ترکان گسسته به تیغ؛ (ل: روان‌ها گذشته ز تنها به تیغ؛ و: روان‌ها ز نشان گسسته به تیغ)؛ متن = ف، ل، ق، س^۱ (نیزلن، آ) ۱۹- س: شگفتی ۲۰- ل: نیاید؛ درل، ق این بیت پس از بیت ۱۹۸۶ آمده است ۲۱- ف، ل^۲ (نیزلن): کجا کش بدارد (ق: چنان پروراند؛ ق (نیزلی، آ): کجا هر کسی پروراند؛ متن = ل، س^۱ (نیزل، ب، و، لن^۲، ب) ۲۲- س، س: س^۱ (نیزلی، ل^۲، پ، لن^۲، آ، ب): برآرد؛ (لن: برانند)؛ متن = ف، ل، ق، ل^۲ (نیزو) ۲۳- س: روزگاری ۲۴- س: بدوی؛ ل^۲: شیخون گهی بازسازد برای ۲۵- ل: برانسان؛ (ب: بدانسان)؛ متن = ل، ق (نیز ل^۲، لی، آ): همی (ق: همه) خواری و سختی آرد (ق: آید) بروی؛ س (نیزپ، لن^۲): بدانسان که خواهد گشایدش (پ، لن^۲: ازو گشت) روی؛ (و: بدانسان که باشد نتابد بروی)؛ متن = ف، س^۱ (نیزلن؛ ل- ب) ۲۷- س (نیزب): دهدشان؛ س: بردمان ۲۸- ق: [و]؛ نیز- راوندی، ص ۱۴۲، س ۲۱ ۲۹- ل: بدبُند؛ س: بُد بر؛ متن = ف، ل^۲، س^۱ (نیزلن، پ، و، ب) ۳۰- ف: بداوردگه کردن آهنگ بوم (واژه پسین نقطه ندارد)؛ ل (نیزپ، و، ب): به (پ: بر) آوردگه کردن (و: رفتن) آهنگ شوم؛ س: برآورد کین دربر آهنگ شوم (!)؛ ل^۲، س^۱ (نیزلن): برآورد کردند (س: کردن بد) آهنگ شوم (لن: بوم)؛ متن = لن پس از تصحیح برآورد به بدآورد؛ ق (نیزلی، ل^۲، لن^۲، آ) این بیت را ندارند ۳۱- ق (نیزلی، ل^۲، آ): بد ۳۲- ل^۲ (نیزلی، پ): اندرآن رزمگاه؛ درل، ق پس از این بیت، بیت ۱۹۸۱ آمده است؛ ف پس از بیت ۱۹۸۶ افزوده است:

بناچار آهنگ آورد کرد همی تافت چون شید روزنبرد

گفتار اندر نبرد گودرز کشاورز با پیران ویسه^۱

سپهدار ایران و توران دژم ^۲	فرازآمدند اندر آن کین بهم ^۳
همی برنوشتند هر دو ^۴ زمین	همه دل پُر از درد و سر ^۵ پُر ز کین
بدآورد نیزه سواران ز ^۶ گرد	فروماند ^۷ خورشید روز نبرد
به تیغ و به خنجر، به گرز و کمند	ز هر گونه یی برنهادند بند
فرازآمد آن ^۸ گردش ایزدی	ز یزدان به پیران ^۹ رسید آن بدی
ابا خواست یزدانش چاره ^{۱۰} نماند ^{۱۱}	کجا کوشش و زور و باره ^{۱۲} نماند ^{۱۱}
نگه کرد ^{۱۳} پیران که هنگام چیست	بدانست کان گردش ایزدیست
ولیکن ز ^{۱۴} مردی همی کرد کار	بکوشید با گردش روزگار
از آن ^{۱۵} پس کمان برگرفتند و تیر	دو سالار لشکر، دو هُشیار پیر
یکی ^{۱۶} تیرباران گرفتند ^{۱۷} سخت	چو باد خزان برجهد ^{۱۸} بر درخت
نگه کرد گودرز تیری ^{۱۹} خدنگ	که آهن ندارد ^{۲۰} مرو را نه سنگ ^{۲۱}
به برگشتوان برزدش ^{۲۲} بردرید	تگاور بلرزید و دم درکشید ^{۲۳}
بیفتاد و پیرانش آمد ^{۲۴} به زیر	بغلتید ^{۲۵} زیرش سوار دلیر
ز نیرو به ^{۲۶} دو نیم ^{۲۷} شد دست راست	همانگه بگردید ^{۲۸} و بر پای خاست

- ۱- ف: جنگ کردن گودرز و پیران سالاران لشکر ایران و توران؛ ل، س، ل، آ، س: رزم گودرز با پیران ویسه (س: و کشته شدن پیران)؛ ق: محاربت گودرز و پیران و کشته شدن پیران ۲- س، ق، ل (نیزلی-ب): بهم؛ متن ← ۳- س، ق، ل (نیزلن، لی-ب): دژم؛ متن = ف، ل، س (نیزل۳)؛ درس این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است؛ س: پس از این بیت افزوده است:
- بر آورد مردان فرازآمدند بر یکدگر کینه ساز آمدند
- ۴- ل (نیزپ، لن۲): روی ۵- ق: همه تن پر از درد و دل؛ س: دلی پر ز درد و سری ۶- ل: باورد گاه سواران ز؛ س، ل، آ، س (نیز لن، لی، و، ب): به (ل، آ، لن، لی: بر) آورد نیزه سواران ز (س: چو)؛ (پ: باورد تازان سواران چو؛ لن: باورد باز آن سواران چو؛ آ: باورد و نیزه سواران ز)؛ متن = ف (ل، آ، لن، لی، و، ب) ۷- س: همی تافت؛ ق (نیزل۳) این بیت را ندارند ۸- ق، ل (نیزب): از ۹- ل، ق (نیزلی، آ): از (ق: ز) ایران به توران؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیزلن، پ، و، لن، آ، ب)؛ درل این بیت پس از بیت ۱۹۸۷ آمده است ۱۰- ق، س: دارو؛ (ل۳: داور)؛ متن = ف، ل، س، ل (نیزلن، لی، پ-ب) ۱۱- س (نیزلی): نبود ۱۲- ف: روز باره (۴)؛ ق: زور بازو؛ ل: زور باره؛ س: زور و بازو؛ (ل۳: زور و باور؛ و: روز و باره)؛ ل: کرا کوشش و زور و باره (واژه سپسین نقطه ندارد)؛ س (نیزپ، لن، آ، ب): که در زیر او زور باره؛ متن = (لن، لی، آ) ۱۳- س: گمان برد ۱۴- ل، ق (نیزلن، لی، ل، آ): به؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیزپ، و، لن، آ، ب) ۱۵- س: وزان ۱۶- ف: همی؛ متن = ل-س (نیزلن، لی-ب) ۱۷- س، ق، ل، آ، س (نیزلن، لی، ل، آ، پ، لن۲): بکردند؛ متن ف، ل (نیزو، آ، ب) ۱۸- س: کوچهد؛ (لی، آ: بگذرد؛ پ: بروزد) ۱۹- ل: تیر ۲۰- س: نداند؛ (پ، لن۲: گذارد؛ ب: نتابد)؛ متن = ل-س (نیزلن، لی، ل، آ، و، آ) ۲۱- ف: که پیشش چه آهن چه روی و چه سنگ ۲۲- ل، س، ق، ل (نیزلی، و، آ): برزد و؛ متن = ف، س (نیزلن، پ، لن، آ، ب) ۲۳- س: برکشید ۲۴- ل، ق (نیزلی، ل، آ): بیفتاد پیران و آمد؛ س: بیفتاد پیران ویسه؛ ل (نیزلن، پ، لن، آ): بیفتاد پیران بیامد؛ متن = ف (نیزب) ۲۵- (لی: بغلطید) ۲۶- ف: ز پیران به؛ ل (نیزپ، لن، آ): ز نیروش؛ متن = ل، س، ق، س (نیزلن، لی، ل، آ، و، آ، ب) ۲۷- س: نیمه ۲۸- ف: بنالید از آن درد؛ ل، س: هم آنکه بغلتید؛ ق (نیزلی): هم آنکه بیسچید؛ ل: بنالید و آنگاه؛ (لن: زمانی خروشید؛ پ، لن: بیسچید و آنگاه؛ و، ب: همانجا بغلتید؛ آ: همینکه بیسچید)؛ متن = س (نیزل۳)؛ درل این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است

بدانست کامد زمانه فراز
 ز گودرز بگریخت و شد سوی کوه
 همی شد بر آن^۳ کوه سربر دوان
 نگه کرد گودرز و^۵ بگریست زار
 ۲۰۰۵ بدانست کهش نیست با کس وفا
 فغان کرد کای نامور پهلوان
 بکردار نخچیر در^۱ پیش من؟
 نیاید^{۱۳} ز لشکر ترا یار کس
 کجات آن همه زور و مردانگی
 ۲۰۱۰ ستون گوان، پشت^{۱۶} افراسیاب
 زمانه ز تو پاک برگاشت^{۱۸} روی
 چو کارت چنین گشت^{۲۱} زهارخواه
 و زآن روز تیره نیابد جوازا
 غمی شد ز درد اندر آمد^۲ ستوه
 کزو بازگردد مگر^۱ پهلوان
 بترسید از آن^۶ گردش روزگار
 میان بسته دارد ز بهر جفا
 چه بودت که ایدون^۷ پیاده^۸ دوان^۹،
 کجات آن سپاه^{۱۱} ای^{۱۲} سر انجمن؟
 وزیشان نبیتمت فریادرس
 سیلح^{۱۴} و دل^{۱۵} و گنج و فرزاندگی؟
 کنون شاه را تیره گشت آفتاب^{۱۷}
 نه^{۱۹} هنگام کین ست، چاره مجوی^{۲۰}!
 به جان^{۲۲}، تات زنده برم نزد شاه

۱- ف این بیت را ندارد ۲- ل، س^۲ (نیز لن، ل، پ، و، لن، ب): ز درد دویدن؛ س (نیز آ): ز درد و دویدن؛ ق: ز درد دونده؛ ل: دل و ز دو دیده؛ (لی: ز درد دو دیده غمین شد)؛ متن = ف ۳- ق: بدان ۴- ل: مگر بازگردد ازو؛ س^۲ این بیت را ندارد ۵- س، ق: [و] ۶- ل، ق (نیز لی، ل، آ): از [آن]؛ متن = ف، س، ل، س^۲ (نیز لن، پ، و، لن، ب) ۷- س: هستی؛ (آ: ایدر)؛ متن ← ۸- س: ز پیشم؛ متن ← ۹- ف: خردمند و بینا و روشن روان؛ متن = ل، ق، ل^۲ (نیز لن- لن، ب؛ ← س، س، آ)؛ ف پس از بیت ۲۰۰۶ افزوده است:

سپهدار و سالار توران سپاه
 چه بودت که ایدون پیاده دوان (= ۲۰۰۶ ب)
 ۱۰- ق: از ۱۱- ف: روان گشته بی؛ متن = ل- س^۲ (نیز لن- ب) ۱۲- س، ل: و؛ ف پس از بیت ۲۰۰۷ افزوده است:
 کجات آن بزرگی و اورنگ و جاه
 کجات آن بی اندازه خیل و سپاه
 ۱۳- ل، ق، ل^۲ (نیز لن، لی، ل، آ، ب): نیامد؛ متن = ف، س^۲ (نیز ق، و)؛ س (نیز پ، لن، ب) این بیت را ندارند؛ در ف این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است؛ پیاپی بیت های متن = ل، ق، ل، س^۲ (نیز لن، ق، لی، ل، آ، و، آ، ب)؛ ف پس از بیت ۲۰۰۸ افزوده است:
 کجات آن بزرگان خسرو پرست
 که کردند گه را بکسوبال پست
 ۱۴- س: سلاح ۱۵- ق: دز ۱۶- ف: توبودی توی پشت؛ س^۲ (نیز ل^۲): توبودی سرافراز؛ متن = ل، س، ق، ل^۲ (نیز هشت دستنویس دیگر) ۱۷- ف: کنون تیره شد شاه را جاه و آب؛ متن = ل- س^۲ (نیز لن- ب) ۱۸- ف: پاک برداشت؛ ل (نیز ل^۳): زود برگاشت؛ ل، س^۲ (نیز لن، ق، لی، و، لن، ب) پشت برگاشت و (آ، ب: پشت برگاشت)؛ متن = ف با تصحیح برداشت به برگاشت ۱۹- (ق: که)؛ متن ← ۲۰- ف: بجوی (؟)؛ ل (نیز لی، آ): هنگام کینه تو چاره مجوی؛ (لن، ب: نه جای فریست چاره مجوی)؛ متن = ل، س^۲ (نیز لن، ل، آ، و)؛ س، ق (نیز پ) این بیت را ندارند ۲۱- ف، ل، س^۲: است؛ متن = ل، س، ق (نیز لن- ب) ۲۲- ل، س، ق، ل^۲ (نیز لن، لی، آ): بدان؛ (ل: بیا)؛ متن = ف، س^۲ (نیز ق، پ، و، لن، ب)؛ ل، ق، ل^۲ (نیز ق، لی، ل، آ، پ، لن، آ) پس از بیت ۲۰۱۲ افزوده اند:

بیخشايد از (ل، پ، لن، آ: این؛ ق: بیخشایم از؛ ق^۲: بیخشایدم) دل همی بر تو بر

که هستی چو من (ل: جهان؛ ل^۲: چو تو بوده) پهلوان سر بر (آ: پیرسر)

ل، پ، لن، آ: که پیری چنین پهلوان (ل: پهلوی) جنگ سر

ق^۲: که چون بسیم تراریش و سر

ف، س، س^۲ (نیز لن، و، ب) این بیت را ندارند، ولی در ترجمه بنداری نیز هست (۲۰۰۶-۲۰۱۲): فصاح به و قال: أياها الهلوان المذكور! مالک نفر بین یدتی راجلا؟ أما زعمت أنك لا تری لنفسک مساجلا؟ این ذلک الفیلق الجزار؟ ما بالک لا یغیشک منهم أحد؟ این عدتک و شوکتک و این

←

بدو گفت پیران که این خود مباد! کزین پس مرا زندگانی بود چُن اَندَر جهان مرگ را زاده‌ام ^۲ شنیده‌ستم این داستان از مهان سرانجام مرگست، ازو ^۶ چاره نیست	۲۰۱۵
به فرجام بر من چُنین بد مباد! به زهاررفتن گمانی بود بدین کار گردن ترا داده‌ام ^۳ که هر چند باشی ^۴ به خرم ^۵ جهان، به من بر بدین ^۷ جای ^۸ پیغاره نیست	۲۰۲۰
نمودش برو ^{۱۰} راه ^{۱۱} ، آمد ستوه چونخچیرگانان ^{۱۲} ره ^{۱۳} اندرگرفت ^{۱۴} به بالا نهاده سر از جای پست بجست از بر ^{۱۶} سنگ سالار تور برآمد ^{۱۸} به بازوی سالار پیر ز کینه به خشم اندرآورد روی ^{۲۰} زره بر ^{۲۲} برش ^{۲۳} سربسر ^{۲۴} بردرید بغرید ^{۲۶} و آسیمه برگشت ^{۲۷} سرش ^{۲۸} روانش نبرگشت از آن همرهان ^{۳۰} به ^{۳۱} ژوپین ^{۳۲} پولاد خسته جگر ^{۳۳}	۲۰۲۵

- ۱- ل: خود؛ س، ق، ل، آ، س^۱ (نیز ل- پ، ل، آ، ب): من؛ (و: هم): متن = ف ۲- ل (نیز و): زاده ایم ۳- ل: داده ایم؛ س^۲ (نیز ل): بدو داده ایم؛ س (نیز و): بناکام کردن ورا داده ام (و: داده ایم): متن = ف، ق، ل^۲ (نیز ق، آ، ل، ل، پ، ل، آ، ب) ۴- س: مانم؛ (ب: مانی) ۵- ف: خیره (؟): متن = ل- س^۲ (نیز ل- ب) ۶- ل (نیز آ): زو؛ س، ل^۲ (نیز ل): وزان؛ ق، س^۱ (نیز ل، پ، ب): وزو؛ (ل: زین)؛ متن = ف (نیز آ، و، ل، ل^۲) ۷- س: چنین ۸- ق: راه ۹- ق: سرسوی ۱۰- ل، س، ق، س^۱ (نیز ل، ل، آ، و، آ): بدو؛ متن = ف، ل^۲ (نیز ق، آ، ل، ل، ب) ۱۱- ل- س^۱ (نیز ل، ق، آ، ل، ل، آ، ب): راه و؛ متن = ف (نیز ل، و) ۱۲- س، ق، ل، آ، س^۱ (نیز ل، ق، آ، ل، پ): نخبیربانان؛ (و: نخبیربازان؛ ب: نخبیرداران)؛ متن = ف، ل (نیز ل^۲) ۱۳- ل- س^۱ (نیز ق، آ، ل، پ، و، ل، آ، ب): گه؛ متن = ف (نیز ل) ۱۴- (ل، آ: همیرفت و مانده ز گردون شگفت) ۱۵- همه جا: زوپین ۱۶- س، ل، آ، س^۱ (نیز ل، ل، آ: سر؛ (پ، و، ب: پس؛ ق: فروجست از)؛ ق: نشست از بسر؛ متن = ف، ل (نیز ل^۲) ۱۷- ق، س^۱ (نیز ل): زوپین ۱۸- ل، ق (نیز ل، پ): بیامد؛ (ق: درآمد)؛ متن = ف، س، ل، آ، س^۱ (نیز ل، ل، آ، ب) ۱۹- ق: از دست او ۲۰- ق: رو ۲۱- همه جا: زوپین ۲۲- س (نیز ل، ل، آ، ب، ل، ل): در ۲۳- ل (نیز و): تنش ۲۴- (ق: یک بیک)؛ س^۱ (نیز ب): زره سربسر بر تنش ۲۵- ل، س، ق، ل^۲ (نیز ل، ل، آ، ب): جگر؛ متن = ف، س^۱ (نیز ق، ل، آ) ۲۶- س (نیز ب، ل، آ، ب): بغلتید؛ ق: بلرزید؛ متن = ف، ل، ل، آ، س^۱ (نیز ل، ق، آ، ل، ل، آ، و، آ) ۲۷- (و: برگاشت) ۲۸- ل، س، ق، ل^۲ (نیز ل، ل، آ، ب، و، ل، آ، ب): سر؛ متن = ف، س^۱ (نیز ل، آ) ۲۹- ل^۲ (نیز ل، پ، ل، آ، ب): بر؛ ل: خون جگر بر؛ س: ز خونش برآمد جگر تا؛ متن = ف، ق، س^۱ (نیز ق، آ، ل، آ، و، آ، ب) ۳۰- ل: روانش برآمد هم اندر زمان؛ ق (نیز ل، ل، آ): روانش ز تن رفت هم در زمان؛ (ق: چنین است آیین و رسم جهان)؛ متن = ف، س، ل، آ، س^۱ (نیز ب، و، ل، آ، ب) ۳۱- س: ز ۳۲- همه جا: زوپین ۳۳- ل (نیز ب): بنالید با داور دادگر؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س^۱ (نیز ق، آ، ل، ل، آ، و، ل، آ، ب)

→ بطشک و قوتک؟ لقد أدبرت السعادة عنك، وانكسفت شمس أفراسياب بماحدث بك. وإذا بلغ بك الحال إلى هذا فينبغي لك أن تسأل الأمان حتى أمهلك حيا إلى الملك كيخسرو فإنك شيخ مثلي أشيب الرأس، وقد رق قلبي عليك، ولست أريد قتلك

- برآن^۱ کوه باره^۲ زمانی تپید^۳ سر^۴ از کین^۵ و آوردگاه^۶ آرمید
- زمانه به زهر آب داده ست چنگ
چنین ست خود گردش روزگار ۲۰۳۰
- چو گودرز برشد برآن کوهسار
شکسته^{۱۱} دل^{۱۲} و دست و پُر خاک سر
چنین گفت گودرز کای نره شیر
جهان چون من و چون تو بسیار دید
فروبرد چنگال و خون برگرفت ۲۰۳۵
- ز خون سیاوش خروشید^{۱۷} زار
ز هفتاد خون گرامی پسر
سرش را همی خواست از تن برید
درفشی به بالینش بر^{۲۰} پای کرد
سوی لشکر خویش بنهاد روی ۲۰۴۰
- بدیدش برآن^۹ کوه^{۱۱} افکنده خوار،
دریده^{۱۳} سلیح^{۱۴} و گسته کمر،
سر پهلوانان و گرد^{۱۵} دلیر،
نخواهد همی با کسی آرمید^{۱۶}
بخورد و بیالود روی، ای شکفت!
نیایش^{۱۸} همی کرد بر کردگار
بنالید^{۱۹} با^{۱۹} داور دادگر
چنان بدگنش خویشان را ندید
سرش را بدان سایه در^{۲۱} جای کرد
چکان خون ز بازوش چون آب^{۲۲} جوی
- همه کینه جویان^{۲۳} پرخاشجوی^{۲۴}
ابا گشتگان، بسته بر پشت زین
چو با کینه جویان بُد پهلوان
- ز بالا به لشکر نهادند روی^{۲۵}
بریشان سرآورده^{۲۶} آیین و کین^{۲۷}
خروشی برآمد ز پیر و جوان

۱- س: بدن ۲- ف، س، ل، آ، س: کوه ساده (باره؟)؛ ل، ق (نیز ل، آ)؛ کوه خارا؛ (لن: کوه ساران؛ ق: کوه سار او؛ ل: کوه سربر؛ پ: کوه ساره (باره؟)؛ و: کوه پایه)؛ متن = (لن، آ، ب؛ بیت ۱۷۹۰) ۳- همه جا: طپید ۴- ل، س، ق، س: (نیز ق، آ، ل، پ، ب)؛ پس؛ متن = ف، ل (نیز لن) ۵- س: جنگ ۶- ق (نیز ل، آ)؛ آوردگاه ۷- ل، س، ق، س: (نیز لن، ل، آ، پ، لن، آ، ب)؛ چرم؛ متن = ف، ل (نیز ق، آ، و، آ)؛ در ل از بیت ۲۰۳۰ تا ۲۱۱۳ افتاده است ۸- ل: نبینی ۹- س، ق: بدن ۱۰- ل، ق (نیز لن، پ، لن، آ، ب)؛ گونه؛ متن = ف، س، ل، آ، س: (نیز و) ۱۱- ل، ق: دریده؛ متن = ف، س، ل، آ، س: (نیز لن، ق، آ، ل، ب) ۱۲- ق: بر ۱۳- ل، ق: شکسته؛ متن = ف، س، ل، آ، س: (نیز لن، ق، آ، ل، ب) ۱۴- س (نیز لن، و): سلاح ۱۵- ل، ل، آ، س: [و] ۱۶- ل، ق (نیز پ) پس از این بیت افزوده اند:

چو گودرز دیدش چنان مرده خوار بخاک و بخون بر (ق: در) طپیده بزار

۱۷- ق: بنالید ۱۸- س: ستایش ۱۹- س (نیز ق، آ، پ، ب)؛ بر؛ متن = ف، ل، ق، ل، آ، س: (نیز لن، ل، آ) ۲۰- س، ق (نیز پ، لن، آ)؛ درفشش بیالین ابر؛ س: درفشش ابا بالین ابر (وزن ندارد)؛ (ب: درفشش بیالینش بر)؛ متن = ف، ل، ل (نیز لن، ق، آ، ل، آ، و، آ)؛ بنداری؛ و غرز علمه عند رأسه لیجمی وجهه عن حرّ الشمس ۲۱- س (نیز لن، ق، آ، ل، آ، ب)؛ بر ۲۲- ل: برسان ۲۳- س: رزمسازان ۲۴- س: (نیز ل، آ)؛ پرخاشگر ۲۵- س: (نیز ل، آ)؛ سر؛ درف، ل: لت های این بیت پس و پیش شده اند؛ پایی بیت های متن = ل، س، ق، س: (نیز لن، ق، آ، ل، آ، پ، لن، آ، ب) ۲۶- س: بر آن سان برآورده ۲۷- ل، ق (نیز آ)؛ پرخاش و کین؛ س، ل، آ، س: (نیز ق، آ، پ، ب)؛ آیین و کین؛ متن = ف (نیز لن، ل، آ)

<p>به^۱ پیری به خون اندرآورد سر ز نادیدن پهلوان^۲ رمه پُر از بیم بودند کز ناگهان^۳، گرازان و شادان ز^۴ دشتِ نبرد همی^۵ گرد بر آسمان داد بوس پُر از خنده و شادمان آمدند^۶ ازو^۷ بازگشته ست^۸ تیره روان^۹ همه ساله^{۱۰} جویای آورد بود سپرده بدو گوش پیر و جوان^{۱۱} بگفت آنک با او^{۱۲} زمانه چه کرد بدآوردن^{۱۳} او میان را بیست بر یار با خویشان با کمند^{۱۴} به بند و میانش^{۱۵} مبر هیچ دست! برون تاخت رُهام چون تندباد^{۱۶} به خون اندرون غرقه با^{۱۷} جوشنش فرود آوریدش ز کوه بلند</p>	<p>که گودرز بر دست پیران مگر همی زار بگریست لشکر همه [همه با غم و درد آن پهلوان درفشی پدید آمد^۱ از تیره گرد برآمد ز لشکرگه آوای^۲ کوس بزرگان بر پهلوان آمدند چنین گفت لشکر: مگر^۳ پهلوان که پیران یکی شیردل مرد بود سَخُن^۴ یاد کرد آن زمان پهلوان بدانگشت^۵ بنمود جای نبرد به رُهام فرمود تا برنشست بدو گفت کو^۶ را به زین بر بند درفش و^۷ سلیحش^۸ چنان هم که هست برین^۹ گونه چون پهلوان کرد یاد^{۱۰} کشید از بر زین تنِ روشنش^{۱۱} چنان هم بیستش به بند^{۱۲} کمند</p>
---	--

۱- ل، س (نیزق^۱، پ، لن، ب): ز؛ متن = ف، ق، ل (نیزلن، ل، آ)؛ درل^۲ این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۲- ل، س، ق، س (نیزق^۱، ب) این بیت را ندارند؛ متن = ف، ل (نیزلن) ۳- س (نیزپ، لن، ب): بدیدند ۴- ل، ق: تازان به (ق: ز) ۵- س، ل: آواز ۶- ف: همه؛ متن = ل - س (نیزلن - ب)؛ ل^۲ پس از این بیت (و آپس از بیت ۲۰۵۰) افزوده اند: چو گودرز از آن گرد بیدار گشت (آ: دیدار کرد)

دل آن گزینسان بی آزار گشت (آ: کرد)

۷- در س^۲ این بیت پس از بیت ۲۰۵۱ آمده است ۸- س (نیزو، ب): کزو؛ (لن: همه روی کرده سوی؛ پ، لن: بدیشان چنین گفت)؛ متن = ف - ل (نیزق^۱، ل، آ) ۹- ق: کزو؛ س (نیزپ، و، لن، ب): مگر؛ متن = ف، ل، ل (نیزلن، ق، ل، آ) ۱۰- ل، ق، ل (نیزق^۱، ل، ب): باز گردید؛ متن = ف (نیزلن) ۱۱- س: بدان انجمن آشکار و نهان (درس ۲۰۵۰ ب و ۲۰۵۲ ب پس و پیش شده اند) ۱۲- س: روزه ۱۳- ل، ق: چنین؛ (آ: همه)؛ متن = ف، س، ل (نیزلن، ق، ل، ب، و، لن، ب) ۱۴- س: ز پیران گریزان شدست این زمان؛ (لن، پ، لن، ب: بدان انجمن آشکار و نهان)؛ متن = ف، ل، ق، ل (نیزق^۱، ل، و، آ) ۱۵- ل - س (نیزلن، ق، ل، ب): بانگشت؛ متن = ف ۱۶- ق: آنچه با وی ۱۷- ل - س (نیزلن، ق، ل، ب): به (لن: بر) آوردن؛ متن = ف ۱۸- س، ل: او ۱۹- س: نیزچند؛ ل، ل، س (نیزق^۱، ل، آ): بیاور چنان تازان (ل: تازیان) با کمند (ل: بر نوند؛ ل: مستمند)؛ (پ، لن: فرود آرش از کوهسار بلند؛ و: بر یار با خویش و خام کمند)؛ متن = ف (نیزلن، ب)؛ ق: بیتهای ۲۰۵۵ و ۲۰۵۶ را ندارد ۲۰- ل: [و] ۲۱- س (نیزو): سلاحش ۲۲- ف (نیزلن): بیندش میان و؛ ل: بدرع و میانش؛ (ق: بروی و میانش؛ و: بیاور بآنها)؛ متن = س، ل، س (نیزل، پ، لن، آ) ۲۳- ل، ق: بران؛ س، ل: بدین؛ متن = ف، س ۲۴- س (نیز ل، پ، لن، آ، ب): یاد کرد؛ متن = ف، ل، ق، ل، س (نیزلن، ق، و) ۲۵- س (نیزپ، لن، ب): آزاد مرد؛ (لن: تیره باد؛ آ: تند گرد؛ ق: برسان باد؛ ل: برسان گرد؛ متن = ف، ل، ق، ل، س (نیزو) ۲۶- ل: اسب روشن تنش؛ ق (نیزل): زین بخواری تنش؛ متن = ف، س، ل، س (نیزلن، پ - ب) ۲۷- ل، س، ق، ل (نیزل، آ، ب): بُد؛ متن = ف، س (نیزلن، پ، لن) ۲۸- ل، ق، س (نیزلن، ق، ل، و، آ، ب): ختم؛ متن = ف، س، ل (نیزپ، لن)

۲۰۶۰ درفشش چُن^۱ از جایگاه نشان
 همی^۴ خواندند آفرین سربسر
 که ای نامور^۶ پهلوان سپاه^۷
 فدای^{۱۰} سپه کرده‌یی جان و تن^{۱۱}
 چُنین گفت گودرز با^{۱۳} مهتران^{۱۴}
 ۲۰۶۵ مرا در دل آمد^{۱۷} که افراسیاب
 یکی^{۲۰} هوشمندی فرستاده‌ام
 که گر شاه ترکان بیارد سپاه
 گمانم^{۲۳} چنانست کو با سپاه
 مرین کُشتگان را بدین^{۲۶} دشت کین^{۲۷}
 بدیدند^۲ گردان^۳ گردنکشان
 ابر^۵ پهلوان زمین در بدر،
 پرستنده‌ی تخت^۸ تو باد ماه^۹
 به پیروزی و روزگار شکن^{۱۲}
 که چون^{۱۵} رزم ما گشت ازینسان^{۱۶} گران،
 سپه را گذارد^{۱۸} بدین روی آب^{۱۹}
 بسی شاه را پندها داده‌ام
 نداریم^{۲۱} پای^{۲۲} اندرین رزمگاه
 به یاری^{۲۴} بیاید بدین^{۲۵} رزمگاه
 چُنین هم بدارند^{۲۸} بر پشت زین^{۲۹}

۱- ل-س^۱ (نیز لن، ب): چو؛ متن = ف ۲- ل: ندیدند (!) ۳- س، ق، ل (لن، پ-ب): گردان و؛ متن = ف، ل، س^۲ (نیز ق، ل، ل) ۴- ف، ل، س (نیز آ، ب): همه؛ متن = ق، ل، س^۱ (نیز لن، ق، ل، آ، پ، و، لن) ۵- ف، ل (نیز لن): بر آن؛ ق: بر؛ متن = ل، س، س^۱ (نیز ق، ل، ب) ۶- س: برهنه ۷- ل، ق، ل (نیز ق، ل، آ، و، آ): پشت ایران سپاه؛ س (نیز پ، لن، آ، ب): پشت ایرانیان؛ متن = ف، س^۱ (نیز لن) ۸- ف، س^۱: بخت (؟)؛ ل، س، ق (نیز لن، ق، و): بخت (حرف یکم نقطه ندارد)؛ متن = ل (نیز ل، آ، ب) ۹- س (نیز ب): شاه جهان؛ (پ، لن، آ): پرستنده تاج و تخت کیان؛ آ: نیند چو تو پهلوان سال و ماه) ۱۰- ف، ل: فدای ۱۱- س (نیز پ، لن، آ، ب): جان خویش ۱۲- ل، ق (نیز ل، آ، و): به پیری زمان روزگار شکن (ل: کهن)؛ س (نیز پ، لن، آ، ب): به پیروزی روزگاران پیش (س: خویش)؛ متن = ف، ل، س^۱ (نیز لن، ق، آ، و) ۱۳- ف (نیز لن): کای؛ متن = ل-س^۱ (نیز ق، ل، آ، ب) ۱۴- ق: بخردان ۱۵- س: که این ۱۶- ل، ق: زینسان ۱۷- ل، ق، س^۱ (نیز ق، ل، آ، پ، و، آ): آید؛ متن = ف، س، ل (نیز لن، ب) ۱۸- ل، ق (نیز ل، آ): سپه بگذراند؛ متن = ف، س، ل، س^۱ (نیز لن، ق، آ، ب، و، لن، آ، ب) ۱۹- س، ق (نیز و، لن، آ، ب): برین (ق، و: ازین) روی آب؛ ل (نیز ق، آ): برین (ق، آ): ازین (لن: برین سوی آب؛ ل: ازین سوی آب)؛ متن = ف، ل، س^۱ (نیز پ، آ)؛ ق، ل پس از بیت ۲۰۶۵ چهار بیت و ل، آنها سه بیت نخستین را افزوده‌اند:

سپاه وی آسوده از رنج و تساب
 ولیکن چنین دارم امسید من
 بی‌فروزد این رزمگه را بفر
 بیاری بیاید بدین رزمگاه
 بمانده سپاهم چنین در شتاب
 که آید جهاندار خورشید من
 بیارد سپاهی بنو کینه و ر(ق: بنوی سپاهی دگر)
 اگر شاه توران بیارد سپاه (= ۲۰۶۷+۲۰۶۵)
 ل پس از بیت ۲۰۶۵ افزوده است:

شما کشتگان را برین دشت کین
 گر این کشتگان را غمست از روان
 ۲۰- ق: بدین ۲۱- ف: ندارند؛ متن = ل، ق، ل، س^۱ (نیز لن، ل، آ، و، آ) ۲۲- ل: یا؛ س (نیز ق، ل، ب، لن، آ، ب) این بیت را ندارند؛
 ف پس از این بیت افزوده است: نه من پای دارم، نه مانند من مگر خسرو ای در رسد خویش
 ۲۳- س (نیز ب): گمانی ۲۴- س (نیز پ، لن، آ، ب): بزودی ۲۵- س: برین؛ ق، ل (نیز ل، آ) این بیت را ندارند و درس^۱ چنین آمده است:

من آیدون گمانم که شاه جهان
 ۲۶- ل، س، س^۱ (نیز ق، ل، آ، ب): برین؛ ق: ابر؛ متن = ف ۲۷- ل: کنون کشتگان را همه همچین ۲۸- ل، س: بدارند (حرف پنجم نقطه ندارد)؛ ق، س^۱ (نیز پ، و، ب): بدارید؛ (ق، آ، بداریم)؛ متن = ف (نیز ل، لن، آ) ۲۹- ل: بداریم و نهمیشان بر زمین؛ ل، ق (نیز ل، آ) پس از این بیت افزوده‌اند:
 کزین کشتگان جان ما بی (آ: دشمنان را) غمست
 روان سیاوش ازین (ل: زین) خرمست (ل: خورمست)

۲۰۷۰ اگر همچین نزد شاه آوریم
 که آشوب ترکان و ایرانیان
 همه یکسره خواندند آفرین
 همه سودمندی ز گفتار تُست
 برفتند با کُشتگان همگان^۶
 شود شاد و زین پایگاه آوریم
 ازین بد^۲ کجا گم شد اندر میان^۳
 که بی تو مبادا زمان و زمین^۴
 خور و ماه روشن ز دیدار^۵ تُست
 گروی زره را پیاده دنان^۷

گفتار اندر آگهی دادن دیدبان ایرانیان از آمدن کیخسرو^۸

۲۰۷۵ هم^۹ اندر زمان از لب دیدبان^{۱۰}
 که از گرد شد دشت چون تیره شب^{۱۳}
 خروشیدن کوس با گره نای^{۱۴}
 همان^{۱۶} تخت پیروزه بر پشت پیل
 هوا^{۱۸} شد بسان پرنده^{۱۹} بنفش
 ۲۰۸۰ درفشی به بالای^{۲۱} سرو سهی
 به گوش آمد از کوه زبید^{۱۱} چنان^{۱۲}،
 شگفتی برآمد ز هر سو جَلَب
 بجنبدهمی دشت گویی^{۱۵} ز جای
 درخشان^{۱۷} بکردار دریای نیل
 ز تابیدن پرنیانی^{۲۰} درفش
 پدید آمد از دور با فرهی

۱- س^۲ (نیز آ): بر ۲- (پ: پس) ۳- (ق: شدند از میان): س: ازین بود و گشتند کم زین میان ۴- (و: کلاه و نگین) ۵- ل: بیدار؛ س (نیز پ، لن، آ، ب): بکردار؛ متن = ف، ل، آ، س^۲ (نیز لن، ق، آ، ل، آ، و، آ): ق بیتهای ۲۰۷۳ و ۲۰۷۴ را ندارد ۶- ل، س، ل^۲ (نیز لن، ق، آ، ل، آ، پ، و، لن، آ، ب): همچنان؛ متن = ف، س^۲ (نیز آ) ۷- ل (نیز لن، ق، آ، ل، آ، ب): دوان؛ س، ل^۲: کشان؛ س^۲: دمان؛ متن = ف، ل، آ، ل، آ، پس از این بیت و ق پس از بیت ۲۰۷۲ چهار بیت و ل تنها بیتای یکم و سوم را افزوده اند:
 چون نزدیک بنگاه و لشکر شدند

پذیره سپهد سپاه آمدند (ل: سپاه و سپهد پیاده بدید)
 به (ق: ز) پیش سپه بود گستم شیر
 بیامد بر پهلوان دلیر
 زمین را ببوسید و کرد (ل: برو بر بخواندند زود) آفرین

سپاهت بی آزار گفستا بین (ل: بگفتند لشکری آزارین)

چنان چون سپردی سپردم بهم درین (ل: چنین) بود گودرز با گستم
 ۸- س: خبر یافتن لhak و فرشیدورد از کشته شدن پیران و سران لشکر؛ ق: آگهی یافتن تورانیان از نکبت پیران و پهلوانان؛ و: گریختن لhak و فرشیدورد؛ ل: آگاهی یافتن لhak و فرشیدورد از پیران؛ ل سرنویس ندارد؛ متن = ف ۹- ل، ق (نیز ل): که؛ متن = ف، س، ل، آ، س^۲ (نیز لن، ق، آ، پ- ب) ۱۰- ل، ق، ل، آ، س^۲ (نیز لن، ق، آ، ل، آ، ب): دیده بان؛ متن = ف، س (نیز بنداری) ۱۱- ف، س: زبید (حرف دوم نقطه ندارد)؛ ل: زسد (حرف های دوم و سوم نقطه ندارند)؛ ل: بانگ و؛ (لن، آ: ریید)؛ متن = س، ق (نیز ق، آ، ل، آ، پ، و، لن، آ، ب) ۱۲- ل- س^۲ (نیز لن، ق، آ، ل، آ، ب): فغان؛ متن = ف ۱۳- ل، آ، س: تیره چوشب ۱۴- ف، ل، س: کزنای ۱۵- (ق، آ، ل: گفتی؛ لن، آ: کوه گفتی)؛ ل: بجنباند آن دشت گویی؛ س: بجنبید گفتی زمین را؛ متن = ف، ق، ل، آ، س^۲ (نیز پ، و، لن، آ، ب)؛ س^۲ پس از این بیت افزوده است:

هم از دشت برخاست فریاد کرد برآمد شگفتی زهر سونبدر

۱۶- ل: یکی ۱۷- ل، س^۲ (نیز ق، آ، پ، و): درفشان؛ متن = ف، س، ق، ل (نیز لن، آ، ل، آ، ب) ۱۸- ل (نیز ق): جهان ۱۹- (لن: آسمان؛ پ، و، آ، ب: پرنده؛ لن: پرنده)؛ س: شد پرند و زمین شد؛ متن = ف، ل، آ، س^۲ (نیز ق، آ، ل) ۲۰- ل (نیز لن، ل، آ، و، آ): کاویانی؛ (ق: گونه گونه؛ پ: پرنیان)؛ متن = ف، س، ل، آ، س^۲ (نیز و، لن، آ، ب)؛ ق این بیت را ندارد ۲۱- س (نیز لن، آ، پ، و، لن، آ، ب): بکردار؛ متن = ف، ل، ق، ل، آ، س^۲ (نیز ق، آ، و، آ)

به گردش سواران^۱ جوشن و روان
 زمین شد بنفش از کران تا کران^۲

ز کوه گنابند^۳ همان دیدبان^۴
 چنین گفت: گر چشم من تیره^۵ نیست
 ز ترکان برآورد یزدان^۶ هلاک^۷
 سپاه اندرآمد ز بالا به^۸ پست ۲۰۸۵
 درفش سپهدار پیران^۹ نگون
 دلیران ما گشته در^{۱۰} دشت کین
 همان ده دلاور کز ایدر برفت
 همی بینم از دورشان سر نگون
 و زان سوی زبید^{۱۱} یکی تیره گرد ۲۰۹۰
 میان سپه کاویانی درفش
 درفش شهنشاه با بوق و کوس
 برفتند^{۱۲} لَهَاک^{۱۳} و فرشیدورد

بید آن شگفتی و آمد دوان^{۱۴}
 گر از دیده^{۱۵} دیدار من خیره^{۱۶} نیست،
 همه رنج ما^{۱۷} سربسر گشت خاک^{۱۸}
 خروشان و هریک درفشی به دست
 همی بینم و تنش^{۱۹} غرقه به خون
 به راه کسان بسته بر^{۲۰} پشت زین^{۲۱}
 ابا گرد پیران به آورد تفت،
 فکنده بر اسپان و تن پُر ز خون^{۲۲}
 پدید آمد و دشت شد لاژورد^{۲۳}
 به پیش اندرون تیغ های بنفش
 پدید آمد و شد زمین آبنوس
 بر آن^{۲۴} دیدگه^{۲۵} بر ز دشت نبرد^{۲۶}

۱- س، ق، ل، آ، س: سواران و ۲- س: بنفش و برآمد دوان؛ ل، آ، پ، آپس از این بیت دو بیت و ق تنها بیت یکم را افزوده اند:
 پس هر درفشی درفشی بی پای
 اگر همچنین تیزرانی کنند
 ۳- ل: کبابد ۴- ل، ق، ل، آ، س: (نیز ل، ق، آ، ل، ب): دیده بان؛ متن = ف، س (نیز بنداری) ۵- (ل، ق، آ، پ، ل، آ، دمان)؛
 در س این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است؛ ل پس از این بیت افزوده است:
 بنزدیک لَهَاک و فرشیدورد

به پیش سپهبد همی یاد کرد

۶- س، ق: اگر ۷- ق، س: خیره ۸- ل، ق (نیز ق، آ، ل، و، آ): وز (ق: از؛ و: ز) اندوه؛ س (نیز پ، ل، آ، ب): از اندازه؛ متن =
 ف، ل، آ، س (نیز ل، ن) ۹- ق: تیره ۱۰- ل، ق (نیز ل، آ): ایزد ۱۱- ل: دمار ۱۲- ل، ق (نیز ل، آ): رنجشان؛ س، ل (نیز
 ق، آ، پ، و، ل، آ، ب): رنجها؛ متن = ف، س (نیز ل، آ) ۱۳- ل: خوار؛ ق، س (نیز ل، آ): گشت یکسر چو خاک؛ متن = ف، س، ل (نیز
 ق، آ، پ، و، ل، آ، ب) ۱۴- ل: بالای ۱۵- ل، س (نیز ل، ن، پ): توران؛ س (نیز ق، آ، و، آ): ترکان؛ متن = ف، ق، ل (نیز ل، آ، ل،
 ب) ۱۶- ل: بینم از پیش؛ س (نیز پ، ل، ن): بینم از دور؛ متن = ف، ق، ل، آ، س (نیز ل، آ، ب) ۱۷- س، ل (نیز ق، آ، ل، آ، پ،
 ل، ن، آ، ب): در؛ (ل، ن): دلیرانش کشته ابر؛ متن = ف، ق، س ۱۸- س، ل: بزاری کسان کشته بر؛ ق: بزاری فکننده ابر؛ س: آ:
 بره بر کسان بسته بر؛ (ل، ن): بره کشتگان بسته بر؛ ق: بزاری کسان کرده بر؛ ل: بزاری فکنندگان بر؛ پ، ل، آ، ب: بزاری کسان (پ: همی) بسته
 بر؛ آ: سواران کسان کشته بر؛ متن = ف ۱۹- س: دشت کین؛ ل (نیز و) این بیت را ندارند ۲۰- ق: همه تن بخون؛ ل، ق (نیز ل، آ،
 پ، آ) پس از این بیت افزوده اند:

دلیران ایران گرازان (ق) و گردان ایران؛ ل، آ، پ: گرازان از ایران) بهم

رسیدند یکسر (ق) با هم؛ ل، آ، آنک؛ پ: اینک) بر گستم

۲۱- ف، س: زبید (حرف دوم نقطه ندارد)؛ ل: زمد (حرفهای دوم و سوم نقطه ندارند)؛ ل: زبند؛ (ل: ایران؛ آ: ربید)؛ متن = س، ق (نیز
 ق، و، ل، آ، ب) ۲۲- ف، س، ق، ل، آ، س (نیز ل، ق، آ، ل، آ، ل، آ، ب): لاجورد؛ متن = ل (نیز پ، و) ۲۳- ف: بدیدند؛ متن = ل
 - س (نیز ل، ق، آ، ل، آ، ب) ۲۴- (ل، ن: کها) ۲۵- س، ل (نیز ق، آ، و): بدان ۲۶- ف (نیز ل، ق، آ، پ، ب): دیده گه؛
 متن = س، ل، آ، س ۲۷- ل، ق (نیز ل، آ): بدانجا که بُد جایگاه نبرد

بدیدند گشته به دیدار خویش
 ۲۰۹۵ ابا ده سوارا گزیده سران
 برآن دیده بره زار جوشان شدند^۶
 همی^۸ زار گفتند کای نره شیر
 چه بایست آن رادی و^{۱۰} راستی
 کنون کام دشمن برآمد همه
 ۲۱۰۰ که جوید کنون در^{۱۳} جهان کین تو؟
 ابر^{۱۴} شهر ترکان^{۱۵} و افراسیاب
 بیاید بریدن سر خویش پست
 چن^{۲۰} اندرز پیران نهادند پیش
 ز گودرز چون خواست پیران نبرد
 ۲۱۰۵ که گر من شوم گشته بر کینه گاه
 اگر من نباشم^{۲۵} برین^{۲۶} دشت کین
 نه از تخمهی ویسه ماند کسی

سپهدبرادر جهاندار خویش
 ز ترکان دلیران و جنگاوران^۳
 ز خون برادر خروشان شدند^۷
 سپهدار توران^۹، سوار دلیر،
 چورفتن^{۱۱} ز گیتی چنین^{۱۲} خواستی؟
 به بد بر تو گیتی سرآمد همه
 که گیرد کنون راه و آیین تو؟
 بد آمد که^{۱۶} گردد سراسر خراب^{۱۷}!
 به خون غرقه کردن^{۱۸} بر و تیغ و دست^{۱۹}
 نرفتند^{۲۱} بر خیره^{۲۲} گفتار خویش
 چنین گفت با گردفرشیدورد^{۲۳}
 شما کس مباحثید^{۲۴} پیش سپاه
 شود تنگ بر نامداران زمین
 که اندر سرش مغز باشد بسی

۱- ل، ق، س^۲ (نیز لن، و): سوار از: س: هزار از: متن = ف، ل^۲ (نیز ق، ل، پ، لن، آ، ب) ۲- ل، ق، س^۲ (نیز ق، ل، پ، ب): [و] ۳- ق: کنداوران ۴- س: چنان؛ ل^۲ (نیز ق، ل، پ، بدن: ۵- س: دیدگه ۶- ل- س^۲ (نیز لن، ق، ل، لن، آ، ب): زار و: متن = ف (نیز پ، و، آ) ۷- ق: بدنند ۸- ق: همه ۹- ل، ق (نیز ل، پ، و، لن، آ، ب): پیران؛ متن = ف، س، ل، س^۲ (نیز لن، ق، آ) ۱۰- ل: آن داد و آن؛ (پ: آزادی و؛ آ: آن زادی و؛ ب: از آزادی و؛ ق: چنان بودی از رادی و) ۱۱- (ق، آ، لن، آ، ب: رفتی) ۱۲- ل: همی ۱۳- ف، س: کس اندر(؟): ق (نیز ل): همی زمین؛ (ق، آ، و: کسی در؛ پ، لن، آ: همی در)؛ متن = ل، س، ل (نیز لن، آ، ب) ۱۴- ل (نیز ل): ازین ۱۵- س (نیز لن، ق، آ، پ- ب): توران؛ متن = ف، ل، ل، س^۲ (نیز ل) ۱۶- س: بدانگه که؛ ل: بد افتاد و؛ (آ: گه آمد که)؛ متن ← ۱۷- ل (نیز ل): بد آمد سرانجامت ای نیک باب؛ س: سر آمد همی خورد و آرام و خواب؛ (ل: که گردد سراسر برین سان خراب؛ ق: بد آمد چو بخت اندر آمد بخواب)؛ متن = ف (نیز پ- ب): ق این بیت را ندارد ۱۸- س: کرده ۱۹- ف، ق، س: تن و تیغ و دست؛ ل: بر و یال و دست؛ س: بر و روی پست؛ (پ، ب: بر و روی و دست)؛ متن = ل (نیز لن، ق، ل، و، لن، آ)؛ س: پس از این بیت افزوده است:

دریغا سپهدار پیران ما
 دریغا سپهدار مهر آزمای
 دریغا همه مهر تو بر گله
 دریغا چه گویم به افراسیاب
 ۵ چون سوچه بکردند و بگریستند
 پس آنگاه گفتند یک با دگر
 که ویران شد از کشتنش خان ما
 کزین رزم ناگه در آمد زیبای
 گله گشت از کشتن تو بر گله
 که پیران بدین رزم بر شد بخواب
 بر آن شور بختی همی زیستند
 که این رزم ما آمد اکنون بسر

۲۰- ل- س^۲ (نیز لن- ب): چو؛ متن = ف ۲۱- ف، ق، س^۲ (نیز ق، ل، لن، آ، ب): برفتند (؟)؛ ل، س (نیز لن، پ): برفتند (حرف یکم نقطه ندارد)؛ (درو حرف یکم هم در بالا نقطه دارد و هم در زیر)؛ متن = ل ۲۲- ق: از خیره؛ س: خیره به ۲۳- ق: بیتهای ۲۱۰۴-۲۱۱۰ را ندارد ۲۴- س^۲ (نیز و، ب): میباید؛ (ل): ممانید؛ پ: مرانید؛ لن: بس میباید؛ متن = ف- ل (نیز لن، ق، آ) ۲۵- س: نیام؛ ل (نیز پ، آ): اگر کشته گردم؛ ل (نیز ل): که گر (ل): چون) من نباشم؛ متن = ف، س^۲ (نیز لن، ق، آ، و، لن، آ، ب) ۲۶- س (نیز ل، پ، آ): بدین

۲۱۱۰ که بر کینه‌گه بر چو^۱ ما را گشند، چو سرهای ما را بدایران^۲ گشند،
 ز گودرز خواهد سپه^۳ زینهار شها خویشتن را مدارید^۴ خوار!
 همه^۵ راه سوی بیابان برید مگر کز بد دشمنان جان برید

۲۱۱۵ به لشکرگه خویش رفتند باز همه دیده پُر خون و دل پُر^۷ گداز
 بدانست لشکر سراسر همه که شد بی‌شان آن^۸ گرازان رمه
 همه سربسر زار و گریان شدند چو بر^۹ آتش تیز بریان شدند
 بنزدیک آهاک و فرشیدورد برفتند لب‌ها^{۱۱} پُر از بادِ سرد^{۱۱}
 که اکنون چه سازیم ازین^{۱۲} رزمگاه چو شد پهلُو^{۱۳} و پشتِ توران سپاه؟
 که را دل دهد نیز بستن کمر از^{۱۴} آهن کُله برنهادن^{۱۵} به سر؟
 چنین گفت آهاک و فرشیدورد که از خواست^{۱۶} یزدان کرانه که کرد؟
 چنین راند^{۱۷} بر سر^{۱۸} روزگار که بر کینه‌گه گشته شد^{۱۹} زار و خوار
 به شمشیر کرده جدا جان^{۲۰} ز تن نیابد همی^{۲۱} گشته گور و کفن^{۲۲}
 به هر جای گشته^{۲۳} گشان دشمنش پُر از خون سر و درع و خسته تنش^{۲۴}
 کنون بودنی بود و پیران گذشت همه کار و کردار او^{۲۵} باد گشت
 ستون سپه بود^{۲۶} تا زنده بود به مهر سپه دلش^{۲۷} آکنده بود

۱- ل: چونک؛ (پ: چونکه)؛ س: چو بر کینه‌گه بر که؛ (لن، ل: ابر کینه‌گه بر چو؛ آ: چو بر کینه‌خوش)؛ متن = ف، ق، ل: (نیز لن، آ، ب) ۲- ل: بایران؛ ل (نیز ل: ۳): سوی ایران؛ س: (نیز لن، پ، لن، آ، ب): سربنی تنان مان بایران؛ متن = ف؛ س (نیز ق، و) این بیت را ندارند و س بجای آن افزوده است:
 ۳- س: همان ۴- س: مخوانید ۵- س (نیز لن، آ، ب): شها؛ درف، ل، آ، س: (نیز ل: ۳) پس از این بیت، بیت ۱۷۷۸ آمده است ۶- س: در ۷- س (نیز ب): تن در؛ (لن: دل در؛ پ، لن، آ: تن پر) ۸- ل، آ، س: (نیز ل، آ، ب): از (ج-آن) ۹- س: ابر ۱۰- ل، ق، س: (نیز ق، ل، آ، ب): با دل؛ س (نیز و، لن، آ، ب): با لب؛ متن = ف (نیز لن، لی، آ) ۱۱- (ق: پراز داغ و در)؛ ل: که از خواست یزدان کرانه که کرد (۲۱۱۴-۲۱۱۷ آ را انداخته و از ۲۱۱۴ آ و ۲۱۱۷ ب یک بیت ساخته است؛ س: نیز نخست مانند ل است، ولی سپس از بیت ۲۱۱۴ دوباره آغاز کرده است) ۱۲- ل: زین ۱۳- ل، س: (نیز لن، و، لن، آ، ب): پهلوان؛ (پ: پهلوشاه)؛ س: که شد پهلوان؛ (ق، ل، لی، آ، ب): که از ما بشد؛ متن = ف؛ ق، ل: این بیت را ندارند؛ ل، پ پس از این بیت و لی، آ: پس از بیت سپسین پس و پیش شده اند:

چنین گفت هرکس (لی: یک) که پیران گرد

جز از نام نیکو (لی، آ: نیکنامی) ز کیهان نبرد

۱۴- ل: ز ۱۵- س: برنهاده؛ ف، ق، ل: این بیت را ندارند ۱۶- (ب: حکم)؛ ف، ق، ل: این بیت را ندارند ۱۷- س: بود ۱۸- ق (نیز لی، آ): نبشته چنین بر سرش ۱۹- ل، ق، س: (نیز پ، و): کینه کشته شود؛ س: کشته گه کشته شد؛ متن = ف (نیز لن، لن، آ، ب)؛ ل: این بیت را ندارد ۲۰- ل، س (نیز ق، آ، ب): سر؛ متن = ف، ل، آ، س: (نیز لن، لی، ل، آ) ۲۱- (لی، آ: همان) ۲۲- س (نیز پ، لن، آ): نیابد جز از جوشن خود کفن؛ ق این بیت را ندارد ۲۳- س: جایگاهی ۲۴- (لن، ب: و هم جوشنش)؛ س: برو ترک و هم جوشنش؛ (لی، آ: سرو روی و خسته تنش؛ پ، لن: سرو جامه و جوشنش)؛ متن = ف، ل، آ، س: (نیز ق، و؛ س، ق: برو)؛ ق (نیز ل: ۳) این بیت را ندارند ۲۵- ق: ها؛ (لی، آ: ما) ۲۶- س (نیز لن، لن، آ، ب): سوی شاه ترکان (لن، لن، آ: توران) که ۲۷- ل، س، س: (نیز ق، ل، لی، پ، لن، آ): جاننش؛ متن = ف، ق، ل: (نیز لن، ب)

<p>سپه را ز دشمن نگهدار بود بدان گیتی افتاد نیک و بدیش^۳ پس از زیستن^۵ خویش^۶ تیمارخورد که گر^۷ من شوم کشته در^۸ کینه‌گاه گذرشان دهی^{۱۰} تا به توران شوند ز پیمان نگرند ایرانیان سه کارست پیش آمده ناگزیر اگر تان به زهار باید شدن وگر بازگشتن به خرگاه^{۱۵} خویش وگر جنگ را گرد کرده عنان گر ایدونک تان دل گراید^{۱۷} به جنگ که پیران ز مهتر سپه خواسته‌ست زمان تا زمان لشکر آید پدید ز هر گونه رانیم یکسر سَخُن وَر ایدونک تان^{۲۶} رای شهرست و گاه وگر تان به زهار شاهست رای دل هر کسی بر متش^{۲۹} پادشاست</p>	<p>۲۱۲۵ ۲۱۳۰ ۲۱۳۵</p>	<p>پسر با برادر برو^۱ خوار بود همانا که نیکست کار ایزدیش^۴ ز گودرز پیمان سِتد در نبرد نجویی تو کین زان سپس با سپاه^۹ کمین را نسازی بریشان کمند^{۱۱} ازین^{۱۲} در کتون نیست بیم^{۱۳} زیان همه گوش دارید برنا و پیر کتون تان همی^{۱۴} رای باید زدن سپردن به نیک و به بد راه خویش یکایک به خون آب^{۱۶} داده سِنان برین^{۱۸} رزمگه کرد باید درنگ سپهد یکی لشکر آراسته‌ست^{۱۹} همه^{۲۰} کین ازیشان^{۲۱} ببايد^{۲۲} کشید جز از^{۲۳} خواست^{۲۴} یزدان نباشد ز بُن^{۲۵} همانا که بر ما نگیرند^{۲۷} راه ببايد بسیچید و رفتن ز^{۲۸} جای اگر تان^{۳۰} همه سوی^{۳۱} ایران هواست</p>
--	-------------------------------	---

۱- ل، ق، ل^۲ (نیز لی، پ): برش؛ س (نیز لن، ل، آ، ب): سرنامدارش (س: نامداران) برو؛ متن = ف، س^۲ (نیز ق^۲) - ۲- (لن: نام)
۳- ل، س، ق (نیز لن - پ، ل، آ، ب): بدش؛ متن = ف، ل، آ، س^۲ (نیز و) - ۴- ل، ق: با ایزدش؛ ل: با ایزدیش؛ (ق: آ، ابا ایزدش؛ لن، ب: کار ایزدش)؛ س (نیز پ، ل، آ): نکوکار کرد ایزدش؛ (لی، ل، آ: که نیکست با ایزدش)؛ متن = ف، س^۲ (نیز و) - ۵- ل، ق (نیز لی، آ): لشکر؛ س (نیز لن، پ، و، ب): کشتن؛ ل^۲ (نیز ل، آ): رفتن؛ (لن: دشمن)؛ متن = ف، ل^۲ (نیز ق^۲) - ۶- ل، ل: نیز - ۷- س: اگر - ۸- ل^۲ (نیز لی، آ): بر - ۹- س (نیز لن، ل، آ): تو کشته (لن: کینه؛ لن: همی کین) ز توران سپاه - ۱۰- س: گذرتان شوی (!)؛ (لن: که رهشان دهی) - ۱۱- ق (نیز لن، لی، ل، آ): گزند؛ س (نیز پ، ل، آ): نسازی برایشان کمین و گزند (س: کمند)؛ متن = ف، ل، ل، آ، س^۲ (نیز ق، و، ب) - ۱۲- ق: وزین - ۱۳- ل: بیم و؛ ق: ل^۲ (نیز لی، ل، آ، ب): ما را؛ متن = ف، س، س^۲ (نیز لن، ق، آ، و، آ، ب) - ۱۴- ق: همه؛ س، س^۲ (نیز لن، پ، و، ل، آ، ب): بدین (و: درین؛ لن، آ، ب: برین) کارتان؛ ل: برین مان همی؛ متن = ف، ل (نیز ق، آ، لی، ل، آ، ب) - ۱۵- س (نیز لن، ق، آ، ل، آ، پ، و، ل، آ، ب): بنگاه؛ متن = ف، ل، ق، ل، آ، س^۲ (نیز لی، آ) - ۱۶- ق: تاب - ۱۷- س (نیز لن، ل، آ، ب): رای باشد؛ ل، س: ایدون کتان دل گراید؛ ق، ل^۲ (نیز لی، ل، آ، پ، آ): ایدونک دلتان گراید؛ متن = ف (نیز ق، آ، و) - ۱۸- ل، س، ق، س^۲ (نیز ق، آ، لی، ل، آ، پ): بدین؛ متن = ف، ل^۲ (نیز لن، و، ل، آ، ب) - ۱۹- ق این بیت را ندارد - ۲۰- ق: همی؛ (ق، ل: همان؛ و: همین) - ۲۱- ل، س^۲ (نیز ل، ل، آ، ب): کینه زیشان؛ متن = ف، ق، ل^۲ (نیز لن، ق، آ، لی، پ، و، آ) - ۲۲- ق: نشاید؛ س این بیت را ندارد - ۲۳- ف: چن آن (→ جزاز)؛ (لی: بجز؛ لن: چوازه → جزاز)؛ متن = ل، ل، آ، س^۲ (نیز لن، ق، آ، ل، پ، و، آ، ب) - ۲۴- (لن، ب: حکم) - ۲۵- س: نشاید بدن؛ س، ق این بیت را ندارند - ۲۶- ل، س^۲ (نیز لی، ل، پ، آ): ایدون کتان - ۲۷- ل (نیز ل، آ): بگیرند - ۲۸- س، س^۲ (نیز ق، آ، ل، آ، و، آ): به - ۲۹- ل (نیز ق، آ، لی، ل، آ، ب): تنش؛ (پ: که با گوهر و پرمش)؛ متن = ف، س، ل، آ، س^۲ (نیز لن، و، ل، آ، ب) - ۳۰- ل، س (نیز لی، پ، ب): وگرتان - ۳۱- ل (نیز لی، آ): سوی شهر؛ س (نیز ل، آ، و، ل، آ): همی سوی؛ س^۲ (نیز پ): سوی شاه؛ متن = ف، ل^۲ (نیز لن، ق، آ، ب)؛ ق این بیت را ندارد؛ درل (نیز لی، پ، ل، آ، آ) لت های این بیت پس و پیش شده اند

<p>۲۱۴۰ ز ما دو برادر^۱ مدارید چشم ازین^۲ تخمهی ویسگان کس نبود بداندرز^۳ سالارپیران^۴ رویم^۵ ار^۶ ایدونک بر ما بگیرند راه</p>	<p>که هرگز نشویم سرها^۲ ز خشم^۳ که بند کمر بر میانش نسود^۴ ز راه بیابان به توران^۵ رویم^۶ بکوشیم تا هستان دستگاه</p>
<p>۲۱۴۵ چو ترکان شنیدند ازیشان^{۱۱} سخن که سالار با ده یل نامدار^{۱۲} وُزان روی کیخسرو آمد پدید نه اسپ و سلیح^{۱۸} و نه پای و نه پر نه نیروی جنگ^{۲۰} و نه راه گریز اگر بازگردیم گودرز و شاه رهایبی نیابیم یک یک^{۲۲} به جان^{۲۳} ز^{۲۵} زهار بر ما کنون عار نیست ازین^{۲۶} پس خود از شاه ترکان چه باک چرا همچن^{۲۸} این شاه ایران نبود</p>	<p>نگر تا چه^{۱۲} پاسخ فگنند بُن^{۱۳} که گشتند^{۱۵} گشته برآن گونه خوار^{۱۶}، که یارد بدین رزمگاه^{۱۷} آرمید؟ نه گنج و نه سالار و نه نامور^{۱۹} نه^{۲۱} با خویشتن کرد باید ستیز پس ما برانند پیل و سپاه نه خرگاه بینیم و نه خان ومان^{۲۴} سپاهست بسیار و سالار نیست چه افراسیاب و^{۲۷} چه یک مشت خاک که بر لشکرش مهربانی نمود^{۲۹}</p>

۱- ل، ل، س^۲ (نیز ق، آ، ی، پ، آ): زما آمدن را (ل: تا) متن = ف، ل، س، ق (نیز ل، ل، آ، ب) ۲- ل (نیز ی): دل را؛ س، ل، آ، س^۲ (نیز ل، ق، آ، پ، ل، آ، ب): دلها؛ متن = ف (نیز و) ۳- ق: اشک از دو چشم (پساوند ندارد) ۴- ل (نیز ل، آ، ب، و): کزین؛ س، س^۲ (نیز ل، آ، ب): وزین؛ متن = ف، ل^۲ (نیز ق، آ، ی، آ) ۵- س^۲: که داند زبان بر نیایش براند (!)؛ ق این بیت را ندارد؛ ل^۲ پس از این بیت افزوده است:

که او را زیزدان درفشی نتافت ز پیوند او هرکسی سود یافت

۶- ل، ق، س^۲ (نیز ق، آ، ل، آ، ب): براندرز؛ س (نیز پ، ل، آ، ب): بنزدیک؛ ل^۲ (نیز ی): باندرز؛ متن = ف ۷- س (نیز پ، ل، آ، ب): توران ۸- ل، س، ق (نیز ل، ق، آ، ی، و، آ): شویم؛ متن = ف، ل، آ، س^۲ (نیز ل، آ، ب) ۹- س: بجیحون (پساوند ندارد) ۱۰- س، ق، س^۲ (نیز ل، ی، ب): ور؛ (ق: گر)؛ متن = ف، ل، ل ۱۱- ل: زیشان؛ س: از آسان؛ ل^۲: ازین در ۱۲- ل: یکی نیک؛ س (نیز و، ل، آ، ب): یکی داد؛ (لن: یکی تازه؛ ق، آ، پ: یکی رای)؛ متن = ف، ق، ل، آ، س^۲ (نیز ی، ل، آ) ۱۳- ق: افکنند پاسخ بن ۱۴- ق: که سالارمان با سر نامدار ۱۵- ل، س^۲ (نیز پ): کشیدند؛ (لن: بکشتند و؛ لن: گذشتند)؛ متن ← ۱۶- س^۲: کینه خواه؛ س: گذشته برین گونه بر خوار خوار؛ ق (نیز ل^۲): فکندند و کشتند و کردند خوار؛ (ق): کشیدند کشته بر آن دشت خوار؛ و: کشیدند کشته بر آن خاک خوار؛ متن = ف، ل^۲ (نیز آ، ب) ۱۷- س، ق، ل، آ، س^۲ (نیز ق، آ، ل، آ، ب): رزمگه؛ متن = ف، ل (نیز ل، ی، آ) ۱۸- س (نیز ی، و، ل، آ): سلاح ۱۹- س (نیز پ، ل، آ، ب): بوم و بر ۲۰- ق: نیرو نه جنگ ۲۱- ل، س، ق (نیز ل، آ، پ، ل، آ): چسه؛ متن = ف، ل، آ، س^۲ (نیز ل، ق، آ، و، ب) ۲۲- ل، س، ق، س^۲ (نیز ل، و، آ، ب): یک تن؛ متن = ف، ل^۲ (نیز ل، آ، ب) ۲۳- س: بجای (بجان) ۲۴- ل، ق، س^۲ (نیز ی، آ، پ، و، آ، ب): دودمان؛ (لن: دیده بان)؛ س: بینم نه پرده سرای؛ متن = ف، ل^۲ (نیز ل، ق، آ) ۲۵- ل، ق (نیز ی، آ): به؛ متن = ف، س، ل، آ، س^۲ (نیز ل، ق، آ، ل، آ، ب، و، ل، آ، ب) ۲۶- ل (نیز ل^۲): از آن؛ س (نیز ی، پ، ل، آ): وزان؛ ق، س^۲ (نیز آ، ب): وزین؛ متن = ف، ل^۲ (ل، ق، آ، و) ۲۷- ل: [و] ۲۸- ف (نیز ل، پ، ل، آ، آ، ب): همچین؛ س (نیز و): همچو این؛ ل، آ، س^۲ (نیز ی): همچنان؛ (ق): نیز چون؛ ل^۲: هم چنین)؛ متن ← ف، س، ل^۲ ۲۹- س^۲: نبود؛ ل، ق این بیت را ندارند؛ بنداری: فانه لو کان له شفقة علينا لأغاثنا بنفسه کما أغاث کیخسرو أصحابه

گفتار اندر گریختن لَهَاک و فرشیدورد برادران پیران و یسه^۱

<p>دو پُرمایه از جای برخاستند که شان نیست هنگام ننگ و نبرد تبه گردد از بی‌شبانی رمه بیابان گرفتند و راه دراز پُر از درد دل، دیدگان^۲ پُر ز خون دلیران و شایسته‌ی کارزار نگهبان ره^۴ نامداران بُدند طلایه بیفشارد^۵ بر جای پای که از خون^۶ زمین گشت با کوه^۷ راست دلیران و شیران روز نبرد^{۱۰} ز دست طلایه کسی^{۱۲} جان نبرد به راه بیابان بگردار شیر که ای سرفرازان و گردانِ نو، برون رفت با نامور ده سوار که با خاک خون را برآمیختند^{۱۸}</p>	<p>چو لشکر چُنین پاسخ آراستند بدانست لَهَاک و فرشیدورد همی راست گویند لشکر همه به پدرود کردن گرفتند ساز درفشی گرفته به دست اندرون برفتند با نامور ده سوار به رهبر از^۳ ایران سواران بُدند برانگیختند اسپ ترکان ز جای یکی ناسگالیده‌شان جنگ خاست از ایرانیان کشته شد^۸ هشت^۹ مرد ز ترکان جز آن^{۱۱} دو سرفرازگرد از آنجا^{۱۳} برفتند هر دو دلیر پس از دیدگه^{۱۴} دیدبان^{۱۵} کرد عَو^{۱۶} ازین^{۱۷} لشکر ترک دو نامدار چُنان با طلایه برآمیختند</p>
--	--

۱- ف (چند بیت پایین‌تر): گفتار اندر گریختن لَهَاک و فرشیدورد برادران پیران و یسه بجانب ترکستان و رفتن گسَتم نوذر از پس ایشان؛ ل: رزم گسَتم با لَهَاک و فرشیدورد؛ س، س: ۲: گریختن لَهَاک و فرشیدورد (س: از پیش ایرانیان)؛ ل: رفتن گسَتم از پس لَهَاک و فرشیدورد؛ متن = آغاز ف ۲- ل: دیده‌گان؛ س (نیز پ، ل، آ، ب) بیت‌های ۲۱۵۸ و ۲۱۵۹ را ندارند؛ بنداری: فاختراراً عشرة من أعيان الفرسان ۳- ل، س، ق، ل: ۲: متن = ف، س، ۴- ل، ق (نیز ل، آ، ب، آ): آن؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیز ل، و، ب) ۵- س، س: ۲ (نیز ق، آ، ل، پ، ل، آ، ب): بیفشرد؛ متن = ف، ل، ق، ل (نیز ل، آ، و) ۶- ق: که خون از ۷- س (نیز ل، آ، ب): چون لاله؛ (ق): با خاک؛ پ، ل، ۲: چون رود؛ در ف این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است؛ پای بیت های متن = ل- س (نیز ل- ب) ۸- ل: بکشتند ایرانیان؛ ق (نیز ق، آ، ل، آ): ز تورانیان کشته شد؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیز ل، آ، ب، و، ل، آ، ب) ۹- (ل): هفت؛ بنداری: سبعة) ۱۰- ق: همانند لَهَاک و فرشیدورد ۱۱- ل: جزین ۱۲- ل (نیز ل): دگر؛ ق (نیز ل): یکی؛ (و: همی)؛ متن = ف، ل، آ، س (نیز ق، آ، ب)؛ س (نیز ل، آ، ب، آ): این بیت را ندارند؛ در ل، ق این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است؛ در س آ بیت های ۲۱۶۴ و ۲۱۶۵ پس از بیت ۲۱۶۷ آمده‌اند ۱۳- ل، س، ق، س: ۲: وز آنجا؛ بنداری (۲۱۶۵-۲۱۵۹): فاختراراً عشرة من أعيان الفرسان، وسارا فهم قاصدين حضرة أفراسياب، فصادفوا في طريقهم جماعة من طلائع الإيرانيين، فاعترضوهم وجرى بينهم قتال عظيم فقتل سبعة أنفس من الإيرانيين والعشرة الذين كانوا معها من الترك، وخلصا وحدهما وأخذوا في طريق توران ۱۴- ل، ل، آ، س: ۲: دیده‌گه ۱۵- ل، ل، آ، س: ۲: دیده‌بان ۱۶- (ق): عَو؛ پ: دیده برداشت عو)؛ س (نیز ب): پس آن دیدبان کرد از دیده عو (ب: عو)؛ ق بجای بیت های ۲۱۶۶ و ۲۱۶۷ افزوده است: خبر شد بگودرز کز توریان یکی رزم برخاست اندر نهان ۱۷- ل: از آن؛ س بیت های ۲۱۶۷-۲۱۶۹ را ندارد؛ بنداری (۲۱۶۶-۲۱۷۲): فرأهما اللیدیدبان فأعلم جودرز بأن فارس قد ركباً طريق توران يُغذآن السير طردا وركضا. فقال جودرز: إنها لا يكونان إلا لَهَاک و فرشید یريدان اللحاق بأفراسياب. ومتى سلما حتى يصلأ الى توران تضررنا بذلك ۱۸- ق: بیامیختند

تنی چند^۱ کشتند از^۲ ایرانیان
 ۲۱۷۰ چو بشنید گودرز گفت: آن^۵ دو مرد
 برفتند^۷ با گردن افراختن
 گر ایشان از ایران^۹ به توران شوند^{۱۰}
 که جوید کنون نام نزدیک شاه؟
 همه مانده بودند^{۱۳} ایرانیان
 ۲۱۷۵ ندادند پاسخ جز از گُستهم
 به سالار گفت: ای سزاوار گاه^{۱۷}
 سپیدی مرا کوس و پرده سرای
 دلیران همه نام جستند و ننگ
 کنون من بدین کار نام آورم
 ۲۱۸۰ بخندید گودرز و زو^{۲۱} شاد گشت^{۲۲}
 بدو گفت: نیک اختر^{۲۴} تو ز هور^{۲۴}
 برو کافریننده یار تو باد!

همیدون برفتند^۳ بسته میان^۴
 بُد جز که^۶ لَهَاک و فرشیدورد
 شکسته نشدشان^۸ دل از تاختن
 برین^{۱۱} لشکر آید همانا گزند
 بپوشد سرش را به رومی کلاه^{۱۲}
 شده سست^{۱۴} و سوده^{۱۵} ز آهن میان^{۱۶}
 که بود اندر آورد شیرِ دژم
 چو رفتی بد آورد^{۱۸} توران سپاه،
 به پیش سپه نیز بودم^{۱۹} به پای
 مرا بهره نامد به هنگام جنگ
 شومشان یکایک^{۲۰} به دام آورم
 رخس تازه، وز غم دل^{۲۳} آزاد گشت^{۲۲}
 که^{۲۵} شیری و نخچیر تو نره گور^{۲۶}
 چو لَهَاک سیصد شکار تو باد^{۲۷}!

۱- ل، ق (نیز پ، و، ل، ن، آ، ب): هشت؛ (ل: هفت)؛ متن = ف، ل، س، آ (نیز ل، ق، آ، لی، آ) ۲- ل: [از] ۳- ل، ق: دوتن نیز رفتند؛ متن = ف، ل (نیز ل، ب) ۴- س، آ: وزان رزم بسیار سوده میان ۲۱۶۹ ب- ۲۱۷۴ آ را انداخته و از ۲۱۶۹ آ و ۲۱۷۴ ب یک بیت ساخته است) ۵- س: این ۶- ل: بود گرد؛ س (نیز ق، آ، پ، و، ل، ن، آ، ب): جز از گرد؛ ق: جز از (وزن ندارد)؛ متن = ف، ل (نیز ل، لی، آ، لی، آ) ۷- ق: که رفتند؛ پ: نرفتند؛ و، ب: نباشد؛ آ: برقتن ابا) ۸- ق (نیز لی، آ، لی، آ): نشدشان بسیری ۹- ل، ق (نیز آ): از اینجا؛ (لی، آ، لی، آ، لی، آ)؛ متن = ف، س، ل، آ (نیز ل، ق، آ، پ، و، ل، ن، آ، ب): از ایران (ح-از ایدر؟) ۱۰- ق: رسند ۱۱-

س: از آن؛ ق: بدین؛ در ل^۲ لت های این بیت پس و پیش شده اند؛ ل پس از این بیت افزوده است:
 هم اندر زمان گفت با سرکشان
 که ای نامداران دشمن کشان
 ۱۲- ل (نیز ق، آ، و) پس از بیت ۲۱۷۳ افزوده اند:

شود نزد لهاک و فرشیدورد
 برآرد ز هردو به شمشیر گرد
 ل ن پس از بیت ۲۱۷۳ افزوده است:

رود هردو را سربسرد ز تن
 بیارد تنانشان به پیش سپاه
 ز خاک سپه شان بپوشد کفن
 بیابد بسی خلعت از گنج شاه

۱۳- ل: بودند از ۱۴- ق: همه خسته ۱۵- س (نیز لی، و، ب): و فرسوده ۱۶- س: اهرمنان (!) ۱۷- ل: سرافراز شاه؛ (ل، ن، پ: سرافراز گاه)؛ متن = ف، س، ق، ل، س، آ (نیز ق، آ، لی، آ، لی، آ، ب) ۱۸- ل- س، آ (نیز ل، ن، ب): باورد؛ متن = ف ۱۹- س، آ (نیز ل، و، آ): بودن؛ ل، س (نیز پ، ل، ن، آ، ب): سپه بر (در: بودن)؛ (ق: سپه کرده بودی؛ لی: سپه بودن اندر)؛ متن = ف، ق، ل (نیز ل، ن)؛ در ل^۲ این بیت دوبار آمده است ۲۰- ل: شوم یک بیکشان ۲۱- س، ق: ازو ۲۲- ل: شد ۲۳- ل، س، ق، ل، س، آ (نیز لی، پ، ل، ن، آ، ب): تازه وز غم؛ (ق: تازه گشت از غم؛ ل: تازه پشت از غم؛ و: تازه و از غم)؛ متن = ف، ل (نیز ل، ن) ۲۴- ق: تو چو هور؛ (لی: بور هور؛ ل: همچو هور)؛ س (نیز ل، ن، آ، ب): نیک اختر و روز (ل: زور)؛ هور؛ ل (نیز ل، ن، ق، آ، ب): نیک اختر تو ز هور؛ س: نیک اختر ای بور هور؛ متن = ف، ل (نیز آ) ۲۵- ق: چو ۲۶- ل (نیز آ: زنده گور)؛ ل، ق (نیز ل): بدخواه تو همچو گور؛ متن = ف، س، ل، س، آ (نیز ل، ق، آ، لی، آ، ب) ۲۷- س (نیز ل، ن، آ، ب): به پیروزی اندر مکن ترس یاد ۲۱۸۲ ب و ۲۱۸۳ آ را انداخته و از ۲۱۸۲ آ و ۲۱۸۳ ب یک بیت ساخته است)

- ۲۱۸۵ چو ما را در شادمانی گشاد
پوشید گُستهم دِرِع نبرد
برون تاخت از^۱ لشکر خویش تفت
همی گفت^۳ لشکر همه سربسر
یکی لشکر از نزد افراسیاب
به یاری همی^۵ جنگ جوی^۶ آمدند
خبر شد بدیشان^۸ که پیران گذشت
همه بازگشتند یکسر^{۱۰} ز راه
خبر شد به^{۱۱} بیژن که گُستهم رفت
گمانی چنان برد بیژن که اوی^{۱۳}
بیابند^{۱۵} لهاک و فرشیدورد
نشست از بر دیزه^{۱۷} راه جوی
۲۱۹۵ چو چشمش به روی نیا برفتاد
نه خوب^{۱۸} آید ای پهلوان از^{۱۹} خرد
مرو را به خیره به کشتن^{۲۰} دهی
دو تن^{۲۲} نامدارانِ توران سپاه
ز هومان و پیران^{۲۴} دلاورترند
۲۲۰۰ کنون گسَتهم شد به جنگ^{۲۶} دو تن
- به پیروزی اندر مکن ترس یاد!^۱
ز گردان که را دید پدرو کرد
به جنگ دو ترک سرافراز رفت
که گُستهم را زین بد آید به سر^۴
همی رفت برسان کشتی بر آب،
چو نزدیک دشتِ دغوی^۷ آمدند،
نبرد دلیران برآن^۹ گونه گشت
خروشان برفتند نزدیک شاه
ز لشکر به آورد لهاک^{۱۲} تفت
چو تنگ اندر آید به دشت دغوی^{۱۴}،
شود گُستهم زیر خاکِ نبرد^{۱۶}
بنزدیک گودرز بنهاد روی
خروشید و چندی سَخُن کرد یاد:
که هر نامداری که فرمان برد،
بهانه به چرخ روان^{۲۱} برنهی
برفتند از آنسان^{۲۳} دلاور به راه،
به گوهر بزرگان^{۲۵} آن کشورند،
نباید که آید بروبر شکن

۱- (ق: ۲)؛ (بانی توشاد)؛ متن = ف، ل، آ، س (نیز لن، لی، پ، و، آ)؛ ل، ق (نیز ل) این بیت را ندارند (← ۲۱۸۲ پ) ۲- ل: رفت و از؛ ق (نیز لی، آ)؛ همی تاخت وز؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیز لن، ق، آ، ل، پ، و، لن، ب) ۳- س: غمی گشت ۴- ق (نیز ل): که گسَتهم با دو نتابد مگر ۵- ل، س، ق، ل، آ، همه ۶- ل: جنگجو ۷- ل: دعوی؛ ق، س (نیز لن، ل، ن): دغوی؛ (ل): رعوی؛ پ: رعوی)؛ متن = ف، ل (نیز ق، و) ۸- س: بایران؛ ق (نیز ق، ل، آ، ب): بایشان؛ ل (نیز لن، ل، ن): برایشان؛ (و: از ایران)؛ متن = ف، ل، س (نیز ل، پ) ۹- ل (نیز لن): دگر؛ س: بدین؛ ق (نیز ل): بدان؛ متن = ف، ل، آ، س (نیز ق، آ، پ، و، لن، ب) ۱۰- ق، ل (نیز ل): لشکر ۱۱- ل: چو بشنید؛ ل: بپرسید؛ متن = ف، س، ق، س (نیز لن - ب) ۱۲- س: فرهاد (!)؛ س در اینجا سرنویس دارد: رفتن گسَتهم از پس لهاک و فرشیدورد ۱۳- ل، س: او ۱۴- ل: دعوی؛ س: دغوی؛ ق، س (نیز لن، ل، ن): دغوی؛ ل (نیز و، آ، ب): دعوی؛ (ل، آ، پ: رعوی)؛ متن = ف (نیز ق) ۱۵- ل، ق (نیز ق، ل، آ، ب): نباید که؛ س: بتازند؛ متن = ف، س، ل (نیز پ، و، لن، ب) ۱۶- ل، ق، س (نیز ل): برآرند ازو خاک (س، ل، آ: گرد) روز نبرد؛ (ق): برآرند از جان گسَتهم گرد؛ آ: کشند آن چنان شیر روز نبرد)؛ متن = ف، س، ل (نیز لن، پ، و، لن، ب) ۱۷- ل، ف، ل (نیز لغت شهنامه، شماره ۱۶۷۴): شیده؛ (ل): باره)؛ متن = ل، ق، س (نیز لن، ق، آ، لی، پ، و، آ؛ ← بیت ۵۹۹ و ۷۰۸)؛ س (نیز لن، ب) این بیت را ندارند ۱۸- س: که خوار؛ (لی، ل، آ: که خوب) ۱۹- ق: کز؛ س: [از] ۲۰- ق: بدشمن (در بالا ضبط متن را افزوده است) ۲۱- ل، س (نیز ق، لی، ل، پ، آ): چرخ فلک؛ ق: چرخ و فلک؛ متن = ف، س، ل (نیز و، لن، ب) ۲۲- س: یل ۲۳- ل: زینسان؛ س: از آنسو؛ س: از ایشان؛ متن = ف، ل، ق؛ این بیت را ندارد ۲۴- س: ز پیران و هومان ۲۵- س: ز شیران ۲۶- ل: که گسَتهم تنهاست و ایشان؛ دل ل: لت های این بیت پس و پیش شده اند

همه کام ما بازگردد به درد
 چو بشنید گودرز گفتار اوی^۳
 پُراندیشه گشت^۵ اندر آن یک زمان:
 به گردان چُنین گفت سالار شاه
 ۲۲۰۵ پس گُستهم رفت باید دمان
 ندادند پاسخ کس از انجمن
 به گودرز پس گفت بیژن که کس
 که آید ز گردان بدین کار پیش؟
 مرا رفت باید که از کار اوی
 ۲۲۱۰ بدو گفت گودرز کای تیزمرد^{۱۴}
 نبینی که ماییم پیروزگر؟
 بریشان^{۱۶} بود گستم چیره‌بخت^{۱۷}
 بمان تا کنون از پس گستم
 که با او^{۱۹} بود یار گاه^{۲۰} نبرد
 ۲۲۱۵ بدو گفت بیژن که ای پهلوان
 کنون یار باید که زنده‌ست مرد
 چو شد گستم^{۲۴} گشته در کارزار:

که^۱ کم گردد از لشکر آن زادمرد^۲
 کشیدن بدان^۴ کار تیمار اوی^۳،
 همان بُد کجا بُرد^۶ بیژن گمان
 که هر کس که جویدهمی نام وجاه^۷،
 مرو را بدان^۸ یار با بدگمان^۹
 نه غمخواره بُد کس، نه آسوده‌تن
 جز از^{۱۰} من نباشدش فریادرس
 به سیری نیامد کس از جان خویش^{۱۱}
 جگر^{۱۲} پُر ز دردست و پُراب روی^{۱۳}
 نه گرم آزموده ز گیتی نه سرد،
 بدین کار مشتاب تند ای پسر^{۱۵}!
 وُزیشان ستاند سر و تاج و تخت^{۱۸}
 سُواری فرستم چو شیرِ دژم
 سر دشمنان اندرآرد به گرد
 خردمند و هُشیار^{۲۱} و روشن‌روان،
 نه آنگه کجا زو^{۲۲} برآرند گرد^{۲۳}
 سرآمد برو روز و برگشت کار^{۲۵}!

۱- ل، س، ق (نیزل، پ، و، لن، آ، ب): چو؛ متن = ف، ل، آ، س (نیزلن، لی) ۲- ل، ق، س (نیزل، آ): رادمرد؛ (لی: کم خرد؛ لن: شیرمرد)؛ س: کم گشت ازین لشکر آن شیرمرد؛ متن = ف، ل، آ، ب (نیزلن، و، آ، ب) ۳- ل، س: او ۴- ل: بران ۵- ل: شد؛ ل، س، س (نیزق، آ، لی، ل، آ، پ، لن، آ، ب): پس (س: چو) اندیشه کرد؛ متن = ف (نیزلن) ۶- (لی، ل، آ، آ: که می‌برد)؛ ل: هم از بد که می‌برد؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیزلن، ق، آ، پ، لن، آ، ب)؛ ق این بیت را ندارد ۷- ل، ق، ل (نیزق، آ، ل، آ): گاه؛ س: نام شاه (بساوند ندارد)؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیزلن، لی، پ، لن، آ، ب) ۸- ل، ل، آ، س (نیزلن، لی، پ، لن، آ، ب): بدن؛ (ق، آ، ل، آ): متن = ف، س، ق: بدان - بُدن؟ ۹- ل: بر بدگمان؛ ق: کار باید همان (!) ۱۰- س (نیزلن، آ): بجز ۱۱- ق بیت‌های ۲۲۰۸ و ۲۲۰۹ را ندارد ۱۲- س، س (نیزپ، و، لن، آ، ب): دلم؛ متن = ف، ل، ل (نیزلن، لی، آ) ۱۳- (ق: دلم گشت پردرد از آزار اوی) ۱۴- ل، س، ق (نیزلی، ل، آ، پ، لن، آ): شیرمرد؛ متن = ف، ل، آ، س (نیزلن، ق، آ، و، ب) ۱۵- س: وانده مبر؛ (ق: نیک ای پسر؛ پ: و باش ای پسر؛ ب: جان پدر) ۱۶- ل: بدیشان؛ س: از ایشان ۱۷- س (نیزلی، پ، لن، آ): چیره‌دست؛ (ق: پیش‌دست)؛ متن ← ۱۸- س: وز ایشان بود نیز نیرو و بست (!)؛ (ق، آ، ل، آ): کند جان ایشان به شمشیر بست؛ پ، لن، آ: به خنجر ببرد سر هر دو بست)؛ متن = ف، ل، ق، ل، آ، س (نیزلن، ل، آ، و، ب) ۱۹- ل، ف، ل (نیزلن): وی ۲۰- ف، ل، آ: وقت؛ (لن: روز)؛ متن = ل، س، ق، س (نیزق، ل، آ، ب)؛ ق (نیزل، آ) پس از این بیت افزوده‌اند:

چنین پاسخ آورد بیژن دگر
 کای پهلوان جهان سربر

۲۱- ل، س (نیزلن، ق، آ): بیدار؛ (لی، آ: همیشه بزی شاد)؛ متن = ف، س، ل (نیزو، لن، آ، ب)؛ ق بیت‌های ۲۲۱۵ و ۲۲۱۶ را ندارد ۲۲- ف، ل (نیزلن): بدانگه (نه آنگه) کجا زو؛ س (نیزپ، لن، آ، ب): نه آنگه که از وی؛ ل، آ، س (نیزل، آ): نه آنگه کش (ل: که) از جان؛ متن = (ق، آ، و) ۲۳- (لی، آ: نه آنگه کرو خاست گرد نبرد) ۲۴- ل (نیزلی، آ): گستم شد ۲۵- ل: بیدم کمر تنگ بر کارزار؛ ل، س، ق، آ، لی، لن، آ، پس از این بیت افزوده‌اند: ←

- بفرمای تا من زای تمارا^۲ اوی^۳ ۲۲۲۰
 ور ایدونک^۵ گویی: مرو، تا^۶ سرم
 که من زندگانی پس از مرگ اوی^۹
 بدو گفت گودرز: بشتاب پیش^{۱۲}!
 نیابی همی سیری^{۱۵} از کارزار
 نسوزد همانا دلت بر پدر
 برآری همی از سر خویش خاک^{۱۸}
 ۲۲۲۵ چو بشنید بیژن^{۲۰} فروبرد سر
 کمر بست و^{۲۱} برساخت^{۲۲} مر جنگ را
 به گیو آگهی^{۲۳} شد که بیژن چه کرد^{۲۴}
 پس گستم تازنان^{۲۵} شد به راه
 هم اندر زمان گیو برجست^{۲۶} زود
 بیامد به ره بر چُن^{۲۸} او را بدید
 ۲۲۳۰ بدو گفت: چندین زدم داستان
 کمر بست بر جنگ فرشیدورد،
 به جنگ سواران توران سپاه
 نشست از بر تازی اسپی^{۲۷} چو دود
 به تندی عنانش به یکسو کشید
 نخواهی همی بود همداستان،

۱- ق، س: ۲ به ۲- س: پیکار ۳- ل، س: او ۴- ق، س: ۲ در؛ ل این بیت را ندارد ۵- س: ۲ ایدونکه ۶- ل، ق، س: ۲ (نیز ق، ل، آ: ۲)؛ من؛ (لن: این)؛ متن = ف، س، ل ۱ (نیز پ، و، لن، آ، ب) ۷- س: برین ۸- ق: همیدون بدین ۹- ق: او ۱۰- س (نیز لن: ۲) باشم ۱۱- ق: مجو ۱۲- س: زود ۱۳- ل: با؛ ق: نیست مهتر ابا؛ س: ۲ (نیز ل: ۳): نیست مهتر تو (ل: ۳ بر) ۱۴- س: عنان را بیچان بکردار دود؛ متن = ف، ل (نیز لن، ق، آ، ل، پ- ب) ۱۵- ق: نیابی همی سیر ۱۶- ف: هر زمان (ه- هزمان؟ یا هز زمان؟)؛ س (نیز پ، و، لن: ۲)؛ هر دم؛ متن = ل، ق، ل، آ، س ۱ (نیز لن، ق، آ، ب) ۱۷- س، ق، ل، آ، س ۲ (نیز ق، ل، آ، پ، و): بسوزی مرو را؛ (لن: ۲) بسوزد مرو را؛ آ: بسوزد زرد؛ متن = ف، ل (نیز لن، ل) ۱۸- (ق، آ، پ، لن، آ، ب: کوه خاک؛ و: همی کردن از تیره خاک)؛ ل (نیز ل: ۳): برآرم همی گفت از کوه (ل: ۳) ازین تیره) خاک؛ متن = ف، س، ل، آ، س ۲ (نیز لن، ل، آ) ۱۹- ل (نیز ل: ۳): زو؛ س، س ۲ (نیز پ، و، لن، آ، ب): زین؛ (لن: نیست)؛ متن = ف، ل ۲ (نیز ل، آ): ق این بیت را ندارد؛ درل (نیز ل: ۳) این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۲۰- ق: چو بیژن شنید آن ۲۱- (ق: ۲: چو بشنید) ۲۲- ف، س، ل ۲ (نیز ل، پ، و، لن، آ، ب): برخاست؛ متن = ل، ق، س ۲ (نیز لن، ق، آ، ل، آ) ۲۳- ل: ۲: آنگهی ۲۴- ل: چو گرد؛ (ق: ۲: آنگهی گفت بیژن چو گرد)؛ متن = ف، س، ق، س ۲ (نیز لن، ل- ب)؛ س در اینجا سرنویس دارد: رفتن بیژن از بی گستم و مناظره او با پدر ۲۵- ل، س (نیز لن، ق، آ): تازنان (حرف چهارم نقطه ندارد)؛ ل ۲ (نیز پ، لن: ۲): تازیان؛ س: ۲: تازه نان (ه- تازنان)؛ متن = ف (نیز و، ب)؛ ق (نیز ل، آ، ب) این بیت را ندارند ۲۶- ق: برگشت ۲۷- س (نیز لن): بادپایی ۲۸- ل، ق، س ۲ (نیز ق، ل، آ، و، ب): چو؛ (پ، لن: ۲: مر)؛ س: براه و مر؛ متن = ف، ل (نیز آ)

→

کنون دار گرد داشت خواهی نگاه
 نماند (لن: ۲: نیاید) بجز کشته پر خون سرش (لن: ۲: برش)
 که شد کار بر جان او بردراز
 وزان هریکی نامور مهتری

ل: کجا سود دارد مرو را سپاه
 س، لن: ۲: چه سود افرستی سواری برش
 ق: ۲: چه باید بکار آنگهی سرفراز
 ل، آ: ۲: چه سود افرستی برش لشکری

که باشم ز^۱ تو شادمان یک زمان^۲
 به هر کار دردِ دلِ من^۳ مجوی!
 جز از تو به گیتیم^۴ فرزند نیست
 بدین^۵ ده^۶ شبانروز بر پشتِ زین
 بسودی به خفتان و خود^۷ اندرون
 چو نیکی دهش بختِ پیروز^۸ داد
 به پیش زمانه چه تازی سرت^۹؟
 کسی کو بجوید^{۱۰} سرانجام خویش
 تو چندین به گرد^{۱۱} زمانه میوی
 ز بهر مرا^{۱۲} زین سخن بازگرد^{۱۳}
 بدو گفت بیژن که ای پُرخرد
 که^{۱۴} کار گذشته نیاری به یاد
 بدان ای پدر کین سخن داد نیست^{۱۵}
 که با من چه کرد اندر آن گسَتهَم
 ارا^{۱۶} ایدون کجا گردش ایزدی
 نبشته^{۱۷} نگرود به پرهیز باز
 کجا رفت خواهی برینسان^{۱۸} دمان؟
 به پیران سر از من چه خواهی^{۱۹} بگوی!
 روانم به درد تو خرسند نیست
 کشیده به بدخواه بر تیغ کین،
 نخواهی همی سیر گشتن ز خون؟
 بیاید نشستن بر آرام و^{۲۰} شاد
 بس امین شده ستی بدین خنجرت^{۲۱}؟
 نیابد^{۲۲} ز گیتی بسی نام^{۲۳} خویش
 که او خود سویی ما نهاده ست روی
 نشاید که داری دلِ من^{۲۴} به درد
 جزین^{۲۵} بر تو مردم^{۲۶} گمانی برد
 بیچی^{۲۷} به خیره همی سر ز داد
 مگر جنگِ لاوَن ترا یاد نیست^{۲۸}،
 غم و شادمانیم با او بهم^{۲۹}
 فرازآید و^{۳۰} روزگار بدی^{۳۱}،
 نباید کشید این سخن را^{۳۲} درازا!

۱- ل، ق (نیزلی، ل، آ): به؛ متن ← ۲- ق (نیزق، ل، ی، ل، آ): یکزمان شادمان؛ س: که باشد ز تو یکزمان شادمان؛ متن = ف، ل، ل، ل (نیزلن، پ، و، ل، آ، ب) ۳- ل، س، ق، ل (نیزلی، ل، آ، ل، آ، ب): بدینسان؛ متن = ف، س (نیزلن، ق، آ)؛ درس لت های این بیت پس و پیش شده اند ۴- ل، ق، س (نیزلن - پ، آ): دلم را؛ متن = ف، س، ل (نیزو، ل، آ، ب) ۵- ل: باید ۶- س: بگیتی مرا جز تو؛ ق این بیت را ندارد؛ س^۲ پس از این بیت افزوده است:

ببخشای برمام و باب ای پسر مسوزان دل مام و این کین مخور

۷- ل، ق، س (نیزل، آ، ب): بدی؛ س: برین؛ متن = ف، ل (نیزلن، ق، آ، ل، ی، پ، ل، آ) ۸- س (نیزق، آ، پ، ل، آ، ب): نه ۹- ق: تیغ ۱۰- ل: فیروز ۱۱- ل، ل (نیزلن، ق، آ، ل، آ): بارام و؛ س، س (نیزلی، آ، پ، و، آ، ب): بارام؛ ق: بیاید ز گیتی همی بود؛ متن = ف ۱۲- س: سرش ۱۳- س: خنجرش؛ ق (نیزل) بیت های ۲۲۳۸ و ۲۲۳۹ را ندارند ۱۴- ف، ل، س: نحوید (حرفهای یکم و دوم نقطه ندارند)؛ ل: نگوید؛ س: نخواهد؛ (و، ل، آ، ب: نحوید)؛ متن = (پ، آ) ۱۵- ف: نباید (حرف دوم نقطه ندارد)؛ ل: نحوید (نقطه ندارد)؛ س: نباید (حرفهای یکم و دوم نقطه ندارند)؛ ل: نیاید؛ (لن: نباید (نقطه ندارد)؛ ق، آ، پ، آ: بیاید)؛ متن = (و، ل، آ، ب) ۱۶- س (نیزق، آ، پ، ل، آ، ب): کام؛ ل: چنین کام؛ (آ: همه کام)؛ متن = ف، ل (نیزلن، و)؛ س: ز گیتی نباید همی کام ۱۷- س، س (نیزپ، ل، آ، ب): به پیش؛ متن = ف، ل، ق، ل (نیزلن، ق، آ، ل، ی، ل، آ، و، آ) ۱۸- (ل، آ، و، ب: دلم؛ پ، ل، آ: پدر) ۱۹- س: زهرام ازین سخن یاد کرد (!) ۲۰- س: دلم را ۲۱- ق: چنین ۲۲- س: هرکس ۲۳- س: ز: ق: تو ۲۴- س (نیزپ، ل، آ، ب): چه بیچی؛ ل: بیچی ۲۵- س: نیست داد ۲۶- س: نیست یاد ۲۷- ل، س، ق (نیزلن، ق، آ، ل، ی، پ - ب): شادمانیش با من (س، و، آ: ما) بهم؛ س: شادمانی ابا من بهم؛ (ل: شادیش بود با من بهم)؛ متن = ف، ل ۲۸- ل، س، ق، س (نیزق، آ، ل، آ، پ، و، ل، آ، ب): وره؛ ل: از (ار)؛ (لی، آ: گسر) متن = ف (نیزلن) ۲۹- ل (نیزق، آ): آورد؛ س (نیزپ، ل، آ): آید از؛ (لن: آمد از؛ ب: آرد آن)؛ متن ← ۳۰- س: گردش بخردی؛ ق (نیزل، آ): آید از من نگرود بدی؛ متن = ف، ل، س (نیزلی، و، آ) ۳۱- ل، ل، س (نیزو، ل، آ): نوشته؛ متن = ف، ق، ل، آ، س (نیزلن - پ، آ، ب) ۳۲- (لی، و، آ: سخن ها)؛ س (نیزل، آ، پ، ل، آ، ب): کشیدن سخنها؛ متن = ف، ل، ق، ل، آ، س (نیزلن، ق، آ)

زا پیگار سر برمگردان که من
بدو گفت گیو: ار نگردی تو باز
تو بی من نکوبی^۵ به روز^۶ نبرد
بدو گفت بیژن که این خود مباد
سه گرد از پس^۹ بیم خورده^{۱۰} دو تور
به جان و^{۱۳} سر شاه روشن روان
به کین^{۱۴} سیاوش کزین رزمگاه
نخواهم بدین^{۱۵} کار فرمانت کرد
چو بشنید گیو این سخن^{۱۶} بازگشت
که پیروز رفتی^{۱۸} و شاد آمدی!

همی تاخت بیژن پس گُستهم که ناید ز توران^{۲۰} بروبر^{۲۱} ستم

گفتار اندر رفتن بیژن گیو پس گُستهم^{۲۲}

چُن^{۲۳} آن روز^{۲۴} لهاک و فرشیدورد گذشتند پویان بکردار^{۲۵} گرد^{۲۵}

۱- س: به ۲- س، ل، آ، س (نیزلی-آ): فدا؛ متن = ف، ل، ق (نیزلن، ق، آ، ب) ۳- (ق: دل و جان و؛ و: درین جان و؛ ب: برین جان و) ۴- س: کو ۵- ل (نیزل، پ، ل، آ، ب): نپویی؛ س: نبودی؛ (و: نگردی)؛ ل: تو با من بگویی (بکوی)؛ س: نکوبی تو بی من؛ (ق: بکوی تو با من؛ لی: تو با من پیویی)؛ متن = ف، ق (نیزلن) ۶- س: بدشت؛ ل: که روز؛ (لی، آ: براه) ۷- س: که با؛ ق: کزین ۸- س: پهلونژاد ۹- ل، ق (نیزق، لی، ل، آ، و): از پی؛ س: سه خورده از (!)؛ متن = ف، س، ل (نیز ل، پ، ل، آ، ب) ۱۰- ف، ق، ل، آ، س (نیزلن، ل، آ): نیم خورده (درف، س، آ، ل، ن حرف دوم نقطه ندارد)؛ ل، س: نیم خورده (حرف یکم نقطه ندارد)؛ (لی، آ: نیم مرده؛ ل: نیم خورد)؛ متن = (پ، و، ب) ۱۱- ل: بتازند؛ س: بتابند؛ (لی: بتازیم؛ ب: برانند)؛ متن = ف، ق، ل، آ، س (نیزلن، ق، آ، ل-آ) ۱۲- ل: برین؛ س: پس از این بیت افزوده است:

بدو گفت اکنون زره بازگرد
چنین گفت بیژن که این نیست داد
نشسته بزین نامداران بزم
چه گویند بیژن بدین دشت رزم
که تا من بسپویم زهرنبرد
که تورزم جویی من آسان و شاد

۱۳- ل: [و] ۱۴- ق: بخون ۱۵- ل، س (نیزلن، پ): بزین؛ (و: درین)؛ متن = ف، س، ق، ل (نیزق، لی، ل، آ، ل، آ، ب) ۱۶- س: آنگهی ۱۷- ل: برو ۱۸- ل، ق: بادی؛ (لن: باشی؛ لی: گشتی)؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیزق، آ، ل-آ، ب) ۱۹- س (نیزلی، پ، ل، آ، آ): دست بدی؛ ل، ق (نیزل، آ): میناد چشم تو هرگز بدی؛ متن = ف، س، ل (نیزب) ۲۰- س: ترکان ۲۱- ل، ق: برو بر توران؛ ل، ق (نیزل، پ) پس از این بیت افزوده اند:

پس گُستهم تازنان شد براه
بجنگ سواران توران سپاه

۲۲- ف: گفتار اندر رفتن بیژن گیو پس گُستهم و رسیدن گُستهم بلهاک و فرشیدورد و جنگ کردن با هر دو و کشته شدن لهاک و فرشیدورد؛ ق: رفتن بیژن در عقب گُستهم و نبرد گُستهم با ترکان و کشته شدن ترکان و رسیدن زخم بگُستهم و خسته گشتن و رسیدن بیژن بوی و آوردن او را بلشکرگاه؛ ل: رفتن بیژن از دنباله گُستهم و رسیدن لهاک؛ س: رفتن بیژن از پی گُستهم؛ متن = آغاز ف ۲۳- ل، س (نیزق، آ، ب): چو؛ متن = ف ۲۴- ف، ل، ق، س (نیزل، پ، و): از دور (؟)؛ (ق: از بیم؛ لی، آ: از آب؛ لسن، آ، ب: از رود)؛ متن = س، ل، آ، ل، س، ق (نیزلی، ل، آ، و): ز (س، لی، ل، آ: به) دشت نبرد؛ متن = ف، ل، آ، س (نیزق، آ، پ، ل، آ، آ، ب)

<p>برفتند اینم از^۲ ایران سپاه بدوی^۳ اندرون سایه‌گاه^۴ کیان^۴ درخت از بر و^۶ سبزه و آب زیر از آن^۷ تشنگی سوی رود^۸ آمدند بدانده^{۱۰} و شادی نبندد دهان! فگنند بسیار مایه شکار^{۱۱} برو^{۱۲} خشک هیزم همی سوختند بخوردند و کردند^{۱۴} سر سوی آب^{۱۵} گجا چیره باشد^{۱۷} بریشان^{۱۸} ستم به سربر همی پاسبانیش کرد^{۱۹} دو غمگین سر اندر نهاده به خواب که بودند یاران^{۲۱} توران بهم خروشی برآورد و اندردمید^{۲۳} خروشی برآورد چون بی هُشان، ز خواب خوش آمدش بیدار^{۲۷} کرد</p>	<p>۲۲۶۰ به یک ساعت از^۱ هفت فرسنگ راه یکی بیشه دیدند و آب روان به بیشه^۵ نَدرون^۵ مرغ و نخچیر و شیر به نخچیر کردن فرود آمدند چو ز آب^۹ اندر آمد، ببايست نان ۲۲۶۵ بگشتند بر گرد آن مرغزار ز پیکان تیز آتش افروختند بر آتش فگنند چندی کباب^{۱۳} بود^{۱۶} روزگار دلیران دژم فروخت لَهَاک و، فرشیدورد ۲۲۷۰ برآمد، چو شب^{۲۰} تیره شد، ماهتاب رسید اندر آن جایگه گستم نوند اسپ او^{۲۲} بوی اسپان شنید سبک اسپ لَهَاک هم زین^{۲۴} نشان دوان^{۲۵} سوی لَهَاک و^{۲۶}، فرشیدورد</p>
---	--

۱- س^۲ (نیز ق، ل، ی، آ): آن؛ (پ: باندک زمان) ۲- ل، ق: ز؛ س^۲: گذشتند برتر از ۳- ل، ق، ل، آ، س^۲ (نیز ق، ل، ی، آ، و، ل، ن، آ، ب): بدو؛ س (نیز پ): بدان؛ متن = ف (نیز ل، ن) ۴- س^۲ (نیز ق، ل، ی، پ، ل، ن، ب): گوان؛ ل (نیز ل^۳): سایه کاروان؛ ق: سایه ناروان؛ (لن: آهوان را دوان؛ و: سایه داری جوان؛ آ: سایه کاویان)؛ متن = ف، س، ل ۵- ل- س^۲ (نیز ل- ب): به بیشه درون؛ متن = ف: به بیشه اندرون ۶- ل، ق، س^۲ (نیز ل، ی، ل، ن، آ): [و]؛ متن = ف، س، ل ۷- ل، ق، س^۲: وزان ۸- ق: نیمه برود (!) ۹- ل، ق (نیز ق- ل، ن، ب): چو آب؛ متن = ف، س، ل، آ، س^۲ (نیز ل، ی، آ) ۱۰- ل، س، ق، ل^۲ (نیز ل، ی، ل، ن، آ، ب): بانده؛ س^۲ (نیز ق، آ، ب): از انده؛ متن = ف ۱۱- س^۲ این بیت را ندارد ۱۲- س: سرو (نقطه ندارد)؛ ل^۲ (نیز ل، ن، و): ترو؛ متن = ف؛ ل، ق، س^۲ (نیز ق، ل، ی، ل، ن، آ، ب): این بیت را ندارند ۱۳- ل، س، ق، س^۲ (نیز ق، ل، ی، ل، ن، آ، ب): برافروختند آتش وزان (س: وزو؛ ق: وآن؛ ق، ل، ی، آ: واز) کباب؛ متن = ف، ل^۲ (نیز ل، و) ۱۴- (ل، ل، آ: دادند) ۱۵- ل- س^۲ (نیز ل، ی، ل، ن، آ، ب، و، آ، ب): خواب؛ (ق: سرها بخواب)؛ متن = ف (نیز ل، ن)؛ بنداری: فنام أحدهما علی حافة الماء، وقعد الآخر ينظر ۱۶- ل: چوبد؛ س (نیز ق، ل، ن، آ، ب): چوشد؛ (و: بید)؛ متن = ف، ق، ل، آ، س^۲ (نیز ل، ی، ل، ن، آ) ۱۷- ف، س، ل، آ، س^۲ (نیز ل، ق، ل، ن، آ، ب): خیره باشد (؟)؛ ل، ق: خواب سازد؛ (ل: جای سازد و: چیره گردد)؛ متن = (ل) ۱۸- ق (نیز ل، ب): بدیشان ۱۹- ق: همی گشت اسب نبرد ۲۰- س: برآمد شب و؛ س^۲ (نیز ل، ب): برآمد شب؛ متن = ف، ل، ق، ل^۲ (نیز ل- و، آ) ۲۱- س (نیز پ، ل، ن، آ، ب): گردان؛ س^۲: شیران؛ متن = ف، ل، ق، ل^۲ (نیز ل، ق، ل، ی، ل، ن، آ، و) ۲۲- ف: وی؛ س^۲: حون؛ متن = ل، س، ق، ل^۲ (نیز ل، ق، ل، ی، ل، ن، آ، ب) ۲۳- ق (نیز ل، ل، ن، آ): و اندردوید؛ ل^۲: و دم درکشید؛ متن = ف، ل، س، س^۲ (نیز ق- و، آ، ب) ۲۴- ل، ف، ل^۲ (نیز و): زان؛ متن = ل، ق، س، س^۲ (نیز ل، ق، ل، ن، آ، ب) ۲۵- ف (نیز ل): روان؛ ل، ق، س^۲ (نیز ل): دمان؛ متن = س، ل^۲ (نیز ق، ل، ن، آ، ب) ۲۶- ل، س، ق (نیز ل، ی، ل، ن، آ، ب): [و] ۲۷- س (نیز ب): خوشش زود بیدار؛ س^۲ (نیز ل): بیامد وزان خواب بیدار؛ (ل، ل، ی، آ: بشد زودش از خواب بیدار؛ ب، ل، ن، آ: شد او را ز خواب خوش آگاه؛ و: ز خوش خوابشان زود بیدار)؛ متن = ف، ل، ق، ل^۲ (نیز ق، آ)؛ این بیت درل پس از بیت ۲۲۷۸ و درق پس از بیت ۲۲۷۷ آمده است؛ بنداری (۲۲۷۱-۲۲۷۵): فوصل کستم الی ذلک المكان، وأحس فرسه بحاسة الشم بفرسیها فسهل فجأوبه فرس لهاک، فأحس بالشر، وأیفظ أخاه، و قال له: عجل فقد لحقنا الطلب

- ۲۲۷۵ بدو گفت: برخیز ازین^۱ خوابِ خوش!
 که دانا زد این داستانِ بزرگ
 نباید که گرگ از پیش درکشد^۵
 چه مایه پپوید^۷ و چندی شتافت^۸
 هلا زود^{۱۱} بشتاب کامد سپاه
- به مردی سر^۲ بخت^۳ بد را بگش!
 که شیری که بگریزد از جنگ^۴ گرگ،
 که او را همان بختِ بد خود کُشد^۶
 کس از روز^۹ بد هم^{۱۰} رهایی نیافت!
 از^{۱۲} ایران و، بر ما گرفتند راه
- نشستند بر اسپ^{۱۳} هر دو سوار
 ز بیشه به بالا^{۱۶} نهادند روی
 به هامون نهادند^{۱۹} هر دو سوار
 پدید آمد از دور پس^{۲۲} گُستهم
 دلیران چو سرها^{۲۵} برافراختند
 گرفتند یک با دگر^{۲۸} گفت و گوی^{۲۹}
 جز از^{۳۲} گُستهم نیست کامد به جنگ
 گریزان نباید شد از پیش اوی
 نیابد رهایی ز ما گُستهم
- کشیدند پویان از آن^{۱۴} مرغزار^{۱۵}
 دو خونی^{۱۷} دلاور^{۱۸}، دو پرخاشجوی
 دو دیده که^{۲۰} تا چون بسیچند کار^{۲۱}
 ندیدند با وی^{۲۳} سواران^{۲۴} بهم
 مرو را بدیدند و^{۲۶} بشناختند^{۲۷}
 که یک تن^{۳۰} سوی^{۳۱} ما نهاده ست روی
 درفش دلیران گرفته به جنگ
 مگر کاندرا^{۳۳} آرد^{۳۳} بدین دشت روی
 مگر بختِ بد کرد خواهد ستم^{۳۴}

۱- ل: زین ۲- ق: سرو؛ س: سرراز ۳- ل، س، ق (نیزلی، ل، ۲، پ، لن، ۱، ب): خود؛ متن = ف، ل، ۱، س (نیزلن، ق، ۲، و، آ) ۴- ف (نیزلن، ۲): جنگ؛ ل، س (نیزلن، و، آ): جنگ؛ متن = ق، ل، ۱، س (نیزق، ۱، ی، ل، ۲، پ، ب) ۵- س (نیزل، ۳): برکشد؛ (و: سرکشد)؛ ق: که گرگان پیش برکشد؛ (ق: ۲): که در راه دم برکشد؛ متن = ف، ل، س، ل (نیزلن، ی، ل، ۲، پ، لن، ۱، آ، ب) ۶- س (نیز لن): بد را کشد؛ س (نیزق، ۲، پ): بد در (پ: بر) کشد؛ ل، ق (نیزل، ۲، و): بخت خود در (ل، ل، ۲، بر) کشد؛ متن = ف، ل (نیزلی، لن، ۱، آ، ب)؛ درق پس از این بیت، بیت ۲۲۷۴ آمده است ۷- س: ببودند؛ (و: بتوفید) ۸- (ب: بتافت)؛ ل: ببود و پس اندرشتافت ۹- س: بخت ۱۰- (ق، ۲، پ: خود؛ ل، ۳، را)؛ درل پس از این بیت، بیت ۲۲۷۴ آمده است؛ ف پس از این بیت افزوده است:

به لَهَاک رد گفت فرشیدورد که ای نامبردارمرد نبرد

۱۱- ل، ق (نیزل، ۳): بدو گفت؛ (لی، آ: هلا خیزو)؛ متن = ف، س، ل، ۱، س (نیزلن، ق، ۲، پ، و، لن، ۱، ب) ۱۲- ف، ق، ل: ز ۱۳- ل: باره ۱۴- س: بدان ۱۵- ق: دو دیده چنان وقت ابر بهار؛ س (نیزل، ۳، و، آ): دو دیده (س: ۲: دونده) که تا چون بسیچند کار (۲۲۸۰ ب- ۲۲۸۲ آ را انداخته و از ۲۲۸۰ آ و ۲۲۸۲ ب یک بیت ساخته اند)؛ درل این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است؛ س در اینجا سرنویس دارد: رزم گسَتم با لهاک و فرشیدورد و کشته شدن لهاک و فرشیدورد ۱۶- س (نیزپ، لن، ۱، ب): بهامون ۱۷- (پ، لن، ۲: دو گرد؛ ب: دو شیر) ۱۸- س: دو جنگی؛ ق، س (نیزل، ۲، و، آ) این بیت را ندارند ۱۹- ل، ل (نیز پ): کشیدند؛ متن = ف، س (نیزلی، لن، ۱، ب) ۲۰- ل (نیزپ): پراندیشه؛ (لن: ۲: دونده که)؛ متن = ف، س (نیزلی، ب: ← پ ۱۲) ۲۱- ل: کشیدند پویان از آن مرغزار (= ۲۲۸۰ ب) ۲۲- س: تا؛ (پ: در؛ و: هم) ۲۳- ل، س، س (نیزق، ۲، لی، پ، لن، ۱، آ، ب): او؛ متن = ف، ق، ل (نیزلن، ل، ۲، و) ۲۴- ل، س، ق، س (نیزلن، ل، ۲، پ، و، لن، ۱، ب): سواری؛ متن = ف، ل (نیز ق، ۱، لی، آ) ۲۵- ل: سررا ۲۶- ل، ق (نیزلی، ل، ۲، آ): چو دیدند؛ متن = ف، س، ل، ۱، س (نیزلن، ق، ۲، پ، و، لن، ۱، ب) ۲۷- درف، ل، س، س، ۱، و حرف یکم نقطه ندارد ۲۸- س، ل، س (نیزلی، و، لن، ۱، ب): با یکدگر؛ متن = ف، ل، ق (نیزلن، ق، ۲، ل، آ) ۲۹- ل، ق: گفت گوی ۳۰- س: که تنها ۳۱- ق: بر؛ درل پس از این بیت، بیت ۲۲۸۸ آمده است ۳۲- س: بجز؛ ق (نیزل، ۳) این بیت را ندارند ۳۳- ف: آید؛ متن = ل، س، ل، ۱، س (نیزلن، ۲، آ، ب)؛ ق (نیزلی، ل، ۲، و، آ) این بیت را ندارند ۳۴- درل این بیت پس از بیت ۲۲۸۵ آمده است

۲۲۹۰. و زانجا به هامون نهادند روی
 بیامد، چو نزدیک ایشان رسید
 بریشان بیارید تیر خدنگ
 یکی تیر^۲ زد بر سرش گُستهم
 نگون گشت و هم در زمان جان بداد
 چو لَهَاک روی برادر بدید
 ۲۲۹۵. بلرزید از^۴ درد او خیره شد
 ز روشن^۶ روانش به سیری^۷ رسید
 بینداخت تیری سویی گُستهم
 شدند آن زمان خسته هر دو^{۱۰} سوار
 یکایک برو گستم دست یافت
 ۲۳۰۰. به گردنش برزد یکی تیغ تیز
 سرش زیر پای اندرآمد چو گوی

چنین ست کردار گردان سپهر
 چو سر جوییش، پای یابی نخست^{۱۷}

بیرد ز پرورده‌ی خویش مهر
 و گری پای جویی^{۱۸}، سرش سوی^{۱۹} تست

۱- ق پس از این بیت افزوده است (ب نیزبتهای دوم و سوم را دارد):

برویر بشمشیر بگشاد دست
 چو لَهَاک دید آنک فرشیدورد
 بگرز گران دست بگشاد زود
 چو فرشیدورد اندرآمد بتنگ
 بزخمش تن مرد جنگی بخت
 هم آورد را گاه کین خیره کرد
 بگستم یسل زور بسازو نمود
 بدان تا دلیری نماید بچنگ

۲- س (نیزب، لن، ب): تیغ؛ ق ل^۲ (نیزو): نیزه؛ متن = ف، ل، ل، س^۲ (نیزلن، ق، ل، ل، آ): بنداری؛ نشاب؛ ل^۲ در اینجا سرنویس دارد:
 اندر کشته شدن لَهَاک و فرشیدورد بدست گستم ۳- س: بشد ۴- ف- ل^۲: وز؛ متن = س^۲ ۵- س: اندرون ۶- س: س^۲:
 شیرین؛ (لن: انده) ۷- س: بسربر ۸- ق، س: کمانش ۹- ل، س، ق، س^۲ (نیزلن، ل، ب) این بیت را ندارند؛ متن = ف،
 ل^۲ (نیزق، ل، ب، و، لن، آ): ل، ل، ب، و، لن^۲ پس از این بیت و س^۲، ق^۲ پس از بیت سپسین افزوده اند:

درانداخت آن و درانداخت این
 نیفتاد تیر یکی بر زمین

ف، ل، س، ق، لن، ل، آ این بیت را ندارند ۱۰- ق: بشد آن زمان خسته مرد ۱۱- ل (نیزل^۲): برخسته؛ س: برخسته شد؛ ق:
 برخسته از؛ ل^۲: جستند پس؛ س^۲ (نیزب، لن): کردند پس؛ (ق): برخاسته؛ و: برخاستشان؛ آ: بر ساخته؛ متن = (لن، ل، ب) ۱۲- ف:
 کشیدند شمشیر زهرآب دار؛ در ف لت های این بیت پس و پیش شده اند؛ س پس از این بیت افزوده است:

کشیدند بریکد گرهردوان
 بکردند رزمی چو شیر و پلنگ
 سلاح نبردی و گرز گوان
 سرافراز گردان چو جنگی نهنگ

۱۳- س: عنان را بیچید و ۱۴- س، ق، س: ناگه ۱۵- ل: زو ۱۶- ل (نیزل^۲): بدوی؛ ف، س^۲ (نیزق، و): سرآمد همی
 (س: بران؛ ق: همان) زخم چوگان بروی (ق: او)؛ س (نیزلن، ب، ب): سرآمد همه رزم و (ب: زخم) پیکار اوی (لن: پر خاشجوی)؛ ل:
 سرآمد همه رزم ترکان بدوی؛ متن = ق (نیزآ) ۱۷- س: درست ۱۸- س: خواهی ۱۹- ل، س، س^۲ (نیزلن - و، آ، ب):
 پیش؛ متن = ف؛ ق، ل^۲ (نیزلن^۲) این بیت را ندارند

۲۳۰۵ به زین بر چنان خسته بُدا گُستهم
بیامد^۳ خمیده^۴ به زین اندرون
وُزآنجاه^۵ سوی چشمه ساری^۶ رسید
فرود آمد و اسپ را بر درخت
بخورد آب و بسیار^۹ کرد آفرین
بپچید و گردید بر تیره^{۱۱} خاک
همی گفت کای^{۱۲} روشن^{۱۳} کردگار
به دلسوزگی بیژن^{۱۴} گیو را
که گر^{۱۷} مرده گر^{۱۸} زنده^{۱۹} زین جایگاه
سر نامداران^{۲۱} توران سپاه
بدان تا^{۲۴} بداند که من جز به نام

که بگست خواهد تو گفتی^۲ ز هم
همی راند اسپ و همی ریخت خون
هم آب روان دید و هم سایه دید
بیست و به آبشخور^۷ آمد ز بخت^۸
بیستش تو گفتی یکایک^{۱۰} زمین
سراسر همه تن به شمشیر چاک
برانگیز^{۱۴} از آن^{۱۵} لشکر شهریار^{۱۶}،
وُگرنه دلاور یکی نیو را،
کشد مر^{۲۰} مرا سوی ایران سپاه
ببرد برد پیش^{۲۲} بیدار شاه^{۲۳}
نمردم، ز^{۲۵} گیتی همین است کام^{۲۶}!

گفتار اندر رسیدن بیژن گیو به بالین گُستهم^{۲۷}

۲۳۱۵ همه شب بنالید تا روز پاک
چو گیتی ز خورشید شد روشنا

پُر از درد^{۲۸}، چون مار غلطان^{۲۹} به خاک
بیامد بدان سایه گه^{۳۰} بیژنا

۱- ق، س: شد ۲- ل: گویی؛ س: گفتی که خواهد ۳- س: بیستش؛ (لی: بدانسان؛ آ: برانسان؛ ب: نشستش) ۴- ف: سخنده (؟)؛ ل، س (نیز آ): هنده؛ ق: جنده؛ ل: سخوده (؟)؛ (لن: بسختی؛ لی: خنیده؛ پ: خمنده؛ ب: خمیده)؛ متن = س: (نیز ق، ل، آ، و، لن: بنداری؛ وبقی گسهم علی ظهر فرسه مشخنا بالجراحات ۵- س: از آنجا؛ (لن: از آن ده)؛ متن ← ۶- ل: (نیز لن، لی، آ): چاهساری؛ (ق، ل: جویباری)؛ س (نیز ب): چنان هم بدان مرغزاران (ب: مرغزاری)؛ (پ، لن: بنزدیکی چاهساری؛ و: چنین تا بر چاهساری)؛ متن = ف، ل، ق ۷- ل- س: (نیز لن، لی، ل، آ، و، لن، آ، ب): بآب اندر؛ (پ: ببند اندر)؛ متن = ف ۸- ف- س: (نیز لن، و، لن): بخت (حرف یکم نقطه ندارد)؛ (ق: بآب اندر آویخت سخت) ۹- ل، س: (نیز لن- پ، لن، آ، ب): آب بسیار؛ متن = ف، س، ل: (نیز و) ۱۰- ل (نیز ق، ل، آ): سراسر؛ س، س: (نیز و): یکایک تو گفتی؛ متن = ف، ل: (نیز لن، پ، لن، آ، ب): ق بیت های ۲۳۰۸ و ۲۳۰۹ را ندارد ۱۱- ف: گردید بر زیر و (بر تیره؟)؛ ل (نیز لن، پ، و، ب): غلتید بر تیره؛ س، ل، آ، س: (نیز ق، ل، لن، آ): غلتید بر گرم؛ متن = (ل: ف) ۱۲- ق: ای ۱۳- س (نیز ب): داور ۱۴- ف: بشبگیر (بر انگیز)؛ ل: پدید آرز؛ متن = س، ق، ل، آ، س: (نیز لن- ل، آ، و، ب) ۱۵- ل: زان ۱۶- ل، ق (نیز ق، ل، آ، و، آ): نامدار؛ س: بی شمار؛ متن = ف، س، ل: (نیز لن، ل، آ، ب) ۱۷- ف، س، ل: (نیز لن، پ، ب): یا؛ (لن: تا)؛ متن = ل، ق، س: (نیز ق، ل، آ، و، آ) ۱۸- ف، س، ل: (نیز لن- ب): یا؛ متن = ل، ق ۱۹- س (نیز ب، لن، آ، ب): زنده یا مرده ۲۰- ل، ق (نیز لی، آ): برد مر؛ ل: کشند؛ متن = ف، س، س: (نیز لن، ق، ل- لن، آ، ب) ۲۱- ل: سران بزرگان؛ (پ: سراین بزرگان) ۲۲- س: نزد؛ س: سوی ۲۳- س: هشیار شاه؛ ل: کشد مر مرا پیش ایران سپاه (= ۲۳۱۲)؛ لی، و، لن، آ، ب این بیت را ندارند؛ بنداری: و یحمل رءوس الفار سین الی حضرة الملک ۲۴- س: که تا خود؛ ل: همان تا ۲۵- ل، س (نیز لی، پ، لن، آ، ب): به؛ متن = ف، ل، آ، س: (نیز لن، ق، ل، آ، و) ۲۶- (لی، ل، آ: جز این نیست کام)؛ ق: مردم مرادم همینست و کام ۲۷- ف: گفتار اندر رسیدن بیژن گیو بالین گسهم در آن مرغزار؛ س: رسیدن بیژن بنزد گسهم و لهاک و فرشیدورد؛ ل: رسیدن بیژن بتوران بطلب گسهم؛ س: رسیدن بیژن بر گسهم؛ متن = آغاز ف ۲۸- ق: درد؛ و؛ س (نیز لن، لی، لن، آ، ب): بدان درد؛ (ل، آ: بران درد؛ و: از آن درد)؛ متن = ف، ل، آ، س: (نیز ق، ل، آ، ب) ۲۹- ل، س (نیز لن، لی، پ، لن، آ، ب): پیچان؛ متن = ف، ق، ل، آ، س: (نیز ق، ل، آ، و، آ) ۳۰- ل، ق، س: (نیز ق، ل، آ، ب): جایگه؛ س (نیز لن، پ، لن، آ، ب): رسید اندر آن جایگه (س، ب: سایه گه)؛ (لی: پدید آمد آنجایگه)؛ متن = ف، ل: (نیز و)؛ بنداری: ولما أصبح وصل بیژن الی ذلک المكان

همی گشت بر گرد آن مرغزار
 پدید آمد از دور اسپ سمند
 چمان و چران^۲ چون پلنگان به کام
 همه^۴ آلت زین^۵ بروبر^۶ نگون
 ۲۳۲۰
 چو بیژن بدید آن، ازو رفت هوش
 همی گفت کای^۹ مهربان نیک یار
 که پشتم شکستی و خسنی دلم
 بشد بر پی اسپ تا خانسار^{۱۲}
 ۲۳۲۵
 همه^{۱۴} جوشن و ترگ پُر خاک و خون
 فرو جست بیژن ز شبرنگ زود
 برون کرد رومی قبا از برش
 تنش را نگه کرد از آن خستگی

که یابد نشانی ز گم بوده یار
 بدان مرغزار اندرون چون^۱ نوند
 نگون کرده^۳ زین و گسسته لگام
 رکیب^۷ و کمند و جنا پُر ز خون^۸
 بر آورد چون شیر شرزخه خروش
 کجایی فکنده برین^{۱۰} مرغزار
 کنون جان روشن^{۱۱} ز تن بگسلم
 مرو را بدید^{۱۳} اندر آن مرغزار
 فتاده بر آن خستگی بر نگون^{۱۵}
 گرفتش بد آغوش^{۱۶} در^{۱۷} تنگ زود
 برهنه شد^{۱۸} از ترگ رومی^{۱۹} سرش^{۲۰}
 تبه^{۲۱} دید خسته^{۲۲} ز نابستگی

۱- س: ۲ مرغزاران همچون ۲- ف: دمان؛ متن = ل، س، ق، س: ۳ (نیز لن - ب) ۳- ل، ق (نیز لی، ل، و، آ): گشته؛ متن = ف، س، س: ۴ (نیز لن، ق، آ، پ، ل، ن، ب)؛ ل این بیت را ندارد ۴- ل: همان ۵- س (نیز لن، آ، ب): همی گشت و (لن: دید) زینی ۶- ف: بدوبر؛ متن = ل - س: ۷ (نیز لن - ب) ۷- س، س: ۸ (نیز لن): رکاب ۸- ل، ق، ل (نیز و، آ): حنا پرزخون؛ س: جناش بخون؛ (ق): جناش بخون؛ لی: برش پرزخون؛ پ: عنان پرزخون؛ ب: جناش بخون؛ لن: برو سینه اش پرزخون؛ ل: کمندش همه پرزخون؛ متن = ف، س: ۹ (نیز ل؟؛ ل) ۹- س: ای ۱۰- ل، ق (نیز لی، ل، و، آ): درین؛ س، س: ۱۱ (نیز ق، آ، پ، ب): بدین؛ ل: بران؛ متن = ف (نیز لن، ل) ۱۱- ل، س، ق، ل (نیز ل، آ): شیرین؛ متن = ف، س: ۱۲ (نیز پ، و) ۱۲- ل، ق (نیز ل، آ، پ، آ): بر چشمه سار؛ س: خسته سوار؛ س: ۱۳ (نیز و): تا چاهسار؛ متن = ف ۱۳- س: ندید؛ س پس از بیت ۲۳۲۴ و ب بجای بیت های ۲۳۲۳-۲۳۲۴ افزوده اند:

چویک ساعت از روز اندر گذشت بدیدش فکنده بدان پهن دشت

ل بجای بیت های ۲۳۲۴-۲۳۲۵ و ق بجای بیت های ۲۳۲۳-۲۳۲۵ افزوده اند:

همه جوشن و ترگ پر خون و خاک
 رسید اندر آن جایگه بیژن
 ل: سرنامجویان چون آنجا رسید
 ق: چو دیدش بر آورد بیژن خروش
 لن بجای بیت های ۲۳۲۳-۲۳۲۵ افزوده است:

فکنده همه تن بشمشیر چاک
 کجا گستم بود خفته تن
 فکنده بر آب گستم دید
 که ای مهربان یار بسیار هوش

وزان پس بر آگیری رسید
 لن بجای بیت های ۲۳۲۳-۲۳۲۴ و پ پس از بیت ۲۳۲۳ تنها بیت یکم را افزوده اند:

چگونگی کجا جوم اکنون ترا
 چون نزدیک آن سایه اندر رسید
 چه بازی نمودست گردون ترا
 بدانسان فتاده مرا و را بدید

لی نیز بیت های ۲۳۲۳-۲۳۲۴ را ندارد ۱۴- س: ۱۵- ل، ق (نیز لی، ل، و، آ) بدان (و: از آن) خستگی سرنگون؛ متن = ف، س، س: ۱۶ (نیز لن، ب) ۱۶- ل، س، ق (نیز لن، ق، آ، پ، و، لن، آ، ب): باغوش؛ ل، آ، س: بر آغوش؛ (ل: در آغوش)؛ متن = ف ۱۷- ل (نیز لن، ب): بر ۱۸- س (نیز لن، آ، ب): بد ۱۹- ل، س، ق، س: ۲۰ (نیز ل، آ، پ، و، لن، آ، ب): خسته؛ متن = ف، ل (نیز لن، ق، آ، لی، آ) ۲۰- س: تنش (!) ۲۱- ف، ل: تنی؛ متن = س، ق، س: ۲۲ (نیز لن - ب) ۲۲- ق: گشته؛ پ: جمله؛ ل این بیت را ندارد

ز بس خون دویدن تنش بود زرد^۱
 برآن خستگی هاش بنهاد روی ۲۳۳۰
 همی گفت کای^۴ نیک دل^۵ یار من
 پژوهش مرا پیش^۷ بایست کرد
 مگر بودمی گاه سختیت یار
 کنون کام دشمن همه راست کرد
 بگفت این سخن بیژن و گسهم ۲۳۳۵
 به بیژن چنین گفت کای نیک خواه
 مرا درد تو بتر^{۱۳} از مرگ من^{۱۴}؛
 بدان^{۱۵} چاره کن تا ازین^{۱۶} جایگاه
 مرا داد^{۱۸} چندان پس از^{۱۹} روزگار
 و زان^{۲۰} پس چو مرگ آیدم باک نیست ۲۳۴۰
 نمرده ست هر کس که با کام خویش
 دگر آن^{۲۳} دو بدخواه با ترس و باک

روان^۲ پُر ز تیمار و دل^۳ پُر ز درد
 همی بود زاری کنان پیش او
 تو رفتی و برگشت پرگار^۶ من
 رسیدن بر تو به جای^۸ نبرد
 چو با اهرمن ساختی کارزار^۹
 برآورد سر^{۱۱} هر چه خود خواست^{۱۱} کرد
 بجنید^{۱۲} و برزد یکی تیزدم
 مکن خویشتن پیش من در تباه،
 بیه بر سر خسته بر ترگ من^{۱۴}،
 توانی رسانید نزدیک^{۱۷} شاه
 که بینم یکی چهره ی شهریار
 مرا خود نهالی^{۲۱} جز از^{۲۲} خاک نیست
 بمیرد، بیابد سرانجام خویش
 که بردست من کرد یزدان^{۲۴} هلاک،

۱- ف، س (نیزلن، و، ب): ز بس خون روان (ف: دوان) از تنش آب زرد (؟)؛ (پ، ل، ن): روان همچو رود از تنش آب زرد؛ متن = ل، ق، ل، آ، س^۲ (نیزق، آ، لی، ل، آ)؛ بنداری: فرأی بدنه قد اصفر من نرف الدم ۲- ل، س^۲ (نیزق، آ، ل، آ، ب): دلش؛ ق: تنش؛ متن = ف، س، ل^۲ (نیزلن، لی، ل، ن، آ، ب) ۳- ل (نیزپ): جان؛ س^۲ (نیزل، آ): تن؛ متن = ف، س، ق، ل^۲ (نیزلن، ق، آ، لی، ل، ن، آ، ب) ۴- ق: ای ۵- (ق: پرهز) ۶- ل^۲ (نیزلن): پیکار؛ س^۲: این کار؛ ل: و این بود پیکار؛ (ق، آ، و): و برگشته شد کار؛ لی: و تا چونست پیکار؛ آ: و اینست پرگار؛ س (نیزپ، ل، ن، آ، ب): چو با اهرمن ساخته کار (← ۲۳۳۳ ب)؛ (ل): نبرد در جهان جز تو غمخوار؛ متن = ف، ق ۷- ل: شتام کنون بیش؛ ق: برفتن مرا یار؛ (لی، آ): برفتن تم بیش؛ ل^۲: برفتی مرا بیش؛ و: شتاب اندرین بیش؛ متن = ف، س، ل، آ، س^۲ (نیزلن، ق، آ، ب، ل، ن، آ، ب) ۸- س (نیزپ، ل، ن، آ، ب): رسیدی بجایی که بودی (پ، ل، ن، آ، ب)؛ ق: که یارت همی بودمی در؛ س^۲: رسیدن همی بر توجای؛ (ل): که می بودمی با تواندر؛ متن = ف، ل، ل^۲ (نیزلن، ق، آ، لی، آ) ۹- س بیت های ۲۳۳۳-۲۳۳۵ را ندارد ۱۰- ف: بس؛ (لی، و): از؛ متن = ل، ق، ل، آ، س^۲ (نیزق، آ، ل، آ، ب، ل، ن، آ، ب) ۱۱- ل، ق (نیزلی، ل، آ): هر چه (ل: هرچ) میخواست؛ متن = ف، ل، آ، س^۲ (نیزق، آ، ب، و، ل، ن، آ، ب) ۱۲- ق: بخندید؛ ل^۲ (نیزلی، آ): بپیچید؛ متن = ف، ل، س^۲ (نیزلن، ق، آ، ل، ن، آ، ب) ۱۳- ق: بدتر؛ س^۲ (نیزق، آ، ل، ن، آ): سختتر؛ (ل: برتر) ۱۴- ل، ق، س^۲ (نیزل، آ، ب): خویش؛ متن = ف، س، ل^۲ (نیزلن، ق، آ، لی، ل، ن، آ، ب) ۱۵- ل (نیزل، آ، ب، ل، ن، آ): یکی؛ ق: مگر؛ متن = ف، س، ل، آ، س^۲ (نیزلن، ق، آ، لی، و، آ، ب) ۱۶- س: از آن؛ س^۲: بدین ۱۷- ل، ق (نیزلن، ق، آ، لی، ل، آ، و، آ، ب): رسانیدم نزد؛ ل^۲: رسانیدم پیش؛ (پ، ل، ن، آ): مرا برد نزدیک؛ س^۲: توانم رفتن بنزدیک؛ متن = ف، س (نیزق، آ) ۱۸- ل (نیزق، آ، لی، آ): بساد؛ س (نیزلن، ب): عمر؛ س^۲ (نیزل، آ): کام؛ (و: مایه)؛ متن = ف، ق، ل^۲ (نیزپ، ل، ن، آ) ۱۹- ل (نیزلی، آ): همی؛ (پ، ل، ن، آ): امان؛ ل^۲: اینست کز؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س^۲ (نیزلن، ق، آ، و، ب) ۲۰- ل: از آن ۲۱- س، ل^۲ (نیزلن، ب): نهالی مرا خود؛ (پ، و، ل، ن، آ): که ما را نهالی؛ متن = ف، ل، ق، س^۲ (نیزق، آ، لی، ل، آ) ۲۲- ل، س^۲ (نیزل، آ، ب، و، ل، ن، آ): بجز؛ متن = ف، س، ق، ل^۲ (نیزلن، ق، آ، لی، آ، ب) ۲۳- ل، س^۲ (نیزق، آ): و دیگر؛ ق: ولیکن؛ متن = ف، س، ل^۲ (نیزلن، ب) ۲۴- ق: ایزد

مگرشان به زین بر توانی کشید سلیح ^۱ و سر نامبردارشان کنی ^۴ نزد شاه جهاندار یاد بسودم به هر جای با بخت چنگ ^۶	۲۳۴۵
وگرنه سرانشان ز تنها برید بری ^۲ تا بدانند پیگارشان ^۳ که من سر به خیره ندادم ^۵ به باد هم از ^۷ نام جستن نبودم به ننگ ^۸	۲۳۵۰
به بیژن نمود آنگهی ^۹ کان ^{۱۰} دو تور بگفت این و سستی گرفتش ^{۱۳} روان ^{۱۴} از آن ^{۱۶} جایگه اسپ او بی درنگ نمدزین به زیر تن خسته ^{۱۸} مرد همه دامن گرت ^{۱۹} بدرید ^{۲۰} چاک و ز آنجایگه سوی بالا دوان سواران ترکان پراکنده دید ز بالا چو برق ^{۲۳} اندر آمد به شیب ^{۲۴} از آن ^{۲۷} بیم دیده ^{۲۸} سواران دو تن ^{۲۹}	۲۳۵۵
کجایند ^{۱۱} گشته فگنده ز ^{۱۲} دور همی بود بیژن به سر بر ^{۱۵} نوان بیاورد و بگشاد بر بند و ^{۱۷} تنگ بیفگند و نالید چندی به درد بر آن ^{۲۱} خستگپاش بر بست پاک بیامد ^{۲۲} ، ز غم تیره کرده روان که آمد ز راه بیابان پدید دل از مردن ^{۲۵} گشته ^{۲۶} پرنییب به شمشیر کم کرد از آن ^{۳۰} انجمن ^{۳۱}	

۱- س (نیزلی، و، لن، آ): سلاح ۲- ل، س، ق (نیزلن - ب): بیره، متن = ف، ل، آ، س ۳- (ل، آ: کردارشان) ۴- س: بود؛ (ل: یکی) ۵- ل: بدادم؛ ق، س (نیزق، آ، ل، آ): ندادم (آ: بدادم) بخیره ۶- س: بسورد بهرجا که باشد بچنگ (!) ۷- ف: همین (؟)؛ ل، س (نیزق، آ، پ، لن، آ، ب): هم از؛ س: که در؛ (لن: که بر؛ ل، آ: بدین؛ و: که تا)؛ متن = ل (ب- ف) ۸- ل (نیزو): نمودم به ننگ؛ س (نیزلن، پ، ب): نکردم درنگ؛ (لن: نمودم نه ننگ؛ ل: جسم همیدون نه ننگ)؛ متن = ف، ل، آ، س (نیزق، آ): ق (نیزل) این بیت را ندارند ۹- (ق: آن زمان) ۱۰- ف (نیزل): آن؛ ل، ق (نیزلی، آ): هر؛ متن = س، ل، آ، س (نیزلن، ق، آ، پ، و، لن، آ، ب) ۱۱- ف: که خوانند؛ ل، ق (نیزلی، ل، آ): که بودند؛ متن = س، ل، آ، س (نیزلن، ق، آ، پ، و، لن، آ، ب) ۱۲- ل، س: به؛ متن = ف، ق، ل، آ، س (نیزلن - ب)؛ بنداری: و أشاره له الی الموضع الذی قتلها فیه، و آراه مصرعها ۱۳- (ق: نمودش) ۱۴- روان - زوان؟ - بنداری: و لما فرغ من ذلک اعتقل لسانه ۱۵- (لن: بروبر)؛ بنداری: فاضطرب بیژن علی رأسه ساعة ۱۶- ل، ق، س: وزان ۱۷- ف: [و]؛ ل: از باره؛ س (نیزلن، ل، آ، پ، و، لن، آ، ب): از او بندو؛ ق (نیزلی، آ): از اسب؛ (ق: از بند)؛ متن = س (ف، بنداری)؛ بنداری: و حل حزامه و لیبه؛ ل بیت های ۲۳۴۹ و ۲۳۵۰ را ندارد ۱۸- ل: خفته ۱۹- ف، ل، ق، ل، آ، س (نیزلی، ل، آ، لن، آ، آ): قرطه؛ س (نیزو): جامه؛ (لن: قرطه؛ ق: خود)؛ متن = (پ، ب)؛ فرود، بیت ۱۰۶۳)؛ بنداری: و مزق أذیال قرطه ۲۰- ل، ق، س (نیزب): را کرد؛ (لی: ببرید)؛ متن = ف، س، ل (نیزلن، ق، آ، ل، و، لن، آ، آ) ۲۱- ل (نیزق): ابر؛ ق: همان؛ (لی: بدان؛ ل، آ: همه)؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیزلن، پ، و، لن، آ، ب) ۲۲- ق: برآمد ۲۳- س (نیزل): نوان؛ (ق: جوان؛ لی: برف) ۲۴- ل (نیزلن، لن، آ): نشیب ۲۵- ل: رفتن ۲۶- ل: با نیب؛ حرف یکم در پ، لن با سه نقطه و در دیگر دستنویسها با یک نقطه ۲۷- ق، س: وزان ۲۸- س: تیزنده؛ (ق: نیم دیده؛ پ: بیم خسورده؛ - بیت ۲۲۵۲) ۲۹- س، ل، آ، س (نیزلن، ق، آ، لی، پ، لن، آ، ب): سواران تور؛ متن = ف، ل، ق (نیزلی، ل، آ، و، آ) ۳۰- ل: زان ۳۱- س، ل، آ، س (نیزلن، لی، پ، لن، آ): دلاور زتن خواست گشتن نفور؛ (ق: نبی چند دید اندر آن جای دور)؛ متن = ف، ل، ق (نیزلی، ل، آ، و، آ)؛ لی هر دو ضبط را دارد؛ س، ل (نیزق، آ، پ، لن، آ، ب) پس از این بیت افزوده اند:

بدشت اندرون داشت آن (ل، آ، لن: تاخت آن؛ ق: بیژن) شیرمرد

سواری ز ترکان (ق: همی تاخت و ترکی) بدو باز خورد

ز فتراک بگشاد از آن پس^۱ کمند
از^۳ اسپ اندرآورد و زنهارداد^۴
و زانجا بیامد بکردار گرد
بدید آن سران سپه را نگون
به سرشان بر^۶ اسپان^۷ جنگی به پای^۸ ۲۳۶۰
چو بیژن چنان دید کرد آفرین
بفرمود تا ترک زنهارخواه
ببستندشان دست و پای^{۱۳} و میان
و زانجا سوی گشته^{۱۵} تازنان
۲۳۶۵ فرود آمد از اسپ و او را چو باد
بدان ترک فرمود تا برنشست
سمند^{۱۹} نوندش همی راند نرم^{۲۰}
مگر زنده او را بر شهریار

ز توران^۲ یکی را به گردن فگند
بدان کار با خویشان یار داد^۴
دمان سوی لَهاک و فرشیدورد
فگنده بر آن خاک و^۵ غرقه به خون
چراگاه سازنده^۹ بسته سرای^{۱۰}
ابر گشته^{۱۱} کو سرآورد کین
به زین برکشد^{۱۱} آن سران را ز راه^{۱۲}
کشیدند بر پشت زین کیان^{۱۴}
بیامد بسان پلنگ^{۱۶} ژیان^{۱۷}
بی آزار نرم از بر زین نهاد
بدآغوش^{۱۸} او اندرآورد دست
بروبر همی آفرین خواند گرم^{۲۱}
تواند رسانید از آن^{۲۲} کارزار

گفتار اندر رسیدن شاه کیخسرو بنزدیک گودرز و لشکر ایران^{۲۳}

چُن^{۲۴} از روزه^{۲۵} ساعت اندرگذشت خور از گنبد چرخ گردان بگشت،

۱- ل (نیزلی، آ): زان پس؛ ق (نیزلن، ق، ل، پ، ل، ن): پیچان؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیزو، ب) ۲- ل، س (نیزلن، پ، ل، ن، ب):
ترکان؛ متن = ف، ق، ل، آ، س (نیزق، ل، ل، و، آ) ۳- ف، ل، ل، آ: زه؛ متن = س، ق، س، آ ۴- ق (نیزل): خواست ۵- ل،
س، ق (نیزلن، ق، ل، آ، ب): [و]؛ متن = ف، ل، آ، س (نیزلی) ۶- ل: دو ۷- ق: آن اسپ ۸- س: نگون؛ (لن، پ، ب):
چران؛ آ: بیا ۹- ف، س: سازنده (حرف چهارم نقطه ندارد)؛ ل: سازید و؛ ق، س (نیزلن، ق، ل، آ، پ، و، ل، ن، ب): سازنده؛ (ل، آ):
اسبان؛ متن = ل ۱۰- ل (نیزل): چرای؛ س: بر دشت خون؛ ق: برسبز جای؛ ل: پیش سرای؛ (لن، پ، ل، ن، ب): پیش سران؛ ق: بر
دشت جای؛ ل، آ: بدو بس گیای (آ: گیا)؛ متن = ف، س، آ (نیزو) ۱۱- ل، ق، س (نیزلن، ق، ل، ل، پ، و، ل، ن، ب): برکشید؛ متن =
ف، س، ل (نیزل، آ) ۱۲- ق (نیزق، ل، ل، و): سران سپاه؛ متن = ف، ل، س، ل، آ، س (نیزلن، ل، آ، ب، ل، ن، آ، ب) ۱۳- ق: پای
و دست ۱۴- ف: اسبان کشان؛ ل: اسبان کیان (حرف دوم واژه دوم نقطه ندارد)؛ ق (نیزلی، آ): بر زین نشست کیان؛ س: بیامد
بسان پلنگ دمان ۲۳۶۳ ب- ۲۳۶۴ آ را انداخته و از ۲۳۶۳ آ و ۲۳۶۴ ب یک بیت ساخته است؛ متن = ل، س (نیزهفت دستنویس
دیگر) ۱۵- ل، س، ق، ل (نیزلن، ل، و، آ): تازنان (حرف چهارم نقطه ندارد)؛ (ق، ل، پ، ل، ن، آ): تازنان؛ متن = ف، س، آ (نیزلی،
ب) ۱۶- ق: پلنگی؛ (و: بکردار شیر) ۱۷- ل، آ، س (نیزلن، ق، ل، پ، ل، ن، ب): دمان (دنان؟)؛ متن = ف، ل، س، ق (نیزلی،
ل، آ، و، آ) ۱۸- ل- س (نیزلن- ب): باغوش؛ متن = ف ۱۹- (لن: سپهد) ۲۰- س: گرم؛ ق: راندند ۲۱- س: گرم؛
ق: خواندند ۲۲- ل (نیزق، ل، آ): [آن]؛ ق، ل: رسانیدن از؛ متن = ف، س، س، آ (نیزلن، ل، پ- ب)؛ ل، ق (نیزل) پس از این
بیت افزوده اند:

همی راند بیژن بر آن (ق: پر از) درد و غم

روانش بر اندر غم (ق، ل، آ): پرانده از گسته

۲۳- ف: گفتار اندر رسیدن شاه کیخسرو بنزدیک گودرز و لشکر ایران و دیدن پیران و کشتگان را و گریستن بر پیران؛ ل، س، ق: رسیدن شاه
کیخسرو بنزد (س: بنزدیک؛ ق: به) ایرانیان؛ ل: رسیدن کیخسرو بیاری ایرانیان؛ س: رسیدن کیخسرو بایران سپاه؛ متن = آغاز ف ۲۴-
ل- س (نیزلن- ب): چو؛ متن = ف ۲۵- ل، س، ق (نیزلن، ل، پ- ب): نه؛ (ق: شش)؛ متن = ف، ل، آ، س (نیزل) ۲۶-

<p>بیامد برآن^۲ دشت^۳ آوردگاه^۳ همه نامداران^۵ و جنگاوران^۶ که ای شهریار و سر موبدان، به دست^۸ ابر بهمین، به دل رود نیل بدان تا بدیدند^۹ رویش سپاه^{۱۰} که آباد بادا به گردان زمین! همی رفت گودرز خود با^{۱۱} گروه برآورده بودند گرد^{۱۳} سپاه^{۱۳}، سلیح^{۱۵} و تن و جامه ها پُر ز خون^{۱۶}، ابر^{۱۷} شهریار آفرین خواندند پیاده شد از دور کو^{۱۸} را بدید بیامد بغلتید بر پیش^{۱۹} شاه بگفتش که^{۲۰} همزم هر کس که بود دوان^{۲۱} با سپهدار پیران نیو همی آفرین خواند^{۲۳} بر کردگار:</p>	<p>۲۳۷۰ جهاندار خسرو بنزدا^۱ سپاه پذیره شدندش پیاده^۴ سران برو خواندند آفرین بخردان به تن زنده پیل^۷، به جان جبرئیل چنان هم همی بود، بر اسپ شاه ۲۳۷۵ بریشان همی خواند شاه آفرین به آیین پس پشت^{۱۰} لشکر چو کوه همان^{۱۲} ده مبارز کز آوردگاه سر کشتگان را^{۱۴} فگنده نگون پس لشکر اندر همی راندند ۲۳۸۰ چو گودرز نزدیک خسرو رسید ستایش کنان پهلوان سپاه همه کشتگان را به خسرو نمود گروی زره را بیاورد گیو از^{۲۲} اسپ اندر آمد سبک شهریار</p>
--	---

۱- س: ز نزد ۲- ل- س^۲ (نیز لن- پ، آ، ب): بدان؛ (و: رسید اندر آن)؛ متن = ف (نیز لن^۲) ۳- س، ل^۲ (نیز لن، ل، آ، پ، لن، ب): با فرو جاه؛ س^۱: با فرو گاه؛ متن = ف، ل، ق (نیز ق، ل، ی، و، آ) ۴- ل (نیز و): سراسر ۵- ل، ق، ل^۲ (نیز ل): [و] ۶- ق (نیز ل، آ): جوشن و ران ۷- ق، س^۲ (نیز ق، ل، ی، پ، لن، آ): پیل و؛ متن = ف، س، ل^۲ (نیز لن، و، ب) ۸- س، س^۲ (نیز لن، ق، آ، پ، لن، ب): بکف؛ (لی: بتن)؛ متن = ف (نیز آ؛ ← دیباچه، بیت ۱۹۵)؛ ل (نیز ل^۲) این بیت را ندارند ۹- ل، ق: بینند؛ متن = ف، س، ل^۲، س^۲ (نیز لن- ب) ۱۰- س (نیز لن، ب): براه ۱۱- ل: با آن؛ متن = ف، س، ل^۲، س^۲ (نیز لن- ب)؛ ق این بیت را ندارد؛ در ل پس از این بیت، بیت ۲۳۷۸ آمده است؛ بنداری (۲۳۷۶-۲۳۷۹): فجاء جودرز من بعد و معه المبارزون العشرة الذین ذکرنا قصته . فلما دنا من الملك نزل و سجد له ثم رفع رأسه و دعا و اثني عليه، فأراه القتلى المذكورين، و نسب كل واحد منهم الى قاتله ۱۲- (ق: میان) ۱۳- ل، ق (نیز ل، آ): بیاورده بودند گردان شاه (ل: نزد سپاه)؛ متن = ف، س، ل^۲، س^۲ (نیز لن، ق، آ، پ، و، لن، ب): در ف پس از این بیت، بیت ۲۳۷۵ دوباره آمده است ۱۴- س: مران کشتگان نشان؛ س^۲ (نیز ق، آ): سر سرکشانرا ۱۵- س (نیز ل، و): سلاح ۱۶- ل: جامه اشان بخون؛ متن = ف، س، ل^۲، س^۲ (نیز لن- ب)؛ ق این بیت را ندارد؛ در ل این بیت پس از بیت ۲۳۷۶ آمده است ۱۷- ف، س، ل^۲ (نیز لن، لن، ب): بر آن؛ متن = ل، ق، س^۲ (نیز ق، ل، ی، ل، آ، پ، و، آ) ۱۸- ل: و او؛ ف پس از این بیت افزوده است: بر آن شهریار آفرین خواندند (= ۲۳۷۹ ب)

سپاه از پس اندر همی راندند (= ۲۳۷۹ آ)

۱۹- ل، س، ق، س^۲ (نیز لن، ق، آ، ل، و، آ، ب): در پیش؛ (پ، لن، آ: بنزدیکی تخت)؛ متن = ف، ل^۲ ۲۰- س (نیز لن، ل، آ، پ، لن، آ، ب): بگفت آنک (آنکه)؛ س^۲: همی گفت؛ متن = ف، ل، ق، ل^۲ (نیز ق، ل، ی) ۲۱- ل، ق (نیز ق، ل، ی، ل، آ): دمان؛ متن = ف، س، ل^۲، س^۲ (نیز لن، پ، و، لن، ب)؛ س (نیز لن، ل، ی، پ، لن، ب) پس از این بیت افزوده اند:

چسوخسرو گروی زره را بدید

یکی باد سرد از جگر برکشید (لن: برو کرد نفرین که نفرین سزید)

۲۲- ف- ل^۲: ز؛ متن = س^۲ ۲۳- س^۲ (نیز ب): کرد؛ ل: نیایش همی کرد؛ متن = ف، س، ق، ل^۲ (نیز لن- آ)

۲۳۸۵ ز یزدان^۱ سپاس و بدویم پناه^۲
 نیایش همی کرد بر پائی شاه
 ز دادار بر پهلوان آفرین
 که ای نامدارانِ فرخنده‌پی
 سپهدارگودرز بادِ دمان^۳
 همه جان و تن‌ها فدی^۴ کرده‌اند^۱ ۲۳۹۰
 کنون گنج و شاهی مرا با شماست
 وُزآن^{۱۳} پس بدان کشتگان بنگرید
 فروریخت آب از دو دیده چو گرد^{۱۴}
 به پیرانش بر دل بدانسان^{۱۶} بسوخت
 یکی داستان زد پس از مرگ اوی ۲۳۹۵
 که بخت بدست آژدهای دژم
 به مردی نیابد^{۲۲} کسی زو رها
 کشیدی همه ساله تیمار من
 ز خون سیاوش پُر از درد بود

که او داد^۳ پیروزی و دستگاه
 ز سر برگرفته^۴ کیانی کلاه
 همی خواند و^۵ بر لشکرش همچین
 شما آتش و دشمنان پاک^۶ نی،
 چه خواهی تو از باد و آتش زمان؟^۸
 دم از شهر توران برآورده‌اند^{۱۰}
 نباید^{۱۱} دریغ از شما دست^{۱۲} راست
 چو روی سپهدارپیران بدید،
 که کردار نیکی همی^{۱۵} یاد کرد
 که^{۱۷} گفتی یکی^{۱۸} آتشی برفروخت
 — به خون دو^{۱۹} دیده بیالود^{۲۰} روی —
 به دام آورد شیر شرز به دم^{۲۱}
 چنین آمد این تیزچنگ^{۲۳} آژدها
 میان بسته بودی به پیگار^{۲۴} من
 بدان کار^{۲۵} کس زو^{۲۶} نیاززد^{۲۷} بود^{۲۸}

۱- س (نیزلن، لی، لن، ب)؛ که یزدان؛ س^۲: کز ایزد؛ متن ← ۲- ف: سپاس از تو دارم که هستی پناه؛ متن = ل، س، ل^۲ (نیزق، ل، پ، و، آ) ۳- ف: که دادیم؛ متن = ل، س، ل، س، ل^۲ (نیزلن - ب)؛ ق این بیت را ندارد ۴- س^۲ (نیزق - آ)؛ برگرفت آن: متن = ف، س، ل^۲ (نیزلن، ب)؛ ل، ق این بیت را ندارند ۵- س (نیزلن، لی، پ، لن، ب)؛ [و] ۶- ل (نیزلی، آ)؛ خشک؛ (ل)؛ همچو؛ و: برگ)؛ س^۲: دشمنانتان چو؛ متن = ف، س، ق، ل^۲ (نیزلن، ق، پ، لن، ب) ۷- ل، س، ل، س، ل^۲ (نیزلن، ق، لی، پ، آ، ب)؛ با دودمان (اگر باد و دمان بخوانیم ل، س، ل، لن، ق، پ، پساوند ندارند)؛ (لن: بار و دمان)؛ متن = ف (نیزو) ۸- (و: همان)؛ ل: ز بهر دل من چو آتش دمان؛ س (نیزلن، پ، لن، ب)؛ چه باشد به از آب و آتش دمان (ب: وزان)؛ ل^۲: چه خواهی به از باد و آتش دمان؛ س^۲: نخواهند از باد و آتش زمان؛ (ق: نخواهند با داد و دانش دمان!)؛ لی: هماناد خرم دل و شادمان)؛ متن = ف (نیزآ)؛ ق (نیزل) بیت‌های ۲۳۸۹ و ۲۳۹۰ را ندارند ۹- ل، س، ل، س، ل^۲ (نیزلن، ق، لی، پ - ب)؛ فدا؛ متن = ف ۱۰- ل^۲ (نیزلی، و)؛ اید ۱۱- ل، س، ل، س، ل^۲ (نیزلن - ب)؛ ندارم؛ ق: نباشد؛ متن = ف ۱۲- (ق: چشم) ۱۳- ل: از آن ۱۴- ل - س^۲ (نیزلن - ب)؛ بدرد؛ متن = ف (?) ۱۵- (لن، پ: همه)؛ س: نیکی دهش؛ ل^۲ (نیزب): نیکش همی؛ س^۲: نیکش همه؛ (لی: نیکش بسی)؛ ق (نیزو): ز کردار نیکش همی؛ (ق: چو کردار نیکش را؛ ل^۲: ز دادار نیکی دهش؛ آ: ز کردار نیکی ورا)؛ متن = ف، ل (نیزلن) ۱۶- ل، ق، س، ل^۲: از آنسان؛ س، ل^۲: برانسان؛ متن = ف ۱۷- ل: تو ۱۸- ل، ق، س، ل^۲ (نیزل)؛ بدلش؛ متن = ف، س، ل^۲ (نیزلن، ق، آ، پ، و، لن، ب) ۱۹- س، ل^۲ (نیزلن، پ، لن، ب)؛ که (س: چو) از خون؛ متن = ف، ل، ق، س^۲ (نیزق، لی، ل، آ، و) ۲۰- (ل، لن، آ: بیالود؛ ب: برآلود) ۲۱- س پس از این بیت افزوده است:

بگیرد همی شیر شرز ز کوه همه نامداران شده زان ستوه

۲۲- ف: نیاید؛ س: نیابد (حرف چهارم نقطه ندارد)؛ متن = ل، ق، ل، س^۲ (نیزلن - ب) ۲۳- ل^۲: این جنگ نر ۲۴- (پ، لن، ب: بهر کار؛ و: به تیمار)؛ ل^۲: بودیش بر کار؛ متن = ف، ل، س، ق، س^۲ (نیزلن، ق، لی، ل، آ) ۲۵- س: بران کار؛ (پ: بدین کار)؛ متن ← ۲۶- ل^۲ (نیزلی، آ): زو کس؛ (لن: کس را)؛ ل (نیزل)؛ بدانگه کسی را؛ ق: بدانگه بسی را؛ س^۲: بدانگه کسی زو؛ (ق: بدانگه ازو کس؛ و: بدانگه که کس زو)؛ متن = ف (نیزلن، ب) ۲۷- س^۲: نیاززده ۲۸- ل^۲: زود

۲۴۰۰ چنان مهربان^۱ بود^۲، بدخیم^۳ گشت^۴
 مرو را ببرد آهرمن دل ز جای
 فراوان همی خیره دادمش پند
 از^۵ افراسیابش بنگاشت^۶ سر
 مکافات^۷ او ما جزین خواستیم^۸
 ۲۴۰۵ از اندیشه‌ی ما سخن برگذشت^۹
 به دل بر^{۱۰} جفا کشت^{۱۱} بر جای مهر^{۱۲}
 که آمد به جنگ شما با سپاه
 کنون پند گودرز و فرمان من
 تبه کرد مهر دل پاک را
 ۲۴۱۰ ز توران بسیچید و^{۱۳} آمد دمان
 پسر با برادر، کلاه و کمر
 بداد از پی کین^{۱۴} افراسیاب

بفرمود پس^{۱۵} مشک و کافور^{۱۶} ناب
 تنش را بیالود از آن^{۱۷} سربسر

به قیر اندرآمیختن^{۱۸} با گلاب
 به کافور و مشکش بیاگند^{۱۹} سر^{۲۰}

۱-س: همزبان ۲-س، ل، ا، س: بود و ۳-ل (نیزلن-ب، آ): درخیم؛ متن = ف، س، ق، ل، ا، س (نیزلن، ب) ۴-ل: شد ۵-س: رای؛ ق این بیت را ندارد ۶-ق: ز ۷-ف-ل (نیزلن-ب): نه برگشت؛ متن = س ۸-(ل): روزگارش؛ پ: شاخ مهرش ۹-ق: از آن شهریاری چنان بادسر ۱۰-(ق: سزاوار) ۱۱-ل، ق، س: ساختیم؛ متن = ف، س، ل (نیزلن-ب) ۱۲-س (نیزلن، ل): همه ۱۳-س (نیزلن، ب): تحت؛ (پ، ل، ن): سرتخت ۱۴-ل، س: انداختیم؛ متن = ف، س، ق، ل (نیزلن-ب) ۱۵-ل، س (نیزلن، ل، آ): درگذشت؛ متن = ف، س، ق، ل (نیزق، ب) ۱۶-س: در ۱۷-ل (نیزلی، ل، آ): کرد؛ متن = س، ق، س (نیزلن، ق، ا، پ، و، ل، ن) (به زیریکم، ب) ۱۸-ف، ل: بدل مهربان گشت (ل): گشت و) بر جان و چهر ۱۹-س: بدان ۲۰-ف، ل: مهر؛ متن = ل، س، ق، س (نیزلن، ق، ا، ل، ی، پ، ب): (ل): دگرگونه بد رای گردان سپهر ۲۱-ل: ز ۲۲-ل: شد از شهر ایران؛ متن = ف، س، ل، ا، س (نیزلن، ل، ی، پ، ب): ق (نیزق، ل، آ) این بیت را ندارند؛ در ل این بیت پس از بیت ۲۴۰۹ آمده است ۲۳-س، س (نیزلن، ب): گردان؛ ل: یزدان؛ ل، ق (نیزلی، آ): بیفکند گفتار و فرمان؛ متن = ف (نیزق، آ)؛ درق (نیزلی، آ) این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۲۴-در ل پس از این بیت، بیت ۲۴۰۷ آمده است ۲۵-س (نیزق، آ، و): بسیچیده ۲۶-در همه دستنویسها: زوین ۲۷-س (نیزلن، ل، ی، پ، و): سلاح ۲۸-ل، ق، س (نیزق، ل، ی، ل، آ): همه بوم و بر؛ س (نیزلن، و، ل، ن، ا، ب): بر (و: زر) و بوم و بر (!)؛ ل: برو بوم و سر؛ متن = ف (نیزب؛ ل) ۲۹-ل، ق (نیزلی، ل، آ): مهر؛ متن = ف، س، ل، ا، س (نیزلن، ق، ا، پ، و، ل، ن، ا، ب) ۳۰-ق (نیزق، ل، ی، پ، ل، ن): بدو ۳۱-س، س (نیزق، ل، ن): چندی؛ ق (نیزل، آ): چونین؛ (ل، آ: لختی)؛ متن = ف، ل، ل (نیزلن، پ، و، ب) ۳۲-ل (نیزو): تا ۳۳-ف: کافور و ۳۴-(ق، ل، آ، و): آمیخته؛ ل (نیزب): بعنبر برآمیخته؛ س (نیزب): بمی اندرآمیختن؛ متن = ف، ق، ل، ا، س (نیزلن، ل، ی، ل، آ) ۳۵-ل: زان ۳۶-س، ق (نیزل، ا، پ): بیالود؛ متن = ف، ل، ل، ا، س (نیزهفت دستنویس دیگر) ۳۷-ق (نیزق، ل، ا، پ، و، ل، ن): بر؛ متن = ف، ل، س، ل، ا، س (نیزلن، ل، ی، آ، ب)

<p>۲۴۱۵ به دیبای رومی تنِ پاک اوی یکی دخمه فرمود خسرو ز^۲ مهر نهاده درو^۴ تخت‌های سران^۵ نهادند مر پهلوان را به گاه</p>	<p>بیوشید از آن خاکِ ناپاک اوی^۱ برآورد سر^۳ تا به گردان سپهر چنان چون بود درخور مهتران کمر بر میان و به سربر^۶ کلاه</p>
<p>۲۴۲۰ چُنین ست کردار این پُرفریب خردمند را دل ز کردار^۸ اوی^۹</p>	<p>چه مایه فرازست و چندی^۷ نِشیب بماند^{۱۱} همی خیره در^{۱۱} کار اوی^۹</p>
<p>۲۴۲۵ وُزان^{۱۲} پس گروی زره را بدید نگه کرد خیره^{۱۴} بدان زشت روی همی گفت کای کردگار جهان همانا که کاوس بد کرده بود که دیوی چُنین بر سیاوش گماشت ولیکن به نیروی گیتی خدای^{۱۹} که کین^{۲۳} سیاوش از^{۲۴} افراسیاب گروی زره را گره تا گره</p>	<p>یکی بادِ سرد از جگر برکشید^{۱۳} چو دیوان^{۱۵} به سربر^{۱۶} فروهشته موی تو دانی همی آشکار و نهان به پاداش تا باز کین آزمود^{۱۷} ندام جزین نیز کینه چه^{۱۸} داشت جهاندارو^{۲۰} نیکی ده^{۲۱} و^{۲۲} رهنمای، بخواهم، برین^{۲۵} کار^{۲۶} گیرم^{۲۷} شتاب بفرمود تا برکشیدند زه</p>

۱- ل: آن جان ناپاک او؛ س (نیز لن، پ، لن، ب): با رای ناپاک (لن، ب: ناپاک) او؛ ق: آن جسم بر پاک (حرف سوم نقطه ندارد) اوی؛
س^۲ (نیز ل): آن شاه آزاده حوی؛ (ق: و بسترد از خاک اوی)؛ ل: بیبچید از آن جای ناپاک اوی؛ متن = ف (نیز لی، آ، ف، لی:
ناپاک) ۲- ل، س، ق، ل^۲ (نیز لن - ب): به؛ متن = ف، س، ۳- ل، ق، ل^۲ (نیز لن، ق، آ، لی، ل، ب): برآورده سر؛ (ب: برآورده)؛
متن = ف، س، س^۲ (نیز ل، آ، پ، و، آ) ۴- ف (نیز لن، پ، و، لن، ب): نهاده درو؛ س: نهاده برو؛ ق (نیز ل، آ): نهاد اندر آن؛ متن = ل،
ل، س^۲ (نیز ق) ۵- ل، ق، س^۲ (نیز ق، لی، ل، آ): گران؛ متن = ف، س، ل^۲ (نیز لن، پ، و، لن، ب) ۶- ف، ل^۲ (نیز لن، پ،
لن، آ، ب): میان نه نه بر سر؛ (و: میان بسته بر سر)؛ متن = ل، س، ق، س^۲ (نیز ق، لی، ل، آ) ۷- س (نیز پ، ب): چندین؛ ل:
جای ۸- ل (نیز لی، ل، آ): گفستار؛ متن = ف، س، ق، ل، س^۲ (نیز لن، ق، آ، ب، و، لن، ب) ۹- ل، س: او ۱۰- س:
نماند ۱۱- ل: از؛ متن = ف، س، ق، ل، س^۲ (نیز لن - ب) ۱۲- ل: از آن ۱۳- (لن، پ، لن، ب: برو (بدو) کرد نفرین که
نفرین سزید)؛ س بیت‌های ۲۴۲۱-۲۴۲۳ را ندارد ۱۴- ل، ق (نیز ق، ل، آ، پ، لن): خسرو؛ متن = ف، ل، آ، س^۲ (نیز لن، لی، و، آ،
ب) ۱۵- ل، ق (نیز لی، ل، آ): دیوی؛ متن = ف، ل، آ، س^۲ (نیز لن، ق، آ، پ، و، لن، ب) ۱۶- س: برخ بر ۱۷- ل: از زهر
و کین آزمود؛ س: آن این همه آزمود؛ ق: او کین و زهر آزمود؛ (لن: دایار کین آزمود؛ ل: او زهر کین آزمود)؛ س: زمانه ز کردارش آزرده بود؛
(ق: همانا ابا خویشتن کرده بود؛ لی، پ، آ: دل هرکس از وی (پ: هرکسی را) بیازرده بود؛ و: کزین گونه پیکار و کین آزمود؛ لن: بیارانش بر
کین همی آزمود)؛ متن = ف، ل^۲ (نیز ب) ۱۸- ل (نیز ل، آ، پ): جزین کینه بر (ل: در) دل چه؛ س: جزین کینه هرگز که؛ ق (نیز لی،
آ): کزین (لی: کزو) کینه در دل چه؛ (ق: که این نیز کینه چه)؛ متن = ف، ل، آ، س^۲ (نیز لن، و، لن، ب) ۱۹- س^۲ (نیز و): کیهان
خدای؛ ل، ق (نیز ق، لی، ل، آ): به پیروزی یک خدای؛ س: به پیروز کیهان خدای؛ متن = ف، ل^۲ (نیز لن، پ، لن، ب) ۲۰- ل، س، ق،
س: [و] ۲۱- (ق: روزی ده) ۲۲- س، ق: [و] ۲۳- ل، ق (نیز ل): خون ۲۴- ل، س: ز ۲۵- ل، ق، ل:
بدین ۲۶- ل (نیز ل): کینه ۲۷- ق: کین گرفته

۲۴۳۰ چو بندش جدا شد سراسر^۱ ز بند
سرش را بریدند چون گوسپند^۲
[بفرمود از آن پس فگندن^۳ به^۴ آب
بگفتا: چُنین باید^۵ افراسیاب!]

بُد شاه چندی^۶ برآن^۷ رزمگاه
بدان تا کند ساز^۸ کار سپاه
دهد پادشایی^۹ که را درخورست
کسی کز در خِلمت و افسرست
به گودرز داد آن زمان^{۱۰} اصفهان
کلاه بزرگی و تخت^{۱۱} مهان
بداندازه^{۱۲} اندرخور کارشان^{۱۳}
بیاراست خِلمت سزاوارشان

گفتار اندرزهار خواستن لشکر ترکان از شاه کیخسرو^{۱۴}

۲۴۳۵ فرستاده آمد بنزدیک شاه^{۱۵}
خردمندگردی^{۱۶} ز توران سپاه^{۱۷}
که ما شاه را بنده و چاگرم
زمین جز به فرمان او نسپرم
کس از خواست یزدان نیابد رها
اگر چه شود^{۱۸} در دم آژدها
سپهبد شناسد^{۱۹} که ما خود که یم
میان تنگ بسته ز بهر چه یم
نُدمان به کار سیاوش گناه^{۲۰}
بردم آهرمن شاه را دل ز راه^{۲۱}
یکی بادهارست و^{۲۲} ناپاک رای
نه شرم از بزرگان، نه ترس از خدای

۱- ل: سرش را؛ (لن، پ: سراسر جدا شد)؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س^۲ (نیز ق، آ، لی، ل، آ، و، آ) ۲- س (نیز ق، آ، و، آ): گوسفند؛ ل: بترند چون گوسفند؛ ل: بریدند همچون سر گوسفند؛ متن = ف، ق، س^۳ (نیز لن، ب) ۳- ل (نیز ل، آ): او (ل: کو) را فگندن؛ ل: آنگه فگندن؛ (لی، آ: تا افکنندش)؛ متن = س (نیز لن، پ، ب) ۴- (لن، پ: بر، لی، آ: در) ۵- ل (نیز ل، آ، پ): بین؛ (لی، آ: خواهم)؛ متن = س، ل^۶ (نیز لن، ب)؛ ف، ق، س^۷ (نیز ق، آ، و، لن^۸) این بیت را ندارند، ولی بنداری آنرا داشته است: ثم أمر فخلعوا مفاصله ثم قطعوا رأسه و رموه الی الماء ۶- ف: چندان؛ متن = ل - س^۹ (نیز لن - ب) ۷- س، ق، س^{۱۰} (نیز ق، آ، لی، ل، آ، پ، آ، ب): بدان؛ (و: بدین)؛ متن = ف، ل، ل^{۱۱} (نیز لن، لن^{۱۲}) ۸- (لن، پ، لن: راست) ۹- ل، س، ق، س^{۱۳} (نیز ق، آ، و، آ): پادشاهی؛ متن = ف؛ ل^{۱۴} (نیز لن، لن، آ، ب) این بیت را ندارند ۱۰- س^{۱۵} (نیز پ): آنگهی ۱۱- ق (نیز ل): نهاد بزرگان و جای ۱۲- ل - س^{۱۶} (نیز لی، ل، آ، و، آ): باندازه؛ (لن، ق، آ، ب، لن، آ، ب: بر اندازه)؛ متن = ف ۱۳- ف: گاهشان (بساوند ندارد)؛ متن = ل - س^{۱۷} (نیز لن - ب)؛ بنداری (۲۴۳۱-۲۴۳۴): و بقی الملک آیاما فی ذلک المکان یدبر أمر العسکر فخلع علی الأمراء، علی اختلاف مراتبهم، وأحسن الیهم علی تفاوت طبقاتهم. ووهب لجودرز ممالک أصهبان، وأعطاه بها تحت السلطنة و تاجها ۱۴- ف: گفتار اندرزهار خواستن لشکر ترکان از شاه کیخسرو و نواختن ایشان را؛ س، ق، ل، آ، س^{۱۸}: زنهار خواستن ترکان (ق، س^{۱۹}: تورانیان) از شاه (ل، آ، س^{۲۰}: [شاه]) کیخسرو؛ متن = آغاز ف ۱۵- ق (نیز لی، ل، آ، و، آ): ز توران سپاه؛ متن = پ ۱۷- ل، ل، ق (نیز لی، ل، آ، و، آ): مسردی؛ متن = ف، س، ل، آ، س^{۲۱} (نیز لن، ق، آ، پ، لن، آ، ب) ۱۷- ق (نیز لی، ل، آ، و، آ): بنزدیک شاه؛ (و: نماینده راه)؛ متن = ف، ل، س، ل، آ، س^{۲۲} (نیز لن، ق، آ، پ، لن، آ، ب)؛ ل پیش از این بیت و س، ق، ل^{۲۳} (نیز لن، لی، ل، آ، ب، لن، آ، ب) پس از این بیت افزوده اند:

از آنها که (ق: آجا که؛ ل: آناک؛ لی، ب، لن، آ، ب: آنا که) بودند (س: از آن ماندگانی که) مانده بجای

که پیرانشان بد سرو کدخدای (ل): بود بر سر بیای؛ س، لن، لن، آ، ب: که پیران بدیشان بر سر بیای)

ف، س، آ، ق، و این بیت را ندارند و در ترجمه بنداری هم نیست: وأرسل عسکر بیران الی الملک کیخسرو رسولا ینذکر أنهم یطلبون الأمان ۱۸- ق (نیز لی، ل، آ، و، آ): بود ۱۹- ل، ق (نیز لی، ل، آ، و، آ): جهاندار داند؛ متن = ف، س، ل، آ، س^{۲۰} (نیز لن، ق، آ، پ، و، لن، آ، ب) ۲۰- س: سیاوخش رای ۲۱- س: جای ۲۲- س: [و]؛ (پ، و، لن: پادشاهست)؛ ل، ق، بیت های ۲۴۴۰ و ۲۴۴۱ و ل^{۲۳} بیت ۲۴۴۱ را ندارند

از آن روز تا این زمان خسته‌یم
 به توران همه^۴ دودمان پُرغمست^۵
 نه بر آرزو^۷ کینه‌خواه^۸ آمدیم
 ازین جنگ^۹ ما را بد آمد بسر
 به جان گر دهد شاهمان^{۱۱} زینهار
 ۲۴۴۵ همی^{۱۴} خود به کام نهنگ آمدیم^{۱۵}
 بدین لشکر اندر بسی مهترست^{۱۷}
 گنهارِ اویم^{۲۰} و او پادشاست
 سران سربسر پیش او^{۲۲} آورم
 گر از ما به دلش اندرون^{۲۴} کین بود
 ۲۴۵۰ ورایدونک^{۲۵} بخشایش آرد رواست^{۲۶}

چو بشنید گفتار ایشان به درد
 بفرمود تا پیش او^{۳۰} آمدند
 همه برنهادند سر بر زمین

ببخشودشان شاهِ آزادمرد
 پُر از بیم و زو چاره‌جوی^{۳۱} آمدند
 پُر از خون دل و دیده پُرآبِ کین^{۳۲}

۱- س: به ۲- (لن، پ، لن: خون) ۳- (ق، ل، لی، آ: زد دل درد با دیده پیوسته‌ام؛ و: زرد آب با دیده پیوسته‌ام) ۴- ل: همان ۵- س: (نیزلی، و، آ): دیدگان پرغمست؛ (لن: دودمان‌ها غمست)؛ ل، ق (نیزق، ل، آ، پ): که (ق: به) توران ز ایران همه بر (ل، آ، پ: پر) غمست؛ متن = ف، س، ل: (نیزلن، ب): برغمست ۶- ل، ق (نیزلی، و، آ): در؛ س: بر؛ (ل: پر)؛ متن = ف، ل، آ، س: (نیزلن، ق، آ، پ، لن، آ، ب) ۷- ل: آرزوی ۸- س (نیزلن، پ، لن، آ، ب): رزخواه ۹- (لن، پ، لن، آ، ب): کار ۱۰- ل: (نیزق، آ، پ، لن، آ، آ): پدری پسر شد پسر بی پدر؛ ف بیت ۲۴۴۴، س بیت‌های ۲۴۴۴-۲۴۴۶، و بیت‌های ۲۴۴۴-۲۴۴۷ را ندارند ۱۱- ل: دهیمان همه؛ (لن، پ، لن، آ، ب: دهیمان همی)؛ متن = ف، ل، ق، س: (نیزق، لی، ل، آ، آ) ۱۲- ل: (نیزلن، پ، لن، آ، ب): پشت؛ س: یکسر؛ متن = ف، ل، ق (نیزق، لی، ل، آ، آ) ۱۳- ل، ق (نیزق، لی، ل، آ، آ): میان؛ متن = ف، ل، آ، س: (نیزلن، پ، لن، آ، ب)؛ درس: این بیت پس از بیت ۲۴۴۷ آمده است ۱۴- ل، آ، س: (نیزلن، ق، آ، لی، پ، لن، آ، آ، ب): همه؛ متن = ف ۱۵- (لی، لن، آ، آ: اندریم) ۱۶- ل: (نیزلن، پ، لن، آ، ب): تو؛ متن = ف، س: (نیزق، لی، ل، آ، آ)؛ ل، س، ق (نیزل، آ، و) این بیت را ندارند ۱۷- س: (نیزلن، پ، لن، آ، ب): مهترند ۱۸- ف: که با؛ متن = ل- س: (نیزلن، ق، آ، لی، پ، لن، آ، آ، ب) ۱۹- س: (نیزلن، پ، لن، آ، ب): درخورند؛ ل، آ، و این بیت را ندارند ۲۰- س، ل: (نیزلن، پ، و، لن، آ، ب): مایم؛ متن = ف، ل، ق، س: (نیزق، لی، ل، آ، آ) ۲۱- ل: هرچ؛ درس: این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۲۲- ق (نیزق، لی، ل، آ، آ): شاه؛ ل، آ، س: (نیزلن، و، لن، آ): او؛ ل: نزد شاه؛ س: سران سرسوی رای او؛ متن = ف (نیز، پ، ب) ۲۳- ل: (نیزو): گفت و گو؛ ل، ق (نیزلی، ل، آ، آ): بسی (همه: یوزش اندر گناه)؛ ق: تن خسته را پرگناه)؛ متن = ف، س، س: (نیزلن، پ، لن، آ، ب) ۲۴- ق: گرش در دل از ما همی ۲۵- س: آیدونکه ۲۶- س: از داورست ۲۷- ق (نیزلی، آ): چنان ۲۸- (لن، پ، لن، آ، شه) ۲۹- س: سرست؛ (ل: سزاست) ۳۰- ل، ق، ل، آ، س: (نیزلن، لی، ل، آ، لن، آ، آ): او؛ متن = ف، س: (نیزق، آ، پ، و، ب) ۳۱- س: (نیزلن): و از چاره‌جوی؛ ل: بران آرزوی چاره‌جو؛ ق (نیزلی، ل، آ، آ): بدان آرزو چاره‌جو (ل: جوی)؛ س: نه بر آرزو چاره‌جو؛ ق: پر از درد دل چاره‌جوی؛ پ: پر از بیم دل چاره‌جوی؛ لن: نه با کین و با گفت و گوی)؛ متن = ف، ل: (نیزو، ب) ۳۲- (ب: و لب پر از آفرین)؛ ق: خون دو دیده پر از آب کین

۲۴۵۵	سپهبد سوی آسمان کرد سرا همان لشکرست این که سر پُر ز کین ^۳ که زهر گزاینده ^۵ بپراگنند چنین ^۷ کردشان این زمان ^۸ دادگر بدو دست یازم که او یار بس	که ای دادگر چاره‌گر ^۲ همی خاک جستند از ^۴ ایران زمین سر کشتگان اندرو آگنند ^۶ نه رای و نه دانش، نه پای و نه پر ^۹ ز گیتی نخواهم به فریاد کس ^{۱۰} — که از کین به زین اندرآورد پای ^{۱۳} — کنون کار بیداربخت منست وگر رسم تابوت ^{۱۷} ساج آورم ^{۱۶} خور کرگسان ^{۱۸} ست مغز سرم شناسد هر آنکس که دارد خرد نگیرم ^{۲۰} چنین کار دشخوار و ^{۲۱} تنگ وگر چند بدخواه گاه منید برین گاه ناید فروزی ^{۲۳} ، نه کاست گذارد ^{۲۵} ، نگیرم برو راه خویش ^{۲۶}
۲۴۶۰	برین ^{۱۱} داستان زد یکی نیک‌رای ^{۱۲} که این باره رخشنده تخت منست برین ^{۱۴} کین اگر ^{۱۵} تخت و تاج آورم ^{۱۶} وگر نه به چنگ پلنگ اندرم کنون بر شما گشت ^{۱۹} کردار بد	
۲۴۶۵	نیم من به خون شما شسته چنگ همه یکسره در پناه منید هر آنکس که خواهد که باشد ^{۲۲} رواست هر آنکس که خواهد که زی شاه خویش ^{۲۴}	

- ۱- س، س، س^۱ (نیز ق، و)؛ روی؛ متن = ف، ل، ق، ل^۲ (نیز هفت دستنویس دیگر) ۲- س^۲ (نیز ق، و)؛ چاره چاره جوی؛ (لن، لی، ب، لن، آ، ب، آ: داور چاره گر؛ و: داور چاره جوی)؛ س: همی گفت ای داور چاره جوی؛ متن = ف، ل، ق، ل^۲: چاره چاره گر(?) ۳- ف، ق: که کس (ق: سر) بر زمین (پساوند ندارند)؛ متن = ل، س، ل، آ، س^۲ (نیز لن - ب) ۴- ف: نجستند مگر شاه؛ متن = ل - س^۲ (نیز لن - ب)؛ ل، لی: ز) ۵- س، ل^۲ (نیز لن، پ، لن، آ، ب): پراکنده؛ متن = ف (نیز لی، و) ۶- س (نیز لن، لن، آ، ب): اندر آن افکنند؛ ل^۲: اندر آب افکنند؛ لی: را درون آکنند؛ پ: اندر آن آکنند؛ آ: را برون آکنند؛ متن = ف (نیز و)؛ ل، ق، س^۲ (نیز ق، ل، آ): این بیت را ندارند؛ س^۲، ق^۲ بجای این بیت افزوده اند: که دزها (ق^۲: گذرها) همه جمله ویران کنند سر سرکشان را ز تن برکنند (ق^۲: کام شیران کنند)
- ۷- س^۲: چنان ۸- ل، ل، ق، س^۲ (نیز ق، آ، لی، ل، آ، آ): ایزد؛ س (نیز لن^۲): آن زمان؛ متن = ف، ل^۲ (نیز لن، پ، و، ب) ۹- (لن، ق، آ، ب، لن، آ، ب: نه سر)؛ س: نه بوم و نه بر؛ ق: نه رای و نه بر؛ س^۲: که نه رای دارند و نه پای ویر؛ متن = ف، ل، ل^۲ (نیز لی، ل، آ، آ) ۱۰- (لی: بفریادرس)؛ ل (نیز لن): نخواهم فریادرس؛ ق: نخواهم بفریاد کس؛ (ق^۲، ل^۲): نخواهم جز او یار کس؛ لن^۲: جز او را نخواهم فریادرس)؛ متن = ف، س، ل، آ، س^۲ (نیز پ، و، آ، ب) ۱۱- ل، ل، س، ق، ل^۲ (نیز لن، لی، ل، آ، ب، لن، آ، ب): بدین؛ متن = ف، س^۲ (نیز ق، آ، و) ۱۲- ل: شاه رای؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س^۲ (نیز لن - ب) ۱۳- ل^۲: رای ۱۴- ل، ل، ق (نیز ق، آ، لی، ل، آ، و، آ): بدین؛ متن = ف، س، ل، آ، س^۲ (نیز لن، پ، لن، آ، ب) ۱۵- ل، ل، س^۲ (نیز ق، آ، لی، ل، آ، آ): کینه گر؛ (و: کارگر)؛ متن = ف، س، ق، ل^۲ (نیز لن، پ، لن، آ، ب) ۱۶- ل - س^۲ (نیز لن - آ): آورم؛ متن = ف (نیز ب) ۱۷- س^۲ (نیز لن، پ، و، لن، آ): تابوت و؛ (ق^۲: یاقوت و)؛ متن = ف - ل^۲ (نیز لی، ل، آ، ب) ۱۸- س^۲: خورش کرگسان راست ۱۹- (ق^۲: زین شمارست) ۲۰- ل، ل، ق، س^۲ (نیز ق، آ، لی، ل، آ، آ): که گیرم؛ متن = ف، س، ل^۲ (نیز لن، پ، و، لن، آ، ب) ۲۱- ل - س^۲ (نیز لن، ق، آ، لی، ل، پ - ب): دشوار؛ (ل^۲: دشخور)؛ متن = ف ۲۲- ل، ل، ق: نباشد؛ متن = ف، س، ل، آ، س^۲ (نیز لن، ق، آ، لی، پ، لن، آ، ب) ۲۳- ل: بدین گفته افزایش آمد؛ س: برین بر فروزی نیاید؛ ق: بدین بارگه برنیزاید (وزن ندارد)؛ س^۲ (نیز ق، آ، لی، آ): بدین کین نه افزایش آید؛ (پ: بدین کار باید فروزی؛ لن^۲: برین [گاه] یابد فروزی)؛ متن = ف، ل^۲ (نیز لن، ب)؛ ل، آ، و این بیت را ندارند؛ بنداری (۲۴۶۷-۲۴۶۸): من اراد منکم آن یقیم فی خدمتنا فلیقم، و من اراد آن یلحق بأفراسیاب فلیلحق ۲۴- ل (نیز و): سوی (و: بر) شاه خویش؛ س: براند ز پیش؛ متن = ف، ل، آ، س^۲ (نیز لن، ق، آ، لی، پ، لن، آ، آ، ب) ۲۵- س: گذاره؛ ل^۲: کرآرد (!) ۲۶- ل، ل، س، ل، آ، س^۲ (نیز لن، ق، آ، لی، پ - ب): بیش؛ متن = ف؛ ق (نیز ل^۲): بیت های ۲۴۶۸ و ۲۴۶۹ را ندارند

ز بیشی و کمی^۱ و از^۲ رنج^۳ از

۲۴۷۰ چو ترکان شنیدند گفتار شاه
به پیروزی شاه خستوه شدند
ز برگستوان و ز رومی کلاه
به گردآندرش زرد و سرخ^۴ و بنفش
بخوردند سوگندهای گران
همه شاه را چاگر و بندهیم
۲۴۷۵ چُن^{۱۳} این کرده بودند بیدارشاه
ز همشان ازآپس^{۱۵} پراگنده کرد

به نیروی یزدان شدم بی نیاز
ز سر برگرفتند گریان^۴ کلاه
پلنگان جنگی چُن^۵ آهو شدند
یکی توده کردند^۶ تا چرخ ماه^۸
زدند آن^{۱۰} سرافرازترکان^{۱۱} درفش
که تا زندهیم از کران تا کران،
همه دل به مهر وی آگندهیم^{۱۲}
ببخشید یکسر همه بر^{۱۴} سپاه
همه بوم از آن مردم آگنده^{۱۶} کرد

گفتار اندر رسیدن بیژن و گستمم بنزدیک کیخسرو^{۱۷}

۲۴۸۰ همه نامداران ایران سپاه
و زآن^{۱۸} پس خروش آمد از دیدگاه^{۱۹}
سه^{۲۰} اسپ و سه^{۲۱} گشته برو بسته زار
که گرد سواران برآمد ز راه
همی بینم از دور با یک^{۲۲} سوار
نهادند چشم از شگفتی به راه

۱- ل: ز کمی و بیشی ۲- ف، ل، س: وز؛ متن = س، ل ۳- ف، ل، ل، ل، س: (نیزق، ل، پ، و): رنج و؛ متن = س (نیزلن، ل، آ، ب) ۴- ل، ق، س: (نیزلی، ل، آ، و): یکسر؛ س (نیزق، ل، پ، ل، ن، ب): گردان؛ متن = ف، ل (نیزلن) ۵- (لی، ل، ل، ل، ن، ب): خشنو) ۶- ل- س: (نیزلن- ب): چو؛ متن = ف؛ ل، ق، س: (نیزق، ل، ل، آ، پ) پس از این بیت افزوده اند:
بفرمود شاه جهان تا (ق: تا هر که دارد) سلیح

بیارند تیغ و سنان (س: پیشش ز تیغ؛ ق: یکسر ز گرز) و رمیح

ف، س، ل: (نیزلن، پ، و، ل، ن، ب) این بیت را ندارند ۷- ق: توده کرد ۸- ل، ق (نیزلی، ل، آ): نزدیک شاه؛ س: بر چرخ ماه؛ ل: با چرخ ماه؛ س: (نیزلن، پ، ل، ن، آ): تا (لن: با؛ لن: با) چرخ و ماه؛ متن = ف (نیزق، ل، و، ب) ۹- ل، ق، س: سرخ و زرد ۱۰- ف: از (آ- آن؟)؛ متن = ل، ق، ل، ل، س: (نیزلن، ل، ب) ۱۱- ل: (نیزلن، ل، ن، ب): گردان؛ (ق: زده گرد آن گونه گونه)؛ س این بیت را ندارد ۱۲- ل: افکنده ایم؛ متن = ف، س، ق، ل، ل، س: (نیزلن- ب) ۱۳- ل- س: (نیزلن- ب): چو؛ متن = ف ۱۴- س (نیزلن، ل، پ، ل، ن، ب): گناه؛ ق: ببخشد آن خواسته بر؛ متن = ف، ل، ل، ل، س: (نیزق، ل، و) ۱۵- ل (نیز ل، آ): پس آنگه؛ ق (نیزل): هم آنگه؛ متن = ف، س، ل، ل، س: (نیزلن، ق، ل، پ، و، ل، ن، ب) ۱۶- ل: بومش از مردم آکنده؛ ق: بوم آن مرزا آکنده؛ (ق: بومشان مردم آکنده؛ ل: بوم آن مرزرا کنده؛ و: حوشن (!) از مردم آکنده؛ ل: بوم از آن مرد آکنده)؛ متن = ف، س، ل، ل، س: (نیزلن، ل، پ، آ، ب)؛ بنداری: ففرقههم فی اطراف ممالکه، و نفذ کل طائفة الی ناحیه منها ۱۷- ف: گفتار اندر رسیدن بیژن و گستمم بنزدیک کیخسرو و آوردن لهاک و فرشیدورد؛ س، ق، ل: آوردن بیژن گستمم را بنزدیک کیخسرو (ل: شاه؛ ق: و بردن نزد شاه)؛ س: رسیدن بیژن و آوردن گستمم و لهاک و فرشیدورد؛ متن = آغاز ف ۱۸- ل (نیزق، ل، و): از آن ۱۹- ل، س، ق، ل: (نیزلن- ب): دیده گاه؛ متن = ف، س: ۲۰- ق (نیزلی، ل، آ): دو؛ متن = ف، ل، س، ل، ل، س: (نیزلن، ق، ل، پ، و، ل، ن، ب) ۲۱- ل (نیزلی، ل، آ): دو؛ متن = ف، س، ق، ل، ل، س: (نیزلن، ق، ل، پ، و، ل، ن، ب) ۲۲- س: باده؛ ل (نیزآ): بانگ (بایک)؛ (لن، ق، ل، پ، ل، ن، ب): با دو؛ ل: (گرد)؛ متن = ف، ل، ق، س: (نیزل، ل، و)؛ بنداری: ثم إن الیدیدبان أخبر بطلوع فارسین مع ثلاثة أفراس و علیها ثلاث جثث

که تا کیست این مرد از ایران زمین^۱ که یارد گذشتن برین^۲ دشت کین^۳؟
هم اندر زمان بیژن آمد دمان
بر اسپان چو لَهَاک و فرشیدورد
بر اسپ^۷ دگر بر پُر از درد و غم
چو بیژن بنزدیک خسرو رسید
۲۴۸۵ ببوسید^{۱۰} و بر خاک بنهاد روی
پرسید و گفتش که ای شیرمرد
ز گُستهم بیژن سَخُن یاد کرد
وُزآن زاری و خستگی^{۱۵} گُستهم
۲۴۹۰ کنون آرزو^{۱۹} گُستهم را یکیست
به دیدار شاه آمده ستش هوا
بفرمود پس شاه آزرم جوی^{۲۴}
چنان تنگ دل گشت^{۲۷} ازو^{۲۸} شهریار

که بردند^{۲۵} گُستهم را پیش او^{۲۶}
که از دیده^{۲۹} مژگانش آمد به بار

۱- ف، ل، آ: ایران چین (؟)؛ (لن، ب: ایران و چین؛ و: ایران سپاه؛ لی: ز ایران زمین)؛ ل، ق (نیز ق، ل، آ: از مرز توران زمین): متن = س، س، س^۱
(نیز ب، ل، آ) ۲- ق، س، س^۱ (نیز ق، ل، ی، پ، و، آ): بدین؛ (ل: ازین)؛ متن = ف، ل، س، ل^۲ (نیز ل، لن، ب) ۳- ق: مرز کین؛
(ل: سو بکین؛ و: کینه گاه) ۴- ل (نیز ل^۳): بیازو بزه بر فکنده؛ (ق: بزه بر نهاده بیازو) ۵- ل، ق، ل، س^۲ (نیز لن، ب): نگوئسار؛
متن = ف ۶- ق: درد؛ س: همه بوم از آن مردم آکنده کرد (= ۲۴۷۷ ب) ۷- ل، ق (نیز لی، ل، آ): اسپ؛ متن = ف، س، ل، ل، س^۱
(نیز لن، ق، ل، ب، و، لن، ب) ۸- ل، س، ق، س^۱ (نیز لن، ب): به (ق: در) آغوش؛ متن = ف، ل^۲ ۹- ف، ق، ل، ل، س^۱ (نیز لن، ب، لن، آ): سرو؛ متن = ل، س (نیز و، آ) ۱۰- ف: پرسید (ج= ۲۴۸۷)؛ متن = ل، س^۲ (نیز لن، ب) ۱۱- ل، ق: بشد؛ متن =
ف، س، ل، ل، س^۱ (نیز لن، ب)؛ بنداری: وادا بیژن قد طلع علی الهیئة التي سبق ذکرها فسجد للملک ۱۲- ل (نیز ب، و): ز ۱۳- ق:
چه کردی به لهاک و فرشیدورد؛ بنداری (۲۴۸۷-۲۴۸۹): فسایله عن حاله فأخبره بحال گُستهم و قتله لفرشید و لهاک ۱۴- س: فکنده
نگوئسار پرخون و گرد (= ۲۴۸۳ ب) ۱۵- ل، ق: خسته و زاری؛ (ل: زاری و سختی)؛ متن = ف، س، ل، ل، س^۱ (نیز لن، ق، ل، ی، پ، لن، آ، ب)
۱۶- ف: حرب؛ (لی: رزم)؛ متن = ل، س، ق، ل^۱ (نیز لن، ق، ل، آ، ب، لن، آ، ب) ۱۷- ل (نیز ل^۲): واز؛ ق: وز؛ (لی: همان)؛ متن = ف، س، ل^۲ (نیز لن، ق، ل، لن، آ، ب) ۱۸- (ب: چه بیش و چه کم)؛ س: که گفتی همی بر نیایدش دم (= ۲۴۹۴ ب)؛ و
این بیت را ندارد؛ س پس از این بیت افزوده است:

که چون بود و آن کار و کردار چون ابا ترک بدخواه آن کار چون
همه یک یک بیژن نامدار سخن راند در پیش آن شهریار
دگر گفت کای خسرو پرهیز همیشہ پسر جای پیروزگر

۱۹- ل: آرزوی ۲۰- س، ل^۱ (نیز ب، ب): ایسن ۲۱- ل، س^۱ (نیز ق، ل، ی، و، آ): دشسوار؛ متن = ف (نیز لن، ل، آ، ب، ب)
۲۲- ف: نبردنش (؟)؛ (و: نبردنش)؛ متن = ق، س^۱ (نیز لی، ل^۲) ۲۳- ل: اگر میرد او را روا؛ (ق: میرد نباشد جفا)؛ س، ل^۱
(نیز ب، لن، آ، ب): وگر مرگ (ب، لن: جان) از آنپس گذارد (س: که دارد) روا ۲۴- ل: جو ۲۵- س^۱ (نیز لن، لی، و، لن، آ): که
آرند؛ متن = ف، ل^۱ (نیز ق، ل، ب، ب) ۲۶- ل: او ۲۷- س: شد ۲۸- س: از آن ۲۹- ل، ق (نیز ل^۲): گریه؛
متن = ف، س، ل، ل، س^۱ (نیز ق، ل، ی، پ، و، آ)؛ لن، لن، آ، ب این بیت را ندارند؛ بنداری (۲۴۹۲-۲۴۹۳): فأمر بإحضاره، فأحضر، فتوجع له
الملك و عظم علیه ما نزل به

۲۴۹۵	چنان بُد ز بس خستگی گُستهم به دل ^۳ بوی مهر ^۴ شهنشاه یافت ببارید ^۵ از دیدگان ^۶ آب مهر بزرگان برو زار و ^۹ گریان شدند دریغ آمد او را سپهد به مرگ زهوشنگ ^{۱۲} و طهمورت ^{۱۳} و جمشید ^{۱۴}
۲۵۰۰	رسیده به میراث نزدیک شاه چو مهر دلش گُستهم را بخواست ^{۱۸} ابر ^{۱۹} بازوی گُستهم بر ^{۲۰} بست بزشکان ^{۲۱} که از هند و از روم و چین ^{۲۲} همی شان به گرد جهان در ^{۲۴} بگاشت ^{۲۵}
۲۵۰۵	به بالین گُستهم شان برنشاند ^{۲۷} و ز آنجا ^{۲۹} بیامد به جای نماز دو هفته برآمد بر آن خسته مرد
	که ^۱ گفتی همی برنیامدش ^۲ دم بیچید و دیده سویی او شتافت ^۵ سپهد پُر از آب و خون ^۸ کرد چهر چو بر آتش تیز ^{۱۱} بریان شدند که سندان کین بُد ^{۱۱} سرش زیر ترگ یکی مهره بُد خستگان را امید ^{۱۵} به بازوش بر داشتی ^{۱۶} سال و ماه ^{۱۷} گشاد آن گرانمایه از دستِ راست بمالید بر خستگیش دست چه از شهر بغداد ^{۲۳} و ایران زمین، ز بهر چُنین روزگاران بداشت ^{۲۶} ، ز هر گونه افسون بروبر ^{۲۸} بخواند بسی با جهان آفرین گفت راز بپیوست و برخاست آزار و درد ^{۳۰}

۱- ف، ل (نیزق^۱): تو؛ متن = ل، س، ق، س (نیزلن، ل-۲ ب) ۲- ف، س، ق، س (نیزلن): برنیامدش (درس، س^۲ حرف ششم نقطه ندارد)؛ متن = ل، ل (نیزق^۱، ل-۲ ب) ۳- ف: دل (میتوان هم گل خواند، ولی حرف یکم سرکش ندارد)؛ ل، ق (نیزل^۲، و، آ): یکی؛ س، ل (نیزلن، لی، پ، لن، آ، ب): دلش؛ متن = (ق^۲؛ ← ف) ۴- س: دلاور چوبوی ۵- (ق^۱: بتافت)؛ بنداری: فلما تنسم ریح قرب الملك فکانه أحسن بأدنی إفاقة ۶- ل، ل، س (نیزلن، پ، لن، آ، ب): بیاریدش؛ متن = ف، ل، س، ق (نیزق^۱، لی، ل، و) ۷- ل: دیده‌گان ۸- ف: خاک و خون (؟)؛ ل (نیزلی، آ): آب خون؛ س: مهر و خون؛ متن = س، ق، ل (نیزهفت دستنویس دیگر) ۹- ق: [و]؛ س (نیزلن، پ، لن، آ، ب): که بودند ۱۰- ف: مهر؛ (لن، ب: درد)؛ متن = ل- س (نیزق^۱- آ) ۱۱- س: که چون شد ازین کین ۱۲- بنداری: آوشهنج ۱۳- ق، ل (نیزق^۱، لی، ل، آ، و، لن، آ، ب، بنداری): طهمورث؛ (لن: طهمورث)؛ متن = ف، ل، س، س (نیزپ) ۱۴- س: جامِ وشید؛ (لی: جامِ شید؛ ب: جامِ شید؛ بنداری: جم) ۱۵- ق: نوید ۱۶- (لن، پ، لن، آ: بودی همی؛ و: بسته همه) ۱۷- ق: چوشاه اندرو کرد لحتی نگاه (= ۲۵۰۸ ب)؛ س: پس از این بیت افزوده است:

کسی چون ز دردی ستم یافتی
بدان مهره اش درد کم یافتی

۱۸- ل: بخاست ۱۹- ف: بچپ؛ متن = ل- س (نیزلن- ب) ۲۰- ق (نیزلی، ل، آ، آن؛ س: را؛ بنداری: فشدھا علی عضد کستهم، ومسح مواضع جرحه بیده المبارکة ۲۱- س: بزرگان ۲۲- ل، س، ل (نیزلن، لی- ب): که (و: چه) از روم و ز (واز) هندو؛ ق (نیزق^۱): که از روم و هندوز؛ متن = ف، س ۲۳- (پ، لن، آ: توران؛ ق: یونان)؛ بنداری: ورتب عنده الأطباء الذین کانوا فی صحبتہ من بغداد الی الروم والهند و سائر البلاد ۲۴- س، ل (نیزلن، لی- ب): بر؛ متن = ف، س ۲۵- ق: همیشه بگرد جهانشان بگاشت؛ (ق: ز هر جایگه شان بدو برگماشت) ۲۶- س: روزشان بریداشت؛ ق، س (نیزل^۲): روزگاری بداشت؛ ل: روزهاشان بداشت؛ (لن: روزشان پای داشت؛ ق: روز خسرو بداشت؛ لی، آ: روزگاراناش داشت؛ ب، لن، آ: روزشان بازداشت؛ ب: روزها بر بداشت)؛ متن = ف (نیزو)؛ ل این بیت را ندارد ۲۷- (لی: درنشانند)؛ ق: گُستهم چندی نشانند ۲۸- ف: بدوبر؛ متن = ل- س (نیزلن- ب) ۲۹- ق: پس آنگه ۳۰- س: و کرد (!)؛ ف: بیبوست (حرف یکم نقطه ندارد) با خسته آزار و درد؛ ل: سرآمد همه رنج سختی و درد؛ س: بوشید (حرف دوم نقطه ندارد) و برخاست از آب گرد (!)؛ ق: بیبوست (حرف سوم نقطه ندارد) و برخاست آزاد مرد (پساوند ندارد)؛ (ق: به بیبوستگی رست از آزار و درد؛ لی، ل، آ: بیبوست و (ل: بنیروی) برجست آن زاد (لی: راد) مرد؛ و: چه راحت بیبوست و شد رنج و درد)؛ متن = ل (نیز



بر اسپش ببردند^۱ نزدیک شاه
 به ایرانیان گفت کز کردگار
 ۲۵۱۰ ولیکن شگفتست ازین کار^۴ من
 به پیروزی اندر غم گشته^۵
 همه مهر پروردگارست^۶ و بس
 بخواند آن زمان بیژن گیو را
 که تو نیکبختی ز^۷ یزدان شناس
 ۲۵۱۵ که اویست جاوید و^۸ فریادرس
 اگر زنده گردد تن مرده مرد
 به گشته^۹ گفتا که تیماردار^{۱۰}
 گر او رنج بر ناز نگزیندی^{۱۱}

چو شاه اندرو کرد لختی^۲ نگاه،
 بود هر کسی شاد و به روزگار^۳
 بدین راستی راند پرگار^۴ من
 نکرد این دل شادمان رأ^۵ دژم
 نه دانش پژوهست و نه مهر کس^۶
 بدو داد دست گو نیو را
 مدار از تن خویش هرگز سپاس^۷
 به^۸ سختی نگیرد جز او دست کس
 جهاندار گشته^۹ را زنده کرد
 چو بیژن ندیدم کس از^{۱۰} روزگار^{۱۱}
 ستایش برین^{۱۲} گونه کی بیندی^{۱۳}؟

۱- ف: بیاورد؛ متن = ل- س^۲ (نیز لن- ب) ۲- ق (نیز ق^۲): چندی؛ س، ل^۲ (نیز لن، پ، لن، آ، ب): شاه جهان کرد بروی (لن، ب): روزی؛ لن^۲: دروی؛ متن = ف، ل، س^۲ (نیز لی، ل، آ، و، آ) ۳- ق^۲: خسته روزگار؛ س: کسی را بیاد این دو کار؛ متن = ف، ل، ق، ل، آ، س^۲ (نیز لن، لی- ب) ۴- ل، س، س، س^۲ (نیز لی، پ، آ): این کار؛ ق^۲: کردار؛ ل^۳: این کام؛ و: از کار؛ ل^۲: شگفت آنکه بازار؛ متن = ف ۵- ل (نیز ل^۲): بر شده یار (ل^۲: نام)؛ ل^۲: راندن کار؛ (لی، و، آ: رای و کردار)؛ متن = ف، س، س^۲ (نیز ق^۲، پ): ق (نیز لن، لن، آ، ب) این بیت را ندارند ۶- ف: شادمانم؛ ل^۲: بکردند دل شاد را زان؛ متن = ل، س، ق، س^۲ (نیز لن- ب) ۷- ف: بر روزگارست (→ پروردگارست)؛ متن = ل- س^۲ (نیز ق^۲- و، آ، ب) ۸- ف: نه دانش پژوهد نه مردی ز کس؛ ق^۲: ندانم بگیتی جز او هیچکس؛ و: نه دانش نه دیگر بود مهر کس)؛ متن = ل- س^۲ (نیز لی، ل، آ، پ، آ، ب)؛ لن، لن^۲ این بیت را ندارند؛ درل این بیت پس از بیت ۲۵۱۴ آمده است؛ بنداری (۲۵۰۹-۲۵۱۲): وقال: إن الله تعالى أجرى أموري على السداد، وقضى لي بحصول المراد، ولم يترق على موارد نعمة هذا الظفر بموت كسهم. وليس هذا كله إلا من فضله الواسع و لطفه الشامل ۹- ل، س^۲ (نیز لی، ل، آ، آ): و؛ متن = ف، ق، ل^۲ (نیز لن، ق، آ، پ، و، لن^۲) ۱۰- ل، ل^۲ (نیز لی، ل، آ): هراس؛ متن = ف، ق، س^۲ (نیز لن، ق، آ، پ، و، لن، آ، آ)؛ درل پس از این بیت، بیت ۲۵۱۲ آمده است ۱۱- ل- س^۲ (نیز ق^۲- و): [و]؛ متن = ف (نیز لن، لن، آ، آ) ۱۲- ق (نیز لی، ل، آ، آ): ز ۱۳- س (نیز لن، لن، آ، ب): گفتش که زنهاردار؛ ل^۲: گفتش که تیماردار؛ ل، ق (نیز ل^۲): پس آنکه (ل: بدانگه) بدو گفت تیماردار؛ متن = ف، س^۲ (نیز ق^۲، لی، پ، و، آ) ۱۴- ل، س^۲ (نیز لی، ل، آ، و، آ): نیند کس از؛ ق (نیز ق^۲، پ): نیندی (ق^۲: نینم) کس از؛ س، ل^۲ (نیز لن، لن، آ، ب): ندیدم چو بیژن درین (س، ل، آ، بیدین)؛ متن = ف ۱۵- ق^۲: دوستدار)؛ ف پس از این بیت افزوده است:

بماناد این دوستی تان به جای
 به تیماریکدیگران کرده رای
 وزانپس چنین گفت پیش سپاه
 سرسرفرازان جهاندارشاه
 که یزدان ز گودرز خشنود باد
 دل بدسگالش پراز دود باد

این بیت ها در هیچیک از دستنویس های دیگر نیست ۱۶- س، ل، آ، س^۲ (نیز لن، لی، پ، لن، آ، آ، ب): بر مهر نگزیندی؛ (ل^۲: بر مهر بگزیده؛ و: مهر بر رنج نگزیندی)؛ ل: کزو رنج بر مهر بگزیده بی؛ ق: گرو رنج بر مهر برنگزیدیدی (!)؛ ق^۲: گرو مهر و رنج تنش بیندی)؛ متن = ف ۱۷- ل، ق (نیز لن، لی، ل، آ، آ): بدین؛ ل^۲: زهر؛ (و: ازین)؛ متن = ف، س، س^۲ (نیز ق^۲، پ، لن، آ، ب) ۱۸- ل (نیز ل^۲): نشنیده بی؛ ق: نشنیدی؛ ق^۲: چون چیندی)؛ متن = ف، س، ل، آ، س^۲ (نیز لن، لی، پ- ب)؛ س پس از این بیت افزوده است:
 دگر گفت کین بس شگفتی مدار
 که از خسته سر آن بود هم شکار (!)

→

لن، پ، لن، آ، ب)؛ ف پس از این بیت افزوده است: بیامد نوان طوس نوذر دژم ز درد برادر دلش پسر ز غم
 ل- س^۲ (نیز لن- ب) این بیت را ندارند و در ترجمه بنداری هم نیست: فبراً کسهم بعد أسبوعین، فجاءوا به الى حضرة الملك فرح بعافيته، و حمد الله واثني عليه

به زبید بُدَا شاه یک هفته^۲ نیز فرستاد هر سو فرستادگان ۲۵۲۰
 درم داد و دینار و هرگونه چیز بنزد بزرگان و^۳ آزادگان
 چو^۴ از کین^۵ پیران شدی^۶ بی نیاز یکی رزم کیخسرو اکنون بساز

- ۱- س، ل (نیز لن، لن، ب): بود او بر؛ (ق: برینسان بید)؛ متن = ل، ق، س (نیز لی، پ، آ) ۲- (و: بید شاه یک هفته آنجای): ف این بیت را ندارد ۳- ل: [و]: لی، آپس از بیت ۲۵۲۰ افزوده اند: که آیند هر سو بنزدیک شاه بدین بیشه آیند از آن رزمگاه
 لی پس از بیت بالا و س، ل، آ، لن، پ، لن، ب پس از بیت ۲۵۲۰ افزوده اند: که زی درگه آیید (آیند) با ساز جنگ که دارم آهنگ زی (با) شاه کنگ (لی: دارند آهنگ رزم پلنگ)
 پ پس از بیت بالا ۱۰۵ بیت دیگر هم افزوده است؛ س پس از بیت بالا دو بیت دیگر هم افزوده است:
 فرستاده نژد افراسیاب بشد در زمان با هزاران شتاب
 که کیخسرو شاه آمد همی وز افراسیاب این بجوید همی
 ف، ل، ق، ق، آ، ل، و هیچیک از این بیت ها را ندارند ۴- ل: که ۵- ل- س (نیز لن، لی، ل، لن، ب): جنگ؛ (آ: رزم)؛ متن = ف (نیز ق، پ، و) ۶- ل: شدم؛ پس از بیت ۲۵۲۱ س پنج بیت، ل، آ، لن، لن، ب بیت های سوم و چهارم، لی، پ بیت های سوم و چهارم و پنجم و ل، ق، ل، آ آنها بیت پنجم را افزوده اند:
 همه نام من باد بریسات تو وزین پس مبیناد فریسات تو
 گذشتم ازین رزم نامساوران به پیروزی شهریار جوان
 پس از کینه اندر سخن های نغز بیارای اکنون به پاکیزه مغز
 که چون خواست کینه از افراسیاب به رنج فراوان شه زودیاب (تاب)
 همی خور به پیروزی و کام دل که ناچار خواهی شدن زیر گل
 5
 پس از بیت های بالا لی دو بیت و پ سه بیت دیگر هم افزوده اند؛ ف، ق، آ، و هیچیک از این بیت ها را ندارند؛ بنداری بیت های ۲۵۱۳-۲۵۲۱ را ندارد

داستانِ جنگِ بزرگِ کیخسرو^۱

ز یزدان برآن شاه باد آفرین	که نازد بدو ^۲ تخت و تاج ^۳ و نگین
خداوندِ ناز ^۴ و خداوندِ گنج ^۵	خداوندِ شمشیر و خفتان ^۶ و رنج ^۷
که گنجش ز بخشش ^۸ بنالدهمی	بزرگی ز نامش ^۹ ببالدهمی
ز دریا به دریا سپاه ویست	جهان زیرِ قر ^{۱۰} کلاه ویست

۱- ف: گفتار اندر رزم بزرگ که رزم شاه کیخسرو با افراسیاب بود و ستایش سلطان غازی محمود بن سبکتکین رحمه الله؛ ل: در مدح سلطان محمود گوید؛ س: رزم کیخسرو با افراسیاب و این را جنگ بزرگ خوانند؛ ق: گفتار در رزم کیخسرو و افراسیاب؛ ل^۲: گفتار اندر جنگ کیخسرو و افراسیاب و این را جنگ بزرگ خوانند؛ س^۳: در ستایش سلطان محمود؛ بنداری مد- سلطان محمود را زده و بجای آن مدح سلطان ابی بکر بن ایوب را افزوده است؛ در ف از بیت ۱۰۹۰ تا پایان دستنویس (برگ ۲۴۸-۲۶۴ ب) به خطی دیگر، ولی نزدیک به خط اصلی است و همچنین از بیت ۲۰۳۶ تا ۲۷۵۶ را ندارد (پس از برگ ۲۵۹ ب هشت یانه برگ از این دستنویس افتاده است) ۲- س: برو ۳- ل، س، ل، س^۴ (نیز لن- ب): تاج و تخت؛ متن = ف، ق ۴- ل، ق (نیز ل، آ): نام؛ س، ل، س^۵ (نیز لن، ق، آ، ب، و، لن، آ، ب): تاج؛ متن = ف: ناز (؟) ۵- (لن: تخت) ۶- س^۶: خفتان و شمشیر ۷- ل^۷: گنج (پساوند ندارد)؛ (لن: بخت)؛ در ل این بیت پس از بیت ۴ آمده است ۸- ق: زرنجش؛ ف: که تختش زبختش؛ متن = ل، س، ل، س^۹ (نیز لن، ق، آ، ل، آ، و، لن، آ) ۹- س، ق (نیز ل، آ): زتاجش؛ ل^{۱۰} (نیز لن، لن): وتاجش؛ (ق): وبختش؛ و: زحانش (!)؛ متن = ف، ل، س؛ پ، ب این بیت را ندارند ۱۰- ف، ق، س^{۱۱} (نیز لن): بر؛ ل^{۱۲} (نیز ل، آ، ب): پر؛ (لن: ترک)؛ متن = ل، س (نیز ل، و)؛ در س لت های این بیت پس و پیش شده اند؛ در ل پس از این بیت، بیت ۲ آمده است

۵ زا گیتی به کان اندرون زر نماند
 به بزم اندرون گنج پیراگند^۱
 چنو^۲ مرز گیرد به شمشیر تیز
 ز دشمن ستانند رساند^۳ به دوست
 از آن^۴ تیغ زن دست گوهر فشان
 که در بزم دریاش خواند سپهر
 گواهی دهد در جهان^۵ خاک و آب
 که چون او^۶ ندیده است^۷ شاهی به جنگ
 اگر مهر با کین نیامیزی^۸
 همی^۹ باز خواهد ز هر مهتری
 تنش زورمندست و چندان سپاه
 پس لشکرش هفتصد زنده پیل^{۱۰}
 اگر باز ندهند کشور دهند
 که یارد گذشتن ز پیمان اوی^{۱۱}
 همه بزم^{۱۲} گیتی بدو روشنست
 ابوالقاسم^{۱۳} آن شهریار دلیر
 که منشور بختش ورا^{۱۴} برخواند
 چو رزم^{۱۵} آیدش گنج پیش آگند^{۱۶}
 برانگیزد از گنج^{۱۷} ها رستخیز
 خداوند پیروزگر یار اوست
 ز گیتی نجویده می جز نشان^{۱۸}
 به رزم اندرون شیر خورشید چهر
 همان بر فلک چشمه ی آفتاب،
 نه در بخشش و کوشش^{۱۹} نام و ننگ
 ستاره ز خشمش^{۲۰} پیرهیزی^{۲۱}
 ز هر نامداری و^{۲۲} هر کشوری
 که اندر میان باد را نیست راه
 خدای جهان یار با^{۲۳} جبرئیل^{۲۴}
 همان گنج و هم تخت^{۲۵} و افسر دهند
 وگر سر کشیدن ز فرمان اوی^{۲۶}
 به رزم اندرون کوه در جوشنست
 کجا گور بستاند از چنگ شیر

۱- س، ل، آ، س (نیز لن، لی، لن، آ، ب)؛ متن = ف، ل، ق (نیز ل، ب) ۲- ل: جمود و راه، س، س: آ: سخت و راه (لی، آ: تخت و راه؛ ل: بخشش و راه ب: بخششش را)؛ متن = ف، ق (نیز لن، ل، آ، ب)؛ در س، ل، آ، ل، ب، ل، ب، ل، آ، ب پس از این بیت، بیت ۸ آمده است ۳- س: بزم ۴- ل (نیز ل): پیدا کند؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س (نیز لن، لی، ب، آ) ۵- س: بزم ۶- ل (نیز ل، آ، ب): رنج پیدا (ل: بنا) کند؛ س: زربیش آگند؛ ق، ل: پیش گنج آگند؛ (لن، ل): پیش سرافکند؛ و: باز گنج آگند؛ س: (نیز لی، آ): چو پیش آیدش رزم (لی: رنج) گنج آگند؛ متن = ف (نیز ب: ق، ل، آ)؛ در ل، ق، لی، ل، آ، ب، آ پس از بیت ۶ بیت های ۳۸ و ۳۹ آمده اند ۷- ل، ل: چو او ۸- ل، ق، س: (نیز ق، لی، لی، آ، و، آ)؛ اندر جهان؛ متن = ف، س، ل، آ (نیز لن، ل، آ، ب) ۹- ل، ق (نیز ق، لی، لی، و، آ): بخشند؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیز لن، ل، ب، ل، آ، ب)؛ در س، ل، آ، ل، ب، ل، ب، ل، آ، ب این بیت پس از بیت ۵ آمده است ۱۰- ل (نیز ب): بدان؛ (لن: ازین) ۱۱- ف: بخون (!) است همواره چونین (یا: خونین) نشان (؟)؛ متن = چهارده دستنویس دیگر (ق، س، آ، ق، لی، لی، آ، و، آ: بگیتی) ۱۲- ل (نیز ب): بر زمین ۱۳- ق: تو ۱۴- س، ق، ل، آ، س (نیز لن، ل، ب): نبودست؛ متن = ف، ل ۱۵- ل: [و]: ل، آ، س: کوشش و بخشش و ۱۶- ل (نیز لی، ل، آ، ب): برآسزیدی؛ س (نیز لن، ق، آ): بیامیزی (حرف یکم نقطه ندارد)؛ س: بیامیزی؛ ل: اگر مهربان کین نیامیزی؛ متن = ف، ق (نیز ب، و، ل، آ) ۱۷- س: (نیز ل، آ): چشمش ۱۸- س، ل، آ: فرویزی؛ (لن، ب، ل، آ، ب: ستایش برین (بدین) گونه کی خیزی) ۱۹- س: همان ۲۰- ل، آ: به: بیت های ۱۴-۱۷ در دستنویس ها درهم ریخته اند، ل، ق، لی، ل، آ، ب، آ: ۱۷، ۱۴، ۱۶، ۱۵، ۱۷، ۱۵، ۱۶، ۱۵، ۱۶، ۲۰، ۱۷، ۱۸، ۱۹؛ ل: آ، ب: ۱۷، ۱۶، ۱۵ (بیت ۱۴ را ندارند)؛ ل: بیت های ۱۴-۱۶ را ندارد؛ پیاپی بیت های متن = ف، س، آ، ق، آ، و ۲۱- س: زند پیل ۲۲- ل، ق (نیز لی، ل، آ، آ): یارش و؛ س، ل، آ، س (نیز ق، آ، ب، و، ل، آ، ب): یار و؛ متن = ف ۲۳- ل، ق، ل، آ، س (نیز ب): جبرئیل (حرف چهارم نقطه یا همزه ندارد)؛ متن = ف، س (نیز ق، لی، لی، آ، و، ل، آ، آ، ب) ۲۴- س: گنج با تخت؛ ل، آ، س: تخت و هم گنج؛ متن = ف، ل، ق ۲۵- ل، س، ل، آ: او ۲۶- ل، ق، ل، آ، س (نیز لن، لی، آ): که در بزم؛ س (نیز ب): که بزم؛ (ق: سر تخت)؛ متن = ف ۲۷- ف، س (نیز لن): ابوالقاسم

جهاندار محمود کاندر نبرد
 همی^۱ تا جهان باشد او شاه باد
 که آرایش چرخ گردنده^۳ اوست
 خرد هست و هم^۴ نیک نامی و داد
 سپاه و دل^۶ و دست^۷ و گنجور^۸ هست ۲۵
 یکی فرش گسترده شد در جهان
 کجا فرش را^{۱۱} مرقد و مسندست^{۱۲}
 که آرام^{۱۵} این پادشاهی^{۱۶} بدوست
 بُد خسروان را چُنو^{۱۸} کدخدای
 گشاده زبان و دل و پاک دست ۳۰
 ز دستور فرزانه و^{۲۱} دادگر
 پیوستم^{۲۴} این نامه‌ی باستان
 که تا روز پیری^{۲۶} مرا بر دهد
 ندیدم^{۲۷} جهاندار^{۲۸} بخشنده‌ی
 همی داشتم تا کی آید پدید ۳۵

سر سرکشان اندرآرد به گرد
 بلند اخترش افسر ماه باد^۲
 به بزم اندرون ابر بخشنده اوست
 جهان بی سر و افسر او مباد^۵
 همان بزم و رزم و می و^۹ سور هست
 که هرگز نشانش نگردد^{۱۰} نهان
 نشست گه فضل^{۱۳} بن احمدست^{۱۴}
 خرد در^{۱۷} سر نامداران نکوست
 به پرهیز و^{۱۹} دین و به رادی و رای^{۲۰}
 پرستنده‌ی شاه یزدان پرست
 پراکنده رنج من آید^{۲۲} به بر^{۲۳}
 پسندیده^{۲۵} از دفتر راستان
 بزرگی و دینار و افسر دهد
 بلند اختری راد و رخشنده‌ی^{۲۹}
 جوادی که^{۳۰} جودش نخواهد گلید^{۳۱}

۱- ل، ق، ل، س^۱ (نیز ل، ل، ل، پ، و، آ، ب): جهان؛ متن = ف، س (نیز ق^۲) ۲- س: را بسر بر کلاه ۳- س: که آرامش چرخ
 رخشنده؛ ف، س این بیت را ندارند؛ در ل، ل، ل، ب این بیت پس از بیت ۳۵ آمده است ۴- ل (نیز پ): هشتش و؛ متن = س، ق، ل، ل،
 س^۱ (نیز هشت دستنویس دیگر) ۵- ق (نیز ل، ل، آ): جهان را ابی افسر او (ق: ابی او سر افسر) مباد؛ متن = ل، س، ل، آ، س^۱ (نیز ق، آ،
 ل، پ، و، ل، ب): ف این بیت را ندارد ۶- ق (نیز ل، آ): دز ۷- ل، س، ق، ل^۲ (نیز ل، ب-ب): گنج؛ متن = ف، س^۱ (نیز ل، ل،
 ق، ل، ل) ۸- ل، س، ل، س^۱ (نیز ب-ب): دستور؛ متن = ف، ق (نیز ل، ق، ل، ل، ل) ۹- ل: همان؛ ل، ق، س^۱ (نیز ل، ل، و):
 رزم و بزم و می و؛ س: بزم و هم رزم و هم؛ (ق، آ، ب، ل، آ، ب: رزم و بزم و همان)؛ متن = ف (نیز ل، آ) ۱۰- ل، س، ل^۲ (نیز ل، ب):
 نماند ۱۱- س^۱ (نیز ل، و، ل، آ): او ۱۲- ف: مطرد و مسندست؛ ل، ق، س^۱ (نیز ل، ل، ب، و، ل، آ): مسند و مرقدست؛ (ل، آ،
 بخت او منبرست)؛ متن = س، ل^۲ (نیز ق، آ، ب) ۱۳- ف، ل، س^۱ (نیز ب): نصر؛ متن = س، ق، ل^۲ (نیز ل، ق، آ، ل، و، ل، آ، آ،
 ب) ۱۴- (ل): نشست بر آن تخت او درخورست ۱۵- ل: آیین؛ متن = ۱۶- ل: که این گونه آرام شاهی؛ متن = ف، س،
 ق، س^۱ (نیز ل-ب) ۱۷- س، ل^۲ (نیز ل، ب): بر؛ در س، ل، ل، ل، ب این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۱۸- س:
 بجز؛ ل: جز او ۱۹- ل: [و] ۲۰- ل، ق، آ، و: بداد و برای؛ ل، آ: تژاد و برای)؛ س، ل^۲ (نیز ب، ل، آ، ب): پرهیز و رادی (ل، آ:
 داد و) بدین و برای؛ متن = ف، ل (پ ۱۹)، ق، س^۱ (نیز ل^۳) ۲۱- س، ق، ل، آ، س^۱ (نیز ل-ب): فرزانه؛ (ق، آ: داننده)؛ متن = ف،
 ل ۲۲- ل، س، ل، س، ل^۲ (نیز ق-ل، ل، آ، ب): آمد؛ متن = ف، ق (نیز ل، آ) ۲۳- س: بسر ۲۴- س: نوشتم من ۲۵-
 س: پراکنده ۲۶- س: نیو (!)؛ در س^۱ لت دوم این بیت پاک شده است ۲۷- ف: بدیدم (؟)؛ ل، س: ندیدم (حرف یکم نقطه
 ندارد)؛ متن = ق، ل، آ، س^۱ (نیز ل-ب) ۲۸- ل، ل، س: جهاندار و ۲۹- ق، ل^۲ (نیز ل، ق، آ، ل، ل، آ): یا درخشنده؛ س: را
 درخشنده؛ ل، س (نیز ب، و، ل، آ، ب): بگاه (ل: بتخت؛ ب: بکان) کیان (و: کی) بر درخشنده؛ متن = ف؛ در س، ق، آ این بیت با بیت
 سپسین پس و پیش شده است و در میان آنها (در ق^۲ پس از آنها) افزوده اند:

همی این سخن بر دل آسان نبود جز از خامشی هیچ درمان نبود

۳۰- ل: ز ۳۱- س: که از این چرخ جوید گلید (!)؛ (ق: بزرگی که دادش نخواهد کنید)؛ در ل، ل، ل، ب پس از این بیت، بیت ۲۳
 آمده است

نگهبانِ دین و نگهبانِ تاج
 به رزمِ دلیران توانا بود
 به بار آورد شاخِ دین و خرد
 به^۳ اندیشه از بی‌گزندان بود
 چُنین سال بگذاشتم^۴ شست^۵ و پنج
 چو پنج از بر^۷ سالِ شستم^۸ نشست^۹
 رخ لاله‌گون گشت برسان گاه
 بدانگه که بُد سال پنجاه و هشت^{۱۳}
 خروشی شنیدم ر گیتی بلند
 که ای نامدوران و گردن‌کشان
 فریدون بیداردل زنده شد
 به داد و به بخشش گرفت این جهان
 فروزان شد آثار^{۱۹} تاریخ او
 از آن‌گاه^{۲۱} که گوشم شنید این^{۲۲} خروش
 بیستم^{۲۴} این نامه بر نام او^{۲۵}
 ۴۰
 ۴۵
 ۵۰

فروزنده‌ی مُلک برآ تحتِ عاج
 به چون و چرا نیز دانا بود
 گمانش به دانش روان پرورد^۲
 همیشه پناهِش به یزدان بود
 به درویشی و، زندگانی به^۶ رنج
 تن^{۱۰} اندر نشیب و سرم سوی پست^{۱۱}
 چو کافور شد رنگِ مُشک^{۱۲} سیاه
 نوان‌تر شدم^{۱۴} چون جوانی گذشت^{۱۵} —
 که اندیشه شد تیز و تن بی‌گزند^{۱۶} —
 که جُست از فریدونِ فرخ‌نشان^{۱۷}؟
 زمان و زمین^{۱۸} پیش او بنده شد
 سرش برتر آمد ز شاهنشهان
 که جاوید بادا بن^{۲۰} و بیخ او
 نهادم بدان فرخ‌آواز^{۲۳} گوش
 همه بهتری^{۲۶} باد فرجام او^{۲۵}

۱- ل (نیز پ): افسرو؛ (و: یاره و)؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س^۲ (نیز هفت دستویس دیگر) ۲- بیت‌های ۳۸ و ۳۹ در ل، ق، ل، آ، پ، آ پس از بیت ۶ و در ل در هر دو جا آمده‌اند؛ ل بیت‌های ۳۸ و ۳۹ و ل، آ، و بیت ۳۹ را ندارند ۳- س: بی؛ (ق): بر؛ ل، آ، ب: بد) ۴- س: بگذشت بر ۵- ف، ل^۱ (نیز ل، پ، ل، آ، ب): شصت؛ (لی: سی)؛ متن = ل، س، ق (نیز ق، آ، ل، و) ۶- س: و؛ (ق): ناتوانی و)؛ س^۲ بیت‌های ۴۰-۷۲ را ندارد ۷- ل: سر؛ متن = س، ق، ل^۲ (نیز ل، لی: ب) ۸- س، ق، ل^۲ (نیز ل، ب): ستین؛ (ل: رقتن؛ آ: شصت)؛ متن = ل (نیز لی، ل، پ، و) ۹- س، ل^۲ (نیز ل، و، ل، آ): گذشت؛ متن = ل، ق (نیز ل، لی، پ، آ، ب) ۱۰- ل (نیز ل، ل، آ): من؛ متن ← ۱۱- س، ل^۲ (نیز لی، پ، و، ل، آ، ب): من از شصت (شصت) و شش (ل): سه؛ لی، و، آ: شست او) سست گشتم چومست؛ ق: مده می که از سال شد مرد مست؛ متن = ل (نیز ل، ل، آ) پس از تصحیح من به تن؛ ف، ق بجای این بیت افزوده‌اند:

ف: خود از شصت و نه سال بودم چومست
 ق^۲: ز سستی خم آورد بالای راست
 کنون پنج بر سال سبعین نشست
 هم از نرگسان روشنایی بکاست

۱۲- ف (نیز ل، ب): ریش؛ ل^۲: رویش (ریش)؛ متن = ل، س، ق (نیز هفت دستویس دیگر) ۱۳- ل، ق (نیز ل، لی، و، آ): پنجاه و هفت؛ متن = ف، س، ل^۱ (نیز ل، پ، ل، آ، ب) ۱۴- ف، س، ق، ل^۲ (نیز ل، لی، پ، و، ل، آ، ب): جوان تربدم (ل): شدم؛ (ل): توانا شدم؛ متن = ل (نیز آ) ۱۵- ل، ق (نیز ل، لی، و، آ): برفت؛ متن = ف، س، ل^۲ (نیز ل، پ، ل، آ، ب) ۱۶- س: درگزند؛ ل، ق، ل، این بیت را ندارند ۱۷- ل، ق، س^۲ (← پ ۶)، ل، ل، آ، پ بیت ۴۵ را و ل، آ، ب بیت‌های ۴۵-۵۱ را ندارند؛ متن = ف، س، ل^۲ (نیز ق، لی، و، آ) ۱۸- س: زمین و زمان ۱۹- ق (نیز پ، آ): آثار و؛ ف: شد آن تار (ق)؛ س: شده بار (واژه دوم نقطه ندارد)؛ ل^۲: فزون شد ز آثار؛ (ل، ل، آ): فراوان شد آثار و؛ ق^۲: فریدون که آثار و؛ و: فزون زان شد آثار؛ متن = ل (نیز لی) ۲۰- س، ل^۲ (نیز ق، آ): پی؛ (لی، آ: تن جبین)؛ متن = ف، ل، ق (نیز ل، ل، پ، و) ۲۱- ل، س، ل^۲ (نیز ق، و، آ): پس؛ متن = ف ۲۲- ل: آن ۲۳- ل، س (نیز ل، پ، و)؛ بخواهم نهادن (س: گشادن) با آواز؛ ل^۲: نهادم دل و جان با آواز؛ (ق): نهادم بران تیز آواز؛ متن = ف، ق، س، ل، ل، آ، ب این بیت را ندارند ۲۴- س: بیبندم ۲۵- ل، س، ل، آ: او ۲۶- ل، س، ل^۲ (نیز ق، لی، پ، و، آ): مهتری؛ (ل): نیکویی؛ متن = ف، ق، س، ل، ل، آ، ب این بیت را ندارند

که باشد به پیری مرا دستگیر
 همی خواهم از کردگار بلند
 که این نامه بر نام شاه جهان
 و زانپس^۴ تن جانور خاک راست
 ۵۵ جهاندار بخشنده و^۶ دادگر
 خداوند هند و خداوند چین
 خداوند زیبای^۷ برترمنش
 بدرد از^{۱۱} آواز او کوه و سنگ^{۱۱}
 چه دینار در بزم پیشش^{۱۲}، چه خاک
 ۶۰ جهاندار محمود خورشیدفش
 مرا از جهان بی نیازی دهد
 که جاوید بادا سر و تخت اوی^{۱۶}
 دلیر آنک او را بیارد^{۱۸} ستود
 که شاه جهان از گمان^{۲۰} برترست
 ۶۵ یکی بندگی کردم ای شهریار
 بناهای آباد گردد خراب
 پی افگندم^{۲۳} از نظم^{۲۴} کاخی بلند
 خداوند شمشیر و تاج و سریر^۱
 که چندان بماند تنم^۲ بی گزند،
 بگوم، نمانم سخن در نهان^۳
 روان^۵ روان معدن پاک راست
 کروست پیدا به گیتی هنر
 خداوند ایران و توران زمین
 ازو^۸ دور پیغاره^۹ و سرزنش
 به دریا نهنگ و به خشکی پلنگ
 ز بخشش ندارد دلش^{۱۳} هیچ^{۱۴} باک
 به رزم اندرون شیر شمشیرگش
 میان گوان^{۱۵} سرفرازی دهد
 به کام دلش گردش^{۱۷} بخت اوی^{۱۶}
 کسی کو ستاید بیارد^{۱۹} شود
 چو بر تارک مشتری افسرست
 که ماند ز من^{۲۱} در جهان یادگار
 ز باران و از^{۲۲} تابش آفتاب
 که از باد و باران نیابد^{۲۵} گزند

۱- بیت های ۵۱-۶۰ در دستنویس ها درهم ریخته اند، ف: ۵۱-۵۶، ۵۹، ۶۰، ۵۸ (بیت ۵۷ را ندارد): ل، ق، ل، ل، ۳: ۵۴، ۵۵، ۵۱، ۵۶-۶۰ (بیت های ۵۲ و ۵۳ را ندارند): ل، آ: ۵۲-۵۵، ۵۱، ۴۴، ۴۵، ۵۶-۶۰ (بیت ۵۱ را ندارند): ب: ۵۴، ۵۵، ۵۱، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۶۱، ۶۲، ۵۹، ۶۰ (بیت های ۵۲ و ۵۳ را ندارد): ل، ب: ۵۳-۶۰ (بیت های ۵۱ و ۵۲ را ندارند): بیایی بیت های متن = س، ل، ل، ق، آ: یا = ل، ب پس از افزودن بیت های ۵۱ و ۵۲ ۲- س: که چندین بماند همی: متن = ف، ل (نیز ق، آ، ل، و، آ): ب، ل، ل، ل، ل، ل، ب، ل، ل، ب این بیت را ندارند ۳- ل، ق، س، ل، ل، ل، ل این بیت را ندارند ۴- ل: ازانپس ۵- س: روان ۶- (ق، آ، ل، ل، ل، آ، ب: [و])؛ ل، ق (نیز ل، ل، ب): همان نیز بخشنده: متن = ف، س، ل (نیز و) ۷- س، ق، ل (نیز ل، ل، ب، ل، آ، ب): زیبا و: (وز بیار): متن = ل (نیز ق، آ، ل) ۸- س، ق: وزو ۹- ل: پیرایه: ف این بیت را ندارد ۱۰- ل: ز ۱۱- ل، ق (نیز ل): کوه سنگ: س، ل (نیز ب): گوش سنگ: (ق: سخت سنگ: ل: گوش نهنگ): متن = ف (نیز ل، ل، ب، آ) ۱۲- ل: در پیش بزمش ۱۳- (ل، آ: کفش: و: بدل) ۱۴- س (نیز ل، ب): ترس و ۱۵- ق (نیز ل، ب): یلان: س، ل این بیت را ندارند ۱۶- ل، ق: او ۱۷- ف (نیز ب): افسرو: (ل، آ: بخشش و: و: کوشش): متن = ل، س، ق، ل (نیز ل، ق، آ، ل، ب) ۱۸- ف، س: بیارد (حرف یکم نقطه ندارد): (ل: نداند: ب: نیارد): ل (نیز ب): که داند و را در جهان خود: ق: دگر آنکه او را که یارد: ل (نیز و): دلبری که او را که یارد (و: نیارد): متن = (ل، ق، آ، ل، ل، آ) ۱۹- ف: بیارد (حرف یکم نقطه ندارد): ل: که یارد: (و: نیابد): ل (نیز ل، ل، ب): کسی کش ستاید که یارد (ل: بیارد: ل، ب: نیارد): س، ق (نیز ل، ل، ب): وگر من ستایم که یارد: (ق: کسی کو نیارد نباشد: آ: کسی کش ستایش بداند): متن = ف ۲۰- ل، ق (نیز ل، و، آ): که شاه از گمان و توان (ل: زهان): متن = س، ل (نیز ل، ب): ف این بیت را ندارد ۲۱- ق (نیز ل، ق، آ، ل، ل، آ): تو: متن = ف، ل، س (نیز ب، و): ل، ل، ل، ب این بیت را ندارند ۲۲- ل، ق، ل، ل، ق، ل، ل، ق: بیفکنده ۲۳- ق: بیفکنده ۲۴- (ل: فکنده بنام تو) ۲۵- ل، ق: بارانش زاید: (ل: آتش نیابد): متن = ف، س، ل (نیز هشت دستنویس دیگر)

۷۰ برین نامه بر عمرها^۱ بگذرد
کنند^۳ آفرین بر جهاندارشاه^۴
مرو را ستاینده^۷ کردار اوست
چو این مایه دیدم، سزای^۹ وُرا
زمانه سراسر بدو زنده باد!
همی خواندش هر^۲ که دارد خرد
که بی او^۵ میناد کس پیشگاه^۶
جهان سربسر پُر ز آثار^۸ اوست
پرستش^{۱۰} کنم خاک پای وُرا
خرد تحتِ او را فروزنده باد!^{۱۱}

۷۵ کنون زین سپس نامه‌ی باستان
چو پیش آورم گردش روزگار
چو پیگار کیخسرو آمد پدید
بدین داستان در^{۱۴} بارم^{۱۴} همی
کنون خطبه‌یی یافتم^{۱۶} پیش از آن^{۱۷}
بیوندم از گفته‌ی راستان^{۱۲}
نباید مرا پند آموزگار
ز من جادوی‌ها نباید شنید^{۱۳}
به سنگ^{۱۵} اندرون لاله کارم همی
که مغز^{۱۸} سخن^{۱۹} یافتم^{۲۰} بیش از آن:

ایا آزمون را نهاده دو چشم گهی شادمانی و گاهی به^{۲۱} خشم

۱- ل، س (نیزب): ساها؛ (ق:۲: سالیان)؛ متن = ف، ق، ل^۲ (نیزهفت دستنویس دیگر) ۲- ل، س، ق (نیزلن-ب): خواند آنکس؛ ل^۲: خواند آنرا که؛ متن = ف ۳- ق (نیزلن-ب، ل، آ، ب): کند؛ متن = ف، ل، س، ل^۲ (نیزو) ۴- ل^۲: جهانجوی شاه ۵- س (نیزلن، ل، ب): تو ۶- س، ل^۲ (نیزلن، ب): پایگاه ۷- س: شناسنده ۸- ل (نیزلن، ل، آ): زیر آثار؛ (ق:۲: پرزپیکار)؛ ق: سراسر جهان زیر آثار؛ متن = ف، س، ل^۲ (نیزب، و، ل، ب) ۹- ل، س، ق، ل^۲ (نیزلن-و، آ، ب): چومایه ندارم (ل، ل^۲: بدارم؛ ب: نداری) ثنای؛ متن = ف ۱۰- ل: نیایش؛ ق (نیزلن-و، آ): ستایش؛ متن = ف، س، ل^۲ (نیزب) ۱۱- ل، س، ق، ل، ل^۲: ب، آپس از بیت ۷۲ چهاربیت و ل^۲، ل، ب تنها بیت‌های دوم و چهارم را افزوده‌اند:

دلش شادمانه چو(ق:۲: به) خرم‌بهار

همیشه برین (ق: خوش از؛ ق: بکام دلش؛ ل، آ: ابا؛ س: همه سرپراز) گردش روزگار

ازو شادمانه دل انجمن

بهر کار پیروز و چیره بتن (ل، ل، ل^۲، ب، ب: سخن)

همی تا بگردد فلک چرخ‌وار

بود اندرو مشتری را (پ: اخترانرا؛ س: بود مشتری را بروبر) گذار

بقاباد (ل^۲، ق، ل، ل^۲، ب: بماناد) جاوید در عز و ناز؛

ل، پ: شهنشاه ماباد با جباه (پ: عز) و ناز

ازو(وزو) دور چشم بد و بی نیاز(ق، ق:۲: بدی و نیاز)

ف، س، و هیچیک از این بیت‌ها را، و ل^۲، ل، ل^۲، ب بیت‌های یکم و سوم را ندارند ۱۲- درس این بیت پس از بیت ۹۵ آمده است ۱۳- درس^۲ این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۱۴- ق، س^۲ (نیزلن، ل-ل^۲، ب): ببارم؛ متن = ف، ل، ل^۲ (نیز ق، آ) ۱۵- س^۲: بچنگ؛ س بیت‌های ۷۶-۷۸ را ندارد؛ برخی از دستنویس‌ها در اینجا سرنویس دارند، ف: گفتار اندر خطبه رزم بزرگ جنگ کیخسرو و افراسیاب؛ ل: گفتار اندر رزم افراسیاب با کیخسرو؛ ق: آغاز داستان رزم بزرگ؛ س^۲: رزم کیخسرو با افراسیاب و این را جنگ بزرگ خوانند ۱۶- ل: خامه یافتم؛ ق: خامه یافتم؛ (ل، ل^۲: خامه برتافتم؛ ب: دیمة یافتم)؛ متن = ف، ل، ل^۲، س^۲ (نیزق، ل، ل^۲، آ، ب) ۱۷- ل^۲ (نیزب، ب): زین نشان ۱۸- ل^۲ (نیزلن، آ): معنی؛ (پ: جان) ۱۹- (ل: اندرون) ۲۰- ل (نیزق، آ): یافتم (حرف بکم نقطه ندارد)؛ ف را هم یافتم می‌توان خواند و هم یافتم و دیگر دستنویس‌ها یافتم دارند ۲۱- ل، ق (نیزل^۲): گهی درد و؛ ل^۲ (نیزل، آ): و گه پرز؛ س^۲ (نیزب، و، ل، ل^۲): گهی پرز؛ (ق: شادمان و گهی پرز)؛ متن = ف

شِگفت اندرین گنبد تیزگردا
 ۸۰ چُنین بود تا بود دوراً زمان
 یکی را همه بهره^۷ شهدست و قند
 یکی را همه رفتن اندر وُریب^۹
 چُنین پروراندھی^{۱۱} روزگار
 هرآنکس که سالش برآمد^{۱۴} به شست
 ۸۵ ز هفتاد برنگذرد^{۱۶} بس^{۱۷} کسی
 وُ گر بگذرد آن همه^{۱۸} بترِیست
 اگر شست^{۲۰} ماهی بُدی سال^{۲۱} شست
 نیابیم بر^{۲۴} چرخ گردنده راه^{۲۵}
 جهاندار اگر^{۲۸} چند کوشد به رنج
 ۹۰ همش^{۳۰} رفت باید^{۳۱} به دیگرسرای

بماندی^۲ چُنین، دل پُر از داغ و درد^۳
 به نوی^۵ تو اندر^۶ شِگفتی ممان!
 تن آسانی و ناز و بخت^۸ بلند
 گه اندر فراز و گه اندر^{۱۰} نشیب
 فزون آمد از رنگ^{۱۲} گل رنج^{۱۳} خار
 باید کشیدن ز بیشیش^{۱۵} دست
 ز دورانِ چرخ آزمودم بسی
 برآن^{۱۹} زندگانی بیاید گریست
 خردمند ازو^{۲۲} یافتی راه^{۲۳} جست
 نه بر دامن دام^{۲۶} خورشید و ماه^{۲۷}
 بیازد به کین و بنازد^{۲۹} به گنج،
 بماند همه کوشش ایدر^{۳۲} به جای

۱- ل: لاژورد؛ س، ل^۱ (نیزلی، پ، و، ل^۱)؛ تیزرو؛ ق (نیزلی، ل، آ)؛ لاجورد؛ متن = ف، س^۱ (نیزق^۲) ۲- ل، س (نیزق^۲، ل، پ، ل^۱، آ)؛ بماند؛ ق؛ بمانده؛ ل^۱ (نیزلی)؛ نماند؛ (و؛ بماندم)؛ متن = ف، س^۲ ۳- (و؛ خو)؛ س، ل^۱ (نیزلی، پ، ل^۱)؛ همی دل پر از رنج نو؛ متن = ف، ل، ق، س^۱ (نیزق^۲، ل، آ)؛ در ف، س^۱ این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است؛ پیایی بیت های متن = ل، س، ق، ل، آ، و، آ ۴- س^۱؛ روزو ۵- س، ق؛ نبود؛ س^۱ (نیزق^۲، ل، و، آ)؛ بنویسی؛ (ل^۲؛ نمائی)؛ متن = ف، ل ۶- ق؛ ایدر؛ ل، ل^۱، ل، پ، ل^۱؛ ب این بیت را ندارند ۷- س، س^۱ (نیزلن^۱؛ ب)؛ ساله؛ متن = ف، ل، ق، ل^۱ (نیزلن^۱؛ و، آ) ۸- ف، ق (نیزلی، ل^۱)؛ تخت (؟)؛ ل، س، ل^۱، س^۱ (نیزلن^۱، و، ل^۱، آ)؛ سخت (حرف یکم نقطه ندارد)؛ متن = (ق^۲، پ)؛ در ل^۱ پس از این بیت، بیت های ۸۵-۸۷ آمده اند؛ ل، س، س^۱، ق^۲، ل^۱، پ، و، آ، ب پس از بیت ۸۱ و ل^۱ پس از بیت ۸۵ افزوده اند:

یکی زو(را) همه ساله با(زو) درد و رنج
 شده تنگ دل در سزای سپنج
 ف، ق، ل، ل^۱، ل^۱ این بیت را ندارند ۹- ل، س، ل^۱، س^۱ (نیزپ، و)؛ فریب؛ (لن، ق، ل^۱، ل^۱، آ، نیب)؛ ق؛ زرفتن همی در نیب؛
 متن = ف ۱۰- ل، ق، ل^۱، س^۱ (نیزلن^۱، ل^۱، پ، و، آ)؛ گهی در (بر) فرازو گهی در (بر)؛ س (نیزق^۲)؛ یکی در (بر) فرازو یکی در؛
 متن = ف؛ ل^۱، ب این بیت را ندارند ۱۱- ق؛ چنن بوده از گردش ۱۲- (ق^۲، ل^۱؛ بوی؛ ل^۱؛ رنج)؛ س^۱؛ نامد از بوی ۱۳-
 (ل^۱؛ و؛ زخم؛ ل^۱؛ رنگ) ۱۴- س^۱؛ درآید؛ (ل^۱؛ درآمد)؛ س (نیزآ)؛ سال اندر آمد؛ ل، ق، ل^۱ (نیزلن^۱، ل^۱، پ)؛ هر آنکه که سال اندر آمد
 (ل^۱؛ آید)؛ متن = ف ۱۵- ل، ق (نیزل^۲، پ)؛ بیشیت؛ س؛ بدعاش؛ متن = ف، ل^۱، س^۱ (نیزلن^۱، ل^۱، آ)؛ ق^۲، ل^۱، ب این بیت را
 ندارند ۱۶- س^۱ (نیزآ)؛ بس نگذرد ۱۷- س (نیزلی، ل^۱، آ)؛ بر؛ ق، ل^۱ (نیزلن^۱، ل^۱)؛ هر؛ متن = ف، ل، س^۱ (نیزق^۲، پ، و،
 ب) ۱۸- س (نیزلن^۱)؛ آن هم از؛ (لن؛ زان سپس) ۱۹- ق؛ بدان؛ س پس از این بیت افزوده است:
 اگر چه بمائی به گیتی دراز
 زرنج تن آید برفتن نیاز
 چه افسرت بر سر چه بر سر ترگ
 برو بگذرد تیر و پیکان مرگ
 ۲۰- ل، س، ل^۱ (نیزلی، پ)؛ دام؛ س^۱؛ شصت؛ متن = ف (نیزق^۲، آ) ۲۱- ل^۱؛ بدین جای (!) ۲۲- ل^۱؛ زو ۲۳- س؛
 جای؛ در س پس از این بیت، بیت ۸۲ آمده است؛ ق، ل، ل^۱، و، ل^۱، ب بیت ۸۷ را ندارند ۲۴- س؛ نیابم بران؛ ل^۱؛ نیابم بر
 این ۲۵- س^۱؛ رای ۲۶- ل (نیزپ)؛ نه بر کار دادار؛ (لن، ل^۱؛ نبرد (ببرد) اهرمن دام)؛ متن = ف، س، ق، ل^۱ (نیزلی، و، ل^۱، آ،
 ب) ۲۷- س^۱؛ بماند همه کوشش ایدر بجای (۸۸- ب) ۲۸- ف؛ هر؛ متن =
 ل، س، ق، ل^۱ (نیزلن^۱؛ ب) ۲۹- ق؛ نسازد؛ ل^۱؛ نیازد ۳۰- ف؛ همی؛ متن = ل، س، ق، ل^۱ (نیزلن^۱؛ ب) ۳۱- س، ل^۱ (نیز
 پ، و، ل^۱، ب)؛ رفتن آید؛ متن = ف، ل، ق (نیزلن^۱، ق^۲، ل^۱، آ) ۳۲- س (نیزپ، ل^۱، ب)؛ او

تو از کارا کیخسرو اندازه گیر
که^۲ کین پدر بازجست از نیا
نیا را بگشت و خود ایدر نماند
چنینست رسم سرای سپنج

گهن گشته کار جهان تازه گیر
ز^۳ شمشیر و هم چاره و کیمیا
جهان نیز منشور او برخواند^۴
بدان کوش تا دور مانی ز رنج^۵

آغاز داستان^۶

۹۵ چو شد کار پیران و لشکر^۷ بسر
بیاراست از هر سوی مهتران
برآمد خروشیدن^۹ گره نای^۹
یکی تخت پیروزه بر پشت پیل
نشست از بر تخت با تاج شاه
به شهر اندرون جای خفتن نماند^{۱۲}

۱۰۰ چو بر پشت پیل آن شه نامور
نبودی به هر پادشاهی روا
از آن نامور خسرو سرکشان
به مرزی که لشکر فرستاده بود

۱۰۵ چو لهر اسپ^{۱۷} و چون آشکش^{۱۸} تیز چنگ
دگر نامور رستم^{۱۹} پهلوان

به جنگ دگر شاه پیروزگر،
برفتند با لشکران گران^۸
به هامون کشیدند پرده سرای
نهادند و شد^{۱۰} گرد^{۱۱} گیتی چونیل
خروش آمد از دشت و ز بارگاه
به دشت اندرون جای^{۱۳} رفتن نماند^{۱۲}
زدی مهره در^{۱۴} جام و بستی کمر،
نشستن مگر بر در پادشا
چنین بود در^{۱۵} پادشاهی نشان
بسی پند و اندرزها^{۱۶} داده بود
که از ژرف دریا ربودی نهنگ
پسندیده و راد و^{۲۰} روشن روان

۱- س (نیز لن، ل، ل، ل، ب): شاه ۲- س: چو ۳- ل- س (نیز لن- ب): به؛ متن = ف ۴- ف: را نخواند؛ ل، ق (نیز لن، ل۳): را بخواند (حرف سوم نقطه ندارد)؛ س، ل (نیز ق، و، ل، ب): بر بخواند (حرف سوم نقطه ندارد)؛ (پ: را بخواند)؛ متن = س (نیز ل، آ) ۵- ل۲ پس از این بیت افزوده است: بگویم کنون من یکی داستان برانسان که بشنودم از باستان

۶- ف: آغاز داستان رزم بزرگ؛ متن = ل، س، ل، آ، س ۷- ل، ق (نیز لن، لی، ل، آ): پیران و یسه؛ س، ل (نیز پ، لن، ب): گودرز و پیران؛ متن = ف، س (نیز ق، و)؛ درس پس از این بیت، بیت ۷۳ آمده است ۸- ل، ق (نیز لن، ق، ل، لی، ل، و، آ): لشکری بی کران؛ متن = ف، س، ل، س (نیز پ، لن، ب) ۹- ف، ل: کرتای؛ س، لن، آ، ب این بیت را ندارند؛ درل پس از این بیت، بیت ۱۰۰ آمده است ۱۰- س: نهاده شده ۱۱- ل، ق، س (نیز لن، لی، ل، پ، و، آ): روی؛ متن = ف، س، ل (نیز لن، ب) ۱۲- س، ق، ل (نیز لن، لی، و، لن، آ، ب): نبود؛ متن = ف، ل، س (نیز ق، ل، پ) ۱۳- ل، س، ق، ل (نیز پ، و، لن، آ، ب): راه؛ متن = ف، س (نیز لن، ق، ل، لی، ل، آ، ب)؛ درل این بیت پس از بیت ۹۷ آمده است؛ ف، ق پس از بیت ۱۰۰ افزوده اند:

جهان شد پر از (ق: گشت پر) ناله بوق و کوس زمین آهنین شد هوا (ق: سپهر) آبنوس

۱۴- (ل۳: بر)؛ ف، س بیت های ۱۰۱-۱۰۳ را ندارند، ولی در ترجمه بنداری نیز هست: فتتسم الفیل علی تخت من الفیروزج قد وضع علی ظهره، و حرک الخرزة فی الجام إشعارا بالنفیر العام. فحرم المقام علی جمیع الملوک فی جمیع الأطراف. فنفرؤا وأقبلوا الی خدمته ۱۵- ل۲: با ۱۶- ل، س (نیز ق، و، لن، ب): بدره و پندها؛ متن = ف، ل، ق، س (نیز لن، لی، ل، پ، آ) ۱۷- درو یا سه نقطه ۱۸- س، ل، س (نیز ق، و، لن، ب): رستم (درف نیز نخست رستم داشته و در بالا به ضبط متن تصحیح کرده است)؛ ق (نیز لن، بنداری): اشکس؛ (آ: اسکس)؛ متن = ف، ل (نیز لی، ل، ب) ۱۹- س (نیز ق، و، لن، آ): اشکس؛ ل، س (نیز ب): اشکس؛ متن = ف، ل، ق (نیز لن، لی، ل، پ، آ) ۲۰- (ق: شاه و)؛ س: پسندیده بی بود

بفرمودشان بازگشتن به در
 در گنج بگشاد و روزی بداد
 سه تن را گزیدند^۳ از آن^۴ انجمن
 چو رستم که بُد پهلوانِ بزرگ^۵ ۱۱۰
 دگر پهلوان طوس ز رینه کفش
 فرستادگان خواست از^{۱۲} انجمن
 به هر نامداری و خودکامه‌یی
 که پیروزکیخسرو از پشت پیل
 مه^{۱۶} آرام بادا شما را مه^{۱۶} خواب ۱۱۵
 چو برخواند آن نامه^{۱۷} هر مهتری^{۱۸}
 ز گردان گیتی برآمد خروش
 بزرگان هر کشوری با سپاه
 چو شد ساخته جنگ^{۲۲} را لشکری
 از آن پس بگردید گرد سپاه ۱۲۰
 گزین کرد از آن^{۲۵} لشکر نامدار
 که باشند با او^{۲۷} به قلب اندرون
 به یک دست مر^{۲۸} طوس را کرد جای

هرآنکس که بُد گرد و پرخاشخبر
 بسی^۲ از روانِ پدر کرد یاد
 بزرگان^۵ روشن دل^۶ رای زن^۷
 چو گودرز بینادل^۹ پیرگرگ^{۱۰}
 کجا^{۱۱} بود با کاویانی درفش
 سخن گوی و روشن دل و تیغ زن^{۱۳}
 نبشتند^{۱۴} بر پهلوی نامه‌یی
 بزد مهره و گشت گیتی^{۱۵} چونیل
 مگر ساختن رزم افراسیاب
 کجا بود در پادشاهی سری،
 زمین همچو دریا برآمد^{۱۹} به جوش
 نهادند سر^{۲۰} سوی درگاه^{۲۱} شاه
 ز هر نامداری و^{۲۳} هر کشوری،
 بیاراست از^{۲۴} هر سوی رزمگاه
 سواران^{۲۶} شمشیرزن سی هزار
 همه جنگ را دست شسته به خون
 منوشان و خوزان^{۲۹} فرخنده رای

۱- ق، ل: [و]؛ س پس از این بیت افزوده است:

بفرمود تا ساز جنگ آورند دل دشمنان را بتنگ آورند

۲- ق: همی ۳- ل، ق، س (نیز لن - و، آ): گزین کرد؛ متن = ف، س، ل (نیز لن، ب) ۴- ل: زان ۵- ل، ق (نیز لی، ل، آ، ب: سخن گوی و؛ (پ: سخن دان)؛ متن ← ۶- س، ل، س (نیز لن، لن، ب): رویین تن؛ (لی، آ: دانادل؛ و: فرزانه)؛ متن ← ۷- ل، ق (نیز لی، ل، آ، ب): تیغ زن؛ متن = ف (نیز ق) ۸- ف: سپاه؛ متن = ل، س، ق، س (نیز ق، ب) ۹- ق: بیداردل؛ س: کشواد آن؛ متن ← ۱۰- (لی، آ: شیرگرگ)؛ ف: زیبای تخت و کلاه؛ متن = ل، س (نیز ق، ل، ب، و، لن، ب)؛ ل، لن این بیت را ندارند ۱۱- ف، س، ق، س (نیز ق، ب): که او؛ متن = ل؛ ل، لن این بیت را ندارند ۱۲- ق: از آن؛ س (نیز لن، ب): جست از آن ۱۳- س (نیز لی، ل، آ، و، لن، آ، ب): رای زن؛ ل (نیز ب): زبان آور و بخرد و رای زن (پ: نیک فن)؛ ق: بزرگان رویین تن رای زن؛ متن = ف، س (نیز ق)؛ ل، لن این بیت را ندارند؛ در ل این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۱۴- ل، س (نیز لی، ل، ب، و، آ): نوشتند؛ متن = ف، ق، ل، س (نیز ق، لن، ب) ۱۵- ل: کشور ۱۶- ق (نیز ل)؛ نه ۱۷- ل (نیز ب): آن نامه برخواند ۱۸- س: سروری ۱۹- ق (نیز ب، و): درآمد؛ س: بیامد ۲۰- س: رخ ۲۱- ق: فرمان ۲۲- ف: رزم؛ متن = ل - س (نیز لن - ب) ۲۳- ل (نیز ق، ب): به؛ س، ل (نیز لن، ب): از آن نامداران؛ متن = ف، ق، س (نیز لن، لی، ل، و، آ) ۲۴- ل، س، ل، س (نیز ل، ب، و، لن، آ، ب): بر؛ متن = ف، ق (نیز لن، ق، آ، لی، آ) ۲۵- ل: زان ۲۶- ل (نیز ق، آ، لی، آ): صد هزار؛ بنداری: ثلاثین ألف ۲۷- ق: وی ۲۸- ل، س (نیز و، ب): بر ۲۹- ف: که فرخنده پی بود و؛ ل: متوشان خوزان؛ س: متوسان و خوزان؛ س: متوسان و حوران؛ (لن، ل): دگر سومنوشان؛ لی، و: منوشان و حوران؛ لن: منوشان و حوزان؛ متن = ق، ل (نیز ق، ب، آ، ب)؛ ف پس از این بیت افزوده است:

منوشان و خوزان به دست دگر دو شیر دلاور، دو پرخاشخبر

<p>منوشان و خوزان^۲ زرین‌کلاه دو شه‌زاده‌ی^۴ گرد لشکرفروز گه رزم با بخت همراه بود^۷ نکردی به دل یاد رای درنگ دگر شیردل ایرج پیل‌تن جهاندار و بیدار و فرمان‌روا^{۱۳} کجا رزم را بسته بودی^{۱۶} میان به هر کار پیروز و لشکرفروز^{۲۰} جهانگیر^{۲۳} و فرزانه و پارسا^{۲۴} بزرگان با دانش و^{۲۶} با نژاد دل‌افروز^{۲۸} را لشکرآرای کرد^{۲۹} زدندی شب تار در تیره‌میغ^{۳۱}</p>	<p>که بر کشور پارس بودند^۱ شاه دو تن نیز بودند هم رزم‌توز^۳ یکی آنک بر خوزیان^۵ شاه بود^۶ یکی^۸ شاه کرمان^۹ که هنگام جنگ چو صبح^{۱۰} فرزانه شاه یمن که بر شهر کاو^{۱۱} بُد او پادشا^{۱۲} چو شَمَاح^{۱۴} سوری شه سوریان^{۱۵} فروتر^{۱۷} ازو گیوه‌ی^{۱۸} رزم‌پیوز^{۱۹} که بر شهر داور^{۲۱} بُد او^{۲۲} پادشا هر آن کو بُد^{۲۵} از تخمه‌ی کیقباد به دست چپ خویش بر پای^{۲۷} کرد بزرگان کجا از چپ و راست^{۳۰} تیغ^{۳۵}</p>
---	---

۱- ل، ق (نیز لن، لی، پ، آ): خوزیان بود؛ س^۲: مرو بودند؛ متن = ف (نیز ق^۲) ۲- ل، ق (نیز لن، لی، پ، آ): بسی نامداران؛ س^۲: شه نامیردار؛ متن = ف (نیز ق^۲): س، ل، ل، ل، و، لن، ب این بیت را ندارند ۳- ل (نیز لن، ق، آ، ب): رزم سوز؛ س، ل، س^۲ (نیز و، لن، آ، ب): وزو دورتر (س^۲: دگر نامور) آرش رزم‌توز؛ ق: دو تن بود هم گرد و هم رزم‌توز؛ متن = ف (نیز لی، آ) ۴- ل، ل، س، ق، ل، س^۲ (نیز لن، ق، آ، لی، پ-ب): چو کوران (س^۲: خوران؛ ق، آ، لی، آ: کردان) شه آن (ق، لن، لی، آ: شه و)؛ متن = ف؛ ل، پ پس از این بیت افزوده‌اند: وزو نیوتر (پ: دورتر) آرش رزم‌زن چو کوران شه آن گرد لشکرشکن

۵- ل: کشور؛ س: حوریان؛ ق: عسکری؛ (لن: کشورش؛ پ: کشوری؛ و: حوزیان؛ ل: که بر کشور خوزیان)؛ متن = ف، ل، آ، س^۲ (نیز ق، آ، لی، لن، آ، ب) ۶- ق: بود شاه ۷- س^۲: و با گاه بود؛ ق: که بر تخت او را بدی بخت راه ۸- ل: دگر؛ ق: دوم ۹- س: مکران ۱۰- ل، ل، ل، آ: صیاع؛ (لن، لی: سیاع؛ ق: صباع؛ ل: سیاخ؛ لن: صیاح؛ آ: سیاع؛ ب: صیاح)؛ متن = ف، س، ق، س^۲ (نیز پ، و) ۱۱- ف- س^۲ (نیز لن-ب): کابل؛ متن تصحیح قیاسی است ۱۲- ق: پادشاه ۱۳- س: فرمان ده و پارسا؛ ق: فرزانه با تاج و گاه؛ ل^۲ (نیز لی، پ، و، لن، آ، ب): فرزانه و پارسا؛ (لن، ل: پیروز و فرمانروا)؛ متن = ف، ل، س^۲ (نیز ق، آ، ب، در ل، ق، ل، لن، ل، آ، پ پس از این بیت، بیت ۱۳۳ آمده است ۱۴- ل (نیز لی): سماخ ۱۵- ق (نیز ل): تازیان؛ (ق: توزی سر توزیان) ۱۶- ل: بود بسته؛ ل، آ، و این بیت را ندارند ۱۷- ف (نیز لن): فروتر؛ (ل: فروتر) ۱۸- س: گیوید؛ ق: تیمه؛ (ل: نیو؛ پ، لن، آ: قارن) ۱۹- ف، س، ل، آ: رزم‌توز؛ ل، ق، س^۲ (نیز لی، پ، ل، لن، آ، ب): رزم‌زن؛ (ق: رزم‌سوز)؛ متن = (آ) ۲۰- ل، س^۲ (نیز لی، پ، ل، لن، آ، ب): لشکرشکن؛ ق: که هرگز ندیدی بکاری شکن؛ متن = ف، س، ل، آ (نیز آ) ۲۱- ق، ل، س^۲ (نیز ق، آ، لی، ل، آ، پ، لن، آ، ب): خاور؛ متن = ل: داور(؟) ۲۲- (لن: حاوید بد) ۲۳- س^۲ (نیز لن، ل، آ): جهاندار؛ (ق: سرفراز)؛ متن ← ۲۴- ق (نیز آ): جهاندار و پیروز و فرمان‌روا؛ ل^۲ (نیز پ، لن، آ، ب): جهاندار و بیدار و فرمان‌روا (= ۱۲۹ ب)؛ (لی: جهاندار پیروز با فروجه)؛ متن = ل؛ ف، س، و این بیت را ندارند ۲۵- س، ل، آ: کس که ۲۶- س، ق: [و]؛ در ل، ق، ل، لن، ل، آ، پ این بیت پس از بیت ۱۳۰ آمده است؛ پیاپی بیت‌های متن = س، آ، ق، لی، لن، آ، ب: و یا = ف، س پس از افزودن بیت ۱۳۲ ۲۷- س، ق، ل^۲ (نیز لن، ق، آ، لی، پ-ب): جای؛ متن = ف، ل، س^۲ (نیز ل) ۲۸- ف: منوچهر؛ متن = ل، ق، ل، س^۲ (نیز لن-و، آ) ۲۹- س (نیز لن، آ، ب): که شاه او پسندیده بُد در نبرد ۳۰- ل (نیز ل): که از تخم بوسب؛ س: ز تخم سیامک که؛ ق: که از نوز و نورست و؛ ل: که از تخم زراسب؛ س^۲ (نیز ق، آ): ز تخم پشن آنک؛ (لن: که از تخم بوسب و؛ پ، و: ز تخم زراسب آنک)؛ متن = ف ۳۱- ل، س، ل، آ، س^۲ (نیز ق، آ، پ، و): تیره بر تیره (ل: ناد؛ ل: بار؛ س^۲: تار؛ ق: پاره؛ پ: تاره؛ و: ترگ) میغ؛ ق: تیره تابان چو میغ؛ (لن: تاره در تیره میغ)؛ متن = ف (نیز ل، لی، لن، آ، ب این بیت را ندارند؛ در ل، ق، س، ل، لن، ق، آ، ل، پ پس از این بیت، بیت ۱۳۸ آمده است؛ بنداری (۱۲۳-۱۳۵): ورتب علی أحد جانبیه طوس بن نوذر مع جماعه من أصحاب الأطراف، وجعل علی الجانب الآخر أولاد الملوك الذین ینتسبون الی کیقباد

<p>کجا شاهشان از پلنگان^۲ شمرد برفتند یکسر به فرمان کی^۳ پرستنده^۵ فرخ آذرگشسپ همه^۶ نیزه از میغ بگذاشتند^۷ که یک دل سپاهی بُد و یک تنه و گر^{۱۱} کهتر^{۱۲} و خویش دستان بُدند، همه^{۱۵} نام و آرایش جنگ خواست چو خورشید تابان ز^{۱۶} برج بره هجیر سپهدار و^{۱۸} فرهاد بود به پیش جهاندار^{۲۰} بودند خیل چپ لشکرش را بیاراستند^{۲۱} به پیلان جنگی بیستند^{۲۲} راه زمین شد بکردار دریای نیل^{۲۳} به صندوق در^{۲۴} ناوک انداز مرد^{۲۵} همه جنگ جوی و همه نیزه دار^{۲۶}</p>	<p>دگر بیژن گیوا و رُهام گُرد چو گرگین میلاد و گردان ری دگر آنک بود او^۴ ز تخم زرسپ پس پشت او را نگه داشتند به رستم سپرد آن زمان^۸ میمنه هرآنکس که از زاوولستان^{۱۱} بُدند بدیشان^{۱۳} سپرد آن زمان^{۱۴} دست راست سپاهی گزین کرد بر میسره سپهدار گودرز^{۱۷} کشواد بود بزرگان که از بردع و اردبیل^{۱۹} سپهدار گودرز را خواستند بفرمود تا پیش قلب سپاه نهادند صندوق بر پشت پیل هزار از دلیران روز نبرد نگهبان هر پیل سیصد سوار ۱۴۰ ۱۴۵ ۱۵۰</p>
--	---

۱- ف: گُرد؛ متن = ل- س^۲ (نیزلن- و، آ، بنداری) ۲- ل، س، ق، ل^۲ (نیزلن- و، آ): بزرگان؛ متن = ف، س^۲؛ ل^۲؛ ب این بیت را ندارند ۳- ق (نیزق^۲، لی، آ): بفرمان برفتند فرخنده پی؛ س^۲: بفرمان برفتند از پیش کی؛ (لن): برفته بفرمان فرخنده پی؛ متن = ف، ل، س، ل^۲ (نیزل^۲، پ، و، لن، آ، ب) ۴- ف: بد او؛ (لن: بودی)؛ ل: هر آنکس که بود او؛ ق: یکی آنک بود او؛ متن = س، ل، س^۲ (نیزق^۲، لی، ل، لن، آ، ب) ۵- س، ل^۲ (نیزلن^۲): پرستنده ۶- س، س^۲: همی ۷- ق: بردشمن افراشتند؛ ل^۲: که با نیزه از میغ بگذاشتند ۸- ف: آنگهی؛ متن = ل- س^۲ (نیزلن- ب) ۹- (پ: بد او؛ ل^۲: سواری بد او)؛ ل (نیزلن): که بود او سپاهی شکن (لن: گشن)؛ ق: که او بد سپه کش یل؛ (لی، و، آ: که او یک سپاهی بدو)؛ متن = ف، س، ل، س^۲ (نیزق^۲، لن، آ، ب) ۱۰- ف، س، ق، س^۲ (نیزلن- ب، بنداری): زابلستان؛ متن = ل، ل، ل^۲ ۱۱- (لی: ویا) ۱۲- س، ق، ل^۲ (نیزلن، پ، لن، آ، ب): مهتر ۱۳- ل^۲: بایشان ۱۴- ف: آنگهی؛ متن = ل- س^۲ (نیزلن- ب) ۱۵- ل، ل، ق، ل^۲، س^۲ (نیزلن، لی، ل، آ): همی؛ متن = ف، س^۲ (نیزق^۲، پ، و، لن، آ، ب) ۱۶- ل^۲: به ۱۷- (ل^۲: سپهدارشان پور) ۱۸- ل: هجیر و چوشیدوش و؛ ق (نیزلن، لی، آ): هجیر و سپهدار؛ (و: هجیر سرافراز و)؛ متن = س، ل، س^۲ (نیزق^۲، ل، پ، لن، آ، ب)؛ ف این بیت را ندارد، ولی در ترجمه بنداری هست: وجعل جودرز بن کشواد علی المیسرة مع ولدیه هجیر و فرهاد فی عساکرتفوت العدة و الحضر؛ درف پس از بیت ۱۴۳ بیت ۱۴۸ آمده است ۱۹- (و: برده و اردویل) ۲۰- ق (نیزلن، لی، آ، ب): سپهدار ۲۱- س^۲؛ لن بیت های ۱۴۶ و ۱۴۷ را ندارند ۲۲- ق (نیزق^۲، لی، ل، آ): ببندند ۲۳- ق (نیزلن): که گر کوه پیش آمدی بردو میل (= ۱۵۳ ب)؛ درف بیت ۱۴۸ پس از بیت ۱۴۳ آمده است ۲۴- ل، س، ل^۲ (نیزلی، ب): بر؛ متن = ف، س^۲ (نیزق^۲، ل، پ، و) ۲۵- ل، س، ل، س^۲ (نیزق^۲، لی، ل، آ، ب): کرد؛ متن = ف (نیزپ، و)؛ درق، لن بسیت های ۱۴۹-۱۵۴ درهم ریخته اند: ۱۵۴، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۳ (بیت های ۱۴۹ و ۱۵۲ را ندارند) ۲۶- س، ق، س^۲ (نیزلن، لی، پ- ب): نامدار؛ متن = ف، ل^۲ (نیزق^۲)؛ ف این بیت را ندارد، ولی در ترجمه بنداری هست: وأمر فنصبوا علی ظهور الفیلة صنادیق و شحنا برماة الحسان و وکل بحمایة کل فیل ثلثمائة فارس

بفرمود تانزد نستوه ^۱ شد	چپ لشکر شاه چون کوه شد
سپاهی بُد از روم و بربرستان	یکی ^۲ پیشرو نام لشکرستان
سوار و پیاده بُد آن ^۳ سی هزار	برفتند تا ساقه‌ی شهریار ^۴
دگر لشکری کز خراسان بُدند	جهانجوی و مردم‌شناسان ^۵ بُدند
منوچهر آرش ^۶ سپهدارشان ^۷	که نام جستن ^۸ نگهدارشان ^۹
دگر نامداری کروخان نژاد	جهاندار ^{۱۰} و ز ^{۱۱} تخمه‌ی کیقباد
کجا نام آن شاه پیروز بود	سپهددل و لشکرافروز بود
شه غرچگان ^{۱۲} بود برسانِ شیر ^{۱۳}	کجا پشت ^{۱۴} پیل آوریدی به زیر ^{۱۵}
به دست منوچهرشان جای کرد	سر تخمه را لشکرآرای کرد
بزرگان که از کوه قاف ^{۱۶} آمدند	ابا نیزه و گیر و لاف ^{۱۷} آمدند
سپاهی ز تخم فریدون و جم	پُر از خون دل ^{۱۸} از تخمه‌ی زادشم
ازین ^{۱۹} دست ^{۲۰} شمشیرزن سی هزار	جهاندار ^{۲۱} و ز تخمه‌ی شهریار ^{۲۲}
سپرد این ^{۲۳} سپه گویو گودرز را	بدو ^{۲۴} تازه شد دل همه ^{۲۵} مرز را
پس گویو بُد ^{۲۶} آوه‌ی ^{۲۷} وسمگان ^{۲۸}	کشیدند ^{۲۹} جنگی دوگان و سه گان ^{۳۰}
به یاری به پشت سپهدارگویو ^{۳۱}	برفتند گردانِ بیدار ^{۳۲} نیو

۱- ل، آ، س (نیزلن^۲): بستوه؛ ل: بستوه (حرف یکم نقطه ندارد)؛ س: بفر و بفریروز بستوه (!)؛ متن = ف، ق (نیزلن - پ، آ، ب) ۲- ل: کوی؛ ق این بیت را ندارد ۳- ل، س (نیزپ، ب): بدی؛ ل (نیزلی): برار؛ س: بدش؛ (ق: آ، تنی): متن = ف: بدان ۴- ف: یکسر سوی کارزار؛ س، ل (نیزق، آ، لی، ل، آ، پ، لن، آ، ب): سوی (پ: هم بر) چپ شهریار؛ متن = ل (نیزو)؛ ق، لن، آ این بیت را ندارند ۵- س: لشکرشناسان؛ (ل: یزدان شناسان) ۶- (ل: گرگین) ۷- ل، ل (نیزپ، و، ب): نگهدارشان؛ س: بدی شاهشان (پساوند ندارد)؛ متن = ف، ق، س (نیزلن، ق، آ، لی، ل، آ) ۸- ف: گه رزم جستن؛ س: بهنگام سختی؛ متن = ل، س، ق، ل (نیزلن - و، آ، ب) ۹- ل، س، ل (نیزپ، و، ب): سپهدارشان؛ متن = ف، ق، س (نیزلن، ق، آ، لی، ل، آ)؛ س پس از این بیت افزوده است: به پشت سپاه اندر آورد شاه برانسان ببست از همه روی راه ۱۰- ف: سپهدار؛ (لی، آ: جهانگیر)؛ متن = ل - س (نیزلن، ل، آ، پ، و، لن، آ، ب) ۱۱- س: و از ۱۲- درپ، و حرف سوم با سه نقطه ۱۳- ف: بسطام نام؛ (ق: آ: بسام شیر؛ پ: دستان شیر؛ و: سام دلیر)؛ س: نام انشان شهر (!)؛ ل: غرچکانان و دستان شیر؛ (لن: آ: غرچه نام آن نزه شیر؛ ب: غرچه بدنام بسطام شیر)؛ متن = ل، ق، س (نیزلن، لی، ل، آ، آ) ۱۴- ل، ق، س (نیزلن، ق، آ، لی، ل، پ، آ): زنده؛ متن = ف، س، ل (نیزل، و، لن، آ، ب) ۱۵- ف: بدام؛ متن = ل - س (نیزلن - ب) ۱۶- (لی: قار) ۱۷- ف (نیزب): کبر و لاف؛ ل، ق (نیزلن، ق، آ، ل، آ، پ): تیغ و لاف؛ ل: تیرلاف؛ (لی: گیر و دار؛ لن: گرزلاف؛ آ: سنج و لاف؛ و: سوی مصاف)؛ س: همه نیزه دار و به لاف؛ متن = س ۱۸- س: کینه؛ ل: کین دل ۱۹- س: بدین ۲۰- س: بدندی ز ۲۱- س، ل (نیزلی، لن، آ، ب): جهانجوی ۲۲- ق (نیزلن، ل، آ): دلاور سواران خنجر گزار (۱۷۹ ب - ۱۸۳ آ را انداخته و از ۱۷۹ آ و ۱۸۳ ب یک بیت ساخته اند) ۲۳- س: آن ۲۴- س: برو ۲۵- س، ل (نیزب): تازه دل کرد هر؛ (لی: تازه دل شد همه)؛ متن = ف، ل، س (نیزق، آ، پ، و، آ) ۲۶- ف: شد (یا: تند) ۲۷- ف: اره؛ س: ساوه؛ ل (نیزپ، لن، آ): یاوه؛ س: کاوه (ق: آ: اره؛ و: لشکر؛ ب: ماوه)؛ متن = (لی، آ) ۲۸- س (نیزلن، آ): همکنان؛ ل: همکنان؛ (ق: آ، پ: سمکنان؛ لی، آ: سهمکان؛ و: دشمنان؛ ب: سمکنان)؛ متن = ف، س، آ: و سَمگان - و شتگان؟ ۲۹- س، ل، س (نیزق، آ، لی، پ - ب): برفتند؛ متن = ف ۳۰- ل (نیزلن، آ، ب): سه کان و دوکان؛ س: جنگش یکان و دوکان؛ (ق: آ: خیلش دمان و دان؛ آ: جنگی دو پیل و سه کان)؛ متن = ف، س (نیزلی، و)؛ ل، بنداری این بیت را ندارند ۳۱- س، ل (نیزلن، آ، ب): سرافراز گویو ۳۲- ل، س: بیدار و

<p>۱۹۵</p> <p>۱. هر گر نیز باید بخواهد^۱ ز شاه جهان پُر ز گردون بُد و گاومیش ۲. هر سو طلایه پدیدار کرد ۳. هر سو برفتند^۴ کارآگهان کجا کوه بُد دیدبان^۵ داشتی همه کوه و غار^۶ و بیابان و دشت عنان‌ها یک اندر دگر ساخته^۷ ازیشان کسی را نَبُد بیم^۸ و^۹ رنج برین گونه چون^{۱۰} شاه^{۱۱} لشکر بساخت دلِ مرد بدساز^{۱۲} با نیک‌خوی^{۱۳}</p>	<p>۲۰۰</p> <p>۱۴. هر کار باشد زبان سپاه ز بهر خورش را^{۱۵} همی راند پیش سر خفته از خواب بیدار کرد همی جست بیدار کار جهان سپه را پراکنده نگذاشتی به هر سو همی گرد لشکر بگشت همه جنگ را گردن افراخته^{۱۶} همی راند^{۱۷} با خویشان شاه گنج به گردون کلاه کی^{۱۸} برفراخت، جز از^{۱۹} جنگ جستن^{۲۰} نکرد آرزوی^{۲۱}</p>
---	---

گفتار اندر آگهی یافتن افراسیاب از کشتن پیران ویسه^{۲۱}

<p>۲۰۵</p> <p>۲۲. سپهدار ترکان از آن روی^{۲۳} چاج^{۲۴} دو باره ز لشکر هزاران هزار نشسته به گل زریون با گشان^{۲۵}</p>	<p>۲۰۵</p> <p>۲۲. نشسته به آرام بر^{۲۳} تخت عاج سپه بود با آلت کارزار همه سرفرازان و^{۲۴} گردن‌کشان^{۲۵}</p>
--	--

۱- ل- س^۱ (نیز لن- و، آ، ب): بخواهد همه (ل، س، ل، آ، پ: همی) هر چه (ل، ق، لن: هرچ) باید؛ متن = ف ۲- ل- س^۲ (نیز لن- و، آ، ب): به؛ متن = ف؛ در ل، س، ل، آ، ق، آ، لی، پ، و، آ، ب این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است؛ پیاپی بیت های متن = ف، ل^۳ ۳- س: او؛ ق، لن این بیت را ندارند؛ در ل این بیت یکبار هم پس از بیت ۱۹۱ آمده است ۴- ل، س، ل^۴ (نیز لی، پ، آ، ب): به؛ متن = ف، س^۵ (نیز لن، ق، آ، ل، آ، و، لن^۶)؛ ق، لن این بیت را ندارند؛ س پس از این بیت افزوده است:
سپهد در آن رزمگه خیره ماند ستاره ز گردون همی برفشانند

۵- ل، س، ل، آ، س^۷ (نیز ل، آ، پ، و، لن، آ، ب): به؛ متن = ف، ق (نیز ق، آ، لی، آ) ۶- س، ل^۶ (نیز لن، آ، ب): همی رفت؛ (ق): فرستاد؛ و: برافکنند) ۷- ل، ق، ل، آ، س: دیده‌بان ۸- س، ل^۸ (نیز پ، ب): غار و کوه؛ (ل): کوهسار) ۹- ق: بافتند؛ (و: ساختند) ۱۰- ق (نیز و): افراختند؛ س^{۱۰} پس از این بیت افزوده است:
ز فرمان او کس نیامد برون بنیک و بیدشان همی رهنمون

۱۱- س: هیچ؛ (ل): درد و؛ س: ندیدم به ۱۲- س: همی داشت ۱۳- ق: بر ۱۴- س، ل^{۱۴} (نیز لن، آ، ب): کار ۱۵- س، ق (نیز لن، لی، ل، آ، آ): مهی؛ (لن): کیان؛ متن = ف، ل، ل، آ، س^{۱۵} (نیز ق، آ، پ، و، ب) ۱۶- ل^{۱۶} (نیز لن، آ، ب): بدخواه؛ س: دگر مرد بدخواه ۱۷- س: سنگ و خوی (!): ل: نیک خو ۱۸- س، ل^{۱۸} (نیز و، لن، آ، ب): بجز ۱۹- س، ق، ل^{۱۹} (نیز لن، ل، آ، ب): کردن؛ (لی): چیزی؛ لن: گردان؛ متن = ف، ل، س^{۱۹} (نیز ق، آ، ب) ۲۰- ل: آرزو؛ در س این بیت پس از بیت ۲۰۵ آمده است ۲۱- ف (بیست و نهمین بیت): گفتار اندر آگهی یافتن افراسیاب از کشتن پیران ویسه و پهلوانان ترکان و زاری کردن بر ایشان؛ ل: خبر یافتن افراسیاب از کار پیران؛ س: آگاهی یافتن افراسیاب از کشته شدن پیران و سران لشکر؛ ق (بیست و نهمین بیت): آگهی یافتن افراسیاب از حال پیران و پهلوانان و قتل ایشان و آمدن شاه کیخسرو بحرب؛ ل^{۲۱} (سی و نهمین بیت): آگاهی یافتن افراسیاب از آن لشکر؛ س: آگاه شدن افراسیاب از کار کیخسرو و لشکر کشیدن؛ متن = آغاز ف ۲۲- ق (نیز ق): سوی ۲۳- ف، ل، آ، س^{۲۳} (نیز ق، آ، ل، آ، ب): حاج؛ ل، ق (نیز لن، پ، لن، آ، آ): جاج؛ س (نیز و): حاج؛ متن تصحیح قیاسی است ۲۴- س (لن، آ، ب): بگلزریون بود با ۲۵- س (نیز ق، آ، ل، آ، ب): با کسان؛ (لی): سرکشان؛ و: ناکشان؛ ل (نیز لن، ب): همه خلخ و (لن): خلخی سرکشان؛ ق: بخلخ ابا سرکشان؛ ل: ز گل زریون تا کشان؛ (لن): بکنگ اندرون با کسان؛ متن = ف، س^{۲۵} ۲۶- ل: [و] ۲۷- ق: کنداوران؛ پ: مردم‌کشان؛ س (نیز لن، آ، ب): نامداران و مردم‌کشان

- ۲۱۰ به مرز کورستان زمین^۱ هر چه^۲ بود بخوردند یکسر همه بارو برگ سپهدار ترکان به بیکنند^۳ بود همه نامداران ماچین و چین جهان پر ز خرگاه و پرده سرای جهانجوی^۴ پُردانش^{۱۱} افراسیاب نشست اندر آن مرز^{۱۳} از آن^{۱۴} کرده^{۱۵} بود برآورده در گندز آتشکده ۲۱۵
- وُرا نام کندز بُدی^{۱۷} پهلوی کنون نام گندز به بیکند گشت نبیره فریدون بُد افراسیاب خود و^{۲۱} ویزگان^{۲۲} نشسته به دشت ز دیبای چینی^{۲۳} سراپرده بود به پرده درون خیمه های پلنگ نهاده به خیمه ندرون^{۲۶} تخت زر نشسته برو^{۲۸} شاه توران سپاه ز بیرون دهلیز پرده سرای زده بر در خیمه ی هر کسی ۲۲۵
- ز برگِ درخت و ز کشت و درود، جهانی^۳ همی^۴ آرزو^۵ کرد مرگ بسی گرد^۷ او خویش و پیوند بود نشسته به مرز کورستان زمین^۸ ز خیمه بُد بر زمین نیز^۹ جای نشسته به گندز به^{۱۲} خورد و به خواب که گندز فریدون برآورده بود همه زند و استا^{۱۶} به زر آرده اگر پهلوانی سَخُن^{۱۸} بشنوی زمانه پر از بند و ترفند^{۱۹} گشت ز گندز به رفتن نکردی^{۲۰} شتاب سپهر از سپاهش همی خیره گشت فراوان به پرده ندرون^{۲۴} برده بود بر آیین سالار ترکان پَشنگ^{۲۵} همه پیکر تخت در^{۲۷} گهر به چنگ اندرون^{۲۹} گرز^{۳۰} و بر سر کلاه فراوان درفش بزرگان^{۳۱} به پای که^{۳۲} نزدیک او آب^{۳۳} بودش^{۳۴} بسی

۱- ف، س، س^۲ (نیز و، ب): کورسان زمین؛ ل (نیز لن، پ، آ): کورشان زمین؛ ق: کورشان زمین؛ ل: کورشان همه؛ ل: کشانی همه؛ ل: بدن مرز کهسار بر؛ متن تصحیح قیاسی است (ف) ۲- ل، ق: هرچ ۳- ل، ق، س^۲ (نیز لن، ق، ل، آ): جهان را؛ متن = ف، س، ل^۲ (نیز ل، پ، و، لن، ب) ۴- س، ل: براو؛ (پ، ب: پراز؛ و: از او) ۵- ل: آرزوی ۶- (لن: دز کنند) ۷- ق (نیز لن، ل، ل، آ): پیش ۸- ف، س (نیز و، ب): کورسان زمین؛ ل (نیز لن، ل، آ): کورشان زمین؛ ق: کورسان زمین؛ ل^۲ (نیز ق): کورشان زمین؛ ل: کشانی زمین؛ پ: کشان زمین؛ لن: بر شاه توران زمین؛ س: برز کورسان بیسته زمین (!)؛ متن تصحیح قیاسی است (ف) ۹- ق (نیز لن، ل، ل، آ): هیچ؛ ل: نبید نیز بر دشت؛ متن = ف، س، ل، س^۲ (نیز ق، پ، و، لن، ب) ۱۰- ق (نیز لن، ل، و، آ): جهاندار ۱۱- س: بی دانش؛ (ل: با دانش) ۱۲- ق، ل^۲ (نیز ق، ل، آ): به بیکند ابا (ل، ق، آ: با؛ ل، آ: به)؛ (لن: به کنک او به؛ لن: بخوشی به)؛ س^۲ (نیز و): بکنندز نشسته به؛ متن = ف، ل، س (نیز ل، پ، ب) ۱۳- س، ل^۲ (نیز لن، ب): شهر ۱۴- ل: [از] آن؛ ق: زان ۱۵- ل: کننده ۱۶- ل، س: اسبش (س: استش)؛ (ق: استش) ۱۷- س، ل: بدش ۱۸- س: زبان ۱۹- (ق، و: اروند) ۲۰- س: نکردش؛ ل: نکردی برقتن ۲۱- ل: [و] ۲۲- س، ل: ویزگان بد؛ ق این بیت را ندارد ۲۳- ل: چین در ۲۴- ف- ل^۲ (نیز لن- ب): پرده درون؛ متن = س: پرد اندرون ۲۵- ف، ق، س^۲ (نیز ل، ل، پ): بشنگ؛ ل، س، ل^۲ (نیز لن، ق، و، لن، آ): بشنگ (حرف یکم نقطه ندارد)؛ متن = (پ) ۲۶- ل- س^۲ (نیز لن- لن، آ، ب): خیمه درون؛ متن = ف (نیز آ) ۲۷- ل: یکسر؛ س، ل^۲ (نیز لن، ل- ب): زرو؛ متن = ف، ق، س^۲ (نیز ق) ۲۸- س: آ: بدو ۲۹- ق: بچنگش همی ۳۰- ل: برز ۳۱- س، ل^۲ (نیز لن، پ، لن، آ، ب): دلیران ۳۲- س (نیز لن، ل، لن، آ، ب): به ۳۳- س (نیز لن، ب): جاه؛ (پ: جای) ۳۴- ق: بودی

برادر بُد و چندا جنگی پسر^۱ همی خواست کاید به پشت سپاه^۶ سحرگه سُواری بیامد چو گرد همه خستگان از پس^۸ یکدگر همی هر کسی یاد کرد آنچ^{۱۰} دید ۲۳۰
 ز پیران و لَهاک و فرشیدورد چه روی سپاه و چه پشت^{۱۲} سپاه همان روز^{۱۳} کیخسرو آنجا رسید به زهار شد لشکر ما همه چوبشید شاه این^{۱۴} سَخُن^{۱۵} خیره گشت^{۱۶} ۲۳۵
 خروشان فرود آمد از تَحْتِ عاج خروشی برآمد ز لشکر^{۱۸} به درد ز بیگانه جایش^{۱۹} برداختند از آن درد بگریست افراسیاب همی گفت: زار ای جهان بین^{۲۰} من! ۲۴۰
 جهانجوی^{۲۲} لَهاک و فرشیدورد ازین جنگ^{۲۵} پور و برادر^{۲۶} نماند

چو^۳ خویشان شاه^۴ آنک بُد باهنر^۵ بنزدیک پیران بدان رزمگاه^۷ سَخُن های پیران همه یاد کرد رسیدند گریان و پُر خاک سر^۹ و زان^{۱۱} بد کز ایران بدیشان رسید و زان نامداران روز نبرد چه زاری رسید اندر آن رزمگاه زمین کوه تا کوه لشکر کشید هراسان شد از بی شبانی رمه سیه شد رخس، چون دلش^{۱۷} تیره گشت^{۱۶} به پیش بزرگان بینداخت تاج رخ نامداران شد از درد زرد ز خویشان یکی انجمن ساختند همی کند موی و همی ریخت آب سوار^{۲۱} سرافراز رویین^{۲۱} من! سواران و شیران^{۲۳} روز نبرد^{۲۴} بزرگان و سالار^{۲۷} لشکر^{۲۷} نماند

۱- س، ل (نیز لن، پ، لن، ب): خویش و؛ ق: بدی چندو؛ س: بدش چندو؛ متن = ف، ل (نیز ق، ل، ل، و، آ) ۲- س: پیوند بر ۳- ل- س (نیز لن- و، آ، ب): ز؛ (لن: نه)؛ متن = ف ۴- س، ل (نیز لن، ب، لن، ب): بیگانگان؛ متن = ف، ل، ق، س (نیز ق، ل، و، آ) ۵- ل (نیز و، ب): نامور؛ ق (نیز ل، ل، آ): پرهیز؛ س (نیز ق): تاجور؛ متن = ف، س، ل (نیز لن، ب، لن، آ) ۶- ق (نیز ق، ل، و، آ): بدان رزمگاه ۷- ف: یکی کینه خواه (؟)؛ ق (نیز ق، ل، ل، آ): پشت سپاه؛ س، ل (نیز لن، و، لن، ب): بیاری پیران (س، ب: سپهد) بدان (ل: بران؛ و: در آن) رزمگاه؛ متن = ل، س (نیز ب) ۸- س (نیز ق، ل، ب): بی ۹- ل، ق: وخسته جگر؛ (ل: پر خاک و پر خون جگر) ۱۰- ل، س: آنچه ۱۱- ق: از آن ۱۲- ل (نیز ب): کزیشان چه آمد بروی؛ متن = ف، س، ل، س (نیز هشت دستنویس دیگر)؛ ق: این بیت را ندارد ۱۳- ق: گاه ۱۴- ف: آن؛ متن = ل- س (نیز لن- ب) ۱۵- س: زمان ۱۶- س، ل، س (نیز لن، ق، ل، ب): شد ۱۷- ل، ق: سیه گشت و چشم دلش؛ س: سیه دل بد و چون رخس؛ (ل: جهان پیش چشم اندرش؛ ب: سیه گشت چشم و دلش؛ ب: سیه شد دلش چون رخس)؛ متن = ف، س، ل (نیز لن، ق، ل، و، لن، آ) ۱۸- ل: ز لشکر برآمد ۱۹- ل، س (نیز ق، ب، و، آ): خیمه؛ س (نیز ل): خانه؛ متن = ف، ق، ل (نیز لن، ل، ل، ب) ۲۰- ف: جهانیان؛ متن = ل- س (نیز لن- ب) ۲۱- ف: پیران؛ (لن: سرافراز پیران و رویین)؛ متن = ل- س (نیز ق- ب) ۲۲- س (نیز لن، ل، ب): چو هومان و؛ (ل، آ: جهانگیر؛ و: جهاندار)؛ متن = ف، ل، ق، ل، س (نیز ق، ل، ب) ۲۳- ل: گردان ۲۴- س: ز رویین گرد آن سپهر نبرد (= ۲۵۲ ب)؛ در س: پس از این بیت، بیت ۲۵۳ آمده است ۲۵- ق: کینه ۲۶- س (نیز و، لن، ب): نبیره ۲۷- ل (نیز ل، آ): و لشکر؛ س (نیز و، لن، ب): درفش (و: سلاح) و سپاه و تبیره؛ ل (نیز لن): سپهدار و سالار لشکر؛ متن = ف، ق، س (نیز ق، ل، ب)؛ س، لن، ل، ب، و، لن، ب پس از این بیت افزوده اند

بنالید و بر دیگر اندازه گشت غم و درد لشکر بدو (برو) تازه گشت (بیت ۲۶۱)

بنالید و برزد یکی باد سرد^۱
 به یزدان و^۲ بیزارم از تخت و گاه^۳
 قبا جوشن و اسپ تحت من ست ۲۴۵
 ازین^۴ پس نخواهم چمید و چرید
 مگر کین آن^۵ نامداران من^۶
 بخواهم ز کیخسرو شوم زاد

خروشان همی بود ازین^{۱۲} گفت و گوی^{۱۳}
 که لشکر بنزدیک جیحون رسید ۲۵۰
 بدان^{۱۵} درد و زاری سپه را بخواند
 ز خون برادرش فرشیدورد
 کنون گاه کین ست و خون ریختن^{۱۷}
 همم رنج مهرست و هم درد^{۲۰} کین
 بزرگان ترکان به^{۲۳} افراسیاب ۲۵۵
 که ما سربسر مرترا^{۲۵} بنده ایم^{۲۶}
 چو پیران و روین^{۲۸} ز مادر نژاد

ز کیخسرو آگاهی آمد بدوی^{۱۴}
 همه روی کشور سپه گسترید
 ز پیران فراوان سخن ها براند
 ز روین گرد آن سپهر نبرد^{۱۶}
 به شیر ژیان^{۱۸} اندر آویختن^{۱۹}
 از^{۲۱} ایران و از^{۲۲} شاه ایران زمین
 بگفتند و کردند^{۲۴} مژگان پُر آب
 نگردیم ازین کینه تا زنده ایم^{۲۷}
 چو فرشیدورد آن فریدون نژاد^{۲۹}

۱- س (نیزلن، لی، پ، و، لن، آ، ب) یا پس و پیشی لت ها: همی گفت با رنج و تیمار و درد؛ متن = ف، ل، ق، س^۲ (نیزق، آ، ل، آ، ل)؛ ل^۲ این بیت را ندارد ۲- ل (نیزق، آ، ل، آ، ب)؛ که؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س^۳ (نیزلن، لی، و، لن، آ، ب) ۳- س، ق، ل، آ، س^۲ (نیزلن، لی، و، لن، آ، ب)؛ اگر؛ متن = لن، ق، آ، لی، ل، آ، لن، آ، ب)؛ تخت عساج؛ متن = ف، ل (نیزب، و) ۴- ل، س، ق، س^۲ (نیزلن - پ، لن، آ، ب)؛ اگر؛ متن = ف، ل^۲ (نیزو) ۵- س، ق، ل، آ، س^۲ (نیزلن، ق، لی، ل، آ، لن، آ، ب)؛ سرد فر (س، آ، لن، لی، ل، آ، لن، آ، ب)؛ دل افروز (تاج؛ متن = ف، ل (نیزب، و) ۶- س: از آن ۷- ق: ویا ۸- ل، س، ل^۲ (نیزلن، لن، آ، ب)؛ خسویشتن تاج را؛ متن = ف، ق، س^۲ (نیزق، آ، و، آ) ۹- ل: این؛ ل: کینه ۱۰- ل: خویش ۱۱- ل- ل: س^۲ (نیزلن، ق، لی، ل، آ، لن، آ، ب)؛ جهانجوی؛ (پ: سواران)؛ متن = ف (نیزو) ۱۲- ل، ق: زین؛ (ق: و با؛ لی، آ: با؛ و: پر) ۱۳- ق: گفت گوی؛ ل: گفتگوی ۱۴- ل، س: بروی ۱۵- ق: پراز ۱۶- (ق: و سپاه نبرد؛ و: آن سپهدار مرد)؛ ل، ق (نیزلی، ل، آ، ل)؛ ز روین و لهاک شیر نبرد؛ س، ل^۲ (نیزلن، پ، لن، آ، ب)؛ ز روین و گردان (پ: شیران) روز نبرد؛ متن = ف، س^۲ ۱۷- ل: و آویختن ۱۸- س، ق (نیزلن، لن، آ، ب)؛ بشیرین روان؛ متن = ف، ل، آ، س^۲ (نیزق، آ، لی، ل، آ، و، آ)؛ بشیر ژیان - بشیرین روان؟ ۱۹- ل: ابا گیو و گودرز خون ریختن؛ (پ: چو با گیو و با رستم آویختن)؛ درس^۲ این بیت ۲۴۱ آمده است ۲۰- ل^۲ (نیزلن، ل، آ، پ، لن، آ، ب)؛ رنج؛ س: درد و؛ ل (نیزق، آ، لی، و، آ)؛ رنج و مهرست و هم درد و؛ س: رنج خونست و هم رنج؛ متن = ف، ق ۲۱- ق، ل: ز ۲۲- ل، ق، ل، آ، س: وز ۲۳- ل (نیزق، آ، لی، ب)؛ ترکان؛ س (نیزب، و)؛ توران به؛ ق (نیزآ)؛ و ترکان؛ ل: و ترکان از؛ س^۲ (نیزل)؛ و گردان؛ (لن: ترکان و)؛ متن = ف (نیزلن) ۲۴- ل، ق (نیزلی، آ)؛ ز گفتن بکردند؛ متن = ف، س، ل، آ، س^۲ (نیز هفت دستنویس دیگر) ۲۵- س، ل، آ، س^۲ (نیزلن، پ، و، لن، آ، ب)؛ شاه را؛ متن = ف، ل، ق (نیزق، آ، لی، ل، آ، ل) ۲۶- ق (نیزل)؛ کهتریم ۲۷- (لی، آ: رای تا زنده ایم)؛ ل (نیزق، آ، ب)؛ بفرمان و رایت سرافکنده ایم؛ ق (نیزل)؛ اگر سرفرازیم اگر مهتریم (= ۲۵۸ ب)؛ (و: اگر سرفراز از پراکنده ایم)؛ متن = ف، س، ل، آ، س^۲ (نیزلن، لن، آ، ب) ۲۸- ل، س، ق: چو روین (س: روین و) پیران ۲۹- ل، ق (نیزب)؛ فرشیدورد گرامی نژاد؛ (ل: فرشیدورد آن گو کی نژاد؛ ق، لی، آ: چو لهاک گرد (لی: گرد آن) فریدون نژاد)؛ متن = ف، س، ل، آ، س^۲ (نیزلن، و، لن، آ، ب)

<p>اگر سرفرازیم و گر کهتریم^۲ درازای^۴ ما همچو پهنا شود، اگر یار باشد خداوند ماه</p>	<p>کنون ما همه پیش شاه اندریم^۱ ز خون گر در و کوه^۳ دریا شود یکی برنگردیم ازین^۵ رزمگاه^۶</p>	<p>۲۶۰</p>
<p>بخنیدید و بر دیگر اندازه شد^۸ دلش پُر ز کین و سرش^{۱۰} پُر ز باد بیخشد بر لشکرش همگروه^{۱۱} گزین کرد شاه^{۱۴} ازدر کارزار بسی پند و اندرزها دادشان سوارانِ روشن دل^{۱۶} رهنمای سوارانِ گرد^{۱۹} ازدر کارزار به کشتی رخ آب را بسپردند نیارد به کشتی کسی تاختن^{۲۲} بسی چاره بر ساخت^{۲۴} از هر دری که بیدادگر شاه گردد هلاک جهان دیده و رای زن موبدان جهان را چپ و راست انداختند برآن^{۲۷} سوی جیحون^{۲۸} گذارد سپاه</p>	<p>دل شاه ترکان از آن تازه^۷ شد^۸ در گنج بگشاد و روزی بداد گله هر چه بودش به دشت و به کوه ز گردان^{۱۲} شمشیرزن صد هزار^{۱۳} سوی بلخ بامی^{۱۵} فرستادشان که گستم نوذر بُد آنجا به پای گزین کرد شمشیرزن^{۱۷} سی هزار^{۱۸} به جیحون فرستاد^{۲۰} تا بگذرند بدان تا شب تیره بی ساختن^{۲۱} فرستاد بر هر سوی^{۲۳} لشکری چنین^{۲۵} بود فرمان یزدان پاک شب تیره بنشست با بخردان ز هر گونه با او^{۲۶} سخن ساختند برآن بر نهادند یکسر که شاه</p>	<p>۲۶۵ ۲۷۰</p>

۱- س: تو بنده ایم ۲- س: وز بنده ایم؛ ل، س (نیز لن، ق، ل، ی، پ، و، لن، ب): اگر کهتریم؛ متن = ف (نیز آ)؛ ل، ق، ل این بیت را ندارند؛ درس ۲، و بیت های ۲۵۷-۲۶۰ درهم ریخته اند: ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۵۷، ۲۵۸ ۳- س: سر بسر دشت؛ ق: گر همین دشت ۴- ل، ق، ل (نیز ق، ل، ی، پ): درازی؛ درس این بیت پس از بیت ۲۶۳ آمده است ۵- ل: زین ۶- س، ل (نیز لن، ق، ل، ی، ب): کینه گاه ۷- س: زنده ۸- ل: گشت ۹- ل: از آن کار؛ س، س (نیز پ، ب): بیالید (بنالید)؛ و؛ متن = ف، ق، ل (نیز لن، ق، ل، ی، و، آ) ۱۰- ف، ق، ل (نیز لن، ق، ل، ی، ب): سرش پر ز کین و دلش؛ متن = ل، س، س (نیز ل، و، لن) ۱۱- درس پس از این بیت، بیت ۲۵۹ آمده است ۱۲- س، ق، ل (نیز لن، ل، ی، ب): ترکان؛ متن = ف، ل، س (نیز ق، ل، ی، پ، و، آ) ۱۳- ل، س، ل، س (نیز لن، ق، ل، ی، ب): سی هزار؛ متن = ف، ق (نیز ل، ل، آ)؛ بنداری؛ ثم اختار عشرة آلاف من الفرسان ۱۴- ل، س: سواران گرد (= ۲۶۷ ب)؛ س ۲۶۴ ب- ۲۶۷ آ را انداخته و از ۲۶۴ آ و ۲۶۷ ب یک بیت ساخته است ۱۵- ل (نیز ل، ل، ی، پ، ب): نامی (!)؛ (آ: نامین (!))؛ در ق، ل پس از این بیت، بیت ۲۷۰ آمده است ۱۶- ل: روشن دل؛ و؛ ق، ل، ل این بیت را ندارند ۱۷- س، ل (نیز لن، ل، ی، ب): دیگر سپه؛ متن = ف، ل، ق (نیز ق، ل، ی، ب)؛ و؛ ل در بالا ضبط دیگر را افزوده است) ۱۸- ف (نیز و): صد هزار؛ متن = ل، س، ق، ل (نیز لن، ب، آ، ب)؛ بنداری: و اختار ثلاثین ألف فارس ۱۹- س، ل (نیز لن، ل، ی، ب): ترک ۲۰- س، ل (نیز لن، ل، ی، ب): بفرمود؛ متن = ف، ل، ق، س (نیز ق، ل، ی، آ) ۲۱- (ق، ل، ی): بی تاختن؛ و: بر ساختن) ۲۲- س: یکی تاختن؛ (ل: کسی تاختن)؛ ل: ز ایران نیاید یکی تاختن؛ س (نیز ل، ی، ب): بکشتی نیارد کسی تاختن (ل: ساختن)؛ (ق: نیاید بکشتی یکی تاختن؛ و: بکشتی نیاید یکی تاختن)؛ متن = ف، ل (نیز لن)؛ ق، آ این بیت را ندارند ۲۳- س، ل، س: سوی ۲۴- ل، ق (نیز ق، ل، آ): چارها ساخت؛ متن = ف، س، ل، س (نیز هفت دستنویس دیگر)؛ در ق، ل این بیت پس از بیت ۲۶۵ آمده است ۲۵- ق، س: چنان ۲۶- ق (نیز ق، ل، ی، ل، آ): وی ۲۷- ق (نیز ل، ل، آ)؛ از آن؛ متن ← ۲۸- ل، س، ل، س (نیز ق، ل، ی، ب): ز جیحون بر آن (ل، ق، ل، و؛ بدان؛ س، ل، ی، ب: برین؛ ل، ی، پ، آ: بدین)؛ سو؛ متن = ف

<p>سپه را به دو نیم^۱ کرد آن زمان بفرمود تا رفت پیش^۴ پدر به بالا و دیدار و فرهنگ و رای جهان دیده و نامداران^۷ گرد به پشت پدر کوه خارا بود^۸ خورش اشتران^{۱۰} نگسلاند ز^{۱۱} راه دمان تا^{۱۳} لب رود جیحون کشید^{۱۴} بیاورد کشتی و زورق هزار سپه بود یکسر همه کوه^{۱۷} و دشت گذرهای جیحون پُر از باد و دم^{۲۰} بیابان آموی لشکر کشید بر اندیشه‌ی رزم بگذاشت آب^{۲۳} یکی مرد هشیار^{۲۶} روشن روان که پهنای و بالای^{۲۸} لشکر کجاست چنین گفت با^{۳۰} شاه گردن فراز علف باید و ساز و رای و^{۳۲} درنگ چراگاه اسپان و جای نشست</p>	<p>همی چاره جُست از بد بدگمان قراخان^۲ کجا^۳ بود مهتر پسر پدر بود — گفتی — به مردی^۵ به جای ز چندان سپه نیمه^۶ او را سپرد بفرمود تا در بخارا بود^۸ دمادم فرستد سلیح^۹ و سپاه سپه را ز بیگند^{۱۲} بیرون کشید سپه بود سرتاسر رودبار به یک^{۱۵} هفته بر^{۱۶} آب کشتی گذشت به آموی^{۱۸} پیلان و شیران به زم^{۱۹} ز کشتی همه^{۲۱} آب شد^{۲۲} ناپدید بیامد پس لشکر افراسیاب برافگند^{۲۴} هر سو هیونی دوان^{۲۵} بینید^{۲۷} — گفت — از چپ و دست راست چو بازآمد از هر سوی^{۲۹} رزمساز که چندین سپه را برین^{۳۱} دشت جنگ ز یک سو به^{۳۳} دریای گیلان رهست^{۳۴}</p>
---	--

۱- س، ل^۱ (نیز لن، ل، ل^۲، ل^۳، آ، ب): نیمه؛ ل این بیت را ندارد ۲- (لی: قراخوان) ۳- ف- ل^۲ (نیز لن- ب): که او؛ متن = س^۱ ۴- ق: نزد ۵- س: پدر گفتی هر چه بایست و (!) ۶- س، ل، آ، س^۲ (نیز لن، ل^۲، ب): نیمه ۷- س: نامداران و ۸- ق: شود ۹- س (نیز لی، و): سلاح ۱۰- ل، ق، س^۲ (نیز آ، پ، آ): خورش را شتر؛ س: خورش بازمان (!)؛ ل^۲ (نیز لن، ل^۲، ب): خورش باز پس؛ (لی: خورش ز اشتران؛ و: خورش را بسی)؛ متن = ف ۱۱- ق: بگسلانید ۱۲- (لن): کندر ۱۳- س، ل^۲ (نیز لن، پ، و، ل^۲، ب): بر؛ متن = ف، ل، ق، س^۲ (نیز ق^۲، لی، ل^۲، آ) ۱۴- ق (نیز لی، آ): رسید ۱۵- س^۲ (نیز ق^۲، و): یکی ۱۶- س (نیز لن، ب): در؛ (لی، و: از) ۱۷- ل^۲ (نیز لن): رود ۱۸- ل (نیز لی، ل^۲، پ، آ): به (ل^۲): ز خرطوم؛ (لن^۲: باهو و): متن = ف، س، ل^۲، س^۲ (نیز لن، ق^۲، و، ب) ۱۹- ف، ل^۲ (نیز لن): برم؛ ل: بدم (حرف یکم نقطه ندارد)؛ س^۲ (نیز ق^۲، پ، ل^۲): بدم؛ (لی: دژم؛ ل^۲: زم؛ و: برم (نقطه ندارد)؛ آ: شیر دژم)؛ متن = س (نیز ب) ۲۰- ل^۲: باد کرم؛ س^۲ (نیز لی): باددم؛ ق این بیت را ندارد ۲۱- ل: همی ۲۲- ل^۲ (نیز لن، ل^۲، ب): بد ۲۳- ل^۲: بگفتند و کردند مژگان پُر آب (= ۲۵۵ ب)؛ (ل^۲: بی اندیشه بگذشت چون شیرزآب)؛ ق این بیت را ندارد ۲۴- ل، س، ل^۲ (نیز لن، پ، ل^۲، ب): پراکند؛ متن = ف، ق، س^۲ (نیز ق^۲، ل^۲، آ) ۲۵- ق، س^۲ (نیز ل^۲): دمان؛ (ق^۲: روان) ۲۶- ل^۲ (نیز لن، ل^۲، ب): بییدار و ۲۷- س: بیستند ۲۸- ل، س، ل^۲ (نیز لن، لی، ل^۲، پ، ل^۲، آ، ب): بالا و پهنای؛ س^۲ (نیز لن): پهنای و بالای؛ متن = ف، ق ۲۹- س، ل^۲، س^۲: سویی ۳۰- ف: کای؛ متن = ل- س^۲ (نیز لن- ب) ۳۱- س، ق، ل^۲، س^۲ (نیز لن، ق^۲، لی، ل^۲، پ، آ، ب): بدین؛ (و: درین)؛ متن = ف، ل (نیز لن) ۳۲- ل، ق (نیز لی، آ): جای؛ س، س^۲ (نیز و): رای؛ (لن: روز)؛ ل^۲: رای و ساز؛ (ل^۲: ساز کردن)؛ متن = ف (نیز ق^۲، ل^۲) ۳۳- س (نیز لن، و، ب): روی ۳۴- س (نیز لن، ب): که هست؛ (لن: بدست؛ و: دریای کیمال هست)؛ ل^۲: ز یک روی این تا بگیلان شهست (!)

خورش باید و^۲ مرد روشن روان
سراپرده و^۴ خیمه بر جای^۵ کاخ

برین^۱ روی جیحون و آب روان
میان اندرون ریگ و دشتی^۳ فراخ

بیالید برسان سرو سهی^۷
نرفنی^{۱۰} به گفتار آموزگار
طلایه که دارد ز دشمن^{۱۱} نگاه
دل میسره، نازش میمنه^{۱۴}
به قلب اندرون تیغ زن صد هزار^{۱۵}
سپهد بُد و^{۱۷} لشکر آرای خویش
کجا^{۲۰} داشتی زور و چنگ^{۲۱} نهنگ^{۲۲}
به هر کار^{۲۳} چون او سواری^{۲۴} نبود
گرفتی، بکندی به^{۲۶} نیروی چنگ
و زآوای^{۲۸} او شیر بگریختی
به آورد بر^{۳۰} کوه بگذاشتی
که شیده به خورشید تابنده ماند

دلش تازه تر گشت از آن^۶ آگهی
سپهدار خود^۸ دیده بُد روزگار^۹ ۲۹۵
بیاراست قلب و جناح سپاه
همان ساقه^{۱۲} و جایگاه^{۱۳} بنه
بیاراست لشکر گهی شاهوار
نگه کرد بر^{۱۶} قلبگه جای خویش
گزین کرد دست چپش را^{۱۸} پشنگ^{۱۹} ۳۰۰
به لشکر چنو نامداری نبود
برانگیختی اسپ و، دُم^{۲۵} پلنگ
[همی با پلنگان برآویختی^{۲۷}
همه^{۲۹} نیزه‌ی آهنین داشتی
پشنگ^{۳۱} ست نامش، پدر شیده خواند ۳۰۵

۱- ل- س^۲ (نیزلن، ق، ل، ی، پ، و، ل، ب)؛ بدین؛ (آ: ازین)؛ متن = ف ۲- ل، س^۲ (نیزق، ل، ی، ل، ب)؛ خورش آورد؛ ق: خورش باید ای؛ (آ: خورش آورم)؛ متن = ف، س، ل^۱ (نیزلن، و، ل، ب) ۳- ل، ق، س^۲ (نیزق، ل، ی، ل، ب، آ)؛ دشت؛ س، ل^۲ (نیزلن، ل، ب)؛ (آ: خورش آورد)؛ متن = ف (نیزو) ۴- س: سراپرده ۵- ف (نیزو)؛ و جای (؟)؛ ل (نیزلی، ل، آ)؛ برسوی؛ ق: برسان؛ متن = ل، س^۲ (نیزلن، ق، ل، ب، ل، ب) ۶- ل: زان؛ س (نیزلن، پ، و، ل، ب)؛ ازین؛ ق (نیزل، آ)؛ شد برچین؛ (ق: گشت خرم ازین)؛ متن = ف، ل، س^۲ ۷- ل، ق (نیزل)؛ بیامد بدرگاه (ق: ابرگاه) شاهنشهی؛ س، ل، س^۲ (نیزلن، ی، پ- ب)؛ بیالید (س: بیالند؛ ل، ل، ب: بنالید؛ س^۲: بیاکند) برگاه شاهنشهی؛ متن = ف (نیزق) ۸- س، ل^۲ (نیزلن، ل، ب)؛ سپهد بسی ۹- ق: کارزار ۱۰- س: برفت او (حرف یکم نقطه ندارد) ۱۱- ف: لشکر؛ متن = ل- س^۲ (نیزلن- ب) ۱۲- س: سایه (ساقه)؛ متن ← ۱۳- ف: همان جای گردان و گاه و بنه؛ متن = ل، ق، ل، س^۲ (نیزلن- ب) ۱۴- ل، ق، س^۲ (نیزق، ل، ی، ل، ب، آ)؛ همان میسره نیز با (ل: راست با؛ پ: بارس) میمنه؛ (ل: دگر میسره تا سرمیمنه)؛ متن = ف، س، ل^۲ (نیزلن، و، نارس)، ل^۲ (نارس)؛ (ب: نازش (؟) ۱۵- ل، ق (نیزآ)؛ سی هزار ۱۶- س (نیزلن، پ، ل، ب)؛ در ۱۷- ل: بد او؛ س^۲: سپهد و (وزن ندارد) ۱۸- ل: بفرمود تا پیش او شد؛ س^۲ (نیزل)؛ بفرمود تا رفت پیشش؛ متن = ف، س، ق، ل^۲ (نیزهشت دستنویس دیگر) ۱۹- حرف یکم در ف، ق، ل، ق، ل، ب، بنداری با یک نقطه، در ل، س، س^۲، ل، ی، و، آبی نقطه و در ب با سه نقطه ۲۰- ل- س^۲ (نیزلن- ب)؛ که او؛ متن = ف ۲۱- ف، ل، س^۲ (نیزق)؛ جنگ و زور؛ س، ق (نیزلن، ی، ل، ب)؛ زور و جنگ؛ ل^۲ (نیزب، آ)؛ زور جنگ؛ (ل: روز جنگ)؛ متن = (و) ۲۲- س، س^۲ (نیزلی، ل، ب، و، ل، ب)؛ پلنگ؛ متن = ف، ل، ق، ل^۲ (نیزق، ل، ب، آ)؛ درس^۲ پس از این بیت، بیت ۳۰۴ آمده است ۲۳- ل^۲ (نیزلن، ق، ل، ی، پ، ل، آ، ب)؛ جای؛ متن = ف، ل (نیزل، و) ۲۴- س^۲: برای و خرد هوشباری (ویکبار هم برابر ضبط متن پس از بیت ۳۱۵)؛ ق این بیت را ندارد ۲۵- (ل، ی: دنب) ۲۶- ل، س (نیزلی، ب)؛ ز؛ ق این بیت را ندارد ۲۷- س^۲ (نیزق، ل، ی، آ)؛ بخراطوم پیل اندر آویختی؛ متن = ف ۲۸- س^۲ (نیزق، ل، ی، آ)؛ آواز؛ متن = ف؛ ل، س، ق، ل، ل، ل، ل، ب، و، ل، ب این بیت را ندارند ۲۹- ل: همان؛ ق: هو ۳۰- (ق: از)؛ درس^۲ این بیت پس از بیت ۳۰۲ آمده است ۳۱- حرف یکم در و، آ با سه نقطه و در دیگر دستنویس ها با یک نقطه؛ درس^۲ پس از این بیت، بیت ۳۱۱ آمده است

<p>بدو داد شاه ازدر^۲ کارزار برادر بُد او را و فرخ همال^۳ پراگنده گرد جهان کام اوی^۴ به دانش سرش برتر از انجمن سواران شایسته^۵ کارزار^۶ سواران فرستد به سوی بنه^۹ که نیک اخترت باد هر جای جفت کمر بسته^{۱۲} آمد به پیش پدر زره دار با گرزهی گاوسار^{۱۴} نیچد اگر^{۱۶} بارد از ابر سنگ^{۱۷} یکی نیز بر بُزایلا^{۱۹} سپرد^{۲۰} که از پشت شیران^{۲۱} بریدی^{۲۲} کباب^{۲۳} هزبر در و نامداران بُدند^{۲۶}</p>	<p>ز گردان و گردنکشان صد هزار ز شیده یکی بود کهنتر به سال دلیری کجا جهن بُد نام اوی^۴ که بودی به پیش پدر رای زن بدو داد از آن^۵ چینیان^۶ صد هزار^۷ بفرمود تا شیده از میمنه همان^{۱۰} میسره جهن را داد و گفت چو افراسیاب آن چهارم^{۱۱} پسر بدو داد تُرک چِگِل صد هزار^{۱۳} که باشد نگهبان پشتِ پَشَنگ^{۱۵} سپاهی به جنگی کهیلا^{۱۸} سپرد نبیره جهاندیده افراسیاب دو جنگی که^{۲۴} توران سواران^{۲۵} بُدند</p>
--	---

۱- ل (نیزق، ل): [و] ۲- ق: سواران شایسته؛ (و: بدو داد شایسته)؛ س^۲ این بیت را ندارد؛ بنداری (۳۰۷-۳۰۱): فضم الی ابنه بشنک، و کان یلقب لحسن وجهه شیده التي هی الشمس، مائة ألف فارس ۳- ل، ق بیت های ۳۰۷-۳۱۱ را ندارند؛ بنداری (۳۰۷-۳۱۰) تنها در دستنویس های ک، ط، کو): و أضاف الی ابن له آخریسمی جهنا مائة ألف فارس ۴- س: او ۵- س، ل (نیزق، ل) (نیزق، ل، پ، لن، آ، ب): از [آن]؛ متن = ف، س^۲ (نیزو) ۶- س، ل، س، ل، س، ل (نیزل، ل، پ، و، لن، آ، ب): جنگیان؛ متن = ف (نیزق، ل، ل، آ) ۷- س: سی هزار ۸- ف: بدو داد شاه ازدر کارزار (= ۳۰۶)؛ س، ل (نیزق، ل، ل، پ، و، لن، آ، ب): زره دار و با گرزهی گاوسار (= ۳۱۴)؛ متن = س^۲ (نیزل، پ، و، آ) ۹- ل، ق، لن، و این بیت را ندارند؛ در س^۲ این بیت پس از بیت ۳۰۵ و در ل^۲ پس از بیت ۳۰۶ آمده است ۱۰- س: همه؛ س، ل، لن، و این بیت را ندارند و در آ^۲ پس از بیت ۳۱۰ آمده است؛ بنداری: فعمل الأول علی المیمنة والثانی علی المیسرة (= ۳۱۱-۳۱۲) و رتب مائة ألف فی القلب (= ۲۹۸) ۱۱- ل: قراخان سالار چارم؛ س: قراخان که او بد چهارم؛ ل (نیزل، پ، لن، آ، ب) قراخان جنگی چهارم؛ (ق: بد افراسیاب چهارم؛ آ: بد افراسیاب آن چهارم)؛ متن = ف (= ق، آ) ۱۲- ل (نیزق، ل): کمر بست و؛ ق، س، ل، لن، آ، و بیت های ۳۱۳ و ۳۱۴ را ندارند و در ل این بیت ها پس از بیت ۳۱۹ آمده اند ۱۳- ل (نیزق، ل، ل، آ): سی هزار؛ ل (نیزب): چل هزار؛ متن = ف، س (نیزب، لن) ۱۴- ل، س، ل (نیزق، ل، پ، لن، آ، ب): سواران شایسته (آ: پرورده) کارزار (= ۳۱۰)؛ (ل: سواران گرد ازدر کارزار)؛ متن = ف ۱۵- حرف یکم در ف، ل، س، ق، س، ل، پ، و بی نقطه، در ل، لن، ق، ل، پ با یک نقطه و در آ، ب با سه نقطه است ۱۶- ل، س، ل (نیزل، پ، و، لن، آ، ب): سرار؛ متن = ف ۱۷- ق: شود ابر و زان ابر بارد خدنگ؛ س: نیچد سر از باد و از ابر و سنگ؛ (ق: بدرد دل شیر و جنگ پلنگ؛ ل: شود ابر و از ابر بارد پلنگ؛ ل: نیچد سر از باد و آورد جنگ) ۱۸- ف- ل (نیزل، ل، لن، آ، ب): بجنگ کهیلا؛ (ق: بشاه کهیلا؛ ل: بدست کهیلا؛ پ: بجنگی کهیلا)؛ متن = س^۲ (نیزو) ۱۹- س، ل (نیزل، ب): برزو یلا؛ ق (نیزل، آ): پور ایلا؛ (ل، آ، ب): پور ایلان؛ و: سپاهی دگر هم به ایلا؛ متن = ف، س^۲ ۲۰- س (نیزل، ل): شمرد؛ ل: یکی تیزتر بود ایلاک گرد؛ (ق: سرافراز گردان با دستبرد) ۲۱- س (نیزل، ل، پ، آ): پیلان ۲۲- ل، س، ق (نیزل، آ): ربودی؛ (ق: شیرانش بودی)؛ متن = ف، س^۲ ۲۳- س: دلاب (ق)؛ ل: که خوردند از پشت شیران کباب؛ در ل این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۲۴- ل: ز ۲۵- س (نیزآ): توران سوارا (→ تور و سورا)؛ س^۲: برنا (→ تور)؛ و سورا؛ (لن: هر دو سواران؛ ق: چون تیر تازان؛ و: توران سپهرا؛ ب: پور سوارا)؛ متن = ف، ل، ق، ل (نیزل، ل، پ): توران سواران (→ تور و سورا)؛ ۲۶- ل- س (نیزل، ق، ل، پ، و، آ، ب): بدل یک بیک کوه سازان (س، ل، آ، و، آ، ب: سنگ خارا؛ ق، ق، ل، آ: جنگ سازان؛ س: کوه خارا؛ پ: کوه خاران؛ لن: بدریک بیک پشت یاران) بدند؛ متن = ف

سوی میمنه ^۱ لشکری برکشید ^۲	۳۲۰	که خورشید گشت از جهان ناپدید
تتاری ^۳ و غزی ^۴ و خلخ سوار		همان سی هزار ازدر کارزار ^۵
که سالارشان بود ^۶ پنجم پسر		یکی نامورگرد پرخاشخر
ورا خواندندی گو گردگیر		که بر کوه بگذاشتی تیغ ^۷ و تیر
دمور و خرنجاش ^۸ با او برفت		به یاری جهن ^۹ سرافراز تفت
ز گردان و ^{۱۰} جنگاوران سی هزار		برفتند با خنجر کارزار
جهاننیده نستوه ^{۱۱} سالارشان ^{۱۲}	۳۲۵	پشنگ ^{۱۳} دلاور نگهدارشان ^{۱۴}
همان سی هزار از یلان ^{۱۵} بدگمان ^{۱۶}		برفتند با گرز و تیر و کمان
سپهد چو اغریرت ^{۱۷} جنگجوی		که با خون یکی داشتی آب جوی
و زان نامور ^{۱۸} تیغ زن چل هزار ^{۱۹}		گزین کرد شاه ازدر کارزار ^{۲۰}
سپهدار ^{۲۱} کرسیوز ^{۲۲} پیل تن ^{۲۳}		جهانجوی و سالار آن انجمن
بدو داد پیلان و سالارگاه	۳۳۰	سر ^{۲۴} نامداران و پشت سپاه
و زان ^{۲۵} پس گزید از یلان ده هزار		که سیری نداند کس ^{۲۶} از کارزار
بفرمود تا در میان دو صف		بر ^{۲۷} آوردگه بر لب آرند ^{۲۸} کف
پراکنده بر لشکر اسپ افکنند		دل و پشت ایرانیان بشکنند ^{۲۹}
سوی باختر بود پشت سپاه		شب آمد ^{۳۰} به پیلان بیستند راه
چنین ساخت ^{۳۱} سالار گیتی فروز ^{۳۲}	۳۳۵	که دارد سپه چشم بر نیمروز

۱- س، ل، آ، س (نیز لن، ق، آ، لی، وه، لن، آ، ب): میسره؛ متن = ف، ل، ق (نیز ل، آ، ب) ۲- ل، س، ق، ل (نیز لن - ب): برگزید؛ متن = ف، س؛ در ل پس از این بیت، بیت های ۳۱۳ و ۳۱۴ آمده اند ۳- ل (نیز پ): طرازی؛ س (نیز لن): بیاری (تتاری)؛ متن = ف، س، ق، ل (نیز لن - وه، آ، ب) ۴- ل، س (نیز ب): عری؛ س: غوری؛ ل (نیز ق، آ، وه، لن): غزی؛ ل: وهری؛ لی: غزی؛ ب: عزری؛ متن = ف، ق (نیز ل، آ) ۵- ل: آزموده سوار ۶- ق: سالار بودیش ۷- ل، س (نیز ق): گرز ۸- ل: جرنجاش؛ س: جرنجاس؛ ل (نیز ب): جرنجاش؛ س (نیز آ): جرنجاس؛ ق: جوخشماس؛ لی: جرنجاس؛ وه: خرنجا؛ ق: دمور سپهدار؛ ل: دمور خروشان؛ متن = ف (نیز لن، ب) ۹- ف: گرد؛ متن = ل - س (نیز لن - وه، آ، ب) ۱۰- ل: [و] ۱۱- ل، س، ل، آ: بستوه (حرف یکم نقطه ندارد)؛ س: بستوه؛ (لی، آ: جرجاس)؛ متن = ف، ق (نیز لن، ق، آ، ل، آ، ب، لن، آ، ب) ۱۲- س: سالار شاه ۱۳- حرف یکم در آ، ب با سه نقطه و در دیگر دستنویس ها با یک نقطه ۱۴- س: نگهدار شاه ۱۵- س: یل ۱۶- ل (نیز لی، ل، آ، ب، آ): ترکمان؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیز لن، ق، آ، ب): بدگمان ترکمان؟؛ ق بیت های ۳۲۶ و ۳۲۷ را ندارد؛ بنداری بیت های ۳۱۳-۳۲۷ را ندارد ۱۷- س (نیز و): اغریرت (حرف پسین نقطه ندارد)؛ (لن، ق، آ، لن، آ، آ: اغریرت)؛ متن = ف، ل، ل، آ، س (نیز لی، ل، آ، ب) ۱۸- س (نیز لن، لن، آ، ب): سپاهی چین؛ ل: سپاهی گزین ۱۹- ل، ق (نیز ق، آ، ل): سی هزار؛ (لن: صد هزار)؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیز لن، لی، ب، وه، آ، ب) ۲۰- ق، س (نیز ل): برفتند با تیغ زهر آیدار (س: جوشن گذار) ۲۱- ل: سپهد چو ۲۲- (وه، لن): کرسیوز ۲۳- س، ل (نیز لن، لی، لن، آ، ب): شوم تن؛ متن = ف، ل، ق، س (نیز ق، آ، ب، آ)؛ بنداری: وجعل آخاه کرسیوز مع اربعین ألف فارس من فرسان الصین علی الفیلة ۲۴- س (نیز ق): در؛ س: دل؛ ل، ل، لن، وه، لن، آ، ب این بیت را ندارند ۲۵- ل: از آن ۲۶- ل، آ، س (نیز لی، آ): ندانند؛ ق: ندانست سیری وی؛ متن = ف، ل، س (نیز لن، ق، آ، ل، آ، ب) ۲۷- ل - س (نیز لن - ب، لن، آ، آ، ب): به؛ (وز: ز)؛ متن = ف ۲۸- ل، ل، ل (نیز ل، و): آورده؛ متن = ف، س، ق، س (نیز هفت دستنویس دیگر) ۲۹- ف این بیت را ندارد ۳۰- س: چو شب شد ۳۱- ل (نیز ب): گفت؛ (و: داشت) ۳۲- س: لشکر فروز

گفتار اندر آگهی یافتن کیخسرو از گذشتن افراسیاب از رود جیحون^۱

چن^۲ آگاه شد شهریار جهان
 ز ترکان و از^۳ کار افراسیاب
 سپاهی ز جیحون بدین سو^۴ کشید
 چو بشنید خسرو، یلان^۵ را بخواند
 سپاهی ز جنگاوران برگزید
 چشیده^۶ بسی از جهان شور و تلخ
 به آشکش^۷ بفرمود تا سوی زم^۸
 بدان تا پس اندر نیاید^۹ سپاه
 و زان^{۱۰} پس یلان را همه برنشاند
 همی رفت با رای و هوش^{۱۱} و درنگ
 سپهدار چون در بیابان رسید
 سپه را سوی راست^{۱۲} خوارزم بود
 به چپ بر دهستان و سنار^{۱۳} آب
 خود و رستم و طوس و گودرز و گیو

ز گفتار بیدار کار آگهان،
 که لشکرگه آورد زین روی^{۱۴} آب،
 که شد ریگ و سنگ^{۱۵} از جهان ناپدید،
 همه گفتنی^{۱۶} پیش ایشان براند
 بزرگان ایران چنان چون سزید^{۱۷}
 به یاری گسسته^{۱۸} نوذر به بلخ
 برد لشکر و پیل و گنج^{۱۹} درم
 کند رای شیران ایران^{۲۰} تباه
 بزد کوس رویین و لشکر براند
 که تیزی پشیمانی آرد به جنگ
 گرازیدن و ساز لشکر بدید
 همه ریگ نرم^{۲۱} آذر رزم^{۲۲} بود
 میان ریگ و پیش اندر افراسیاب
 ز لشکر بسی^{۲۳} نامداران^{۲۴} نیو

۱- ف: گفتار اندر آگهی یافتن کیخسرو از گذشتن افراسیاب از رود جیحون و رفتن با لشکر ایران و مردی کردن ایرانیان؛ ل: جنگ بزرگ افراسیاب و کیخسرو؛ س، ق، ل: آگهی (س: خبر) یافتن کیخسرو از کار (ق: حال؛ ل: لشکر) افراسیاب (ق: و رسیدن بیکدیگر)؛ س: آراستن لشکر افراسیاب بچنگ ایران؛ متن = آغاز ف ۲- ل- س (نیز لن- ب): چو؛ متن = ف ۳- ف، ل، ق، ل، آ، س: وز؛ متن = س ۴- ل: سوی؛ س (نیز لن، پ، ل، ن، ب): ازین روی؛ (ق: ازین سوی)؛ س: ز لشکر که آورد از آن روی؛ ق (نیز لی، ل، آ، و): که لشکر بیاورد از این (زین) سوی (روی)؛ متن = ف، ل ۵- س: برین سو؛ س، ل (نیز لن، پ، ل، ن، ب): بدین سوی (ب: روی) جیحون؛ متن = ل، ق (نیز ق، ل، لی، ل، آ، و، آ) ۶- ق: خاک؛ س (نیز لن، پ، ل، ن، ب): سنگ و ریگ؛ (لی، آ: رنگ خاک)؛ متن = ل، ل، آ، س (نیز ق، ل، آ، و)؛ ف این بیت را ندارد ۷- ل، س، ل (نیز لن، و، ل، ن، ب): کوان؛ متن = ف، ل، ق، س (نیز ق، ل، لی، ل، آ، پ، آ) ۸- ق (نیز و): گفت ها؛ س، ل (نیز لن، پ، ل، ن، ب): شنیده همه؛ متن = ف، ل، س (نیز ق، ل، لی، ل، آ) ۹- ق بیت های ۳۴۰ و ۳۴۱ را ندارد ۱۰- (ق: کشیده) ۱۱- ل، ق (نیز ق، ل، ن، ب): اشکس؛ س (نیز آ): اسکس؛ متن = ف، ل، س (نیز لن، لی، ل، آ، پ، ب) ۱۲- ف: ژم؛ س: حرم؛ ل: دم؛ س (نیز لن، لی، و، ل، ن، ب): رم؛ (آ: رزم)؛ متن = ق (نیز ق، ل، آ، پ) ۱۳- ل (نیز لن، ق، آ، لی، ل، ن، آ): گنج و؛ ق، س (نیز ب): گنج و پیل و؛ متن = ف، ل، س (نیز ب) ۱۴- س: نتازد ۱۵- س: توران؛ (لی، آ: ترکان) ۱۶- ل، س: از آن ۱۷- س، ق، ل، آ، س: هوش و رای ۱۸- ل، ق، س (نیز لی، ل، آ، و): گذر سوی؛ متن = ف، س، ل (نیز لن، ق، آ، پ، ل، ن، ب) ۱۹- س: نرم (نقطه ندارد)؛ ل: رزم؛ س: را؛ ل (نیز ل): ریگ و دشت؛ (ق، لی، آ: رنگ و بوی؛ پ: ریگ دشت)؛ متن = ف (نیز لن، و، ل، ن، ب) ۲۰- ف، س (نیز لن، ق، آ، و، ل، ن، ب): بزم؛ متن = ل، س، ل (نیز لی، ل، آ، پ، آ، ب)؛ ق: که ریگ و همه دشت از در رزم (وزن ندارد) ۲۱- ل، ق، س (نیز ل، آ): و بر راست؛ س، ل (نیز لن، پ، ل، ن، ب): و بسیار؛ (ق: و بس رود؛ لی: بر راست؛ و: و سنباد)؛ متن = ف (هو) ۲۲- س (نیز لن، ب): بسی لشکر از ۲۳- ل: نامبردار؛ (و: پهلوانان)؛ ق بیت های ۳۴۹-۳۵۴ را ندارد؛ درل بیت های ۳۴۹-۳۵۹ درهم ریخته اند: ۳۵۵، ۳۵۶، ۳۵۷، ۳۵۸، ۳۵۹، ۳۵۹، ۳۵۹، ۳۵۹، ۳۵۸ بنداری (۳۴۹-۳۵۴): فرکب یوما مع رستم و طوس و جودرز و جیو و جماعة من الفرسان، و آتی قریبا من مخیم جده فنظر الی سواده و کثرة جحافله، و تدبرهم و تأملهم حتی اطلع علی أحوالهم. فرجع الی معسکره و أمر فحفروا حول العسکر خندقا و طرحوا فیها الماء

بدو گفت کای کدخدای^۱ جهان
 به فرّ تو زیر فلک شاه^۳ نیست
 شود کوه آهن چو دریای آب
 زمین برنتابد سپاه^۵ ترا
 نیاید ز شاهان کسی پیش تو
 سیاوخش^۸ را چون پسر داشتی
 پیرودی آن را که باد هوا^{۱۱}
 ازو سیر گشتی چو کردی^{۱۳} درست
 گر او را نکشتی جهاندارشاه
 کنون این که پیش تو آمد^{۱۷} به جنگ
 هراَنکس^{۲۰} که نیکی فرامش کند
 پیرودی این^{۲۲} شوم ناباک^{۲۳} را
 همی داشتی تا برآورد^{۲۵} پر
 ز توران چو طغرل بدایران^{۲۷} پرید

سرافرازترمهتر اندر مهان^۲،
 ترا ماه و خورشید بدخواه^۴ نیست
 اگر بشنود نام افراسیاب
 نه خورشید تابان^۶ کلاه ترا
 مگر این بد بی پدر^۷ خویش تو
 برو^۹ رنج و مهر^{۱۰} پدر داشتی
 برو برگزشتی نبودی^{۱۲} روا
 که او تخت و تاج^{۱۴} و سپاه^{۱۵} تو جُست
 بدو بازگشتی نگین و کلاه^{۱۶}
 به^{۱۸} گیتی نیابد فراوان^{۱۹} درنگ
 همی رای جای^{۲۱} سیاوش کند
 پدروار نَسپردیش^{۲۴} خاک را
 شد از مهر شاه ازدر تاج و فر^{۲۶}
 تو گفتی که هرگز نیا را ندید

۱- س، ل، ^۱(نیز لن، لن، آ، ب): نامداره؛ (ل: شهریار)؛ متن = ف، ل، ق، س ^۲(نیز ق، ل، ی، پ، و، آ) ۲- ل، ق، (نیز آ): سرافراز بر کهتران و مهان؛ س، ل ^۱(نیز لن، ق، ل، ی، و، لن، آ، ب): سرافرازتر (لن: بر؛ لن، ی: سزاوارتر) کس میان مهان؛ (ل، آ، پ: سرافراز از (پ: بر) مهتران و کهان)؛ متن = ف، س، آ؛ ف در اینجا سرنویس دارد: گفتار اندر آمدن شیده پسر افراسیاب بنزدیک پدر و خواستن جنگ کیخسرو را و فرستادن پدر او را بیغام ۳- س: اندر فلک ماه ۴- ق: جز از ماه و خورشید همراه ۵- ف: نیابد همی چرخ ماه (؟)؛ متن = ل - س ^۲(نیز لن - ب) ۶- س: گردان ۷- ل، ق، س ^۱(نیز لن، ق، ل، ی، آ): جزین بی پدر (ق، لن، ل، بی هنر) بد (لی: بی) گهر؛ س (نیز ب): جزین بدگهر بی هنر؛ ل: چنین بدگهر بی پدر؛ (پ، آ: جزین بدگهر بی پدر؛ و: جزین بی پدر بدکنش؛ لن: جزین بدگهر نامور)؛ متن = ف ۸- ف، ل، س، ق (نیز ل، آ، لن، آ): سیاوش؛ (لن، لی، پ: سیاوش)؛ متن = ل، آ، س ^۲(نیز ق، و، ب، بنداری) ۹- ق (نیز لن، لی، پ): بدو ۱۰- س ^۱(نیز ق، و): مهر و رنج ۱۱- ل - س ^۲(نیز لن - پ، لن، آ، ب): یکی باد ناخوش زروی (س، ل، آ، لن، ب: باد) هوا؛ متن = ف ۱۲- س: برگزشتن ندیدی؛ س: برگزشتن نبودی؛ (لی، آ: برگزشتن نکردی؛ لن: بدو بروزیدی نبودی)؛ متن = ف، ل، ق، ل ^۱(نیز ق، ل، آ، ب، لن، آ، ب) ۱۳- س ^۱(نیز لن): گشت؛ (ق: او شد؛ ل: گشتی)؛ س: چو زو سیر گشتی چو گشت او (!) ۱۴- ل - س ^۱(نیز لن، ق، ل، آ، ب): تاج و تخت؛ متن = ف (نیز لی)؛ بنداری: صح عندک أنه یرید أن یتترک التاج والتخت ۱۵- ل، آ، س ^۲(نیز لن، آ): کلاه ۱۶- درق، لی، ل، آ، پس از این بیت، بیت ۳۷۷ آمده است ۱۷- ل، ق (نیز لی، ل، آ، ب، لن، آ): اینک (لی: آنک؛ لن: آنکه) آمد بیشت؛ س، ل ^۱(نیز لن، ق، و، ب): آنک (ق: اینک؛ و: چونک) پیش تو آمد؛ متن = ف، س ^۲ ۱۸- س: ز؛ متن ← ۱۹- ل ^۱(نیز لن، لی): فراوان نیابد؛ ل (نیز ل، و): نیابد بگیتی فراوان؛ متن = ف، س، ق (نیز ق، ل، آ، ب) ۲۰- ق (نیز ل): که هر کس ۲۱- ف: رای و جای (؟)؛ ل (نیز ق، ل، ی، پ، آ): رای جان؛ س (نیز و): رای کین؛ متن = ق، س ^۲(نیز ل، ل، آ، لن، ل، ب این بیت را ندارند ۲۲- س: آن ۲۳- ل ^۲(نیز لن، ل، آ، ب، لن، آ، ب): ناپاک؛ متن = ف، ل، س، ق، س ^۲(نیز ق، ل، ی، و) ۲۴- ف: بدو داد بسپردیش (→ پدروار نَسپردیش)؛ متن = ل - س ^۲(نیز لن - ب)؛ درق، لی، ل، آ، این بیت پس از بیت ۳۷۴ آمده است ۲۵- ل، ق، ل ^۱(نیز ق، ل، ی، پ، ب): بر؛ س (نیز ل): سر؛ (و: فر)؛ متن = ف، س ^۲(نیز لن، آ): بنداری: و هذا المشوم ابنه الذی جاء لقتالک أحسنت الیه ایضا وریته حتی قوی جناحه واشتدت قوادمه ۲۶- ل، س، ل ^۲(نیز ل، و، لن، آ، ب): تاج زره؛ (ق، آ: تاجور؛ لی: تاج و بر)؛ متن = ف، ق، س ^۲(نیز ب) ۲۷- ل - س ^۲(نیز ق، ل، ی، ل، آ، ب): چو مرغی بایران؛ (پ: چو جغدی ز ایران بتوران؛ و: چو جغدی ز توران بایران)؛ متن = ف؛ بنداری: طار من توران الی ایران

- ۳۸۰ ز خوبی نگه کن که پیران چه کرد
همه مهر^۲ پیران فراموش کرد
همی بود خاموش چُن^۴ آمد به مشت
از ایران^۵ کنون با سپاهی به جنگ
نه دینار خواهد همی، نه^۶ کلاه
۳۸۵ ز خویشان جز از^۸ جان^۹ نجوید^{۱۰} همی
پدر شاه و^{۱۲} فرزانه تر^{۱۳} پادشاست
از ایرانیان نیست چندین سَخُن
بدیشان^{۱۶} چه باید ستاره شُمر
سواران که بر^{۱۷} میمنه با منند
۳۹۰ چو دستور باشد مرا پادشا
بدوزم سر و ترگ ایشان به تیر
چو بشنید افراسیاب این سَخُن
سَخُن هر چه^{۲۱} گفتی همه راست بود
ولیکن تو دانی که پیرانِ گرد^{۲۴}
نَبُد در دلش کژی و کاستی
۳۹۵ همان پیل بُد روز جنگ او به زور^{۲۸}
بدو گفت: مشتاب^{۲۰} و تندی مکن!
جز از^{۲۲} راستی را نشاید^{۲۳} ستود
به گیتی همه رای^{۲۵} نیکی سپرد
نجستی جز از^{۲۶} داد و ز^{۲۷} راستی
چو دریا دل و رخ چو تابنده هور

۱-س (نیز لن، آ، ب): بران؛ ق (نیز لی، آ): بدین ۲-ل: کار ۳-ل، ق (نیز لن، لی، ل، آ، ب): کینه سردل (ل: بر): متن = ف، س، ل، آ، س (نیز ق، آ، پ، و، لن) ۴-ل-س (نیز لن-و، آ، ب): چو: متن = ف ۵-ل-س (لن: ازو کین؛ لی، لن، آ، ب: از آن کین) ۶-س، س (نیز لن، و، لن، آ، ب): با؛ ق: نی؛ ل (نیز لی): یا؛ ل: خواهد نه تخت و؛ متن = ف (نیز ق، آ، پ) ۷-ل (ل، آ، پ): و نه گنج و گاه؛ س: نه شمشیر و گنج و نه اسب سیاه؛ ل (نیز لن، لی، و، لن، آ، ب): وگر اسب و شمشیر و گنج (و: گرز) و سپاه؛ س: وگر تخت و شمشیر و تاج و سپاه؛ متن = ف، ل، ق (نیز ق) ۸-س: بجز ۹-ل، آ، س (نیز لن): خون ۱۰-ل، ق (نیز ل، آ): نخواهد؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیز لن، ق، آ، پ، و، لن، آ، ب) ۱۱-ل (ل: نخواهد؛ آ: نگاهد): س (نیز ب): بران برنگوید؛ ل: برین برنگوید؛ (لن: بزوبین نگوید؛ ق: برانسان نگوید؛ پ: برینسان نگوید؛ ل: سخن را ازین در بکااهد؛ ق: سخن را ازینسان نگاهد؛ متن = ف، س (نیز و) ۱۲-ف: [و] ۱۳-س (نیز ق، آ): فرزانه و؛ ل (نیز ب): فرزانه بر؛ متن = ف، ل، س، ق (نیز لن) ۱۴-س، س (نیز و، لن، آ): برین ۱۵-س (نیز لن، آ، ب): دل جنگجویان چنین بد ۱۶-س، ل، آ، س (نیز لن، پ، لن، آ، ب): سپه راه؛ ق: بدینسان؛ لی، آ: برایشان؛ متن = ف، ل، ق (نیز ل) ۱۷-ل، س، ق، ل (نیز لن، لی، پ، و، لن، آ، ب): در؛ متن = ف، س (نیز ق، آ، ل، آ) ۱۸-س، ق، س (نیز ق، آ، لی، ل، آ، پ، آ): یکی؛ متن = ف، ل، ل (نیز لن، لن، آ، ب) ۱۹-ف، ل، س، ل (نیز لن، ل، آ، پ، لن، آ): نه اندیشم؛ متن = ق، س (نیز ق، آ، لی، و، آ، ب) ۲۰-س، ل (نیز لن، لن، آ، ب): مندیش؛ متن = ف، ل، ق، س (نیز ق، آ، و، آ): بنداری؛ لا تعجل و لا تطش ۲۱-ل: هرچ ۲۲-س: بجز ۲۳-ل، ق (نیز ق، آ، ل، پ): نیاید؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیز لن، لی، و، لن، آ، ب) ۲۴-ق (نیز ل، آ): چه کرد ۲۵-ل-س (نیز لن-ب): راه؛ متن = ف ۲۶-ل، ق، ل، آ، س (نیز لن، لی، ل، آ، پ، لن، آ، ب): بجز؛ متن = ف، س (نیز ق) ۲۷-ل، س، ل، آ، س (نیز لن، پ، لن، آ، ب): خونی و؛ ق: داد و جز؛ ق: داد و از، لی، آ: داد و هم؛ ل: رادی و؛ متن = ف (ل: ق) ۲۸-س: همان روز نیک و بد و جنگ و زور

برادرش هومان^۱ پلنگ نبرد
 ز ترکان سواران کین صد هزار
 برفتند از ایدر پُر از جنگ و جوش^۳
 از آن^۷ کو بر آن^۸ دشت کین گشته شد
 همه مرز توران شکسته دلند
 نبینند جز مرگ پیران به خواب^{۱۱}
 بیاشیم تا نامداران ما
 ببینند ایرانیان را به چشم
 هم ایرانیان نیز چندین سپاه
 دو لشکر^{۱۸} برین گونه با^{۱۹} درد^{۲۰} و خشم
 بدانبوه^{۲۱} جستن نه نیکست^{۲۲} جنگ
 مبارز پراکنده بیرون کنیم

چنین داد پاسخ که ای^{۲۶} شهریار
 چوزین گونه جویی^{۲۷} همی کارزار

۱- س: ۲؛ روین؛ ل: ۲؛ برادرت روین ۲- ل: نامجو ۳- ف، ل: جنگ جوش (؟)؛ متن = س، ق، ل، ۲؛ س (نیز لن-
 ب) ۴- س: ۲؛ دل ۵- ل، ق (نیز ل: ۲)؛ ایدر نوان؛ متن = ف، س، ل، ۲؛ س (نیز هشت دستنویس دیگر) ۶- ل، س
 (نیز ل، ۲؛ ل، ب)؛ با غم و با؛ (لن: با غم و بر؛ ل: بر غم و در؛ پ، و: پر غم و پر؛ متن = ف، ق، ل، ۲؛ س (نیز ق: ۲) ۷-
 س، ل: ۲؛ از این ۸- ل (نیز ق: ۲)؛ کوبیرین؛ س، ل: ۲ (نیز لن، ب)؛ کینه بر؛ س (نیز ل، ۲؛ پ، و)؛ گونه بر؛ (ل: کوبدین؛ ل: ۲؛
 ز کینه چویر)؛ متن = ف، ق (نیز آ) ۹- س: و زمان؛ ل، ۲؛ س (نیز لن، ل، ۲؛ ب)؛ زیرشان؛ متن = ف، ل، ق (نیز ق: ۲، و آ) ۱۰-
 س (نیز لن، ۲؛ ب)؛ دلسا همه؛ (ق: ۲؛ او را همه؛ ل: ۲؛ جان را همی)؛ متن = ف، ل، ق، ل، ۲؛ س (نیز لن، ل، پ، و،
 آ) ۱۱- ل: ۲؛ مرگ افراسیاب؛ (ل: ۲؛ ایران بخواب) ۱۲- س: که خوانده می ۱۳- ل: ۲؛ نام پیران
 بخواب ۱۴- س: بزرگان و؛ ل: ۲ (نیز لن)؛ مهانان و (ل)؛ س: دلیران؛ (لن، ۲؛ ب: بزرگان)؛ متن = ف، ل، ق (ق: ۲، و،
 آ) ۱۵- ق: به ۱۶- س، ل: ۲ (نیز ب)؛ بیم و این درد؛ س: ۲؛ درد و آزار؛ (لن: بیم با درد؛ ق: ۲؛ سوز و آرام؛ ل، آ: سوگ و
 آزار؛ و: کینه و درد؛ لن: ۲؛ درد و تیمار)؛ متن = ف، ل، ق (نیز ل، ۲؛ ب) ۱۷- ف (نیز ق: ۲)؛ ببینند این تخت و گنج؛ ل، س (نیز
 لن)؛ ببینند آیین تخت؛ س (نیز ب)؛ نبینند آیین تخت؛ ق (نیز ل، آ)؛ ببینند این گنج و تخت؛ ل: ببینند و آیین و تخت؛ (ل: ۲؛
 ببینند ازین تاج و تخت؛ ب: ببینند و آیین تخت)؛ متن = ف، ق (نیز ق، ل، آ) پس از افزودن یک حرف و (ل، ۲؛ ب) ۱۸-
 ف، س، ل: ۲ (نیز لن، ق، ۲؛ ب)؛ کشور (؟)؛ متن = ل، ق، س (نیز ل، پ، آ) ۱۹- ل، ل، ۲؛ س (نیز ق: ۲)؛ بر؛ (پ: پر)؛ س:
 بدین جنگ سر؛ ق (نیز ل، آ)؛ بدین گونه بر؛ متن = ف ۲۰- س: ۲؛ کین؛ ل، ۲؛ و، لن: ۲؛ این بیت را ندارند ۲۱- ل-
 س (نیز لن- ب)؛ بانبوه؛ متن = ف ۲۲- ف، س (نیز ق: ۲)؛ ننگست (حرف دوم نقطه ندارد)؛ ل (نیز ل: ۲)؛ نیکوست؛ ل: ۲
 (نیز ل)؛ ننگست؛ س (نیز و)؛ خوبست؛ متن = ق (نیز لن، پ، ل، ۲؛ آ، ب) ۲۳- ق: شود ۲۴- س: بودمان همی
 زان؛ درس، ل، ۲؛ لن، ل، ۲؛ ب این بیت پس از بیت ۴۰۹ آمده است ۲۵- ل: ازیشان ۲۶- ف: که گر؛ متن =
 ل- س (نیز لن- ب) ۲۷- ف: بسیند؛ (ق: ۲؛ خواهی)؛ س، ل: ۲؛ جز این گونه جویی (س: گویی)؛ متن = ل، ق،
 س (نیز لن، ل- ب)؛ درس، ل، ۲؛ لن، ل، ۲؛ ب پس از این بیت، بیت ۴۰۷ آمده است و درس پس از آن بیت ۴۱۳ آمده
 است

- ۴۱۰ مبارز نخستین ز لشکر منم
کسی را ندانم^۴ که روز نبرد
مرا آرزو^۷ جنگ کیخسروست
اگر جوید او بی‌گمان جنگ من
و گر دیگری پیشم^{۱۱} آید به جنگ
دل و پشت ایشان^{۱۲} شکسته شود^{۱۳}
- ۴۱۵ بدو گفت کای^{۱۵} کارناده‌مرد
اگر جویدی^{۱۷} همنبردش منم
چُن^{۲۰} او با من آید به آوردگاه
بدو شیده گفت^{۲۲}: ای جهان‌دیده‌مرد
پسر پنج زنده‌ست^{۲۴} پشت به پای
نه لشکر پسندد، نه ایزدپرست^{۲۶}
- که اسپ‌افکنم، پیل^۲ رویین‌تنم^۳
نشاند^۵ بر اسپ من از دور^۶ گرد
که او در جهان شهریار^۸ نوشت
رهایی نیابد هم^۹ از چنگ^{۱۰} من
به خاک اندرآرم سرش بی‌درنگ
برآن^{۱۴} انجمن کار بسته شود^{۱۳}
شهنشاه کی جوید از تو^{۱۶} نبرد؟
تن و نام^{۱۸} او زیر پای^{۱۹} افکنم
برآساید از جنگ هر دو^{۲۱} سپاه
چشیده ز گیتی بسی گرم و سرد^{۲۳}،
بمانیم تا^{۲۵} تو کنی رزم رای؟
که تو جنگ او را کنی پیش‌دست

گفتار اندر پیغام فرستادن افراسیاب به شاه کیخسرو^{۲۷}

۱- س، ق: ز لشکر نخستین؛ ل: نخستین ز لشکر مبارز؛ س^۲: نخستین مبارز ز لشکر ۲- س (نیزو، لن، آ، ب): اسپ افکن و گرد؛ ق (نیزی، آ): اسپ افکن و شیر؛ ل^۲: اسپ افکنم بیش و؛ س^۲: اسپ افکنم نیزو؛ (لن: اسپ افکن و بیش؛ ق، آ، پ: اسپ افکن و پیل)؛ متن = ف ۳- ل: که بر شیرو بر پیل اسپ افکنم ۴- س: ندارم؛ (لن: ندیدم) ۵- ل، ق (نیزی): فشاند؛ متن = ف، س، ل، آ، س^۲ (نیزلن، ق، آ، پ- ب) ۶- س، ل، آ، س^۲ (نیزلن، ق، آ، لی، پ- ب): از یاد؛ متن = ف، ل، ق: از دور (?) ۷- ل: آرزوی ۸- ق، س^۲ (نیزق، آ، ب): شهریاری؛ س پس از این بیت افزوده است:

نگیرم و را باز شاهسی همی

بگوم برو بر تبااهی همی

۹- ف، ق: وی؛ (ق: کس؛ ل: خود)؛ ل^۲: نبیند؛ متن = س، س^۲ (نیزلن، لی، پ- ب) ۱۰- ل: ز چنگال (پساوند ندارد) ۱۱- س: پیش؛ درل، ل، آ، آ این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۱۲- س^۲ (نیزل): ایران ۱۳- ف: کم؛ متن = ل، س، ل، آ، س^۲ (نیزلن- ب) ۱۴- س: بدان؛ ق این بیت را ندارد ۱۵- ق: ای ۱۶- ق: از تو نجوید؛ (ل: چون با تو جوید) ۱۷- ل، ق (نیزی، ل، آ، پ، آ): جوید او؛ س^۲: چون بدی (جویدی)؛ متن = ف، س، ل^۲ (نیزلن، ق، آ، و، لن، آ، ب) ۱۸- س، ل، آ، س^۲ (نیزلن، پ، لن، آ، ب): همه نام؛ ق: تن و یال؛ (و: تن و جان)؛ متن = ف، ل (نیزق، لی، ل، آ) ۱۹- س (نیزی، پ، لن، آ، ب): او را بخاک؛ ق: او را ز پای؛ متن = ف، ل، ل، آ، س^۲ (نیزلن، ق، آ، ل، و) ۲۰- ل- س^۲ (نیزلن- ب): گر؛ متن = ف ۲۱- س: چندین ۲۲- ق: چنین گفت خه ۲۳- (لی، پ، و، آ): گر ایدونک او از تو جوید نبرد) ۲۴- س، ل^۲ (نیزلن، لن، آ، ب): ماندست؛ متن = ف، ل، ق، س^۲ (نیزق، و، آ) ۲۵- ل، ق (نیزق، لی، آ): نمائیم تا؛ س: نمائیم اگر؛ ل^۲: نمائیم گر؛ س^۲: نرانییم تا؛ (لن، و، لن، آ، ب): نمائیم اگر؛ ل: نمائیم که تا؛ پ: بیاییم اگر؛ متن = ف ۲۶- س، ل^۲ (نیزلن، لی، لن، آ، ب): یزدان پرست؛ متن = ف، ل، ق، س^۲ (نیزق، ل، آ، پ، و، لن) ۲۷- ف: گفتار اندر پیغام فرستادن افراسیاب بدست فرزند خویش شیده بشاه کیخسرو و آمدن شیده و پیغام گزاردن؛ ل: پیغام آوردن شیده بشاه کیخسرو؛ ل^۲: پیغام فرستادن افراسیاب نزد کیخسرو؛ س^۲: پیغام افراسیاب بکیخسرو از شیده؛ متن =

ف

بدو گفت شاه^۱: ای پسندیده پور^۲
از ایدر برو تا میان سپاه
به کیخسرو از من^۵ پیامی رسان
نبیره که رزم^۸ آورد با نیا
۴۲۵
چنین بود رای جهان آفرین
سیاوش نه بر بی‌گنه گشته شد
گنه گر مرا بود، پیران چه کرد
که بر پشت زینشان بیایست بست
گر^{۱۴} ایدونک گویی^{۱۵} که تو بدتی
۴۳۰
به گوهر نگر^{۱۷} ز تخم منی^{۱۸}
تو این کین به کاوس و گودرز^{۲۱} مان
نه زان گفتم این کز تو ترسان شدم
همه ریگ^{۲۳} دریا مرا لشکرند
هر آنکه که فرمان دهم^{۲۵} کوه گنگ^{۲۶}
۴۳۵
همی ترسم از دادگر کردگار^{۲۸}
که چندین^{۳۰} سر نامور بی‌گناه

که بادا بد روزگار از تو دور^۳،
و زیشان^۴ یکی مرد دانا بخواه
که گیتی جزین^۶ دارد آیین و سان^۷
سرش^۹ بر بدی^{۱۰} باشد و کیمیا
که گردد جهان پر ز پرخاش و کین
از^{۱۱} آموزگاران سرش گشته شد
چو^{۱۲} رویین و لَهَاک^{۱۳} و فرشیدورد،
پُر از خون بکردار پیلانِ مست؟
بداندیش و از^{۱۶} تخم آهرمنی،
نکوهش همی^{۱۹} خویشان را کنی^{۲۰}
که پیش من آرند لشکر دمان
و گر پیر گشتم، دگرسان^{۲۲} شدم
همه نرّه شیران^{۲۴} گنداورند
چو دریا کنند ای پسر بی‌درنگ^{۲۷}
ز خون ریختن وز^{۲۹} بد روزگار
جدا گردد از تن بدین رزمگاه

۱- س، ل (نیز لن، ب): بشییده بگفت؛ ق: بدو شاه گفت؛ متن = ف، ل، س (نیز لن - و، آ) ۲- ل: سرافراز مرد؛
س، س: جهان‌نبدیده پور؛ ل (نیز لن، ل، ب): جهان‌نبدار پور؛ (ب، و: سرافراز پور)؛ متن = ف، ق (نیز ق، ل، ب، آ) ۳- ل: نه گرم آورده
ز گیتی نه سرد (۴۱۹ ب)؛ درس این بیت یکبار هم با ضبط جهان‌نبدار پور پس از بیت ۴۱۸ آمده است ۴- ل:
ازیشان؛ س: وزانجا ۵- س: ما ۶- ق، س: دگر؛ متن ← ۷- (و: شد بآیین و سان)؛ س (نیز لن، ل، ب):
بگوش که گیتی دگر شد بسان؛ متن = ف، ل، ل (نیز ق، ل، ل، ب، آ) ۸- (و: لغت فرس، ص ۲، لغت دری، ص ۲۶،
معجم شاهنامه، ص ۶، لغت شهنامه، شماره ۲۴۴۵ و ۲۵۹۴: جنگ) ۹- ل، س: (نیز و): دلش؛ متن = ف، س، ق، ل
(نیز هشت دستنویس دیگر) ۱۰- ل: پرز کین؛ (ل، ب، ب: پربدی؛ لغت فرس، لغت دری، معجم شاهنامه، لغت شهنامه: هم از
ابلهی؛ دریکی از دستنویس‌های لغت دری: زبی دانشی، و دریک دستنویس دیگر آن کانبیا دارد بجای کیمیا) ۱۱- ف، ل:
زا؛ متن = ل، س، ق، س ۱۲- س: چه ۱۳- س: لَهَاک و رویین ۱۴- س، ق، س: ور ۱۵- ل (نیز ل):
گویم ۱۶- ف- ل: وز؛ متن = س ۱۷- ل، ق (نیز ل): نگه کن؛ (ق: نگر تو)؛ س (نیز لن، ل، ب): بگوش (لن،
لن: بداندیش) چون تو؛ متن = ف، س (نیز ل، ب، و، آ) ۱۸- ل: بتخمه من؛ متن = ف، س، ق، س (نیز لن - آ) ۱۹-
س: همان ۲۰- ل: کم؛ متن = ف، س، ق، س (نیز لن - آ)؛ ل، ب این بیت را ندارند؛ بنداری (۴۳۰-۴۳۱): واعلم أنك
مهیا نستنی الی الشر والعدو غیرتی بها فانما تعیر نفسک. لأنک شعبه منی و غصن من دوحتی ۲۱- ل- س (نیز لن، ل، ب): بگودرز و
کاوس؛ متن = ف (نیز ق)؛ بنداری: کیکاوس و جودرز ۲۲- س، ل (نیز لن، ب، ل، ب): هراسان؛ متن = ف، ل، ق، س (نیز ق، ل،
ل، آ) ۲۳- ل، ق، ل (نیز ق - و): ریگ و؛ س (نیز لن، ل، ب): کوه و؛ متن = ف، س (نیز آ) ۲۴- ل (نیز ل): نرّه شیرند و؛
س (نیز ق): نرّه شیران و؛ ق (نیز ل): پرستیزند و؛ متن = ف، ل، ل، س (نیز لن، ب - ب) ۲۵- ف: دهد (!)؛ متن = ل- س (نیز لن -
ب) ۲۶- س: کوه و سنگ؛ (ل: روز جنگ) ۲۷- ل، س، ق، ل (نیز لن، ل، ب، ل، آ، ب): روز جنگ؛ (ل: کوه کنک)؛
متن = ف، س (نیز ق، و) ۲۸- ل- س (نیز لن - ب): ولیکن همی ترسم از کردگار؛ متن = ف ۲۹- ل: از ۳۰- س (نیز
لن، ب): چندان

۴۴۰ گرازا پیش من برنگردی به جنگ
 چو باه من به سوگند پیمان کنی
 بدین کار باشم ترا رهنمای
 چو کار سیاوش فراموش کنی
 برادر بودی جهن و جنگی پشنگ^{۱۰}
 هر آن بوم و بر را کز^{۱۲} ایران نهی
 ز گنج نیاگان ما هر چه^{۱۴} هست
 ز اسپ و سلیح^{۱۷} و ز بیش و ز کم
 فرستم همه همچنین پیش تو
 دو لشکر برآساید از رنج^{۲۰} رزم
 و رایدونک^{۲۳} جان ترا آهرمن
 جز از رزم کردن ترا^{۲۵} رای نیست
 ۴۵۰ تو از لشکر خویش بیرون خرام
 بگردیم هر دو به آوردگاه

بترسی^۳ همانا که آیدت^۱ ننگ،
 بکوشی که پیمان من^۶ نشکنی،
 که گنج و سپاهت^۷ بماند به جای
 نیا را به توران سیاوش^۸ کنی
 که در جنگ دریا کند کوه سنگ^{۱۱}
 به فرمان کم آن^{۱۳} ز ترکان تهی
 ز دینار و از^{۱۵} تاج و تخت^{۱۶} نشست،
 که میراث ماند از نیا^{۱۸} زادشم،
 پسر پهلوان و پدر خویش تو^{۱۹}
 همه رزم^{۲۱} ما بازگردد به بزم^{۲۲}
 بیچدهمی تا پوشی^{۲۴} کفن،
 به مغز تو پند مرا^{۲۶} جای نیست،
 مگر خود برآیدت^{۲۷} زین کار کام
 برآساید از جنگ چندین سپاه^{۲۸}

۱- س، س^۲ (نیز لن، آ، ب): وراز؛ ق (نیز ق، آ، ل): اگر؛ متن = ف، ل، ل^۲ (نیز لی، پ، آ) ۲- ل (نیز لی، آ، ب): ز؛ ق: نزد من تونیایی
 به؛ متن = ف، س، ق، ل، ل، س^۲ (نیز ل، آ، پ، ل، ن) ۳- ل، ل، س^۲ (نیز و): نگریدی؛ (پ: نترسی)؛ متن ← ۴- ل: که آید همانا؛
 س: همانا که آید برین کار؛ ل^۲ (نیز ق، آ، ل، ن، ب): همانا که آیدت ازین کار (ق: جنگ)؛ متن = ف، ق (نیز لی، آ): در ق پس از این بیت،
 بیت ۴۴۱ آمده است ۵- ق: ابا ۶- س: ما ۷- ل: که اسب و سلیحت؛ ق این بیت را ندارد ۸- ل (نیز ل، آ، پ):
 برامش؛ در ق این بیت پس از بیت ۴۳۸ آمده است ۹- ق: بوی ۱۰- حرف یکم در ل، س بی نقطه، در و، آ، ب با سه نقطه و در
 دیگر دستنویس ها با یک نقطه ۱۱- ف، س: کوه و سنگ (ق): س (نیز لن، پ، ل، ن، آ): کوه کنگ (بیت ۴۳۵)؛ متن = ل، ق،
 س^۲ (نیز و، ب) ۱۲- ل، ل، س^۲ (نیز لن، لی، ب): کان ز؛ متن = ف (نیز ق) ۱۳- ف: من؛ س^۲ (نیز پ): کنیمش؛ متن = ل، س،
 ق، ل^۲ (نیز هشت دستنویس دیگر)؛ س، لن، لی، ل، آ، ب پس از این بیت افزوده اند:

ز گنج (لی: سلاح) نیاکان برترمنش

فرستم بنزد توبی سرزنش

۱۴- ل، س: هرچ ۱۵- ف، ل، ق، ل، آ، س: وز؛ متن = س ۱۶- ل (نیز ل، آ، لن): تخت و ۱۷- س: سلاح ۱۸- س:

ازگه؛ ل، س، ل، آ، لن، ب پس از این بیت افزوده اند:

ز چیزی که خواهی (ل: باید) ز بهر سپاه

ز تاج (ل، آ، پ: گنج) بزرگان و تخت و کلاه

ف، ق، س^۲ این بیت را ندارند ۱۹- س^۲ این بیت را ندارد ۲۰- ل، س^۲ (نیز پ): رنج و؛ (ل: درد و) ۲۱- ف، ق (نیز لن،
 پ): رنج (ق): متن = ل، س، ل، آ، س^۲ (نیز هفت دستنویس دیگر) ۲۲- ق (نیز لی، آ): گردد ای شاه بزم؛ س، س، آ، ق، لی، آ پس از این

بیت افزوده اند:

وگرتو (ق: کجا گر) بدین گفت من بنگری (ق: بگروی)

دو لشکر برآساید از داوری (ق: بدل اندرون نیستت بدخوی)

۲۳- س: گرایدون که ۲۴- س، ل، آ، س^۲ (نیز لی، پ، آ، ب): بیپوشد؛ متن = ف، ل، ق (نیز لن، ق، آ، ل، و، لن) ۲۵- ل، س^۲
 (نیز لن، ب): رزم و خون کردند (ق: ریختن؛ لی، آ: جستنت)؛ متن = ف ۲۶- ل، س^۲ (نیز لن، ب): تودر پندار؛ متن = ف، ل، ق، س^۲
 (نیز ق، آ) ۲۷- ل، س، س^۲ (نیز لن، ب): ازین؛ ق، ل: برآید ازین؛ متن = ف ۲۸- س (نیز لی، و، لن، آ، ب): هر دو سپاه؛ ق: گر
 آبی بتابی توبا من براه؛ متن = ف، ل، ل، آ، س^۲ (نیز لن، ق، آ، ل، پ، آ)

چو من کشته باشم^۱ جهان پیش تُست
 وُ گر تو شوی گشته بر دستِ من
 سپاه تو در زینهار منند
 ۴۵۵ وُ گر با من ایدر^۲ نیایی به جنگ
 کمر بسته پیش تو آید^۴ پُشنگ^۵
 پدر پیر شد، پامردش^۷ جوان
 بدآوردگه^۹ با تو جنگ آورد
 بینیم تا بر که گردد سپهر
 ۴۶۰ وُر^{۱۲} ایدونک^{۱۳} با او^{۱۴} نجویی^{۱۵} نبرد
 بمان تا بیاساید^{۱۶} امشب^{۱۷} سپاه
 ز لشکر گزینیم جنگاوران
 زمین را به^{۱۹} خون رنگِ دیبا^{۲۰} کنیم
 دوم روز هَنگامِ بانگِ خروس
 ۴۶۵ سران را به یاری برون آوریم
 [سیوم^{۲۲} روز لشکر بکردارِ کوه
 ببینیم تا این سپهرِ بلند

سپه بندگان و پسر خویش تُست
 کسی را نیازم از انجمن
 همه مهترانند و یار منند
 نتابی تو با کاردیده ننگ^۲،
 چو جنگ آورد دور باش از^۶ درنگ!
 جوانی خردمند و^۸ روشن روان
 دلیرست و جنگِ ننگ^{۱۰} آورد
 که را برنهد بر سر از^{۱۱} تاج مهر
 دگرگونه خواهی همی کار کرد،
 چو بر سر نهد کوه زرین کلاه،
 سرافراز با گرزهای^{۱۸} گران
 ز بالای بدخواه پهنا کنیم
 ببندیم بر کوهی پیل کوس
 به جوی اندرون آب^{۲۱} خون آوریم
 درآریم در رزم و کین همگروه]
 که را خوار دارد، که را ارجمند]

۱- ل، ق (نیزلی، ل، آ): آیم؛ س، ل، آ، س^۲ (نیزلن، ق، آ، و، لن، ب): گرده؛ متن = ف ۲- ل (نیزب): وگرزانک با من؛ (لی، آ): ورایدون
 که با من؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س^۲ (نیزلن، ق، آ، و، لن، ب) ۳- ق (نیزق^۲): پلنگ ۴- ل، آ، آمد ۵- حرف یکم در ف،
 ق، س^۲ با یک نقطه، در ل، س، آبی نقطه و در ل، آ، پ، و، لن، ب با سه نقطه ۶- ف: آوری زود پیش از(؟)؛ ل، ق (نیزلی، آ):
 آوری او نسازد؛ (ق^۲): آورد رودسبب (!)؛ پ، و: آوری دور باش از؛ متن = س، ل، آ، س^۲ (نیزلن، لن، ب) ۷- ل (نیزل^۳):
 پای مرد ۸- ف، س، ق، ل، آ، س^۲ (نیزلی، و، لن، ب): [و]: متن = ل (نیزلن، ق، آ، ل، آ) ۹- ل، س^۲ (نیزلن، ب): باوردگه؛
 متن = ف ۱۰- ل: پلنگ؛ س، ل، آ، س^۲ (نیزلن، پ، و، لن، ب): دل شیر و چنگ پلنگ؛ (ق^۲): که شیرست و جنگ پلنگ؛ متن = ف،
 ق (نیزلی، ل، آ) ۱۱- س: نابر سرش (!)؛ ق: بر سران؛ ل^۲ (نیزل^۳، پ): بر سران؛ (لن، ب): بر سر او؛ و: او بسر؛ متن = ف، ل، س^۲
 (نیزق^۲، لی، لن، آ) ۱۲- ل، ل، آ: گر ۱۳- س: ایدونکه ۱۴- ق: وی ۱۵- س: نخواهی ۱۶- س: برآساید
 ۱۷- س: اسب و؛ س، ق، ل، آ، س^۲ ق^۲- ب پس از این بیت افزوده اند:
 شب تیره (تار) زو (چون) دامن انسدركشید (كشد)

یکی چادر شعر (س: سبزه؛ س: لعل؛ پ: پرده از قبر) در (بر) سرکشید (كشد)

ف، ل، لن این بیت را ندارند ۱۸- س، ل^۲ (نیزلن، ب): کسی کو گراید به ۱۹- ل، س، ق، ل^۲ (نیزلی، ل، آ، و، لن، ب): زه؛
 متن = ف، س^۲ (نیزق^۲، پ، آ) ۲۰- ل، ق (نیزل^۳): رود (ق: رود و) دریا؛ متن = ف، س، ل، آ، س^۲ (نیزق^۲، لی، پ- ب) ۲۱-
 ل: آب و؛ س: آب چون (وزن ندارد)؛ ق: رود؛ متن = ف، ل، آ، س^۲ (نیزق^۲- ب) ۲۲- س (نیزب، لن، آ): سوم؛ متن = ل^۲ (نیزلی، ب)؛
 ف، ل، ق، س، آ، ق، ل، آ، و، آ بیت های ۴۶۶ و ۴۶۷ و لن بیت ۴۶۶ را ندارند، ولی گویا بنداری هم آنها را داشته است (۴۵۵-۴۶۷)؛ و ان
 کرهت مبارزتی فهذا ولدی شیده مبارزک علی الصفة المذكورة. وإن كنت لا تری ذلک أيضا فسعودنا للقتال غدا عند
 تبلیج الإصباح. يتبارز المبارزون من الجانبین، وبعده غد یكون القتال العام حتی نبصر لمن یکن الظفر، وعلی أی جانب
 یمل القدر

- چو بدخواه پیغام تو بشنود^۱ بیچد، بدین پند ما نگرود^۲،
 به تنها تن خویش^۳ ازو رزم خواه به دیدار دور از میان سپاه
- ۴۷۰ پسر^۴ آفرین کرد و آمد برون
 گزین کرد از آن بخردان^۵ چار مرد
 گزین کرد از آن نامداران هزار^۶
 ز^۷ ره چون طلایه بدیدش ز دور
 ز ترکان هر آنکس که بُد پیشرو
 به ره با طلایه برآویختند ۴۷۵
- تنی چند از ایرانیان خسته^۸ شد
 هم اندر زمان شیده آنجا رسید
 دل شیده گشت اندر آن کار تنگ
 به ایرانیان گفت: نزدیک شاه
 بگویند^۹ روشن دلی^{۱۰} شیده نام ۴۸۰
 از^{۱۱} افراسیاب آن سپهدار چین
- سُواری دمان از طلایه برفت بر شاه ایران گذارید و^{۱۲} تفت

۱- (پ، و؛ نشنود)؛ در ل، س، س، ل، ن، آ، حرف یکم نقطه ندارد؛ متن = ف، ق، ل، (نیز ق، ل، ب) ۲- ف، ق (نیز و)؛ بند ما نگرود (ف؛ بگرود)؛ ل (نیز پ)؛ گفته نگرود؛ س (نیز ل، ب)؛ پند (س؛ بند) من بگرود (ب؛ نگرود)؛ (ق)؛ بندها نگرود؛ ل؛ بندها بگرود)؛ ل؛ بگفتار تو بگرود؛ س (نیز آ)؛ برین بند (آ)؛ پند) ما نگرود؛ متن = ق، و، آ ۳- ل؛ خود ۴- س، ق، ل (نیز ل، ق، آ، پ-ب)؛ بسی؛ (ل؛ همی)؛ متن = ف، ل، س (نیز ل) ۵- ل، ل، ل (نیز پ)؛ دیده؛ س، ق، س (نیز ل، ل، و-ب)؛ مژه؛ متن = ف ۶- ل، ل؛ [و] ۷- (ق، ل، رخ)؛ درس، ل، ل، و، ل، آ، ب این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۸- ل؛ از موبدان؛ ف (نیز ل)؛ ز گردان گزین کرد او؛ متن = س، ل، آ، س (نیز ل، ب) ۹- ل؛ کشیده ۱۰- س، ل (نیز ل، ب)؛ ز گیتی بسی؛ ق، ل، ق این بیت را ندارند و در ترجمه بنداری هم نیست ۱۱- ق (نیز ل)؛ چهار؛ ل؛ ترکان نامی هزار؛ ل؛ وزان نامداران لشکر هزار؛ (و) بخود برد از آن نامداران هزار)؛ متن = ف، س، س (نیز ل، ل، ق، آ، ل، آ، ب)؛ پ این بیت را ندارد؛ درس این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است؛ بنداری؛ فاستصحاب شیده الف فارس؛ برخی از دستنویس ها در اینجا سرنویس دارند، س؛ آمدن شیده برسولی بنزدیک لشکر شاه کیخسرو؛ ق؛ آمدن شیده پسر افراسیاب برسالت نزد کیخسرو؛ ل؛ پیغام آوردن شیده از نزد افراسیاب ۱۲- ل (نیز ل)؛ به ۱۳- ل، ق (نیز ل، و، آ)؛ سنان؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیز ل، ق، آ، پ، ل، آ، ب) ۱۴- س، ل (نیز پ، ل، ن، آ، ب)؛ سپهدار ۱۵- س، ل (نیز ل، ب)؛ سواران ۱۶- ل، ق (نیز پ، و)؛ بنام از بی شیده؛ س، ل (نیز ل، آ، ب)؛ بنا کام بی شیده؛ (ل)؛ بنا کار بی شیده؛ ق؛ ز گردان بران دشت)؛ متن = ف، س (نیز ل، آ) ۱۷- س، س، س؛ کشته ۱۸- ل؛ ایران سپه ۱۹- ل (نیز ل، آ، ل، ب)؛ همی ۲۰- (ق)؛ بازخواندش ۲۱- ل؛ فرستیم ۲۲- ل- س (نیز ل، ل، ب)؛ بگویند که؛ متن = ف (نیز ق، ل) ۲۳- ل؛ روشن روان ۲۴- ل؛ چسبیدین ۲۵- ف، ل، س؛ ز؛ س؛ به؛ متن = ل، ق ۲۶- ل (نیز ل، ل، ن، آ، ب)؛ خرامید و؛ س، ل (نیز ل، ب، و، آ)؛ خرامید؛ ق؛ گرایید و؛ س؛ گذارید؛ (ق)؛ گریید)؛ متن = ف

که پیغامبر^۱ شاه توران سپاه
 همی شیده - گوید که - هستم به نام
 رخ^۵ شاه شد زان^۶ سخن پر ز شرم
 چنین گفت کین شیده خال من ست
 نگه کرد گردنکشی زان میان^۸
 بدو گفت: رو پیش او^{۱۱} شاد کام
 چو قارن بیامد ز پیش سپاه
 بیامد^{۱۳} بر شیده، دادش درود^{۱۴}
 جوان تیز بگشاد شیرین زبان
 بگفت آنچه^{۱۶} بشنید از^{۱۷} افراسیاب
 چو بشنید قارن^{۲۰} سخن های نغز
 بیامد بر شاه ایران بگفت
 چو بشنید خسرو ز قارن سخن
 بخندید^{۲۴} خسرو ز کار نیا
 از آن پس چنین گفت کافراسیاب
 ورا چشم پُر^{۲۷} آب و لب پُر سخن
 بکوشد همی تا^{۲۸} بتُخشاند^{۲۹}

گوی بَرمنش^۲ با درفش سیاه،
 کسی بایدم^۳ تا گزارم^۴ پیام
 فروریخت از دیدگان^۷ آب گرم
 به بالا و مردی همال من ست
 بُد پیش جز^۹ قارن کاویان^{۱۰}
 درودش ده از ما و بشنو پیام
 بدید آن درفشان درفش^{۱۲} سیاه،
 ز شاه و ز ایرانیان برفرود^{۱۵}
 که بیدار دل بود و روشن روان
 از^{۱۸} آرام و ز بزم و رزم^{۱۹} و شتاب
 از آن نامور بچه^{۲۱} پاک مغز^{۲۲}،
 که پیغام ها با خرد بود جفت
 به یاد آمدش گفت های^{۲۳} گهن
 از آن جستن چاره^{۲۵} و کیمیا
 پشیمان شده ست از گذشتن بر^{۲۶} آب
 مرا دل پُر از دردهای گهن
 به بیشی^{۳۰} لشکر بترساندم^{۳۱}

۱- ل، ل، ل (نیز لن، پ): پیغمبر؛ متن = ف، س، ق، س، س (نیز هفت دستنویس دیگر) ۲- (لن: بررکیبش؛ ل، ل، پ، لن، آ، ب: پرمش) ۳- ل (نیز لن، ق، و): بایدش ۴- ل: گزارم؛ ل (لن، ق، ل، ی، پ، و، آ: گزارد)؛ متن = ف، س، ق، س، ل (نیز ل، لن، آ، ب): س پس از این بیت افزوده است:

از افراسیاب آن سپهدار چین پیام آوریده به شاه زمین
 ۵- ل، س، ق، س، ل (نیز لن، ق، ل، ی، پ، ب): دل؛ متن = ف، ل، ل ۶- س: زین ۷- ل: دیده گان؛ در ل پس از این بیت، بیت پیشین دوباره آمده است ۸- س، ل (نیز لن، آ، ب): از گوان ۹- ق: کجا نام او ۱۰- س، س (نیز و): کاوگان؛ (لن، آ، ب: پهلوان) ۱۱- ل: آن ۱۲- س، ل (نیز ق، ل، ی، لن، آ، ب): درفش درفشان؛ (و: درخشان درفش)؛ متن = ف، ل، ق، س (نیز لن، ل، آ، ب) ۱۳- ل، س (نیز لن، پ، لن، آ، ب): چو آمد؛ متن = ف، ق، ل، آ، س (نیز ق، ل، ی، لن، و، آ) ۱۴- (ل: سلام) ۱۵- (ل: بگفتش بگوتا چه داری پیام) ۱۶- ق، ل، آ، س: آنچه ۱۷- ل: ز ۱۸- ل، ق، س: ز ۱۹- ق: و بزم و رزم؛ س: و رزم و بزم ۲۰- ق: چو قارن شنید ۲۱- س (نیز ق): بخرد ۲۲- س (نیز لن، آ، ب): تیز مغز ۲۳- ق، ل، آ، س (نیز لن، ق، ل، آ، ب): دردهای؛ (ل، و، لن، آ: روزگار)؛ متن = ل، س (نیز ب)؛ ف این بیت را ندارد و در ترجمه بنداری هم نیست ۲۴- ف: چو بشنید؛ متن = ل - س (نیز لن - پ، لن، آ، ب)؛ بنداری: فتسم ۲۵- ق، س (نیز ق، ل، آ، ب): چاره و حيله (س): حيلت) ۲۶- ل (نیز ل): ز؛ س، س (نیز لن): به؛ ل: شد از برگزشتن بر؛ متن = ف، ق (نیز ق، ل، ی، پ، لن، آ، ب) ۲۷- س، ق، ل، آ، س (نیز لن، ل، ی، لن، آ، ب): بی؛ متن = ف، ل (نیز ق، ل، آ، ب)؛ درس این بیت پس از بیت ۵۰۰ آمده است ۲۸- ل، س، ل (نیز ب): بکوشد که تا دل؛ (لن، لن، آ: بکوشد مگر دل؛ ق: بجوشد همی تا؛ پ: بکوشید تا دل)؛ متن = ف، ق، س (نیز ل، ل، و، آ) ۲۹- ل، ق، ل، آ، س (نیز ل، ل، آ، ب): بیچاندم؛ س: بیچاندش؛ (لن، و: بیخشايدم؛ ق: بنخشاندم (1))؛ متن = ف ۳۰- ف: چنین پیش؛ متن = ل - س (نیز لن - ب)؛ بنداری: فجاء یفرعنا بکثرة جنوده و جموعه ۳۱- س: بترساندش؛ (لن، و: بفرسایدم)؛ درس، لن، ل، آ، ب این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است

- ۵۰۰ نداندا^۱ که گردنده چرخ بلند
کنون چاره جز این مرا^۳ نیست روی
بگردم بدآورد^۴ با وی^۵ به جنگ
همان^۷ بخردان و ردان سپاه
جهاندیده پُردانش^۹ افراسیاب
- ۵۰۵ نداندا^{۱۲} جز از تنبل و جادوی^{۱۳}
ز لشکر کنون شیده را برگزید
همی خواهد از شاه ایران نبرد
تو بر^{۱۹} پیری^{۲۰} او دلیری مگیر^{۲۱}!
و گر شیده از شاه خواهد نبرد
به دست تو گر شیده گردد تباه
و گر دور از ایدر تو گردی هلاک
نه یکی ز ما زنده ماند^{۲۷} به جای
کسی نیست ما را ز تخم کیان
نیای تو پیری جهاندیده^{۲۹} بی^{۲۹}
- ۵۱۰ نداندا^{۳۱} که گردنده چرخ بلند
کنون چاره جز این مرا^{۳۳} نیست روی
بگردم بدآورد^{۳۴} با وی^{۳۵} به جنگ
همان^{۳۷} بخردان و ردان سپاه
جهاندیده پُردانش^{۳۹} افراسیاب
- ۵۱۵ نداندا^{۴۲} جز از تنبل و جادوی^{۴۳}
ز لشکر کنون شیده را برگزید
همی خواهد از شاه ایران نبرد
تو بر^{۴۹} پیری^{۵۰} او دلیری مگیر^{۵۱}!
و گر شیده از شاه خواهد نبرد
به دست تو گر شیده گردد تباه
و گر دور از ایدر تو گردی هلاک
نه یکی ز ما زنده ماند^{۵۷} به جای
کسی نیست ما را ز تخم کیان
نیای تو پیری جهاندیده^{۵۹} بی^{۵۹}
- نگردد^۲ ببايست روز گزند
که من دل پُر از کین شوم پیش اوی
به هنگام جنبش^۶ نسازم درنگ
به آواز گفتند کین نیست^۸ راه
جز از چاره چیزی^{۱۰} نبیند^{۱۱} به خواب
فریب و^{۱۴} بداندیشی و بدخوی^{۱۵}
که این دید بند بدی^{۱۶} را کلید
بدان تا کند روزمان^{۱۷} پُر ز درد^{۱۸}
از^{۲۲} ایران و از^{۲۳} تاج سیری مگیر^{۲۱}!
بدآورد^{۲۴} گستاخ با وی^{۲۵} مگرد!
یکی نامور کم شود زآن سپاه
از^{۲۶} ایران برآید یکی تیره خاک
نه شهر و بروبوم^{۲۸} ایران به پای
که کین را ببندد کمر بر میان
به توران و چین در^{۳۰} پسندیده^{۲۹} بی^{۲۹}
ز بیچارگی جُست خواهد نبرد

۱- ف، ل (نیز ق، ل، آ)؛ بدانگه (ق)؛ متن = س، ل، آ، س (نیز ل، ب) ۲- ف (نیز ل، آ)؛ بگردد؛ ل، س (نیز ق، ل، آ، ب)؛ بگردد (حرف یکم نقطه ندارد)؛ متن = ل، آ، س (نیز ل، ب، آ)؛ ق، ل، ن، بنداری این بیت را ندارند ۳- ل (نیز ب)؛ چاره ما جزین؛ س، ل، آ، س (نیز ق، ل، آ، ب)؛ کار ما (ل، آ، ها) را جزین؛ (ل، ن)؛ کار با وی جزین؛ ل، آ، چاره این مرا)؛ متن = ف، ق (نیز ل، آ) ۴- ل- ل- س (نیز ل، ن، ب)؛ بآورد؛ متن = ف- ل، س، ل، آ، س؛ او؛ متن = ف، ق ۵- ل- ل- س، ل، آ، س؛ او؛ متن = ف، ق ۶- ل (نیز ق، آ، ب)؛ کوشش؛ س (نیز ل، ن، ل، و، ل، آ، آ، ب)؛ جستن؛ ق؛ رزمش؛ (ل، آ)؛ جنگش)؛ متن = ف، ل، آ، س ۷- ل- ل- س (نیز ل- ب)؛ همه؛ متن = ف ۸- ل، آ؛ است ۹- ف، س؛ بی دانش (ق)؛ (ل)؛ پر ز آتش)؛ متن = ل، س، ق، ل (نیز ق، ل، آ، ب) ۱۰- ل (نیز ق، آ، ل)؛ جستن؛ س (نیز ب)؛ سازی؛ متن = ف، ق، س (نیز ل، ب، و، آ) ۱۱- ل؛ نبیند جز از چاره چیزی ۱۲- ل؛ نبیند ۱۳- س، ل، آ، س؛ جادویی ۱۴- ل؛ [و] ۱۵- س، ل، آ، س؛ بدخویی ۱۶- (ق)؛ بلا؛ و؛ دیده بد بند بد؛ ل، آ؛ که آرد مگربند بد) ۱۷- ف؛ دردمان (ج- روزمان)؛ ل- س (نیز ل، ل، آ، ب، ل، آ، آ، ب)؛ روز ما؛ (ق، آ، و، جان ما)؛ متن تصحیح قیاسی است ← ف ۱۸- س، ل (نیز ل، آ، ب)؛ گردد؛ ل، ق (نیز ل، آ، ب)؛ را بگردد؛ متن = ف، س (نیز ق، آ، ل، و، آ)؛ س، ل، ن، آ، ب پس از این بیت افزوده اند؛ باورد گستاخ با او مگردد

نسیاید که یایم ما رنج و درد (← ۵۰۹)

۱۹- س؛ با ۲۰- ف، س، ق، س؛ س؛ س (نیز ل، آ)؛ تیزی؛ متن = (ق، آ، ل، ب، و، آ) ۲۱- ل، س، ق، ل (نیز ق، ل، آ)؛ مکن؛ متن = ف، س، آ ۲۲- ف، س، ق، ل؛ ز؛ متن = ل، س، آ ۲۳- ف، ل، ق، ل، آ، س؛ وز؛ متن = س ۲۴- ل، ق، ل، آ، س (نیز و)؛ بآورد؛ (ق)؛ برآورد؛ ل، آ، تو در جنگ)؛ متن = ف ۲۵- ل، ل، آ، س؛ او؛ متن = ف، س؛ س، ل، ن، آ، ب این بیت را ندارند ۲۶- ل؛ ز ۲۷- ل، س، ل، آ، ب)؛ یکی زنده از ما مانند؛ ق (نیز ق، آ، ل، آ، آ)؛ مانند یکی زنده از ما؛ س؛ نه یکن ز ما زنده ماند؛ متن = ف ۲۸- ل؛ بروم ۲۹- ل، س، ق، ل (نیز ق، آ، ل، آ، ل، آ، آ)؛ است؛ متن = ف، س (نیز ب، و، ب) ۳۰- (ق، آ، و، بایران و توران)

همی گوید اسپان و گنج^۱ درم
همان تخت زرین و تاج سران
سپارد به گنج تو از گنج خویش
هر آن شهر کز بوم^۵ ایران نهی
به ایران خرامیم پیروز و شاد
بدین^۹ گونه^{۱۰} بودند^{۱۱} پیر و جوان
که رستم همی زآشتی^{۱۳} سربگاشت^{۱۴}
همی^{۱۷} لب به دندان بخایید شاه
و زان پس چنین گفت کین نیست^{۱۹} راه
کجا آن همه رسم^{۲۱} و سوگند^{۲۲} ما^{۲۳}
چو بر تخت بر زنده افراسیاب
به کاوس یکسر چه پوشش بریم
شنیدی که بر ایرج^{۲۷} نیک بخت
سیاوخش^{۳۰} را نیز بر بی‌گناه

۵۲۰
۵۲۵

که بنهاد تور از پی^۲ زادشم،
کمرهای زرین^۳ و گرز گران،
همی بازخرد بدین^۴ رنج خویش
همی کرد خواهد^۶ ز توران^۷ تهی
ز کار گذشته نگیرم یاد^۸
جز از رستم آن نامور پهلوان^{۱۲}
زدرد^{۱۵} سیاوش به دل کینه داشت^{۱۶}
همی کرد در روی ایشان^{۱۸} نگاه
به ایران خرامیم ازین^{۲۰} رزمگاه
همان بدره و برده و پند^{۲۴} ما^{۲۳}
بماند جهاندار و، ایران خراب^{۲۵}،
بدان دیدگان درد خود بنگریم^{۲۶}
چه آمد ز^{۲۸} تور از پی^{۲۹} تاج و تخت؟
بکشت از پی گنج و تخت^{۳۱} و کلاه^{۳۲}

۱- ف، ل، س، س (نیز ق، پ، لن، ب): گنج و؛ ق (نیز ل، آ): از (لی: آن) اسب و گنج و؛ (ل: اسب و سلیح و): متن = ل، س (نیز و) ۲- ق: آن از نیا؛ (لی: تورانی)؛ س (نیز لن، ب): که میراث بود از نیا؛ متن = ف، ل، ل، س، س (نیز ق، ل، ب، و، آ) ۳- ق (نیز ل، ل، آ): شاهی ۴- ق: بدان ۵- ل، س (نیز ب): مرز؛ س: بوم و برکان؛ متن = ف، ق، ل (نیز ق، و، آ) ۶- س (نیز ق، آ): خواهد ۷- ل - س (نیز ق، و، آ، ب): ترکان؛ متن = ف ۸- (ق: نیارم یاد)؛ ل: نگیرم کار گذشته بیاد ۹- ل، ل، س، س: برین ۱۰- ل، ق (نیز ق، ل، ب، و): گفته؛ متن = ف، س، ل، س، س (نیز ل، لن، آ، ب) ۱۱- س (نیز لن، آ، ب): گفتند ۱۲- ل - س (نیز ق، ل، لن، آ، ب): نامور رستم پهلوان؛ (ب، و: رستم نامور پهلوان؛ ل: مگر نامور رستم پهلوان)؛ متن = ف؛ در س، ل، و، لن، آ، ب، ل، ت، های این بیت پس و پیش شده اند ۱۳- ف: دانش (؟)؛ س: استی (!)؛ (لن: داشتی)؛ متن = ل، ق، ل، س، س (نیز ق، و، آ، ب) ۱۴- س: نداشت؛ ل: سربگاشت (حرف سووم نقطه ندارد) ۱۵- ق (نیز ل): کار؛ ل: خون؛ متن ← ۱۶- س (نیز لن، آ، ب): که درد سیاوش ز (ب: به) دل برنداشت (ب: بداشت)؛ متن = ف، ل، س، س (نیز ق، و، آ) ۱۷- ق: همه ۱۸- ل، س، ق (نیز ل، ب، و، لن، آ، ب): خیره بدیشان؛ ل: خیره در ایشان؛ س: بر روی ایشان؛ متن = ف (نیز ق، ل، آ): در س، ل، ت، های این بیت پس و پیش شده اند ۱۹- س، ل، س، س (نیز لن، آ، ب): کاینست؛ متن = ف، ل، ق (نیز ق، ل، ب، و، آ) ۲۰- ف، ل (نیز ل): زین؛ متن = س، ق، ل، س، س (نیز ق، ل، ب، و، لن، آ، ب) ۲۱- ل: رسم؛ س، ل (نیز لن، ق، ل، ب، و، آ): عهد و؛ س: رنج و؛ متن = ف، ق (نیز ل، ب، و، آ) ۲۲- س (نیز ب): پیوند ۲۳- ل: ها ۲۴- ف، ل (نیز ق، ب، و): بند؛ ل: گفته و بند؛ ق: گفتن و بند؛ (آ: بند و پیوند)؛ س (نیز لن، ل، ب): گفت و اندرز و آن بند (ب: سوگند)؛ (ل: برده و بدره و بند)؛ متن = س، ل: ۲۵- ل: جهان گردد از وی خراب؛ ل: سپهدار ایران خراب؛ (لن: که هرگز مینماید شادی بخواب)؛ متن = ف، س، س (نیز لن - و، آ، ب)؛ ق این بیت را ندارد ۲۶- ل، س، ق (نیز لن - ب، لن، آ، ب): بدین دیدگان (ل، ق، ل، ب: کارها؛ ل، آ: کار ما) چون بدو (لن: تویی) بنگریم؛ ل: بدین دیده نیز چون بنگریم؛ س: بچه دیدگان ما بدو بنگریم؛ (و: بدین دیده در کاخ چون بنگریم)؛ متن = ف؛ بنداری؛ و اذا فعلنا ذلک فبأی ناظر نبصرو وجه کیکاوس، و بآی شیء نعتذر الیه؟ ۲۷- ل: نوذر ۲۸- ل، س (نیز ل، لن، آ، ب): به ۲۹- ف: توران ازین؛ متن = ل - س (نیز ق، آ)؛ س (نیز ل، ب، لن، آ، ب) پس از این بیت افزوده اند:

بنسودر چه آمد ز افراسیاب بکردند ایران چو دریای آب (لی: بیکیبارگی کرد ایران خراب؛ ب: که هرگز مینماید شادی بخواب؛ لن، آ، ب: بماند جهاندار و ایران خراب)

۳۰- ل، س، ق، ل (نیز ل، لن، آ، ب): سیاوش؛ (ب: سیاوش)؛ متن = ف، س، س (نیز ق، ب، و، آ) ۳۱- ف، ق: تخت و گنج؛ ل: تاج و گنج؛ (ق، ل، آ: تاج و تخت)؛ متن = ل، س، س، س (نیز ل، ب، و، آ) ۳۲- ل (نیز ق): سپاه

۵۳۰ فریبنده ترکی از آن^۱ انجمن
گرا^۲ از من همی جست خواهد نبرد
همی از شما این شگفت آیدم
گمانی نبردم که ایرانیان
کسی را ندیدم^۷ از^۸ ایران سپاه
که از جنگ ایشان گرفتی شتاب^{۱۱} ۵۳۵

۵۴۰ چُن^{۱۳} ایرانیان این سَخُن^{۱۴} ها ز^{۱۵} شاه
گرفتند پوزش که^{۱۶} ما بنده ییم
نخواهد شهنشاه جز نام نیک
ستوده^{۱۹} جهاندار برترمنش
که گویند از ایران^{۲۰} سُواری نبود
سپاهی خروشان^{۲۲} به دشت نبرد
بخواهد^{۲۵} مگر خسرو موبدان

۵۴۵ بدیشان چُن^۱ پاسخ آورد شاه
بدانید کین شیده روز نبرد
سلیحش^{۲۷} پدر کرده از جادوی^{۲۸}

بیامد خرامان بنزدیک من
شما را چرا شد^۳ چُن^۴ روی زرد؟
همان^۴ کین^۵ پیشین^۵ بیفزایده
گشایند جاوید زین کین^۶ میان
که افکنده بودی بدین^۹ رزمگاه
به^{۱۱} گفت^{۱۱} فریبنده^{۱۲} افراسیاب

شندند^{۱۵}، پپجان شدند از گناه
هم از مهربانی سراینده ییم^{۱۷}
و گر کارها را^{۱۸} سرانجام نیک
نخواهد که بر ما بود سرزنش
که یارست با شیده رزم^{۲۱} آزمود
جز از^{۲۳} شاهشان این^{۲۴} دلیری نکرد
که بر ما بود ننگ تا جاودان

که ای موبدان^{۲۶} نماینده راه،
پدر را ندارد به هامون به مرد
ز کژی و تاری و از بدخوی^{۲۹}

۱- ل: ازین ۲- س: که ۳- ق چرا شد شما را ۴- ل: همین؛ (پ: همه؛ و: ب: همی)؛ متن ← ۵- س: همی کین به
بیشی؛ (لی، ل، آ: همانا کزین کین؛ لن: همی کین پیشی)؛ متن = ف، ل، س (نیزق ۲)؛ ق این بیت را ندارد ۶- ق (نیزلی، ل، آ، پ، و،
آ): ازین کین؛ س (نیزلن، ب): ازین (لن: از) کینه یکسر (س: هرگز)؛ متن = ف، ل، ل، س (نیزق ۲) ۷- ل: ندیدند ۸-
ف: کز: ل (نیزلی، آ): ز: متن = س، ق، ل، س (نیزل، ب، و، لن، ب) ۹- ل: درین؛ ل، ق (نیزل، آ): بود اندرین؛ س: ترکی
بدین؛ (لی: بد اندرین)؛ متن = ف، س (نیزپ، و، ب) ۱۰- س: گرفتند تاب ۱۱- س: ز ۱۲- ف: فرستاده؛ متن = ل-
س (نیزق ۲- ب): بنداری؛ و فیم اصفرت و جوهکه بقول ترکی خداع جاءنا یزعه أنه یطلب مبارزتنا؟ ۱۳- ل- س (نیزق ۲- و، آ): چو:
متن = ف ۱۴- س: راز؛ س: های ۱۵- ل، س (نیزپ): شنیدند و: متن = ف، ق، ل، س (نیزق ۲، لی، ل، و، آ) ۱۶- س،
ل (نیزلن، ب): بیوزش بگفتند؛ متن = ف، ل، ق، س (نیزق ۲- و، آ) ۱۷- ل، ق، س (نیزق ۲، ل): سرافکنده ایم؛ متن = ف، س، ل (نیزب-
ب) ۱۸- س: کار ما را؛ س، ل (نیزلن، ب): ز (لن: به) هر کارها جز؛ (ق: همان کارها و: ل: وزین کارها جز)؛ متن =
ف، ل، ق (نیزلی، ب، و، آ) ۱۹- س (نیزلن، ب): که شاید ۲۰- س: ایشان ۲۱- س: جنگ؛ س (نیزلن، ب): با او
نبرد؛ متن = ف، ل، ق، ل (نیزق ۲- و، آ) ۲۲- ل، ق (نیزلی، ل، آ): که (ق: چو) آمد (لی، آ: نیامد) سواری؛ (پ: سواری نیامد)؛
متن = ف، س، ل، س (نیزلن، ق، و، لن، ب) ۲۳- ل: بجز ۲۴- ق، س (نیزل ۲): کس؛ ل: آن؛ متن = ف، ل، س (نیزلن،
ق، آ، لی، ب، لن، آ، ب) ۲۵- ل، س، ق، ل (نیزق ۲، لی): بخواهد (حرف یکم نقطه ندارد)؛ س (نیزلن، ل، آ، پ، و، لن، ب): نخواهد؛
متن = ف (نیزآ) ۲۶- (ق: بخردان) ۲۷- ف: سلح؛ (لی، و: سلاحش)؛ متن = ل- س (نیزهفت دستنویس دیگر) ۲۸-
س: جادویی ۲۹- ف (نیزق ۲): نابخردی (پساوند ندارند)؛ ل، س (نیزب): بی راهی و بدخوی؛ ق (نیزلی): نادانی و بدخوی؛ (ل):
ناپاکی و بدخوی؛ و: از تاری و بدخوی؛ آ: نادانی و بخردی)؛ متن = س، ل (نیزلن، لن، ب): بنداری؛ این شیده هدا فارس شجاع قد البسه أبوه
سلاحا من السحر و الشر و الخيلة و المکر

برآن^۱ جوشن و خود پولادسرا^۲ نباشد سیلیح^۳ شما کارگر
همان اسپش از باد^۴ دارد نژاد گرازیدن شیر و تیزی باد^۵
کسی را که یزدان نداده ست فر نباشدش با جنگ او^۶ پای و پر^۷
همان با شما او نیاید به جنگ ز فر و نژاد خود^۸ آیدش ننگ
نبیره فریدون و پور^۹ قباد دو جنگی بود یک دل و یک نهاد
بسوزم برو^{۱۰} تیره جان^{۱۱} پدرش^{۱۱} چو^{۱۲} کاوس را سوخت او بر^{۱۳} پسرش^{۱۴}
سواران^{۱۵} و شیران ایران زمین همه شاه را خواندند آفرین

گفتار اندر پاسخ دادن شاه کیخسرو پیغام های افراسیاب^{۱۶}

بفرمود تا قارن نیک خواه^{۱۷} شود باز و پاسخ گزارد^{۱۸} ز شاه،
که این کار ما دیر و^{۱۹} دشخوار^{۲۰} گشت سخن ها از^{۲۱} اندازه اندر گذشت
هنریافته مرد سنگی^{۲۲} به جنگ نجوید گه^{۲۳} رزم چندین^{۲۴} درنگ
کنون تا خداوند خورشید و ماه که را شاد دارد بدین رزمگاه^{۲۵}
نخواهم ز تو بوم ایران و^{۲۶} گنج که بر کس نماند سرای سپنج
به زور جهان آفرین کردگار به دیهیم کاوس پروردگار،
که چندان نمانم شما را زمان^{۲۷} که بر گل جهد تند باد دمان^{۲۸}
بدان خواسته نیست ما را نیاز که از جور و بیدادی^{۲۹} آید^{۳۰} فراز

۱- ل (نیز لن، ق، ی، پ، آ): بدان ۲- ل، س، ق، ل (نیز لن، ی، ل، پ، و، ب): بر؛ س^۲ (نیز ق، ل، ن): خود و پولاد بر؛ متن = ف (نیز
آ) ۳- س (نیز و): سلاح؛ در ل- س، ل، ن، ی- ب لت های این بیت پس و پیش شده اند؛ بیایی لت های این بیت = ف، ق، آ ۴-
س، ق (نیز لن، ب): ابر؛ (ل: دیو)؛ متن = ف، ل، ل، ل، س^۲ (نیز لن، ق، آ، ی، پ، و، آ) ۵- س (نیز لن): تند ز باد؛ (ق: تیزی ز باد؛
و، ب: تند باد)؛ ل، ق (نیز ی، ل، آ): بدل همچو شیر و برقتن چو باد؛ ل: گراییدن شیر و تند باد؛ (لن: گراییدن تیز و تند باد)؛ متن =
ف، س^۲ (نیز پ) ۶- ل: وی ۷- ق (نیز ل): نباشد بدو (ل: بدان) زخم او کارگر ۸- ف: ز درد نژاد نو (ز فر و نژاد
خود)؛ س: ز نام و نژاد خود؛ متن = ل، س، ق، ل (نیز لن- ب) ۹- ق، ل، س^۲ (نیز لن- ب): بدو ۱۰- ق (نیز ق، ی، ل، آ):
ویژه جان؛ ل: خیره جان؛ (لن: نیز جان)؛ متن = ف، ل، س، س^۲ (نیز لن، پ، و، ب) ۱۱- ق (نیز ق، و): پدر ۱۲- س: آ
که ۱۳- ل: جان بر؛ س: جان؛ (ق: بهر؛ پ: دل بر؛ آ: همه)؛ متن = ف، ل، س، ق (نیز لن، ی، ل، و، لن، ب) ۱۴- ق (نیز
ق، و): پسر ۱۵- ل (نیز پ): دلیران ۱۶- ف: گفتار اندر پاسخ دادن شاه کیخسرو پیغام ها افراسیاب بر دست شیده و خواستن
جنگ شیده از افراسیاب؛ س، ل: پاسخ دادن کیخسرو افراسیاب و شیده را؛ ق: پاسخ فرستادن کیخسرو بشیده بزبان قارن؛ متن = آغاز
ف ۱۷- ل: رزمخواه ۱۸- ف، ل، ل (نیز لن، ل، ن): گذارد؛ متن = س، ق، س^۲ (نیز ق، ی، ل، آ، ب) ۱۹- س: آ؛ با تو؛
(ق: دور و؛ و: بر تو) ۲۰- ل- س^۲ (نیز لن- ب): دشوار؛ متن = ف ۲۱- ل، ق، س: آ؛ ز ۲۲- س، س: آ؛ جنگی ۲۳-
ف: همی؛ متن = ل- س^۲ (نیز لن- ب) ۲۴- س، س: آ (نیز ق، و): جستن؛ متن = ف، ل، ق، ل (نیز هفت دستنویس دیگر) ۲۵-
درس، لن، ب این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۲۶- س، ق، س^۲ (نیز لن- ب): توران و (لن، ی، ل، ن): نه؛ ل: ایران نه؛
ل: اسب و دینار؛ متن = ف (ل: نیز- بیت ۵۱۹) ۲۷- ل: ترا شادمان ۲۸- ق: خزان؛ ی: وزان؛ آ: بزبان؛ و: بادی
دمان؛ ل (نیز ل): جهد باد تند رزان (ل: دمان)؛ متن = ف، س، ق، ل، س^۲ (نیز لن، پ، لن، ب) ۲۹- س، ل (نیز لن، ل، ب):
بیداد ۳۰- ل- س^۲ (نیز لن، ق، ل، پ، لن، ب): آمد؛ متن = ف (نیز ی، و، آ)

همیشه لب^۲ بخت خندان بود
 همان تخت زر با کلاهدت مراست^۴
 زره دار و^۷ با^۸ لشکر و دارو برد
 به خنجر ببیند سرافشان^۹ من
 که با وی^{۱۲} بگردد به آوردگاه
 برآرم به فرجام^{۱۵} ازو رستخیز
 نسام^{۱۸} - بر آنسان^{۱۹} که گفتی - درنگ
 ز خون دشت گردد پر از رنگ و بوی^{۲۱}
 به جنگ اندرآریم برسان^{۲۲} کوه
 که ای پُر^{۲۴} خردمهر نامجوی^{۲۵}،
 نه از جُستن نام و ننگ^{۲۷} آمدی،
 که کردار بد^{۲۸} کرد بر تو شتاب
 ستودانت ایدر بُد و هم^{۳۰} کفن

گرم^۱ پشت گرمی به یزدان بود
 بر و بوم و گنج و سپاهت مراست^۳
 پشنگ^۵ آمد و خواست از من^۶ نبرد
 سپیده دمان هست مهمان^{۱۱} من
 کسی را نخواهم^{۱۰} از^{۱۱} ایران سپاه
 ۵۶۵ من و شیده و^{۱۳} دشت^{۱۴} و شمشیر تیز
 گر ایدونک^{۱۶} پیروز گردم^{۱۷} به جنگ
 مبارز خروشان کنیم^{۲۰} از دو روی
 و زان پس یلان را همه همگروه
 چُن^{۲۳} این گفته باشی به شیده بگوی
 ۵۷۰ تو تنها نه ایدر به جنگ^{۲۶} آمدی،
 نه از بهر پیغام افراسیاب،
 جهاندارت انگیخت از آن^{۲۹} انجمن

۱- ل، ق، س (نیز ل، پ، و): که را؛ متن = ف، س، ل (نیز ق، ل، و، لن، آ، ب) ۲- ل- س (نیز ق، ب): دل و؛ متن = ف (ضبط
 ف را دل هم میتوان خواند، ولی حرف و را ندارد) ۳- ف: گنجت سپاه منست (!)؛ متن = ل- س (نیز ق، ب) ۴- ف: تاج و
 گرز تو گاه منست (!)؛ ل، ل (نیز پ): تخت و زرین کلاهدت مراست؛ س (نیز ل، ب): گرز و تخت و کلاهدت مراست؛ ق، س (نیز آ): تخت
 زر و کلاهدت مراست؛ ل: تخت و بوم و کلاهدت مراست؛ ل، و: تخت زرین و گاهت مراست؛ متن = (ق، ب، ق، س، آ) ۵- حرف
 یکم در ف، ق، ل، س، ل، ن، ق، ل، آ، ب، و، لن، ب با سه نقطه است ۶- س، ل (نیز ل، ل، آ، ب): ما ۷- ل، س، ق، ل (نیز ل، ل، آ): [و]؛ متن = ف، س (نیز ق، ب) ۸- ل: بی ۹- ل: ببیند دل و زور
 میدان ۱۰- ق: نگوم ۱۱- ل: ز ۱۲- ل، س، س، آ: او؛ درق این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۱۳-
 س: بر ۱۴- (و: دست) ۱۵- س: باورد ۱۶- س: ایدونکه ۱۷- س، ل (نیز ل، ب): باشم ۱۸- ف، س:
 سازم (حرف یکم نقطه ندارد)؛ ل، س (نیز ق، ب، پ، ب): بسازم؛ ق (نیز ل): نخواهم؛ متن = ل (نیز ل، ل، و، لن، آ) ۱۹- ل، س (نیز
 ل، ق، ل، ل، ب): برین سان؛ ق، ل (نیز ل، ل، آ): بدینسان؛ (و: ازینسان)؛ متن = ف، س؛ بیت ۵۶۷ در ف پس از بیت ۵۶۸ و در ل، آ
 پس از بیت ۵۶۹ آمده است؛ پیایی بیت های متن = دوازده دستنویس دیگر؛ بنداری (۵۶۷-۵۶۹): و اذا ظفرت به یكون ما امرت به من تبارز
 المبارزين من الجانبين على الخصوص ثم يكون بعده القتال بين الجمعین علی العموم ۲۰- س، ل، آ، س (نیز ق): کم ۲۱- ق (نیز ل،
 ل، آ): گفتگوی؛ س، ل، س، ل، ب، ل، ب، ل، ب پس از این بیت افزوده اند:

بـویـژـه کـه رـسـم بـود بـیـشـر و نماند برین بوم و بر خار و خو(ل، آ، س): ابا گرد گیران و شیران(نو)
 ف، ل، ق، ل، ق، ل، و، آ این بیت را ندارند و در ترجمه بنداری هم نیست ۲۲- س (نیز ل، ب): آرم بکردار ۲۳- ل- س (نیز
 ق، ل، ل، ب، ل، آ، ب): چو؛ متن = ف ۲۴- ل، س، ق، ل (نیز ق، ل، ل، آ، ب، آ، ب): کم؛ متن = ف، س (نیز ل، آ):
 ل: کاجوی؛ ق: گرد پرخاشجوی؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیز ق، ل، ل، آ، ب) ۲۶- س: بکام؛ ق: باید بیدام؛ (ل):
 باید بکام؛ ل (نیز و): نه تنها تو ایدر بکام؛ س، ل (نیز ل، ب): تو ایدر به تنها بیدام؛ (ق): توتنها ز توران بیدام؛ ل: توتنها تن
 خود بیدام؛ پ: به تنها نه ایدر بکام؛ آ: نه ایدر توتنها بیدام؛ متن = ف ۲۷- (ل، و، لن، آ: ننگ و نام)؛ ل- س (نیز ل، ب،
 ب): نه بر جستن ننگ و نام؛ (ق): نه بر جستن نام و ننگ (بساوند ندارد)؛ متن = ف ۲۸- س (نیز ل، ب): که روز
 بدت؛ ل: کجا بخت بد؛ متن = ف، ل، ق، س (نیز ق، ل، ل، آ، ب، و، آ) ۲۹- ل (نیز ق، ل، آ): از [آن]؛ ل، آ، س (نیز ل، ب،
 و، آ): زان؛ متن = ف، س (نیز ل، ب) ۳۰- ل، س، ل، س (نیز ق، ل، ل، آ، ب): بود هم؛ (و: بود با)؛ متن = ف؛
 ق این بیت را ندارد

<p>ز باد جوانی سرش پر ز جنگ از^۳ آهن کلاه کیان بر سرش خرامان بیامد بسان نهنگ^۴ بشد نامداری بنزدیک^۵ شاه سرافراز و جوشان و تیغی به کف که با شاه گوید کامد^۸ پشنگ^۹ درفش بزرگی^{۱۱} برآورد راست درفشش به رُهام گودرز داد چو بر آتش تیز بریان^{۱۴} شدند بدآهن بر^{۱۵} خویش^{۱۶} رنجه مدارا! که بُد^{۱۸} کین کمر بر میان توبست، به هیچ آرزو^{۱۹} کام و دستش مباد! بدیشان^{۲۱} فرستاد چندی درود، چپ و راست و قلب^{۲۳} و جناح سپاه به رُهام گودرز دارید گوش بینید تا بر که آید گزند چنین ست^{۲۷} آغاز و فرجام جنگ</p>	<p>نشست از بر اسپ جنگی پشنگ^۱ به جوشن بیوشید روشن^۲ برش درفشش یکی تُرک جنگی به چنگ چُن^۵ آمد بنزدیک ایران سپاه که آمد سواری^۷ میان دو صف همی گوید آن نامور تیزچنگ بخندید ازو شاه و خفتان^{۱۰} بخواست یکی ترگ زرین^{۱۲} به سر بر نهاد همه لشکرش زار و گریان^{۱۳} شدند خروشی برآمد که ای شهریار شهان^{۱۷} را همه تخت بودی نشست که جز خاک تیره نشستش مباد! سپهدار با گرز و با گبر^{۲۰} و خود که یک تن مجنبد ازین رزمگاه^{۲۲} نباید که جوید کسی جنگ و جوش^{۲۴} چو خورشید بر چرخ گردد^{۲۵} بلند شما^{۲۶} هیچ دل را مدارید تنگ</p>
---	--

۱- حرف یکم در ف، ل، س، ل، آ، آبی نقطه، در ق، س، آ، لن، ق، آ، لی، ل، آ، لن، آ با یک نقطه و در پ، و، ب با سه نقطه ۲- ق، ل (نیز لن، ل، آ، و، لن، آ، ب): رومی؛ متن = ل، س، س (نیز ق، آ، پ، آ) ۳- ل، س، ل (نیز لن، ق، آ، و، لن، آ، ب): رومی؛ متن = ق، س، ل (نیز ل، آ، ب): ف بیت ۵۹۰ ولی بیت های ۵۹۰-۵۹۲ را ندارند؛ بندگان: ولما أصبح لبس عذته و رکب و دفع علمه الی فارس آخر ۴- ل- س (نیز لن، ق، آ، ل، آ، و، آ، ب): پلنگ؛ (پ: بدان دشت جنگ)؛ متن = ف (نیز لن، آ) ۵- ل- س (نیز لن، ق، آ، ل، آ، ب): چو؛ متن = ف ۶- (ق: از ایران به): ل، س، ل، آ، س (نیز لن، پ، و، لن، آ، ب): یکی نامداری بشد نزد؛ متن = ف، ق (نیز ل، آ) ۷- س: سپاهی ۸- س: گوید که آمد؛ ل: گویند کامد ۹- حرف یکم در س بی نقطه، در ف، ل، آ، س، آ، لن، لی، لن، آ با یک نقطه و در پ، ب با سه نقطه؛ ل، ق، آ، ل، آ، و، آ این بیت را ندارند ۱۰- ل، ق (نیز لی، ل، آ): جوشن؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیز لن، ق، آ، پ، و، لن، آ، ب) ۱۱- (ل: خجسته) ۱۲- ل، س، ل (نیز لن، ل، آ، ب): رومی ۱۳- ق (نیز لی، آ): جوشان ۱۴- ق (نیز لی، آ): چو ابر بهاران خروشان ۱۵- ل- س (نیز لن، لی، ب): باهن تن؛ (ق: ابا هرتنی)؛ متن = ف ۱۶- ل، س، ل (نیز لن، و، لن، آ، ب): پاک؛ متن = ف، ل، ق، س (نیز ق، آ، لی، ل، آ، پ، آ) ۱۷- س (نیز ل، آ، و): شما ۱۸- ل، س، س (نیز پ، و): بر؛ ق: در؛ (ل: از)؛ متن = ف، ل (نیز ق، آ، لی، لن، آ، آ، ب) ۱۹- ل: آرزوی ۲۰- ل (نیز پ): با جوشن و گرز؛ ل، آ، س (نیز لن، ق، آ، لی، و، لن، آ، ب): با گبر و با گرز؛ متن = ف، س، ق (نیز آ) ۲۱- ل، ل، س، ل (نیز لن، لن، آ، ب): بلشکر؛ س (نیز و): بایشان؛ متن = ف، ق (نیز ق، آ، لی، آ) ۲۲- ل: زین رزمگاه؛ س (نیز لن، ب): از آوردگاه؛ ل (نیز لن، آ): از رزمگاه؛ متن = ف، ق، س (نیز ق، آ، لی، ل، آ، و، آ) ۲۳- ق (نیز لی، آ): راست پیش؛ ل، آ: راست قلب ۲۴- ل: جنگ جوش ۲۵- س: گردان ۲۶- ل: همه ۲۷- س، ل (نیز پ، لن، آ، ب): چنین آمد؛ ق: چنین باشد؛ متن = ف، ل، س (نیز لن، ق، آ، ل، آ، و، آ)

گهی برا فرازیم و گه بر نشیب
 گهی شاد و امین، گهی با^۳ نهیب

برانگیخت شبرنگِ بهزاد را
 میان بسته با نیزه و خود و گبر
 میان دو صف شیده او را بدید
 بدو گفت: پور سیاوخش^۶ رد
 ۶۱۰ نبیره سپهدار^۸ توران سپاه^۹
 جز آنی که بر تو گمانی برد
 که گر^{۱۲} مغز بودیت با خال خویش
 اگر^{۱۴} جنگ جویی به^{۱۵} پیش سپاه
 ۶۱۵ کز ایران^{۱۷} و توران نبینند کس
 چنین داد پاسخ بدو شهریار
 منم داغ دل پور آن بی گناه^{۲۰}
 بدین دشت از ایران^{۲۱} به کین آمدم
 ز پیش پدر چون به پا خاستی^{۲۲}

که اندر نوشتی^۴ به تگ باد را
 همی گرد اسپش^۵ برآمد به ابر
 یکی بادِ سرد از جگر برکشید
 توی^۷ ای پسندیده ی پُرخرد
 که ساید همی ترگ با^{۱۰} چرخ ماه^{۱۱}
 جهاندیده یی کو خرد پرورد
 نکردی چنین جنگ^{۱۳} را دست پیش
 برو دور بگزین یکی رزمگاه^{۱۶}
 نخواهیم یاران و^{۱۸} فریادرس
 که ای شیر درنده ی^{۱۹} کارزار،
 سیاوش که شد کشته بر دست شاه
 نه از بهر گاه و نگین آمدم
 ز لشکر^{۲۳} نبرد مرا خواستی

۱- ف، س، ق: دره؛ متن = ل، س، س، س (نیزق^۱-ب) ۲- ف، س (نیزق^۲): دره؛ ل، س، ق، ل (نیزلی-لن^۳، ب): فراز و گهی در (لی، ل^۴، لن^۵: بر)؛ متن = (آ) ۳- ف، س: دره؛ ل، س (نیزل^۲، و، ب): شادکامی (س، ب: شادمانه؛ ل^۳: شادمانی؛ و: شادمان و) گهی با؛ ل^۴: شادمانی و گاهی؛ متن = ق (نیزق^۲، لی، آ)؛ س، ل، لی، ب، لن^۵، ب پس از این بیت سه بیت و س^۶ تنها بیت سوم را افزوده اند:

اگر زانک پیروز گردد بشنگ
 همه پیش او بنده فرمان شوید
 سپه را که چون او نگهبان (س: نگهدار) بود
 ز رستم بچوئید سامان جنگ
 وزان درد نزدیک درمان شوید
 همه چاره جنگ آسان (س: دشمنان خوار) بود

۴- ل: که دریافتی روز؛ س: اندر رسیدی؛ متن = ف، س، ق، ل (نیزلن-ب) ۵- س: نعلش ۶- ل، س، ق، ل (نیزلن، ل^۴، ب، لن^۵، آ، ب): سیاوش؛ متن = ف، س (نیزق^۲، لی، و) ۷- س، ق، ل، س: تویی؛ س پس از این بیت افزوده است:

نبیره سپهدار توران نژاد

که چون او زمانه ندارد بیاد

۸- ل (نیزل^۳): جهاندار ۹- س: نبیره سپهد گو شیر و شاه ۱۰- ل، س، ل، س (نیزلن-لن^۳، ب): بر؛ متن = ف ۱۱- س (نیزلی، ل^۴، پ، لن^۵): چرخ و ماه؛ ق، آ بیت های ۶۱۱ و ۶۱۲ را ندارند ۱۲- ل، ق (نیزب، آ): اگر؛ متن = ف، س، ل، س (نیزهفت دستنویس دیگر) ۱۳- ف: دست (!): س: جز این جنگ؛ متن = ل، ق، ل، س (نیزلن-ب) ۱۴- ل: کنون ۱۵- ل، س، ل، س (نیزلن، ل^۴، ب، و، لن^۵، ب): زه؛ متن = ف، ق (نیزق^۲، لی، آ) ۱۶- س، ل (نیزلن، ب، و، لن^۵، ب): جایگاه؛ متن = ف، ل، ق، س (نیزق^۲، لی، ل^۴، آ): درق، لی، آلت های این بیت پس و پیش شده اند ۱۷- ق: که ز ایران ۱۸- ل (نیزلی، ل^۴، ب، آ، ب): [و]؛ ق: ما یارو؛ س (نیزو): یارونه؛ متن = ف، س، ل (نیزلن، ق^۲، لن^۳) ۱۹- س، ق، ل، س (نیزلی، لن^۳، آ، ب): درنده در؛ متن = ف، ل (نیزلن، ق^۲، ل^۴، ب، و) ۲۰- س: نیکخواه ۲۱- س، ل (نیزلن، ب، لن^۳، ب): از نینسان؛ ق: توران؛ (لی: ز ایران؛ ل^۳: زینسان؛ و: مرز توران)؛ متن = ف، ل، س (نیزق^۲، آ) ۲۲- ل، ق (نیزلی، ل^۴، آ): چونکه (ل: چونک) برخاستی؛ س، ل (نیزلن، ب، و، لن^۳، ب): چون بیاراستی؛ (ق: چون تن آراستی)؛ متن = ف، س ۲۳- س: ز گیتی؛ س، ل در اینجا سرنویس دارند، س: رزم کیخسرو با شیده افراسیاب و کشته شدن شیده؛ ل: نبرد کیخسرو با شیده

- ۶۲۰ مرا خواستی، کس نبودی روا
کنون آرزوا کن یکی رزمگاه
که پشت فرستادمی ناسزا
به دیدار دور از^۲ میان سپاه
- ۶۲۵ نهادند پیمان که از هر دو روی
هم این‌ها^۵ که دارند با ما درفش
برفتند هر دو ز لشکر به دور
بیابان که آن از در رزم بود
رسیدند جایی که شیر و پلنگ
نپزید^۹ بر آسمانش عقاب
نهادند آوردگاهی بزرگ
سواران^{۱۲} چو شیران هخته زهار^{۱۳}
بگشتند با نیزه‌های دراز
نماند ایچ بر نیزه‌هاشان سنان
به رومی عمود و به شمشیر و تیر^{۱۵}
زمین شد ز خون^{۱۸} سواران سیاه
چو شیده دل و زور خسرو بدید
بدانست کان فره ایزدبست
همان اسپش از تشنگی شد غمی
- به یاری نیاید کسی^۳ جنگ جوی^۴
ز بد روز ایشان نگردد بنفش
چنان چون رود^۶ مرد شادان به سور
بدانجایگه مرز^۷ خوارزم بود
بدان^۸ شخ بی‌آب نهاد چنگ
ازو بهره‌یی شخ و بهری سراب^{۱۰}
دواسپ و دو جنگی بسان دو گرگ^{۱۱}
که باشند پُر خشم روز شکار،
چو خورشید تابنده گشت از فراز،
پُر از آب بَرگُستوان و عنان^{۱۴}
بگشتند یک با دگر^{۱۶} ناگیر^{۱۷}
نگشتند سیر اندر آوردگاه^{۱۹}
سرشکش ز مژگان^{۲۰} به رخ برچکید
ازو بر تن خویش باید^{۲۱} گریست
به زور سوار^{۲۲} اندرآمد کمی

۱- ل: آرزوی ۲- ف: که خود دور باشد؛ س، ق، ل، آ، س^۱ (نیز لن - ب): که باشد بدور (لی: بدید) از؛ متن = ل - ۳ - س: یکی ۴- ل، س، ل^۱ (نیز لن، پ، لن، آ، ب): کینه جوی؛ متن = ف، ق، س^۲ (نیز ق، لی، ل، آ، و، آ) ۵- س، ل^۱ (نیز لن، ل - ب): اینان؛ س^۲ (نیز پ): این را؛ متن = ف، ل (نیز ق، لی)؛ ق این بیت را ندارد ۶- ل - س^۲ (نیز ل^۲): شود؛ (لی، پ، و، آ: بود)؛ متن = ف (نیز ق، آ، لن، آ، ب) ۷- ق: ریگ؛ (لن، ق، آ، پ: دشت) ۸- س، ل^۱ (نیز لن، ق، آ، و، لن، آ، ب): بران؛ متن = ف، ل، ق، س^۱ (نیز لی، ل، آ، پ، آ) ۹- ف، س^۲ (نیز ق، آ): نه پزید ۱۰- (لن: ویک بهره آب)؛ درس، ل، آ، لن، آ، ب لت‌های این بیت پس و پیش شده‌اند ۱۱- ل^۱ (نیز ل^۲، پ، لن، آ، ب): بکردار گرگ؛ (و: چو شیر سترگ؛ لغت دری، ص ۷۱: دو جنگی بکردار درنده گرگ)؛ متن = ف، ل، س، ق، س^۲ (نیز لن، ق، آ، آ) ۱۲- ق، س^۲ (نیز لی، آ، لغت شهنامه، شماره ۲۷۵۰): ستوران ۱۳- ف، ل: بخته (= بخته زهار؛ س (نیز ب): در کارزار؛ ق (نیز لن، ق، آ): اخته زهار؛ س^۲: اهخته زهار (!)؛ (پ: گشته نهار)؛ متن = ل^۱ (نیز لی، و، لن، آ، آ، لغت شهنامه) ۱۴- س (نیز ب): بچپ باز بردند هر دو عنان ۱۵- ل - س^۲ (نیز لی، ل، آ، لن، آ، ب): شمشیر تیز؛ (پ: به تیر و به تیغ)؛ متن = ف (نیز ق، آ، و) ۱۶- ل، س، ق (نیز لی، پ، و): بایکدگر؛ متن = ف، ل، آ، س^۲ (نیز ق، آ، لن، آ، ب) ۱۷- ل: ناگیریز؛ س، ق، ل^۲ (نیز لی، ل، آ، لن، آ، ب): بر (ل^۲): با؛ لن^۲: پر) سستیز؛ س^۲: بی گریز؛ (پ: بی دریغ)؛ متن = ف (نیز ق، آ، و) ۱۸- س^۲ (نیز لی، آ): جوش؛ س، ل^۲ (نیز لن، آ، ب): هوا شد ز گرد؛ متن = ف، ل (نیز لن، ق، آ، لن، آ، پ، و) ۱۹- ف: اندر آن رزمگاه؛ متن = ل، س، ل، آ، س^۲ (نیز لن - ب)؛ ق این بیت را ندارد ۲۰- ل: ز مژگان سرشکش ۲۱- ل - خواهد ۲۲- ل، س، ل^۲ (نیز پ، لن، آ، ب): بنیروی مرد؛ متن = ف، ق، س^۲ (نیز لن، ق، آ، لی، ل، آ، و، آ)

یکی مرد جنگی فریدون نژاد
 نباشد مرا ننگ رفتن به جنگ ۶۵۵

که چون او دلاور ز مادر نژاد
 پیاده بسازیم جنگی پلنگ

و زآن سو بر شیده شد ترجمان
 جز از بازگشتن ترا رای نیست
 بهنگام کردن ز دشمن گریز
 بدان نامورترجمان شیده گفت

چنان دان که تا من بیستم کمر
 بدین زور و این قره و دستبرد
 ولیکن ستودان مرا از گریز
 هم از گردش چرخ برنگذرم^{۱۲}

گر ایدر مرا هوش بر دست اوست
 ندانم من^{۱۶} این زور و مردی ز چیست
 پیاده مگر دست یابم بر اوی^{۱۹}

که دوری گزین از بد بدگمان^۲
 چو^۳ با جنگ خسرو ترا پای نیست
 به از گشتن^۴ و جستن^۵ رستخیز^۶
 که آواز^۷ مردان نشاید نهفت
 همی بفرارم به خورشید سر،
 ندیدم بدآوردگه^۹ نیز^۱ گرد
 به آید، چو گیرم به کاری^{۱۱} ستیز
 و گر^{۱۳} دیده‌ی آردها بسپرم^{۱۴}
 نه دشمن ز من^{۱۵} بازدارد، نه دوست
 بدین^{۱۷} نامور قره^{۱۸} ایزدیست
 به پیگار خون اندرآرم به جوی

چنین گفت با شیده^{۲۰} شاه جهان
 ز تخم کیان بی‌گمان کس نبود
 ولیکن ترا گر چنین ست کام

که ای نامدار از نژاد مهان^{۲۱}
 که هرگز پیاده نبرد آزمود
 نیچم ز رای تو هرگز^{۲۲} لگام

فرود آمد از اسپ شبرنگ شاه
 به رهام داد آن گرانمایه اسپ ۶۷۰

ز سر برگرفت آن کیانی کلاه
 پیاده بیامد چو^{۲۳} آذرگشپ

۱- ق: رزم ۲- ق بیت‌های ۶۵۶-۶۵۸ را ندارد ۳- ل (نیز، و، ب): که ۴- یا: گشتن؟ ۵- ف، ل: جستن و؛ ل: جستن (حرف یکم نقطه ندارد)؛ (لن: کشتن؛ لی، آ: جستن؛ ل: شورش؛ و: جستن و) (حرف یکم نقطه ندارد)؛ ق: کشته و خسته و)؛ متن = (پ) ۶- س (نیز، ب): به از با تن خویش کردن ستیز؛ س^۲ (نیز، ل): به آید چو گیرم بکاری ستیز (= ۶۶۲ ب) ۷- ف، س: که او را ز(؟)؛ ل (نیز، لی، پ، آ): که آورد؛ س: که او را (!)؛ ق: که او آرز؛ (ل: که مردی)؛ متن = ل (نیز، ل، و، لن، آ، ب: س، ق) ۸- س (نیز، آ، پ، و، ب): فرو این ۹- ل- س^۲ (نیز، ل- ب): باوردگه؛ متن = ف ۱۰- (لی، پ، و: هیچ) ۱۱- س: بجستن؛ س این بیت را ندارد ۱۲- س، ل^۲ (نیز، آ، ب): برنگذرم ۱۳- س، ل: اگر ۱۴- س، ل^۲ (نیز، آ، ب): بسپرم ۱۵- س (نیز، آ): مرا؛ ل^۲ (نیز، و): کسی؛ س: زما ۱۶- س، ل^۲ (نیز، آ، پ، و، لن، آ، ب): بدانستم؛ س^۲ (نیز، ل): ندانم که؛ (لن: بدانم من)؛ متن = ف، ل، ق (نیز، آ) ۱۷- ل، س^۲ (نیز، ب): برین؛ (لن، و: بران) ۱۸- ل (نیز، لی، آ، ب): قره ۱۹- ل- س^۲ (نیز، ل، لی، آ، لن، آ، ب): بدوی؛ متن = ف (نیز، و) ۲۰- ل (نیز، ب): بشیده چنین گفت ۲۱- س (نیز، و): کیان ۲۲- س، ل^۲ (نیز، ل، ب): ز(س: به) کام تو هرگز نیچم ۲۳- ف: پیاده بیام چو(!)؛ س، ق، ل، آ، س^۲ (نیز، ل- ب): بیامد(ق): پیاده؛ ل: برآمد(بکر دار؛ متن = ل (ف، ق))

پیاده چو از دور دیدش^۱ پشنگ^۲
 به هامون چو پیلان برآویختند
 چو شیده بدید آن بر و زور شاه
 همی جست^۷ کاید مگر زو رها
 ۶۷۵
 چُن آگاه شد خسرو از رای^{۱۰} او
 گرفتش به چپ گردن و راست ران^{۱۲}
 همه مهره‌ی پشت او همچو^{۱۴} نی
 یکی تیغ تیز از میان برکشید
 برو^{۱۶} کرد جوشن همه چاک چاک
 ۶۸۰
 به زهام گفت این بد ناهمال^{۱۷}
 پس از کشتنش^{۱۸} مهربانی کنید
 سرش^{۱۹} را به دیق^{۲۰} و به مشک^{۲۱} و گلاب
 به گردنش بر^{۲۴} طوق زرین^{۲۵} نهید
 ۶۸۵
 نگه کرد پس ترجمانش ز راه
 که با خون از آن^{۲۶} ریگ^{۲۷} برداشتند

فرود آمد از اسپ^۳ جنگی نهنگ^۴
 همه^۵ خاک با خون برآمیختند
 همان ایزدی فر و آن دستگاه،
 که چون سر بشد، تن ندارد^۸ بها
 و زان پست‌گردنده آوای^{۱۱} او،
 برآورد و زد بر زمین ناگهان^{۱۳}
 شد از درد ریزان و بگسست پی^{۱۵}
 سراسر دل نامور بدرید
 همی ریخت بر تارگ از درد خاک
 دلیر و سبک‌سر، مرا بود خال
 یکی دخه‌ی خسروانی کنید
 بشوید^{۲۲} و تن را^{۲۳} به کافور ناب
 گله بر سرش عنبرآگین نهید
 بدید آن تن نامبردارشاه
 سوی لشکر شاه^{۲۸} بگذاشتند

۱- س، ل^۲ (نیز لن، ل^۲، ب): چو از دور دیدش پیاده
 بی نقطه و در لن، ل^۲، ب با سه نقطه ۳- ل: باره ۴- ل، س (نیز ل^۲): پلنگ ۵- ل، س، ق، ل^۲ (نیز لن - ل^۲، و- ب): همی؛
 متن = ف، س^۲ (نیز ب) ۶- ل، س، ل^۲ (نیز لی، ل^۲، ب، ل^۲، ب): برز؛ (و: یال؛ لن: یل برز): متن = ف، ق، س^۲ (نیز ق، آ) ۷-
 س^۲ (نیز لی، ل^۲): خواست ۸- ل، ق (نیز ل^۲): نیارد؛ س، ل^۲ (نیز لن، ل^۲، ب): دلا چاره گر خود کی آرد (س: نیارد): (ق: که خون سر
 تن ندارد؛ و: دل و جان مگر زین نیارد): متن = ف، س^۲ (نیز لی، ب، آ) ۹- ل - س^۲ (نیز لن - ب): چو؛ متن = ف ۱۰- س (نیز لن،
 ل^۲، ب): راز ۱۱- ل، ق: زور و آن برز بالای؛ س (نیز لن، ب، و، ل^۲، ب): بابر (و، ل^۲، ب: نابر) آورده آواز (ب، و: آوای): (ق، ل^۲،
 آ: پست گردیده آوای؛ ل^۲: تیز گردنده آوای): متن = ف، س^۲ (ح ق، ل^۲، ل^۲، آ): ل^۲ این بیت را ندارد؛ س، لن پس از این بیت سه بیت و
 س، ل^۲، ب، ل^۲، ب تنها بیت‌های دوم و سوم را افزوده‌اند:

چو خسرو چنان دید دل کرد تنگ
 بزور جهان آفرین کردگار
 بکردار شیری که بر گورنر
 ز سر تا پایش بیازید چسنگ
 بزد دست کیخسرو نامدار
 ز ند دست و گور اندر آرد (س: آید) بسر

۱۲- ل - س^۲ (نیز لی - ل^۲، ب): پشت؛ (ق: آ: دست؛ لن: پشت راست): متن = ف (نیز آ) ۱۳- ل، س، ل^۲ (نیز و، ل^۲، ب): زمین بر
 درشت؛ ق (نیز آ): زمینش درست (آ پساوند ندارد)؛ س: زمین درشت؛ (لن: زمین بر چو خواست؛ ق: زمین بر درست؛ لی، ل^۲، ب: زمینش
 درشت): متن = ف ۱۴- ق، س: پشت برسان ۱۵- ق: پر از درد ریزان و بشکست پی: (ق: بشد خرد و از تنش بگسست
 پی) ۱۶- س: برون؛ ق این بیت را ندارد ۱۷- ل، ق (نیز لی، آ): بدسگال؛ (لن: بی همال؛ ل^۲: بدهمال): متن = ف، س، ل^۲، س^۲
 (نیز ب، و، ل^۲، ب): بنداری: و قال لرهام: إن هذا الفارس الخفيف الرأس كان خالی ۱۸- (لی، و، آ: مردنش؛ ب: رفتنش) ۱۹-
 ل: تنش ۲۰- ف، س^۲ (نیز ق): دیق؛ ل، ق (نیز لی، ب، و): مشک؛ س، ل^۲ (نیز آ): دق (حرف دود نقطه ندارد): متن = ل، ل^۲،
 ب) ۲۱- ل: عبیر؛ ق (نیز لی، و، ل^۲): بدبق (درو، لن^۲ حرف سه نقطه ندارد): متن = ف، س، ل^۲، س^۲ (نیز لن، ق، ل^۲، آ،
 ب) ۲۲- ق: ببوشید ۲۳- ل: بشوید مغزش ۲۴- س: بگردن برش ۲۵- ل، ق (نیز ق، لی، ل^۲): مشکین؛ متن = ف،
 س، ل^۲، س^۲ (نیز لن، ب - ب) ۲۶- س (نیز ب): که تا چون از آن: (ق: که با خوش از) ۲۷- ف، ق، س^۲ (نیز ق، لی، ل^۲، ب،
 آ): خاک؛ متن = ل، س، ل^۲ (نیز لن، و، ل^۲، ب) ۲۸- ف، ق (نیز ق، لی، ل^۲، آ): خویش؛ متن = ل، س، ل^۲، س^۲ (نیز لن، ب، و، ل^۲،
 ب): بنداری: فبادر حامل رایة شیده الی الملک

بیامد خروشان بنزدیک شاه
یکی بنده بودم من او را روان^۲
به من بر ببخشای شاهها به مهر
بدو گفت شاه: آنچه دیدی ز من ۶۹۰

که ای نامور دادگر پیشگاه
نه جنگی سوایم اگر^۳ پهلوان
که از جان تو شاد بادا سپهر
بتاز و^۵ بگو اندر آن^۶ انجمن

دو چشم همه نامداران^۷ به راه
سواری همی شد^۹ برآن^{۱۰} ریگ نرم
برآورد پوشیده^{۱۱} راز از نهفت
جهاندار^{۱۲} گشت از جهان ناامید
به سر برپراگند ریگ روان ۶۹۵
رخ شاه ترکان هر آنکس که دید
خروشی برآمد میان^{۱۸} سپاه
چنین گفت با موبد^{۱۹} افراسیاب
مرا اندرین سوگ یاری کنید

که شیده کی آید از^۸ آوردگاه
برهنه سر و دیده پُر خون گرم
همه^{۱۲} پیش سالار ترکان^{۱۳} بگفت
بکند آن چو کافور موی^{۱۵} سپید
ز لشکر برفت^{۱۶} آنک بُد پهلوان
برو جامه و دل همه^{۱۷} بردرید
که بخشایش آورد خورشید و ماه
کزین پس^{۲۰} نه آرام جوم^{۲۱} نه خواب
همان^{۲۲} تن به تن سوگواری کنید

۱- س (نیزلن): پرهیز؛ (ق: با گهر)؛ ق: دادگر نامور ۲- ل، س، ل (نیزلن، لی، پ، لن، آ، ب): نوان؛ ق، س (نیزق، ل، پ، و):
دوان؛ متن = ف ۳- ف: سوایم اگر؛ ل- س (نیزلن- ب): سواری و نه؛ متن = ف پس از تصحیح سوایم به سوایم ۴- ق، ل:
آنچه ۵- ف، س: بیازو (بتازو)؛ ل، س (نیزلن، ق، پ- ب): نیا را؛ ل: بیاور (بتازو)؛ متن = ق (نیزل)؛ بنداری: بلغ الی
افراسیاب ما جری علی ولده ۶- س: اندرین؛ ل پس از بیت ۶۹۰ افزوده است:

بسیچید ره سوی سالار چین
سوی لشکر خویش بنهاد روی
که بخشایش آورد خورشید و ماه
چو شیدوش و رستم چو گرگین نیو
بسی شاه را خواندند آفرین 5
همه بوسه دادند پیشش زمین
زمین را ببوسید و کرد آفرین
وزان دشت کیخسرو کینه جوی
خروشی برآمد ز ایران سپاه
بیامد هم آنگاه گودرز و گیو
س، ق، ل پس از بیت ۶۹۰ افزوده اند:

۷- ل: وزان روی ترکان؛ س، ل، ل (نیزلن- ب): دل و دیده نامداران؛ متن = ف، ق ۸- ل- س: ز؛ متن = ف ۹- ل: بشد
ترجان بر؛ متن = ف، س، ق، ل، ل (نیزلن- ب) ۱۰- س: بدان؛ ل پس از این بیت افزوده است:

بیامد بنزدیک افراسیاب
بدان بخت بیدار و فرخ زمین

۱۱- ف (نیزو): برشیده (؟)؛ متن = ل- س (نیزهشت دستنویس دیگر) ۱۲- ل: همی ۱۳- س، س (نیزلن، لی، پ، و، آ):
توران ۱۴- س، ل (نیزلن، لن، ل): سپهدار ۱۵- ل (نیزلن): ریش ۱۶- س، ل (نیزلن، لن، ل): ببرد ۱۷- ق:
همی ۱۸- ق: همی از؛ س، ل، ل (نیزلن، ق، ل، و، لن، آ، ب): بد اندر؛ متن = ف (نیزب)؛ ل این بیت را ندارد ۱۹- س، ل (نیزلن، پ، لن، ل، ب): مویه؛ متن = ف، ل، ق، س (نیزق، ل، و، آ): موبد- مویه؟ ۲۰- ف: سر؛ متن = ل- س (نیزلن-
ب) ۲۱- ق (نیزلن، لی): یام؛ (ل: گیرم)؛ ل- س، ل، لی، ل پس از این بیت افزوده اند:

مگر کین آن پور بازار آورم
سپه را بدین دست (رزم) ساز آورم

ف، ق، ل، پ- ب این بیت را ندارند ۲۲- ل- س (نیزلن، ق، ل، لن، ل، ب): همه؛ متن = ف (نیزلی، آ)؛ درس پس از این بیت، بیت ۶۹۷
دوباره آمده است

۷۰۰	نبیند سر تیغ ما را نیام ببندیم ^۲ دامن یک اندر دگر ز مردم شمر باز ^۳ دام و دده مباد اندر آن دیده در آب شرم ^۴ از آن ماه دیدار ^۵ جنگی سوار همی ریخت از دیده خونین سرشک همه نامداران ^۶ پاسخ گزار ^۷ که این دادگر بر تو آسان کناد ^۸ ز ما نیز یک تن نسازد درنگ سپه را همه دل خروشان کنیم ز خسرو نبُد پیش ما نیز ^۹ چیز سپه دل شکسته پر از درد ^{۱۰} شاه
۷۰۵	
۷۱۰	

نه هرگز بوم زین سپس^۱ شاد کام
نمانیم^۲ از^۳ ایران زمین بوم و بر^۴
دل^۵ کو نباشد به درد آزده
که از درد ما نیست پُر خون گرم
از آن سرو بُن بر لب جویبار،
ز دردی که درمان نداند بزشک
زبان برگشادند بر شهریار
بداندیش را دل^{۱۲} هراسان کناد^{۱۱}
شب و روز بر مرگ^{۱۳} و کین پشنگ^{۱۴}
بر^{۱۵} آورد گه بر سرافشان کنیم
کنون کینه بر کینه بفرود^{۱۷} نیز
خروشان و جوشان همه رزمگاه^{۱۹}

گفتار اندر رزم دوم کیخسرو با افراسیاب^{۲۰}

چو خورشید برزد سر از برج گاو
تبیره برآمد ز هر دو سرای^{۲۲}
ز گردان شمشیرزن ده هزار^{۲۵}
ز هامون برآمد خروش چکاو^{۲۱}،
همان ناله‌ی بوق^{۲۳} با گره‌نای^{۲۴}
بیاورد جهن از در کارزار

۱- س (نیز ب): سخن ۲- ق: ببندید ۳- ل: نمانیم ۴- ف: زه متن = س، ق، ل، س ۵- س (نیز لن، و، لن، ب):
ایران بر (لن: سره؛ و: پی) و بوم و بر (!): ل این بیت را ندارد ۶- ف، ل (نیز ل، ب): شمربا زه ل: شمار از (در بالا به ضبط متن
تصحیح کرده است)؛ س: شمار از زه س (نیز ل، ب، و، آ): شمر گرز (لن: شمرا تا زه)؛ ق: نه مرده شمربا زه (ق: نه مرده بمانم نه)؛ متن =
(لن) ۷- (ب: کسی) ۸- ف (نیز ق): دیده‌ی (ق: دیده) آب شرم؛ ل، س، ق (نیز لن، ل، ب): مبادا در آن (ل، س، ل، و، آ):
بدان دیده در آب (ل، و، ب: آب و) شرم؛ متن = ل، س ۹- ل، س: دیدار و؛ ل این بیت را ندارد ۱۰- ف: گذاره؛ متن = ل -
س (نیز لن - ب) ۱۱- س، ل: کند ۱۲- س: دل بدسگالان؛ (لن، ب: دل بدسگالت) ۱۳- ل - س (نیز لن - ب): درد؛
متن = ف ۱۴- حرف یکم در ف، ل، س، لن، و، لن، آ، آبی نقطه، در ق، س، آ، ق با یک نقطه و در ل، ل، آ، ب، با سه نقطه
است ۱۵- ق، ل (نیز لن، ل، و، لن، آ، آ، ب): به ۱۶- ل (نیز ب): پیش ازین کینه؛ س، ق، س (نیز لن، ل، لن، آ، آ، ب): پیش
مانند؛ (ل: پیش ماننده؛ ق: زیران و هومان نبند مانده)؛ متن = ف، ل ۱۷- ل (نیز لن): کین بفرود ۱۸- ل: شد از بهر ۱۹-
ق: کینه‌گاه ۲۰- ف: گفتار اندر رزم دوم کیخسرو با افراسیاب برزایلا و استقیلا فرزندانگان افراسیاب بر دست کیخسرو؛ ل: رزم
کیخسرو با افراسیاب و هزیمت ترکان؛ س: جنگ اول شاه کیخسرو با افراسیاب؛ ق: گفتار در نبرد ایرانیان و تورانیان؛ ل: جنگ ترکان با
ایرانیان؛ متن = آغاز ف ۲۱- حرف یکم در همه دستنویس‌ها با یک نقطه؛ (نیز لغت دری، ص ۲۰۷) ۲۲- س، ل (نیز لن، آ،
ب): ز پرده سرای ۲۳- س (نیز لن، ب، پ، ب): کوس؛ س: بوق و ۲۴- ف، ل: کرنای ۲۵- ل، س، ق (نیز لن، ق):
سی هزار؛ (ل: صد هزار)؛ متن = ف، ل، آ، س (نیز ل - ب)؛ س، س، آ، لن، ل، پس از بیت ۷۱۴ سه بیت، ل، لن تنها بیت یکم، ب تنها بیت
یکم و سوم، ف، آ تنها بیت دوم و ق تنها بیت دوم و سوم را افزوده اند:

سواران ترکان کمانها بچنگ
بیامد جهانجوی جنگی بچنگ (س: نهنگ)
چو آمد (ف: چن آمد؛ س، لن: بیامد) جهانجوی (ف، س، آ: جهان سوز) جنگی برون
زبان پر ز دشنام و دل پر ز خون
اباده (لن، ق: سی) هزار آزموده سوار
بسوزرگان چین از در کارزار
ل، ق، ل، ب، و هیچیک از این بیت‌ها را ندارند

تو دانی اگر^۱ من ستم دیده‌ام
 مکافات کن^۲ بدگوش را به خون
 و زانجایگه با دلی پُر ز غم^۴
 بیامد خروشان به قلب سپاه
 ۷۳۵
 خروش آمد و ناله‌ی گاودم
 و زان روی لشکر بکردار کوه
 سپاهی بکردار دریای آب
 چو هر دو سپاه اندرآمد ز جای
 ۷۴۰
 سیه شد ز گرد سپاه^{۱۲} آفتاب
 ز بس ناله‌ی بوق و بانگ^{۱۴} سپاه
 همی آب گشت آهن و کوه و سنگ^{۱۶}
 زمین پُر ز جوش و^{۱۷} هوا پُر خروش
 جهان سربسر گفتی آهرمن^{۱۹} ست
 ۷۴۵
 به هر جای بر توده بر^{۲۱} کوه کوه
 همه ریگ اِرمات^{۲۳} سرو دست و پای
 همه بوم^{۲۶} شد زیر نعل اندرون
 و زان پس دلیرانِ افراسیاب
 به صندوق^{۲۸} پیلان نهادند روی

بسی روز بد را پسندیده‌ام
 تو باش این^۳ ستم دیده را رهنمون
 پُر از کین سر^۵ از تخمهی^۶ زادشم^۷،
 به سر بر نهاد آن^۸ خجسته کلاه
 دمِ نایِ سرغین^۹ و رویینه خُم
 برفتند جوشان گروه‌ها گروه
 به قلب اندرون جهن و^{۱۰} افراسیاب
 تو گفتی که دارد در و دشت پای^{۱۱}
 ز پیکانِ پولاد^{۱۳} و پَرِ عقاب
 ز گردِ سپاه اندر آن^{۱۵} رزمگاه،
 به دریا نهنگ و به هامون پلنگ
 هزبر^{۱۸} ژیان را بدرید گوش
 و گر آسمان بر زمین دشمن ست^{۲۰}
 ز گردان ایران^{۲۲} و توران گروه
 زمی^{۲۴} را همی دل برآمد ز جای^{۲۵}
 چو کرباس آهار داده به خون^{۲۷}
 برفتند برسان کشتی بر آب
 کجا ناوک انداز بود^{۲۹} اندروی

۱- ل: کزو؛ (ل، پ: که گر)؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س^۲ (نیز هفت دستنویس دیگر)؛ درس^۲ بیت‌های ۷۳۲ و ۷۳۴ پس و پیش شده‌اند ۲- ق: بدان ۳- ل، ق (نیز ق، ل، پ، و): باشی؛ متن = ف، س، ل، آ، س^۲ (نیز لن، لی، لن، آ، ب) ۴- س^۲ (نیز ق، آ): درد ۵- ق (نیز ق، و، آ): دل ۶- ف: کینه؛ متن = ل- س^۲ (نیز لن- ب) ۷- س^۲ (نیز ق، آ): سرو (دل و) لب پراز باد سرد ۸- ق (نیز ل): بر نهاده ۹- ل- س^۲ (نیز لن- پ، لن، آ، ب): روین؛ (و: هندی)؛ متن = ف ۱۰- س^۲: گرد ۱۱- ل: مگردست و پای ۱۲- س، ق، س^۲ (نیز لن- پ، لن، آ): سپه؛ متن = ف، ل، ل^۲ (نیز و، ب) ۱۳- ل، س، ل^۲ (نیز لن، پ، و، لن، ب): الماس؛ متن = ف، ق، س^۲ (نیز ق، لی، ل، آ) ۱۴- ل (نیز لی، پ): گرد ۱۵- ل (نیز پ): زبانگ سواران در آن ۱۶- ل، س، ل^۲ (نیز ق، لی، و): کوه سنگ؛ متن = ف، س^۲ (نیز لن، ل، پ، لن، آ، ب)؛ ق این بیت را ندارد ۱۷- ل: [و] ۱۸- (لن، لی، ب: هزبر) ۱۹- ل: از آهنست؛ (ق، و: اهرمین است)؛ متن = ف، س، ق (نیز هفت دستنویس دیگر) ۲۰- ل، س، ل^۲ (نیز لن، لن، ب): بدامن بر از آستی (ل، لن، ب: آستین) دشمن (ل: جوشن) است (← رزم یازده رخ، بیت ۲۸۴)؛ متن = ف، ل، ق (نیز ق، و، آ، لی، ویا؛ ق: با زمین)؛ س^۲ بیت‌های ۷۴۴ و ۷۴۵ را ندارد ۲۱- ل، س، ل^۲ (نیز لن، ق، ل، آ، ب): چون؛ متن = ف، ق (نیز لی، و) ۲۲- س: ز ترکان و گردان ۲۳- س^۲: ریگ و آمو ۲۴- ل، س، س^۲ (نیز لن، ق، ل، آ، ب، و، لن، ب): زمین؛ متن = ف ۲۵- ل: برفتند برسان کشتی بر آب (۷۴۶- ب- ۷۴۸ آ را انداخته و از ۷۴۶ آ و ۷۴۸ ب یک بیت ساخته است)؛ ق بیت‌های ۷۴۶ و ۷۴۷ را ندارد ۲۶- (ق، لغت سهنامه، شماره ۹۴: ریگ) ۲۷- نیز ← لغت دری، ص ۱۰۶ ۲۸- ل: بصندوق و ۲۹- ف: بد؛ درس^۲ بیت‌های ۷۴۹-۷۵۷ درهم ریخته‌اند: ۷۵۱، ۷۵۲، ۷۴۹، ۷۵۰، ۷۵۵، ۷۵۶، ۷۵۳، ۷۵۴،

<p>برآورده از پیل و بر بسته راه^۲ برآمد خروشدن داروگیر هم از قلب لشکر سپاهی گران بدان لشکر و جنگِ صندوق و پیل^۷ جهان تیره شد^۱، روشنایی نماند چه دارید بر خویشتن کار^{۱۲} تنگ؟ سپاهست بیکار^{۱۵} بر چند میل سوی میمنه میسره برکشید^{۱۶} رود^{۱۷} با تگینان^{۱۸} لشکر ز^{۱۹} جای همه مرد مردانه در^{۲۲} کارزار بشد تیز با نامداران^{۲۵} گرد^{۲۵} که^{۲۷} خورشید گشت از جهان ناپدید، که بودند شیران^{۲۹} پرخاشجوی بتابید^{۳۰} چون آفتاب از بره همه رزمجوی و همه نامدار^{۳۱} که از نامداران ایران سپاه،</p>	<p>حصاری بُد از پیش قلب^۱ سپاه ز^۳ صندوق پیلان بیارید^۵ تیر برفتند پیلان و^۶ نیزه‌وران نگه کرد افراسیاب از دو میل همه^۸ زنده پیلان و^۹ لشکر براند خروشید کای نامداران^{۱۱} جنگ همه مانده بر^{۱۳} پیش صندوق^{۱۴} پیل ز قلب و ز صندوق برتر کشید بفرمود تا جهن رزم آزمای برد ده هزار^{۲۰} آزموده سوار^{۲۱} سوی^{۲۳} میسره شیر جنگی گُبرد^{۲۴} چو کیخسرو آن زور^{۲۶} ترکان بدید سوی آوهی و سَمگان^{۲۸} کرد روی بفرمود تا بر سوی میسره برفتند با نامور ده هزار به شَماخ^{۳۲} سوری بفرمود شاه</p>
--	---

۱- ل: از پیل پیش: (لی، آ، آن (ح-ز) پیش قلب: ل، ن، ل: از قلب پیش): متن = ف، س، ق، ل، س، س (نیز لن، ق، ب، و، ب) ۲- ف، س (نیز لی، ب): بریشه (ح-بر بسته) راه: ل: بر قلب و بر بسته راه: ق (نیز ل): پیلان و بر بسته راه: (ق: از پیل در پیش شاه): متن = ل، ل، س، س (نیز لن، ب، و، ل، ن) ۳- س، س، ل، ب: به ۴- س: صندوق و ۵- ل: گشادند ۶- ل: گردان: س: بیدار: متن = ف، س، ق، ل (نیز لن، ب) ۷- ق (نیز آ): صندوق پیل: ل، س (نیز ق، ل، لی، ل، ن، ل): جنگ و صندوق و پیل: ل (نیز لن): لشکر جنگ و صندوق پیل: (و، ب: لشکر جنگ (و: گشتن) و صندوق و پیل): متن = ف، س (نیز ب) ۸- همان: (لی، آ: سبک) ۹- ف (نیز لی، و): [و]: (ل، آ، ز): متن = ل، س، ق، س (نیز لن، ق، ب، ل، ب) ۱۰- س: جهان دیده را ۱۱- س: پهلوانان ۱۲- ل، ل، س (نیز لن، ل، آ، و، ب): جای: متن = ف (نیز ب) ۱۳- ل: ممانید بر: ق: همه مانده ابر: متن = ف، س، ل، ل، س (نیز لن، ب) ۱۴- ل (نیز لن، ل، ب): صندوق و: (ق: پیل صندوق و: ل: پشت صندوق و: گرد صندوق) ۱۵- ل (نیز آ): بسیار ۱۶- در ل، ق، ب، و، آلت های این بیت پس و پیش شده اند: ف این بیت را ندارد ۱۷- س (نیز لن، ب): شود ۱۸- س (نیز لن، ب): بزرگان: ق: نقیبان: ل (نیز ق، ل، لی، ب، آ): نگهبان: (لن: دلیران): متن = ف، ل، س، ل (نیز ل، آ، و، لغت شهنامه، شماره ۶۷۰) ۱۹- س، س: به ۲۰- ل: دو هزار ۲۱- س: از گزیده سوار ۲۲- ل، ل، س، ل، ل، س، ل، ل، س (نیز لن، ق، ل، ب، ب): همه نیزه دار (س: مردمان: و: نامدار) از در: ق: سوی میمنه از در: متن = ف ۲۳- ل: بر ۲۴- ل: طبرد: ل (نیز ب): نبرد: س (نیز لی، آ): طورد: (ل: طورک): متن = ف، س (نیز لن، ق، آ، و، ل، ب) ۲۵- (ل: چو کرک): ق: بیت های ۷۶۰-۷۶۴ را ندارد: س پس از این بیت افزوده است: همان ده هزار از گزیده سوار همه رزمجوی و همه کینه دار

۲۶- ل، ل، ل (نیز لن، ب، ل، ل، ب): رزد: (لی، ل، آ، آ: جنگ): متن = ف (نیز و) ۲۷- س: چو: س این بیت را ندارد ۲۸- س (نیز ب): سَمگان: ل: و سَمگان: (لی، آ: سَمگان: لن: و همگان): س: کاه و سَمگان: (ق: قارن کاویان: و: لشکر و سَمگان: ب: بسوی سَمگان: س: گران: (لن، ب، ب: گردان) ۳۰- ل، ل، س، ل، ل، س (نیز لن، ل، ب، آ): بتابند: (ق: ل: برفتند): متن = ف (نیز لی، و، ل، آ) ۳۱- (و: نیزه دار): ل، ل، س، ل (نیز لی، ب، ل، ب): زره دار یا گزیده گاو سار (= ۷۶۶ ب): (لن: جوانان گرد از در کارزار: ل: همه نیزه داران خنجر گزار): متن = ف، س (نیز ق) ۳۲- ل: شَماخ

تو گفتمی که ابری برآمد سیاه
 خرنجاس^۲ بر میسر^۳ شد تباه
 به دست منوچهر بر میمنه^۵
 یکی باد از ایران^{۱۰} سوی^{۱۱} نيمروز
 بپوشید و روی زمین^{۱۲} تیره گشت^{۱۳} ۷۹۰
 بدانگه که شد چشمه سوی نشیب
 ز جوش سواران هر کشوری
 دگرگونه جوشن، دگرگون درفش
 نگه کرد کرسیوز از پشت شاه
 سپاهی فرستاد بر میمنه ۷۹۵
 سوی میسر^۳ همچین لشکری
 سواران شمشیرزن چل هزار^{۲۱}
 چو کرسیوز از پشت لشکر برفت
 برادر چو روی برادر بدید
 برآمد ز لشکر ده و دار و گیر ۸۰۰
 چو خورشید را پشت باریک شد
 فریبنده کرسیوز پهلوان
 که اکنون ز گردان که جوید نبرد
 سپه بازکش چون شب آمد مکوش

ببارید خون اندر آوردگاه^۱
 به دست^۴ فریبرز کاوس شاه
 گهیلا^۶ که صد^۷ شیر بد^۸ یک تنه^۹
 برآمد، رج هور گیتی فروز،
 همان^{۱۴} دیده از تیرگی^{۱۵} خیره گشت^{۱۳}
 دل شاه ترکان^{۱۶} بخت^{۱۷} از نهب
 ز هر مرز و هر بوم و هر مهتری^{۱۸}،
 جهانی شده سرخ و زرد و بنفش
 به جنگ اندر آورد یکسر سپاه
 گرانمایه و^{۱۹} یک دل و یک تنه
 پراکنده بر هر سوی^{۲۰} مهتری
 گزیده ز ترکان خنجرگزار^{۲۲}
 به پیش برادر خرامید^{۲۳} تفت
 بنیرو شد و لشکر اندرکشید
 بپوشید روی هوا پر^{۲۴} تیر
 ز دیدار شب روز تاریک شد،
 بیامد به پیش برادر نوان،
 زمین پر ز خون و هوا^{۲۵} پر ز گرد^{۲۶}،
 که اکنون برآید ز ترکان^{۲۷} خروش

۱- س، ق، ل (نیز ل، لی، ل، آ، ب)؛ اندر آن رزمگاه؛ متن = ف، ل، س (نیز ق، پ، و)؛ درل بیت های ۷۸۶-۷۸۹ درهم ریخته اند:
 ۷۸۸، ۷۸۷، ۷۸۹، ۷۸۶ ۲- ل (نیز ل، لی)؛ جرنجاس؛ س، ل، آ، س (نیز ل، آ)؛ جرنجاس؛ (ق)؛ جرنجاس؛ ل؛ خرزو اش؛ پ؛
 خرنجاش؛ ب؛ جرنجاش؛ متن = ف، ق (نیز و) ۳- ل، ق (نیز ق، ل، و، آ)؛ میمنه؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیز ل، لی، ب، ل، آ،
 ب) ۴- ق؛ ز زخم ۵- س، ق (نیز ق، لی، ل، آ)؛ میسر ۶- (پ)؛ کهیلان ۷- ف، س (نیز و)؛ خود؛ ل؛ بد؛
 متن = ل، س، ق (نیز هشت دستنویس دیگر) ۸- س (نیز ل، پ، ل، آ، ب)؛ پیل بد؛ ل؛ صد دل و؛ متن = ف، ل، ق، س (نیز ق، لی،
 ل، و، آ) ۹- ق (نیز ق، لی، ل، آ)؛ یکسر ۱۰- ل، س، ل، آ، س (نیز ل، پ، ل، آ، ب)؛ باد و ابری؛ متن = ف، ق (نیز ق، لی،
 لی، و، آ) ۱۱- ق (نیز لی، آ)؛ گه ۱۲- ل، س، ل، آ، س (نیز ل، ب)؛ زمین؛ متن = ف، ق ۱۳- س؛ کرد ۱۴- ل (نیز
 ل، لی، آ)؛ همی؛ (ل؛ همه) ۱۵- ل؛ تیره گی ۱۶- س؛ توران ۱۷- در بیشتر دستنویس ها روشن نیست که بخت است یا
 بخت، نخست، نخست؛ متن = ف، س ۱۸- ق؛ لشکری؛ ل پس از این بیت افزوده است:

سواران شمشیرزن سی هزار گزیده سواران خنجرگزار

۱۹- ق؛ هم؛ ل (نیز پ، آ)؛ گرانمایگان ۲۰- ف، ل؛ سری؛ س، ل، آ، س؛ سوی؛ متن = ق ۲۱- ل (نیز پ)؛ جنگاوران سی (پ)؛
 چل هزار ۲۲- ف؛ گذار؛ ل (نیز پ)؛ گزیده همه از در کارزار؛ س، ق، ل، آ، س (نیز ل، ق، آ، ل، و، ل، آ، ب)؛ گزیده (و؛ گزین) بزرگان
 خنجرگزار؛ متن = (لی، آ؛ ف) ۲۳- ل، ق، س (نیز لی، ل، آ، ل)؛ خرامید و ۲۴- ل، س (نیز ق، و، آ)؛ هوا را به؛ (لن؛ آ)؛ هوا
 پر ز؛ متن = ف (نیز ل، ب) ۲۵- ل (نیز ل، آ، ب)؛ خون آسمان ۲۶- ق (نیز لی، آ)؛ لاجورد ۲۷- ل (نیز لی، ل، آ)؛ ز
 ترکان برآید

- ۸۰۵ تو در جنگ باشی، سپه در گریز
دل شاه ترکان پر از خشم^۱ و جوش
برانگیخت اسپ از میان سپاه
از ایرانیان چند نامی بگشت^۲
دو شاه^۳ دو کشور چنان^۴ کینه دار
ندیدند کرسیوز و جهن روی
۸۱۰ عنانش گرفتند و برتافتند
چُن^۵ او بازگشت استقیلا چو گرد
همان شاه ایلاک^۶ جنگی پلنگ
کجا هر سه نامی سواران^۷ بدند
۸۱۵ چُن^۸ آن دید شاه از میان گروه
بزد نیزه‌یی، استقیلا^۹ گرد
دمان شاه ایلاک^{۱۰} پیش سپاه
نبد کارگر نیزه بر جوشنش
چو خسرو دل و زور او را بدید
۸۲۰ بزد بر میانش به دو نیم کرد
سبک بُزایلا^{۱۱} چُن^{۱۲} آن زخم شاه
- مکن با تن خویش چندین ستیز!
ز تندی نبودش^۱ به گفتار گوش
بیامد دمان با درفش^۲ سیاه^۳
چو خسرو بدید اندرآمد به پشت
برفتند با خوارمایه سوار
که او پیش خسرو شود جنگ جوی^۴
برآن^۵ ریگ^۶ آموی بشتافتند
بیامد که با شاه جوید نبرد
دگر بُزایلا سواران^۷ جنگ
جفایشه و نامداران^۸ بدند
برانگیخت اسپ اندرآمد چو کوه
ز زین برگرفت و^۹ زمین را سپرد
یکی نیزه زد بر کمرگاه^{۱۰} شاه
نه ترس آمد اندر دل روشنش
سبک تیغ تیز از میان برکشید
دل بُزایلا^{۱۱} پر از بیم کرد
بدید آن دل و زور^{۱۲} و آن دستگاه،

۱- (ق، ل، و؛ جنگ؛ ی، آ؛ درد) ۲- ف: که بودش؛ متن = ل- س^۲ (نیزلن- ب) ۳- س (نیزلن، لن، آ، ب): بیامد بچنگ اندرون (س: بچنگ اندرآمد همه) کینه خواه ۴- ف: تایی بچست؛ متن = ل- س^۲ (نیزلن- ب) ۵- ل: شاه و ۶- س، ق (نیز ق، آ، ی، آ، ب): چنین ۷- ل: رزمجوی؛ س، ق، ل^۲ (نیزلن، ق، آ، ی، و، لن، آ): کینه حوی؛ متن = ف، س^۲ (نیزل، ب) ۸- ل، ق (نیز ق، آ، ی، ل، آ، پ، آ): سوی؛ س (نیزلن، و، لن، آ، ب): بدان؛ متن = ف، ل، آ، س^۲ ۹- س، ق، ل^۲ (نیزلن- ل، آ، و- ب): چو؛ متن = ف، ل، س^۲ (نیز ب) ۱۰- س: ایلا چو؛ (ل: ایلان و؛ پ: ایلان)؛ س، ل^۲ (نیزلن، لن، آ): دمان (ل: دما) شان ویلا چو؛ (ق: بران نیز ایلا؛ ب: دمان شد سهیلا چو)؛ متن = ف (نیزی، و، آ) ۱۱- س، ل^۲ (نیزلن، لن، آ، ب): برز ویلا چوپیلان (س: شیران)؛ (ی، آ: پور ایلا سرافراز؛ ل: پور ایلا سواران؛ ب: برز ایلان سواران)؛ متن = ف، س^۲ (نیز ق، و)؛ ل، ق بیت های ۸۱۳-۸۱۶ را ندارند ۱۲- ف: که هر چند نامی سواران؛ س: که هر دو سوار از بخارا؛ ل^۲ (نیزلن، ب) که هر سه (ب: دو) سواران سوارا (لن: سواران)؛ (ق، آ، ی، پ، و، آ: که هر چار نامی (پ: توران؛ آ: جنگی) سواران؛ ل: کجا هر سه یاران سواران)؛ متن = س^۲ (ل- ل) ۱۳- س، ل^۲ (نیزلن، ب): بی مدارا؛ (ل: کینه داران؛ ی، آ: جهانجوی و از نامداران)؛ متن = ف، س^۲ (نیز ق، آ، ب، و) ۱۴- س، ل^۲ (نیزلن، ق، آ، ی، و، آ، ب): چو؛ متن = ف، س^۲ (نیز ل) ۱۵- س (نیزی): نیزه بر استقیلا چو؛ ل، آ، س^۲ (نیزلن، ق، آ، ب، و، آ، ب): نیزه (ل، لن، ب: نعره) بر استقیلا؛ (ل: نیزه بر اسب ایلا؛ متن = ف ۱۶- س، ل^۲ (نیزلن، پ، آ، ب): برگرفتش؛ متن = ف، س^۲ (نیز ق، آ، ی، ل، آ، و) ۱۷- ف، س^۲: ایلا به؛ س: ویلا به؛ (ق، آ، ب: ایلان به؛ ل: باز ایلان به؛ آ: پور ایلا به؛ ب: برز ویلا به)؛ ق: دمان اندرآمد ز؛ ل: دماسان ویلا به؛ (لن، ی: دماشان و ویلا به)؛ متن = (و؛ بیت ۸۱۳) ۱۸- س، ل^۲ (نیزلن، ق، آ، ی، پ، و، آ، ب): کمربند؛ متن = ف، ل، ق، س^۲ (نیز ل) ۱۹- س، ل^۲ (نیزلن، ی، لن، آ، ب): برز ویلا؛ ق: نامداران؛ (پ: برز ایلان؛ آ: شاه ایلاک)؛ متن = ف، ل، س^۲ (نیز ق، آ، و) ۲۰- س، ل^۲ (نیز لن، لن، آ، ب): برز ویلا؛ (ل: پور ایلان؛ پ: برز ایلان؛ آ: پور ایلا)؛ متن = ف، ل، ق، س^۲ (نیز ق، آ، ی، و) ۲۱- ل- س^۲ (نیزلن- ب): چو؛ متن = ف ۲۲- س: دست

۸۲۵ به تاریکی اندر گریزان برفت
سپه چون بدیدند ازوا دستبرد
بر افراسیاب آن^۳ سخن مرگ بود
چُن^۶ آوردگه خوار بگذاشتند
که این شیرمردی ز رنگ^۹ شبست
گر ایدونک امروز یک راه^{۱۲} باد
چو روشن شود رودبار و زمین^{۱۵}
همه روی صحرا^{۱۶} چو دریا کنیم
۸۳۰ دو شاه^{۱۸} دو کشور چنان رزمساز
همی پوست بر تنش گفتی بگفت
بر^۲ آوردگه بر نماند ایچ گرد
کجا پشت خویش او^۴ بدیشان نمود^۵
بفرمود تا^۷ بانگ^۸ برداشتند،
مرا بازگشتن ز جنگ^{۱۰} شبست^{۱۱}
ترا جُست و^{۱۳} شادی ترا^{۱۴} در گشاده،
درفش دل افروز ما را بین!
ز خورشید تابان ثریا^{۱۷} کنیم
به لشکرگه خویش گشتند^{۱۹} باز

گفتار اندر پیروز شدن شاه کیخسرو بر افراسیاب^{۲۰}

چو نیمی^{۲۱} ز تیره شب اندرگذشت
سپهدار توران^{۲۵} بُنه برنهاد
سپهر از^{۲۲} بر گوی^{۲۳} ساکن^{۲۴} بگشت،
سپه را همه ترگ و جوشن بداد

۱- ل: زو؛ ل: بدیدند آن ۲- ل، س، ق (نیزلی، ل، آ، و)؛ به؛ متن = ف، ل، آ، س (نیزلی، ق، آ، پ، ل، ن، آ، ب) ۳- س (نیزلی، ق، آ، ب)؛ این ۴- ل (نیزو)؛ خود را؛ متن ← ۵- س (نیزل)؛ جوشن برایشان (ل: بیاید) نمود؛ س، ل (نیزلی، ب)؛ کجا کار ناساز و بی برگ بود؛ (لی، آ)؛ که بایست پشتش بخسرو نمود؛ پ: کجا خویش را بدیشان نمود؛ متن = ف (نیزق)؛ ق، ل، ن (نیزق)؛ این بیت را ندارند؛ ل، س، ل (نیزلی، ب) پس از این بیت افزوده اند:

ل، پ، و: ز تورانیان او (پ، و: ز توران سواران) چو آگاه شد

تو گفستی برو روز (و: عـمـر) کـو تـسـاه شـد

س، ل، ل، ن، ق، آ، ل، ل، ن، آ، ب:

ز توران سواران (ل: سواران توران) چو آگاه شدند

بجمله (س: یکایک) همه دست (س: تو گفستی برو عمر؛ ق: تو گفستی که از روز)

کوته شدند (لی، آ: همه نامداران به بی ره شدند؛ ل: ز شادی بدل جمله گفته شدند)

ف، ق این بیت را ندارند ۶- ل- س (نیزلی، ب)؛ چو؛ متن = ف ۷- س: همه مهتران ۸- ف: باک (ب: بانگ)؛ متن = ل- س (نیزلی، ب) ۹- ف: برنگ (حرف یکم نقطه ندارد)؛ س: ز رنگ؛ ق: ز جنگ؛ س (نیزلی)؛ ز رنگ (حرف سوم نقطه ندارد)؛ متن = ل، ل، ل (نیزلی، ق، آ، ل، پ، آ، ب) ۱۰- ل: ز رنگ؛ س: ز رنگ (حرف سوم نقطه ندارد)؛ ق: ز رنگ؛ متن = ف، ل، ل، س (نیزق، ل، ل، پ، ب) ۱۱- (لن: که لشکرز کیخسرو اندر تبست)؛ بنداری؛ و امر منادیه آن یقول: إنما ننصرف لهجوم الظلام، و سترون صنیعنا بکم فی غد ۱۲- ل (نیزب)؛ بار؛ (لن: باره؛ ق، آ، و: روز)؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س (نیزلی، ل، ل، ن، آ، ب) ۱۳- ف (نیزق، ل، ل)؛ [و]؛ متن = ل- س (نیزلی، ل، ل، پ، ب) ۱۴- ق: شادیت را؛ (آ: از خرمی) ۱۵- س: روی ما را بین (پساوند ندارد)؛ ل: روز در ما بین؛ س (نیزق، ل، ل، ن، آ، ب)؛ روز ما را بین؛ (لن: روز گردد زمین؛ ل: روز گاران بین؛ و: روز در ما بین)؛ ل، ق (نیزلی، آ)؛ کند روز روی زمین؛ متن = ف ۱۶- ل- س (نیزق، ل، ل، پ، ب)؛ ایران؛ (لن، ل، آ: هامون)؛ متن = ف ۱۷- س (نیزب)؛ ز بالای بدخواه پهنا ۱۸- ل: شاه و ۱۹- ل، ل، س، ق، ل (نیزلی، ق، آ، ل، ل، ن، آ، ب)؛ رفتند؛ متن = ف، س، ل (نیزب، و) ۲۰- ف: پیروز شدن شاه کیخسرو بر افراسیاب و بهزیمت شدن او چین و ماچین بزمن ترکستان؛ س، س: هزیمت شدن افراسیاب از شاه کیخسرو؛ ق: گفتار در هزیمت افراسیاب از جنگ کیخسرو؛ س: بهزیمت شدن افراسیاب؛ متن ← ف ۲۱- ق: پاسی ۲۲- ل: سپهدار (س: سپه از) ۲۳- ل، س، ق (نیزلی، ق، آ، ل، پ، ل، ن، آ)؛ کوه (س: گوی)؛ (لی، آ: چرخ؛ و: خاک)؛ متن = ف، ل، ل، س (نیزب) ۲۴- (لی، آ: گردان؛ ل: تیره؛ پ: نیمی؛ و: چندی؛ ل: لختی)؛ متن = ف- س (نیزلی، ق، آ، ب)؛ ساکن (ق) ۲۵- ل (نیزلی)؛ ترکان

- ۸۳۵ طلايه بفرمود تا ده هزار
چنين گفت با لشکر افراسياب
دُماذم شما از پسم بگذريد
شب تيره با لشکر افراسياب
همه روی کشور به بی‌راه و راه
سپیده چُن^۷ از باخت^۸ بردمید
بیامد به مژده^{۱۰} بر شهریار
همه دشت خیمه‌ست^{۱۲} و پرده‌سرای
۸۴۰ چو بشید خسرو دوان شد به خاک
همی‌گفت کای^{۱۶} روشن کردگار
تو دادی مرا فرّ و دیهم و زور
ز نیکی ستمگاره را دور دار^{۱۹}
- ۸۴۵ چو خورشید زرین سپر برگرفت
جهاندار بنشست بر تختِ عاج
نیایش‌کنان پیش او شد سپاه
شد این^{۲۶} لشکر از خواسته بی‌نیاز
همی‌گفت هر کس که اینت فسوس
شب تیره از^{۲۸} دشت^{۲۹} آزادگان^{۳۰}
۸۵۰
- بود تُرک^۱ بَرگُستوانِ وَر سوار
که من چون^۲ گذریام از رود^۳ آب،
به جیحون و زورق^۴ زمان^۵ مشمرید
گذر کرد از آموی و بگذاشت^۶ آب
سراپرده و خیمه بُد بی‌سپاه
طلایه سپه را به هامون ندید^۹،
که پرداخته شد شه از^{۱۱} کارزار
ز دشمن سُواری نینم^{۱۳} به جای
ستایش‌کنان^{۱۴} پیش بزدان^{۱۵} پاک
جهاندار و بیدار و^{۱۷} پروردگار،
تو کردی دل و چشم^{۱۷} بدخواه کور
ز بيمش همه ساله رنجور دار^{۱۹}
- شب آن^{۲۰} شَعْرِ پیروزه بر^{۲۱} سرگرفت،
به سر برنهاد آن^{۲۲} دلارای^{۲۳} تاج
که جاوید بادی^{۲۴} سَزَاوار^{۲۵} گاه
که از لشکر شاه چين ماند باز
که او رفت با لشکر و بوق و کوس^{۲۷}
بشد^{۳۱} نامداری چنين رایگان

۱- (و، ب: ترک و)؛ س (نیزب): برد ترک و ۲- س، ق، ل (نیزلن، ل، آ، و، لن، ب): که چون من ۳- س: جوی؛ س (نیزل، آ، و): روی؛ (لن، ب: رود و)؛ ف بیت‌های ۸۳۴ و ۸۳۵ را ندارد، ولی در ترجمه بنداری هست: ولما أظلم الليل أركب عشرة آلاف من الفرسان على رسم لطلیعة و قال: اذا علمت منی بعبور الماء فبادروا العبور ورائی ۴- س: رود و؛ ق: دوید و؛ ل، آ، س (نیزلن، لن، ب): روز و؛ (ق، آ، و، آ: روید و)؛ متن = ل (نیزب) ۵- ل (نیزب): شبان ۶- س (نیزلن): بگذشت از ۷- ل- س (نیزلن- ب): چو؛ متن = ف ۸- س، ل (نیزلن، لن، ب): از کوه سر؛ متن = ف، ل، ق، س (نیزق- و، آ) ۹- س: کشید ۱۰- س: بمژده بیامد ۱۱- ل- س (نیزلن- ب): که پرداخته شد شاه ازین (ل: زین؛ ق، لی: از)؛ متن = ف ۱۲- س، ل (نیزلن، لن، ب): همه خیمه بینیم؛ متن ← ۱۳- س، ل (نیزلن، لن، ب): نمائنده؛ متن = ف، ل، ق، س (نیزق- و، آ) ۱۴- ل (نیزق، لن، ب): نیایش‌کنان ۱۵- س، ل (نیزب): دادار ۱۶- ل: ای ۱۷- ق: [و]؛ (ق: دانا و)؛ س (نیزلن، لن، ب): جهاندار دادار ۱۸- س، ل (نیزلن، لن، ب): جان؛ متن = ف، ل، ق، س (نیزق- و، آ) ۱۹- ل: کن؛ ق این بیت را ندارد ۲۰- ف: از (ج- آن)؛ متن = ل- س (نیزلن- ب) ۲۱- ق: از؛ س (نیزلن، ق، لی، آ، ب): در؛ س (نیزلن، ب): چادر شعر در؛ متن = ف، ل، ل (نیزل، و) ۲۲- ل: نهاده ۲۳- ل، س، ق، ل (نیزلن، ق، لی، ب، لن، آ، ب): دل افروز؛ متن = ف، س (نیزل، آ، و) ۲۴- ل، ل، آ، س (نیزلن، ب): باد این؛ س: باد آن؛ ق: باد؛ متن = ف (نیزلن، ق، لی، ل، آ، و، آ) ۲۵- ق: سرافراز ۲۶- س: آن ۲۷- ف این بیت را ندارد؛ متن = ل- س (نیزلن- ب) ۲۸- س: در ۲۹- ل- س (نیزلن، ق، ل، آ، و): دست؛ متن = ف (نیزلی، ب، لن، آ، ب) ۳۰- ل: پرمایگان؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س (نیزلن- ب) ۳۱- ف: شده؛ متن = ل- س (نیزلن- ب)

<p>بديشان چنين گفت بيدار شاه چو دشمن بود شاه را، گشته به چو پيروزگر دادمان^۲ قرهي ز^۴ گيتي ستايش مرو را^۵ كنيد كه آنرا كه خواهد كند شوربخت^۸ برين^{۱۰} پرسش و جنبش و^{۱۱} رای نیست بباشم برين^{۱۳} رزمگه پنج روز برآيد^{۱۵}، برانيم^{۱۶} از ايدر^{۱۷} سپاه بدین^{۱۹} پنج روز اندر آن^{۲۰} رزمگاه بشتند ایرانیان را ز گرد</p>	<p>که ای نامدارانِ ایران سپاه، گر آواره از پیش^۱ برگشته به بزرگي و ديهيم^۳ شاهنشهي، شب آمد^۴ نيایش مرو را^۵ كنيد يكي بي هنر برنشانند^۹ به تخت كه با داد^{۱۲} او بنده را پای نیست ششم روز هر مزد^{۱۴} گيتي فروز، كه او كين فزايست و ما^{۱۸} كينه خواه همي^{۲۱} گشته جُستند از^{۲۲} ایران سپاه سزاوار آن گشتگان^{۲۳} دخمه كرد</p>
---	--

گفتار اندر نامه فرستادن شاه کیخسرو بنزدیک کیکاوس^{۲۴}

<p>بفرمود تا پیش او شد^{۲۵} دبیر نبشتند^{۲۶} نامه به کاوس شاه سر نامه کرد از نخست آفرین^{۲۸}</p>	<p>بیاورد قرطاس و مُشک و عبیر چنان چون سزا بود از آن^{۲۷} رزمگاه ستایش سزای جهان آفرین^{۲۹}</p>
--	---

۱- ل، س، ق، ل (نیز ل، ق، ل، پ، و، ل، ب): جنگ؛ متن = ف، س (نیز ل، آ)؛ ل پس از این بیت افزوده است:
 یکی کارکرد جهانست این

کنون روز نزد مهانست بین (!)

- ۲- ف: دان زمان (دادمان)؛ متن = ل - س (نیز ل - ب) ۳- ل، س، ق، ل (نیز ق، ل، و، آ، ب): [و]؛ متن = ف، ل (نیز ل، ل، ن) ۴- ق: ز ۵- س، ل (نیز ل، ل، ن، آ، ب): مرو را ستایش؛ متن = ف، ل، ق، س (نیز ل، پ، و، آ) ۶- ل، ق، ل (نیز ل، ل، ن، آ، ب): آید؛ متن ← ۷- ق، ل (نیز ل، ل، ن، آ، ب): مرو را نیایش؛ س (نیز ب): شب و روز او را نیایش؛ س: شب اندر نیایش هم او را؛ (ل: شب در مرو را نیایش)؛ متن = ف (نیز ب، و) ۸- س (نیز ب): نیکیخت ۹- ف، ل (نیز ل، ل، ن، آ، ب): برنشیند؛ متن = ل، س، ق، س (نیز ق، ل، و، آ، ب) ۱۰- ل (نیز ل، ل، ن، آ، ب): ازین؛ س، ق، ل، ل، س (نیز ل، ق، آ، و، ل، ن، آ، ب): بدین؛ متن = ف ۱۱- س: جستش؛ س (نیز ق، ل): کوشش و؛ (ل: جستنت؛ و: کوششم؛ ب: جست و)؛ ل، ق (نیز ب): کوشش و پرشست؛ (ل: کوشش و جوربر؛ ل: جنبش و پرسش و)؛ متن = ف، ل (نیز آ) ۱۲- س: رای؛ (ق: حکم) ۱۳- ل - س (نیز ل - ب): بدین؛ متن = ف ۱۴- (ق: دربزم) ۱۵- ف: بهشم؛ س، ل، ل، س (نیز ل، ق، آ، ب، و، ل، ن، آ، ب): بهفم؛ متن = ل، ق (نیز ل، ل، آ) ۱۶- ف: برانم؛ متن = ل - س (نیز ل - ب) ۱۷- ل: زاید ۱۸- س، ل (نیز ل، و، ل، ن، آ، ب): من؛ متن = ف، ل، ق، س (نیز ق، ل، ل، ن، آ، ب) ۱۹- س (نیز ق، ل، آ، ب): بدان؛ س: برین ۲۰- ف: اندرون (!)؛ ل، ل، ل، س (نیز ل، و، ل، ن، آ، ب): اندرین؛ متن = س، ق (نیز ل، ق، ل، آ) ۲۱- ق: همه ۲۲- ف: ز ۲۳- ل، ق (نیز ق، ل، آ، و، آ): هریک یکی؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیز ل، پ، ل، ن، آ، ب) ۲۴- ف (چند بیت پایین تر): گفتار اندر نامه فرستادن شاه کیخسرو با اسیران و خواسته بنزدیک شاه کیکاوس و رفتن بر آن سوی جیحون؛ ل: فتح نامه کیخسرو بکیکائوس؛ س، ق، ل، ل، س: نامه شاه کیخسرو بکاوس شاه (س، س): بپیروزی؛ ق: پیروزی)؛ متن = آغاز ف ۲۵- س: تا رفت پیشش ۲۶- ل (نیز ب، و، آ): نوشتند؛ س: نویسد؛ متن = ف، ل، ل، س (نیز ل، ق، آ، ل، ل، ن، آ، ب) ۲۷- ل: زان؛ س: سزاوار آن؛ ق این بیت را ندارد ۲۸- س، ل (نیز ل، ل، ن، آ، ب): آفرین خدای؛ س (نیز ق، ل): آفرین از نخست؛ متن ← ۲۹- س، ل (نیز ل، ل، ن، آ، ب): ستایش مر (ل، ل، ن، آ، ب): هم) او را همورهنمای؛ س (نیز ق، ل): بران کوجهان از بدینا بشت؛ (ل: که اویست بر نیک و بد رهنمای)؛ متن = ف، ل، ق (نیز ل، پ، و، آ)

- دگر گفت: شاه آن جهانبان^۱ من
بزرگیش با کوه^۳ پیوسته باد!
رسیدم از^۵ ایران به ریگ^۶ فَرَب
شمارِ سوارانِ افراسیاب
بریده چو^۸ سیصد سرِ نامدار
برادر بُد و خویش و پیوند او^{۱۰}
۸۶۵
۸۷۰
۸۷۵
۸۸۰
۸۸۵
- پدروار لرزنده^۲ بر جان من
دل بدسگالان او^۴ خسته باد!
سه جنگ گران کرده شد در سه^۷ شب
نبیند خردمند هرگز به خواب
فرستادم اینک بر^۹ شهریار
گرامی^{۱۱} بزرگان و فرزند او^{۱۰}
که صد شیر با جنگ هریک یکیست
ز چرخ آفرین بر چنان^{۱۶} رزم^{۱۷} باد^{۱۵}
گذشتیم^{۱۹}، تا بر چه گردد زمان
از آن پس گذر کرد بر^{۲۱} ریگ^{۲۲} خشک
همه ساله با اختر نیک جفت
چو زآن روی جیحون شد افراسیاب
سپه در^{۲۶} سپاه قراخان رسید
سپهدار ترکان^{۳۰} چه مایه گریست
ز بهر گرانمایه فرزند او^{۳۳}
چو باد دمان تیز بگذاشت^{۲۵} آب
همی گفت هر کس^{۲۷} به^{۲۸} جنگ آنچه^{۲۹} دید
بر آنکس که از تخمهی وی^{۳۱} نزیست^{۳۲}
بزرگان و خویشان و پیوند او^{۳۳}

۱- ل، ق (نیز لن، ق، آ، لی، ل، و، آ): شاه جهانبان؛ س: شاه ای جهانبان؛ متن = ف، س، ل (نیز پ، لن، ب) ۲- ف: لرزیده؛ ل، س (نیز لن): لرزیده (حرف چهارم نقطه ندارد)؛ (ق: آورنده؛ آ: ارزنده)؛ متن = س، ق، ل (نیز لی - لن، ب) ۳- (ق: هر روز؛ پ: همواره) ۴- ف: وی؛ متن = ل - س (نیز لن - ب) ۵- ف: به؛ ل، ق، ل، آ، س (نیز آ، ب): ز؛ متن = س (نیز لن، ق، آ، ل، پ، و، لن) ۶- (لن: بسکوه) ۷- س: دو ۸- س: دو ۹- (ق: سوی) ۱۰- ل، س، ق: او؛ متن = ف، ل، آ، س ۱۱- (ق: گزین) ۱۲- ل، س، س (نیز ب): وزان؛ متن = ف، ق، ل (نیز لن - آ) ۱۳- ل، س، ق، ل (نیز لن - لن، آ، ب): بسته؛ س: ویسه؛ (لی، آ: بسته)؛ متن = ف ۱۴- ف، س، ل، آ، س (نیز لن، ق، آ، ل، و، لن، آ، ب): جنگ؛ متن = ل، ق (نیز لی، پ، آ) ۱۵- ل، ل (نیز لی، ل، آ، پ، آ، ب): بود؛ متن = ف، س، ق، س (نیز لن، ق، آ، و، لن) ۱۶- ق، س: چنین ۱۷- ف (نیز ق): مرز (پساوند ندارند)؛ متن = ل - س (نیز لن، لی - ب) ۱۸- س: او ۱۹- ل، ق: کشیدیم؛ (ق: برفتم؛ و: بتازیم)؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیز هفت دستنویس دیگر) ۲۰- س: بر مهر نامه ۲۱- ف: از آن؛ متن = ل، س، ل، آ، س (نیز لن، ق، آ، ل، پ، و، لن، آ، ب) ۲۲- ق: که عنوان شد از باد؛ درل، ق، لی، ل، آ، پ، آ این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است؛ پیاپی بیت های متن = ف، س، ل، آ، س، ل، ق، آ، و، لن، آ، ب) ۲۳- س: بدان؛ ق، ل، آ، س (نیز لن، لی، ل، آ، ب): بدین؛ (لن: بران)؛ متن = ف، ل (نیز ق، آ، پ، و) ۲۴- ف، س، ق، ل (نیز لن، ق، آ، ل، لن، آ، ب): رزمگه؛ متن = ل، س (نیز لی، پ، و، آ) ۲۵- (لن: بگذشت از)؛ درل این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۲۶- ل، ق (نیز لی، پ، آ): به پیش؛ ل: سپه را در (وزن ندارد)؛ متن = ف، س، س (نیز لن، ق، آ، ل، و، لن، آ، ب) ۲۷- (ق، آ، و: هریک) ۲۸- ل، ق، س (نیز ق، آ، ل، پ، و، آ): ز؛ متن = ف، س، ل (نیز لن، لن، آ، ب) ۲۹- ق، ل، آ، س: آنچه ۳۰- س: توران ۳۱- ل، ق، س (نیز ق، آ): او؛ متن = ف، س، ل (نیز لن، ب) ۳۲- ل (نیز لی، پ - ب): نزیست؛ ق، ل (نیز لن، ق): نزیست (حرف یکم نقطه ندارد)؛ متن = ف، س، س ۳۳- ف، س (نیز ب): او؛ ل، ق (نیز ق، آ، لی، و، آ): خویش؛ متن = ل، آ، س (نیز لن، ل، آ، پ، لن)

<p>همی خون چکاند ز چشم هزبر همی خواست کایند شیران^۳ به جنگ بزرگان^۶ برترمنش را بخواند ز لشکر هر آنکس که بُد رای زن، چو^۸ بیچاره شدشان^۹ دل از کارزار گذشتند و زیشان^{۱۱} دل ما شخود^{۱۲} برآن^{۱۳} رفتگان بر بیاید^{۱۴} گریست گستیم و چندی ز^{۱۶} پیوند خویش بکردیم از آن پس که^{۱۹} فرمود شاه تو دانی که شاهی و ما چاره جوی از^{۲۲} ایدر به چاچ^{۲۳} اندرآرد^{۲۴} سپاه بباید ترا لشکر آراستن^{۲۵} ز گل زرّیون نیز هم بگذرد^{۲۶} که هم راه گنج ست و هم راه جنگ^{۲۷} کسی رای دیگر نیفگند بُن همه دیده پُر آب و رخ^{۲۹} پُر ز خون بود و برآسود^{۳۰} با باز و یوز</p>	<p>خروشی برآمد، تو گفتی که^۱ ابر همی بودش^۲ اندر بخارا درنگ از آن پس که گشت^۴ انجمن آنچه^۵ ماند چو گشتند پُرمایگان انجمن زبان برگشادند بر^۷ شهریار که از لشکر ما بزرگ آنک^{۱۰} بود همانا که از صد نمانده ست بیست کنون ما دل از گنج و^{۱۵} فرزند خویش بدان^{۱۷} روی^{۱۸} جیحون یکی رزمگاه ز بی دانشی آنک^{۲۰} آمد به روی گر ایدونک^{۲۱} روشن بود رای شاه چو کیخسرو آید به کین خواستن چو شاه اندرین کار فرمان برد بباشد به آرام ببهشت گنگ برین^{۲۸} برنهادند یکسر سخُن برفتند یکسر به گل زرّیون به گل زرّیون شاه توران سه روز</p>	<p>۸۸۰ ۸۸۵ ۸۹۰ ۸۹۵</p>
--	---	------------------------------------

۱- س: ز؛ ق: که گفتی تو ۲- س: بود ۳- ل: ایران؛ (ق: لشکر)؛ س: (نیزی، آ): کاید دگره؛ متن = ف، س، ق، ل (نیزلن، ل، پ، و، ل، ب) ۴- ل: چو گشت؛ س، ل (نیزلن، ق، ل، و، ل، ب): از آن؛ ق: وزانپس از آن؛ س: زناکشته از؛ متن = ف (نیزی پ) ۵- س، ل، س: آنچه؛ ق: هر چه؛ متن = ف، ل ۶- ف: [و]؛ متن = ل- س (نیزلن- ب) ۷- (ق، ل، س، ب: با) ۸- س، ق، ل (نیزلن، ل، س، ب): که؛ متن = ف، ل، س (نیزق، آ- و) ۹- ق: بدشان؛ س (نیزلن، و): بیچاره شان شد ۱۰- س (نیزآ): آنکه؛ (ق: آنچه؛ ل، ی، پ: آنچه)؛ ل، س، ق، ل (نیزلن، ل، و، ل، ب): بزرگان که؛ متن = ف ۱۱- ف: گذشتند ازیشان؛ متن = ل، س، ق، ل (نیزلن- ب) ۱۲- س: بگشتند چندان و چندان که بود (!) ۱۳- س: بدان؛ ق، س: بدین؛ متن = ف، ل، ل ۱۴- ق (نیزی، آ): ماندگان نیز بیاید؛ س (نیزل): ماندگان بر بیاید؛ متن = ف، ل، س، ل (نیزلن، ق، ل، پ، و، ل، ب) ۱۵- ف: ما در گنج و؛ (ق، ل، و: ما ز گنج و ز): س: دل از کشور و گنج و؛ متن = ل، س، ل (نیزلن، ل، ی، پ، ل، ل، ب) ۱۶- ف، ل، س: گستیم چندی به (ل: ز): متن = ل، ل، س (نیزلن، ق، ل، ی، پ- ب)؛ ق، ل این بیت را ندارند ۱۷- س: بران ۱۸- ق: سوی ۱۹- ل: زان پس که؛ س، ق، ل (نیزلن، ل، ل، س، آ، ب): چونانک؛ متن = ف، س (نیزق، ل، پ، و) ۲۰- ل (نیزلن): آنچه؛ س (نیزی، ل، پ، ل، س، آ، ب): آنچه؛ متن = ف، ق، ل، س (نیزق، ل، و) ۲۱- س: ایدونکه ۲۲- س: گر ۲۳- ف- س (نیزلن- ب، ل، س، آ، ب): جاج؛ (و: جاج)؛ بنداری: شاش ۲۴- ف: اندرآرد؛ س: اندرآید؛ متن = ف، ق، ل، ل، س (نیزلن- ب) ۲۵- ل، ل، ل، ب این بیت را ندارند ۲۶- ق بیت های ۸۹۱ و ۸۹۲ را ندارد ۲۷- ل: جای جنگ است و جای درنگ؛ س، ل (نیزلن، ق، ل، و، ل، ل، آ، ب): جای گنج (ل: رای) است و هم جای جنگ (ل، ی: تنگ)؛ س: راه چین است و هم راه کنگ؛ (پ: راه کرکست و هم راه جنگ)؛ متن = ف (بیت ۱۴۸۴) ۲۸- س: بران: درس آ بیت های ۸۹۳ و ۸۹۴ پس از بیت ۸۹۸ آمده اند و بیت های ۸۹۵ و ۸۹۶ را ندارد ۲۹- س (نیزق، ل، و، آ): دل ۳۰- ق: بیاسود

برفتند از آن روی^۱ ببهشت کنگ^۲
 یکی کنگ بود از نژاد^۳ بهشت
 بدان^۵ جایگه شاد و خندان بخت^۶
 سپه خواند^۸ از هر سوی^۹ بی کران^{۱۰}
 ۹۰۰ می و گلشن و بانگِ چنگ و رباب
 همی بود تا بر که^{۱۴} گردد جهان^{۱۵}
 چو کیخسرو آمد بدین^{۱۷} روی آب
 سپه چون گذر کرد^{۱۸} از آن^{۱۹} سوی^{۲۰} رود
 که زین^{۲۲} آمدن کس مدارید باک
 ۹۰۵ گرانمایه گنجی به درویش داد
 وُزان سو^{۲۴} بیامد سوی مرز سغد^{۲۵}
 ببخشید گنجی بدان^{۲۸} شهر نیز
 به هر منزلی زینهارى سوار
 وُزان^{۲۹} پس چُن^{۳۰} آگاهی آمد به شاه
 که آمد بنزدیک او یک دله^{۳۲}
 ۹۱۰ که از تخم تورست پُرکین و درد^{۳۵}

به جایی نبودش فراوان درنگ
 گلش مُشکِ سارا^۴ بُد و زر خشت
 تو گفتی که با ایمنی بود^۷ جفت
 بزرگانِ گردنکش و مهتران^{۱۱}
 گل و سنبل^{۱۲} و رطل و^{۱۳} افراسیاب
 برین^{۱۶} آشکارا چه دارد نهان
 ازو دور شد خورد و آرام و خواب
 فرستاد هر کس به هر سو^{۲۱} درود
 بخواهید ما را ز یزدانِ پاک
 کسی را کزو شاد شد^{۲۳} بیش داد
 یکی نوجهان دید آرام^{۲۶} جغد^{۲۷}
 همی خواست کاباد گردد به چیز
 همی آمدندی بر شهریار
 ز گردان^{۳۱} افراسیاب و سپاه،
 ابا لشکری چون^{۳۳} هزبر^{۳۴} یله،
 بجویدهمی^{۳۶} روزگار نبرد^{۳۷}،

۱- ل (نیز لن، لن، ب): سوی؛ (ق: سو؛ و: جای)؛ متن ← ۲- ل، ق (نیز لی، پ، آ): از (ل: ز) آنجایگه سوی کنگ؛ متن = ف، س ۳- س، ل (نیز لن، ق، و، لن، ب): آن بسان؛ ل، ق (نیز لی، ل، پ، آ): شهر (ل: جای) بود آن (پ: بودش) بسان؛ س: که شهری بود آن بسان؛ متن = ف ۴- س: خارا ۵- ف: بران؛ متن ← ۶- ف: بکفت (؟)؛ متن = ل- س (نیز لن- ب) ۷- ل (نیز ق، لی، و، آ): گشت؛ درس^۲ پس از این بیت، بیت‌های ۸۹۳ و ۸۹۴ آمده‌اند ۸- ق: خواست ۹- س، ل، آ، س: سوی ۱۰- س: بی درنگ ۱۱- س: بزرگان و گردنکشان را بکنگ ۱۲- س، ق، ل (نیز ق، لی، لن، آ، ب): مجلس؛ (و: میوه)؛ متن = ف، ل، س (نیز ل، پ) ۱۳- ل، س، ل، س (نیز لی، ل، پ، لن، آ): [و]؛ متن = ف، ق (نیز ق، ب) ۱۴- ل، س، ق، س (نیز لن، ل، پ، و، لن، ب): چه؛ متن = ف، ل (نیز ق، لی، آ) ۱۵- س: زمان ۱۶- ل، ق، س (نیز لن، ل، پ، و): بدین؛ س (نیز آ): بران؛ (ق، لی: بدان)؛ متن = ف، ل (نیز لن، ب)؛ ق، س، ل در اینجا سرنویس دارند: رفتن کیخسرو از عقب (س: پی) افراسیاب بتوران زمین ۱۷- ل، ل (نیز ق، لن، ب): برین؛ متن = ف، س، ق، س (نیز لن، لی، پ، و، آ، ب) ۱۸- س (نیز ب): فرستاد؛ (لی: آ: چو خسرو گذر کرد) ۱۹- ل: زان ۲۰- س (نیز لن): روی ۲۱- ل، ق (نیز و): از (ل: ز) آن پس بهر کس؛ س (نیز لن، لی، لن، آ، ب): از آن سو بهر کس؛ ل: نزد بزرگان؛ (ل، پ: هر سو بهر کس)؛ متن = ف، س، ل- س (نیز لن- ب): کزین؛ متن = ف ۲۳- ل، س، ل (نیز لن- ب): بد؛ متن = ف، ق، س ۲۴- ل (نیز ق، ب): جا؛ س، س (نیز آ): پس؛ متن = ف (نیز ل، پ، آ) ۲۵- (ل: بمرز خزر)؛ بنداری؛ ولما وصل الی السغد ۲۶- ل (نیز پ): رسته ز؛ متن = ف، س، س (نیز ق، لی، ل، آ، ب) ۲۷- (ل: خور)؛ ق، ل، لن، و، لن، ب این بیت را ندارند ۲۸- ل- س (نیز لن، ق، لی، پ، لن، آ، ب): بران؛ متن = ف (نیز ل، و) ۲۹- ل: از آن ۳۰- ل- س (نیز لن- ب): چو؛ متن = ف ۳۱- ل (نیز لی، پ، و، آ): ز کنگ وز؛ ل (نیز لن، ب): ز کردار؛ س: ز گردان و؛ (ق: ز دز کنگ)؛ متن = ف، س، ق (نیز لن) ۳۲- ل: کلکله؛ س، ل (نیز لن، ق، لی، و، لن، آ، ب): کاکله؛ ق (نیز ل): باکله؛ متن = ف، س (نیز پ) ۳۳- س: سپاهی بسان ۳۴- (لی، لن، ب: هژیر) ۳۵- س: پردرد و کین ۳۶- ق (نیز لی، و، آ): مگر ۳۷- س: روزگاران کین (!)

فرستاد بهری ز گردان به چاج^۱ سپاهی به سوی بیابان بزرگ^۲ پذیرفت ازین^۳ هر یکی^۴ جنگ شاه جهاندار کیخسرو آن خوار داشت ۹۱۵
سپاهی که از بردع و اردبیل^۵ بیایند و بر^۶ پیش او بگذرند برفتند و سالارشان گُستهم همان^۷ گفت تا^۸ لشکر نیمروز بفرمود تا بر هیونان^۹ مست به سُغداندرون بود یک ماه شاه سپه را درم داد و آسوده^{۱۰} کرد هر آنکس که بود از در کارزار بیاورد و با خویشان یار کرد ۹۲۰
و ز آنجایکه گردن افراخته ز سُغد و^{۱۱} کشانی سپه برگرفت خبر شد به ترکان^{۱۲} که آمد سپاه همه سوی دزها نهادند روی

بجوید^۱ همی تحت ایران^۲ و تاج، فرستاده، سالار ایشان طورگ^۳، که بر نامداران ببندند راه، خرد را بر^۴ اندیشه سالار داشت بیامد، بفرمود تا خیل خیل، رد و موبد و مرزبان بشمرند که در جنگ شیران نبودی دژم برفتند با رستم نیوسوز نشینند^۵ و گیرند اسپان به دست همه سُغد شد شاه را نیک خواه همی جست هنگام روز نبرد بدانست نیرنگ بند و^۶ حصار، سر بدگشش پُر ز تیمار کرد^۷ کمر بسته و جنگ را ساخته، جهانی بدو^۸ مانده اندر شگفت جهانجوی کیخسرو نیک خواه جهان شد پراز جنبش و گفت و گوی^۹

۱- ف-س^۲ (نیز لن-پ، لن، آ، ب): جاج؛ متن = (و) ۲- ل: که جوید ۳- ل (نیز ل، ب): ترکان؛ ق: گردان ۴- ل: سترک ۵- س، ق، ل، س^۲ (نیز ل، ب، لن): فرستاد و ۶- س (نیز ب): طبرک ۷- ل: زین؛ (ق): از؛ ل، آ: از آن ۸- س (نیز ق): کسی؛ ق بیت های ۹۱۴ و ۹۱۵ را ندارد ۹- ل، س (نیز ل): به ۱۰- (لن: اردویلی) ۱۱- ق، ل، س^۲ (نیز ل، ل، ب، آ): در؛ متن = ف، ل، س (نیز لن، ق، آ، و، لن، ب) ۱۲- س (نیز ق): همی ۱۳- ف، ل، س (نیز و): نا (نقطه ندارد)؛ س^۲ (نیز ق، لن، ب): با؛ متن = ق، ل (نیز لن، ب) ۱۴- ف، س: نشستند (!)؛ متن = ل، ق، ل، س^۲ (نیز لن-ب)؛ س، س، ق، ل، آ پس از این بیت افزوده اند:

بران واژگونه (باشگونه) دو لشکر دهان
برفتند آن هر دو زیبای تاج
۱۵- س: خشنود ۱۶- ل، س، ق، ل (نیز لن): نیرنگ و بند؛ ل: نزدیک بند (!)؛ (ق، ل، و): که دانست بند و گشاد؛ متن = ف (نیز لن): بند و حصار (بند حصار؟) ۱۷- س پس از این بیت افزوده است:

هم از خود و شمشیر و برگستان
ببخشید بر لشکرش بی شمار
چو آسوده شد زان بشادی نشست
پرستنده هر روز صد چنگ زن
۵ شب و روز چگون مجلس آراستی
بیاورد لشکر ز بهر نبرد

۱۸- ل-ل-س^۲ (نیز لن، پ، لن، آ، ب): [و]؛ متن = ف (نیز ق، ل، و، آ) ۱۹- ل: درو ۲۰- ق: توران ۲۱- ل: گفت گوی؛ ق، ل: گفتگوی؛ (ق، و، بهر جا (و، دز) که بودی یکی ناجوی؛ ل، آ: فتاد اندر آن بوم و بر گفت و گوی)

برین گونه فرسنگ صد برگذشت^۱ نه دز ماند آباد و جای نشست^۲
 چُن^۳ آورد لشکر به گل زریون به هر سو که بُد دید^۴ با رهنمون
 ۹۴۵ جهان دید برسان باغ بهار در و دشت و کوه و زمین پُرنگار
 همه کوه نخچیر و هامون درخت جهان ازدر مردم نیک بخت
 طلایه فرستاد و^۵ کارآگهان بدان تا نماند بدی در نِهان^۶
 سراپرده‌ی شهریار جوان^۷ کشیدند بر^۸ پیش آب روان
 جهاندار بر تخت زرین نشست خود و^۹ نامداران خسروپرست
 شبی کرد و^{۱۰} جشنی که تا روز پاک همی مرده برخاست^{۱۱} از تیره خاک

گفتار اندر آگاهی یافتن افراسیاب از آمدن کیخسرو^{۱۲}

وُزان سو به^{۱۳} گنگ اندر افراسیاب به رخشنده روز و به هَنگام خواب،
 همی گفت با هر که بُد کاردان^{۱۴} بزرگانِ بیدار و^{۱۵} بسیاریان،
 که اکنون که دشمن به بالین رسید به گنگ اندرون چون توان آرمد؟
 همه برگشادند گویازبان که اکنون که نزدیک شد بدگمان،
 ۹۵۵ جز از جنگ چیزی نبینم راه^{۱۶} زبونی نه خوبست و چندین سپاه^{۱۷}
 بگفتند و از^{۱۸} پیش برخاستند همه شب همی لشکر آراستند
 سپیده دمان گاه بانگِ خروس ز درگاه^{۱۹} برخاست آوای^{۲۰} کوس
 سپاهی بیامد به هامون ز گنگ^{۲۱} که بر مور و بر پشه شد راه^{۲۲} تنگ
 چُن^{۲۳} آمد بنزدیکِ گل زریون زمین شد بسان گه بیستون

۱- ل: بر صد گذشت ۲- ل (نیز، پ، و): آباد جای و (ل: جایی) نه دشت؛ س، ق، ل، س^۱ (نیز، ل، ل، ب): آباد و نه کوه (س: بوم) و دشت؛ (ق: ۲): آباد و نه جای دشت؛ ل: آباد نه جای نشست؛ آ: آباد نه جای دست؛ متن = ف ۳- ل- ل- س^۲ (نیز ل، ل، ق، ل، ب): چو؛ متن = ف ۴- ل- ل- س^۱ (نیز، ل، ق، ل، ب): بگردید؛ متن = ف: که بد دید بگردید؟ ۵- ل (نیز، ل، ب): [و] ۶- س، ق، ل^۱ (نیز، ل، ل، ب): بدان تا بدانند کار نِهان (ل: جهان)؛ متن = ف، ل، س^۱ (نیز، ل، ل، ب، و، آ) ۷- ل، ل، ل، س^۱ (نیز، ل، آ): جهان؛ متن = ف، س، ق (نیز، ل، ق، ل، ب، و، ل، ب) ۸- ل: در ۹- ل، ل، آ: ابا) ۱۰- ل (نیز، ل، ق، ل، ب): [و]؛ متن = ف، س، ق، ل، ل، س^۱ ۱۱- (ق: همی بانگ نوش آمد) ۱۲- ف: گفتار اندر آگاهی یافتن افراسیاب از آمدن کیخسرو و ترتیب مصاف دادن بکنگ هشت و این دوم جنگ است؛ ل: رسیدن کیخسرو بگل زریون؛ س: رسیدن کیخسرو بکنگ دزورزم او با افراسیاب؛ ل: دیگر جنگ کیخسرو با افراسیاب؛ متن = آغاز ف ۱۳- ل: سوی ۱۴- ف: بدگمان؛ متن = ل- ل- س^۱ (نیز، ل، ق، ل، ب) ۱۵- س، ق، ل، ل، س^۱ (نیز، ل، ق، ل، ب، و، ل، ب): [و]؛ متن = ف، ل (نیز، ل، آ) ۱۶- ق (نیز، ل، ل، ب): رای؛ (پ: ما) ۱۷- ق (نیز، ل، ل، ب): (پ: زبونی چرا برگزینیم ما) ۱۸- ف، ل، ق، ل، ل، س، س، س^۱ ۱۹- (و: خرگاه) ۲۰- س (نیز، ب): آواز ۲۱- ف (نیز، ل، ب، و، آ): ز هامون بکنگ (؟)؛ س: هامون بکنگ؛ ل: سپاهی بهامون بیامد ز کنگ؛ (ل: پس آگاهی آمد بهامون ز کنگ)؛ متن = س، ق، ل^۱ (نیز، ل، ل، ب) ۲۲- ف: کار؛ (ق: جای)؛ متن = ل- ل- س^۱ (نیز ل، ل، ب) ۲۳- ل- ل- س^۱ (نیز، ل، ق، ل، ب، ل، ل، آ، ب): چو؛ متن = ف

۹۶۰	همی لشکر آمد سه روز و سه شب کشیدند بر هفت فرسنگ نخ چهارم سپه برکشیدند صف سوی میمنه جَهَن ^۴ افراسیاب سوی میسره شیرِ جنگی کُبرد ^۶
۹۶۵	به قلب اندر افراسیاب و ردان پس پشت کرسیوز کینه خواه وُزین روی کیخسرو از قلبگاه ^۸ چو گودرز و چون طوس نوذر نژاد ^{۱۰} چو گرگین میلاد و گُستهم ^{۱۲} شیر
۹۷۰	فربرز کاوس بر میمنه منوچهر بر میسره جای داشت به پشت سپه گیو ^{۱۵} گودرز بود زمین کوه ^{۱۷} آهن شد از میخ ^{۱۸} نعل به سربرز گرد ^{۲۱} سیه ^{۲۲} ابر ^{۲۳} بست
۹۷۵	جهان گشت چون چادری ^{۲۵} آبنوس زمین گشت ^{۲۸} جنبان چُن ابری ^{۲۹} سیاه همه دشت مغز و سر و دست و پای ^{۳۰}
	جهان شد پُراز شور ^۱ جنگ و جَلَب ^۲ فزون گشت مردم ^۳ ز مور و ملخ ز دریا برآمد به خورشید تف همی نیزه بگذاشت از آفتاب ^۵ ابا کار دیده سوارانِ گرد ^۷ سواران گردنکش و بخردان که دارد سپه را ز دشمن نگاه همی داشت چون کوه پشت ^۹ سپاه منوشان و خوزانِ فرخ نهاد ^{۱۱} هُجیر و چو شیدوش ^{۱۳} گردِ دلیر سپاهی همه یک دل و یک تنه که با جنگ هر جنگی ^{۱۴} پای داشت که پشت نهنگان ^{۱۶} هر مرز بود همه ^{۱۹} دشت دریا شد و نعل لعل ^{۲۰} به نیزه دلِ سنگِ خارا بخت ستاره غمی گشت از ^{۲۶} آوای ^{۲۷} کوس تو گفتی همی برنتابد سپاه همانا بُند بر زمین نیز جای ^{۳۱}

۱- ل، س (نیزق^۱، و، لن^۱): پر آشوب؛ ق، ل (نیزلن، لی، پ، آ، ب): پر آشوب و؛ س^۲: پر جوش و؛ متن = ف ۲- (ق^۱: سلب) ۳- ق (نیزب): لشکر ۴- ف، ل، س (نیزب): جهن و (بیت ۹۶۵): متن = ق، ل، س^۲ (نیزلن، ق^۱، لی، و، لن، آ، ب) ۵- س، ق، ل (نیزلن، ق^۱، لی، و، لن، آ، ب): کجا نیزه بگذاشتی ز آفتاب؛ متن = ف، ل، س^۲ (نیزب): بیت های ۹۶۳-۹۶۶ در دستنویس ها درهم ریخته اند؛ ل: ۹۶۵، ۹۶۳ (بیت های ۹۶۴ و ۹۶۶ را ندارد)؛ س، ق، ل (نیزلن، ق^۱، لی، و، لن، آ، ب): ۹۶۳، ۹۶۵، ۹۶۶؛ پی: ۹۶۳، ۹۶۵، ۹۶۴، ۹۶۶؛ پیاپی بیت های متن = ف، س^۲ ۶- (لی، آ: طورد؛ پ: طورگ) ۷- (پ: چو کرگ) ۸- س^۲: کیخسرو کینه خواه ۹- س^۲: قلب ۱۰- (لی، آ: لشکر پناه) ۱۱- ف: فرخنده باد (→ یاد؟): (لی، آ: فرخنده راه)؛ ل: منوشان خوزان پیروز و داد؛ (ق^۱: منوشان و خوزان پیروز و شاد؛ پ: منوشان و خوزان و پیروز داد؛ و: منوشان خوزان پیروز راد): متن = س، ق، ل، س^۲ (نیزلن، لن، آ، ب) ۱۲- ل (نیزق^۱، پ): رهام ۱۳- (ق^۱: گسته): س^۲: هژبر سپهدار ۱۴- ف، ل (نیزق^۱): جنگی (→ جنگی)؛ متن = س، ق، ل، س^۲ (نیزلن، لی، پ، و، لن، آ، ب) ۱۵- ل: گیو ۱۶- س^۲: پلنگان؛ ل، س، ق، ل (نیزلن، لی، پ، و، لن، آ، ب): که پشت (ق^۱: گرد) و نگهبان؛ متن = ف ۱۷- ل: کان ۱۸- (لی، پ، لن: میخ و) ۱۹- ل، آ، س^۲: همی ۲۰- ق: سنگ لعل؛ (ب: از نعل لعل)؛ ف: دشت و دریا شد از نعل لعل؛ ل (نیزب): آب دریا شد از خون (پ: خون چو) لعل؛ س^۲ (نیزق^۱، لی، و، آ): روی دریا (لی، آ: هامون) شد از تیغ لعل؛ متن = س، ق، ل (نیزلن) ۱۱- ق: ابر؛ ل: گرز ۲۲- س: سیاه؛ ل، آ، س^۲ (نیزو، لن، آ، ب): سیاه؛ (ق^۱: سپه)؛ متن = ف، ل، ق (نیزلی، پ، آ) ۲۳- ل: پرده؛ ق: گرد ۲۴- ف، ل، س، ل، آ، س^۲ (نیزب، لن، آ، ب): زمین (؟)؛ متن = ق (نیزق^۱، لی، و، آ) ۲۵- ل، س، ل، آ، س^۲ (نیزلی، ق، آ، پ، ب): چادر؛ متن = ف، ق، س^۲ ۲۶- ل: ز ۲۷- س: آواز ۲۸- س^۲ (نیزلن)؛ گشته ۲۹- ل- ل- س^۲ (نیزق^۱، لی، پ- پ، ب): چو ابر؛ متن = ف: درق بیت های ۹۷۸-۹۷۷ درهم ریخته اند: ۹۷۸، ۹۷۶، ۹۷۷ ۳۰- ل: سرو پای بود؛ ل (نیزلن، لن)؛ دست و سرو مغز و پای؛ متن = ف، س، ق، س^۲ (نیزق^۱، لی، پ، و، آ، ب) ۳۱- ل: همانا مگر بر زمین جای بود

- همه^۱ نعل اسپان سر گشته خست
 خردمند مردم به یکسو شدند
 که گر یک زمان نیز لشکر چُنین
 ۹۸۰ نماند یکی زین سواران به جای^۵
 ز بس چاک چاک تبرزین^۷ و خود
 چو کیخسرو آن پیچش جنگ دید
 بیامد به یکسو ز پشت سپاه
 که ای برتر از دانش پارسا^{۱۱}
 ۹۸۵ اگر نیستم من ستم یافته
 نخواهم که پیروز باشم به جنگ
 بگفت این و بر خاک مالید روی
 همانگه برآمد یکی باد سخت
 ۹۹۰ همی خاک برداشت از رزمگاه
 کسی کو سر از جنگ برتافتی^{۲۱}
 به خنجر بریدی^{۲۴} سرش را ز تن
 چُنین تا سپهر و زمین تار^{۲۵} شد
 برآمد شب و چادر مُشک رنگ
 ۹۹۵ سپه بازچیدند^{۲۶} شاهان ز دشت^{۲۷}
- همه دشت بی تن سر و یال و دست^۲
 دو لشکر برین^۳ همچو^۴ خستو شدند،
 بماند برین دشت با درد و کین،
 همانا سپهر اندرآید ز پای^۶
 روان ها همی داد بر تن^۸ درود
 جهان بر دل خویش بر^۹ تنگ دید
 به پیش جهاندار^{۲۰} شد دادخواه
 جهاندار و بر پادشا^{۱۲} پادشا،
 چُن^{۱۳} آهن به کوره اندرون^{۱۴} تافته،
 نه بر دادگر^{۱۵} بر کم جای^{۱۶} تنگ
 جهان شد پُر^{۱۷} از ناله ی زار اوی
 که بشکست شاداب^{۱۸} شاخ^{۱۹} درخت
 بزد بر رخ شاه^{۲۰} توران سپاه
 چُن^{۲۲} افراسیاب آگهی یافتی^{۲۳}،
 جز از خاک و ریگش نبودی کفن
 فراوان ز ترکان گرفتار شد
 پیوشید تا کس نیاید به جنگ
 چو روی زمین ز آسمان تیره گشت^{۲۸}

۱- ل، ق، س^۱ (نیز ق، آ، لی، پ): همی؛ متن = ل، ق، س^۱ (نیز لن، و، لن، آ، ب) ۲- ل (نیز و، آ): پای و دست؛ ق، س: ز نعل آتش اندر
 هوا می بجست؛ (ق: همی بود بی تن سر و پای و دست؛ لی: همه دشت بی بر همه پای و دست)؛ متن = ف، س، ل^۱ (نیز لن، پ، لن، آ، ب) ۳-
 س، ق (نیز لن، لی، پ، لن، آ، ب): بدین؛ متن = ف، ل، آ، س^۱ (نیز ق) ۴- ل: کار؛ س، ق (نیز لن، و، لن، آ، ب): هر دو؛ س^۱ (نیز ق، آ،
 آ): گونه؛ (لی: کشته؛ پ: کینه)؛ متن = ف، ل^۱ ۵- (و: پبای؛ لن: ازین پس سواری بجای؛ ق: برین بر سواری پبای)؛ متن = ف- س^۱
 (نیز لی، پ، لن، آ، ب) ۶- ف، ق (نیز ق، و): زحای (ف، ق پساوند نندارند)؛ متن = ل، س، ل، آ، س^۱ (نیز لن، لی، پ، لن، آ، ب)
 (ب) ۷- ل: طبرزین ۸- ل، س (نیز پ): تن را؛ س (نیز لن، ب): دل ها؛ ق، ل^۱ (نیز و، لن): تن ها؛ (ق: جان را؛ لی: گفتی؛ آ:
 جان ها)؛ متن = ف ۹- ل (نیز لن، لی، پ): خویشتن؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س^۱ (نیز ق، آ، لن، آ، ب) ۱۰- ل: خداوند ۱۱-
 ف، ل: دانش و پادشا؛ متن = ل، س، ق، س^۱ (نیز لن، ق، آ، لی، پ- ب) ۱۲- ل (نیز پ): بر هر کسی؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س^۱ (نیز
 لن، ق، آ، لی، و، لن، آ، ب) ۱۳- ل- س^۱ (نیز لن، ق، آ، لی، پ- ب): چو؛ متن = ف ۱۴- ل: بکوره درون؛ س، ق، ل^۱ (نیز لن، ق، آ،
 لی، و، آ، ب): بیوته درون؛ س: بکوره اندرون؛ (پ: بکوره اندرون؛ لن: بیوته برون)؛ متن = ف ۱۵- س: ببیداد گر ۱۶- س، ق، ل^۱
 (نیز لن، لی، لن، آ، ب): کار؛ متن = ف، ل، س^۱ (نیز ق، آ، پ، و، آ) ۱۷- ل، س، ق، ل^۱ (نیز لن، پ، و، لن، آ، ب): پر شد؛ متن = ف، س^۱
 (نیز ق، آ، لی، آ) ۱۸- ق: سیراب ۱۹- س^۱ (نیز ق، آ، لن): برگ ۲۰- ق (نیز لن، ب): رخ (ب: سر) و چشم ۲۱-
 س: برگاشتی ۲۲- ل، س، ق، ل^۱ (نیز لن، ق، آ، لی، پ- ب): چو؛ متن = ف، س^۱ ۲۳- س: داشتی ۲۴- ل: بریدی
 بخنجر ۲۵- ف: قار؛ (پ: یار)؛ متن = ل- س^۱ (نیز لن، ق، آ، لی، و، لن، آ، ب) ۲۶- س، ق، ل، آ، س^۱ (نیز لن، ق، آ، لی، پ- ب):
 باز خواندند؛ متن = ف، ل ۲۷- (ق، آ، لی، پ، و، آ: ز جنگ) ۲۸- (ق: چو شد آسمان همچو پشت پلنگ؛ لی، و، آ: چو از تیره شب
 شد جهان تیره رنگ؛ پ: بشد چون زمین آسمان تیره رنگ)

همه دامن کوه تا پیش رود
برافروختند آتش از هر سوی^۲
همی^۶ جنگ را ساخت افراسیاب
برآید، رخ کوه رخشان کند
جهان آفرین را دگر بود رای
شب تیره چون روی زنگی سیاه
که شاه جهان جاودان زنده باد
بدین^۸ نامداران^۹ افراسیاب
ازیشان سواری طلایه نبود
چو بیدار گشتند ازیشان^{۱۲} سران
چو شب روز شد جز قراخان نماند
همه دشت ازیشان^{۱۵} سرون و^{۱۶} سرست

به مژده ز رستم هم اندر زمان
که ما در بیابان خبر یافتیم
شب و روز رستم یکی داشتی
بدیشان^{۲۱} رسیدیم هفتاد^{۲۲} روز
تهمن کمان را به زه بر نهاد
نخستین که از کِلک بگشاد^{۲۴} دست

هیونی بیامد سپیده دمان،
بدان آگهی تیز بشتافتیم
چو تنها شدی^{۱۸} رخس^{۱۹} بگذاشتی^{۲۰}
چو برزد سر از چرخ^{۲۳} گیتی فروزه،
چو نزدیک شد ترگ بر سر نهاد
بیابان ز پیکان^{۲۵} ترکان برست^{۲۶}

۱- (ق: تبغ) ۲- ق (نیزو): از هر دو روی ۳- ل، ق (نیزلی، آ): بیامد ۴- ف (نیزق:؟)؛ به (؟)؛ متن = ل- س^۲ (نیزلن، لی، ل^۲، لن^۲، آ، ب) ۵- ق: پرده بکوی؛ (و: برون آمد از هر دو سوی) ۶- ل^۲ (نیزل^۲، پ): همه ۷- س، ق (نیزلن، ب): ابا رای او از بنه (ق: بنده را)؛ متن = ف، ل، ل^۲، س^۲ (نیزق^۲، لی، پ، و، لن^۲، آ)؛ ق در اینجا سرنویس دارد: آمدن خبر از گستم نوذر و رستم پیروزی نزد شاه ۸- ل- س^۲ (نیزلن- ب): بدان؛ متن = ف ۹- (ق، ل^۲، و: بدمهالان) ۱۰- ف: به (؟)؛ ل، س، ق (نیزق^۲، لی، پ، و): ز؛ متن = س^۲ (نیزلن^۲، آ، ب) ۱۱- س (نیزلن): ز مردان ایشان فراوان نبود (= ۱۰۰۶ ب)؛ ل^۲ بیت های ۱۰۰۴-۱۰۰۶ را ندارد ۱۲- ل: زیشان؛ ق (نیزپ، و، ب): از ایران ۱۳- (ل^۲، و: شمشیرهای)؛ س (نیزلن، لن^۲، ب): کشیدند شمشیرهای ۱۴- س: کسی را ز اندیشه مایه نماند (= ۱۰۰۴ ب)؛ (لن: کسی را از اندیشه جان نماند (!)؛ لی، آ: ز گردان ترکان فراوان نماند) ۱۵- ل: زیشان ۱۶- س^۲ (نیزل^۲): تن بی؛ (پ: سرین و) ۱۷- ل، س، ل^۲ (نیزق^۲، پ، لن^۲، ب): خاکشان؛ (لی، ل^۲، آ: گورشان → گردشان)؛ متن = ف، ق، س^۲ (نیزو) ۱۸- (لی، آ: بدی) ۱۹- ل، ق (نیزپ): راه؛ متن = ف، س، ل^۲، س^۲ (نیز هشت دستنویس دیگر) ۲۰- ل، س (نیزو): بگذاشتی (حرف یکم نقطه ندارد)؛ (لن: نگذاشتی)؛ متن = ف، ق، ل^۲، س^۲ (نیز هفت دستنویس دیگر) ۲۱- س، ل^۲ (نیزلن، لن^۲، ب): همانجا؛ ق (نیزق^۲، لی، و، آ): بدیشان؛ متن = ف، ل، س^۲ (نیزل^۲، پ) ۲۲- ل- س^۲ (نیزلن- ب): هنگام؛ متن = ف ۲۳- ل، س^۲: برج؛ (ق: کوه) ۲۴- ف: بر کلک بگشاد (؟)؛ س، ل^۲، س^۲ (نیزلن، ق، آ، و، لن^۲، ب): بر کلک بنهاد؛ متن = ل، ق (نیزلی، ل^۲، پ، آ) ۲۵- ل، س^۲ (نیزلن، ق، آ، و، لن^۲، ب): پیکار؛ متن ← ۲۶- س^۲: بخت؛ ل، ق (نیزلی، ل^۲، پ، آ): قراخان ز پیکان (پ: پیکار) رستم بخت (پ: بخت)؛ متن = ف، س

<p>همانا که آگاهی آید^۲ به شاه سپهدار ترکان همی داشت گوش ز ترکان، بفرمود تا برنشست^۳ خروشان بنزدیک افراسیاب رسیده‌ست^۴ نزدیک با^۵ مرد شست کزیشان شود ناپدید آب جوی^۶ که بیکاربخت اندرآمد به کار^۷ به یکبارگی گم شود راه^۸ ما^۹ ز خون روی هامون^{۱۰} چو جیحون کنیم نیند، مگر باد^{۱۱} و دیوار^{۱۲} شهر همان مرد فرزانه^{۱۳} ره‌نمای^{۱۴} چُن^{۱۵} آتش از آن دشت لشکر براند که از گرد لشکر هوا تیره گشت^{۱۶}</p>	<p>به توران زمین شد کنون^۱ کینه‌خواه به شادی ز لشکر برآمد خروش؛ هر آنکس که بودند خسروپرست سُواری بیامد هم اندر شتاب که از لشکر ما قراخان بجست^۲ سپاهی به توران نهادند^۳ روی چُن^۴ گفت با رای زن شهریار^۵ چو رستم بگیرد سر گاه^۶ ما چُن^۷ آتش^۸ بریشان شیخون کنیم چو کیخسرو آید ز لشکر دو بهر سراسر همه لشکر این دید رای^۹ بُنه هر چه^{۱۰} بودش همانجا^{۱۱} بماند همانگه طلایه بیامد به^{۱۲} دشت</p>
--	---

۱- س: ۲: بتوران شد اکنون چنین ۲- ل (نیزق، ۲، ل، و، لن، ۲، ب): آمد ۳- ل، ق (نیزلی، آ): بشادی و رامش گشادند دست؛ متن = ف، س، ل، ۲، س (نیزلن، ق، ۲، پ، و، لن، ۲، ب) ۴- ل، ق: برست (حرف یکم نقطه ندارد)؛ (۲، ل: پرست؛ پ: برست)؛ متن = ف، س، ل، ۲، س (نیز هفت دستنویس دیگر) ۵- ف، ل، ۲، س (نیزلن ۲): رسیدند؛ متن = ل، س، ق (نیزلن، ق، ۲، ل، ۲، پ، و، ب) ۶- ل (نیز ل): ما ۷- ق، س (نیزق، ۲، لی، ۲، ل، آ): نهادست ۸- ف: ناپدیدار جوی؛ (لی، آ: سپهدارشان رستم جنگجوی)؛ متن = ل- س (نیز هفت دستنویس دیگر) ۹- (لن: پس شاه افراسیاب؛ و: با موبد افراسیاب) ۱۰- ل (نیزلن ۲): ز کار؛ (لن، ب: بخواب)؛ ق (نیز لی، پ، آ): که این بار بخت بدآمد بکار؛ متن = ف، ل، س، س (نیزق، ۲، ل) ۱۱- س: ۱: تخت ۱۲- س: ۲: بیکار گردد بنوبخت ما؛ ل، س، ل، ۲، س (نیزلن، ق، ۲، پ، و، لن، ۲، ب) پس از این بیت افزوده‌اند:

کنون او گماند که (ل: کنونش گمان آنک؛ ق: ۲: کنون او چه داند که) ما نشنوم (بشنوم)

کجا (س: که ما؛ و: همی) درغم ورنج کیخسروم

ل، پ: چنین کز (ل: کار) در جنگ کیخسروم

شب و روز در جنگ این لشکریم

س: ۲: کنون او نداند که ما ایدرم

ف، ق، لی، ۲، ل، آ این بیت را ندارند ۱۳- ل، س، ق، س (نیزلن- ب): چو؛ متن = ف ۱۴- ل: بیاتا ۱۵- ل: کشور؛ ق (نیز ق، ۲، ل، پ): گیتی؛ متن = ف، س، ل، ۲، س (نیزلن، لی، و، لن، ۲، آ، ب)؛ س، لن پس از این بیت افزوده‌اند:

بباید ز ناگه بر او شدن

یک کی خنجر بی بردل او زدن

۱۶- ل، ق: بام؛ (پ: نام)؛ متن = س، س (نیزلن، ق، ۲، لی، ۲، ل، و، آ) ۱۷- ل (نیزلن، ق، ۲، ل): دیوار و؛ متن = س، ق، س (نیزلی، پ، و، آ)؛ ف، ل، لن، ۲، ب این بیت را ندارند ۱۸- ق: روی ۱۹- ل، ل، ۲، س (نیزپ): فرزانه و ۲۰- ق:

راه جوی ۲۱- ل: هرچ ۲۲- س: بدانجا ۲۳- ل- س (نیزلن- ب): چو؛ متن = ف ۲۴- ل، س، ق، س (نیز لن، لی- ب): ز؛ متن = ف، ل (نیزق) ۲۵- ل (نیزلی، و، آ): که گرد سپاه از هوا برگذشت (لی: تیره گشت)؛ ق (نیزل ۲):

همی گرد ایشان (ل: اسبان) زمانی بگشت؛ متن = ف، س، ل، ۲، س (نیزلن، ق، ۲، پ، ب)؛ ق، ق، ۲، لی، ۲، ل، پ، لن، ۲، ب پس از این بیت افزوده‌اند:

ز ترکان جهان پاک دیدش (ق: ۲: دیدم) همه

خبر شد بنزدیک شاه رومه

ف، ل، س، ل، ۲، س، ل، و، آ این بیت را ندارند

همه دشت خرگاه و خیمه‌ست و بس
بدانست خسرو که سالار چین
ز گستم و رستم خبر یافته‌ست
نوندی برافگند هم در زمان
۱۰۳۰ که برگشت ازین^۷ کینه^۸ افراسیاب
سپه را بیارای و آژیر^۹ باش!

نوند جهاندار^{۱۱} شایسته بود
همی رفت، چون پیش رستم رسید
سپه گرزها برنهاد به دوش
۱۰۳۵ به رستم بگفت آنک^{۱۵} پیغام بود

و زین روی کیخسرو کینه‌جوی^{۱۶}
همی^{۱۹} بخش کرد آنچه بُد بر^{۲۰} سپاه
از^{۲۲} ایرانیان کُشتگان را بجست
به رسم مهان کُشته را دخمه کرد
۱۰۴۰ بُنه برنهاد و سپه برنشاند
چو نزدیک شهر^{۲۷} آمد^{۲۸} افراسیاب

و زیشان^۲ به خیمه‌نَدرون^۳ نیست کس
چرا رفت بیکار^۴ از^۵ دشت کین
بدان آگهی تیز بشتافته‌ست
فرستاد نزدیک رستم دمان
همانا به جنگ تو دارد شتاب
شب و روز با ترکش و تیر^۱ باش!

برآن^{۱۲} راه بیراه بایسته بود
گو شیردل را میان بسته دید^{۱۳}
یکایک نهاده به آواز^{۱۴} گوش
که فرجام پیغامش آرام بود

نشسته به آرام بر^{۱۷} گفت و گوی^{۱۸}
سراپرده و خیمه و تخت^{۲۱} و گاه
کفن کرد و از^{۲۳} خون و گِلشان بشست
که^{۲۴} برداشت از خون و خاک^{۲۵} نبرد
دمان از پس شاه ترکان^{۲۶} براند
برآن^{۲۹} بُد که رستم بشد^{۳۰} سیرخواب^{۳۱}

۱- ف، ل، ق: [و] ۲- ل: ازیشان ۳- ل-س-ا (نیزلن-ب): بخیمه درون؛ متن = ف: خیمه اندرون؛ برخی از دستنویس‌ها در اینجا سرنویس دارند، س: دیگر هزیمت شدن افراسیاب از شاه کیخسرو؛ ق: آگاه کردن کیخسرو رستم را از مراجعت افراسیاب؛ س: گریختن افراسیاب در کنگ دز ۴- ل-س-ا (نیزلن-ب): بیگاه (→ بیکار؟)؛ متن = ف: بیکار (→ بیگاه؟) ۵- ل: زان؛ س (نیزلن، و، ب): ازین؛ ل، ا، س (نیزب، لن-ا): از آن؛ متن = ف، ق (نیزق، لی، آ) ۶- ف، ل: گستمه نودر؛ متن = ل، س، ق، س (نیزلن-ب) ۷- ل: زین؛ س، ل (نیزلن، لن، ب): از؛ متن = ف، ق، س (نیزق، لی، پ، و، آ) ۸- ق (نیزق، ل، ا، و): گونه؛ (لی، آ: جنگ)؛ متن = ف، ل، س، ل، ا، س (نیزلن، پ، لن، ب) ۹- ف: هشیار؛ ل، ق: بیدار؛ ل (نیزل-ا): باویر؛ (لی: از ریر→ آژیر)؛ متن = س، س (نیزق، پ-ب) ۱۰- ف: کار (؟)؛ ل: برو خویشتن را نگهدار؛ ق: تن خویشتن زو؛ متن = س، ل، ا، س (نیزق-ا-ب) ۱۱- ل، س (نیزق-ا، و، آ): جهان‌نیده؛ متن = ف، س، ق، ل (نیزلن، ب) ۱۲- ل، س، ق، س (نیزلی، ل-ا-ب): بدان؛ (ق: همان)؛ متن = ف، ل ۱۳- ف (نیزب): ز ترکان بگفت آنچه دید و شنید؛ متن = ل-س-ا (نیزهشت دستنویس دیگر) ۱۴- س: باواز نهاده ۱۵- ل، س، س (نیزق-ا): آنچه؛ ل (نیزلن، لی-ب): آنچه؛ متن = ف؛ ق بیست‌های ۱۰۳۶-۱۰۴۱ را ندارد ۱۶- س: جنگجوی؛ (ل: نامجوی) ۱۷- ل، س (نیزلن، ق، ا، لی، و، آ، ب): بی؛ ل، ا، س (نیزل، لن-ا): با؛ متن = ف (نیزب) ۱۸- ل: گفت گوی ۱۹- س: همه ۲۰- س: با؛ ل: همی کرد بخشش همه بر ۲۱- ل، ل، ا: تاج؛ متن = ف، س، س (نیزلن، ق، ا، لی، پ-ب) ۲۲- ف، س: ز ۲۳- ف، ل، ل، ا: وز ۲۴- ل، س، س (نیزلن، ق، ا، پ، و، ب): چو؛ متن = ف، س (نیزلی، ل، ا، لن، آ) ۲۵- (ق: دشت)؛ ل: زان خاک و خون ۲۶- س: توران ۲۷- ف: تخت؛ متن = ل-س-ا (نیزلن، لی-ب) ۲۸- (ق: رستم شد) ۲۹- ق، ل (نیزلی، ل، پ، آ، ب): بدان ۳۰- ل: شود؛ س، ق، ل (نیزلن، ق، ا، لی، و، لن، آ، ب): بود؛ متن = ف (نیزب) ۳۱- س: کجا هست رستم بخواب

کنون ما بریشان شیخون کنیم^۱ ز دل کینه و ترس بیرون کنیم^۲
 به تاریکی اندر طلایه بدید به شهراندر آواز^۳ اسپان شنید^۴
 فروماند از کار رستم شگفت همی راند^۵ و اندیشه اندرگرفت
 همه کوفته لشکر و ریخته^۶ به شیرین روان اندرآویخته
 به پیش اندرش^۸ رستم تیزچنگ پس پشت شاه و سواران جنگ
 کسی را که نزدیک بُد پیش خواند و زانندیشه دل فراوان^۹ براند
 پرسید کین را چه بیند روی؟ چنین گفت با نامور چاره جوی،
 که بیهشت کنگ^{۱۰} آن همه گنج^{۱۱} شاه چه بایست^{۱۲} و اکنون چنین^{۱۳} رنج راه؟
 زمین هشت^{۱۴} فرسنگ بالای او همانا که چارست^{۱۵} پهنای او
 زن وزاده^{۱۶} و گنج^{۱۷} و چندین^{۱۸} سپاه ترا رنج و بدخواه را تاج و گاه^{۱۹}
 برآن^{۲۰} باره ی دز نبرد عقاب نیند کسی آن بلندی به خواب
 خورش هست و ایوان^{۲۱} و گنج و سپاه^{۲۲} بزرگی و فرمان و تخت و کلاه^{۲۳}
 همان بوم^{۲۴} کو^{۲۵} را بهشتت نام همه جای شادی و آرام و کام^{۲۶}
 به هر گوشه یی چشمه و^{۲۷} آبگیر به بالا و^{۲۸} پهنای^{۲۹} پرتاب تیر

۱- ل، ق، س^۲ (نیزق، ل، آ): من شیخون کم بر سرش؛ (و: همانگه شیخون کند بر سرش)؛ متن ← ۲- ل، ق، س^۲ (نیزو): برآرم (و: برآزند) گرد از سر (ق: سرو؛ س^۲، و: وی و) لشکرش؛ (ق^۲: برآرم ازو گرد و از لشکرش؛ ل، آ: برآرم دمار از همه لشکرش)؛ متن = ف، س (نیزلن، پ، ل، آ، ب) ۳- ق (نیزق، ل، آ، و): آوای؛ متن ← ۴- ف: رسید؛ ل، ق، س^۲ (نیزق، آ، پ، ل، آ): ایشان شنید؛ س، ل، آ (نیزلن، ل، آ، ب): رستم شنید؛ (ل، آ: هم از شهر آواز اسپان شنید)؛ متن ← ف، و ۵- ل: زان ۶- س^۲: مانند ۷- (و: بیخته) ۸- ل، س، ق، ل، آ (نیزلن، ق، آ، ل، آ، ل، آ، ب): اندرون؛ متن = ف، س^۲ (نیزپ، و) ۹- ل: وزیشان فراوان سخنها؛ متن = ف، س، ل، آ، س^۲ (نیزلن - ب)؛ ق این بیت را ندارد ۱۰- ل، ق (نیزل، آ، ب): که در کنگ دز؛ متن = ف، س، ل، آ، س^۲ (نیزهفت دستنویس دیگر) ۱۱- س^۲: آنچه گنجست ۱۲- ف (نیزلن، ل، آ، ب): چنانست (چبایست)؛ متن = ل - س^۲ (نیزق، آ، ل، پ، آ) ۱۳- ل، ق، س^۲ (نیزلی، پ، ل، آ، آ): [و] اکنون همه؛ متن = ف، س، ل، آ (نیزلن، و، ب)؛ س^۲ پس از این بیت افزوده است:

یکی کنگ داری توای نیک نام

بگردان بدان کوه فرخ لگام

۱۴- (ق^۲: هفت) ۱۵- ق (نیزق، ل، و، آ): همانا چهارست؛ س^۲: همانا کجا بیست ۱۶- ل، س، ق (نیزلن، ق، آ، ل، پ، ل، آ، آ، ب): کودک؛ متن = ف، س^۲ (نیزو) ۱۷- س (نیزپ، ل، آ، ب): مرد ۱۸- ل، ق (نیزلن، ل، پ، ل، آ، آ): چندان ۱۹- ل، ق (نیزپ، آ): بزرگی و فرمان و تخت و کلاه (= ۱۰۵۴ ب)؛ س^۲: بران تا بدان نامور بارگاه؛ متن = ف، س (نیزهفت دستنویس دیگر)؛ ل، آ بیت های ۱۰۵۲-۱۰۵۴ را ندارد ۲۰- س (نیزلن): برین؛ ق (نیزق، ل، ل): بدان ۲۱- ف: هست بسیار؛ متن = ل، س، ق، س^۲ (نیزلن، ق، آ، ل، پ، و، ل، آ، ب)؛ بنداری: و فیه ایوان شاهی ۲۲- س (نیزلن، ب): تخت (ب: گنج) و کلاه ۲۳- س (نیزلن، ب): گنج (ب: تخت) و سپاه؛ ل، ق (نیزپ): ترا (ل: پراز) رنج و بدخواه را تاج و گاه (= ۱۰۵۲ ب)؛ متن = ف، س^۲ (نیزق، آ، ل، و، ل، آ) ۲۴- ل: کنگ ۲۵- س، ق (نیزلن، ل، آ، و): کان ۲۶- ق: نام ۲۷- ل، س^۲ (نیزق، آ، ل، پ، و، ل، آ): چشمه؛ متن = ف، س، ق، ل، آ (نیزلن، ل، آ، ب) ۲۸- ق: ببالای و ۲۹- ف: پهنای؛ متن = ل - س^۲ (نیزلن - ب)

همه ^۱ موبد آورده از ^۲ هند و ^۳ روم همانا کزان باره فرسنگ بیست ترا زین جهان بهره جنگست و بس	بهشتی ^۴ برآورده ^۵ آبادبوم ^۶ جهان بین ببیند ^۷ که بردشت ^۸ کیست ^۹ به فرجام گیتی نماند به کس
۱۰۶۰ چو بشنید گفتارها شهریار بیامد دلی ^{۱۱} شاد ببهشت گنگ ^{۱۲} همی گشت بر گرد آن شارستان ^{۱۴} یکی کاخ بودش سر اندر هوا به ایوان فرود آمد و بار داد	خوش آمدش و ایمن شد از کارزار ^{۱۰} ابا آلت و ^{۱۳} لشکر و ساز جنگ بدستی ^{۱۵} ندید اندرو ^{۱۶} خارستان ^{۱۷} برآورده ^{۱۸} شاه ^{۱۹} فرمان روا سپه را درم داد و دینار داد نگهبان هر لشکری ^{۲۱} مهتری نگهبان به روز ^{۲۴} و، به شب پاسبان نیبسنده ^{۲۵} نامه را پیش خواست نبشتند ^{۲۸} با صد هزار آفرین نیامد مرا بهره جز کارزار کنون شد چنین ^{۲۹} روزگارم درشت ^{۳۰} که بر دوستی او ^{۳۲} روانم گواست که زین ^{۳۴} سو خرامد ^{۳۵} همی ^{۳۶} کینه خواه
۱۰۶۵ فرستاد بر هر دری ^{۲۰} لشکری پیاده بر آن دیده بر ^{۲۲} دیدبان ^{۲۳} رد و موبدش بود بر دست راست یکی نامه نزدیک ^{۲۶} فغفور ^{۲۷} چین چنین گفت کز گردش روزگار پیرودم آن را که بایست گشت ۱۰۷۰ چو فغفور چین گرا ^{۳۱} بیاید رواست و گرا ^{۳۳} خود نیاید فرستد سپاه	

۱- ل، س، ق، ل (نیز لن، ق، ل، لی، ل، آ، و، لن، ب): همی؛ (پ: همان)؛ متن = ف، س (نیز آ) ۲- ف: [از] (وزن ندارد)؛ (لی- و، آ: آوردی از)؛ متن = ل، س، ق، ل (نیز لن، لن، ب) ۳- س: موبد آنرا ز هند وز ۴- س: ز پسی ۵- (ق- و، آ: بر آوردی) ۶- س (نیز لن، لن، ب): ز آباد بوم ۷- ل (نیز پ): ببینند آسان؛ س: جهاندار ببیند؛ (ق: جهان بین بداند؛ ل: جهانی ببیند؛ ب: جهان بین که ببیند)؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س (نیز لی، لن، آ) ۸- ف، ل، س، س (نیز ق، ل، لن): دست؛ متن = ق، ل (نیز لن، لی، ل، آ، ب) ۹- س: چیست ۱۰- ل (نیز آ): روزگار؛ برخی از دستنویس ها در اینجا سرنویس دارند، س، ل، آ: نامه فرستادن افراسیاب بنزد فغفور چین؛ س: نامه افراسیاب بفغفور و مدد خواستن ۱۱- ل (نیز ق، ب، و): بدل؛ متن = ف، س، ق، ل، س (نیز لن، لن، آ، ب) ۱۲- ق: در پیش کنگ ۱۳- ل، ل (نیز و، لن، آ) ۱۴- ق (نیز لی، ل، آ، ب): شارسان ۱۵- س (نیز ل، آ): بدشتی؛ (لن: بزشتی) ۱۶- س (نیز لن، ب): اندران؛ (ق: ندیدند از آن) ۱۷- ق (نیز لی، ل، آ، ب): خارسان ۱۸- س (نیز ل): بر آورده بد ۱۹- ل: تور ۲۰- ل، ق، س (نیز لی، ل، آ، ب): سوی؛ (ق، آ، و: رهی)؛ متن = ف، س، ل (نیز لن، لن، ب) ۲۱- ق (نیز لی، ل، آ، ب): کشوری؛ بنداری (۱۰۶۵-۱۰۶۶): و جعل الطلائع والحفظه علی طرق البلد ۲۲- ف: دیده و؛ ل، ق (نیز پ): باره بر؛ (ق: باره بد؛ لی، آ: دیده بد؛ و: باره و)؛ س: بدان دیده بر؛ س، ل (نیز لن، لن، آ، ب): بهر جای بر باره (لن: بر پای) بد؛ (ل: نشسته بر آن باره بر)؛ متن = س (نیز ل، ق، ل، آ، ب): دیده بان ۲۳- ل، ق، ل، آ، س: دیده بان ۲۴- ف، ل، ق، س (نیز پ، آ): نگهبان روز؛ متن = س، ل (نیز هفت دستنویس دیگر) ۲۵- ل، س، ق (نیز لن، ل، آ، و- ب): نویسنده؛ متن = ف، ل، آ، س (نیز پ) ۲۶- س (نیز لن، لن، ب): نامه سوی ۲۷- بنداری: بغفور ۲۸- ل، ق (نیز لن، لی، ل، آ، و، آ): نوشتند؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیز ق، آ، ب) ۲۹- ل (نیز ق، آ، ب): ازو؛ س، ق، س (نیز لن، لی، ل، آ، و، لن، آ، ب): گشت ازو؛ متن = ف، ل ۳۰- س (نیز لن، لن، آ): درست ۳۱- س (نیز لن، ق، آ): از؛ (و: خود) ۳۲- ل، ق (نیز ل، آ، ب): بر مهر او بر؛ (لی، آ: بر دوستیش)؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیز لن، ق، آ، و، لن، ب) ۳۳- س (نیز ق، ل، آ): اگر ۳۴- ل، س (نیز لن، ق، آ، لی، ب، آ، ب): کزین؛ (ل، آ، و: ازین)؛ متن = ف (نیز لن، آ) ۳۵- ق: گراید ۳۶- س، ل (نیز لن، لن، ب): سوی

فرستاده از پیش ^۱ افراسیاب	به چین اندرآمد به هنگام خواب ^۲
[چو شد نزد ایوان ^۳ فغفور چین	گرفتش برآن نامدار آفرین]
[بگفت آنچه بشنید و نامه بداد	سراسر همه راز او ^۴ برگشاد]
سزاوار ^۵ فغفور بنواختش	یکی خرم ایوان پیرداختش
و زان ^۶ سو به ^۷ گنگ اندر افراسیاب	برآمد از آرام و از خورد ^۸ و خواب
به دیوار عراده بر پای کرد	به برج اندرون رزم را جای کرد
بفرمود تا سنگ‌های گران	کشیدند بر باره افسون گران
بسی ^۹ کاردانان رومی بخواند	سپاهی به دیوار دز برنشانند
برآورد بیداردل جاثلیق	برآن باره عراده و منجیق
کمان‌های چرخ و سپرهای گرگ	همه برج‌ها پر ز خفتان ^{۱۰} و ترگ
گروهی از ^{۱۱} آهنگران رنجه کرد	ز پولاد بر هر سوی ^{۱۲} پنجه کرد
بیستند بر نیزه‌های دراز	که هر کس که رفتی بر ^{۱۳} دز فراز،
بدان ^{۱۴} چنگ تیر ^{۱۵} اندرآویختی ^{۱۶}	و گرنه ز دز دور ^{۱۷} بگریختی
سپه را درم داد و آباد کرد	به هر ^{۱۸} شهر ^{۱۹} با هر کسی داد کرد
هم از ^{۲۰} خود و شمشیر ^{۲۱} و برگستوان	سپرهای چینی و تیر و کمان،
بیخشید بر لشکرش ^{۲۲} بی شمار ^{۲۳}	بویژه برآن ^{۲۴} کو کند کارزار
چُن ^{۲۵} آسوده شد زان ^{۲۶} ، به شادی نشست	خود و جنگسازان ^{۲۷} خسروپرست

۱- ل: نزد (ل، و: آ: همی رفت بی خورد و آرام و خواب) ۲- ل: نزد (ل، و: آ: همی رفت بی خورد و آرام و خواب) ۳- س: چون نزدیک ایوان؛ (ق: چو آمد بنزدیک)؛ متن = ف، س (نیز ل: ل، آ)؛ ل، ق، ل، ل، ل، پ، و، ل: ب این بیت را ندارند ۴- س: را؛ (ق: آ: ها؛ ل: همه رازها را بدو)؛ متن = ف، س (نیز ل: ل، ق، ل، ل، ل، پ، و، ل: ب این بیت را ندارند ۵- ل: س: سرافراز؛ متن = ف، س، س، ل: پس از این بیت افزوده اند:

فرود آورد و فرستاد چیز

کرامت بیفزود و کردش عزیز

۶- ق (نیز، ل، پ، و: آ): وزین ۷- ل (نیز، پ): سوی ۸- ل، ق (نیز، ل، پ، آ): نه آرام بودش نه خورد؛ (ق: همی بود بی کام و آرام)؛ متن = ف، س، ل، ل، س (نیز، ل، ل، ل، ز) ۹- س: همی ۱۰- ق (نیز، ل، آ): جوشن و درع؛ (ل: زیر خفتان؛ ق: ل: جوشن و خود؛ و: پرز مردان)؛ متن = ف، ل، س، ل، ل، س (نیز، ل، ب) ۱۱- ل، س، س، ل: ز ۱۲- ق: کسی؛ س (نیز، ل): برسوی دز ۱۳- (ق: بدان) ۱۴- ق: بران ۱۵- ف: دز؛ ل: سز (حرف‌های یکم و دوم نقطه ندارند)؛ ل، س: تیر؛ (آ: نیز)؛ متن = س، ق (نیز، ل، ل، ل، پ، ل، ب): تیز-نیزه؟ ۱۶- (ق: و: نیزه درآویختی) ۱۷- ل، ق (نیز، ل، ل، پ، آ): زود؛ (ق: از آورد)؛ متن = ف، س، ل، ل، س (نیز، ل، و، ل، ل، ب) ۱۸- (ق: بران) ۱۹- ل، ق (نیز، ل، ل، پ، آ): کار؛ متن = ف، س، ل، ل، س (نیز، ل، ق، آ، و، ل، ل، ب): شهر (؟)؛ درس، ل، ل، ل، ب لت‌های این بیت پس و پیش شده اند ۲۰- ل: س (نیز، ل، ل، ل، آ، ب): همان؛ (ل: همه)؛ متن = ف (نیز، ل، پ، و) ۲۱- س: خود زرین ۲۲- س: لشکر ۲۳- ل: زین شمار ۲۴- ل، س، ق (نیز، ل، ل، ل، آ، ب): کسی؛ ل (نیز، ل، ل، ل، آ، ب): بدن؛ متن = ف، س (نیز، ل، و) ۲۵- ل، س، ق، ل (نیز، ل، ب): چو؛ متن = ف، س، ل (نیز، ل، و، آ): زین؛ س: کرده شد خود؛ متن = ف، س، ق، ل (نیز، ل، ل، ل، ل، ب) ۲۶- ل (نیز، ل، ل، ل، آ، ب): نامداران

۱۰۹۰ پری چهره^۱ هر روز^۲ صد^۳ چنگ زن
 به روز و به شب^۵ مجلس آراستی^۶
 همی داد^۸ هر روز^۹ گنجی به باد
 اگر بودنی بود دل را به غم
 شدندی به درگاه شاه انجمن^۴
 سرود و^۷ لب ترک و می خواستی
 بر امروز^{۱۰} فردا نیامدش یاد^{۱۱}
 سزد گر نداری، نباشی دژم^{۱۲}

گفتار اندر رسیدن کیخسرو به گنگ بهشت^{۱۳}

دو هفته برین^{۱۴} گونه شادان بزیست
 سیم^{۱۶} هفته کیخسرو آمد به جنگ^{۱۷}
 ۱۰۹۵ بخندید و برگشت گرد حصار
 چنین گفت کان^{۲۲} کو چنین باره کرد
 که^{۲۴} خون سر شاه ایران بریخت
 شگفت آمدش کان چنان جای دید
 به رستم چنین گفت کای پهلوان
 ۱۱۰۰ که با ما جهانداریزدان چه کرد
 بدی را^{۲۷} کجا نام بُد^{۲۸} بر بدی
 گریزان شد از دست ما در^{۳۰} حصار
 که داند که فردا دل افروز کیست^{۱۵}؟
 شنید آن عونای^{۱۸} و آوای^{۱۹} چنگ^{۲۰}
 بماند اندر آن گردش^{۲۱} روزگار
 نه از بهر بیکار و^{۲۳} پتیاره کرد
 به مابر چنین آتش کین بیخت
 سپهری^{۲۵} دلارام^{۲۶} بر پای دید
 سزد گر بینی به روشن روان،
 ز خوبی و پیروزی اندر نبرد:
 به تندتی و کژتی^{۲۹} و نابخردی،
 برینسان برآسود^{۳۱} از روزگار^{۳۲}

۱- س: ۲: پرستنده ۲- ف: هر روز ۳- ف: ده؛ س: ۱: چل؛ (ق: ۲: هر چند بد)؛ متن = ل، س، ق، ل (نیز لن، لی - ب) ۴- س، ق، ل، س (نیز لن، لی، ل، ل، آ، ب): بشادی بدرگه شدی انجمن؛ (ق: ۲: بدرگاه افراسیاب انجمن)؛ متن = ف، ل (نیز پ، و)؛ در ف این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است؛ در ف از بیت ۱۰۹۰ تا پایان دستنویس (برگ ۲۴۸ آ - ۲۶۴ ب) به خطی دیگر، ولی نزدیک به خط اصلی است ۵- ل، ل، س، ل، س (نیز ق، آ، پ، و، لن، آ، ب) شب و روز چون؛ متن = ف (نیز لی، آ) ۶- (لن، ل): شب و روز مجلس بیاراستی (۹): ل: [۹]؛ (ق: ۲، لی، ل، آ، و، آ، ب: از)؛ متن = ف، س، ل، س (نیز لن، پ)؛ ق این بیت را ندارد ۸- ل: ۲: کرد ۹- ف: هر روز ۱۰- ل- ل- س (نیز لن- آ): بر (ق، لی، آ: ز؛ لن: وز؛ پ، و: از) امروز؛ متن = ف (نیز ب) ۱۱- ق: فرداش نامد بیاد؛ (و: فردا نکرد ایچ یاد) ۱۲- ل این بیت را ندارد ۱۳- ل، ق: رسیدن کیخسرو بکنگ بهشت (ق: بجنگ افراسیاب)؛ ل، آ، س: آمدن کیخسرو بجنگ (س: از پی) افراسیاب؛ ف، س سرنویس ندارند؛ متن ← ل ۱۴- ق (نیز لی): بدان؛ ل، آ، س (نیز ق، آ، و، لن، آ): بران ۱۵- س: ۲: که خواهد گریست؛ ف: همی گفت فردا که داند که چیست؛ متن = ل، س، ق، ل (نیز لن، ق، آ، لی، پ - ب) ۱۶- س، ق (نیز ل، آ، پ): سوم؛ ل (نیز لن، لی، و، لن، آ، ب): سیوم؛ متن = ف، ل، س (نیز ق، آ) ۱۷- س (نیز لن، پ، لن، آ، ب): کنگ؛ متن = ف، ل، ق، ل، آ، س (نیز ق، آ، لی، ل، آ، و، آ) ۱۸- (ق: آ: اغانی؛ لی، ب: غونای؛ و: هیاهوی)؛ متن ← ۱۹- س (نیز لی، ب): آواز؛ س: ۲: غریویدن نای و؛ متن ← ۲۰- ق (نیز آ): پر از خشم و کینه بسان پلنگ؛ (ل: شنید ارغنون را به آوای چنگ)؛ متن = ف، ل، ل (نیز لن، پ، لن، آ) ۲۱- (ق: ۲: شگفتی بماند اندر آن) ۲۲- ق، ل: آن ۲۳- ل (نیز آ): [و]؛ متن = ف، ق، ل، آ، س (نیز لن - پ، لن، آ، ب)؛ س، و این بیت را ندارند؛ در لن، ق، آ، لی، آ، بیت ۱۰۹۷ پس از بیت ۱۰۹۹ آمده است ۲۴- ل- ل- س (نیز لن - ب): چو؛ متن = ف؛ در س این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۲۵- س، ف، س (نیز پ، ب): سپهر؛ (لی، آ: بهشت)؛ متن = ل، س، ل (نیز لن، ق، آ، لی، و، لن، آ) ۲۶- س (نیز لن، لی، ل، آ، و، لن، آ، ب): دلارای؛ س (نیز ق، آ): دل افروز؛ متن = ف، ل، ل (نیز پ)؛ ق این بیت را ندارد ۲۷- (و: بد) ۲۸- ق: زد؛ (ل: او) ۲۹- ف: بکژی و تندتی ۳۰- ل، ق (نیز ل، آ): بر؛ س: ۱: پیش مادر؛ س، ل (نیز لن، لن، آ، ب): شدست اوز مادر؛ متن = ف (نیز ق، آ، لی، پ، و، آ) ۳۱- س (نیز لن، ب): برآسوده؛ متن ← ۳۲- (لن، پ: کارزار)؛ ف: بماند اندرین گردش روزگار (= ۱۰۹۶ ب)؛ متن = ل، س، ل (نیز ق، آ، لی، ل، آ، و، لن، آ)؛ ل- س ۱

برین ^۱ گرا ^۲ ندارم ^۳ ز یزدان سپاس کزویست ^۴ پیروزی و دستگاه	مبادا که شب زنده مانم ^۴ سه ^۵ پاس هو آفریننده ی هور و ماه
ز یک سوی آن شارستان ^۶ کوه بود به روی دگر رود و آب ^۱ روان کشیدند بر دشت پرده سرای زمین هفت فرسنگ لشکر گرفت سراپرده زد رستم از دست راست به چپ بر فربرز کاوس و طوس ^{۱۷} برفتند و بستند ^{۱۹} پرده سرای شبانگه ^{۲۱} برآمد ز هر سو جرس ^{۲۲} زمین را همی دل برآمد ز جای چو خورشید برداشت از چرخ ^{۲۶} زنگ ^{۲۷}	ز پیگار لشکر بی اندوه بود که روشن ^۹ شدی ^{۱۰} مرد ^{۱۱} را ز روان ز ^{۱۲} هر سوی دز ^{۱۳} پهلوانی ^{۱۴} به پای ز لشکر زمین دست بر سر گرفت ^{۱۵} ز شاه جهاندار ^{۱۶} لشکر بخواست درفش دل افروز بر پای و کوس ^{۱۸} سوی رود گودرز بگزید جای ^{۲۰} خروشیدن پاسبان ^{۲۳} پیش و پس ^{۲۴} ز بس ناله ی پیل ^{۲۵} و شیپور و نای بدرزید پیراهن ^{۲۶} مُشک رنگ،

۱- ل، ق، ل (نیز ل، ق، ل، ل، ل، آ، ب): بدین؛ س: بدی (!)؛ متن = ف، س (نیز ل، پ، و) ۲- ق: چون ۳- (ل، ل، پ: بدارم) ۴- ل (نیز ق): باشم؛ ق (نیز ل): خفته مانم؛ (ل: دیده باشم)؛ س، ل (نیز پ، ل، آ، ب): نباید که شب خفته مانم (پ: باشم)؛ متن = ف، س (نیز ل، و، آ) ۵- ل (نیز ل، آ): دو؛ درف این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است؛ پیاپی بیت های متن = ل- س (نیز ل- ب) ۶- ف: ازویست؛ متن = ل- س (نیز ل- ب) ۷- ق، ل (نیز ل، ل، آ، پ، ل، آ، ب): شارسان ۸- ل: بودش آب؛ ق (نیز ل): آب بودی؛ ل (نیز ل): رود آب؛ (و: آب و رود؛ آ: آب و رودی)؛ متن = ف، س (نیز ق، ل، ل، آ، ب) ۹- ف: زنده؛ متن = ل- س (نیز ل- ب) ۱۰- ق (نیز ل): بود ۱۱- ف، ل، آ، س (نیز پ): مرده؛ متن = ل، س، ق (نیز هشت دستنویس دیگر) ۱۲- س، س (نیز ل، ب): به ۱۳- ل (نیز ق، آ): در؛ (ل: هر دریکی؛ و: هر سودری) ۱۴- س: پهلوانان؛ (پ: هر سودریش کیانی) ۱۵- ف پس از این بیت افزوده است:

برفتند و بستند پرده سرای (= ۱۱۱۲ آ)

۱۶- ف: جهان گیر؛ متن = ل- س (نیز ق- ب) ۱۷- ل، ق (نیز ل، پ): کاوس بود؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیز ق، ل، و، ل، آ، آ، ب) ۱۸- س، ل، آ، س (نیز ق، ل، و، ل، آ، آ، ب): با (ل: بر) بوق (ل، آ: پیل) و کوس؛ ل، ق (نیز ل، پ): دل افروز با بوق و با کوس بود؛ متن = ف ۱۹- ل، ق (نیز ق، ل): بردند؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیز ل، پ- ب) ۲۰- ف، ل، ق (نیز ق، ل، ل، آ، و، آ): سیم (ق، ق، ل، آ: سوم؛ ل، و: سیوم) روز (ل، ق: روی) گودرز بگزید (ق: بگزید گودرز) جای؛ س، ل (نیز پ، ل، آ، ب): نبرد عدورا (س: دلیران) بکردند رای (پ: جای)؛ س: سوی رود بگزیده کردند جای؛ متن تصحیح قیاسی است (س- س)؛ بنداری (۱۱۱۰-۱۱۱۲): فنزل رستم علی الجانب الأيمن من المدینة، و نزل فری برز بن کیکاوس علی یسارها، و نزل جودرز علی جانب من المدینة ۲۱- (ق: شب آمد)؛ متن ← ۲۲- ل: خروش؛ س، ق، ل، آ، س (نیز ل، ل، آ، پ، ل، آ، ب): شب آمد ز هر سو برآمد خروش؛ متن ← ۲۳- (ق: نای از)؛ متن ← ۲۴- ل: تو گفتی جهانرا بدرزید گوش؛ س، ل، آ، س (نیز ل، پ، ل، آ، ب): زمین گشت یکسر پراز جنگ و جوش؛ ق: خروش یلان بس بدرزید گوش؛ (ل: خروشیدن نای روین و کوس)؛ متن = ف (نیز ل، آ): بنداری: و لما جن اللیل قامت القيامة من خلق الطبول و نعرات الحرس من جمیع اطراف البلد ۲۵- ل، ق (نیز ق، آ، پ): بوق؛ س، ل، آ، س (نیز ل، ل، آ، ل، آ، ب): کوس؛ (ل: شورش اسب؛ آ: شبهة اسب)؛ متن = ف ۲۶- (ق: دشت) ۲۷- ف، ق، ل (نیز ل، ق، ل، ل، ل، آ، ب): رنگ (پساوند ندارد)؛ ل (نیز آ): رنگ (نقطه ندارد)؛ س، س (نیز ل، و): زنگ (حرف دوم نقطه ندارد)؛ متن = (پ)

→

(نیز ل- ب) پس از این بیت افزوده اند: بدی کوبدان جهان را سرست به پیری رسیده کنون بترست (ل: بترست؛ ل، آ: بدترست) ف این بیت را ندارد

نشست از بر اسپ شبرنگ شاه
چنین گفت با رستم پیل تن
چنان^۲ دارم اومید^۳ کافراسیاب
اگر گشته گر^۵ زنده^۶ آید به دست
برآتم که او را ز هر سو سپاه
۱۱۲۰ بترسند و از^۹ ترس یاری دهند^{۱۰}
بکوشیم تا پیش از آن کو سپاه
همه باره‌ی دز فرود آوریم
سپه را کنون روز سختی گذشت
۱۱۲۵ چو دشمن به دیوار گیرد پناه
شکسته دلست او بدین شارستان^{۱۵}
چو گفتار کاوس یاد آوریم
چنین^{۱۹} گفت کین کین^{۲۰} با شاخ و برد^{۲۱}
پسر بر پسر^{۲۴} بگذرانند^{۲۵} به دست^{۲۶}

بیامد بگردید گرد سپاه^۱
که ای نامورمهر انجمن،
نبیند جهان نیز هرگز^۴ به خواب
بیند سر تیغ یزدان پرست
بیاید که هستش^۷ چنین دستگاه^۸
نه از کین و از^{۱۱} کامکاری دهند^{۱۰}
بخواند^{۱۲}، بروبر بگیریم راه
همه سنگ و خاکش به رود آوریم
همان رنج رزم^{۱۳} ایدر^{۱۴} آرام گشت
ز پیگار و کینش نترسد سپاه
کزین پس بود^{۱۶} بی گمان خارستان^{۱۷}
روانها^{۱۸} همه سوی داد آوریم
نپوشد^{۲۲} زمانه^{۲۳} به زنگار و گرد
چنین تا شود سال صدبار^{۲۷} شست

۱- س (نیزلن، لن^۱): بگردار گرد سپاه ۲- ل: چنین ۳- ل- ل- س^۲ (نیزلن- ب): امید؛ متن = ف ۴- س (نیزلن، ب): دیگر؛
ق (نیزل^۳): ازین پس بزرگی؛ (ل، آ: دگر تخت شاهی)؛ س^۲: ازین پس بزرگی نبیند؛ متن = ف، ل، ل^۲ (نیزق^۲، پ، و، لن^۲): درس^۲ بیت‌های
۱۱۱۸-۱۱۲۳ پس از بیت ۱۱۲۷ آمده‌اند ۵- ف، ق (نیزلی، ل، آ): یا؛ متن = ل، س، ل^۲، س^۲ (نیزلن، ق، آ، پ، و، لن^۲، ب) ۶-
ق (نیزلی، ل، آ): زنده یا کشته ۷- س (نیزلن، ب): دارد؛ متن ← ۸- (لی، آ): کنون دستگاه؛ ل، ق (نیزل^۳): بیاری بیاید بدین
رزمگاه؛ ل^۲: بخواند بروبر بگیریم راه (= ۱۱۲۲ ب)؛ (ق^۲): بگرد اندرآید کنون کینه‌خواه؛ متن = ف، س^۲ (نیزپ، و، لن^۲، ب): بیت‌های
۱۱۲۰-۱۱۲۴ در دستنویس‌ها درهم ریخته‌اند، ف: ۱۱۲۲، ۱۱۲۳، ۱۱۲۰، ۱۱۲۱ (بیت ۱۱۲۴ را ندارد)؛ ق: ۱۱۲۰-۱۱۲۲، ۱۱۲۴ (بیت
۱۱۲۳ را ندارد)؛ ل^۲: ۱۱۲۰+ ۱۱۲۲ ب (۱۱۲۰ ب- ۱۱۲۲ آ را انداخته و از ۱۱۲۰ آ و ۱۱۲۲ ب یک بیت ساخته است)، ۱۱۲۳، ۱۱۲۴؛
پایه بیت‌های متن = ل، س، لن- و، آ، ب که با ترجمه بنداری نیز میخواند (۱۱۱۵-۱۱۲۳): و حین أصبح الملك کیخسرو ركب و طاف في
العسكر و قال لرستم: إن افراسياب قد فرق الرسل في الأطراف يستجد الملوك، وقعد متحصنا بهذه المدينة. والرأى أن نجد و نجهد حتى نفرغ من أمره و
أخذ بلده قبل وصول مدده ۹- ل: وز ۱۰- ل، ق، س^۲ (نیزق^۲): کنند؛ متن = ف، س (نیزلن، لی- ب) ۱۱- ل، ق، وز؛ (ق^۲):
کینه و)؛ ل^۲ این بیت را ندارد ۱۲- ق: بیارد ۱۳- ل (نیزل^۳): روز رزم؛ س، ل^۲ (نیزلن، پ، ب): روز رنج؛ ق: جای رزم؛ (ق^۲):
روز رزم)؛ متن = س^۲ (نیزلی، آ) ۱۴- ل، س، ق، ل^۲ (نیزلن- پ، ب): اندر؛ متن = س^۲ (نیزآ): ف این بیت را ندارد ۱۵- ل^۲ (نیز
لی، ل، آ، پ): شارسان ۱۶- ل، س، ل^۲، س^۲ (نیزلن، پ، و، ب): شود؛ متن = ف (نیزق^۲، لی، ل، آ) ۱۷- ل^۲ (نیزلی، ل، آ، پ):
خارسان؛ ق این بیت را ندارد ۱۸- ل، س، ل^۲، س^۲ (نیزلن، ق، آ، پ، و، ب): را؛ متن = ف، ق (نیزلی، ل، آ) ۱۹- ل: کجا؛ (پ):
که او) ۲۰- س، ل^۲ (نیزلن، ب): گیتی (لن: کینی) که ۲۱- ل (نیزق^۲، ل): بسا دار و برد؛ ل^۲: بسا شاخ زرد؛
متن = ف، س، ق، س^۲ (نیزلن، لی، پ، آ، ب) ۲۲- ف، ل، س، ق (نیزلن، ق^۲): بپوشد (حرف یکم نقطه ندارد)؛ ل^۲، س^۲
(نیزل^۳، پ، آ، ب): بپوشد؛ متن = (لی) ۲۳- س، ل^۲ (نیزلن، ب): زمانه بپوشد ۲۴- س: پدربرید؛ ل^۲ (نیزلن، لی، ب):
پدربریسر؛ متن = ف، ل، ق، س^۲ (نیزق^۲، ل، آ، پ، و، آ) ۲۵- ل، ق (نیزلی، ل، آ، پ، و، آ): بگذرانم؛ متن = ف، س، ل^۲، س^۲
(نیزلن، ق، آ، و، ب) ۲۶- (لن: بدشت) ۲۷- ل، ق (نیزل^۳، پ): برینج؛ متن = ف، س، ل^۲، س^۲ (نیزلن، ق، آ، ب)

۱۱۳۰ بسان درختی بود تازه برگ
 پدر بگذرد کین بماند به جای
 بزرگان برو آفرین خواندند
 که کین پدر بر تو آید به سر^۴
 دل^۱ کین شاهان نترسد ز مرگ
 پسر باشد آن^۲ کینه^۳ را رهنمای
 وُرا خسرو پاک دین خواندند
 مبادی^۵ بجز شاد^۶ و پیروزگر^۷

گفتار اندر پیغام فرستادن افراسیاب به کیخسرو^۸

۱۱۳۵ دگر روز چون خور برآمد ز^۹ راغ^{۱۰}
 خروشی برآمد بلند از حصار
 همانگه در دز گشادند باز
 بیامد بدر^{۱۶} جَهَن با ده^{۱۷} سوار
 بشد پیشِ دهلیزِ پرده سرای
 بیامد بر شاه سالارِ بار
 ۱۱۴۰ شهنشاه بنشست^{۲۱} بر تختِ عاج
 وُزآن^{۲۲} پس بیامد منوشان^{۲۳} گرد
 خردمند چون پیش^{۲۴} خسرو رسید
 بماند اندرو جَهَن جنگی شگفت
 چو آمد بنزدیک تختش فراز
 ۱۱۴۵ چُنین گفت کای نامور شهریار
 برو بوم ما بر تو فرخنده باد!
 نهاد از^{۱۱} بر چرخ زرین چراغ^{۱۲}،
 پُراندیشه شد زآن سَخُن^{۱۳} شهریار
 بَرَهَنه^{۱۴} شد آن^{۱۵} روی پوشیده راز
 خردمند و^{۱۸} با دانش و مایه دار
 همی بود با نامداران به پای^{۱۹}
 بگفت آنک^{۲۰} جَهَن ست با ده سوار
 به سر بر نهاد آن دل افروز تاج
 خرید یافته جَهَن را پیش برد
 شد از آب دیده رخس ناپدید
 کلاه بزرگی ز سر برگرفت^{۲۵}
 برو آفرین کرد و بردش نماز
 همیشه جهان را به شادی گذار!
 دل و چشم بدخواه تو کنده باد!

۱- س: بدل؛ ق این بیت را ندارد؛ در س، ق این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۲- ل (نیزلی، ل، آ): این ۳- ل- س^۱ (نیز لن، ب، و، لن، ب): درد؛ متن = ف (نیزلی، ل، آ) ۴- س: بازخواهد پسر ۵- س: مبادا ۶- ل: شاه ۷- ق (نیز ق): جز از (ق: بجز) خسرو دادگر؛ (لی، ل، آ: آ: بود یا ورت اینزد دادگر؛ و: که جاوید بادی و پیروزگر) ۸- ف: پیغام فرستادن شاه افراسیاب بر دست جهن پسر خویش به کیخسرو و عذرخواستن و پوزش نمودن و پشیمان شدن؛ ل: پیام آوردن جهن به کیخسرو؛ س: آمدن جهن برسوی بنزدیک شاه کیخسرو؛ ق: آمدن جهن افراسیاب برسالت نزد کیخسرو؛ ل: آمدن جهن نزد کیخسرو برسوی؛ س: پیغام افراسیاب به کیخسرو برسوی؛ متن ← ف ۹- (ق: به) ۱۰- ل: باغ؛ (ب، و: زاغ) ۱۱- ق (نیزلی، لن، آ): نهادند ۱۲- ف (نیز ب): جناغ؛ متن = ل- س^۲ (نیز هشت دستنویس دیگر) ۱۳- س، س^۱ (نیز لن، لن، ب): دل ۱۴- (ل، ب: گشاده) ۱۵- ف، ل، س (نیز ق، ب): از (؟)؛ متن = ق، ل، س^۱ (نیز لن، لی- آ) ۱۶- ل- س^۱ (نیز ب، و، ب): زد ز؛ (لن، ل، لن): زد ز؛ متن = ف (نیز ق، لی، آ) ۱۷- ف: دو؛ متن = ل- س^۱ (نیز لس- ب) ۱۸- س، ق، س^۱ (نیز ق، لی، ل، ب): [و] ۱۹- ف این بیت را ندارد؛ متن = ل- س^۱ (نیز لن- ب)؛ بنداری (۱۱۳۸-۱۱۴۱): فلما قرب من باب سرادقه و أعلم الملك بمجيئه أمر منوشان أحد أصحابه ذیته فخرج اليه وأخذ بيده ودخل به ۲۰- ق (نیز لی، ب، آ): بگفتا که؛ (ل): بگفتش که؛ لن: بگفت آنکه؛ متن = س، ل، س^۱ (نیز لن، ق، و، ب)؛ ف، ل این بیت را ندارند ۲۱- ف: شهنشه نشست از؛ متن = س، ق، ل، س^۱ (نیز لن- ب)؛ ل این بیت را ندارد ۲۲- ل، ق: از آن ۲۳- ل: نوشان ۲۴- س، ل (نیز لن، لن، ب): نزد ۲۵- ق این بیت را ندارد

<p>همیشه بزى^۱ شاد^۲ و یزدان پرست! به شاهى نشستن و شاد آمدن^۴! پیامی گزارم از^۶ افراسیاب چو از جهن گفتار بشنید^۸ شاه ۱۱۵۰ نهادند زیر خردمندمرد چنین گفت با شاه کافر اسیاب نخستین درودی رسانم به^{۱۲} شاه که یزدان سپاس و بدویم پناه ۱۱۵۵ ز راه پدر شاه تا کیقباد ز شاهان گیتی سرش برترست به ابراندرون تیزپران عقاب همه پاسبانان تخت^{۱۷} تواند بزرگان که با تاج و با زیورند^{۱۸} ۱۱۶۰ شگفتی ترا^{۲۱} از کار دیو نژند بدان مهربانی و آن راستی که بر دست من پور کاوس شاه</p>	<p>به رادی برین بوم گسترده دست^۳! به نیکی همه داستانها زدن^۵! اگر شاه را زان^۷ نگیرد شتاب بفرمود زرین یکی زیرگاه^۹، نشست و پیام پدر یاد کرد نشسته ست با^{۱۰} درد و مژگان پُر آب^{۱۱} از آن داغ دل شاه توران سپاه که فرزند باشد^{۱۳} بدین پایگاه ز مادر سویی تور دارد نژاد به چین نام او تخت را^{۱۴} افسرست نهنگ دلاور به^{۱۵} دریای آب^{۱۶}، دد و دام شادان به بخت تواند^{۱۷} به^{۱۹} روی زمین مرترا چاگردند^{۲۰} که هرگز نخواهد به ما^{۲۲} جز گزند چرا شد دل من^{۲۳} سویی کاستی سیاوخش^{۲۴} رد گشته شد بی گناه</p>
---	--

۱- ل: بدی ۲- س: شاه ۳- ل، ق (نیزل، آ، پ، و): برو بوم ما بیش (ق: بر تو؛ پ: هم تو) گسترده دست؛ س، ل، آ، س^۱ (نیزلن، ق، آ، لن، ب): برین بوم ما بیش (س: آ: نیز؛ ق: آ: شایسته) گسترده دست (س، لن: کرده دو دست)؛ متن = ف (نیزلی، آ) ۴- ل، ق (نیز ل، آ، پ): خجسته شدن باد (ق، پ: باز) و باز آمدن؛ س (نیزلن، ق، آ، ل، و، لن، آ، ب): خجسته نشستی و شاد آمدی؛ ل: خجسته شدن شاد باز آمدنت؛ س: خجسته نشسته ست و شاد آمدست؛ متن = ف ۵- ل: زدنت؛ س: زدست؛ (ق، آ، ل، و، آ: زدی)؛ س (نیزلن، لن، آ، ب): همه داستانها بنیکی زدی؛ متن = ف، ل، ق (نیزل، آ، پ) ۶- ف، ل، س: ز ۷- س (نیزلن، ب): زین؛ (ق: دل) ۸- ف (نیزلی، آ): پیغام بشنید (= ۱۲۰۷ آ)؛ س، ق، ل، آ، س^۱ (نیزلن، پ، لن، آ، ب): بشنید گفتار؛ (ل: بشنید پیغام)؛ متن = ل (نیزق، و) ۹- ل (نیزل، آ، پ): پیشگاه؛ س (نیزلن، ب): همی کرد خندان بدو در نگاه (= ۱۲۰۷ ب)؛ متن = ف، ق، ل، آ، س^۱ (نیزق، آ، ل، و، لن، آ)؛ س، لن، ب پس از این بیت افزوده اند:

بفرمود زرین یکی پیشگاه

نهادند نزد خردمندشاه

۱۰- ل، ق، س^۱ (نیزل، آ، و): بر؛ متن ← ۱۱- (ق: دیده پر آب)؛ س (نیزلن، لن، آ، ب): با دیدگان پر ز (لن: پر) آب؛ متن = ف، ل (نیزلی، پ، آ) ۱۲- ف: ز؛ متن = ل- س^۱ (نیزلن- ب) ۱۳- ل، ق (نیزلی، آ): دیدم؛ س: بینم؛ (و: بیند؛ ل: که دیدم نبیره)؛ متن = ف، س، ل^۱ (نیزلن، ق، آ، پ، لن، آ، ب)؛ ل، ل، آ، پ پس از این بیت افزوده اند:

که لشکر کشد شهریاری کند

به پیش سواران (ل، آ، پ: بدین چرخ گردان) سواری کند

۱۴- س (نیزلن، ب): تخت را نام او ۱۵- ق (نیزلی، آ): ز ۱۶- س: دد و دام شادان نبیند در آب ۱۷- ل: وی اند؛ س^۱ این بیت را ندارد ۱۸- س، ل، آ، س^۱ (نیزلن، لن، آ، ب): افسرند؛ متن = ف، ل، ق (نیزلی، ل، آ، پ، و، آ) ۱۹- ق، ل: ز ۲۰- ل- س^۱ (نیزلن، ق، آ، ل، آ، پ، و، لن، آ، ب): کهترند؛ متن = ف (نیزلی، آ) ۲۱- ل: تو ۲۲- س (نیزو): مرا؛ (لن: بمن) ۲۳- س: ما ۲۴- ف، ل، ق، ل^۱ (نیزل، آ، لن، آ): سیاوش؛ (لی، پ: سیاوش)؛ متن = س، س^۱ (نیزلن، ق، آ، و، ب)

<p>نشسته ز یکسو، نه خواب و نه خورد^۲ ببرد از دلم ترس گیهان خدیو به جنگ^۳ اندرون این^۴ فسانه مرا پذیرنده‌ی مردم پارسا^۵ پر از باغ و ایوان و میدان^۶ و کاخ بهانه سیاوخش^۹ و افراسیاب به تن همچو پیل و به زور نهنگ سری نیز نزدیک تن شان^{۱۲} نبود به^{۱۳} کشور جز از دشت ویران^{۱۴} نماند نماند ز ما^{۱۵} نام تا رستخیز به فرجام پیچان شوم از گزند نیاساید از کین دلت یک زمان جز او را مکن بر دل آموزگار سری پُر ز کین، دل^{۱۸} پُر از خون تراست برآورده‌ی بوم و^{۲۰} کشت من ست هم ایدر نگین و هم ایدر کلاه هم انجام کشت و هم انجام^{۲۲} خورد گل^{۲۷} و لاله و رنگ و شی گذشت که بر نیزه‌ها گردد افسرده دست</p>	<p>جگرخسته‌ام زین^۱ سَخُن پُر ز درد نه من گشتم او را که ناپاک دیو زمانه وُرا بُد، بهانه مرا تو اکنون خردمندی و پادشا نگه کن که تا چند شهر فراخ شدند^۷ اندرین^۸ کینه جستن خراب همان^{۱۰} کارزاری^{۱۱} سواران جنگ که جز کام شیران کفن شان نبود یکی منزل اندر بیابان نماند جز از کینه و زخم شمشیر تیز نیاید جهان آفرین را پسند اگر^{۱۶} جنگ جویی همی^{۱۷} بی گمان نگه کن بدین گردش روزگار که ما در حصاریم و هامون تراست همی گنگ خوانم^{۱۹}، بهشت من ست هم ایدر مرا گنج و ایدر^{۲۱} سپاه هم انجام کشت و هم انجام^{۲۲} خورد ترا گاه^{۲۵} گرمی و خوشی^{۲۶} گذشت زمستان و سرما به پیش اندرست</p>	<p>۱۱۶۵ ۱۱۷۰ ۱۱۷۵ ۱۱۸۰</p>
---	---	---

۱- س: زان ۲- ل، ق (نیز ل): بیکسوز خواب و ز خورد: س، ل (نیز ل، آ، ب): بیکسو (س: بیکجا) ابی خواب و خورد: س: بیکسو
 بر از خواب و خورد: (ق: ق): بیک گوشه بی خواب و خورد: پ: بیکسوی از خواب و خورد: و: بیکسوپر از خون و گرد: لی: بیکسو نشستم نه خواب و
 نه خورد: متن = ف ۳- پ: جنگ ۴- ل، س، ل (نیز ل، ق، آ، ل، پ، و، ل، ب): بد: ق: شد: س: [این]: متن = ف (نیز لی،
 آ) ۵- ق این بیت را ندارد ۶- س، ل، آ، س (نیز ل، لی، ل، آ، ب): میدان و ایوان: ق این بیت را ندارد ۷- ل، س، ل، آ،
 س (نیز ل- ب): شدست: متن = ف ۸- ق: جهان شد ازین ۹- ف، ل، س، ق (نیز ل، آ، ب): سیاوش: (لی، پ):
 سیاوش: متن = ل، آ، س (نیز ل، ق، و) ۱۰- س: همه ۱۱- س، ق، ل (نیز ل، آ، ب): کارزار: متن = ف، ل، س (نیز ل- و،
 آ) ۱۲- ف (نیز ب): سرشان (!): متن = ل- س (نیز ل- آ) ۱۳- ق، س (نیز ق، آ، ل): ز ۱۴- س: بیران ۱۵-
 (ق، و: من): ف، ق این بیت را ندارند ۱۶- ل، س، ق، ل (نیز ل- ب، پ، ل، آ، ب): وگر: متن = ف، س (نیز و) ۱۷- س:
 جنگ جویان همی ۱۸- س (نیز ل): کین و: (ق، آ، لی، و، آ: دلی پر ز کین و): متن = ف- ل (نیز پ، ل، آ، ب): ف در اینجا سرنویس
 دارد: رسیدن جهن پسر افراسیاب پیش شاه کیخسرو و استقبال کردن لشکر او را و پیغام گزاردن او: س پس از بیت ۱۱۷۶ افزوده است:
 من این شهر آباد و میدان و کاخ
 برینسان برآورده جیایی فراخ
 ۱۹- (ل: خوانی) ۲۰- ق: برآورده این بوم: س: برآورده از بوم: (لی، ل، آ، ب): برآورده و بود و: متن = ف، ل، س، ل (نیز ل، ق، و،
 ل، آ، ب) ۲۱- ف: گنج و تخت و: (ق: گنج و خیل و): متن = ل- س (نیز ل، لی- ب) ۲۲- س: اینجام برگست و
 اینجام ۲۳- ل: مردان: ق: شیرمردان (وزن ندارد): متن = ف، س، ل، آ، س (نیز ل- ب، پ، ل، آ، ب) ۲۴- ف: دشت: متن = ل-
 س (نیز ل- ب، ل، آ، ب) ۲۵- ف: روز: متن = ل- س (نیز ل- ب) ۲۶- ق (نیز ل): خشکی ۲۷- س (نیز ل، ب): همان

به دامن چو ابر اندرافکند چین
 ز هر سو که خوانم بیاید سپاه
 وَر ایدون گمانی که هر^۴ کارزار
 از^۶ اندیشه گردون مگر^۷ بگذرد
 ۱۱۸۵ گر^۸ ایدون که^۱ گویی^{۱۰} که ترکان وچین^{۱۱}
 به شمشیر بگذارم^{۱۳} این کار من^{۱۴}
 میندار، کین نیز نابودنیست^{۱۵}
 نبیره سرِ خسروان زادشم^{۱۸}
 ۱۱۹۰ مرا دانش ایزدی هست و فر
 چو تنگ اندرآید بد^{۲۲} روزگار
 به فرمانِ یزدان به هنگامِ خواب
 به دریای کیماک^{۲۳} بر بگذرم
 مرا گنگ دز باشد آرامگاه^{۲۵}
 ۱۱۹۵ چو آید مرا روز کین خواستن
 بیایم بخواهم ز تو کین خویش
 وُگر کینه از مغز بیرون کنی

برین بوم^۱ ما^۲ رود^۳ گردد زمین
 نتابی تو با گردش هور و ماه
 ترا بر دهد گردش^۵ روزگار،
 ز رنج تو دیگر کسی بر خورد
 بگیرم، زخم^{۱۲} آسمان بر زمین،
 به دست تو آیم گرفتار من،
 نفرساید آن کو^{۱۶} نفرسودنیست^{۱۷}
 ز تخم^{۱۹} فریدون و از^{۲۰} تخمِ جم
 هم چون سروشان یکی بر، دو پَر^{۲۱}
 نخواهد دلم پند آموزگار
 شوم چون ستاره بر آفتاب
 سپارم ترا کشور و لشکر^{۲۴}
 نبیند مرا نیز شاه و سپاه^{۲۶}
 به پیران سرم^{۲۷} لشکر آراستن،
 به هر جای پیدا کنم دین^{۲۸} خویش
 به مهر اندرین^{۲۹} کشور^{۳۰} افسون کنی،

۱- ف: برین دشت؛ ل: بر بوم؛ ق، س^۲ (نیزق^۲، لی، ل^۲، آ): بر بوم؛ متن = س (نیزو) ۲- (ل^۲: چون) ۳- ل، س، ق (نیز
 لی، ل^۲، پ، آ): سنگ؛ متن = ف، س^۲ (نیزق^۲، و)؛ س، ل^۲، لن، ل^۲، ب این بیت را ندارند، ولی درس آنرا در میان ستون‌ها
 افزوده‌اند ۴- س، ل^۲ (نیزلسن، و، لن^۲، ب): از^۶ (ق: در)؛ متن = ف، ل، ق، س^۲ (نیزلی، ل^۲، پ، آ) ۵- ل، ل^۲ (نیزق^۲،
 و، لن^۲): اختر؛ متن = ف، س، ق، س^۲ (نیزلسن، لی، ل^۲، پ، آ، ب) ۶- س، ق، ل^۲، ز ۷- س^۲: همی ۸- ق، س^۲:
 و ۹- ل، س، ل^۲: ایدونک ۱۰- ق: خواهی ۱۱- ل، ل^۲ (نیزق^۲، و، آ، ب): ترکان چین؛ س (نیزلسن):
 توران و چین؛ س^۲: ایران و توران و چین؛ متن = ف، ق (نیزلسن^۲) ۱۲- ق، س^۲: بگگیری زنی ۱۳- ق، س^۲:
 بگذاری ۱۴- ل- س^۲ (نیزلسن- ب): این انجمن (؟)؛ متن = ف ۱۵- ل^۲: نابوده نیست ۱۶- ل، ق (نیزق^۲،
 پ، ب): نساید کسی کو؛ س (نیزلسن، ل^۲، و، لن^۲): نشاید کسی کو؛ ل^۲: فشاند کسی را؛ س^۲: نباشد کسی کو؛ (لی: نفرساید
 آن کو)؛ متن = ف (نیزآ؛ لی) ۱۷- ل^۲: نفرسوده نیست ۱۸- ف: خسرو آزادشم؛ س، ل^۲ (نیزلسن، لن^۲، ب):
 پسر خسرو زادشم؛ متن = ل، ق، س^۲ (نیزق^۲- و، آ) ۱۹- ل، س، ل^۲، س^۲ (نیزلی، ل^۲، لن^۲، آ، ب): پشت؛ ق: نسل؛ متن =
 ف (نیزلسن، ق، آ، پ، و) ۲۰- ف، ل، ق، ل^۲، س^۲: وز؛ متن = س ۲۱- س، ل^۲ (نیزلسن، ب): سروش (س: سرومن) یکی
 (ل^۲، لن: یلی) هست پر (س: هست و بر)؛ (لی، پ، آ: سروش یلی (یکی) پای و پر؛ لن^۲: سروش از سپاهست پر)؛ ل، ق (نیز
 ل^۲): همان یاورم ایزد دادگر؛ س^۲ (نیزق^۲): همان رای روشن همانم گهر؛ (و: همم بر سروش است آیین و پر)؛ متن = ف (واژه بسین
 نقطه ندارد) ۲۲- س (نیزو، لن^۲، ب): مرا؛ ل^۲: برین ۲۳- ل، س، ق (نیزلی- ب): کیمال؛ س^۲: کهماک؛ (ق^۲:
 کیمیاک)؛ متن = ف، ل^۲ (نیزلسن، بنداری) ۲۴- س، ل^۲، س^۲ (نیزلسن، لن^۲، ب): افسرم؛ ل (نیزق^۲، ب): لشکر و کشور؛
 متن = ف، ق (نیزلی، ل^۲، و، آ) ۲۵- ف: آرام و خواب؛ متن = ل- س^۲ (نیزلسن- ب) ۲۶- ف: جز آفتاب؛ ق، ل^۲، س^۲
 (نیزلی، پ، و، آ): شهر و سپاه؛ متن = ل، س (نیزلسن، ق، ل^۲، لن^۲، ب) ۲۷- س (نیزلسن، و): سراین؛ ل^۲ (نیزب): سرآن؛
 (ق^۲: زمان)؛ ل، ق، س^۲ (نیزلی، ل^۲، پ، آ): بین آن زمان؛ متن = ف ۲۸- س^۲: برسرم و براه و باین ۲۹- س^۲ (نیزق^۲، ل^۲،
 پ، آ): اندرون ۳۰- ق (نیزلی، ل^۲، آ): کینه؛ (و: مرز)

۱۲۱۰	درودی که دادی از افراسیاب شنیدم، همان باد بر تاج و تخت! دگر آنک او گفت ^۷ : یزدان سپاس ز شاهان گیتی دل‌افروزتر مرا داد یزدان همه ^{۱۰} هرچ ^{۱۱} گفت ترا چند ^{۱۳} خواهی سخن چرب ^{۱۴} هست کسی کو به دانش توانگر ^{۱۵} بود فریدون فرخ ستاره نگشت تو گویی ^{۱۹} که من برشوم بر سپهر دلت جادوی را ^{۲۱} سرمایه گشت زبان چرب و گویا و دل ^{۲۲} پردروغ پدرگشته را شاه گیتی مخوان همان مادرم را ز پرده به راه ^{۲۵} مرا نوز ^{۲۸} نازاده از مادرم هر آنکس که بُد پیش ^{۲۹} درگاه تو که هرگز به گیتی کسی آن ^{۳۱} نکرد که بر ^{۳۲} انجمن بر ^{۳۳} زنی را گشان
۱۲۱۵	که گفتی ^۲ که او کرد ^۳ مژگان پُر آب مبادم بجزه شاد و پیروز بخت! که بینم ^۸ همی پور یزدان شناس پسندیده‌تر، شاد ^۹ و پیروزتر که با این ^{۱۲} هنرها خرد باد جفت به دل نیستی پاک و یزدان پرست ز گفت او به کردار ^{۱۶} بهتر بود نه از خاک تیره پی ^{۱۷} برگذشت ^{۱۸} بشتی برین ^{۲۰} گونه از شرم چهر سخن بر زبانت ^{۲۲} چوپیرایه گشت بر مرد دانا نگیرد فروغ کنون کز ^{۲۴} سیاوش نماند استخوان کشیدی و گشتی چُنین ^{۲۶} کینه خواه ^{۲۷} همی آتش افروختی بر سرم بنفرید بر جان بدخواه ^{۳۰} تو ز شاهان و گردان و مردان مرد، سپارد بزرگی به مردم گشان،
۱۲۲۰	
۱۲۲۵	

۱- ف، ل، س: ز ۲- ل، ق، ل، آ، س (نیز ل ۲- آ): بگفتی؛ س (نیز ل، ب): تو گفتی؛ متن = ف (نیز ق، ل) ۳- (ق، آ): که کردست ۴- ل: همین؛ س (نیز ل، ب): چنین؛ ق: چنان؛ متن = ف، ل، آ، س (نیز ق، ل، ب، ل، آ) ۵- ل- س (نیز ل، ق، ل، ب، ل، آ، ب): مگر؛ متن = ف (نیز ل ۲) ۶- ل: دم (دوم)؛ ل (نیز ب، ل، ب): نخست؛ متن = ف، س، ق، س (نیز ل، ق، ل، آ، و، آ) ۷- ل، ل، آ (نیز ل ۲، ب، ل، آ): گفتی ز؛ س (نیز ل، ب): کردی ز؛ (ل، آ): گوید که؛ و: گفتی که؛ ق: آنچه گفتی که؛ متن = ف، س (نیز ق ۲) ۸- (ق، آ: ببند) ۹- ل، ق، س (نیز ق، ل، ب، و): شاه؛ (ل، آ: نیز)؛ ل (نیز ل ۲): پسندیده شاه؛ متن = ف، س (نیز ل، ب) ۱۰- ف: هسان؛ متن = ل- س (نیز ل- ب) ۱۱- ق، ل، آ، س: هرچه ۱۲- ل (نیز ل ۲): آن ۱۳- (ق، آ: هرچه) ۱۴- ف، ل، آ، س (نیز ق، ل، ب): خوب؛ متن = ل، س (نیز ل، ل، ب، و، آ، ب)؛ ق، ل، آ این بیت را ندارند ۱۵- س: تونگر ۱۶- ل (نیز ل، ل، آ، ل، ب): ز گفتار و کردار؛ س، ق، ل (نیز ل، ق، آ، ب، آ، ب): ز گفتار کردار؛ س: ز گفتار باید که؛ متن = ف ۱۷- ل، ل، آ، س (نیز ب): همی؛ س (نیز ل): به پی؛ (ق، ل، آ: تنی؛ ل، آ: سرش)؛ متن = ف (نیز ل، ب) ۱۸- س (نیز ق، ل): درگذشت؛ ق: پی اندرگذشت ۱۹- ق (نیز ل، ب): گفتی ۲۰- ق، س (نیز ل، ل، آ): بدین ۲۱- ف: جادوی ها؛ ل: جادوی را چو؛ س: یار جادو؛ (ل، آ: جادوی چون)؛ متن = س، ق، ل (نیز ل، ق، آ، ب، و، ل، ب) ۲۲- ف: زفانت؛ درو بیت های ۱۲۱۹- ۱۲۵۴ پس از بیت ۱۵۷۷ آمده است ۲۳- ف (نیز و): زبان چرب گویا و دل؛ ل، ق (نیز ب): پرز گفتار و دل؛ س (نیز ل، ل، آ، ب): چرب و گویا دلت؛ س (نیز ل ۲): خوب گوی و دلت؛ (ق، آ: خوب و گویا و دل؛ ل: چرب گویا دلت)؛ متن = ل (نیز آ) ۲۴- ف: از؛ متن = ل- س (نیز ل- ب، ل، آ، ب) ۲۵- س (نیز ل، ل، آ، ب): ز پرده سرای ۲۶- ق: چنان ۲۷- س: تیره رای؛ ل: بیگناه؛ (ل: تیره جای؛ ل: ناسزای) ۲۸- ف (نیز ل): نیز؛ (ق، آ): خود به؛ ل: تنوز)؛ متن = ل- س (نیز ل، ب، و، آ، ب) ۲۹- ل: او بد به ۳۰- ل، ق، ل (نیز ق، ل، آ، و، ل، ب): بی راه؛ متن = ف، س، س (نیز ل، ل، ب، آ) ۳۱- ل: کس آن بد ۳۲- س: بر آن؛ (ب: ابر) ۳۳- ل (نیز ل، ل، ب، ل، آ):

که تا دخترش^۱ بچه را بفگند
 خردمندپیران بدانجا رسید
 چُنین^۴ بود فرمانِ یزدان که من
 گزند و بلای^۷ تو از من بگاشت^۸ ۱۲۳۰
 و زان^{۱۰} پس که^{۱۱} گشتم ز مادر جدا
 بنزد^{۱۴} شبانان فرستادیم
 بُران دایه و پیشکارم^{۱۷} شبان
 چُنین بود تا روز بر من گذشت^{۱۸}
 به پیش تو آورد^{۱۹}، کردی نگاه ۱۲۳۵
 بسان سیاوش سرم را ز تن
 زبان مرا پاک یزدان ببست
 مرا بی دل و بی خرد یافتی
 سیاوش نگه کن که از راستی
 ز گیتی پناه^{۲۴} ترا برگزید ۱۲۴۰
 بپرداخت ایران و تخت و کلاه^{۲۵}
 وفا جست و بگذاشت آن انجمن
 زننده همی تازیانه زند^۲
 بدید آن زهر گونه گفت و شنید^۳
 سرافرازه باشم^۶ به هر انجمن
 که با من زمانه یکی^۹ راز داشت
 چنان چون بود بچه^{۱۲} بی بها^{۱۳}،
 به پروار^{۱۵} شیر بُران^{۱۶} دادیم
 نه آرام روز و نه خواب شبان
 مرا اندر آورد پیران ز دشت
 که هستم سزاوار تخت و کلاه؟،
 ببری^{۲۰} و تن هم نیابد^{۲۱} کفن
 همان خیره ماندم به جای نشست
 به کردار بد تیز نشتافتی^{۲۲}
 چه کرد و چه دید از بد و^{۲۳} کاستی:
 چنان کز ره نامداران سزید
 بیامد ز گیتی ترا خواند شاه
 بدان تا نخوانیش^{۲۶} پیمان شکن

- ۱- (پ: که دخترش مر) ۲- ل: خورد (پساوند ندارد)؛ در ل، پ لت های این بیت پس و پیش شده اند؛ س، لن پس از این بیت افزوده اند گراز سوی (لن: شوی) این بچه پرورش بود نه با آن گرانمایه دخترش بود
- ۳- ل- س^۲ (نیز لن- ب): بدید آنک (آنکه) هرگز ندید و شنید؛ متن = ف ۴- س، ق، ل: چنان ۵- ف: سزاوار؛ متن = ل- س^۲ (نیز لن- ب) ۶- ل، ق، ل^۲ (نیز ل^۲): کردم؛ متن = ف، س، س^۲ (نیز لن، ق، ل، ی، پ- ب): ف، ل، ی، آپس از این بیت افزوده اند:
 بخواهم ز تو کین آن شهریار (ل، آ: باب بزرگ) که او را نبد در جهان نیز یار (ل، آ: که تا بعد از این شاه نبود سترگ)؛
- ۷- س (نیز لن، ب): بلای و گزند؛ ل، س^۲ (نیز پ): که ایزد بلای؛ متن = ف، ق (نیز ل، ل، و، لن، آ) ۸- ل (نیز ل، ل، و، ب): بکاست؛ ل^۲: نگاشت؛ (آ: بگشت)؛ متن = ف، س، ق، س^۲ (نیز لن، پ، لن، آ): (ق: کز ایدر بلایت زمن بازداشت) ۹- ف: چو با من زمانه چنین؛ متن = ل- س^۲ (نیز لن- ب) ۱۰- ل: از آن ۱۱- ف: چو؛ متن = ل- س^۲ (نیز لن- ب) ۱۲- (پ، و: زاده؛ لن: مردم) ۱۳- س (نیز ل^۲): ازدها ۱۴- ل (نیز پ): پیش ۱۵- ل، س (نیز و): بیرواز؛ ق، س^۲ (نیز لن): بیرواز؛ (ل، آ: بیرورد؛ ل^۲: بیرواز)؛ متن = ف، ل^۲ (نیز لن، ب) ۱۶- ف، ل (نیز ل^۲): شیران نر (؟)؛ س، ل^۲ (نیز لن، آ): شیر نران (بزان؟)؛ متن = ق، س^۲ (نیز لن، ل، ی، پ، ب)؛ (ق: خورش شیر میش و بز) ۱۷- (ق: پیشکار و؛ ل، آ: پیشکاران؛ پ، و: پیشکاره)؛ ل: مرا دایه و پیشکاره؛ متن = ف، س، ل، س^۲ (نیز لن)؛ ق، ب این بیت را ندارند ۱۸- ل (نیز ق^۲): روز من برگذشت؛ (ل: روز اندرگذشت) ۱۹- ل- س^۲ (نیز لن، ق، آ، پ- ب): آورد و؛ متن = ف (نیز ل، ل) ۲۰- س، ل^۲ (نیز لن، ب): ببرند ۲۱- ف: تن را نباشد؛ ق، ل^۲ (نیز ل^۲): هم تن نیابد؛ متن = ل، س، س^۲ (نیز لن، ق، آ، ی، پ- ب) ۲۲- ل (نیز لن، و): شتافتی؛ (حرف یکم نقطه ندارد)؛ س، ل، س^۲ (نیز ق، ل، ی، ل، آ، ب): شتافتی؛ متن = ف، ق (نیز پ) ۲۳- ل (نیز ق، ل، و): [و]؛ ف: چه دید و چه کردی تو از؛ س^۲: چه دید و چه کرد از بدو؛ (ل: چه دید و چه آمد بدو)؛ متن = س، ق، ل^۲ (نیز لن، ل، ی، پ، لن، آ، ب) ۲۴- (لن: بیامد)؛ ق (نیز ل، ل، آ): بیامد ز گیتی؛ متن = ف، ل، س، ل، س^۲ (نیز ق، آ، پ، و، لن، آ، ب) ۲۵- ل: زهر تو پرداخت آیین و گاه؛ س، ل، س^۲ (نیز لن، پ، ل، آ، ب): زهر تو بگذاشت (س: پرداخت؛ پ: بهرت بینداخت) تخت و کلاه؛ متن = ف، ق (نیز ق، ل، ی، ل، و، آ) ۲۶- ف: نخواندش؛ متن = ل- س^۲ (نیز لن- ب)

<p>سُترگی^۱ و گردی^۲ و راه وُرا، بیفگندی آن پاک‌تن^۳ را ز پای بریدند همچون^۴ سرِ گوسپند^۵ نبودی مگر بدتن و بدگمان کجا با پدر^۷ دستِ بد را بشست نه راه بزرگی، نه آیینِ دین^۹ پدر شاه و از^{۱۱} تخمه‌ی شهریار کجا نیک‌نامی بُدش^{۱۴} آرزوی^{۱۵}، به بدگوهر از راه^{۱۶} آهرمنی فزون آید از گردش روزگار نه گویی که^{۲۰} از مردمان^{۲۱} زاده‌ی^{۲۲} دل و رای من سوی زشتی^{۲۳} کشید چو شدشان دل از نیکوی ناامید، ز هر نیکوی^{۲۵} دست کوتاه کرد ز بدگوهر و گفت^{۲۶} آموزگار نبیند دلش کژی^{۲۸} و کاستی که پیران بکشت اندر آوردگاه^{۳۰} نجویی جز از رنج^{۳۲} و راه زیان^{۳۳}</p>	<p>چو دیدی بر و گردگاه وُرا بجنبیت آن گوهر بد ز جای سر تاجداری چنان ارچند ز گاهِ منوچهر تا این زمان ز تور اندرآمد زیان^۶ از نخست پسر بر پسر بگذرد همچون^۸ زدی گردنِ نوذر تاجدار^{۱۰} برادرت اغریرت^{۱۲} نیک‌خوی^{۱۳} بکشتی و تا بوده‌ی بدتنی کسی کز^{۱۷} بدیهات گیرد^{۱۸} شمار نیهای به دوزخ فرستاده‌ی^{۱۹} دگر آنک گفتی که دیو پلید همین^{۲۴} گفت ضحاک و هم جمشید که ما را دل ابلیس بی‌راه کرد نبرگشت ازیشان بد روزگار کسی کو نتابد^{۲۷} سر از راستی به جنگ پشن^{۲۹} نیز چندان سپاه زمین^{۳۱} گِل شد از خونِ گودرزیان ۱۲۴۵ ۱۲۵۰ ۱۲۵۵ ۱۲۶۰</p>
---	---

- ۱- ل (نیزلی، پ، آ): بزرگی؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س^۱ (نیزق، ل، ل، ن، آ، ب) ۲- ف: شاهی؛ متن = ل- ل- س^۲ (نیزلن- ب) ۳- ل، ق، ل^۱ (نیزق، ل، ی، پ- ب): دل؛ س^۱: شیردل؛ متن = ف، س (نیزلن، ل) ۴- ل: بریدی بسان؛ س^۲ (نیزل^۳): بریدی زتن چون؛ (پ: بریدی تو همچون)؛ متن = ف، س، ق، ل^۱ (نیزلن، ق، ل، ی، ل، ن، آ، ب) ۵- ف، ل، س، ل^۱ (نیزق، ل، ی، ل، آ، پ، ل، ن): گوسفند؛ متن = ق، س^۱ (نیزلن، آ، ب) ۶- ق: بیداد (وزن ندارد) ۷- ف: بریدی؛ متن = ل- ل- س^۲ (نیزلن- ب) ۸- (ب: همچون بگذرد) ۹- (ب: نه دین و خرد) ۱۰- ل، ل، ل، آ، س^۱ (نیزلن- ل): نامدار؛ متن = ف، س، ق (نیزآ، ب) ۱۱- ف، ل، ق، ل، آ: وز ۱۲- س: اغریرت (حرف پسین نقطه ندارد)؛ (و، ل، ن، آ، آ، ب، س، ل، ی، ل، ن، ل، ی، ل، آ، پ، ب) ۱۳- ف، ل، آ: خو؛ س، س^۱ (نیزلن): آن نیکخوی ۱۴- (ل، ی: بدیش؛ ل: نیک نامیش بد) ۱۵- ف، ل، آ: آرزو ۱۶- ل، ق (نیزل^۲): نه از آدم از تخم؛ س، ل^۱ (نیزلن، ل، ن، آ، ب): تو بر گوهر و راه؛ متن = ف، س^۲ (نیزلی، پ، آ) ۱۷- ل، س: کر (= گر؟ کز؟)؛ (ل: کو)؛ متن = ق، ل^۱ (نیزلن، ق، ل، ی، پ، ل، ن، آ، ب) ۱۸- ف: کو گرفت آن بد تو؛ س^۲ این بیت را ندارد ۱۹- (ق: دری از بدی‌ها تو بگشاده) ۲۰- س، ل، آ، س^۱ (نیزلن، ل، ی، و، ل، ن، آ، ب): تو گویی نه؛ متن = ل، ق (نیزل^۲، پ) ۲۱- (ل، آ: آدمی) ۲۲- (ق: نهالی بدوزخ فرستاده)؛ ف این بیت را ندارد ۲۳- ف: کژی؛ متن = ل- ل- س^۲ (نیزلن- ب) ۲۴- س، ق (نیزلن، ل، آ، ب): چنین ۲۵- ق، ل، ل، س^۱ (نیزل^۲، و، ل، ن، آ): نیکی ۲۶- (و: پند) ۲۷- ل، س، ق، ل^۱ (نیزلن- ب): بنایند؛ متن = ف، س^۱ ۲۸- ل، ق (نیزلی، ل، آ، پ، و، آ): گزینند (پ: بینند) همی کژی و؛ س، ل^۱ (نیزلن، ل، ن، آ، ب): کژی گیردش کار و هم؛ س^۱: نبندد در کژی و؛ (ق: نبیند جز از کژی و)؛ متن = ف ۲۹- ف، ل، س (نیزو): شن (حرف یکم نقطه ندارد)؛ ق: پسین؛ ل، آ، س^۱ (نیزلن، ق، ل، ی، ل، ن، آ): بشن؛ متن = (ل، آ، ب) ۳۰- ق (نیزق، ل، آ، پ، و، آ): آن رزمگاه ۳۱- (آ: زمی) ۳۲- (ق: جنگ) ۳۳- س (نیزلن، ل، ی، ب): بیفزود چندین (س: چندی) زیان برزیان

<p>ز ترکان سوار ازر کارزار وُزیشان به پیش من^۱ آمد پشنگ^۲ بینی و بیران^۳ کنی کشورم سر^۴ بختِ دشمن نگوسار^۵ گشت دل افروز و شادم، هم^۶ از تخت^۷ تو چو از کردهای^۸ تو یاد آورم؟ نباشد سَخُن نیز^۹ تا رستخیز به نیک اختر و گردشِ هور و ماه نخواهم ز گیتی^{۱۰} جز او رهنمای جهان را^{۱۱} به داد و دِهش نو کنم که در جنگ چندین بهانه مجوی</p>	<p>کنون آمدی با هزاران هزار به آموی لشکر کشیدی به جنگ فرستادیش تا بریده^{۱۲} سرم جهانداریزدان مرا یار گشت مرا گویی اکنون^{۱۳} که از بخت^{۱۴} تو نگه کن کنون تا^{۱۵} بود باورم^{۱۶} ازین پس مرا جز به شمشیرِ تیز بکوشم به نیروی و^{۱۷} گنج و سپاه همان پیش یزدان بباشم به پای مگر کز بدان باغ بی خو کنم سَخُن هرچ^{۱۸} گفتم نیا را بگوی</p>
---	--

گفتار اندر رسیدن جَهَن پیش پدر^{۱۹}

<p>یکی^{۲۰} طوق زَرین و دو گوشوار بگفت آن سَخُن ها همه در به در^{۲۱}</p>	<p>یکی تاجِ دادش زبرجدنگار همانگه بشدا^{۲۲} جَهَن پیشِ پدر</p>
---	---

۱- س: تو ۲- ل، س، ق، ل (نیز، و، آ): شننگ (حرف یکم نقطه ندارد)؛ س^۱ (نیز، ل، ق، آ، ی، ب): بشنگ؛ متن = ف (نیز، ل، آ، ب) ۳- ل- س^۲ (نیز، ل- ب): بسبرد؛ متن = ف ۴- ل، س، ق، ل (نیز، ل، ق، آ، ی، و، ل، ن، آ، ب): وزان (ل، و: از آن) پس تو ویران؛ س^۳ (نیز، ب): بیایی (ب: بییچی) و ویران؛ متن = ف ۵- ق (نیز، ل^۳): سرو ۶- ل- س^۴ (نیز، ل- ب): نگوسار؛ متن = ف ۷- س^۲: مرا چند گویی ۸- (ل، ل^۲: تخت) ۹- ل- س^۲ (نیز، ل، ق، آ، ی، ب، و، آ، ب): شادام؛ (ل^۲: شادم من؛ ل، ن^۲: سازانم)؛ متن = ف ۱۰- (ل، ل^۲: بخت) ۱۱- ل- س^۲ (نیز، ل، ق، آ، ی، ب، و، ل، ن^۲): که تا چون؛ (ل، آ: نگر تا چگونه)؛ متن = ف ۱۲- ف: یاورم (→ باورم) ۱۳- ل- س^۲ (نیز، ل- ب): چو کردارهای؛ متن = ف ۱۴- ل، ق (نیز، ق، آ، ی، ل، ن، آ، آ): با تو؛ س: گفت؛ متن = ف، س، ل (نیز، ل، ب، ب) ۱۵- ل، س، س، س^۲ (نیز، ل، آ، ب، ل، ن، آ، ب): [و؛ ق (نیز، ل، ق، آ، و): بنیرو و؛ آ: بنیرو)؛ متن = ف، ل^۲ ۱۶- ل، س، ل، س^۱ (نیز، ل، ق، آ، ی، ب، ل، ن، آ، ب): بگیتی؛ ق (نیز، ل^۲): نباشد بینیکی؛ (ق^۲: نباشد بگیتی)؛ متن = ف (نیز، و)؛ ل، س، ق، ل (نیز، ل- ب) پس از این بیت افزوده اند:

مگر کز (ب: همان از) بدان پاک گردد جهان

بداد و دهش من (ل^۲: می) بسندم میان

ف، س^۲ این بیت را ندارند ۱۷- س^۲: جهانی؛ ل، ق، ل، آ، و، آ این بیت را ندارند؛ درس، ل، ن، ل، ن، آ، ب لت های این بیت پس و پیش شده اند؛ س، س، آ، ل، ق، آ، ب پس از این بیت و ل، ق، ل، آ، و، آ پس از بیت پیشین افزوده اند:

بدانیدش را از میان (س، س، آ، لسن، ق، آ، و: جهان) برکنم

سر بدنشان (س، ل، ن: بی تنان؛ س، آ، ق، آ، و، آ: بدتنان؛ ل: باتنان) را بی افسر کنم

ف، ل، آ، ل، ب این بیت را ندارند ۱۸- س، ق، ل، آ، س: هرچه ۱۹- ف: رسیدن جَهَن پیش پدر و حکایت کردن شاه کیخسرو و عظمت او و چاره جستنج که بکجا روم؛ ل: گفتار اندر گرفتار شدن جَهَن و کرسیوز؛ س: دیگر جنگ شاه کیخسرو با افراسیاب؛ ق: ترتیب دادن کیخسرو لشکر را بمحاربت بهشت کنگ؛ ل: جنگ کیخسرو و حصار گرفتن و فرار افراسیاب؛ س: رزم کیخسرو با افراسیاب و ستدن حصار کنگ دز؛ متن = آغاز ف ۲۰- ف: همان؛ متن = ل- س^۲ (نیز، ل- ب) ۲۱- س، ل (نیز، ل، ن، آ، ب): که شد ۲۲- (و: سر بس)

دش گشت پُر درد و سر پُرشتاب ^۲	برآشفت از آن پاسخ ^۱ افراسیاب
همان ترگ ^۴ و شمشیر و تخت و ^۵ کلاه	۱۲۷۵ بیخشید گنج ^۳ درم بر سپاه
بشد ^۶ کوه چون پشتِ پیلِ سپید،	شب تیره تا برزد از چرخ شید
سُواری ز ترکان نپمود خواب ^۷	همی لشکر آراست افراسیاب
زَمین آهنین شد، هوا ^۹ آبنوس،	چو از کنگ برخاست آوای ^۸ کوس
نشست از بر زین سپیده‌دمان	سر موبدان شاه ^{۱۰} نیکی‌گمان
نگه کرد تا چون کند کارزار	۱۲۸۰ بیامد بگردید گرد حصار
بیامد به یکسوی دز با گروه ^{۱۲}	به رستم بفرمود تا همچو کوه ^{۱۱}
سِدیگر ^{۱۴} چو گودرز فرخنده‌رای	دگر سوی ^{۱۳} گُستهم نوذر به پای
ابا کوس و پیلان ^{۱۶} و چندی ^{۱۷} سوار	به سوی چهارم شه نامدار ^{۱۵}
بکرد و بیامد بر ^{۱۹} دز فراز	سپه را همه هرچ ^{۱۸} بایست ساز
یکی گنده کندن به گرد حصار	۱۲۸۵ به لشکر بفرمود پس شهریار
به جنگ دز اندر توانا بُدند،	بدان ^{۲۰} کار هر کس که دانا بُدند
چه ^{۲۱} رزم‌آزموده ز هر سو گوان ^{۲۳}	چه ^{۲۱} از روم و چین و چه از هندوان ^{۲۲}
بگشتند و جستند هرگونه بند	همه ^{۲۴} گرد آن شارستان ^{۲۵} چون نوند

۱- (ل: سخت)؛ ل (نیزب)؛ ز پاسخ برآشفت؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س^۲ (نیزهفت دستنویس دیگر) ۲- (ق: دیده پرآب)؛ ف، ل، ق (نیزب)؛ سواری ز ترکان کجا یافت (ف: نپمود) خواب (ف ۱۲۷۴-۱۲۷۷ آ را انداخته و از ۱۲۷۴ و ۱۲۷۷ ب یک بیت ساخته است؛ در ل، ق، پ ۱۲۷۴ ب و ۱۲۷۷ ب پس و پیش شده‌اند)؛ س (نیزلن)؛ دلش پرزد درد و سرش پرشتاب؛ (لی، آ: بدانسان که دریا بجوشد ز آب)؛ متن = ل، آ، س^۲ (نیزل، و، لن، آ، ب) ۳- ق، س^۲ (نیزلی، ل، آ، ب)؛ گنجی ۴- (ق: خود) ۵- ل، آ: خود و؛ ق (نیزب)؛ تخت و شمشیر و زرین (ب: خود و)؛ (لی، ل، آ: گرز و شمشیر و تیر و (ل: آهن)؛ ف این بیت را ندارد ۶- س، ق، ل، آ، س^۲ (نیزلن، ل، آ، و- ب)؛ بید؛ متن = ل (نیزب)؛ ف این بیت را ندارد ۷- س (نیزلن، ق، آ، لی، و، لن، آ، ب)؛ کجا یافت خواب؛ ل، ق، ل، آ، س^۲ (نیزل، آ، ب)؛ دلش گشت (ل: بود) پر درد و سر (ل: دلی پرزد درد و سری) پرشتاب (= ۱۲۷۴ ب)؛ متن = س^۲ (نیزآ)؛ ف این بیت را ندارد (← ۱۲۷۴ ب)؛ بنداری؛ فلما وقف افراسیاب علی جواب الرسالة احتد و ائمر العساكر بالاعداد فكانوا طول ليلتهم في أخذ الأهبة لقتال ۸- س: آواز ۹- س، ل، آ، س^۲ (نیزلن، ق، آ، لی، و، لن، آ، ب)؛ سپهر؛ متن = ف، ل، ق (نیزل، آ، ب) ۱۰- ف (نیزلی، آ)؛ شه نامبردار؛ متن = ل - س^۲ (نیزهفت دستنویس دیگر) ۱۱- س: تا بگروه ۱۲- ف، س، ل، آ، س^۲ (نیزلن، ق، آ، ب، لن، آ، ب)؛ بیارد ز (ف: برآرد ز؛ ل، آ، لن: بیامد ز؛ ب: بیاورد) یکسوی دریا (← دزبا؟) گروه؛ ل (نیزلی، ل، آ، و، آ)؛ بیامد به (لی، آ: برآید ز؛ ل، آ، و: بیاید ز) یکسوی دزبا (← دریا؟) گروه؛ ق: بیامد ز یکسوی دریای و کوه؛ س: برآمد ز یکسوی دز همچو کوه؛ متن = ل ۱۳- ل، ق، س^۲ (نیزو، آ)؛ دگر سوش؛ س، ل، آ، س^۲ (نیزلن، لن، آ، ب)؛ ز یکسوش؛ متن = ف (نیزق، لی، ل، آ، ب) ۱۴- ل (نیزق، لی)؛ سه دیگر؛ س، ل، آ، س^۲ (نیزلن، لن، آ، ب)؛ دگر سو؛ متن = ف، ق، س^۲ (نیزل، آ، ب، و، آ) ۱۵- س، ل، آ، س^۲ (نیزلن، پ، لن، آ، ب)؛ کامکار ۱۶- س: ابا پیل و با کوس ۱۷- س (نیزلن، لن، ب)؛ جنگی؛ ل، آ، س^۲ (نیزق، لن، آ)؛ چندین؛ (لی، و، آ: چندان)؛ متن = ف، ل، ق، س^۲ (نیزل، آ، ب) ۱۸- س، ق، ل، آ، س^۲؛ هرچه ۱۹- ف (نیزب، لن، آ)؛ در (؟)؛ ق: سوی؛ متن = ل، س، ل، آ، س^۲ (نیزلن، ق، آ، لی، ل، آ، و، ب) ۲۰- س (نیزلن، ل، آ، ب)؛ بدین ۲۱- ل: چو ۲۲- س، ق (نیزلن، لی، ل، آ، و، لن، آ، ب)؛ واز (وز) چین واز (وز) هندوان؛ ل: وز سندن وز هندوان؛ س: و هند و چه از چینیان؛ (ق: و سندن و چه از هندوان)؛ ل (نیزب)؛ چه از چین وز (واز) روم وز (واز) هندوان؛ متن = ف ۲۳- س: کیان؛ (لن، لی، آ: سران؛ ل: یکایک گزیده ز هر سوسران) ۲۴- س: همی ۲۵- ق، ل، آ، س^۲ (نیزلی، ل، آ، ب، لن، آ، ب)؛ شارسان

<p>سپه را به گردش پراگنده کرد ز ترکان نیاید یکی^۲ تاختن دو صد مَنجَنیق، از پیش^۴ لشکری ز دیوار دز چون سرِ بدگمان، چو ژاله همی کوفتی بر سرش ابا چرخ‌ها تنگ بسته میان کشیدن ستون‌ها^۸ به گرد^۹ حصار بکند و نهادند زیرش ستون بدان چوب‌ها^{۱۳} برگرفته ز^{۱۴} جای برین گونه بر بود نیرنگ^{۱۷} شاه رخ سرکشان گشته^{۲۰} همچون زیر زبرسو^{۲۲} به گرز گران داروکوب^{۲۳} چنان چون بود ساز^{۲۵} جنگ^{۲۶} حصار بیامد به پیش جهان‌آفرین^{۲۷}</p>	<p>دو نیزه به بالا^۱ یکی گنده کرد ۱۲۹۰ بدان تا شب تیره بی ساختن دو صد ساخت عراده از^۳ هر دری دو صد گرد^۵ بر هر دری با کمان^۶ پدید آمدی مَنجَنیق از برش پس مَنجَنیق اندرون رومیان^۷ ۱۲۹۵ دو صد پیل فرمود پس شهریار یکی گنده‌یی^{۱۰} زیر باره‌نَدرون^{۱۱} بدان مُنگری باره^{۱۲} مانده به پای پس آلود^{۱۵} بر چوب نفت^{۱۶} سیاه به یکسور از^{۱۸} مَنجَنیق و ز تیر^{۱۹} ۱۳۰۰ به زیر اندرون آتش و نفت^{۲۱} و چوب به هر چار سو ساختند^{۲۴} کارزار و ز آنجایگه شهریار زمین</p>
---	--

۱- ق (نیز ل)؛ بدو (ل؛ بدان) نیزه بالا؛ (ل، آ)؛ بی‌الا دو نیزه ۲- ل (نیز ل)؛ نیارند ترکان یکی؛ س (نیز ل، ب)؛ نیارد بکشتی (لن)؛ بلشکر) کسی؛ ق، ل، س (نیز ق، ل، آ، پ، و، لن)؛ نیاید (ق، ل؛ نیارد) ز ترکان یکی؛ متن = ف (نیز آ) ۳- ل، ق (نیز ق، ل، آ، و، آ، ب)؛ بر؛ س (نیز پ)؛ باره عراده بر؛ متن = ف ۴- ل، ق، س (نیز ل، آ، پ)؛ پس؛ (ق؛ پی)؛ متن = ف (نیز پ، و)؛ س، ل، لن، لن، ب بجای این بیت افزوده‌اند:

دو صد باره عراده و منجنيق نهاد از برش هر سوی جاثلیق

بنداری: و أمر فنصبوا علی کل باب من أبوابها مائتی عراده و مائتی منجنيق، و وکل بکل واحد منها جماعة من المقاتلین ۵- ل- س (نیز ل- لن، ب)؛ چرخ؛ متن = ف (نیز آ)؛ کرد ۶- س؛ ناگهان؛ (ل، لن، آ؛ بی کمان) ۷- ف؛ روسیان؛ س؛ سوریان؛ (لن؛ رامیان)؛ متن = ل، س، ق، ل (نیز ق، ل، آ، پ، لن، آ، ب)؛ رومیان (رامیان؟)؛ بنداری؛ و رتب مائتی فیل لنقل الأعواد والأخشاب، و رتب علی کل باب مائتی رام من الرماة عن الجرح ۸- ل، س، ق، ل (نیز ل، ل، ب)؛ ز (لن، ل، آ، پ، آ؛ به) هر سو؛ س؛ ستون‌ها کشیدن؛ (ق؛ کشیدند هر سو)؛ متن = ف ۹- س؛ پیش؛ س؛ پس از این بیت افزوده است:

بیاورد یکچند کاریزکن ازیشان گروهی بکرد انجمن

۱۰- ق؛ کنده در ۱۱- ل- س (نیز لن- پ، لن، آ، ب)؛ درون؛ (و؛ بار اندرون)؛ متن = ف؛ باره اندرون (و) ۱۲- ل، ق (نیز ل)؛ باز؛ (پ؛ بدان چاره آن باره)؛ متن = ف، س، ل، س (نیز لن، ق، ل، لن، آ، ب) ۱۳- ل، ق، ل، س (نیز ق، ل، آ، و، آ)؛ نیزه‌ها؛ (ب؛ ابا چوب‌ها)؛ متن = ف، س (نیز لن، پ، لن) ۱۴- س؛ برگرفتند ۱۵- ق (نیز ق)؛ پراکند؛ (پ، لن)؛ پس آلوده؛ و؛ برآلوده ۱۶- ف- س (نیز لن، ل، ب)؛ نطق؛ متن = (ق) ۱۷- ل، ق (نیز ل)؛ بدین گونه فرمود بیدار؛ س، ل، آ، س (نیز لن، ق، ل، لن، آ، ب)؛ بدان (ل، آ، س، آ؛ بدین؛ ق؛ برین) گونه فرمود (س؛ سازید) نیرنگ؛ (پ، و؛ بدین گونه نیرنگ فرمود)؛ متن = ف ۱۸- (لن، ق؛ برآن؛ لن، آ، ب؛ پراز)؛ س؛ یکی سوپراز ۱۹- (لن؛ و نفیر) ۲۰- س، ل (نیز لن، ل، آ، ب)؛ بود؛ (ق، ل، آ، و؛ گشته) ۲۱- ف- س (نیز لن، ل، ب)؛ نطق؛ متن = (ق) ۲۲- ف؛ دگر سو؛ (پ؛ زبر سو)؛ متن ← ۲۳- ل، س، ق، ل (نیز لن- ل، و- ب)؛ زبر (س؛ زبس) گرزهای گران کوب (ل؛ چوب) کوب؛ متن = س (و یا = ف پس از تصحیح دگر به زبر؛ و یا = پ پس از تصحیح سربه سو) ۲۴- ل، ق (نیز ل، ل، آ، پ، آ)؛ ساخت آن؛ س، ل (نیز لن، ق، آ، و، لن، آ، ب)؛ ساخته؛ س؛ بهر جای برساخته؛ متن = ف ۲۵- ف؛ رسم؛ متن = ل- س (نیز لن- ب) ۲۶- س (نیز ل)؛ جنگ و؛ (آ؛ رسم) ۲۷- ف؛ همی خواند بر کردگار آفرین (= ۱۳۰۴ ب)؛ متن = ل- س (نیز لن- ب)

<p>ابا کردگار جهان گفت رازا همی خواند بر کردگار آفرین^۲ به هر سختی یارمندی^۴ ز تُست مگردان ازین جایگه^۵ پای من مرا دار شادان دل و نیک بخت به جوشن بپوشید روشن^۷ برش به جنگ اندرآمد بکردار دود به جنگ اندرآید یکی^۹ لشکری ز برشان همی سنگ^{۱۲} بر سر زدند شده روی^{۱۳} خورشید^{۱۴} تابان کبود زمین نیلگون شد، هوا لاژورد^{۱۵} درخشیدن تیغ و گرز گران، ز باریدن تیر و گرد سیاه به فرمان یزدان چو هیزم بسوخت، بکردار کوه اندرآمد ز جای نگون اندرآمد، بکردار شیر^{۲۲}، سر آرد برو^{۲۴} شوربختی^{۲۵} جهان</p>	<p>ز لشکر بشد تا به جای نماز ابر خاک چون مار پیچان ز کین همی گفت: کام و^۳ بلندی ز تُست اگر داد بینی همی رای من نگون کن سر جادوان را ز تحت چو برداشت از پیش یزدان^۶ سرش کمر بر میان بست و برجست زود بفرمود تا سخت^۸ بر هر دری بدان چوب و^{۱۰} نفت^{۱۱} آتش اندرزندند ز بانگ کمان های چرخ و ز دود ز عراده و مَنجَنیق و ز گرد خروشیدن پیل^{۱۶} و بانگ سران تو گفתי برآمیخت^{۱۷} با شید ماه^{۱۸} ز نفت^{۱۹} سیه چوب ها بفروخت نگون^{۲۰} باره گفתי که برداشت پای وُزآن باره چندی ز ترکان دلیر^{۲۱} که آید^{۲۳} به دام اندرون ناگهان</p>
--	--

۱- ق، ل، س، ل، ی، لن، آ، ب این بیت را ندارند؛ متن = ف، ل، س (نیز لن، ق، ل، پ، و) ۲- ف: بالید از درد روی وجین؛ متن = ل، س (نیز لن، ق، ل، پ، و)؛ ق، ل، س، ل، ی، لن، آ، ب این بیت را ندارند؛ بنداری (۱۳۰۲-۱۳۰۴): وتنحی الملك الى ناحية من الصحراء، و نزل و سجد لله تعالى و سأله أن ينصره و یخذل عدوه و یسهل علیه الفتح و یجعل له الظفر ۳- ل (نیز و): [و] ۴- س: آزمندی؛ (لن: ارزمندی؛ ق: آرمندی) ۵- ق، ل، س (نیز و، لن): پایگه ۶- ف: از خاک تیره؛ متن = ل، س (نیز لن- ب) ۷- س، ل (نیز لن، ق، ل، ی، ل، پ، و): رومی؛ متن = ف، ل، ق، س (نیز پ، و، لن، آ) ۸- س (نیز لن): زود؛ (ق): ساخت) ۹- (و: دگر)؛ س (نیز لن، ق، ل، ب): آمد گران؛ ق این بیت را ندارد ۱۰- ل: [و] ۱۱- ف- س (نیز لن، ل، ی، ب): فقط؛ متن = (ق) ۱۲- (لن: چوب) ۱۳- (ق): شد از بیم) ۱۴- ف: خورشید ۱۵- س، ق، ل، س (نیز لن، ل، ی، لن، آ، ب): لاجورد؛ متن = ف، ل (نیز ق، ل، پ) ۱۶- (ق، ل، ی، ل، آ، و، آ: اسب)؛ ق: خروشنده اسبان؛ متن = ف، ل، س، ل، س (نیز لن، پ، لن، ب) ۱۷- ل، ل، ل (نیز ل- ب): برآویخت؛ (ق): برانگیخت؛ متن = ف، س، ق، س (نیز لن) ۱۸- ق: شاه؛ س، ل، ق، آ پس از این بیت افزوده اند:

بدان گرد (ق): بران گونه) گشت آسمان ناپدید کجا چشم روشن جهان را ندید

۱۹- ف- س (نیز لن، ل، ی، ب): فقط؛ متن = (ق) ۲۰- س (نیز لن): سر؛ ق (نیز پ): همی؛ (ل: همه)؛ متن = ف، ل، ل، س (نیز ق، ل، ی، و، لن، آ، ب)؛ برخی از دستنویس ها در اینجا سرنویس دارند، ف: حصار دادن شاه کیخسرو قلعه کنگ را و بستدن و گریختن افراسیاب و تاراج دادن خزینه آنچ در دزد بود؛ س: حصار شدن کیخسرو و گریختن افراسیاب؛ ق: گرفتار شدن کرسیوز و جهن بدست رستم ۲۱- س، ل (نیز لن، لن، ب): بزیر؛ س: در؛ متن = ف، ل، ق (نیز ق، و، آ) ۲۲- ل (نیز پ، و): چوباران (و: زبالا) بزیر؛ س: ز باره بسر؛ متن = ف، س، ق، ل (نیز هفت دستنویس دیگر) ۲۳- ف، ل (نیز ل، پ): آمد (؟)؛ متن = س (نیز ق، ل، ی، آ) ۲۴- ل: بران؛ (ل: بدو؛ ل: بدان)؛ متن = ف، س (نیز ق، آ) ۲۵- (پ: سرآمد بدان شوربختان)؛ ق، و این بیت را ندارند؛ درس، ل، ل، لن، لن، آ، ب این بیت چنین آمده است: که آرد برو شوربختی جهان بدم اندرآید سرش ناگهان

برآمد خروشیدن کارزار بیامد دمان رستم ^۲ کینه جوی ^۳ کجا باره‌ی شارسنان شده ^۵ خراب به جَهَن و به کرسیوز آواز کرد، سپه ^۶ را ز شمشیر باید ^۷ حصار! بکوشید و ^۹ از بهر پیوند خویش ^{۱۰} ماناید بدخواه پیرامنا ^{۱۱}	به پیروزی ^۱ لشکر شهریار سوی رخنه‌ی دز نهادند روی خبر شد بنزدیک ^۴ افراسیاب پس افراسیاب اندرآمد چو گرد که با باره‌ی دز شما را چه کار ز بهر بروبوم و فرزند ^۸ خویش بندید یک در دگر دامنا ^{۱۱}
سوی رخنه رفتند گشته گروه ^{۱۵} خروش از دو رویه برانگیختند نوان گشته، از ^{۱۶} بوم و بر ^{۱۷} ناامید پیاده هر آنکس که بُد نیزه دار ^{۱۹} ، همیدون پس نیزه ور ^{۲۱} کینه خواه، دو رسته پیاده پس نیزه ور ^{۲۴} بدانگه که شد سخت پیگارشان ^{۲۵} به جنگ اندرآمد بکردار کوه ^{۲۷}	سپاهی ز ترکان ^{۱۳} بکردار کوه ^{۱۴} بکردار شیران برآویختند سوارانِ ترکان بکردار بید به رستم بفرمود پس شهریار ^{۱۸} به ^{۲۰} پیش اندرآید بدان رخنه گاه ابا ترکش و تیر و تیغ ^{۲۲} و تبر ^{۲۳} سوارانِ جنگی نگهدارشان سوار و پیاده ز هر دو گروه ^{۲۶}

۱- ل (نیز آ): پیروزی از؛ درس، ل، ل، ل، ل، ل، ب ل ت های این بیت پس و پیش شده اند ۲- ف: گستم؛ متن = ل - س (نیز لن - ب)؛ بنداری: و حصلت به ثلثه فبادرها رستم بأصحابه ۳- س، ل، ل، س (نیز لن، لی، پ، ل، ل، آ، ب): جنگجوی؛ متن = ف، ل، ق (نیز ق، ل، ل، و) ۴- ف، س، ل، س (نیز لن، ق، ل، لی، پ، و، ل، آ، ب): هم آنکه به؛ متن = ل، ق (نیز ل، آ) ۵- ف (نیز لی، آ): که دیوار دز شد سراسر؛ س: کجا باره دز همه شد؛ متن = ل، س، ق، ل (نیز هفت دستنویس دیگر؛ ق، ل، آ، ب، ل، پ، ل، آ، ب: شارسنان) ۶- س (نیز لن، و، ب): شما ۷- ل: باشد ۸- ل: پیوند ۹- ف: [و] ۱۰- ل - س (نیز لن، ق، ل، پ، و، ل، آ، ب) همان از پی گنج (و: بوم) و پیوند (ل: فرزند) خویش؛ متن = ف (نیز لی، آ) ۱۱- ل، ق (نیز لی، ل، آ، آ): ببندیم (ق، لی، آ: ببندید) دامن یک اندر دگر؛ متن ← ۱۲- ل، ق (نیز لی، ل، آ، آ): نمائیم (ق، لی، آ: ممانید) بردشمنان بوم و بر؛ متن = ف، س، ل، ل، س (نیز ق، ل، پ، و، ل، آ، ب) ۱۳- ق: گردان: س (نیز ب): بیامد سپاهی؛ متن ← ۱۴- ل، ق (نیز ق، ل، آ، ب، و): گروهها گروه؛ متن = ف، ل، ل، س (نیز لی، ل، آ، آ) ۱۵- ل - س (نیز ق، ل، آ، ب، و، ل، آ، ب): بدان (ق، ل، آ، ب: بران) رخنه رفتند برسان کوه (س: یکسر گروه؛ ل، ل، آ، ب: گردان گروه؛ س: کردند گردان گروه)؛ متن = ف (نیز لی، آ) ۱۶- ف (نیز لن): وز؛ متن = س، ق، ل، آ، س (نیز لن - و، آ، ب) ۱۷- ل: شده لرز لرزان و دل؛ س، ل، ب پس از این بیت افزوده اند:

برستم بفرمود تا همچو کوه بیارد سپاهی همه همگروه

۱۸- س (نیز لن، ب): بیاورد رستم سوی کارزار ۱۹- ل، ق، س (نیز ل، آ، ب): نامدار؛ متن = ف، س، ل (نیز هفت دستنویس دیگر) ۲۰- ل، ق، ل، آ، س (نیز ق، ل، ل، آ، ب): که؛ متن = ف، س (نیز لن، لی، آ، ب) ۲۱- س (نیز لن، ب): پیاده همه؛ ل (نیز لن): همه نیزه ور؛ (لی، و، آ: بسی نیزه ور؛ ل: پس نیزه در؛ پ: بسی نامور)؛ متن = ف، ل، ق، س (نیز ق، ل، آ، ب، ل، آ، ب): تیغ و تیر ۲۳- س، ل، آ (نیز لن، ق، ل، ب): کمر؛ (ل، آ، لغت شهنامه، شماره ۱۲۰۰: سپر)؛ متن = ف، ل، ق، س (نیز لی، آ، ب، و) ۲۴- ف: نیزه در؛ س: یکدگر؛ (لی: نامور)؛ ل (نیز و): ز پس نیزه ور؛ ل: سوار ایستاده پس نیزه ور؛ (پ: سواران ستاده بسی نامور)؛ متن = س (نیز لن، ق، ل، آ، ب، لغت شهنامه)؛ ق این بیت را ندارد ۲۵- درق این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۲۶- ف، ل، س (نیز لن، ق، ل، آ، ب، لغت شهنامه)؛ (ق: پیاده بیامد بکردار کوه؛ متن = ل، آ، س (نیز لی، ل، آ، ب، ل، آ، ب) ۲۷- ق: گروهها گروه (ب)

- ۱۳۳۵ به رخنه درآورد یکسر سپاه
پیاده به باره برآمد چو^۲ گرد
نشان سپهدار ایران بنفش
به پیروزی شاه ایران سپاه
فراوان ز تورانیان^۴ کشته شد
- ۱۳۴۰ بدانگه کجا رزمشان شد درشت
چو کرسیوز و جهن رزم آزمای^۷
برادر یکی، پور فرخ دگر^۹
بدان شارستان^{۱۰} اندرآمد سپاه
به تاراج و کشتن نهادند روی
زن و کودکان بانگ برداشتند^{۱۵}
- ۱۳۴۵ چه مایه زن و کودکی نارسید
همه شهر توران گریزان چو باد
به زاری همه دیدگان پُر ز خون
زن و خویش^{۱۸} و فرزند گشته اسیر
به ایوان برآمد^{۲۰} پس^{۲۱} افراسیاب
برآن باره برشد که بُد کاخ اوی
دو بهره ز جنگاوران گشته دید
- دو تن رستم آورد ازیشان^۶ به مشت
که بُد تخت توران بدیشان^۸ به پای
چنین آمد از شوربختی به سر
چنان لشکری داغ دل^{۱۱} کینه خواه^{۱۲}
برآمد خروشیدن^{۱۳} های وهوی^{۱۴}
به ایرانیان جای بگذاشتند
که زیر بی پیل شد ناپدید
نیامد کسی را بروبوم یاد
شده^{۱۶} بخت گردانِ ترکان^{۱۷} نگون
ز گردون روان خسته و تن به تیر^{۱۹}
پُر از خون دل از درد و مژگان^{۲۲} پُر آب
بیامد سوی شارستان^{۲۳} کرد روی
دگر یکسر^{۲۴} از جنگ برگشته دید

۱- ف: نیک خواه؛ متن = ل - س^۲ (نیز لن - ب)؛ در ف، ل^۳ لت های این بیت پس و پیش شده اند ۲- ل، س، ق، ل^۲ (نیز ل^۲، پ، لن، آ، ب)؛ پیاده برآمد (ل، ل^۲، پ: بیامد) بکردار؛ (لن، ق، آ، و: بباره برآمد بکردار)؛ متن = ف، س^۲ (نیز ل، آ) ۳- ل - س^۲ (نیز لن - ب)؛ نگو سار؛ متن = ف؛ بنداری: فصعد رستم فی الثملة الی السور، و نکس رایة سوداء کانت علیه من رایات افراسیاب، و نصب علیه علم الملک کیخسرو ۴- ل، س، ق، س^۲ (نیز لن - ب)؛ توران سپه؛ متن = ف ۵- ل (نیز پ)؛ تورانیان گشته؛ س، ق، س^۲ (نیز لن - ل، آ، و - ب)؛ بخت آن کینه ور (ق: کینه گه) گشته؛ متن = ف؛ ل^۲ بیت های ۱۳۳۹-۱۳۴۳ را ندارد ۶- س، ق: زیشان ۷- س^۲: کار آزمای ۸- ق (نیز ل، ل^۲، پ، آ)؛ از ایشان ۹- ل، س، ق، س^۲ (نیز لن - پ، لن، آ، ب)؛ بود و فرخ (س، آ، ی، آ: دیگر) پسر؛ متن = ف (نیز و) ۱۰- ق (نیز ل، ل^۲، پ، لن، آ، ب)؛ شارسان ۱۱- ل: داغ دل لشکری؛ س^۲: جنگجو لشکری؛ متن = ف، ق (نیز ق^۲ - و، آ) ۱۲- س (نیز لن، آ، ب)؛ برآمد خروشیدن از رزمگاه؛ (لن: برآمد خروشی از ایوان شاه) ۱۳- س، ق (نیز پ، و، لن، آ)؛ خروشیدن و؛ متن = ۱۴- ل: های وهوی؛ ق (نیز و، لن، آ)؛ وهوی وهوی؛ متن = ف، ل، آ، س^۲ (نیز ق، ل، آ، ب) ۱۵- ف: خوار بگذاشتند (پساوند ندارد)؛ متن = ل - س^۲ (نیز لن - ب) ۱۶- ل: بشد؛ (ل: سرو) ۱۷- س، ق، س^۲ (نیز لن، ل، ب)؛ توران؛ متن = ف، ل، ل^۲ (نیز ق^۲)؛ در ل لت های این بیت پس و پیش شده اند ۱۸- ل، ق، ل، آ، س^۲ (نیز ق^۲ - لن، آ، ب)؛ گنج؛ س (نیز لن)؛ مرد؛ متن = ف (نیز ل، آ) ۱۹- (ق: زانده روان جوان گشت پیر) ۲۰- س (نیز لن، و)؛ در آمد ۲۱- س: از ایوان برون آمد ۲۲- ل (نیز ق^۲)؛ دیده؛ ق: دل و کرده مژگان؛ (پ: دل و هردو دیده)؛ متن = ف، س، ل، آ، س^۲ (نیز هفت دستنویس دیگر) ۲۳- ل، آ، س^۲ (نیز ل، ل^۲، پ، لن، آ، ب)؛ شارسان؛ ق این بیت را ندارد ۲۴- (و: بهره)

<p>ابر^۲ پشت پیلان تیره‌زنان همه^۴ پشتشان بر زمین ماندند^۵ همه آتش و غارت و^۹ باد دید^۸ چنان چون بود در سرای سپنج^{۱۱} بدان هول برگشتن^{۱۲} کارزار^{۱۳}، نه تخت و نه شاهی، نه تاج و کمر^{۱۵}، که چرخ فلک خیره^{۱۷} با من^{۱۸} چه کرد؟ که آمد^{۲۰} مرا کشتن و مرگ خوار همی داد تخت مهی را درود ایا روز شادی^{۲۴} و آرام و ناز! هش و رای او همچو مرغان پرید^{۲۵} یکی راه زیر زمین کرده بود که زیر دز اندر چن^{۲۷} راه بود بدان^{۲۹} راه بی راه شد ناپدید همه لشکرش^{۳۲} مانده^{۳۳} اندر شگفت</p>	<p>خروش سواران و بانگ زنان^۱ همی پیل بر زندگان^۳ راندند همه شارسنان^۶ بانگ^۷ و فریاد دید^۸ یکی شاد و دیگر پُر از درد و رنج^{۱۰} چو افراسیاب آن چنان دید کار نه پور^{۱۴} و برادر، نه بوم و نه بر همی گفت یک^{۱۶} دل پُر از داغ و درد بدیدم به دیده^{۱۹} همان روزگار پُر از^{۲۱} درد از آن باره آمد فرود همی گفت: کی^{۲۲} بینمت نیز^{۲۳} باز و ز آنجایکه خیره شد ناپدید در^{۲۶} ایوان که در دز برآورده بود که از لشکرش کس نه آگاه بود از آن نامداران دو^{۲۸} صد برگزید و ز آن روی^{۳۰} راه^{۳۱} بیابان گرفت</p>	<p>۱۳۵۵ ۱۳۶۰ ۱۳۶۵</p>
--	---	-------------------------------

۱- س، ل، ن (نیز، ل، ی، ل، آ، ن): سران؛ متن = ف، ل، ق، س، آ (نیز، ق، ب، و، آ، ب) ۲- ل، س، ل، س، آ (نیز، ل، پ، ل، ن، آ، ب): هم از؛ ق (نیز، آ، ل، آ): بران؛ (ل: بدان)؛ متن = ف (نیز) ۳- س، ل، آ (نیز، ل، ی، ل، ن، آ، ب): کشتگان؛ متن = ف، ل، ق، س، آ (نیز، آ، ب، آ) ۴- ل، س، آ (نیز، ل، پ، ل، ن، آ، ب): همی؛ متن = ف (نیز، ل، ق، آ) ۵- س: راندند (!)؛ بنداری (۱۳۵۴-۱۳۵۵): فارتفع بها ضحیح الرجال و صیاح النساء، و جعلت القبلة تدوسهم بأخفافها و تحفظهم بخراطیمها و أنیاها ۶- ق، ل (نیز، ل، پ، ل، ن، آ، ب): شارسنان ۷- ل، ق، ل (نیز، ل، ی، ل، آ، ب، آ، ب): دود؛ س (نیز، ل، ن): درد؛ س: همه شهر پر دود؛ متن = ف (نیز، ق، آ، و) ۸- س: خاست؛ ل (نیز، ل، ق، ل، آ، و، ل، ن، آ، ب): بود؛ متن = ف، ل، ق، س، آ (نیز، ل، پ، آ) ۹- ل (نیز، پ): همان کشتن و غارت و؛ س: همه آتش و آب و هم؛ ق (نیز، ل، آ، آ): همه غارت و کشتن و؛ ل (نیز، ل، ق، آ، و، ل، ن، آ، ب): همه غارت و آتش و؛ متن = ف، س، آ ۱۰- س، آ: رنج و درد ۱۱- ل (نیز، ل): رسم و رای سپنج؛ ق: رای جای سپنج؛ س: رسم و راه نبرد؛ (ل، و: چنین (ل: همین) است رسم سرای سپنج)؛ متن = ف، س، ل، آ (نیز، ل، ق، آ، ب، ل، ن، آ، ب)؛ برخی از دستنویس‌ها در اینجا سرنویس دارند، س: هزیمت شدن افراسیاب و تورانیان از شاه کیخسرو؛ ق: گریختن افراسیاب از بهشت کنگ و آمدن اهل حرم او نزد شاه؛ س: هزیمت شدن افراسیاب از کنگ دز ۱۲- ل، س، ل، آ (نیز، ل، پ، ل، ن، آ، ب): چنان هول (پ: مرگ) و برگشتن؛ ق (نیز، ل، آ): پراز هول برگشت از؛ (ق: آ: بران هول برگشتن؛ و: بدان هول برگشت از آن)؛ متن = ف، س، آ (نیز، ل، آ) ۱۳- (ق، آ، ل، ی، پ، آ: روزگار) ۱۴- س، ل، آ، س، آ (نیز، ل، پ، ل، ن، آ، ب): جهن؛ متن = ف، ل، ق، ل، ق (نیز، ق، ل، ی، ل، آ، و، آ) ۱۵- ل: نه تاج و نه گنج و نه تخت و کمر ۱۶- ل (نیز، پ، و): با؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س، آ (نیز، هفت دستنویس دیگر) ۱۷- ق (نیز، ل، آ، و، آ): بین که؛ (ق: آ: که افراشته چرخ) ۱۸- س، ل، آ، س، آ (نیز، ل، ق، آ، ل، ل، ن، آ، ب): ما؛ متن = ف، ل، ق (نیز، پ، و) ۱۹- ل، س، آ (نیز، ل، ق، آ، ل، ی، پ، و، ل، ن، آ): بدیده بدیدم؛ متن = ف (نیز، ل، آ، ب) ۲۰- ف: خوش (؟)؛ متن = ل، س، آ (نیز، ل، ب) ۲۱- س: بران ۲۲- س: گر ۲۳- ق: کی بو که بینمت ۲۴- س، ل، آ (نیز، ل، ن، آ، ب): خوشی ۲۵- ل: توگفتی چو مرغان همی بر پرید؛ متن = ف، س، ل، آ، س، آ (نیز، ل، ب)؛ ق این بیت را ندارد ۲۶- س: به؛ س: وز ۲۷- س، ق، ل، آ، س، آ (نیز، ق، ل، آ، ب، و، ل، ن، آ، ب): چنان؛ (ل: یکسی)؛ متن = ف، ل، ل، ن، آ این بیت را ندارند ۲۸- ق: سه ۲۹- ل، ل، آ: بران؛ (پ: وزان) ۳۰- ل، س: جای؛ متن = ف، ق، س، آ (نیز، ق، ل، ی، ل، آ، و، آ) ۳۱- ل، آ (نیز، ل، ن، آ، ب): از آنجا بیامد ۳۲- ل، س، آ (نیز، ق، ل، آ، ب، و، ل، ن، آ، ب): کشورش؛ متن = ف (نیز، ل، آ) ۳۳- ل: ماند (آ)

نشانی ندادش کس اندر جهان
 چو کیخسرو آمد به^۳ ایوان اوی^۴
 ابر^۶ تخت زرینش بنشست شاه
 فراوان بجستند^۷، جایی نشان
 ز کرسیوز و جهن پرسید شاه
 که چون رفت و آرامگاهش کجاست؟
 ز هرگونه گفتند و خسرو شنید
 به ایرانیان گفت پیروزشاه
 ز گیتی برو^{۱۴} نام و کام^{۱۵} اندکی ست
 ز لشکر گزین کرد پس بخردان
 بدیشان^{۱۸} چنین گفت کاباد باد^{۱۹}
 دز و^{۲۲} گنج این ترک شوریده بخت
 نباید که بر کاخ افراسیاب
 هم آواز پوشیده رویان اوی^{۲۶}
 نگهبان فرستاد سوی گله
 ز خویشان او^{۳۰} کس نیازد شاه
 چو زان گونه دیدند گردان^{۳۱} اوی^{۳۲}

۱۳۷۰
 ۱۳۷۵
 ۱۳۸۰

برین^۱ گونه آواره شد ناگهان^۲
 به پای^۵ اندر آورد کیوان اوی^۴
 به جستش بر کرد^۷ هر سو سپاه^۸
 نیامد ز سالار گردن کشان
 ز کار سپهدار توران سپاه^{۱۰}
 نهان گشته از ایدر^{۱۱} پناهش کجاست؟
 نیامده می روشنایی^{۱۲} پدید
 که دشمن چو^{۱۳} آواره گردد ز گاه،
 ورا مرگ با زندگانی یکی ست
 جهان دیده و رای زن^{۱۶} موبدان^{۱۷}
 شما را تن و، دل^{۲۰} پُر از^{۲۱} داد باد^{۱۹}!
 شما را سپردم^{۲۳}، بکوشید^{۲۴} سخت
 بتابد ز چرخ بلند^{۲۵} آفتاب
 نخواهم که آید ز پرده^{۲۷} به کوی^{۲۸}
 که بودند بر گرد دزیر^{۲۹} یله
 چنان چون بود درخور پیشگاه
 سپه شد سراسر پُر از گفت و گوی^{۳۳}

۱- ل، س، ق، ل (نیز پ، و، آ): بدان؛ س (نیز ل، ل، ل): بدین؛ (ق، ل، ن، ب: بران): متن = ف ۲- ل، ق (نیز ل، و): در نهان: (ل، ل): در جهان: متن = ف، س، ل، آ، س (نیز ق، آ، پ، ل، ن، آ، ب) ۳- ل (نیز و): در ۴- ل، س: او ۵- ف، ل: پا؛ متن = س، ق، ل، آ، س (نیز ل، ب) ۶- س: بر ۷- ق: برون کرد؛ (و: فرمود؛ ل: بجستن گرفتند؛ ق: بجستن گرفتش ز؛ آ: بجستن فرستاد): متن = ف، ل، س (نیز ل، پ، ل، ن، آ، ب) ۸- ل، ل، آ، س: ز کار سپهدار (س: ز کردار سالار) توران سپاه (= ۱۳۷۲ ب) ۹- س، ق، ل (نیز ل، ق، ل، ل، ن، آ، ب): بجستند و؛ متن = ف، ل (نیز ل، پ): س، آ، و این بیت را ندارند ۱۰- ل: کجا بودشان جایگاه پناه: (ل، ن، آ، ب: که چون شد کجا یافت) ۱۱- ل، س: ز ایدر؛ ق، س (نیز ق، و، آ): گشت از (ل: ز) ایدر؛ متن = ف: س، ل، ل، ن، ل، ن، آ، ب این بیت را ندارند، ولی درس آنرا در کناره افزوده اند ۱۲- س (نیز ب): هیچ جایی؛ ق (نیز ل، ل، پ، ل، ن، آ): زو نشانی (→ روشنایی؟): متن = ف، ل، ل، آ، س (نیز ل، ق، و): روشنایی (→ زو نشانی؟) ۱۳- ل (نیز ل): که ۱۴- ق: بدو؛ س: ورا ۱۵- ف: کام و نام؛ متن = ل- س (نیز ل- ب) ۱۶- ل، ق (نیز ل، پ، آ): کاربین؛ س: هوش ور؛ (ل: نامور): متن = ۱۷- (ل، ن، و: کار کرده ردان): س، ل (نیز ق، آ، ل، ن، آ، ب): جهان گشته و کار دیده ردان (ب: گوان): متن = ف: بنداری: فاستدعی الموابذة والتفات ۱۸- س: بریشان ۱۹- ل: بید؛ س: بود؛ متن = ف، ق، ل، آ، س (نیز ل- ب) ۲۰- س، ل (نیز ل، ل، ن، آ، ب): همه دل؛ ق: سرو دل؛ س: دل و دین؛ (ل، و، آ: دل و جان): متن = ف (نیز ق، ل، ل، آ، ب) ۲۱- ل: همیشه بهر کار با ۲۲- ل- س (نیز ل، ق، آ، ل، آ، پ، و، ل، ن، آ، ب): در؛ متن = ف (نیز آ): بنداری: و جعلهم علی خزائن افراسیاب ۲۳- س (نیز ل، آ): سپردم شما را ۲۴- (آ: مکوشید): متن = ف- س (نیز ل، ق، آ، ل، آ، پ، و، ل، ن، آ، ب): بکوشید (→ مکوشید؟) ۲۵- س، ل (نیز ل، ل، ن، آ، ب): برین؛ ق: سپهر؛ متن = ف، ل، س (نیز ق، و، آ) ۲۶- ق: او ۲۷- ل، س (نیز ق، آ، ب): ایوان؛ متن = ف، ق، ل، آ، س (نیز ل، ل، ل، آ) ۲۸- ق: بکو ۲۹- ل- س (نیز ل- ب): بودند گرد (ل: سوی) دز اندر؛ متن = ف ۳۰- ف: خود (؟): متن = ل- س (نیز ل- ب) ۳۱- ق: گفتار؛ ل (نیز ل- ب، ل، ن، آ، ب): کردار؛ متن = ف، ل، س، س (نیز و) ۳۲- ق: او ۳۳- ل: گفت گوی؛ ق: گفتگو

<p>۱۳۸۵ که کیخسرو ایدون^۱ بدان^۲ سان شده است همی یاد نایدش خونِ پدر همان مادرش را که از تخت و گاه شبان پروریده است و از^۶ گوسپند^۷ چرا چون پلنگان به چنگالِ تیز^{۱۱} فرود آورد کاخ و ایوان^{۱۲} اوی^{۱۳} ز گفتار ایرانیان پس خبر^{۱۵} فرستاد^{۱۷} بس^{۱۸} بخردان را بخواند که هر جای تندی نباید^{۲۰} نمود همان به که با کینه داد آوریم که نیکی ست^{۲۴} اندر جهان یادگار همین چرخ گردنده با هر کسی</p>	<p>که گویی سوی باب^۳ مهمان شده است بریده به خیره^۴ به بیداد سر ز پرده کشیدش به یکسو^۵ به راه مژیده است^۸ شیر این شه بی‌گزند^۹ نینگیزد از خان^{۱۱} او رستخیز برانگیزد آتش ز خویشان^{۱۴} اوی^{۱۳} به کیخسرو آمد همه دربه در^{۱۶} بسی^{۱۹} داستان پیش ایشان براند سر بی‌خرد را نشاید^{۲۱} ستود^{۲۲} به کام^{۲۳} اندرون نام یاد آوریم نماند به کس جاودان روزگار تواند جفا گستریدن بسی</p>
<p>۱۳۹۰ ۱۳۹۵ ۱۴۰۰</p>	<p>۱۳۸۵ ۱۳۹۰ ۱۳۹۵ ۱۴۰۰</p>

<p>که آرند پوشیدگان را نهان کسی کو نیامد ز پرده^{۲۸} به کوی پُر از کین سوی کاخ بشتافتند که خسرو بریشان سر آرد^{۲۹} زمان</p>	<p>وُزان^{۲۵} پس بفرمود شاه جهان همه^{۲۶} دختِ شاهان و^{۲۷} پوشیده روی چو ایرانیان آگهی یافتند بر آن گونه بردند گردان گمان</p>
---	--

۱- ل-س^۱ (نیز لن، لی-ب): ایدر؛ متن = ف (نیز ق^۱) ۲- ف: بدین؛ س، ل^۱ (نیز لن، لن، ب): بران؛ متن = ل، ق، س^۱ (نیز ق، آ، لی، ل، پ، آ) ۳- ف: ... کاخ (واژه نخستین پاک شده است)؛ (لی: سوی یار؛ پ: بر باب)؛ متن = ل-س^۱ (نیز هفت دستنویس دیگر)؛ بنداری: کآن کیخسرو جاء الی ضیافه آبیہ ۴- س، ل، س^۱ (نیز لن، لی، ل، آ، ب): بخنجر (→ بخیره؟)؛ (ق^۱: بسختی)؛ ل (نیز پ): بخیره بریده؛ متن = ف، ق (نیز و): بخیره (→ بخنجر؟) ۵- ل (نیز ل^۱): کشیدند یکسو؛ س، ق (نیز لن، ب): بگیسو کشیدش؛ ل^۱: کشید او ز گیسو؛ س^۱ (نیز پ): کشیدند یکسر؛ (لن: بگیسو کشیدش ز پرده؛ ق^۱: کجا میکشیدند یکسو؛ آ: برهنه کشیدند ترکان)؛ متن = ف (نیز و) ۶- ف، ل، ق، ل، س^۱: وز؛ متن = س ۷- ف، ل، ق، ل^۱ (نیز لن-ب): گوسفند؛ متن = س، ل، س^۱ ۸- ل، س، ق، ل^۱ (نیز لن، ق، آ، لی، ب-ب): مزیدست؛ س^۱ (نیز ل^۱): مکیدست؛ متن = ف ۹- ل: هوشمند؛ متن = ف، س، ق، ل، س^۱ (نیز لن-ب) ۱۰- ق: چنان چون بزرگان بچنگ و ستیز ۱۱- ف: حان (حرف یکم نقطه ندارد)؛ س، ل، س^۱ (نیز ق، آ، لن، آ): جان؛ متن = ل، ق (نیز لن، ل، آ، ب، و، ب) ۱۲- (ق^۱: میدان) ۱۳- ل، س: او ۱۴- ل، ق (نیز پ، و): کیوان؛ (ق^۱: ایوان؛ لی: جولان)؛ متن = ف، س، ل، س^۱ (نیز لن، ل، آ، ب): بنداری؛ ولا یهدم القصر والایوان، ولا یطرح فی مساکن عدوه النیران ۱۵- ق (نیز لی، آ): دربدر ۱۶- ق (نیز لی، آ): هم آنگه خبر ۱۷- س^۱: فرستاد و ۱۸- ل، س، ق، ل^۱ (نیز لن، ل، آ، ب): کس؛ (و: پس؛ آ: و مسر)؛ متن = ف، س^۱ (نیز ق^۱) ۱۹- ف: پس آن؛ متن = ل-س^۱ (نیز لن-ب) ۲۰- ق (نیز لن، لی، آ): نشاید ۲۱- ق (نیز پ): نباید؛ س، ل^۱ (نیز لن، لن، ب): بسی (لن: کسی) بی‌خرد را نباید؛ متن = ف، ل، س^۱ (نیز ق، آ، لی، و، آ) ۲۲- س^۱: درود ۲۳- س، ل^۱ (نیز لن، ب): بگناه ۲۴- س، ل^۱ (نیز لن، لن، ب): نسام است ۲۵- ل: از آن ۲۶- ق (نیز لی، آ): همان ۲۷- س، ل، س^۱ (نیز لن، لی، ل، آ، ب، آ، ب): [و]؛ (ق، و): همان (و: همه) دختر شاه؛ متن = ف، ق ۲۸- س (نیز ب): ز ایوان نیامد؛ (ق^۱: نیامد از ایوان؛ لی، آ: که کس شان ندیدی ز پرده)؛ متن = ف، ق، ل، س^۱ (نیز لن، ل، آ، ب، و، لن^۱)؛ ل: این بیت را ندارد ۲۹- ل-س^۱ (نیز لن-ب): سرآرد بریشان (لن، ل، آ: بدیشان)؛ متن = ف؛ ل در اینجا سرنویس دارد؛ نشستن کیخسرو بر تخت افراسیاب

به خواری همی بردشان^۱ خواستند
از^۲ ایوان برآمد به کیوان^۳ خروش
تو دانی که ما سخت بیچاره‌یم
بر شاه شد مهتر بانوان
پرستنده‌یی^۵ پیش هر دختری
چو خورشید تابان ازیشان گهر
همه^۷ جام زرین گرفته به دست
پُر از^۹ مُشک و یاقوت و زر و گهر^{۱۰}
به یک دست میجر، به یک دست جام
تو گفتی که کیوان ز چرخ برین
مه^{۱۲} بانوان شد بنزدیکِ تخت
همان^{۱۳} پروریده بتان طراز^{۱۴}
همه یکسره زار بگریستند
کسی کون دیده‌ست جز^{۱۸} کام و ناز

۱۴۰۵
۱۴۱۰

به تاراج و کشتن بیاراستند
که شاهها به بیداد چندین مکوش!^۱
نه بر جای خواری و بیچاره‌یم
ابا دختران اندرآمد نوان
ز یاقوت بر هر سری افسری
برآن بافته جامه‌های به زر^۶
— همه دل ز هول^۸ شهنشاه پست —
به پیش اندرافکنده از شرم سر^{۱۱}
برافروخته عنبر و عود خام
ستاره فشاند همی بر زمین
ابر شهریار آفرین کرد سخت
برآن^{۱۵} گونه بردند پیشش نماز
بدان^{۱۶} زارواری^{۱۷} همی زیستند
بروبر بیخشای روز نیاز

۱- ل، س (نیز ل): نزدشان؛ متن = ف، ق، ل، آ، س^۱ (نیز هشت دستنویس دیگر): بردشان (= برده‌شان؟)، ولی در ف، س^۲ به پیش
یکم) ۲- ف، ل، ق، ل، آ: ز؛ متن = س، س، س^۳ (نیز ل، آ، س، ق، ل، آ، ب): بزاری؛ ل (نیز ق، آ، ب): بزاری برآمد؛
لی: برآمد ز ایوان بزاری؛ متن = ف ۴- ل، س^۴ (نیز ل، ب): که ای دادگر شاه (ل، ل، ل، ن، آ: مرد) بسیار (ق: بازار) هوش؛ متن =
ف ۵- ل، س، ق، ل، آ (نیز ل، ب): پرستنده صد (ق، ل، ن: در؛ ق، ل، آ، و: شد؛ لی، پ، آ: بد)؛ متن = ف، س، آ؛ ل در اینجا سرنویس
دارد: آمدن دختران افراسیاب نزد کیخسرو ۶- ل، س^۶ (نیز ق، و): به پیش اندرافکنده از شرم سر (= ۱۴۰۸)؛ متن = ف، س، ل، آ (نیز
ل، ل، آ، پ، ل، ن، آ، ب): ق، لی، آ این بیت را ندارند؛ ل، و ۱۴۰۶- ۱۴۰۸ آ را انداخته و از ۱۴۰۶ و ۱۴۰۸ ب یک بیت ساخته‌اند ۷-
ل، آ (نیز ل، آ، ب): همان ۸- س (نیز ل، ب): بی؛ س^۸: سوگ؛ (ل، ن: نیش؛ ق، آ: همه سر ز شرم)؛ متن = ف، ل، آ (نیز ل، آ، ب): ل، ق،
و، آ این بیت را ندارند؛ در س^۸ بیت‌های ۱۴۰۷ و ۱۴۰۸ پس از بیت ۱۴۱۰ آمده‌اند ۹- ل، آ: بدان؛ متن = ۱۰- ف: بزرو به
یاقوت و مشک و گهر؛ ق (نیز ل، آ): به چهره چو خورشید با زیب و فر؛ (پ: پر از زر و یاقوت و مشک و گهر)؛ متن = س، ل، آ، س^{۱۰} (نیز ل،
ق، آ، ل، ن، آ، ب) ۱۱- س^{۱۱} (نیز ق، آ): بران بافته جامه‌های بزر (= ۱۴۰۶)؛ ل، و، آ این بیت را ندارند (= ۱۴۰۶)؛ بنداری
(۱۴۰۴-۱۴۰۹): فدخلت علیه زوجته، و كانت ملكة نساء توران، ومعها بناتها الأبقار كأنهن الأفار، و علی رءوسهن أكاليل البياقوت، و بأيديهن
أطباق من المذهب مملوءة بالمسك والعنبر، و هن نواكس الأبصار خواضع الأعناق هيبة له؛ ف پس از بیت ۱۴۰۹ سرنویس دارد: گفتار اندرزاری
کردن دختران و خویشان افراسیاب که از قلعه آورده بودند و رحمت فرمودن شاه و شفقت نمودن ۱۲- س، ل، آ، س^{۱۲} (نیز ل، ل، آ، ب): سر؛
ل، آ: شه)؛ متن = ف، ل، ق (نیز ق، آ، لی، پ، و، آ) ۱۳- ف، س (نیز ق، آ، و): همه؛ متن = ل، ق، ل، آ، س^{۱۳} (نیز هفت دستنویس
دیگر) ۱۴- س، س^{۱۴} (نیز ل، پ، و، ل، ن، آ، ب): بناز؛ (ق: بتان را بناز)؛ ل، آ: پرورانیده بتان بناز (!)؛ متن = ف، ل، ق
(نیز ل، آ، ب) ۱۵- ل: برین؛ (لی، و: بدان) ۱۶- س، س^{۱۶}: بران ۱۷- ل، س، ق، س^{۱۷} (نیز ق، آ، لی، پ، و، آ): شوربختی؛
ل، آ، ل، ن، آ، ب این بیت را ندارند؛ در س^{۱۷} بیت‌های ۱۴۱۳-۱۴۱۵ درهم ریخته‌اند: ۱۴۱۳، ۱۴۱۴، ۱۴۱۳ و پس از آن افزوده
است:

چنین گفت پس مهتر بانوان

کای نامور شهریار جوان

۱۸- ف، س، ل، آ، س^{۱۸} (نیز ل، پ، ل، ن، آ، ب): نبیند جز از (ف: بجز)؛ متن = ل، ق (نیز ق، آ، لی، و، آ)

<p>۱۴۱۵ همی خواندند آفرینی به درد چه نیکو بُدی گر ز توران زمین تو ایدون^۱ به جشن و خرام آمدی، برین بوم ما شاه و هم کدخدای^۲، سیاوش نگشتی به خیره تبا^۳؛ ۱۴۲۰ چنان کرد بدگوهر افراسیاب همی^{۱۳} دادمش پند سودش^{۱۴} نداشت گوا^{۱۵} من ست آفریننده ام دگر نامور جَهَن^{۱۷} پیوند تو ز بهر سیاوش که در خانِ من ۱۴۲۵ که افراسیاب آن بدانیش مرد بدان تا چُنین روزش آمد^{۲۲} به سر به تاراج داده کلاه و کمر^{۲۴} چنان زندگی بتر از^{۲۶} مرگ اوست</p>	<p>که ای نیک دل خسرو^۱ زادمرد^۲ نبودی به دلت اندرون درد و^۳ کین، ز شاهت^۵ درود و پیام^۶ آمدی، به تختِ نیا گرد کرده دو پای^۸، ولیکن^{۱۰} چُنین گشت^{۱۱} خورشید^{۱۲} و ماه که پیش تو پوزش نیند به خواب به خیره همی سر ز پندم بگاشت که بارید خون از دو بیننده ام^{۱۶} که ساید دو پایش همی^{۱۸} بند تو چه تیمار بُد بر دل و جانِ من^{۱۹} بسی^{۲۰} پند بشنید و سودش^{۲۱} نکرد شده^{۲۳} پادشاهیش زیر و زیر شده روز تار و نگون گشته سر^{۲۵} خُک آنک بر تن بدر دَش پوست^{۲۷}!</p>
--	---

۱- س، ل، ۲ (نیز لن، پ، ل، ن، ب): نیک پی خسرو؛ ق: شاه و کیخسرو؛ (ق، آ، ل): شاه نیک اختر؛ ل، آ: شاه رد خسرو؛ متن = ف، ل، س، ۲ - ۲- ل، ق، س، ۲ (نیز لن، پ): رادمرد؛ متن = ف، س، ل، ۲ (نیز ق، ل، ل، آ، ل، ن، آ، ب) ۳- ل: ایچ؛ (ق، آ: خشم و؛ ل، آ: رنج و) ۴- ل، ل، س، ۱ (نیز لن، ق، آ، ل، ی، پ، ب): ایدر؛ (ل: بتوران)؛ متن = ف ۵- ل، ل، س، ل، آ، س، ۱ (نیز لن، ق، آ، ل، آ، پ، و، ل، ن، ب): شاهان؛ متن = ف، ق (نیز ل، آ) ۶- (پ، و: سلام) ۷- ف: برین خانه اکنون تویی کدخدای؛ ل (نیز ل، آ، پ): برین بوم و بر (پ: بوم ما) نیست خود (آ: نیستی) کدخدای؛ ق: برین بوم ما بر شدی کدخدای؛ س، ۲: برین بوم و برگرد کردی تو پای؛ متن = س، ل، ۲ (نیز لن، ق، آ، ل، ی، و، ل، ن، آ، ب) ۸- ف: اندر آورده پای؛ ل (نیز ل، آ، پ): برنهادی تو پای؛ ق (نیز آ): برنهاده دو پای؛ ل، ۲: گرد کردی دو پای؛ س، ۲: همچنو کدخدای؛ متن = س (نیز لن، ق، آ، ل، و، ل، ن، آ، ب): در ف این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است؛ پیاپی بیت های متن = ل، ل، س، ۲ (نیز لن، ب)؛ بنداری (۱۴۱۶-۱۴۱۹): ما احسن ما کان یکون لوقدمت انی ممالک توران و أنت غیر موتور و لم یکن سیاوش مقتولا، ولکن قضی اللہ امرآ کان مفعولا. ۹- س، ل، ۲ (نیز لن، ل، ن، آ، ب): سیاوش که شد کشته بر بی گناه؛ ق (نیز ل، ل، آ، و، آ): سیاوش بخیره نگشتی تبا؛ متن = ف، ل، س، ۱ (نیز ق، آ، ب) ۱۰- ف: ولکن ۱۱- س، ۲: رفت؛ (ل: است؛ ق: خواست) ۱۲- ف: خورشید؛ در س، ل، آ، س، ل، ن، ل، ن، ب، ل، ت های این بیت پس و پیش شده اند ۱۳- ل: بسی ۱۴- ل، س، ق، ل، ۲ (نیز ق، آ، ل، آ، پ، ل، ن، آ، ب): و سودی؛ س، ۱ (نیز لن، ل، ی، و): سودی؛ متن = ف ۱۵- س (نیز ل، پ، آ، ب): گواه ۱۶- س (نیز ب): خواب از دیده ام ۱۷- ل: چو کرسیوز و جهن؛ س، ق، س، ۱ (نیز ق، آ، ل، آ، و، ل، ن، آ، ب): دگر (ق: همان؛ ل: مگر) بر زمین (پور من؟) جهن؛ (پ: دگر پور من جهن - بنداری)؛ متن = ف (نیز ل، آ): بنداری؛ و کذلک ولدی جهن أسیرک و قریبک ۱۸- ل: بزاری کنون؛ س، س، ۱ (نیز ق، آ، ل، ی، و، ل، ن، آ، ب): بزاری همی؛ ق: همی هر زمان؛ (پ: بخواری همی)؛ متن = ف؛ ل، ل، ن، این بیت را ندارند ۱۹- س، ۲: در دل انجمن ۲۰- س، ۲: همی ۲۱- ف (نیز ل، و، ل، ن، آ): سودی؛ متن = ل، ل، س، ۱ (نیز لن، ق، آ، ل، آ، ب، آ، ب) ۲۲- ل: آید ۲۳- ل، ل، س، ق، ل، ۲ (نیز ل، ل، ن، آ، ب): شود؛ (ل: بشد؛ ق: کجا؛ و: شد این)؛ متن = ف، س، ۲ (نیز پ، آ) ۲۴- (ب: کلاه مهی) ۲۵- س، ۲: نگون کرده سر؛ ل: روز او تار و برگشته سر؛ (ل، آ: تاره روز نگون کرده سر؛ ل، ۲: زور بازو نگون گشته سر؛ ل، ۲: بید روز گارش نگون سر بسر؛ ب: ازو گشت برگشته روز بهی)؛ متن = ف، س، ق، ل، ۲ (نیز لن، ق، آ، ب) ۲۶- ل، ل، ق: چنن زندگانی همی (ق: ترا)؛ متن = ف، س، ل، آ، س، ۱ (نیز لن، ق، آ، ل، ی، پ، ب) ۲۷- ل، ل، ق، س، ۱ (نیز ق، آ، ل، ی، پ، آ): شگفت آنک بر تن ندر دَش (ق، آ: ندرید) پوست؛ س، ل، ۲ (نیز لن، ل، ن، آ، ب): زمانه بدرید بر تنش پوست؛ متن = ف

- کنون ازدرا بی‌گناهان به ما
همه^۳ پاک پیوسته‌ی خسرویم
۱۴۳۰
زه بد کردنِ جادو و افراسیاب
به خواری، به^۶ زخم و به خون ریختن
که از شهریاران سزاوار نیست
ترا^۸ شهریارا جزینست جای^۹
همان کن، چو^{۱۱} پرسد ز تو^{۱۲} کردگار
۱۴۳۵
- نگه کن به^۲ آیین شاهان به ما
جز از^۴ نام او در جهان نشویم
نگیرد برین بی‌گناهان شتاب،
چه بر^۷ بی‌گنه خیره آویختن
بریدن سری کان گنهکار نیست
نماند کس اندر^{۱۰} سپنجی سرای
نیچی تو سر زان به^{۱۳} روز شمار^{۱۴}
- چو بشنید خسرو ببخشد^{۱۵} سخت
از آن درد پوشیده رویان و داغ^{۱۸}
بپیچید دل بخردان را ز درد
همی خواندند آفرین^{۲۲} بزرگ
۱۴۴۰
کزیشان شه نامبردار کین
چنین گفت کیخسرو هوشمند
نیاریم کس را همان^{۲۵} بد به روی
چو از کار آن نامدار بلند
که بد کرد با پُرهنر^{۳۰} مادرم
- بر آن^{۱۶} خوب رویان برگشته بخت^{۱۷}
شده لعل^{۱۹} رخسارشان^{۲۰} چون چراغ،
ز فرزند و زن^{۲۱} هر کسی یاد کرد
سرانِ سپه، مهترانِ سترگ،
نخواهد، ز بهر جهان آفرین^{۲۳}
که هر چیز کان نیست ما را پسند^{۲۴}،
اگر^{۲۶} چند باشد جگر^{۲۷} کینه جوی
بر اندیشه مانم^{۲۸} نیاید^{۲۹} پسند،
کسی را همان^{۳۱} بد به سر ناورم

۱- ل: از بی؛ س، ق، ل، ل، س (نیز ل-ب): از ره؛ متن = ف ۲- ل، س (نیز پ، و، ب): بر؛ متن = ف، ق، ل، ل، س (نیز ل، ق، ل، ل، ل، ل، ل، آ) ۳- (ل، آ: کجا) ۴- ف (نیز ل): بجز؛ متن = ل-س (نیز ل، ق، ل، ل-ب) ۵- ل، س، ق، ل، ل (نیز ل، ق، ل، ل، پ، و، ل، ل، ب): به؛ متن = ف، س (نیز ل، آ) ۶- ل (نیز ل، ل): [به]؛ س، ق، ل، ل، س (نیز ل، ل، ل، آ، ب): و؛ متن = ف ۷- س، س (نیز ق، ل، ب): با ۸- ق (نیز ل، ل): مرا؛ (ل، ل): مکن ۹- ق (نیز ل، ل، ب): رای ۱۰- ل، ف، ل (نیز ق، ل، ل، پ، آ): کسی در؛ (ل: نماند بکس این)؛ متن = س، ق، ل، ل، س (نیز ل، ل، ل، ل، ل، ل، ل، آ، ب): که؛ متن = ف ۱۲- (ل: گر پرسد؛ ق: بگیتی چنان زی که از) ۱۳- ل-س (نیز ل-ب، ل، ل، آ، ب): نیچی سراز (ل، پ): از آن؛ ل: توازه؛ س: بدان) شرم؛ متن = ف ۱۴- (ل: پروردگار) ۱۵- ف، س (نیز ل، ل، ل، ل، ل، آ، ب): بپیچید (؟): ق، س: بپخشید؛ متن = ل، ل (نیز ق، ل، پ، و) ۱۶- س: از آن؛ س (نیز ل، ل، ل): بدان ۱۷- (ل: که بوده بخت) ۱۸- ل، ق (نیز ل، ل، آ): که پوشیده رویان از آن (ل: بدان) درد و داغ؛ متن = ف، س، ل، ل، س (نیز ل، ق، ل، پ، و، ل، ل، ب) ۱۹- ف: زرد (؟): متن = ل-س (نیز ل-ب) ۲۰- ل، س، ل (نیز ل، ل، ل، آ، ب): رخسارگان؛ (ق: رخسار او)؛ متن = ف، ل، ق، س (نیز ل، ل، پ، و، ل، ل، ل): درس لت‌های این بیت پس و پیش شده‌اند ۲۱- س، ل (نیز ل، ل، ل، آ، ب): فرزند خود؛ (ق: فرزند واز) ۲۲- ل، ق، س (نیز ل، ل، و، آ): آفرینی ۲۳- س: پس از این بیت افزوده است:

بفرمود خسرو بسایران‌یان

که تا بازگشتند جنگ‌اوران

۲۴- ق: مرا گزند (در بالا به پسند تصحیح کرده است) ۲۵- س (نیز ب): همی ۲۶- ل، س، ل (نیز ل، ق، ل، پ، و، ل، ل، ب): وگر؛ متن = ف، س (نیز ل) ۲۷- س، ل (نیز ل، ل، و، ل، ل، ب): دل؛ (ق: روان)؛ متن = ف، ل، س (نیز ب): ق، ل، آ این بیت را ندارند ۲۸- ل (نیز ل، ل، آ، ب): بر اندیشم اینم؛ س، ل، ل (نیز ل، و، ل، ل، آ، ب): بر اندیشم آتم؛ متن = ف ۲۹- ق: بر اندیشم از عقل ناید ۳۰- س: با من ابا ۳۱- ق: چنان

<p>چنان پاک زاده جهان کدخدای ز گوینده گفتار بد مشنویدا^۱ مرا بی وفایی و بدخیم^۲ نیست چو خواهد زمانش نباشد^۳ بسی به یزدان سپرده^۴ تن و جان^۵ خویش به ما داد^۶ بوم و بر و^۷ تاج و تخت شماراست ایران سرای نشست^۸ به مهر اندرین کشور^۹ افسون کنید ز خون ریختن گرد^{۱۰} کشور گلست بر آن گنج دادن^{۱۱} سپاسی نهم چو دیدید^{۱۲} سرما بهار آورید کم یکسر از گنج^{۱۳} دینار سیر سر بی گناهان نباید^{۱۴} برید به زیر اندر آورده را کوفتن هر آنکس که پوشیده دارد، به کوی که دشمن شود دوست از بهر چیز</p>	<p>بفرمودشان بازگشتن به جای بدیشان چنین گفت کاین شوید کزین پس^۱ شما را ز من بیم نیست تن خویش را بد نخواهد کسی بباشید این به ایوان خویش به ایرانیان گفت: پیروزبخت همه شهر توران گرفته به دست ز دلها همه کینه بیرون کنید که از ما چنین ترسشان^{۱۱} در دلست همه گنج ترکان^{۱۲} شما را دهم بکشید و چربی^{۱۳} به کار آورید من این لشکر خود^{۱۴} یکایک نه دیر ز خون ریختن دل نباید^{۱۵} کشید نه مردی بود خیره آشوفتن ز پوشیده رویان بپچید^{۱۶} روی ز چیز کسان سر بتابید^{۱۷} نیز</p>
---	--

۱- س، ل (نیز لن، لن، ب): من بشنوید؛ (پ: او مشنوید؛ آ: کس مشنوید)؛ متن = ف، ل، ق، س (نیز ق، ل، و) ۲- س (نیز
ق، ب): بد ۳- ف: [و] بدخیم؛ ل، س (نیز ل، ل، پ، و، آ، ب): و درخیم؛ (ق: مرا با کسی خوی درخیم)؛ متن = ق، ل، آ، س (نیز لن،
لن) ۴- س (نیز لن، آ): نباید ۵- س (نیز لن، لن، ب): سپرده یزدان ۶- ل: سپرده تن و جان یزدان ۷- ل، س،
ل، آ، س (نیز لن، ق، ل، ل، پ، و، لن، ب): باناد؛ متن = ف (نیز ل، آ) ۸- ل (نیز ل، پ): تا جاودان؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیز هفت
دستویس دیگر)؛ ق این بیت را ندارد ۹- ل، س، ل، آ، س (نیز لن، ق، ل، پ، و، لن، ب): به (س، ب: چو) ایران شما را سرای (ل:
سرای و) نشست؛ متن = ف (نیز ل، آ)؛ ق این بیت را ندارد ۱۰- س، ق، ل (نیز لن، و، ب): کینه؛ (ق، ل، ل، لن، آ: اندرون کینه؛ ل:
اندر از کینه)؛ متن = ف، ل، س، ل، آ، س (نیز لن، آ، پ، و، لن، ب): در دود؛ متن = ل، س، ل، آ، س (نیز لن، ب،
چنین دردمان؛ ل: گر از ما چنین ترستان؛ متن = ف، س، س، ل، آ، پ، و، لن، آ، ب) ۱۲- ف: در دود؛ متن = ل، س، ل، آ، پ،
لن، آ، ب) ۱۳- ل، س، ل، آ، س (نیز لن، ق، ل، ل، پ، و، لن، ب): توران؛ متن = ف (نیز ل، آ) ۱۴- ف (نیز ق، ل، پ، و):
گنج داران؛ س، ل، آ، س (نیز لن، لن، ب): نه زان بر شا بر؛ (ل: بدان نیز بر سر)؛ متن = ل (نیز ل، آ)؛ ق این بیت را ندارد ۱۵- ل،
س، ل، آ، س (نیز لن، ق، ل، ل، پ، و، لن، ب): خوی؛ متن = ف (نیز ل، آ) ۱۶- ل، ل، آ، س (نیز لن): دیدند؛ ق این بیت را ندارد ۱۷-
س، ق، ل، آ، س (نیز لن، ب): لشکر (لن: لشکر)؛ راه: ل: من ایرانیان را؛ متن = ف ۱۸- ق (نیز ل، ل، پ، و، لن، آ، ب): گنج
و ۱۹- س (نیز ب): دست باید؛ (لن، ق: سرباید) ۲۰- ف: نشاید؛ متن = ل، س، ل، آ، س (نیز لن، ق، ل، ل، پ، و، لن، آ، ب): ق، ل، آ
بیت های ۱۴۵۷-۱۴۵۹ را ندارند؛ بنداری: و أمر العساكر بأن يكفوا أيديهم عن القتل والأسروا النهب، وألا يتعرضوا لأهل بيت
أفراسياب ۲۱- ف، س، ل، آ، س (نیز لن، ب): بپوشید (؟)؛ (لن، ق، ل، ل، آ، و، آ: بتابید)؛ متن = ل، س، ل، آ، س (نیز ب، لن، آ، ب): درس پس از این بیت، بیت
۱۴۵۲ آمده است ۲۲- ف، س، ل، آ، س (نیز لن، لن، آ، ب): بپچید؛ متن = ل، ق، س (نیز ل، ل، آ، ب، و): ق پس از این بیت دو بیت و
س پس از بیت ۱۴۵۵ تنها بیت یکم را، افزوده اند:

نباید با آغاز پیکار جست
که از آرزو شد تننت را گزند

بهر کار خوی (ق: نیکی) بپاید نخست
توان کن که آید خرد را پسند

نیاید جهان‌آفرین را پسند
هر آنکس که جویدهمی رای من
وُدیگر که خوانند بیداد و^۳ شوم
که جویند بر بی‌گزندان^۱ گزند
نباید که ویران کند جای من^۲
که^۴ ویران کند مهتر آبادبوم

۱۴۶۵ وُزان^۵ پس به لشکر بفرمود^۶ شاه
جز از^۷ ویژه گنج^۸ ردافراسیاب
ببخشید یکسر^۹ همه بر سپاه
ز هر سو پراکنده بی‌مر سپاه
همی^{۱۳} داد زهار و بنواختشان^{۱۴}
سران را ز توران‌زمین بهر داد
۱۴۷۰ ز ترکان هر آنکس که^{۱۶} فرمان نبرد
شدند آن زمان^{۱۸} شاه را چاکران
ز هر سو فرستادگان نزد^{۲۱} شاه
ابا هدیه و نامه هر مهتری^{۲۳}
گشادن در گنج توران‌سپاه
که کس را نبود اندر آن دستیاب،
چه گنج و^{۱۰} سلیح و چه^{۱۱} تخت و کلاه
ز ترکان بیامد بنزدیک شاه^{۱۲}
بزودی همه کار بر ساختشان^{۱۵}
به هر نامداری یکی شهر داد
ز دست دلیران همی^{۱۷} جان نبرد
چو پیوسته شد نامه‌ی^{۱۹} مهتران^{۲۰}،
یکایک سر اندر نهاده^{۲۲} به راه،
همه یک به یک شاه را چاکری^{۲۴}

گفتار اندر نامه‌ی شاه کیخسرو به کاوس شاه^{۲۵}

۱- ل، ق (نیزلی، ل، پ، آ): بی‌گناهان؛ متن = ف، س، ل، آ، س^۲ (نیزلن، ق، آ، و، لن، ب) ۲- ل، ل، ن این بیت را ندارند ۳- س، ل، س^۲ (نیز پ، ب): [و]؛ [لن، ل]؛ خوانند بیداد و؛ ق^۲: دارند بیداد و؛ ل: دارند بیداد و؛ و: دارند بیداد؛ آ: دارند بیداد (و)؛ متن = ل ۴- ل، ل، س^۲ (نیز پ): چو؛ ف، ق این بیت را ندارند ۵- ل، ق (نیز ل، ل، و): از آن ۶- (لی، آ): جوید بفرمود؛ ل: بگنججور فرمود) ۷- ل: چوازه؛ (ل، آ: بجز) ۸- ل، س، ق، ل، س^۲ (نیزلن - ل، و - ب): گنج ویژه؛ متن = ف، س^۲ (نیز پ) ۹- ل، ل، س، ل، آ، س^۲ (نیزلن، ق، آ، لی، پ - ب): دیگر؛ متن = ف (نیز ل^۳) ۱۰- ل: [و] ۱۱- س، ل (نیزلن، ق، آ، لی، و، لن، آ، ب): ز گنج و سلاح (لن، ق، آ، آ، ب: سلیح) وز؛ متن = ف، س^۲ (نیز پ)؛ ق بیت‌های ۱۴۶۶-۱۴۶۸ را ندارد؛ بنداری: ثم أمر بأن یفرق علیهم جمیع ما حصل من المغام و ذخائر الملوک التورانیة عامة، سوی خزائن أفراسیاب خاصة، فإنها كانت صفة الملك من الغنم ۱۲- درس این بیت یکبار هم بصورت ۱۴۶۷+آ ۱۴۶۶ ب آمده است ۱۳- س، س، آ: همه ۱۴- ف: بنواختشان ۱۵- ف: کارها ساختشان؛ متن = س، ل، آ، س^۲ (نیزلن - پ)؛ ل بیت‌های ۱۴۶۸-۱۴۷۳ را ندارد؛ بنداری (۱۴۶۷-۱۴۷۳): و انتال علی حضرته أمراء الترك من جمیع النواحی والأطراف باذلین السمع والطاعة، منسلکین فی سلک الخضوع والضرعة. فقبلهم وحقق آماهم. ثم أقطع أصهبذیته وأمراءه بلاد توران، وأعطی کل واحد منهم ناحية منها. وأقام فی جنة کنک ملکا مطاعا، وأضحی ملوک تلك الأقالیم له أتباعا وأشیاعا ۱۶- س، ق، ل، آ، س^۲ (نیزلن، ق، آ، ل، پ، و، لن، آ، ب): به (و: ز) هر کشوری هر که؛ متن = ف (نیزلی، آ) ۱۷- س، ل (نیزلن، ق، آ، لی، و، لن، آ، ب): او؛ ق: سواران او؛ (ل: سواران همی)؛ متن = ف، س^۲ (نیز پ) ۱۸- (ق، آ، ل - ب: زمین)؛ متن = ف، س، ل، آ، س^۲ (نیزلن، لی) ۱۹- س، ل، آ، س^۲ (نیزلن - ب): نامه از؛ ف: پیوسته شد نامه؛ متن = ف پس از تصحیح بیوسته به پیروی از دستنویس‌های دیگر؛ و با = ضبط دستنویس‌های دیگر پس از تصحیح نامه از به نامه به پیروی از ف ۲۰- (و: هر کران)؛ ق بیت‌های ۱۴۷۱-۱۴۷۳ را ندارد ۲۱- ل: فرستاد نزدیک ۲۲- ف: نهاده سر اندر (؟)؛ متن = س، ل، آ، س^۲ (نیزلن، ق، آ، لی، پ، و، لن، آ، ب) ۲۳- س، ل، آ، س^۲ (نیزلن - لن، آ، ب): نامه مهتران؛ متن = ف ۲۴- س^۲ (نیزلی): چاکران؛ س، ل، آ، س^۲ (نیزلن، ق، آ، لی، پ، و، لن، آ، ب): شده یک بیک شاه را چاکران؛ متن = ف ۲۵- ف: نامه شاه کیخسرو بکاوس شاه بفتح کنک دز و گرجختن افراسیاب و گرفتن جهن و کرسیوز و خویشان او را؛ س، ل، آ: نامه کیخسرو بنزد کاوس شاه (س: بیروزی)؛ ق، س، آ: نامه کیخسرو بکیکاوس (ق: از بهشت کنک بیروزی)؛ متن = آغاز ف

<p>سَخُن هرچ^۲ بایست با او^۳ براند برآن^۴ کو زمین از بدی‌ها بشست چنان اختر خفته بیدار کرد به گیتی^۵ ستم‌یافته شاد ازوست بزرگ و جهان‌دیده ونیک‌پی، سر بخت^۶ او^۷ اندرآمد^۸ به خواب سرافراز با گرزهای گران، به گل‌زریون در گه^۹ کارزار که برکند ازو شاخ و بیخ^{۱۰} درخت که جُستند بر ما همی^{۱۱} دستگاه حصاری پُر از^{۱۲} مردم و جای تنگ^{۱۳} وُرا دانش و بخت^{۱۴} یاری نکرد شده‌ست او کنون^{۱۵} از^{۱۶} جهان ناپدید ز روزی^{۱۷} که باشد مرا فرهی</p>	<p>دبیر نیسنده^۱ را پیش خواند سر نامه کرد آفرین از نخست سر جادوان را نگوَسار^۲ کرد توانایی و دانش و داد ازوست دگر گفت کز بختِ کاوس‌کی گشاده شد^۳ این^۴ گنگِ افراسیاب به یک رزمگاه^۵ از نبرده‌سران^۶ همانا که افکنده شد چل‌هزار^۷ وُزآن پس برآمد^۸ یکی بادِ سخت به آب اندرافتاد^۹ چندی سپاه وُز آنجایگه رفت^{۱۰} بهشت‌گنگ^{۱۱} همان بُد که بیدادگر بود مرد همه روی کشور سپه گسترید ازین^{۱۲} پس فرستم به شاه آگهی</p>
---	--

۱- ف- ل (نیزلن، ل- ب): نویسنده؛ (ق: جهان‌دیده؛ لی: خردمند)؛ متن = س^۲ ۲- س، ق، ل، آ، س: هرچه ۳- س: وی؛ س، ق، پس از این بیت افزوده‌اند:

بکاوس پس نامه فرمود (ق: کی نامه کرد) شاه
که چون بسود بسا او مرا کارزار
زتوران و زشاه (ق: کار) توران سپاه
چیه آورد پیشش بد روزگار

۴- ل، ق، س (نیزق، ل، ی، ل، آ، پ، آ): بدان؛ متن = ف، س، ل (نیزلن، و، ل، آ، ب) ۵- ل- س (نیزلن- ب): نگوَسار؛ متن = ف؛ در
ل، پ لت‌های این بیت پس و پیش شده‌اند ۶- س (نیزب): بهرجا ۷- ق (نیزل): گشادیم ۸- ل، س (نیزب):
آن ۹- (ق، و: زبخت بد او؛ ل: که بخت بدش) ۱۰- ق: چوبخت بد او درآمد ۱۱- س، س (نیزلن، ل، آ، ب):
رزمگه ۱۲- ل: برین رزمگاه نبرد سران ۱۳- ل (نیزب): صد هزار ۱۴- ل (نیزب): در یکی؛ س (نیزلن، آ، ب): در صف؛
ق (نیزق، ل، ی، ل، آ): از در؛ ل (نیزلن): در دگر؛ (و، آ: در در)؛ متن = ف، س، آ: پس از این بیت افزوده است (← کیفیاد، بیت ۵۲ پ):

فرورفت و بررفت روز نبرد
بماهی نم خون و برماه گگرد

۱۵- ق: بیامد ۱۶- ف: که از بیخ برکند شاخ؛ ل: که برکند شاداب بیخ؛ س: که افکنده شد بیخ و شاخ؛ (لی، پ، آ): که برکند ازو بیخ
و شاخ؛ متن = س، ق، ل (نیزلن، ق، آ، و، ل، آ، ب) ۱۷- س، ل، آ، س (نیزلن، ل، آ، ب): افکنده؛ متن = ف، ل، ق (نیزق، ل، ی، ب، و،
آ) ۱۸- ل (نیزب): یکی؛ ل: همه؛ ل، پ پس از این بیت افزوده‌اند:

باوردگه در چنان شد سوار
که از ما یکی را دو صد شد شکار

۱۹- س: شد ۲۰- ق (نیزلی): اوسوی کنک ۲۱- ق: حصاری شد آن ۲۲- س، ق (نیزق، آ، و، ل، آ، ب): جنگ؛ س: خنک (ق)؛ متن = ف، ل، ل (نیزلن، ل، ی، پ، ← بیت ۸۹۲): ل، س، ق، آ، ق، ل، ی، پ پس از این بیت افزوده‌اند:

بجنگ حصار اندرون سی هزار

همانا که شد کشته در کارزار

ف، ل، ل، ل، آ، و، ل، آ، ب این بیت را ندارند ۲۳- ل: بخت و دانش چو ۲۴- ف: کنون او شدست؛ متن = ل- س (نیزلن-
ب) ۲۵- س، س، آ: در ۲۶- س: ازان ۲۷- ل، آ، س (نیزو): رویی؛ س پس از این بیت افزوده است:

بران نسامه بر مهر زرین نهاد

فرستاد نزدیک کاوس شاد

۱۴۹۰ وُزآن^۱ پس بیامد به شادی نشست
بُید تا بهار اندرآورد روی
درو^۴ دشت چون پرنیان شده^۵ به رنگ
گرازیدن^۶ گور و آهو به دشت
به نخچیر یوزان و پرنده باز
همه چار پایان بکرادر گور
به گردن بکرادر شیران^{۱۳}

۱۴۹۵ به^{۱۵} هر سو فرستاد کارآگهان
پس آگاهی آمد ز^{۱۶} چین و خُتن
که فغفور^{۱۹} چین با وی انباز گشت
ز چین^{۲۲} تا به گل زریون لشکرست
نداند کسی ارج آن^{۲۴} خواسته
۱۵۰۰ که او را فرستاد خاقان^{۲۵} چین
همه^{۲۶} گنج پیرانش آمد به دست
چو آن^{۲۹} خواسته برگرفت از ختن
چو زین گونه آگاهی آمد ز راه^{۳۱}
همه بازگشتند از^{۳۳} ایرانیان

پرستنده^۲ پیش اندرون می به دست
جهان شد بهشتی به رنگ و به بوی^۳
هوا گشت برسانِ پشتِ پلنگ
برین^۷ گونه بر چند خورشید گشت^۸
همه^۹ مُشک بویان^{۱۰} بتانِ طراز
پراگنده، آگنده^{۱۱} گردن^{۱۲} به زور
بسان گوزنان به گوش و به سر^{۱۴}

همی جست بیدار کار جهان
از^{۱۷} افراسیاب اندر آن^{۱۸} انجمن
همه کشور چین^{۲۰} بدو بازگشت^{۲۱}
بریشان چو خاقان چینی سرست^{۲۳}
پرستنده و اسپ آراسته،
به شاهی برو خواندند آفرین
شتروار دینار صد^{۲۷} بار شست^{۲۸}
یکی لشکری شد برو انجمن^{۳۰}
بنزدیک آن زینهار سپاه^{۳۲}،
ببستند کین خواستن^{۳۴} را میان

۱- ل (نیزق، و): از آن ۲- ل: پری روی؛ س، ق، ل، آ، س^۱ (نیزلن - ب): پری چهره؛ متن = ف ۳- ل، س، ق، ل^۲ (نیزلن، لی - ب): پراز رنگ و بوی؛ س^۲ (نیزق): جهان (س: چنان) چون بهشتی شد از رنگ و بوی؛ متن = ف ۴- ل - س^۲ (نیزلن - ب): همه؛ متن = ف ۵- ل - آ: بد ۶- ل، ق (نیزل^۲): گزایدن ۷- ل: بدین ۸- ل، س، ق، ل^۲ (نیزلن - ب): خوشی (لی: روزی) گذشت؛ س: ز کوه و کمر در بصحرا گذشت؛ متن = ف (: خورشید) ۹- ق: همان؛ متن ← ۱۰- ل، س، ل، آ، س^۲ (نیزلن، ق، آ، لی، پ - ب): می (پ: همه) مشکبوی و؛ متن = ف، ل (نیزل^۲) ۱۱- ل، ق، ل^۲ (نیزلن، ق، آ، پ): واکنده؛ متن = ف، س، س^۲ (نیزلی، ل، آ، لن، آ، ب) ۱۲- ل: کرده ۱۳- ل، س، ل^۲ (نیزلن، لن، آ، ب): گوران نر؛ ق: شیر زیان ۱۴- ف: ببر (؟)؛ ق: بران؛ س: بیای و ببر؛ (لن: بگوش ببر)؛ متن = ل، س، ل^۲ (نیزق - ب) ۱۵- ل (نیزب): ز؛ ل در اینجا سرنویس دارد: خبر یافتن کیخسرو از افراسیاب و رزم ۱۶- س (نیزب): به ۱۷- ل، س، ل^۲ (نیزلن، ق، آ، ب): وز؛ (لی: که؛ لن: ز) ۱۸- ل: وزان ۱۹- بنداری: بعبور (= بغبور) ۲۰- ل: همه روی کشور ۲۱- ل - س^۲ (نیزلن، لی - ب): پراز آواز گشت؛ متن = ف (نیزق^۲) ۲۲- (ق، آ، ل): زمین) ۲۳- ل: چین سرورست؛ (ق: چین مهترست)؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س^۲ (نیزلن، لی - ب) ۲۴- ل (نیزل^۲): راز آن؛ ق: زان همه؛ ل، آ، س^۲ (نیزلن، و، لن، آ، ب): ارز آن؛ (لی: را از آن)؛ متن = ف، س (نیزق، آ، پ) ۲۵- ل، س، ق، ل، آ، س^۲ (نیزلن، ق، آ، لی، و، لن، آ): فغفور؛ متن = ف، ل (نیزل^۲، پ، ب) ۲۶- ل، ق (نیزل^۲): همان ۲۷- ق: سی؛ ل: شد (ج - سد = صد؟) ۲۸- ق (نیزلن، لن، آ): شصت ۲۹- ل: چنان (ج - چن آن) ۳۰- ف: سپاهی برور شدند انجمن؛ ل، س^۲ (نیزق، آ، لی، پ، و، آ): سپاهی بیاورد لشکرشکن (= ۱۵۰۵ ب)؛ متن = س، ق، ل^۲ (نیزلن، ل، آ، لن، آ، ب): درف، لن^۲ پس از بیت ۱۵۰۳، بیت ۱۵۰۶ آمده و در لن^۲ بیت ۱۵۰۶ در جای خود هم آمده است ۳۱- ف، ل، آ، س^۲: براه (؟)؛ ل (نیزق، آ، لی، پ): بشاه؛ متن = س، ق (نیزلن، و، لن، آ، آ، ب) ۳۲- ل (نیزب): زینهار داده سپاه؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س^۲ (نیزلن، ق، آ، لی، و، لن، آ، ب) ۳۳- ل: ز؛ س^۲ (نیزق^۲): [از] ۳۴- ف، ل: خون ریختن؛ متن = س، ق، ل، آ، س^۲ (نیزلن، ق، آ، لی، پ - ب)

- ۱۵۰۵ چو برداشت^۱ افراسیاب از ختن
که گفتی زمین^۳ برنتابدهمی
ز چین سوی کیخسرو آورد روی
چو کیخسرو آگاه شد زآن سپاه
بفرمود گودرز^۴ کشواد را
که ایدر بباشید با داد و رای^۵
۱۵۱۰ به گودرز گفت: این سپاه تواند
ز ترکان هر آن گه^۶ که بینی یکی
هم اندر زمان زنده بر دار کن!
چو بی رنج باشند^۷، بی رنج^۸ باش!
- ۱۵۱۵ تبیره برآمد ز پرده سرای
سپاهی برون کرد از آنسان ز گنگ^۹
چو بیرون شد از شهر صف برکشید
میان دو لشکر دو منزل بماند^{۱۰}
- خروشیدن زنگ با گره نای^{۱۱}
که خورشید را آرزو^{۱۲} کرد جنگ
به سوی ختن^{۱۳} لشکر اندرکشید^{۱۴}
جهاندار گردنکشان را بخواند

۱- ف: وزان روی؛ (ق:؛ چونزدیک)؛ متن = ل- س^۱ (نیزلن، لی، پ-ب) ۲- ل، س^۲ (نیزق^۱، لی، پ، و، آ)؛ یکی لشکری شد
برو انجمن (= ۱۵۰۲ ب)؛ متن = ف، س، ق، ل^۲ (نیزلن، لن، ب) ۳- ف: که دریای چین؛ ق (نیزی، ل، آ)؛ که گویی زمین؛
متن = ل، س، ل، آ، س^۲ (نیزلن، ق، آ، پ-ب) ۴- (ق: شناسش) ۵- ف: نداند همی (پساوند ندارد)؛ ل: نیارد همی
(پساوند ندارد)؛ متن = ل، س، ق، س^۲ (نیزلن - ب)؛ درف این بیت پس از بیت ۱۵۰۲ آمده است و در اینجا بجای آن افزوده
است:

که گفتی کجا برنتابد زمین

که و دشت یکسر شده آهنین

۶- س، س^۱ (نیزلن، لن، ب)؛ جنگجوی ۷- ل- س^۲ (نیزلن - ب)؛ سپهدار آن مرزو (ل، پ)؛ گرگین و؛ ق، س، ل، آ، و؛ آن شهر؛ ق:
مردان و؛ آ: ایران و) فرهاد را؛ متن = ف: بنداری؛ و آمر جودرز این کشواد و ولده فرهاد و غیرها ۸- ق: با دل بجای ۹- (ل، آ، پ):
اندرآید)؛ س (نیزب): شب و روز اندر؛ متن = ف، ل، ق، ل، س^۲ (نیزلن، ق، آ، لی، و، لن، آ)؛ اندر (ج-ایدر؟) ۱۰- ف (نیزی، ل، آ، پ،
لن، آ)؛ کس (؟)؛ متن = ل- س^۲ (نیزلن، ق، آ، و، ب) ۱۱- ق (نیزق^۱، ل، آ)؛ دشمن او ۱۲- ل- س^۲ (نیزلن - ب)؛ نگوئسار؛
متن = ف ۱۳- ل، ل، س، ل^۲ (نیزلن، ق، آ، لی، پ-ب)؛ یابی (ل، پ)؛ باشد؛ لن، آ: باشی) تو؛ متن = ف، ق، س^۲ (نیزل^۲) ۱۴- ق:
کم رنج ۱۵- ف (نیزل^۲): آن ۱۶- س، ق (نیزب): کشور ۱۷- ل (نیزل^۲، پ)؛ وهندی درای ۱۸- ل (نیزب):
بدینسان (پ: بدانسان) سپاهی بیامد ز کنک؛ س، ق، ل، س^۲ (نیزلن، ق، آ، لن، آ، ب)؛ سپاهی بیامد (ق: بیاورد) برانسان ز (ق، س، آ،
لن: بدانسان ز؛ ق: زانسان ز؛ ل: بسان؛ لن: بدانسوی) کنک (ل، آ، ل: پلنگ)؛ (لی: سپاهی برون رفت زانسان بکنک؛ و: سپاهی درآمد
تن آسان ز کنک)؛ متن = ف ۱۹- ل: آرزوی ۲۰- ل: سوی کوکها؛ س، ل^۲ (نیزلن، لن، آ، ب)؛ سوی او کجا؛ ق: سوی کولجان؛
س: سوی که کجا؛ (لی: بسوی که او؛ ل: سوی کولجان؛ پ: سوی کوهها؛ و: سوی کوه کی؛ آ: سوی کوخجا)؛ متن = ف:
بسوی ختن...؟ ۲۱- (ق: سپهبد سوی کوه لشکر کشید)؛ بنداری؛ و خرج من کنک و ساربعساکره حتی نزل علی مرحلتین من
مخیم افراسیاب فأقام أسبوعاً یعدّ ویستعد ۲۲- س (نیزلن، ق، آ، لی، پ، لن، آ، ب)؛ فرسنگ ماند؛ متن = ف، ل، ق، ل، آ، س^۲ (نیزل^۲، و،
آ)

- ۱۵۲۰ چُنین گفت کامشب مَحسبید هیچ
 طلایه پراگند^۲ بر گِردِ دشت
 به یک هفته بودش همانجا^۳ درنگ
 به هشتم طلایه بیامد^۵ ز راه
 سپه را برآنسان^۷ بیاراست شاه
 چو افراسیاب آن سپه را بدید
 به فرزندگان گفت کین دشتِ رزم
 ۱۵۲۵ مرا شاد بر گاه خواب آمدی
 کنون مانده گشتم چُنین در^{۱۱} گریز
 ندانم که این^{۱۲} بختِ کیخسروست
 برآتم^{۱۴} که با او شوم همنبرد
 ۱۵۳۰ بدو گفت هر کس که فرزانه بود
 که گر شاه را جست باید^{۱۹} نبرد
 همه چین و ترکان^{۲۱} به پیش تویم^{۲۲}
 فدای^{۲۵} تو بادا تن و^{۲۶} جان ما
 اگر صد شود گُشته آید هزار^{۲۸}
 ۱۵۳۵ همه سربسر نیک خواه تویم
- نه خوب آید آسایش^۱ اندر بسیج
 همه شب همی گِردِ لشکر بگشت
 همی کرد^۴ آرایش و ساز جنگ
 به خسرو چُنین گفت^۶ کامد سپاه
 که نظاره گشتند^۸ خورشید و ماه
 بیامد برابر صفی برکشید
 به دل بر^۹ مرا چون خرامست^{۱۰} و بزم
 چو رزمم نبودى شتاب آمدی
 سری پُر ز کینه، دلی پُرستیز
 و گِرد^{۱۳} بر سرم روزگاری نوست؟
 اگر^{۱۵} کام دل یابم ار^{۱۶} مرگ و درد
 اگر^{۱۷} خویش بود، ارز^{۱۸} بیگانه بود،
 چرا باید این لشکر و دار و بَرَد^{۲۰}
 ز بیگانگان گِرد^{۲۳} ز خویش^{۲۴} تویم^{۲۲}
 بر اینیم و این^{۲۷} بود پیمان ما
 تن^{۲۹} خویش را خوارمایه مدار!
 که زنده به فرّ کلاه^{۳۰} تویم

۱- ل، س، ل، آ، س (نیز لن، ق، آ، ل، پ، لن، آ، ب): آرامش؛ متن = ف، ق (نیز لی، و)؛ برخی از دستنویس‌ها در اینجا سرنویس دارند، س، ل: دیگر رزم شاه (ل: دیگر جنگ) کیخسرو با افراسیاب؛ س: لشکر کشیدن کیخسرو بچنگ افراسیاب دیگر بار ۲- ل: برافکنند؛ س: پراکنده ۳- س، ق، س، آ (نیز ق، آ، لی، ل، آ، و، لن، آ، ب): بدانجا؛ ل: در آنجا؛ (لن، آ: آنجا)؛ متن = ف، ل (نیز پ) ۴- ل، س (نیز پ): ساخت ۵- ل: بیامد طلایه ۶- ل: خبر داد ۷- ل، ق، ل، آ (نیز لن، لی، ل، آ، پ، آ): بدانسان ۸- س (نیز ب): که رزم آرزو کرد؛ ل: نظاره برو گشت ۹- ل، ق، س، آ (نیز لی، ل، آ، پ، لن، آ، ب): مر؛ متن = ف، س، ل، آ (نیز لن، ق، آ، و، ب) ۱۰- ف: [چون] خرامست؛ س (نیز لن، ل، آ، و، لن، آ، ب): همچو خوابست؛ ق: همچو آبست؛ متن = ل، ل، آ، س، آ (نیز ق، لی، پ، آ) ۱۱- ق (نیز ل، آ): بر؛ ف: هماندم اکنون دزی بر (؟)؛ متن = ل، ل، س، ل، آ، س، آ (نیز لن، ق، آ، پ، ب) ۱۲- ق (نیز ل، آ): از؛ ل: ندانم که از؛ متن = ف، س، ل، آ، س، آ (نیز لن، ق، آ، لی، پ، ب) ۱۳- س، ق (نیز لن، لی، ل، آ، لن، آ، ب): و یا؛ (ق: اگر)؛ متن = ف، ل، ل، آ، س، آ (نیز پ، و، آ) ۱۴- س: ندانم ۱۵- (پ: ازو) ۱۶- ف، س، ل، آ (نیز لی، ل، آ، ب): از (حار)؛ ل، ق (نیز ق): کام یابم اگر؛ متن = س، آ (نیز لن، پ، و) ۱۷- ل (نیز پ): گراز؛ متن ← ۱۸- س (نیز لن، آ، ب): بد گرز؛ ق (نیز ق، آ): گراز خویشتن گرز؛ لی، آ: اگر خویش و گرزانکه)؛ متن = ف، ل، آ، س، آ (نیز لن) ۱۹- ف: شاه با شاه جوید (← ۱۵۷۶ آ)؛ متن = ل، س، آ (نیز لن، ب) ۲۰- ل: وگر کام دل یابد از مرگ و درد (= ۱۵۲۹ ب) ۲۱- ق (نیز لی، پ، آ): توران ۲۲- ل، س، ق، ل، آ (نیز لن، ب): تواند؛ متن = ف، س، آ ۲۳- ل، س (نیز ب): ار ۲۴- س: که زنده بفرّ کلاه (۱۵۳۲ ب- ۱۵۳۵ آ را انداخته و از ۱۵۳۲ آ و ۱۵۳۵ ب یک بیت ساخته است) ۲۵- ل: فدای ۲۶- ل، ق، ل، آ (نیز لن، ق، آ، ل، لن، آ): همه؛ متن = ف، س، س، آ (نیز لی، و، آ، ب) ۲۷- ل، س، ق، ل، آ (نیز لن، ب): چنین (و: برین) بود تا؛ متن = ف؛ س، آ این بیت را ندارد ۲۸- ل، ق، ل، آ (نیز لن، و، آ): گر (آ: ار) صد (پ: ده) هزار؛ متن = ف، س (نیز لن، آ، ب) ۲۹- ق (نیز ق، آ، ل، و): سر؛ س، آ این بیت را ندارد ۳۰- ق: بفرمان و راه

تو فرزندی و شاه^۱ ایران توی^۲
یکی رزمگاهی گزین دوردست
بگردیم هر دو به آوردگاه
اگر من شوم کشته بر دست تو
۱۵۵۵
تو با خویش و پیوندِ مادر مکوش!
وگر تو شوی کشته بر دستِ من
فنامم که یک تن بیچده^۸ ز درد

ز گوینده بشنید خسرو پیام
که این ترک بدسازمرد^{۱۰} فریب
۱۵۶۰
به چاره^{۱۲} چُنین از کف ما^{۱۳} بچست
از^{۱۶} آورد چندین بگویده‌می
نییره‌فریدون و پورِ پشنگ^{۱۷}
بدو گفت رستم که ای شهریار
۱۵۶۵
که ننگست بر شاه رفتن به جنگ
دگر آنک گوید که با لشکرم
ز دریا به دریا ترا لشکرست
چو پیمانِ یزدان کنی با نیا

به رزم‌اندرون چنگِ شیران توی^۲
نه بر دامنِ مرد^۳ خسروپرست
به جایی کزو دور باشد^۴ سپاه
— ز دریا نهنگ آورد شست تو! —
بپرهیز و از^۵ کینه چندین^۶ مجوش!
به زهارِ یزدان کزان^۷ انجمن،
وگر بیند^۸ از باد خاکِ نبرد

چُنین گفت با پورِ دستانِ سام،
نبیند‌می از بلندی^{۱۱} نشیب
نماید^{۱۴} که بر تختِ ایران^{۱۵} نشست
مگر دخمه‌ی شیده جویده‌می
از^{۱۸} آورد با او^{۱۹} مرا نیست ننگ
به دل در^{۲۰} مدار آتشِ کارزار^{۲۱}
وگرچه بود همبردش پلنگ^{۲۲}
مکن جنگ و^{۲۳} با دوده و کشورم
کجا رایشان زین سخنِ دیگرست
نشاید^{۲۴} که در دل بود^{۲۵} کیمیا

۱- ف: شهر؛ متن ← ۲- ف: تراست؛ متن = ل- س^۲ (نیزلن- ب) ۳- (ق: نه نزد دل افروز؛ ل: بدور از بزرگان) ۴- ل- س^۲ (نیزلن، پ، و، ب): مانند؛ متن = ف (نیزق، ل، ل، ل، ل، ق، ل، س، ل، س، و؛ متن = س ۶- (ل: بازار) ۷- (ق: از آن؛ ل: که آن؛ و: برآساید این نامدار) ۸- (پ: بماند)؛ ق (نیزل): بیچد یکی تن ۹- س (نیزب): یابد؛ درس این بیت دوبار آمده است ۱۰- ل، س، ق، ل، س^۲ (نیزلن- ب): مردم؛ متن = ف، س^۱ ۱۱- س، ق، ل، س^۲ (نیزلن، ق، ل، پ، و، ل، ب): فرازی؛ (ل، آ: همی از بلندی نبیند)؛ متن = ف، ل، س^۲؛ س پس از این بیت افزوده است:
بچاره نیارد تن من بمشت بکشتن چنان چون سیاوش بکشت
۱۲- س: همی این ۱۳- ف: من؛ متن = ل، س، ق، س^۲ (نیزق- و، آ) ۱۴- ف: بدانگه؛ ل (نیزل، ل): نماند؛ س (نیزب): که ماند؛ س^۱: گماند؛ (و: بیامد)؛ متن = ق (نیزآ) ۱۵- ق، س^۲ (نیزو): توران؛ (ل، آ: شاهی)؛ متن = ف، ل، س (نیزق، ل، پ)؛ ل، ل، ل، ل، ب این بیت را ندارند؛ در ف این بیت پس از بیت ۱۵۶۶ آمده است؛ پایی بیت‌های متن = ل، س، ق، س^۲ (نیزق- و، آ) ۱۶- ل، س، ق: ز ۱۷- ف، ل، س^۲ (نیزلن، ق، ل): بشنگ؛ ل، س، ق: بشنگ (حرف یکم نقطه ندارد)؛ متن = (ل- ب) ۱۸- ل، س، س^۲: به؛ ق، ل، ز؛ متن = ف ۱۹- ق: وی ۲۰- ل (نیزل، پ): بدین در؛ ق: بدین بر؛ متن = ف، س، ل، س^۲ (نیزهفت دستنویس دیگر) ۲۱- ل، ق، س^۲ (نیزل): اندر کنار؛ متن = ف، س، ل (نیزهشت دستنویس دیگر) ۲۲- ل- س^۲ (نیزلن- ب): وگر (س، ق، ل، آ: اگر) همبرد تو باشد پلنگ (ل، ل): بشنگ؛ ق، س، ق، آ، پ، و، آ: نهنگ)؛ متن = ف ۲۳- ل، س، ل، س^۲ (نیزلن، ل، پ- ب): [و]؛ متن = ف (نیزق)؛ ق بیت‌های ۱۵۶۶- ۱۵۶۸ را ندارد؛ در ف پس از بیت ۱۵۶۶ بیت ۱۵۶۱ آمده است ۲۴- س (نیزب): نباید ۲۵- ف، س^۲: کنی؛ متن = ل، س، ل (نیزلن- ب)؛ ف، ل، آ پس از این بیت افزوده‌اند: ←

به انبوه لشکر به جنگ^۱ اندرآر سخن بگسل آلوده و^۲ نابکار

۱۵۷۰ ز رستم چو بشنید خسرو سخن
به گوینده گفت: آن^۳ بداندیش مرد
فزون کرد ازین^۵ با سیاوش وفا
سپهبد به کژی نگیرد^۶ فروغ
گر ایدون که^۹ رایش^{۱۰} نبردست و بس
۱۵۷۵ تهمتن به جایست و گیو دلیر
اگر شاه با شاه جوید نبرد
یکی دیگر اندیشه افگند بُن
چنین با من آویخت اندر^۴ نبرد
زبان پُرسون، دل پُر از کیمیا^۷
زبان تیرِ پرتاب^۸ و دل پُردروغ
جز از من نبرد و^{۱۱} هست کس
که پیگار جویند با نزه شیر^{۱۲}
چرا باید^{۱۳} این دشت پُرمرد کرد^{۱۴}

۱- س: ۲: بند ۲- (لی: آلوده)؛ ل (نیز ل، ۲، پ): سخن چند آلوده؛ ق: سخن چند آلا بدان؛ متن = ف، س، ل، ۲، س (نیز لن، ق، ۲، و، لن، آ، آ، ب)؛ بنداری (۱۵۶۴-۱۵۶۸): فتنه رستم من ذلک وقال: لو کانت الملوک تبارز بعضهم بعضا، و یقاتل أحدهم خصمه بنفسه لم یکن بهم حاجة الی جمع العساکر و جرالجمافل ۳- ف (نیز لن، لن، ۲، ب): ای؛ ل، س، ل (نیز پ): این؛ متن = ق، س (نیز ق، ۲، ل، ۲، و، آ) ۴- ف: آویخته در؛ متن = ل- س (نیز لن- ب) ۵- ل: ۲: زین ۶- ل- س (نیز لن- ب): پُرسون داشت (ل: بود و؛ ق، لی، لن، آ، آ: است و) دل پرجفا؛ متن = ف؛ س ۲ پس از این بیت افزوده است:

کزین پس ازین ره که رفتی میروی برو زاید آن بدکنش را بگویی

۷- ق: نگیرد بکژی ۸- ف: تر پرتاب (حرف دوم نقطه ندارد)؛ ل، س: ۲: تیره پرتاب؛ (لی، آ: نیز پرتاب)؛ س، ل (نیز لن، لن، ۲، ب): روان خیره بر (لن: ۲: پر) تاب؛ ق (نیز ق، ۲، پ، و): روان تیره بر (پ: پر) تاب؛ متن = (ل: ۲: ه- ف) ۹- ل، س، ق، ل: ۲: ایدونک ۱۰- س، ق، ل (نیز ق، ۲، ل، و، لن، ۲، ب): رایت ۱۱- س، ق، ل (نیز لن، ق، ۲، ل، و، لن، ۲، ب): ترا ۱۲- ل: پیل و شیر؛ ل: ۲: که بر نام گیوست آن نزه شیر؛ س پس از این بیت افزوده است:

دگر بیژن گیو گرد هزیر که تا زاد نگرینخت از شیر و ببر

۱۳- ل: ۲: باشد ۱۴- ق، س: ۲: و گرد؛ ف، س، ل (نیز پ، و، لن، ۲، ب): این لشکر و دارو برد (= ۱۵۳۱ ب)؛ متن = ل (نیز ق، ۲، لی، لن، آ، آ)

→ تویکبار (آ: یکباره) از گاه برخاستی برت را بچوشن بییاراتی
برفقی دلاور بچینگ بشینگ نیامد پسندیده از شاه جنگ
همه لشکرت بود پیچان چومار سپاهی چنین را پراز (لی: زاربا) غم مدار (آ ندارد)

نیای تو گر (لی: نیایت اگر) شد چنین تیزچنگ
همی آرزو آیدش خیره (لی: با تو) جنگ (آ ندارد)
منم بسته کین را (لی، آ: بسته کین) کمر بر میان

ببیند دگر باره گرز گران (آ: کیان)

[چوبند نارسیده زمانش بسر

بجست از کفم چند بر خاک سر (ف ندارد)]

[مگر مرگش این بار دامن گرفت

بخیره دل از جان و تن برگرفت (ف ندارد)]

چه باید کشیدن سخن ها دراز

نمانم من ای شاه گوردن فرار

که زین پس بسببیدی تو بر کین کمر

به پشت یلانی (لی، آ: پشت یلان) چنین جنگ خر (لی: با هنر)

ل- س، ۲، لن، ق، ۲، ل، ۲، پ، و، لن، ۲، ب این بیت ها را ندارند و در ترجمه بنداری هم نیست، ولی در ل^۲ آنها را به خطی دیگر در کناره

افزوده اند

به انبوه لشکر درآرم به جنگ^۱ بمانم بدو^۲ روز تاریک و تنگ

فرستاده برگشت و آمد چو باد
پُر از درد شد جانِ افراسیاب
سپه را به جنگ اندرآورد شاه
یکی با درنگ و یکی^۵ با شتاب
ز باریدن تیر گفتی ز^۶ ابر
ز شبگیر تا گشت خورشید لعل^۸
سپه بازچیدند^{۱۱} چون تیره گشت
سپهدار^{۱۱} با قرّ و نیرنگ^{۱۲} و ساز
چنین گفت با طوس کامروز جنگ
گمانم که امشب شیخون کند
یکی کنده فرمود کردن^{۱۸} به راه
بفرمود^{۲۱} کاتش مسوزید^{۲۲} کس
ز لشکر سواران که بودند گرد
دگر^{۲۴} بهره بگزید از^{۲۵} ایرانیان

سراسر شنیده^۳ برو^۴ کرد یاد
نکرد ایچ بر جنگ جستن شتاب
بجنبید ناچار دیگر سپاه
زمین شد بکردار دریای آب
همی ژاله بارد ز کام هزبر^۷
زمین پر ز خون بود در زیر نعل^۹
که چشم سواران همی خیره گشت
چُن آمد^{۱۳} به لشکرگه خویش باز،
نه بر آرزو^{۱۴} کرد پور^{۱۵} پشنگ^{۱۶}
ز دل کین^{۱۷} دیرینه بیرون کند
بدانسو^{۱۹} که بُد راه^{۲۰} توران سپاه
نباید که آید خروشِ جرس
گزین کرد خسرو به رستم^{۲۳} سپرد
که ببنند^{۲۶} بر تاختن^{۲۷} میان

۱- ل، ق (نیز ق، ل، و): نباشد مرا با توزین بیش جنگ؛ س، ل، س^۲ (نیز ل، پ، ل، ب): نباشد مرا زین سپس با تو جنگ؛ متن = ف (نیز ل، آ)
۲- ل - ل - س^۲ (نیز ل، ق، ل، پ، و، ل، ب): بسینی کنون؛ متن = ف (نیز ل، آ)؛ دروپس از این بیت، بیت های ۱۲۱۹-۱۲۵۴ آمده است؛ ف، ل، آ پس از بیت ۱۵۷۷ افزوده اند:

چو خوشنود گشتی بسریں پور زال
جگرگاہ (لی، آ: تهی گاه) اورا چو آن بشنگ
بیدان کینه بدیدی همال
بدشنه بدریدمی روز جنگ (لی، آ: چون ننگ)

ل - س، ل، ق، ل، پ، و، ل، ب این بیت ها را ندارند، ولی در ل^۲ آنها را به خطی دیگر در کناره افزوده اند ۳- ل (نیز پ، و): شنیده سراسر ۴- ق، س^۲ (نیز ل، ق، ل، ب، و، ل، ب): بدو ۵- س، ق، ل^۲ (نیز ل، ق، ل، و، ل، ب): دگر؛ متن = ف، ل (نیز ل، ل، پ، و) ۶- ف، س، ل^۲ (نیز ل، ل، ل، آ، ب): که (؟)؛ متن = ل، ق، س^۲ (نیز ق، ل، ل، پ، و) ۷- ق (نیز ل، ب): هزبر؛ ل (نیز پ): بارید بر خود و ببر؛ متن = ف، س، ل، س^۲ (نیز ل، ق، ل، و، ل، آ) ۸- س، ل^۲ (نیز ل، ق، ل، و، ل، ب): زرد؛ متن ← ۹- س، ل^۲ (نیز ق، ل، ب): مرد؛ (لن: روز نبرد)؛ متن = ف، ل، ق، س^۲ (نیز ل، ل، پ، و، آ) ۱۰- ل، ق (نیز ل، ل، پ، آ): گشتند؛ س، ل^۲ (نیز ل، ق، ل، و، ل، ب): گردید؛ س^۲: جستند؛ متن = ف ۱۱- ق، س^۲ (نیز ل، و، آ): شهنشاه ۱۲- س، ل، س^۲ (نیز ل، ل، ب): اورنگ؛ (و: اروند)؛ متن = ف، ل، ق (نیز ق، ل، ل، آ، پ، آ): نیرنگ (؟) ۱۳- ف، ل، س، ق: چو آمد؛ ل^۲: بیامد؛ متن = س^۲ ۱۴- ل: آرزوی ۱۵- ف: دیو (!)؛ متن = ل - س^۲ (نیز ل - ب) ۱۶- ل، س (نیز و): بشنگ (حرف یکم نقطه ندارد)؛ ق، س^۲ (نیز ل، ق، ل، ل، آ، ب): بشنگ؛ متن = ف، ل^۲ (نیز پ، ل، ب) ۱۷- ل، ق، ل، س^۲ (نیز ل، ق، ل، ل، پ، و، ل، ب): درد؛ متن = ف، س (نیز ل، آ، ب) ۱۸- ق، ل^۲ (نیز ل، ل، و، ل، آ): کندن؛ متن = ف، ل، س، س^۲ (نیز ل، ق، ل، ب، ب) ۱۹- ف (نیز ل): بدانسان؛ س (نیز ب): برانسو؛ ق: از آنسو؛ متن = ل، ل، س^۲ (نیز ل، ق، ل، آ) ۲۰- ل، ق (نیز ل): شاه؛ متن = ف، س، ل، س^۲ (نیز هشت دستنویس دیگر) ۲۱- ل: چنین گفت ۲۲- ل، ق (نیز ل): نسوزید ۲۳- ل (نیز پ): شاه و رستم؛ ل^۲: لشکر بدیشان؛ (لن^۲: رستم بخسرو)؛ متن = ف، س، ق، س^۲ (نیز هفت دستنویس دیگر) ۲۴- س^۲: یکی ۲۵- ف، ل: ز؛ متن = س، ق، ل، س^۲ ۲۶- ق، ل، س^۲ (نیز ق، ل، ل، آ): بستند؛ متن = ف، ل، س (نیز ل، ق، ل، ب، و، ل، ب) ۲۷- ق، ل^۲ (نیز ل، ل، و، ل، ب): ها؛ س (نیز ق، آ، ب): مرتاخن را؛ متن = ف، ل، س^۲ (نیز ل، آ)

بفرمود تا رفت بر پیش^۳ کوه
سپهبد سوی کوه بیرون کشید^۴
چپ و راست هر سو^۵ به هامون شوند
نه بر طرف کوه و نه بر روی^۷ راغ
بدوبر^۹ شیخون به هنگام خواب،
بماند، نباشدش^{۱۱} فریادرس^{۱۲}

به طوس سپهبد سپرد^۱ این^۲ گروه
تهمتن سپه را به هامون کشید
بفرمود تا دور بیرون شوند
طلایه ندارند و^۶ شمع و چراغ
۱۵۹۵ بدان تا اگر^۸ سازد افراسیاب
چو آید^{۱۰} سپاه، اندرآید ز پس

گفتار اندر شیخون کردن افراسیاب بر کیخسرو^{۱۳}

پس گنده با لشکر و پیل شاه^{۱۶}
میان با^{۱۸} سپه تاختن را بیست
ز کار گذشته فراوان براند
چنین چیره^{۲۰} شد بر^{۲۱} سپاه نیا
پراگنده لشکر همه دشت و کوه^{۲۳}
سحرگه بریشان شیخون کنیم
ز پستی ابر تخت^{۲۷} باید نشست^{۲۸}

به ره گنده^{۱۴}، پیش و پس اندر سپاه^{۱۵}
سپهدار ترکان چو شب در شکست^{۱۷}
۱۶۰۰ ز لشکر جهاندیدگان را بخواند
چنین گفت کین^{۱۹} شوم پُرکیمیا
کنون بی گمان خفته اند آن گروه^{۲۲}
به مردی^{۲۴} ز دل ترس^{۲۵} بیرون کنیم
گر امشب بریشان بیابیم^{۲۶} دست

۱- ل: سپهدار داد ۲- ل- ل- س^۱ (نیز لن- ب): آن: متن = ف ۳- ل- ل- س^۲ (نیز لن، لی- ب): سوی: (ق: روتا سرتیغ): متن =
ف ۴- ق: خزید ۵- ل- ل- س^۲ (نیز لن، ق، پ، و، لن، ب): دو: متن = ف (نیز لی، آ) ۶- ف، ل (نیز پ، آ): [و]: ل (نیز
لن): مدارند و: ق: نرانند و: متن = س، س^۱ (نیز ق، لی، و، ب) ۷- ل، ل، س، ل، س^۱ (نیز لن، ق، پ، لن، ب): یکی سوی دشت و
یکی سوی: ق: نه از سوی دشت و نه از سوی: (و: یکی سوی کوه و دیگر سوی): متن = ف (نیز لی، آ، لغت شهنامه، شماره ۱۱۶۳) ۸- س،
ق، ل، ل، س^۱ (نیز لن، ق، ل، لن، ب): مگر: متن = ف، ل (نیز لی، پ، و، آ) ۹- ل، ل، س، ق، س^۱ (نیز ل، پ، و، ب): بروبر: (ق):
برایشان: لی، آ: همابر: متن = ف، ل (نیز لن، لن) ۱۰- ل، ل، س، ق، ل (نیز لن، ق، لن، ب): گر آید: (ل): که ایدر: پ: از ایدر:
متن = ف، س^۱ (نیز لی، و، آ) ۱۱- ق (نیز ل): نماندش: متن ← ۱۲- س^۱ (نیز پ): بماند چو باز نواندر قفس: متن = ف، ل، س، ل (نیز
نیز هفت دستنویس دیگر) ۱۳- ف: تاختن کردن افراسیاب بر لشکر شاه کیخسرو و خبر شدن لشکر را و مصاف دادن و هزیمت افراسیاب
دیگر باره: س: شیخون آوردن افراسیاب بر سر ایرانیان: ق: گفتار در شیخون افراسیاب بر کیخسرو: ل، س: شیخون کردن افراسیاب با
ایرانیان (س: بکیخسرو): متن ← ق ۱۴- ق (نیز ل، پ): پراکنده: متن ← ۱۵- س، س^۱ (نیز ب): پیش و پس در سپاه: (ق):
و پیش اندر سپاه: ف: پراکند پیش و پس اندر گروه: متن = ل، ل (نیز لن، لی، و، لن، آ) ۱۶- ف: لشکر همه دشت و کوه (← ۱۶۰۲):
س: لشکر ابا پیل و شاه: (ل): با لشکر کینه خواه: متن = ل، س، ق، ل (نیز لن، ق، لی، ب- ب): ننداری: و رکب و وقف بنفسه مع الفیلة
والعسا کر من وراء الحفیرة ۱۷- ل، ل، س^۱ (نیز لی، و، آ، ب): درگذشت (ق نیز نخست درگذشت داشته و آنرا به در شکست تصحیح کرده
است) ۱۸- ق: [با] ۱۹- ق: کان ۲۰- ف، ل، س، ق، س^۱ (نیز و): حیره (حرف یکم نقطه ندارد): ل (نیز لن، ق، آ، پ،
لن، آ، ب): خیره: متن = (لی، ل) ۲۱- (لن، ب: با) ۲۲- ل: جمله ایرانیان خفته اند ۲۳- (ق): بدشت و بکوه: و: همه
همگروه: ل: همه لشکر ما برآشفته اند: ق (نیز ل): پراکنده از جنگ و گشته ستوه: متن = ف، س، ل، ل، س^۱ (نیز لن، لی، پ، لن، آ،
ب) ۲۴- ل- ل- س^۱ (نیز ق، لی، ل، پ، لن، آ، ب): کون ما: (لن: بیاتا: و: اگر ما): متن = ف ۲۵- ل: بیم ۲۶- س، ل (نیز
لن، ق، لی، لن، ب): نیابیم ۲۷- ل: به پیشی ابر تخت: س، ل (نیز لن، لن، ب): به پستی بر خاک: ق: نشست بر تخت: (لی، آ: ابر
تخت: با کام: ل: پس آنکه بر آن تخت: پ: بیینی که بر تخت: و: پس آنگاه بر تخت): متن = س (ل) ۲۸- (ق): دگر تخت شاهی
نیاید بدست): ف این بیت را ندارد

۱۶۰۵	وگر کار ما زین نگیرد ^۱ فروغ برین برنهادند و برخاستند ^۲ ز لشکر گزین کرد پنجه هزار برفتند کارآگهان پیش اوی ^۵ ز کارآگهان آنک بُد رهنمای
۱۶۱۰	به ^۷ جایی عَو ^۸ پاسبانی ^۹ ندید ^{۱۰} طلایه نه و آتش و باد نه بدید آن و ^{۱۳} برگشت و آمد دوان همه خفتگان همچنان ^{۱۴} مرده اند به جایی طلایه پدیدار نیست
۱۶۱۵	چو افراسیاب آن ^{۱۹} سَخُن ها شنود سپه را فرستاد و خود برنشست برفتند ترکان ^{۲۱} چو دریای آب برآن ^{۲۳} تاختن جنبش و ساز نه چو رفتند ^{۲۴} نزدیک پرده سرای
۱۶۲۰	عَو ^{۲۶} طبل بر ^{۲۷} کوهه ی زین بخاست ز لشکر هر آنکس که بُد پیشرو ^{۲۸}
	همه چاره بادست و مردی دروغ ز بهر شیخون بیاراستند ^۳ جهان دیده مردان ^۴ خنجرگزار جهان دیده مردان ^۶ پرخاشجوی بیامد بنزدیک پرده سرای بجز آرمیده جهانی ندید ^{۱۱} ز ترکان ^{۱۲} کسی را به دل یاد نه کزیشان کسی نیست روشن روان مگر دی ^{۱۵} همه روز ^{۱۶} می خورده اند برآن ^{۱۷} دشت برپای جز خار نیست ^{۱۸} به دلش اندرون روشنایی فرود میان یلی ^{۲۰} تاختن را بیست بکردند ^{۲۲} بر تاختن بر شتاب همان ناله ی بوق و آواز نه برآمد خروشیدن گره نای ^{۲۵} درفش سیه سر ^{۲۸} برآورد راست برانگیختند اسپ و برخاست عَو ^{۲۹}

۱- ل (نیزب): وگر بختمان برنگیرد؛ س، ق، ل (نیزلن، ل، ل، ل، ب): اگر (ق: وگر) بخت تاری (ل: یاری) نگیرد؛ س: اگر بختمان زین نگیرد؛ متن = ف (نیزق، ل، و، آ) ۲- ل: برخواستند ۳- ل: پیرداختند؛ (ق: برآراستند)؛ در س این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۴- س، ق، ل (نیزلن، ل، و، ب): گرد ازدر کارزار؛ س: گردان خنجرگزار؛ متن = ف، ل (نیزب) ۵- ل (نیزب) (پ: شاه) ۶- ل (نیزب): با قروجاه ۷- ق، س: نه ۸- ق، ل (نیزق، ل، ب): غو ۹- ل- س (نیزلن- ب، ل، ل، آ، ب): پاسبانان؛ (و: پاسبان را)؛ متن = ف ۱۰- ق، س: شنید؛ (ق: رسید) ۱۱- ق، س (نیزلی، و، آ): جهان را (آ: جهانبان) ندید؛ ل: تو گفتی جهان سربر آرید؛ س، ل (نیزلن، ق، ل، ل، ل، ب): چنان (ل: بخواب) آرمیده جهان را ندید؛ (ب: جز از آرمیدن جهانی ندید)؛ متن = ف ۱۲- ل- س (نیزلن، ق، ل، ب، و، ل، ب): توران؛ متن = ف (نیزلی، آ) ۱۳- ل، ق (نیزل): چو از دیده؛ س، ل، ل، س (نیزلن، ل، و، ل، آ، ب): چو آن دید؛ (ق: چنان دید و؛ ب: چنان دید)؛ متن = ف ۱۴- ل- س (نیزلن، ق، ل، ل، ب، و، ل، ل): سربر؛ متن ← ۱۵- ل- س (نیزلن، ق، ل، ل، ب، و، ل، ل): وگر نه؛ متن = ف (نیزلی، آ) ۱۶- (ق: وگر روز گویی که): بنداری: کأنهم شربوا طول نهارهم المدا حتى حالقوا لیلهم المنام ۱۷- ل، س، ل، س (نیزلن، ق، و، ب): همه؛ متن ← ۱۸- ل: کس آن خفتگان را نگهدار نیست؛ (ل: آ: بدان (آ: در آن) دشت جز خار بر (آ: بی) بار نیست؛ ب: همه دشت بر جای جز بار نیست)؛ متن = ف؛ ق، ل (نیزق، ل، ل، ل، ب): این بیت را ندارند ۱۹- ل، س (نیزآ، ب): این ۲۰- ل: یلان؛ س، ق، ل (نیزب): بایلان؛ متن = ف، س (نیزق، ل، ل، و، آ، ب) ۲۱- ل، س، ل، س (نیزلن، ق، ل، و، ل، ب): گردان؛ ق: پیویان؛ متن = ف (نیزلی، ب، آ) ۲۲- ل (نیزب): گرفتند؛ س (نیزق، ل، ل، ل، ل، ل، ب): نکردند؛ متن = ف، س، ق، ل (نیزلی، ل، و، آ، ب) ۲۳- ل، س (نیزلن، ل، ل، ب): همان؛ ق (نیزق، ل، ل، و): در آن؛ س (نیزلی): بدان؛ متن = ف، ل (نیزب، آ) ۲۴- ق: برفتند ۲۵- ف، ل، س: کترای ۲۶- ق، ل (نیزق، ل، ل، ب): غو ۲۷- ق (نیزق، ل، ل، آ): از؛ متن = ف، ل، س، ل، س (نیزلن، ب، و، ل، ب) ۲۸- ل، س (نیزل، ب) سیه را؛ ق (نیزل، ل): سپه را؛ س (نیزق، ل، آ): سپه سر؛ متن = ف، ل (نیزلن، ل، ب، و) ۲۹- ل (نیزق، ل، ل، ب): غو

<p>بیچید دیگر سر از کارزار^۲ - ز گرد سواران هوا تیره گشت^۵ - به پیش اندرون شاه با پیل و^۷ کوس هوا^۸ شد ز تیغ سواران بنفش نه با اسپ جان بُد^{۱۰}، نه با مرد هُش^{۱۱} کسی^{۱۳} را که ماند^{۱۴} اختر بد براند^{۱۵} چنان خسته شد^{۱۷} شاه توران سپاه، ز درد دل شاه بریان شدند نیابد گذر دانشی بی گمان^{۲۱} بکوبیم یک زخم ناچار نیز^{۲۳} وگر ارج تاج کیی برنیم^{۲۴} جهان پُر شد از ناله‌ی گره‌نای^{۲۵} کشیده سپه بر^{۲۸} سه فرسنگ صف نه خورشید تایید روشن، نه ماه^{۲۹} برآسان^{۳۰} که برخیزد از باد^{۳۱} موج خور از چرخ گردنده بیرون شده‌ست</p>	<p>به گنده درافتاد چندی سوارا ز^۳ یکدست رستم برآمد^۴ ز دشت ز دست دگر گیو و^۶ گودرز و طوس ۱۶۲۵ شهنشاہ با کاویانی درفش برآمد ده و گیر و دار و بکش^۹ ز ترکان^{۱۲} ز صد نامور ده نماند چو آگاهی آمد از آن^{۱۶} رزمگاه کزو^{۱۸} خستگان زار و^{۱۹} گریان شدند ۱۶۳۰ چُنین^{۲۰} گفت کز گردش آسمان چو دشمن همی جان ستاند^{۲۲} نه چیز اگر سربسرتن به کشتن دهیم برآمد خروش از دو پرده‌سرای گرفتند^{۲۶} شمشیر و ژوپین^{۲۷} به کف ۱۶۳۵ بکردار دریا شد آن رزمگاه سپاه اندرآمده‌می فوج فوج در و دشت گفتی همه^{۳۲} خون شده‌ست</p>
---	--

- ۱- ق، س^۱ (نیز ق، ل، آ، و)؛ سپاه ۲- ق، س^۲ (نیز ق، ل، آ، و)؛ رزمگاه ۳- ل، آ، س^۳؛ به ۴- س؛ درآمد ۵- (و؛ همه کار ترکان دگرگونه گشت) ۶- ل، ق، س^۶؛ [و] ۷- ل، س^۷ (نیز پ)؛ ناله بوق و؛ س، ق (نیز ب)؛ بوق و آواز؛ ل^۱ (نیز لن، ق، ل، آ، و؛ لن^۱)؛ بوق و آوای؛ (لی؛ سپاه اندرون پیل و)؛ متن = ف؛ بنداری؛ و تلقاهم الملك بالفيلة فيمن معه ۸- ل؛ زمین ۹- ل، ق؛ بر بند و کش؛ س^۲ (نیز ق، آ، پ)؛ بند و بکش؛ س، ل^۲ (نیز لن، لی، ل، آ، ب)؛ دار و بند (لی، لن^۱؛ گیر) و بکش؛ (ل؛ دار و بر بند و گیر)؛ متن = ف (نیز و، آ) ۱۰- ل (نیز ق، آ، لی، آ)؛ تاب و؛ س، س^۲ (نیز و، لن، آ، ب)؛ جان و؛ ق (نیز ل؛ آ)؛ تاو و؛ متن = ف، ل^۲ (نیز لن، پ) ۱۱- (ل؛ ویر) ۱۲- ل- ل- س^۲ (نیز لن- پ، لن، آ، ب)؛ ازیشان؛ متن = ف (نیز و)؛ بنداری؛ حتی لم يفلت منهم من العشرة إلا واحد ۱۳- (ق؛ یکی؛ و؛ همان)؛ متن ← ۱۴- س، ل^۲ (نیز لن، لن، آ، ب)؛ بد؛ (آ؛ کو بماند؛ لی؛ هر آنکو بماند)؛ متن = ف، ل، ق، س^۲ (نیز ل، پ) ۱۵- ل (نیز آ)؛ بماند (پساوند ندارد)؛ ل، آ، س^۲؛ نماند (پساوند ندارد) ۱۶- ل (نیز پ)؛ بدین؛ س، ل^۲ (نیز ب)؛ ازین؛ س^۲ (نیز و)؛ بدان؛ (لن، ق، آ، لن^۱؛ برین)؛ متن = ف (نیز لی، ل، آ) ۱۷- ل؛ بد ۱۸- ق؛ بران؛ س^۲ (نیز ق، آ، لی، پ، و، آ)؛ کجا؛ (ل؛ چنان)؛ متن ← ۱۹- ق؛ [و]؛ ل؛ که از خستگی جمله؛ س، ل^۲ (نیز لن، لن، آ، ب)؛ که آن (ل؛ که از) جنگیان زار و؛ متن = ف ۲۰- ل؛ همی ۲۱- (ل؛ نشاید گذشت آشکار و نهان؛ و؛ بدانش نیابی گذر بیگمان) ۲۲- ل؛ بسیجد؛ س، ل^۲ (نیز لن، ق، آ، و، لن، آ، ب)؛ پسندد؛ متن = ف، س^۲ (نیز لی، پ، آ) ۲۳- ل، س، ل، س^۲ (نیز لن، ق، آ، ل، آ، پ، و، لن، آ، ب)؛ بکوبیم (ل، س، آ، پ، و؛ بکوشیم) ناچار یک دست (پ؛ زخم؛ و؛ چند) نیز؛ (لی؛ آ؛ بکوشیم این (لی؛ یک) باره ناچار نیز)؛ متن = ف؛ ق این بیت را ندارد ۲۴- ل، ق، س^۲ (نیز ق، آ، ل، آ، پ، و)؛ وگر ایرجی (ق؛ آ؛ سربسرت) تاج بر سرنیم؛ س، ل^۲ (نیز لن، لن، آ، ب)؛ وگر نیز تاج شهی (ل، لن؛ یلی؛ لن؛ یکی) برنیم؛ (لی؛ ویا تاج شاهی بر سر برنیم؛ آ؛ وگر تاج شاهنشهی برنیم)؛ متن = ف ۲۵- ف، ل، س؛ کترنای؛ ق، ل^۲ این بیت را ندارند ۲۶- س، ل^۲ (نیز لن، آ، ب)؛ برفتند ۲۷- ل (نیز پ)؛ خنجر ۲۸- ل؛ کشیدند لشکر؛ ق، لن، ل^۲ این بیت را ندارند ۲۹- ل، س، ل، س^۲ (نیز لی، پ، لن، آ، ب)؛ تابنده روشن (ل، آ، لی؛ پیدا) نه ماه؛ ق؛ از آن خسته شد شاه توران سپاه؛ متن = ف (نیز ق، آ، و) ۳۰- ق (نیز لن، لی، لن، آ)؛ بدانسان ۳۱- س، ق، ل، س^۲ (نیز لن، ق، آ، لی، ل، آ، ب)؛ آ؛ متن = ف، ل (نیز پ، و)؛ در ق این بیت پس از بیت ۱۶۴۰ آمده است ۳۲- س، ل^۲ (نیز لن، ق، آ، لن، آ، ب)؛ که پر؛ ق این بیت را ندارد

به قیراندر اندود^۱ چهر^۲ سپهر
 همانگه برآمد یکی تیزباد^۳
 ۱۶۴۰ همی خاک برداشت^۵ از آوردگاه
 ز سرها همه^۷ ترکها برگرفت
 همه دشت مغز سر و^۸ خون گرفت
 سوارانِ ترکان که روز درنگ
 ندیدند با چرخ روی^{۱۱} نبرد
 ۱۶۴۵ چو کیخسرو آن جنبش و باد^{۱۳} دید
 ابا رستم و گیو و^{۱۴} گودرز و طوس
 دهاده برآمد ز قلب سپاه
 شد اندر^{۱۸} هوا گرد برسان میغ
 تلی گشته هر جای چون کوه کوه
 ۱۶۵۰ هوا گشت چون چادر نیلگون
 ز تیر آسمان شد چو پَران^{۲۴} عقاب
 بدید آن درفشان درفش^{۲۶} بنفش
 سپه را رده برکشیده^{۲۷} بماند

کسی را بُد بر تن خویش مهر
 که هرگز ندارد کس آن باد یاد^۴
 بزد بر سر و روی^۶ توران سپاه
 بماند اندر آن شاهِ ترکان شیگفت
 رخ خاک^۹ رنگِ ظبرخون گرفت
 زبون داشتندی شکارِ پلنگ^{۱۰}،
 همی خاک برداشت از جنگِ مرد^{۱۲}
 دل و بخت ایرانیان شاد دید
 ز قلب^{۱۵} سپاه اندر آورد کوس
 ز یک دست رستم^{۱۶}، ز یک^{۱۷} دست شاه
 چه میغی^{۱۹} که باران او تیر و تیغ
 برش^{۲۰} چشمه‌ی خون ز هردو گروه^{۲۱}
 زمین شد^{۲۲} بکردار دریای خون^{۲۳}
 نگه کرد روشن دل^{۲۵} افراسیاب،
 نهان کرد بر قلبگه بر درفش
 خود و نامدارانِ ترکان^{۲۸} براند

۱- ل: اندوده؛ س^۲ (نیزب): آلود ۲- ل: گفتی؛ ق، ل^۳ این بیت را ندارند؛ درل، پ لت‌های این بیت پس و پیش شده‌اند ۳- ل (نیزو): تیره باد؛ س، ل^۴، س^۵ (نیزلن - پ، ل^۶، ل^۷، آ، ب): تندباد؛ متن = ف ۴- ف: چنان باد یاد (!)؛ ل (نیزب): کسی آن بیاد؛ (ی، آ): کس آنرا بیاد؛ س، ل^۸، س^۹ (نیزلن، ق، آ، ل^{۱۰}، و، ل^{۱۱}، ب): کسی آن (س^{۱۲}، ل^{۱۳}): کس آنرا ندارد بیاد؛ متن = ف پس از تصحیح چنان به کس آن: ق این بیت را ندارد ۵- ق: برخاست؛ ل: همی خاست (وزن ندارد) ۶- ل، ق، س^۷ (نیزق، ل^۸، پ، و): چشم؛ (ی): بر رخ شده؛ متن = ف؛ س، ل^۹، ل^{۱۰}، ل^{۱۱}، آ، ب این بیت را ندارند؛ بنداری: فثارت ریح عاصف لم یسمع بمنلها فکانت تحفر التراب و ترمیه فی وجوه التورانیین و تستلب لشدها البیض من رءوسهم ۷- ق: همی؛ س (نیزل، ب): ز سرشان همی؛ در س، ل^۹، ل^{۱۰}، ب بیت‌های ۱۶۴۱-۱۶۴۳ درهم ریخته‌اند: ۱۶۴۳، ۱۶۴۱، ۱۶۴۲ ۸- س (نیزلن، ل^{۱۱}، ب): بیابان همه سربسر ۹- ل: دل سنگ؛ س، ل^{۱۰} (نیز ل^{۱۱}، ق، پ، و، ب): دل ریگ؛ س^{۱۲}: دل خار؛ (ی، آ): دل خاک؛ متن = ف؛ ق، ل^{۱۳}، ل^{۱۴} این بیت را ندارند ۱۰- ق، ل^{۱۱} این بیت را ندارند ۱۱- ل، س، ق، س^{۱۲} (نیزلن - ب): گردان؛ متن = ف ۱۲- ف، ق: برخاست از جنگِ مرد (؟)؛ ل: برخاست از دشتِ مرد؛ (ل): برخاست از آورد و گرد؛ پ: برخاست از دشت و گرد؛ متن = س، س^{۱۳} (نیزهفت دستنویس دیگر)؛ ل^{۱۴} این بیت را ندارد ۱۳- ف، س^{۱۵} (نیزب، و): جنبش باد؛ ل، ق (نیزل): خاک و آن باد؛ س: بخشش باد؛ (ل): چشمه‌آباد؛ ق^{۱۶}: چشمه و باد؛ ل^{۱۷}: بیچش باد؛ ب: جستن باد؛ متن = (ی، آ)؛ ل^{۱۸} این بیت را ندارد ۱۴- ل، ق، س^{۱۵}: [و] ۱۵- ل: پشت ۱۶- ق (نیزآ): دشمن ۱۷- س^{۱۸}: دگر ۱۸- (لن): بیست در ۱۹- ق (نیزو، ل^{۲۰}، ب): ابری؛ س، ل^{۲۱}، س^{۲۲} (نیزلن، ق، ل^{۲۳}، آ): چو ابری؛ متن = ف، ل ۲۰- س^{۲۱}: روان؛ (ل^{۲۲}: زمین)؛ متن ← ۲۱- ل: زمین گشته از خون ایشان ستوه؛ متن = ف، س، ل^{۲۲} (نیزلن، ق، ل^{۲۳}، و، ل^{۲۴}، آ، ب)؛ ق، پ این بیت را ندارند ۲۲- س، ق، ل^{۲۳} (نیزلن، ق، آ، ل^{۲۴}، و، ل^{۲۵}، ب): هم؛ متن = ف، ل (نیزلی، آ) ۲۳- س: زمین همچو دریای جوشان ز خون ۲۴- ل - س^{۲۵} (نیزلن - پ، ل^{۲۶}، آ، ب): پیر؛ متن = ف (نیزو) ۲۵- ل (نیزب): خیره سر؛ س، ل^{۲۶} (نیزلن، ل^{۲۷}، ب): تیره دل؛ متن = ف، ق، س^{۲۸} (نیزق، ل^{۲۹}، و، آ)؛ ق، ل^{۳۰} در اینجا سرنویس دارند، ق: گریختن افراسیاب دگر باره از کیخسرو؛ ل^{۳۱}: گریختن افراسیاب از لشکر ایران ۲۶- س (نیزلن، ل^{۲۷}، ب): درفش درفشان؛ در س^{۲۸} این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۲۷- ف (نیزلی، آ): چنان صف کشیده؛ متن = ل - س^{۲۸} (نیزهفت دستنویس دیگر)؛ ل: زده ۲۸- ل، ل^{۲۹} (نیزق، پ): توران؛ س (نیزلن، و، ل^{۳۰}، ب): و گردان؛ متن = ف، ق، س^{۳۱} (نیزلی، ل^{۳۲}، آ)

<p>۱۶۵۵ ز خویشانِ شایسته مردی هزارا به بی‌راه راه بیابان گرفت</p>	<p>ببرد آنک بود از در کارزار^۲ به رنج تن از دشمنان جان گرفت</p>
<p>۱۶۶۰ ز لشکر نیا را همی جست شاه رکبش^۴ گران کرده و چندی شتافت سپه چون نگه کرد در^۷ قلبگاه ز شاه کیان خواستند^۸ زینهار چو خسرو نگه کرد^۹ بنواختشان بفرمود تا تخت زرین نهند می آورد و رامشگران را بخواند شبی کرد و^{۱۳} جشنی که تا روز پاک چو خورشید بر چرخ بنمود دست^{۱۴}</p>	<p>بیامد دمان تا بر قلبگاه^۳ نشان پی شاه ترکان^۶ نیافت ندیدند جایی درفش سیاه، فرور می‌ختند آلت کارزار ز لشکر جدا پایگه^{۱۰} ساختشان به خیمه ندر آرایش^{۱۱} چین نهند ز لشکر فراوان سران را^{۱۲} بخواند همی مرده برخاست از تیره خاک شب تیره را رخ^{۱۵} به ناخن بخت^{۱۶}، به جایی خرامید با زند و اُست^{۱۷}، نه دام و دد آواز^{۲۰} او را شنید^{۲۱} به سر بر نهاد آن دل‌افروز تاج، از آن شادمان گردش روزگار</p>
<p>۱۶۶۵ شهنشاه ایران سر و تن بشت کز^{۱۸} ایرانیان کس مرو^{۱۹} را ندید ز شبگیر تا^{۲۲} ماه بر تخت^{۲۳} ساج^{۲۴} ستایش همی کرد بر^{۲۵} کردگار</p>	

۱- (ق: شایسته کارزار) ۲- ل: بنزدیک او بود در کارزار؛ (ق: گزین کرد از لشکرش یک هزار)؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س (نیز ل، لی، ب) ۳- ل، س، ق (نیز ل، لی، آ، و، آ، ب)؛ تا بقلب سپاه؛ ل، آ، س (نیز پ)؛ تا سر (س: آ: پس) قلبگاه؛ متن = ف ۴- ف، س، س (نیز لی، پ، و)؛ رکابش؛ متن = ل (نیز ل، ق، آ، ب) ۵- ل: زهرسوی پوید ۶- ل، س، س (نیز پ، و، ب)؛ توران؛ متن = ف، ل (نیز ل، ق، آ، لی، آ)؛ ق، ل، ل، ن، آ بیت‌های ۱۶۵۷ و ۱۶۵۸ را ندادند؛ درف بیت‌های ۱۶۵۷-۱۶۵۹ درهم ریخته‌اند؛ ۱۶۵۹، ۱۶۵۸، ۱۶۵۷؛ پیاپی بیت‌های متن = ل، س، ل، آ، س، ل، ن، ق، آ، لی، پ، و، آ، ب؛ س پس از بیت ۱۶۵۷ افزوده است؛ هزیمت شده شاه و خویشان همه

مانند اندر آن جای تخت و بنه

۷- ل، آ، س (نیز ق، آ، و)؛ بر ۸- س (نیز ق، آ)؛ جهان خواستند؛ ف: همی خواستند آن یلان؛ ل (نیز ل، آ، و)؛ ز شه (س: سپه) خواستند آن زمان؛ ق: همی خواستند آنکھی؛ متن = ل، آ، س (نیز ل، لی، پ، ل، آ، ب)؛ درف لت‌های این بیت پس و پیش شده است ۹- ل، س، آ: چنان دید؛ متن = ف، س، ق، ل (نیز ل، ب) ۱۰- ل، ق، س (نیز ق، آ، ب، و)؛ جایگه؛ (لی، آ: گرانمایه تر جایگه)؛ متن = ف، س، ل (نیز ل، ل، آ، ب) ۱۱- ف- س (نیز ل، لی، آ، و، ل، آ، ب)؛ خیمه در آرایش؛ (پ: خیمه درون زیور)؛ متن = ق: خیمه اندر) ۱۲- ل: سواران؛ ف: سراسر مهان را؛ متن = ل، س، ق، س (نیز ل، ل، آ) ۱۳- ل (نیز ل، ب، ل، آ، ب)؛ [و]؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیز و)؛ ق این بیت را ندارد ۱۴- ل (نیز پ)؛ پشت؛ س، ق، ل، آ، س (نیز ل، ق، آ، و، ل، آ، ب)؛ بنمود بر (س: از) چرخ دست؛ متن = ف (نیز لی، آ) ۱۵- (ل، س، ق، آ، لی، آ: رخ را)؛ س، ق، ل، آ، س (نیز ل، آ، و، ل، آ، ب)؛ رخ تیره شب را؛ متن = ف ۱۶- ل: شب تیره شد از نمودن درشت؛ (پ: زمین شد سیاه و هوا شد درشت) ۱۷- ل، ق (نیز لی، ل، آ، ب، آ)؛ یکی جایگاه پرستش بجست؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیز ل، ق، آ، و، ل، آ، ب)؛ و: کنجی) ۱۸- ف (نیز ق، آ)؛ که؛ (لی، آ: از)؛ متن = ل- س (نیز ل، ل، آ، ب، و، ل، آ، ب) ۱۹- ق: او (وزن ندارد) ۲۰- ل (نیز لی، پ، و، آ)؛ آوای ۲۱- ف: او می شنید؛ ل: ایشان شنید؛ متن = س، ق، ل، آ، س (نیز ل، ب) ۲۲- س (نیز ب)؛ چون ۲۳- ل، س، ق، ل (نیز ل، ب)؛ چرخ؛ متن = ف، س، آ ۲۴- (ل: عاج) ۲۵- س: با

- ۱۶۷۰ فراوان بمالید بر خاک روی
 و زانجا بیامد سوی تاج و تخت
 از ایران سپه^۳ هرک^۴ افکنده بود
 از آن خاک آورد برداشتند^۵
 همه رزمگه دخمه‌ها ساختند
 ز چیزی که دید^{۱۰} اندر آن رزمگاه^{۱۱}
 و زانجا بشد شاد^{۱۳} بیهشت گنگ^{۱۴}
- ۱۶۷۵
- چو آگاهی آمد به ماچین و چین
 بیچید فغفور^{۱۷} و خاقان به درد
 از آن یآوری‌ها پشیمان شدند
 همی‌گفت فغفور کافراسیاب
 ز لشکرفرستادن و خواسته^{۲۱}
 پشیمانی آمد^{۲۳} همه بهر ما
 ز چین و ختن^{۲۵} هدیه‌ها ساختند
 فرستاده‌یی نیک‌دل را بخواند
 یکی مرد بُد یک‌دل و^{۲۸} نیک‌خواه
- ۱۶۸۰
- ز ترکان و ز^{۱۶} شاه ایران زمین،
 ز تخت مهی هر کسی یاد کرد
 پُراندیشه^{۱۹} دل سوی درمان شدند
 ازین پس نبیند بزرگی^{۲۰} به خواب
 شود کار ما بی‌گمان کاسته^{۲۲}
 کزین^{۲۴} کار ویران شود شهر ما
 بر آن^{۲۶} کار گنجی پرداختند
 سخن‌های شایسته چندی^{۲۷} براند
 فرستاد فغفور نزدیک شاه

۱- ل، س، ق، ل (نیز ل، لی، ل، پ، لن، ب): بر نهاد از دو؛ (و: بر براند از دو)؛ متن = ف، س (نیز ق)؛ بنداری (۱۶۶۵-۱۶۶۹)؛ و خلا بنفسه فی مکان خال، و مثل قائما بین یدی ربه عزوجل یحمله و یدعوه و یشکره علی ما أسدی الیه و أنعم به علیه، من أوّل اللیل الی أن طلعت الشمس (?) ۲- ل-س (نیز ل، ق، لی، پ-ب): خرامان؛ (ل: خروشان)؛ متن = ف ۳- ل-س (نیز ل، ق، لی، پ، و، لن، ب): ایرانیان؛ متن = ف (نیز لی، آ) ۴- س، ق، ل، س: هرکه؛ متن = ف، ل ۵- ل-س (نیز ل-ب): کشته؛ متن = ف ۶- ل: گره؛ (ق، لی، آ: در خاک اگر؛ پ: بود و اگر) ۷- ف: برداشتشان؛ متن = ل-س (نیز ل-ب) ۸- ل: سر؛ (و: بر) ۹- ف: بگذاشتشان؛ متن = ل-س (نیز ل-ب) ۱۰- ل (نیز ب): بود؛ س: یافت؛ متن = ف، ق، ل، س (نیز ل-آ) ۱۱- (لی، آ: اندر آوردگاه) ۱۲- ل: شاه جهان؛ س، ل (نیز ل، لن، ب): پاک آن همه؛ س (نیز ق، ب): شاه آن همه؛ (لی، آ: دیگر همه؛ ل: شادان همه؛ و: یکسر همه)؛ ق: بخشیدشان آن همه؛ متن = ف ۱۳- ل، ل، ل: شاه؛ (لن، پ: شه؛ ق: تا؛ ب: برفتند)؛ س: وزانجا یگه شاد؛ س: وزانجا ی شد شاه؛ متن = ف (نیز لی، ل، و، آ) ۱۴- ل: بر سوی کنک؛ لن: شه ز بهشت کنک)؛ ق: وزانسو بشد شاد بر سوی کنک ۱۵- ل-س (نیز لی، پ، و، لن، آ): [و]: (ق: همه سائله آباد)؛ متن = ف (نیز ل، ل، ب) ۱۶- س (نیز ب): ز ایران و از؛ ل: این بیت را ندارد ۱۷- بنداری: بغفور ۱۸- ل، س، ل، س (نیز ل، لن، ب): وز ۱۹- (لی، آ: پراز درد) ۲۰- س: بزرگی نبیند؛ س: نبیند ازین پس بزرگی ۲۱- س: خواستن ۲۲- ف: یکسر آراسته (!)؛ س، ق (نیز لن، ق، ل، پ، لن، آ، ب): بی گمان کار ما کاسته؛ س: بچنگش سپه را بیاراستن؛ متن = ل، ل (نیز لی، و) ۲۳- (پ، ب: آید) ۲۴- ف: ازین؛ س (نیز ب): وزین؛ ل: برین؛ متن = ل، ق، س (نیز ل-ب، لن، آ) ۲۵- (ل: ز ماچین و چین) ۲۶- ل، س، ل، س (نیز ل، لی، پ، لن، ب): بدان؛ متن = ف، ق (نیز ق، و، آ) ۲۷- س (نیز و، ب): با او؛ (لن، لن، ب): با وی)؛ متن = ل، ق (نیز ق، لی، ل، پ، آ)؛ ف، ل، س (نیز ل، لی، پ، لن، ب): این بیت را ندارند ۲۸- ق (نیز ق)؛ [و]: س (نیز ل، ق، لی، ب): نیکدل؛ (و: دانادل)؛ ف، ل، س: فرستاده یک دل و (= ۱۶۸۳ + ۱۶۸۴)؛ متن = ل (نیز لی، ب، آ): ل این بیت را ندارد

- ۱۶۸۵ طرایف^۱ به چین اندرون آنچ^۲ بود
 به پوزش^۵ فرستاد نزدیک شاه
 بزرگان^۷ چین بی درنگ آمدند
 جهانگیر^۸ پیروز بنواختشان
 پذیرفت^{۱۰} چیزی که آورده بود
 فرستاده را گفت کو را بگوی
 نباید که نزد تو^{۱۳} افراسیاب
- ۱۶۹۰ فرستاده برگشت و آمد چو گرد^{۱۵}
 چو بشنید فغفور^{۱۸} هنگام خواب
 که از مرز چین و ختن^{۱۹} دور باش!
 هر آنکس که او گم کند راه^{۲۰} خویش
 چو بشنید افراسیاب آن^{۲۲} سخن
 به بی راه راه بیابان گرفت
 چو با درد و با رنج و غم دید^{۲۴} روز
 ز بدخواه روز و شب آزریر بود^{۲۵}
- ز دینار^۳ و ز^۴ گوهر نابسود،
 فرستادگان^۶ برگرفتند راه
 به یک هفته از چین به گنگ آمدند
 چنان چون ببايست بنشاختشان^۹
 طرایف^{۱۱} بُد و بدره و برده^{۱۲} بود
 که خیره بر ما مبر آب روی
 بیاید شب تیره هنگام^{۱۴} خواب
- به فغفور^{۱۶} بر گفت ها یاد کرد^{۱۷}
 فرستاد کس نزد افراسیاب
 ز بد کردن خویش رنجور باش!
 بد آید ز بد کردنش کار پیش^{۲۱}
 پشیمان شد از کردهای گهن
 بیفگند نام و غم^{۲۳} جان گرفت
 بیامد دمان تا به کوه اسپروز
 به هر جای خوردنش نخچیر بود^{۲۶}

۱- (لن، ق، ل، ی، لن، ی؛ طرایف) ۲- س، ق، ل، ل، س؛ هر چه ۳- ف: هم از در؛ (ل، ز دیا)؛ متن = ل - س ۴ (نیز هشت دستنویس دیگر) ۴- س: و از ۵- ف: سراسر؛ متن ← ۶- ف: گرانمایگان؛ متن = ل - س ۷ (نیز لن - ب) ۷- ق (نیز ل، ل، آ): فرستادگان ۸- ل - س ۹ (نیز لن - ب): جهاندار؛ متن = ف ۹- س، ل ۱۰ (نیز ل، ل، آ، ب): برساختشان ۱۰- ق، س، ل: پذیرفت ۱۱- (لن، ل، ی، لن، ی؛ طرایف) ۱۲- س: برده و بدره ۱۳- ق: نزدیک ۱۴- ف: بیاید شب تیره آرام و خواب؛ (لن: بیاید که شب هنگام خواب)؛ متن = ل - س ۱۵ (نیز ل - ب) ۱۵- ل - س ۱۶ (نیز لن - ب): باد؛ متن = ف (نیز آ) ۱۶- بنداری: بغور ۱۷- (لی: کرد یاد)؛ ل - س ۱۸ (نیز لن، ق، ل، ل، پ، و، لن، ب): یکسر (ق: یک یک؛ لن: چینی) پیامش بداد؛ متن = ف (نیز آ)؛ ف پس از این بیت افزوده است:

از آن یاورى ها پشیمان شدند

به درد دل از سوى درمان شدند (۱۶۷۸)

۱۸- ق: فغفور بشنید ۱۹- ق (نیز ل): که از چین و مرز ختن؛ س: که از مردم چین و چین (!) ۲۰- (ل، آ، رای) ۲۱- ل، س، ق، ل ۲ (نیز ق، ل، پ، و، لن، ب): بدآید بدانندیش را کار (ق: راه؛ ل، رای) پیش؛ س: بدآید چو آمد سرو کار پیش؛ متن = ف (نیز ل، آ) ۲۲- ل، س، ق، س، ل: این؛ برخی از دستنویس ها در اینجا سرنویس دارند، س: دیگر هزیمت شدن افراسیاب از شاه کیخسرو؛ ل: فرستادن خاقان چین خواسته نزد کیخسرو؛ س: گر بختن افراسیاب و رفتن بکنک دز ۲۳- ل، س، ق، ل ۲ (نیز لن - ب): نام (لن: تخت) مهی؛ س: نام و گهر؛ متن = ف؛ در ل، پ لت های این بیت پس و پیش شده اند ۲۴- ق: بود ۲۵- ل، ق (نیز ب): اندیشه کرد؛ ل: آرزیر بود؛ (لی: ارژیر بود)؛ متن = ف، س، س ۲ (نیز هفت دستنویس دیگر) ۲۶- س (نیز ب): با ترکش و تیر بود؛ ل، ق (نیز ب): شب و روز را دل یکی بیشه کرد؛ (ق، ل، ی، و، آ: شب و روز با ترکش و تیر بود)؛ متن = ف، ل، ل، س ۲ (نیز لن، ل، ل، ل، آ)؛ س، ب پس از این بیت افزوده اند:

همان خوردنش نیز نخچیر بود

بدان کار رفتن بتدبیر بود

۱۷۰۰ بیامد چُنین^۱ تا به آبِ زره
 چو نزدیک آن ژرف دریا رسید
 بدو گفت ملاح کای شهریار
 مرا سالیان هست هشتاد^۲ و هشت
 بدو گفت پُرمایه افراسیاب
 مرو را^۳ به شمشیر دشمن نکشت
 ۱۷۰۵ بفرمود تا مهتران هر کسی
 سُوی گنگ دز بادبان برکشید^۴
 چو آنجا شد امین بخفت و بخورد^۵
 چُنین گفت کایدرباشیم شاد
 ۱۷۱۰ چو روشن شود تیره گونِ اخترم
 ز دشمن بخواهم همه^۶ کینِ خویش

چو کیخسرو آگاه شد ز آن^۷ سَخُن
 به رستم چُنین گفت: افراسیاب
 بکردار کرد آنچه^۸ با ما بگفت
 به کشتی به^۹ آبِ زره^{۱۰} برگذشت
 ۱۷۱۵ مرا با نیا جز به خنجر سَخُن
 به نیروی یزدانِ پیروزگر
 که کار^{۱۱} نو آورد مردِ گُهَن،
 سُوی گنگ دز شد به^{۱۲} دریای آب
 که ما را سپهرِ بلندست جفت
 همه رنج ما سر بسر باد گشت
 نباشد، نگردانم^{۱۳} این کینِ گُهَن
 بیندم به کینِ سیاوشِ کمر^{۱۴}

۱- ل در بالا به زچین تصحیح کرده است؛ س: دمان ۲- ل (نیزق، ل، ل، ل): رنج و بند گره؛ س، ق (نیزو، آ): رنج و بند و گره؛
 ل (نیزلن، پ): رنج بند و گره؛ س (نیزلن، ب): بند و رنج و گره؛ متن = ف ۳- ل، س، ق، س: مران؛ متن = ف،
 ل ۴- ق: کران و میانه ۵- ل، ق، ل، س: بدین؛ متن = ف، س ۶- ل، س، ق، ل (نیزلن، ق، پ، و، ل، ب):
 هفتاد؛ متن = ف، س (نیزلی، ل، آ) ۷- ل، س: کشتی برو (س: برین) بر؛ س، ل (نیزلن، ل، ب): کشتی بدین (س):
 بران؛ ل، ب: برین) سو؛ متن = ف، ق (نیزق، و، آ) ۸- ل (نیزلن، ل، ب): به ۹- ل (نیزب): مرا چون ۱۰-
 (ل: بگیرد)؛ س: نگیرد جهانبان؛ ل: بکشتن نگردد؛ (ل: نکشتش نگیرد؛ ق: بکشتن نگیرد؛ ب: من و تو نگیرد)؛ ف: چو
 کشتش نگیرد جهان را (حرف دوم و سوم واژه دوم و حرف یکم واژه سوم نقطه ندارند)؛ ل (نیزب): چنان چون نکشتش
 نگیرد (ل: بگیرد)؛ س: چو دریا بکشت او بگیرد؛ متن = ل، ق، و این بیت را ندارند ۱۱- ق (نیزق، ل، و، آ):
 انداخت ۱۲- س (نیزب): بسازند کشتی و زورق ۱۳- ل: درکشید ۱۴- ل: و بدیها؛ س: و به بد او ۱۵-
 (ق، ل: بخورد و بخفت)؛ ف: رسید امین و خوش بخورد؛ ل، ق: چو آنجایگه شد بخفت و بخورد؛ متن = س، ل، س (نیزلن، ل،
 ب) ۱۶- ل، ق (نیزق، ل، ل، پ، آ): روزگار نبرد (ق: هفت)؛ س، ل (نیزب): آوردگاه نبرد؛ متن = ف، س (نیزو،
 ل، ل، ق، ل، س (نیزلن، ق، پ، و، ل، ب): همان؛ س (نیزل، آ): همی؛ متن = ف (نیزلی، آ) ۱۸- ل، س:
 زین ۱۹- ق، س: کاری ۲۰- ل، ق (نیزب): ز ۲۱- ق، ل، س: آنچه ۲۲- ق: ز؛ س: بر ۲۳- س:
 زره ۲۴- ل: بگردانم ۲۵- (و: بازوی بخت و بفر و هنر)؛ ف این بیت را ندارد

<p>همه چین و مُکران^۱ سپه گستریم^۲ چو گردد مرا راست ماچین و چین ز^۳ آب زره^۴ بگذرانم^۵ سپاه اگر نیز چندی^۶ درنگ آیدم^۷ فراوان شما رنج^۸ برداشتید هم این^۹ رنج بر خویشان برنهد^{۱۰} بماند ز ما نام تا رستخیز شدند اندر آن^{۱۱} پهلوانان دژم که دریای با موج و چندین سپاه که داند که بیرون کی^{۱۲} آید ز آب به خشکی درون ما به جنگ^{۱۳} اندریم همی گفت هر گونه یی^{۱۴} هر کسی^{۱۵} چُنین گفت رستم که ای مهتران نباید که این رنج بی بر شود و دیگر که این^{۱۶} شاه پیروزگر از^{۱۷} ایران رسیدیم^{۱۸} تا پیش کنگ [همه شاد و پیروز بودیم و گش ز^{۱۹} کاری که سازدهمی بر خورد</p>	<p>به دریای کیماک^۱ بر بگذرم^۲ بخواهیم^۳ یاری^۴ ز مُکران زمین اگر چرخ گردان بود نیک خواه مگر مردِ خونی به^۵ چنگ آیدم^۶ برو بوم آباد بگذاشتید، از آن به^۷ گیتی به دشمن دهید^۸ به پیروزی و، دشمن اندر گریز دهان^۹ پر ز باد، ابروان پُر زخم^{۱۰}، سر و کار با آب^{۱۱} و^{۱۲} شش ماهه^{۱۳} راه، بد آمد سپه را از^{۱۴} افراسیاب به دریا به کام نهنگ^{۱۵} اندریم بدانگه که گفتارها شد بسی^{۱۶}، جهان دیده و رنج برده^{۱۷} سران، به ناز و^{۱۸} تن آسانی^{۱۹} اندر شود بیابدهمی زاختر نیک بر ندیدیم جز جنگ یا رای^{۲۰} جنگ نزد بر دل ما ز اندوه تش^{۲۱} برین^{۲۲} آمد و هم برین^{۲۳} بگذرد</p>	<p>۱۷۲۰ ۱۷۲۵ ۱۷۳۰ ۱۷۳۵</p>
---	---	---

۱- ل (نیزو): ماچین ۲- ق: گستریم ۳- ف، ل، س (نیزو): کمال (حرف دوم نقطه ندارد)؛ ق، ل (نیزلی، ل، پ، لن، آ، ب): کیمال؛ س: لهماک؛ (لن: کیماک)؛ متن = (ق) ۴- ف- ل (نیزق): بخواهیم (حرف یکم نقطه ندارد)؛ س (نیزب، لن): نخواهیم؛ متن = (لن، لی، ل، آ، ب) ۵- ل: باژی؛ ل (نیزق): باری؛ (آ: یاور)؛ متن = ف، س، ق، س (نیزلن، لی، ل، آ، ب، لن، ب) ۶- ل، ق، س (نیزل، آ، ب، لن): به؛ س، ل (نیزلن، لی، و، آ، ب): بسر؛ متن = ف ۷- ف، س: رزه ۸- ل: بگذرانم ۹- ل، س، ل، آ، س (نیزلن، ق، ل، آ، لن): چند جایی؛ ق (نیزب، ب): چند گاهی؛ (و: چندی اینجا)؛ متن = ف (نیزلی، آ) ۱۰- ق: آوریم ۱۱- س: مگر خونی خود ۱۲- ل: شمارنج بسیار ۱۳- ل: همه؛ (و: کنون)؛ دستنویس های دیگر: همین ۱۴- ق: برنهم ۱۵- ل: [سه] (وزن ندارد) ۱۶- ق: دهیم ۱۷- ف: آن زمان؛ متن = ل- س (نیزلن- ب) ۱۸- س، ل (نیزلن، و، لن، آ، ب): لیان؛ متن = ف، ل، ق، س (نیزق، ل، آ، ب) ۱۹- (ق: و روان پر زغم) ۲۰- ف: موج (؟)؛ ل- س (نیزلن، ق، آ، ب، و، لن، آ، ب): باد (؟)؛ متن = (لی، آ) ۲۱- ل: [و] ۲۲- ل: ماه؛ (آ: ساله) ۲۳- ل، س (نیزق، لی، و، لن، آ، ب): که؛ متن = ف، س، ق، ل (نیزلن، ب) ۲۴- ف- ل: ز؛ متن = س ۲۵- ل، س، ق، ل (نیزلن، ق، آ، ل، آ، ب، لن، آ، ب): چو خشکی بود ما بچنگ (ل: برنج)؛ س: بخشکی بود ما بچنگ؛ (لی، آ: بخشکی همیشه بچنگ؛ و: بخشکی بچنگ پلنگ)؛ متن = ف ۲۶- ل: وگر چند با بوم و گنج ۲۷- ل: هرگونه با ۲۸- س: هرگونه هرکس سخن ۲۹- س: بین ۳۰- س: دیده ۳۱- س (نیزل، آ، ب): بیاد؛ ق، س (نیزلن، ق، آ، و، لن): بیاد؛ متن = ف، ل (نیزلی، ب، آ) ۳۲- ل: پیاداش آسانی ۳۳- ق: دگر آنک این؛ س: بدانید کین ۳۴- ق: ز ۳۵- ل- س (نیزلن، ق، آ، ل، آ، ب): برقیم؛ متن = ف (نیز آ) ۳۶- ل، ق، ل (نیزلن، ق، آ، ل، آ، ب، لن، آ): جنگ (ق: دشت؛ ب: چنگ) یازان (سازان، یاران، تازان، چیزی)؛ س (نیز ب): کامکاری و؛ متن = ف، س ۳۷- ل- س (نیزلن- ب) این بیت را ندارند؛ متن = ف ۳۸- ف در بالا افزوده است: که ۳۹- ل، ق، س (نیزب، آ): بدین

چو بشنید لشکر ز رستم سَخُن
 بزرگانِ داننده برخاستند
 که ما شاه را سربسر^۲ بنده ییم
 به خشکی و بر آب فرمان تُراست^۳
 ۱۷۴۰ از آن شاد شد شاه و^۴ بنواختشان
 در گنج‌های نیا برگشاد
 ز دینار^۵ و گوهر هزار^۶
 ز گاوانِ گردون‌کشان ده هزار^۷
 همیدون ز گنجِ درم دوهزار^۸
 ۱۷۴۵ بفرمود از آن^۹ پس به^{۱۰} هنگام خواب
 ز خویش وز^{۱۱} پیوند چندانک^{۱۲} هست
 همه در عماری به راه آورند^{۱۳}
 صد^{۱۴} از نامداران^{۱۵} گردن‌کشان
 همه خویش و پیوندِ افراسیاب
 ۱۷۵۰ نواها^{۱۶} که از شهرها یادگار^{۱۷}

۱- ل، س^۲ این بیت را ندارند؛ بنداری: فقاموا فی حضرة الملك وقالوا (نیز پ): سربسر شاه را ۳- ل: وراست ۴- س (نیز پ): بندگانیم ۵- ل: وراست؛ (لن: و او پادشاست؛ ق، ل، ۲: و کیهان تراست) ۶- ف: [و] ۷- ل (نیز و، آ، ب): بر ۸- ف: بنواختشان (در بالا به ضبط متن تصحیح کرده است) ۹- ق (نیز ق): دینار و دینا؛ متن ← ۱۰- ل (نیز ل، ۲، پ): ز دینار و دینای گوهرنگار؛ متن = ف، س، ل، ۲، س^۲ (نیز لن، لی، و، لن، آ، ب) ۱۱- ف، ل: شتر بار کردند با شهریار (= ۱۷۴۴ ب)؛ س^۲: بردند با آلت کارزار (= ۱۷۴۳ ب)؛ متن = س، ق، ل^۲ (نیز لن - ب)؛ بنداری (۱۷۴۱-۱۷۴۲): و أمر الملك ففتحوا أبواب خزائن أفراسیاب فأوقر ألف جل من الذهب والفضة والجواهر والنياب ۱۲- ف (نیز و): دو هزار؛ س^۲: سه هزار؛ س، ل^۲ (نیز لن، لن، آ، ب): گردون هزاران هزار؛ ل: همیدون ز گنج درم صد هزار (= ۱۷۴۴ آ)؛ متن = (ق، لی، پ، آ) ۱۳- ف: پره؛ متن ← ۱۴- س^۲: هیونان شایسته کردند بار (= ۱۷۴۲ ب)؛ متن = ل، س، ل^۲ (نیز لن، ق، لی، پ - ب)؛ ق، ل^۲ این بیت را ندارند؛ بنداری: وأدخلوا عشرة آلاف ثور تحت العجل وأوقروها بآلات الحرب ۱۵- ف: ده هزار؛ س، ل^۲ (نیز لن، لن، آ، ب): بی‌شمار؛ ل: ز گاوان گردون‌کشان ده هزار (= ۱۷۴۳ آ)؛ متن = س^۲ (نیز ق، ۲، پ) ۱۶- ف: از بهر کار؛ ل: بردند تا خود کی آید بکار؛ (ق): کمرهای زرین و هم گوشوار؛ متن = س، ل، ۲، س^۲ (نیز لن، پ، لن، ۲، ب)؛ ق، لی، ل، ۲، و آ این بیت را ندارند و در ترجمه بنداری هم نیست؛ ل پس از این بیت افزوده است:

هیونان ز گنج درم ده هزار بسی بار کردند بسا شهریار

۱۷- ف، ل، ق: زان ۱۸- ف (نیز لی، آ): که؛ متن = ل - س^۲ (نیز هفت دستنویس دیگر) ۱۹- ل، ق (نیز ق، ۲، پ): که ۲۰- ل: ز خویشان و ۲۱- س (نیز پ، ب): او هر که؛ ل^۲: هر کس که؛ س^۲: چندانکه؛ (لن، لن): همه خویش و پیوند او هر که) ۲۲- ل، س، س^۲ (نیز ق، ۲، پ، و، لن، آ، ب): اگر؛ ق، ل^۲ این بیت را ندارند ۲۳- س، ق، ل^۲ (نیز ل، لن، آ، ب): آورید ۲۴- ل، س، س^۲: ز ۲۵- ل: دو ۲۶- س، ل، ۲، س^۲ (نیز لی، پ، و، ب): نامداران و؛ ق: شدند آن بزرگان و ۲۷- س، ل^۲ (نیز لن، لن، آ، ب): هر کس ۲۸- ل: ز تیمارشان دیده کرده پراب؛ (لی، آ): همه دل پیر از خون و دیده پراب؛ درل بیت‌های ۱۷۴۹-۱۷۵۱ درهم ریخته‌اند: ۱۷۵۱، ۱۷۴۹، ۱۷۵۰ ۲۹- ق (نیز لی، و، آ): بزرگان؛ متن = ل، س، ل، ۲، س^۲ (نیز ق، ۲، پ، ب) ۳۰- ق: بی‌شمار؛ (لی، آ): روزگار؛ ل^۲: شهریان؛ متن = ل، س، ل، ۲، س^۲ (نیز ق، ۲، پ، و، ب) ۳۱- ق (نیز ل، ۲، آ): ترک و؛ س (نیز پ): اسیران (ب: گروگان) ز ترک وز؛ متن = ل، ل، ۲، س^۲ (نیز ق، ۲، پ، و)؛ ف، لن، لن^۲ این بیت را ندارند؛ بنداری (۱۷۴۸-۱۷۵۱): و تجهيز مائة نفس من الأكابر الصید من أقارب أفراسیاب ومائة نفس من أكابر أهل تلك الأقاليم من الذين كانوا رهائن عنده. ثم أمر بإخراج ولده جهن وأخيه كرسيز بقيودهما، و حملهما في المهود

چو جَهَن و^۱ چو گرسوز ارجند
سپرد آن زمان گیو را شهریار
بدو گفت کای مرد فرخنده‌پی
به مهداندرون پای کرده به بند،
گزین کرد از ایرانیان ده‌هزار^۲
برو با سپه پیش^۳ کاوس‌کی

گفتار اندر فرستادن کیخسرو مر گیورا پیش شاه کاوس^۴

<p>بیاورد قرتاس و^۵ چینی حریر^۶ بفرمود در^۸ کار افراسیاب نخست آفرین کرد بر دادگر زمان و زمین^{۱۱} را نگارنده اوست ز خاشاک تا پیش^{۱۳} دریای نیل^{۱۴}، خداوند هست و خداوند نیست بروبر نگردد^{۱۵} به تندی سپهر کزو خیزد آرام را تار و پود همی داشت از بهر آرام و خواب بزرگتی و دیهم و گنج^{۲۱} و سپاه بسی گشته گشت و بسی خسته گشت^{۲۳} سخن هرچ^{۲۴} رفت اندرین رزمگاه</p>	<p>بفرمود تا پیش او شد دبیر یکی نامه از قیر و مُشک^۷ و گلاب چو شد خامه از قیر و از مُشک^۹ تر که دارنده و برسرآرنده^{۱۰} اوست همو آفرینده‌ی مور و پیل^{۱۲} همه با توانایی او یکیست کسی را که او پروراند به مهر ازو^{۱۶} باد بر شاه^{۱۷} ایران^{۱۸} درود رسیدم بدین^{۱۹} دز که افراسیاب بدوی^{۲۰} اندرون بود تخت و کلاه چهل روزمان جنگ پیوسته گشت^{۲۲} بگویند کنون گیو یک‌یک به شاه</p>
---	---

۱- ف: [و] ۲- ل: دو هزار؛ بنداری: عشرة آلاف فارس ۳- س، ل، آ، س (نیز ل، ق، ب، و، ل، ن): سوی: ق (نیز ل): نزد: (ی، آ: بر نامه من به): متن = ف، ل (نیز ب) ۴- ف: گفتار اندر فرستادن مر گیورا پیش شاه و اسیران جهن و کرسوز و خوشان افراسیاب: ل: فتح نامه شاه بکاوس بایران: س، س، آ: نامه کیخسرو بکاوس شاه با اسیران و خواسته: ق: نامه کیخسرو بکاوس از بهشت کتک و رفتن گیو با خواسته و بندیان و پسر و برادر افراسیاب: ل: نامه فرستادن کیخسرو نزد کیکاوس: متن = آغاز ف: ۵- ق: [و] ۶- س (نیز ل، ی، ل، آ، ب): مشک و غیره: متن = ف، ل، ق، ل، آ، س (نیز ق، ب، و، آ) ۷- ل (نیز ق، آ، ب): مشک و قیر ۸- ق (نیز و، ل، ن): از ۹- ل- ل- س (نیز ل، ب، ل، ن، آ، ب): مشک و از (ز) قیر: متن = ف (نیز و) ۱۰- ل: ل: و هم برآورده (!): ل: و هم برآورده: ب: او و سرآورنده: و: که آورنده اوست و دارنده ۱۱- ل: زمین و زمان ۱۲- ل: پیل و مور ۱۳- س، س، آ (نیز ل، ی، ل، ن، آ، ب): ناچیز و: (ق: تاریک و: ل: تا آب: و: تا موج): متن = ف، ق، ل (نیز ب) ۱۴- ل: تا آب دریای شور ۱۵- ل: بر آنکس نگردد: (ق: برو نگردد بر) ۱۶- س، ل (نیز ل، ل، آ، ب): ازو ۱۷- ق: شاهی ۱۸- ل- ل- س (نیز ل، ق، آ، ب، و، ل، ن، آ، ب): گسیتی: متن = ف (نیز ل، آ) ۱۹- ق (نیز ل، آ، ب): بدان ۲۰- ف- س (نیز ل، ی، ب): بدو: متن = (ق) ۲۱- س، ل (نیز ل، ق، آ، ل، ن، آ، ب): تاج: متن = ف، ل، ق، س (نیز ل، ب، و، آ) ۲۲- ل: چهل پیل زیشان همه بسته گشت: س، ل (نیز ل، ل، ن، آ، ب): چهل روز با (ل، آ، ب: را؛ ل: بر) بارها گشت بست: ق: چهل میل از ایشان برگشته گشت (!): ل: چهل روز بازارها کرده پست: ب: چهل روز در بارها پشته گشت): متن = ف، س (نیز ل، آ) ۲۳- ل، ق: هر آنکس که برگشت تن خسته: (ق: سرگشته) گشت: س، ل (نیز ل، ل، ن، آ، ب): بد آن بد که دشمن نیامد بدست: س، آ: هر آنکس کجا مرد بد بسته گشت: (ل: هر آنکس که بد کرد برگشت بست: ب: هر آنکس که بد کرده بد بسته گشت): متن = ف (نیز ل، آ): در ق این بیت چنین آمده است:
چهل روز یکسان همی جنگ بود
سراجم از جنگ ما رسته گشت
جهان بر بداندیش بر تنگ بود
هر آنکس که برگشت دل خسته گشت

۲۴- س، ق، ل، آ، س: هر چه

چو برا پیش یزدان گشایی دو لب
کشیدیم لشکر به ماچین و چین
و زان پس بر آب زره بگذرم

ز پیش شهنشاه برگشت گیو
چو باد هوا گشت و برید^۶ راه
پس^۸ آگاهی آمد به^۹ کاوس کی
پذیره فرستاد چندی سپاه
چو آمد بز شاه^{۱۱} گیو دلیر
چو چشم سپهد برآمد به^{۱۳} شاه
ورا دید کاوس بر پای جست^{۱۵}

پرسیدش از شهریار و^{۱۹} سپاه
بگفت آن کجا دید گیو سترگ
جوان شد ز گفتار او شاه^{۲۲} پیر
چو آن نامه بر شاه ایران بخواند

فرود آمد از تخت کاوس شاه
بیامد بغلتید^{۲۵} بر تیره خاک^{۲۶}
و زانجایگه شد به جای نشست

ابا لشکری گشن و مردان^۵ نیو
بیامد^۷ بنزدیک کاوس شاه
از آن پهلوان زاده ی نیک پی^{۱۰}
گرانمایگان برگرفتند راه
سپاهی ز گردان چویک دشت شیر^{۱۲}،
زمین را ببوسید و هم^{۱۴} پیشگاه
بخندید^{۱۶} و بسترد^{۱۷} رویش به دست^{۱۸}
ز گردنده خورشید و رخشنده ماه^{۲۰}
ز گردان و از^{۲۱} شهریار بزرگ
پس آن نامه بنهاد پیش دبیر
همه انجمن در شگفتی بماند^{۲۳}
ز سر برگرفت آن کیانی کلاه^{۲۴}
نیایش کنان پیش یزدان پاک
به گرد دل^{۲۷} آدین^{۲۸} شادی^{۲۹} بست

۱- س (نیزلن، و، لن، ب): در ۲- ق: سو برانم ۳- س، ق (نیزل، آ): به ۴- ف (نیزلن، آ): داورم (۲): س: باورم؛ متن = ل، س، ق، ل (نیزلن - و، آ، ب) ۵- ف: لشکر نامبردار؛ متن = ل - س (نیزلن - ب) ۶- ف: شد پیمود؛ س (نیزلن، لن، ب): گشت بر (س: مر): شاه؛ ل: گشت بریند (!): س: تیز بیری؛ (و: شد بیری): متن = ل، ق (نیزق، ل، ل، آ، ب، آ) ۷- ف: چو آمد؛ س (نیزلن، ب): رسیدش؛ متن = ل، ق، ل، آ، س (نیزلی - آ) ۸- (لی، ب، آ، چو): متن ← ۹- ف: از آن آگاهی یافت؛ متن = ل - س (نیزلن، ق، ل، و، لن، ب) ۱۰- ف: که آید زره گیو فرخنده پی؛ متن = ل - س (نیزلن - ب) ۱۱- ل، ق (نیزل): شهر (ل) در بالا ضبط متن را افزوده است) ۱۲- ف: ز ترکان چویک بیشه شیر؛ ق (نیزلن): ز گردان چویگدشت شیر؛ (و: بگردش بگردار شیر)؛ متن = ل، س، ل، س (نیزلن، ق، ل، آ، ب، آ، ب) ۱۳- ل - س (نیزلن، ق، ل، آ، ب): چو گیو (آ: شاد) اندر آمد بنزدیک؛ متن = ف (نیزل، آ، ب، و) ۱۴- ل، س، ل، آ، س (نیزلن، ب، لن): ببوسید بر؛ ق (نیزق، ل، ل، آ، و، آ، ب): ببوسید در؛ متن = ف ۱۵- ل: خاست ۱۶- (ل): پرسید و؛ متن ← ۱۷- (ق: بیسود): متن ← ۱۸- ل: بمالید بر روی او دست راست؛ (لی، آ): بخندید و بگرفت (آ: بیسرد) دستش بدست؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیزلن، ق، آ، ب، و، لن، آ، ب): بنداری: و لما وصل الی حضرة کیکاوس و ثب و تلقاه و مسح وجهه بیده ۱۹- ق: پرسید از شهریار؛ بنداری: وسایله عن أحوال ولده ۲۰- ل (نیزق، آ، و): تابنده ماه ۲۱- ف، ل، ق، ل، آ، س: وز؛ متن = س ۲۲- ل، ق: مرد؛ (ب: شیر؛ لن: کاوس): متن = ف، س، ل، آ، س (نیزهفت دستویس دیگر) ۲۳- ل، ب پس از این بیت افزوده اند: همه شاد گشتند و خرم شدند ز شادی دو دیده پراز نم شدند همسه چیز دادند درویش را بنفریده کردند (ب: بنفرین بکردند) بدکیش را ۲۴- س، ل (نیزلن، و، لن، آ، ب): خجسته کلاه ۲۵- (لی، ب: بغلطید) ۲۶- ف: گریان بخاک؛ متن = ل - س (نیزلن - ب) ۲۷- ل: دز؛ (ب: در) ۲۸- ل، ق، س (نیزل، آ، ب): آیین؛ ل (نیزق، ل، آ): آدین؛ متن = ف (نیزلن، لن، آ، ب) ۲۹- س (نیزل، آ، ب، ب): شاهی؛ (و: بر آیین شاهان میان را)

<p>سُخُن نیز کز^۲ شاه ایران شنید^۳ و زایران نبرده سران را بخواند چُنین تا شب تیره اندر خید^۵ دلی شاد و خرّم^۶ به ایوانِ خویش پیچید شب گرد کرده عینان، برفتند گردان بدان بارگاه برآن نامور تختِ شاهی^{۱۱} نشاند همان نامور سرفرازانِ گرد پس پرده اندر^{۱۳} ستم دیدگان^{۱۴} که او برد پای سیاوش ز جای^{۱۶} برو^{۱۷} کرد نفرین که^{۱۸} نفرین سزید^{۱۹} ببردند نزدیک^{۲۰} تختِ بلند^{۲۱} بیاراست مر هر یکی را نو^{۲۳} چنان چون که بُد رای شاه بلند^{۲۴} نگه کرد کاوس مژگانِ پُرآب وکیل و^{۲۶} پرستنده بر پای کرد^{۲۷}</p>	<p>همی گفت با شاه گیو آنچ^۱ دید می آورد و رامشگران را بخواند همه شب همی گفت^۴ و پاسخ شنید برفتند - با شمع داران^۶ ز پیش - چو برزد خور از چرخ گردان سِنان^۸ تیره برآمد ز درگاه شاه جهانگیر^۹ پس گیو را پیش خواند بفرمود تا خواسته پیش برد^{۱۱} همان بی گنه روی پوشیدگان^{۱۲} همان جَهَن و گرسیوز رهنمای^{۱۵} چو گرسیوز بدگنش را بدید همان جَهَن را پای کرده به بند اسیران و آنکس که بود از^{۲۲} نوا یکی را نگهبان، یکی را به بند بدان دخترانِ ردافراسیاب پس پرده ی شاهشان جای کرد^{۲۵}</p>	<p>۱۷۸۵ ۱۷۹۰ ۱۷۹۵</p>
--	--	---

۱- ق، ل: آنچه ۲- ل: سخن کزلب؛ متن = س، ل، آ، س (نیز ل- ب) ۳- ف، ق: چنین تا شب تیره اندر خید (ق: چمید)؛ در
ف ۱۷۸۳ با ۱۷۸۵ ب پس و پیش شده اند؛ در ق ۱۷۸۳ ب- ۱۸۷۵ آ را انداخته و از ۱۷۸۳ آ و ۱۸۷۵ ب یک بیت ساخته اند ۴- ل: ز
هرگونه گفت؛ (پ: همه روز می گفت) ۵- ل، س (نیز ل، ق:؟): حمید (حرف یکم نقطه ندارد)؛ (ل، ل، آ، پ، و: چمید؛ در آ حرف یکم در
بالا یک نقطه و در زیر سه نقطه دارد)؛ متن = ل، آ، س (نیز ل، آ، ب): اندر خید (؟)؛ ف: سخن نیز کز شاه فرخ شنید (= ۱۷۸۳ ب) ۶- ف
(نیز پ): با شمع و یاران (؟)؛ ل- س (نیز ق، ل، آ، ل، ب): با شمع یاران (؟)؛ (لن: با شمع نازان؛ و: با شمع گردان)؛ متن =
(آ) ۷- (ل: خورم) ۸- ل: رخسارشان (رخشان سنان)؛ (لن: رخشان سنان)؛ ل، س، ق، س (نیز ل- و، آ، ب): سراز
برج (س، لن، ل، آ: چرخ؛ ق: کوه) رخشان (ل: گردان) سنان؛ متن = ف ۹- ل- س (نیز ل- ب): جهاندار؛ متن =
ف ۱۰- (ل، و: ز زین) ۱۱- ق: هر چه بود (!) ۱۲- ف، ل: پوشیده گان ۱۳- س: پس اندر بیسته ۱۴-
ف، ل: دیده گان ۱۵- ل، س، ق، س (نیز ل، ق، آ، ل، و، ل، آ، ب): بندسای؛ ل: بدنمای؛ (پ: بندپای)؛ متن = ف ۱۶-
(و: که برد او سیاوخش را دل ز جای) ۱۷- ق: بدو ۱۸- (ق:؟ و) ۱۹- س: کرد نفرین برو گسترید (!) ۲۰- (ق، آ،
ل، آ: از پیش)؛ متن ← ۲۱- ق، س (نیز ل، آ، ب): چنان چون بود رای شاه بلند (= ۱۷۹۶ ب)؛ ق ۱۷۹۴ ب- ۱۷۹۶ آ را انداخته و از
۱۷۹۴ آ و ۱۷۹۶ ب یک بیت ساخته است؛ متن = ف، ل، س، ل (نیز ل، و، ل، آ، ب) ۲۲- ف (نیز ل): که او بد؛ (و: هرکس که بد
بی)؛ متن = ل، س، س (نیز ل، ق، آ، ب، ل، آ، ب) ۲۳- ل (نیز ل، پ، آ): جدا؛ (لن: سزا؛ ق: از نوا)؛ س (نیز پ): کسی را سزا؛
متن = ف، س (نیز و، ل، آ، ق، ل، آ، ل، آ، ب) ۱۷۹۵ و ۱۷۹۶ را ندارند و درل، پ این بیت ها پس از بیت ۱۷۹۸ آمده اند ۲۴- ل،
س (نیز ق، آ، ل، پ، آ): بردند از پیش تخت (ل: شاه) بلند (= ۱۷۹۴ ب)؛ س: همه درد و تیمار و رنج و گزند؛ (لن: بردند در بارگاه بلند؛ و:
نگه کرد بیدار شاه بلند؛ لن، آ، ب: نهاده بگردن درون غل و بند)؛ متن = ف ۲۵- س: کرد جای ۲۶- ف، س: [و]؛ ل، ق:
همانگه؛ (لن: بسرشان؛ ق: ولیکن)؛ متن = س، ل (نیز ل- ب) ۲۷- س: را کرد پای؛ درل، پ پس از این بیت، بیت های ۱۷۹۵ و
۱۷۹۶ آمده اند؛ بنداری (۱۷۸۳-۱۷۹۸): فسرد علیه جیوا جمیع ماجری له ثم أدخل الأسارى عليه. فأمر بإدخال المخدرات الی ماوراء السطور؛ ف،
ل، آ پس از بیت ۱۷۹۸ افزوده اند: فراوان همان دلخوشی داد شاه (ل، آ: فراوانشان دلخوشی ها بداد)

نکو کرد در کار ایشان نگاه (ل، آ: ز دادار دارنده میگرد یاد) ←

<p>خورش با پرستنده و رهنمای^۱ ز دل دور و^۲ با دخمه^۳ نزدیک بود چُنین ست کردار گردنده دهر کفی^۴ راد دارد^۵، دلی^۶ پارسا نگردد به گِرد در بی خرد چُنان دان که^۸ دیوانه خواند^۹ بزشک ز دینار و از^{۱۲} گوهر نابسود، بخوانند بر شاه ایران زمین^{۱۴} به ایوان نبرد از بزرگان و^{۱۵} خرد ز بیگانه مردم تهی کرد گاه سرِ خامه برسان الماس کرد به هر نامداری و هر مهتری به آبخور آمد پلنگ و بره پراکنده^{۱۹} و مردم خویش را</p>	<p>بیاراستند از در جَهَن جای به دزیر یکی جای تاریک بود به گرسوز آمد چُنان جای بهر خُتک آن کسی کو بود پادشا بداند که گیتی برو بگذرد خرد چون شود کهتر کام و رشک^۷ و زان^{۱۰} پس همه خواسته هرچ^{۱۱} بود به ارزانیان^{۱۳} داد تا آفرین دگر بردگان مهتران را سپرد و زان^{۱۶} پس کزیشان پرداخت شاه نبیسنده^{۱۷} آهنگ قرطاس کرد نبشتند^{۱۸} نامه به هر کشوری که شد ترک و چین شاه را یکسره درم داد و دینار درویش را</p>
---	---

۱- بیت های ۱۷۹۹-۱۸۰۸ در دستنویس ها درهم ریخته اند: ل، پ: ۱۸۰۵-۱۸۰۷، ۱۸۷۹-۱۸۰۲، ۱۸۰۴، ۱۸۰۳، ۱۸۰۸، ۱۸۰۸؛ ق: ۱۸۰۵-۱۸۰۷، ۱۸۷۹-۱۸۰۲، ۱۸۰۸، ۱۸۰۳ و ۱۸۰۴ (را ندارد)؛ س، س، آ، ل-ن-ل، آ، و-ب: ۱۸۰۵-۱۸۰۷، ۱۸۷۹-۱۸۰۴، ۱۸۰۸، ۱۸۰۸؛ پیایی بیت های متن = ف پس از افزودن بیت ۱۸۰۷ ۲- ل، س، آ: [و] ۳- ق (نیزلی، آ): با رنج؛ (لن): بردخمه؛ ل، آ: با چشم) ۴- (و: بدل) ۵- ف (نیزو): باشد؛ متن = ل-س ۲ (نیزهشت دستنویس دیگر) ۶- س، ل ۲ (نیزلن، ق، آ، ل، ب): تنی؛ (و: بتن)؛ متن = ف، ل، ق، س ۲ (نیزلی، ل، آ، پ، آ) ۷- ل: از دو دیده سرشک؛ س، ل ۲ (نیزلن، ق، آ، پ، ل، ب): کهتر و کام رشک؛ س ۲: کهتر و کام و رشک؛ ل، ل ۲: کهتر کام رشک؛ متن = ف (نیزو، آ) ۸- ل، س، ل، آ، س ۲ (نیزلن، ل، آ، پ، ل، ب، آ، ب): چنان هم که؛ (ق: ورا همچو)؛ متن = ف (نیزو) ۹- ل (نیزل ۳): خواهد؛ ل در اینجا سرنویس دارد: مژده فرستادن کاوس باطراف ایران ۱۰- ل: از آن ۱۱- س، ق، ل، آ، س: هرچه ۱۲- ف، ل، ق، ل، آ، س: وز؛ متن = س ۱۳- س، ل ۲ (نیزلن، ل، ل، آ، و، ل، آ، ب): بایرانیان؛ متن = ف، ل، ق، س ۲ (نیزق، آ، پ) ۱۴- س، ل ۲ (نیزلن، ق، آ، پ، و، ل، ب): شهریار زمین؛ متن = ف، ل، ق، س ۲ (نیزلی، ل، آ) ۱۵- (ق: نماند از بزرگان نه)؛ ف این بیت را ندارد؛ بنداری (۱۷۹۹-۱۸۰۷): وأمر بأن یرتب لجهن بن أفراسیاب موضع بلیق به لیجعل محبساله. ففعلوا ذلک ورتبوا له خدما یخدمونه. وأودعوا کرسسوز مضمورة مظلمة. وفرق تلک المغانم علی الفقراء و المحتاجین، وسألهم أن یدعوا للملک کیخسرو ویشکره (بیت های ۱۸۰۱-۱۸۰۴، ۱۸۰۷ را ندارد) ۱۶- ق: از آن ۱۷- ل، س، ق (نیزلن-ب): نویسنده؛ متن = ف، ل، آ، س ۲ ۱۸- ل، ق (نیزلی، ل، آ، پ، و، آ): نوشتند؛ متن = ف، س، ل، آ، س ۲ (نیزلن، ق، آ، ل، ب) ۱۹- (ق: پرستنده)

→

<p>پس آنکه (لی، آ: وزانپس) فرنیس را خواند شاه بدو گفت کین خواهران توانند (لی، آ: تبار) چو پیوسته و چاکران تواند (لی، آ: سزاوار مرهریکی را بدار) که نفرین سزد بر چنان شهریار پرستنده برپای کرد و رهی</p>	<p>سزاوار مرهریکی را بدار 5 بیاراستشان جایگاه شهی دو بیت پسین در لی، آ چنین آمده اند: فرنگیس بوسید روی زمین بیامد از آن پیشگاه مهی</p>
---	--

به دو هفته در پیش درگاه شاه
 سیم^۵ هفته بر جایگاه مهی
 ۱۸۱۵ ز بس ناله‌ی نای و بانگ سرود
 به یک هفته از جام^{۱۰} کاوس کی
 سر ماه نو خلعت گيو ساخت
 طبق‌های زرین و پیروزه جام
 پرستار^{۱۴} با طوق و با گوشوار
 ۱۸۲۰ همان جامه‌ی تخت و^{۱۶} افگندنی
 فرستاد تا^{۱۸} گيو را خواندند
 بردند خلعت بنزدیک اوی
 از انبوه^۳ بخشش^۴ ندیدند راه
 نشست اندر آرام با فرهی
 همی داد گل^۷ جام می^۸ را درود
 همی موج برخاست از سرخ می^{۱۱}
 همه زر و پیروزه اندر نشاخت^{۱۲}
 کمرهای زرین و^{۱۳} زرین ستام
 همان یاره^{۱۵} و تاج گوهرنگار
 ز رنگ و زبوی و پراگندنی^{۱۷}
 بر اورنگ زرینش بنشانند
 بمالید گيو اندر آن تخت روی^{۱۹}

گفتار اندر پاسخ نامه‌ی کیخسرو از نزد کاوس شاه^{۲۰}

وُزآن پس بیامد خرامان دبیر
 نبشتند^{۲۱} پاسخ^{۲۲} که از کردگار
 ۱۸۲۵ که فرزند ما گشت پیروزبخت^{۲۴}
 بیاورد قرطاس و مُشک و عبیر
 به دادیم و خشنودم از روزگار^{۲۳}
 سزای مهی، از در^{۲۵} تاج و تخت^{۲۶}

۱- س، ل (نیز ل، لن، ب): بر ۲- س، ق، ل، س، ز ۳- س (نیز ل، و، لن): انبوه و ۴- ل: سحتش (حرف‌های یکم و دوم نقطه ندارند)؛ ف این بیت را ندارد؛ درس^۲ بیت‌های ۱۸۱۲-۱۸۱۴ درهم ریخته‌اند: ۱۸۱۲، ۱۸۱۳، ۱۸۱۴-۵- س، ق، س (نیز ق، ل، ب): سوم؛ ل (نیز ل، ل، و، لن، ب): سیوم؛ (آ: سه‌ام)؛ متن = ف، ل ۶- (لی: در) ۷- س، ل، س (نیز ل، ق، ل، ب) ۸- (ب): دل؛ ق: می؛ متن = ف، ل (نیز ل): گل - دل؟ ۸- ق: دل ۹- س: در ۱۰- ل (نیز ب): کاخ؛ ق، س (نیز ق): خان؛ متن = ف، س، ل (نیز هفت دستنویس دیگر) ۱۱- ل، س: جام می؛ متن = ف، س، ق، ل (نیز ل - ب) ۱۲- س، ل: بساخت ۱۳- (و: کمرها و اسپان) ۱۴- س (نیز ل، ب): فرستاد ۱۵- س (نیز ق، و): یاره (نقطه ندارد)؛ ق، ل: یاره؛ متن = ف، ل، س (نیز ل، ل، ب، لن، آ، ب) ۱۶- س، ل (نیز آ): [و]؛ س: خلعت تخت و؛ (لی: جامه و رخت؛ ب، و، لن: جامه و تخت و؛ ب: جامه و تخت)؛ متن = ف، ل، ق (نیز ل، ق، ل) ۱۷- ل: وز پراگندنی؛ س (نیز ل، ب): ز گسترده‌ی؛ (و: چه از رنگ و بوی و چه از خوردنی)؛ متن = ف، ق، ل، س (نیز ق، ل، ل، ب، لن، آ) ۱۸- (و: کس) ۱۹- ف، ل، آ پس از این بیت افزوده‌اند:

بدو گفت شاه این همه فرهی بزرگی و دیهم شاهنشهی

زرنج تو و خواب گودرز بود (لی، آ: خاست)

همه ملک را از شا ارز بود (لی، آ: همه پشت ملک (لی: شاه) از شا راست گشت)

بسوسید تخت آفرین کرد (لی، آ: بدان تخت بر آفرین خواند) گيو

بران (لی: بدان) نامسور شاه بیسدار نیو

۲۰- س، ق، ل: پاسخ نامه کیخسرو از نزد کاوس شاه (ق: و مراجعت گيو از ایران)؛ س: پاسخ کیخسرو از کاوس کی؛ ف، ل سرنویس ندارند؛ متن ← س ۲۱- ل، ق (نیز ل، ل، ب، و): نوشتند؛ متن = ف، س، ل، س (نیز ل، ق، ل، لن، آ، ب) ۲۲- ل، ق (نیز و): نامه؛ متن = ف، س، ل، س (نیز هشت دستنویس دیگر) ۲۳- ل - س (نیز ق، ل، ل، ب، لن، آ، ب): بدادیم و (ق، ل، ب، آ: [و]) خشنود از (س، ل، ب: ازین؛ ق: از؛ ب: وز) روزگار؛ (لن: شدم شاد و خشنود و زرورگار؛ و: بدادیم خشنودی از روزگار)؛ متن = ف ۲۴- ق: پیروزگر ۲۵- ل (نیز ق، ل، آ): وز در؛ ق: از بی؛ متن = ف، س، ل، س (نیز ل، ب، و، لن، ب) ۲۶- ق: فر

بدی را که گیتی همی تنگ^۱ داشت،
 ز دست تو^۳ آواره شد در جهان
 همه ساله تا بود خونریز بود
 بزد گردنِ نوذر تاجدار^۶
 برادرگش و بدتن^۸ و شاهگش ۱۸۳۰
 ممانش که پی برنهد^{۱۰} بر زمین
 جهان را مگر^{۱۲} زو رهایی بود
 اگر داور دادگریک خدای
 که گیتی بشویی ز رنج^{۱۵} بدان
 به داد جهان آفرین شاد باش!
 مگر بازینم ترا شادمان
 ازین^{۱۷} پس بجز^{۱۸} پیش یزدان پاک^{۱۹}
 بدان تا تو پیروز باشی و شاد
 جهان آفرین رهنمای تو باد!

جهان از پی^۲ غارت و جنگ داشت،
 نگویند نامش مگر در^۴ نهران
 خوی نامبردار پالیز^۵ بود
 ز شاهان و ز باستان^۷ یادگار
 بداندیش و بدنام و شوریده هُش^۹
 به ترکان^{۱۱} و مُکران و دریای چین
 خوی باغبان را بهایی^{۱۳} بود
 ترا بود خواهدهمی^{۱۴} رهنمای،
 ز گفتار و کردار نابخردان،
 جهان را یکی تازه بنیاد باش!
 پُر از درد^{۱۶} گردد دل بدگمان
 نباشم^{۲۰}، کزویست اومید^{۲۱} و باک^{۲۲}
 سرت سبز باد و^{۲۳} دلت پُر ز داد
 همیشه سرِ تخت جای تو باد^{۲۴}!

نهادند بر نامه بر مُهر شاه
 به ره بر نبودش به جایی^{۲۷} درنگ

بر^{۲۵} ایوان او^{۲۶} گویو بگزید راه
 بنزدیک کیخسرو آمد به گنگ

۱- ف، ل، س^۱ (نیزلن، ق، و، ل، ن، ب): ننگ (در برخی شاید یک نقطه افتاده باشد)؛ ق: وزانکس که گیتی همه ننگ؛ متن = ل، س (نیزلی، پ، آ) ۲- ل، ق (نیزق، لی، و، آ): جهان را پراز؛ متن = ف، س، ل، س^۲ (نیزلسن، ل، پ، بسن، ب) ۳- ق: ز دشوار (!) ۴- ل، س، ل، س^۳ (نیزلن، ق، ل، ن، ب): جز اندر؛ متن = ف، ق (نیزلی، پ، و، آ) ۵- ف، س، ل، س^۴ (نیزلن، ق، ل، پ، ل، ن، ب): خوی (س، ق، ل، چنان؛ ل، جوی؛ ل، چنین؛ پ، جوی؛ ل، خوی) نامبردار (پ، ل، ن: نام بردار) پالیز؛ ل، ق (نیزلی، آ): بدنامی و زشتی آویز؛ (و: سبکسار و بدگوهر و تیز)؛ متن = ف، س، ل، س^۵ (خوی - نحو؟) (← ۱۸۳۲ ب) ۶- س، ق، س^۶ (نیزلی، و، آ): نامدار؛ متن = ف، ل، ل^۶ (نیزلن، ق، ل، ن، ب) ۷- ل، س^۷ (نیزق، لی، و، آ): راستان؛ ق: موبدان؛ س، ل، ل^۷ (نیزلن، پ، ب): پیشین (ل: پیشی) بد او؛ (ل: گیتی یکی؛ ل، ن: و پیشینگان)؛ متن = ف ۸- ف: بد هُش؛ متن = ل - س^۸ (نیزلن - ب) ۹- ل: بدره و آشفته هُش؛ متن = ف، س، ق، ل، س^۹ (نیزلن - ب) ۱۰- ل - س^{۱۰} (نیزلن - ب): پی (پ: به پی) او همان تا نهد؛ متن = ف ۱۱- ل، س، س^{۱۱} (نیزپ، و): بتوران؛ متن = ف، ق، ل^{۱۱} (نیزلن، ق، ل، ن، ب) ۱۲- س: جهاندارگر ۱۳- ل، ق (نیزپ): سرب هایش بهایی؛ س، ل^{۱۲} (نیزلن، ل، ن، ب): چنان باغبان را بهایی؛ س^{۱۲}: چن ازین سرش را جدایی؛ (ق: بداد و دهش رهنمایی؛ لی، آ: بآخر ز جاننش جدایی؛ ل^{۱۳}: چنو باغبان آشنایی؛ و: سرش پیش تیغت بهایی)؛ متن = ف: خوی - نحو؟ (← ۱۸۲۸ ب) ۱۴- ل: همی بود خواهد ترا؛ متن = ف، س، ق، ل، س^{۱۴} (نیزلن - ب) ۱۵- ف: نخه؛ (ب: رنگ)؛ متن = ل - س^{۱۵} (نیزلن - آ) ۱۶- ف: گرد (ق)؛ متن = ل، س، ل، س^{۱۶} (نیزلن - ب)؛ ق این بیت را ندارد ۱۷- ل: وزین؛ ل، س^{۱۷}: از آن؛ متن = ف، ق ۱۸- ل، س، ل، س^{۱۸} (نیزلن، ق، ل، پ، و، ل، ن، ب): جز از؛ ق: چودر؛ متن = ف (نیزلی، ل، آ) ۱۹- (ل: بیای) ۲۰- ق (نیزق): بیاشم ۲۱- ل - س^{۲۰} (نیزق، لی، ل، ن، پ، ل، آ، ب): امید؛ متن = ف ۲۲- (ل: فرهای؛ و: کمر بسته با ترس و باک) ۲۳- ق: باشد ۲۴- درق پس از این بیت، بیت ۱۸۴۴ آمده است ۲۵- ق، س^{۲۵} (نیزب): از؛ (لی: ز؛ ل، پ: و)؛ متن = ف، ل، س، ل^{۲۵} (نیزلن، ق، ل، ن، آ) ۲۶- ل، ق: شه ۲۷- ق (نیزلی، آ): زمانی؛ (ل: بدانجا)؛ س: نبودیش جایی

برو آفرین کرد و نامه بداد
 ز گفتار او شاد شد شهریار
 همی خورد پیروزاً شادان سه روز
 سپه را همه ترگ و جوشن بداد ۱۸۴۵
 جهانی^۶ به گستم نوذر سپرد
 ز گنگ گزین^۸ راه چین برگرفت
 بُد روز بیکار و^{۱۰} تیره شبان
 برین^{۱۱} گونه تا شارستان^{۱۲} پدر
 همی گرد باغ سیاوش بگشت ۱۸۵۰
 همی گفت کزدادگر^{۱۵} یک خدای
 کزین هم نشان^{۱۷} خون افراسیاب
 و ز آجایگه شد سوی تخت باز
 ز لشکر فرستادگان برگزید
 فرستاد کس نزد^{۱۹} خاقان چین ۱۸۵۵
 که گر داد گیرید و فرمان کنید
 خورش ها فرستید پیش^{۲۱} سپاه

پیام نیا^۱ پیش او^۲ کرد یاد
 می آورد و^۳ رامشگر و می گسار
 چهارم چو بفروخت گیتی فروز،
 به لشکرگه آمد دل افروز و شاد^۵
 یکی لشکری نامبردار و^۷ گرد
 جهانی^۹ به شمشیر دربر گرفت
 طلایه به روز و به شب پاسبان
 همی رفت گریان پُر از کینه سر^{۱۳}
 به جایی که بنهاد خونریز تشت^{۱۴}
 بخواهم که باشد^{۱۶} مرا رهنمای،
 بریزم هم ایدر^{۱۸} بکردار آب
 همی گفت با داور پاک راز
 که گویند و دانند گفت و شنید
 به فغفور^{۲۰} و سالار مکران زمین
 ز کردار بد دل پشیمان کنید،
 ببینید^{۲۲} ناچار^{۲۳} ما را به راه

۱- ف، س (نیز لن، ل، آ، لن، ب): پدر؛ متن ← ۲- ل (نیز پ): نیایششان؛ (لی، آ: نیایش بدو؛ و: نیایش برو)؛ متن = ل، س (نیز ق)؛
 ق بیت های ۱۸۴۲ و ۱۸۴۳ را ندارد؛ بنداری (۱۸۴۰-۱۸۴۴): فرجع جیوالی حضرته و هو بعد همدینه کنک، ففرح بکتاب جدّه و جلس فی مجلس
 الأنس مع الملوك والأمراء ثلاثة أيام. و لما كان اليوم الرابع فرّق السلاح علی العسکر، و خرج من المدینة متوجها نحو الصین، و أقام کسّم بن نوذرفی
 عسکر عظیم هناك ۳- س: بیاورد؛ درس^۲ پس از این بیت، بیت ۱۸۴۷ آمده است ۴- ل، ق، ل (نیز لن، ق، و، پ، لن، ب):
 پیروز و؛ س: بود پیروز و؛ متن = ف، س (نیز لی، آ): درق این بیت پس از بیت ۱۸۳۹ آمده است ۵- ل (نیز پ): پیام نیایششان کرد یاد
 (= ۱۸۴۲ ب)؛ س، ل (نیز لن، لی، لن، آ، ب): چنان چون بود رسم شاهان داد؛ متن = ف، س (نیز ق، و)؛ ق، ل این بیت را ندارند؛ س، ق،
 پس از این بیت افزوده اند:

از آن پهلوانان آزادمرد

که بودند با خسرواندر نبرد

۶- ل (نیز پ): مرانرا ۷- س، ق، ل، آ، س: [و]؛ درق این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۸- ف: برین؛ متن = ل-
 س (نیز لن - ب) ۹- ل، س (نیز و): جهانرا؛ درس^۲ این بیت پس از بیت ۱۸۴۳ آمده است ۱۰- ق: بشد روز روشن همان (وزن
 ندارد)؛ ف این بیت را ندارد ۱۱- ل، ق، س: بدین؛ س، ل: بران؛ متن = ف ۱۲- ق (نیز لن، لی، ل، آ، پ، لن، ب):
 شارسان ۱۳- ل، ق، ل، س (نیز ق، لی، ل، آ، و، آ): و پر کینه سر؛ س (نیز لن، لن، ب): و پر خاک سر؛ (پ: و پر خون جگر)؛ متن =
 ف ۱۴- س، ق، ل، آ، س (نیز لن، ق، آ، لی، ب- پ): طشت؛ متن = ف، ل (نیز ل) ۱۵- ل: داور؛ (پ: داور آن) ۱۶- (لن):
 بخوابد شدن مر) ۱۷- ل: مگر همچین؛ (ق، آ، و: که هم زین نشان)؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س (نیز هفت دستنویس دیگر) ۱۸-
 س، ق، ل، آ، س (نیز لن، ق، آ، لی، لن، آ، ب): من ایدر؛ ل (نیز پ): هم ایدر بریزم؛ (ل: بریزم ایدر)؛ متن = ف (نیز و) ۱۹-
 س (نیز ق)؛ فرستاد نزدیک ۲۰- بنداری: بغبور ۲۱- ل، ل، ل: نزد ۲۲- ف، س: ببینید (حرف یکم نقطه ندارد)؛ س: ۲-
 نبینید؛ متن = ل، ق، ل (نیز لن، لی - ب) ۲۳- (ق): بیابند و ببینند)؛ بنداری: و أمرهم أن یذلوا له الطاعة و یتلقوا مواکبه اذا قدم الی
 بلادهم

کسی کو نیاید به گفتار ما^۱
برآراست^۳ باید سپه را^۴ به رزم

فرستاده آمد به هر کشوری ۱۸۶۰
غمی گشت فغفور و خاقان چین
فرستاده را چند گفتند گرم
که ما شاه را سربسر بنده ایم^۷
گذرها که^۹ راه دلیران بدهست
کنیم از سر آباد، با^{۱۰} خوردنی ۱۸۶۵
همی گفت هر کس که بودش^{۱۲} خرد
به درویش بخشیم بسیار چیز
فرستاده را هر یکی^{۱۵} هدیه داد

دگر نامور چون به مکران رسید
بر تخت او رفت و نامه بداد ۱۸۷۰
سبک سر^{۱۹} فرستاده را خوار کرد
بدو گفت: با^{۲۱} شاه ایران بگوی^{۲۲}
زمانه همه^{۲۶} زیر تخت^{۲۷} منست

دلی شاه مکران دگرگونه دید
بگفت از پیام آنچه^{۱۷} بودش به یاد^{۱۸}
دلی^{۲۰} انجمن پُر ز تیمار کرد
که نادیده^{۲۳} بر ما فرونی^{۲۴} مجوی^{۲۵}
جهان^{۲۸} روشن از فرو بخت^{۲۹} منست

۱- (لی، آ: دیدار من): ل، س، ق، س، ق، س، ق، س، (نیز ق، و): بتابد ز فرمان من (س، و: ما): ل (نیز لن، ل، پ، ل، ن، ب): بتابد ز گفتار (ل، ل، ن، آ: کردار) ما: متن = ف ۲- س (نیز و): پیمان ما: س (نیز ق): پیمان من: (لی، آ: گفتار من: پ: پیکار ما): ل، ق: باشد ز پیمان من: ل، آ: باشد ز دیدار ما: متن = ف (نیز لن، ل، آ، ل، ن، ب) ۳- ل، ق، ل، آ، س (نیز ق، ل، آ، پ، و): بیاراست: متن = ف (نیز لی، آ) ۴- س (نیز لن، ب): سپه را بیاراست باید ۵- ف (نیز پ): شیران (?) ۶- ل، ل، س، ل (نیز لن، آ): آواز: متن = ف، س (نیز لن، ق، آ، ل، پ، ب): ق، ل، آ، و، ل، ن، ب، و، ل، ن، آ، ب): کهریم: متن = ف (نیز لی، آ) ۸- ل، س، ل (نیز لن، ق، آ، ل، ن، ب، و، ل، ن، آ، ب): زمین جز فرمان او نسپریم: (لی، آ: همان نیز تختش پرستنده ایم): متن = ف ۹- ل: گذرهای ۱۰- (لن، ل، آ: و با: پ: تا: و: آن ره آباد با): ف: از سر باد بر (حرف پنجمه نقطه ندارد): متن = ل- ل- س (نیز ق، ل، ل، ن، آ، ب) ۱۱- س: آرمیش: ل: بیاشیم و آرمیش: س (نیز لن، ب): بسازیم چیزی که: ق: بیاریم در پیش: ل (نیز لن): بیاریم چیزی که: (لی، آ: بیاریم و آرمیم: ل: بیاریم پیش تو: پ: بیایم و آرمیش: و: بیاریم بایسته): متن = ف (نیز ق) ۱۲- س (نیز ب): دارد ۱۳- ل، س، ل، س، ل (نیز لن، ق، ل، لی، پ- ب): به: متن = ف، ق (نیز ل) ۱۴- س، ق، ل (نیز لن، ل، ن، آ، ب): خورشهای بسیار نیز: (لی: خورشها و هرگونه چیز: آ: خورشهای هرگونه خیز): متن = ف، ل، س (نیز ق، ل، آ، پ) ۱۵- ل، ق، س (نیز ق، آ، و): بی کران: س، ل (نیز لن، ل، ن، آ، ب): فرستادگان را گران: متن = ف ۱۶- ل: پیروز ۱۷- ق: آنچه ۱۸- ل: پیامد بدرگاه خشنود و شاد (= ۱۸۶۸ ب) ۱۹- ل (نیز ب): مر ۲۰- س (نیز لن): سر ۲۱- ق: زی ۲۲- ق: بگو ۲۳- ل: نادیده (حرف یکم نقطه ندارد): س: بادیده ۲۴- س: درید ۲۵- ق: مجو ۲۶- س: همی ۲۷- ف (نیز ق، ل، ل، ن، آ، ب): تخت: ق (نیز ب): بخت: (و: رخت): در دیگر دستنویس ها روشن نیست که تخت است یا بخت ۲۸- س، ل، آ، س (نیز لن- ل، آ، و- ب): زمین: ق: روان: متن = ف، ل (نیز ب) ۲۹- ل: فروخت (حرف سوم نقطه ندارد): س، ق، ل، آ، س (نیز لن، ق، ل، لی، پ- ب): تاج و تخت (بخت): متن = ف (نیز ل)

چو خورشید تابان شود^۱ بر سپهر
 هم دانش و گنج آباد هست ۱۸۷۵
 گر از من همی راه جویی^۴ رواست
 نندیم گر^۶ بگذری بر تو راه
 ورا ایدونک^۸ با لشکر آبی به شهر
 نمانم که بر خاک من بگذری
 نمانم که باشی^{۱۱} تو پیروزگر ۱۸۸۰

برین گونه چون^{۱۲} شاه پاسخ شنید
 پیامد گرازان^{۱۳} به راه^{۱۴} ختن
 برفتند فغفور^{۱۶} و خاقان^{۱۷} چین
 سه منزل ز چین^{۱۸} نزد^{۱۹} شاه آمدند
 پل و^{۲۱} راه آباد کرده چو دشت^{۲۲} ۱۸۸۵
 همه راه پُر^{۲۴} پوشش و خوردنی
 چو نزدیک شهر^{۲۸} اندرآمد سپاه
 به دیوار دیبا برآویختند
 چو با شاه فغفور^{۳۲} گستاخ شد

از آنجایگه لشکر اندرکشید
 جهانگیر^{۱۵} با نامدارانجمن
 بر شاه با پوزش و آفرین
 خود و نامداران به راه^{۲۰} آمدند
 در و دشت چون جایگاه نشست^{۲۳}
 از^{۲۵} آرایش بزم^{۲۶} و^{۲۷} گستردنی
 بستند آذین^{۲۹} به بی راه و راه
 به پی^{۳۰} زعفران و درم ریختند^{۳۱}
 به پیش^{۳۳} اندرآمد سوی کاخ شد

۱- ق: رود ۲- ق: بدین ۳- ف: دیهم؛ (ل: بزرگان و مردان)؛ متن = ل- س^۲ (نیزهشت دستنویس دیگر) ۴- ل، ق (نیز لن): جوید ۵- ل- س^۲ (نیز لن، ق، ل، پ، و، لن، آ، ب): که هر؛ متن = ف (نیز، آ) ۶- ل، س، ل، آ، س^۲ (نیز لن، پ، لن، آ، ب): اگر؛ (ق، و: نندیم اگر)؛ متن = ف، ق (نیز، ل، آ) ۷- ل، پ، ل: درگذرزین؛ ق: زین گذر با؛ متن = ف، س، س^۲ (نیز لن- ب) ۸- ف، س^۲: ایدونکه ۹- ل، ل، آ، س^۲ (نیز ق^۲): برین؛ س (نیز لن، پ، و، لن، آ، ب): ازین؛ ق (نیز، آ): درین؛ متن = ف (نیز ل^۲) ۱۰- ل: وزان؛ (ق: ورین) ۱۱- ل: مانی؛ (و: آبی)؛ س، ق، س^۲ پس از این بیت افزوده اند:

س: رسولش بیامد بکردار باد
 ق: فرستاده برگشت و آمد براه
 س^۲: فرستاده آمد بگفت آنچه گفت
 شنسیده سخنها همه کرد یاد
 بگفت آنچه بشنید در پیش شاه
 سخنها همه با خرد بود جفت

۱۲- ل: از؛ (لن، لن، آ، بر: ل: برانگونه بز؛ و: برانگونه چون؛ ب: وزین گونه بر)؛ ف: برانسان چو از؛ متن = ل، س، ق، س^۲ (نیز ق، ل، پ، آ) ۱۳- ف: برون برد لشکر؛ متن = ل- س^۲ (نیز لن- ب) ۱۴- ل: بسوی؛ س (نیز پ، لن، آ، ب): بشهر؛ ل (نیز لن): بشاه؛ متن = ف، ق، س^۲ (نیز ق، ل، و، آ) ۱۵- ل (نیز پ): جهاندار؛ س، ل: جهانگیر و؛ متن = ف، ق، س^۲ (نیزهشت دستنویس دیگر) ۱۶- بنداری: بغبور ۱۷- ف (نیز لن): خاقان و فغفور؛ متن = ل- س^۲ (نیز لن- و، آ، ب)؛ در ق ل ت های این بیت پس و پیش شده اند ۱۸- ف (نیز ق^۲): زمین؛ متن = ل- س^۲ (نیز لن، ل، ب) ۱۹- ل، ق (نیز، ل، پ، آ): پیش ۲۰- ق: جهانگیر با تخت و گاه ۲۱- ل، ق، ل^۲ (نیز لن، ق، ل، پ، و، لن، آ، ب): همه؛ (ل، آ: یکی؛ ل: بدو)؛ متن = ف، س^۲ ۲۲- س: همه شهر آراسته چون بهشت ۲۳- س: کنشت ۲۴- ل: همه بوم و بر ۲۵- ف، س^۲: ز ل: آ: وز؛ متن = ل، س ۲۶- ف (نیز، ل، آ): آرایش و بزم؛ س، ل (نیز لن، لن، آ، ب): آسایش (لن: آسایش و) بزم؛ متن = ل، س^۲ (نیز ق، ل، پ، و، آ) ۲۷- ل: [و]؛ ق بیت های ۱۸۸۶-۱۸۹۱ را ندارد ۲۸- ل: شاه ۲۹- ل (نیز ق، ل، لن، آ): آدین ۳۰- ل (نیز ل، پ، و): زبیر؛ ل: زبس؛ متن ← ۳۱- س، س^۲ (نیز لن، ق، ل، ل، آ، ب): زبیر (ل، آ: می و) مشک و عنبر همی ریختند (لن، ق، ل، آ، ب: بیختند)؛ متن = ف ۳۲- بنداری: بغبور ۳۳- س^۲: ززین

۱۸۹۰	بدو گفت: ما شاه را کهتریم ^۱	اگر ^۲ کهتری را خود اندرخوریم
	جهانی به بخت تو آباد گشت ^۳	دل دوستداران تو ^۴ شاد گشت ^۳
	گر ^۵ ایوان ما درخور شاه نیست	گمانم که هم بتر ^۶ از راه ^۷ نیست
	به کاخ ^۸ اندرآمد سرفرازشاه	نشست اندر آن ^۹ نامورپیشگاه
	ز دینار ^{۱۰} چینی ^{۱۱} ز بهر ^{۱۲} نثار	بیاورد فغفور ^{۱۳} چون ^{۱۴} سی هزار ^{۱۵}
۱۸۹۵	همی بود بر ^{۱۶} پیش شه ^{۱۷} به پای	ابا مرزبانان ^{۱۸} فرخنده‌رای
	به چین اندرون بود خسرو سه ماه	ابا سرفرازان ^{۱۹} ایران سپاه
	پرستنده فغفور ^{۲۰} هر بامداد	همی شاه را نوبه نو ^{۲۱} هدیه داد
	چهارم ز چین ^{۲۲} شاه ایران براند	به مکران شد و رستم آنجا بماند
	بیامد چو نزدیک مکران ^{۲۳} رسید	ز لشکر جهاننیده‌یی برگزید
۱۹۰۰	بر شاه مکران فرستاد و گفت ^{۲۴}	که با شهریاری ^{۲۵} خرد باد جفت ^{۲۶}
	نگه کن که ما ^{۲۷} از کجا رفته‌ییم ^{۲۸}	نه مستیم و بی‌آرزو ^{۲۹} خفته‌ییم ^{۳۰}
	جهان روشن از رای و بخت ^{۳۱} منست	سر مهتران زیر تخت ^{۳۲} منست
	خورش ساز راه ^{۳۳} سپاه مرا	به خوبی بیارای گاه ^{۳۴} مرا
	چو لشکر شد از خوردنی بی‌نوا	کسی بی‌نوا ^{۳۵} ندارد روا
۱۹۰۵	برند ^{۳۶} آنگهی دست چیز ^{۳۷} کسان	مگر من نباشم ^{۳۸} به هر کس رسان ^{۳۹}

۱- ف (نیز ل): چاکریم؛ متن = ل، س، ل، آ، س^۱ (نیز هشت دستنویس دیگر) ۲- ف، س (نیز ل، لی، ل، آ، و، لن، آ، ب): وگر؛ متن = ل، ل، س، آ (نیز ق، پ) ۳- ف: باد؛ متن = ل - س^۱ (نیز ل - ب) ۴- س، ل، س^۱ (نیز ل، ق، آ، ل، پ، لن، آ، ب): بتو؛ (لی، آ: همه؛ و: ز تو)؛ متن = ف، ل ۵- ق: که ۶- س (نیز ل، لن، آ، ب): کمتر؛ (و: بدتر) ۷- ق: که هم نیز آن راه بی راه ۸- ق: ز اسب ۹- ل: از بر ۱۰- ق، ل^۱ (نیز ق، آ، لی، و، آ): دیبای ۱۱- ف: چیزی؛ (پ: چندی)؛ متن = ل - س^۱ (نیز ل - ل، آ، و - ب) ۱۲- ق: باسم ۱۳- ق: خاقان ۱۴- ل - س^۱ (نیز ل - ب): چین؛ متن = ف ۱۵- ل، س، ق، س^۱ (نیز ل - ب): صد هزار؛ متن = ف، ل، آ؛ بنداری: فتر علیه ثلاثین ألف دینار صینی ۱۶- س، ق (نیز لی، پ، آ): در ۱۷- ل - س^۱ (نیز ل، ق، آ، ل، پ، لن، آ، ب): اوبر؛ (لی، آ: خسرو؛ و: دربر)؛ متن = ف ۱۸- ل - س^۱ (نیز ل - ب): نامداران؛ متن = ف ۱۹- بنداری: بغور ۲۰- ل (نیز و): نوبوشاه را ۲۱- ف: چنین؛ متن = ل - س^۱ (نیز ل - ب) ۲۲- (و: پیش دهستان) ۲۳- ق (نیز لی، آ): فرستاد کس ۲۴- ل، س، ق، س^۱ (نیز ل - ب، لن، آ، ب): شهریاران؛ متن = ف، ل (نیز و) ۲۵- ق (نیز لی، آ): و بس؛ در ل پس از این بیت، بیت ۱۹۰۳ آمده است ۲۶- س، ل، آ، س^۱ (نیز ل، لن، آ، ب): تا؛ ق (نیز پ): من؛ متن = ف، ل (نیز ق، آ، لی، ل، آ، و، آ) ۲۷- ف: رانده ام (پساوند ندارد)؛ ق (نیز پ): رفته ام؛ متن = ل، س، ل، آ، س^۱ (نیز هشت دستنویس دیگر) ۲۸- ل: بی راه و نه؛ (لن، ق، آ، لی، لن، آ، ب: با آرزو)؛ س: نشستم و بر آرزو؛ (و: نشستم ازین رنج نه)؛ متن ← ۲۹- ق (نیز پ): نه مستم نه بر آرزو خفته ام؛ متن = ف، ل، آ، س^۱ (نیز ل) ۳۰- ف: بخت و رای (پساوند ندارد)؛ ل، س، ل^۱ (نیز ل، لی، پ، و، آ، ب): تاج و تخت؛ س: داد و بخت؛ (ق: تاج و بخت؛ ل: فرو تاج؛ لن: ق: تخت)؛ متن ← ف ۳۱- ل (نیز لی، پ): بخت؛ س، ل، آ، س^۱ (نیز ل، ق، آ، لی، ل، آ، و، آ، ب): پای تخت (بخت)؛ (و: جای رخت)؛ متن = ف (نیز آ)؛ ق این بیت را ندارد ۳۲- ف، س، ق (نیز ل، و، لن، آ، ب): راه و؛ متن = ل، س^۱ (نیز ق، آ، لی، ل، آ، ب) ۳۳- ف: بجیزی بیارای راه؛ متن = ل، س، ق، س^۱ (نیز ل - ب)؛ در ل این بیت پس از بیت ۱۹۰۰ آمده است؛ ل^۱ بیت های ۱۹۰۳-۱۹۰۵ را ندارد ۳۴- ف (نیز لی، آ): بی نوا؛ متن = س، ق، س^۱ (نیز هفت دستنویس دیگر)؛ ل این بیت را ندارد ۳۵- (لی، آ: زند) ۳۶- ق (نیز ل، ب): بجیز؛ (و: ندارم کسی را بجیز) ۳۷- ل: باشم ۳۸- س: نشان

<p>نوا^۱ چون نیابند جنگ آورند^۲ گر ایدون که^۳ گفتار^۴ من^۵ نشنوی همه تیز و^۶ مکران تو ویران کنی^۷</p>	<p>جهان بر بداندیش تنگ آورند^۲ به خون فراوان کس اندرشوی چو بی^۸ کینه آهنگ شیران کنی^۷</p>
<p>فرستاده آمد پیامش بداد سر بی خرد زان سخن تیزگشت^{۱۱} پراگنده لشکر همه گرد کرد فرستاده را گفت: برگرد و رو بگویش که از گردش تیره روز بینی چو آبی ز ما^{۱۶} دستبرد</p>	<p>بند در^۹ دلش جای پیغام و داد^{۱۰} بجوشید و مغزش بدآمیز گشت^{۱۲} بیاراست بر^{۱۳} دشت جای نبرد بنزدیک آن بدگمان بازشو تو گشتی چنین^{۱۴} شاد و^{۱۵} گیتی فروز بدانی^{۱۷} که مردان کدامند و^{۱۸} گرد</p>

گفتار اندر رزم شاه کیخسرو با شاه مکران^{۱۹}

<p>فرستاده‌ی شاه چون بازگشت زمین کوه تا کوه لشکر گرفت بیاورد پیلان جنگی دویست از^{۲۴} آواز اسپان و جوش سپاه طلایه پیامد بنزدیک شاه همه روی کشور درفش‌ست و پیل</p>	<p>همه شهر مکران^{۲۰} پُرآواز گشت همه تیز و^{۲۱} مکران سپه برگرفت^{۲۲} تو گفتی که اندر زمین راه^{۲۳} نیست همی ماه بر چرخ گم کرد راه که مکران سیه شد ز گرد سپاه بیند کنون شهریار از دو میل</p>
---	---

۱- ف (نیزلی): ترا؛ ل، ق (نیزب): علف؛ س، ل (نیزلن، ب): شا؛ (ق: همان): متن = س (نیزو، آ) ۲- س، ل (نیزلن، ل، ب): آورید ۳- ل، س، ق: ورایدونک؛ ل: گرایدونک؛ متن = ف، س، آ ۴- س: فرمان ۵- س: ما ۶- ف: بود؛ ل، س، ق، ل (نیزلن، ق، ل، پ، ل، ب): شهر؛ س (نیزلی): تیرو؛ (و: کیج و؛ آ: نیزو): متن تصحیح قیاسی است ۷- ف: کم؛ متن = ل- س (نیزلن- ب) ۸- ل: بر؛ (و: با) ۹- ل (نیزق، ب): بر ۱۰- ق: پیغام شاد؛ (ق: پیغام داد؛ ل: پیغام یاد؛ و: بیداد داد؛ آ: پیغام باد)؛ س: جای و پیغام داد؛ متن = ف، ل، س، ل (نیزلن، ل، پ، ل، ب) ۱۱- ل، س (نیزلی، و، آ): خیره شد (س، آ، و: گشت)؛ متن ← ۱۲- ل (نیزلی، و، آ): از آن (لی، آ: بدان) تیره شد (و: خیره گشت)؛ س: چو بشنید مغزش همه خیره گشت؛ متن = ف، س، ل (نیزلن، ق، ل، پ، ل، ب): ق این بیت را ندارد ۱۳- ل (نیزق، ب): در ۱۴- س: چنان؛ (و: بدل) ۱۵- ف: شاه؛ متن = ل- س (نیزلن- ب) ۱۶- س (نیزلن): من ۱۷- ل: بینی ۱۸- ف، ق، ل (نیزلن، ل، ب): [و]: متن = ل، س، س (نیزق، ل، ل، پ، آ) ۱۹- ف: گفتار اندر رزم شاه کیخسرو با شاه مکران و کشته شدن شاه مکران و غارت کردن آن بوم و بر او گرفتن؛ ل: رزم کیخسرو با شاه مکران و گذشتن بر آب زره؛ س: رزم کیخسرو با شاه مکران و کشته شدن شاه مکران؛ ق: رسیدن کیخسرو بکران زمین و محاربت او با شاه مکران؛ ل: جنگ شاه کیخسرو با شاه بکران و قتل بکران (!)؛ متن = آغاز ف ۲۰- ق (نیزق): شهر و برزن؛ (لی، آ: شهر ویران) ۲۱- ل: سر (نقطه ندارد)؛ س (نیزب): دشت؛ ق: شهر؛ ل (نیزق، ل، ل، پ، ل، ب): تیرو؛ س (نیزلن): تیرو؛ (ل: تیرو) (حرف دوم نقطه ندارد)؛ (و: کیج و؛ آ: نیزو): متن = بنداری؛ جمع ممالک التیزو مکران مملوءة من العساکر ۲۲- س، س (نیزلن): ل، لی، ب): درگرفت ۲۳- ل، ق، س (نیزق، ل، و، آ، ب): جای؛ متن = ف، س، ل (نیزلن، ل، ب) ۲۴- ف، ق، س، ل: پس از این بیت افزوده است:

تو گشتی برآمد زمین با آسمان وگر گشت خورشید اندر نهان

<p>گرفتند گویال گردان^۱ به کف همه شب همی گردد لشکر بگشت که بودی بنزدیک او رزم خوار چو شیر سرافراز و پیل^۵ دژم دل شاه مکران پُر از بیم کرد که از گرد شد آسمان ناپدید^۶ بهم برشکستند^۷ هر دو گروه جهان شد پُر^۸ از ناله‌ی بوق و کوس پس شاه^۹ گردان^{۱۰} زرینه کفش زمین^{۱۱} شد بگردار دریای قیر^{۱۲} به ژوپین^{۱۳} و، زان خستگی هم نرست^{۱۴} بدو گفت شاه: اندرین^{۱۵} ننگریم مگر بتر از بچه‌ی^{۱۶} آهرمن چنان چون بود شاه را جای خواب برآن^{۱۷} هم نشان خسته در جوشنش، که مرگ^{۱۸} بزرگان بود همچین</p>	<p>بفرمود تا برکشیدند صف ز مکران بیامد طلایه^۱ به دشت ز ایرانیان بُد نگهبان^۲ تُخوار^۳ بیامد برآویخت با او بهم بزد تیغ و او را به دو نیم کرد ۱۹۲۵ دو لشکر برآن^۴ گونه صف برکشید سپاه اندرآمد دو رویه چو^۵ کوه ز^۶ قلب اندرآمد سپهدارطوس به پیش اندرون کاویانی درفش ۱۹۳۰ هوا پُر ز پیکان شد و پَر تیر^۷ به قلب اندرون شاه مکران بخت یکی گفت: شاها سرش را بریم سر شهریاران نبرد^۸ ز تن یکی دخمه سازید و^۹ مُشک و گلاب ۱۹۳۵ برهنه نباید که گردد تنش پوشید رویش به دیبای چین</p>
---	--

۱- ل-س^۲ (نیزلن-ب): کویال (ب، و، لن، آ، ب: کویال) و خنجر؛ متن = ف ۲- ل-س^۲ (نیزلن، لی-ب): طلایه بیامد؛ متن = ف (نیزلن) ۳- ل، س، ق، ل، ل^۲ (نیزلن، ق، آ، ب، و، لن، آ، ب): نگهبان لشکر از (ز) ایران؛ س^۲: نگه کرد لشکر ز ایران؛ (لی، آ: ز ایران سپه بد طلایه؛ ل: نگهبان ایران بیامد)؛ متن = ف ۴- ف (نیزل، ۲): تخار؛ ل، س (نیزو، لن^۲): خوار (حرف یکم نقطه ندارد)؛ (ق: ۲: تخار)؛ متن = ق، ل، آ، س^۲ (نیزلن، لی، ب، آ، ب)؛ ف: پس از این بیت افزوده است: طلایه کجا بد ز مکران زمین یکی نامور بود هنگام کین

۵- ل (نیزلی، ل، آ، ب، آ): پیل سرافراز و شیر؛ ق بیت های ۱۹۲۴ و ۱۹۲۵ را ندارد ۶- س: برین؛ ق، ل، آ: بدان؛ متن = ف، ل، س^۲ ۷- س، ق، ل^۲ (نیزلن، ق، آ، و، لن، آ، ب): چشم آسمان را ندید؛ متن = ف، ل، س^۲ (نیزلی، آ، ب، آ) ۸- ل: چو دو رویه؛ س، ق (نیزلن، ق، آ، لی، لن، آ، ب): دورویه سپاه اندرآمد چو؛ متن = ف، ل، س^۲ (نیزل، آ، ب، و) ۹- ل، ق (نیزلی، و، آ): رده برکشیدند؛ س، ل^۲ (نیزلن، ق، آ، لن، آ، ب): بهم (لن: همه) برکشیدند؛ متن = ف، س^۲ (نیزل، آ، ب): بهم برشکستند (?) ۱۰- ل: به ۱۱- ق، ل، آ، س^۲ (نیزو): پر شد ۱۲- ل-س^۲ (نیزلن، ق، آ، لی، ب، لن، آ، ب): پشت؛ متن = ف (نیزل، ۲) و ۱۳- س: گردان و؛ ق، س^۲: مردان ۱۴- ل: پَر و تیر؛ س، ق، ل، آ، س^۲ (نیزلن، ق، آ، لی، لن، آ، ب): ز پیکان (س، ل، لن: ز تیر و) زمین پر ز پیل؛ متن = ف (نیزلن، ب، و) ۱۵- ل-س^۲ (نیزق، آ، لی، لن، آ، ب): جهان؛ متن = ف (نیزلن، ل، آ، ب، و) ۱۶- س، ق، ل، آ، س^۲ (نیزلن، ق، آ، لی، لن، آ، ب، و): نیل؛ متن = ف، ل (نیزب، و) ۱۷- ف: بشمشیر؛ متن = ل-س^۲ (نیزلن-ب): زوپین ۱۸- (آ: بخت)؛ ق: وزان او بزخمی نرست؛ (لن: و از خستگی هم نرست)؛ ل (نیزب): وزان خستگی جان او هم برست؛ متن = ف، س، ل، آ، س^۲ (نیزق، آ، لی، لن، آ، ب) ۱۹- ل، ل، آ، س^۲ (نیزب): اندرو؛ س (نیزلن، ق، آ، ب): زشت اندرو؛ ف: دگر گفت شاها درین (شاه اندرین؟)؛ (لی، آ: ورا گفت شاه اندرو؛ لن: یکی گفت زشت اندرو)؛ متن = ق (نیزو) ۲۰- س، ل^۲ (نیزلن، و، لن، آ، ب): که بُرد؛ ق: نبرد سر شهریاران؛ متن = ف، ل، س^۲ (نیزق، آ، لی، لن، آ، ب، آ) ۲۱- ل، ق (نیزق، ۲): نیز از تخمه؛ (لن: بی خرد بچه؛ لی، آ: بدتن از تخمه؛ ل: دیویا بچه؛ لن: بدتر از بچه؛ و: وگر نیز باشد ز تخم)؛ متن = ف، س، ل، آ، س^۲ (نیزب، ب) ۲۲- ل-س^۲ (نیزلن، لی، لن، آ، ب): [و]؛ متن = ف (نیزق، آ، لی، لن، آ، ب، و، ب)؛ درل، ق، لی، ب، آ این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۲۳- ق، س، آ: بدان ۲۴- ف: رسم؛ متن = ل، س، ل، آ، س^۲ (نیزلن-ب)؛ ق این بیت را ندارد

۱۹۴۰ وُ زان انجمن کشته شد دوهزارا
 هزار و صد و چل گرفتار شد
 ببردند پیلان و آن خواسته
 بزرگانِ ایران توانگر^۶ شدند
 وُ زان^۸ پس دلیران پرخاشجوی^۹
 خروش زنان خاست از شهر و دشت^{۱۱}
 به درها همه^{۱۵} آتش اندرز زدند
 بختند ازیشان^{۱۷} فراوان به تیر
 ۱۹۴۵ چو کم شد از آن^{۱۹} انجمن خشم شاه
 بفرمود تا^{۲۰} آشکش^{۲۱} تیزهوش
 کسی را نماند که زشتی کند
 از آن^{۲۵} شهر هر کس که بُد پارسا
 که ما بی‌گناهیم و بی‌چاره‌ییم
 ۱۹۵۰ گر ایدون که^{۲۹} بیند، سر بی‌گناه
 خروشی برآمد ز پرده‌سرای
 ازین پس گر آید ز جایی^{۳۱} خروش

سواران و^۲ گردان^۳ خنجرگزار
 سر زندگان^۴ پُر ز تیمار شد
 سرآبرده و گاه^۵ آراسته
 بسی نیز با تخت^۷ و افسر شدند
 به تاراج مُکران نهادند روی^{۱۰}
 همه تیز و^{۱۲} مُکران پُر از رنج^{۱۳} گشت^{۱۴}
 همه تیز و مُکران بهم^{۱۶} برزدند
 زن و کودک خرد کردند^{۱۸} اسیر
 بفرمود تا بازگردد سپاه
 بیارآمد از غارت و جنگ و جوش^{۲۲}
 وُ گر^{۲۳} با نژندی^{۲۴} درشتی کند
 بیامد به پوزش^{۲۶} بر پادشا
 همیشه به رنج از^{۲۷} ستمگاره‌ییم^{۲۸}
 بیخشد^{۳۰}، سزاوار باشد ز شاه
 که ای پهلوانانِ فرخنده‌رای،
 ز بیداد و ز^{۳۲} غارت و جنگ و جوش^{۳۳}،

۱- ل، ق (نیزلن، پ، ب): ده هزار؛ ل^۲: کشتن (گشتی) هزار؛ متن = ف، س، س^۲ (نیزق، ل، ل، ل، ل، آ)؛ بنداری: و قتل صاحب مکران
 مع اَلنی فارس ۲- ل: [و] ۳- س^۲: گردان و ۴- ل (نیزلن^۱): زیرکان؛ (لن: بدگمان) ۵- ق، س^۲ (نیزق، ل، ل، آ):
 خیمه؛ (و: کاخ)؛ متن = ف، ل، س، ل^۲ (نیزلن، ل، ل، پ، ل، ل، ب) ۶- س (نیزلن): تونگر ۷- ف، ل، س (نیزلن): بخت (حرف
 یکم نقطه ندارد)؛ س^۲ (نیزلی)؛ بخت؛ متن = ق، ل^۲ (نیزق، ل، ل، ب) ۸- ل: از آن ۹- ف: پرخاشگر؛ متن ← ۱۰- ف:
 سر؛ متن = ل- ل- س^۲ (نیزلن- ب) ۱۱- ل: دشت و شهر ۱۲- ف، ق (نیزلن^۱): شهر؛ س، ل، ل، س^۲ (نیزلن- ب، پ): تیر و؛ (و:
 کیج و)؛ متن = (آ) ۱۳- ل^۲ (نیزپ، لن^۱): بیم؛ س، ق، س^۲ (نیزلن، ق، آ، ل، آ، ب): پَر آواز؛ (ل^۳: پَر آوای)؛ متن = ف (نیز
 و) ۱۴- ل: چشیدن زان رنج بسیار زهر ۱۵- ل- س^۲ (نیزپ، لن، آ، ب): بدرهای شهر؛ (ق^۲: بدر وازها؛ و: بدزها همه)؛ متن = ف
 (نیزلی، ل، آ) ۱۶- ف: همه بوم و برشان بهم؛ ل، ق، ل، آ، س^۲ (نیزق، آ): همی (ق، ل، آ: همه) آسمان بر زمین؛ س (نیزب): همه تیر و
 مکران بهم؛ متن تصحیح قیاسی است (← س، ب) ۱۷- ل: زیشان ۱۸- ف: گشته؛ ل^۲ (نیزق، ل، ل، آ): بردند؛ ق: خرد
 کودک ببردند؛ متن = ل، س، س^۲ (نیزلن، پ، و، لن، آ، ب) ۱۹- س، ل^۲ (نیزلن، لن، آ، ب): بران ۲۰- س (نیزلن، لن، آ، ب): همان
 نیز تا (با) ۲۱- ف، س (نیزق، آ، و، آ): اشکس؛ ل، آ، س^۲: لشکر؛ (لغت شهنامه، شماره ۷۳: اشکن)؛ متن = ل (نیزلن، ل، ل، آ، پ، لن، آ،
 ب) ۲۲- ل: جنگجوش؛ ق این بیت را ندارد ۲۳- س (نیزب): ویا ۲۴- ل: نژ [ند] ای؛ س (نیزلن، لن، آ، ب): نژندان؛ ق:
 بزند؛ (ل^۳: نوندی)؛ متن = ف، ل، آ، س^۲ (نیزق، آ، ل، پ، و، آ) ۲۵- ق: بدان ۲۶- ل، س: پیوزش بیامد ۲۷- ل (نیزق، آ،
 ل، آ، ب): برنج و؛ س، ل، آ، س^۲ (نیزلن، پ، و، لن، آ): برنج؛ متن = ف ۲۸- ق (نیزلی، آ): برنجیم و غمخواره‌ایم ۲۹- ل- س^۲:
 ایدونک؛ متن = ف ۳۰- س (نیزلن، ب): نبرد؛ (لن^۲: ببرد)؛ ل، پ پس از این بیت افزوده‌اند:

ازیشان چو بشنید فرخنده‌شاه

بفرمود تا بانگ زد بر سپاه

۳۱- ف: ازین پس از ایدر ز جای (!)؛ (و: نباید ازین پس که آید)؛ متن = ل- س^۲ (نیزهشت دستنویس دیگر) ۳۲- ل، س، ق، ل^۲ (نیز
 لن- ل، و- ب): بیدادی و؛ متن = ف، س^۲ (نیزب) ۳۳- ل: جنگجوش

ستمگارگان ^۱ را کنم به ^۲ دو نیم	کسی کو ندارد ز دادار بیم
سپهدار ^۳ سالی به مُکران بماند	ز هر جای کشتی‌گران را بخواند
۱۹۵۵	همه کوه پُر لاله و ^۴ دشت سبز ^۵ ،
چراگاه اسپان و جای شکار	بیاراست باغ از گُل ^۶ میوه‌دار،
به آشکش ^۷ بفرمود تا با سپاه	به مُکران بباشد به آیینِ شاه ^۸
نخوید جز از ^۹ خوبی و راستی	نیارد به داد ^{۱۰} اندرون کاستی
۱۹۶۰	همه رنج‌ها بر دل آسان گرفت
چنان شد به فرمانِ یزدانِ پاک	که اندر بیابان ندیدند خاک
هوا پُر ز ابر و زمین پُر ز خوید ^{۱۲}	جهانی پُر از لاله و شنبلید ^{۱۳}
خورش‌های مردم همی‌رفت ^{۱۴} پیش	به گردون و ^{۱۵} زیر اندرون گاومیش
به دشت اندرون سبزه و جای خواب	هوا پُر ز ابر و زمین پُر ز آب ^{۱۶}
چو آمد بنزدیکِ آبِ زره	گشادند گردان زره را ^{۱۷} گره
۱۹۶۵	ز چین و ز مُکران همی‌برد شاه
همه ^{۱۸} کارسازان ^{۱۹} دریا به راه	چو کشتی به آب اندرافکنند مرد،
به خشکی بکرد آنچه ^{۲۰} بایست کرد	به ^{۲۱} یکساله تا آب ^{۲۲} بگذاشتند
بفرمود تا توشه برداشتند	برفت از لبِ آب پُر ^{۲۵} آب روی ^{۲۶}
سپهدار ^{۲۳} نیک اختر ^{۲۴} راه‌جوی	جهان‌آفرین را ستایش ^{۲۹} گرفت
برآن ^{۲۷} بندگی بر فزایش ^{۲۸} گرفت	

۱- ف: ستمکاره گان ۲- ق (نیز لن، لی، و، لن، آ): بر؛ س (نیز ق): من؛ متن = ف، ل، آ، س (نیز ل، پ، ب) ۳- ل-س (نیز لن، ب): جهاندار؛ متن = ف ۴- (ق: کوه لاله همه) ۵- (ل: نغز) ۶- ق، ل: در؛ (ق، ل، پ: گل و)؛ متن = ف، ل، س، س (نیز لن، لی، و، لن، آ، ب) ۷- ف، س (نیز ق، ل، آ، بنداری): اشکس؛ ق: اسکش؛ (آ: اسکس)؛ متن = ل، ل، آ، س (نیز لن، لی، ل، آ، پ، و، ب) ۸- ل، ق (نیز لی، آ): یکی (ق: همی) چندگاه؛ س، ل (نیز لن، ل، آ): بماند یکی چندگاه؛ س (نیز ب): بباشند (ب: بمانند) یکچندگاه؛ متن = ف (نیز ق، ل، آ، پ، و) ۹- ف (نیز لی، ل، آ): بجز؛ س: نخویند جز؛ متن = ل، س، ق، ل (نیز لن، ق، آ، پ- ب) ۱۰- ل: بکار؛ (لی، آ: بدل) ۱۱- ق: جای ۱۲- (لن: خون)؛ ق، ل (نیز ب): پرخوید ۱۳- (لن: لاله نیلگون) ۱۴- ل، ق، س (نیز لی، آ): ببردند؛ (ل: همی‌راند)؛ متن = ف، س، ل (نیز لن، ق، آ، پ، و، لن، آ، ب) ۱۵- ل: به ۱۶- ق این بیت را ندارد ۱۷- ل، س، ل، آ، س (نیز لن، ق، آ، لی، ل، آ، و، لن، آ): میان از؛ ق (نیز ب): میان را؛ متن = ف ۱۸- ل: همان ۱۹- ل: چاره‌سازان؛ س، ق در اینجا سرنویس دارند، س: برگزشتن شاه کیخسرو از آب زره از پی افراسیاب؛ ق: گذشتن کیخسرو از آب زره ۲۰- ل: آنچه ۲۱- س، ل (نیز لن، ق، آ، لن، آ، ب): ز ۲۲- ف (نیز لی، ل، آ): یکسال تا (لی، آ: از؛ ل: آ، ل: بر) آب؛ ل: یکساله ره راه؛ ق: یکساله راه؛ متن = س، ل، آ، س (نیز لن، ق، آ، پ، و، لن، آ، ب) ۲۳- ل-س (نیز لن-ب): جهاندار؛ متن = ف ۲۴- ل، ل، آ، س (نیز ل): نیک اختر و ۲۵- ف، س، ق، ل، آ، س (نیز لن، ق، لی، لن، آ، ب): بر؛ ل (نیز و): نا (نقطه ندارد)؛ (پ: با)؛ متن = (ل) ۲۶- (لن: آبروی) ۲۷- ق (نیز لی، و): بدان؛ س: مران ۲۸- ل (نیز ل، پ): نیایش ۲۹- س، ق (نیز لن، ق، آ، لی، و، آ، ب): نیایش؛ متن = ف، ل، ل، آ، س (نیز ل، ل، پ، لن، آ)

<p>که او را^۱ به خشکی برد بی‌گزند بزرگانِ ایران و گاه وُرا شناسنده‌ی آشکار و نهان، خداوند چرخ و^۶ ثریا توی^۵ همان گنج و تخت^۸ و کلاه مرا کزو کس نرفتی به دل ناشخود^{۱۰} کزو ساختی هر کسی جای خواب شدی کز و بی‌راه بادِ شمال خَله^{۱۵} پیشِ ملاحِ بگذاشتی^{۱۶} که خواندش ملاح^{۱۹} فَمَ الاسد^{۲۰} نشد کز با^{۲۲} اختر پادشا نمودی به انگشت هر کس^{۲۳} به شاه همی داشتی گاو با شیر^{۲۴} تاو همه تن پُر از پشم^{۲۵} چون گوسپند^{۲۶} دو دست از پسِ پشت و دو پای^{۲۷} پیش</p>	<p>همی خواست از کردگار بلند همان ساز جنگ و سپاه وُرا همی گفت کای^۲ کردگار^۳ جهان نگهدار^۴ خشکی و دریا توی^۵ نگهدار جان و^۷ سپاه مرا پُر آشوب دریا بر^۹ آن گونه بود به شش ماه کشتی برفتی بر^{۱۱} آب به هفتم^{۱۲} چو^{۱۳} نومید گشتی^{۱۴} ز سال سرِ بادبان تیز برگاشتی به راهی^{۱۷} کشیدی ز راه جرد^{۱۸} چنان ساخت^{۲۱} یزدان که باد هوا شِگفت اندر آن آب مانده سپاه به آب اندرون شیر دیدند و گاو همان مردم و موی‌ها چون کمند گروهی سران چون سرِ گاو میش</p>
---	--

۱- ل: کز آیش: متن = س، ق، ل، آ، س (نیز لن - ب): ف بیت های ۱۹۷۰ و ۱۹۷۱ را ندارد ۲- ق: همی خواست از ۳- ف: کردار (ح- کردگار) ۴- ف (نیز و): نگهبان (؟): س: نگهبان به: متن = ل، س، ق، ل (نیز لن - ب، ل، آ، ب) ۵- ف، س، ق، ل، آ، س (نیز لن - ب): تویی: متن = ل ۶- ل - س (نیز لن، ق، آ، ل، ب، ل، ن، آ، ب): خدای ثری و (لن: تا): (و: خداوند ماه و): متن = ف (نیز لی، آ): بنداری: أنت مالک الثریا والثری، والحافظ برا وجررا ۷- (لن، ق، آ: [و]) ۸- ق: تاج: ل (نیز لی، ب، و، آ): تخت و گنج: بنداری: احفظنی و عساکری و تاجی و تختی ۹- ل، س (نیز لن، لی، ل، ن، آ، ب): از: متن = ف، ق، ل، آ، س (نیز ق، آ، ل، ب، و، لن) ۱۰- (ق: نابود): ل: نرسنی بدان برشخود: س، ل (نیز لن، ل، ن، آ، ب): نرسنی چنانکه شنود: س (نیز لی، ب، آ): نرسنی بدل ناشخود: (و: کین نرسنی نه آیین نمود): متن = ف، ق ۱۱- ل: به ۱۲- ق: بهشتم ۱۳- ل، س، ل (نیز لن، ل، ن، آ، ب): که: متن = ف، ق، س (نیز ق، آ، و، آ) ۱۴- ل - س (نیز لن - ب): نیمی گذشتی: متن = ف: نومید گشتی - نیمی گذشتی؟ ۱۵- ف (نیز لی، آ): حله: ل: خلل: (لن: جمله): متن = س، س (نیز ق، آ، ل، ب، و، ب) ۱۶- ل، ق: چوبرق درخشنده بگماشتی ۱۷- س، ل، آ، س (نیز ق، آ، و، آ، ب): بجایی: متن ← ۱۸- س: حدد: ل (نیز لی، ب، ل، ن، آ، ب): جدد: س: خرد: (و: خزد: ل: زروی خرد: ق: سر و راه و حد): ل، ق: براهی کشیدیش موج مدد: متن = ف: براهی کشیدی ز راه جرد - بجایی کشیدیش از راه خود؟ ۱۹- ل: ملاح خواندش: س، ق (نیز لی، آ، ب): ملاح خواندیش: ل، آ، س (نیز ل، آ، ب): خواندیش ملاح: (لن: ملاح خواندی): متن = ف (نیز ق، آ) ۲۰- (و: که خواندی بملاح هر نیک و بد): بنداری: و کان هذا البحر اذا سارت فيه السفينة ستة أشهر ردتها الرياح المختلفة وألقها الى موضع بسمیه الملاحون فَمَ الاسد ۲۱- ل، ق: خواست ۲۲- ق: همی ز ۲۳- ل، س، ل (نیز ب، و، لن، آ، ب): هریک: (لی، آ: یک یک): ف: نمودند هر کس عجائب: متن = ق، س (نیز ق، آ، ل) ۲۴- ل، آ، س (نیز ق، آ، لی، آ): شیر با گاو ۲۵- س (نیز ب): موی ۲۶- ف، ل، ق، ل، آ، س (نیز ق، آ، لن): گوسپند: متن = س (نیز آ، ب) ۲۷- ف (نیز لی): پشت دو پای: ل، ل، آ، س (نیز ق، آ، ل، ب، و، لن، آ، ب): پس مردم و (س: [و]) پای: س: پس پشت و پا پس و: ق: پس دست و مردم ز: متن = (آ: ← ف، لی): بنداری (۱۹۸۲-۱۹۸۴): و شاهدوا فی البحر عجائب کثیرة کالأسود والثیران وإنس الماء بالشعور المتهدلة کالحبال متسربلین بالأصواف والأشعار لبعضهم رءوس کرءوس الجوامیس ویدان من خلف ورجلان من قدام

<p>یکی تن چو گور و سرش چون نهنگ^۲ همی خواندندی به داد^۳ آفرین هوا رام شد^۴، باد نمود^۵ چهر که بادی نکرد اندر ایشان نگاه نگه کرد و^۶ هامون جهان را^۷ بدید بمالید گرینده^۸ رخ بر زمین شتاب آمدش، بود جای شتاب تن آسان به ریگ و دشت زبانها بکردار^۹ مکران زمین خورش خواست چندی ز بهر سپاه بدو گفت: بر خوردی از روزگار که بی ارج شد بر دم شهر و چیز^{۱۰} پرستش کنم پیش فریادرس^{۱۱} که گفتار هر کس^{۱۲} بداند شنید که هر کس که او جوید^{۱۳} آرام و کام، دلی شاد و نیکی دهش پیشگاه^{۱۴}</p>	<p>یکی تن چو ماهی و سر چون پلنگ^۱ نمودی همی این بدان، آن بدین به بخشایش کردگار سپهر گذشتند بر آب بر^۲ هفت ماه چو خسرو^۳ ز دریا به خشکی رسید بیامد^۴ به پیش جهان آفرین برآورد کشتی و زورق ز^۵ آب بیابانش^۶ پیش آمد^۷ و ریگ و دشت همه شهرها دید برسان چین بدان شهرها در^۸ بیاسود شاه سپرد آن زمین^۹ گیو را شهریار درشتی ممکن با گنکار نیز ازین پس ندارم کسی را به کس ز لشکر یکی نامور برگزید فرستاد نزدیک شاهان پیام بیابند^{۱۰} خرم^{۱۱} بدین بارگاه^{۱۲}</p>
--	--

- ۱- س، ل، (نیز آ، ب): کلنگ: ق (نیز ق، و): نهنگ: ل، س، (نیز ق، و): یکی سر چو ماهی و تن چون نهنگ: متن = ف (نیز ل، ل) ۲- ل، (نیز آ): پلنگ: ل، ق، س، (نیز ق): یکی پای چون گور و تن چون پلنگ: س (نیز ب): یکی سر چو گور و تنش چون پلنگ: (و): یکی نیش چون شبر و سر چون پلنگ: متن = ف (نیز ل، ل): ل، پ، ل، ن این بیت را ندارند: بنداری: و آخرون رء و سهم کرده و س التماسیح، و آیدانهم کابدان الخور، و أرحمهم کأرجل خمر الوحش: س، ل، س، ق، ل، آ، ب پس از این بیت و ب، ل، بجای این بیت افزوده اند:
- یکی راسر (س: تن) خوک (ق: خرس) و تن (س: سر: س: یکی سر چو خوک و تنش) چون بره
همه آب از اینها (س: آنها) بادی یکسره
- ف، ل، ق، ل، ل، و، بنداری این بیت را ندارند ۳- ل، ق، س، (نیز ق، ل، آ): بدادار بر خواندند: متن = ف، س، ل، (نیز ل، ب، و، ل، ب) ۴- ل، ق (نیز ق): هوا شد خوش و ۵- ل، س، (نیز ق): بنمود (حرف یکم نقطه ندارد): ل، (نیز ب): بنمود ۶- س، (نیز ل): دره: ف: در آب دره: ق: ز آب دره: متن = ل، س، ل، (نیز ق، ل، ل، آ، ب) ۷- س: کشتی ۸- ل، ق، ل، س، (نیز ق، ل، ل، ب، ل، آ): [و]: متن = ف، س (نیز و، ب) ۹- س: هامون و صحرا: (و: روی زمین را): ف در اینجا سرنویس دارد: رسیدن شاه کیخسرو بولایت چین و ماجین و سپردن آن ولایت بگیو گودرز و فرمودن که بر کس ظلم نکنند ۱۰- ل: برآمد ۱۱- ل، س، ل، س، (نیز ق، ل، ل، و، ل، ب): بر خاک: ق: در خاک: (ل، آ: گریان دوه: ب: فراوان بمالید): متن = ف (نقطه ندارد) ۱۲- ل: بره: ق بیت های ۱۹۹۱-۱۹۹۳ را ندارد: بنداری (۱۹۹۱-۱۹۹۳): و لما خرج الملك الى البر رأى بلاداً عامرة على ترتيب بلاد الصين وناساً لسانهم كلسان أهل مکران ۱۳- ف: بیابان به: متن = ل، ل، س، (نیز ق، ب) ۱۴- س: بیابان بندش پیش و هم ۱۵- ق: بر ۱۶- ل، س، ق، ل، (نیز ل، ل، و، ل، آ، ب): زمان: متن = ف، س، (نیز ق، ب): بنداری: فقد تلك الممالک حیواً ۱۷- س: گنج و چیز: (ل، ل): مهر چیز: ب: بر جهان گنج و چیز: ل، ق: که بی رنج شد مردد از گنج و (ق: رنج) چیز: ل: که بی ارزش شد بر دم مهر چیز: متن = ف، س، (نیز ق، ل، ل، آ، ب، و، آ: ل، ل، بی ارزش) ۱۸- س (نیز ق): بزدان و بس ۱۹- س: هریک ۲۰- ف: کوشد (در بالا ضبط متن را افزوده است) ۲۱- ق: نیابند: (ل: بیابند) ۲۲- (ل: خورده) ۲۳- س، (نیز ل، و): نیکخواه: (ق: نیکی ده و نیکخواه): ل، ق (نیز ب): برفتند یکسر فرمان شاه (ب: همه نیکخواه): س، ل، (نیز ل، ل، آ، ب): بدل شاد و نیکی دهش نیکخواه (آ: دادخواه): متن = ف

- که هر^۱ کس که اوزین سَخُن بگذرد
یکی سر نیچید^۲ از آن^۳ مهتران
چو دیدار بُد^۴ شاه بنواختشان
پس از گنگ دز بازجست آگهی
چنین گفت گوینده‌یی ز آن گروه
اگر بشمری سر بسر نیک و بد
بدان سو^۵ که سالار توران براند^{۱۱}
کنون تا برآمد ز دریای آب
از آن آگهی شاد شد شهریار
بر آن مهتران^{۱۳} خلعت آراستند
بفرمود تا بازگشتند^{۱۵} شاه
سپه را بیاراست و روزی بداد^{۱۷}
همی گفت: هر کس که جوید بدی
نباید که باشید^{۲۰} یک تن به شهر
- ز رای بد خویش کیفر برد
به درگاه رفتند چون کهتران
به خورشید گردن برافراختشان
از^۵ افراسیاب و ز تخت مهی
کز^۶ ایدر نه آبست پیش و^۷ نه کوه
فزون نیست^۸ تا^۹ گنگ فرسنگ صد
ز بیداد، مردم فراوان نماند
به گنگست با مردم افراسیاب
همه رنج‌ها بر دلش گشت خوار^{۱۲}
پس اسپ جهاندیدگان^{۱۴} خواستند
سوی گنگ دز رفت خود با^{۱۶} سپاه
ز یزدان نیکی دهش کرد یاد^{۱۸}
بتابد ز^{۱۹} بادافره ایزدی
گر از رنج یابد تن^{۲۱} مور بهر
- ۲۰۰۵
۲۰۱۰
۲۰۱۵
- جهانجوی^{۲۲} چون گنگ دز را بدید
پیاده شد از اسپ و سر^{۲۴} بر زمین
۲۰۱۵
- شد از آب دیده^{۲۳} رخس ناپدید
همی کرد^{۲۵} بر کردگار آفرین

۱- س، ل، آ، س^۲ (نیز ق^۲ - ب): هر آن؛ متن = ف؛ ل، ق این بیت را ندارند؛ س، ل، آ، لی، ل^۲، آ، ب پس از این بیت افزوده‌اند:
یکی سر نیچید از آن بارگاه

برفتند یکسر بفرمان شاه

- ۲- س، ل (نیز لن^۲، ب): کسی سرنگرداند ۳- ل: زان ۴- س (نیز ل^۲، لن^۲): شد ۵- ف، ل، س، ق، س: ز؛ متن =
ل ۶- ل- س (نیز لی، ل^۲، پ، لن^۲، ب): که؛ (پ) وز؛ آ: که ز؛ متن = ف (نیز ق^۲، و) ۷- ل- س (نیز ق^۲ - ب): پیشت؛
متن = ف ۸- ف، ق: فزون نیست؛ س: فرو نیست؛ (ق^۲): فرو نیست؛ متن = ل، ل^۲، س (نیز لی، ل^۲، پ، لن^۲، آ، ب): بنداری: و آن بینه و
بین تلك القلعة مائة فرسخ ۹- ل (نیز لن^۲): با ۱۰- (لی): بدان ره؛ آ: بران ره؛ متن ← ۱۱- ل- س (نیز پ، و، لن^۲، ب):
بران سو (س): بدان سو؛ و: برانسان؛ لن^۲: بدانسان) که پور سیاوش براند؛ (ق^۲): بدانگه که خون سیاوش فشاند؛ متن = ف (نیز- لی، آ): درل
این بیت پس از بیت ۲۰۱۱ آمده است ۱۲- ل- س (نیز پ، و، لن^۲، ب): شد آن رنجها بر دلش نیز (س، لن^۲: زارو؛ س: شادو؛ ق، آ،
پ، و: پاک) خوار (ل): خوار و زار؛ (ل^۲): شد آن رنجهای کهن جمله خوار؛ متن = ف (نیز لی، آ) ۱۳- س، ل (نیز لن^۲، و، لن^۲، ب):
مردمان؛ ل، ق (نیز ق^۲، لی، پ، آ): در آن (ق^۲): بدان) مرزها؛ س: بدان مژده ده؛ (ل^۲): بدان مردمان؛ متن = ف ۱۴- ل: جهان دیده گان؛
ق، ل در اینجا سرنویس دارند: رفتن (ل): رسیدن) کیخسرو بکنک دزو گریختن (ل): گریز) افراسیاب ۱۵- س، ل (نیز ل^۲، پ، لن^۲، ب):
ب): بازگشتند و؛ س: بار بستند و ۱۶- ل: با آن؛ ق: شه با؛ متن = ف، س، ل، س (نیز لن^۲، لی، ل^۲ - ب): درل پس از این بیت، بیت
۲۰۰۷ آمده است ۱۷- ف: و دلها بداد؛ متن = ل- س (نیز لن^۲ - پ، لن^۲، آ، ب) ۱۸- س: سوی کنک دز رفت خود
بامداد ۱۹- ل، س، ل (نیز لی، پ، لن^۲، آ، ب): پیچد ز؛ س (نیز ق^۲): بیابند؛ (ل^۲): بیابد به؛ متن = ف (حرف یکم نقطه ندارد)؛ ق
بیت‌های ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ را ندارد ۲۰- س (نیز لی، پ، آ، ب): باشند ۲۱- ل، س، ل (نیز لن^۲، ق، آ، ب، لن^۲، ب): پی؛ (لی، آ): دل؛
ل: یکی؛ متن = ف، س ۲۲- س، ل (نیز ق^۲، ل^۲، و، ب): جهاندار ۲۳- (ق، آ، ل: رنگ) ۲۴- ل، ق (نیز لی، آ): رخ؛
متن = ف، س، ل، س (نیز هفت دستنویس دیگر) ۲۵- س: گفت؛ (لن، ل^۲، پ، و، ب: خواند)

همی گفت کای داور داد و پاک^۱ یکی بنده ام دل پُر از ترس و پاک^۲
 تو دادی مرا بُرز^۳ و آیین و فر سپاه و دل و اختر و پای و پر
 که این باره‌ی شارستان^۴ پدر بدیدم برآورده تا ابر^۵ سر
 سیاوش که از فرّ یزدانِ پاک چُنین باره‌ی برکشید از مغاک^۶،
 ۲۰۲۰ ستمگر بُد آن کوبه بد یاخت^۷ دست
 بر آن باره بگریست یکسر سپاه دل هر کس از کشتن او بخت
 به دست بداندیش بر گشته شد ز درد^۸ سیاوش که بر^۹ بی‌گناه،
 چُنین^{۱۰} تخم کین در جهان کشته شد

گفتار اندر رسیدن کیخسرو به گنگ دز^{۱۱}

پس آگاهی آمد به افراسیاب که شاه جهانجوی^{۱۲} بگذاشت^{۱۳} آب
 شنیده همی داشت اندر نهفت بیامد شب تیره با کس نگفت
 ۲۰۲۵ همه خویش و بیگانه^{۱۴} آنجا بماند
 چو کیخسرو آمد به گنگ اندرون دلی پُر ز تیمار تنها^{۱۵} براند
 بدید آن دل افروز باغ بهشت سری^{۱۶} پُر ز تیمار و^{۱۷} دل پُر ز خون،
 به هر گوشه‌ی چشمه و گلستان شمرهای او^{۱۸} چون چراغ بهشت
 ۲۰۳۰ همی گفت هر کس که اینت نهاد!
 وُزآن پس بفرمود بیدار شاه زمین سنبل و شاخ بلبلستان^{۱۹}
 بچستند بر دشت و راغ^{۲۱} و سرای هم ایدر بباشیم تا مرگ شاد!
 نکه^{۲۰} کردن شاه توران سپاه نکه^{۲۰} کردن شاه توران سپاه
 ببرند هر سو یکی^{۲۲} رهنمای

- ۱- ل: با داور داد گر (!) ۲- ق: چنن باره برکشید از مغاک (= ۲۰۲۰ ب) ۳- س، ل، س: (نیز لن، ل، ب): زوره متن = ف (نیزی، ل، پ، آ): ل، ق، و این بیت را ندارند؛ س: پس از این بیت افزوده است:
 پس آنکه بلشکر چنن گفت شاه که دارید گفتار ما را ننگاه
 ۴- ق (نیزی، ل، پ، ل، ب): شارسان ۵- ل: از ماه؛ س، ل: (نیز لن، پ، ل، ب): از خاک؛ ق (نیزی، آ): از دوره؛ ق: از درد؛
 ل: از باد؛ س: بر آوردم از درد؛ متن = ف ۶- ق بیت های ۲۰۲۰ و ۲۰۲۱ را ندارد ۷- ل: آخت؛ (ل، آ: تاخت؛ ل (نیزی):
 کوبید تاخت؛ (ل: آنگونه بد تاخت)؛ س: ستمگر که بر وی بد یاخت؛ س: ستم کرد آنکوبید تاخت؛ (ل: ستم کن بدان کوبید تاخت؛ ب:
 ستمگر بر او بر پیرداخت؛ ب: ستمگر کسی کوبید تاخت)؛ متن = ف (نیز لن: ل، ل، آ) ۸- ل، ق، س: (نیزی): خون؛ (ل، آ:
 بهر)؛ متن = ف، س، ل: (نیز لن، ل، پ، و، ل، ب) ۹- ل (نیزی: و، آ): بد؛ متن = ف، س، ق، ل، س: (نیز لن، ل، ب)
 ۱۰- س: چنان ۱۱- ف (چند بیت پایین تر): رسیدن شاه کیخسرو به زمین ترک بقعه کنک و خوش آمدن شاه را آن ولایت و
 طلب کردن خویشان افراسیاب؛ ل: خبر یافتن افراسیاب از رسیدن کیخسرو؛ س: گریختن افراسیاب از پیش شاه کیخسرو؛ س: رسیدن کیخسرو
 بکنک دز؛ متن = س ۱۲- ل، ق (نیزی): جهاندار؛ س، ل، س: (نیز لن، ق، ل، و، ل، ب): جهاننگر؛ متن = ف (نیزی،
 آ) ۱۳- ق (نیزی، ل): بگذشت ز ۱۴- ل- س: (نیز لن- ل، ب): جهاننندگان را هم؛ متن = ف (نیزی، آ) ۱۵- ف:
 زانجا؛ متن = ل- س: (نیز لن- ب) ۱۶- س: سرش ۱۷- ل: [و] ۱۸- ف: چمنها؛ ل- س: (نیز لن، ق، ل، ب):
 چمنهای او؛ (ل، آ: چمنهای هم؛ ل: شمرهای او؛ ب: همان میوه اش)؛ متن = (و) ۱۹- س: سنبلستان؛ (و: غلغلستان؛ ل: باغ
 بلبل ستان)؛ ق: بلبل و شاخ غلغلستان ۲۰- ل، ق (نیزی، پ، آ): طلب؛ متن = ف، س، ل، س: (نیز لن، ق، ل، و، ل، ب): بنداری؛
 و فرّ العسا کرفی طلب افراسیاب ۲۱- ل، س، ل، س: (نیز لن، ق، ل، و، ل، ب): باغ؛ (ل، آ: در باغ و دشت)؛ متن = ف، ق (نیزی
 ب) ۲۲- س: بر هر سوئی؛ ل، س، ق، ل: (نیز لن- ب): گرفتند (ل، آ: بر رفتند) بر هر سوئی (ل، ل، س): متن = ف

- همی رفت جوینده چون بیهشان
 چو بر جستش تیز بشتافتند
 ۲۰۳۵ بکشتند بسیار کس بی‌گناه
 همی بود در گنگ‌دز شهریار
 جهان^۴ چون بهشت^۵ دلاویز بود
 به رفتن همی شاه را دل نداد
 همه پهلوانان ایران سپاه
 ۲۰۴۰ که گر شاه را دل نجنبد ز جای
 همانا بدانیش^۹ افراسیاب
 چنان پیر بر گاه کاوس شاه
 گر او سوی ایران شود پر ز کین
 گر او باز با تخت و افسر شود
 ۲۰۴۵ از آن^{۱۵} پس به ایرانیان شاه گفت^{۱۶}
 از آن شارسرستان^{۱۸} پس مهان^{۱۹} را بخواند
 ازیشان کسی را که شایسته‌تر
 تنش را به خلعت بیاراستند
 بدو^{۲۴} گفت کاید^{۲۵} به شادی بمان!
 ۲۰۵۰ ببخشید چندانک^{۲۷} بُد خواسته
 همه شارسرستان زو^{۲۹} توانگر^{۳۰} شدند
- مگر زو بیابد به جایی^۱ نشان
 فراوان ز کس‌های او یافتند
 نشانی نیامد^۲ ز بیدادشاه
 چو یک^۳ سال با رامش و می‌گسار
 پر از گلشن و باغ و پالیز بود
 همی بود در گنگ پیروز و شاد^۶
 برفتند یک روز نزدیک^۷ شاه،
 سوی شهر^۸ ایران نیایش رای،
 گذشته‌ست از آن^{۱۰} سوی^{۱۱} دریای آب
 نه اورنگ و فرّ و نه گنج^{۱۲} و سپاه،
 که باشد نگهبان^{۱۳} ایران زمین؟
 همه رنج ما پاک بی‌بر شود^{۱۴}
 که این پند با سودمندی‌ست جفت^{۱۷}
 و زان رنج برده^{۲۰} فراوان براند
 گرامی‌تر از شهر^{۲۱} و بایسته‌تر،
 ز در^{۲۲} باره‌ی مرزبان^{۲۳} خواستند
 همیشه بر اندیشه‌ی^{۲۶} بدگمان!
 ز اسپان و از^{۲۸} گنج آراسته
 چه با یاره و تخت و افسر شدند

۱- ل، س، ل (نیز پ، و، ل، آ، ب): بیابند جایی: متن = ف، ق، س (نیز ل، ق، آ، ل، آ، ب): در ل پس از این بیت دویست بیت پس و پیش شده است ۲- نیامد نشانی ۳- ل، ق (نیز پ): یکی: س (نیز ق، آ، ل، و، آ): بیک: متن = س، ل (نیز ل، ل، آ، ب): در ف از بیت ۲۰۳۶ تا ۲۷۵۶ افتاده است ۴- (ق: کجا) ۵- ل: بهشتی ۶- س (نیز ل، ب): سوی تخت ایران نیامدش یاد ۷- ل (نیز پ): یکسر بنزدیک: متن = س، ق، ل، آ، س (نیز هشت دستنویس دیگر) ۸- س، ل، آ، س (نیز ل، ق، آ، ل، پ، و، ل، آ، ب): تخت: متن = ل، ق (نیز ل، آ): بنداری: والرأی أن نرجع الی ممالکنا أخذنا بالحزب ۹- س، ل (نیز ل، ل، پ، ب): نیای تو: (ل: تواند رد): متن = ل، ق، س (نیز ق) ۱۰- ل (نیز ق): زان ۱۱- ل (نیز آ): سوبه: (لی: سوز: ل: روی): متن = س، ق، ل، آ، س (نیز ل، ق، آ، پ، ب): (ل: گذارد همکران به: و: گذشتی زمکران به) ۱۲- (لی، آ: تخت): ق (نیز ق): تخت و نه فر ۱۳- (ق، ل: نگهدار) ۱۴- درس^۲ الت‌های این بیت پس و پیش شده‌اند: برخی از دستنویس‌ها در اینجا سرنویس دارند، ق، س: بازگشتن کیخسرو از کنک‌دز (ق: بتوران و مراجعت بایران): ل: بازگشتن کیخسرو از توران بایران زمین ۱۵- ق: وزان ۱۶- ق: گفت شاه ۱۷- ق: راه ۱۸- ق، ل (نیز ل، ل، پ، ل، آ، ب): شارسان ۱۹- ق: مهتران ۲۰- ل: بردن: متن = س، ق، ل، آ، س (نیز ل، ب) ۲۱- ل: گرامی تر شهر: (و: گرامی و دانا) ۲۲- (ل: دز) ۲۳- ل: پهلوان: (لی، آ: مهتران: و: خسروی) ۲۴- ل، ق: چنین: متن = س، ل، آ، س (نیز ل، پ، ل، آ، ب) ۲۵- س: از ایدر: ل (نیز ل، ل، آ، ب): ایدر ۲۶- (ل: از): ل، ق (نیز پ): ز دل برکن اندیشه: (ق: همی بر بداندیش با): متن = س، ل، آ، س (نیز ل، ل، آ، آ، ب) ۲۷- س: چندانکه ۲۸- ل، ق، ل، آ، س: وز: متن = س، ل، آ، س (نیز ل، ل، آ، آ، ب): چندانکه ۲۹- ل: همه شهرزیشان: متن = س، ل، آ، س (نیز ق، آ، ب): ل، آ، پ، ل، آ، ب: شارسان) ۳۰- س (نیز ل، ب): تونگر: ق این بیت را ندارد

<p>ز درگاه برخاست آوای^۲ کوس به سوی بیابان نهادند روی برفتند، جایی^۳ که بُد مهتری که بود ازدر شهریار و سپاه در و دشت یگسر چو بازار^۴ گشت کسی را بُد دل^۵ که نگشاد^۶ دست پذیره شدند بر شهریار نهشتی^۷ که با او برفتی^۸ به رنج وُزان شهر هر کس که بُد مهتری پیاده شد و برد پیشش^۹ نماز به رسم کیان^{۱۰} جایگه ساختشان^{۱۱} فرود آمد و بادبان برکشید^{۱۲} ز دیدار با^{۱۳} گویو چندی براند نباید^{۱۴} که خواهد^{۱۵} به گیتی^{۱۶} درنگ دو^{۱۷} زورق به آب اندر انداختند که بر^{۱۸} ژرف دریا دلیری نمود، به دریای بی پایه^{۱۹} اندر کشید^{۲۰}</p>	<p>بدانگه^۱ که بیدار گردد خروس سپاهی شتابنده و راه جوی همه نامداران هر کشوری خورشها ببردند چندی به راه^۲ به راهی^۳ که لشکر همی برگذشت به کوه و بیابان و جای^۴ نشست بزرگان ابا^۵ هدیه و با نثار چو خلعت فراز آمدیشان ز گنج پذیره شدش گویو با لشکری چو دید آن سر و فرّه^۶ سرفراز جهاندار بسیار^۷ بنواختشان^۸ چو خسرو بنزدیک کشتی^۹ رسید دو هفته بر آن^{۱۰} روی دریا بماند همی^{۱۱} گفت: هر کوندیده ست گنگ بفرمود تا کار بر ساختند شناسای کشتی هر آن کس که بود بفرمود تا بادبان برکشید^{۱۲}</p>
---	--

۱- (لن: همانگه) ۲- ل (نیزل): آواز ۳- ل، ق (نیزپ): هر جا؛ متن = س، ل، س (نیز هشت دستنویس دیگر): برفتند و برفتند و؟ ۴- ل، ق: نزدیک شاه؛ (ل: پیش سپاه)؛ متن = س، ل، س (نیزلن، ق، آ، ل، پ، لن، آ، ب) ۵- ق: ماهی ۶- (لی، آ: پرآواز) ۷- ل (نیزآ): راه؛ (لی، پ: راه و)؛ متن = س، ل، س (نیزلن، ق، آ، ل، ب) ۸- ل: سید کس (حرف یکم نقطه ندارد)؛ (ل: که دل بود؛ پ: یکی را نبرد دل)؛ متن = س، ل، س (نیزق، آ، ل، لن، آ، ب) ۹- ل، س: نگشاد (حرف یکم نقطه ندارد)؛ ل (نیزلن - پ، لن، آ، ب): بگشاد؛ متن = س، ل، س (نیزلن، ق، آ، ل، ب، لن، آ، ب) ۱۰- ل: س (نیزلن، ق، آ، ل، لن، آ، ب): که با؛ (و: چو پیایی لت های این بیت در متن = ل، ی، آ، ق، و این بیت را ندارند ۱۱- ل: بهشتی (حرف یکم نقطه ندارد) ۱۲- ل، ق (نیزپ) ۱۳- ل: کس بازگشتی)؛ ق بیت های ۲۰۵۹ و ۲۰۶۰ را ندارد ۱۴- ل (نیزلن، آ، ب): فرّه؛ (لی، آ: افسر)؛ ق: دیدند آن سروران؛ (ل: دیدند آن فرّه؛ پ: دیدار شه دید آن؛ و: دیدش ز دور آن سر)؛ متن = س، ل، س (نیزلن، ق، آ) ۱۵- ق: پیاده شدند و بردند نزدش (وزن ندارد) ۱۶- س، ق، ل (نیزلن، لن، آ، ب): بیدار؛ متن = ل، س (نیزق، آ، ل، ب، آ) ۱۷- س، ل، س (نیزلن، ل، آ، لن، آ، ب): پدرو؛ س (نیزق): سران؛ متن = ل، ق (نیزلی، پ، آ) ۱۸- س، ل (نیزلن، ق، آ، ل، لن، آ، ب): ساختش؛ متن = ل، ق، س (نیزل، ب) ۱۹- (لی، و، آ: دریا) ۲۰- س، ل، س (نیزلن - پ، لن، آ، ب): بادبانها بیدید (ق: کشید)؛ متن = ل، ق ۲۱- س، ق، ل (نیزلی، ل، آ، لن، آ، ب): بدان؛ متن = ل، س (نیز لن، ق، آ، ب، و، آ) ۲۲- ل، ق (نیزپ): ز گفتار؛ س (نیزلی، آ): از آن کنک؛ (ق: پس از کنک؛ ب: ز دریا ابا)؛ متن = س، ل (نیز لن، ل، آ، لن، آ) ۲۳- ل: چنین؛ (ب: بدو) ۲۴- ل: بیاید (حرف یکم نقطه ندارد) ۲۵- س (نیزق): بیاید؛ (پ: جوید) ۲۶- (لی، ل): نخواهد که یابد بگیتی؛ لن: نخواهد که یابد زمانی؛ آ: نخواهد بگیتی که یابد) ۲۷- س، ق، ل، س (نیزلن، لی، لن، آ، ب): چو؛ متن = ل (نیزق، ل، آ، ب، و) ۲۸- (ق: ابر؛ ل: بر) ۲۹- س (نیزو): کشند؛ (لن، ب: - کشد) ۳۰- ل (نیزلی، ل، آ، ب): بی مایه (ق: بی پایه؛ ق: برمایه؛ ق: بی باره)؛ متن = س (نیزلن، ل، س، لن، ل) بیت های ۲۰۶۸ و ۲۰۶۹ را ندارد

- همان آب^۱ دریای^۲ یک ساله راه
 ۲۰۷۰ که آن شاه و لشکر بدین^۷ سو گذشت
 سپهدار چون سوی خشکی رسید^۹
 بیامد بمالید رخ را به خاک
 خورش کرد و پوشش فراوان^{۱۱} یله
 بفرمود دینار و خلعت ز گنج
 ۲۰۷۵ وُزآن آب راه^{۱۵} بیابان گرفت
 چو آگاه شد آشکش^{۱۷} آمد به راه
 پیاده شد از اسپ و روی زمین
 همه تیز و^{۱۸} مُکران بیاراستند
 همه راه و^{۲۰} بی راه^{۲۱} آوای^{۲۲} رود
 ۲۰۸۰ به دیوار دیبا برآویختند^{۲۶}
 به مُکران هر آنکس که بُد مهتری
 برفتند با هدیه و با نثار
 وُزآن مرز چندانک^{۲۹} بُد خواسته
 از^{۳۱} آشکش^{۳۲} پذیرفت^{۳۳} شاه آنچه دید
 ۲۰۸۵ وُرا کرد مهتر به مُکران زمین
- چنان^۳ تیز^۴ شد باد^۵ در^۶ هفت ماه،
 که از بادِ کُژ آستی تر^۸ نگشت
 بیستند کشتی و هامون بدید،
 نیایشکنان پیش یزدانِ پاک^{۱۰}
 به ملاح و آن کس که کردی^{۱۲} خله
 ز کشتی^{۱۳} کسی را که بردند^{۱۴} رنج
 جهانی ازو^{۱۶} مانده اندر شِگفت
 ابا لشکری ساخته پیش شاه
 بیوسید و بر شاه کرد آفرین
 ز^{۱۹} هر جای رامشگران خواستند
 تو گفتی هوا^{۲۳} تار شد^{۲۴}، رود^{۲۵} پود
 شکر با درم^{۲۷} زیر پی^{۱۸} ریختند
 وُگر نامداری و گنداوری،
 بنزدیک پیروزگر شهریار
 فراز آورید آشکش^{۳۰} آراسته
 وُزآن نامداران یکی برگزید
 بسی خلعتش داد و کرد آفرین

۱- ل: راه؛ س: (نیزو): نیز (تیز؟)؛ متن = س (نیزلن - پ، لن، آ، ب) ۲- س (نیزلن، لن، آ، ب): دریا و؛ س: (نیزق، و، آ، ب): دریای؛ متن = ل ۳- ل: چنین ۴- ل: نیز (حرف یکم نقطه ندارد)؛ س: (نیزی، و، آ): راست؛ متن = س (نیزلن، ق، پ، لن، آ، ب) ۵- (پ: باز) ۶- (ق: آ؛ لن: آ؛ بر: ل؛ جها: نندار بربید بر)؛ ق: بیت های ۲۰۶۹ و ۲۰۷۰ را ندارد ۷- (لن، ق، آ، لی، پ، و، آ: بدان) ۸- س: (نیزی): آستین تر؛ (پ: آستین بر؛ ق: آ: یک روز کشتی؛ ل: راستی باد کُژ بر)؛ س، ل: (نیزلن، لن، آ، ب): که در هفت مه باد او کُژ؛ متن = ل (نیزآ: س، آ، لی، پ) ۹- س: کشید؛ ل، ق (نیزق، آ، لی، پ، آ): لشکر بخشکی کشید؛ متن = س، ل: (نیزلن، ل، آ، و، لن، آ، ب) ۱۰- ل این بیت را ندارد؛ بنداری: فلما خرج سجد لله تعالی وشکره وحده، ثم خلع علی الملاحین وأعطاهم أموالا وافرة ۱۱- ل: همانجا ۱۲- ل: بودی؛ (و: کردش)؛ ق این بیت را ندارد ۱۳- ل، ق (نیزب): ز گیتی؛ س (نیزلن، و، لن، آ، ب): بکشتی؛ ل: بگیتی؛ متن = س: (نیزق، آ، لی، آ، آ) ۱۴- (ق: برداشت) ۱۵- ل: راه روی؛ ق: آب روی؛ (ل: جای راه)؛ متن = س، ل، آ، س: (نیزهشت دستنویس دیگر)؛ بنداری: و سلک طریق البریه متوجها الی مکران ۱۶- س (نیزلن، و، ب): بدو ۱۷- س، ق (نیزق، آ، و، آ، بنداری): اشکس ۱۸- ل: تیز؛ س، ل: (نیزق، آ، لی، آ، پ، ب): تیرو؛ ق (نیزلن): شهر؛ س: (نیزلن): ترو (حرف دوم نقطه ندارد)؛ (و: کیج و؛ آ: نیزو)؛ متن تصحیح قیاسی است ۱۹- س: آ: به ۲۰- ل (نیزب): [و] ۲۱- س: (نیزی، آ): راه بی راه از ۲۲- ق (نیزل، پ): آواز ۲۳- (لی، آ: شب) ۲۴- س، ل: (نیزلن، لن، آ، ب): بد ۲۵- س: (نیزی، آ): روز ۲۶- ق: بیآویختند؛ (و: درآویختند) ۲۷- ل (نیزب): درم با شکر ۲۸- س: می؛ ق: درم را بتارک فرو ۲۹- س: چندانکه ۳۰- س، ق (نیزق، آ، و، لن، آ): اشکس ۳۱- ل، س، ق، س: آ: ز؛ متن = ل: ۳۲- س (نیزق، آ، و، لن، آ، بنداری): اشکس؛ ق: لشکر؛ (آ: اسکس) ۳۳- (ق: پذیرفت)

چُن^۱ آمد ز^۲ مُکران بنزدیک^۳ چین پذیره شدش رستم زال^۴ سام چُن^۵ از دور کیخسرو آمد پدید پیاده شد از باره^۶ بردش^۷ نماز بگفت آن شِگفتی که دید اندرآب ۲۰۹۰
 به چین نیز مهمان رستم بماند همی رفت سوی سیاوخش گرد^{۱۱} چُن^{۱۳} آمد بدان^{۱۴} شارسنان^{۱۵} پدر به جایی که کرسیوز بدنشان ۲۰۹۵
 سر شاه ایران بریدند^{۱۷} خوار همی ریخت بر سر از^{۱۸} آن تیره خاک بمالید رستم برآن^{۲۱} خاک روی همی گفت کیخسرو: ای شهریار نماندم^{۲۵} ز کین تو ماندم^{۲۶} چیز^{۲۷} ۲۱۰۰
 بپرداختم تخت^{۳۰} افراسیاب بر او مید^{۳۲} آن کهش به چنگ آورم

خود و سرفرازان^۱ ایران زمین، سپاهی گشاده دل و شادکام سوار سرافراز چترش بدید^۲، گرفتش به بر شاه گردن فراز ز گم بودن جادو افراسیاب به یک^۳ هفته از چین به^۴ ماچین براند به ماه سفندارمذ روز ارد^{۱۲} دو رخساره پُرآب و خسته جگر، گروی بنفرین^{۱۶} مردم گُشان، بیامد بدانجایگه شهریار همی کرد روی و بر^{۱۹} خویش^{۲۰} چاک به نفرین سیه کرد جان^{۲۲} گروی مرا^{۲۳} ماندی اندر^{۲۴} جهان یادگار به رنج^{۲۸} اندرم^{۲۹} تا جهان ست نیز ازین^{۳۱} پس نه آرام جویم نه خواب، جهان پیش او تار و تنگ آورم

- ۱- ل، س، ق، ل (نیز لن - ب): چو؛ متن = س^۲ - ۲- ل: به ۳- ل (نیز پ): و توران به؛ س (نیز لن، ل، آ، ب): به توران و؛ ل: ز توران و؛ متن = ق، س^۲ (نیز ق، ل، و، آ): بنداری: و أقبل الى أن قرب من بلاد الصين ۴- (ل، آ: نامداران) ۵- ل، س، ق، ل: (نیز لن - ب): چو؛ متن = س^۲ ۶- ل: کشید؛ ق: رسید؛ ل: اخترش دید؛ (ق: رخشش بدید)؛ متن = س، س^۲ (نیز لن، ل - ب) ۷- س، ق، ل (نیز لن، پ، ل، آ، ب): دور و؛ س^۲ (نیز ق، ل، آ، و): اسب و؛ متن = ل ۸- ق: کردش ۹- ق: دوم ۱۰- س، ق، ل، آ، س^۲ (نیز لن، ق، ل، آ، پ، و، ل، آ، ب): و؛ متن = ل (نیز ل، آ): س پس از این بیت افزوده است:
 بفسفور و خاقان سپرد آن زمین بسی خلعت و پندها دادشان
 بسی شاه را خواندند آفرین به اندازه هریک سزاوارشان
- ۱۱- ل - س^۲ (نیز لن، ل - ب): سیاوش کرد؛ متن = (ق، بنداری) ۱۲- درق به زیر یکم و در لن^۲ به پیش یکم؛ (و: بدل خسته و لب پر از باد سرد) ۱۳- ل، س، ق، ل (نیز لن - ب): چو؛ متن = س^۲ ۱۴- ل: بران؛ متن = س، ق، ل، آ، س^۲ (نیز لن - ب) ۱۵- ق، ل (نیز ل، ل، پ، ل، آ، ب): شارسنان ۱۶- س (نیز پ): بنفرین و؛ ل (نیز ل، آ): کرو آن بنفرین (آ: بنفرین و)؛ ل: کروی و بنفرین و؛ متن = ق، س^۲ (نیز لن، ق، ل، آ، و، ل، آ، ب) ۱۷- (ق: ببزید) ۱۸- (ل: مر؛ آ: بر) ۱۹- ل: تن ۲۰- (و: همه جامه بر خویشتن کرد)؛ بنداری: و ينثر على رأسه التراب ويضرب صدره ويلطم وجهه ۲۱- ق (نیز ل، ل، آ، ب): بدان ۲۲- (پ: روی)؛ ل: بنفرید بر جان ناکس؛ متن = س، ق، ل، آ، س^۲ (نیز هشت دستنویس دیگر) ۲۳- (ق: ترا) ۲۴- ل، ق، س^۲ (نیز لن): در؛ (ل، آ، و: بماندی مرا در)؛ متن = س، ل (نیز ق، ل، ل، پ، ل، آ، ب)؛ بنداری (۲۰۹۸-۲۱۰۱): فقال کیخسرو و هویبکی: ایها الشهبان! إنک قد خلفتني في هذه الدنيا ولم أزل في العناء والتعب للطلب بئارك حتى نکست رایة افراسیاب، و أزعجتہ عن سریر ملکہ. ولست أقرحتي أظفر به واقتص منه ۲۵- ل: بماندم (حرف یکم نقطه ندارد)؛ ق، ل (نیز لن)؛ بماندم؛ (ل: نامم؛ و: نباشد)؛ متن = س، س^۲ (نیز لن، ق، ل، ل، پ، آ، ب) ۲۶- ل (نیز ق)؛ مانند (حرف دوم نقطه ندارد)؛ س^۲ (نیز لن): مانند (حرف یکم نقطه ندارد)؛ متن = ل، س، ق (نیز ل - ب): مانند - مانید؟ مانیده؟ (- ضحاک ۴۸۰، جنگ مازندران ۲۰۱) ۲۷- ق: شیر ۲۸- (ل، و: برزم) ۲۹- ل (نیز لن)؛ اندرون ۳۰- س (نیز ب): تخت از ۳۱- س، ق (نیز لن - پ، ل، آ، ب): وزین؛ ل: وزان؛ متن = ل، س^۲ (نیز و) ۳۲- ل - س^۲ (نیز لن - ب): امید؛ متن تصحیح قیاسی است

از آن^۱ پس بدان گنج بنهاد سر
 در گنج بگشاد و روزی بداد
 به رستم دو صد بدره دینار داد
 چو بشنید گُستهم نوذر که شاه
 پذیره شدش با سپاهی گران
 چُن^۷ از دور دیدش سر و^۸ تاج شاه
 سپه^{۱۰} یکسره خواندند آفرین
 به گُستهم فرمود تا برنشست
 کشیدند از آن^{۱۴} روی بپهشت گنگ^{۱۵}
 ۲۱۰۵
 وفا چون درختی بود میوه‌دار
 نیاسود^{۱۹} یک تن^{۲۰} ز خورد و شکار
 ز ترکان هر آنکس که بُد سرفراز
 به رخشنده‌روز و به هنگام خواب
 ازیشان کسی زو نشانی نداد
 ۲۱۱۵
 جهاندار یک شب سر و تن بشست
 همه شب به پیش جهان‌آفرین
 همی‌گفت کین بنده‌ی ناتوان
 جهان، کوه و ریگ^{۲۶} و بیابان و آب
 که مادر بدو یاد کرد از پدر
 دو هفته در آن^۲ شارستان^۳ بود شاد
 همان گیو را چیز بسیار داد
 بدان شارستان^۴ پدر کرد راه،
 از^۵ ایران بزرگان^۶ گنداوران
 پیاده فراوان^۹ بپیمود راه
 بر آن^{۱۱} دادگر شهریار زمین
 همی‌راند^{۱۲} شادان و^{۱۳} دستش به دست
 سپه را بنزدیک شاه^{۱۶} آب و رنگ
 کجا^{۱۷} هر زمانی نو آید به^{۱۸} بار
 همان یک سواره^{۲۱}، همان شهریار
 شدند از نوازش همه بی‌نیاز
 همی آگهی جست از^{۲۲} افراسیاب
 نکردند ازو در جهان نیز^{۲۳} یاد
 بشد دور^{۲۴} با دفتر زند و اُست
 همی‌بود گریان و سر^{۲۵} بر زمین
 همیشه پر از درد دارد روان
 همی‌پویم از بهر^{۲۷} افراسیاب

۱- س، ل، آ، س^۲ (نیز لن، لی، ل، آ، و، لن، آ، ب): وزان؛ ق: وزین؛ متن = ل (نیز ق، ب) ۲- س، ق، ل^۲ (نیز لن، لی، ل، آ، و، لن، آ، ب):
 بدان؛ (آ: بران)؛ متن = ل، س^۲ (نیز ق، آ، ب) ۳- ق، ل^۲ (نیز لی، ل، آ، ب، لن، آ، ب): شارسان ۴- ق، ل^۲ (نیز لی، ل، آ، ب، لن، آ، ب):
 شارسان ۵- ل، ق، س: ز؛ متن = س، ل^۲ ۶- س، ق، ل، آ، س^۲ (نیز لن، ق، آ، لی، ب، لن، آ، ب): بزرگان و؛ (ل: ترکان؛ و: و
 توران ز)؛ متن = ل ۷- ل، س، ق، ل^۲ (نیز لن- ب): چو؛ متن = س^۲ ۸- ل: دید افسر؛ ق، س^۲ (نیز ق- و، آ): دید آن سرو؛ متن =
 س، ل^۲ (نیز لن، لن، آ، ب) ۹- (ل، آ، و: گرازان) ۱۰- ل (نیز ب، و): همه ۱۱- س، ل، آ، س^۲ (نیز لن، ل، آ، ب): بدان؛ متن =
 ل، ق (نیز ق، لی، ب، و، لن، آ، ب) ۱۲- ل (نیز ق، آ): همه (ق: همی) راه؛ س، ل^۲ (نیز لن، ب، و، لن، آ، ب): همی رفت؛ متن = ق، س^۲ (نیز
 لی، ل، آ، ب) ۱۳- (ق: آ: دو) ۱۴- ل: زان؛ متن = س، ل، آ، س^۲ ۱۵- (ل، آ، و: در (ل: بر) دشت کنک) ۱۶- س، ل، آ،
 س^۲ (نیز لن، ق، آ، ل، لن، آ، ب): شه؛ ق این بیت را ندارد ۱۷- ل، ق: همی؛ متن = س، ل، آ، س^۲ (نیز لن- ب) ۱۸- ق: نوآورد؛
 س: هر زمان نو برآید ز؛ متن = ل، ل، آ، س^۲ (نیز لن- ب) ۱۹- س: برآسود ۲۰- س (نیز ل، آ، ب): دد ۲۱- (ب: سوار و)؛ ق
 بیت‌های ۲۱۱۲ و ۲۱۱۳ را ندارد ۲۲- ل: ز؛ متن = س، ق، ل، آ، س^۲ ۲۳- ق: هیچ ۲۴- ق: پاک؛ بنداری: فاغتنسل ذات
 لیلۃ وأخذ کتاب الزند معه، و خلا بنفسه فی مکان خال ۲۵- (لی: رخ؛ آ: دورخ) ۲۶- ل، ق: همه کوه و رود؛ س، ل^۲ (نیز لن، ق، آ،
 ب): جهان (ق: آ: همه) ریگ و کوه؛ (لی: همان کوه و دریا؛ ب: همان کوه و ریگ؛ آ: همان کوه و در)؛ متن = س^۲ (نیز و، لن، آ) ۲۷- ل
 (نیز ب): نبیند نشانی ز؛ س (نیز لن، آ، ب): همی کوب (لن: گویم) از بهر؛ ق (نیز لی، آ): نبینم نشانی از؛ س: نشانی نبینم از؛ (ق، ل، آ: همی
 آگهی جست از؛ و: نشانی نیام ز)؛ متن = ل^۲ (نیز لن): بنداری (۲۱۱۹-۲۱۲۱): طاف الدنيا فسلک رمالها و قفارها، و قطع جبالها و بحارها

- ۲۱۲۰ که او راه تو دادگر نسپرد
تو دانی که او نیست بر داد و راه
مگر باشدم دادگریک خدای
تو دانی که من خود سراینده^۲م
به گیتی ازو نام و آواز نیست
اگر زو تو خشنودی ای دادگر
۲۱۲۵ بگش در دل این آتش کین من
- کسی را ز گیتی به کس نشمرد
بسی^۱ ریخت خون سر بی‌گناه
بنزدیک آن بدگشش رهنمای
پرستنده^۳ی آفریننده‌ام
ز من راز باشد، ز تو راز نیست
مرا بازگردان ز پیگار سر
به آیین خویش آور! آیین من
- ز جای نیایش بیامد به تخت
همی بود یک سال ببهشت گنگ^۷
چو بودن به گنگ اندرون شد دراز
به گشته^۸م نوذر سپرد آن زمین
۲۱۳۰ بی‌اندازه لشکر به گشته^۸م داد
به چین و به مُکران زمین دست یاز
همی جوی^{۱۲} از^{۱۳} افراسیاب آگهی
و ز آنجایگه خواسته هرچ^{۱۵} بود
۲۱۳۵ ز مُشک و پرستار و زرین ستام
ز گستردنی‌ها و آلات^{۱۹} چین
ز گاوانِ گردون‌گشان چل‌هزار
- جوانِ سرافراز و^۵ بیداریخت^۶
برآسود^۴ از جنبش^۹ و سازِ جنگ
به دیدار کاوشش آمد نیاز
ز قَجقار^{۱۰} تا پیش دریای چین
بدو گفت: بیدار دل باش و شاد
به هر کس فرستاده و^{۱۱} نامه ساز
مگر زو شود روی گیتی^{۱۴} تهی
ز دینار و از^{۱۶} گوهر نابسود،
همان جامه و اسب و تخت^{۱۷} و غلام^{۱۸}،
ز چیزی که خیزد ز مُکران زمین
همی راند پیش اندرون شهریار

۱- س: ۲ همی ۲- (لی، آ: ناسزا بنده‌ام)؛ س، ل، ۲، س (نیز لن، ق، ۲، لن، ب): وگر نیز من ناسزا بنده‌ام؛ متن = ل (نیز ب) ۳- (لی، آ: همان بنده)؛ ق، ل، ۲، و این بیت را ندارند ۴- ل: خویش و به ۵- ل: [و؛ متن ← ۶- ل، ق: پیروزبخت؛ س: ابا سرفرازان بیداریخت؛ (لی، آ: دل افروز و شادان و پیروزبخت)؛ متن = س، ل (نیز هفت دستنویس دیگر) ۷- ل، ق: در حصن کنک؛ متن = س، ل، ۲، س (نیز لن - ب) ۸- س (نیز ق، لن، ب): برآسوده ۹- (ق: کوشش) ۱۰- ل: فحقار؛ س: قجقار؛ ق (نیز لی، ل، ۲، آ): قفجاق؛ س (نیز ب، بنداری): قجقار؛ (لن: قفجار؛ ق، لن، ۲: فجقار)؛ متن = ل (نیز ب) ۱۱- ل: بهر سو فرستاده؛ متن = س، ق، ل، ۲، س (نیز لن - ب)؛ بنداری: و امره بتفریق أصحاب الأخبار فی أطراف بلاد مُکران والصین و غیرها من البلاد ۱۲- س (نیز لی، آ): جست؛ بنداری: و امرهم بالبحث عن افراسیاب ۱۳- ل، ق: ز؛ متن = س، ل، ۲، س ۱۴- س (نیز لن): کشور ۱۵- س، ق، ل، ۲، س: هرچه؛ متن = ل ۱۶- ل، ق، س: وز؛ متن = س، ل ۱۷- س: تخت و اسب ۱۸- س: همان تخت و هم اسب زرین ستام؛ (ل: همان تخت و با زین اسب و لگام)؛ بنداری (۲۱۳۴-۲۱۳۷): و أمر بشد العجل علی أربعین ألف ثور، و أن تحمل علیها الأثقال والغنائم من الذهب والجوهر والمسک والعنبر والملابس والمفارش والأسلحة والعُدد و سائر ما یجلب من أرض مُکران والصین، الی غیر ذلك من الخیل والجواری والغلمان ۱۹- س، ل (نیز لن، ق، لی، ل، ۲، آ، ب): و از (ل: وز) بزم؛ (ل: و دیبای: پ: های آن بود؛ و: که در روم و)؛ متن = ل، ق، س ۲

→

طالباً لأفراسیاب الذی أنت تعلم أنه سالک غیر طریق السداد، و سافک بغیر الحق دماء العباد؛ ل، پ پس از بیت ۲۱۱۹ افزوده‌اند: همسی گفست کای داور دادگر تودادی مرا نازش (پ: یاری) و زور و فر

همی گفت هر کس که کس^۱ پیش ازین^۲
 سپه بود چندانک^۴ بر^۵ کوه و دشت
 ۲۱۴۰ چو دُمدار برداشتی، پیشرو
 بیامد برین^۸ هم نشان تا به چاج^۹
 به سُغداندرون بود یک هفته^{۱۰} شاه^{۱۱}
 وُزآنجا به شهر بخارا کشید^{۱۳}
 بخورد و بیاسود و یک هفته بود^{۱۵}
 ۲۱۴۵ بیامد خروشان به آتشکده
 که تور^{۲۲} فریدون برآورده بود
 بگسترد بر موبدان سیم و زر
 وُزآنجا یگه^{۲۵} سر به رفتن نهاد

ندید و نبد^۳ خواسته بیش ازین
 همی در^۶ شب و روز لشکر گذشت
 به منزل رسیدی همی نوبه نو^۷
 بیاویخت تاج از بر تختِ عاج
 همه سُغد شد شاه را نیکخواه^{۱۲}
 ز لشکر هوا شده می ناپدید^{۱۴}
 دوم هفته با جامه‌ی نابسود^{۱۶}،
 - غمی^{۱۷} بود^{۱۸} از آن^{۱۹} روزهای^{۲۰} شده^{۲۱} -
 بدو اندر ایوانها^{۲۳} کرده بود
 بر آتش پراگند^{۲۴} چندی گهر
 همی رفت با کام دل شاه شاد

گفتار اندر بازگشتن کیخسرو از ترکستان به ایران^{۲۶}

به^{۲۷} جیحون گذر کرد بر سوی بلخ
 ۲۱۵۰ به بلخ اندرون بود یک ماه^{۲۸} شاه
 چشیده ز گیتی بسی شور و تلخ
 سر^{۲۹} ماه^{۲۹} بر^{۳۰} بلخ بگرید راه

۱- ل، ق: هرگز کسی؛ س^۲ (نیزلی، ل، آ): لشکر که کس؛ متن = س، ل^۲ (نیزلن، ق، آ، پ، لن، ب) ۲- (و: هرکس که بدی پیش
 بین) ۳- ق: ندیدست مر؛ (لی، آ: بدیده نبد؛ و: ندیدی کسی)؛ متن = ل، س، ل، آ، س^۲ (نیزلن، ق، آ، ل، پ، لن، ب) ۴- س^۲:
 چندانکه ۵- ل^۲ (نیزپ، لن، آ): در ۶- ل: ده؛ متن = س، ق، ل، آ، س^۲ (نیزلن، ب) ۷- نیز ← لغت شهنامه، شماره ۹۵۷؛ ق
 این بیت را ندارد؛ بنداری؛ و: کاناوا من الکثرة بحيث اذا ارتحلت الساقه من منزل نزلت المقدمة في المنزل الآخر ۸- ل (نیزپ): بران؛ ق:
 بدان؛ ل، آ، س^۲ (نیزلی، لن، آ): بدین؛ متن = س (نیزلن، ق، آ، ل، آ، ب) ۹- حرف یکم و سوم ذر همه دستنویس ها با یک نقطه یا
 بی نقطه ۱۰- ق (نیزق، آ): ماه ۱۱- س، ل^۲ (نیزلن، لی، پ-ب): بیش؛ متن ← ۱۲- س، ل^۲ (نیزلن، آ، لی، پ-ب): تلیمان
 (لی، آ: بکیمال؛ لن، آ: بلیمان) و خوزان همی رفت پیش؛ (و: تکبیا لشکر برفتند پیش)؛ متن = ل، ق، س^۲ (نیزق، آ، ل، آ): بنداری؛ و: لما انتهى الى
 السغد أقام فيها أسبوعا ۱۳- ل، ق (نیزلی، ل، آ): رسید؛ متن = س، ل، آ، س^۲ (نیزلن، ق، آ، پ، و، لن، ب) ۱۴- ل، ق: هوا را همی
 کس ندید؛ س، س^۲ (نیزلن، ق، آ، ل، ب): زمین (س: جهان) شد همه (ل، آ، ب: همی) ناپدید؛ (لی، آ: ز گرد سپه شد هوا ناپدید)؛ متن = ل^۲ (نیز
 پ، و، لن، آ) ۱۵- (ل، آ): یکروز بود؛ و: شهنشاه یک هفته آنجا بود) ۱۶- (ل، آ): بدو اندر ایوان نورو بود؛ و: به آتشکده زند و استا
 ستود) ۱۷- ل^۲ (نیزلی): غمین ۱۸- س، ق، ل، آ، س^۲ (نیزلن، لی، ل، آ، پ، لن، آ، ب): شد؛ (ق، آ: بد)؛ متن = ل (نیز
 و) ۱۹- ل: زان ۲۰- ل، ق (نیزل، آ): اژدهای (؟)؛ س: اژدهای (؟)؛ (ق، آ: دردهای؛ پ، و: روزگار)؛ متن = س، ل^۲ (نیزلن،
 لی، لن، آ، ب) ۲۱- (ل، آ: سده)؛ درس، ل، آ، لن، لی، و، لن، آ، ب لت های این بیت پس و پیش شده اند؛ پیاپی لت های این بیت در
 متن = ل، ق، س^۲ (نیزق، آ، ب) ۲۲- ل: پور ۲۳- ل (نیزپ): اندرون کاخ ها؛ (لی، آ: اندرون رنج ها)؛ متن = س، ل، آ، س^۲ (نیزلن،
 ق، آ، ل، لن، آ، ب): ق، و این بیت را ندارند؛ بنداری (۲۱۴۳-۲۱۴۶)؛ و ارتحل منها الى بخارا فدخل بيت النار الذي بنه تور بن أفریدون
 هناك ۲۴- س: برافکنند بر پیش ۲۵- ق: چوروز دگر ۲۶- ل: بازگشتن کیخسرو از ترکستان بایران؛ س: باز آمدن شاه
 کیخسرو بایران زمین بنزد کاوس شاه؛ ق: رسیدن کیخسرو از توران و استقبال کردن کاوس شاه؛ ل: رسیدن کیخسرو نزد کاوس شاه؛ متن ←
 ل ۲۷- س، ل (نیزلن، لی، ب): ز؛ متن = ل، ق، س^۲ (نیزق، آ) ۲۸- س، ل^۲ (نیزلن، لن، آ، ب): هفته؛ متن = ل، ق، س^۲ (نیزق، آ)؛ و،
 (آ)؛ بنداری: و ارتحل منها الى بلخ و أقام فيها شهرا ۲۹- (لی، آ: از)

به هر شهردرا نامورمهتری
 بیستند آذین^۲ به بی‌راه و راه
 سوی طالقان آمد و مرورود
 همه شهر یکسر^۴ بیاراستند
 ۲۱۵۵ درم ریختند از بر و^۵ زعفران
 و زان سو به راه^۷ نشابور شاه
 به شهراندرون هر که درویش بود
 درم داد هر یکی^{۱۰} را ز گنج
 سر هفته را کرد آهنگ ری
 ۲۱۶۰ دو هفته به ری^{۱۴} نیز بخشید مرد
 هیونان فرستاد چندی ز ری
 دل پیر^{۱۹} از آن^{۲۰} آگهی تازه^{۲۱} شد
 به ایوانها تخت زرین نهاد
 بیستند آذین^{۲۴} به دشت^{۲۵} و به راه

بماندی سرافراز با لشکری
 به جایی که بگذشت شاه و سپاه
 جهان پر شد از نای و آوای^۳ رود
 می و رود و رامشگران خواستند
 چه^۶ دینار و مُشک از کران تا کران
 بیاورد پیلان و گنج و سپاه^۸
 و گرسازش^۹ از کوشش خویش بود،
 پراکنده شد بدره پنجاه و پنج^{۱۱}
 همه راه با رامش و رود و^{۱۲} می^{۱۳}
 سیم^{۱۵} هفته^{۱۶} آهنگ بغداد^{۱۷} کرد
 سوی پارس نزدیک کاوس کی^{۱۸}
 تو گفتی که بر دیگر اندازه^{۲۲} شد
 به خانه در^{۲۳} آرایش چین نهاد
 همه برزن و کوی و بازارگاه

- ۱- س: ۲: سوی دره؛ (ل: سو که شد؛ و: شهر بر) ۲- ل: (نیزق، ل، لی، ل، ب): آذین؛ (لن: آیین) ۳- س: جام و آواز؛ (ق، ل، لی، آ: ناله نای و)؛ ل: جهان بود بریانگ آوای؛ متن = ل، ل، س: ۲ (نیزل، ب): ق، لن، ل، ب این بیت را ندارند؛ درل این بیت و بیت ۲۱۵۶ پس از بیت ۲۱۶۸ آمده‌اند؛ بنداری (۲۱۵۵-۲۱۵۶): ثم ارتحل منها بعد أن ترک فیها إصبهذاً و عسکراً، و كذلك فعل فی البلاد الأخر المذکورة، فوصل الی الطالقان و مرو الروذ فاستقبله الأكابر ینثرون علی مواکبه المسک و الزعفران و اللؤلؤ و المرجان؛ س پس از بیت ۲۱۵۳ افزوده است:
 به هر کوی بیستند آذین براه از آنجا چون بگذشت شاه و سپاه (← ۲۱۵۲)
- ۴- ل: بوم کشور؛ ق: شهر و برزن؛ متن = س، ل، ل، س: ۲ (نیزل، ب): در س این بیت یکبار هم پس از بیت ۲۱۵۲ آمده است ۵- س، ق، ل: ۲ (نیزلی، لن، آ): [و] ۶- (لن، ق، ل، لی، ل، ب، و، آ: چو) ۷- ل: (نیزب): وزانپس براه: س: بیامد بشهر: (لی، آ: وزانجا بسوی؛ ل: ۳: وزان رو بسوی)؛ متن = س: ۲ (نیزق، ل، و) ۸- ل: بدیدند مر یکدگر را براه؛ ق، ل، ل، لن، ل، ب این بیت را ندارند؛ درل این بیت و بیت ۲۱۵۳ پس از بیت ۲۱۶۸ آمده‌اند؛ بنداری (۲۱۵۶-۲۱۵۸): و أقبل منها بفیلته و عساکره الی نسابور فأقام بها و فرّق فیها أموالاً کثیرة علی فقرائها ۹- س، ل: ۲ (نیزل، لن، ل، ب): خوردش؛ (و: رنجش)؛ متن = ل، ق، س: ۲ (نیزق، ل، لی، ل، ب، آ) ۱۰- س، ل، ل، س: ۲ (نیزل، ق، ل، ل، و، لن، آ): هر برزنی؛ متن = ل، ق (نیزلی، ب، آ) ۱۱- س، ل: ۲ (نیزل، لی، لن، آ، ب): هر جای (لی، آ: صد بار) پنج؛ متن = ل، ق، س: ۲ (نیزق، ل، ب، و)؛ س پس از این بیت افزوده است:
 وز آنجا سوی دامغان برکشید
 همسه راه زر و درم گستریسد
 بیک هفته آنجا بیاسود شاه
 همان زند پیلان و اسب و سپاه
- ۱۲- س، ل: ۲ (نیزل، ب): دست؛ (ق، ل، لی، آ: جاد؛ لن: دشت)؛ متن = س: ۲ (نیزل، و) ۱۳- ل، ق: سوی پارس نزدیک کاوس کی (= ۲۱۶۱ ب)؛ (ب: بنزدیک آن شاه فرخنده پی ← ۲۱۶۱ ب) ۱۴- س، ل: ۲ (نیزل، ق، ل، لن، ل، ب): برین؛ (لی، آ: سه هفته بدین)؛ متن = ل، س: ۲ (نیزو) ۱۵- س (نیزق، ل، ل، ب): سوم؛ (لن، و، لن، ل، ب: سیوه)؛ متن = ل، ل، ل، س: ۲ ۱۶- (لی، آ: چهارم) ۱۷- (ل: شیراز)؛ ق، ب این بیت را ندارند ۱۸- ل، ق: بنزدیک کاوس (ق: آن شاه) فرخنده پی؛ متن = س، ل، ل، س: ۲ (نیزل، ل، و، ب)؛ ب این بیت را ندارد؛ بنداری (۲۱۵۹-۲۱۶۱): و ارتحل منها فی الأسبوع الثانی متوجهها الی الری حتی وصل الیها و أقام بها أسبوعین مستمراً علی عادته فی الإحسان و الإنعام علی الفقراء و المحتاجین. ثم أقبل منها الی بغداد، و نفذ النجائین الی کیکاوس بأرض فارس ۱۹- س، ل، ل، س: ۲ (نیزل، لن، ق، ل، ب): شاه؛ متن = ل، ق (نیزلی، ل، و، آ) ۲۰- ل: زان ۲۱- س (نیزب): شاد ۲۲- س (نیزب): زبند و غم و درد آزاد؛ در ب این بیت یکبار هم برابر ضبط متن آمده است ۲۳- س: بخوان اندر؛ (لی، آ: بکاخ اندر) ۲۴- ل: ۲ (نیزق، ل، لی، ل، لن، آ): آذین ۲۵- ل، ق (نیزلی، ل، آ): شهر؛ متن = س، ل، ل، س: ۲ (نیزل، ق، ل، ب، و، لن، آ، ب)

- ۲۱۸۰ بدین^۱ گونه تا تخت گوهرنگار
بفرمود پس کانجمن را بخوان
نشستند در گلشن زرنگار
همی گفت شاه آن^۷ شگفتی که دید
ز دریا و از گنگ دز یاد کرد
- ۲۱۸۵ از آن خرمی^{۱۰} شهر و آن دشت^{۱۱} و راغ
بدو^{۱۴} ماند کاوس کی در^{۱۵} شگفت
بدو گفت: روز^{۱۷} نو و ماه نو
نه چون تو کس^{۲۰} اندر جهان شاه دید
کنون تا^{۲۲} بدین^{۲۳} اختری^{۲۴} نو کنیم
- ۲۱۹۰ بیاراست آن گلشن زرنگار
به یک^{۲۷} هفته زایوان^{۲۸} کاوس کی
به هشتم در گنج بگشاد شاه
بزرگان که بودند با او بهم
بر^{۳۴} اندازه شان خلعت آراستند
برفتند هر یک^{۳۶} سوی کشوری
- ۲۱۹۵ سرافراز^{۳۷} با نامور لشکری^{۳۸}
بشد^۲ پایه ها ناپدید از نثار^۳
به ایوان دیگر^۴ بیارای^۵ خوان
بزرگان پرمایه^۶ با شهریار
به دریادر^۸ نامداران شنید
لب نامداران پُر از باد کرد
شمرها^{۱۲} و پالیز او^{۱۳} چون چراغ
ز کردارش اندازه ها برگرفت^{۱۶}
چو^{۱۸} گفتارهای نو و^{۱۹} شاه نو،
نه این داستان گوش هرگز^{۲۱} شنید
به مردی همه^{۲۵} یاد خسرو کنیم
می آورد و یاقوت لب^{۲۶} می گسار
همی موج^{۲۹} برخاست از جام^{۳۰} می^{۳۱}
همی ساخت آن^{۳۲} رنج را پایگاه
به رزم و به بزم^{۳۳} و به شادی و غم،
ز گنج آنچ^{۳۵} پرمایه تر خواستند
سرافراز^{۳۷} با نامور لشکری^{۳۸}

۱- س، ل (نیز ق، و، آ): برین؛ (لن، ب: بران): متن = ل، ق، س (نیز ل، پ، لن) ۲- س (نیز لن، لن، ب): شدش؛ ل، س: شده؛
(لی، آ: بسید): متن = ل، ق، س (نیز ل، پ، لن) ۳- س: دنار ۴- (و: در ایوان زرین) ۵- ق (نیز لن): بر آرای ۶-
ل: بامایه ۷- ل: این ۸- س، ق، ل، آ، س (نیز لن، پ، لن، آ، ب): به (س، ب: ز) دریا و از (ق: وزان؛ ل: وز؛ س: و آن؛
لن: دراز؛ لی، آ: که از): متن = ل ۹- ل، آ، س: وز ۱۰- (ل: خورمی) ۱۱- ل، س (نیز و): دشت و آن شهر ۱۲-
س (نیز ل): شمرها؛ (لی، آ: سمنها؛ پ: چمنها): متن = ل، س، ل (نیز لن، ق، و، لن، ب) ۱۳- ل (نیز پ): ها؛ ق این بیت را
ندارد ۱۴- س: از او ۱۵- س: چنین گفت کاوس کی کین ۱۶- س: که دیدیم اندازه باید گرفت؛ درس این بیت یکبار
هم برابر ضبط متن پس از بیت ۲۱۷۸ آمده است ۱۷- س: روزت ۱۸- س، س (نیز ل، آ): چه؛ ل (نیز لن، ق، آ، لن، ب): ز؛
متن = ل، ق (نیز ل، پ) ۱۹- س: از؛ (آ: تو) ۲۰- ل (نیز پ): نه کس چون تو؛ ق: نه چون تو (وزن ندارد): متن = س، ل، آ،
س (نیز لن، ق، آ، لی، ل، آ، ب) ۲۱- ل (نیز ل، لن، آ): هر کس؛ متن = س، ق، ل، آ، س (نیز لن، ق، آ، ل، پ، ب) ۲۲- س،
ل (نیز لن، ق، آ، لی، پ، آ، ب): ما؛ متن = ل، ق (نیز ل، لن، آ) ۲۳- س، ل، آ، س (نیز لن، ق، آ، ل، ب): برین؛ متن = ل، ق (نیز ل، پ، لن، آ،
آ، ب) ۲۴- س، ل (نیز ل، پ، ب): اختر؛ متن = ل، ق، س (نیز لن، لی، لن، آ) ۲۵- ق: همی؛ (ل: بسی در همه؛ پ: بمی در
همه) ۲۶- ل، ق (نیز پ): یاقوت با؛ س: رامشگر و؛ متن = ل، آ، س (نیز لن، ق، آ، لی، لن، آ، ب) ۲۷- س: بدو ۲۸- (لن،
ب: از جام) ۲۹- (پ: نعره) ۳۰- س، ق (نیز ل، ب): سرخ؛ متن = ل، ل، آ، س (نیز لن، ق، آ، پ، لن، آ: بیست
۱۸۱۶) ۳۱- (لی، آ: همیرفت آواز از چنگ و نی): بنداری؛ ثم لما رفع السماط أحضروا الشراب واستنظفوا الجنک والرباب ۳۲-
س، ل (نیز لن، لن، آ): این؛ (ب: ساختی) ۳۳- ل، آ، س (نیز ق، آ، لی، لن، آ): بیزه و بیزه ۳۴- ل (نیز ق، آ، لی، پ، آ): به؛ متن =
س، ق، ل، آ، س (نیز لن، ل، آ، لن، ب) ۳۵- س، ق، ل، آ: آنچه ۳۶- ل، ق: هر کس؛ متن = س، ل، آ، س (نیز لن، ب) ۳۷-
ل: سرافراز و ۳۸- س، ل (نیز ق، آ، ل، آ، و، لن، آ): مهتری؛ متن = ل، ق، س (نیز لن، لی، پ، آ، ب)؛ س، ل پس از این بیت افزوده اند:

ببستند آدین (ل: آیین) به بسیراه و راه

بجای دگر بود (ل: بجایی که بگذشت) شاه و سپاه

درم داد یک‌ساله از گنج شاه نیا و جهانجوی با ^۵ رای‌زن جز از ^۶ کردگار ^۷ از که جویم راه برفتیم با ^۸ داغ‌دل یک ^۹ گروه، نشانی ندیدیم از ^{۱۱} افراسیاب سپاه آرد ^{۱۴} از هر سوی بی‌درنگ ^{۱۵} ، اگر چندمان دادگر یاورست یکی پند پیرانه افگند بُن بتازیم تا خان ^{۱۸} آذرگشسپ - چنان چون بود مرد یزدان‌پرست - به زَمَزَم کنیم ^{۲۱} آفرینِ مهان ^{۲۲} مگر پاک‌یزدان ^{۲۵} بود رهنمای نماید نماینده‌ی داد راه ^{۲۶} نگردید ^{۲۹} یک تن ز راه ^{۳۰} اندکی دمان تا در ^{۳۲} خان ^{۳۳} آذرگشسپ	پردخت از آن ^۱ پس به کار ^۲ سپاه وَران ^۳ پس نشستند بی ^۴ انجمن چنین گفت خسرو به کاوس‌شاه بیابان و یک‌ساله دریا و کوه به هامون و کوه و به دریای ^{۱۰} آب گر او یکزمان ^{۱۲} اندرآید به گنگ ^{۱۳} همین ^{۱۶} رنج و سختی به پیش اندرست نیا چون شنید از نبیره سَخُن بدو گفت: ما همچین بر دو ^{۱۷} اسپ سر و تن بشویم و برَسَم به دست ^{۱۹} ابا باز با ^{۲۰} کردگار جهان بیاشیم بر ^{۲۳} پیش آتش ^{۲۴} به پای به جایی که او دارد آرامگاه برین ^{۲۷} راز ^{۲۸} گشتند هر دو یکی نشستند چون باد ^{۳۱} هر دو بر اسپ ۲۲۰۰ ۲۲۰۵ ۲۲۱۰
---	--

- ۱- ل: زان ۲- (ق: ز کار)؛ ق (نیزی): کار و آنگه؛ (پ، آ: پیرداخت از آن (آ: زان) کار و آنگه) ۳- س: از آن ۴- ل: (نیزلن): با ۵- س: بی ۶- س: (نیزق، لی، ل، آ): بجز؛ (و: که جز) ۷- ل: (نیزلن، لن، ب): که جز از خدا (وزن ندارد) ۸- ق: بر؛ (ل، آ: و: برفتم چنین) ۹- (ق: هم؛ ل، آ: و: با) ۱۰- س، ل، آ: س: (نیزلن - ل، آ: و: ب): بکوه (ل، آ: و: بغار) و بهامون (س، لن، لن، ب: بیابان) و (ل، آ: به) دریای؛ متن = ل، ق (نیزب) ۱۱- ل: ز؛ س (نیزو، آ): ندیدم ز؛ (لن، ب: ندیدم از؛ ل: ندیدم نشانی ز)؛ متن = ق، ل، آ: س: (نیزلن، ق، لی، پ) ۱۲- س: گر آیدونک او؛ (لن، ب: گر او این زمان؛ ق: گر آیدون زمان؛ لی، آ: که او یکزمان)؛ متن = ق، ل، آ: س: (نیزل، پ، و، لن) ۱۳- ق: بچنگ ۱۴- (ل، آ: پ، و: آید)؛ ق: سپه آورد (وزن ندارد) ۱۵- (ل: سو و مرد جنگ)؛ ل این بیت را ندارد؛ بنداری: و اینه ان عباد الی کنک و أقام بها و لوساعة واحدة ثابت الیه عساکره ۱۶- ل، ق (نیزلن، و): همه؛ (لی، آ: همان؛ ب: همی)؛ متن = س، ل، آ: س: (نیزق، ل، آ: پ، لن) ۱۷- (ق: آ: مرد و) ۱۸- س: (نیزلن، لن، ب): خوان؛ (لی، آ: خاک)؛ ل این بیت را ندارد؛ بنداری: فقال له کیکاوس: الرأی أن أركب أنا وأنت معا و نصیر الی بیت نار آذرگشسپ ۱۹- ل، س، ق، ل: (نیزق، لی، آ: ب): با پای و (ل: پا و؛ لی، آ: پاک) دست: س: و برسن بدست؛ متن = (پ، و، لغت شهنامه، شماره ۳۵۹ - س: ل، لن، ل: بیت های ۲۲۰۵ - ۲۲۱۰ را ندارند؛ بنداری (۲۲۱۰ - ۲۲۰۵): فنبهل الی الله تعالی و نتضرع الیه فلعله یهدینا الی الموضع الذی هوفیه ۲۰- س، ل: (نیزق، پ، آ: ب): همین (ق: همان؛ آ: همی) راز با؛ ق: ابا درد و بر؛ س: ابا راز بر؛ (لی: همی باز با؛ ل: از آن تا بر؛ و: بزاری ابا)؛ متن = ل ۲۱- ل، ق: بدو (ق: برو) برکنیم؛ (ق: بخوانیم پس)؛ متن = س، ل، آ: س: (نیزی، ل، آ: ب) ۲۲- ل، س: (نیزب، آ): نهان؛ ل: از مهان؛ (ق: بر مهان؛ ل: از نهان)؛ متن = س، ق (نیزی، و، ب) ۲۳- ق، س: (نیزی، و، آ): در ۲۴- س، ل: (نیزی، ل، آ: ب): یزدان؛ متن = ل، ق، س: (نیزق، آ: ب، و) ۲۵- (ق: آ: ایزد) ۲۶- س، ل: (نیزب): دادخواه؛ س: (نیزق، لی، آ): داد و راه؛ متن = ل، ق (نیزب، و) ۲۷- س، ق (نیزی، ل، آ: ب، و، آ، ب): بدین؛ (ق: بدان)؛ متن = ل، ل، آ: س: ۲۸- ل: باز؛ (ل: رای)؛ متن = س، ق، ل، آ: س: (نیزق، لی، پ، و، آ، ب) ۲۹- (و، آ: نگشتند) ۳۰- س (نیزب): ازین؛ (ق: رای) ۳۱- ل، ق (نیزب): با باز (؟: درل حرف یکم و سوم نقطه ندارند)؛ متن = س، ل، آ: س: (نیزق، لی، و، آ: ب) ۳۲- ل، ق (نیزب): دوان تا سوی؛ (لی، و: آ: برفتنند تا)؛ متن = س، ل، آ: س: (نیزق، ل، آ: ب) ۳۳- ل: (نیزب): خوان؛ (لی، آ: خاک)

برفتند با جامه‌های سپید^۱ چو آتش بدیدند گریان شدند بدانجایگه^۵ زار و گریان دو شاه^۶ جهان‌آفرین را همی خواندند چو خسرو به آب مژه رخ بشتست ۲۲۱۵
به یک^{۱۱} هفته بر^{۱۲} پیش یزدان بُدند که آتش بدان^{۱۳} گاه محراب بود اگر چندت^{۱۴} اندیشه گردد^{۱۵} دراز به یک^{۱۶} ماه در آذربادگان

پُر از ترس^۲ دل یک‌بیک^۳ پُر امید چو بر آتش تیز بریان شدند بی‌دند با درد و فریادخواه^۷ بدان^۸ موبدان^۹ گوهر افشانند برافشانند^{۱۰} دینار بر زند و اُست مپندار کاتش پرستان بُدند! پرستنده را دیده پُرآب بود هم از پاک‌یزدان نه‌بی بی‌نیاز بودند شاهان و آزادگان

گفتار اندر گرفتار شدن افراسیاب بردستِ هوم^{۱۷}

۲۲۲۰ وُزآن^{۱۸} پس چنان بُد که افراسیاب نه ایمن به^{۲۰} جان و نه تن^{۲۱} سودمند همی از جهان جایگاهی بجست بنزدیک بردع یکی غار بود ندید^{۲۶} از برش جای پرواز باز^{۲۷} خورش برد و از^{۳۱} بیم جان جای ساخت ۲۲۲۵

همی گشت^{۱۹} هر جای بی خورد و خواب همیشه هراسان^{۲۲} ز بیم گزند که باشد به جان^{۲۳} ایمن و تن درست سر کوه غار^{۲۴} از جهان نابسود^{۲۵} نه زیرش پی^{۲۸} شیر و آن^{۲۹} گراز^{۳۰} به غار^{۳۲} اندرون جای بالای ساخت^{۳۳}

۱- (لی، و، لن: سفید) ۲- ل: بیم ۳- (ل: یک روان) ۴- (و: با)؛ حرف یکم تنها در ل، پ، لن با سه نقطه؛ در ل، لی، آ لت‌های این بیت پس و پیش شده‌اند؛ بنداری: فلبسایاب البیاض، و رکبا و سارا الی ذلك المتعبد بقلوب مملوءة من الخوف والرجاء ۵- ل (نیز ق: ۲): بر آنجایگه ۶- ل: ۲ ماه ۷- س، ل (نیز لن، لن: ب): به پیش خداوند خورشید و ماه؛ س (نیز ق: ۲): به پیش خداوند فریادخواه؛ متن = ل، ق (نیز لی، لی، ل: پ، آ)؛ در ق، لی، آ لت‌های این بیت پس و پیش شده‌اند ۸- س، ق، ل (نیز ق: ۲، و، لن: آ): بران؛ متن = ل، س (نیز لن، لی، ل: پ) ۹- س (نیز لن، ب): مهتران؛ بنداری: وینشران الجواهر علی الموابذة ۱۰- (ل): پراکند ۱۱- (لی، آ: یکی) ۱۲- (لی، و، آ: در) ۱۳- س: بران؛ بنداری: وزعم صاحب الکتاب أنهم لم یکنوا یعبدون النار وإنما یعبدون الله عز وجل والنار لهم كالقبلة ۱۴- ل (نیز پ، و): چند ۱۵- ق (نیز لی): باشد؛ (آ: بودی) ۱۶- (ب): یکی ۱۷- ل: گرفتار شدن افراسیاب؛ س، ل، س: گرفتار شدن افراسیاب بردست هوم (س: هوم زاهد)؛ ق: صفت غاری که افراسیاب در بردع اختیار کرد و نوحه او بر حال خود و گرفتاری او بردست هوم زاهد؛ متن ← ل، س ۱۸- ل (نیز و): از آن ۱۹- ل: بود؛ متن = س، ق، ل، س (نیز لن - ب) ۲۰- ق (نیز ل: ۲): ز؛ متن ← ۲۱- س: و تن؛ (ق، ل: ۲): بتن؛ لی، آ: نبد ایمن از جان و تن؛ پ: مر او را نه جان و نه تن؛ و: نه ایمن ز جای و نه تن؛ متن = ل، ل، س (نیز لن، لن: ب) ۲۲- ل (نیز لی، پ، آ): هراسان همیشه ۲۳- ق: همی ۲۴- س: سر و کوه و غار؛ ق: سر تنگ غار؛ ل: سر غار و کوه؛ (لی: سر و کوه غار؛ لن: آ: سر کوه و غار)؛ متن = ل، س (نیز لن، ل: و) ۲۵- س: تار بود؛ (آ: ناپدید)؛ س (نیز ل: ۲): هوا نابسود؛ (و: هوا ناپدید)؛ متن = ل، ق، ل (نیز لن، لی، لن: ب)؛ (ق: ۲): که در روز روشن چو شب تار بود؛ پ: سر کوه خارا هوا را بسود ۲۶- س: نبود ۲۷- ق: بود؛ (ق: ۲): نبود آن خود آرام و جای نیاز ۲۸- (لی، آ: ره) ۲۹- س، ل (نیز لن، ل: پ، لن: ب): جای؛ س (نیز ق: ۲): راه؛ (و: چنگ)؛ متن = ل (نیز لی، آ) ۳۰- ق: تو گویی که با چرخ انباز بود؛ س، ق: ۲ پس از این بیت افزوده‌اند: بنزدیک آن کوهسار (ق: ۲: کوهساری) بلند کز آنجا بگردون رسیدی کمند ۳۱- ق، ل: ۲: وز ۳۲- س: بهنگ ۳۳- ل: ۲: پیلان بساخت؛ (لن: بنگاه ساخت؛ لن: بیگاه ساخت)؛ در س این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است

ز هر شهر دور و بنزدیک آب
همی بود چندی به هنگ^۲ اندرون^۳
چو خونریز گردد دل^۴ سرفراز^۵
چنان شهریاری خداوند تخت
چو خونریز شد دشمن آمد پدید ۲۲۳۰

که خوانی ورا هنگ^۱ افراسیاب
ز کرده پشیمان و دل پُر ز خون
به تخت کیی بر^۶ نماند دراز^۷
جهاندار^۸ و نیک اختر و نیک بخت،
خُک شاه کو^۹ خون شاهان ندید!

یکی نیک مرد^{۱۱} اندر آن روزگار
پرستنده^{۱۲} با قر و برز کیان
پرستش گهش کوه بودی همه
کجا نام آن نامور هوم بود
یکی کاف^{۱۷} بود اندر آن بُرزکوه^{۱۸} ۲۲۳۵

ز تخم فریدون آموزگار،
به هر^{۱۳} کار با شاه بسته^{۱۴} میان،
ز شادی شده دور و دور از رمه^{۱۵}،
پرستار^{۱۶} دور از بروم بود
بدو سخت نزدیک و دور از گروه
ز کافش^{۲۰} یکی ناله^{۲۱} آمد به گوش
بزرگا^{۲۴} و بر داوران داورا!
رسیده به هر جای پیمان تو^{۲۶}
کجات آن سر و تاج^{۲۸} و مردان جنگ
دلیری و نیروی^{۳۰} و فرزنانگی ۲۲۴۰

پرستش گهی کرده^{۱۹} پشمینه پوش
که شاها^{۲۲} سرا^{۲۳} نامور مهتر!
همه ترک و چین زیر^{۲۵} فرمان تو^{۲۶}
یکی غار داری نهره^{۲۷} به چنگ
کجات آن همه زور^{۲۹} و مردانگی

۱- س^۲ (نیزق، ل، آ): همی هنگ؛ (لی، و، آ: همی کنک)؛ ق (نیزپ): چو خوانی همی هنگ؛ ل^۱ (نیزلن، ل، ب): چو خانه همی کندی (لن: کردی)؛ متن = ل، س؛ بنداری: و هذه المغارة تسمى هنگ افراسیاب ۲- س (نیزلن، ب): بغار؛ (لی، و، آ: بکنک)؛ متن = ل، ق، س^۲ (نیزق، ل، ب) ۳- ل^۱ (نیزلن): بخانه درون ۴- ل، ق (نیزل^۲): سر؛ (لی، آ: بدل)؛ متن = س، ل، س^۲ (نیزلن، ق، ب، و، ل، ب) ۵- (ق: شهریار) ۶- ل: کیان بر؛ ق: شهی بر؛ متن = س، ل، س^۲ (نیزلی-ب) ۷- ل^۱ (نیزلن): نگردد دراز؛ (لن: ز گیتی نباید کشیدش بناز؛ ق: به تخت کیی چون بود پایدار) ۸- (لی، آ: جهانگیر)؛ ل، ق بیت های ۲۲۲۹ و ۲۲۳۰ را ندارند؛ س^۲ پس از بیت ۲۲۲۹ افزوده است: بکشت و ز فرجام نامدش یاد اگر خوش ریزند باشد بداد

۹- ل^۱ (نیزلن): که ۱۰- س^۲: او؛ ل: آنک کو؛ (لن: او که او؛ ل: آنکه او؛ ب: آنک او)؛ متن = س (نیزق-و، آ) ۱۱- ل، ق: مرد نیک؛ (لی، آ: مرد بد)؛ متن = س، ل، س^۲ (نیزهفت دستویس دیگر) ۱۲- س، س^۲ (نیزپ، و): پرستنده؛ ل^۱ (نیزلن، ل، ب): بد استاده؛ (ق: همی بود)؛ متن = ل، ق (نیزلی، ل، آ) ۱۳- ل، ل، س^۲ (نیزق، ل، ب): بدین؛ متن ← ۱۴- س (نیزلن، ب): ز بهر پرستش بیسته؛ (لی، آ: بزناش شماس بسته؛ ل، و: بزناش کی شاه بسته)؛ متن = ل، ق (نیزپ: ل) ۱۵- (پ: ز گیتی بی اندوه بودی همه) ۱۶- (لی، آ: بسی سال) ۱۷- ل: کاخ؛ س (نیزو، ل، ب): غار؛ (لن، ب: جای؛ ق: یک اشکاف)؛ متن = ق، ل، س^۲ (نیزلی، ل، آ، ب، آ، لغت شهنامه، شماره ۲۰۰۵) ۱۸- (لی: ناف کوه) ۱۹- س، ق (نیزلن، ل، ب): کرد؛ س^۲ (نیزق، ل، آ، و): پرستش همی کرد؛ (لی، آ: پرستش گهش بود)؛ متن = ل، ل^۱ (نیزپ، ب) ۲۰- س (نیزلن، ل، آ، و، ب): غار؛ متن = ل، ق، ل، س^۲ (نیزق، ل، ب، ل، ل، آ) ۲۱- س، ل^۱ (نیزلن، ب): نالش؛ لی، آپس از این بیت یازده بیت افزوده اند ۲۲- س، ق، ل، س^۲ (نیزلن-ل، آ، و-ب): زار؛ متن = ل (نیزپ) ۲۳- ق: گسوا؛ (پ: ردا) ۲۴- ل، س^۲ (نیزآ): بزرگان؛ متن = س، ق، ل^۱ (نیزلن-ل، ب) ۲۵- س: بدبه؛ (و: ترک بد زیر) ۲۶- (لی: تست) ۲۷- ل (نیزق): بهره (نقطه ندارد)؛ ق (نیزآ): برهنه، س^۲: بهره؛ (و: تو بهره)؛ متن = س، ل^۱ (نیزلن، لی، ل، آ، ب، ل، ب) ۲۸- ل، س^۲: سرتاج؛ س، ل^۱ (نیزلن، ل، ب): بزرگان؛ (و: از آن تاج و آن گنج)؛ متن = ق (نیزق، لی، ل، آ، ب، آ) ۲۹- س: رزم؛ ل، س^۲ (نیزلن، ل، ب): گنج؛ (ق، ب: جنگ)؛ متن = ل، ق (نیزلی، ل، آ، ب، آ) ۳۰- س، ل^۱ (نیزلن، لی، ل، آ، ب، آ): نیرو؛ (و: گردی)؛ متن = ل، ق، س^۲ (نیزق، ل، ب): درس، ق^۲ این بیت با بیت سپسین

←

پس و پیش شده است و س، لی، آپس از آن افزوده اند (لی، آ بیت را ندارند):

کجات آن برو بوم و چندان سپاه^۱
 گریزان به سنگین حصار اندری^۳
 پرستش رها کرد و بگذاشت بوم
 نباشد مگر زان^۶ افراسیاب
 در^۷ غار تاریک چندی بجست
 بدید آن در هنگ^۸ افراسیاب
 ز پشمینه بگشاد گردی میان^۹
 کجا^{۱۰} در پناه^{۱۱} جهاندار داشت،
 چو نزدیک شد بازوی او بیست^{۱۳}

کجات آن بزرگتی و تخت و کلاه
 که اکنون بدین تنگ غار اندری^۲
 به ترکی چو این^۴ ناله بشنیده^۵ هوم
 چنین گفت کین ناله هنگام خواب
 چو اندیشه شد بر دلش بر درست
 ز کوه اندر آمد به هنگام خواب
 بیامد بکردار شیر ژیان
 کمندی که بر جای زَنار داشت
 به هنگ^{۱۲} اندرون شد گرفت آن به دست

۲۲۴۵

۱- س: دلیری و مردانگی و سپاه؛ ق: این بیت را ندارد؛ بنداری (۲۲۳۷-۲۲۴۱): یا سیدا ساد الأکابر عزا و شرفا و یا ملکا حکم علی جمیع الملوک نافذا فی الشرق والغرب حکمه، و ماضیا فی الصين والترك أمره. این تاجک و تختک؟ و این خیلک و جلک؟ و این تلک الرجولیه و البساله؟ و این تلک الروعة و الجلاله؟
 ۲- (لی، پ، آ: آمدی)؛ س (نیز ق، ل، ب): غار تنگ اندری ۳- (ق: ایدری؛ ب: آمدی؛ لن، لی، و، آ، ب: بسنگ (آ، ب: بسنگی) حصار اندری (لی، آ: آمدی)؛ ل: گریزان سوی کوه و سنگ اندری)؛ متن = ل - س (نیز لن) ۴- (ل، و، لن: آن) ۵- (ب: بشنود)؛ س: بیت های ۲۲۴۳ و ۲۲۴۴ را ندارد ۶- ل، ل، ل (نیز لن، لن، ب): آن؛ (ق، ل، ل: بانگ؛ و: بجز بانگ)؛ متن = س، ق (نیز لی، پ، آ) ۷- (ق: نیز پ): در آن ۸- س: در وهنگ؛ (لی، آ: دزو کنک)؛ درس، ل، س، ل، لن، ق، ل، ب: لت های این بیت پس و پیش شده اند ۹- س (نیز لی، آ): بند از میان؛ (ل: زاهد میان) ۱۰- س، ق، ل، س (نیز لن - پ، لن، آ، ب): که آن؛ متن = ل ۱۱- (و: که از فر شاه) ۱۲- س: بغار؛ (لی: بکنک) ۱۳- س، ل، ل (نیز لن، لی، پ، لن، آ، ب): شاه بر پای (پ: از جای) جست؛ (ق: مر او را بهنگ اندرون باز جست؛ و: همی شد چنین تا بجای نشست)؛ متن = ل، ق، س (نیز ل)؛ س، ل، ل، لن، لی، پ، لن، آ، ب: پس از بیت ۲۲۴۹ افزوده اند:

بآخـر ورا هـوم آورد زیـر
 چوافکنده شد بازوی او بیست

برآویختند هر دو آن سخت دیر
 ورا بر زمین هوم بکنند (س: ورا هوم زد بر زمین سخت) پست
 س، ق، پس از بیت ۲۲۴۹ افزوده اند:

همسی کرد در چاره جستن شتاب
 بآخـر ورا هـوم آورد زیـر
 سبک بازوی ترک جادو بیست
 چنین تا بدیده بدیدش درست

برآویخت با هوم افراسیاب
 برآویختند یک زمان سخت (ق: برآویخت با اوسپهدار) دیر
 ق: چوزد بر زمین هوم بر پای جست
 و پس از بیت ۲۲۴۹ افزوده است: مر او را بهنگ اندرون باز جست

→ پس و پیش شده است و س، لی، آ پس از آن افزوده اند، لی، آ بیت 6 را ندارند:

که اکنون نداری از آن هیچ برخ
 که فرمان بدش بر دو بهره زمین
 بدان تاختن جادوی ساختن
 که بودی جدا هریکی شاه جوی
 که بودی به هر گه پناه از گزند
 بدان موبدان باد سا بخردان (!)
 ستاده برسته بزر و گهر
 ز گاو آن گسردون کشان صد هزار

کجات آن بر و بازو و تیر چرخ
 کجات آن زیاقوت رخشان نگین
 کجات آن بسروز و بشب تاختن
 کجات آن شبستان پر ماه روی
 کجات آن پناه های کرده بلند
 کجات آن رده بر درت موبدان
 کجات آن غلامان بسته کمر
 کجات آن هیونان در زیر بار
 5
 ق: پس از بیت ۲۲۴۰ افزوده است:

کجات آن همه لعل و در و درم
 کجات آن دلیران خسرو پرست
 کجات آن برزم اندر آواز تو ←

کجات آن همه مال و خیل و چشم
 کجات آن سر گاه و جای نشست
 کجات آن بسبزم اندرون ساز تو

۲۲۵۰ همی رفت و او را پس اندر کشان همی تاخت با رنج^۱ چون بیهشان

شگفت ار ممانی بدین در^۲ رواست؛
جز از نیک نامی^۴ نباید گزید
ز گیتی یکی غار بگزید راست
هر آنکس که او بر^۳ جهان پادشاست،
بباید^۵ چمید^۶ و بباید^۷ چرید^۸
چه دانست^۹ کان هنگ جای^{۱۰} بلاست

۲۲۵۵ چو آن^{۱۱} شاه را هوم بازو^{۱۲} بیست
بدو^{۱۴} گفت کای^{۱۵} مرد باهوش^{۱۶} و باک^{۱۷}
چه خواهی زمن، من^{۲۰} کیم در جهان
بدو گفت هوم: این نه آرام تُست
ز شاهان گیتی برادر که کشت؟
چو اغریرت^{۲۲} و نوذر نامدار
همی بردش از جایگاه نشست^{۱۳}،
پرستار^{۱۸} دازنده یزدان پاک^{۱۹}،
نشسته بدین غار اندر نهان^{۲۱}
جهانی سراسر پُر از نام تُست
که شد نیز با پاک یزدان درشت؟
سیاوش که بُد در جهان^{۲۳} یادگار^{۲۴}

۱- ق: بر رنج؛ ل: (نیز لن)؛ ا: اوراست؛ س: (نیز لن، ب): تاختش راست؛ متن = ل، س: (نیز ق: ۲، و، آ) ۲- س: بماند بدین بد؛ ق: (نیز و):
بمانی برین بر؛ ل: (نیز لن، ل، ا، ب): بمانید (ب: بمانند) ازین پس؛ س: بماند ازین بد؛ ق: بماند بدین در؛ ل، آ: بمانی بدین در؛ ل: بمانی ازین
بد؛ پ: بمانی بدین بر؛ متن = ل ۳- ل: (نیز ق: ۲، ل، پ، و، لن)؛ در ۴- (پ: نام نیکش) ۵- س: (نیز ل، پ، لن)؛
نبايد ۶- ل: (نیز و): چرید ۷- ق، س: (نیز ل، پ، لن)؛ نبايد ۸- ل: (نیز و): چمید؛ (لن: خید)؛ س: پس از این بیت
افزوده است: از آن پس که خندان بدین نام و کام توانایی و لشکرو گنج و نام
۹- ق: ندانست؛ (پ، ب: چو دانست) ۱۰- ل: غار هنگ؛ ل: (نیز پ): غار جای؛ (ق: ل، ل: غار دام؛ ل: جای بند و؛ و: هنگ دام)؛
متن = س، ق، س: (نیز لن، ل، ا، ب): بنداری (۲۲۵۱-۲۲۵۳)؛ قال صاحب الکتاب: وما أجد کل من کان صاحب ملک و جلاله أن یقضی
من هذه الحالة، فلا یؤثر غیر حسن الأحذوثة فی الدنيا الفانیة و دولها المستعارة ۱۱- (پ: چنان → چن آن) ۱۲- ل:
بازوی ۱۳- س، ق: (نیز ق: ۲، ل، ا، پ، آ): از جای خواب و نشست؛ ل: از کوه و جای نشست؛ س: از جای چون آب پست؛ (لن،
لن، ا، ب: او را ز (ب: به) جای نشست؛ و: همی خوار بردش بجای نشست)؛ متن = ل ۱۴- ق: (نیز پ): همی ۱۵- ل:
ای ۱۶- ق: ترس ۱۷- (پ: پاس) ۱۸- س، س: (نیز لن، و، لن، ا، ب): دانسته؛ متن = ل، ق، ل: (نیز ق: ۲، ل، ل، آ)
۱۹- (پ: پرستنده دارنده یزدان شناس) ۲۰- س: (نیز لن، ل، ا، ب): خود؛ (و: همی من)؛ متن = ل، ق، س: (نیز ل، ق، ا، ل، پ، آ)
۲۱- ل: با اندهان؛ (ل: تازی نهان؛ و: بی بین نهان؛ آ: غاری تازی نهان)؛ ق: درین غار بر بر نهان؛ س: درین غاری بی بین نهان؛
(ل: برین غار بر او نهان؛ پ: چه خواهی بدین غار مانده نهان)؛ متن = س، ل: (نیز لن، ق، ا، ل، ا، ب)؛ بنداری: قال له: أیها العابد! ماذا تريد من
رجل اختفی فی مغارة ضيقة؟ ۲۲- س: اغریرت (حرف پسین نقطه ندارد)؛ (ق: ل، ا، ب، آ، بنداری: اغریرت)؛ متن = ل، ق، س، ل: (نیز لن،
ل، ل، ا، پ، ب) ۲۳- ق، ل: (نیز لن، ل، ا، ب): از کیان؛ (ل، آ: بود از جهان)؛ س: جهان را از ایرج یکی؛ متن = ل، س: (نیز ق: ۲،
پ، و) ۲۴- (پ: بردبار)؛ س: پس از این بیت افزوده است:

نبنند کمر نیزیک نامدار

چنین تسا بدیده بدیدش درست
همی کرد در چاره جستن شتاب
ز تن هسا همی خسوی فسور و بختند
باخسرو را هوم آورد زیبر
چو افکنده شد بازوی او بیست

→ مر او را بهسنگ اندرون بازجست
برآویخت با هوم افراسیاب
چنین تا زمانی برآویختند
برآویختند آن زمان سخت دیر
5 ورا هوم بفکنند بر خاک پست

ل، ق، ل: این بیت ها را ندارند؛ بنداری (۲۲۴۵-۲۲۴۹)؛ فقام و تشر و خلع العباء الذی کان به متخللا، و حل زنارا کان فی وسطه، و تتبع
الصوت حتی دخل المغارة فهجم علی افراسیاب، و کتف یدیه بزواره، و شد وثاقه

۲۲۶۰	تو خونِ سر شهریاران ^۱ مریز بدو گفت کاندِر جهان بی‌گناه چنین راند بر سر ^۴ سپهر بلند ز فرمانِ یزدان کسی نگذرد بیخشای بر من که بیچاره‌ام	نه اندر بُن ^۲ غار ^۳ بی‌بن گریز که را دانی ای مرد بادستگاه؟ که آید ز ^۵ من درد و رنج و گزند ^۶ وگر دیده‌ی ^۷ آژدها بسپرد ^۸ وگر چند بر تن ^۹ ستمگاره‌ام ز بندِ کمندِ تو می‌بشکنم ^{۱۰} نترسی ز یزدان به ^{۱۱} روزِ شمار؟ همانا فراوان نماندت زمان ترا هوش بر دستِ کیخسروست برو سست کرد ^{۱۳} آن کیانی‌کمند بیخشود بر ناله‌ی شهریار به دریای چیچست ^{۱۷} شد ^{۱۸} ناپدید
۲۲۶۵	نیرِه فریدونِ فرخِ منم کجا برد خواهی مرا بسته خوار؟ بدو گفت هوم: ای بدِ بدگمان سَخُن‌هاَت چون در گلستانِ خوست ^{۱۲} بیچید دل هوم را زآن گزند	
۲۲۷۰	بدانست ^{۱۴} کان مردِ پرهیزگار بیچید ^{۱۵} و زو ^{۱۶} خویشتن درکشید	

گفتار اندر رسیدن گودرز بنزدیکِ هوم^{۱۹}

چُنان بُد که گودرز کشوادگان گرازان و پویان ^{۲۱} بنزدیک ^{۲۲} شاه	همی رفت با گیو ^{۲۰} آزادگان به دریادرون کرد چندی نگاه ^{۲۳}
--	---

۱- ل، ق (نیزلی، لن، آ): بی‌گناهان؛ متن = س، ل، آ (نیزلن، ق، آ، پ، و، ب)؛ بنداری: فقال له لا ترق دماء الملوك والسادات وأنت في غنى عن سكنى الكهوف والمغارات ۲- س، ل، آ، س (نیزلن، ق، آ، پ، لن، ب): مه (س، ل، آ، س: نه) آنگاه در (پ: بر)؛ (ل: نه) از گاه در؛ و: پس آنگاه در)؛ متن = ل، ق (نیزلی، آ) ۳- (لی، آ: چاه) ۴- ل (نیزلن، لن، ب): رانده شد بر (لن: در) ۵- س: به ۶- ل (نیزلن، لن، ب): این عنا و (ل: غبار) گزند؛ س، ل، آ این بیت را ندارند ۷- س، ل، آ، س (نیزلن- ب): گردن؛ متن = ل ۸- س، ل، آ، س (نیزلن، ق، آ، لن، ب): بشکرد؛ متن = ل (نیزلی، ل، آ، پ، و، آ)؛ ق این بیت را ندارد ۹- ل، ق (نیزلی، آ): خود؛ متن = س، ل، آ، س (نیزهفت دستنویس دیگر) ۱۰- ل، ق (نیزل، و): کمندت همی بگسلم (بساوند نادرست است)؛ س، س، آ: کمندت همی بشکنم؛ (پ: کمندت همی بکنم)؛ متن = ل (نیزلن، ق، آ، لی، لن، آ، ب) ۱۱- (و: و) ۱۲- س: خوشست (خوست)؛ (لن، لن: نوست)؛ ل، ق (نیزلی، ل، آ، پ، آ): چون (پ: بر) گلستان نوست؛ متن = س، ل، آ (نیزق، آ، و، ب)؛ س، س، آ پس از این بیت افزوده‌اند: بسی (س: همی) کرد خواهش به هوم دلیر که بخشای بر من ایا (س: که بر من بیخشای ای) تره شیر ۱۳- ق: بدو کرد سست ۱۴- س، ل، آ (نیزلن، لن، ب): چودانست؛ متن = ل، ق، س، آ (نیزق، ل، آ، پ، و، آ) ۱۵- (لن: بیخشید؛ لغت شهنامه، شماره ۷۰۲: ببینید) ۱۶- ل (نیزلن، ق، لن، آ): واز ۱۷- س (نیزلن، لی، آ): بنجشت (درس سه حرف نخستین و در لن حرف یکم و سوم نقطه ندارند)؛ ق، ل (نیزبنداری): خنجست؛ (لن، ب: بیخشست، پنجشت، پنجشت؟ لغت شهنامه: جیخشست)؛ متن تصحیح قیاسی است ۱۸- ل، س، آ (نیزل، پ): بدریا درون جست و (ل: [و]) شد؛ (ق: بدریا بجست و بشد؛ و: بدریا درون رفت و شد)؛ س، آ پس از این بیت افزوده است: شگفتی همانند اندر آن هوم سخت بگفتا چه بینم همی من زبخت ۱۹- س، ل، آ: رسیدن گودرز بنزدیک هوم زاهد؛ ق: گریختن افراسیاب از کمند هوم و در آب پنهان شدن و رسیدن گودرز بکنار آب و هوم؛ متن ← س ۲۰- ل- س (نیزلن- لن، ب): گیوو؛ (آ: گیواز)؛ متن تصحیح قیاسی است؛ بنداری: واتفق أن جودرز بن کشواد و ولده جیوا ۲۱- ل (نیزق، آ، و، لن، ب): گویان ۲۲- س: بدرگاه؛ ق: ز نزدیک ۲۳- س، ل، آ، س (نیزلن، ق، آ، و، لن، ب): بدریا نگه کرد چندان (لن: خندان؛ ق: چندی) براه (س: نگاه؛ س، آ، و: زراه)؛ ق (نیزلی، ل، آ، پ، آ): بدریا نگه کرد خود با سپاه (ل: بس نیکخواه)؛ متن = ل

<p>نوان بر لب آب بر^۲ مستمند پرستنده را^۴ دیدگان خیره دیده^۵ ز دریای چیچست^۷ گیرد شکار^۸؟! به دیدار او مانده^{۱۱} اندر شکفت؟! نهانی چه داری بکن^{۱۳} آشکار مگر تیره تن را بشویی همی^{۱۴}? نگه کن یکی اندرین^{۱۵} کارکرد: پرستشگه بنده^{۱۸} دور از گروه همه شب از ایزدپرستان^{۲۱} بدم یکی ناله^{۲۴} زارم آمد به گوش که من بیخ کین از جهان بگسلم نشاید که باشد جز^{۲۷} افراسیاب بدیدم در هنگ آن سوگوار^{۳۰} همی زار بگریست بر تاج و تخت^{۳۱} همان سنگ^{۳۲} خارا گرفتش دو پای بدانسان^{۳۳} که خونریز بودش^{۳۴} دو چنگ^{۳۵}</p>	<p>به چشم آمدش هوم با آن^۱ کمند همان گونه^۳ ی آب را تیره دید^۳ به دل گفت کین^۶ مرد پرهیزگار نهنگی^۹ مگر دم^{۱۰} ماهی گرفت بدو^{۱۲} گفت کای مرد پرهیزگار ازین آب دریا چه جویی همی? بدو گفت هوم: ای سرافرازمرد یکی جای دارم^{۱۶} بدین^{۱۷} تیغ کوه شب^{۱۹} تیره بر^{۲۰} پیش یزدان بدم بدانگه که خیزد ز مرغان^{۲۲} خروش^{۲۳} هم آنگه گمان برد روشن دلم بدین^{۲۵} گونه آواز^{۲۶} هنگام خواب به جستن گرفتم^{۲۸} همه کوه و غار^{۲۹} به هنگ اندرون خفته آن شوربخت چو در هنگ رفتم بجست او ز جای دو دستش به زنار بستم چو سنگ</p>
---	---

۱- س، ق، ل، آ، س (نیز لن، ق، آ، ل، ب): هوم را بیا؛ متن = ل (نیز لی، ل، پ، و، آ) ۲- س، س، آ (نیز لی-آ): چون؛ ق: بس؛ متن = ل، ل (نیز لن، ق، آ، ب) ۳- س، آ: کرد ۴- س: پرستندگان ۵- س: پرستندگان دیده را خیره کرد ۶- ل: کای؛ ق: (نیز ل) ۷- ل: ححسب (نقطه ندارد)؛ س (نیز لن): نحشب (حرف یکم، دوم، سوم و پنجم نقطه ندارند)؛ ق: خنجست؛ (ل، ن، ب: بیخشت، پنجشت، پنحشت؟)؛ س: همی زاب خنجست (حرف دوم واژه پسین نقطه ندارد)؛ (لی، آ: همی زاب پنجشت)؛ متن تصحیح قیاسی است ۸- ق: گیری شکار؛ (لی، آ: جوید شکار)؛ ل (نیز ب): نهانی چه دانی (ب: داری) بکن آشکار (= ۲۲۷۸ ب)؛ (ق: همی زاب تیره چه گیرد شکار؛ ل: همی بر لب آب گیری شکار؛ و: همی زاب و از شست گیرد شکار) ۹- س، آ: بخشکی ۱۰- س، س، آ: دام ۱۱- س: مانده؛ س (نیز لن، ق، آ، لی، ل، آ، ب): بدید و بدو (ق: وزان، لی، لن، آ: و ازو؛ آ: او از آن) مانده؛ (ل، آ، و: بدیدست و زو مانده)؛ متن = ل (نیز ب)؛ ق، ل این بیت را ندارند ۱۲- ق: چنین ۱۳- (ق: بگو)؛ ق: چه جویی بگو؛ ل، س این بیت را ندارند؛ ل، و بیت های ۲۲۷۸-۲۲۹۴ را ندارند ۱۴- س این بیت را ندارد ۱۵- ق: یکی نو ازین ۱۶- س: بود ۱۷- س: برین ۱۸- س، ل (نیز ق): پرستش گهی نیز (ل: است؛ ق: نیز و)؛ س: پرستش کننده به؛ (لن، ب: پرستش کنان نیز و)؛ متن = ل، ق (نیز لی، ب، آ) ۱۹- ل (نیز لن، ب): شی ۲۰- س- س (نیز لن- ب): در؛ متن = ل ۲۱- ل: زیزدان پرستان؛ متن = س- س (نیز لن- ب) ۲۲- س: مردم؛ ل: خروش از؛ (ق، آ، ل: خروش؛ ب: مردان)؛ متن = ل، ق، س (نیز لن، لی، ب، آ) ۲۳- (ق، آ، ل: خروس) ۲۴- س، ل، آ، س (نیز لن، ق، آ، ب): خروشیدنی؛ (لن: خروشیدن)؛ متن = ل، ق (نیز لی، ب، آ) ۲۵- س (نیز لن، آ، ب): برین ۲۶- س، ل (نیز لن، ل، ب): نوحه به؛ ق، س (نیز ق، لی، آ): این نوحه؛ (ب: این ناله)؛ متن = ل ۲۷- ق، ل، آ، س (نیز لن، ق، آ): سازد جز؛ (لی، آ: نباشد مگر زان؛ لن: نباشد مگر آن؛ ب: نباید که سازد جز)؛ متن = ل، س (نیز ب) ۲۸- س، ل (نیز لن، آ، ب): بجمستم بجمستم؛ س (نیز لن): برفتم بجمستم؛ متن = ل، ق (نیز ق، لی، ب، آ) ۲۹- س: غار و کوه ۳۰- س، ل (نیز لن، ل، ب): نامدار؛ (ق: ناهوشیار)؛ س: آن سوی کوه؛ متن = ل، ق (نیز لی، ب، آ) ۳۱- ل، ق بیت های ۲۲۸۲ و ۲۲۸۳ را ندارند ۳۲- ل: سخت ۳۳- س: برانسان ۳۴- س: کفتش؛ ق، ل (نیز ق، آ، ب): گشتش؛ س: کردش؛ (لی، آ: بندد)؛ متن = ل (نیز لن) ۳۵- (لن: دیدم بچنگ)

۲۲۹۰	زا کوه اندرآوردمش تازنان ^۲ ز بس ناله و بانگ ^۴ و سوگند او ^۵ بدین ^۸ جایگه بر ^۹ ز چنگم بچست بدین ^{۱۱} آب چچست ^{۱۲} پنهان شده ست ^{۱۳}	خروشان و نوحه کُنان ^۳ چون زنان یکی ^۶ سست تر کردم آن ^۷ بند او ^۵ دل و جانم از جستن ^{۱۰} او بچست بگفتم ترا راست ^{۱۴} چونانک هست ^{۱۵}
۲۲۹۵	چو گودرز بشنید این داستان ^{۱۶} پُراندیشه شد ^{۱۸} سوی آتشکده نخستین بر آتش ستایش ^{۲۰} گرفت پپردخت و بگشاد راز از ^{۲۲} نهفت هم آنکه نشستند شاهان بر اسپ پُراندیشه شد زان سَخُن شهریار ^{۲۷}	به یاد آمدش گفته ی باستان ^{۱۷} چنان چون بود مردم دلشده ^{۱۹} جهان آفرین را نیایش ^{۲۱} گرفت همه ^{۲۳} دیده ^{۲۴} با ^{۲۵} شهریاران بگفت برفتند از ^{۲۶} ایوانِ آذرگُشپ بیامد بنزدیک پرهیزگار ^{۲۸}
۲۳۰۰	چو هوم آن سر ^{۲۹} تاج شاهان بدید همان ^{۳۲} شهریاران برو ^{۳۳} آفرین چنین گفت با هوم کاوس شاه که ^{۳۵} دیدم رخ مرد یزدان پرست چنین داد پاسخ پرستنده هوم	بریشان ^{۳۰} به داد آفرین ^{۳۱} گسترد همی خواندند از جهان آفرین که یزدان سپاس و بدویم پناه ^{۳۴} توانا ^{۳۶} و بادانش و زوردست که آباد بادا به داد ^{۳۷} تو بوم دلِ بدسگالانِ او ^{۳۹} کنده باد!
۲۳۰۵	بدین ^{۳۸} شاه نو روز فرخنده باد! پرستنده بودم بدین ^{۴۰} کوهسار	که بگذشت بر گنگ دز شهریار

- ۱- س: آ؛ به ۲- ل، س، ل^۲ (نیز ق: آ)؛ تازنان (حرف چهاره نقطه ندارد)؛ (ل: آ؛ تازیان)؛ متن = ق. س^۱ (نیز ل: لی، پ، ب) ۳-
ل: نوحه زنان؛ (پ: زاری کنان)؛ متن = س، ق، ل، آ، س^۲ (نیز ل: ق، آ، لی، ل، آ، ب)؛ نوحه (?) ← پ ۴- س (نیز ل: لی، آ، ب)؛ ناله
زار؛ (ق: آ؛ ناله و بند)؛ متن = ل، ق، ل، آ، س^۲ ۵- ل، س، ق؛ او؛ متن = ل، آ، س^۱ ۶- (لی، آ؛ برو) ۷- ل، س، ل^۲ (نیز ل: لی، آ،
ب)؛ سست کردم من آن (ل: همی)؛ ق: سهل تر کردم آن؛ متن = س^۲ (نیز ق: لی، پ، آ) ۸- س: بدان؛ ل^۲ (نیز ق: آ)؛ برین؛ (ب:
درین) ۹- ل: در ۱۰- ل: رستن؛ (ل: رفتن) ۱۱- س: ق (نیز ق: آ)؛ درین ۱۲- ل، س: حنجست (حرف یکم و دوم
نقطه ندارند)؛ س: حنجست (سه حرف نخستین نقطه ندارند)؛ ق، س^۲ (نیز ب)؛ حنجست (در ق حرف دوم نقطه ندارد)؛ (ق: آ؛ جست او و؛ لی:
خنجست؛ آ؛ حنجست)؛ متن تصحیح قیاسی است ۱۳- س (نیز ق: آ)؛ بیود؛ س: آ؛ بود ۱۴- ق (نیز لی، آ)؛ راز؛ متن ← ۱۵-
س، س^۲ (نیز ق: آ)؛ بگفتمت این راز چونانک بود؛ متن = ل (نیز ب)؛ ل، آ، ل، ل، ل، آ این بیت را ندارند ۱۶- س: چو بشنید ازو پهلوان
سپاه ۱۷- ل، ق: راستان؛ س: بیامد خرامان بنزدیک شاه؛ متن = ل، آ، س^۲ (نیز ل: ق، آ، لی، پ، ب، ل، آ، ب) ۱۸- ل: از آنجا بشد؛
ق: پراش شد او؛ متن = س، ل، آ، س^۲ (نیز ل: ب) ۱۹- (ل: آزه)؛ س: آ؛ مرد دل یک تنه (!) ۲۰- س (نیز ل: و)؛
نیایش ۲۱- س (نیز ل: و)؛ ستایش ۲۲- ل: [از] ۲۳- ل (نیز ب)؛ همان ۲۴- (لی، آ؛ راز) ۲۵- ل، ق:
بر ۲۶- ل، ق: ز ۲۷- س، ل، آ، س^۲ (نیز ل: ق، آ، و، ل، آ، ب)؛ شهریار جهان؛ متن ← ۲۸- س، ل^۲ (نیز ل: و، ل، آ، ب)؛
هوم آن زمان؛ س^۲ (نیز ق: آ)؛ هوم از نهان؛ (ل: آ؛ بر هوم هم در زمان)؛ متن = ل، ق (نیز لی، پ، آ) ۲۹- س، ق، ل^۲ (نیز ل: و، آ، ب)؛
سرو؛ متن = ل، س، آ ۳۰- س (نیز ل: پ)؛ بدیشان ۳۱- (ل: فراوان ثنا) ۳۲- ل: همه؛ ل: چنان ۳۳- س، ق (نیز
لی)؛ بدو؛ ل، و این بیت را ندارند ۳۴- ق^۲ این بیت و بیت سپسین را ندارد ۳۵- س، ل^۲ (نیز ل: ل)؛ چو ۳۶- (ل: آ؛
سرافراز) ۳۷- ق: بدست ۳۸- س، ل^۲ (نیز ل: و، ل، آ، ب)؛ برین؛ متن = ل، ق، س^۲ (نیز ق: لی، آ، ب) ۳۹- س (نیز
ل، ل، آ، و، ب)؛ تو؛ متن = ل، ق، ل، آ، س^۲ (نیز ق: آ، لی، پ، ل، آ) ۴۰- س: بران؛ (ل، و، ب: بدان؛ ق: برین)

همی خواستم تا جهان آفرین
 چو باز آمد او^۱ شاد و خندان شدم
 سروش خجسته شبی^۲ ناگهان
 از آن^۳ غار بی بن برآمد خروش
 ۲۳۱۰
 کسی^۴ زار بگریست بر تختِ عاج^۵
 ز تیغ^۶ آمد سوی آن غار تنگ
 بدیدم سر و گوش^۷ افراسیاب
 به بندِ کمندش بیستم چو سنگ
 ۲۳۱۵
 ز^۸ خواهش برو^۹ سست کردم کمند
 به آب اندرست او کنون^{۱۰} ناپدید
 ورا گر به بر بازگرد^{۱۱} سپهر
 چو فرمان دهد شهریار بلند
 بیارند و^{۱۲} بر کتف او^{۱۳} خام^{۱۴} گاو
 ۲۳۲۰
 چو آواز او یابد افراسیاب
 بفرمود تا روزبانان^{۱۵} در
 به دژخیم فرمود تا برکشید
 برفتند با تیغ و گیلی سپر^{۱۶}
 ز رخ^{۱۷} پرده‌ی شرم را بردرید

۱- ق: زبند پاک گرداند او بر زمین؛ (لن: برو دارد امید روی زمین) ۲- (لن: بازآمدم؛ ق: ل، و، آ: بازآمدی) ۳- ق: نزد ۴- ق: شام ۵- ل (نیز ل): ازین ۶- (پ، و: یکی؛ ب: بسی) ۷- س: (نیز ق، پ، و): گنج و تاج؛ (ل، آ: تاج و تخت)؛ متن = ل، س، ق، ل: (نیز لن، ل، آ، ب) ۸- س: (نیز پ، و، لن، ب): چو ۹- ق (نیز ق، ل، آ، ب): لشکرو کشور ۱۰- س، ل: (نیز لن، ل، آ، ب): گاه و تاج؛ س: (نیز ق، پ، و): تخت عاج؛ (ل: تخت و تاج؛ ل، آ: بر لشکرو گنج و پیروزبخت)؛ متن = ل، ق، ۱۱- ل: کوه ۱۲- ل: بودم؛ س (نیز ب): چو زَنار دارم؛ (ل، آ: که دارم همیدون)؛ متن = ق، ل، آ، س: (نیز لن، ق، ل، آ، ب، و، لن) ۱۳- س: هنگ ۱۴- (ل: که بد) ۱۵- س: خور آش از ساخته جای خواب (!)؛ (ق: در آجایگه ساخته جای خواب؛ ل، آ: خورش ساخته نیز هم جای خواب؛ ب: بغار اندرون ساخته جای خواب؛ و: نشستن گهش بود و آرام و خواب)؛ متن = ل، س، ق، ل: (نیز لن، ل، آ، ب) ۱۶- س، ل: (نیز لن، ق، ل، آ، ب): از غار؛ ق، س: از جای؛ (ل، آ: زان غار؛ ب: زین غار؛ ل: از آن غار تاریک و)؛ متن = ل (نیز و) ۱۷- ل، س، ق، ل: (نیز لن، ق، ل، آ، ب): به؛ متن = س: (نیز ل، آ، ب، و، آ) ۱۸- ل (نیز ل، آ): بدو؛ ق: همی ۱۹- س (نیز لن، ل، آ، ب): جست او ز؛ متن = ل، ق، ل، آ، س: (نیز ق، ل، آ، ب، و، لن) ۲۰- ل (نیز پ، و): این زمان؛ (ل: اندرون جست و شد)؛ متن = س، ق، ل، آ، س: (نیز لن، ق، ل، آ، ب) ۲۱- ل، ق (نیز ب): بد؛ متن = س، ل: (نیز لن، ق، ل، آ، ب) ۲۲- س: ازین گونه هرگز که دید و شنید؛ (ل: ندانم که او خود کی آید پدید؛ ب: بدادار گیتی توان آرمد؛ و: بیروار کشتی نیاید بدید (!)) ۲۳- (پ: بپرواز گیرد؛ لن: گر او را ز سر باز گیرد) ۲۴- (ق: [و]) ۲۵- ل: بیازند (یا: بیارند)؛ س: سارند و (نقطه ندارد)؛ ل: بیازید؛ س: بارند (حرف دوم نقطه ندارد)؛ (ل: بیارید و؛ آ: بیارید؛ ب: بیازند)؛ متن = ق (نیز لن، ق، ل، آ، ب، و، لن) ۲۶- س، ل: (نیز لن، ق، ل، آ، ب): گردنش؛ س: (نیز و): گفت او؛ متن = ل، ق (نیز ل، آ، ب، و، لن) ۲۷- س (نیز لن، ب): چرم ۲۸- س: سارند (نقطه ندارد)؛ ق: بریزند؛ ل: بیارند؛ متن = ل (نیز ل، آ، ب، و) ۲۹- س (نیز لن، ب): توش؛ س: چنین تا نماند بتن زور؛ (ق، ل، آ: چنان (ل، آ: زنان) تا نماندش نیرو) ۳۰- (ل: رودبانان؛ و: زوربانان) ۳۱- (ق، ل، آ: تبر؛ و: زرین کمر؛ ل، آ: شمع و گیلی سپر؛ ل: تیغ هندی ببر)؛ لن بیت‌های ۲۳۲۱ و ۲۳۲۲ را ندارد ۳۲- س (نیز ل، آ): رخ

<p>چنین^۴ تا نماندش به تن هیچ^۵ تاو جهان آفرین را همی یار خواست پُر از^۸ درد گریان برآمد ز آب^۹ بیامد^{۱۱} به جایی که بُد پایگاه برو^{۱۳} بتر^{۱۴} آمد ز مرگ^{۱۵} آنچ^{۱۶} دید دو دیده پُر از خون و دل پُر شتاب، سر نامداران^{۱۷} و تاج مِهان، کجات آن سر تاج^{۱۹} و گنج و^{۲۰} سپاه^{۱۱} کجات آن بزرگانِ خسرو پرست^{۲۲} کجات آن به رزم اندرون فر و نام^{۲۳} چنین اختر دیرساز^{۲۵} آمدت همی ریخت خونین سرشک اندر آب بگشتم همی آشکار و نهان، ز بد بتر آمد^{۲۸} کنون^{۲۹} بر سرم روانم ز تو پر ز^{۳۱} تیمار گشت بر آویخت زینسان^{۳۳} به کام نهنگ کسی را نبینم به چشم آبِ شرم^{۳۵}</p>	<p>همی دوخت^۱ بر کتف^۲ او خام^۳ گاو برو^۶ پوست بدرید^۷ و زهار خواست چو بشنید آوازش افراسیاب به دریا همی کرد پای^{۱۰} آشناه ز^{۱۲} خشکی چو بانگ برادر شنید چو گرسوز او را بدید اندر آب فغان کرد کای شهریار جهان کجات آن همه رسم و آیین و راه^{۱۸} کجات آن همه دانش و زوردست کجات آن به رزم اندرون فر و نام^{۲۳} که اکنون به دریا نیاز آمدت چو بشنید بگریست افراسیاب چنین داد پاسخ که گرد جهان کزین بخشش بد مگر^{۲۶} بگذرم^{۲۷} مرا زندگانی کنون^{۳۰} خوار گشت نیبره فریدون و پورِ پشنگ^{۳۲} همی پوست درتد بر وی به چرم^{۳۴}</p>
---	--

۱- س: سارید (نقطه ندارد): ق (نیزلی، آ): همی کوفت: س (نیزلی، ل، ن): همی ریخت: (ل: بیارید: ب: بیازید): متن = ل، ل (نیزلی، ب، و) ۲- س (نیزو): کفت ۳- س (نیزلن، لی، آ، ب): چرم ۴- س، ق، ل (نیزلن، ل، آ، ل، ب): چنان ۵- س (نیز ق، آ، ب): زور و: ل: توش و: (ل، ل، ن: نیز: و: بسی زور و: ل: نماندش بتن زور و): متن = ل، ق (نیز آ): س: بیارید تا کم کند زور و ۶- س، ق: بدو ۷- س: برید ۸- (ل، ل، ن: بران: ب: ازان) ۹- س (نیزلن، و): هم آنگه برآمد ز دریای آب: (ب: همانگه پدید آمد افراسیاب): متن = ل، ق، ل، س (نیزلی، آ) ۱۰- ل، ق: یاه: (لی، آ، او: ل: یاه: ب: تا): متن = س، ل، س (نیز ل، ق، آ، و، ل، ب) ۱۱- ق (نیزلی، و): برآمد ۱۲- س: به ۱۳- ق، ل (نیزلن): بدو ۱۴- (ل، و، ل، ل: بدتر) ۱۵- س: از مرگ بد ۱۶- ق، ل: آنچه ۱۷- س (نیزلی، و): تساجداران ۱۸- ل: رسم و آیین و گاه ۱۹- س، ق، ل (نیزلن، ق، آ، ب، ل، ن، ب): سرو تاج: (لی، آ: سرو گاه): متن = ل، س (۲۰- ل: چندان ۲۱- (لی، آ: کلاه) ۲۲- (و: همه مرد یزدان پرست): ق این بیت را ندارد ۲۳- (ق: کاه: و: ناه و کاه) ۲۴- (لن: داد: ق: ناه: و: رود) ۲۵- ل: دیرماز (حرف چهاره نقطه ندارد): ق: دیوساز: (لی، و: آ: دیرباز): متن = س، ل، س (نیزلن، ق، آ، ل، ب، ل، ب) ۲۶- (ب: همی): س، ق، ل، س (نیزلن، ق، آ، لی، و، ل، آ، ب): ازین (لی، آ: که از) بخشش بد همی: متن = ل (نیز ل) ۲۷- ل، س: بگذرد (حرف یکم نقطه ندارد): ق، ل، س (نیزلن، ق، آ، ل، ب): بنگرد: (و: بنگرد): متن = (ل، لی، ب، آ) ۲۸- س، ق (نیزلن، ق، آ، ل، و، ل، ب): آید: س: بترین بد: متن = ل، ل (نیزلی، ب، آ) ۲۹- س، ق، ل، س (نیزلن، ق، آ، لی، ب، ب): همی: متن = ل (نیزلی) ۳۰- س: همی ۳۱- ل: پر از درد و: متن = س، ق، ل، س (نیزلن، ب) ۳۲- حرف یکم در ل، س، ل، ل، ل، آ، بی نقطه، در ق، س، آ، ق، لی، ل با یک نقطه و در ب، و، ل، ب با سه نقطه ۳۳- س: ناگه: ل: بر آویخته سر: متن = ق، ل، س (نیزلن، ب) ۳۴- س، ل، س (نیزلن، ل، ب): درید بر تن به (س، ل، آ: چو) چرم: س (نیزلی، ب، آ): درند بر تو بچرم: (ق: درید بر خون گره: ل: همی بر تو دوزند زین گونه چرم): متن = ل ۳۵- س، ل، س (نیزلن، ب، ل، آ، ب): نبینم کسی را بدل رای و شرم: متن = ل، ق، و این بیت را ندارند

۲۳۴۰ زبان دو مهتر پر از گفت و گوی^۱
 چو یزدان پرستنده او را بدید
 ز راه جزیره برآمده یکی
 گشاد آن کیانی کمند^۷ از میان
 بینداخت آن گرد کرده^{۱۰} کمند
 به خشکی کشیدش ز دریای آب
 گرفته وُرا مردِ دین دار دست^{۱۲}
 سپردش بدیشان^{۱۴} و خود بازگشت

روان پرستنده پُر^۲ جست و جوی^۳
 چُنین نوحه‌ی زار او را شنید،
 چو دیدش مرو را ز دور اندکی^۶،
 دو تایی^۸ بیامد چو شیرِ ژیان^۹
 سرِ شهریار اندرآمد به بند
 بشد توش و هوش از ردافراسیاب^{۱۱}
 به خواری ز دریا کشید و بست^{۱۳}
 تو گفتی که با باد انباز گشت

گفتار اندر گشتن شاه کیخسرو افراسیاب و کرسیوز را^{۱۵}

بیامد جهاندار با تیغ تیز
 چُنین گفت بی دانش^{۱۷} افراسیاب
 سپهر بلند از^{۲۰} فراوان کشید
 به آواز گفت: ای بد کینه جوی
 چُنین داد پاسخ که ای بدگنش
 ز خون^{۲۲} برادرت گویم نخست

سری پُر ز کینه، دلی^{۱۶} پُرستیز
 که این^{۱۸} روز خود^{۱۹} دیده بودم به خواب
 کنون^{۲۱} پرده‌ی رازها بردرید
 چرا گُشت خواهی نیا را؟ بگویی!
 سزاوار بیغاره و سرزنش،
 که هرگز بلای میهان را نجُست^{۲۳}

۱- ل: گفت گوی؛ ق: گفتگوی ۲- درپ- ب با سه نقطه ۳- ل: جست جوی ۴- ل: ایشان؛ ق: و آوا؛ (ب: ناله زار و آوا؛ ق: بدانسان همی گفت و گویش)؛ متن = س، س (نیزلی، آ): نوحه (۹) ← پ؛ ل، ل، ل، ل این بیت را ندارند ۵- س، ق، ل (نیز ل، ق، ل، ل، ب): درآمده؛ س: راه جزیر اندرآمد؛ متن = ل (نیزلی، ل، پ، و، آ) ۶- (و: نمیدیدش از دور شاه اندکی) ۷- س: کمند کیان؛ س (نیز ل، و): که بگشاد گردی کمند ۸- ق: دوتاهی ۹- ل (نیز ق، ل، پ، و، ل): بربیان ۱۰- س (نیز ل، ل، پ، و، ب): تاب داده؛ متن = ل، ل، ق، ل، ل، س (نیز ق، ل، ی، ل، آ) ۱۱- س، ل (نیز ل، ل، ب): هوش و توش شه افراسیاب؛ ق، س (نیز ل، آ): هوش و هم توش از افراسیاب؛ (ق، ل، پ: توش و هم هوش از افراسیاب؛ ل: دانش و هوش از افراسیاب؛ و: توش و وهم از شه افراسیاب)؛ متن = ل ۱۲- (ل، آ: و بست؛ و: پشت)؛ س، ل، ل، س (نیز ل، ق، ل، ل، ب): دین یال و پشت (ل: دست)؛ (ب: دین پا و دست)؛ ق: مرد پای و دو دست؛ متن = ل ۱۳- س (نیز ل، ق، ل، ل، ب): کشیدش بشت؛ ل، ل، س: کشیدش بدشت؛ (ل، آ: ز خواری بیالا کشیدش بدست؛ و: ز دریا کشیدش بخواری درست)؛ متن = ل، ق (نیز پ) ۱۴- س، س، ل (نیز ل، ی، ل، آ، ب): بشاهان؛ ل (نیز ق، ل، ل): بایشان؛ متن = ل، ق (نیز پ) ۱۵- ل (چند بیتی پایین تر): کشته شدن افراسیاب؛ س، س: کشتن شاه کیخسرو افراسیاب و کرسیوز را؛ ق: گرفتن هوم افراسیاب را دوم نوبت از آب و کشته شدن افراسیاب و کرسیوز بحکم کیخسرو؛ ل: کشته شدن افراسیاب و کرسیوز بر دست کیخسرو؛ متن ← س ۱۶- (ل، آ: دلی پرز کینه سری) ۱۷- ل، ل، ق: بی دولت؛ متن = س، ل، ل، س (نیز ل، ب) ۱۸- (ق: چنین) ۱۹- ل (نیز ل، ی، ل، آ، و، آ): را؛ متن = س، ق، ل، ل، س (نیز ق، ل، پ، ل، ب) ۲۰- ل: بلندم؛ (ل، آ، پ، و: بلند این)؛ متن = س، س، ل (نیز ل، ق، ل، ی، ل، آ، ب) ۲۱- س: مران؛ (ل، ل، ی، آ، ب: همان)؛ متن = ل، ل، س (نیز ق، ل، ل، پ، و، ل، ل، ق این بیت را ندارند، ولی گویا بنداری هم آنها داشته است: فلما راه افراسیاب قال: إني رأيت هذا اليوم في المنام، والآن تحقق وإن تطاول مدی الأيام؛ درس پس بیت ۲۳۵۰ بیت های ۲۳۲۳-۲۳۲۶ دوباره آمده اند ۲۲- ل، ق (نیز و): جان؛ متن = س، ل (نیز ل، ب، ل، آ، ب) ۲۳- ل، ق (نیز ل، ل، آ): که هر کوبخون یلان دست شست؛ (و: که شاید نجویی چنان دست شست)؛ متن = س، ل (نیز ل، ق، ل، ب، ل، آ، ب)؛ س: آ بیت های ۲۳۵۳-۲۳۵۷ را ندارد؛ س، ل، آ پس از بیت ۲۳۵۳ افزوده اند:

س: که کردی تو او مستمند و فکار
 شبیخون بکردی سرش روزگار
 ل: آ: زمانه بجز خاک جایش نساخت
 وگر چند روزی بگیتی بتساخت

<p>دگر نودر آن^۱ نامورشهریار زدی گردنش را به شمشیر تیز سدیگر^۵ سیاوش که چون او سوار بریدی سرش چون سر گوسپند^۷ تو باب مرا از چه کردی تباه به کردار بد تیز^{۱۱} بشتافتی بدو گفت: شاها بود آنچه^{۱۳} بود بمان تا مگر مادرت را رخان^{۱۴} بدو گفت: کز خواهش^{۱۷} مادرم پدر بی‌گنه بود و من در نهان سر شهریاری بریدی^{۱۹} که تاج کنون روز بادافره ایزدی ست به شمشیر هندی بزد گردنش ز^{۲۷} خون لعل شد ریش و موی^{۲۸} سپید^{۲۹} تپی ماند ازو^{۳۰} گاه^{۳۱} شاهنشهی ز کردار بد بر تنش بد رسید</p>	<p>جهاندار و از ایرج او^۲ یادگار^۳ برانگیختی از جهان رستخیز^۴ نبندد کمر نیز یک نامدار^۶ همی برگذشتی^۸ ز چرخ بلند^۹ چنین روز بد را^{۱۰} نکردی نگاه مکافات آن بد کنون^{۱۲} یافتی کنون داستام باید شنود: بینم، پس این داستان^{۱۵} بخوان^{۱۶} نگر تا چه بد ساختی^{۱۸} بر سرم: چه رفت از گزند تو اندر جهان برو^{۲۰} زار^{۲۱} گریان شد و^{۲۲} تخت^{۲۳} عاج مکافات بد را ز یزدان^{۲۴} بدی ست به خاک اندرافگند^{۲۵} نازک^{۲۶} تنش برادرش گشت از جهان ناامید سرآمد برو^{۳۲} روزگار مهی^{۳۳} مجوی^{۳۴} ای پسر بند بد را کلید!</p>
---	--

۱- ق (نیزلی، ل، پ، آ): [آن] ۲- ق: آن؛ ل (نیزب): که از تخم ایرج بد او: (ق، ل، آ، و): جهان را ز ایرج یکی؛ ل، آ: جهاندار از ایرج یکی؛ متن = س، ل، ل (نیزلن، ل، ب) ۳- (ق: نامدار) ۴- ق این بیت را ندارد ۵- ل: سه دیگر ۶- ل، ق، ل (نیز ق، ل، ل، ل، آ): نبیند (لی، آ: نبینی) کسی از مهان (ق، ل، ل، آ: جهان) یادگار؛ س: نبود و نبیند کسی شهریار؛ متن = (ل، آ، ب، و) ۷- ل- ل (نیزق، ل، ل): گوسفند؛ متن = (لن، آ، ب) ۸- س: سرکشیدی ۹- (لی، آ: بنفرید برتوسپهر بلند) ۱۰- ق: روز را خود؛ ل، ل این بیت را ندارند ۱۱- (ق: چنین تیزیکباره) ۱۲- س، ل، ل (نیزلن، ل، ب): بد را بدی؛ س: بد را کنون؛ (ق: کنون آنچه جستی همه)؛ متن = ل، ق (نیزلی، ب، آ)؛ ل، ب پس از بیت ۱۳۵۹، ق، ل، آ، و پس از بیت ۲۳۵۷ و س پس از بیت ۲۳۶۵ افزوده اند:

چنین داد پاسخ که بر (ق: نترسیدی از اختر) بدکش

نیاید جز از کشتن و (ق: ز دادار گیتی و از) سرزنش

۱۳- ق: آنچه ۱۴- ل (نیزل، و): بجان؛ ل: جوان؛ س: (نیزآ): زخان؛ (ق، ل، ل: زجان)؛ متن = س، ق (نیزلن، ب، ل، آ، ب)؛ بنداری: اصبر علی مقدار ما أنظر وجه أمک ثم امض لأمرک ۱۵- ق (نیزلن، ق): را ۱۶- ل (نیزب): بران ۱۷- ل، ق (نیز ب): گر خواستی؛ س، س، ل (نیزلن، ل، آ): گر خواهش؛ متن = ل (نیزق، ل، آ، و، ب) ۱۸- (ب: خواستی)؛ ل: چرا آتش افروختی؛ متن = س، ق، ل، آ، س، ل (نیزلن، ق، ل، آ، و، ل، ب) ۱۹- ل: ربودی ۲۰- ل، ق، ل (نیزلی، ب): بدو ۲۱- س، س، ل (نیزق، ل، آ، ب): زار و ۲۲- ل: زار و گریان شد از؛ (و: زار گرید ابا) ۲۳- (لن: زار بگریست تاج و کلاه) ۲۴- (ق: از ایزد) ۲۵- ل: افکنده ۲۶- س، س، ل: ناری (نقطه ندارد)؛ ق (نیزلن، و، ب): تازی؛ ل (نیزلن): تازی؛ متن = ل (نیزق، ل، آ، ب، آ) ۲۷- س (نیزلی، ل، آ): به ۲۸- س (نیزب): روی و ریش؛ ق، ل (نیزلن، ل، آ، و، ل، آ، ب): گوش و ریش؛ (ق: لعل گون گشت ریش)؛ متن = ل ۲۹- ل (نیزلی، و، ل، آ): سفید؛ س این بیت را ندارد ۳۰- ل، ق: زو ۳۱- س، ق، ل، آ، س، ل (نیزلن، ب): تخت؛ متن = ل ۳۲- س، ل، آ، س، ل (نیزلن، ل، آ، ب): همه؛ (لی، ل، آ، و، ب): متن = ل، ق (نیزق، ل، ب، و، آ) ۳۳- س، ل (نیزلن، ق، آ، ب، و، ب): بهی ۳۴- ل (نیزل): مجو؛ س این بیت را ندارد

- ۲۳۷۰ چو جویی بدانی^۲ که از کار بد
سپهد که با فرّ یزدان بود
چو خونریز گردد بماند نژند
چنین گفت موبده^۵ به بهرام تیز^۶
چو خواهی که تاج تو ماند به جای
نگه کن که خود^۱ تاج با^{۱۱} سر چه گفت
- ۲۳۷۵ به فرجام بر بدگنش بد رسد
همه خشم او بند و زندان بود^۳
مکافات یابد ز^۴ چرخ بلند
که خون^۷ سر بی‌گناهان^۷ مریز!
مبادی جز آهسته و پاک‌رای^۸!
که با مغزت ای سرخورد باد^{۱۱} جفت!
- ۲۳۸۰ به کرسیوز آمد ز کار نیا
کشیدندش از پیش دژخیم خوار^{۱۲}
ابا روزبانان^{۱۳} مردم‌گشان
چو در پیش کیخسرو آمد به^{۱۵} درد
شهنشاه ایران زبان برگشاد
ز تور و^{۱۹} فریدون و سلم سترگ
به دژخیم فرمود تا تیغ تیز
میان سپهد به دو نیم کرد
بهم برفکنندشان همچو کوه^{۲۴}
- ۲۳۸۵ ز یزدان چو شاه آرزوها بیافت
بسی زر بر آتش برافشانند^{۲۶}
- ز دریا سوی خان آذر شتافت
به زمزم همی آفرین خواندند

۱- ق: چه ۲- س (نیزلن): بدانی (حرف یکم نقطه ندارد): ق، ل، آ، س: ندانی؛ (ق: نگویی: و: نیایی): متن = ل (نیزلی، پ، لن، آ، ب)
۳- ق بیست‌های ۲۳۷۱، ۲۳۷۲، ۲۳۷۴، س بیست‌های ۲۳۷۱-۲۳۷۵، و بیست‌های ۲۳۷۱، ۲۳۷۲، ۲۳۷۴، ۲۳۷۵ و لن^۱ بیت ۲۳۷۵ را ندارند؛ بنداری (۲۳۶۹-۲۳۷۲): فذاق و بال أمره و حاق سوء عمله. فلا تکن أيها العاقل لیباب الشر مفتاحا. و من کان من الملوک مخصوصا بعناية الحق فلن یحملة الغضب علی اکثر من القید و الحبس. و مها صار سفا کاللدماء فلا محالة من یریوما یربه ۴- س، ل^۲ (نیزلن، ق، و، لن، ب): بیابد مکافات؛ متن = ل (نیزلی، پ، آ) ۵- (ل: بهمن) ۶- ل: نیز (حرف یکم نقطه ندارد)؛ ل^۲: نیز ۷- (لن: شهریاران) ۸- ل^۲: نیک رای ۹- س، ق، ل^۲ (نیزلن، لی، آ، ب): تا؛ (ق: با): متن = ل (نیزل^۲) ۱۰- (ل: بره: پ: که تن خود ابا) ۱۱- ل: نیست (در زیر به باد تصحیح کرده است) ۱۲- ل، ق (نیزپ): زار؛ متن = س، ل، س^۲ (نیزلن- ل، و- ب) ۱۳- س، ق (نیزلن، لی، پ، لن، آ، ب): روزبانان و؛ (ل: روده بانان؛ و: زوربانان)؛ متن = ل، ل^۲ (نیزق^۲) ۱۴- (ل، لن، آ: بی‌نشان؛ ب: بهشان)؛ س^۲ این بیت را ندارد ۱۵- (لن، ل، آ، و، لن، آ، ب: ز) ۱۶- س، ق، س^۲ (نیزلن، ق، آ، لی، ل، لن، آ، ب): لاجورد؛ متن = ل (نیزپ، و)؛ ل^۲ این بیت را ندارد ۱۷- س، ق، ل، آ، س^۲ (نیزلن، ق، آ، ل- ب): طشت؛ متن = ل (نیزلی) ۱۸- ل: بسی؛ متن = س، ق، ل، آ، س^۲ (نیزلسن- ب) ۱۹- س (نیزلی، پ، آ): [و] ۲۰- ل، س: ز ۲۱- س، ل^۲ (نیزلسن، ب): نامداری؛ (ق: پادشاهی؛ ل، و، لن: نامدار)؛ متن = ل (نیزلی، پ، آ)؛ ق، س^۲ این بیت را ندارند ۲۲- (لی، آ: آرو) ۲۳- ل: بدو نیم (بدو نیم) ۲۴- (لن، ب: هم ستوه؛ ل، و: چون دو کوه)؛ ق: برفکنند شاهان چو کوه؛ متن = ل، س، ل، س^۲ (نیزق، لی، پ، لن، آ)؛ بنداری: و رمی مجتته علی جنة أخیه ۲۵- (ل: بریشان نظاره) ۲۶- ق: افشانند؛ بنداری: و طفق یزمزم حول النار، وینثر الذهب علی اللهب؛ س^۲ بیت‌های ۲۳۸۶-۲۳۹۶ را ندارد

بودند یک روز و یک شب به پای
 چو گنجور کیخسرو آمد زرسپ
 برآن^۲ موبدان خلعت افکند نیز
 به شهراندرون هرک^۴ درویش بود
 ۲۳۹۰ برآن نیز گنجی پراکنده کرد
 و زان^۶ پس به تخت کی^۷ برنشست^۸
 نبشتند^{۱۱} نامه به هر کشوری
 ز خاور^{۱۲} بشد نامه تا^{۱۳} باختر
 ۲۳۹۵ که روی زمین از بد آژدها
 به نیروی یزدان پیروزگر
 روان سیاوش بدو^{۱۵} زنده گشت^{۱۶}
 و زان^{۱۹} پس چنین گفت شاه جهان^{۲۰}
 زن و کودک از شهر^{۲۳} بیرون برید^{۲۴}
 ۲۴۰۰ همی^{۲۷} چیز بخشید درویش را
 پیردخت از آن، سر^{۲۸} به رامش نهاد^{۲۹}
 هر آنکس که بود از نژاد^{۳۱} زرسپ
 چهل روز با^{۳۴} شاه کاوس کی

به پیش جهانداور رهنمای
 بخشید گنجی بر^۱ آذرگشپ
 درم داد و دینار و هرگونه^۳ چیز
 و گر خوردش از کوشش خویش بود،
 جهانی به داد و دهش بنده^۵ کرد
 در بار^۹ بگشاد و لب را بیست^{۱۰}
 به هر نامداری و هر مهتری
 به جایی که بد مهتری با^{۱۴} گهر^{۱۴}
 به شمشیر کیخسرو آمد رها
 نیاسود و نگشاد هرگز کمر
 همه بوم گیتی و را^{۱۷} بنده گشت^{۱۸}
 که ای نامداران^{۲۱} فرخ مهان^{۲۲}،
 خورش ها^{۲۵} و رامش به هامون^{۲۶} برید^{۲۴}
 پرستنده و مردم خویش را
 برفتند گردان خسرو نژاد^{۳۰}
 بیامد^{۳۲} به ایوان^{۳۳} آذرگشپ
 همی بود با رامش^{۳۵} و رود و^{۳۶} می

۱- س (نیز، لی، بی): به ۲- ق، ل (نیزی، لن، آ): بدان ۳- ل، ق (نیز، بی): بسیار؛ (ق: داد بسیار و دینار و)؛ متن = س، ل (نیز لن، لی، و، لن، آ، ب) ۴- ق، ل: هرکه ۵- س، ق، ل (نیز، لن، ق، آ، لی، بی): زنده؛ متن = ل (نیز، ل) ۶- ل: ازان ۷- ل: کیان؛ ق: مهی؛ متن = س، ل (نیز، لی، بی) ۸- (ق، آ، ل): بیامد به تخت (ل: جای) نشست ۹- (لی، آ: گنج) ۱۰- س (نیز، لن، بی): و بگشاد دست؛ متن = ل، ل (نیز، ق، آ): لب را بیست (ق: زردبار بگشاد و در را نیست (!)) ۱۱- ل، ق (نیزی، ل، و، آ): نوشتند؛ متن = س، ل (نیز، لن، ق، آ، بی) ۱۲- (پ: تکاور) ۱۳- س (نیز لن، لی، لن، آ، ب): تا در؛ متن = ل، ق، ل (نیز، ق، آ، بی، و) ۱۴- (لن، ق، آ، بی، و: نامور)؛ ل: مهتر و نامور؛ س (نیز لن، آ، ب): بهر جا که بد مهتری (لن: مهتر) نامور؛ متن = ل، ق (نیزی، آ) ۱۵- (ل، و: ازو)؛ متن ← ۱۶- (لی، ل، آ: شد)؛ ل: سیاوش را زنده کرد؛ متن = س، ق، ل، س (نیز، لن، ق، آ، بی) ۱۷- (پ: بدو)؛ متن ← ۱۸- (لی، ل، آ: شد)؛ ل: جهان را بداد و دهش بنده کرد؛ متن = س، ق، ل، س (نیز، لن، ق، آ، بی)؛ در ل، ق، س، آ، ق، و، آپس از این بیت، بیت ۲۴۰۰ آمده است؛ بیایی بیت های متن = س، ل، لن، ل، لن، آ، ب ۱۹- ل: از آن ۲۰- (ق: چنین گفت با بخردان و ردان) ۲۱- ق (نیزی، آ): نامداران و؛ متن = ل (نیز، بی) ۲۲- (ق: که ای نامور با گهر بخردان)؛ س، ل، آ، س، ل، لن، و، لن، آ، ب این بیت را ندارند ۲۳- ل، ق (نیز پ): کودک خرد؛ س: کودک از خانه؛ متن = ل، آ، س (نیز، لن، ل، و، بی) ۲۴- س (نیز، ل): شدند؛ (لن، آ، ب: برند) ۲۵- س (نیز، ل): ابا خورد ۲۶- (پ: بافزون) ۲۷- س، ق، ل، آ، س (نیز، لن، ق، آ، لی، لن، آ، ب): همه؛ (ل، و: زهر)؛ متن = ل (نیز پ)؛ در ل، ق، س، آ، ق، و، آ این بیت پس از بیت ۲۳۹۷ آمده است ۲۸- ل: زان پس؛ ق (نیز، ق): از آن پس؛ (لی، آ: پس سر؛ ل، و: پیرداخت زان سر)؛ متن = س، ل، س (نیز، لن، بی) ۲۹- ق: فتاد؛ س: با آتش نهاد ۳۰- ق: فرخ نژاد ۳۱- س، ل، آ، س (نیز، لن، ل، و، لن، آ، ب): اوز تخم؛ متن = ل (نیز، ق، آ، لی، بی، آ) ۳۲- (ق: برآمد) ۳۳- س: بایوان چو؛ ق این بیت را ندارد؛ بنداری: ثم دخل إلى ایوان کان له عند بیت النار ۳۴- (پ: را)؛ بنداری: مع ۳۵- س (نیز، ق، و، آ): بخشش ۳۶- س (نیز، لن، بی): و دست

چو رخشنده^۱ شد بر فلک ماهِ نو^۲ ۲۴۰۵
 بزرگانِ سُوی پارس کردند روی
 به هر شهر^۳ کاندر شدند ز راه
 گشادی سرِ بدره‌ها شهریار
 چو^۴ زرافسری^۵ بر سر^۶ شاهِ نو،
 برآسوده از رزم و از^۷ گفت و گوی^۸
 شدی انجمنِ مرد بر پیشگاه^۹
 توانگر^{۱۰} شدی مردِ پرهیزگار

گفتار اندر سپری شدنِ روزگارِ کاوس^{۱۱}

چو با ایمنی گشت کاوس جفت ۲۴۱۰
 چُنین گفت کای برتر از روزگار
 ز تو یافتم فر و اورنگ^{۱۳} و تخت
 نکردی^{۱۵} کسی را چو^{۱۶} من بهر مند^{۱۷}
 ز تو خواستم تا یکی کینه‌ور^{۱۹}
 نبیره بدیدم جهان‌بینِ خویش^{۲۰}
 جهانجوی با فر و برز^{۲۲} و خرد
 چو سالم سه پنجاه بر سر گذشت، ۲۴۱۵
 همان سرو نازنده^{۲۵} شد چون کمان،
 همه راز دل پیش^{۱۲} یزدان بگفت
 تو باشی به هر نیکی آموزگار
 بزرگی و دیهم و هم تاج^{۱۴} و تخت
 ز گنج و ز تخت^{۱۸} و ز نام بلند
 به کین سیاوش بندد کمر
 به فرهنگ و تدبیر و آیین^{۲۱} خویش^{۲۰}
 ز شاهانِ پیشینگان^{۲۳} بگذرد
 سر^{۲۴} موی مُشکین چو کافور گشت،
 ندارم گران گر^{۲۶} سر آید زمان

بسی برنیامد برین^{۲۷} روزگار
 جهاندار کیخسرو آمد ز^{۳۰} گاه
 کزو^{۲۸} ماند نام از جهان^{۲۹} یادگار
 نشست از بر تیره‌خاکِ سیاه^{۳۱}

۱- ل، ق (نیزلی، پ، آ): خورشید ۲- ق: سربرزد از گاه نو ۳- ل (نیزلی، آ): ز ۴- (ق): روز افسرش؛ لی، آ: در افسری) ۵- س: نهاد افسری بر سر آن ۶- ل، ق، ل، آ، س: وز؛ متن = س ۷- ل: گفت گوی؛ ق: گفتگوی ۸- ل: کار؛ (لی، آ: سو)؛ متن = س، ل، آ، س (نیزهفت دستنویس دیگر) ۹- س: مردم پیشگاه؛ (ق): مرد بی دستگاه؛ ق بیت های ۲۴۰۶ و ۲۴۰۷ را ندارد؛ بنداری: و کان کیخسرو کلما مرمدینه تلقاه السؤل وأهل الحاجة فأغنا من خزانته ۱۰- س (نیزلن): تو نگر ۱۱- ل: سیری شدن روزگار کاوس؛ س، ق: گفتار اندر (ق: در) وفات یافتن کاوس شاه؛ ل: وفات یافتن شاه کیکاوس؛ متن ← ل ۱۲- س، ق، ل (نیزلن، ق، ل، آ، ب): یکسره؛ متن = ل، س (نیزل، پ، و) ۱۳- ل، آ، س (نیزلن، پ، و، ل، آ، ب): اورند؛ (لی، آ: نیرنگ)؛ متن = ل، س، ق (نیزق، ل، آ) ۱۴- س، ل (نیزلن، ق، ل، آ، ب): دیهم با تاج؛ س: گردی و دیهم؛ متن = ل، ق (نیزلی، ل، پ، آ) ۱۵- ل: تو کردی؛ س: بکردی؛ متن ← ۱۶- ق (نیزق، آ): تو کردی بسی راز؛ متن = س، ل (نیزلن، لی - ب) ۱۷- س، ق، ل، آ، س (نیزلن - پ، ل، آ، ب): بهره‌مند؛ (و: ارجمند)؛ متن = ل ۱۸- س: زیخت و ز گنج ۱۹- س (نیزلن): نامور؛ ب بیت های ۲۴۱۲-۲۵۱۹ را ندارد ۲۰- س، ل (نیزلن، ل، آ): من ۲۱- س، ق (نیزلن): بتدبیر و راه و بآیین؛ (لی، ل، آ، و، آ: کجا دین (و: کین) من کرد چون دین)؛ متن = ل، ل، آ، س (نیزق، آ، ب، ل، آ) ۲۲- ق: با زور و فر ۲۳- س، ل، آ، س (نیزلن، ق، ل، آ، ب، ل، آ): گیتی همی؛ ق: گیتی همه؛ (لی، و، آ: پیشین همی؛ ل: به پیشی ز شاهان همی)؛ متن = ل ۲۴- س، ق، ل، آ، س (نیزلن، پ، و، ل، آ): سرو؛ متن = ل (نیزق، ل، لی، ل، آ، آ) ۲۵- ل: بازنده (حرف یکم نقطه ندارد)؛ س، ل (نیزق، ل، آ، ب): بازنده؛ ق: بازنده؛ (لی: بازنده)؛ متن = س (نیزلن، و، ل، آ، آ) ۲۶- ق: برانم کزان سر؛ (پ: برانم کزانپس) ۲۷- ق (نیزلن): بدین؛ (لی: بدان؛ آ: بران) ۲۸- (پ: بدو)؛ متن ← ۲۹- ق: نامش همی؛ س، ل (نیزلن، ق، ل، آ، و، ل، آ): کزو نام شد در؛ متن = ل (نیزلی، آ) ۳۰- ل، س (نیزلن، پ، ل، آ): به؛ (لی، ل، آ، آ: از تخت و؛ و: از تخت)؛ متن = ق، ل، آ، س (نیزق، آ) ۳۱- ل، ق (نیزلی، آ): زیرگه با سپاه؛ س (نیزلن): گاه و پیشش سپاه؛ ل (نیزپ، ل، آ): زیرگاهش سپاه؛ (و: زیرگاه سپاه)؛ متن = س (نیزق، ل، آ)؛ بنداری: فعقد الملك کیخسرو له ماتما و نزل من التخت و جلس علی التراب

از ایرانیان هر که ^۱ بُد نامجوی	پیاده برفتند بی رنگ و بوی ^۲
همه جامه‌هاشان ^۳ کبود و سیاه	دو هفته بودند با سوگ ^۴ شاه
ز بهر ستودانش کاخی ^۵ بلند	بکردند ^۶ بالای او ^۷ ده کمند
بردند پس پایکاران ^۸ شاه	دَبیق ^۹ و دیبای رومی سیاه ^{۱۰}
برو تاخته ^{۱۱} دَبیق ^{۱۲} و کافور و مُشک	تنش را بدو ^{۱۳} درنوشتند ^{۱۴} خشک
نهادند زیر اندرش تختِ عاج	به سربر ز مُشک و ز کافور ^{۱۵} تاج
چو برگشت کیخسرو از پیشِ تخت	در خوابگه را بیستند سخت
کسی نیز کاوس کی را ندید	ز کین و ز آوردگاه ^{۱۶} آرمید
چنین ست رسمِ سرای سپنج	نمانی درو ^{۱۷} جاودانه ^{۱۸} ، مرنج!
نه دانا گذر یابد از چنگِ مرگ	نه جنگاوران زیر خفتان و ترگ
اگر شاه باشی ^{۱۹} و گز ^{۲۰} زردِهشت	نیهای ^{۲۱} ز خاکست و بالین ز خشت
بباز و بناز ^{۲۲} و همه کام جوی!	اگر کامِ دل یافتی نام جوی ^{۲۳} !
چنان دان که گیتی ترا دشمن ست	زمین بستر و گور ^{۲۴} پیراهن ست
چهل روز سوگِ نیا داشت شاه	ز شادی شده دور ^{۲۵} و از ^{۲۶} تاج و گاه ^{۲۷}
پس آنکه ^{۲۸} نشست از بر تختِ عاج	به سر بر نهاد آن دل افروز تاج
سپاه انجمن شد به درگاه شاه	ردان و بزرگانِ زبین کلاه
به شاهی برو ^{۲۹} آفرین خواندند	بر آن ^{۳۰} تاج بر ^{۳۱} گوهر افشانند ^{۳۲}

۱- ل: هرک ۲- ق (نیزلی، پ، آ): بر (لی، آ، سا؛ پ: پر) گفتگوی؛ س^۲ (نیزل^۳): نزدیک اوی؛ متن = ل، س، ل^۲ (نیزلن، ق، آ، لن^۲) ۳- ل^۲: جامه‌ها را؛ س^۲ (نیزلن، ق، آ، لن^۲): جامه‌های؛ (ل^۳: جامه کرده)؛ متن = ل، س، ق (نیزلی، پ، آ) ۴- س^۲ (نیزل^۳): نزدیک؛ (ق^۲: چهل روز بودند با سوگ) ۵- ق، س^۲: کاخ ۶- (ل^۳: برآورد) ۷- س: آن؛ ق: وی ۸- ل، ق (نیزپ): نامداران؛ (ل^۳: کارداران)؛ متن = س، ل^۲، س^۲ (نیزلن، ق، آ، لی، و، لن^۲، آ) ۹- (ق^۲: دقیق) ۱۰- (لی، آ: دیبای رومی کلاه)؛ بنداری (۲۴۲۲-۲۴۲۳): و کفنه بالثیاب الدیقیة والد بابیج الرومیة بعد أن ذروا فیها المسک و الکافور و الدبِق ۱۱- ل (نیزپ، آ): تافته؛ ل^۲: سوخته؛ (لن: آخته؛ ق، آ، لی، ل^۳: بافته؛ و: ریخته؛ لن^۲: ساخته)؛ س: برآمیخته؛ ق: بدو ریخته؛ متن = س^۲ ۱۲- ل، س، ق، ل^۲ (نیزلن، ق، آ، لی، لن^۲، آ): عود؛ س^۲ (نیزو): دَبیق (ج-دَبیق)؛ متن = (ل^۳، پ، بنداری) ۱۳- (پ: بدان) ۱۴- ل (نیزپ): در بکردند؛ س (نیزلن، لن^۲): در بیستند؛ (ل^۳، و: در بپوشید)؛ ل^۲: بدیبا بیستند؛ متن = ق، س^۲ (نیزق، آ، لی، آ) ۱۵- ل (نیزپ): ز کافور و ز مُشک؛ (لی، آ: بسر برش مُشک و ز کافور) ۱۶- ق، س^۲ (نیزلی، ل^۳، و، آ): آوردگاه ۱۷- س: بدو ۱۸- (پ: جاودانی) ۱۹- س، ل^۲، س^۲ (نیزلن، و، لن^۲): باشم؛ (لی، آ: یابی)؛ متن = ل، ق (نیزق، ل^۳، پ) ۲۰- س، ق، س^۲ (نیزلن، و): اگر؛ متن = ل، ل^۲ (نیزلن، ق، آ، لی، ل^۳، پ، لن^۲، آ) ۲۱- (پ: نهالین) ۲۲- س: بیار و بیار (!)؛ ق: بناز و بناز (!)؛ ل^۲: بیار و بناز؛ س^۲ (نیزل^۳): بشادی نشین؛ (ق^۲: ببخش و بناز؛ لی: بناز و بناز؛ پ: تو در وی نیاز؛ آ: بناز و نیاز)؛ متن = (لن، و، لن^۲): باز (?) ۲۳- (لی، آ: خواهی (آ: جویی) آرام جوی)؛ ل این بیت را ندارد ۲۴- ق، س^۲ (نیزل^۳): خاک ۲۵- س^۲ (نیزل^۳): شده دور از آرام ۲۶- ل، ق، ل^۲: وز ۲۷- (لی، لن^۲، آ: تخت گاه) ۲۸- س، ق (نیزلن، ق، آ، لی، پ، آ): چل و یک؛ ل^۲ (نیزلن^۳): چهل یک؛ متن = ل، س^۲؛ بنداری: و جلس الملك أربعین یوما لعزائه ثم عاود التاج و التخت بعد انقضائه ۲۹- (لی: بدو) ۳۰- ق (نیزلی): بدان ۳۱- (ل^۳، و، لن^۲: تو) ۳۲- ل^۲، س^۲ (نیزلی): تاج گوهر برافشانند

یکی سور بُد در جهان سربسر چو بر تخت بنشست پیروزگر

گفتار اندر سیر شدن کیخسرو از پادشاهی^۲

برین^۳ گونه تا سالیان گشت^۴ شست^۵ جهان شد همه^۶ شاه را زیر دست
 پُراندیشه شد مایه ورجان^۷ شاه همی گفت: هر جا از^۹ آبادبوم
 هم از^{۱۱} خاوران تا در باختر ۲۴۴۰ سراسر^{۱۳} ز بدخواه کردم تهی
 جهان از بداندیش بی بیم گشت^{۱۶} ز یزدان همه^{۱۸} آرزو^{۱۹} یافتم
 روانم^{۲۲} نباید^{۲۳} که آرد منی^{۲۴} شوم بدگشش همچو ضحاک^{۲۸} و جم ۲۴۴۵
 به^{۳۳} یک سو چو کاوس دارم نیا^{۳۴} چو کاوس و چون جادو افراسیاب
 به^{۳۸} یزدان شوم یک زمان^{۳۹} ناسپاس ز من بگسلد^{۴۱} فرّه^{۴۲} ایزدی
 جهان شد همه^۶ شاه را زیر دست از آن رفتن کار^۸ و آن دستگاه
 ز هند و ز چین اندرون تا به روم^{۱۰} ز کوه و بیابان و از^{۱۲} خشک وتر،
 مرا گشت فرمان و گاه^{۱۴} مهی^{۱۵} فراوان مرا روز بر سر گذشت^{۱۷}
 و گر دل همی^{۲۰} سوی کین^{۲۱} تافتم بداندیشی^{۲۵} و کیش^{۲۶} آهرمنی^{۲۷}
 که^{۲۹} با تور و سلم^{۳۰} اندر آمد^{۳۱} به زم^{۳۲} دگر سو چو^{۳۵} تور، آن پر از کیمیا^{۳۶}
 که جز روی^{۳۷} کژی نبیند به خواب به روشن روان اندر آرم^{۴۰} هراس
 گرایم به کژی و راه بدی^{۴۳}

۱- س، ل، آ، س^۲ (نیز لن، ل، آ، و): که: متن = ل، ق (نیز لی، پ، آ) ۲- س: توبت کردن شاه کیخسرو از پادشاهی؛ ل: سخنان کیخسرو با ایرانیان؛ س^۳ (چند بیت پایین تر): سیر شدن کیخسرو از پادشاهی؛ متن ← س^۴ ۳- ق (نیز لی، ل، آ، پ): بدین؛ (لن: بران) ۴- (لی، آ: رفت) ۵- (لن، آ: شصت) ۶- ق: جهانی شده ۷- س^۸ (نیز لی، ل، آ، پ): نامورجان؛ (ق: جان بیدار) ۸- (ق: آ: شاه؛ پ: روز؛ ل: ایزدی کار؛ و: ایزدی فر) ۹- ل، س^{۱۰} (نیز ق، آ، پ): جایی از؛ ق (نیز ل، آ، پ): جایی از؛ (لی: چندین ز؛ و: هر جای؛ آ: چندی ز)؛ متن = س، ل، آ (نیز لن) ۱۰- س: چین و زترک و زروم؛ ل، ق: ز چین و زهند و زتوران و روم؛ (ق، آ، لی، ل، آ، پ): ز چین و زهند اندرون تا بروم؛ متن = ل، آ، س^{۱۱} (نیز لن، پ، و) ۱۱- س: همه ۱۲- ل، ق، ل، آ، س: وز؛ متن = س ۱۳- ق: بیکسر ۱۴- س، ق، ل، آ (نیز لن، لی، ل، آ، و، لن، آ): تخت؛ س: مهر؛ (ق: مهر؛ پ: فرمان دهی و)؛ متن = ل ۱۵- ق: شهی ۱۶- ل: شد ۱۷- ل: دل اهرمن زین به دو نیم شد؛ متن = س، ق، ل، آ، س^{۱۸} (نیز لن - آ)؛ بنداری: و قضیت اوطاری و ادرکت ثاری ۱۸- (و، آ: همی) ۱۹- ل: آرزو ۲۰- ل (نیز ق، آ، ل، پ، و، آ): همه؛ متن = س، ق، ل، آ (نیز لن، لی، ل، آ، پ) ۲۱- س: و گر چه دل از کین همی ۲۲- س: زبانم ۲۳- ق: نشاید ۲۴- (پ: نیابد ز آزامینی) ۲۵- س، ل، آ (نیز لن، ق، آ): بداندیشه؛ ق، س^{۲۶} (نیز ل، آ، پ): بر (پ: پر) اندیشه؛ متن = ل (نیز لی، و، لن، آ) ۲۶- ق: دین؛ (لی، آ: کار) ۲۷- ل، س، ل، آ، س^{۲۸} (نیز لن، لی، ل، آ، پ، لن، آ): آهرمنی؛ (ق، آ، و: آهرمنی)؛ متن = ق ۲۸- ل، ق: شوم همچو ضحاک تازی (ق: تازان)؛ متن ← ۲۹- ل، ق: چو؛ متن = س، ل، آ، س^{۳۰} (نیز لن - آ) ۳۰- ل، س: سلم و تور ۳۱- ل: آیم؛ (ل، آ، و: آید) ۳۲- ل، ل^{۳۳} (نیز لن، لن، آ): برم؛ س: نرم (حرف یکم نقطه ندارد)؛ ق (نیز ق، آ، پ): ستم؛ س^{۳۴} (نیز لی، ل، آ، و، آ): بهم؛ متن = (پ) ۳۳- س، ل، آ، س^{۳۵} (نیز لن، ق، آ، ل، آ، پ، و، لن، آ): ز؛ متن = ل (نیز لی، آ) ۳۴- ق، س^{۳۶} (نیز ق، آ، پ): سوز (س: سوی) کاوس دارم نژاد ۳۵- ل، آ: ره چو؛ (لی، پ، آ، سوی؛ ل، آ: زیکسویه) ۳۶- ق، س: ز توران پر از (س: پر) کین و باد؛ (ق: ز تور پر از کین و داد؛ و: زیکسو چو توران پر کیمیا)؛ متن = ل، س (نیز لن، لن، آ)؛ درس آ بیت های ۲۴۴۶ و ۲۴۴۸ پس و پیش شده اند ۳۷- ل، س^{۳۸} (نیز لی، ل، آ، پ): جور؛ (پ، و: خون و)؛ متن = س، ل، آ (نیز لن، ق، آ، لن، آ)؛ ق این بیت را ندارد ۳۸- (ق: ز) ۳۹- (و: ناگهان)؛ ق: یزدان اگر یکزمان من شوم (وزن ندارد) ۴۰- س (نیز لن): بدلم اندر آید زهر سو؛ متن = ل، ق، ل، آ، س^{۴۱} (نیز ق، آ) ۴۱- ق: بگذرد ۴۲- ل، ل، آ (نیز لی، و، لن، آ): فرّه ۴۳- س، ل، آ (نیز لن، پ، لن، آ): نابخردی؛ متن = ل، ق، س^{۴۴} (نیز ق، آ، لی، ل، آ، و، آ)

<p>۲۴۵۰ از آن^۱ پس برآن^۲ تیرگی^۳ بگذرم به گیتی بماند ز من نام بد تبه گردد این گوشت و رنگ^۴ رخان هنر کم شود، ناسپاسی به جای گرفته کسی تاج و تخت مرا ز من مانده نام بدی^۹ یادگار من اکنون چو کین پدر^{۱۲} خواستم بگشتم کسی را که بایست گشت به^{۱۶} آباد و ویران^{۱۷} درختی^{۱۸} نماند بزرگان گیتی مرا کهترند سپاسم ز یزدان که او داد فر کنون آن به آید که من راه جوی مگر هم بدین خوبی اندر نهان^{۲۵} روانم بدان جای نیکان برد نیابد کسی^{۲۹} زین فزون^{۳۰} نام و کام^{۳۱} رسیدیم^{۳۳} و دیدیم راز جهان کشاورز دیدیم اگر^{۳۵} تاجور</p>	<p>به خاک اندرآید سر و افسرم، همان پیش یزدان سرانجام بد بریزد به خاک اندرون^۵ استخوان روان تیره ماند^۶ به دیگرسرای به پای^۷ اندرآورده بخت^۸ مرا گل^{۱۰} رنج های کهن گشته خار^{۱۱} جهانی^{۱۳} به خوبی بیاراستم که بُد کژ و^{۱۴} با راه یزدان^{۱۵} درشت که منشورِ بخت^{۱۹} مرا برنخواند و گِر^{۲۰} چند با گنج^{۲۱} و با افسرند^{۲۲} بدین^{۳۳} گردشِ اختر و پای و پیر^{۲۴} شوم پیش یزدان پر از آب روی پرستنده ی کردگار جهان^{۲۶}، که این تاج و تخت^{۲۷} مِهی^{۲۸} بگذرد بزرگی و خوبی و آرام و جام^{۳۲} بد و نیک، هم^{۳۴} آشکار و نهان سرانجام بر مرگ باشد گذر</p>
---	--

۱- س، ق (نیزلن، پ، لن، آ)؛ وزان؛ ل (نیزلی، آ)؛ وزین ۲- س، ق، ل (نیزلن - و)؛ بدان؛ س؛ کزین؛ (آ: بدین)؛ متن = ل (نیز لن) ۳- س، ل (نیزلی، آ)؛ بتری؛ (ق: بندگی؛ لن: بدتری)؛ متن = ل، ق، س (نیزلن، ل، پ، و) ۴- (پ: رنگین؛ لن: گونه رنگ؛ ل: گوش و رنگ)؛ ق: تازه چشم و ۵- س: اندر این؛ (ل، آ: بخاک اندرون ریزد این) ۶- ل، س (نیزل)؛ گردد؛ متن = س، ق، ل (نیزلن، ق، ل، پ، لن، آ) ۷- ل: پیا؛ س: بیاد ۸- (ق: رخت)؛ ل: بیت های ۲۴۵۴ و ۲۴۵۵ را ندارد ۹- ل (نیزلی، آ)؛ نام مانده بدین؛ (و: مانده نام بدم)؛ متن = س، ق، س (نیزلن، ق، ل، پ) ۱۰- ل، س (نیزلی، آ)؛ گل و؛ متن = س، ق (نیزلن، ل، پ، و) ۱۱- (ل، ل، آ: خوار؛ ق: همان گل چمنها همه گشته خار) ۱۲- (ق: که کین کهن) ۱۳- س، ل، آ، س (نیزلن، ق، ل، ل، و، لن، آ)؛ جهانرا؛ متن = ل، ق (نیزپ، آ) ۱۴- س، ل (نیزلی، آ)؛ که بد کرد؛ متن ← ۱۵- ق: که بد بود و با پاک یزدان؛ (ق: که بد کژی و راه ایزد)؛ متن = ل، س (نیزلن، ل، پ، و، لن) ۱۶- س: ز ۱۷- ل، س، ق، ل (نیز ل)؛ آباد ویران ۱۸- (لن: بآباد و ویرانه جایی) ۱۹- س، ق، ل (نیزلن، ل، لن، آ)؛ تیغ؛ س (نیزل، و)؛ رنج؛ متن = ل (نیز ق، ل، پ) ۲۰- س (نیزلن، ق، ل، پ، و)؛ اگر ۲۱- س (نیزلن، ق، ل)؛ تخت ۲۲- س (نیزو)؛ لشکرند؛ (پ: گوهرند) ۲۳- ل (نیزپ)؛ همان؛ (ق: برین؛ و: ابا)؛ متن = س، ق، ل، س (نیزلن، ل، ل، لن، آ) ۲۴- ل (نیزو)؛ بر نقطه ندارد)؛ س، ق، ل، آ، س (نیزلن، ل، لن، آ)؛ بر؛ (ق: سر)؛ متن = (ل، پ) ۲۵- س، ل، آ، س (نیزلن، لن، آ)؛ جهان؛ متن = ل، ق (نیز ق، ل، و، آ) ۲۶- (ل، ل، و: کامکار جهان)؛ س، ل (نیزلن، لن، آ)؛ بماند ز من آشکار و (ل: نام نیکی) نهان؛ متن = ل، ق، س (نیزق، ل، ل، پ، آ؛ س آ پساوند ندارد) ۲۷- س: تخت و تاج ۲۸- س (نیزلن)؛ کیسی؛ ق: مهان؛ ل: تخت همی ۲۹- ل: بگیتی نبند ۳۰- س: نباید فزون زین مرا ۳۱- ل: کام و نام؛ (ل، آ: کام و ناز) ۳۲- س: کام (!)؛ (ق: نام (!)؛ ل، آ: آرام باز) ۳۳- س، ل (نیزلن، پ، لن، آ)؛ شنیدیم؛ متن = ل، ق، س (نیزق، ل، ل، و، آ) ۳۴- س: وهم؛ ل، آ، س (نیزلن، ق، ل، پ، و)؛ او؛ (ل: را)؛ متن = ل، ق (نیزلی، لن، آ) ۳۵- ل: گر؛ س، ل (نیزلن، لن، آ)؛ دیدیم و هم؛ ق (نیزلی، آ)؛ باشد اگر؛ متن = س (نیز ق، ل، ل، پ، و)

که هر کس که آید بدین بارگاه،
همه مردمی جوی^۲ و تندی مکن!

خروشان بیامد^۳ گشاده میان^۴
به شمع خرد راه یزدان بجست
نیایش گنان رفت، دل^۵ پُر امید
همی گفت با داور پاک راز
برآزنده‌ی آتش از تیره خاک^۶،
هم اندیشه‌ی نیک و بد ده مرا^۷
بدین^۸ نیکوی‌ها فزایش کنم
ز کتری بکش دستگاه مرا
همان چاره‌ی دیو آموزگار
نگیرد هوا بر^۹ روانم ستم
به نیرو شود کتری و کاستی
بدان تا ندارد روانم تباه
نگهدار بر من همین راه^{۱۰} و سان

به سالار نوبت بفرمود شاه
سَبک بازگردان به نیکو سخن^۱

بیست آن در بارگاه کیان
ز بهر پرستش سر و تن بشست
پوشید پس جامه‌ی نو سپیده^۲
بیامد خرامان به جای نماز
چنین^۳ گفت کای برتر از جان پاک
مرا بین و چندی^۴ خرد ده مرا
ترا تا بباشم نیایش^۵ کنم
بیامرز کرده گناه^۶ مرا
بگردان ز جانم بد روزگار
بدان تا چو کاوس و ضحاک و جم
چو بر من بپوشد در^۷ راستی
بگردان ز من دیو را دستگاه
روانم بدان جای نیکان رسان

۲۴۷۰

۲۴۷۵

۲۴۸۰

گفتار اندر خواهش کردن ایرانیان از کیخسرو^{۱۷}

تن آنجا^{۱۸} و جانش دگر جای بود
به جای پرستش نماندش^{۱۹} توان

شب و روز یک هفته بر پای بود
سر هفته را گشت خسرو نوان

۱- ل: ورا بازگردان به نیکی سخن؛ متن = س، ق، ل، س، ۲ (نیز لن-آ) ۲- ق: جو؛ (ق: گوی)؛ ق در اینجا سرنویس دارد: ملول شدن کیخسرو از پادشاهی و آغاز ترک او مرشاهی را ۳- ق: خروشی برآمد ۴- (ق، ل، آ: زبان) ۵- س (نیز لی، و، لن، آ): سفید ۶- س، ل، س، ۲ (نیز ق، ل، ی، و): رفت و دل؛ (پ: با دلی)؛ متن = ل، ق (نیز لن، ل، آ، آ) ۷- ل، ق، س، ۱ (نیز ق، ل، آ، پ): همی؛ متن = س، ل، ۱ (نیز لن، ل، ی، و، لن، آ) ۸- س (نیز لن): آتش و باد و خاک؛ ق: نیکی از تیره خاک؛ (لی، آ: آرایش تیره خاک؛ پ: آتش و تیره خاک)؛ متن = ل، ل، ل، س، ۲ (نیز ق، ل، آ، و، لن، آ) ۹- س، ل، س، ۲ (نیز لن، ق، آ، لی، پ، لن، آ): نگهدار و (ق، ل، ی، آ: [و]) چندی (س: چندان؛ لن، ق: چندین)؛ ق: نگهدار جان و؛ متن = ل ۱۰- ق: بکزی مده دستگاه مرمر (۲۴۷۴ ب- ۲۴۷۶ آ را انداخته و از ۲۴۷۴ آ و ۲۴۷۶ ب یک بیت ساخته است)؛ ل، ۲، و بیت های ۲۴۷۴ و ۲۴۷۵ را ندارند ۱۱- س (نیز لن، لی): با نیایش ستایش؛ ل، ۲ (نیز لن): تا با آتش ستایش؛ (آ: من به نیکی ستایش)؛ متن = ل، س، ۲ (نیز ق، آ، پ) ۱۲- س، ل، ۲ (نیز لن، ق، ل، آ، آ): برین؛ متن = ل، س، ۲ (نیز لی، پ)؛ در س ۲ بیت های ۲۴۷۵ و ۲۴۷۶ پس و پیش شده اند ۱۳- ل: رفته گناه؛ (ل: نگهدار آیین و راه؛ و: به نیکی نگهدار راه)؛ متن = س، ل، س، ۲ (نیز لن، ق، آ، لی، پ، لن، آ) ۱۴- (لن: نجوید؛ ل، ۲، و: خرد بر) ۱۵- ق: بپوشی ره؛ س، ۲ (نیز ل، آ): ببند در ۱۶- س: آ: رای؛ (لن: هم آیین؛ ق: همان رای)؛ در ل ت های این بیت پس و پیش شده اند ۱۷- ل: خواهش کردن ایرانیان از کیخسرو؛ س، ق، ل، س، ۲ سرنویس ندارند؛ متن = ل ۱۸- س (نیز ل، آ): اینجا؛ در س ۱ پس از این بیت، بیت ۲۴۸۷ آمده است ۱۹- س، ق، ل، ۲ (نیز لن، ق، ل، آ، لن، آ): نبودش؛ (و: نماندش بجای پرستش)؛ متن = ل (نیز لی، ل، آ، پ، آ)؛ س ۲ این بیت را ندارد

<p>۲۴۸۵ به هشتم ز جای پرستش برفت همه پهلوانان ایران سپاه از آن نامداران روز نبرد چو بره تخت شد نامورشهریار بفرمود تا پرده برداشتند برفتند با دست کرده به کش چو طوس و چو گودرز و گيو دلیز چو دیدند^{۱۲} بردند پیشش نماز که شاهها دلیرا سرا^{۱۴} داورا^{۱۵}!</p> <p>۲۴۹۰ چو تو شاه نشست بر تخت عاج فروزنده^{۱۸} جوشن و زین^{۱۹} و اسپ نترسی ز رنج و ننازی^{۲۱} به گنج همه پهلوانان ترا بنده^{۲۳}یم همه دشمنان را سپردی به خاک به هر کشوری لشکر و گنج تُست ندانیم کاندیشهی شهریار ترا زین جهان روز بر خوردنست گر از ما به چیزی بیازرد شاه بگوید به ما تا^{۲۹} دلش خوش کنیم</p>	<p>بر تخت شاهی خرامید و^۲ تفت شگفتی فرومانده از^۳ کار شاه همی هر کسی^۴ دیگراندیشه کرد بیامد به درگاه^۶ سالار بار سپه را ز^۷ درگاه^۸ بگذاشتند بزرگان پیل افکن^۹ شیرفش^{۱۰} چو گرگین و بیژن، چو رهام شیر^{۱۱} از آن^{۱۳} پس همه برگشادند راز جهاندار و بر مهتران مهتر! فروغ از تو گیردهمی^{۱۶} مهر^{۱۷} و تاج فرازنده^{۲۰} فرخ آذرگشسپ به گیتی ز گنجت فزونست رنج^{۲۲} سراسر به دیدار تو زنده^{۲۳}یم نمادنت به گیتی^{۲۴} ز کس ترس^{۲۵} و باک به جایی که پی برنهی رنج تُست چرا تیره گشت^{۲۶} اندرین روزگار نه هنگام تیمار و پژمردنست وز^{۲۷} آزار او نیست^{۲۸} ما را گناه، پُر از خون دل و رخ^{۳۰} پُر آتش کنیم</p>
---	---

۱- ق: ابر ۲- س، ق، ل (نیز لن، ق، ل، ی، پ، و، لن، آ): [و]: متن = ل، س (نیز ل) ۳- س: در ۴- س، ل، آ، س (نیز لن، ل، ی، لن، آ): یکی؛ متن = ل، ق (نیز ق، ل، ب، و) ۵- (ق: بر) ۶- ل: بر گناه؛ در س^۲ این بیت پس از بیت ۲۴۸۲ آمده است ۷- ق، س (نیز ل): به؛ متن = ل، س، ل (نیز لن، ق، ل، ی، پ، و، لن، آ) ۸- (و: درشاد) ۹- ل (نیز لن، ل، آ، و، لن): اسب افکن ۱۰- ل (نیز لن): شاه فش؛ س این بیت را ندارد ۱۱- ق بیت های ۲۴۹۰ و ۲۴۹۱ را ندارد؛ بنداری: فدخل علیه الملوك و الأكابر خاضعين له و ضارعين. و هم طوس و جودرز و جيو و بیژن و جرجین و رهام. فلما رأوا وجه الملك سجدا ۱۲- ل: دیدند و ۱۳- ل، آ، س (نیز ل، ل، آ، و، لن، آ): وزان ۱۴- ل، ق (نیز ب): گوا؛ متن = س، ل، آ، س (نیز لن، ق، ل، ی، ل، آ، و، لن، آ) ۱۵- س (نیز ق، ل، ی، آ): سرو را؛ متن = ل، ق، ل، آ، س (نیز لن، ل، ب، و، لن) ۱۶- س (نیز لن، و): همه ۱۷- س: شهر؛ (ق: قر) ۱۸- (و: براننده)؛ متن ← ۱۹- ل (نیز ب): فرازنده نيزه و تیغ؛ متن = س، ق، ل، آ، س (نیز لن، ق، ل، ی، ل، آ، و، لن، آ) ۲۰- ل، ق (نیز ب، و): فروزنده؛ (ل، آ: پرستنده)؛ متن = س، ل، آ، س (نیز لن، ق، ل، آ، لن، آ) ۲۱- ل: نمازی (حرفهای یکم و دوم نقطه ندارند)؛ ل: نیازی؛ (لن، ق: نمازی (حرف دوم نقطه ندارد))؛ متن = س، ق، س (نیز ل، ب، و، آ) ۲۲- ق: زرنجیت فزونست گنج (بساوند ندارد) ۲۳- س (نیز ل، و): اند ۲۴- س، ل، آ، س (نیز لن، ق، ل، آ، و، لن): بگیتی نمادنت؛ متن = ل، ق (نیز ل، ب، آ) ۲۵- ل: بیم؛ (ل: درد) ۲۶- ل: شد ۲۷- ل، ق (نیز ل، و، آ): از؛ س: ز؛ متن = س (نیز لن، ق، ل، آ، ب، لن) ۲۸- س، ل (نیز لن، ب، لن): هست؛ ق: چیست؛ متن = ل، س (نیز ق، ل، ی، ل، آ، و، آ) ۲۹- (ق: بگوید که تا ما) ۳۰- ق، ل، آ، س (نیز لن، ق، ل، لن): رخ و دل؛ (ل، آ: رخ و جان؛ ل: دل خود)؛ متن = ل، س (نیز ب) ۳۱- (و: پراز شرم رخ را چو)

۲۵۰۵ و گری دشمنی دارد اندر نهان همه تاجداران که بودند شاه که گرسرستانند و گرسر دهند^۵ نهانی که^۶ دارد بگوید به ما چنین داد پاسخ گرانمایه^۹ شاه^{۱۰} به گیتی ز دشمن^{۱۲} مرا نیست رنج نه آزار دارم ز کار^{۱۶} سپاه ز دشمن^{۱۸} چو کین پدر خواستم به گیتی پی^{۲۰} خاک تیره نماند شما تیغها در^{۲۲} نیام آورید به جای خروش^{۲۴} کمان، نای و چنگ به یک هفته من^{۲۶} پیش یزدان به پای یکی آرزو^{۳۰} دارم اندر نهان بگویم گشاده، چو پاسخ دهد^{۳۱} شما پیش یزدان نیایش کنید که او داد بر نیک و بد دستگاه و زان^{۳۷} پس به می^{۳۸} شادمانی کنید

بگوید به ما شهریار جهان بدین^۲ داشتند ارج گنج و سپاه^۳، چو ترگ دلیران به سر برزند همان چاره ی آن^۷ بگوید به^۸ ما که ای پهلوانان جوینده راه^{۱۱} نشد^{۱۳} نیز جایی^{۱۴} پراکنده^{۱۵} گنج نه اندر شما هست مرد^{۱۷} گناه به داد و به دین گیتی^{۱۹} آراستم که مهر^{۲۱} نگین مرا برنخواند بر آیین شمشیر^{۲۳} جام آورید بسازید با باده و بوی و رنگ^{۲۵} بودم به^{۲۷} اندیشه و^{۲۸} پاک رای^{۲۹} همی خواهم از کردگار جهان به پاسخ مرا روز^{۳۲} فرخ نهد^{۳۳} برین^{۳۴} کام و شادی^{۳۵} ستایش کنید ستایش مرو را که بنمود راه^{۳۶} ز بدها روان بیگمانی کنید

۱- ق: همان ۲- س، ل، ا (نیز لن، و): برین؛ ق (نیز ق، ا، لی، آ): بدان؛ متن = ل، س، ا (نیز ل، پ، ل، ن) ۳- س (نیز لن): ارج و (لن: [و]) تخت و کلاه؛ ل: ارج و گنج و سپاه؛ س: ا (نیز لی): ارج و گنج سپاه؛ متن = ل، ق (نیز ق، ا، ل، پ، و، لن) ۴- (پ: اگر)؛ س، ل، ا، س، ا (نیز لن، ق، ا، لی، لن، آ): که تا (س: ا یا) سرستانند اگر (س: ا، ق: ا، ویا؛ لن، لی، آ: یا)؛ متن = ل ۵- (ل، و): که تا برستانند و بارش دهند) ۶- ق: چه ۷- ل (نیز ق، ا، ل): او؛ (لی، آ: چاره ها را) ۸- ل، ق (نیز لن، لی، ل، آ): ز (پساوند ندارند)؛ متن = س، ل، ا، س، ا (نیز ق، پ، لن) ۹- (و: جهاندار)؛ متن ← ۱۰- ل، ق (نیز لی، آ): بدیشان (ق: بایشان) چنین گفت پس شهریار؛ متن ← ۱۱- (و: با دستگاه)؛ ل، ق (نیز لی، آ): که با کس نماندستمان (ل: ندارد کس) کارزار؛ متن = س، ل، ا، س، ا (نیز لن، ق، ا، پ، لن)؛ بنداری: فقال الملك: أيها الأكابر ۱۲- س: ز دشمن بگیتی ۱۳- ل: شد (حرف یکم نقطه ندارد)؛ ل: بشد ۱۴- ل: جانم (حرف یکم نقطه ندارد) ۱۵- (ل: نه جایی پراکنده گشتست)؛ درس ۲ بیت های ۲۵۰۸ و ۲۵۰۹ پس از بیت ۲۵۱۱ آمده اند ۱۶- ل: بکار؛ ل: ز گاه و ۱۷- س: کس را ۱۸- س: بگیتی ۱۹- (و: کشور) ۲۰- س: (نیز ل): کتی؛ (ق: ا به بی (!)؛ لی: همی؛ آ: بسی) ۲۱- س: (نیز لی، آ): مهر و؛ ق بیت های ۲۵۱۱ و ۲۵۱۲ را ندارد ۲۲- (ق: ا: با) ۲۳- ل: می سرخ و سیمینه؛ متن = س، ل، ا، س، ا (نیز لن- آ) ۲۴- (ق: ا: جرنگ) ۲۵- ق: باده گل بزنک ۲۶- س، ل، ا (نیز لن، ق، ا، و، لن): بر؛ متن = ل، ق، س، ا (نیز لی، ل، پ، آ) ۲۷- س، ل، ا (نیز لن- ل، آ): بر؛ (لن: ا: پر)؛ متن = ل، س، ا (نیز پ، و) ۲۸- ل: [و] ۲۹- س (نیز لن، ل، آ): نیک رای ۳۰- ل: آرزوی ۳۱- ل، ل، ا (نیز لن، ق، ا، لی، پ، لن): دهید؛ س: دهی؛ (آ: نهند)؛ متن = س، ق (نیز ل، و) ۳۲- (پ، و: رای) ۳۳- ل، ل، ا (نیز لن، ق، ا، لی، پ، لن): نهد؛ س: نهی؛ (آ: نهند)؛ متن = س، ق (نیز ل، و)؛ بنداری: وأنا فإن لی الی الله تعالی حاجة قد عرضتها علیه ۳۴- س، ل، ا (نیز لن، ل، آ، پ، لن): بدین؛ (لی: بدان)؛ متن = ل، ق، س، ا (نیز ق، ا، و) ۳۵- (ق: ا: رامش؛ و: کامکاری) ۳۶- ق بیت های ۲۵۱۸ و ۲۵۱۹ را ندارد ۳۷- ل: ازان ۳۸- ل (نیز ل، و): بن؛ س: یکی؛ متن = س، ل، ا (نیز لن، ق، ا، لی، پ، لن، آ)

۲۵۲۰ بدانید کین چرخ ناپایدار
همی بدرود^۲ پیر و برنا بهم
نداندهمی کهر از شهریار^۱
ازو داد بینیم^۳ و زو هم^۴ ستم

همه پهلوانان ز نزدیک شاه
به سالار بار آن زمان گفت شاه
کسی را مده بار در پیش من
بیامد به جای پرستش به شب^۵
همی گفت کای برتر از برتری
تو باشی به مینو مرا رهنمای
به کزی^{۱۲} دلم هیچ ناتافته^{۱۳}
برون آمدند از غمان جان تباه^۵
که بنشین پس پرده^۶ بارگاه،
ز بیگانه و مردم^۷ خویش من
به دادار^۱ دارنده بگشاد لب^{۱۰}
فرایندهی پاکی و مهتری^{۱۱}،
مگر بگذرم زین سپنجی سرای
روان جای^{۱۴} روشن دلان یافته^{۱۵}

گفتار اندر رفتن گیوبه زاوستان به آگاه کردن زال ورستم از کار شاه^{۱۶}

چو یک هفته^{۱۷} بگذشت و^{۱۸} نمود^{۱۹} روی
همه پهلوانان شدند انجمن
چو گودرز و چون طوس نوذر نژاد
ز کردار شاهان برتر قمش
همه داستانها زدند از مهان^{۲۷}
پدر گیو را گفت کای نیک بخت
از ایران^{۲۹} بسی رنج برداشتی
برآمد یکی^{۲۰} غلغل و گفت و گوی^{۲۱}
بزرگان^{۲۲} فرزانه و^{۲۳} رای زن
سخن رفت^{۲۴} چندی ز^{۲۵} بیداد و داد
ز یزدان پرستان و از^{۲۶} بدگوش
بزرگان و فرزنانگان^{۲۸} جهان
همیشه پرستندهی تاج و تخت،
بروبوم و پیوند بگذاشتی،

۱- ق، ل، آ، س^۲ (نیز ق، ل، ی، لن، آ، آ): لشکر و شهریار؛ (ل، آ، پ، و): کهر و شهریار؛ س (نیز لن، ب): نه پرورده داننده پروردگار؛ متن = ل
۲- س، ل، آ، س^۱ (نیز لن، ق، آ، ل، آ، و، لن، آ، ب): پرورده؛ متن = ل، ق (نیز ل، پ، آ) ۳- (ل، آ، ل، آ، بینم) ۴- س، ق، ل، آ، س^۲ (نیز لن، ق، آ، و، لن، آ، ب): و هم زو؛ متن = ل (نیز ل، آ، پ، آ) ۵- ق، س^۲ (نیز ق، ل، ی، آ): دل تباه؛ س، ل^۲ (نیز لن، پ، و، لن، آ): برفتند بر (پ، و، ب، پ، ل، آ، با) درد و تاریک راه؛ (ل: برفتند پیمان و پرغم براه؛ متن = ل ۶- س (نیز لن، ب): بر پرده و؛ ق: بر پرده؛ س^۲: بدین پرده؛ (ق: برین پرده و؛ ل، آ: بره بر در؛ پ: تو بر پرده و)؛ متن = ل، ل^۲ (نیز لن^۲) ۷- س (نیز لن، ل، آ، ب): ز بیگانگان مردم و؛ ل^۲ (نیز لن^۲): ز بیگانه مردم و (!)؛ س^۲: ز بیگانه مردم چه از؛ متن = ل، ق (نیز ق، ل، آ، پ، و) ۸- س^۲ (نیز لن): بدشت؛ (آ: نشست) ۹- (ق: بدارای) ۱۰- س^۲ (نیز لن، آ): دست ۱۱- ق (نیز ق، ل، آ): بهتری ۱۲- ل: نکردی (نقطه ندارد)؛ متن = س، ل، آ، س^۲ (نیز لن - ب) ۱۳- ل، س (نیز لن): ما نافته (حرف های یکم و سوم نقطه ندارند)؛ ل^۲ (نیز ق، ل، ی، لن، آ، ب): نایافته؛ س^۲: نایافته (؟)؛ متن = (پ، و) ۱۴- (لن: و گرجان؛ ق، ل، ی، آ: وزان جای) ۱۵- ل، س (نیز ق، آ، و): نافته (حرف یکم نقطه ندارد)؛ س^۲: بافته؛ (لن، ل، ی، آ: نافته)؛ متن = ل، س (نیز لن، ب): رفتم
گیو بزابلستان با آگاه کردن زال ورستم از کار شاه؛ ق: فرستادن ایرانیان گیو را نزد زال ورستم بسیستان؛ ل^۲: رفتن گیو با آگاه گردانیدن زال ورستم؛ س^۲: پیغام ایرانیان نزد زال ورستم؛ متن ← س ۱۷- س^۲: یکچند ۱۸- ل (نیز ق، آ، و)؛ (ل، آ، و: بنشست) ۱۹- ل^۲: بنمود ۲۰- (لن: بسی) ۲۱- ل: گفت گوی؛ ق: گفتگوی ۲۲- س^۲: بزرگان و ۲۳- س، ق، ل، آ، س^۲ (نیز لن، ل، آ، پ، و، لن، آ، ب): [و؛ متن = ل (نیز ق، ل، ی، آ) ۲۴- ل^۲ (نیز لن^۲): گفت ۲۵- س: هرگونه ۲۶- ل، ق، ل، آ، س^۲: وز؛ متن = س ۲۷- (ل: اندران) ۲۸- (ل، آ: پرمایگان) ۲۹- س (نیز لن، ل، آ، لن، آ، ب): ز ایران؛ س^۲: فراوان؛ (ل، آ: بایران)؛ متن = ل، ق، ل^۲ (نیز ق، آ، پ، و)

به پیش آمد^۱ اکنون یکی تیره‌کار^۲
 ببايد شدن سوی زاولستان^۵
 به زال^۸ و به رستم بگویی که شاه
 در بار بر نامداران بست
 بسی پوزش و خواهش^۹ آراستم
 فراوان شنید ایچ^{۱۲} پاسخ نداد
 بترسیم کو^{۱۴} همچو کاوس شاه
 شما پهلوانید و داناترید
 کنون هر که^{۱۸} دارید^{۱۹} پاکیزه‌رای
 ستاره‌شناسان^{۲۳} کاولستان^{۲۴}
 به ایران خرامید و^{۲۸} با خویشان
 شد این پادشاهی پُراز گفت وگویی^{۳۱}
 فگندیم هر گونه‌یی رای^{۳۴} بُن

که آن^۳ را نشاید که داریم^۴ خوار
 سُواری فرستی به^۶ کاولستان^۷
 ز یزدان بیچید و گم کرد راه
 همانا که با دیو دارد نشست
 همی زآن^{۱۰} سَخُن کام او^{۱۱} خواستم
 دلش خیره بینم و سر^{۱۳} پُر ز باد
 شود کَرّ و دیوش^{۱۵} بیچد ز راه^{۱۶}
 به هر بودنی بر تواناترید^{۱۷}
 ز قَنوج و از^{۲۰} دَنبَر^{۲۱} و مرغ و مای^{۲۲}،
 همه^{۲۵} پاک رایان^{۲۶} زاولستان^{۲۷}،
 بیارید^{۲۹} ازین^{۳۰} در یکی انجمن
 چو پوشید^{۳۲} خسرو ز ما رای و^{۳۳} روی
 ز دستان گشاید همی این سَخُن

سَخُن‌های گودرز بشنید گیو
 برآشفت و اندیشه اندرگرفت
 ز لشکر گزین کرد مردان نیو
 از^{۳۵} ایران ره سیستان برگرفت

۱- (ل: است) ۲- ق: زشت کار؛ (لی، آ: کارزار) ۳- س: (نیز ل، و): این ۴- ق: (نیز لی، آ): گیریم ۵- ل- ل- س: (نیز لن، ق، ی، پ، لن، آ، ب، بنداری): زابلستان؛ متن = (ل، و) ۶- ق: (ب: پیش سپهدار؛ لی، آ: دوانید مردی به) ۷- ل- ل- س: (نیز لن- ب): کاابلستان؛ متن تصحیح قیاسی است ۸- ل: بزابل؛ متن = س، ق، ل، س: (نیز لن- ب): بنداری؛ و اعلام رستم و داستان؛ در س: پس از این بیت، بیت ۲۵۴۳ آمده است ۹- س، ل، س: (نیز لن، ل، آ، و، لن، ب): خواهش و پوزش ۱۰- ل- ل: زین ۱۱- س: (نیز ب): داد ازو؛ ق: رای او؛ ل: (نیز لن، پ، لن، آ): داد او؛ س: (نیز ق، ی، لی، آ): راز او؛ ل: آرزو؛ و: وزان آرزو سو سخن؛ متن = ل ۱۲- ق: او و ۱۳- (لی: گشت و سرش؛ ل: دیدیم و لب؛ و: دیدم سرش؛ آ: گشتت و سر؛ ب: بینی و سر؛ ق: تیره دیدیم سر)؛ متن = ل- س: (نیز لن، پ، لن، آ) ۱۴- ل: (نیز لن، لن، ب): کین؛ س: بترسم که این؛ ق: (نیز ق، ی، لی، آ، و، آ): بترسم که او؛ متن = ل، س: (نیز ب) ۱۵- (لن: گردن) ۱۶- (ل، و: ز یزدان بیچید و گم کرد راه = ۲۵۳۸ ب) ۱۷- در س: این بیت پس از بیت ۲۵۳۸ آمده است ۱۸- ل: هرک؛ س: (نیز و): هرچه ۱۹- ل: او هست؛ س: (نیز لن): دارند؛ (پ: راهست؛ و: دارند)؛ متن = ق، ل، س: (نیز ق، ی، لی، آ، و، آ، ب) ۲۰- ل، ق، ل، س: [و: متن = س ۲۱- ل: دبور (نقطه ندارد)؛ ق: بربر؛ ل: دیر] ۲۲- ل: هر آنکس که هستند اختر گرای؛ (پ: خرد را به نیکی شود رهنمای)؛ س، لن، ل، ب: پس از این بیت افزوده‌اند:

ستاره‌شناسان پاکیزه‌رای

هر آنکس که هستند اختر گرای

۲۳- س: خردمند مردم ز ۲۴- ل، س، ق، ل: (نیز لن- پ، لن، آ، ب): کاابلستان؛ س: زابلستان؛ (و: زاولستان)؛ متن تصحیح قیاسی است ۲۵- ق: (نیز آ): همان؛ س: (نیز ق): هم از ۲۶- ق: تیزرایان ۲۷- ل، س، ق، ل: (نیز لن- پ، لن، آ، ب): زابلستان؛ س: (نیز و): کاابلستان؛ متن تصحیح قیاسی است ۲۸- ل، ق: (نیز لن، پ، و، لن، آ): [و]؛ (ل: بیارید؛ ق: ببايد خرامید)؛ متن = س، ل، س: (نیز لی، ب) ۲۹- س: بیارند ۳۰- ل، س: زین؛ (لی، آ: از آن)؛ در ل، پ: لست‌های این بیت پس و پیش شده‌اند ۳۱- ل: گفت گوی؛ ق: گفتگوی ۳۲- (ل، و: بنهفت) ۳۳- س: پاک ۳۴- ل: هرگونه رای ز؛ (لی، آ: دلیران فکندند هرگونه)؛ متن = س، ق، ل، س: (نیز هفت دستنویس دیگر) ۳۵- ل، س، ق، ل: ز؛ متن = س

چو نزدیک دستان و رستم رسید
غمی^۱ گشت پس^۲ نامور زال^۳ گفت
به رستم چُنین^۵ گفت کز بخردان
ز زاول بخوان و ز کاول بخواه^۶
بگفت آن شِگفتی که دید و شنید
که گشتیم با رنج بسیار^۴ جفت
ستاره‌شناسان و هم^۶ موبدان،
بدان^۸ تا بیایند با ما به راه^۹

۲۵۵۵ شدند انجمن موبدان و ردان
همه سوی دستان نهادند روی
ز هر گونه‌یی دانشی موبدان^{۱۰}؛
ز زاول^{۱۱} به ایران^{۱۲} نهادند روی^{۱۳}

جهاندار^{۱۴} بر پای بُد هفت^{۱۵} روز
ز در^{۱۶} پرده برداشت سالار بار
همه پهلوانان ابا موبدان^{۱۸}
فراوان ببودند پیشش به پای
جهاندار چون دید بنواختشان
از آن نامداران خسروپرست
گشادند لب کای سپهر روان^{۲۳}
توانایی و فرّ شاهی تُراست
به هشتم چو بفروخت گیتی فروز،
نشست از بر تختِ زر^{۱۷} شهریار
برفتند نزدیک شاه جهان^{۱۹}
بزرگانِ بادانش و^{۲۰} رهنمای^{۲۱}
به رسمِ کیان پایگه^{۲۲} ساختشان
کس از پای ننشست و نگشاد دست
جهاندارِ باداد و^{۲۴} روشن روان^{۲۵}
ز خورشید تا بخش^{۲۶} ماهی تُراست

۱- (لی: غمین) ۲- س، ل^۱ (نیزلن، لی، ل^۲، و، لن، ب): ویا؛ ق، س^۱ (نیزق، آ): یا؛ متن = ل (نیزب)؛ بسنداری: فسار
جیوالی زابلستان، و آنبر رستم بما دهام من حال الملک. فاهتم رستم و ذکر الحال لأبیه ۳- (پ: زال و) ۴- ق:
با درد و تیمار ۵- (لی: آ: پدر) ۶- ق: وز ۷- ل، س^۱ (نیزلی، پ، آ): ز زابل بخوان و ز کابل بخواه؛ س، ق،
ل^۲ (نیزلن، ق، ل^۲، و، ب): ز کابل بخوان و ز (ق: به) زابل بخواه (ق: نشان)؛ متن تصحیح قیاسی است ۸- (پ: همی) ۹-
ق: چنان ۱۰- س: هنرمند و بیداردل موبدان؛ ق، ل^۲، س^۱ (نیزلن، ل^۲، ب): ستاره‌شناسان و هم بخردان؛ (ق، ل^۲، و:
بزرگان و پردانش (و: پرمایه) و بخردان)؛ متن = ل؛ لی، پ، لن، آ، این بیت را ندارند ۱۱- ل- س^۱ (نیزلن- پ، لن، آ،
آ، ب): زابل؛ متن = (و) ۱۲- س^۲: بایوان؛ بسنداری: واستصحابهم الی ایران ۱۳- ق: همه راه جوی؛ (لی: آ: ابا
گفت و گوی) ۱۴- (لی: آ: سپهدار) ۱۵- س، ل^۲ (نیزلن، لن، ب) یک هفته؛ متن = ل، ق، س^۱ (نیزق، ل، و، آ) ۱۶-
س، ق، ل^۱ (نیزلن، لن، ب): در؛ متن = ل، س^۱ (نیزق، لی، ل^۲، پ، آ) ۱۷- س^۱ (نیزل، پ، لن، آ): بر ۱۸- س^۱:
بخرم نهان؛ (ق: و خرم نهان؛ ل^۳: خورم نهان؛ و: خرم نهان)؛ متن = ل، س، ق، ل^۲ (نیزلن، لی، پ، لن، آ، ب) ۱۹- س
(نیزلن، ب): ردان ۲۰- ق (نیزو): [و]؛ س (نیزلن، لن، ب): پردانش؛ ل^۲ (نیزب): پردانش و؛ متن = ل (نیزق، لی، ل^۲،
آ) ۲۱- (ق، ل^۲، و: نیک رای)؛ س^۲: چه کردیم و بر ما چه داری تورای ۲۲- ق (نیزق): جایگه؛ (لن: مهی جایگه؛ لی،
آ: نیا پایگه؛ ل^۲، و: کهن پایگه؛ پ: کبی جایگه)؛ س، ل^۲ (نیزلن، ب): برسومی که بد جایگه؛ متن = ل؛ س^۱ بیت‌های ۲۵۶۱-۲۵۶۳ را
ندارد ۲۳- (ل^۲، و: شه موبدان) ۲۴- ق (نیزلن، ق، آ، ب): [و]؛ ل^۲ (نیزل، و): پر (ل: بر) داد؛ متن ← ۲۵- (لی: آ:
بدانی بکردار و نیکو گمان)؛ متن = ل، س (نیزب) ۲۶- ل، ق (نیزب): پشت؛ (لن: برج؛ آ: تخت بخش)؛ ل^۲: در گاو تا
پشت؛ س^۲: ز گل تا بر برج؛ (لن، ب: ز خورتا پی بخش؛ ل^۲: ز گل تا پی گاو؛ و: زمه تا پی بخش)؛ متن = (لی)؛ س، ق^۱ این بیت را
ندارند

۲۵۶۵ همه بودنی‌ها به روشن‌روان^۱
 بدانی، بگردان به دانش‌زوان^۲
 همه بندگانیم پشت به پای
 همه پهلوانان فرخنده‌رای^۳،
 که تا ما بدین ناموربارگاه^۴
 چه کردیم و بر ما چرا بست راه^۵؟
 کنون روزگاری برین^۶ برگذشت
 دل ما پر آزار^۷ و تیمار گشت
 گر ایدونک بگشاید این راز شاه
 برین^۸ مرزبانان^۹ گم‌کرده‌راه
 ۲۵۷۰ اگر غم ز دریاست خشکی^{۱۰} کنیم
 همه چادرِ خاک مُشکی کنیم^{۱۱}
 و گر کوه باشد ز بُن برکنیم
 به خنجرِ دل دشمنان بشکنیم^{۱۲}
 و گر چاره‌ی این برآید به^{۱۳} گنج
 نیند ز گنج^{۱۴} درم نیر^{۱۵} رنج
 همه پاسبانان گنج تویم
 پر از درد گریان ز رنج تویم

چنین داد پاسخ جهاندار باز
 ۲۵۷۵ ولیکن ندارم همی دل به رنج
 نه از^{۱۷} کشوری دشمن آمد پدید
 یکی آرزو خواست روشن‌دل
 که از پهلوانان نیم بی‌نیاز
 ز نیروی دست و ز مردان و^{۱۶} گنج
 که تیمار آن بد^{۱۸} بیاید^{۱۹} کشید
 همی بر دل آن آرزو^{۲۰} نگسلم^{۲۱}
 شب تیره و گاه^{۲۴} روز سپید^{۲۵}
 چو یابم بگویم همه راز خویش
 برآرم نهان‌کرده‌آوازِ خویش

۱- ل (نیزلی، آ): تواندر نهان ۲- (ل: زبان)؛ ل، ق (نیزب): بدانی بکردار و دانش جوان (پ: روان؛ ق: آتش روان)؛ س: بدانی ز گردون بدانش روان؛ ل (نیزلی، آ): ببینی بدانی به روشن‌روان؛ س: جهاندار و بیدار و روشن‌روان (!)؛ (و: بدانی بدانش بگردان زبان)؛ متن تصحیح قیاسی است (ل: و؛ نیز-س، ل، ق، پ)؛ ل، ق، آ، ل، ن، ی، آ، ب پس از این بیت افزوده‌اند:
 همه پهلوانان ترا بنده‌ایم

بگفتار و رایست سرافکننده‌ایم

۳- (ق، ل، و): تو ما را بدین آرزو رهنمای؛ لی، آ: چه کردیم و دیگر چه آمد ز رای)؛ متن = س، ل (نیزب، ل، ب)؛ ل، ق، س، ل، ن این بیت را ندارند ۴- ل، ق: در پیش شاه؛ س، ل (نیزلن، ل، ب): بدان تا ز ما خود بدین بارگاه (لن: پایگاه)؛ (پ: بگوید با شاه تا از گناه)؛ متن = س (نیزق، ل، ی، و، آ) ۵- س، ل (نیزلن، ل، ب): چه آمد که بر ما بستنی توراه؛ متن = ل، ق، س (نیزق، ل، و، آ) ۶- (لی، پ: بدین) ۷- (لن، ب: پر از درد)؛ ل، ق، ل، آ، ویت‌های ۲۵۶۸ و ۲۵۶۹ را ندارند ۸- ل، آ، س (نیزب): بدین ۹- (لی، آ: پهلوانان) ۱۰- (لی، آ: غمگین) ۱۱- (ق، ل، ی، آ: مشکین کنیم؛ ل، ن، و: بخنجر دل اژدها (لن: دشمنان) بشکنیم)؛ س این بیت را ندارد ۱۲- س: برکنیم؛ (ق: اژدها بشکنیم؛ ل، و: بنیزه بدریا سپرافکنیم) ۱۳- س (نیزق، ل، ی، و، ل، ن، آ): ز؛ متن = ل، س، ق، ل (نیزلن، پ، ب) ۱۴- س (نیزلن، ل، ی، و، آ، ب): گنج و ۱۵- س (نیزق، ل، و): شاه؛ (لی، آ: ایچ) ۱۶- ل، ل (نیزق، ل، ن، آ، ب): [و] ۱۷- ل، ل، س (نیزلن-آ): در؛ متن = س (نیزب) ۱۸- (ق: آنرا؛ لی، آ: آم؛ ب: آن بر) ۱۹- س: نشاید؛ ل، ق بیت‌های ۲۵۷۶ و ۲۵۷۷ را ندارند و در ترجمه بنداری هم نیست: فقال لهم: إنه ليس بي شيء مما تذكرون. ولكن في نفسي أمنية أرجو أن أبلغها من الله عز وجل. وهأنذا أسأله ذلك طول الليل والنهار ۲۰- (ل: از آرزو؛ لی، آ: کز آن آرزو دل همی) ۲۱- س، ل (نیزلن، ل، و، ب): بگسلم؛ س (نیزلی، ل، آ): بگسلم (حرف یکم نقطه ندارد)؛ متن = (ق، ل، ب) ۲۲- ل: یکی؛ س: چنان؛ ق: بران؛ (ق: وزان)؛ متن = ل، آ، س (نیزلن، ل، ب) ۲۳- ل: آرزوی ۲۴- ل، ق، ل (نیزل، ب، ب): تا گاه؛ س: بر گاه؛ (لی، آ: و نیز)؛ متن = س (نیزلن، ق، ل، و، ل، ن، آ: بنداری) ۲۵- (و، ل، ن: سفید)

۲۵۸۰ شما بازگردید پیروز و شاد
بداندیشه بر دل مگیرید^۱ یاد
همه پهلوانانِ آزادمرد
برو^۲ خواندند آفرینی^۳ به درد
چو ایشان برفتند پیروزشاه^۴
بفرمود تا پرده‌ی بارگاه،
فروهشت و بنشست گریان به دره^۵
به نومییدی^۶ شاه پیروزگر^۷

گفتار اندر خواب دیدن شاه کیخسرو سروش را^۸

۲۵۸۵ جهاندار شد^۹ پیش برترخدای^{۱۰}
همی گفت کای^{۱۱} کردگار سپهر
ازین شهریاری مرا سود نیست
ز من نیکوی گر پذیرفت و زشت^{۱۳}
چنین پنج هفته خروشان به پای
شب تیره از رنج^{۱۸} نغنود شاه
بخفت او و روشن روانش نخت^{۲۰} ۲۵۹۰
چنان دید در خواب کورا به گوش
که ای شاه نیک اختر^{۲۱} نیک بخت
اگر زین جهان تیز^{۲۴} بشتافتی^{۲۵}
به همسایگی^{۲۷} داور پاک، جای

همی خواست تا باشدش رهنمای
فروزنده‌ی نیکی و داد و مهر،
گر از من خداوند خشنود نیست^{۱۲}
نشستن^{۱۴} مرا جای ده^{۱۵} در بهشت
همی بود بر^{۱۶} پیش گیهان خدای^{۱۷}
بدانگه که برزد سر از برج^{۱۹} ماه،
که اندر جهان با خرد بود جفت
نهفته بگفتی خجسته سروش،
بسوده^{۲۲} بسی یاره^{۲۳} و تاج و تخت،
کنون آنچه^{۲۶} جُستی همه یافتی
بیابی، بدین^{۲۸} تیرگی^{۲۹} در مپای!

۱- ل (نیزق^۲): مدارید؛ ق: ز اندیشه بد مگیرید؛ ل: بر اندیشه دل برمگیرید؛ س: (نیزل^۳، ل^۲): وز (ل^۳، ل^۲، ن^۲): ز) اندیشه بر دل مگیرید؛ (لی، آبر (آ: پر) اندیشه در دل مگیرید؛ متن = س (نیزلن، پ، و، ب) ۲- (لی، آ: بدو؛ ل^۲، و: همی) ۳- س، ق، ل (نیزق^۲، پ، ل^۲، ب): آفرین ها؛ (و: آفرین)؛ متن = ل، س (نیزلی، ل^۳، آ) ۴- س، ل (نیزق^۲، ب): بیدارشاه؛ متن = ل، ق، س ۵- ل، س (نیزق^۲، ل^۲، پ): بدرد؛ متن = س، ق، ل (نیزلن، ق، آ، لی، و، ل^۲، ب) ۶- (لن، و، ل^۲، ن^۲): بنومییدی (از)؛ متن ← ۷- (ل^۳: پیروز کرد)؛ ل (نیزق^۲، پ): همی بود پیچان و رخ لاژورد؛ س: بنزد جهانداور دادگر؛ متن = ق، ل، آ، س (نیزق^۲، لی، و، آ): نیکویی رفت (س: بود) بسیار و (ل^۳: و بسیار) زشت؛ متن = کردن خسرو به یزدان؛ س، س: بخواب دیدن کیخسرو (س: شاه کیخسرو) سروش را؛ متن ← س ۹- ل: بر ۱۰- (ق: جهاندار از دادگریک خدای) ۱۱- (ق: آ: با) ۱۲- درس پس از این بیت، بیت ۲۵۸۷ آمده است ۱۳- س، ل (نیزلن، پ، ل^۲، ب): نیکویی در پذیری و (پ: تو) زشت؛ س (نیزق^۲، لی، ل^۲، و، آ): نیکویی رفت (س: بود) بسیار و (ل^۳: و بسیار) زشت؛ متن = ل ۱۴- س، ل، س (نیزلن، ق، آ، لی، پ، و، ل^۲، ب): نشست؛ متن = ل (نیزل^۳، آ) ۱۵- (لی، آ: کن)؛ ق این بیت را ندارد ۱۶- س، س (نیزلی، پ، آ): در ۱۷- س (نیزلن، ب): برترخدای؛ ل (نیزلن^۲): همی بود پیش جهان کدخدای؛ درس پس از این بیت، بیت ۲۵۸۶ آمده است ۱۸- ل: درد ۱۹- ق، س (نیزلی، پ، و، آ): چرخ؛ متن = ل، س، ل (نیزلن، ق، آ، ل^۲، ل^۲، ب) ۲۰- ل، س، ق، س (نیزلن، و، ل^۲): بخفت (حرف یکم نقطه ندارد)؛ ل (نیزب): بخفت؛ متن = (ق، آ، لی، ل^۲، پ، آ) ۲۱- ل: نیک اختر و ۲۲- ل، ق (نیزب): بسودی؛ س: بسوده؛ متن = س، ل (نیزلن - ل^۲، و- ب) ۲۳- ل (نیزو): باره (نقطه ندارد)؛ ق (نیزل^۳): باره؛ متن = س، ل، س (نیزهفت دستنویس دیگر) ۲۴- ل، ل (نیزو، آ): بز (حرفهای یکم و دوم نقطه ندارند)؛ س: یز (حرف یکم نقطه ندارد)؛ متن = س، ق (نیزلن - ب، ل^۲، ب) ۲۵- ل، س (نیزلن، و): بشتافتی (حرف یکم نقطه ندارد)؛ (ب: نشتافتی)؛ متن = ق، ل، س (نیزق^۲، لی، ل^۲، پ، ل^۲، آ) ۲۶- ق، ل: آنچه ۲۷- ق، س (نیزل^۳، ب): همسایه ۲۸- ق (نیزق^۲): درین ۲۹- ل: تیره گی

۲۵۹۵ چوبخشی^۱، به^۲ ارزانیان^۳ بخش گنج^۴
توانگر^۵ شوی، چون که^۶ درویش را
کسی گردد ایمن ز چنگ^۸ بلا
هر آنکس که از بهر تو^{۱۰} رنج برد
چوبخشی^{۱۲} به^{۱۳} ارزانیان بخش^{۱۴} چیز
۲۶۰۰ سر تخت را^{۱۶} پادشاهی گزین
چو گیتی ببخشی میاسای هیچ

چو بیدار شد رنج دیده ز خواب
همی بود^{۱۹} گریان و رخ بر زمین
همی گفت: اگر^{۲۱} تیز^{۲۲} بشتافتم^{۲۳}
۲۶۰۵ بیامد سر^{۲۶} تخت شاهی بشت^{۲۷}
پوشید و بنشست بر تخت عاج
ز خوی دید جای پرستش پُر آب
همی خواند^{۲۰} بر کردگار آفرین
ز یزدان همه^{۲۴} کام دل^{۲۵} یافتم
یکی جامه‌ی نابسوده^{۲۸} بگُست^{۲۹}،
جهاندار بی یاره و طوق^{۳۰} و تاج

گفتار اندر آمدن زال و رستم به ایران و پند دادن زال کیخسرو را^{۳۱}

سر هفته را^{۳۲} زال و رستم بهم رسیدند بی کام و^{۳۳} دل پُر ز غم

۱- س^۱ (نیز ل^۲): آبی ۲- ل^۲ (نیز ق^۲، و): بر ۳- س^۲ (نیز ق^۲، ل^۲، و): ایرانیان ۴- (ق^۲): تخت و گنج؛ لن: چوبخشی
ببخش آن سزاوار گنج؛ بنداری: و فرق الأموال علی المحتاجین والفقراء والمساکین ۵- س (نیز لن، ل^۲): تونگر ۶- ل: شود از تو؛ س^۲
(نیز ل^۲): بکن مرد؛ (ق^۲): شوی گرتو؛ پ: کنی مرد؛ و: شود آنک؛ ل، آ: که باشد نگهدار؛ متن = س، ل^۲ (نیز لن، ل^۲، ب) ۷- ل (نیز
پ): کنی شادمان؛ س (نیز لن، ب): نوازی و هم؛ س^۲: بکن شادمان؛ (ل، آ): کند شادمان؛ ل^۲: زیبگانه و؛ و: کند شاد و هم؛ متن = ل^۲ (نیز
ق^۲، ل^۲)؛ ق بیت های ۲۵۹۶-۲۵۹۹ را ندارد ۸- س (نیز ق^۲): جنگ و؛ حرف یکم تنها در پ، ل^۲ با سه نقطه ۹- (پ: از دم)؛
س^۲ (نیز ل^۲): رهایی ازین ۱۰- (و: مهر تو؛ ل، آ: که او بهره از) ۱۱- س، س^۲ (نیز لن، پ، ب): که رنج؛ متن = ل، ل^۲ (نیز ل،
ل^۲، و) ۱۲- س، ل^۲ (نیز لن، ق^۲، ل^۲، و، ل^۲، ب): ببخش و؛ متن = ل، س^۲ (نیز ل، پ) ۱۳- ل^۲ (نیز ل^۲): بر ۱۴- (ق^۲):
ایرانیان ده تو؛ ل^۲، و: ایرانیان بخش؛ بیت ۲۵۹۵ ۱۵- ل^۲: چیز (پساوند ندارد) ۱۶- ل^۲: از ۱۷- س، ل^۲ (نیز لن، ل^۲،
ب): شود؛ متن = ل، ق، س^۲ (نیز ق^۲، ل، ل^۲، ب) ۱۸- ق: در؛ (ل^۲: دیواز در) ۱۹- (ل^۲، و: گشت) ۲۰- ق (نیز ق^۲):
کرد ۲۱- ل: گر ۲۲- ل: سز (حرفهای یکم و دوم نقطه ندارند)؛ س^۲ (نیز و، آ): تیر؛ متن = س، ل^۲ (نیز لن - پ، ل^۲،
ب) ۲۳- ل (نیز و): بشتافتم (حرف یکم نقطه ندارد)؛ س (نیز لن): نشتافتم؛ متن = ل^۲، س^۲ (نیز هفت دستنویس دیگر) ۲۴- (ل^۲):
همی (۲۵- (ل، آ: آرزو) ۲۶- ل، ق: بر؛ س^۲ (نیز ق^۲): بران؛ (ل، آ: ابر؛ ل^۲: بدان)؛ متن = س، ل^۲ (نیز و، ل^۲، ب) ۲۷-
ل، ق، ل^۲، س^۲ (نیز ق^۲، ل، ل^۲، ل^۲، آ): نشست؛ متن = س (نیز لن، و، ب؛ در س، ب به پیش دوم؛ در لن حرف یکم نقطه ندارد)؛ (پ: سر و
تن ز شاهی بشت) ۲۸- س^۲ (نیز و): نابسوده ۲۹- ل، ق، س^۲ (نیز ق^۲، ل، ل^۲، آ): بدست؛ ل^۲: نخست (حرف یکم نقطه
ندارد)؛ (ل^۲: بخت)؛ متن = س (نیز لن، پ، و، ب؛ در ب به پیش دوم؛ در و حرفهای یکم و دوم نقطه ندارند) ۳۰- ل، ق، س^۲ (نیز ل،
ل^۲، پ، و، آ): گرز؛ متن = س، ل^۲ (نیز لن، ق^۲، ل^۲، ب)؛ بنداری: فنحی التاج عن رأسه و خلع السوار و لبس ثوبا جدیدا و جلس
علی التخت ۳۱- ق، ل^۲: آمدن زال و رستم بایران (ق: و پند دادن زال کیخسرو را)؛ س^۲: آمدن ایرانیان با زال و رستم بنزدیک کیخسرو؛
متن = ق ۳۲- س: پس از هفته؛ ل^۲ (نیز ق^۲، و): پسین هفته را؛ س^۲ (نیز ل^۲): ششم هفته را؛ (لن، ل^۲، ب: پس هفته)؛ متن = ل، ق (نیز
ل، پ، آ) ۳۳- ل، س^۲: [و]؛ (ل^۲، و: بیگانه و؛ پ: بیگانه)

چو ایرانیان آگهی یافتند
 چو رستم پدید آمد و زال زر
 هر آنکس که بود از نژادِ زرسپ
 همان طوس^۵ با کاویانی درفش
 چو گودرز پیش تهمتن رسید
 سپاهی همی رفت^۶ رخساره زرد
 بگفتند با زال و رستم که شاه
 همه بارگاهش سپاهست و بس
 ازین هفته تا آن، در بارگاه
 جز آنست^۹ کیخسرو ای پهلوان
 شده کوژ بالای سرو سهی
 ندانم چه^{۱۱} چشم بد آمد بر او^{۱۲}
 مگر تیره شد بخت ایرانیان
 بدیشان^{۱۵} چُنین گفت زالِ دلیر
 درستی و هم دردمندی بود
 شما دل مدارید چندین به غم
 بگویم بسیار و^{۱۹} پندش دهم
 و زان پس هر آنکس که آمد ز^{۲۲} راه
 هم آنگه ز^{۲۵} پرده برداشتند
 چو دستان و چون رستم پیلتن
 چو گرگین و چون بیژن و گُستهم
 شهنشاه چون روی دستان^{۲۸} بدید
 همه داغ دل پیش^۱ بشتافتند
 همان^۲ موبدانِ فراوان هنر،
 پذیره شدن را^۳ برانگیخت^۴ اسپ
 همه نامدارانِ زرینه کفش
 سرشکش ز مژگان به رخ برچکید
 ز خسرو همه دل پر از داغ و درد
 به گفتارِ ابلیس گم کرد راه
 شب و روز او را ندیده ست کس
 گشایند^۷ و پویم و یابیم راه^۸
 که دیدی تو شادان^{۱۰} و روشن روان
 گرفته گلِ سرخ رنگِ بهی
 چرا پژمیرید آن چو گلبرگ^{۱۳} روی
 و گر شاه را زاختر^{۱۴} آمد زیان
 که باشد که شاه آمد^{۱۶} از گاه سیر
 گهی خوشی و گه نژندی بود^{۱۷}
 که از غم شود جانِ خرم^{۱۸} دژم
 به پند^{۲۰} اخترِ سودمندش دهم^{۲۱}
 برفتند هر کس^{۲۳} سوی بارگاه^{۲۴}
 بر اندازه شان شاد^{۲۶} بگذاشتند
 چو طوس و چو گودرز و آن انجمن
 هر آنکس که رفتی ز^{۲۷} گردان بهم
 به^{۲۹} پرده در آوای^{۳۰} رستم شنید،

۱- ل (نیزلی، ل، و): تیز؛ س این بیت را ندارد ۲- س، ل (نیزلن، و، ل، ن): همه؛ ق: ابا؛ متن = ل، س (نیزلی، ل، پ، آ، ب) ۳- س: شدند و ۴- ل (نیزق، پ): بیاراست؛ متن = س، ل، آ، س (نیزهفت دستنویس دیگر)؛ ق بیت های ۲۶۱۰-۲۶۱۳ را ندارد ۵- س (نیزلن، ب): طوق؛ ل بیت های ۲۶۱۱ و ۲۶۱۲ را ندارد؛ بنداری: و لما لقی طوس رستم... ۶- ل، آ: دلیران برفتند ۷- س: گشادست؛ متن ← ۸- (و: پویم با رسم و راه؛ ل، آ: گشاییم و پویم جوینده (آ: چندی به) راه)؛ متن = ل، ق، ل، س (نیزلن، پ، ل، ن، ب)؛ ق، آ، ل این بیت را ندارند ۹- ل: جوانست؛ (ق: نه آنست؛ و: چنان نیست) ۱۰- ل: شاداب؛ متن = س، ق، ل، آ، س (نیزلن- ب) ۱۱- س: که ۱۲- س، ل (نیزق، ل، ل، ن، آ): بدوی؛ متن = ل، ق، س (نیزلن، ل، آ، ب، و، ب) ۱۳- (پ: آن گل تازه) ۱۴- ق، ل (نیزق): را اختر ۱۵- (ل، آ: بگردان) ۱۶- س (نیزلن، ق، آ، ب، ل، ن، ب): آید؛ متن = ل، ق، س (نیزلی، ل، و، آ) ۱۷- ق این بیت را ندارد ۱۸- ق (نیزلی، ل، آ): مردم ۱۹- ل، ق (نیزب): بکوشیم و بسیار؛ (لن: بگویم و بسیار)؛ متن = س، ل، آ، س (نیزلن، ق، ل، ل، آ، و، آ، ب) ۲۰- ل، ق (نیزب): بلند؛ (ل: بنیک)؛ متن = س، ل، آ، س (نیزلن، ق، ل، و، ل، ن، آ، ب) ۲۱- ق: نیم ۲۲- ل: به ۲۳- س، ل (نیزلن، ق، آ، ل، آ، ب، و، ل، ن، ب): پویان؛ ق: یکسر؛ (ل، آ: هریک)؛ متن = ل ۲۴- (ل: بدرگاه شاه) ۲۵- (ل: گه در) ۲۶- (ق: یلان را بر شاه) ۲۷- ل: رفتند؛ (ل، ن: بودی ز؛ و: بودند)؛ متن = س، ق، ل، آ، س (نیزلن، ق، ل، ب، آ، ب) ۲۸- ل، ق (نیزق، و):

<p>۲۶۳۰ پُراندیشه از تخت برپای جست^۱ ز داندگان هر که^۵ بُد زاوی^۶ یکایک بپرسید و بنواختشان همان نیز از^{۱۱} ایرانیان هر که^{۱۲} بود برو^{۱۴} آفرین کرد بسیار زال ز گاهِ منوچهر تا کیقباد ۲۶۳۵ همان زوْطهماسب^{۱۷} و کاوس کی سیاوش مرا خود چو فرزند بود ندیدم کسی^{۲۰} را بدین بخردی به پیروزی و مردی و مهر و رای^{۲۳} ۲۶۴۰ بکشتی^{۲۶} همه روی گیتی^{۲۷} به داد چه مهتر که پای^{۳۰} ترا خاک نیست یکی ناسزا آگهی یافتم ستاره‌شناسان و گنداوران ز قَتّوج و از^{۳۵} دَنْبَر^{۳۶} و مَرغ و مای ۲۶۴۵ بدان تا بچویند رازِ سپهر</p>	<p>بپرسید^۲ بر پای^۳ و بپسود دست^۴ ز قَتّوج و از^۷ دَنْبَر^۸ و کاوی^۹، به رسمِ مهی جایگه^{۱۰} ساختشان بر^{۱۳} اندازه‌شان پایگه برفزود که شادان بدی^{۱۵} تا بود ماه و سال از آن نامداران که دارم یاد^{۱۶}، بزرگان و شاهان فرخنده‌پی^{۱۸}، که با فرّ و با برز و اورند^{۱۹} بود، بدین برز^{۲۱} و این قره^{۲۲} ایزدی که شاهیت^{۲۴} بادا همیشه به جای^{۲۵} به بار^{۲۸} آمدن باد^{۲۹} پیروز و شاد چه زهر آنک^{۳۱} نام تو تریاک نیست بدان^{۳۲} آگهی تیز بشتافتم زهر کشوری آنک^{۳۳} دیدم سران^{۳۴}، برفتند با زیجِ هندی ز جای کز ایران^{۳۷} چرا پاک^{۳۸} ببریید مهر</p>
---	---

۱- ل: خاست؛ متن = س، ق، ل، آ، س^۱ (نیز لن - ب) ۲- (ب: بپرسید و)؛ متن ← ۳- ل: از پای؛ (ل: برباد)؛ متن ← ۴- ق: دستش بدست؛ س^۱ (نیز ل، پ، و)؛ بنمود دست؛ ل: چنان پشت خمیده را کرد راست؛ (ل، آ: بپرسید و بسید دستش بدست؛ ل: ببوسید و بسپرد رویش بدست)؛ متن = س (نیز لن؛ نیز ل - ب) ۵- ل: هرک؛ ل: هرچه ۶- ل: س^۱ (نیز لن، ق، آ، ل، آ، لن، آ، ب)؛ زابلی؛ ق (نیز لی، پ، آ)؛ کابلی؛ متن = (و) ۷- ل، ق، س: آ؛ وز ۸- (ل: ویبل) ۹- ل: س^۱ (نیز لن، ق، آ، ل، آ، و، لن، آ، ب)؛ کابلی؛ ق (نیز لی، پ، آ)؛ زابلی؛ متن تصحیح قیاسی است ۱۰- ل، س^۱ (نیز ل، آ، ب)؛ پایگه؛ متن = س، ق، ل (نیز هفت دستنویش دیگر) ۱۱- ل: ز؛ س (نیز لن، ل، آ، ب)؛ [از] ۱۲- ل: هرک ۱۳- ل، ق (نیز لی، آ)؛ به ۱۴- (لی، ل: بدو) ۱۵- س، ق، ل، آ، س^۱ (نیز لن - ب)؛ بز؛ متن = ل؛ س، ل^۲ در اینجا سرنویس دارند، س: آمدن زال و رسم بایران زمین بنزد شاه کیخسرو؛ ل: بند دادن زال کیخسرو شاه را ۱۶- ق (نیز پ)؛ دارم بیاد ۱۷- س: روز طهماسب؛ (لی، پ: زو و طهماسب؛ لن: دور طهماسب) ۱۸- (لی، آ: منوچهر و هم نوذرنیک پی) ۱۹- س (نیز لن، و)؛ ارونند؛ متن = ل، ق، ل، آ، س^۱ (نیز هفت دستنویس دیگر، لغت دری، ص ۷۳، معجم شاهنامه، ص ۲۲، لغت شاهنامه، شماره ۵۹) ۲۰- س: آ؛ ندیدم کس ۲۱- س، ل، آ، س^۱ (نیز لن، لی، ل، آ، پ، لن، آ، آ، ب)؛ نام؛ متن = ل، ق (نیز ق، آ، و) ۲۲- ل، ل، ل، آ، ب) ۲۳- (ق: آ؛ داد؛ لن: آ؛ کام و فرهنگ و رای)؛ س: آ؛ بنیروی و مردی و مهر و برای ۲۴- س: شاه است؛ ق، ل، آ، س^۱ (نیز لن، و، لن، آ، ب)؛ شاهست و؛ متن = ل (نیز لی، ل، آ، پ، آ) ۲۵- (ق: آ؛ که بادی همیشه تو پیروز و شاد)؛ درس، ق، لن، ب لت های این بیت پس و پیش شده اند ۲۶- س: آ؛ بگشتن؛ جز س، لن دیگر دستنویس ها را باید بگشتی خواند ۲۷- (لی، آ: کشور؛ ل: آ؛ همی گرد گیتی؛ لن: آ؛ توری زمین را) ۲۸- ق، ل، آ، س^۱ (نیز ق، آ - ب)؛ بیاز؛ متن = س (نیز لن) ۲۹- ق (نیز ق، آ، ب، ب)؛ باز؛ ل: آ؛ بار؛ س: آ؛ بود؛ (لی، ل، آ، آ؛ باش؛ و، لن: آ؛ نیز)؛ متن = س (نیز لن)؛ ل این بیت را ندارد ۳۰- س: آ؛ چه مهر آن که پای؛ (لن: چه بهتر که پای؛ لن: آ؛ چه بهتر که جای) ۳۱- ق: اینک ۳۲- ق: آ؛ از آن ۳۳- ق: آنچه؛ س: آ؛ آنکه ۳۴- (ق: آ؛ و بد مهتران) ۳۵- ل، ق، ل، آ، س: آ؛ وز؛ متن = س ۳۶- ل: دیوره؛ ل: دمیر؛ (ل: دیبل) ۳۷- (ب: ایشان) ۳۸- س (نیز لن، ل، آ، ب)؛ شاه؛ متن = ل، ق، ل، آ، س^۱ (نیز ق، آ، لی، ب، و، لن، آ، آ)

→

ایشان؛ متن = س، ل، آ، س^۱ (نیز هفت دستنویس دیگر)؛ بندازی؛ و لما رأی الملك رستم وزالا با درهما بالمصافحة والمعانقة ۲۹- س، ق، ل، آ، س^۱ (نیز لن، ق، آ، پ، و، لن، آ، ب)؛ ز؛ متن = ل (نیز لی، ل، آ، آ) ۳۰- س، ق، ل، آ، س^۱ (نیز ق، آ - ب)؛ آواز؛ متن = ل (نیز لن)

از ایران^۱ کس آمد که پیروزشاه
 نبرد از پیش سالار بار
 من^۳ از درد ایرانیان چون عقاب
 بدان تا بپرسم ز^۴ شاه جهان
 به سه چیز هر کاره نیکو شود^۵ ۲۶۵۰
 به گنج و به رنج^۸ و به مردان مرد
 چهارم به یزدان ستایش^{۱۰} کنیم^{۱۱}
 که اویست فریادرس بنده را
 به درویش بخشیم بسیار چیز
 بدان تا روان تو روشن کند ۲۶۵۵

گفتار اندر پاسخ دادن کیخسرو زال را^{۱۴}

چو بشنید خسرو ز دستان سخُن
 بدو گفت کای^{۱۶} پیر^{۱۷} پاکیزه مغز
 ز گاه منوچهر تا این زمان
 همان نامور رستم پیلتن
 سیاوخش را^{۱۹} پرورانیده^{۲۰} اوست^{۲۱} ۲۶۶۰
 سپاهی که دیدند گوپال^{۲۴} او
 بسی^{۲۶} جنگ ناکرده بگریختند
 به پیش نیاگان من کینه خواه

یکی دانشی پاسخ^{۱۵} افگند بُن
 همه رای و گفتارهای تو نغز،
 نه بی جز بی آزار و نیکی گمان^{۱۸}
 ستون کیان، نازش انجمن
 بدو نیکویها^{۲۲} رسانیده^{۲۳} اوست^{۲۱}
 سر و مغز و پیل فش^{۲۵} یال او،
 همه^{۲۷} دشت تیر و کمان ریختند
 چو دستور فرخ نماینده راه

۱- (پ: از آنپس)؛ س، ل، ۲ بیت های ۲۶۴۶-۲۶۴۹ را ندارد ۲- س، ق، ل، ۲ (نیز لن، ق، آ، لی، پ-ب): شاهوار؛ متن = ل (نیز ق، آ) ۳- (لن: پس) ۴- ل (نیز پ، و): که؛ متن = س، ق، ل، ۲ (نیز لن، ق، آ، لی، ل، ن، آ، ب) ۵- س: را کار؛ س: کار تو؛ (لی، آ: ها کار)؛ متن = ل، ق، ل، ۲ (نیز هفت دستنویس دیگر) ۶- (ق: بود) ۷- س، ل، ۲ (نیز لن، ل، ۲، لن، آ): وزان؛ (ب: وزو)؛ متن = ل، ق، س، ۲ (نیز ق، آ، لی، پ، و، آ) ۸- ق: برنج و بگنج ۹- (ق: آیین مردان مرد (!))؛ ل، ق: بجز این نشاید همی کار کرد؛ متن = س، ل، ۲، س، ۲ (نیز لن، لی، پ-ب) ۱۰- س، ۲ (نیز لی، ل، ۲، آ): نیایش ۱۱- س، ل، ۲، س، ۲ (نیز لن، لن، آ، ب): کم ۱۲- ل (نیز لن): او را ۱۳- س، ۲ (نیز لی، ل، ۲، آ): ستایش؛ ۲ بیت های ۲۶۵۲-۲۶۵۶ را ندارد ۱۴- ل، ق، ل، ۲: پاسخ دادن کیخسرو زال (ق: زال سام) را؛ متن = ل، ۱۵- ل، ق: پاسخ دیگر؛ متن = س، ل، ۲، س، ۲ (نیز لن-ب) ۱۶- ق: ای ۱۷- (لن: مرد)؛ بنداری: آیا الشیخ الجلیل ۱۸- (لی، آ: نیکو گمان)؛ ق: تو دوری ز آزار و نیکو گمان ۱۹- ل، ق (نیز لن، ل، ۲، لن، آ): سیاوش را؛ س: سیاوخش رد؛ (لی، پ: سیاوش را)؛ متن = ل، ۲، س، ۲ (نیز ق، آ، و، ب) ۲۰- ل، س (نیز لی، و، آ): پروراننده؛ متن = ق، ل، ۲، س، ۲ (نیز لن، ق، آ، ل، پ، لن، آ، ب) ۲۱- س، ل، ۲، س، ۲ (نیز لن، ق، آ، ل، و، لن، آ، ب): بود؛ متن = ل، ق (نیز لی، پ، آ) ۲۲- س، ق، ل، ۲، س، ۲ (نیز لن-ب): نیکوییها؛ متن = ل ۲۳- ل، س (نیز لی، و، آ): رساننده؛ متن = ق، ل، ۲، س، ۲ (نیز لن، ق، آ، ل، پ، لن، آ، ب) ۲۴- در ل، آ، پ، و، لن، آ، ب با سه نقطه ۲۵- (و: وش)؛ ل: سرتگر و برزو و غرو؛ ق (نیز لی، آ): سرو مغزیلی وش و؛ س: سرو بازو و مغزو؛ (ق: سرو مغزو آن پیل فش؛ پ: سرو مغزیلی و بش)؛ متن = س، ل، ۲ (نیز لن، لن، آ، ب) ۲۶- ل، ۲، س، ۲: همه ۲۷- س، ل، ۲، س، ۲ (نیز لن، پ، ب): درو؛ متن = ل، ق (نیز ق، آ، لی، و، آ)

<p>بماند سَخُن تازه تا صد^۴ نژاد ترا این ستایش نکوهش بود^۵ ز نادادنِ بار و آزار من، جهان را همه^۶ خوار بگذاشتم همی خواهم از داورِ رهنمای، درخشان کند^{۱۱} تیره ماه^{۱۲} مرا نماند ز^{۱۳} من در جهان درد^{۱۴} و رنج چو شاهان پیشین بیچد^{۱۵} سرم بباید بسیچید کامد خرام^{۲۰} ز یزدان بیامد خجسته سروش، سر آمد نژندی و ناخفتنت غم^{۲۳} لشکر و تاج و تخت^{۲۴} و کمر</p>	<p>اگر^۱ نام^۲ رنج تو گیرم به یاد^۳ ز گفتارِ چرب^۵ ار پژوهش بود^۶ دگر هر چه^۷ پرسیدی از کار من به یزدان یکی آرزو^۸ داشتم کنون پنج هفته ست تا من به پای که بخشد^{۱۰} گذشته گناه مرا برد مرمرای زین سرایِ سپنج نماند^{۱۵} کزین راستی بگذرم کنون یافتم هرچ^{۱۷} جستم^{۱۸} ز^{۱۹} کام سحرگه مرا چشم بغنود^{۲۱} دوش که بر ساز کامد گه رفتنت کنون بارگاه^{۲۲} من آمد به سر</p>
--	--

گفتار اندر پند دادن زال کیخسرو را^{۲۵}

<p>همه^{۲۸} خیره گشتند و گم کرده راه یکی باد سرد از جگر برکشید</p>	<p>غمی^{۲۶} شد دل ایرانیان را^{۲۷} ز شاه چو بشنید زال این سَخُن بردمید</p>
--	--

۱- ل: وگر ۲- ق، س: (نیزلن، و، آ): نام و ۳- ق (نیزق، و): گیرم یاد ۴- ق: دارد؛ ل: (نیزلن، و): با صد ۵- س: (نیزق، ل، و، آ): خوب؛ س، ل: (نیزلن، ب): کردار خوب؛ (پ: که گفتار خوب)؛ متن = ل، ق ۶- ل (نیزب): کم؛ ق: کنیم؛ متن = س، ل، س: (نیزلن، ق، ل، و، آ، ب) ۷- ل: هرچ؛ ل، س، ق، و، آ: و پس از این بیت افزوده اند:

بگوم ترا این سخن سربر
بدان تا بدانی همه در بدر (س: که تا تو بدانی ایا پرهنر)

۸- ل: آرزوی ۹- ل، س: (نیزلن، ق، ل، و، ب): همی ۱۰- س: (نیزلن، و): بیخشد ۱۱- س (نیزلن، ل، و، ب): بیفروزد (س: برافروزد) این؛ س: (نیزلن، و): درفشان کند؛ متن = ل، ق، ل: (نیزق، ل، و، ب، آ) ۱۲- ل: گاه؛ س: (نیزلن، و، ب، آ): راه؛ متن = س، ق، ل: (نیزلن، ق، ل، و، ل، و، ب) ۱۳- ل: (نیزب): به؛ متن ← ۱۴- ل: گرم؛ (پ: بزم؛ ل: نرم)؛ س (نیزلن، ب): نماند بن درد و تیمار؛ (ل، آ): بگیتی نماند زمن درد؛ ل: بماند بگیتی زمن درد؛ متن = ق، س: (نیزق، و)؛ ل بجای این بیت و پ پس از آن افزوده اند:

برد مرمرای زین سپنجی سرای (پ: زباغ بهشم دهد خوب جای)

بود در همه نیکو سی رهنمای

۱۵- س، ل، س: (نیزلن، پ، ب): نباید؛ (ل: بماند)؛ متن = ق (نیزق، ل، و، آ) ۱۶- ق، ل: نیچد؛ ل، ل: این بیت را ندارند، ولی بنداری نیز آنرا داشته است: وینقلنی من هذه الدنيا العزارة الی جواره الکریم قبل أن أعدل عن سنن السداد، ویزیغنی الشیطان عن لقم الرشاد مثل من سبق من الملوك ۱۷- س، ق، ل، س: هرچه ۱۸- ق: گفتم ۱۹- (ق، ل، و، آ): به؛ پ: بسست از جهان آنچه جستم ۲۰- س (نیزلن، ب): راه خرام؛ (پ: کاید خرام)؛ ل: بسیچیدن کار خرام؛ متن = ل، ق، س: (نیزق، ل، و، آ) ۲۱- ل (نیزلن، پ، آ): نغنود؛ س، ل: (نیزو): نغنود (حرف یکم نقطه ندارد)؛ متن = ق، س: (نیزلن، ق، ل، و، ب) ۲۲- (و): پایگاه ۲۳- (و: همان) ۲۴- س: گنج و تاج ۲۵- ل، س: پند دادن زال سام (س: شاه) کیخسرو را؛ ق: نکوهش کردن زال سام کیخسرو را؛ ل: پاسخ دادن زال کیخسرو را؛ متن ← ل، س ۲۶- ل: (نیزلن): غمین ۲۷- س، ل: (نیزلن، ل، و، ب): پهلووان؛ (ل، آ: ایران سپه را)؛ متن = ل، ق، س: (نیزق، ل، و، ب) ۲۸- (ل، آ: همی)

<p>خرد را به مغز اندرش^۲ جای نیست پرستنده ام پیش تخت کیان، چون^۳ گفت، ما را نباید^۴ نهفت که او هیچ^۵ راند چنین داستان که از راه یزدان سرش بازگشت نبردند هرگز بدین شاخ^۶ دست گر آید^۷ به جان اندرون کاستی کزینسان سخن کس نگفت از کیان مبادا که او گم کند رسم و راه^۸ چنین گفت کای خسرو^۹ داد و راست^{۱۰}، چو کز آورد رای^{۱۱} پاسخ^{۱۲} مکن ببندد^{۱۳} به^{۱۴} تلخی در^{۱۵} کاستی ازین^{۱۶} راستی پیش این^{۱۷} انجمن همانجا بُد آرام و آبشخورت که جز جادوی را^{۱۸} ندیدی به خواب پر از رنگ رخ، دل^{۱۹} پُر از کیمیا بزرگی و شاهی و تاج و کمر همه^{۲۰} گردش اختران^{۲۱} بشمرد همین^{۲۲} تلخ گفتار بگشادمش</p>	<p>به ایرانیان گفت کین^۱ رای نیست که تا من^۲ بیستم کمر بر میان ز شاهان ندیدم کسی کین^۳ بگفت نباید بدن^۴ بیش^۵ همدستان مگر دیو با او هم آواز گشت فریدون و هوشنگ یزدان پرست بگوم بدو من همه راستی چنین یافت پاسخ از^{۱۱} ایرانیان همه با تویم^{۱۲} آنچه^{۱۳} گویی به شاه شنید این^{۱۴} سخن زال^{۱۵} بر پای خواست ز پیر جهان دیده بشنو سخن که^{۲۱} گفتار تلخست با^{۲۲} راستی نباید^{۲۶} که آزار گیری^{۲۷} ز من به توران زمین^{۳۰} زادی از مادرت ز یکسو نبیره ردافراسیاب چو کاوس بدخیم^{۳۲} دیگر نیا ز خاور وُرا بود تا باختر همی خواست کز آسمان بگذرد بدان^{۳۶} بر بسی پندها دادمش</p>
---	---

۱- ق: این ۲- (ب: اندرون) ۳- ق: که من تا ۴- س (نیزب): که کس این: ل (نیزلن، لن): که این کس: متن = ل، ق، س (نیزق: و، آ) ۵- ل، ق (نیزق: و): چو او: متن = س، ل، آ، س (نیزلن، لن، آ، ب) ۶- ل (نیزآ): نباید ۷- ل (نیزلی، ب، آ): بدین بود: ق: برین بود: س (نیزلن): بدن هیچ: (ل: بدن نیز: و، لن: شدن بیش): متن = س، ل (نیزق، آ، ب) ۸- س (نیزل): بیش ۹- ل (نیزلی، آ): کار: س (نیزلن، ب): بدین (س: بدان) شاخ هرگز نبردند: متن = ق، ل، آ، س (نیزق، ل، آ، ب، و، لن) ۱۰- ق (نیزلی، آ): آرد ۱۱- ل، ق: ز ۱۲- ل: تواد: (ب: تویی) ۱۳- ق، ل: آنچه ۱۴- س: رای و راه: (ق، و، راه و گاه) ۱۵- ق: آن ۱۶- ل، آ، س (نیزلی): زال و ۱۷- س (نیزلن، لن، ب): داور: بنداری: فقده زال و قال: ایها الملك العادل ۱۸- ق (نیزلن، ل، و، لن، آ، ب): داد (لن: راد) راست ۱۹- (لن، لن: رای و: ل: آورد ایچ) ۲۰- س، ق، ل، آ، س (نیزلن، ل، آ، ب، و، لن، آ، ب): فرمان: متن = ل (نیزق، ل، آ) ۲۱- (ب: چو) ۲۲- (لن): نا ۲۳- ل: بندد (حرفهای یکم و دوم نقطه ندارند): (لی، ب، و، لن، آ، ب: بندد): متن = س، ق، ل، آ، س (نیزلن، ق، آ، ب) ۲۴- ق (نیزلن): ز ۲۵- (لن: دم: ب: درون): س (نیزل): ببندد در کثری و ۲۶- ل: نشاید: متن = س، ق، ل، آ، س (نیزلن - ب) ۲۷- س: که این راز ۲۸- ل: برین: (ل: بدین): متن = س، ق، ل، آ، س (نیزلن، ق، ل، آ، ب) ۲۹- ل: آن ۳۰- (لن: زمی) ۳۱- س، ق، ل، آ، س (نیزلن - ب): شب: متن = ل ۳۲- ل (نیزلی، آ، و، آ): درخیم (?): متن = س، ق، ل، آ، س (نیزلن، ق، آ، ب، لن، آ، ب) ۳۳- (ل: سر): س (نیزب): پراز رنگ دل رخ: ل (نیزق، آ، ب، و، لن): پراز رنگ رخ دل: (لن: پراز رنگ رخ دل): متن = ل، ق، س (نیزلی، آ): بنداری: و من الطرف الآخر الی کیکاوس الذی کان معروفًا بشراسة الخلق بین الأناد ۳۴- (ق: دگر: آ: همی) ۳۵- (و: آسمان: لی، آ: همی اختران یک بیک) ۳۶- س، س (نیزلن، ق، ل، آ، ب): بران: (لی، آ: برین): متن = ل، ق، ل (نیزب، لن) ۳۷- س (نیزو): بسی: (لی، ل، آ: همی)

<p>ازو بازگشتم پُر از داغ^۴ و درد ببخشد بر جانش^۵ یزدان پاک سری پُر ز گرد و^۸ دلی پُر هراس زره دار با گره‌ی گاوسار بیاراستی^{۱۰} دشت خوارزم را پیاده^{۱۴} شدی پیش^{۱۵} جنگِ پشنگ^{۱۶} به ایران کشیدی ردافراسیاب نرستی، نسبتی به کین کس^{۱۹} میان ببخشد و رای تو پیوسته کرد به دادار دارنده بُد^{۲۱} ناسپاس گه^{۲۳} بخشش و پوشش و جام^{۲۴} بود، فزون تر بدی، دل^{۲۷} پُر آزارتر، به کژی گذشتی^{۳۰} و راه بدی نیاید^{۳۲} جهان آفرین را پسند</p>	<p>بسی^۱ پند بشنید^۲ و سودش^۳ نکرد چو برشد، نگون اندرآمد به خاک بیامد^۶ به یزدان شده^۷ ناسپاس تو رفتی و شمشیرزن صد هزار چو شیرِ ژیان ساخته^۹ رزم را ز پیش سپه تیز^{۱۱} رفتی^{۱۲} به جنگ^{۱۳} گر او را بدی بر توبر^{۱۷} دست یاب زن و کودکی خرد^{۱۸} ایرانیان ترا ایزد از دست او رسته کرد بگشتی کسی را کزو بُد^{۲۰} هراس چو گفتم که^{۲۲} هنگام آرام بود به^{۲۵} ایران کنون کار دشوارتر^{۲۶} که تو^{۲۸} برنوشتی^{۲۹} ره ایزدی ازین بد^{۳۱} نباشد تنت سودمند ۲۷۰۰ ۲۷۰۵ ۲۷۱۰</p>
--	---

۱- س: همی ۲- ل، س (نیزلن، ق، و): شنید (حرف یکم نقطه ندارد)؛ س (نیزب، ل، ن): نشید؛ (لی، آ: دادمش پند)؛ متن = ل (نیز ل، ب) ۳- ل (نیزلی، ل، ن، آ): سودی؛ (ل: فرمان)؛ متن = س، ل، س (نیزلن، ق، آ، ب، و، ب) ۴- (لی، آ: پرازار)؛ ق بیت های ۲۶۹۷ و ۲۶۹۸ را ندارد؛ س: پس از این بیت افزوده است:

بصندوق و کرکس همی شد بچرخ که گیرد از آن گردش چرخ برخ

۵- (ل: تنش) ۶- ق: نیامد ۷- ق (نیزلی، آ): یزدان و شد ۸- س (نیزلی، آ، ب): ز کینه؛ (لن، ل، ن: ز کین و)؛ متن = ل، ق، ل، س (نیزق، ل، ب، و) ۹- ل، ق (نیزلی، آ): ساختی؛ متن = س، ل، س (نیزهفت دستنویس دیگر) ۱۰- س: بیاراسته؛ (و: برآراستی)؛ س: پس از این بیت افزوده است:

چو شیر دمان جنگ را ساخته چوپیل ژیان گردن افراخته

۱۱- ل: یز (حرف یکم نقطه ندارد)؛ ل، س (نیزلی، ل، ن، آ): نیز؛ متن = س، ق (نیزلن، ل، آ، ب) ۱۲- (ق: باواز شیده برفتی) ۱۳- (و: باورد شیده شدی تیزچنگ) ۱۴- (لن: بیازی) ۱۵- ل: پس به؛ ق: نزد؛ متن = س، ل، س (نیزلن - ب) ۱۶- حرف یکم درپ، ب با سه نقطه؛ س: پس از این بیت افزوده است:

همان شیده کوبود جادو پسر بتر بود از جادوی بی بریدر

۱۷- س: آن؛ (لی، آ: خود) ۱۸- س: از مرز؛ (لن، ب، و، ل، ن، آ: ب: خرد از؛ ق: خرد و)؛ متن = ل، ق، ل، س (نیزلی، ل، آ) ۱۹- ق: نسبتی کسی زان؛ (لی، و: نسبتی کمر در؛ ل: بیستی برین کین؛ ق: ببردی که بست بکینه)؛ ل: ببردی بکین کس نسبتی؛ متن = س، ل، س (نیزلن، ب، ل، ن، آ، ب) ۲۰- س (نیزآ): که زو بد؛ (ق: که بد زو) ۲۱- (ق: و؛ شد) ۲۲- ل، س (نیزلن، ب): گفتیم؛ (ل: گفتیم و) ۲۳- ل: گه ۲۴- (لی، ل، آ: کام)؛ ق: پرسش (حرف یکم نقطه ندارد) و جام؛ س: کوشش و کام؛ (ق: پوشش (حرف یکم نقطه ندارد) جام)؛ س، ل (نیزلن، ب): کوشش و پوشش و (ل، ن: [و]) کام؛ (لن، ب: پوشش و کوشش و کام)؛ متن = ل (نیزو؛ درو حرف یکم پوشش نقطه ندارد)؛ س: پس از این بیت افزوده است:

بیاسود از رنج شاه و سپاه همی تازه داریم جان سال و ماه

۲۵- ق (نیزق): از؛ (ب، و: بر) ۲۶- ل- س (نیزلن - ل، و- ب) دشوارتر؛ متن = (ب) ۲۷- ق: بدی و؛ (لن: بدین دل)؛ س: فزون انده و دل ۲۸- س، ل، س (نیزلن - ب): کنون؛ متن = ل، ق ۲۹- (آ: درنوشتی) ۳۰- (لن: رسیدی) ۳۱- ق (نیزق، ل، لی، ل، و، آ): پس ۳۲- ق (نیزلی، ب، آ): نباشد

گر^۱ این باشد ای شاه سامان^۲ تو
 پشیمانی آید ترا زین سَخُن
 و گر نیز جویی چُنین^۴ راه^۵ دیو
 بمانی پُر از درد و تن^۷ پُرگناه^۸
 به یزدان پناه و به یزدان گرای
 گر این پند من سربر^۹ نشنوی^{۱۰}
 بماندت درد و نماندت بخت^{۱۴}
 خرد باد جان تو را رهنمای^{۱۷}!

۲۷۱۵

سَخُن‌های دستان چو^{۱۹} آمد به بُن
 که ما هم برآیم^{۲۰} کین پیر^{۲۱} گفت^{۲۲}
 ۲۷۲۰

نگردد کسی گردِ پیمان^۳ تو
 براندیش و فرمانِ دیوان مکن
 ببرد ز تو فر^۶ گیهان‌خدیو
 نخوانند ازین پس ترا نیز شاه
 که اویست بر نیک و بد رهنمای
 به^{۱۱} آهرمن^{۱۲} بدگشش بگروی^{۱۳}،
 نه آواز شاهی^{۱۵}، نه تاج و نه تخت^{۱۶}
 به پاکی بماناد مغزت به جای^{۱۸}!

یلان برگشادند یکسر سَخُن
 نباید^{۲۳} درِ راستی را^{۲۴} نهفت

گفتار اندر پاسخ دادن کیخسرو زال را^{۲۵}

چو کیخسرو آن گفت ایشان^{۲۶} شنید
 پُر^{۲۹} اندیشه گفت: ای^{۳۰} جهان‌دیده زال
 اگر سرد گویمت^{۳۳} بر^{۳۴} انجمن

زمانی بیاسود^{۲۷} و اندرشمید^{۲۸}
 به مردی بی اندازه^{۳۱} پیموده^{۳۲} سال،
 جهاندار نپسندد این^{۳۵} بد ز من

۱- (ق: که) ۲- ق: آرام؛ (ل: پیمان) ۳- س، ل (نیز لن، ق: ل، پ، و، لن، ب): فرمان؛ ق: آرام (!)؛ (لی، آ: درمان)؛ متن = ل، س، آ؛ درس ۲، ل ۳ پس از این بیت، بیت ۲۷۱۴ آمده است ۴- س: همی؛ (لی، آ: وگر بسپری این جهان) ۵- ل (نیز ل): کار؛ متن = س، ق، ل، آ، س (نیز لن، ق: ل، پ) ۶- س (نیز لن، ب): راه ۷- ل، ق: دل؛ متن = س، ل، آ، س (نیز لن، ب، لن، آ، ب) ۸- (ب: بیگناه؛ و: ترس و گناه)؛ درس ۲، ل ۳ این بیت پس از بیت ۲۷۱۱ آمده است ۹- ل، ق (نیز ل، آ): یک بیک؛ متن = س، ل، س، آ (نیز هفت دستنویس دیگر) ۱۰- ل، س، ل: بشنوی (حرف یکم نقطه ندارد)؛ (ق: ل، لی، لن، آ، ب: بشنوی)؛ متن = ق، س، ل (نیز لن، ل، پ، و) ۱۱- س، ل (نیز لن، لن، آ، ب): بدان؛ (ل: آبا)؛ متن = ل، ق، س، ل (نیز ق، لی، ب، و) ۱۲- ل - س (نیز لن - پ، لن، آ، ب): اهرمن؛ (و: اهرمین)؛ متن تصحیح قیاسی است ۱۳- (ق: آ، ب: نگروی؛ لن، لن: همچو جم نگروی)؛ متن = ل - س (نیز لی، ل، پ، و) ۱۴- ق: بمانی بدرد و نمائی به تخت؛ س: نماندت ملک و نماندت بخت؛ (ل: نماندت تاج و نماندت تخت) ۱۵- ل (نیز لن، ق: و، لن): نه اورنگ شاهی؛ س: نه کشور نه لشکر؛ (ل: نه ایوان شاهی)؛ متن = س، ق، ل (نیز لی، پ، آ، ب): بنداری؛ هذه نصیحتی. فان قبلت فقد أفلحت، و إن لم تقبل سلبت التاج والتخت ۱۶- ق: نام و نه بخت ۱۷- س (نیز لن، لی، آ، ب): رهنمون؛ متن ← ۱۸- س (نیز لن، لی، آ، ب): که راهی درازست پیش اندرون؛ متن = ل، ق، ل، آ، س (نیز ق، ل، ب، و، لن)؛ س، لن، لی، آ، ب پس از این بیت افزوده اند: خردممنند بادی و پیروز رای بیاسکی بماناد مغزت بجای ۱۹- ق: آن پیر ۲۰- (ق: برینم) ۲۱- س، ل (نیز لن، لن، آ، ب): گرد؛ متن = ل، س، ل (نیز ق، ل، آ، ب، و): بنداری؛ انا موافقون لهذا الشيخ فيما يقول ۲۲- ق: که شاهها سخن زال ز راست گفت ۲۳- (و: نشاید) ۲۴- ق: در ۲۵- ل، س، ق، ل: پاسخ دادن کیخسرو (س، ق: شاه کیخسرو) زال را ۲۶- س: ایدون ۲۷- (لن: برآسود)؛ س: برآشفت زمانی؛ متن ← ۲۸- ق (نیز ل): چمید؛ (پ: خمید؛ لی، آ: زمانی بیچمید و دم درکشید)؛ متن = ل، س، ل (نیز لن، ق: و، ب): بنداری؛ فأطرق کیخسرو عند ذلك ساعة وجعل يتفكر في نفسه ۲۹- ل (نیز لی، ب): بر؛ س، ق، ل (نیز لن، ق: و، لن): به؛ متن = (پ، آ) ۳۰- س، ق (نیز لن): این؛ س: چنین گفت شاه ای ۳۱- (ق: باندازه) ۳۲- س: پیمود؛ ق: بشمرد؛ ل: بنمود؛ (ق: ل، آ: بشمرد)؛ متن = ل، س، ل (نیز لن، ل، آ، ب) ۳۳- س، ق (نیز لن، ق: لی): گویمش؛ (لن: گویم)؛ متن = ل، ل، آ، س (نیز لی، ب، و، آ، ب) ۳۴- (لی، ب: در) ۳۵- ق: آن

دگر آنک رستم شود دردمند	
دگر آنک گر ^۲ بشمری رنج ^۳ اوی ^۳	۲۷۲۵
سپر کرد ^۴ پیشم تن خویش را	
همان پاسخت را به خوبی کنیم ^۹	
چنین ^{۱۱} گفت از آن پس ^{۱۲} به آواز سخت	
سخن های داستان شنیدم همه	
به دارنده یزدان ^{۱۳} گیهان خدیو	۲۷۳۰
به یزدان گرایدهمی جان من	
بدید این ^{۱۹} جهان را دل روشنم	
به زال آنگهی گفت: تندی ^{۲۲} مکن	
نخست آنک ^{۲۳} گفتی: ز توران نژاد	
جهاندارپور سیاوش منم	۲۷۳۵
نبیره جهاندارکاوس کی	
به ^{۲۸} مادر هم از تخم ^{۲۹} افراسیاب	
ز درد وی آید به ^۱ ایران گزند	
فزون ^۴ آید از نامورگنج ^۵ اوی ^۳	
نبد ^۷ خواب و خوردن ^۸ بداندیش را	
دلت را به گفتار تو نشکنم ^{۱۰}	
که ای سرفرازان پیروزبخت ^{۱۳} ،	
که بیدار بگشاد ^{۱۴} پیش رهم	
که من دورم ^{۱۵} از راه و ^{۱۶} فرمان دیو	
که آن ^{۱۷} دیدم از رنج ^{۱۸} درمان من	
خرد شد ^{۲۰} ز بدهای او ^{۲۱} جوشم	
بر اندازه باید که رانی سخن	
خردمند و بیدار ^{۲۴} هرگز نژاد	
ز تخم کیان شاه رویین تم ^{۲۵}	
دل افروز با ^{۲۶} دانش و ^{۲۷} نیک پی	
که با خشم او گم شدی خورد و خواب ^{۳۰}	

۱- (و: بر) ۲- (ل: اگر)؛ س: و دیگر اگر ۳- ل، س، ق: او؛ متن = ل، س ۴- (لن: برون)؛ متن ← ۵- ل، ق (نیزی، آ): بگیتی (ل: همانا) فزون آید از گنج؛ متن = س، ل، س ۶- س، ل، س ۷- (نیزل، ق، آ، ل، و، ل، ب): کرده؛ (ل: آ: سپرده به)؛ متن = ل (نیزب) ۷- ل (نیزآ، ب): بید ۸- س، ل (نیزل، ل، آ، ل، ب): خورد؛ س: خور بر؛ متن = ل (نیزق، ل، ی، پ، و، آ)؛ ق این بیت را ندارد ۹- ق، س (نیزق، و، آ): همان (س، ل، آ، ب: همه) پاسخت (ق، آ، و: پاسخش) را بخوبی کنیم (ق، ل، ی، پ، و، آ: کم)؛ س، ل (نیزل، لن، ب): همه پاسخ او بچربی کم؛ متن = ل ۱۰- س، ق، ل، س (نیزل، ب): دل او (ق: وی؛ ل، آ: تو؛ ب: دلت را) بگفتارها (ق، آ، و: بد؛ س، ل، آ: تو؛ ل: او) نشکنم (ق، س، ل، آ: نشکنم؛ ل، آ: بشکنم)؛ متن = ل؛ بنداری: فالأ ولی أن الأطفه ولا أكسر قلبه ۱۱- ل: بدو ۱۲- ل (نیزی): زانپس؛ س، ل، س (نیزل، ل، آ، ل، ب): خسرو؛ متن = ق (نیزق، ل، پ، و، آ)؛ بنداری: ثم أقبل علی الحاضرین وقال ۱۳- س، ل (نیزل، و، لن، ب): بیداربخت؛ متن = ل، ق، س (نیزق، ل، ی، ل، پ، و، آ، ب): که برخواند آنرا به؛ س: که بیداد بگشاد؛ (ل: که بگشاد بیداز؛ و: که بگشاد بیدار)؛ متن = ل، ق (نیزق) ۱۴- س، ل (نیزل، ل، ی، پ، و، آ، ب): که دورم من ۱۵- س (نیزل، لن، ب): که دورم من ۱۶- ل: [و] ۱۷- ل، آ: این (۱۸- س: درد؛ ق: رنج و) ۱۹- ل، س، ل (نیزل، ب): آن (؟)؛ متن = س؛ بنداری: وقد أبصرت بنور قلبی المنور ذلک العالم، و تحصنت بعقلی عن المکاره ۲۰- (پ، و: خروشد) ۲۱- س: تو؛ ق این بیت را ندارد؛ س پس از این بیت افزوده است:

نسبود و نباشد بدی کیش من

زدستان دژم شد دل ریش من

۲۲- (ل، آ: تیزی) ۲۳- ل: آنکه ۲۴- س: فرزانه؛ در برخی از دستنویس ها بیت های ۲۷۳۴-۲۷۳۹ درهم ریخته اند، ل، ق: ۲۷۳۶، ۲۷۳۷، ۲۷۳۴، ۲۷۳۵؛ س، لن، ب: ۲۷۳۴، ۲۷۳۵، ۲۷۳۶ (بیت ۲۷۳۶ را ندارند)؛ س: ۲۷۳۴، ۲۷۳۵، ۲۷۳۸، ۲۷۳۹، ۲۷۳۷ (بیت ۲۷۳۶ را ندارند)؛ پیاپی بیت های متن = ل، ق، آ: بنداری: أما ما زعمت من أنه لم یولد ذو عقل بتوران فإنی من الشجرة کیانیة: سلالة سیاوخش و حافد کیکاوس. و أنتسب من جهة الأم إلى افراسیاب حافد افریدون. و لا عارفی الانتساب الیه ۲۵- ل (نیزی، پ، آ): راد و باهش منم؛ (ق، ل، آ، و: شاه روشن تم)؛ متن = س، ق، ل، س (نیزل، لن، ب) ۲۶- ق (نیزق، و، لن، آ): و پیر؛ ل (نیزی، آ): پیر؛ (پ: و با)؛ متن = ل (نیزل) ۲۷- ل (نیزی، آ): [و]؛ س، ل، ب این بیت را ندارند ۲۸- س (نیزی، ل، آ، ل، آ): ز ۲۹- ق: نسل ۳۰- س: آفتاب

<p>ازین گوهر از بُن مرا^۲ نیست ننگ نشستی^۵ تن^۶ از بیمِ افراسیاب سر از پادشاهی همی برفراخت ن سازند^۸ بر پادشا سرزنش^۹ جهان را به پیروزی آراستم، و زو جور و بیداد بُد^{۱۰} بر زمین^{۱۱}، ز بدگوهران یادگاری^{۱۲} نماند ز شادی^{۱۳} و از دولت دیرباز^{۱۴}، چو ایشان^{۱۷} ز من گم شود^{۱۸} پایگاه که از جور ایشان جهان^{۲۲} گشت سیر^{۲۳} چو ایشان مرا سوی دوزخ کشد بیاراستی^{۲۷} چون دلاور پلنگ^{۲۸}، نه اسپ افگنی از در کارزار، چو رفتی به رزمش^{۳۰} درنگ آمدی و گر اختر نیک^{۳۲} خندان^{۳۳} نبود^{۳۱}، ازیرا بدانسان^{۳۷} شدم من به جنگ^{۳۸}</p>	<p>نبیره فریدون و پورِ پشنگ^۱ که شیرانِ ایران به^۳ دریای آب^۴ دگر آنک کاوس صندوق ساخت چنان دان که^۷ اندر فزونی منش کنون من چو کین پدر خواستم بگشتم کسی را کزو بود کین به گیتی مرا نیز کاری نماند هر آنکه که اندیشه گردد دراز چو کاوس و جمشید^{۱۵} باشم^{۱۶} به راه چو^{۱۹} ضحاک ناپاک^{۲۰} و تور^{۲۱} دلیر بترسم که چون روز^{۲۴} برنخ^{۲۵} کشد^{۲۶} دگر آنک گفתי که با شیده جنگ از آن بُد کز ایران ندیدم^{۲۹} سوار که تنها بر او به جنگ آمدی کسی را کجا فر یزدان نبود^{۳۱} همه^{۳۴} خاک^{۳۵} بودی به جنگ پشنگ^{۳۶}</p>	<p>۲۷۴۰ ۲۷۴۵ ۲۷۵۰</p>
---	--	-------------------------------

۱- در پ، ل، آ، ب حرف یکم با سه نقطه ۲- ل (نیز ل، ل، آ): گوهران چنین؛ س (نیز ل، ل، آ، پ، ل، ن، ب): گوهران خود (ل، آ، پ، ل، ن، مر) مرا؛ متن = ل، آ، س (نیز و): ق بیت های ۲۷۳۸ و ۲۷۳۹ را ندارد ۳- س، ل (نیز ل، ل، آ، ب): ز؛ متن = ل (نیز ل، آ، پ، و) ۴- س: ایران و جیحون بر آب؛ (ق: که شیر ژریان خود بدریای آب) ۵- ل، آ، س: بشستی ۶- س: دل؛ (ل، ل، ن، آ): سر) ۷- س: دانک ۸- ل: بسازند ۹- س: پادشاهی زنش (?) ۱۰- (پ: شد) ۱۱- س: و زو جور ایشان پذیرد زمین (!) ۱۲- س، ل، آ، س (نیز ل، ق، آ، ل، آ، پ، و، ل، ن، آ، ب): شهریاری؛ متن = ل، ق (نیز ل، آ) ۱۳- س: (نیز ق، ل، آ، و): زشاهی؛ متن ← ۱۴- ق: تیزتاز؛ س، ل (نیز ل، ل، ن، آ، ب): همی گشت باید (س: مانند) سوی خاک باز؛ متن = ل (نیز پ، آ، ل، ق، س، آ: وز) ۱۵- ق: جمشید و کاوس ۱۶- س: گردم ۱۷- س: (نیز ق): چو زیشان ۱۸- (پ: نشد): بنداری (۲۷۴۲-۲۷۴۷): و بعد آن ادرکت ثاری فی ائی، و بلغت من عدوی نهایه اربی فلا حاجة لی فی هذه الدنيا التي إن طال فيها أملی و تراخی أجلي و امتدت فيها مدة ملكی خشیت علی نفسی من الزیغ و اتباع هوی النفس مثل من سبق الملوك كالضحاک و جمشید و تور بن افریدون الذین سفکوا الدماء و خربوا الدیار ۱۹- س: نه ۲۰- ل- س (نیز ل، ق، آ، ل، آ، و): ناباک؛ متن = (پ، ل، ن، آ، ب) ۲۱- ق: ناباک شاه ۲۲- (ل: سرم؛ آ: زمین) ۲۳- ق: زیر ۲۴- (و: رنج) ۲۵- س، ل (نیز ق، ل، و): برنخ (حرف سوم نقطه ندارد): ق، س: من یخ (حرف سوم نقطه ندارد): (ل: برنخ؛ ل: من یخ؛ ل: برنخ)؛ متن = (پ، آ، ب) ۲۶- ل: روزیخ (حرف یکم نقطه ندارد) برکشد (پساوند ندارد) ۲۷- س، ل، آ، س (نیز ل، ق، آ، ل، پ، ب): برآراستی؛ ق: تو آراستی؛ متن = ل (نیز ل، آ) ۲۸- س، ق، ل، آ، س (نیز ل، ل، آ، و، ل، ن، آ، ب): نهنگ؛ متن = ل (نیز ل، ق، آ، ب) ۲۹- ل: بدیدم ۳۰- ل، ق: براو؛ س (نیز ل، آ): بجنگش؛ متن = س، ل (نیز هشت دستنویس دیگر) ۳۱- س (نیز ل، ل، ن، آ): بود ۳۲- س: تیز؛ (ل: سز)؛ س، ل (نیز ل، ل، ن، آ، ب): اخترش نیز؛ (و: اختری نیز)؛ متن = ل، ق (نیز ق، ل، پ، آ) ۳۳- س: گردان؛ (ل: چندان) ۳۴- س (نیز ل، ل، ن، آ، ب): همان ۳۵- س (نیز ل، ن، ب): خوار؛ (ل: آ، باد)؛ متن = ل، ق، ل، آ، س (نیز ق، ل، آ، پ، و، ل، ن، آ) ۳۶- در ل، آ، پ، آ، ب حرف یکم با سه نقطه؛ (ل: نهنگ) ۳۷- س، ق، ل (نیز ل، ق، آ، ل، ن، آ، ب): از (ز) ایران از انسان (س: برانسان؛ ل، آ، ل: بدانسان؛ ل، ن: بتوران)؛ (پ: ازیرا بر او)؛ متن ← ۳۸- ل (نیز ل، آ، و): از ایران بدانسان (ل: بدینسان) شده تیز جنگ؛ (ل: آ: ز ایران بدین کین شدم پیش جنگ)؛ متن = س

بدین پنج هفته که من روز و شب
 ۲۷۵۵ بدان تا جهاندار یزدان پاک
 شدم سیر ازین^۱ لشکر و تاج و تخت
 تو ای پیر بیدار^۳ دستانِ سام
 به تازی^۴ و کژی بگشتم^۵ ز راه
 ندانم^۸ که بادافره^۹ ایزدی
 همی بافرین برگشادم دو لب،
 رهند مرا زین غم تیره خاک
 سبک بار^۲ گشتم و بستیم رخت
 مرا دیو گویی که بنهاد دام
 روان گشت^۶ بی مایه و دل سیاه^۷
 کجا یابی و^{۱۰} روزگار بدی

گفتار اندر پوزش خواستن زال از کیخسرو^{۱۱}

چو دستان شنید این سخن خیره گشت^{۱۲} ۲۷۶۰
 خروشان شد از شاه^{۱۵} و بر پای جست^{۱۶}
 ز من بود تیزی^{۱۸} و نابخردی
 سزد گر ببخشی گناه مرا
 مرا سالیان شد فزون از شمار^{۲۱}
 ز شاهی^{۲۳} ندیدم که زین^{۲۴} گونه راه
 ۲۷۶۵ کنون گشت کیخسرو آموزگار
 نخواهم که باشم ز خسرو جدا
 همه^{۱۳} چشمش از روی او^{۱۴} تیره گشت^{۱۲}
 چنین گفت کای شاه یزدان پرست^{۱۷}
 توی^{۱۹} پاک و فرزانه و^{۲۰} ایزدی
 اگر دیو گم کرد راه مرا
 کمر بسته ام^{۲۲} پیش هر شهریار
 بجستی به^{۲۵} دادار خورشید و ماه
 که زو^{۲۶} دور باد^{۲۷} بد روزگار
 خرد هست^{۲۸} بر تیره جانم^{۲۹} گوا

۱- ل، ق، ل (نیز ل^۲): زین ۲- ل (نیز ل^۳، ل، و، ب): باز ۳- س، ل (نیز ل^۴، ل، ن، ب): فرخنده؛ متن = ف، ل، ق، س (نیز ق^۵ - و، آ) ۴- ف (نیز ل^۶، ل، ن، آ): ببازی؛ س: بتازی؛ متن = ل، س، ق، ل (نیز ل^۷، ق، آ، ل، پ، و، ب) ۵- (ل، ن، ل، پ، ل، ن، آ: نگشتم) ۶- (ل، ن: گشته) ۷- ل، س، ل (نیز ل^۸، پ، ل، ن، ب): تباها؛ متن = ف، ق، س (نیز ق^۹، ل، ن، و، آ): بنداری؛ و أنت تزعم أن الشيطان قد نصب لك الحباله وأمال قلبك إلى الزيف والضلاله ۸- (ل: بدانم؛ ب: نمانم) ۹- س، ل (نیز ل^{۱۰}، ق، آ، ل، و، ل، ن، ب): با فره؛ متن = ف، ل، ق، س (نیز ل^{۱۱}، پ، آ) ۱۰- ل: یایم؛ و؛ س: یافتی؛ ل (نیز ل^{۱۲}، ل، ن، آ: یابی آن؛ ق، آ، ل، و: یابی این؛ ب: یایم آن؛ متن = ف، ق، س (نیز ل^{۱۳}، پ، آ): بنداری؛ فلا أدري بأى المكاره والأسواء تجازى على ذلك يوم الجزاء؟؛ س: پس از بیت ۲۷۵۹ افزوده است:

بپیچد روانت ازین گفته ها
 بدین خام گفتار بی آب و شرم
 چوپیدا شود بر تو بنهفته ها
 که گفتی و بر من بجوشید چرم
 تن و دودمان تو چونان شود

۱۱- ق: پوزش خواستن زال از کیخسرو و رفتن شاه با پهلوانان بصرها؛ ل: پوزش خواستن زال کیخسرو را؛ ف، ل، س، س: سرنویس ندارند؛ متن ← ق ۱۲- ل، ق (نیز ق^{۱۳}، ل، ن، آ): شد ۱۳- ل، س، ق (نیز پ، و، ب): همی؛ متن = ف، ل، س (نیز ل^{۱۴}، ق، آ، ل، ن، آ) ۱۴- (ل، آ: جهان پیش چشمش همه) ۱۵- س: راه؛ (پ: جای) ۱۶- ل، ق (نیز ل^{۱۷}): خاست؛ متن ← ۱۷- ق (نیز ل^{۱۸}): با داد راست؛ ل: داور داد و راست؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیز ل^{۱۹}، ق، آ، ل، ن، ب) ۱۸- س: کژی؛ (پ، ل، ن، آ: پیری) ۱۹- ف، س، ق، ل، آ، س (نیز ل^{۲۰} - ب): تویی؛ متن = ل ۲۰- (ل، ن، پ، ل، ن، آ): فرزانه؛ ل، س، ل (نیز ق^{۲۱}، و، ب): پاک فرزانه؛ ق: پاک فرزانه و؛ (ل، آ: بلکه فرزانه)؛ متن = ف، س ۲۱- (ل، آ: همی بی شمار؛ ل، و: فزون از هزار) ۲۲- ف: بسته؛ (به پیش پنجم)؛ س: بسته در ۲۳- ل - س (نیز ل^{۲۴}، ق، آ، ل، ن، ب - ب): شاهان؛ متن = ف (نیز ل^{۲۵}) ۲۴- ل - س (نیز ل^{۲۶}، ل، ن، و - ب): کزین؛ (پ: ازین)؛ متن = ف ۲۵- ل - س (نیز ل^{۲۶}، ل، ن، و - ب): ز؛ (پ: که جستی ز)؛ متن = ف ۲۶- س - س (نیز ل^{۲۷} - ب): کزو؛ متن = ف ۲۷- (ل، ن: دور شد هم)؛ ل بیت های ۲۷۶۶ - ۲۷۶۸ را ندارد؛ در س، ل، ل، ن، آ، ب بیت ۲۷۶۶ پس از بیت ۲۷۶۹ آمده است ۲۸- س - س (نیز ل^{۲۹}، ق، آ، ل، ن، ب): باد؛ متن = ف (نیز ل^{۳۰}) ۲۹- ق: بر جان پیرم

به ایران بنزدیک هر نیک خواه ^۳ ، ازین دادگر خسرو ^۵ نیک خوی پسند آمدش پوزش نیک خواه ^۶ نیبوست بر ^۸ شاه خورشیدچهر بر خویش بردش به جای نشست که اکنون ببندید ^{۱۱} یکسر کمر دگر هرک ^{۱۱} او نامدارست و ^{۱۲} نیو، درفش همایون ^{۱۳} به هامون برید بسازید بر دشت جای نشست بسازید روشن ^{۱۷} یکی بزمگاه ^{۱۸} ببرند پرده سرای از نهفت ^{۱۹} به فرمان بیستند یکسر ^{۲۰} میان سپید ^{۲۱} و سیاه و بنفش و کبود جهان زو شده سرخ و زرد و بنفش برافراخته زو ^{۲۲} درفش سیاه ^{۲۳} ز کاو ^{۲۴} بزرگان ^{۲۵} روشن روان چو گرگین و خراد ^{۲۶} و شاپور ^{۲۷} نیو بزرگان که بودند با او بهم ^{۲۸}	فزونست از آن رنج و ^۱ کردار ^۲ شاه که ما را جدایی بود ^۴ آرزوی سخن های دستان چو بشنید شاه سپهبد بدانست کان ^۷ جز به مهر بیازید و بگرفت دستش به دست چنین گفت پس شاه با ^۹ زال زر تو و رستم و طوس و گودرز و گیو سراپرده از شهر بیرون برید ز خرگاه و از ^{۱۴} خیمه چندان که ^{۱۵} هست درفش بزرگان و ^{۱۶} پیل و سپاه چنان کرد رستم که خسرو بگفت به هامون کشیدند ایرانیان زمین کوه تا کوه پُر خیمه بود میان اندرون کاویانی درفش سراپرده ی زال نزدیک شاه به دست چپش رستم پهلوان به پیش اندرون طوس و گودرز و گیو پس پشت او بیژن و گستم
	۲۷۷۰ ۲۷۷۵ ۲۷۸۰ ۲۷۸۵

۱- س، ل^۲ (نیز پ، و)؛ [و]؛ [ق]؛ [گنج و] ۲- (لی، آ: تیمار؛ و: گفتار) ۳- (ق، ا، و: کینه خواه)؛ ق بیت های ۲۷۶۸ و ۲۷۶۹ را ندارد ۴- ل (نیز پ، و)؛ نبود ۵- (لی، آ: از آن نامور مهتر)؛ درس، ل، ل، لن، ل، ب این بیت پس از بیت ۲۷۶۶ آمده است ۶- ف این بیت را ندارد ۷- ل، س، ل، س، ل، س، ل، ب، و، ب)؛ بدانست کوا این (س، ل، ل، ب؛ آن؛ ق: زان) سخن؛ متن = ف ۸- ل (نیز لن، ل، ل، ب، و)؛ نیبمود با؛ س، ل، ل، س، ل، س، ل، ب)؛ نیبمود بر؛ متن = ف؛ ق، ل، ل، ل، آ این بیت را ندارند؛ درل، س، ل، ل، س، ل، ل، ق، ل، ل، ب، و، ب این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است؛ پیاپی بیت های متن = ف ۹- ف: گفت با مهربان؛ متن = ل - س (نیز لن - ب) ۱۰- ق: ببندیم ۱۱- س، ق، ل، ل، س، ل، ل، هرکه ۱۲- ل، ل، ل (نیز لن، ق، ل، ل)؛ [و] ۱۳- ل: درفش و سپه را؛ درل، ق بیت های ۲۷۷۵ و ۲۷۷۷ پس و پیش شده اند ۱۴- ف، ل، ل، ق، ل، ل، س، ل، و: وز؛ متن = س ۱۵- ل، س، ق: چندانک ۱۶- ف: ز کوس و درفش وز؛ متن ← ۱۷- ف: خرم؛ متن = ل - س (نیز لن، ق، ل، ل، ب، و، لن، ل، ب) ۱۸- ف: بارگاه؛ ل، ل، ل (نیز لن، ب)؛ رزمگاه؛ (ل: جشنگاه)؛ متن = س، ق، س، ل، ل، ب)؛ ل، آ این بیت را ندارند؛ درس، ل، ل، لن، ل، ب، ل، ل، ب، ل، آ بیت های ۲۷۷۷ - ۲۷۸۰ درهم ریخته اند: ۲۷۸۹، ۲۷۸۰، ۲۷۷۸، ۲۷۷۷ ۱۹- ل، ق بیت های ۲۷۷۸ - ۲۷۸۲ را ندارند ۲۰- س (نیز پ)؛ یک یک؛ ل؛ هر یک؛ (لی، آ: بیستند یکسر بفرمان) ۲۱- (و، لن: سفید)؛ درق، ل، و لت های این بیت پس و پیش شده اند؛ بنداری: ثم أشار علیه بأن ييرزمع رستم و طوس و جودرز و جميع الملوك والأمراء والقواد بالسراقات والحيم، ويخيموا في الصحراء، ويخرجوا معهم الألوية والأعلام فامتلوه أمره في ذلك ۲۲- ل: برافراختند آن ۲۳- س: تا برآید سپاه ۲۴- ف، ل، ق، ل، ل، س، ل، ل (نیز لن، ق، ل، ل، ب، و)؛ کابل؛ س: زابل؛ (ل: یکایک)؛ متن تصحیح قیاسی است ۲۵- ف: بزرگان و ۲۶- س (نیز لن): فرهاد؛ متن ← ۲۷- (ب: شاپور و خراد؛ ب: شاپور و فرهاد)؛ ل، س، ل (نیز ل: ل): رهام و شاپور و گرگین؛ ق (نیز ل، و): رهام و شاپور و گردان؛ (لی، آ: رهام و گرگین و شاپور)؛ متن = ف، ل (نیز لن) ۲۸- ف، ل بیت های ۲۷۸۵ - ۲۷۸۷ را ندارند

گفتار اندریند دادن کیخسرو ایرانیان را^۱

شهنشاه بر تخت زرین نشست	یکی گزهی گاوپیکر به دست
به یک دست او زال و رستم هم	چو پیل سرافراز و شیر دژم
به دست دگر طوس و گودرز و گیو	چو رهام و شاپور و گرگین نیو ^۲
نهاده همه چشم بر چهر ^۳ شاه	بدان تا چه گوید ز کار سپاه
به آواز گفت آن زمان شهریار	که ای پهلوانان به روزگار ^۴
هر آنکس که دارید رای و ^۵ خرد	بدانید کین ^۶ نیک و بد بگذرد
همه رفتنی ییم ^۷ و گیتی سپنج	چرا باید این درد و اندوه و رنج؟
ز هر دست چیزی ^۸ فرازاورم	به دشمن بمانیم ^۹ و خود بگذریم
کنون گاورنجت به ^{۱۰} چرم اندرست ^{۱۱}	که پاداش و ^{۱۲} بادافره از داورست ^{۱۳}
بترسید یکسر ز یزدان پاک	مباشید شادان بدین ^{۱۴} تیره خاک
که این روز بر هر کسی ^{۱۵} بگذرد	زمانه دم ما همی ^{۱۶} بشمرد
ز هوشنگ رو تا به ^{۱۷} کاوس شاه	که بودند با قر و تخت و کلاه،
جز از ^{۱۸} نام ازیشان ^{۱۹} به گیتی نماند	کسی نامه‌ی رفتگان برخواند
و زیشان ^{۲۰} بسی ناسپاسان بُدند ^{۲۱}	به فرجام از آن بد ^{۲۲} هراسان بُدند ^{۲۱}
چو ایشان همان ^{۲۳} من یکی بنده‌ام	و گر چند بر ^{۲۴} رنج ^{۲۵} کوشنده‌ام

۱- ل، س: پند دادن کیخسرو ایرانیان را؛ ل: بیرون شدن کیخسرو با جوانان بصرها؛ ف، س، ق سرنویس ندارند؛ متن ← ل، س: ۲-
 س، ل: (نیز لن؛ ق، و، لن، ب): دگر بیژن گرد و گرگین (و: رهام) نیو؛ متن = س: (نیز لی، پ، آ، بنداری)؛ ف، ل، ق، ل: این بیت را ندارند؛
 بنداری (۲۷۸۶-۲۷۸۹): ثم خرج فجلس فی سراقه علی تخت من الذهب و علی أحد جانبیه زال و رستم و علی الجانب الآخر طوس و جودرز (و در
 دستنویس های دیگر: جودرز مع جیو) و رهام و سابور و جرجین قد طأوا الأعناق مطرقین ۳- ل: چهر بر چشم ۴- (لن: و مردان
 کار؛ ل: و شیران کار) ۵- ف: هوش و؛ ل (نیز لن): راه و؛ ق: راه؛ (لی، آ: چشم؛ ل: دارد روانش)؛ متن = س، ل، آ، س: (نیز ق، ب،
 و، لن، ب) ۶- (لی، آ: ببینید کین؛ ل: بدانند که این) ۷- س، ل: رفتنی ام؛ (ل: رفتنی اند)؛ ل، ق این بیت را ندارند؛ بنداری:
 اعلموا أنه لابد لنا من مفارقة دار الفناء. فما بالنا نتحمل بسبها كل هذا التعب والعناء؟ ۸- ل، س (نیز لن، و، لن، ب): خوبی؛ ل: خوبی؛
 ف: زهر گوشه (→ گونه؟) چیزی؛ ق، س: (نیز لی، ل، آ): زهر زشت و خوبی؛ متن = (ق، ب): دست چیزی → زشت و خوبی؟ ۹-
 س: (نیز پ، و): سپاریم ۱۰- ل: گاووان زیسر؛ س (نیز ق، و): گاو (ق: کار و) بختم به؛ متن = ف، ل: (نیز لن، پ، لن، آ،
 ب) ۱۱- س: جای کوشش همه ایدرست ۱۲- ف، ل (نیز پ): [و]؛ متن = س، ل، آ، س: (نیز لن، لن، ب) ۱۳- ف:
 بادافره داورست؛ ل، س، ل، آ، س: (نیز لن، پ، لن، ب): بادافره دیگرست؛ متن تصحیح قیاسی است؛ (ق، و: که با دانش و بهره دیگرست)؛
 ق، ل، آ این بیت را ندارند ۱۴- ل، س: امین بدین؛ ل: (نیز لن، لن، ب): امین درین؛ س: (نیز ق، ب): شاد اندرین؛ متن = ف، ق
 (نیز لی، ل، و، آ) ۱۵- ل (نیز پ): بر ما همی ۱۶- ل: هر کسی ۱۷- ف: و زوتابه؛ ل (نیز پ): و جمشید و؛ (ل: و زوز و؛ آ:
 رد تا به)؛ متن = س، ق، ل، آ، س: (نیز لن، ق، ل، و، لن، ب): رو → زوز؟ ← ف، ل: ۱۸- ف (نیز ق، و): بجز؛ (لی، آ: جز این)؛ متن = ل
 - س: (نیز لن، ل، ب، لن، ب) ۱۹- س: (نیز ق): نام ایشان ۲۰- ل (نیز ق، و): ازیشان ۲۱- س، ل، آ، س: (نیز لن، پ،
 لن، ب): شدند ۲۲- ف: هم؛ (ق، و: پس)؛ متن = ل، س، ل، آ، س: (نیز هفت دستنویس دیگر)؛ ق این بیت را ندارد ۲۳- ق
 (نیز لی، آ): همی ۲۴- ل (نیز لی، و، آ): بی؛ س، ل، آ، س: (نیز لن، ق، ل، آ، پ، لن، ب): با؛ ق: در؛ متن = ف ۲۵- س: رنج و

ندیدم که ایدر بماند ^۱ کسی ^۲ بکندم، سرآوردم این ^۴ درد و رنج ز تحتِ کیی روی برتافتم ^۷ بمانم ^۹ بدو ^{۱۰} هر چه ^{۱۱} خواهد ز گنج ^{۱۲} بگوم به ^{۱۴} یزدانِ نیکی شناس سلیح ^{۱۶} و در ^{۱۷} گنجِ آراسته ببخشم به هر مهتری کشوری براندیشم ^{۲۰} آرم شمارش به جای ^{۲۱} و زین تیرگی دل پیرداختم ^{۲۲} به یک هفته ^{۲۴} ایدر ^{۲۵} چمید و چرید گذر یابم و دور مانم ز رنج بمانند گردانِ ایران ^{۲۸} شِگفت خرد با دلش سخت ^{۳۰} بیگانه شد ^{۲۹} کجا خواهد این تاج و تخت ^{۳۲} آرمید نه از راه کژی و از بی خودی ست ^{۳۳} همه دشت لشکر بُد و راغ ^{۳۴} و کوه	بکوشیدم و رنج بردم بسی کنون جان و دل ^۳ زین سرای سپنج کنون آنچه ^۵ جسم همه ^۶ یافتم هرآنکس که در پیش من برد رنج ^۸ ز گردان زهر کس که دارم ^{۱۳} سپاس بر ^{۱۵} ایرانیان بخشم این خواسته هر آنکس که هست از شما مهتری همان بدره و برده ^{۱۸} و چار پای ^{۱۹} ببخشم که من راه را ساختم شما دستِ شادی و ^{۲۳} خوردن برید بخواید ^{۲۶} تا زین سرای سپنج چو کیخسرو این پندها برگرفت ^{۲۷} یکی گفت کین شاه دیوانه شد ^{۲۹} ندام بدوبر ^{۳۱} چه خواهد رسید [دگر گفت: گفتار او ایزدی ست برفتند یکسر گروه‌ها گروه	۲۸۰۵ ۲۸۱۰ ۲۸۱۵
--	---	----------------------

۱- س (نیزب): بماندی ۲- س: برانم که ایدر نامم بسی (!) ۳- ف: تن؛ متن = ل- س^۲ (نیزلن - ب)؛ بنداری: و من أجل ذلك قلعت قلبی من هذا الدار الفانیة ۴- س، ل^۲ (نیزلن، لن، ب): برآوردم از؛ س^۲ (نیزق، ب): برآوردم این؛ متن = ف، ل، ق (نیزلی، ل، ب) (و) ۵- ق، ل^۲: آنچه ۶- س: همان آنچه جسم کنون ۷- (ل، آ: اگر زین جهان تیزبشتافتم) ۸- (لن: رنج برد) ۹- ل (نیزب، و): ببخشم؛ (ل، آ: بمانند؛ ل: بماندم)؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س^۲ (نیزق، لن، ب) ۱۰- س: برو ۱۱- ل: هرچ ۱۲- (لن: چنان دان که رنج از بی گنج برد) ۱۳- ل، ل^۲ (نیزلن، لی، پ، لن، آ): ز کردار هرکس که دارد (ل، لن، پ، لن، آ: دارم)؛ س، س^۲ (نیزو، ب): ز گردان هرآنکس که دارم؛ متن = ف (نیزق) ۱۴- ف: [به]؛ ق این بیت را ندارد ۱۵- ل- س^۲ (نیزلن، ق، آ، لی، پ- ب): به؛ متن = ف (نیزل) ۱۶- س: سلاح ۱۷- ل: دز؛ س (نیزلن، ب): همان؛ ق، ل^۲ (نیزلی، ل، آ): دز؛ س^۲ (نیزب، و، لن، آ): زرو؛ (ق: آ: درو)؛ متن = ف ۱۸- س^۲ (نیزب): پرده؛ (ل: برده و بنده) ۱۹- س: برده و بدره و بارگاه ۲۰- ف: براندیشه؛ متن = ل- س^۲ (نیزلن - ب) ۲۱- (ق: شما را بجای؛ و: یکایک بجای)؛ س: براندیشم و نیست ما را نگاه ۲۲- ف، ق این بیت را ندارند؛ بنداری: فانی قد صممت عزمی علی الرواح، و فرغت قلبی من عالم المساء و الصباح ۲۳- ل، س^۲ (نیزلن، لی، ل، آ، آ): به؛ ق: سریشادی و؛ متن = ف، س، ل^۲ (نیزق، پ، و، لن، ب) ۲۴- ف: جای؛ (و: یکی هفته؛ آ: دو سه هفته)؛ متن = ل- س^۲ (نیزهفت دستنویس دیگر) ۲۵- ف، س، ل، س^۲ (نیزلن، ق، آ، لی، پ، لن، آ، ب): اندر؛ متن = ل، ق (نیزل، و) ۲۶- ل، ق (نیزق، و): بخوادم که (حرف یکم نقطه ندارد)؛ س^۲ (نیزل، آ): نخوادم که؛ (لی: بخوادم که؛ لن: نخواید)؛ متن = ف، س، ل^۲ (نیزلن، پ، ب؛ درف، س، ل، آ، لن حرف یکم نقطه ندارد) ۲۷- ل، س^۲ (نیزب): پندها را بگفت؛ (و: اندر زها درگرفت)؛ ف: چو خسرو چنین پندها برگرفت؛ متن = س، ق، ل^۲ (نیزلن، ق، آ، لی، ل، آ، ب؛ ق، لن، ق، لن، آ: آن) ۲۸- س: برودر؛ (لن، ب: ازودر؛ لی، آ: همه در) ۲۹- (لی، آ: گشت) ۳۰- س، ل^۲ (نیزلن، لن، آ، ب): همچو ۳۱- ل، س، ق، ل^۲ (نیزلن، لی، پ، آ، ب): بروبر؛ (ق: بدودر؛ و: بدوتا)؛ س^۲ (نیزل): ندانیم کورا؛ متن = ف (نیز لن) ۳۲- ق: تخت و تاج ۳۳- ل- س^۲ (نیزلن - ب) این بیت را ندارند و در ترجمه بنداری هم نیست: فلما سمعوا ذلك تحيروا فی أمره و نسوه الی الجنون. و بعد أسبوع...؛ متن = ف ۳۴- ل، ق (نیزلی، آ): غار؛ متن = ف، س، ل، س^۲ (نیزهفت دستنویس دیگر)

عَوای و آواز^۲ مستان^۳ زدشت^۴ تو گفتمی همی از هوا^۵ برگذشت^۶
 بودند یک هفته زین گونه شاد^۷ نیامد کسی را^۸ غم و رنج یاد^۹

گفتار اندروسی کردن کیخسرو گودرز گشواد را^{۱۰}

<p>۲۸۲۰</p> <p>به هشتم نشست از بر گاه شاه^{۱۱}</p> <p>چو آمدش رفتن به تنگی^{۱۴} فراز</p> <p>چو بگشاد آن^{۱۶} گنج آباد را</p> <p>بدو گفت: بنگر به کار^{۱۷} جهان</p> <p>گهی^{۱۹} گنج را روز آگندن^{۲۰} ست</p> <p>نگه کن رباطی که ویران بود^{۲۳}</p> <p>۲۸۲۵</p> <p>دگر آگیری که باشد خراب</p> <p>دگر کودکانی که بی مادرند</p> <p>دگر هر^{۳۰} که ش آید^{۳۱} به پیری^{۳۲} نیاز</p> <p>بریشان^{۳۴} در گنج بسته مدار</p> <p>دگر^{۳۵} گنج که ش نام باد آورست^{۳۶}</p>	<p>ابی^{۱۲} یاره و گرز و زرین کلاه^{۱۳}</p> <p>یکی گنج را^{۱۵} در گشادند باز</p> <p>وصی کرد گودرز گشواد را</p> <p>که با آشکارا چه دارد^{۱۸} نهان</p> <p>به سختی^{۲۱} و، روزی پراگندن^{۲۲} ست</p> <p>پلی^{۲۴} کان بنزدیک ایران بود^{۲۵}</p> <p>از ایران^{۲۶} و از^{۲۷} رنج افراسیاب</p> <p>زنانی که بی شوی^{۲۸} و بی غم خورند^{۲۹}</p> <p>ز هر کس همی دارد آن رنج راز^{۳۳}</p> <p>بخش و بترس از بد روزگار</p> <p>پُر از^{۳۷} افسر و گوهر و زیورست^{۳۸}</p>
--	---

۱- ل (نیزق، ی، ب): غو ۲- ل (نیزلن، لی، ل، و): آوای ۳- ف (نیزل): اسبان؛ متن = ل - س ۴- (نیزلن، پ، لن، ب، ب) ۴- (ق، ی، و، آ: رامشگران) ۵- ف: فلک؛ متن = ل - س ۶- (لن): درگذشت؛ ق، ی، و، آ: شده در هوا از کران تا کران) ۷- س: شاه ۸- ل، ق، ل، س ۹- س ۱۰- (نیزلن، ق، ی، ب): کسی را نیامد؛ متن = ف (نیزل) ۱۱- س: ابی یاره و گرز و رومی کلاه (۲۸۱۸ ب و ۲۸۱۹ آ را انداخته و از ۲۸۱۸ آ و ۲۸۱۹ ب یک بیت ساخته است) ۱۰- ل: بخش کردن گنج و ولایت بایرانیان؛ ق: وصی کردن شاه کیخسرو گودرز را؛ ل: وصی کردن کیخسرو گودرز را و منشور دادن؛ ف: س سرنویس ندارند؛ متن = ق، ل، س ۱۱- (لن): برابرگاه) ۱۲- ف: نبد؛ س: نه با؛ متن = ل، س، ق، ل (نیزق، ب) ۱۳- (پ: رومی کلاه؛ لن: ازودورتاج و کمربا کلاه) ۱۴- ل: بنیکی ۱۵- س: [را] ۱۶- ل، ق، ل (نیزلن، لی، پ، لن، آ، ب): در؛ (ل: گشاد او در)؛ متن = ف، س (نیزق، و) ۱۷- (ق): ز کار؛ لی، آ: بگرد) ۱۸- ل، ق (نیزلی، آ): چه در آشکار و چه اندر؛ متن = ف، س، ل، س ۱۹- (نیزهفت دستنویس دیگر) ۱۹- (لن: بهر؛ لی، آ: کهن)؛ متن = ۲۰- ل، ق، س (نیزپ): که هر گنج را روزی آگندنست (س، پ، آ: آگندنست)؛ (ق): کهن گنج روز پراگندنست؛ متن = ف، س، ل (نیزل، لن، ب؛ ل، آ: گاه پراگندنست)؛ متن = س، ل، س ۲۱- ل: بشادی ۲۲- ف: گاهی پراگندنست؛ ل، ق: سستی پراگندنست؛ (ق): روزی بس آگندنست؛ لی، آ: گاه پراگندنست)؛ متن = س، ل، س ۲۳- س: شدست ۲۴- ل (نیزلن، لی، و، لن): یکی؛ متن = ف، س، ق، ل (نیزق، پ، آ، ب)؛ بنداری؛ و اوصی الیه بانفاقه فی عمارة الخانات و القناطر و المعابر التي خرجت فی عهد افراسیاب ۲۵- س: نشست پلنگان و شیران شدست؛ درل یک برگ از بیت ۲۸۲۴ تا ۲۹۲۱ افتاده است ۲۶- ف: ز بیداد؛ (ق، و: بایران)؛ متن = ل - س ۲۷- (نیزلن، لی، پ، لن، آ، ب) ۲۷- ف، ل، ق، س: وز؛ (لی، آ: هم از) ۲۸- ل: شو ۲۹- ل، ق، ل، س (نیزق، ی، ب): بی چادرند؛ س (نیزلن): بی یاورند؛ متن = ف ۳۰- ل، س، ل (نیزلن، ق، ی، ب): آن؛ متن = ف ۳۱- (ق): آمد؛ ق: دگر آنک دارد؛ س: دگر آنک آمد ۳۲- ل، س، ق، ل (نیزلن، ق، ی، و، لن، ب): بچیزی؛ متن = ف، س (نیزلی، آ) ۳۳- ف، ل، س (نیزو): باز؛ س، ل (نیزلن، پ، لن، ب): اورنج باز؛ ق: از شرم راز؛ (لی، آ: ز مردم همی دارد آن راز باز)؛ متن = (ق) ۳۴- ف: برینها (یا: بزینهار)؛ متن = ل - س ۳۵- ل (نیزلن): در؛ س: دوم ۳۶- س (نیزلن): داد آورست؛ (لی: با دیورست؛ آ: دیورست)؛ بنداری؛ باذآور ۳۷- ف: در آن؛ ل: برو؛ متن = ل - س ۳۸- (نیزهشت دستنویس دیگر)؛ بنداری؛ و کان مملوء من الجواهر و الاکالیل و الحلی ۳۸- ل (نیزق، ب، و): افسر و زیورو گوهرست؛ س (نیزلن، ب): گوهر و افسر و زیورست؛ ل: گوهر و زیورو و افسرست؛ متن = ف (نیزلی، لن، آ)

۲۸۳۰	نگه کن به شهری که ویران شده است ^۱	گنم پلنگان و شیران ^۲ شده است ^۱
	دگر هر کجا رسم آتشکده است ^۳	ابی هیرید جای ^۴ ویران شده است ^۵
	سدیگر کسی کوز تن ^۷ بازماند	به روز جوانی درم برفشانده ^۸
	دگر چاهساری که بی آب گشت	فراوان برو ^۹ سالیان برگذشت ^{۱۰}
	بدین ^{۱۱} گنج بادآور ^{۱۲} آباد کن	درم خوار کن، مرگ را یاد کن
۲۸۳۵	دگر ^{۱۳} گنج که ش خواندندی عروس	که کاوس آگند ^{۱۴} در شهر سوس ^{۱۵}
	به گودرز فرمود کان ^{۱۶} را بیخش	به زال و به گیو ^{۱۷} و خداوند رخش
	همه ^{۱۸} جامه های تنش برشمرد	نگه کرد یکسر به رستم ^{۱۹} سپرد،
	همان یاره و طوق گنداوران	همان جوشن و گرزهای گران ^{۲۰} ؛
	از ^{۲۱} اسپان به جایی که بودش ^{۲۲} یله	به طوس سپهد سپردش ^{۲۳} گله
۲۸۴۰	همه باغ و گلشن به گودرز داد	به هر مرز و هر جای کامدش یاد ^{۲۴}
	سلیح ^{۲۵} تنش هرچ ^{۲۶} در گنج بود	که او را بدان خواسته رنج بود،
	سپردند یکسر به گیو دلیر	بدانگه که خسرو شد از جنگ ^{۲۷} سیر
	از ^{۲۸} ایوان و خرگاه و پرده سرای	همان خیمه و آخر ^{۲۹} چارپای،
	فریبرز کاوس را داد شاه	همان ^{۳۰} جوشن و ترگ و زرین کلاه ^{۳۱}
۲۸۴۵	یکی طوق روشن تر از مشتری	ز یاقوت رخشان دو ^{۳۲} انگشتری،

۱- ف: بود؛ متن = ل- س^۲ (نیز هشت دستنویس دیگر) ۲- س: سراسر گنم پلنگان؛ (لن: نشست بزرگان و شیران) ۳- ق: آتشکده ۴- ل: که بی هیرمندست؛ س: که بی هیرید بود؛ ق: که از هیرمندست؛ ل، س (نیز لن، ل، ب): که بی هیرید جای؛ (ق: که بی بهره بد جای؛ لی، آ: که بی هیزمست آن؛ پ: که بی هیرمندست و)؛ متن = ف ۵- ق: شده؛ ل: شیران بدست؛ (ب: بپیران بدست) ۶- ل (نیز ق، لی، آ): سه دیگر؛ س (نیز لن): و دیگر ۷- (لن: زین؛ پ: کز درم) ۸- (لی، و، آ: ابی کام دل ماند و بی نازماند) ۹- (لی، ل: بدو) ۱۰- (لن: درگذشت؛ ق: از بیت ۲۸۳۳ تا ۲۹۴۷ را ندارد) ۱۱- ف، ق: ازین؛ (لن: برین)؛ متن = ل، س، ل، س^۲ (نیز لی، پ- ب) ۱۲- س: دادآور؛ ق (نیز لی، پ، لن، آ): آباد؛ (لن: بشتاب و) ۱۳- ل، س^۲ (نیز و، لن، آ): در ۱۴- ل- س^۲ (نیز لن، لی، پ- ب): که (س، آ، پ: کش) آگند (لی، آ: افکند) کاوس؛ متن = ف ۱۵- ف، ل، ق، س^۲ (نیز لی، پ، آ): طوس؛ متن = س، ل^۲ (نیز لن، و، لن، آ، ب)؛ بنداری: و امره آن یفتح باب الکنز المعروف بالعروس الذی کنزه کیکاوس فی مدینة السوس ۱۶- س^۲: که این ۱۷- س (نیز لن، ب): بگیو و بزال ۱۸- (لی، آ: همان) ۱۹- ل، ق: بیژن؛ س، ل^۲ (نیز لن، لن، آ، ب): بدیشان؛ متن = ف، س^۲ (نیز لی، پ، و، آ)؛ بنداری: ثم سلم ثیابه و أسلحته الی رستم ۲۰- ق این بیت را ندارد ۲۱- ف، ل، س، ق: ز؛ س^۲: وز؛ متن = ل^۲ ۲۲- ف: که بودند جایی؛ س^۲: که بودند هر جا؛ (لی، آ: بهر جا که بودش؛ پ: بجایی که بودی؛ ب: که بودش بجایی)؛ متن = ل، س، ق، ل^۲ (نیز لن، و، لن، آ) ۲۳- ف (نیز لی، آ): سپرد آن؛ متن = ل- س^۲ (نیز لن، پ، و، لن، آ، ب)؛ بنداری: و أعطی خیمه و رعیله طوس بن نودر؛ درق بیت های ۲۸۳۹-۲۸۴۲ پس از ۲۸۴۷ آمده اند ۲۴- ل، ق (نیز لی، آ): بگیتی زممرزی که آمدش یاد؛ س، ل^۲ (نیز لن، پ، و، لن، آ، ب): (ز: وز) ایوانهایی که او کرد (پ: که آمدش) یاد؛ س^۲: بگیتی و مرزی کش آمد یاد؛ متن = ف؛ بنداری: و وهب بستانه و مجلسه لجوذر زین کشواد ۲۵- س (نیز لی، پ): سلاح ۲۶- س، ق، ل، س^۲: هرچه؛ (لن: آنچ) ۲۷- ل: گنج؛ س، ل، س^۲ (نیز لن، پ، لن، آ، ب): گاه؛ ق: تاج؛ متن = ف (نیز لی، و، آ)؛ بنداری این بیت را ندارد ۲۸- ف، س^۲: ز ۲۹- س^۲ (نیز لی، پ، و، ب): آخر؛ متن = ف، س، ل^۲ (نیز لن، لن، آ)؛ ل، ق بیت های ۲۸۴۳ و ۲۸۴۴ را ندارند؛ بنداری: و وهب سرادقه و خیمه و دوابه المریوطة عنده لفری بزرین کیکاوس ۳۰- س، ل^۲ (نیز لن، پ، لن، آ، ب): بسی؛ س^۲ (نیز و): یکی؛ متن = ف (نیز لی، آ) ۳۱- س^۲ (نیز لن): رومی کلاه ۳۲- ف: ده؛ متن = ل- س^۲ (نیز لن، لی، پ- ب)؛ بنداری: و سلم الی بیژن بن جیو طوقا مرصعا و خاتمین من الیاقوت مکتوبا علیها اسمه

نَبشته^۱ برو^۲ نامِ شاهِ جهان
به بیژن چُنین گفت کین یادگار
— که اندر جهان آن^۳ نبودی^۴ نهان —
همی‌دار و جز تخمِ نیکی مکار^۵

گفتار اندر خواهش کردن ایرانیان از کیخسرو^۶

<p>فراز آمد و تازه شد کام^۷ من که آمد پراگندن انجمن ز دردِ شهنشاه^۸ بریان شدند که را ماند^{۱۰} این تاج را یادگار؟ زَمین را ببوسید و بر پای جست سَزد کارزوها ندارم^{۱۱} نهان به رزم و به رنج^{۱۲} و به ننگ و نبرد رهی دور و فرسنگ‌های گران^{۱۳}، چو گودرز گردنکش و^{۱۵} طوس را، به مازندران روی بنهاد^{۱۶} تفت، زِنِ جادو و^{۱۸} آژدهای دلیر، به مازندران شد بنزدیک شاه جگرگاهِ کولادِ غندی^{۲۱} و بید</p>	<p>به ایرانیان گفت: هنگامِ من بخواهید چیزی که باید ز من همه مهتران زار و گریان شدند همی‌گفت هر کس که تا^۹ شهریار چو بشنید دستانِ خسروپرست چُنین گفت کای شهریار جهان تو دانی که رستم به ایران چه کرد چو کاوس‌کی شد به مازندران که^{۱۴} دیوان بیستند کاوس را تهمتن چو بشنید تنها برفت بیابان و تاریکی و دیو^{۱۷} و شیر بدان^{۱۹} رنج و تیمار ببرید راه بدرید پهلوی دیوِ سپید^{۲۰}</p>	<p>۲۸۵۰ ۲۸۵۵ ۲۸۶۰</p>
---	---	-------------------------------

۱- ل، س^۲ (نیزی، پ، و، آ): نوشته؛ متن = ف، س، ق، ل^۲ (نیزلن، لن، ب) ۲- ق (نیزی): بدو ۳- (لن: او) ۴- (لی، آ): زمین آن نمادی) ۵- ل^۲ این بیت را ندارد؛ درق پس از این بیت، بیت‌های ۲۸۳۹-۲۸۴۲ آمده‌اند ۶- ف: تشریف دادن طوس را و گودرز و پهلوانان لشکر را و قسمت کردن ولایه ابرایشان و وصیت کردن. تشریف دادن شاه کیخسرو به بیژن گیو و او را نواختن فرمودن و سپردن او را به پهلوانان لشکر خویش؛ ق، ل^۲: خواهش کردن ایرانیان از (ق: زال و ایرانیان از شاه) کیخسرو؛ ل، س، س^۲ سرنویس ندارند؛ متن ← ل^۲ ۷- (لی، آ: نام؛ لن: جان)؛ س^۲ ۲۸۴۸ ب و ۲۸۴۹ آ را انداخته و از ۲۸۴۸ آ و ۲۸۴۹ ب یک بیت ساخته است ۸- (لی، آ: بدر دل از شاه؛ و: زدرد دل شاه) ۹- ل (نیزی، آ): ای؛ (پ: این)؛ متن = ف، س، ق، ل^۲ (نیزلن، و، لن، ب) ۱۰- ل (نیزی، آ): مانی؛ متن = ف، س، ق، ل^۲ (نیزلن، پ، و، لن، ب)؛ س^۲ این بیت را ندارد ۱۱- س، ل^۲ (نیزلن، لی، لن، ب): نماد؛ متن = ف، ل، ق، س^۲ (نیز، و، آ) ۱۲- ل، ق (نیزی، پ، آ): بیزم؛ س^۲: برنج و برزم؛ متن = ف، س، ل^۲ (نیزلن، و، لن، ب)؛ ف پس از این بیت افزوده است:

نخستین کجا خسرو افراسیاب	به ایران خرامید و بگذاشت آب
سپاهی بکردار دریای چین	کسه می برنتابید آن را زمین
سیامد تن او ز زمین برگرفت	سپاهش همه دست بر سر گرفت

ل - س^۲، لن، لی، پ - ب این بیت‌ها را ندارند و در ترجمه بنداری هم نیست؛ ق، آ، ل^۲ در اینجا افتادگی دارند ۱۳- (لی، آ): چه سختی کشید او همی اندران) ۱۴- ل - س^۲ (نیزی، آ، ب): چو؛ متن = ف (نیزلن، پ، آ) ۱۵- (و: و گرگین و چون) ۱۶- ل، ق، س^۲ (نیز لی): بنهاد و؛ متن = ف، س، ل^۲ (نیزلن، پ - ب) ۱۷- ق (نیزلن): پیل؛ (و: ببر) ۱۸- ل: همان جادوی و؛ س، ل^۲ (نیزلن، لن، ب): چه جادوزن و؛ ق: همان جادو و؛ س^۲ (نیزی، پ، و، آ): چه جادو و چه؛ متن = ف ۱۹- (لی، آ: پراز) ۲۰- (لی، و، لن، آ: سفید) ۲۱- ل: غندی؛ س، ق (نیز، آ، ب): اولاد غندی؛ ل^۲ (نیزی): اولاد و غندی؛ س^۲ (نیز، و، لن، آ): اولاد غندی؛ (لن: پولاد غندی)؛ متن = ف

سر سنجه را ناگه^۱ از تن^۲ بکند
 چو سهراب^۴ فرزند، کاندرا جهان^۵
 بگشت از پی کین کاوس شاه
 و زان پس کجا رزم کاموس^۸ کرد
 ۲۸۶۵ ز کردار او چند^{۱۰} رانم سخن
 اگر شاه سیر آمد^{۱۲} از تاج و گاه
 چنین داد پاسخ که کردار او^{۱۵}
 که داند مگر کردگار سپهر
 خروشش برآمد به ابر^۳ بلند
 کسی را نبود از نژاد مهان^۶،
 ز دردش بگریده^۷ سال و ماه
 به مردی به ابر اندر آورد^۹ گرد
 کجا داستانش^{۱۱} نیاید به بن
 چه ماند^{۱۳} بدین شیردل نیک خواه^{۱۴}؟
 بنزدیک من^{۱۶} رنج و تیمار^{۱۷} او^{۱۵}
 نماینده ی داد^{۱۸} و آرام و مهر

۱- (و: سنجه دیو) ۲- (لن: بن) ۳- (و: چرخ)؛ لی، آ این بیت را ندارند؛ س، ل، لن، پ، لن، ب پس از این بیت ولی، آپس از بیت سپین افزوده اند:

چو کاوس شد سوی هاماوران (لی، آ: مازندران)
 ابا طوس و گودرز و با گیورا
 همتن بشد با سپاهی گران
 رها کرد از بسند کاوس را

چو گودرز و هم گیو و هم (س، ل، ب: چون گیو و چون؛ لی، آ: با گیو و با) طوس را
 ف، ل، ق، س، و این بیت ها را ندارند و در ترجمه بنداری هم نیست؛ ق، ل، در اینجا افتادگی دارند ۴- ف: سرخاب ۵- س: ۲
 فرزانه کز روزگار ۶- ل، س، ق، ل (نیز لن، پ، و، لن، ب): از کهان و مهان؛ س: ۲: نبد در جهان نامدار؛ متن = ف (نیز لی، آ) ۷-
 ف: همه؛ لی، آ این بیت را ندارند؛ ف پس از این بیت افزوده است:

به هاماوران رفت کاوس را
 به کین سیاوش به توران زمین
 به نیزه تن پیل سُم را ز زمین
 ل - س، آ، لن، لی، پ - ب این بیت ها را ندارند و در ترجمه بنداری هم نیست؛ ق، ل، در اینجا افتادگی دارند ۸- ف (نیز لن):
 کاوس ۹- (لی، آ: برآورد از ابر؛ پ: برآورد از آن مرز)؛ ل، ق این بیت را ندارند؛ ف، لی، آپس از این بیت افزوده اند:
 ستمکاره دیوی چوپولادوند

بگشتی بیفکنند و بگشاد بند (لی، آ: گرفتش میان و بگشتی فکند)
 5 گرفتش کمر بند فراسیاب
 وزان پس دگر باره اکوان دیو
 ز درگاهت ای شاه تنها برفت
 چو از رنجش آمد به خسفتن شتاب
 ز دریا بمردی به یکسو کشید
 به فرمان تو دردم ازدها

ل - س، آ، لن، پ، و، لن، ب این بیت ها را ندارند؛ و در ترجمه بنداری هم نیست؛ ق، ل، در اینجا افتادگی دارند؛ بنداری (۲۸۵۵-۲۸۶۵): و
 من ذلک نهوضه الی مازندران و قتله ملک الجن و تخلیصه لکیکاوس و جودرز و طوس، و قتله لولده سهراب فی طاعة کیکاوس ثم ما فعل فی وقعة
 کاموس، الی غیر ذلک من مقاماته المشهورة و وقائعه المذكورة فی خدمة هذه الدولة القاهرة ۱۰- (لی، آ: چندانکه) ۱۱- ل، س، ل (نیز
 لن، پ، و، لن، ب): که هم (پ: همی؛ و: همان؛ لن: همه) داستانش؛ ق: همانا که این داستانش (وزن ندارد)؛ س: ۲: همان داستانش؛ (لی، آ: که
 هم داستانش)؛ متن = ف ۱۲- ف: آید؛ متن = ل - س (نیز لن، لی، پ - ب) ۱۳- ل: مایه (ح: ماند) ۱۴- س (نیز لن، لی، پ - ب):
 کینه خواه ۱۵- ل، س، ق، ل: او؛ متن = ف، س ۱۶- ل - س (نیز لن، لی، و، لن، آ، ب): ما؛ متن = ف (نیز
 پ) ۱۷- (لن: پیکار) ۱۸- ل، ق (نیز لی، و، آ): کام؛ ف: کز ویست او مید؛ متن = س، ل، آ، س (نیز لن، پ، لن، آ، ب)

سَخُن‌های او نیست اندر نهفت^۱ نداند^۲ کس او را به آفاق^۳ جفت^۴

گفتار اندر منشور دادن کیخسرو رستم زال راه^۵

۲۸۷۰	بفرمود تا رفت پیش دبیر	بیاورد ^۶ قرطاس و مُشک و عبیر ^۷
	نَبشتند ^۸ عهدی ز شاه زمین ^۹	سرافراز کیخسرو پاک دین ^{۱۰} ،
	ز بهر سپهد گوی پیل تن	ستوده به ^{۱۱} مردی به هر انجمن،
	که او باشد اندر جهان پیشرو	جهاندار ^{۱۲} بیدار و سالار ^{۱۳} گو ^{۱۴}
	همو را بود کشور نیمروز	سپهدار ^{۱۵} پیروز ^{۱۶} لشکر فروز ^{۱۷}
۲۸۷۵	نهادند بر عهدبر مُهر ^{۱۸} زر ^{۱۹}	بر ^{۲۰} آیین کیخسرو دادگر ^{۲۱}
	بدو داد منشور و کرد آفرین	که آباد بادا به رستم ^{۲۲} زمین
	میانی که با زال سام سوار	برفتند با زیج‌ها بر ^{۲۳} کنار،
	بیخشدشان جامه ^{۲۴} و سیم و زر ^{۲۵}	یکی جام زر نیز تا سر گهر ^{۲۶}

گفتار اندر منشور دادن کیخسرو گودرز و گیورا^{۲۷}

۲۸۸۰	جهان دیده گودرز بر پای خاست	بیاراست با شاه ^{۲۸} گفتار راست ^{۲۹}
	چنین ^{۳۰} گفت کای شاه پیروز بخت ^{۳۱}	ندیدیم چون تو خداوند تحت ^{۳۲}

۱- ف: نهان؛ متن = ل، س، ل، آ، س^۲ (نیز لن، لی، پ-ب) ۲- (لی، آ: نماند)؛ متن ← ۳- س: بگیش؛ (وز بهر کار)؛ متن = ل، ل، آ، س^۲ (نیز لن، پ، لن، آ، ب) ۴- ف: نیاید کسی هم چنودر جهان؛ ق این بیت را ندارد ۵- ف: منشور نوشتن شاه کیخسرو در حق رستم زال و سپردن از ولایت‌ها جمله بوی و وصیت فرمودن که چه کند؛ ق، ل، آ: منشور دادن کیخسرو رستم زال (ل: ایرانیان) را؛ ل، س، س، س^۲ سرنویس ندارند؛ متن ← ق ۶- س (نیز لن، لن، آ، ب): می آورد؛ ل، آ: قلم خواست؛ متن = ف، ل، ق، س^۲ (نیز لی، پ، و، آ) ۷- س^۲ (نیز آ): حریر ۸- ل، ق (نیز لی، پ، و، آ): نوشتند؛ متن = ف، س، ل، آ، س^۲ (نیز لن، لن، ب) ۹- ق: جهان ۱۰- س، ل، آ، س^۲ (نیز لن، لن، آ، ب): بافرین؛ ق: نیک دان؛ متن = ف، ل (نیز لی، پ، و، آ) ۱۱- س (نیز لن، ب): ز ۱۲- س، ق، ل، آ، س^۲ (نیز پ، لن، آ، ب): جهاندار و ۱۳- ل: سالار و ۱۴- ق، ل، آ، س^۲ (نیز پ، و، لن، آ): نو؛ ف: جهانگیر و بیدار سالار... (واژه پسین ناخواناست)؛ (لی: جهاندار و بیدار دل شاه نو؛ آ: یکی آفرین گستریدند نو) ۱۵- س: سپهدار و ۱۶- ل، آ، س^۲ (نیز پ): پیروز و ۱۷- ف: سپهدار لشکر بود دلفروز ۱۸- ل: مهد (چم مهر) ۱۹- ف: شاه ۲۰- ل (نیز و): به ۲۱- ف: نیک خواه ۲۲- (لن: بگردان) ۲۳- (لن، آ: در) ۲۴- ل، ق (نیز لی، آ): خلعت؛ متن ← ۲۵- ف: بفرمودشان جامه و تخت زر؛ متن = س، ل، آ، س^۲ (نیز لن، پ، ب) ۲۶- ف: جامه‌یی هریکی پر گهر؛ ل، ق، ل، آ، س^۲ (نیز لی، پ، آ): جام (لی، آ: جامه) مر (س، آ، پ: پر) هریکی را (ق، پ: از) گهر؛ متن = س (نیز لن، ب)؛ س^۲ پس از این بیت افزوده است:

چو بنشست زال آفرین کرد سخت

بر آن شاه پیروز بیدار بخت

۲۷- ق: منشور دادن کیخسرو گودرز و گیورا؛ ف، ل، س، ل، آ، س^۲ سرنویس ندارند؛ متن ← ق ۲۸- ل (نیز لن، آ): لب را ۲۹- س (نیز لن، ب): چنین گفت کای داور داد و راست؛ س، لن، ب پس از این بیت افزوده اند:

جهانی سراسر بکام تو باد همیشه (س: نبشته) بهر نامه نام تو یاد

۳۰- س (نیز لن، لی، آ، ب): دگر ۳۱- (لی، آ: پیروزگر) ۳۲- ف: فروزان بتوافرو تاج و تخت؛ ل، آ: بسوده بسی یاره و تاج و تخت؛ (لی، آ: ندیدیم چون توبه بخت و هنر؛ پ: جهاندار چون تو ندیدم به تخت)؛ متن = ل، س، ق، س^۲ (نیز لن، و، لن، آ، ب)

ز گاهِ منوچهر تا کیقباد
 به پیش بزرگان کمر بسته‌ام
 نبیره پسر بود هفتاد و هشت
 همان گیو بیداردل هفت سال
 به دشت اندرون گور بُد خوردنش
 به ایران رسید، آنچ بُد شاه دید
 جهاندار^۸ سیر آمد از تاج و گاه
 چُنین داد پاسخ که بیشست ازین!
 خداوند گیتی وُرا یار باد!
 کم و بیش من^{۱۴} پاک در^{۱۵} دست تُست
 ۲۸۸۵

بفرمود تا عهدِ قم و^{۱۶} اصفهان
 نبیسد^{۱۷} ز مُشک و ز^{۱۸} عنبر دبیر
 یکی مُهرِ زرین برو^{۲۰} بر نهاد
 که یزدان ز گودرز خشنود باد!
 به ایرانیان گفت: گیو^{۲۵} دِلیر
 بدانید کو^{۲۷} یادگار منست
 مرو را همه پاک فرمان برید
 ز گودرزبان هرک^{۲۹} بُد پیشرو
 ۲۸۹۵

نهاد بزرگان و جای مهان،
 یکی نامه از^{۱۹} پادشا بر حریر
 بر آن^{۲۱} نامه^{۲۲} بر^{۲۳} آفرین کرد یاد،
 دل بدسگالانش پُرود باد^{۲۴}!
 مبادا که آید ز کردار^{۲۶} سیر
 بنزد شما زینهار^{۲۸} منست
 ز گفتار گودرز برمگذرید
 یکی آفرین گستردند^{۳۰} نو

۱- ل، س (نیز، لن، ل، ب): گاه؛ متن = ف، ق، ل، آ، س^۱ (نیزی، پ، و، آ) ۲- ل، س، ل^۲ (نیز، لن، لی، پ، ل، آ، ب): بی آزار؛ متن = ف، ق، س^۳ (نیزو) ۳- (و: زین؛ ل: آ: از او)؛ متن ← ۴- ل، ق (نیزی، پ، آ): ماند هشت (آ: شست) و دگر بر (پ، لی، آ: در) گذشت؛ متن = ف، س، ل، آ، س^۱ (نیز، لن، ل، ب) ۵- ق (نیزی): حال؛ (آ: یال)؛ س: و می خورد هال (!) ۶- س، ق، ل، آ، س^۱ (نیز، لن، و، ل، آ، ب): همان؛ متن = ف، ل (نیزی، پ، آ) ۷- ل- س^۲ (نیز، لن، لی، پ- ب): که (لی، آ: ز) تیمار او (ق: شه) گیو چندی (ل، آ، و: چندین) کشید؛ متن = ف ۸- ف: اگر شاه؛ متن = ل- س^۲ (نیز، لن، لی، پ- ب) ۹- س: همی ۱۰- س، ل، آ (نیز، لن، ل، آ، ب): همی چشم دارم ۱۱- ل، ق (نیزی، پ، آ): بنیکی ۱۲- س^۲ این بیت را ندارد ۱۳- ل، ق (نیز، پ): بدسگالانش پیر؛ ل، آ، س^۲ (نیز، لن، لی، ل، آ، ب): بدسگالان پراز؛ متن = ف، س ۱۴- ل، س^۲ (نیزی، آ): ما ۱۵- ل: بر ۱۶- س، س^۲ (نیز، لن، و، ل، آ، ب): عهد بوم؛ (پ: بفرمود عهد قم و)؛ متن = ف، ل، ق، ل^۲ (نیزی، آ)؛ بنداری: و امر بان یعقد له علی ممالک قم و اصفهان ۱۷- ل، ق (نیزی، و، آ): نویسد؛ (پ: نوشتش)؛ متن = ف، س^۲ ۱۸- س، ل^۲ (نیز، لن، آ، ب): نبشتند بر مشک و؛ (لن: نبشتند نامه به مشک و) ۱۹- (لن: عهد از؛ و: نامه و) ۲۰- (لی: بدو) ۲۱- س، ل^۲ (نیز، لن، ل، آ، ب): ابر؛ (لی: بدان؛ و: در آن)؛ متن = ف، ل، ق، س^۲ (نیز، پ، آ) ۲۲- (لن، ل، آ: نام) ۲۳- ل- س^۲ (نیز، لن، پ، و، ب): شاه؛ (لن: آ: شه)؛ متن = ف (نیزی، آ) ۲۴- ف، س، ق این بیت را ندارند ۲۵- (لی، پ، آ: شاه)؛ بنداری: ثم قال للحاضرين: اعلموا ان جیوا... ۲۶- (لن: گفتار؛ لی، آ: که دلتان زمن گشت) ۲۷- س، ل^۲ (نیز، لن، لی، و، ل، آ، ب): کین ۲۸- س: یادگار (پساوند ندارد) ۲۹- س، ق، ل، آ، س: که ۳۰- ل، ق: آفرینی بگسترده

گفتار اندر منشور دادن کیخسرو طوس نوذر را^۱

<p>بنزدیک^۲ خسرو زمین داد بوس همیشه ز تو دور دست بدی! ز ما قَرخان^۳ تا بیامد قباد که یک روز ننگشودم از کین میان^۴ بخست و بُد هیچ^۵ پیراهنم بُدم هر شبی پاسبان سپاه همی بودم^۶ اندر دم آردها دگر بند بر گردن طوس بود نه از من کسی کرد هرگز گله^۷ همی بگذرد زین سرای سپنج تو دانی هنرها و^۸ آهوی من که بیشست ازین رنجت از^۹ روزگار تو باشی سپهدار ز رینه کفش و زین^{۱۰} نامداران تن آسان تراست</p> <p>به پیش بزرگان^{۱۱} گردن کشان^{۱۲} یکی طوق ز رین و زرین کمر</p>	<p>چو گودرز بنشست برخاست طوس بدو گفت: شاهانوشه بدی! منم زین بزرگان فریدون نژاد کمر بسته ام پیش ایرانیان به کوه هَماون ز جوشن تنم ز^{۱۳} کین سیاوش بدان^{۱۴} رزمگاه به لاون^{۱۵} سپه را نکردم رها به مازندران^{۱۶} بسته کاوس بود نکردم سپه را به جایی یله کنون^{۱۷} شاه سیر آمد از تاج و گنج چه فرمایدم^{۱۸} چیست نیروی من؟ چنین داد پاسخ بدو شهریار همی باش با کاویانی درفش بدین سر ز^{۱۹} گیتی خراسان تراست</p> <p>نشتند^{۲۰} عهده بر آن^{۲۱} هم نشان^{۲۲} نهاده به قرطاس بر^{۲۳} مهر زر</p>
--	---

۱- ق: منشور دادن کیخسرو طوس نوذر را؛ ف، ل، س، ل، آ، س^۲ سرنویس ندارند؛ متن - ب ق ۲- ل- س^۲ (نیز لن، پ، لن، آ، ب): بشد پیش؛ (و: بشد نزد)؛ متن = ف (نیز لی، آ) ۳- (لن: قرخان)؛ ل، ق (نیز پ، و): ز ناماوران؛ (لی، آ: هم از فرخان)؛ متن = ف، ل، آ، س^۲ (نیز لن، ب)؛ س این بیت را ندارد ۴- ل- س^۲ (نیز لن، لی، پ- ب): که نگشادم (ل، آ: ننگشودم؛ س^۲: نه بگشادم) از بند (ق: رزم) هرگز (لی، آ: کینه روزی) میان؛ متن = ف ۵- ل، ق (نیز لی، آ): همان بود؛ س، ل^۲ (نیز لن، و، لن، آ، ب): نبود ایچ؛ س^۲: بیاغشت خفتان و؛ متن = ف (نیز پ) ۶- ل، س، س^۲ (نیز لن، لی، پ- ب): به؛ متن = ف، ل^۲ ۷- ل: بران؛ (آ: بدین)؛ ق این بیت را ندارد ۸- (لی، پ، آ: یلان) ۹- ف: سودم (یا: بودم) ۱۰- س، ل، آ، س^۲ (نیز لن، لی، پ- ب): هاماوران؛ متن = ف، ل، ق ۱۱- در ف لتهای این بیت پس و پیش شده اند؛ ق این بیت را ندارد و در لی، آ با بیت پیشین پس و پیش شده است ۱۲- ل: کنو ۱۳- ل: فرماید و ۱۴- (لن: هنرهای و؛ پ: شود این هنرها گر) ۱۵- ل (نیز لی، پ، آ): رنج تو را؛ ق، س^۲ (نیز لن، آ، ب): رنجت ازین؛ متن = ف، س، ل^۲ (نیز لن، و) ۱۶- س: ازین پس ز؛ ل: بدین مرز؛ (و: ازین مرز) ۱۷- ل- س^۲ (نیز لن، پ، و، لن، آ، ب): ازین؛ متن = ف (نیز لی، آ) ۱۸- ل، ق (نیز لی، پ، و، آ): نوشتند؛ متن = ف، س، ل، آ، س^۲ (نیز لن، لن، آ، ب): بدان؛ ق، س^۲ (نیز لی): بدین؛ (آ: برین)؛ متن = ف، ل (نیز پ، و) ۲۰- س، ل^۲ (نیز لن، لن، آ، ب): انجمن؛ متن = ف، ل، ق، س^۲ (نیز لی، و، آ) ۲۱- ف: سپردند (ناخواناست) گردان؛ س^۲: که بودند گردان و؛ (لی، آ: که فرمود سالار؛ و: که بود اوز گردان و)؛ متن = ل، ق (نیز پ) ۲۲- س، ل^۲ (نیز لن، لن، آ، ب): که بودند گردان لشکرشکن ۲۳- ل (نیز پ): نهادند بر عهد بر؛ متن = ف- س^۲ (نیز لن، لی، و، لن، آ، ب)

۲۹۱۵ بدو داد و کردش بسی^۱ آفرین که از تو مبادا دلی پُر ز کین

گفتار اندر پادشاهی دادن کیخسرو هراسپ را^۲

ز کار بزرگان چو پردخته^۳ شد
از آن مهتران نام هراسپ ماند
به بیژن بفرمود تا با^۴ کلاه
چو دیدش جهاندار^{۱۱} برپای جست^{۱۲}
۲۹۲۰ فرود آمد از نامور تخت^{۱۶} عاج
به هراسپ بسپرد و کرد آفرین
که این تاج نو بر تو فرخنده^{۱۹} باد!
سپردم ترا^{۲۱} پادشاهی^{۲۲} و گنج
مگردان زبان زین سپس^{۲۴} جزبه داد
۲۹۲۵ مکن^{۲۶} دیو را آشنا با روان
خردمند باش و بی آزار باش!

شهنشاه از آن^۴ رنجها^۵ رخته^۶ شد^۷
که از دفتر شاه کس برنخواند^۸
بیاورد هراسپ را پیش^{۱۰} شاه
برو^{۱۳} آفرین کرد و بگشاد^{۱۴} دست^{۱۵}
ز سر برگرفت آن دل افروز تاج^{۱۷}
همه^{۱۸} پادشاهی ایران زمین
جهان سربسر مر ترا^{۲۰} بنده باد!
از آن پس که بردم^{۲۳} بسی درد و رنج
که از داد باشی تو پیروز و شاد^{۲۵}
چو خواهی که بخت بماند^{۲۷} جوان
همیشه زبان^{۲۸} را نگهدار باش!

۱- ف: داد بسیار و کرد؛ متن = ل- س^۲ (نیز لن، لی، پ- ب)؛ ف پس از این بیت افزوده است:

چو گرگین و چون زنگه شاوران
یکی عهد مرهریکی را بداد
دگر نامداران و کنسداوران
ز خسرو همه سروران گشته شاد

ل- س^۲، لن، لی، پ- ب این بیتها را ندارند و در ترجمه بنداری هم نیست؛ ق، ل^۳ در اینجا افتادگی دارند ۲- ف: آوردن هراسپ را
پیش شاه کیخسرو و تاج بر سر او نهادن و بر تخت نشاندن و فرمودن که خدمت او کنید؛ ل: ولی عهد کردن کیخسرو هراسپ را؛ ق: سپردن
پادشاهی کیخسرو بلهراسب شاه و محاکای زال و ایرانیان و جواب فرمودن کیخسرو؛ ل^۲: پادشاهی دادن کیخسرو هراسپ را؛ س^۲: دادن
کیخسرو پادشاهی ایران بلهراسب؛ متن = ل- س^۲ (لی: پردخت) ۳- (لی: پردخت) ۴- ل: زان ۵- ف: کارها؛ متن = ل- س^۲ (نیز لن، لی، پ،
لن، آ، ب) ۶- ف: خسته؛ س (نیز لن، پ، آ، ب): سخته؛ ق (نیز لن): رسته؛ س^۲: دخته؛ (لی: سخت)؛ متن = ل، ل^۲ (نیز لغت شهنامه،
شماره ۱۲۰۱؛ ← کاموس کشانی، بیت ۲۲۰۰) ۷- (و: همه کارها خام بد پخته شد) ۸- ف- س^۲ (نیز لن، و): برخواند (حرف
سوم نقطه ندارد)؛ (پ: چیزی نخواند)؛ متن = (لی، لن، آ، ب) ۹- ق: بی ۱۰- ل، س، ل^۲ (نیز لن، و، لن، آ، ب): نزد؛ متن = ف، ق،
س^۲ (نیز لی، پ، آ) ۱۱- ف: سپهدار؛ (لی، آ: جهانجوی چون دید)؛ متن = ل- س^۲ (نیز لن، پ، و، لن، آ، ب) ۱۲- (ب: ب)
خواست (۱۳- (لی: بدو) ۱۴- ف، ل، س، س^۲ (نیز و): بگشاد (حرف یکم نقطه ندارد)؛ متن = ق، ل^۲ (نیز لن، لی، پ، لن، آ،
آ) ۱۵- (ب: استاد راست) ۱۶- (لن: بهاگیر تاج) ۱۷- ق: او از بر تخت؛ در ف، لی، آلت های این بیت پس و پیش
شده اند؛ بنداری: ثم نزل من التخت و أخذ التاج عن رأسه و وضعه علی رأس هراسپ ۱۸- س: همان؛ ل، ق، لی، پ، آپس از این بیت
افزوده اند:

همی کرد بدرد آن تخت عاج برو آفرین کرد و بر (ق، لی، آ: بدو گفت دادم بتو) تخت و تاج

۱۹- س^۲: تاج بر تو فروزنده ۲۰- ل، س، ل^۲، س^۲ (نیز لن، لی، پ- ب): پیش تو؛ (ل^۳: پیش تو سربسر)؛ متن = ف؛ ق این بیت را
ندارد ۲۱- ل، ق، ل^۲، س^۲ (نیز پ، و، لن): بتو؛ متن = ف، س (نیز لن، لی، آ، ب) ۲۲- ل: شاهی و تاج؛ س، ق، ل^۲، س^۲ (نیز
لن، و، لن، آ، ب): تاج شاهی؛ متن = ف (نیز لی، ل، آ، ب، آ) ۲۳- ل: دیده م؛ س، ق، ل^۲، س^۲ (نیز ل، پ، و، لن): دیدم؛ (لی، آ: دیدی)؛
متن = ف (نیز لن، ب) ۲۴- ق: زبانرا همی ۲۵- (لی، آ: باشد روان تو شاد) ۲۶- س: مگر ۲۷- (لن: بخت تو باشد)؛
ق این بیت را ندارد؛ درس این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۲۸- ل، ق (نیز لی، و، آ): روان (→ زوان؟)؛ متن = ف، س،
ل^۲، س^۲ (نیز لن، پ، لن، آ، ب)؛ بنداری: و کن حافظا للسانک

بباشید شادان، هم^۳ از بخت^۴ او^۲

برآشفت^۵ هر یک چو شیرِ ژیان
 که هراسپ را شاه بایست خواند
 بگفت آنچه بودش به دل راهِ راست^۸
 سزد گر کنی خاک را^{۱۱} ارجمند
 روان^{۱۲} وُرا^{۱۳} خاک تریاک باد^{۱۴}،
 ز بیداد هرکس^{۱۵} نگیریم یاد^{۱۶}
 فرومایه‌یی دیدمش با یک^{۱۷} اسپ
 سپاه و درفش و کمر^{۱۸} دادیش
 نیامد کسی^{۱۹} بر دلِ شاه یاد
 برین گونه نشنید کس^{۲۱} تاجور
 شدند^{۲۳} انجمن با سَخُن‌گوی جفت^{۲۴}
 که زین^{۲۶} پس نبدیم^{۲۷} شاها میان
 چو^{۲۹} هراسپ را برکشد روزگار^{۳۰}
 بدو گفت: مشتاب و تندی مکن

به ایرانیان گفت کز تخت^۱ او^۲

شِگفت اندرو مانده ایرانیان
 همی هر کسی در^۶ شِگفتی بماند
 ز پیش یلان^۷ زال بر پای خاست
 چُنین گفت کای^۹ شهریار بلند
 سرِ بخت^{۱۱} آنکس پُر از خاک باد
 که هراسپ را شاه خواند به داد^{۱۴}
 به ایران چو آمد بنزدِ زرسپ
 به جنگ الانان فرستادیش
 ز چندین بزرگان خسرو نژاد
 نژادش نبینم، ندیدم گهر^{۲۰}
 چو دستانِ سام این^{۲۲} سَخُن‌ها بگفت
 خروشی برآمد از^{۲۵} ایرانیان
 نجویم کس بزم و نه^{۲۸} کارزار
 چو بشنید خسرو ز دستانِ سَخُن

۲۹۳۰

۲۹۳۵

۲۹۴۰

۱- ف- ل (نیزلن، و): بخت (حرف یکم نقطه ندارد)؛ س (نیزلی، آ، ب): بخت؛ متن = (ل، پ، ل، ن) ۲- ل، س، ق: او؛ متن = ف، ل، س ۳- ل، س، ق، ل (نیزلن، ل، ن، آ، ب): دل؛ (پ: واز؛ و: شاد و هم)؛ متن = ف، س (نیزلی، ل، آ، ب) ۴- ف- ل (نیزلن، ل، س، ق، ل (نیزلن، و): بخت (حرف یکم نقطه ندارد)؛ س (نیزلی، آ، ب): بخت؛ متن = (ل، پ، ل، ن) ۲- ل، س، ق: او؛ متن = ف، ل، س ۳- ل، س، ق، ل (نیزلن، ل، ن، آ، ب): دل؛ (پ: واز؛ و: شاد و هم)؛ متن = ف، س (نیزلی، ل، آ، ب) ۴- ف- ل (نیزلن، و): بخت (حرف یکم نقطه ندارد)؛ س (نیزلی، آ، ب): تخت؛ متن = (ل، پ، ل، ن) ۵- ل، س، ل (نیزلن، ل، ل، ن، آ، ب): برآشفته؛ متن = ف، ق، س (نیزپ، و) ۶- (ل، آ: همه لشکر اندر) ۷- ل: از آن انجمن؛ س، ق، ل، س (نیزلن، ل، ل، ن، آ، ب): از (ز) ایرانیان؛ متن = ف ۸- س: در بخواست؛ ق (نیزلن، و، ب): رای راست؛ س: راز راست؛ متن = ف، ل، ل (نیزلی، ل، پ، ل، ن، آ، ب) ۹- (پ: با) ۱۰- (پ: دل زجان) ۱۱- ف، ق، س (نیزل) ۱۲- (نیزلن، ب): دهان ورا (بیت ۲۹۵۴)؛ س (نیزلن، ب): مر او را همان؛ متن = ل، ل، س (نیزلی، ل، و، ل، ن، آ، ب) ۱۳- ق: که هراسپ را شاه خواند بداد (۲۹۳۲ ب و ۲۹۳۳ ب را انداخته و از ۲۹۳۲ آ و ۲۹۳۳ آ یک بیت ساخته است) ۱۴- (ل: بایست خواند) ۱۵- ل، س، ل، س (نیزلی، ل، ن، آ، ب): هرگز؛ متن = ف: هرکس (هرگز؟) ۱۶- (ل: بدل این چنین باد بایست راند) ۱۷- س، ق (نیزلن، ب): دو؛ (ل: بریک)؛ ف: فرومایه دیدمش با یک دو؛ ل، س (نیزلی، و، آ): فرومایه دیدم ورا با یک (ل، آ: دو)؛ متن = ل (نیزپ، ل، ن)؛ بنداری: این هراسپ قدم و لم یکن له إلا فرس واحد؛ درس ۲ پس از این بیت، بیت ۲۹۳۷ آمده است ۱۸- (ل، آ: کله؛ ل، ن: درفش و کلاه و کمر) ۱۹- (ل: یکی) ۲۰- ل، ق، س (نیزلی، ل، آ، ب): ندانم ندیدم (ل، آ: نبینم) هنر (ل: گهر)؛ س، ل (نیزلن، پ، و، ل، ن، آ، ب): ندیدم ندانم گهر؛ متن = ف ۲۱- ل- س (نیزلن، ل، ل، ن، آ، ب): ازین (ل: بدین) گونه نشنیده‌ام؛ متن = ف؛ درس ۲ این بیت پس از بیت ۲۹۳۴ آمده است ۲۲- ف: آن ۲۳- ف: شد آن؛ متن = س، ق، ل، س (نیزلن، ل، ل، ن، آ، ب) ۲۴- (ل: شه انجمن پاسخش بازجفت)؛ ل این بیت را ندارد ۲۵- ف، ل، س: ز ۲۶- ل- س (نیزلن، ل، ل، ن، آ، ب): کزین؛ متن = ف ۲۷- ل: ندیدم ۲۸- ل، ق: نام در؛ س، ل (نیزلن، پ، ل، ن، آ، ب): رزم در؛ (ل، آ: بزم یا؛ ل: رزم یا؛ و: نام یا)؛ س: ما نام با؛ متن = ف ۲۹- ل: که ۳۰- (ل، آ، ب: شهریار)؛ ل: کی کند شهریار؛ (و: کی کند روزگار)؛ ق: نیاریم ازین پس زدشمن دمار؛ متن = ف، س، ل، س (نیزلن، ل، ن، آ، ب): روزگار- شهریار؟

که هر کس که بیداد گویدهمی
 که نپسندد از ما بدی کردگار^۳
 چو یزدان کسی را کند نیک بخت
 خرد دارد و فر و شرم^۷ و نژاد
 ۲۹۴۵ جهان آفرین بر زبانم گواست
 نبیره جهاندار^{۱۲} هوشنگ هست^{۱۳}
 پی^{۱۶} جادوان بگسلاند ز خاک
 زمانه جوان^{۱۸} گردد از پند او^{۱۹}
 ۲۹۵۰ به شاهی برو آفرین گسترید
 همان^{۲۴} کس که از پند^{۲۵} من درگذشت
 بجز دود^۱ از آتش نجویدهمی
 بیچد بد^۴ از گردش روزگار^۵
 سزاوار شاهی و زیبای تخت،
 بود راد^۸ و پیروز و از داد^۹ شاد
 که گشت این^{۱۰} هنرها^{۱۱} به هراسپ راست
 همان راد^{۱۴} و بینادل و پاک دست^{۱۵}
 پدید^{۱۷} آورد راه یزدان پاک
 بدین^{۲۰} هم بود پاک فرزند او^{۱۹}
 وزین^{۲۱} پند با مهر^{۲۲} من^{۲۳} مگدرید
 همه رنج او پیش من^{۲۶} باد گشت

۱- س: داد ۲- ل: ز؛ س^۱ (نیزلی، آ): و ۳- ل، ق (نیزلن، ل): دادگر؛ متن = ف، س، ل، آ، س^۲ (نیزلی، پ-ب) ۴- ف (نیزلی، آ): سر؛ متن ← ۵- (لی، آ: دانش روزگار)؛ ل، ق: نه هر کوبدی کرد بیند گهر (ق: ظفر)؛ (لن: بیچد زبدهای گیتی بسر؛ ل: زبدها باخر بدآید بسر)؛ متن = س، ل، آ، س^۲ (نیزپ، و، لن، آ، ب) ۶- ل، س، ق، ل^۲ (نیزلن، ل، آ، پ، لن، آ، ب): که؛ متن = ف، س^۲ (نیز لی، و، آ) ۷- س (نیزلن، لن، آ، ب): که دین دارد و شرم و فر: ق: که دارد همی دین و شرم؛ ل^۲ (نیزلی، و، آ): که دین دارد و فر و شرم؛ (ل: خرد باشد و مغز و فر)؛ متن = ف، س^۲ ۸- ق: شاد؛ س^۲: زاد؛ متن ← ۹- س (نیزب): و آزاد و؛ (آ: و ازبخت؛ لن: بیدار و آزاد و)؛ متن = ف، ل^۲ (نیزلی، ل، آ، و، لن، آ): ل، پ این بیت را ندارند؛ س^۲ پس از این بیت افزوده است:

چنین گفت خسرو بسایرانیان

کای نامداران و ارزانان

۱۰- س: که جمله؛ س^۲ (نیزل): که هست این ۱۱- ل، ق (نیزو، ب): سخنها؛ متن = ف، س، ل، آ، س^۲ (نیزلن، لی، ل، آ، پ، لن، آ، آ)؛ بنداری: والله شاهد علی لسانی أن هذه الخصال الحميدة والسير المرضية مجموعة في هراسپ؛ ل، پ پس از این بیت افزوده اند (← بیت ۲۹۴۵):
 که دارد همی شرم و دین و خرد (پ: نژاد)

ز کردار نیکی همی برخوردار (پ: بود راد و پیروز و از داد شاد)

۱۲- ف: سپهدار ۱۳- (لی، آ: هوشنگ شاه؛ ل: هوشنگ و جم؛ پ: هوشنگ اوست)؛ متن = ف، س، ل، آ، س^۲ (نیزلن، و، لن، آ، ب)؛ ل، ق، س^۲: نبیره پشین پور اوزرد (ق: اورند؛ س^۲: ارونند) هست؛ بنداری: و هو حافظ أوشهنج ۱۴- ل: زاد؛ ل، ق، س^۲ (نیزو): خردمند؛ متن = ف، س (نیزلن، لی، ل، آ، پ، لن، آ، ب) ۱۵- (لی، آ: نیک خواه؛ ل: و داناست بر بیش و کم؛ پ: و بینا و فرهنگ اوست)؛ س^۲ پس از این بیت افزوده است:

نشین کی که از تخمه کیستباد

دلی پسر دانش سسری پسر زداد

۱۶- ق (نیزق، لی، و، آ): تن؛ متن = ف، ل، آ، س^۲ (نیزل، پ، لن، آ) ۱۷- ف: بیاد؛ متن = ل، ق، ل، آ، س^۲ (نیزق، آ)؛ س، ل، ب این بیت را ندارند و درق با بیت سپسین پس و پیش شده است؛ بنداری: وهو الذي يقطع دابر السحرة من وجه الأرض و يظهر الطريق الى الله عز و جل ۱۸- ف: جدا؛ (ل: چنان)؛ متن = ل- س^۲ (نیزهشت دستنویس دیگر)؛ بنداری: و يرجع به الى الزمان شبابه الناصر ۱۹- ل، س، ق: او؛ متن = ف، ل، آ، س^۲ ۲۰- س، ق، ل، آ، س^۲ (نیزلن- ل، آ، و- ب): برین؛ متن = ف، ل (نیزب)؛ س^۲ پس از این بیت و س پس از بیت سپسین افزوده اند:

کسه ایشان پذیرند دین بهی

کنند از بدان (س: بدی) روی گیتی تهی

۲۱- س: از آن؛ (پ: بدین) ۲۲- ل، ق (نیزلی، ل، آ): پند و اندرز؛ س^۲: پند و این مهر؛ (پ: پند از مهر)؛ متن = ف، س، ل^۲ (نیزلن، ق، و، لن، آ، ب)؛ بنداری: فحیوه بتحیة الملوك، ولا تحالفوا موعظتی الصادرة عن الشفقة والخلوص ۲۳- س: او ۲۴- ل- س^۲ (نیزلن- ب): هر آن؛ متن = ف ۲۵- ل، س، ق، ل^۲ (نیزلن، ق، آ، ل، آ، پ، لن، آ، ب): کز اندرز؛ متن = ف، س^۲ (نیزلی، و، آ) ۲۶- (لی، آ): نزد من؛ و: سربسر)؛ ل: رنج من پیش او

چنین هم^۱ به^۲ یزدان بود^۳ ناسپاس
 چو بشنید زال این سخُن‌های پاک
 بیالود لب را به خاک سیاه
 به شاه جهان گفت: خرم^۷ بدی^۸!
 ۲۹۵۵ که دانست جز شاه پیروز و^{۱۱} داد^{۱۲}
 چو سوگند خوردم به خاک سیاه
 بزرگانش گوهر برافشانند
 به دلش اندرآید ز هر سو هراس
 بیازید انگشت و^۵ برزد^۶ به خاک
 به آواز هراسپ را خواند شاه
 همیشه ز تو دور دست^۹ بدی^{۱۰}!
 که هراسپ دارد ز شاهان نژاد؟
 لب آلوده شد، مَشَمَر آن از^{۱۳} گناه
 به شاهی برو آفرین خواندند^{۱۴}

گفتار اندر اندرز کردن کیخسرو ایرانیان را^{۱۵}

به ایرانیان گفت فرخنده شاه^{۱۶}
 ۲۹۶۰ چو من بگذرم زین فرومایه خاک
 به پدروود کردن رخ هر کسی
 یلان را همه پاک در بر گرفت
 همی گفت: کاجی^{۲۰} من این انجمن
 خروشی برآمد از^{۲۱} ایران سپاه
 پس^{۲۳} پرده‌ها کودک خرد^{۲۴} و زن
 ۲۹۶۵ که فردا شما را همین ست راه^{۱۷}
 شما را بخواهم ز یزدان پاک
 ببوسید^{۱۸} با^{۱۹} آب مژگان بسی
 به زاری خروشیدن اندر گرفت
 توانستمی برد با خویشان
 که خورشید بر چرخ گم کرد^{۲۲} راه
 به کوی و به بازار بر^{۲۵} انجمن،

۱-س: چو مردم؛ (ق، آ، و: چنین هم) ۲-ل، س، ل، آ، س (نیز لن - پ، ل، آ، ب): ز؛ متن = ف (نیز و) ۳- (و: شود)؛ ق این بیت را ندارد؛ بنداری (۲۹۵۱-۲۹۵۲): فان من یخالف وصیتی کان سعیه هباء منثورا و کان بر به کفوراً، و لن یزال مدّة حیاته مروّعا مذعورا ۴-ف، ق (نیز ل، آ): آن ۵-ف، س، ق، س (نیز لن، ل، پ-ب): بیازید انگشت و (؟)؛ متن = ل، ل (نیز ق، ل) ۶-ق: درزد ۷- (ل: خورم) ۸- (ل، ل، آ: بزی) ۹-ل، س (نیز پ): چشم؛ متن = ف، ق، ل (نیز لن، ق، ل) ۱۰- (ل، ل، آ، ب) ۱۱- (ل، ل، آ، ب): س این بیت را ندارد ۱۲- (ف: نیز ل): شاد؛ ل (نیز پ، و): راد؛ ل: زاد؛ متن = ق، س (نیز ق، و، ل، آ)؛ س، ل، ل، آ، ب این بیت را ندارند؛ بنداری: من ذا یعرف انتساب هراسب الی اوشهنج لولا الملک؟ ۱۳-ف: آنرا؛ ق، س (نیز ل): از من؛ (پ: این از)؛ متن = ل، س، ل (نیز لن، ق، آ، پ، و، ل، آ، ب)؛ ل، آ این بیت را ندارند ۱۴-ل این بیت را ندارد؛ بنداری: فقام عند ذلك الملوك والأکابر، و حیوه بتحیة الملوك، و نثروا علی تاجه الجواهر؛ س، ق، ل، ل، آ، ب پس از این بیت افزوده اند:

چو از کار هراسب پرداخت شاه

از آن پس نگه کرد کار سپاه

۱۵-ف: گفتار خاک بر دهان انداختن زال و با شاه کیخسرو گفتن که ما هراسب را به پادشاهی قبول نکنیم؛ س: اندرز کردن شاه کیخسرو ایرانیان را و بدروود کردن؛ ق: آمدن کیخسرو از صحرا برای حرم جهت وداع و سپردن اهل حرم به هراسب شاه؛ ل: پند دادن کیخسرو ایرانیان را؛ س (سی بیستی پایین تر): اندرز کردن کیخسرو ایرانیان را؛ ل سرنویس ندارد؛ متن ← س، س، آ ۱۶-ل: پیروز شاه؛ (و: پس آنگه به ایرانیان گفت شاه) ۱۷-ل، ق، س (نیز ق، و، آ): که بدروود باد این دل افروز (ل، آ: بادا دل و قزو) گاه؛ متن = ف، س، ل (نیز لن، ل، آ، ب)؛ بنداری: ثم قال الملک وقال: شاعکم السلام أیها الکرام ۱۸- (ل، ب: ببوسید) ۱۹- (ق: در) ۲۰-ف، س، ل، آ، س (نیز لن، ق، آ، و، ل، آ، ب): باری؛ (پ: کاشی)؛ متن = ل (نیز ل، آ): ق این بیت را ندارد ۲۱-ل-س: ز؛ متن = ف ۲۲- (ل: گم کرد بر چرخ) ۲۳-س: زهر ۲۴-س، ق، ل، آ، س (نیز لن-ب): کودک و مرد؛ متن = ف، ل ۲۵-ل (نیز پ): شد؛ ف: بی بازار مرد و به کو؛ متن = س، ق، ل، آ، س (نیز هشت دستنویس دیگر)

<p>۲ که فردا^۴ شما را همین‌ست راه^۵ به دادِ خداوند^۷ باشید شاد^۸ که بر^۹ نیک‌نامی همی^{۱۰} بگذرم بدان تا سروش آمدم رهنمای^{۱۲} ز لشکرگه^{۱۵} آواز^{۱۶} فریادِ خاست به آزادسرو^{۱۸} اندرآورده^{۱۹} خم ندیدی مرو را کسی جز^{۲۰} به خواب همه رازِ دل پیش ایشان براند شما دل مدارید با درد و رنج کزین^{۲۵} خاکِ بیدادگر بس مرا نبینم همی روی^{۲۷} بازآمدن^{۲۸} خروشان شدند از غم و درد و مهر گستند^{۳۱} پیرایه و^{۳۲} رنگ و بوی بدو^{۳۵} گفت با ناله و با خروش، تو باش اندرین نیکوی رهنمای^{۳۷}</p>	<p>ابا ناله و با غم و آه بود^۱ به ایرانیان آن زمان گفت شاه^۳ هر آنکس که دارید نام^۶ و نژاد من اکنون روان را همی پرورم نبستم دل اندر سپنجی سرای^{۱۱} ۲۹۷۰ بگفت این و از^{۱۳} پایگه^{۱۴} اسپ خواست بیامد^{۱۷} به ایوانِ شاهی دژم کنیزک بُدش چار چون آفتاب ز پرده بتان^{۲۱} را بر^{۲۲} خویش خواند که من رفتی ام^{۲۳} ز جای سپنج ۲۹۷۵ نبینید جاوید ازین^{۲۴} پس مرا سوی داور^{۲۶} پاک خواهم شدن بشد هوش از آن^{۲۹} چار خورشیدچهر شخودند روی و بکنند^{۳۰} موی و زان^{۳۳} پس هر آنکس که آمد^{۳۴} به هوش ۲۹۸۰ که ما را ببر زین سپنجی سرای^{۳۶}</p>
---	---

۱- ل، ق، س^۲ (نیزق^۱ و آ): خروشدیدن و ناله و آه بود؛ متن =
 ف ۲- ل (نیزل^۲ ب): خاست؛ ق (نیزق^۱ آ): همه مرزها ماتم شاه خاست؛ س (س^۱ ز): هر برزنی شیون شاه خاست؛
 متن = ف، س، ل^۲ (نیزل^۱ ل، ن، ب) ۳- ق: شاه گفت ۴- (ب: که آخر): متن ← ۵- ق: جفت؛ ف: که بدرود بادا همین
 تاج و گاه (= ۲۹۵۹)؛ س، ل^۲ (نیزل^۱ ل، ن، ب): کشید اندرین پند یک یک نگاه؛ ق: و؛ که اکنون شما را جز این نیست راه؛ متن = ل،
 س^۲ (نیزلی^۱ ل، آ، ب ← ق، ب) ۶- س، ل^۲ (نیزل^۱ ل، ن، ب): فقر ۷- ل: بیدادار خورشید ۸- س^۲ (نیزق^۱ ل، ی، و، آ): خرسند
 باد؛ ف، ق این بیت را ندارند ۹- س: یا ۱۰- ل: مگر ۱۱- ف، س^۲ (نیزل^۲): سرای سپنج؛ س: همشده دم بد بدیگر سرای؛
 متن = ل، ق، س^۲ (نیزهشت دستنویس دیگر) ۱۲- (ل: نه برنج): ف: بدان تا گزارش بی درد و رنج؛ س: بدان تا نباشم بمنو برنج؛
 متن = ل، س، ق، ل^۲ (نیزهشت دستنویس دیگر)؛ در س^۲ این بیت یکبار هم برابر ضبط س آمده است ۱۳- ف، ل، ق، ل، س^۲: وزه
 متن = س ۱۴- ف، ق، س^۲ (نیزلی^۱ ل، آ، ب): بارگه؛ س (نیزل^۱ آ): پیکره؛ ق: جایگه؛ ب: پیگه؛ ل: شه دادگر؛ متن = ل، ل^۲ (نیز
 ب، و؛ در ل نقطه ندارد) ۱۵- س، ل^۲ (نیزل^۱ ب، ل، ن، ب): وزان لشکر ۱۶- ل (نیزب، ب): آواز ۱۷- (ل، ی، آ):
 درآمد ۱۸- (ق: آژاده سرو) ۱۹- ف، س، ق، ل^۲ (نیزل^۱ ل، ن، ب): آورده؛ متن = ل، س^۲ (نیزق^۱ و، آ) ۲۰- (ل: یکی
 جز): ل: کسی چهار ایشان؛ س، ق، ل، ل^۲ (نیزل^۱ ق، ب، و، ل، ن، ب): یکی (س، ق، و، کسی) جز مرو را؛ متن = ف (نیزآ) ۲۱-
 (ق، و؛ سران) ۲۲- (ب: سوی) ۲۳- ف: که [من] رفتی اد؛ ل، ق: که رفتم اینک؛ متن = س، ل، ل^۲ (نیزل^۱ ب)
 ۲۴- ف، ل، ل، ل^۲ س: زین؛ متن = س ۲۵- س: ازین؛ ق این بیت را ندارد ۲۶- ل: دادگر ۲۷- ل، س، ق، ل^۲
 (نیزل^۱ ق، ل، ی، ل، آ، ب): راه؛ س^۲ (نیزب): رای؛ متن = ف (نیزو) ۲۸- (ب: ایدر بدن) ۲۹- ل، ق، ل، ل^۲ زان؛ متن = ف، س،
 س^۲ ۳۰- (ق، و؛ رخسار و کنند) ۳۱- س^۲ (نیزلی^۱ آ): کشند ۳۲- ف: پیراهن و؛ س (نیزل^۱ ل، آ، و، ل، ن، آ): پیرایه؛
 متن = ل، ل، ل^۲ س^۲ (نیزق^۱ ل، ی، ب، ب): ق این بیت را ندارد ۳۳- ل: از آن ۳۴- ل: که آمد همانگه ۳۵- ل، س^۲ (نیزل^۱ ب):
 چنین؛ متن = ف ۳۶- ل، ق، س^۲ (نیزلی^۱ آ): سرای سپنج؛ متن ← ۳۷- ل، ق، س^۲ (نیزلی^۱ آ): رها کن تو ما را ازین (س: تو
 تو مان دستگیر از چنین؛ ل، آ: رهائی مگر زین غم و) درد و رنج؛ متن = ف، س، ل^۲ (نیزهفت دستنویس دیگر)

بدیشان چُنین گُفت پُرمايه شاه
 کجا خواهرانِ جهاندار^۲ جم
 کجا مادرم دختِ افراسیاب
 کجا دخترِ تور ماه آفرید
 ۲۹۸۵ همه خاک دارند بالین و^۶ خشت
 مجوید ازین رفتن^۸ آزارِ من
 خروشید و هراسپ را پیش خواند
 به هراسپ گفت: این بتان^{۱۲} منند
 ۲۹۹۰ برین هم نشست، اندرین^{۱۴} هم سرای
 نباید که یزدان بخواند^{۱۵} پیش
 چو بینی مرا با سیاوش بهم
 پذیرفت^{۱۸} هراسپ زو هرچ^{۱۹} گفت

که فردا^۱ شما را همین است راه
 کجا تاجداران^۳ با باد و دم
 که بگذشت از آن سان به دریای آب^۴
 که چون او کس اندر^۵ زمانه ندید
 ندانم که دوزخ نوید^۷ ار بهشت؟
 که آسان^۹ شود راه دیدار^{۱۰} من
 وُزیشان^{۱۱} فراوان سَخُن ها براند
 فروزنده ی شبستان^{۱۳} منند
 همی دارشان تا تو باشی به جای
 روان شرم دارد ز کردار^{۱۶} خویش
 ز شرم دو خسرو بمائی^{۱۷} دژم
 که با^{۲۰} دیده شان دارم اندر نهفت

۱- ف، ل، ق، س، ۲ (نیزلی، ل، ۲، پ، و، آ): کزین (ف: که زین) پس؛ متن = س، ل، ۲ (نیزلن، ل، ۲، ب؛ ← ۲۹۵۹، ب، ۲۹۶۷) ۲-
 ف: جهانجوی ۳- س، ل، ۲ (نیزلن، ل، ۲، ل، ن، ب): نامداران؛ (لی، آ: ماه رویان)؛ متن = ف، ل، ق، س، ۲ (نیزق، ۲، پ، و)؛ س، س، ۲ پس از
 این بیت افزوده اند:

کجا شد فرانک (س: فرانک کجا شد) که چون او دگر

نباشد میان زنان (س: بتان) نامور

۴- ف، س، ۲: که بگذشت زان (س: بگذشت از آن) سان به جیحون برآب؛ س، ل، ۲ (نیزلن، ل، ۲، ب): که بگذشت ازین (ازان) سوی (لن، ۲:
 روی) جیحون برآب؛ (لی: کزان سو بیرون شد ز دریای آب)؛ متن = ل، ق، (نیزق، ۲، ل، ۲، پ، و) ۵- ف: دو چشم؛ متن = ل، س، ل، ۲، س، ۲
 (نیزلن - ب)؛ ق این بیت را ندارد ۶- ق، س، ۲ (نیزلن، آ): دارند و بالین ز ۷- ف: بوند (حرف یکم نقطه ندارد)؛ ل، ۲: بدید (حرف
 یکم نقطه ندارد)؛ س، ۲: نوید (حرف سوم نقطه ندارد)؛ ل، س، ق (نیزلن - ل، ۲، ب): بدوزخ درند؛ متن تصحیح قیاسی است: نوید؟ پدید؟
 بدید؟ ۸- ل، ۲ (نیزل، ل، ۲، ل، ن، ۲): جست؛ (پ: بیم؛ ق: از رفتن)؛ متن = ف، ل، س، س، ۲ (نیزلن، لی، و، آ، ب) ۹- س، ل، ۲ (نیزلن،
 ل، ۲، ب): روشن؛ (پ: بریشان)؛ متن = ف، ل، س، ۲ (نیزق، ۲، لی، ل، ۲، و، آ) ۱۰- ل: دشوار؛ (لی، آ: راه و دیدار؛ ق: بود رفتن کار؛ و: بود
 رفتن و کار)؛ متن = ف، س، ل، ۲، س، ۲ (نیزلن، ل، ۲، ب، پ)؛ ق این بیت را ندارد ۱۱- ل، ق، س، ۲ (نیزلی، پ، آ): از ایشان ۱۲-
 (ق: کبان (حرف دوم نقطه ندارد)؛ لی: کسان؛ آ: سپاه) ۱۳- ف: دلستان؛ ل، ق، ل، ۲ (نیزلی، آ): پاک جان؛ س (نیزلن، ل، ۲، ب):
 بوستان؛ (ق: دل بتان؛ و: و دلستان؛ ل: فروزنده روز و شبان؛ پ: شبستان فروزندگان)؛ متن = س، ۲ (؟) ۱۴- س، ل، ۲ (نیزلن، پ، و،
 ل، ۲، ب): بدین هم نشست و بدین؛ متن = ف، ل، ق، س، ۲ (نیزق، ۲، لی، ل، ۲، آ) ۱۵- ل (نیزپ، و): چو خواندند؛ ق، س، ۲ (نیزل، ۲): چو
 یزدان بخواندند؛ (لی، آ: نباید یزدان چو خواندند)؛ متن = ف، س، ل، ۲ (نیزلن، ق، ل، ۲، ب) ۱۶- س، ل، ۲ (نیزلن، ق، ۲، و، ب): گفتار؛
 متن = ف، ل، ق، س، ۲ (نیزلی، ل، ۲، ب، ل، ۲، آ) ۱۷- (لی: نمائی)؛ س، ۲: نمائی ز شرم دو خسرو ۱۸- ل، ق، س، ۲ (نیزلی، پ، آ):
 پذیرفت؛ متن = ف، س، ل، ۲ (نیزلن، ق، ۲، ل، ۲، و، ل، ۲، ب) ۱۹- ل، ۲، س، ۲: هرچه؛ س، ق: از هرچه؛ متن = ف، ل، ۲۰- س (نیزلن،
 ب): چون؛ (پ: نا)؛ ف پس از این بیت افزوده است:

بفرمود پس جهن را پیش او
 ز پوشیده رویان افراسیاب
 همه دادشان خلعیت و خواسته
 بکسی تاج لرگوهر شاهوار
 5 همه اسبها تا این به رزین ستام
 سرسریه جهن سسرافراز داد
 ببردند و آنکس که بُد خویش او
 ببردند سی تن دو دیده پُر آب
 همان جامه و اسب آراسته
 همان باره و طوق با گوشوار
 همان تیغ هندی به زرین نیام
 بسوسبد روی و دلتش کرد شاد ←

بگردید بر گرد ایرانیان ^۲	و زآجایگه تنگ بسته میان ^۱	
مدارید در دل ز ما داغ و دود ^۴	که زاید ^۳ به ایوان خرامید زود	۲۹۹۵
که او تیرگی ^۵ دارد اندر نهان	مباشید گستاخ با این جهان	
ز من جز به نیکی ^۷ مگیرید یاد	مباشید جاوید جز راد و شاد ^۶	
چو رفتن بود ^{۱۱} شاد ^{۱۲} و خندان ^{۱۳} شوید ^{۱۴}	همه شاد و خرم ^۸ به ایوان ^۹ شوید ^{۱۰}	
نهادند سر بر زمین پیش ^{۱۵} شاه	همه نامداران ^{۱۶} ایران سپاه	
بداریم تا جان بود ^{۱۸} جاودان	که ما پند ^{۱۶} او ^{۱۷} را بکردار جان	۳۰۰۰
بدو گفت: روز من اندرگذشت	به هراسپ فرمود تا بازگشت	
به گیتی جز از ^{۲۰} تخم نیکی مکار!	تو شو ^{۱۹} تخت شاهی به آیین بدار!	
بیازی ^{۲۲} به تاج ^{۲۳} و بنازی ^{۲۴} به گنج،	هر آن گه که باشی تن آسان ^{۲۱} زرنج	
به بودن ^{۲۵} ترا راه باریک ^{۲۶} شد	چنان دان که رفتنت نزدیک شد	
ز بدها ^{۲۷} تن مهتر ^{۲۸} آزاد کن!	همه داد جوی و همه داد کن!	۳۰۰۵
زمین را ببوسید و زاری ^{۳۰} نمود	فرود آمد از اسپ ^{۲۹} هراسپ زود	

۱- ف: سپهدار پس گرد ایرانیان؛ متن ← ۲- ف: همی راند گریان کمر بر میان؛ متن = ل- س (نیز لن- ب) ۳- ل، س، ق، ل، ل (نیز لن- ب): کز ایدر؛ متن = ف ۴- ل: مرا جز درود؛ متن = ف، س، ق، ل، س (نیز لن- ب) ۵- ل، س، ل، س، ل (نیز لن، ق، آ، پ، ب): بتری؛ ق، س (نیز و، لن، آ): بدتری؛ (ل، آ): بودنی؛ متن = ف (نیز لی، آ) ۶- ل: داد شاد ۷- ف: زمین [جز] به نیکی؛ ق، ب این بیت را ندارند ۸- (ل، آ: خورم) ۹- ف، ل، آ، س (نیز ق، ل، آ، پ، و، لن، آ): یزدان؛ متن = ل، س (نیز لن، لی، آ) ۱۰- ف، ل، آ، س (نیز ق، ل، آ، و، لن، آ): بویید؛ متن = ل، س (نیز لن، لی، پ، آ) ۱۱- (لی، آ: رسد) ۱۲- ف: راد؛ س: شاه؛ متن = ل، ل، آ، س (نیز لن- آ) ۱۳- (لن: خرم؛ ل، آ: خورم) ۱۴- ف، ل، آ، س (نیز لن، ق، آ، و، لن، آ): بویید؛ متن = ل، س (نیز لن، لی، آ، پ، آ)؛ ق، ب این بیت را ندارند ۱۵- س: گردن بفرمان ۱۶- ف: نیز؛ متن = ل- س (نیز لن- ب) ۱۷- س، ق، ل (نیز لن، لی، لن، آ، آ، ب): شه؛ متن = ف، ل، س (نیز ق، آ، ل، و) ۱۸- ق: در جان تا؛ (ق، آ، لی، و، آ: ناچار تا)؛ متن = ف، ل، س، ل، آ، س (نیز لن، لی، آ، پ، ل، آ، ب) ۱۹- ل (نیز لی، پ، آ): رو ۲۰- ف، ل، آ، س (نیز ل، آ، پ): بجز؛ متن = ل، س، ق (نیز ق، آ، لی، و، آ)؛ لن، ل، آ، ب بیت های ۳۰۰۲-۳۰۰۴ را ندارند و در س این بیت ها پس از بیت ۳۰۰۷ آمده اند ۲۱- ف: هر آن وقت کاسوده باشی؛ متن = ل، س، ل، آ، س (نیز ق، آ، لی، پ، و، آ) ۲۲- ف: بیازی (حرف یکم نقطه ندارد)؛ ل، س (نیز لی، پ): ننازی؛ س: بیاری (نقطه ندارد)؛ ل (نیز ق، آ): بننازی؛ (و، آ: ننازی (حرف دوم نقطه ندارد))؛ متن ← ف ۲۳- (لی، آ: بآل) ۲۴- ل (نیز لی، پ، و، آ): ننازی؛ س: بیاری (نقطه ندارد)؛ ل (نیز ق، آ): بیازی (حرف یکم نقطه ندارد)؛ س، آ: ننازی؛ متن = ف (نیز ق، آ)؛ ق، ل، آ بیت های ۳۰۰۳ و ۳۰۰۴ را ندارند ۲۵- ل، س، ل، آ، س (نیز ق، آ، لی، پ، و، آ): یزدان؛ متن = ف ۲۶- ف: باریک (حرف یکم نقطه ندارد)؛ ل، آ: تاریک؛ س، آ: نزدیک (پساوند ندارد)؛ متن = ل، س (نیز ق، آ، لی، پ، و، آ)؛ بنداری (۳۰۰۲-۳۰۰۵): ایاک أن تررع فی الدنيا غیر الخیر. ومتی رأیت أن نفسک رغبت فی الراحة، و زهدت فی الملک و المال فاعلم أن وقتک قد انتهى فلا تعدل عن العدل والإنصاف، و خلص نفسك عن المکاره والأسوء ۲۷- ل- س (نیز لن، لی، آ، پ، ل، آ، ب): گیتی؛ متن = ف (نیز ق، آ، و) ۲۸- س (نیز پ): بهتر ۲۹- ل: باره ۳۰- ل (نیز ق، آ، لی، و، آ): شادی؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س (نیز لن، لی، آ، پ، لن، آ، ب)

→ به گستم نوذریکسی نامه کرد
خرد را گذر بر سر خامه کرد
که برگرد و آهنگ خوارزم کن
نشین خرم و روز و شب بزم کن
بشد جهنم و پوشیدگان را ببرد
بسی آفرین خواند بر شاه کرد
ل- س (نیز لن- ب) این بیت ها را ندارند و در ترجمه بنداری هم نیست: فتقبل هراسپ وصيته (= ۲۹۹۳). ثم خرج و رکب و طاف علی ایرانیین (= ۲۹۹۴) و عزاهم عن نفسه و وعظهم و نصحهم

بدو گفت خسرو که پدرود باش! به داداندرون تاره و^۱ پود باش!^۲

بزرگانِ بیداره^۵ و گنداوران
دگر بیژنِ گرد^۶ و گسَتهَم نیو
به هشتم کجا^۷ نامورطوس بود
ز هامون بشد تا سر تیغ کوه
یکی بر لب خشک نم برزدند
کسی را نبُد سوی آن^{۱۰} رنج راه
که زین در سَخُن کس نیارست گفت^{۱۱}
ز هر سو ز گیتی بیامد^{۱۳} گروه
خروشان برفتند با شهریار^{۱۶}
همی سنگِ خارا برآمد^{۱۹} به جوش
که روشن دلت شد پُر از داغ و دود
بدین^{۲۰} تاج را خوار داری همی،
جهانِ کهن را مکن^{۲۲} شاهِ نو
پرستنده آذرگشپ ترا
که نزد فریدون نیامد سروش^{۲۳}
به آتشکده ندر^{۲۵} نیایش^{۲۶} کنیم
دلِ موبدان^{۲۷} بردرخشد به ما

برفتند با او^۳ از^۴ ایران سران
چو دستان ورستم، چو گودرز و گیو
به هفتم فربرز کاوس بود
همی رفت لشکر گروه ها گروه
بیوندند^۸ یک هفته دم برزدند
خروشان و پیچان^۹ ز کردار شاه
همی گفت هر موبدی در نهفت
چو خورشید برزد سر از تیغ^{۱۲} کوه
زن و مرد از^{۱۴} ایرانیان صد هزار^{۱۵}
همه کوه پُر^{۱۷} ناله و پُر^{۱۸} خروش
همی گفت هر کس که شاها چه بود
گر از لشکر آزار داری همی
بگوی^{۲۱} و تو از گاه ایران مرو
همه خاک باشیم اسپ ترا
کجا شد ترا دانش و رای و هوش
همه پیش یزدان ستایش^{۲۴} کنیم
مگر پاک یزدانت بخشد به ما

۱- ل: تار گر؛ س^۲ (نیزلی): تاروهم؛ (ق، پ: تاربا؛ ل^۳: تاربا؛ و: تاربا؛ ل^۴: آ: تاروتو)؛ متن = ف، ق، ل^۵ ۲- س (نیزب): همیشه
تو در بند به بود (ب: بدرود) باش؛ (لن: بدادت همیشه تو پیروز باش) ۳- ق (نیزلی، آ): وی ۴- ل- ل- س^۵: ز؛ متن = ف ۵-
ف: بزرگان و گردان؛ متن = ل- س^۶ (نیزلن- ب) ۶- ل (نیزلی، پ، آ): گیو؛ متن = ف، س، ق، ل^۷، س^۸ (نیزلن، ق، آ، و، لن، آ،
ب) ۷- ف: رد؛ (ل^۸: گرین؛ و: کی)؛ متن = ل- س^۹ (نیزهفت دستنویس دیگر) ۸- (لن: بیوندند و) ۹- ل، س^{۱۰} (نیزلی،
آ): جوشان؛ متن = ف، س، ل^{۱۱} (نیزلن، ق، آ، و، لن، آ، ب) ۱۰- س: سود جز؛ (ب: سود از)؛ ل: نبود اندران؛ متن = ف، ل^{۱۲}، س^{۱۳} (نیز
لن، ق، آ، لی، و، لن، آ، آ)؛ ق، پ این بیت را ندارند ۱۱- ل- ل- س^{۱۲} (نیزلن- و، آ، ب): کرینسان سخن (ل، ق: همی) در جهان کس
نگفت؛ متن = ف ۱۲- ل، ق، س^{۱۳} (نیزق، آ، ل، و): تیره؛ (ب: برج)؛ متن = ف، س، ل^{۱۴} (نیزلن، لی، پ، لن، آ) ۱۳- ل: بیامد به
پیش زهر سو؛ س، ل^{۱۵} (نیزلن، ق، آ، لی، پ- ب): ز گیتی (س، ق، آ، و: لشکر) بیامد زهر سو؛ ق: بیامد ز گیتی بهر سو؛ س^{۱۶} (نیزل^{۱۷}): ز گیتی به
(ل: ز) هر سو بیامد؛ متن = ف ۱۴- ل، س، ق، ل^{۱۸} (نیزلن، لی، پ- ب): [از]؛ متن = ف، س^{۱۹} (نیزق، آ، ل) ۱۵- ل، س، ل^{۲۰} (نیز
لن، ل): سه هزار؛ (لی، آ: سی هزار؛ ب: ده هزار)؛ متن = ف، ل، ق، س^{۲۱} (نیزق، آ، ل، پ، و): بنداری: مائة ألف ۱۶- ق: بر کوهسار؛
(ق: بر شهریار) ۱۷- (ل، لن، آ، با) ۱۸- ل (نیزل^{۱۹}): با ۱۹- (و: درآمد) ۲۰- ل، س، ق، ل^{۲۱} (نیزلن، لی، پ،
لن، آ، ب): مرین؛ متن = ف، س^{۲۲} (نیزق، آ، و) ۲۱- ف، ل، ق: بگو ۲۲- ف: تویی؛ متن = ل- س^{۲۳} (نیزق- ب) ۲۳-
ق، ب بیت های ۳۰۲۲-۳۰۲۴ را ندارند ۲۴- س^{۲۵} (نیزق^{۲۶}): نیایش ۲۵- ف، ل، س، ل^{۲۷}، س^{۲۸} (نیزلن، لی- آ): آتشکده در (لن:
بر)؛ متن = (ق: آتشکده اندر) ۲۶- س^{۲۷} (نیزق^{۲۸}): ستایش ۲۷- س، ل^{۲۹} (نیزلن، ق، آ، پ، لن، آ): موبدت

<p>از آن^۲ انجمن موبدان^۳ را بخواند ابر نیکوی‌ها چه باید گریست^۶ مباشید جز پاک و^۷ یزدان‌شناس^۸ مباشید ازین^{۱۱} رفتن من^{۱۱} دژم همه بازگردید بی شهریار نباشد گیاه و نه^{۱۵} برگِ درخت روان را سُوی روشنی‌ره کنید مگر قره و بُرز دارد بسی شنیدند گفتار و^{۲۱} گشتند باز جهانجوی و گوینده^{۲۲} و یادگیر فریبرز و بیژن، چو گشته^{۲۵} نیو شدند از بیابان و خشکی دژم جهان‌دیده^{۲۷} کیخسرو آنجا رسید بخوردند چیزی و^{۳۰} دم برزدند که امشب نرانیم^{۳۳} ازین^{۳۴} جایگاه کزین پس نبیند^{۳۶} ما را^{۳۷} بسی چو زراب گردد زمین بنفش، مگر^{۳۸} با سروش آشنایی بود</p>	<p>شهنشاه از آن^۱ کار خیره بماند چنین گفت: از ایدر^۴ همه نیکویست^۵ ز یزدان شناسید یکسر سپاس که گرد آمدن زود باشد بهم^۹ بدان مهتران گفت: ازین^{۱۲} کوهسار که راهی درازست و^{۱۳} بی‌آب و^{۱۴} سخت به آمدشدن^{۱۶} راه کوتاه کنید برین^{۱۷} ریگ برنگذرد هر^{۱۸} کسی سه گرد^{۱۹} گرانمایه و^{۲۰} سرفراز چو دستان و رستم، چو گودرز پیر نگشتند ازو^{۲۳} باز چون^{۲۴} طوس و گیو برفتند یک روز و یک شب^{۲۶} بهم به ره‌بری یکی چشمه آمد پدید بر آن^{۲۸} آب روشن فرود^{۲۹} آمدند بدان^{۳۱} مرزبانان^{۳۲} چنین گفت شاه بگویم^{۳۵} کار گذشته بسی چو خورشید تابان برآرد درفش مرا روزگار جدایی بود</p>
--	---

۱-س: ازین ۲-س: وزان ۳-(پ: مهتران) ۴-ل-س: (نیزلن-ب): کسایدن: متن = ف ۵-ل، س: نیکویست ۶-ل-س: (نیزلن-ب): برین (بدین) نیکویا نباید (س: ل، پ، آ: بیاید) گریست: متن = ف ۷-ل (نیزب): [و]؛ س، ل (نیزلن، ب): شاد و؛ (لن: شاه و)؛ متن = ف، س، ل (نیزق، ل، ی، ل، و، آ) ۸-س: نیکی شناس: ق این بیت را ندارد ۹-س: تم ۱۰-ف، ل: زین؛ متن = س، ل، س ۱۱-ق: ازین رفتن من مباشید ۱۲-ف، ل: زین؛ متن = س، ق، ل، ل، س ۱۳-س، ق (نیزق، ل، ی، ل، و، لن): [و] ۱۴-ق، ل (نیزلن، ل، ی، پ-ب): [و] ۱۵-س، ل (نیزلن، ل، پ، لن): گیاونه؛ (ق: برین راه)؛ ل: مانا که ناسد (تنها حرف چهارم نقطه دارد)؛ ق: مانا که یابند؛ س: نه مانا که یابند؛ (ل، آ: نه شاخ گیاه و نه)؛ متن = ف (نیز و، ب)؛ بنداری: این امامنا طریقاً صعباً لا ماء فیہ ولا عشب ۱۶-س، ل (نیز و): زبا من شدن (درل حرف دوه نقطه ندارد)؛ (ق: ابا من شدن، ل، آ: ازین آمدن؛ ل: نباید شدن)؛ متن = ف، س، ل (نیزلن، پ، لن): ق، ب این بیت را ندارند ۱۷-ل، آ: بدین؛ ل: ازین ۱۸-(ب: بس) ۱۹-ل، ق (نیزلی، آ): مرد ۲۰-س، ق، ل، س (نیزلن، ق، ل، ی، ل، آ، ب): [و]؛ متن = ف، ل ۲۱-ل: [و] ۲۲-ل، س (نیزلی، و، آ): بیننده؛ ق (نیزب): جوینده؛ (ق: داننده)؛ متن = ف، س، ل، س (نیزلن، ل، پ) ۲۳-ل: زو ۲۴-(و: پس) ۲۵-ل، ق: همان بیژن و هم فریبرز؛ س، ل (نیزلن، ق، ل، و، لن، ب): فریبرز با بیژن گردد؛ (ل: فریبرز و گسته و فرهاد)؛ متن = ف، س (نیزلی، پ، آ) ۲۶-(لن: برفتند با او یک امشب) ۲۷-ل، ق (نیزلن، ل، پ، لن، آ): جهانجوی؛ س (نیزق، و، ب): جهاندار؛ متن = ف، ل، س (نیزل) ۲۸-ل-س (نیزق، ل، ی، ل، و، آ): بدان؛ (لن، ب: بر)؛ متن = ف (نیزلن، ب) ۲۹-س (نیزق، و): فراز ۳۰-ل، س (نیزق، ب، و): و یکباره؛ (ل: یکروز و) ۳۱-ل (نیزلن، ل): بدین ۳۲-(و: پهلوانان) ۳۳-ل (نیزق، ل، ی، ل، پ، آ): برانیم ۳۴-ل: زین ۳۵-ل: نجویب؛ (ق: نگیریم؛ ل: بگویم ز و: نگویم) ۳۶-ق (نیزلن، ل، ی، پ، لن، آ، ب): نبیند ۳۷-(ق: نبیند مرا خود) ۳۸-(ل: مرا)

ازین راه^۱ اگر^۲ تاب گیرد دم دل تیره‌گشته ز تن بگسلم

گفتار اندر ناپدید شدن شاه کیخسرو از ایرانیان^۳

چو بهری ز تیره‌شب اندر چمید^۴
 ۳۰۴۵ بدان^۸ آب روشن سر و تن بشست
 چُنین گفت با نامور بخردان^{۱۰}
 کنون چون برآرد سِنان^{۱۲} آفتاب
 شما نیز فردا برین^{۱۵} ریگ خشک
 ز کوه اندر آید یکی بادِ سخت
 ۳۰۵۰ بیارد یکی^{۲۱} برف از^{۲۲} ابر سیاه
 سر مهتران زآن سَخُن شد گران
 چو از کوه خورشید سر برکشید
 بچستند^{۲۴} از آن^{۲۵} جایگه شاه‌جوی
 ز خسرو ندیدند جایی نشان
 ۳۰۵۵ همه تنگ‌دل گشته و تافته
 خروشان بدان^{۲۷} چشمه باز آمدند
 کی^۵ نامور پیش چشمه^۶ خمید^۷
 همی خواند اندر نهان^۹ زند و اُست
 که باشید پدرو د^{۱۱} تا جاودان
 نینید زآن پس^{۱۳} مرا^{۱۴} جز به خواب
 مباشید^{۱۶} اگر^{۱۷} بارد از ابر مُشک
 کجا^{۱۸} بشکنند^{۱۹} برگ و شاخ^{۲۰} درخت
 شما سوی ایران نیابید راه
 بختند با درد گُنداوران
 ز چشم مهان شاه شد^{۲۳} ناپدید
 به ریگ و بیابان نهادند روی
 ز ره بازگشتند چون بیهشان^{۲۶}
 سپرده زمین، شاه نیافته
 پر از غم دل و پر^{۲۸} گداز آمدند

۱- ل، س، آ (نیز ق، آ، لی، بی، وه، آ): رای؛ (ل: ۳): راز؛ متن = ف، س، ل (نیز لن، لن، ب) ۲- ل، س (نیز ل: ۳): گره؛ ق این بیت را ندارد ۳- ف: بدرود کردن شاه ایرانیان را و ناپدید شدن او از لشکر و پهلوانان و گریستن لشکر از جهت او؛ ل: ناپیدا شدن کیخسرو از ایرانیان؛ س: ناپدید شدن شاه کیخسرو از ایرانیان و لشکر؛ ق: پاسخ دادن کیخسرو ایرانیان را و بیرون رفتن او از میان پهلوانان و لشکر و پند دادن که در کوه توقف ننمایند و بازگشتن زال و رستم و گودرز؛ ل، آ، س: سرنویس ندارند؛ متن ← س ۴- ل، س (نیز لن، لی، آ، ب): حمید (حرف یکم نقطه ندارد)؛ ل، آ، س (نیز و، لن، ب): خمید؛ متن = ف، ق (نیز ل: ۳، ب) ۵- ف: شه؛ (لی، آ: یکی؛ لن: گو)؛ متن = ل - س (نیز لن، ل، آ، ب، وه، ب) ۶- س، ل، آ، س (نیز لن، ل، آ، ب، وه، لن، آ): یزدان؛ متن = ف، ل، ق (نیز لی، آ) ۷- ل (نیز لی، ل، آ): رسد؛ س، ل، آ، س (نیز و): حمید (حرف یکم نقطه ندارد)؛ ق: خرید (!)؛ (لن: چمید)؛ متن = ف (نیز ب، لن: بنداری؛ و لما کان فی الثلث الآخر من اللیل قام الملک و دخل العین و اغتسل ۸- ل (نیز ب): بران ۹- ق: جهان؛ (لن: او بر زبان؛ ب: بر خویشتن) ۱۰- ف: موبدان؛ متن = ل - س (نیز لن - ب) ۱۱- ف (نیز ل: ۳): که بدرود باشید ۱۲- (لی، وه، آ: سپهر) ۱۳- ل، ق، س (نیز ق، آ، وه): دیگر؛ س، ل (نیز لن، ل، آ، ب، لن، ب): ازین پس؛ متن = ف ۱۴- (لی، آ: مارا دگر) ۱۵- س، س (نیز لن، ل، آ، ب، ب): بدین؛ ل (نیز لی، آ): ازین؛ ل، ق: شما باز گردید زین (ق: ازین)؛ متن = ف (نیز ق، وه، لن) ۱۶- (ل: مپاید) ۱۷- ف (نیز و): گره ۱۸- ف، س، ل (نیز لن، لن، ب): کزو؛ (ل: که او)؛ متن = ل، ق، س (نیز ق، لی، ب، وه، آ) ۱۹- س، ل (نیز لن، لن، آ، ب): نگسلد؛ (لی، ل، آ، ب): برکند؛ متن = ف، ل، ق، س (نیز ق، ب، وه) ۲۰- ف: تر شاخ (؟)؛ ل، ق (نیز ب، ب): شاخ و برگ؛ (لی، آ: شاخ و بیخ؛ ل: بیخ و شاخ؛ لن: بیخ و شاخ)؛ متن = س، ل، آ، س (نیز لن، ق، وه) ۲۱- ل، ق (نیز ق، لی، وه، آ): بسی؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیز لن، ل، آ، ب، لن، ب) ۲۲- ل، ق: زه؛ ف پس از این بیت افزوده است:

چومن گم شوم از میان سپاه
 اگر نشنوید این و مولش کنید
 شتابان برانید ازین جایگاه
 بمانید در برف و جانرا کنید

۲۳- ل: شد جهان؛ (و: شد هوا) ۲۴- ل: بیودند؛ ق: دویدند؛ (لی، آ: برفتند؛ ب: بگشتند)؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیز لن، ق، آ، وه، لن، آ، ب) ۲۵- ل: زان ۲۶- ف، ل، ق: گردنکشان؛ متن = س، ل، آ، س (نیز لن - ب) ۲۷- ل: بران ۲۸- ل: با

برآن^۱ آب هر کس که آمد فرود
 فریبرز^۲ گفت: آنچه خسرو بگفت
 زمین گرم و نرمست و روشن هوا^۳
 چُن^{۱۱} آسوده گردیم^{۱۲} و چیزی خوریم^{۱۳} ۳۰۶۰
 بر^{۱۶} چشمه یکسر فرود آمدند
 که چونین^{۱۸} شگفتی نبیند کسی
 کزین^{۲۰} رفتن شاه ما^{۲۱} دیده‌یم
 دریغ آن بلند اختر و رای^{۲۲} او
 خردمند ازین کار خندان^{۲۴} شود ۳۰۶۵
 که داند ز^{۲۶} گیتی که او را^{۲۷} چه بود
 بدان^{۲۹} نامداران چُنین گفت گیو
 به مردی و بخشش، به داد^{۳۲} و هنر
 به رزم‌اندرون پیل بُد با سپاه
 همی داد شاه جهان را درود
 نه با^۳ جان پاکش^۴ خرد بود^۵ جفت^۶
 برین^۸ رنجگی^۱ نیست رفتن روا^{۱۰}
 بخشیم^{۱۴} و^{۱۴} بر چشمه پس بگذریم^{۱۵}
 ز خسرو همی^{۱۷} داستان‌ها زدند
 — و گر در^{۱۹} زمانه بماند بسی —
 ز گردن گشان نیز نشنیده‌یم
 بزرگی و دیدار و بالای^{۲۳} او
 که زنده کسی پیش^{۲۵} یزدان شود
 چه گویم و گوش این نیارد شنود^{۲۸}
 که هرگز چنو^{۳۰} نشنود گوش^{۳۱} نیو
 به دیدار و بالا و فر^{۳۳} و گهر^{۳۴}
 به بزم‌اندرون ماه^{۳۵} بُد با کلاه

- ۱- س^۲ (نیزق^۲، ل^۲، و): بدان؛ (لن^۲: بر)؛ ف، ق این بیت را ندارند؛ س پس از این بیت سه بیت و لن، ب تنها بیت‌های دوم و سوم را افزوده‌اند: همه نامداران ایران سپاه همی بازگفت آنچه خسرو بگفت که ما شاه را خود چنین درخوریم
- ۲- ل^۲ (نیزلن^۲): همی باز ۳- ل، ل، ل، س^۲ (نیزق^۲-آ): که با؛ ق: ابا؛ متن = ف، س (نیزب) ۴- ف: پاک؛ س: پاک و ۵- ل، ل، ل، س^۲ (نیزلی، ل^۲، پ، لن^۲): باد؛ متن = ف، س، ق (نیزق^۲، و، آ، ب) ۶- (لن: همی رازگردون زما می‌نهفت) ۷- س^۲: روان ۸- ل، س، س^۲ (نیزق^۲، لی، و، آ، ب): بدین؛ متن = ف (نیزلن^۲) ۹- ف، س، س^۲ (نیزق^۲): خستگی؛ (و: رنج در؛ لن^۲: رنج کی)؛ متن = ل (نیزلی، آ، ب) ۱۰- س^۲: نوان؛ (لن: بدین راه رفتن نبینم روا؛ پ: ازین جای رفتن نبینم روا)؛ ق، ل، ل این بیت را ندارند؛ درل، س^۲، ق، ل، پ، و، آ این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است؛ ف پس از این بیت افزوده است: بدو گیو گفتا نشاید بدن بران پند خسرو ببايد شدن
- ۱۱- ل، س، ق (نیزلن-ب): چو؛ متن = س^۲ ۱۲- ل (نیزب): باشم ۱۳- ف: دم برزیم (پساوند ندارد)؛ متن = ل، س، ق، س^۲ (نیزلن-ب) ۱۴- س (نیزل، ب): [و]؛ ل^۲: نجیم؛ (لن: نختیم)؛ متن ← ۱۵- ل، ق، س^۲ (نیزلی، پ، آ): یک امشب ازین چشمه برنگذریم؛ (ق^۲: نخستین ازین چشمه برنگذریم؛ و: نجسیم بر چشمه و بگذریم؛ لن^۲: نجسیم و زین چشمه برنگذریم)؛ متن = ف (بیت ۳۰۷۰) ۱۶- ل: بران ۱۷- ل (نیزب): بسی ۱۸- ف: چندین؛ ل^۲: چنین؛ متن = ل، س، ق، س^۲ (نیزلن-ب) ۱۹- س^۲ (نیزق^۲، و): با ۲۰- ل، س، ل^۲ (نیزلن، لن^۲، ب): چنین؛ (لی، آ: نه زین؛ پ: بدین)؛ متن = ف، ل، ق، س^۲ (نیزق^۲، ل^۲، و) ۲۱- س، ل^۲ (نیزلن، لن^۲، ب): کی ۲۲- س: بلندی و آن کار ۲۳- س، س^۲: بالا و دیدار ۲۴- ق: حیران ۲۵- ق: نزد؛ (لن: سوی) ۲۶- ل، س^۲ (نیزلی، پ، آ): به ۲۷- (ق، و: که با او) ۲۸- ل، ق (نیزق^۲، ب): ز خوردن سوی خواب (ق: آب) رفتند زود (= ۳۰۷۰ ب)؛ س، ل^۲ (نیزلن، ل^۲): چه گویم کین را نشاید (ل^۲: که یارد) شنود؛ (پ: چه گویم کس آن نیارد شنود؛ و: چه گویم گوش که یارد شنود؛ لن^۲: چه گویم کانرا بشاید ستود)؛ متن = ف، س^۲ (نیزلی، آ) ۲۹- ل^۲: بدین ۳۰- ل، ق، س^۲ (نیزب): چنین؛ متن ← ۳۱- ق، س^۲ (نیزب): مرد؛ (ل^۲: که چون او بگیتی نبودست؛ و: که هرگز نباشد چنو مرد)؛ متن = ف، س، ل^۲ (نیزلن، لی، لن^۲، آ) ۳۲- ف: رای؛ متن = ل، س، س^۲ (نیزب، و) ۳۳- ف: رای؛ س، س^۲ (نیزب): نام؛ متن = ل ۳۴- (و: فرهنگ و فر)؛ ق، ل^۲، لن، لی، لن^۲، آ این بیت را، ق، ب بیت‌های ۳۰۶۷-۳۰۷۰ را و ل^۲ بیت‌های ۳۰۶۶-۳۰۶۹ را ندارند ۳۵- س، ق، س^۲ (نیزلن): نیل؛ ل^۲: پیل؛ (لی، آ: شیر؛ پ: شاه)؛ متن = ف، ل (نیزو، لن^۲)

گفتار اندر مردن طوس و فربرز و گیوویژن [و گستم] در برف^۱

۳۰۷۰ وُزَان پس بخوردند^۲ چیزی که بود
همانگه برآمد یکی باد و ابر
چو برف از زمین بادبان برکشید
یکایک به برف اندرون ماندند
زمانی تپیدند^{۱۱} در زیر برف
نماند ایچ کس^{۱۳} را ازیشان توان

۳۰۷۵

ز خوردن سُوی خواب^۳ رفتند زود^۴
هوا گشت^۵ برسانِ کام^۶ هزبر^۷
نُبد نیزه‌ی نامداران پدید^۸
ندانم^۹ برآن جای چون ماندند^{۱۰}
یکی چاه هر جای بُد کنده^{۱۲} ژرف
برآمد به فرجام شیرین روان

۱- ف: در برف مردن پهلوانان لشکر ایران و گریستن گودرز از پسر گیوویژن و فرزندان دیگر؛ ل: مردن ایرانیان در برف؛ س، ل: مردن طوس و فربرز و گیوویژن در (س: در میان) برف؛ ق: ناپدید گشتن کیخسرو از پهلوانان و وفات طوس و فربرز و گیوویژن در برف؛ متن ← س، ل: ۲- ف: ببودند و خوردند؛ متن = ل- س^۱ (نیزلن، لی-آ) ۳- ف (نیزلی، آ): آب؛ متن = ل، س، ل، آ، س^۱ (نیزلن، ل، آ، پ، و، لن، آ) ۴- ق: همه دل پر از درد و جان پر زدود؛ بنداری: ثم تناولوا شیئا کان معهم و ناموا ساعه ۵- (ق، آ، و، خشک) ۶- ل، ق، س^۱ (نیزلی، ل، آ، پ، و، آ): چشم؛ س (نیزلن، لن، آ، ب): چرم؛ ل: چرخ؛ متن = ف (نیزق، آ) ۷- (لن، لی، ب: هزبر) ۸- (ق، آ): شدند آن دلیران همه ناپدید؛ پ: بشد نیزه سرکشان ناپدید؛ و: نبد هیچ از آن نامداران پدید؛ بنداری: فتغیمت السماء، واشتد الهواء، و مطروا ثلجا غابث فیه من کثرته رماحهم القائمۃ؛ س، ل، آ، لن، لی، پ، لن، آ، ب پس از بیت ۳۰۷۲ افزوده اند:

بسرآمد یکی تنند برف گران

زمین راسته شد (س: راست شد از؛ ب: زان سته شد) کران تا کران

بببودند بیچاره گردان نیو

چو طوس و چوبیژن، فربرز و گیو

ف، ل، ق، س، آ، ق، آ، ل، آ، و این بیت ها را ندارند ۹- س، ق، ل^۱ (نیزلن، ق، آ، لن، آ، ب): بدان؛ متن = ف، ل، س، ل^۱ (نیزب) ۱۰- ل، ق، س^۱: بزاری بران (ق: بدان) جای خون رانند (ل: ماندند)؛ (و: بدام بلا بین که چون ماندند)؛ متن = ف، س، ل^۱ (نیزلن، ق، آ، پ، لن، آ، ب)؛ ل، آ، آ این بیت را ندارند ۱۱- همه دستنویس ها: تپیدند ۱۲- ل، ق، ل، آ، س^۱ (نیزق، آ، پ، و): چاه شد (ل: بد) کنده هر (س: بر؛ پ: مر) جای؛ س (نیزلن، لی، لن، آ، آ، ب): چاه کنند هر (لی: مر؛ آ: بر) جای؛ (ل: چاه شد برف هر جای)؛ متن = ف ۱۳- ق: هیچ یک؛ بنداری: و بقوا یضطربون تحت الثلج حتی هلکوا أجمعین؛ ف پس از بیت ۳۰۷۵ افزوده است:

یکسی بننده بُد در میان سپاه
سخن های خسرو گرفته بیاد
چو آن برف باریدن آغاز کرد
سه روز و سه شب بود پیویان براه
5 چهارم چو ریگ بیابان برید
بخورد آب و لختی چرید او گیاه
چو یک روز دیگر شتابان براند
پیاده همی شد ز جان ناامید
به آباد جایبی رسید او ز راه
10 دهی دید ز آباد همچون بهشت
همه حال با مردم ده بگفت
چو خورد و برآسود و بگشاد راز
همانسه سرآمد برآن سرفراز

هشیوار و داننا و بسا رسم و راه
به هرکس همی پسند او برگشاد
بجست و مسران راه را ساز کرد
نیاسود روز و شب بان سیاه
به صد حیل ز چشمه ساری رسید
دگر باره بنهاد سرسوی راه
ستورش زنا خو... بماند
چو برزد سراز کوه تابنده شید،
زمین دید پر خویسد و آب و گیاه
همه کوه پر لاله و خویسد و کشت
هر آنکس که بشنید ماند او شگفت
زمانه سرآمد برآن سرفراز

این بیت ها در هیچیک از دستنویس های دیگر و نیز در ترجمه بنداری نیست

همان^۳ زال و گودرز^۴ و چندی سوار
 چهارم چو بفروخت گیتی فروز،
 چنین چند باشیم بر^۵ کوه و^۶ سنگ
 چو باد از میانِ یلان^۷ بردمید^۸،
 مگر پندِ خسرو نپذیرفته اند^۹؟
 سر هفته گشتند^{۱۰} یکسر ستوه
 بر آن^{۱۱} آتش تیز^{۱۲} بریان شدند
 همی ریخت آب^{۱۳} و همی خست روی
 که از تخم کاوس بر من رسید
 جهانجوی و بر هر سری سروری^{۱۴}
 همه دوده را روز برگشته^{۱۵} شد
 که دید این شگفتی که بر من رسید؟
 که با دادِ یزدان خرد باد جفت
 گشاده کند برف راه سپاه^{۱۶}
 خورش نیست زاید^{۱۷} باید شدن
 بیابند روزی نشان سپاه^{۱۸}
 همی هر کسی از کسی^{۱۹} یاد کرد

همی بود^۱ رستم بر آن^۲ کوهسار
 بر آن^۳ کوه^۴ بودند گریان^۵ سه روز
 بگفتند کین^۶ کار شد با درنگ
 اگر شاه شد^۷ از جهان ناپدید^۸
 همان^۹ نامداران کجا رفته اند؟
 بودند یک هفته بر پشت^{۱۰} کوه
 بریشان^{۱۱} همه زار و^{۱۲} گریان شدند
 همی کند گودرز کشواد موی
 همی گفت: هرگز کس این بد^{۱۳} ندید
 نبیره^{۱۴} پسر داشتم لشکری
 به کین سیاوش همه کشته شد
 کنون دیگر از چشم شد ناپدید
 سخن های دیرینه^{۱۶} داستان بگفت
 مگر بازگردند و یابند راه
 نشاید برین^{۱۷} کوه سرب بر بدن
 پیاده فرستیم چندی به راه
 برفتند از آن^{۱۸} کوه^{۱۹} گریان به درد

- ۱- س (نیز، لن، ب): وزان (ب: وزین) روی ۲- ق، ل، س (نیز، لن، لی، ل، ب، و): بدان: متن = ف، ل، س (نیز، ق، آ، ب) ۳-
- ق، ل، ا: ابا ۴- س (نیز، لن، ب): همی بود با زال ۵- ل، ق (نیز، لن، لی، ل، ب، و): بدان: (ق: برین): متن = ف، س، ل، س (نیز)
- پ، لن، آ) ۶- ل (نیز، ق، لی، آ): گونه ۷- ل (نیز، لی، آ): یکسر: ق: یکسان: متن = ف، س، ل، س (نیز هفت دستنویس
- دیگر): بنداری: و اما زال و رستم و گودرز فانه اقلما ثلاثة أيام علی ذلک الجبل اللی ذکرنا مفارقة الملک ایاهم علیه بیکون و بنتجون
- ف: کان ۹- (ق: ا: با) ۱۰- ل، ل، س، ق، ل (نیز، ب): [و] ۱۱- س، ل، ل (نیز، لن، لی، ل، ب، آ، ب): گشت ۱۲- ل، ل
- (نیز، لی، آ): ناامید ۱۳- ل، ل، س (نیز، لن، لی، ل، ب، آ، ب): باد هوا از میان: متن = ف (نیز، ق، و) ۱۴- ل، س (نیز، ق، لی، آ):
- بربرید ۱۵- ل، ل، س (نیز، لن، ق، لی، بی، پ، ب): دگر: (ل: همه): متن = ف ۱۶- ف، س، ل، س، ل، س (نیز، ق، و، لن، ا، ب): نپذیرفته اند
- (حرف سوذ نقطه ندارد) ۱۷- ف: یا غم به: س (نیز، لن، ل، ب): بربریز: (ل: دریش): متن = ل، ق، ل، س (نیز، ق، لی، ب،
- و) ۱۸- ل: نبودند از آن کار ۱۹- ل: بدیشان: س، ل، ل (نیز، لن، ل، ب): بدان غم: متن = ف، ق، س (نیز، ق، ا، و،
- آ) ۲۰- ق: [و] ۲۱- ل، ل (نیز، لی، لن، ا): بدان: (لن: چوپر) ۲۲- ل، ل، س (نیز، لی، ب، آ): از درد: س، ل، ل، ل، ل، و،
- لن، ا، ب): درد: متن = ف، ق (نیز، لن) ۲۳- ف: اشک: متن = ل، س (نیز، لن، ب) ۲۴- ل، ل، ق (نیز، لی، آ): گودرز کین کس:
- (ق، ل، ا، ب، و: هرگز کسی این): متن = ف، س، ل، ل، س (نیز، لن، ل، ب) ۲۵- (و: خنوده) ۲۶- ل، ل، س (نیز، لن، ب):
- جهاندار و بر (لی، آ: جهانگیر و از) هر سری افسری: متن = ف ۲۷- ل، ل، ق (نیز، ل، ب): همه (ب: بکین) دوده زیر و زیر گشته: متن = ف،
- س، ل، س (نیز هفت دستنویس دیگر) ۲۸- ف: مرلنه (?): متن = ل، س (نیز، لن، آ): بنداری: فأخذ زال یعزیه و یسلیه ۲۹-
- ل، س (نیز، لن، آ): چو از (ق، و: زین) برف پیدا شود (ل: کند) راه شاه (س، ل، ل، لن، ل، ل، لن، آ: شاه راه: س، ل: رای شاه: ب: پایگاه):
- متن = ف: در ل، ق، س، ل، لی، ل، آ: آنت های این بست پس و پیش شده اند ۳۰- ل، ل، ق، س (نیز، لی، ل، آ، و): (نیز، لی، ب: بدین) ۳۱- ف: لا بد:
- س (نیز، لن): از ایند: (ب: ایند): متن = ل، ق، ل، ل، س (نیز، ق، لی، ل، ب، و، لن، آ) ۳۲- ف: آخر نشان از سپاه: (لن: روزی نشانی ز
- شده: ل، آ: حایی نشان سده): متن = ل، س، ل، ل، س، ل، ل، س (نیز، ق، لی، ل، ب، و، لن، آ): ق این بست را ندارد ۳۳- ف: از: ل، زان ۳۴-
- ل: گونه ۳۵- (ق: یکی: و: هر کس از یکدگر)

ز فرزند و خویشان و از^۱ دوستان
 و زان شاه چون سرو در بوستان
 جهان را چنین ست آیین و دین^۲
 یکی را ز خاک سیه برکشد^۵
 نه زان شاد باشد، نه زین^۸ دردمند^۹
 کجا آن یلان و کجا آن گوان^{۱۱}
 نمانده ست^۳ همواره در به گزین^۴
 یکی را ز تخت کیان^۶ درکشد^۷
 چنین ست رسم سرای گزند^{۱۰}
 از^{۱۲} اندیشه دل دور کن تا توان^{۱۳}

گفتار اندر عهد بستن هراسپ با ایرانیان^{۱۴}

چو هراسپ آگه شد از کار شاه
 نشست از بر تخت با تاج زر
 نشستند هر کس که پرمایه بود
 نگه کرد هراسپ^{۱۸} بر پای خاست
 به آواز گفت: ای سران سپاه
 هر آنکس که از تخت من نیست شاد
 مرا^{۲۱} هرچ^{۲۲} فرمود و گفت آن کم^{۲۳}
 ز لشکر^{۱۵} که بودند با او^{۱۶} به راه،
 برفتند گردان زرین کمر
 و زان نامداران گران سایه^{۱۷} بود
 به خوبی بیاراست گفتار راست
 شنیده همه پند و اندرز شاه،
 ندارد همی^{۱۹} پند خسرو^{۲۰} به یاد
 بکوشم^{۲۴} به نیکی و فرمان^{۲۵} کم^{۲۳}

۱- ف، ل، ق، ل، آ، س: ۲؛ وز؛ متن = س؛ لن، لی، آ، ب پس از این بیت و ل^۲ پس از بیت ۳۰۸۱ افزوده اند:

برفتند که جویند از ایشان نشان
 همه زیر برف اندرون دیدشان

س، پ پس از بیت ۳۰۹۳ افزوده اند:

پساده برفتند و دیدندشان
 بدان حال بردندشان تا به (پ: باز) شهر
 از آن جایگه برکشیدندشان
 از آن مهتریشان چنین بود هر
 پس از سوگ ایشان پرداختند

۲- س (نیز و): داد ۳- ف، س: همان دست (حرف یکم نقطه ندارد)؛ ق، ل، آ، س (نیز لن، ق، آ، لی، پ، آ، ب): همان دست؛ متن = ل (نیز لن^۲) ۴- س: همواره بنیاد باد؛ (ل: بگردد همی این بدان آن بدین؛ و: که نفرین برین بی وفا بی بیاد) ۵- (ق: آورد سوی گاه) ۶- س: کیبی ۷- (ق: یکی را ز گاه افکند سوی ماه)؛ ق، ل این بیت را ندارند ۸- ل- س (نیز لن، ق، آ، و، لن، آ، ب): نه زین شاد باشد نه زان؛ متن = ف (نیز ل^۲) ۹- (ل: مستمند؛ لی، آ: نه زین شادمانی نه زان مستمند؛ پ: نه زین در بود شاد و زان در برنج) ۱۰- ف (نیز لی، آ): بلند؛ س، ل (نیز لن، ل، آ، لن، آ، ب): سپهر بلند؛ (پ: چنین است رسم سرای سپنج)؛ متن = ل، ق، س (نیز ق، آ، و) ۱۱- س، ل: کیان؛ ل، ق (نیز لن، ق، آ، لی، پ، لن، آ، ب): یلان و کیان جهان؛ س: یلان جهان و گوان؛ (ل: کیان و گوان و یلان)؛ متن = ف ۱۲- ف: ز ۱۳- ف: گرتوان؛ (پ: در نهان؛ لی، آ: کز اندیشه دورند زین بدگمان)؛ متن = ل- س (نیز لن، ق، آ، ل، لن، آ، ب)؛ درس پس از این بیت، بیت های ۳۱۳۸-۳۱۴۱ آمده است؛ در لی، آنیز پس بیت ۳۰۹۷ هشت بیت افزوده اند ۱۴- ل: عهد بستن هراسپ با ایرانیان؛ س، ل: بر تخت نشستن هراسپ و سخن گفتن او (س: با ایرانیان)؛ ف، ق، س: سرنویس ندارند؛ متن ← ل ۱۵- ف: گردان؛ متن = ل- س (نیز لن- ب) ۱۶- ف (نیز ق، آ، و): وی ۱۷- س (نیز لن): پایه؛ (ل، آ، ب: مایه)؛ متن = ف، ل، آ، س (نیز ق، آ، لی، پ، و، لن، آ)؛ ل، ق، بیت های ۳۱۰۰ و ۳۱۰۱ را ندارند ۱۸- س، ل، آ، س (نیز پ، ب): هراسپ و ۱۹- (ق: کسی) ۲۰- ل- س (نیز لن، ق، آ، لی، و، لن، آ، ب): شاهان؛ متن = ف (نیز لی، پ، آ) ۲۱- (لن: بما) ۲۲- س، ق، ل، آ، س: هرچه ۲۳- (لن: کنیم) ۲۴- (لی، آ: بگویم) ۲۵- ق: بیوم نیکی و پیمان؛ (لن: بکوشیم و نیکی و پیمان)

- ۳۱۰۵ شما نیز از^۱ اندرز او^۲ دست باز
گمکار باشد به یزدان کسی
بد و نیک ازین هرچ^۷ دارید یاد
چنین داد پاسخ و^۹ پور سام^۹
پذیرفته‌ام پند و اندرز او^{۱۲}
- ۳۱۱۰ تو شاهی و ما یکسره کهنتریم
من ورستم و^{۱۴} زاوی^{۱۵} هرک^{۱۶} هست
هرآنکس که او جز^{۱۹} برین^{۲۰} ره بود
چو لهراسپ گفتار دستان شنید
چنین گفت کز داور راستی
- ۳۱۱۵ که یزدان^{۲۶} شما را بدان آفرید
جهان بخش^{۲۸} نیک اختر^{۲۹} شادروز^{۳۰}
کنون پادشاهی جز آن هرچ^{۳۱} هست
مرا با شما گنج^{۳۳} بخشیده نیست
به گودرز گفت: آنچه^{۳۴} داری نهان
- ۳۱۲۰ بدو گفت گودرز: من یک تنم
- مدارید و از^۳ من مدارید^۴ راز^۵
که اندرز شاهان نخواند^۶ بسی
سراسر به من^۸ بر بیاید گشاد
که خسرو ترا تاج^{۱۰} برده‌ست نام^{۱۱}
نیابد گذر پای بر^{۱۳} مرز او^{۱۲}
ز رای و ز فرمان تو نگذریم
به^{۱۷} مهر تو برنگذرانیم^{۱۸} دست
ز نیکی و^{۲۱} دست^{۲۱} کوتاه بود
برو^{۲۲} آفرین کرد و سر برکشید^{۲۳}
شما را مبادا^{۲۴} بد و^{۲۵} کاستی
که روی^{۲۷} بدی‌ها شود ناپدید
شما را سپرد آن زمان نیمروز
بگیرید چندانک^{۳۲} باید به دست
تن و دوده و پادشاهی یکیست
بگوی از دل ای پهلوان جهان^{۳۵}
که^{۳۶} بی گوی و بهرام^{۳۷} و بی بیژنم

- ۱- ف: [از]؛ س: پند و؛ متن = ل، س، ق، ل (نیز لن - ب) ۲- س: من ۳- ف، ل، ق، س: وز؛ متن = س، ل، ۴- ف، س: نپوشید؛ (ب: می‌پوشید؛ و: ممانید)؛ متن = ل، س، ق، ل (نیز لن، ق، آ، ب) ۵- (ق، آ، ی، ل، ن، آ، ب) ۶- ل (نیز لی، آ): ندارد؛ ق: نداند؛ ل: نجوید؛ (ق: نماند)؛ متن = ف، س، س (نیز لن، آ، پ، و، لن، ب) ۷- س، ق، ل، آ، س: هرچه ۸- س: ما ۹- (ل: زال شاد) ۱۰- ل، س، ق (نیز لن، لی، پ، لن، آ، ب): شاه؛ متن = ف، ل، آ، س (نیز ق، آ، ل، و) ۱۱- س (نیز ق، آ، و): دادست و نام؛ (ل: بر سر نهاد) ۱۲- ل، س، ق: او؛ متن = ف، ل، آ، س ۱۳- ل: با؛ س، ق، س (نیز پ): از؛ (ق): گذر کردن از؛ لی، آ: نیاید گذریام از؛ و: بشاهی تو باشی بدین)؛ متن = ف، ل (نیز لن، لن، ب) ۱۴- ف- ل (نیز لن، لی، ل، آ، ب): [و]؛ متن = س (نیز ق، پ، و، ب)؛ بنداری: و قبلت وصیته و لست براجع عن ذلک ولا رستم ۱۵- ل، س، ق، ل (نیز لن، لی، ب): زایی؛ متن = ف، س (نیز ق) ۱۶- س، ق، ل، آ، س: هر که؛ متن = ف، ل ۱۷- ل- س (نیز لن - ب): ز؛ متن = ف ۱۸- ل: برنگسلانیم؛ س، ق، ل (نیز لن، لن، ب): ما برنگیریم؛ (ق): جان را نگیریم؛ لی، آ: بر ما نگیریم؛ و: دل برنگیریم (و)؛ متن = ف، س (نیز ل، آ، ب) ۱۹- ل: نه ۲۰- س (نیز لن، ل، ب): بدین ۲۱- (لن: و آن؛ ق: مرا) ۲۲- ل: بدو ۲۳- ل (نیز لی، پ، آ): دم درکشید؛ ق (نیز ل، آ، ل): سر درکشید؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیز لن، ق، آ، و، ب) ۲۴- س: مبادا شما را ۲۵- ل (نیز لی، آ، ب): کم و؛ ق: کمی و؛ (لن: بدل؛ ل: همی)؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیز ق، آ، پ، و، لن، ب) ۲۶- (ق، آ، و: جهانبان) ۲۷- ف، س، ل (نیز لن، ق، آ، ل، پ، و، لن، ب): رنج و؛ متن = ل، س (نیز لی، آ)؛ ق این بیت را ندارد ۲۸- ل- س (نیز لن - ب): جهاندار؛ متن = ف ۲۹- ل، ل (نیز ق، ل، آ): نیک اختر و ۳۰- س (نیز پ): نیک روز ۳۱- س، ق، ل، آ، س: هر چه؛ متن = ف، ل ۳۲- ف، س: چندانکه؛ متن = ل، س، ق، ل ۳۳- ل: بخشود؛ س: پوشیده ۳۴- ق: آنک؛ ف: گفتا چه ۳۵- ف، ق: بگو از دلت ای جهان پهلوان؛ متن = ل، س، ل، آ، س (نیز لن - ب: ل، ل، آ: بگو)؛ س: پس از این بیت افزوده است: خداوند گسیتی ترایار باد
- ۳۶- ل: چو ۳۷- ل (نیز پ، و): رهام؛ س، ل، آ، س، ل، ق، آ، لی، پ، و، آ، ب پس از این بیت چهار بیت و لن^۲ تنها بیت چهارم را افزوده‌اند: بگفت این و جامه ز سرتا به پای به آزادگان نیز (پیر) گودرز گفت
- دل و پشت دشمن پراز خار باد
دزید رومی و چینی (ق: برتنش و رومی) قبای
که فرخ کسی کش بود خاک (لن: شاه) جفت ←

برآتم سراسرا که دستان بگفت
چنان هم^۳ که با شاه گفتم نخست
توی شاه^۵ و ما سربسره^۶ کهتریم
همه مهتران خواندند آفرین
ز گفتار ایشان دلش تازه گشت^۹
[برآن نامداران گرفت آفرین
ازو^۲ من ندارم سخن در نهفت
بدین مایه نشکست عهد^۴ درست
ز فرمان و پیمان تو^۷ نگذریم^۸
به فرمان نهادند سر بر زمین
بیالید^{۱۰} و بر دیگر اندازه گشت^۹
که آباد بادا به گردان زمین^{۱۱}]

گزیدش یکی روز فرخنده‌تر
چنان چون فریدون^{۱۳} فرخ‌نژاد^{۱۳}
بدین^{۱۵} مهرماه^{۱۶} گزین، روز مهر
بیاراست ایوان^{۱۷} کیخسروی
چنین‌ست گیتی فراز و نشیب
ازو شادمانی^{۲۰} و زو^{۲۰} دردمند
ازین کار خسرو به^{۲۲} بیرون شدیم
کجا^{۱۲} برنهد تاج شاهی به سر
برین مهرگان^{۱۴} تاج بر سر نهاد،
کرآن^{۱۷} راستی رفت مهر سپهر،
برافروخت ایوان بدو از^{۱۸} نوی
یکی آزور، دیگری بانهبیب^{۱۹}
نماند به کس چند و چونیش چند^{۲۱}
سوی کار^{۲۳} لهراسپ بازآمدیم

۱- س^۱ (نیزق^۱، و): که من هم برانم ۲- ل، ق: جزین؛ ف، ل^۲ این بیت را ندارند، ولی در ترجمه بنداری نیز هست: ثم أفاق وقال: أنا موافق لدستان فیا قال ۳- ل، ل^۱ (نیزلی، آ): چنانم؛ ق: همانم؛ (ل^۲: برانم)؛ متن = ف، س (نیزق^۱، پ، و، لن^۱، ب) ۴- ق: عهدی؛ ف، س^۱ (نیزق^۱، پ): بنوشت عهدی؛ (لی، آ: بستند عهدی؛ و: پیوسته عهدی)؛ متن = ل، س، ل^۲ (نیزل^۲، ل^۲، ب)؛ بنداری: و ممتثل لأمر الملک کیخسرو فیا دبر و اختار؛ لن بیت های ۳۱۲۲ و ۳۱۲۳ را ندارد ۵- ل (نیزق^۱، و): توشاهی ۶- س: بکسره ۷- (لن^۲: تیمار تو)؛ ف: ز فرمان تو یک بیک؛ ل، ق (نیزلی، ل^۲، آ): ز پیمان و فرمان تو؛ متن = س (نیزو، ب) ۸- (ق^۲: رای تو برنگذریم)؛ ل^۲ این بیت را ندارد؛ بنداری: أنت الملک و نحن کلنا لک أتباع و أشیاع ۹- ق: شد ۱۰- ف، ل: بیالید (حرف های یکم و دوم نقطه ندارند)؛ (لی، لن^۱، آ، ب: بنالید)؛ متن = س، ق، ل، س^۱ (نیزلن، ق، ل^۲، پ، و) ۱۱- ف، ل، ق، ل، س^۱، ق، ل، آ، پ، و، لن^۱ این بیت را ندارند؛ متن = س، لن، لی، آ، ب ۱۲- ل (نیزپ): که تا؛ متن = س، س^۱ (نیزلن، لی، ل^۲، لن^۱، آ، ب)؛ ف، ق، ق، آ، و بیست های ۳۱۲۷-۳۱۳۶ را ندارند و ل^۲ تنها بیت ۳۱۳۴ را دارد، ولی بنداری نیز این بیت ها را داشته است: و انشرح صدره بما استتب له من ذلك الأمر لکنه آخر التتوح بتاج السلطنة الی یوم المهرجان اقتداء بأفریدون ۱۳- س (نیزلن، ب): نهاد ۱۴- ل (نیزلی): بدین مهرگان؛ س^۱: بدان مرژدگان (؟)؛ متن = س (نیزلن، ل^۲، پ، لن^۱، آ، ب) ۱۵- س^۱: بدین ۱۶- ل (نیزلی، پ): مهرگان؛ س^۱: مهرماه این؛ متن = س (نیزلن، ل^۲، لن^۱، آ، ب) ۱۷- ل (نیزلی، ل^۲، پ، لن^۱، آ): کزین؛ س^۱: کزی (حکه زی ؟)؛ متن = س (نیزلن، ب) ۱۸- (پ): بروز؛ لن^۱: ازو بر؛ لی، آ: کیوان به بدر؛ ل^۲: رخ را بدان از)؛ ل: پییراست دیوان او از؛ متن = س، س^۱ (نیزلن، ب) ۱۹- ل (نیزل^۲، پ، لن^۱، ب): یکی آورد (آزور؟) دیگری با (ل: را) نهیب؛ س^۱: یکی آورد یک برد بانهبیب؛ (لن: یکی راز درد و یکی نانهبیب؛ لی، آ: یکی کامرانی دگر بانهبیب)؛ متن = س ۲۰- س^۱: ازو ۲۱- س (نیزلن، ب): تاج و تخت بلند؛ س^۱: نباید بکس چند و چون بیش و چند؛ (لی، آ: گهی بر سر تخت گاهی به بند)؛ متن = (لن، ل^۲، پ؛ س^۱)؛ ل این بیت را ندارد ۲۲- س، س^۱ (نیزلن، لی، ل^۲، پ، لن^۱، آ، ب): چو؛ متن = ل ۲۳- س (نیزلن، لن^۱، ب): گاه؛ متن = ل، س^۱ (نیزلی، ل^۲، پ، آ)

→

دریغا گوا گیسورویین تننا جهانجوی و شمشیرزن (پ: شیراوتنا) بیژنا

چو (س^۱: چن) از درد آن دوده آمد بجوش (ل^۱: بهوش؛ ق^۱: و: درد آمد سپهبد بهوش)

چنین گفست باناله و با خروش

ف، ل، ق، ل^۲ هیچیک از این بیت ها را و لن^۱ سه بیت نخستین را ندارند، ولی گویا بنداری هم آنها را داشته بوده است: فذکر اولاده بهرام و جیوو بیژن، و مزق ثیابه، و بقی ساعة یندبهم و ینوح علیهم

کنون تاج و اورنگ هراسپ‌شاه
 به پیروزی شهریار بلند ۳۱۳۵
 به نیکی رساند دلِ دوستان
 جهان را چنینست آیین و سان
 سرای سپنج‌ست با درد و رنج
 ازین^۷ کار کیخسرو اندازه گیر
 سُوئی نیکی و نیک‌نامی گرای ۳۱۴۰
 چُنین بود تا بود کار جهان
 بیارایم و برنشام به گاه^۱
 کزویست اومید و بیم^۲ گزند
 گزند آید از وی به ناراستان^۳
 بگرددهمی زان برین^۴، زین بدان^۵
 تو با رنج او ناز و خوشی^۶ مسنج
 کهن‌گشته کار جهان تازه گیر^۸
 جزین نیست توشه به دیگرسرای^۹
 گرافه نکردند نامش جهان^{۱۰}

۱- ل، س^۲ این بیت را ندارند؛ متن = س، ل^۲ (نیز ل، لی، ل^۳، پ، لن، آ) ۲- ل، س^۲: امید نیک و؛ س (نیز لن، ب): امید و بیم؛ (لن، لی، پ، آ: امید و بیم و؛ ل^۳: امید بیم و)؛ متن = س، لن، ب با تصحیح امید به اومید ۳- (لی، آ: بماناد این سرود در بوستان)؛ س، س، لن، لی، ل^۲، آ پس از این بیت افزوده‌اند:

برین (بران، بدین) نیز یادا دلش مهربان
 که بر آفرینش گشاید زبان
 ۴- ق، س^۲ (نیز ق^۲، لی، و، لن، آ): بدین؛ (ل^۳: زین برین)؛ متن = ف، ل (نیز پ) ۵- ل، س^۲ (نیز پ): بران؛ (ل^۳: زان بران)؛ متن =
 ف، ق (نیز ق^۲، لی، و، لن، آ): ل، لن، ب بیت های ۳۱۳۷-۳۱۴۱ و ل، ق، ق^۲، پ، و، لن^۲ بیت های ۳۱۳۸-۳۱۴۱ را ندارند و این بیت ها
 تنها در ف، س^۲، لی، ل^۲، آ، و درس پس از بیت ۳۰۹۷ آمده‌اند ۶- (لی: بازجویی؛ ل^۳: باز و خوبی؛ آ: نازجویی)؛ متن = ف، س،
 س^۲ ۷- س^۲: تواز ۸- ف: جهان را کهن دان و غم تازه گیر؛ س (نیز لی، آ): جوانه مخوان گیتی گنده‌پیر؛ (ل^۳: چو آمد بدین گیتی
 گنده‌پیر)؛ متن = س^۲ (= ۹۱)؛ س^۲ پس از این بیت افزوده است:
 نیار را بکشت و هم ایدرنماند
 جهان نیز منشور او برنخواند (= ۹۳)
 ۹- ف پس از این بیت افزوده است:

چنین است کار جهان جهان
 ۱۰- ل^۳ این بیت را ندارد؛ متن = ف، س، س^۲، لی، آ؛ ق^۲، و بجای بیت های ۳۱۳۸-۳۱۴۱ یا در آغاز پادشاهی هراسپ افزوده‌اند:
 کنون زان سخن‌ها فزایش کنیم
 بران آفرین کافرین آفرید
 هم افراز ازویست و هم نام ازو
 سپهر و ستاره زمین کرده است
 5 ز خاشاک ناچیز تا عرش راست
 جز او را مخوان کردگار جهان
 وزو بر روان محممد درود
 سرانجمن بُد زیاران علی
 نباشد جز از بی‌پدر دشمنش
 10 همه پاک بودند و پرهیزکار
 هزاران درود و هزاران سلام
 کنون تاج و اورنگ هراسپ‌شاه
 ز گفتار گوینده‌دهقان پیر

جهان است از آن خواندندش جهان (= ۳۱۴۰)
 جهان آفرین را ستایش کنیم (ق^۲ ندارد)
 سپهر و زمین آفرید
 هم آغاز ازویست و فرجام ازو
 کم و بیش گیتی برآورده است
 سراسر به هستی یزدان گواست
 شناسانده آشکار و نهان
 به یاران بر هر یکی برفزود
 که شاعیش (و: شیعیش) خواند علی ولی
 که یزدان به آتش بسوزد تنش
 سخن های ایشان گذشت از شمار
 ز ما بر محمد علیه السلام (و: بر نبی و ولی والسلام)
 بیارایم و برنشام به گاه (= ۳۱۳۴)
 سخن ها همه یک‌بیک یادگیر (ق^۲ ندارد)

فهرست‌ها

فهرست نام کسان

- بزرگ ۱۰۵، ۳۴۲، ۱۹۴۶، ۱۹۵۷،
 ۲۰۷۶، ۲۰۸۳، ۲۰۸۴
 اشکن - جنگ بزرگ ۱۹۴۶ پ
 اغربرت^۱ - جنگ بزرگ ۱۲۵۰، ۲۲۵۹
 اغربرت^۲ - جنگ بزرگ ۳۲۷
 اغربرت ← اغربرت
 افراسیاب^۱ - یازده رخ ۳۷، ۵۸، ۶۱، ۶۶،
 ۱۱۲، ۱۶۵، ۱۷۱، ۱۹۸، ۲۰۱،
 ۲۲۵، ۲۵۸، ۳۳۵، ۴۰۶، ۷۲۱،
 ۹۵۰، ۹۹۵، ۱۰۱۲، ۱۰۱۹، ۱۰۳۵،
 ۱۰۴۹، ۱۰۵۹، ۱۱۳۰، ۱۲۴۲،
 ۱۳۶۰، ۱۴۰۳، ۱۴۷۵، ۱۵۲۹،
 ۱۶۵۸، ۱۷۴۵، ۱۷۶۴، ۱۸۰۱،
 ۱۹۲۷، ۲۰۱۰، ۲۰۶۵، ۲۱۰۱،
 ۲۱۵۲، ۲۱۸۷، ۲۴۰۳، ۲۴۱۲،
 ۲۴۲۷، ۲۴۳۰ جنگ بزرگ ۱۱۵،
 ۲۱۳، ۲۱۸، ۲۳۹، ۲۵۵، ۲۸۶
- آبدان (?) - جنگ بزرگ ۱۹۲ پ
 آذرگشسپ - فهرست نام جای ها
 آرش - جنگ بزرگ ۱۲۵ پ
 آره - آوه
 آفریدون - فریدون
 آوه (- وسمگان) - جنگ بزرگ ۱۸۱، ۷۶۲
 ابوالقاسم - جنگ بزرگ ۲۰
 اخواشت ← اخواشت
 اخواشت - یازده رخ ۳۳۸، ۱۸۲۴، ۱۹۴۱
 اروند - جنگ بزرگ ۲۹۴۷ پ
 استقیلا - جنگ بزرگ ۸۱۲، ۸۱۶
 اسکس ← اشکش
 اشکش ← اشکش (بندهاری همه جا اشکش
 دارد)
 اشکش - یازده رخ ۱۱۶، ۹۵۶، ۱۰۲۶،
 ۱۰۳۱، ۱۰۶۳، ۱۱۴۹، ۱۲۸۵ جنگ

اوخواست ← اخواشت	۳۱۷، ۳۳۷، ۳۴۸، ۳۵۴، ۳۶۸
اورند - جنگ بزرگ ۲۹۴۷ پ	۳۹۲، ۴۰۲، ۴۸۱، ۴۹۲، ۴۹۷
اوزرد - جنگ بزرگ ۲۹۴۷ پ	۵۰۴، ۵۲۶، ۵۳۵، ۵۷۲، ۵۷۸
اولاد غندی ← کولاد غندی	۶۹۸، ۷۱۹، ۷۳۸، ۷۴۸، ۷۵۳
ایرج ^۱ - یازده رخ ۱۵۶، ۱۱۶۱، ۱۲۳۸	۸۲۴، ۸۳۴، ۸۳۶، ۸۶۷، ۸۷۵
جنگ بزرگ ۵۲۸، ۱۱۹۹، ۲۳۵۴	۹۰۰، ۹۰۹، ۹۳۸، ۹۵۱، ۹۶۵
۲۳۸۱	۹۹۱، ۹۹۸، ۱۰۰۳، ۱۰۱۷، ۱۰۳۱
ایرج ^۲ - جنگ بزرگ ۱۲۸	۱۰۴۲، ۱۰۷۳، ۱۱۱۸، ۱۱۴۹
ایلا ← برزایلا	۱۱۵۲، ۱۱۶۸، ۱۲۱۰، ۱۲۷۴
ایلاد - جنگ بزرگ ۸۱۶ پ	۱۲۷۷، ۱۳۲۲، ۱۳۲۳، ۱۳۵۰
ایلاک - جنگ بزرگ ۸۱۳	۱۳۵۷، ۱۳۸۰، ۱۴۲۰، ۱۴۲۵
	۱۴۳۱، ۱۴۶۵، ۱۴۷۹، ۱۴۹۶
بارمان - یازده رخ ۱۸۲۰، ۱۸۹۶، ۱۹۰۲	۱۵۰۵، ۱۵۲۴، ۱۵۷۹، ۱۵۹۶
برازہ (گرازہ؛ بنداری ہمہ جا برازہ دارد) -	۱۶۱۵، ۱۶۵۱، ۱۶۷۹، ۱۶۹۱
یازده رخ ۱۲۰ پ، ۳۰۲ پ، ۱۸۷۲ پ	۱۶۹۳، ۱۶۹۶، ۱۷۰۴، ۱۷۱۳
برتنہ ← برنہ	۱۷۲۷، ۱۷۴۵، ۱۷۴۹، ۱۷۵۵
برزایلا - جنگ بزرگ ۳۱۶، ۸۱۳، ۸۲۰	۱۷۶۲، ۱۷۹۷، ۱۸۵۲، ۲۰۰۴
۸۲۱	۲۰۰۸، ۲۰۲۴، ۲۰۴۱، ۲۰۹۰
برسان (?) - جنگ بزرگ ۱۷۵	۲۱۰۰، ۲۱۱۴، ۲۱۱۹، ۲۱۳۳
برنہ — یازده رخ ۱۸۲۴، ۱۹۷۲، ۱۹۷۴	۲۲۰۰، ۲۲۲۰، ۲۲۴۴، ۲۲۸۵
۱۹۷۵ جنگ بزرگ ۱۸۵	۲۳۱۳، ۲۳۲۰، ۲۳۲۵، ۲۳۴۵
بستوه ← نستوه	۲۳۴۹، ۲۴۴۷، ۲۶۹۲، ۲۷۰۳
بسطام - جنگ بزرگ ۱۷۵ پ	۲۷۳۷، ۲۷۳۹، ۲۸۲۵، ۲۹۸۴
بلیمان - جنگ بزرگ ۲۱۴۲ پ	
بغبور — فغبور (بنداری ہمہ جا بغبور = بغبور دارد)	افراسیاب ^۲ - جنگ بزرگ ۳۱۳
بورسب - جنگ بزرگ ۱۳۵ پ	اکوان دیو - جنگ بزرگ ۲۸۶۴ پ
بوینہ ← برنہ	آندریمان - یازده رخ ۳۳۸، ۱۶۰۳، ۱۶۰۶
بہرام ^۱ (بہرام گودرز?) - یازده رخ ۸۰ پ،	۱۸۲۲، ۱۹۵۹، ۱۹۶۷ جنگ بزرگ
۲۳۲ پ، ۱۷۱۳ پ جنگ بزرگ ۳۱۲۰	۱۹۲ پ
	اندمان - جنگ بزرگ ۱۹۲ پ
	اندیان - جنگ بزرگ ۱۹۲ پ

پشین — جنگ بزرگ ۲۹۴۷ پ
 پولادوند — جنگ بزرگ ۲۸۶۴ پ
 پیران (- و یسه) - یازده رخ ۲۰، ۵۳، ۶۹،
 ۱۳۱، ۱۴۳، ۱۵۱، ۱۵۲، ۲۰۹،
 ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۶، ۲۲۳، ۲۲۵،
 ۲۳۰، ۲۳۶، ۲۶۰، ۲۶۵، ۲۶۶،
 ۲۷۰، ۳۲۷، ۳۶۰، ۳۷۲، ۴۱۷،
 ۴۴۸، ۵۲۵، ۵۲۸، ۵۷۳، ۶۳۲،
 ۷۴۵، ۸۳۸، ۸۴۵، ۸۷۲، ۸۷۴،
 ۹۱۴، ۹۲۰، ۹۳۷، ۹۴۲، ۹۵۴،
 ۱۰۰۵، ۱۰۰۹، ۱۰۱۱، ۱۰۲۰،
 ۱۰۳۸، ۱۰۴۵، ۱۰۴۸، ۱۱۰۵،
 ۱۱۹۹، ۱۲۰۴، ۱۳۳۵، ۱۳۴۲،
 ۱۳۴۳، ۱۴۰۱، ۱۴۰۵، ۱۴۰۹،
 ۱۴۵۹، ۱۴۶۰، ۱۴۸۱، ۱۴۹۳،
 ۱۵۲۵، ۱۵۴۲، ۱۵۴۳، ۱۵۴۴،
 ۱۵۴۵، ۱۵۴۷، ۱۵۵۲، ۱۵۵۵،
 ۱۵۵۶، ۱۵۵۸، ۱۵۶۳، ۱۵۶۹،
 ۱۶۳۰، ۱۶۳۳، ۱۶۶۵، ۱۶۷۹،
 ۱۶۸۲، ۱۶۹۲، ۱۷۰۵، ۱۷۴۲،
 ۱۷۹۸، ۱۸۰۰، ۱۸۲۷، ۱۸۳۶،
 ۱۹۱۶، ۱۹۸۶، ۱۹۹۱، ۱۹۹۳،
 ۱۹۹۹، ۲۰۱۳، ۲۰۲۱، ۲۰۲۴،
 ۲۰۴۴، ۲۰۵۱، ۲۰۸۶، ۲۰۸۸،
 ۲۱۰۳، ۲۱۰۴، ۲۱۲۱، ۲۱۳۴،
 ۲۱۴۲، ۲۱۸۹، ۲۱۹۹، ۲۳۸۳،
 ۲۳۹۲، ۲۳۹۴، ۲۵۲۱، جنگ بزرگ
 ۹۵، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۳۱، ۲۵۱، ۲۵۷،
 ۳۸۰، ۳۸۱، ۳۹۴، ۴۰۲، ۴۲۸،
 ۱۱۲۸، ۱۲۳۴، ۱۲۵۹، ۱۵۰۱

بهرام^۲ - جنگ بزرگ ۲۳۷۳
 بهزاد (اسب کیخسرو) - جنگ بزرگ ۶۰۷
 بید - جنگ بزرگ ۲۸۶۰
 بیژن (- گیو) - یازده رخ ۴۲، ۸۱، ۳۶۲،
 ۳۸۵، ۴۰۱، ۵۹۷، ۶۱۹، ۶۴۷،
 ۶۵۵، ۶۶۰، ۶۶۶، ۶۷۰، ۶۹۰،
 ۷۰۲، ۷۱۶، ۷۱۹، ۷۳۷، ۷۴۶،
 ۷۴۸، ۷۵۹، ۷۹۸، ۸۰۶، ۸۰۸،
 ۸۱۳، ۸۲۵، ۸۲۶، ۸۳۳، ۸۳۵،
 ۸۴۳، ۸۴۶، ۸۵۲، ۸۵۵، ۸۶۲،
 ۸۶۴، ۸۹۲، ۸۹۶، ۹۰۲، ۹۰۵،
 ۹۰۶، ۹۰۸، ۹۴۸، ۱۳۸۳، ۱۳۸۷،
 ۱۵۳۲، ۱۵۹۸، ۱۶۰۱، ۱۶۳۲،
 ۱۶۸۹، ۱۸۲۳، ۱۹۱۱، ۱۹۲۰،
 ۲۱۹۱، ۲۱۹۲، ۲۲۰۳، ۲۲۰۷،
 ۲۲۱۵، ۲۲۲۵، ۲۲۲۷، ۲۲۴۲،
 ۲۲۵۱، ۲۳۱۱، ۲۳۱۶، ۲۳۲۱،
 ۲۳۲۶، ۲۳۳۵، ۲۳۴۷، ۲۳۴۸،
 ۲۳۶۱، ۲۴۸۲، ۲۴۸۵، ۲۴۸۸،
 ۲۵۱۳، ۲۵۱۷، جنگ بزرگ ۱۳۶،
 ۲۴۹۰، ۲۶۲۸، ۲۷۸۵، ۲۸۴۷،
 ۲۹۱۸، ۳۰۰۹، ۳۰۳۵، ۳۱۲۰

پشنگ^۱ - یازده رخ ۱۴۲۰، جنگ بزرگ
 ۲۲۱، ۲۴۴، ۲۵۲، ۱۵۶۳، ۱۵۸۶،
 ۲۷۳۸، ۲۳۳۸

پشنگ^۲ (نیز - شیده^۱) - جنگ بزرگ
 ۳۰۰، ۳۰۵، ۳۱۵، ۳۲۵، ۳۶۵،
 ۴۴۲، ۴۵۶، ۴۶۳، ۴۸۹، ۵۹۴،
 ۷۰۸، ۱۲۶۲، ۲۷۰۲، ۲۷۵۳

- پیروز - جنگ بزرگ ۱۷۴
 پیلتن (رستم) - جنگ بزرگ ۲۸۷۲
- خاقان - یازده رخ ۱۰۲۴ جنگ بزرگ
 ۱۴۹۸، ۱۵۰۰، ۱۶۷۷، ۱۸۵۵،
 ۱۸۸۳، ۱۸۶۱
- خداوندِ رخس (رستم) - جنگ بزرگ ۲۸۳۶
 خرداد - جنگ بزرگ ۲۷۸۴
 خرداد - یازده رخ ۱۷۱۳ پ
 خرنجاس - جنگ بزرگ ۳۲۳، ۷۸۷
 خسرو - کیخسرو
 خوزان - جنگ بزرگ ۱۲۳، ۱۲۴، ۷۷۲،
 ۹۶۸، ۲۱۴۲ پ
- دستان (- سام) - یازده رخ ۸۰ جنگ بزرگ
 ۱۴۱، ۱۵۵۹، ۲۵۴۸، ۲۵۵۱، ۲۵۵۶،
 ۲۶۲۷، ۲۶۲۹، ۲۶۵۶، ۲۷۱۹،
 ۲۷۲۹، ۲۷۵۷، ۲۷۶۰، ۲۷۷۰،
 ۲۸۵۲، ۲۹۳۸، ۲۹۴۱، ۳۰۳۴،
 ۳۰۸۸، ۳۱۱۳، ۳۱۲۱
- دشمه - جنگ بزرگ ۱۶۴
 دل افروز - جنگ بزرگ ۱۳۴
 دمور - جنگ بزرگ ۳۲۳
 دیزه (اسب بیژن) - یازده رخ ۵۹۹، ۲۱۹۴
 دیوسپید - جنگ بزرگ ۲۸۶۰
- رخس - جنگ بزرگ ۱۰۱۰، ۲۸۳۶
 رستم نیز - پیلتن، تهمتن، خداوندِ رخس) -
 یازده رخ ۱۷، ۳۵، ۸۰، ۱۰۶، ۳۶۸،
 ۴۱۴، ۹۵۶، ۱۰۲۶، ۱۰۳۰، ۱۱۴۳،
 ۱۲۸۱، ۱۲۸۲ جنگ بزرگ ۱۰۶،
 ۱۱۰، ۱۴۰، ۳۴۹، ۵۲۱، ۵۲۲،
 ۷۷۲، ۷۷۷، ۹۱۹، ۱۰۰۸، ۱۰۱۰،
- تخار ← تخوار
 تُخوار - جنگ بزرگ ۱۶۱، ۱۹۲۳
 تلیمان - جنگ بزرگ ۲۱۴۱ پ
 تور (- فریدون) - یازده رخ ۴۶، ۵۰۲،
 ۱۱۶۰، ۱۲۳۸، ۱۲۳۹، ۱۴۲۰ جنگ
 بزرگ ۵۱۶، ۵۲۸، ۹۱۱، ۱۱۵۵،
 ۱۱۹۹، ۱۲۴۷، ۲۱۴۶، ۲۳۸۱،
 ۲۴۴۵، ۲۴۴۶، ۲۷۴۷، ۲۹۸۵
- تورا - جنگ بزرگ ۳۱۸ پ
 تهمتن (رستم) - جنگ بزرگ ۱۰۱۲،
 ۱۵۷۵، ۱۵۹۳، ۲۶۱۲، ۲۸۵۷
 تیمه - جنگ بزرگ ۱۳۱ پ
- جرجاس - جنگ بزرگ ۳۲۵ پ
 جرنجاس ← خرنجاس
 جم - یازده رخ ۱۱۰۰ جنگ بزرگ ۷۸،
 ۱۱۸۹، ۲۴۴۵، ۲۴۷۸، ۲۹۸۳
 جمشید (نیز ← جم) - یازده رخ ۲۴۹۹
 جنگ بزرگ ۲۱۷۴، ۲۷۴۶، ۱۲۵۵
 جَهَن (- افراسیاب) - جنگ بزرگ ۳۰۸،
 ۳۱۲، ۳۲۳، ۴۴۲، ۷۱۶، ۷۲۳،
 ۷۳۸، ۷۵۸، ۸۱۰، ۹۶۳، ۱۱۳۷،
 ۱۱۳۹، ۱۱۴۱، ۱۱۴۳، ۱۱۵۰،
 ۱۲۰۷، ۱۲۷۳، ۱۳۲۳، ۱۳۴۱،
 ۱۳۷۲، ۱۴۲۳، ۱۷۵۱، ۱۷۹۲،
 ۱۷۹۴، ۱۷۹۹، ۲۹۹۳ پ

،۲۶۱۴ ،۲۶۰۹ ،۲۶۰۷ ،۲۵۵۲	،۱۰۳۰ ،۱۰۲۹ ،۱۰۲۸ ،۱۰۲۱
،۲۷۲۲ ،۲۶۸۷ ،۲۶۷۷ ،۲۶۲۱	،۱۰۴۵ ،۱۰۴۲ ،۱۰۳۶ ،۱۰۳۴
،۲۷۸۷ ،۲۷۸۲ ،۲۷۷۳ ،۲۷۳۳	،۱۱۱۷ ،۱۱۱۰ ،۱۱۰۰ ،۱۰۴۷
،۲۹۵۳ ،۲۹۳۰ ،۲۸۷۷ ،۲۸۳۶	،۱۳۳۵ ،۱۳۳۰ ،۱۳۲۱ ،۱۲۸۱
۳۰۷۶	،۱۵۹۰ ،۱۵۷۰ ،۱۵۶۴ ،۱۳۴۰
،۱۳۸ - جنگ بزرگ ۱۳۵ پ،	،۱۷۱۳ ،۱۶۴۷ ،۱۶۴۶ ،۱۶۲۳
۲۹۳۴ ،۲۶۱۰ ،۲۴۰۲ ،۲۳۸۸ ،۷۷۷	،۲۰۸۷ ،۱۸۹۸ ،۱۷۳۶ ،۱۷۳۰
زَنگالَه ← زنگاله	،۲۵۳۸ ،۲۱۰۴ ،۲۰۹۷ ،۲۰۹۱
زَنکولَه ← زنگوله	،۲۶۰۹ ،۲۶۰۷ ،۲۵۵۳ ،۲۵۵۱
زَنگالَه - یازده رخ ۳۴۲	،۲۶۵۹ ،۲۶۲۹ ،۲۶۲۷ ،۲۶۱۴
زَنگله - یازده رخ ۱۸۲۵ ،۱۸۸۴ ،۱۸۸۸	،۲۷۸۳ ،۲۷۷۸ ،۲۷۷۴ ،۲۷۲۴
۱۸۹۱ ،۱۸۹۰	،۲۸۷۶ ،۲۸۵۴ ،۲۸۳۷ ،۲۷۸۷
زنگه - (- شاوران) - یازده رخ ۸۱ ،۱۲۰	۳۱۱۱ ،۳۰۷۶ ،۳۰۳۴ ،۳۰۰۹
،۱۹۴۱ ،۱۹۳۹ ،۱۸۲۴ ،۱۵۱۶ ،۳۱۲	،۳۴۸ ،۳۴۴ رخ یازده رخ (- پیران) -
۱۹۵۱ جنگ بزرگ ۱۵۱ ،۲۹۱۵ پ	،۱۲۰۰ ،۱۱۹۵ ،۱۱۹۳ ،۱۱۹۱
زواره - یازده رخ ۱۲۱ ،۳۰۲ ،۵۰۵ جنگ	،۱۳۳۰ ،۱۲۷۴ ،۱۲۰۶ ،۱۲۰۵
بزرگ ۱۸۷	،۱۶۸۲ ،۱۵۳۸ ،۱۳۴۲ ،۱۳۳۷
زوطهماسپ - جنگ بزرگ ۲۶۳۶	،۱۸۲۳ ،۱۹۱۱ ،۱۹۱۳ جنگ بزرگ
۲۷۹۷ پ	۲۵۷ ،۲۵۲ ،۲۴۰
زهیر - جنگ بزرگ ۱۶۷	،۲۳۲ ،۱۲۱ ،۸۰ - یازده رخ (- گودرز) -
سام - جنگ بزرگ ۳۱۰۸	،۱۷۱۳ ،۵۴۸ ،۴۸۲ ،۴۷۳ ،۳۰۴
ساوه - جنگ بزرگ ۱۸۱ پ	،۲۰۵۴ ،۱۹۰۰ ،۱۸۹۶ ،۱۸۲۰
سَبَاخ ← صَبَاح	،۲۰۵۷ جنگ بزرگ ۱۳۶ ،۵۹۶
سَبَاع ← صَبَاح	،۶۸۱ ،۶۷۱ ،۶۵۱ ،۶۴۷ ،۶۰۳
سِپَهَرَم - یازده رخ ۳۴۲ ،۱۸۲۶ ،۱۹۲۸	۲۷۸۸ ،۲۴۹۰ ،۱۵۰۹
۱۹۳۱	رهیر ← زهیر
سرخاب ← سهراب	،۵۱۶ ،۴۴۵ ،۱۷۸ - جنگ بزرگ
سلم - یازده رخ ۱۱۶۰ ،۱۲۳۹ جنگ بزرگ	۱۱۸۹
۲۴۴۵ ،۲۳۸۱	زال (نیز - داستان) - جنگ بزرگ ۲۵۳۸

- طبرک — طورگ
 طورڈ — جنگ بزرگ ۷۶۰ پ، ۹۶۴ پ
 طورگ — جنگ بزرگ ۷۶۰ پ، ۹۱۳ پ
 ۱۸۸۴، ۱۸۸۵، ۱۸۹۲
 فرہاد — یازدہ رخ ۸۰، ۱۲۱، ۲۳۲، ۳۲۳،
 ۶۶۲، ۱۵۱۵، ۱۷۱۳ جنگ بزرگ
 ۱۴۴، ۱۵۰۹
 فریبرز (— کاوس) — یازدہ رخ ۳۰۱، ۳۰۳،
 ۴۹۵، ۵۰۷، ۵۴۸، ۱۷۰۳، ۱۷۱۴،
 ۱۸۱۹، ۱۸۴۹ جنگ بزرگ ۱۶۰،
 ۱۶۵، ۷۸۷، ۹۷۰، ۱۱۱۱، ۲۸۴۴،
 ۳۰۱۰، ۳۰۳۵، ۳۰۵۸
 فریدون — یازدہ رخ ۱۵۵، ۱۱۶۱، ۱۲۴۰،
 ۱۶۵۵، ۱۷۰۰ جنگ بزرگ ۴۵، ۴۶،
 ۱۷۸، ۲۱۴، ۲۱۸، ۲۵۷، ۵۵۰،
 ۶۴۴، ۶۵۴، ۱۱۸۹، ۱۲۱۷، ۱۵۴۷،
 ۱۵۶۳، ۲۱۷۴، ۲۲۳۱، ۲۲۶۵،
 ۲۳۳۸، ۲۳۸۱، ۲۶۸۳، ۲۷۳۸،
 ۲۹۰۱، ۳۰۲۲، ۳۱۲۸
 فضل بن احمد — جنگ بزرگ ۲۷
 فغفور — یازدہ رخ ۴۰ جنگ بزرگ ۱۰۶۸،
 ۱۰۷۱، ۱۰۷۶، ۱۴۹۷، ۱۶۷۷،
 ۱۶۷۹، ۱۶۸۴، ۱۶۹۲، ۱۶۹۳،
 ۱۸۵۵، ۱۸۶۱، ۱۸۸۳، ۱۸۸۹،
 ۱۸۹۴، ۱۸۹۷
 قارن (— کاویان) — جنگ بزرگ ۱۳۱ پ،
 ۱۸۹، ۱۹۱، ۴۸۷، ۴۸۹، ۴۹۳،
 ۴۹۵، ۵۵۳، ۵۷۶، ۷۱۵، ۷۲۳
 قباد — کيقباد
 قراخان — یازدہ رخ ۲۰ جنگ بزرگ ۲۷۶،
 ۳۱۳ پ، ۸۷۶، ۱۰۰۶، ۱۰۱۸
 طوس (— نوذر) — یازدہ رخ ۱۳۰، ۱۰۴۲،
 ۱۰۴۴، ۱۰۵۵، ۱۰۶۴، ۱۰۶۹،
 ۱۴۴۱، ۱۴۴۴، ۱۷۰۳ جنگ بزرگ
 ۱۱۱، ۱۲۳، ۱۹۲، ۳۴۹، ۷۷۳،
 ۹۶۸، ۱۱۱۱، ۱۵۸۶، ۱۵۹۲، ۱۶۲۴،
 ۱۶۴۶، ۱۹۲۸، ۲۴۹۰، ۲۵۳۱،
 ۲۶۱۱، ۲۶۲۷، ۲۷۷۴، ۲۷۸۴،
 ۲۷۸۸، ۲۸۳۹، ۲۸۵۶، ۲۸۹۹،
 ۲۹۰۶، ۳۰۱۰، ۳۰۳۵
 طهمورت — یازدہ رخ ۲۴۹۹
 طهمورث — طهمورت
 علی — جنگ بزرگ ۳۱۴۱ پ
 فرامرز — یازدہ رخ ۱۱۰، ۱۲۱
 قرخان — جنگ بزرگ ۲۹۰۱
 فرشیدورد — یازدہ رخ ۳۴۰، ۱۴۹۳، ۱۴۹۹،
 ۱۵۰۳، ۱۵۱۷، ۱۵۶۴، ۱۵۷۲،
 ۱۵۷۷، ۱۵۸۷، ۱۵۹۴، ۱۵۹۹،
 ۱۷۷۳، ۲۰۹۳، ۲۱۰۴، ۲۱۱۴،
 ۲۱۱۷، ۲۱۵۵، ۲۱۷۰، ۲۱۹۳،
 ۲۲۲۷، ۲۲۶۹، ۲۲۷۴، ۲۲۹۱،
 ۲۳۵۸، ۲۴۵۸، ۲۴۸۳، ۲۴۸۸ جنگ
 بزرگ ۲۳۱، ۲۴۱، ۲۵۲، ۲۵۷، ۳۹۷،
 ۴۲۸
 فروہل — یازدہ رخ ۳۰۹، ۴۷۸، ۱۸۲۵،

کزدھم - گزدھم	کاموس - جنگ بزرگ ۲۸۶۴
کشواد - جنگ بزرگ ۶۴۹	کاوس - یازده رخ ۱۰۵۵، ۱۲۴۴، ۲۴۲۴
کشماره - گتماره	جنگ بزرگ ۴۳۲، ۵۲۷، ۵۵۱
کلباد - گلباد	۵۵۸، ۸۶۲، ۱۲۲۷، ۱۱۶۲، ۱۲۰۲
کوشیار - جنگ بزرگ ۱۸۵ پ	۱۴۷۸، ۱۷۵۳، ۱۷۷۰، ۱۷۷۱
کولادغندی - جنگ بزرگ ۲۸۶۰	۱۷۷۵، ۱۷۸۰، ۱۷۹۷، ۱۸۱۶
کوهیار - جنگ بزرگ ۱۸۵	۲۰۴۲، ۲۱۲۹، ۲۱۶۱، ۲۱۶۸
گھرم - یازده رخ ۱۸۲۴، ۱۹۷۲، ۱۹۷۵	۲۱۷۱، ۲۱۸۶، ۲۱۹۱، ۲۱۹۸
۱۹۷۸	۲۳۰۲، ۲۴۰۳، ۲۴۰۸، ۲۴۲۶
گھیلا - جنگ بزرگ ۳۱۶، ۷۸۸	۲۴۴۶، ۲۴۴۷، ۲۴۷۸، ۲۵۴۲
کیخسرو - یازده رخ ۱۰۶، ۱۹۵، ۱۹۶	۲۶۳۶، ۲۶۹۳، ۲۷۳۶، ۲۷۴۰
۲۳۵، ۴۱۹، ۴۲۰، ۹۴۲، ۹۵۳	۲۷۴۶، ۲۷۹۷، ۲۸۳۵، ۲۸۵۵
۹۵۵، ۹۷۱، ۹۷۶، ۹۷۹، ۹۸۲	۲۸۵۶، ۲۸۸۱، ۲۸۶۳، ۲۹۰۶
۹۹۰، ۹۹۱، ۱۰۵۶، ۱۰۵۷، ۱۱۳۴	۳۰۸۴
۱۱۴۸، ۱۱۵۴، ۱۱۵۶، ۱۲۶۹	کاوه ^۱ - جنگ بزرگ ۱۸۱ پ
۱۲۷۲، ۱۲۷۳، ۱۲۷۴، ۱۲۷۷	کاوه ^۲ - آوه
۱۲۸۶، ۱۳۶۸، ۱۳۹۵، ۱۳۹۶	گبزد - جنگ بزرگ ۷۶۰، ۹۶۴
۱۴۲۳، ۱۴۲۷، ۱۴۳۹، ۱۴۴۰	گتماره - گتماره
۱۴۴۴، ۱۴۶۷، ۱۴۴۶، ۱۴۷۷	کرسئون - کرسیون
۱۶۶۳، ۱۶۶۴، ۱۸۶۲، ۱۹۱۰	کرسنون - کرسیون
۲۱۴۶، ۲۳۷۰، ۲۳۸۰، ۲۳۸۲	کرسیوز - یازده رخ ۲۰ جنگ بزرگ ۳۲۹
۲۴۱۶، ۲۴۸۵، ۲۴۸۶، ۲۵۲۱ جنگ	۷۹۴، ۷۹۸، ۸۰۲، ۸۱۰، ۹۶۶
بزرگ ۷۵، ۹۱، ۱۱۴، ۲۳۳، ۲۴۸	۱۳۲۳، ۱۳۴۱، ۱۳۷۲، ۱۷۵۱
۲۴۹، ۳۳۹، ۴۱۲، ۴۲۴، ۴۹۵	۱۷۹۲، ۱۷۹۳، ۱۸۰۱، ۲۰۹۴
۴۹۶، ۵۸۷، ۶۳۴، ۶۴۳، ۶۵۷	۲۳۱۷، ۲۳۲۸، ۲۳۳۴، ۲۳۷۶
۶۷۶، ۷۱۰، ۷۱۵، ۷۱۹، ۷۶۱	کرسئون - یازده رخ ۲۰
۷۷۳، ۸۰۸، ۸۱۰، ۸۱۹، ۸۴۱	کرشیوز - کرسیوز (لن ^۲) و همه جا کرشیوز
۸۹۰، ۹۰۲، ۹۱۵، ۹۲۷، ۹۶۷	دارند
۹۸۳، ۱۰۲۳، ۱۰۲۸، ۱۰۳۷، ۱۰۹۵	کرشیون - کرسیون
۱۱۳۲، ۱۱۴۲، ۱۳۶۹، ۱۳۷۴	کروخان - جنگ بزرگ ۱۷۳

- جنگ بزرگ ۱۹۶۷، ۱۹۶۴، ۱۴۱۵، ۱۴۰۰، ۱۳۹۱، ۱۳۸۵
 ۲۷۸۴، ۲۶۲۸، ۲۴۹۰، ۹۶۹، ۱۳۷، ۱۵۰۷، ۱۴۴۱، ۱۴۳۶، ۱۴۳۰
 ۲۷۸۸، ۲۹۱۵ پ ۱۵۵۳، ۱۵۲۸، ۱۵۲۲، ۱۵۰۸
 گروی (- زره) - یازده رخ ۱۸۱۷، ۱۸۵۷، ۱۶۴۵، ۱۵۹۰، ۱۵۷۰، ۱۵۵۹
 ۲۴۲۱، ۲۳۸۳، ۲۰۷۴، ۱۸۶۳، ۱۸۴۱، ۱۷۱۲، ۱۶۷۴، ۱۶۶۰
 ۲۰۹۷، ۲۰۹۴، ۲۴۲۸، ۲۰۶۳، ۲۰۲۷، ۱۹۸۹، ۱۸۹۶
 گزدهم - یازده رخ ۸۱، ۳۰۹، ۲۱۸۹، ۲۰۹۸، ۲۰۸۸، ۲۰۸۶
 گستههم^۱ (- گزدهم) - یازده رخ ۸۱، ۱۲۰، ۲۳۷۹، ۲۲۶۸، ۲۲۱۵، ۲۱۹۸
 ۱۶۰۴، ۱۶۰۱، ۱۵۳۲، ۴۷۸، ۳۰۸، ۲۴۲۵، ۲۴۱۸، ۲۳۹۵، ۲۳۸۸
 ۱۷۲۴، ۱۷۲۰، ۱۷۱۷، ۱۶۰۵، ۲۶۱۷، ۲۶۱۳، ۲۵۴۷، ۲۴۸۳
 ۲۱۹۱، ۲۱۸۶، ۲۱۸۴، ۲۱۷۵، ۲۷۶۶، ۲۷۲۱، ۲۶۸۷، ۲۶۵۶
 ۲۲۱۲، ۲۲۰۵، ۲۲۰۰، ۲۱۹۳، ۲۸۱۲، ۲۷۷۸، ۲۷۶۹، ۲۷۶۷
 ۲۲۴۵، ۲۲۲۸، ۲۲۱۷، ۲۲۱۳، ۲۸۹۹، ۲۸۷۵، ۲۸۷۱، ۲۸۴۲
 ۲۲۸۸، ۲۲۸۶، ۲۲۸۳، ۲۲۷۱، ۳۰۵۴، ۳۰۳۷، ۳۰۰۷، ۲۹۴۱
 ۲۲۹۹، ۲۲۹۷، ۲۲۹۲، ۲۲۸۹، ۳۱۰۳، ۳۰۸۰، ۳۰۶۱، ۳۰۵۸
 ۲۳۶۱، ۲۳۵۴، ۲۳۳۵، ۲۳۰۴، ۳۱۳۹، ۳۱۳۳، ۳۱۰۸
 ۲۴۸۹، ۲۴۸۸، ۲۴۸۴، ۲۳۶۴، کيقباد - یازده رخ ۵۱۱، ۱۲۴۳ جنگ بزرگ
 ۲۵۰۱، ۲۴۹۴، ۲۴۹۲، ۲۴۹۰، ۲۶۳۵، ۱۱۵۵، ۵۵۰، ۱۷۳، ۱۳۳
 ۲۵۱۶، ۲۵۱۱، ۲۵۰۵، ۲۵۰۲، ۲۹۰۱، ۲۸۸۱
 ۲۵۱۷ جنگ بزرگ ۱۹۱، ۹۶۹، کيماره - گتماره
 ۲۶۶ جنگ بزرگ ۲۶۶، گتماره (- قارنان) - یازده رخ ۳۲۴، ۱۷۱۴
 ۱۰۲۹، ۱۰۰۱، ۹۱۸، ۷۱۷، ۳۴۱، گراز - گرازه
 ۲۱۰۹، ۲۱۰۵، ۱۸۴۶، ۱۲۸۲، گرازه (- گيوگان) - یازده رخ ۱۲۱، ۳۰۲
 ۲۷۸۵، ۲۶۲۸، ۲۱۳۱، ۲۱۳۰، ۱۵۹۸، ۱۵۹۶، ۱۵۹۴، ۱۵۳۲، ۵۰۵
 ۳۰۳۵، ۳۰۰۹، (گراز)، ۱۸۷۸، ۱۸۷۲، ۱۸۲۱، ۱۸۸۰
 گلباد (- ويسه) - یازده رخ ۳۴۲، ۱۸۱۹، گردگیر - جنگ بزرگ ۳۲۲
 ۱۸۵۴، ۱۸۵۰، گرگين (- ميلاد) - یازده رخ ۸۱، ۱۲۰
 ۷۴۷، گودرز (- كشواد، - كشوادگان) - یازده رخ، ۱۹۵۹، ۱۸۲۲، ۱۵۱۸، ۳۱۲، ۲۳۲
 ۱۴۱، ۱۲۵، ۱۲۴، ۱۲۳، ۱۱۹، ۸۰

۳۱۲۰، ۳۱۱۹	،۲۵۳ ،۲۳۲ ،۲۲۶ ،۲۱۱ ،۱۴۵
گیو (- گودرز، - آزادگان) - یازده رخ ۳۵،	،۳۲۶ ،۳۱۸ ،۲۸۰ ،۲۶۷ ،۲۵۷
،۲۲۱ ،۲۱۵ ،۲۱۰ ،۱۴۸ ،۱۲۱ ،۸۰	،۴۲۱ ،۳۹۸ ،۳۷۵ ،۳۶۸ ،۳۶۰
،۲۵۲ ،۲۵۰ ،۲۴۹ ،۲۳۹ ،۲۳۲	،۵۲۲ ،۵۱۲ ،۴۹۱ ،۴۶۷ ،۴۵۵
،۳۱۲ ،۳۱۰ ،۲۶۶ ،۲۶۰ ،۲۵۷	،۵۸۰ ،۵۵۰ ،۵۴۳ ،۵۴۲ ،۵۳۵
،۶۳۶ ،۶۱۲ ،۶۰۲ ،۵۲۶ ،۳۸۵	،۶۲۱ ،۶۱۳ ،۶۰۳ ،۵۹۲ ،۵۸۲
،۶۶۵ ،۶۶۲ ،۶۶۰ ،۶۵۴ ،۶۳۸	،۸۶۳ ،۶۸۶ ،۶۷۸ ،۶۶۹ ،۶۵۳
،۹۴۳ ،۸۵۳ ،۷۵۱ ،۷۳۰ ،۶۸۶	،۱۱۱۲ ،۱۰۸۲ ،۱۰۷۱ ،۹۷۸ ،۸۸۶
،۱۵۱۰ ،۱۵۰۸ ،۱۳۸۲ ،۱۲۳۲ ،۹۴۴	،۱۲۰۲ ،۱۲۰۱ ،۱۱۹۷ ،۱۱۹۲
،۱۵۵۴ ،۱۵۴۶ ،۱۵۴۳ ،۱۵۱۴	،۱۳۳۸ ،۱۳۳۶ ،۱۳۳۰ ،۱۲۰۹
،۱۵۶۲ ،۱۵۵۷ ،۱۵۵۶ ،۱۵۵۵	،۱۴۵۴ ،۱۴۴۴ ،۱۳۷۳ ،۱۳۴۸
،۱۵۷۶ ،۱۵۷۵ ،۱۵۷۳ ،۱۵۷۲	،۱۵۶۰ ،۱۵۰۶ ،۱۵۰۲ ،۱۴۸۱
،۱۵۸۴ ،۱۵۸۳ ،۱۵۷۹ ،۱۵۷۸	،۱۷۱۰ ،۱۶۳۴ ،۱۶۲۸ ،۱۶۲۳
،۱۶۶۱ ،۱۶۲۸ ،۱۵۹۴ ،۱۵۹۰	،۱۷۹۸ ،۱۷۸۲ ،۱۷۵۷ ،۱۷۳۶
،۱۸۵۷ ،۱۸۱۷ ،۱۸۱۶ ،۱۶۸۲	،۱۹۲۸ ،۱۸۵۷ ،۱۸۳۴ ،۱۸۲۷
،۲۲۲۷ ،۱۸۶۴ ،۱۸۶۳ ،۱۸۶۱	،۲۰۱۸ ،۲۰۰۴ ،۲۰۰۳ ،۱۹۹۷
جنگ ۲۳۸۳ ،۲۲۵۶ ،۲۲۴۹ ،۲۲۲۹	،۲۰۴۴ ،۲۰۳۳ ،۲۰۳۱ ،۲۰۲۳
بزرگ ۱۸۶ ،۱۸۴ ،۱۸۲ ،۱۸۱ ،۱۸۰	،۲۱۴۹ ،۲۱۲۵ ،۲۱۰۹ ،۲۱۰۴
،۱۶۲۴ ،۱۵۷۵ ،۱۵۰۹ ،۹۷۲ ،۳۴۹	،۲۲۰۲ ،۲۱۹۴ ،۲۱۸۰ ،۲۱۷۰
،۱۷۶۹ ،۱۷۶۵ ،۱۷۵۲ ،۱۶۴۶	،۲۳۷۶ ،۲۲۲۱ ،۲۲۱۰ ،۲۲۰۷
،۱۷۸۹ ،۱۷۸۳ ،۱۷۷۷ ،۱۷۷۳	،۲۴۱۰ ،۲۴۰۸ ،۲۳۸۹ ،۲۳۸۰
،۱۸۴۰ ،۱۸۲۲ ،۱۸۲۱ ،۱۸۱۷	،۱۴۴ ،۱۱۰ جنگ بزرگ
،۲۱۰۴ ،۲۰۶۴ ،۲۰۶۰ ،۱۹۹۵	،۹۶۸ ،۷۷۶ ،۴۳۲ ،۳۴۹ ،۱۴۶
،۲۵۴۹ ،۲۵۳۴ ،۲۴۹۰ ،۲۲۷۲	،۱۵۱۱ ،۱۵۰۹ ،۱۲۸۲ ،۱۱۱۲
،۲۸۳۶ ،۲۷۸۸ ،۲۷۸۴ ،۲۷۷۴	،۲۲۹۴ ،۲۲۷۲ ،۱۶۴۶ ،۱۶۲۴
،۲۸۹۵ ،۲۸۸۸ ،۲۸۸۴ ،۲۸۴۲	،۲۶۱۲ ،۲۵۴۹ ،۲۵۳۱ ،۲۴۹۰
۳۱۲۰ ،۳۰۶۷ ،۳۰۳۵ ،۳۰۰۹	،۲۷۸۸ ،۲۷۸۴ ،۲۷۷۴ ،۲۶۲۷
گیوه - جنگ بزرگ ۱۳۱	،۲۸۵۶ ،۲۸۴۰ ،۲۸۳۶ ،۲۸۲۱
لشکرستان - جنگ بزرگ ۱۶۹	،۲۸۹۹ ،۲۸۹۷ ،۲۸۹۴ ،۲۸۷۹
	،۳۰۸۳ ،۳۰۷۶ ،۳۰۳۴ ،۳۰۰۹

- لَهَاک - یازده رخ ۳۴۰، ۱۲۷۴، ۱۴۹۳، ۱۴۹۸، ۱۵۰۳، ۱۵۶۴، ۱۵۷۲، ۱۵۷۳، ۱۵۷۷، ۱۵۸۳، ۱۵۸۷، ۱۷۷۳، ۲۰۹۳، ۲۱۱۴، ۲۱۱۷، ۲۱۵۵، ۲۱۷۰، ۲۱۸۲، ۲۱۹۱، ۲۱۹۳، ۲۲۶۹، ۲۲۷۳، ۲۲۷۴، ۲۲۹۴، ۲۳۵۸، ۲۴۸۳، ۲۴۸۸ جنگ بزرگ ۲۳۱، ۲۴۱، ۳۹۴، ۴۲۸
- لَهْرَاسِپ - یازده رخ ۱۱۳، ۹۵۶، ۱۰۲۶، ۱۰۳۳، ۱۱۴۷، ۱۲۷۹ جنگ بزرگ ۱۰۵، ۲۹۱۷، ۲۹۱۸، ۲۹۲۱، ۲۹۲۹، ۲۹۳۳، ۲۹۴۰، ۲۹۴۶، ۲۹۵۴، ۲۹۵۶، ۲۹۸۸، ۲۹۸۹، ۲۹۹۳، ۳۰۰۱، ۳۰۰۶، ۳۰۹۸، ۳۱۰۱، ۳۱۳۳، ۳۱۳۴
- مَهِ آفَرِید - جنگ بزرگ ۲۹۸۵
- مَحْمَد - جنگ بزرگ ۳۱۴۱ پ
- مَحْمود - جنگ بزرگ ۲۱، ۶۰
- مَشْکَان - جنگ بزرگ ۱۸۴
- مَنوچَهْر^۱ - یازده رخ ۲۴، ۱۱۳۲، ۱۲۴۳، ۱۳۷۴ جنگ بزرگ ۱۲۴۶، ۲۶۳۵، ۲۸۸۱، ۲۶۵۸
- مَنوچَهْر^۲ (- آرش) - جنگ بزرگ ۱۷۲، ۱۷۱، ۷۸۸، ۱۷۶
- مَنوچَهْر^۳ - جنگ بزرگ ۱۳۴ پ
- مَنوشَان - جنگ بزرگ ۱۲۳، ۱۲۴، ۷۷۲، ۷۷۷، ۹۶۸، ۱۱۴۱
- نَسْتَوَه^۱ - جنگ بزرگ ۱۶۸
- نَسْتَوَه^۲ - جنگ بزرگ ۳۲۵
- نَسْتِیَهَن - یازده رخ ۸۷۵، ۸۸۱، ۸۸۴، ۹۰۲، ۹۰۵، ۹۱۶، ۹۱۸، ۹۲۷، ۹۴۷، ۱۰۴۶، ۱۳۵۴، ۱۳۸۶
- نَصْر - جنگ بزرگ ۲۷ پ
- نَوذَر - یازده رخ ۱۲۴۳ جنگ بزرگ ۱۲۴۹، ۱۸۲۹، ۲۲۵۹، ۲۳۵۴
- وَسْمَه - دشمه
- وَشْمَه - دشمه
- وِیْسَه - یازده رخ ۲۱۰۷
- وِیْشَه - دشمه
- هَجِیر - یازده رخ ۳۲۴، ۹۶۰، ۹۷۳، ۹۷۶، ۹۷۷، ۹۸۲، ۹۸۶، ۹۸۹، ۱۰۵۷، ۱۰۷۳، ۱۰۸۸، ۱۵۰۷، ۱۵۱۲، ۱۵۳۲، ۱۶۰۶، ۱۸۲۶، ۱۹۲۶، ۱۹۳۱، ۱۹۳۵ جنگ بزرگ ۱۴۴، ۹۶۹
- هوشَنگ (بنداری همه جا اوشهنج دارد) - یازده رخ ۲۴۹۹ جنگ بزرگ ۲۶۸۳، ۲۷۹۷، ۲۹۴۷
- هوم - جنگ بزرگ ۲۲۳۴، ۲۲۴۳، ۲۲۵۴، ۲۲۵۷، ۲۲۶۷، ۲۲۶۹، ۲۲۷۴، ۲۲۸۰، ۲۳۰۰، ۲۳۰۲، ۲۳۰۴
- هومان (- ویسه) - یازده رخ ۳۳۷، ۴۰۵، ۴۴۰، ۴۴۹، ۴۵۳، ۴۵۵، ۴۶۲، ۴۶۶، ۴۶۹، ۴۷۱، ۴۷۲، ۴۹۲، ۵۱۸، ۵۴۲، ۵۵۷، ۵۶۴، ۵۷۴، ۵۸۳، ۵۸۹، ۵۹۲، ۵۹۷، ۶۲۰

،۸۶۳ ،۸۷۲ ،۸۷۹ ،۹۲۶ ،۹۴۷

،۱۰۴۶ ،۱۳۵۳ ،۱۳۸۰ ،۱۳۸۲

،۱۶۸۹، ۲۱۹۹ جنگ بزرگ ۳۹۷

،۶۴۳ ،۶۵۱ ،۶۵۷ ،۶۹۴ ،۷۰۰

،۷۰۳ ،۷۱۶ ،۷۲۸ ،۷۴۵ ،۷۵۱

،۷۵۶ ،۸۰۳ ،۸۰۶ ،۸۱۲ ،۸۲۴

،۸۲۹ ،۸۳۲ ،۸۳۹ ،۸۴۱ ،۸۶۱

فهرست نام جای‌ها

اندراب - یازده رخ ۱۱۳۶	آذربابادگان - جنگ بزرگ ۲۲۱۹
ایران - یازده رخ ۲۴، ۲۵، ۳۱، ۵۴، ۶۰،	آذرگشسپ (آتشکده، ایزد آتش) - یازده رخ
۶۳، ۶۸، ۷۵، ۷۹، ۱۲۰، ۱۵۶،	۱۸۸۰ جنگ بزرگ ۱۳۸، ۶۷۱،
۱۶۶، ۱۹۹، ۲۱۳، ۲۲۴، ۲۲۶،	۲۲۰۴، ۲۲۹۸، ۲۳۸۸،
۲۳۳، ۲۳۴، ۲۸۶، ۳۴۶، ۴۰۸،	۳۰۲۱، ۲۴۹۴، ۲۴۰۲
۴۴۱، ۴۴۷، ۴۵۷، ۴۷۴، ۴۹۸،	آموی - یازده رخ ۳۴، ۱۱۴۰ جنگ بزرگ
۵۳۸، ۵۷۸، ۷۵۸، ۸۴۰، ۸۴۹،	۲۸۴، ۲۸۵، ۸۱۱، ۸۳۶، ۱۲۶۲
۸۷۱، ۸۸۴، ۸۸۷، ۹۱۵، ۹۳۱،	
۹۳۵، ۹۵۱، ۹۷۱، ۱۰۴۷، ۱۰۶۹،	آبرشهر - یازده رخ ۱۵۱۵
۱۱۰۵، ۱۱۱۸، ۱۱۲۹، ۱۱۳۳،	اردبیل - جنگ بزرگ ۱۴۵، ۹۱۶
۱۱۳۵، ۱۱۳۷، ۱۱۷۳، ۱۱۸۵،	اردویل ← اردبیل
۱۲۳۲، ۱۲۴۴، ۱۲۴۷، ۱۲۶۵،	ارمان - جنگ بزرگ ۷۴۶
۱۲۷۵، ۱۲۷۶، ۱۳۷۲، ۱۳۷۴،	اسپروز (کوه) - جنگ بزرگ ۱۶۹۸
۱۳۷۹، ۱۳۸۱، ۱۳۹۸، ۱۴۰۰،	اصفهان (بنداری همه جا اصفهان = اسپهان
۱۴۱۹، ۱۴۲۳، ۱۴۴۵، ۱۴۶۴،	دارد) - یازده رخ ۲۴۳۳ جنگ بزرگ
۱۴۷۷، ۱۵۰۴، ۱۵۲۳، ۱۶۰۱،	۲۸۹۱
۱۶۱۱، ۱۶۵۹، ۱۶۶۰، ۱۶۶۱،	آلانان - یازده رخ ۱۱۳، ۱۰۳۴، ۱۱۴۷،
۱۶۶۵، ۱۶۸۱، ۱۷۴۹، ۱۸۰۳،	جنگ بزرگ ۲۹۳۵

بخارا - یازده رخ ۱۱۴۰ پ، ۱۱۴۱ جنگ	۱۸۱۳، ۱۸۱۶، ۱۸۳۲، ۱۸۸۵
بزرگ ۲۷۹، ۸۸۰، ۲۱۴۳	۱۹۸۷، ۲۱۰۸، ۲۱۳۹، ۲۱۵۳
بدخشان - یازده رخ ۱۱۳۹ جنگ بزرگ	۲۱۶۰، ۲۱۷۲، ۲۲۶۰، ۲۲۷۹
۹۹۹	۲۳۱۲، ۲۴۰۰، ۲۴۵۶، ۲۴۸۰
بربرستان - جنگ بزرگ ۱۶۹، ۲۵۴۴ پ	۲۴۸۱، ۲۵۰۳ جنگ بزرگ ۵۶
بردع - جنگ بزرگ ۱۴۵، ۹۱۶، ۲۲۲۳	۲۳۰، ۲۵۴، ۳۴۰، ۳۴۳، ۳۷۹
بردگرد - یازده رخ ۱۱۴۰ پ	۳۸۳، ۴۴۳، ۴۸۱، ۴۸۲، ۴۹۴
برم - یازده رخ ۱۱۴۰	۵۰۷، ۵۰۸، ۵۱۱، ۵۱۲، ۵۱۹
برین - یازده رخ ۱۰۸	۵۲۰، ۵۲۴، ۵۲۶، ۵۳۴، ۵۴۰
بشن ← پشن	۵۵۲، ۵۵۷، ۵۶۵، ۵۹۲، ۶۱۵
بغداد - یازده رخ ۲۵۰۳ جنگ بزرگ ۱۵۱	۶۱۸، ۶۴۸، ۷۰۱، ۷۲۹، ۷۴۵
۱۶۲، ۲۱۶۰	۷۷۵، ۷۷۶، ۷۸۹، ۸۵۱، ۸۵۹
بلخ - یازده رخ ۲۱۰، ۲۱۲، ۲۱۵، ۱۱۳۶	۸۶۶، ۹۱۲، ۱۰۹۸، ۱۲۴۱، ۱۳۳۷
جنگ بزرگ ۲۶۵، ۳۴۱، ۲۱۴۹	۱۳۳۸، ۱۴۵۱، ۱۵۴۰، ۱۵۴۲
۲۱۵۰	۱۵۵۲، ۱۶۶۵، ۱۶۷۱، ۱۶۷۶
بهشت کنگ - جنگ بزرگ ۸۹۲، ۸۹۶	۱۷۳۳، ۱۷۶۱، ۱۷۷۹
۸۹۷، ۹۵۱، ۹۵۳، ۹۵۸، ۱۰۵۰	۱۷۸۳، ۱۷۸۴، ۱۸۰۶، ۱۸۷۲
۱۰۵۵، ۱۰۶۱، ۱۱۷۷، ۱۴۸۴	۱۸۹۶، ۱۸۹۸، ۱۹۴۰، ۱۹۷۱
۱۶۷۵، ۱۶۸۷، ۲۱۱۰، ۲۱۲۸	۲۰۳۹، ۲۰۴۰، ۲۰۴۳، ۲۰۹۵
۲۱۲۹	۲۱۰۶، ۲۳۸۰، ۲۴۸۵، ۲۵۳۵
بیستون (کوه) - جنگ بزرگ ۹۵۹	۲۵۴۶، ۲۵۵۰، ۲۵۵۶، ۲۶۴۵
بیکند - جنگ بزرگ ۲۱۰، ۲۱۷، ۲۸۱	۲۶۴۶، ۲۷۰۳، ۲۷۰۸، ۲۷۲۴
پارس - جنگ بزرگ ۱۲۴، ۲۱۶۱، ۲۴۰۵	۲۷۳۹، ۲۷۵۰، ۲۷۶۸، ۲۸۱۲
پاریاب - یازده رخ ۱۱۳۵	۲۸۲۴، ۲۸۲۵، ۲۸۵۴، ۲۸۸۶
پشن - یازده رخ ۵۴۴، ۶۴۹، ۱۶۶۹ جنگ	۲۹۲۱، ۲۹۳۴، ۲۹۶۴، ۲۹۹۹
بزرگ ۱۲۵۹	۳۰۰۸، ۳۰۲۰، ۳۰۵۰
پنجهیر - یازده رخ ۱۱۳۷	ایلمان - یازده رخ ۱۰۷ پ
پیروزگرد - یازده رخ ۱۱۴۱ پ	پاریاب ← پاریاب
	بامیان - یازده رخ ۱۱۳۷

تیز - جنگ بزرگ ۱۹۰۸، ۱۹۴۲، ۱۹۴۳،

۲۰۷۸

چاج ← چاج

جدد ← جرد

جرجان ← گرگان

جزد - جنگ بزرگ ۱۹۷۹

جیحون - یازده رخ ۳۳، ۶۴، ۶۵، ۲۲۰،

۲۲۱، ۸۷۵، ۸۸۱، ۹۵۱، ۱۰۲۳،

۱۰۳۵، ۱۴۴۳ جنگ بزرگ ۲۵۰،

۲۶۸، ۲۷۴، ۲۸۱، ۲۸۴، ۲۹۲،

۳۳۸، ۷۸۱، ۸۳۵، ۸۷۵، ۸۸۷،

۱۰۲۲، ۲۱۴۹

چیخت ← دریای چیخت

جیلان - یازده رخ ۱۱۴۰ پ

چاج - یازده رخ ۲۰۰ جنگ بزرگ ۲۰۵،

۸۸۹، ۹۱۲، ۲۱۴۱

چگل - جنگ بزرگ ۳۱۴

چیخت ← دریای چیخت

چین - یازده رخ ۳۰، ۴۳، ۵۳، ۸۲۵،

۱۰۲۳، ۱۴۱۹، ۲۵۰۳ جنگ بزرگ

۵۶، ۲۱۱، ۵۱۴، ۵۸۵، ۸۴۸،

۱۰۲۸، ۱۰۶۸، ۱۰۷۱، ۱۰۷۴،

۱۱۵۶، ۱۱۸۶، ۱۲۰۰، ۱۲۸۷،

۱۴۹۶، ۱۴۹۷، ۱۴۹۸، ۱۵۰۰،

۱۵۰۷، ۱۵۳۲، ۱۵۴۲، ۱۶۶۱،

۱۶۷۶، ۱۶۸۲، ۱۶۸۵، ۱۶۸۷،

۱۶۹۴، ۱۷۱۸، ۱۷۱۹، ۱۷۶۷،

۱۸۱۱، ۱۸۴۷، ۱۸۵۵، ۱۸۶۱،

ترمد - یازده رخ ۱۱۴۱

تور - توران

توران - یازده رخ ۲۴، ۶۰، ۶۹، ۱۱۵،

۱۲۲، ۱۲۹، ۱۵۴، ۲۰۰، ۲۸۰،

۳۱۷، ۳۵۰ (تور)، ۵۰۲، ۵۲۶، ۵۸۶،

(تور)، ۵۹۱، ۶۳۰، ۷۲۱، ۷۲۲،

۸۲۶، ۷۵۸ (تور)، ۸۳۶ (تور)، ۸۴۴،

۸۴۷، ۸۹۹، ۹۰۰ (تور)، ۹۱۳، ۹۱۸،

۹۳۷، ۹۴۸، ۱۰۱۱، ۱۰۲۵، ۱۱۱۸،

۱۱۸۲، ۱۲۵۱، ۱۲۶۸، ۱۲۷۰،

۱۳۶۲، ۱۳۷۴، ۱۴۲۳، ۱۵۰۰،

۱۵۲۶، ۱۵۳۳، ۱۵۹۳، ۱۶۰۲،

۱۶۰۳، ۱۶۱۱، ۱۶۲۹، ۱۶۶۱،

۱۶۷۳، ۱۶۸۹، ۱۷۰۵، ۱۷۳۰،

۱۷۳۲، ۱۷۳۳، ۱۷۷۴، ۱۷۷۷،

۱۷۸۱، ۱۷۸۴، ۱۷۹۴، ۱۸۱۰،

۱۸۱۲، ۱۸۳۲ (تور)، ۱۸۳۹، ۱۸۷۲،

۱۹۵۹، ۱۹۸۶، ۱۹۸۷، ۲۰۹۷،

۲۱۱۵، ۲۱۲۷، ۲۱۴۲، ۲۱۷۲،

۲۱۷۶، ۲۱۹۸، ۲۲۲۸، ۲۳۱۳،

۲۳۹۰، ۲۴۱۰، ۲۴۳۵، ۲۴۴۲ جنگ

بزرگ ۵۶، ۲۲۳، ۲۵۴، ۳۷۹، ۴۰۱،

۴۷۳ (تور)، ۴۸۳، ۵۱۴، ۵۱۹،

۶۱۱، ۶۱۵، ۷۲۱، ۷۴۵، ۸۳۲،

۸۹۵، ۹۹۰، ۱۰۱۴، ۱۰۱۹، ۱۱۵۳،

۱۳۴۱، ۱۳۴۷، ۱۳۷۲، ۱۴۱۶،

۱۴۵۱، ۱۴۶۴، ۱۴۶۹، ۱۵۸۸،

۱۶۲۸، ۱۶۴۰، ۲۰۰۷، ۲۰۳۱،

۲۶۹۱، ۲۷۳۴، ۲۸۸۴

تیر - تیز

دریای کیماک - جنگ بزرگ ۱۱۹۳،	۱۸۸۳، ۱۸۸۴، ۱۸۹۶، ۱۸۹۸،
۱۷۱۸	۱۹۳۶، ۱۹۶۵، ۱۹۹۳، ۲۰۸۶،
دریای گیلان - جنگ بزرگ ۲۹۱	۲۰۹۱، ۲۱۳۲، ۲۱۳۶، ۲۲۳۸،
دریای نیل - یازده رخ ۲۰۷۸ جنگ بزرگ	۲۴۳۹
۱۴۸، ۷۷۱	
دشت آزادگان (ایران؟) - جنگ بزرگ	حدود ← جرد
۸۵۰	خزتلان - یازده رخ ۱۱۴۰ پ
دغوی ← دغوی	
دغوی - یازده رخ ۲۱۸۸، ۲۱۹۲	خاور - جنگ بزرگ ۱۳۲ پ، ۱۵۹
دمبر ← دمبر	ختلان - یازده رخ ۱۱۴۰
دمبر - جنگ بزرگ ۲۵۴۴، ۲۶۳۱، ۲۶۴۴	ختن - یازده رخ ۴۰، ۴۳، ۳۴۴ جنگ بزرگ
دهستان - یازده رخ ۱۰۴۳، ۱۰۶۲، ۱۲۸۳،	۱۴۹۶، ۱۵۰۲، ۱۵۰۵، ۱۵۱۷،
۱۴۴۱ جنگ بزرگ ۱۶۱، ۳۴۸،	۱۶۸۲، ۱۶۹۴، ۱۸۸۲
۱۸۹۹ پ	خراسان - جنگ بزرگ ۱۷۱، ۱۲۰۱،
دیبر ← دمبر	۲۹۱۲
دیبل ← دمبر	خزد ← جرد
دیلم - جنگ بزرگ ۱۵۵ پ	خزر - یازده رخ ۱۰۳۴ پ، ۱۲۷۹
دیور ← دمبر	خلج - یازده رخ ۱۸، ۱۰۳۲ پ جنگ بزرگ
	۲۰۷ پ، ۳۲۰
رای برین ← برین	خنجست ← دریای چیچست
رعوی ← دغوی	خوارزم - یازده رخ ۵۲، ۵۳، ۷۰، ۱۱۷،
رعوی ← دغوی	۱۱۸، ۱۰۳۱، ۱۰۶۲، ۱۲۸۳ جنگ
رم ← زم	بزرگ ۳۴۷، ۸۷۱، ۲۷۰۱
روم - یازده رخ ۹۲، ۲۵۰۳ جنگ بزرگ	
۱۶۹، ۱۰۵۷، ۱۲۸۷، ۲۴۳۹	دامغان - جنگ بزرگ ۲۱۵۸ پ
ری - جنگ بزرگ ۱۳۷، ۲۱۵۹، ۲۱۶۰،	داور - جنگ بزرگ ۱۳۲
۲۱۶۱	دریای چیچست - جنگ بزرگ ۲۲۷۱،
ریبد ← زبید	۲۲۷۶، ۲۲۹۳
	دریای چین - جنگ بزرگ ۱۸۳۱
زابیل ← زاول	دریای قلم - جنگ بزرگ ۱۵۴۴

- زابلستان ← زاولستان
 زاول - جنگ بزرگ ۲۵۵۴، ۲۵۵۶
 زاولستان - جنگ بزرگ ۱۴۱، ۲۵۳۷، ۲۵۴۵
 زره (دریا) - جنگ بزرگ ۱۷۰۰، ۱۷۱۵، ۱۷۲۰، ۱۷۶۸، ۱۹۶۴
 زم - یازده رخ ۱۱۴۰ جنگ بزرگ ۲۸۴، ۳۴۲، ۲۴۴۵
 زیبد - یازده رخ ۱۴۵، ۱۵۲، ۲۶۷، ۲۷۵، ۷۵۷، ۹۳۵، ۱۳۷۵، ۱۶۲۲، ۲۰۷۵، ۲۵۱۹، ۲۰۹۰
- زم - زم
 سبنا - جنگ بزرگ ۳۴۸
 سفد - یازده رخ ۱۱۴۲ جنگ بزرگ ۹۰۶، ۹۲۱، ۹۲۶، ۲۱۴۲
 سکنان - سکنان
 سمرقند - یازده رخ ۱۱۴۱ پ
 سمنگان - یازده رخ ۱۱۴۱ پ
 سنباد - سبنا
 سند - یازده رخ ۱۱۴۶ پ، ۱۲۸۰
 سنکان - سکنان
 سوس - جنگ بزرگ ۲۸۳۵
 سیاوخش گرد - جنگ بزرگ ۲۰۹۲
 سیاوش کرد - سیاوخش گرد
 سیستان - یازده رخ ۱۰۷ جنگ بزرگ ۲۵۵۰
- شاش - چاج (بنداری همه جا شاش دارد)
 شِکنان - یازده رخ ۱۱۴۱
- شکنان - شکنان
 شهروبر (?) - یازده رخ ۱۰۴۳
 طالقان - یازده رخ ۱۱۳۶ جنگ بزرگ ۲۱۵۳
 طراز - جنگ بزرگ ۱۴۱۲، ۱۴۹۲
 غرچگان - یازده رخ ۱۱۳۵ جنگ بزرگ ۱۷۵
 غزدز - یازده رخ ۱۱۳، ۱۰۳۴، ۱۱۴۷
 غزنی - غزنین
 غزنین - یازده رخ ۱۰۸
- فاریاب - فاریاب
 فَرَب - یازده رخ ۱۱۴۰ پ جنگ بزرگ ۸۶۶
 فَمّ الاسد - جنگ بزرگ ۱۹۷۹
- قاف (کوه) - یازده رخ ۱۱۴۸ جنگ بزرگ ۱۷۷
 قجقار - جنگ بزرگ ۲۱۳۰
 قفجار - قجقار
 قفجاق - قجقار
 قلزم - دریای قلزم
 قم - جنگ بزرگ ۲۸۹۱
 قندهار - یازده رخ ۱۱۴۶
 قَتّوج - یازده رخ ۱۱۴۶ پ جنگ بزرگ ۲۶۴۴، ۲۶۳۱، ۲۵۴۴
 قهستان - دهستان
 کابل - کاول

کوه بزرگ - کوس بزرگ	کابلستان - کاولستان
کهماک - دریای کیماک	کاسه رود - یازده رخ ۱۶۶۸
کیابد - گنابد	کاول - یازده رخ ۱۱۱، ۱۰۳۰، ۱۱۴۶
کیج - تیز	جنگ بزرگ ۱۲۹، ۲۵۵۴، ۲۷۸۳
کیماک - دریای کیماک	کاولستان - جنگ بزرگ ۲۵۳۷، ۲۵۴۵
کیمال - دریای کیماک	گرخ - جنگ بزرگ ۱۵۲، ۱۶۲
	کرکاج - گرگانج
گرگان - یازده رخ ۱۰۴۳	کرمان - جنگ بزرگ ۱۲۷
گرگانج - یازده رخ ۱۰۳۲	کروسان - کورستان
گل زریون - جنگ بزرگ ۲۰۷، ۸۹۱،	کروشان - کورستان
۸۹۴، ۸۹۵، ۹۴۴، ۹۵۹، ۱۴۸۱،	کشان - جنگ بزرگ ۲۰۷، ۹۲۶
۱۴۹۸	کشمیر - جنگ بزرگ ۱۱۱، ۱۰۳۰، ۱۱۴۶
گنابد - یازده رخ ۲۵۱، ۲۷۰، ۲۷۵، ۵۵۹،	کنابد - گنابد
۷۵۷، ۷۶۲، ۸۳۵، ۹۳۰، ۹۴۵،	کندز - جنگ بزرگ ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۵،
۱۳۷۲، ۱۶۲۲، ۲۰۸۲	۲۱۶، ۲۱۷، ۲۱۸
گوزگانان - یازده رخ ۱۱۳۸	کنگ (کوه) - جنگ بزرگ ۴۳۵، ۴۴۲ پ
گیل - جنگ بزرگ ۱۵۵ پ	کنگ (بهشت کنگ؟ کنگ دز؟) - جنگ
	بزرگ ۱۴۷۹، ۱۷۳۳، ۱۸۴۱، ۱۸۴۷،
لاون - یازده رخ ۳۷۰، ۵۴۵، ۱۶۶۹ پ،	۲۲۰۱
۲۲۴۴ جنگ بزرگ ۲۹۰۵	کنگ بهشت - بهشت کنگ
	کنگ دز - جنگ بزرگ ۱۱۹۴، ۱۲۷۸،
ماچین - جنگ بزرگ ۲۱۱، ۱۲۰۰،	۱۵۴۰، ۱۵۴۲، ۱۷۰۷، ۱۷۱۳،
۱۶۷۶، ۱۷۱۹، ۱۷۶۷، ۲۰۹۱	۲۰۰۴، ۲۰۰۶، ۲۰۰۸، ۲۰۱۱،
مازندران - یازده رخ ۱۵۹۳ جنگ بزرگ	۲۰۱۵، ۲۰۲۷، ۲۰۳۶، ۲۰۳۸،
۲۸۵۵، ۲۸۵۷، ۲۸۵۹، ۲۹۰۶	۲۰۶۵، ۲۱۸۴، ۲۳۰۶
مای - جنگ بزرگ ۲۵۴۴، ۲۶۴۴	کورسان - کورستان، یازده رخ ۱۱۴۵ پ
مرغ - جنگ بزرگ ۲۵۴۴، ۲۶۴۴	کورستان - جنگ بزرگ ۲۰۸، ۲۱۱
مرو - جنگ بزرگ ۱۲۴ پ	کورشان - کورستان
مرورود - جنگ بزرگ ۲۱۵۳	کوس بزرگ (?) - یازده رخ ۱۱۷
مکران - جنگ بزرگ ۱۲۷ پ، ۱۲۰۱،	کولجان - جنگ بزرگ ۱۵۱۷ پ

ویبل - دنبر	،۱۷۱۸ ،۱۷۱۹ ،۱۷۶۷ ،۱۸۲۹
ویسه گرد - یازده رخ ۲۱۲ پ، ۱۱۴۱	،۱۸۵۵ ،۱۸۶۹ ،۱۸۹۸ ،۱۸۹۹
ویشگرد - یازده رخ ۲۱۲	،۱۹۰۰ ،۱۹۰۸ ،۱۹۱۵ ،۱۹۱۶
	،۱۹۱۹ ،۱۹۲۲ ،۱۹۲۵ ،۱۹۳۱
هاماوران - جنگ بزرگ ۲۸۶۳ پ،	،۱۹۴۱ ،۱۹۴۲ ،۱۹۴۳ ،۱۹۵۴
۲۹۰۶ پ	،۱۹۵۷ ،۱۹۶۵ ،۱۹۹۳ ،۲۰۷۸
هماون (کوه) - جنگ بزرگ ۲۹۰۳	،۲۰۸۱ ،۲۰۸۵ ،۲۰۸۶ ،۲۱۳۲
هند - یازده رخ ۲۵۰۳ جنگ بزرگ ۵۶،	۲۱۳۶
۱۰۵۷ ، ۲۴۳۹	مولتان - یازده رخ ۱۱۳۹
هندوستان - یازده رخ ۱۰۷ ، ۱۱۴۶	مولیان - یازده رخ ۱۱۳۹ پ
هنگ افراسیاب - جنگ بزرگ ۲۲۲۶،	
۲۲۲۷ ، ۲۲۴۶ ، ۲۲۴۹ ، ۲۲۸۶،	نشابور - جنگ بزرگ ۲۱۵۶
۲۲۸۸ ، ۲۲۸۷	نیل - دریای نیل
	نیمروز - یازده رخ ۱۱۴۳ ، ۱۲۸۰ جنگ
یزدگرد - یازده رخ ۱۱۴۰ پ	بزرگ ۹۱۹ ، ۲۸۷۴ ، ۳۱۱۶
یمن - جنگ بزرگ ۱۲۸	
یونان - یازده رخ ۲۵۰۳ پ	واشجرد - ویشگرد

The old series of Persian Texts nos. 1-48 were published by Bongah-e Tarjama va Nashr-e Ketab. Tehran, 1959-77.

Library of Congress Cataloging-in-Publication Data

Firdawsī

Shāhnāmah.

(Majmū'ah-'i mutūn-i Fārsī; silsilah-'i nū, shumārah-'i 1)

(Persian Text Series; New Series, no. 1)

In Persian.

Includes intro. in English (v. 1)

Title on added t.p. (v.1): The Shahnameh (The Book of Kings).

Includes bibliographical references and indexes.

I. Khaleghi-Motlagh, Djalal. II. The Shahnameh.

III. The Book of Kings. IV. Title. V. Series.

PK6455.A1 1987

89'.5511

87-30927

Copyright © 1994 by Djalal Khaleghi-Motlagh.

All rights reserved. Except for brief passages quoted for criticisms, no part of this publication may be reproduced or transmitted in any form or by any means, electronic or mechanical, including photocopying, or any information storage and retrieval system, without permission from the publisher. For information, address Mazda Publishers, P. O. Box 2603, Costa Mesa, California 92626 U.S.A.

ISBN:0-88706-770-0 (Vol. 1)

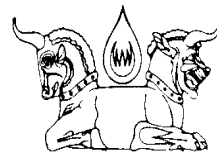
ISBN:0-939214-65-2 (Vol. 2)

ISBN:0-939214-86-5 (Vol. 3)

ISBN:1-56859-018-0 (Vol. 4)

10 9 8 7 6 5 4 3 2 1

Published by Mazda Publishers in association with the Persian Heritage Foundation under the imprint of Bibliotheca Persica.



انتشارات مزدا



Persian Text Series
General Editor, Ehsan Yarshater
New Series, no. 1

Abu'l-Qasem Ferdowsi

THE SHAHNAMEH
(The Book of Kings)

Edited by
Djalal Khaleghi-Motlagh

Volume 4

Mazda Publishers
In Association With
Bibliotheca Persica
Costa Mesa, California and New York